

اشرافیرسان

نزدیکستہ امام احمد رضا خان قادری
دہلی (پاکستان)

جلد سوم

دایوبنی بادی قروشی شیون قادی

پاپ بوم

نیز نظر

دکتر محمد رضا خان



آل انجمن اسلامیہ دہلی

۱۳۸۲

فهرست منابع و مآخذ



در این مجلد علاوه بر استفاده از مآخذ مجلد اول و دوم، از کتابهای زیر نیز بهره گرفته شده است:

- ۱- احوال و آثار حضرت آیت الله سجد (ره)، محمود سعید تهرانی، کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۲- احوال و آثار عین القضاة، رحیم فرمنش، تهران، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۸ ش.
- ۳- احوال و اشعار رودکی، عبدالله نعمه، تهران، کتابخانه توفی، بی تا.
- ۴- ارشادالقلوب و اعلامالدين فی صفات المؤمنین، ابو محمد حسن بن ابی حسن دیلمی، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- ۵- از کوچه زندان، عبدالحسین زرین کوب، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹ ش.
- ۶- القاب و رجال دوره قاجاریه، کریم سلیمانی، با مقدمه ایرج افشار، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
- ۷- انساب خاندانهای مردم ناین، سید عبدالحجّه بلاخی، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۹ ش.
- ۸- یاد بود استاد روزبه، علی مدرسی، انتشارات دبیرستان هروی، ۱۳۵۲ ش.
- ۹- پارسی سرایان کشمیر، ل. تبکو، تهران، انجمن ایران و هند، ۱۳۴۲ ش.
- ۱۰- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، به کوشش زاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۷۷ ش، چاپ دوم.

- ۱۱- تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۲۵ ش.
- ۱۲- تاریخ زنجان، ابراهیم زنجانی موسوی، تهران، کتابفروشی مصطفوی - بوذرجمهری، بی تا.
- ۱۳- تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، عبدالرفیع حقیقت، تهران، کوشش، ۱۳۷۲ ش، چاپ دوم.
- ۱۴- تاریخ منتظم ناصری، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۵- تاریخ یزد، جعفر بن محمد جعفری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳ ش.
- ۱۶- تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، حسن صدر، عراق، مرکز النشر والطباعة العراقية المحدودة، بی تا.
- ۱۷- نرانه‌های خیام، صادق هدایت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹ ش، چاپ سوم.
- ۱۸- نریت پاکان قم، عبدالحسین جواهرکلام، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۹- حقائق السحر فی دقائق الشعر، رشیدالدین وطواط، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، کتابخانه بارانی، ۱۳۳۹ ش.
- ۲۰- دهخدای شاعر، ولی الله درودیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، چاپ سوم.
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات جاترا دهخدا، ۱۳۶۲ ش.
- ۲۲- دیوان حکیم محمدتقی انوری ایروندی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷ و ۱۳۴۰ ش، ۲ جلد.
- ۲۳- دیوان رشیدالدین وطواط، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، کتابخانه بارانی، ۱۳۳۹ ش.
- ۲۴- دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح رشید یاسمی، تهران، پیروز، ۱۳۳۹.
- ۲۵- رجال عصر مشروطیت، سید ابوالحسن علوی، به کوشش حبیب بهمای، بازخوانی و تجدید چاپ به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول.
- ۲۶- رساله‌های حضرت سید نورالدین شاه نعمت‌الله ولی قدس سره، جواد نوربخش، تهران، خاتناه نعمت‌اللهی، ۱۳۵۵ ش.
- ۲۷- رمز نیکبختی، احمد حسینی روحانی، ترجمه ابوالقاسم دانش آشتیانی، قم، مطبعة العلمیه، ۱۳۳۸ ش.
- ۲۸- روزنهان نامه، محمدتقی دانش پزوه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷ ش.
- ۲۹- ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، مهدی پرتوی آملی، تهران، سنایی، ۱۳۶۵ ش، ۲ جلد.
- ۳۰- زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مرحوم شیخ حسینعلی راشد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۱- سرالتعاده، احمد حسینی روحانی، قم، مطبعة العلمیه، ۱۳۳۸ ش.
- ۳۲- سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگستان، بی جا، بی تا، بی تا.
- ۳۳- سلمان پاک و نخستین شکوفه‌های معنویت اسلام، لویی ماسینیون، با دو مقدمه از پرفسور کریین و بدوی، ترجمه علی شریعتی، مشهد، طوس، بی تا.
- ۳۴- سلمان الفارسی، عبدالله سینی، بیروت، دارالانوار للمطبوعات و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۷۸ م، چاپ سوم.

۳۵. سلمان الفارسی فی مواجهة التحدى، جعفر مرتضى عاملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، چاپ اول.
۳۶. سیری در تصوف، نورالدین مدرسی چهاردهی، تهران، اشراقی، ۱۳۶۱ ش، چاپ دوم.
۳۷. شاعران کور، علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۴۳ ش.
۳۸. شاه نعمت الله ولی کرمانی، عبدالرزاق کرمانی، تصحیح و مقدمه ژان اوبن، تهران، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۶۱ ش.
۳۹. شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی، سید جعفر شهیدی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷ ش.
۴۰. شمس قهریزی، محمد علی موحدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ ش.
۴۱. صد سال داستان نویسی ایران، حسن میرعبدینی، تهران، نشر چشمه، چاپ اول، ۳ جلد در دو مجلد.
۴۲. طبقات سلاطین اسلام، استانلی لین پل، ترجمه عباس اقبال، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش، چاپ دوم.
۴۳. طبقات الحفاظ، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۴۴. عین القضاة و استادان او، نصرالله پورجوادی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.
۴۵. فرار از مدرسه، عبدالحسین زرین کوب، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۴۶. فرهنگ فیلم های سینمای ایران، جمال امید، تهران، نگاه، ۱۳۷۲ ش، چاپ چهارم، ۲ جلد.
۴۷. چهارم اعیان الشیعه، حامد علی حسینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴۸. فیض گل، علی مدرسی، ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت استاد رضا روزبه و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان، ۱۳۷۷ ش، چاپ اول.
۴۹. فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی، مهدی محقق، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹ ش.
۵۰. فیه مایه، جلال الدین محمد مولوی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ ش.
۵۱. قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، هفتاد بحث و تحقیق قرآنی، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲ ش، چاپ اول.
۵۲. قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ ش.
۵۳. کلیات چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، تصحیح و مقدمه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لیدن، ۱۹۰۹ م، افست، تهران، اشراقی، بی تا.
۵۴. مآثر الامراء، نواب صمصام الدوله شاه نوازخان، تصحیح مولوی عبدالرحیم و مولوی میرزا اشرف علی، کلکته، بی تا، ۱۸۹۰ م، ۲ جلد.
۵۵. مبانی عرفان و احوال عارفان، علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.
۵۶. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۲ ش، ۲ جلد.
۵۷. مطلع الشمس، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، زیر نظر مجید رهنما، تهران، سازمان خدمات اجتماعی، ۱۳۵۵ ش، چاپ افست، ۳ جلد.
۵۸. مفاتیح العلوم، ابو عبدالله محمد بن احمد کاتب خوارزمی، با ترجمه حسین خدیوچم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران،

۱۳۲۷ ش.

۵۹. مقامات زنده پیل، خواجه سیدالدین محمد غزنوی، مقدمه و توضیحات و فهرس از حشمت‌الله مزید سنندجی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ ش، چاپ دوم.

۶۰. مقدمه ابن الصلاح فی علوم الحديث، ابو عمرو عثمان شهرزوری، تعلیقات و شرح ابو عبد الرحمن صلاح ابن محمد صویضه، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.

۶۱. مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، سید ضیاءالدین سجادی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی، ۱۳۷۲ ش، چاپ اول.

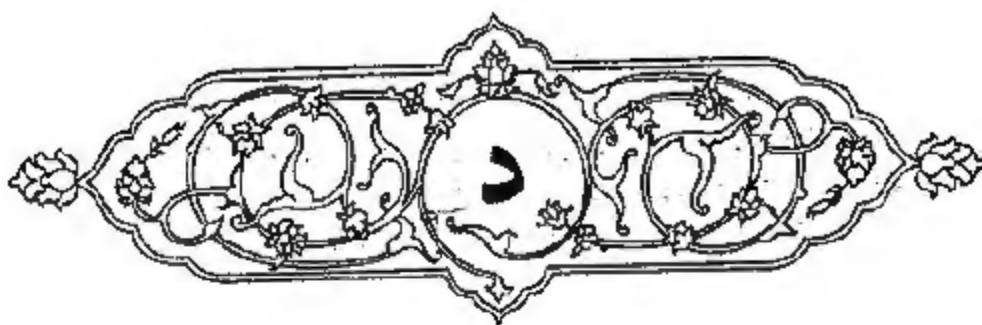
۶۲. مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، محمد بدر جاجرمی، با مقدمه علامه محمد قزوینی، به اهتمام میر صالح طبیبی، جلد اول، تهران، مصحح، ۱۳۳۷ ش، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ ش.

۶۳. نامه شهیدی، علی اصغر محمدخانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.

۶۴. فزعة القلوب، حمدالله مستوفی قزوینی، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ ش، چاپ اول.



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی



پرمشهای زرنشتیان مقیم هند از دستوران و مؤیدان ساکن ایران در طول سیصد سال، از زمان سلاطین گورکانی تا زمان کریم خان زند می‌باشد، که این سؤال و جوابها توسط پیکهایی از هند به ایران و از ایران به هند فرستاده می‌شد.

امدن سامانی (۱/ ۲۲۱).

دارابی، شیخ ملا محمد صادق / صادق (وف ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هندلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیارة المفجعة»، «دیوان» اشعار، «بیت الاحزان».

آثار عجم (۱۰۲)، الذریعة (۹/ ۷۷۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/ ۸۵۳)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۰۶)، مرآت القاصح (۴۲۸).

دارابی، شیخ میرزا عباس. (س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف، از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته، در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه بلندی رسیده بود. حکمت را از حاج ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود کتابت کرد و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانسه‌ساز و میرزا ابراهیم تیریزی از شاگردان او می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعای کمیل»، به شیوه استادش در شرح «دعاء الصبح» و «دعای جوشن»؛ شرح «قصیده

دابوقی بار فروشی، آقا شیخ محمد شفیع بن ملا محمد علی بن محمد شفیع. (وف بعد از ۱۲۷۲ ق)، عالم دینی. معروف به آخوند آقا. از اهالی دایری بارفروش (بابل) بود. به کربلا رفت. از معاصران، مقلدان و شاگردان شریف العلماء بود. از آثارش: «مرصاد المباد»، در امامت، و ترجمه آن به فارسی؛ رساله‌ای در صلح حق رجوع.

الذریعة (۲۰/ ۳۰۹)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۶۲۶).

دادمهر، کریم، فرزند محمد حسین. (تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به دادمهر. در تبریز متولد شد. به تحصیل علوم قدیمه در مدرسه طالیه پرداخت. در ۱۳۵۸ ش به تهران آمد و در ضمن کار در بازار در یکی از انجمن‌های ادبی شهر، که به ریاست استاد محمد علی ناصح تشکیل می‌شد، شرکت جست و به امر شاعری به طور جدی پرداخت. از اوست:

گرچه در شاخ جوانی برگ وباری دیگر است
دل اگر باشد جوان، پیری بهاری دیگر است
گر جوانان را بود از عاشقی فخر و شرف
با محبت پیر گشتن افتخاری دیگر است

تذکره شعرای آذربایجان (۳/ ۲۸۸-۲۹۲)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۱۳۲۳-۱۳۲۰).

داراب هرمزدیار. (س سیزدهم ق)، نویسنده. وی مؤلف دو کتاب به نام «روایات»، مشتمل بر یک سلسله احکام دینی و قضایی بوده است. این کتابها در رابطه با

میر فندرسکی.

الذریعه (۱۳/ ۲۵۹، ۱۴/ ۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (نور ۱۲/ ۹۸۲-۹۸۷)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۰۶).

دارایی کشفی، سید جعفر کشفی دارایی،
پروجریدی

دارای قاجار، عبدالله میرزا، فرزند فتحعلی شاه، (۱۲۳۲-۱۲۷۵ ش)، شاعر، متخلص به دارا. در ۱۳ سالگی به حکومت زنجان رسید و میرزا محمد تقی علی آبادی ملقب به صاحب دیوان، که از متنبیان خاص فتحعلی شاه قاجار، بود به وزارت او در زنجان منصوب شد. عبدالله میرزا در جنگ دوم روس و ایران شرکت کرد و از خود لیاقت نشان داد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به وزارت میرزا شفیع توسرکانی دوباره به حکومت زنجان منصوب گردید. از آثار غیره او بنای مدرسه علمیه‌ای است در زنجان. وی در تهران درگذشت. او است.

مابه یاد خط سبز و روی گلگون زنده‌ایم
هاشقان را با تماشای گل و ریحان چه کار

سید الشیراز (۱/ ۵۹۱-۵۹۳)، الذریعه (۹/ ۳۱۲)،
سفینه‌المحمود (۱/ ۲۵۳۳)، شرح حال رجال (۲/ ۲۹۳)، لغتنامه (ذیل / دارای قاجار)، مجمع‌النصحا (۱/ ۵۳۵)، مصطفی خراب (۶۲)، نگارستان دارا (۳۰/ ۲۱۸).

دارای گازرزی، احمد، فرزند محمد حسین، (س) چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به دارا. وی در عراق تحصیل کرد و از آنجا به هند رفت و مدتی را به سیاحت گذراند. از دارا دو رساله به نامهای «دریای دانش» و «کره پیش» به جای مانده است، که حاوی شرح اولین غزل خواجه شیراز و یاره‌ای نکات عرفانی و قسمتی از اشعار اوست. اثر دیگر وی «گلزار دارا» است.

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۲۶۹-۲۷۴)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۳۸۷).

دارایی رازی، میرزا محمد باقر، (۴)، شاعر، متخلص به دارایی، صاحب «طرفه در مدایح»، شعر.
الذریعه (۹/ ۳۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۰).

دارکی اصفهانی، ابوجعفر محمد بن علی بن مخلد، (وف ۳۱۷ ق)، محدث. منسوب به دارک از روستاهای اصفهان. از اصحاب اسماعیل بن عمرو بجلی بود و از وی و سلیمان شاذکونی حدیث شنید. طبرانی و ابوالشیخ بن حیان و ابوبکر بن مقری اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

انساب سمعی (۲/ ۴۴۰)، سیر النبلاء (۱۲/ ۱۳۸-۱۳۷).

دارکی اصفهانی، ابوعلی حسن بن محمد بن حسن، (وف ۳۱۷ ق)، مُحدث و محدث. به دارک اصفهان نسبت دارد. از محمد بن عبدالعزیز بن ابی‌رزمه و محمد بن حمید رازی و محمد بن اسماعیل بخاری حدیث شنید. قاضی ابوالاحمد عَسال و ابوالشیخ و دیگران از وی روایت کرده‌اند. وی جد ابوالقاسم دارکی شیخ شافعیه است. سیر النبلاء (۱۴/ ۴۸۶، ۱۶/ ۴۰۴).

دارکی اصفهانی، ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد، (وف ۳۷۵ ق)، فقیه شافعی. منسوب به دارک از روستاهای اصفهان است. پدرش در زمان خود محدث برجسته اصفهان بود. دارکی در ۳۵۳ ق به نیشابور، و پس از چندی به بغداد رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن شد. وی فقه را از ابواسحاق مروزی و حدیث را از جد مادری خود، حسن بن محمد دارکی، فراگرفت. او در مسجد دعلج بغداد درس می‌گفت و در جامع بغداد حلقه فتوی و نظر داشت. وی در مذهب شافعی سرآمد بود، گرچه متهم به اعتزال بود، اما او را در حدیث ثقه‌ای امین می‌دانستند. بیشتر اوقات به استناد حدیث نبوی، بر خلاف دو مذهب شافعی و حنفی فتوی می‌داد و در پاسخ اعتراض می‌گفت: «حدیث شریف مقدم بر فتوی آن دو امام است». شیخ ابوحامد اسفراینی و جمعی دیگر از شیوخ بغداد و دیگر شهرها همچون ابوطالب نقیه، ابوالقاسم ازهری و عبدالعزیز ازجی و احمد هتیقی و ابوالقاسم تنوخی از شاگردان وی بودند. ابوحامد اسفراینی او را ستوده و گوید که ثقه‌تر از او ندیده است. در بغداد درگذشت.

تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۱-۳۸۰/ ۵۷۶-۵۷۵)، تاریخ بغداد (۱۰/ ۲۶۵-۲۶۳)، ریحانه (۲/ ۲۰۵)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۴۰۶-۴۰۴)، الکسی والالصاب (۲/ ۲۲۵-۲۲۴).

معجم البلدان (۲/ ۲۸۲)، وفيات الاعیان (۳/ ۱۸۹-۱۸۸).

دارمی، عبدالرحمن بن خلف بن عصاکو. (س پنجم ق)، طبیب و ریاضیدان. وی نزد ابن الفیثونش کسب علم نمود و اکثر کتب جالینوس را نزد وی خواند. او را از بزرگان طب و هندسه می‌دانند که در بعضی صناعات دقیقه و اعمال لطیفه نیز مهارتی داشته است. ربحانه (۲/ ۲۰۶)، لغت نامه (ذیل/ دارمی).

دارمی سجستانی، ابوسعید عثمان بن سعید بن خالد. (ح ۲۸۰-۲۰۰ ق)، حافظ و محدث شافعی، ملقب به محدث هرات. دو طلب حدیث سفرها کرد و از ابویمان و یحیی و حاکم و احمد بن حنبل و یحیی بن معین و علی مدینی و اسحاق بن راهویه و بسیاری دیگر در ایران و عراق و مصر و شام و جزیره و حرمین حدیث شنید. احمد بن محمد حیري و محمد بن صرّام و محمد بن یوسف هروی و محمد بن اسحاق هروی و ابونضر محمد طوسی و احمد عنبری و بسیاری از محدثین هرات و نیشابور از وی روایت کرده‌اند. وی در هرات درگذشت. از آثار وی: «المسند»، «الرد علی الجیهة»؛ «الرد علی بشر المریسی».

الاعلام (۲/ ۲۶۶)، ایشاح المکنون (۲/ ۲۸۲)، سیر النبلاء (۱۳/ ۳۲۷، ۳۱۹)، کشف القنون (۸۳۸)، لغت نامه (ذیل/ عثمان)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۵۴)، هذبةالعاریین (۱/ ۶۵۱).

دارمی سرخسی، ابوجعفر احمد بن سعید بن صخر. (وف ۲۵۲ ق)، محدث، قاضی و فقیه اهل سنت. در سرخس متولد شد و در نیشابور نشو و نما یافت. بیشتر اوقات زندگی وی در طلب حدیث گذشت. جهت استماع حدیث به بغداد رفت. وی مدتی در سرخس متولی امور قضا بود. از نصر بن شمیل و علی بن حسین بن واقد و جعفر بن عون و ابرعاصم ثیل حدیث شنید. وی در حدیث ثقة بود. یحاری و مسلم در «صحیح»‌های خود و عمرو بن علی خلاص و محمد بن مثنی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. احمد حنبل او را زید، قرین فقیه خراسانی می‌دانند که دیده است. در نیشابور درگذشت.

تاریخ بغداد (۲/ ۱۶۹-۱۶۶)، تهذیب التهذیب (۱/ ۳۱-۳۰)، ربحانه (۲/ ۲۰۵)، سیرالنبلاء (۱۲/ ۲۳۲-۲۳۴)، الکافی و الاقصاب (۲/ ۲۲۵)، الرافعی بالوفیات (۶/ ۳۹۰).

دارمی سمرقندی، ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن بن فضل بن بهرام تمیمی. (۱۸۱-۲۵۵ ق)، مفسر، فقیه، قاضی و محدث. در سمرقند به دنیا آمد. به اصرار حاکم وقت، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. او در طلب حدیث سفرهای بسیار کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابرعاصم عبیدالله بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یحیی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نصر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بغدادی و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در مرو درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «المسند»، در حدیث؛ «التفسیر»؛ «الجامع الصحیح».

الاعلام (۴/ ۲۳۰)، تاریخ بغداد (۱۰/ ۲۹-۳۲)، تهذیب التهذیب (۵/ ۲۶۱-۲۶۲)، الجرح و التمدیل (ج ۲، ق ۲/ ۹۹)، ربحانه (۲/ ۲۰۶)، سیرالنبلاء (۱۲/ ۲۳۲-۲۳۴)، الکافی و الاقصاب (۲/ ۲۲۵)، معجم المؤلفین (۶/ ۷۱).

داستانی، ابوعبدالله محمد بن علی. (وف ۲۱۶/۲۱۷ ق)، عارف و صوفی. ملقب به شیخ المشایخ. وی از داستان از روستاهای نزدیک بسطام بود، در بسطام اقامت داشت. از اقربان ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابی‌الخیر و شاگرد ابوالعباس قصاب بود. نسبت ارادت وی به سه واسطه به شیخ عمر بسطامی و خلیفه بایزید بسطامی می‌رسد. در بسطام درگذشت. در «لذرة القلوب» آمده: «در بسطام در مزار شیخ المشایخ ابوعبدالله داستانی بر سر قبر او درخت خشکی است، چون از فرزندان آن شیخ، یکی را وفات رسد از آن درخت شاخه می‌شکند».

اسرارالتوحید (تعلیقات ۲/ ۶۶۲)، جستجو در تصوف

(۵۷-۵۶)، ریحانه (۳/ ۳۳۳-۳۳۴)، کشف‌المحجوب (۲۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابو عبدالله)، نزهة القلوب (۳۷۹)، نغمات الانس (۳۰۵).

داعی آملی، محمد علی - داعی الاسلام، سید محمد علی.

داعی الاسلام، سید محمد علی، فرزند سید حسن. (۱۲۵۶-۱۳۳۰ ش)، روزنامه‌نگار، زیان‌شناس، فرهنگ‌نویس، مترجم، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به داعی. از سادات نیاکی بود. در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصفهان به تحصیل پرداخت و در همان سالها مجله «الاسلام» را جهت مناظره با عیسویان در اصفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبان انگلیسی به بمبئی رفت و ضمن فراگیری زبان اردو، مجله «دهوت الاسلام» را به دو زبان اردو و فارسی منتشر ساخت و با سمیت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی با زبانهای پهلوی، گجراتی و سانسکریت آشنا بود. برای مدتی اندک به ایران آمد و مجدداً به هندوستان مراجعت کرد و همان جا وفات یافت. وی در شاعری پیرو مذهب هندو بود. از آثار او: ترجمه «نادرشاه و ستاره» سر مارتینر دیوراند مستشرق انگلیسی، به فارسی؛ ترجمه «ویندیدا» به فارسی؛ «فرهنگ نظام»، در لغت؛ «دیوان» شعر؛ «شعر و شاعری عصر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».

تاریخ جراید (۱/ ۲۲۲-۲۲۱)، تذکره شعرائ معاصر اصفهان (۱۸۵-۱۸۷)، ریحانه (۲/ ۲۰۸-۲۰۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۱۷۲-۱۷۳)، شرح حال رجال (۵/ ۲۵۵-۲۵۶)، گلزار معانی (۲۳۹-۲۳۹)، فهرستواره کتابهای فارسی (۲/ ۹۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۲۷-۲۳۰).

داعی اصفهانی، محمد داوود - داوود اصفهانی.

داعی اصفهانی، ملا میرک، فرزند ملا ضمیری. (س دهیم ق)، شاعر، متخلص به داعی. در بدو امر به کتابت اشعار پدرش مشغول بود. اشعاری از وی به جا مانده است. از اوست:

آمدی رفت ز خود دل، به کنارم بنشین
بنشین تا به خود آید دل زارم بنشین
دین و دل پردی و اکثرن پی جان آمده‌ای
بنشین تا به تو آن هم بسپارم بنشین
آتشکده آذر (۲/ ۹۴۱)، تذکره روز روشن (۲۵۲-۲۵۳)، الذریعه (۹/ ۳۱۳)، لغت‌نامه (ذیل / داعی)، مجمع‌الخواص (۱۷۷)، مفت‌القلیم (۲/ ۲۲۵).

داعی انجدانی، مولانا عبدالغفور. (ز ۱۰۲۱ ق)، شاعر اسماعیلی. مشهور به مؤمن مشهدی. وی برادر ملک طیفور انجدانی بود. مردی قانع و درویش مشرب که زمانی در کاشان می‌زیست. داعی شاعری توانا بود و از وی قصاید و غزلیاتی چند به جای مانده است. آتشکده آذر (۳/ ۱۲۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۹)، الذریعه (۹/ ۳۱۳)، صبح گلشن (۱۵۹)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۸۲-۱۸۳)، مفت‌القلیم (۲/ ۲۷۰).

داعی دزفولی، سید عبدالله، فرزند محمد باقر صفوی. (۱۱۵۸-۱۲۵۶ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به داعی. اصل وی از شوشتر و از سادات مرعش و از فرزندان دکان خواجه علی سیاهپوش بود. وی از شاگردان سید محمد باقر حجة الاسلام و آقا محمد یزدآبادی بود. قسمتی از اشعارش توسط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن توسط شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثارش: «تخمیس الفروزدیقه»؛ «مجمع الاخبار و تذکره الابرار»، در تمیین قبور اولاد اله (ع) در دزفول؛ «دیران» شعر.

الذریعه (۱/ ۱، ۹/ ۳۱۳-۳۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۷۷۰-۷۷۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، فهرستواره کتابهای فارسی (۲/ ۹۰۳-۹۰۲)، لغت‌نامه (ذیل / داعی دزفولی)، مجمع‌الفصحاه (۴/ ۲۹۲)، مصطفی خراب (۶۰-۶۱).

داعی شیرازی، سید نظام‌الدین محمود بن حسن حسینی واعظ. (۸۱۰-۸۷۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به داعی. معروف به داعی الی الله و شاه داعی. از سادات علری شیراز بود که در همان شهر تولد یافت. وی پس از کسب فنون ادبی و علوم متداول، در جوانی به سیر و

هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان از سپهبدان خان احمد شد. پس از چندی به ایران بازگشت و ملازم شاهزاده سلطان، فرزند شاه عباس دوم شد. اشعاری از او در تذکرها نقل شده است.

تذکره نصرآبادی (۳۷۷-۳۷۸)، الذریعه (۹/ ۳۱۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۹۷).

داماد، سید صالح / محمد صالح، فرزند سید حسن بن سید یوسف موسوی حائری تهرانی. (وف ۱۳۰۳ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مدرّس. مشهور به عرب. پدرش چون داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» بود، او و برادرش حاج میرزا حسین به این لقب مشهور شدند. در کر بلا به دنیا آمد. وی از شاگردان دایی خویش، سید مهدی طباطبائی، و سید ابراهیم قزوینی بود. او در قرائت و تعظیم قرآن سعی بسیار داشت و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار جدی بود. در کر بلا کرسی تدریس و زعامت داشت. در غائله کر بلا (ذیحجه ۱۲۵۸) او را امیرگونه به قسطنطنیه بردند و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به تهران آوردند. وی تا پایان عمر ساکن تهران بود. در نود سالگی درگذشت و پیکرش به کر بلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «زهر الرياض»، حاشیه بر «رياض» جدش؛ «اصفاء الروضة»، حاشیه بر «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»؛ «المهذب فی الأصول» یا «مذهب القرائین»، حاشیه بر «القوائین»؛ رساله‌ای در مسأله تجزی، در اجتهاد.

اعیان الشیعه (۷/ ۲۶۹)، الذریعه (۱۲/ ۷۱-۷۰، ۱۵/ ۴۳، ۲۲/ ۲۹۳، ۲۹۵)، ریحانه (۴/ ۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (لبن ۱۲/ ۸۸۱-۸۸۳)، الکشی والاقاب (۲/ ۲۲۸-۲۲۷)، المآثر والآثار (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۵/ ۶۰-۵).

دامغانی، ابوجعفر. (رح من پنجم ق)، صوفی. از بزرگان و مشایخ صوفیه در عهد خود بود، که بیشتر ایام را در مدینه به ریاضت و عبادت مشغول بود. وی معاصر ابوبکر کتانی و صاحب کرامات بود.

فحیات الانس (۱۷۶-۱۷۷).

دامغانی، ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد بن حسن بن عبدالوهاب. (۳۹۸-۳۷۸ ق)، فقیه و قاضی

سلوک پرداخت و به خدمت شیخ مرشدالدین ابواسحاق بهرانی، که از مریدان شاه نعمت‌الله ولی و پیشوای صوفیان نعمت‌اللهی در شیراز بود، رسید و به تشویق او به دیدار شاه نعمت‌الله ولی به ماهان رفت و از دست وی خرقه گرفت. او پس از مرگ شیخ مرشدالدین (۸۵۱ ق) جانشین وی شد و تا آخر عمر در این مقام باقی ماند. در شیراز درگذشت. تذکره نریسان وفات وی را به اختلاف ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر در سه قسمت به نامهای: «دیوان قدسیات»، «دیوان واردات» و «دیوان صادرات»؛ مثنویهای سته: «مشاهد»، «چشمه زندگانی»، «چهار چمن»، «عشق نامه»، «چهل صباح» و «گنج روان»؛ رسالات: «اسوقاً لکسوة»، «بیان عیان در حقایق»، «تحریر الوجود المطلق»، «تاج نامه»، «رضائیه»، «سلوة القلوب»، «مرآة الوجود»، «تحفة المشتاق»، «ترجمة الاخبار العلویه»، «التلویحات الحرمیه»، «ثمره الجیب»، «جواهر الکونز» و «نسائم الاسحار» در شرح «گلشن راز».

آثار حجم (۴۸۵-۴۸۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۳۳۲-۳۳۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۴۶۹-۴۶۴)، دایرة المعارف فارس (۱/ ۹۳۳)، الذریعه (۵/ ۳۰۷، ۹/ ۳۱۴، ۱۸/ ۲۳۷)، ریاض المصارفین (۷۷-۷۳)، زیجانه (۲/ ۲۰۹-۲۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/ ۱۳۲)، طرائق الحقائق (۳/ ۵۱-۴۹)، فارسنامه تاعری (۲/ ۱۶۶)، فرهنگ سننوران (۳۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ داعی)، مجمع القصصا (۴/ ۳۵-۳۲)، مرآت النصاحه (۲۰۵۲-۲۰۶)، مفت التلیم (۱/ ۲۵۴).

داغی مشهدی، محمدرضا. (م دهم ق)، شاعر. از شاعران بنام روزگار خود و معاصر تقی‌الدین کاشی بود. این رباعی از اوست:

ما را جانی که جز طلب داند نیست
یا فرق میان روز و شب داند نیست
دور از تو نفس نمی‌زنم ز آن که مرا
در دل نفسی که راه لب داند نیست

تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره روز روشن (۲۵۴)، فرهنگ سننوران (۳۲۹)، مطلع الشمس (۲/ ۴۳۰).

دافع لاهیجی، محمد صالح، فرزند طالش مراد. (اس یازدهم ق)، شاعر، متخلص به صالح و دافع. از ایران به

الدرجہ: ۲/۲۰۴، ۶/۲۰۴، ۱۳/۱۲۲، ۱۵/۱۲۲،
رنگامی و شخصیت شیخ انصاری (۱۲۱۲)، طبقات
حلام الشیخہ (قرن ۱۲/۵۶)، معجم رجال نجف (۲/
۵۶)، معجم الموثقین (۱۹۹/۸)

دامغانی، شیخ محمد رضا/ رضا، فرزند حبیب الله
(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، از شاگردان
میرزا آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «غرائب» و
همدوره حاج ملا علی کنی بود و با ملا آقای درستی
مکالماتی داشت. او پس از تکمیل تحصیلات خود در
کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجام
وظایف دینی پرداخت. در «المآثر والآثار» از وی به
عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده
است از وی اشعاری به جای مانده است. او کتاب
«منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته
ست

طبقات اعلام الشیخہ (قرن ۱۳/ ۵۲۱-۵۵۰، ۵۵۱-۵۵۰،
قرن ۱۲/ ۷۲۸)، تصنی العلماء، (۲)، گنجینه دانشندان
(۵/ ۱۱۴)، المآثر والآثار (۱۷۱).

دامغانی، شیخ ملا احمد، (س سیزدهم ق)، عالم
دینی از علمای عصر فتحعلی شاه قاجار و از معاصران
ملا حسن یزدی مؤلف «مهیج الاحزان» بود. او در بلوک
چناران سکنی کرد و در آنجا به انجام امور شرعی
پرداخت. از آثارش: «تحفة المؤمن»؛ «مخوف المؤمن»؛
در معاصی کبیره و تبعات آن، به فارسی؛
«تحفة المحققین»؛ به سبک «کشکول» یا عبارین «تحقیق».
الدرجہ: ۳/ ۴۶۷، ۲۶/ ۱۷۱، طبقات اعلام الشیخہ
(قرن ۱۳/ ۷۱)

دامغانی، شیخ نعمت الله، (۱۲۹۱-۱۳۶۱ ق)، عالم
دینی و مدرس. در دامغان متولد شد. پس از فراگیری
مقدمات به مشهد رفت و مدت بیست و یک سال سطوح
عالی فقه و اصول و حکمت و خارج را در محضر آیات
بزرگ حوزه مشهد همچون آیت اللهزاده گفائی و حاج
فاضل آملی تا به مدارج عالیہ علوم دینی رسید
اخلاق و سلوک و عرفان را نیز در محضر حاج شیخ
حسنعلی اصفهانی آموخت. در ۱۳۳۵ ق در حالی که
مجتهد بود به نجف رفت و در حوزه درس آیت الله نائینی

حقی در دامغان به دنیا آمد. در دامغان و بيشاپور و حدود
فقه آموخت و از ابوحنسین قدوری بهره گرفت. وی از
فاضل ابرو عبدالله صیمری و محمد بن علی صوری
حدیث شنید. عبدالوهاب انصاری و علی بن طراد ربیعی
و حسین مقدسی از وی روایت کرده اند. اصحاب وی که
در شهرها پراکنده شدند عبارتند از: ابراهیم بن
باشاد مصری، نورالهدی حسین رشتی، ابوطاهر ایمن
دیمی و ابن سمائی. وی مدت سی سال پس از پس
ماکولا عهده دار امر قضاوت بغداد بود، و مانند قاضی
ابویوسف حشمت و حاجی داشت. دامغانی در بغداد
درگذشت و در جیب ابوحنیفه دفن شد. از آثار وی:
«مختصر الحاکم»؛ در فروع فقه؛ «مسائل الحیطان و
الصرق»؛ «الروائد والنضائر فی فروع القرآن».

الاعلام (۷/ ۱۶۳)، تاریخ بغداد (۳/ ۱۰۹)، سیر النبلاء
(۱۸/ ۲۸۵-۲۸۶)، الکامل (۸/ ۱۲۹)، معجم البیادان
(۴/ ۲۷)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۴۹-۴۸)، الرافعی
بالوفیات (۴/ ۱۲۹)، هدیة القاریین (۲/ ۷۲)

دامغانی، افتخارالدین محمد بن نصرالله بن محمد.
(وف ۷۷۵ ق)، عالم دینی و معسر. در علوم عقلی و نقلی
مهارت داشت. او در نزد شیخ کبیر مدون است از آثار
وی: «الکاشف»؛ در تفسیر، در هیئت مجلد؛ شرح
«المیون»؛ ناصی عبدالدین عبدالرحمن ایچی؛ «شرح
الاشارات» به نام «تنقیح العیارات فی توضیح الاشارات»؛
«المدرک»؛ در منطق؛ شرح «آداب البحث».
بررگان شیراز (۲۸۱)، تذکره هزار مزار (۷/ ۱۰۹-۱۰۷)،
معجم المؤلفین (۱۲/ ۷۹)

دامغانی، شیخ ابوالقاسم، (وف ۱۲۲۶ ق)، فقیه
اصولی و مجتهد. سالها در محضر شیخ مرتضی انصاری
و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف المعطاء تعلیم
کرد و از شیخ انصاری اجازه گرفت. شیخ انصاری در
اجاره ای که به او داد، او را علامه علماء و همده فضل و
حای فروع و اصول نامید. در ۱۲۸۰ ق به ایران بازگشت
و مدتی در تهران بود، سپس به دامغان رفت و در آن شهر
به وظائف دینی رسیدگی می کرد تا اینکه از دنیا رفت و
در مقبره تکبیر بن اصفین به خاک سپرده شد. از آثارش:
«نسیه الانوار»؛ در اصول دین؛ حاشیه بر «معالم»؛
«تقریرات».

دانش، میرزا رضا حارث‌الدوله، میرزا رضا.

دانش آشتیانی، میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا محمدرضا بیابالدوله (س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به دانش. در آشتیان متولد شد. اجداد وی همه از علمای آنجا بودند. وی در آشتیان و آذربایجان تحصیل کرد و در تفسیر و احادیث و اخبار مهارت یافت. سپس به تهران آمد و جزو وزیر گردید. از اوست:

دست ندرت گوهر دم چو کرد از گل عجم
سودش اندر آستین دشت امیرالمؤمنین
آثار عجم (۲۹۷-۳۹۶)

دانش اصفهانی، حسین، فرزند محمد هاشم. (ح ۱۲۹۰-۱۳۶۲ ق) نویسنده، مترجم، مدرس و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده‌ای یارزگان در استانبول متولد شد. زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشیدی، دبستان ایرانیان و مدرسه فرائضیان آموخت. او مدتی عضو هیأت تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» و مدتی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول بود. در استانبول با آنکارا درگذشت و در اسکودر دفن شد. از وی چندین اثر به زبان فارسی و ترکی باقی مانده، از جمله: ترجمه «ریاضیات صرخیه» و «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان» ترکی و فارسی؛ «خزانة مدیر»؛ «درتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوی صریح».

الذریعة (۳۱۷/۹)، ریحانه (۲۱۱-۲۱۰/۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/۱۷۹-۱۸۰)، شرح حال رجال (۵/۷۹)، لغت‌نامه (دیل / دانش)، مؤلف کتب چاپی (۲/۷۲۶-۷۲۷)، یادگار (س ۱۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۳-۵۴).

دانش اصفهانی، محمد علی (س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به دانش، مشهور به آقا بزرگ. اصل وی از اصفهان بود اشعاری از او به جا مانده است.

الذریعة (۳۱۵/۹)، حلیة السعراء (۱/۵۹۷-۵۹۵)، سفینه المسمود (۱/۱۹۵-۱۹۳)، فرهنگ سخنوران (۳۳۰)، مجمع القصصا (۲/۲۹۰)، مصطفی خراب (۶۲-۶۱).

دانش اصفهانی، محمد علی، فرزند محمد ابراهیم (تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر و روزنامه نگار. وی در قریه خراسکان، در یک قریه اصفهان متولد شد. در

و آیت‌الله عراقی شرکت کرد و خیلی زود یکی از اصحاب خاص و از معاونان آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی شد. وی در نجف حوزة تدریس فقه و اصول و فلسفه دایر کرد. او در نجف درگذشت و در حوزة امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.

زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/۱۷۵)، گنجینه دانشمندان (۵/۱۱۲).

دامی همدانی، ملا عبدالواسع، فرزند ملا کلب علی. (۱۱۴۶-۱۱۷۲ ق)، شاعر و مدرس. در اصفهان به دنیا آمد و در آن سامان فنون مختلف از جمله علم ریاضی را فراگرفت و به امر تدریس اشتغال یافت. در جوانی، در بیست و هفت سالگی در اصفهان درگذشت. دامی در شاعری نیز مهارت داشت.

برگان و سخن سربان همدان (۱/۲۶۹-۲۵۰)، تذکره روز روش (۲۵۴)، تذکره القبر (۳۱۶، ۴۳۹)، الذریعة (۱/۲۱۵)، سفینه المسمود (۱/۱۹۱-۱۹۳)، لغت‌نامه (دیل / دامی).

دانا سرشت، اکبر / علی اکبر، فرزند حاج عینی، سررند حاج عیسی صرافباشی زنجان. (تو ۱۲۶۸ ش)، ریاضیدان و مترجم. در تهران متولد شد. ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از او آن کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طوسی، سید جلال تهرانی بهائیری پرداخت و فقه را نزد محمد رضا تسکانی فراگرفت. به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سبکه مغزی در تهران درگذشت از آثار وی: ترجمه «خلاصة حکمة الانسراق» و «اسفار»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلاسفة اسلام».

کبان فرهنگ (س ۶، ش ۱، ص ۱۷)، مؤلف کتب چاپی (۱/۶۴۵-۶۴۴).

دانش، سیاوش. (۹)، مورخ از آثار وی «ابراهیم کلاتره» درباره سرگذشت میرزا ابراهیم کلاتره از دولتمردان روزگار زندیه.

راهنمای کتاب (س ۱۲، ص ۳۸۹-۳۷۸)، فهرست‌واره کتابهای فارسی (۲/۸۰۸).

دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه دانشکده حقوق، ریاست کتابخانه کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته کتابخانه مرکزی بود. در ۱۳۴۸ ش دانشیار نیمه وقت دانشکده الهیات و در ۱۳۴۹ ش دانشیار تمام وقت دانشکده ادبیات شد. در ۱۳۴۴ ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای در باب الحادیث و فرهنگ ابرانسان دانشکده انصاف و معارف اسلامی شایسته دانست. او در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره دکتری به تدریس عرفان اسلامی می‌پرداخت. در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت رها به خاک سپرده شد. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «الذکات الاعترافیه»، «مصادقة الاخوان» و «رسالة المسمیة»؛ تصحیح: «ذخیره حواری مشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در محلات وری.

رهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۷، ص ۶۵۹-۶۸۸)،

گزارش مشاهیر (۲۷۴-۲۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲)

(۲۱۹، ۲۱۷)

دانشپور، غلامحسین، (نو ۱۳۷۰ ش)، نویسنده. در تهران متولد شد. در مدرسه افسری نظیبه تحصیل کرد و به درجه افسری نایل آمد. از ۱۳۹۸ ش خدمات خرد را در شهر بنی آغاز کرد. در ۱۳۲۶ ش در موقعی که ریاست شهر بنی آذربایجان را داشت، به درجه سررتیبی رسید. پس از بازگشت به تهران ریاست پلیس نظامی تهران را عهده دار شد. او در ۱۳۳۲ ش از خدمت نظام بازنشسته گردید. اثر وی «مشور طلایی» است.

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۴۵۳-۴۵۴)،

مرتبش کتب چاپی (۶۷۱/۲)

دانش تهریزی، عارف الدوله، میرزا رضا

دانش تهریزی، لععلی، فرزند محمد کاظم تهریزی امینی، (۱۳۳۰-۱۳۱۰ ش)، عالم دینی، محقق و شاعر، متخصص به دانش. ملقب به صدرالامام، اصل وی از تبریز بود. در شیراز متولد شد. نزد مولانا قاسم قندهاری

مدرس قدیمی تحصیل کرد و مدتی از محضر استاد گلشن ایراپور استفاده کرد. دانش چندی مدیر داخلی روزنامه «اختر مسروده» بود. در ۱۳۰۹ ش روردمه «دانش اصفهان» را به سبک ادبی آمیخته با فکاهی به طور پراکنده منتشر ساخت. وی اشعارش را در روزنامه خود به طبع می‌رساند.

تاریخ حرایر (۱/ ۵۹، ۲/ ۲۶۸-۲۶۹)، تذکره شعری

معاصر اصفهان (۱۹۱-۱۹۳)

دانش ابروانی، عارف الدوله، میرزا رضا

دانش ساووی، ملا علی، (وف ۱۰۷۰ ق)، قاضی و شاعر، متخصص به دانش و جاورید. مشهور به حبش، به جهت انتساب به بلال حبشی مؤذن پیامبر (ص). اهل ساری بود. در اوایل جوانی به مشهد رفت و به تحصیل در آن سامان پرداخت. مدتی منصب قضاوت در بواخی مریتران داشت. در اصفهان درگذشت و در بقعه محمد بیگ در مزار باباکی آندین به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان شعر»

آشکده نر (۲/ ۸۶۹-۸۷۰)، تذکره القبر (۶/ ۳۱۷، ۳۱۸)،

تذکره صرمدی (۳۷۵-۳۷۴)، الدرر (۹/ ۱۹۰، ۱۹۱)،

ریحانه (۲/ ۲۱۱)، فرهنگ معنواک (۳۰۷)

دانش پژوه، محمد اسمی، فرزند میرزا احمد لاریجانی، (۱۲۹۰-۱۳۷۵ ش)، نسخه شناس، استاد دانشگاه، محقق و مصحح. مقدمات ادبی را نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه حاج علی اکبر کوچک در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی و اعظم میرزا ابوالحسن پیشمار آملی و آقا میرزا عزیز الله طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد و سپس به قم رفت و مدت دو سال به تحصیل پرداخت. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گنایگانی، آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشی بهره برد. دانش پژوه در مدرسه سپهسالار نزد میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را خواند. در ۱۳۲۰ ش موفق به دریافت لیسانس شد. از ۱۳۱۹ ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری

دانش تفرشی، تقی خان، نوزند میرزا حسین و زیر.
(۱۲۵۰-۱۳۲۶ ش)، خطاط، منشی و شاعر، متخلص به
دانش. ملقب به فیض لشکر و مستشار اعظم. معروف به
بلور و حکیم سوری. در تفرش به دنیا آمد از کودکی نزد
ملا محمد بزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان
عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط پرداخت. در
یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته نظم کشید
که سبب شهرتش شد. از آن پس به دیوبند میرزا یوسف
مسترفی الممالک منصوب شد و سالها در همین سمت
در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل السلطان و
ناصرالملک و میرزا علی اصغر خان اتابک به خدمت
استعمال و ورید. در ۱۳۱۵ ق تذکرة صدر اعظمی را در
شرح شاهان معاصر اتابک نگاشت و در ۱۳۱۹ ق
فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ
رسانید. در ۱۳۲۷ ق به شیراز رفت و چندی ریاست
مدلیه و دختر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان
در نوشتن انساب خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او
به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود
ذوق اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه قاجار
نکته‌ای تا صبح نگاشته است. در تهران درگذشت. او
در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه آنها به
خط او است و این آثار غیر از «تذکرة نون و الفلم» که در
شرح حال خطاطان ایران است - همگی منظوم‌اند و صد
هزار بیت شعر را شامل می‌شود، مهمترین آنها عبارت‌اند
از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات،
رباعیات و هلهلیات؛ «ترشین روان»؛ «مثنوی اکسیر
اعظم»؛ «فر دوس برین».

ادبیات معاصر (۲۸-۵۰): تاریخ تذکرة‌های فارسی (۱)
۳۰۹۳۰۶ / ۷ (۸۰۹-۸۰۰)، الذریعه (۹/ ۲۶۲، ۳۱۵)،
زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۱۷۸-۱۷۶)، سخوراک
نامی معاصر (۲/ ۱۳۳۳-۱۳۳۲)، شرح حال رجال (۵)
۲۶-۲۵، فرهنگ سخوراک (۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۷۰۲۱۶-۲)

دانش خویی، محمد - آقاسی خویی، محمد.

دانش شوشتری، ملا حسینی، نوزند ملا عبدالله بن
حسین (وف ۱۰۷۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مدرس و
شاعر. از دانشمندان بدیع عصر شاه صفی و شاه عباس

و محمد مؤمن و میرزا حسن مجتهد آشتیانی و چند تن
دیگر از علما کسب علم کرد. وی در ابن بابویه به خاک
سپرده شد. از آثارش: «اخگر» در شرح معانی
«الاعلام فی ترجمة بعض الاعلام»؛ «اکسیرالذخيرة»
«دیوان» شعر؛ «کلم و حکم»؛ «ملخص» که تذکرة الشعرا
است؛ «چهارالبلاغه»؛ «هزار داستان» در محاسرات
«اندروزنامه»؛ «مستورالبلاغه»؛ «اساطیر»؛ «الدمعة» در
محاسرات و خطب.

تاریخ تذکرة‌های فارسی (۲/ ۲۸۵)، دانشمندان
آذربایجان (۱۳۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/
۲۸۸-۲۷۴)، الذریعه (۸/ ۲۶۲ / ۹ / ۳۱۷-۳۱۶ / ۲۱ / ۳۲۸)،
ریحانه (۶/ ۱۹۱)، زندگینامه رجال و مشاهیر
(۵/ ۲۵۶)، سخوراک آذربایجان (۳۴۶، ۲۵۶)، شرح
حال رجال (۳/ ۱۸۱)، نفت‌نامه (ذیل / تصویر)،
مجموع المؤلفین (۸/ ۱۵۳)، مکارم الآثار (۶/ ۱۹۱۱).

دانش تبریزی، میرزا نصرعلی خان، نوزند حسینی.
(وف ۱۳۰۹ ق)، ادیب و روزنامه‌نگار. در فقه و اصول و
احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. در
۱۲۷۳ ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای
سنگلاخ هم‌نشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد
در مدح سنگلاخ گفته بودند، جمع‌آوری و به عنوان
«مجمع الاوصاف» چاپ کرد. او تا ۱۳۰۳ ق کنسول ایران
در استانبول بود. وی در این مدت از ۱۲۹۲ ق اقدام به
تأسیس روزنامه هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک
سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن
ناصرالدین شاه قاجار و روزنامه‌ریز از طرف دولت
عثمانی توقیف شد. در ۱۳۰۳ ق منصب سرپیشی گرفت و
نائب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر
کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد. در ۱۳۰۸ ق به
تهران آمد و جزو صاحب‌منصبان وزارت خارجه گردید.
از دیگر آثار وی: «مشکوة الحیات فی تفسیر الآیات»؛
تفسیر آیه دوازدهمین؛ «میزان الموازین فی امر الدین» در
رد «میزان الحق» هانری مارتن.

دانشمندان آذربایجان (۱۳۳-۱۳۴)، الذریعه (۹/ ۳۱۵)،
۲۰ / ۲۰ / ۲۳-۲۲۷ (۳۲۸)، شرح حال رجال (۴/
۳۳۰)، المؤلفین والآثار (۱۹۸-۱۹۷)، مؤلفین کتب چاپی
(۶/ ۵۲۲-۵۲۳).

نهر خراسان (۲۳۷-۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۳۲۲).

دانش مشهدی، میرزا رحیم‌الدین محمد، فرزند میرزا ابوتراب فطرت مشهدی، (وف ۱۰۷۶ ق)، شاعر، متخصص به دانش. اهل مشهد بود به هندوستان رفت و در آن سامان به مدح و ستایش حاکمان پرداخت. ابتدای شهرت دانش از سال ۱۰۶۵ ق است، چه در شعبان این سال قصیده‌ای در مدح شاه جهان سرود و پادشاه به او دو هزار روپیه صله داد. پس از این به خدمت داراشکوه و بعد دانشمند و با ذوق و عارف پیشه پیوست و در حضرت او پایگاهی بلند یافت. از مدتی هم در بنگاله به محمدشجاع پسر دیگر شاه جهان تعلقی پیدا کرد و از آنجا به حیدرآباد دکن رفت و عبدالله قطب شاه را ستود. یک روز به زیارت خانه خدا رفت و سرانجام در مشهد درگذشت. وی شاعری شیرین زبان و فصیح بیان بود از آثار او، «دیوان اشعار».

تشکله، نور (۲/ ۴۶۸-۴۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵/ ۲۲۰، ۲۶۱، ۵۲۳، ۵۵۷، ۵۶۱)، تذکره صرآبادی (۲۵۳، ۲۵۷)، الذریعه (۹/ ۴۱۷)، سینه‌المحمود (۲/ ۵۸۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۲)، کاروان هند (۱/ ۴۹۱)، ۲۰۲۰)، بحثنامه دب / دانش.

دانشگر، منوچهر، (تو ۱۲۹۸ ش)، محقق و پزشک. در اصفهان متولد شد تحصیلات متوسطه را در آن شهر و پزشکی را در دانشکده پزشکی تهران به پایان رساند. در ۱۳۲۶ ش به سمت دانشیار بیمارهای چشم در آموزشگاه بهداشتی اصفهان منصوب شد. اثر وی «بهداشت چشم».

مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۹/ ۳)

دانشمند ابروردی، ملا ابوالحسن علی، فرزند ملا احمد، (وف ۹۶۶/۹۶۹ ق)، ریاضیدان، حکیم، مدرس و شاعر شیعی در کاشان به دنیا آمد. ساکن مشهد بود. در چهارده سالگی شرح «تجریده» را با حواشی آن، که از متون مشکی حکمت است، و در بیست و پنج سالگی کتاب «مجسطی» را تدریس می‌کرد. او حائضه‌ای قوی داشت به طوری که هر کتانی را یکی بار می‌خواند، عبارات آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی در علوم مختلف بویژه ریاضیات مهارت بسیار داشت چنان‌که

ثانی بود. نزد پدرش و شیخ بهایی تلمذ کرد و از هر دوی آنان و قاضی معزالدین محمد با احازه روایت کرد وی در اصفهان می‌زیست و در مدرسه ملا عبدالله - مدرسه‌ای که شاه عباس پیری پدرش بسا نموده و به اسم او نامگذاری کرده بود تدریس می‌کرد، شرف‌الدین علی بن جمال‌الدین هارندروانی از شاگردان وی بود. او علاوه بر کارهای علمی و دینی، چون از جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاصر جوابی بهره‌مند بود و همچنین به تتبع اشعار قدما رغبت تمام داشت، به سرودن اشعار نیز می‌پرداخت ابیاتی چند از او در تذکرها مقل شده است. از آثار وی «حرمة صلاة الجمعة فی زمن المیهة» «التبیان فی الفقه» حواشی بر «قواعد مشهد».

تذکره در روش (۲۵۶)، تذکره صرآبادی (۱۵۴)، الذریعه (۹/ ۲۲۳، ۳۱۶، ۱۵/ ۴۹)، ریاض‌السماء (۱/ ۲۶۲-۲۶)، صبح گش (۱۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (نور ۱۱/ ۱۵۰، ۱۵۲)

دانش شیرازی، لطفعلی - دانش تبریزی، لطفعلی

دانش شیرازی، میرزا عبدالرحیم، (من سیرت بهم، ۱۳۰۶)، شاعر وی از سادات دشتکی شیراز بود از سروده‌های مشهور وی قطعه‌ای است که در تاریخ وفات میرزا صدرالدین ابن ثواب حاجی اکبر، متخصص به بسمل گفته است.

فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مرآت المصاحبه (۲۰۶-۲۰۷)

دانش مشهدی، محمد بزرگ‌نیا، فرزند عبدالحسن تهرانی، (۱۳۴۷-۱۳۸۱ ش)، شاعر، متخصص به دانش. در مشهد ولادت یافت و در همان شهر پس از تحصیل مقدمات، به فرگیری علوم ادبی نزد استادانی چون دبیب بشاروری و شیخ محمد حسین شیرازی پرداخت. پیشه اصلی وی تجارت بود. در دوره چهارم مجلس شورای ملی از طرف مردم خراسان به نمایندگی انتخاب گردید بزرگ‌نیا شاعری توانا و دارای لطف کلام و ذوق سرشار بود و در سرودن قصیده به سبک استادان کهن مهارت داشت. «دیوان» وی به نام «راز دانش» به چاپ رسیده است.

سخنوران نامی معاصر (۲/ ۱۳۳۲-۱۳۳۹)، صد سال

خدمات و مشاغل آذاری به او فرصت نمی داد که در این قسمت کار فوق‌العاده‌ای کند. کارهای هنری وی منحصر بود به تدریس موسیقی آن هم فقط چند سالی در جوانی در مدرسه دارالفنون و آموزش موسیقی به چند نفر از علاقه‌مندان از قبیل محمد علی شاه قاجار، محمد حسن میرزا، شاهزاده جهانگیر میرزای حسام و رکن‌الدین مختاری. او در علم پزشکی هم مدتی تحصیل کرده و در بیمارستان دولتی (سینای فعلی) مدت زمانی کارآموزی داشته است. در تهران درگذشت. وی آهنگی در چهارگاه ساخته که اشعار آن را خود سروده است.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۸۱-۵۸۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۵۳-۲۵۶)، مردان موسیقی (۲/ ۵۷-۶۰).

دانشور، سیمین، فرزند محمد علی احیاء‌السلطنه.

(تو ۱۳۵۰ ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره متوسطه در مدرسه مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در ۱۳۲۸ ش با نگارش رساله «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه دکتری ادبیات فارسی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استفرد کالیفرنیا درجه فوق دکتری تخصصی در رشته ریاضی‌شناسی اخذ کرد. پس در برگشت به ایران به تدریس در رشته‌های باستان‌شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی‌شناسی در هرسنان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی عضو هیأت نویسندگان مجله «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله دانش و نگار نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد از دوایج کرد و همپای او به فعالیت‌های فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»، «دانش‌ها»، «سروش»، «آتش خاموش»، «شهری چون بهشت»، «به کی سلام کنیم»، «عروب جلال»، «جسر بر سرگردانی»، «ترجمه‌ها»، «سریاز شکلاتی»، «دشمنان»، «ساتریس»، «داغ تنگ»، «اینگال» و غیره.

چون سیری تخته (۲۰۹-۲۱۰)، کیهان (س ۵، ش ۲۴، ص ۶۷-۶۶)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۵، ص ۱۱-۳)، میزبان کتب چاپی (۳/ ۳۸۶-۳۸۷).

دانشور، علی، (س چهاردهم ق)، محقق، تحصیلات

گرفت از زمان قدیم هیجده نکته در علم ریاضی مانده بود که تنها شش نکته آن توسط خواجه نصیرالدین طوسی حل شده بود و بقیه را وی حل کرد. ملا ابوالحسن در شعر فارسی نیز استاد بود و عرب را نیکو می‌سرود. فضل خدخال و شیخ احمد خدخال از شاگردان وی بودند. در کاشان درگذشت و جنازه وی به اردبیل منتقل شد و در آنجا دفن گردید. وی در اکثر رشته‌ها تألیفات دارد از جمله: «الشرارق می الکلام»، «حل ما لا یحل»، در حل دوازده مسأله ریاضی، «حسنا»، در حکمت طبیعی، «مشارقی» و «صرات الافلاک»، در حکمت ریاضی، «حاشیه بر شمسیه»، «حاشیه بر تهذیب»، در منطق، «رساله اثبات واجب» به فارسی، «اثبات الواجب» به عربی، «روضة الجنان»، در حکمت، شرح «فریض» و «دوان» اشعار.

ایضاح المکنون (۱/ ۲۴، ۵۹۲، ۵۹۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۲-۴۴۳)، طبقات اعلام‌الشیع (قرن ۱۰/ ۱۴۴)، فرهنگ سخنوران (۳۳۳)، کشف الطیور (۸۲۳)، معجم‌البنوالمین (۷/ ۱۰)، هدیة‌العالمین (۱/ ۷۴۶)، هفت انلیم (۲/ ۳۶-۳۷).

دانشمند تبریزی، عبدالباقی - باقی تبریزی.

دانشور، تقی خان، فرزند نورمحمد خاکی (۱۲۵۸-۱۳۳۹ ش)، موسیقیدان، شاعر، مدرس و نویسنده. در تهران متولد شد. او توسط مرین‌الدوله نقاشباشی، از سنگان نزدیکی به مدرسه دارالفنون وارد شد و پس از نظر لومر فرانسیس تحصیلی موسیقی کند. تقی خان پس از فراگرفتن قواعد ست‌خوانی، به زدن آلات پادی مشغول شد. بعد نزد دووال بواختن ویولن را آموخت. سپس مدتی در کلام حسین‌خان اسماعیل‌زاده و چندی در خدمت میرزا عبدالله ردیف‌های ایرانی را فراگرفت و نزد حسام‌السلطنه به تعلیم ویولن پرداخت و توسط او به دربار راه یافت و ملقب به اعدام‌السلطان شد و چندبار در حضور مظفرالدین شاه قاجار ساز زد. وی اولین ایرانی است که به ویولن آشنا شد و بین ساز را نواخت. «حاضرات دربار قاجاریه» که از مشاهدات هیئی وی بوده قریب دو سال در مجله هفتگی «روشنه‌نگار» منتشر می‌شد. موسیقی از کارهای تفنی دانشور بود زیرا

دانشور علوی، نورالله. (سیردهم و چهاردهم ق)،
مورخ از آثار وی: «تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن
پرستان اصفهان و بختیاری».

مهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۵۱)، مهرشوارز
کتابهای فارسی (۲/ ۹۰۲)

دانش یزدی، آقا علی، فرزند عبدالکریم. (تو ۱۳۱۷
ق)، شاعر، متخلص به دانش. وی در یزد به دنیا آمد و
تحصیلات قدیم را در آنجا گذراند. او است.
ر بسی دانشی دانش آموختم
گشودم پروبال و پر سوختم
تذکره محمودان برد (۱۳۸۱: ۸۱۳).

داودی بوشنجی، ابوالحسن عبدالرحمن بن محمد
بن مظفر. (۲۷۴-۴۶۷ ق)، مسند، محدث و مدرس. در
بوشنج به دنیا آمد و همانجا نزد ابومحمد بن حنویه
سرخسی به استماع حدیث پرداخت. در هرات از
عبدالرحمن بن ابی شریح و در بشاربور از ابوعبدالله حاکم
بشاربوری و ابن یوسف و ابن محمد حدیث شنید و در
بعد از این مهدی فارسی و دیگران بهره برد. وی چندی
در بغداد ماند و نزد ابوحامد و صعلوکی و ابوبکر فقیه
فقه آموخت. او از مشایخ مورد احترام خراسان و
محبوبت ابوعلی دقاق و ابوعبدالرحمن سلمی بود. از
مجلس وعظ و فتوی و تدریس داشت. در بوشنج
درگذشت

میرالسلا. (۱۸/ ۲۲۲-۲۲۹)

داور، صی اکبر، فرزند کلب علی خان خازن خلوت،
(۱۲۶۳-۱۳۱۵ ش)، نویسنده و دورنامه نگار در تهران
متولد شد. در مدرسه دارالفنون به تحصیل پرداخت و
پس از اتمام تحصیل به خدمت عدلیه درآمد و به جهت
اینکه به مقاطع بالاتری دست یابد برای ادامه تحصیل (به
همت حاج ابراهیم پناهی) به سرس رفت و در رشته
حقوق، موفق به دریافت دکترای شد. وی حدود ده سال
در اروپا تحصیل کرد و در غرض آن به فعالیت‌های سیاسی
نیز مشغول بود. داور در اروپا اعلامیه‌هایی را که به نام
حزب ملی ایرانی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م منتشر
می‌شد، با قیصر عین لام بر امضاء می‌کرد او در
۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و به سمت رئیس وزارت

عالی خود را در دانشکده فنی تهران و مدرسه علوم
جغرافیایی پاریس به اتمام رساند. از آثار وی:
«تذکره بختیاری».

مزمین کتب چاپی (۴/ ۲۳۰)

دانشور، محمد علی، فرزند تقی، (تو ۱۲۹۷ ش)،
دیر و محقق. در پرومرد متولد شد. تحصیلات مقدماتی
و دوره اول متوسطه را در موطن خود به پایان رساند،
سپس به اهواز رفت و دوره دوم را در آن شهر به پایان برد
و به تهران آمد و به تحصیل در دوره عالی مشغول شد. در
۱۳۱۷ ش موفق به دریافت بیانی در رشته فلسفه و
علوم تربیتی شد. پس از آن به دعوت شورای فرهنگی
بریتانیا و تصویب وزارت فرهنگ، رهمبار انگلستان شد
و مدت دو سال در آنجا به تحصیل پرداخت و از دانشگاه
ناتینگهام گواهی مهارت کامل در زبان انگلیسی را
دریافت کرد و در ۱۳۱۹ ش به تهران بازگشت و در
دبیرستانهای تهران به تدریس زبان انگلیسی مشغول شد.
او در ۱۳۲۸ ش با سمت معلم زبان و تاریخ ادبیات
انگلیسی به دانشکده ادبیات تبریز منتقل شد. از آثار وی:
«روانشناسی کودک»، «سببش هوش در آموزش»
پروزش.

رتگیننه رجال و مشاهیر (۲/ ۱۸۱)، مزمین کتب
چاپی (۴/ ۲۳۰-۲۳۱).

دانشور بختیاری، حسینقلی، فرزند میرزا ابوالفتح.
(تو ۱۳۳۰ ق)، شاعر تحصیلات ابتدایی را در قهرمخ به
اتمام رسانید و به کسب و کار پدری، که مباشرت در
املاک بود، مشغول گردید. دانشور در سرودن شعر توانا
بود. اشعاری از وی در تذکره اشعاری معاصر اصفهان
نقل شده است.

تذکره اشعاری معاصر اصفهان (۱۹۳-۱۹۴).

دانشور بختیاری، میرزا ابوالفتح. (تو ۱۳۱۰ ق)،
شاعر، متخلص به دانشور. در مکتبهای قدیم درس
خواند. او ساکن قهرمخ بود. به امور زری اشتغال داشت
و گاهی شعر نیز می‌سرود. او است.

دانشور از رفیقان هرگز وفا ندیده
یازب دیده و بی یاران بی وفا را
تذکره اشعاری معاصر اصفهان (۱۹۳).

متخلص به داور در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در همین حال به عرفان نیز پرداخت. او به کرمان رفت و مدتی به سیر و سلوک پرداخت و هم ریاضیات را تکمیل کرد. در شیراز به تدریس فقه و اصول و تفسیر و کلام می‌پرداخت و مدتی امام جماعت شاهچراغ بود. فرصت شیرازی و قدسی مشهودی در شاعری از شاگردان وی بودند از آثار وی «اصلاح الالفاظ»، «حاشیه تفسیر صافی»، «شرح زیارت عاشورا»، «صیاه القلوب»، «مورالین فی شرح لاریعین»، «دیوان اشعار»، «سرآت انصاحه»، «اساس النکمال»، «کنج گوهر»، «العشرة الکامله».

آثار المجمع (۳۲-۳۶)، ابضاح المکنون (۱/ ۹۰، ۲/ ۱۰۱، ۲۶۵، ۲۶۱، ۶۸۸)، ساریخ سلک‌های فارسی (۲/ ۲۶۳-۲۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی (۲/ ۲۹۳-۵۱۷)، الدررجه (۱/ ۳۱۹، ۱۰۸۸-۱۰۸۷، ۱۵/ ۱۲۷، ۲۶۸-۲۶۷)، ریحانه (۵/ ۳۵۹-۳۶۰)، شرح حال رجال (۲/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۳۱۷)، سرآت القصصه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۷۱-۲۷۰)، هدیه الساریخ (۲/ ۴۶۹).

داور قاجار، امام ویردی میرزا، فرزند فتح‌محمدی شاه قاجار، (تو ۱۲۱۱ ق)، شاعر، متخلص به داور. سمت سر کشیکچی باشی ایندخانی داشت و به این سمت نیز شهرت یافت. پس از مرگ پدرش، با محمد شاه برادرزاده خود به مخالفت برخاست و با همراهی برادرش هلیتی میررای رکن‌الدوله کوشید که سلطنت علشاه ظل‌السلطان را مستقر و مستحکم سازد، ولی به جایی نرسید و با شاهزادگان دیگر در زندان اردبیل محبوس شد. اما چندی بعد به همراهی ظل‌السلطان و رکن‌الدوله و نصرالله میرزا از زندان فرار کرد و به خاک روسیه گریخت. چون دولت روسیه به آنان روی خوش نشان نداد، به بغداد رفتند و دولت عثمانی میانه‌ای برای آنان معین نمود و در حریت مانند دیگر برادران خود زندان ماند که همراهی به سر رسید و هرگز روی وطن خویش را ندید. وی دارای «دیوان» شعری است.

تاریخ عضدی (متن و تعلیقات)، حدیقه‌الشعراء (۱/ ۶۰۳-۶۰۲)، الدررجه (۹/ ۳۱۹)، شرح حال رجال (۱/ ۱۶۲)، مجمع القصصا (۱/ ۵۰)، مکالم الآثار (۲/

مدلیه و مالیه منصوب شد و پس از آن حزب رادیکال را پایه‌گذاری کرد و با انتشار روزنامه «مرد آزاد» به طور جدی وارد معرکه سیاست شد. او در دوره‌های چهارم تا ششم نماینده مجلس شد. در مجلس پنجم یکی از تهیه‌کنندگان ماده واحده خلق فاجریه از سلطنت بود و از جمله کسانی بود که تلاش بسیاری برای به سلطنت رساندن سردار سپه کرد. داور با خوردن مقدار زیادی تریاک خودکشی کرد، در حالی که روزنامه‌ها علت مرگ او را سبکه اعلام کردند. وی در روز قبل از خودکشی مورد عتاب و تهدید رضا شاه واقع شده بود. چنانچه وی را در صفایه تهران دفن کردند. از آثار وی: «اصول محاکمات اصلاح شده به موجب ماده واحده»، «حقوق جری»، «تاوون جرا».

تاریخ بیت ساله ایران (۶/ ۳۲۴-۳۹۲)، تاریخ جوانید (۲/ ۲۰۱-۲۰۲)، «ایرنا» فارسی (۱/ ۹۵۵)، رساله‌ها رجال و مشاهیر (۳/ ۱۹۶-۱۸۲)، سرگشته فرهنگ (۱/ ۳۵۰-۳۵۱)، شخصیت‌های نامی (۱۹۲-۱۹۱)، شرح حال رجال (۲/ ۲۲۹-۲۲۷)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۶۶۷-۶۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۰۸-۵۰۷).

داور حسینی، سید کاظم، فرزند سید محمد علی (۱۳۰۰-۱۳۷۱ ش)، شاعر، متخصص به تاوون. معروف به روح‌الامین. در همدان به دنیا آمد، پس از تحصیلات ابتدایی، از دانشسرای مقدماتی همدان مدرع‌التحصیل شد و در همان شهر به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. داور هنوز شعر را از آزاد همدانی و مفتون کبرایی آموخت و از اعضای انجمن ادبی آن شهر بود. او شاعری پرشور و از حافظه‌ای قوی بهره‌مند بود. متجاوز از سی هزار بیت شعر دارد که قسمتی از آن به نام «روان‌الوده» در ۱۳۲۵ ش و اثر دیگری از وی به نام «روی پل تجریش» در ۱۳۲۷ ش چاپ شده است.

برگه و سخن‌سرایان همدان (۲/ ۲۹۷-۲۹۶)، الدررجه (۹/ ۳۱۹)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۳۵۱-۱۳۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۳۲).

داور شیرازی، شیخ محمد مفید، فرزند میرزا محمدتبی بن میرزا محمدکاظم، (۱۲۵۱-۱۳۲۵ ق)، نویسنده، شاعر، حکیم، تذکره‌نویس، مدرس و شاعر.

(۲۰۰)

بدیع و «مرهنگ» بزرگی به ریان ترکی به وی بست داده‌اند. از نقاشیهای وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از نیافه رجال برجسته دوره ناصری که در مرقعی باخطوط متروع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شقیع وصال که بر روی بشکی نشسته است از خطوط او؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا؛ به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: و انا العبد... محمد المتحصن بدآوری این المرحوم وصال... سنه ۱۲۶۷ هـ؛ یک نسخه «لوايح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: ... فی سنه ۱۲۷۶... و انا العبد بدآوری بن وصال؛ یک نسخه «چهارمقال» نظامی عروضی، به قلم کتابت خوش، با رقم: ... حورر بدآوری بن وصال عفرله، سنه ۱۲۷۹ هـ؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: ... بدآوری بن وصال ۱۲۸۲ هـ.

آثار مهم (۳۶۰-۳۵۹). سوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۱۶-۷۱۲)، احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۷۱۳-۵۷۱۲)، مجلس خط (۵۶۶-۵۶۵)، بزرگان شیراز (۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، بیرون (۲/ ۲۰۷-۲۰۵)، تاریخ هنرهای مسمی (۲/ ۹۸۷)، تذکره روز روشن (۲۵۶-۲۵۷)، حذیقه ششمه (۱/ ۶۱۳-۶۰۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۱۳-۵۰۶)، الفریحه (۹/ ۳۱۹-۳۲۰)، ریحان (۲/ ۲۱۲)، ۶/ ۳۲۷-۳۲۶، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۵۴-۲۵۱)، نوح حال رجال (۶/ ۱۸۶-۱۸۸)، طرائق الحقائق (۲/ ۳۷۹-۳۷۶)، سازسامه ناصری (۲/ ۱۰۱۱-۱۰۰۸)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴)، معتدیه (دین / دوری سیرری)، المآثر الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۸۲-۷۸۱)، مجمع المصفا (۴/ ۲۹۹-۲۹۸)، موات القصاصه (۲۰۸-۲۱۱)، مکارم الآثار (۴/ ۱۰۶۹-۱۰۷۰).

داوود، (ر ۹۵۵ ق)، رسام وی رسام هنرات صاحب و مولاد و نقره بود. از آثار او کسبه منقش زیبا و استادانه چهل کلیدی موجود است که به انواع نقوش آراسته گردیده و با ادویه مختلف مستور شده است. خط نسخ و ترسیم نقوش هندسی و تصاویر ستاره‌شناسی درخور تحسین است و رقم «عمل داود فی سنه ۹۵۵» دارد. اسوئل و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۰).

داوود، (س دوازدهم ق)، نقاش پس هنرمند در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت و جانورسازی را نیکو

داور کیا حسینی، (س یازدهم ق)، خطاط، از آثار وی، یک قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «نقیر داور کیا الحسینی» قطعه‌ای پریده، به قلم سه دانگ نستعلیق خوش و سه دانگ ثلث عالی، با رقم: «نقاطه داور کیا الحسینی»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۸۶)

داوری آرائی کاشی، سلطان ابراهیم، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به داوری، در قریه آران کاشان متولد شد و پس از تحصیل کمالات عهده‌دار منصب قضای کاشان شد. داوری به خراسان سفری داشته است. وی با میر حیدر کاشی معاصر بود و با او مشاعره داشت او در سرودن اشعار هجو آبر تبحر داشته است.

تذکره روز روشن (۲۵۶)، تذکره صرآبادی (۳۰۸)،

الدرجه (۹/ ۳۱۹-۳۱۸، ۸۶۹-۸۶۸)

داوری شیرازی، محمد، فرزند محمد شقیع وصال، (۱۲۸۲-۱۲۸۳/ ۱۲۸۳ ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری، در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و هنری و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادرش، وقار شیرازی، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی عبدالله فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعر بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در تعلیق قوی دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت در ماه نرد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب اسکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. مؤلف «حدیقه الشعراء» وی را شمس الفلاد خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه فردوسی» است که بعدها توسط بطلمی خان شیرازی و میرزا آتای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی را در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و «نقش در معانی» و

داوود شیرازی. (س سیردهم و چهاردهم ق)،
برازنده در خانواده‌ای هنرمند، در شیراز به دنیا آمد. وی
نوازنده بسیار خوبی بود و تار را خوش می‌نواخت و از
معاصران آقا حسینقلی به شمار می‌رفت. از شاگردان او،
علیرضا خان چگی بود که تار را نزد وی آموخت
تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۶)، تاریخ هنرهای ملی (۱)
۱۳۱۲، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۲۵)

داوود شیرازی. (ز ۱۳۰۵ ق). خطاط. از آثار وی یک
نسخه دو صافی حواحه نظام‌الملک، به قلم کتابت خفی
متوسط که به سال ۱۳۰۵ در بمبئی چاپ سنگی شده
است و چین رقم دارد: «بید اقل العباد میرزا داود شیراز
تاریخ چهارم شهر جمادی الاولی من شهر سنه ۱۳۰۵.
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۸۵-۱۸۶).

دایی جواد، سید محمدرضا. (س چهاردهم ق)،
محقق از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» دستور زبان
فارسی یا راهمای تجرید و ترکیب، «راهمای دستور
زبان فارسی برای همه» «قریبی سخن با علم سدید در
زبان فارسی»
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۵۶)

دایی نمایشی، میرزا محمد حسین، فرزند احمد
میراف. (۱۲۸۷-۱۳۲۲ ق)، هنرمند. در حدود ۱۳۱۵ ق
برای کسب و تجارت به رشت رفت و در آن شهر ساکن
شد و با سمت متبگیری به خدمت تجارتخانه سید علی
تبریزی درآمد. از زمانی که میرزا حسن خان ناصری،
جمعیت امید ترقی را به عنوان نخستین گروه نمایشی
گیلان تشکیل داد، میرزا محمد نیز عضویت آن جمعیت
را پذیرفت و وارد کار نمایش شد. وی نخستین کسی بود
که در رشت، در محل سرای گلشن، مجلسی جشنی به نام
مشروطیت برپا کرد. در زمان آمدن همریشه‌های ففاری
به رشت و اجرای نمایشنامه نادر شاه به روی صحنه آمد
و نقش میرزا مهدی خان را اجرا کرد و چون صاحب ذوق
و استعداد بود، در کار نمایش مهارت کامل پیدا کرد و
کم‌کم معروف به دایی نمایشی شد. بعد از تشکیل
دارالاستقام در رشت خدمات مؤثری کرد. وی در
پیاننگداری و گسترش تئاتر واقع‌گرا و انتقادی در
شهرستانها که نوعی صافه با خرافات در میان مردم از

می‌دانست. وی از جمله کسانی بود که در زمان تسلط
ادعنه بر ایران و روال کار نمایشی، با چند تن دیگر هنر
نمایش و رواج داد. از آثار او تصویر گاوی در کمال امتیاز
است که رقم «یا داود» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۰)، تاریخ هنرهای ملی (۱)
۱۳۲۳، گلستان هنر (چهل و هشتم).

داوود اصفهانی، میرزا داوود، فرزند میرزا عبدالله
مستوفی. (وف ۱۳۳۳ ق)، شاعر از نوادگان دختری شاه
عباس صفوی بود. در اصفهان متولد شد. او تولد آستان
قدس رضوی و وزارت مسلمان حسین یاقرا را داشت.
وی داماد شاه سلیمان بود. در اصفهان درگذشت. از آثار
وی: «دیوان اشعار» منظومه «سلطان الانساب» «رسو
المشقی» مثنوی «نمکدان دین». در کتاب «مهرستاره
کسایه‌ی فارسی» تخلص وی داوود ذکر شده که در
هیچ کدام از منابع بدان تصریح نشده است.

آشکده آذر (۳/ ۹۴۲-۹۴۱)، تذکره القبور (۳۱۹-۳۲۰)،
تذکره المصنفین (۲۷-۱۴۶، ۲۷۹-۲۷۴)، تذکره
نصربادی (۱۵-۱۴)، الذریعه (۹/ ۳۱۸)، ریاض العربی
(۱۹۲۲)، صبح گلشن (۱۶۰)، فرهنگ سخنوران (۲۳۳)،
مهرستاره کتب فارسی (۲/ ۹۸۵)، منظر میمای
فارسی (۲۶۴-۲۶۳)، تنایح الامکار (۲۴۵-۲۴۴)

داوود بلخی. (س دوم ق)، صوفی از مشایخ خراسان
بود که با عارف مشهور ابراهیم ادهم مصاحبت داشتند.
مسابلاس (۲۸-۲۷).

داوود پیرنیا، پیرنیا، داوود.

داوود توپسرکایی، محمد داوود. (س یازدهم ق)،
شاعر. از زندگانش توپسرکان به اصفهان رفت و در
مدرسه خواجه محبت نزد علاءالدین حسین
سلطان‌العلماء تلمذ کرد. در پایان عمر به هندوستان سفر
کرد و در همانجا ساکن شد تا در دکن درگذشت. از وی
اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

بررگان و سخن‌سرایان عندان (۲/ ۲۵۰-۲۴۹)، تذکره دود
روشن (۲۵۶)، تذکره نصربادی (۶۰۱)، الذریعه (۹/
۳۱۹-۳۱۸)، کنزاد هند (۱/ ۴۰۴-۴۰۳).

طریق تاتار بود، معایت مشر و پیشرو داشت

«بیست نیاپی (۲/ ۶۵، ۶۷)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۱۹۷)، سیاسی هرمیدان (۱/ ۲۹۲)

دبایس جیبرفتی، شیخ اسماعیل. (س چهارم و پنجم ق)، مصروفی. از پیروان شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری بود محضر شیخ مؤمن شیرازی را درک کرد و حکایت بسیاری درباره وی نقل نمود.
صحت الای (۲۴۸).

دبستانی خاندانی، میرزا محمود، فرزند اقا یوسف. (ج ۱۲۵۵-۱۳۴۴ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار ملقب به شیخ محمود امین‌الاسلام. در کرمان متولد شد. مقدمات را نزد حاج شیخ ابوجعفر کرمانی، ملا عبدالله رابینی و ناظم الاسلام کرمانی آموخت. او زبان فرانسه و انگلیسی را می‌دانست و به عربی آشنایی کامل داشت و از حافظه قوی برخوردار بود و مطالعات تاریخی فراوان داشت. وی از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان در تهران و کرمان بود و در واقعه پیدایش حزب دمکرات در کرمان نیز اعضای فعال و برجسته حزب محسوب می‌شد. از دایره هشتم تا دوازدهم نماینده مردم کرمان در مجلس شورای ملی بود او که به سبب تسایش به خاندان درگاه‌علی بیک، لقب درگاهی یافته بود برای بیکه از آسیب سرتیپ محمد درگاهی (رئیس شهرتانی) مصون بماند، نام خانوادگی خود را به دبستانی سمیر داد و به کرمان بازگشت و در املاک موقوفه خاندان خود به کشت و برداشت مشغول شد، تا اینکه در شهریور ۱۳۳۰ به خدمات اجتماعی پرداخت و به سمت ریاست شیر و خورشید برگزیده شد و سرانجام در کرمان درگذشت او مدتی مدیر مسئول روزنامه «نامه فرهنگ» کرمان بود.

تاریخ سریر (۴/ ۲۷۲-۲۷۳)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/ ۱۹۸-۲۰۱)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۶۶۵-۶۶۶)، پدما (س ۱۸، ص ۲۱۷-۲۱۳).

دبستانی کرمانی، میرزا محمود - دبستانی خاندانی.

دبوسی، ابراهیم علی بن ابی‌یعلی مظفر بن حمزه بن زید حسینی علوی (وف ۴۸۲ ق)، ادب، فقه،

مدرس و عالم شافعی. منسوب به دیوسیه شهری بین سمرقند و بخارا بود. از محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابومهن فایور دی و ابومحمود محلی حدیث شنید. در ۴۷۹ ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از تبحر در فقه، حدیث، اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. همه‌الله سقطی و ابوالعرقلانسی و عبدالوهاب اسماعیلی از شاگردان وی بودند.

سیرالنلاء (۱۹/ ۹۳-۹۱)، الکامل (۸/ ۱۵۲)، مستانه (دیل / دبوسی)، مدرن نظامی (۱۲۹، ۲۱)، معجم البلدان (۲/ ۲۹۹)

دبوسی بخاری، ابوزید عبدالله/عبدالله بن عمر بن عیسی. (ج ۳۶۷-۳۳۰ ق)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دیوسیه، بین بخارا و سمرقند بود. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقهت ضرب المثل بود او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سبک مرگ وی، ۳۳۱ ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه «الامد الاقصی»؛ «تأسیس النظر»، در جد و اختلاف بین ابرحنیه و دو پیشوای دیگر: مالک و شافعی؛ «تقویم الأدبه»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «غزاة الهدی»، در فتاوی؛ شرح «جامع الکبیر» شیبانی

الامام (۲/ ۲۴۸)، ریحانه (۲/ ۱۱۳)، سیرالنلاء (۱۷/ ۵۲۱)، کشف الطیور (۱۴، ۱۶۸، ۱۹۶، ۲۳۴، ۲۵۲، ۲۶۷، ۵۶۸، ۷۰۳)، الکنی و لایقات (۲/ ۲۲۸)، لغت - دیل / عبدالله، معجم المؤلفین (۶/ ۹۶)، معجم البلدان (۲/ ۲۹۹)، وفيات الاعیان (۳/ ۲۸)، مدینه‌المریین (۱/ ۶۴۸)

دبیر اصغهنی، دبیب‌المسماک عبدالحمید بنان‌زاده - ادیب دره‌مند.

دبیر اعظم بهرامی، قراج‌الله، فرزند محمد علی خان نقرشی. (ج ۱۲۶۱-۱۳۳۰ ش)، روزنامه‌نگار. ملقب به دبیر اعظم. وی پس از پایان تحصیلات، وارد خدمات دولتی شد و مشاغل محسنی را عهده‌دار شد. از جمله

حمیدیه الشجره (۱/ ۱۴۱)، سعیده محمود (۱)،
۱۳۹۹-۲۰۲۰)، مصطفیٰ شهاب (۶۴/ ۶۴)

دبیران، یاسر، فرزند دبیر لسمانک. (۱۳۶۶).
۱۳۱۸ ش)، روزنامه نگار. معروف به دبیرزاده ملایری
در ملایر متولد شد. پس از طی تحصیلات به مشاغل
دولتی پرداخت. در بیست و دو سالگی علاقه زیادی به
راهنمایی و تشویق مردم برای حفظ ملت و تحریک
حس میهن پرستی داشت؛ به همین جهت اغلب اوقات
در انجمنها و معابر و مساجد به ایراد طعنه های میهنی در
این زمینه می پرداخت. در ۱۳۹۹ ش روزنامه «سپهر» را
در ملایر تأسیس کرد، ولی به علت بالا بودن هزینه چاپ
و همچنین حرکت مهاجران ایرانی به طرف استانبول تنها
دو شماره از آن انتشار یافت و روزنامه تعطیل شد و
دبیران همراه مهاجران به استانبول رفت. دبیران مدتی در
وزارت دادگستری اشتغال داشت و مدتی نیز به مسافرت
در عرب از طرف وزارت دارایی پرداخت.

تاریخ جرید (۳/ ۴۹-۵۰)، زندگینامه رجال و مشاهیر
(۳/ ۲۰۲)

دبیر، علامه رضا (س چهاردهم ق)، شاعر، از آثار
وی منظومه «دعای کامل» و «مظومه توسل»، که هر دو
در تهران به چاپ رسیده است.
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۹۵، ۶۹۶)

دبیران قزوینی، نجم الدین ابوالحسن / ابوالحسن /
ابوالمعالی علی بن حمز بن علی، (۱۰/ ۶۷۵-۶۸۰ ق)، ملجم،
حکیم و مدرس شافعی، در قزوین متولد شد، از اکابر
عدما و حکما و دانشمندان شافعی بود. او استاد علامه
حلی و قطب الدین محمود شیرازی و شاگرد خواجه
نصیر طوسی بود. در نجوم دست داشت و به دعوت
خواجه نصیر طوسی به مراغه رفت و در کار رصد با او
همکاری کرد. در قزوین تدریس می کرد، حوزة درس او
مجمع حاضر بود. وی به تشیع هم گرایش وافر داشت. از
آثار وی: «شمسیه»، در قواعد منطق؛ «شرح کشف»؛
«حکمت العین»؛ «شرح جامع الدقائق فی کشف
الحقائق»، در منطق؛ «عین القواعد» و شرح آن به نام
«بحرانقرا»، در منطق و حکمت؛ «المفصل» شرح
«المحصل» امام فخر رازی، در کلام.

مثنوی اول وراثت جنگ، رئیس دفتر پیاده نظام در
وزارت جنگ، مثنوی اول وراثت فواید عامه و باروگاس،
رئیس دفتر وزارت جنگ، رئیس دفتر مخصوص
رضاخان، سرپرست محصلین در اروپا، فرماندار
اصفهان، استاندار استان همدان، وزیر پست و تلگراف،
استاندار استان همدان و وزیر کشور. در زمان کودتای
رضاخان در وزارت جنگ صاحب منصب بود. در ۱۳۰۱
ش پس از تشکیل کشور متحدالشکل، مجله ای به نام
«قشون» منتشر کرد. در سفر سوم احمد شاه به اروپا از
شاه لقب دبیر اعظم گرفت. پس از به سلطنت رسیدن
رضاخان مورد توجه شاه واقع شده و به ریاست دفتر
مخصوص شاهنشاهی منصوب شد. دبیر اعظم که مردی
مصنع و به تاریخ و جغرافیای ایران آگاه بود یکی از همت
نوری بود که به قصر سلطنتی فراخوانده می شد تا بر
معلومات رضاخان بیاورید. پس از مدتی مورد خشم شاه
قرار گرفت و بعد از آن مدتی به عنوان سرپرست
محصلین نورخانه به اروپا رفت. سپس به حکومت
اصفهان و پس از آن حکومت فارس رسید. در اداره
حکومت فارس، بنای آرامگاه حافظ را تجدید کرد. بعد
از آن مدتی در کابینه مخبرالسلطنه، وزیر پست و تلگراف
شد و در ۱۳۱۳ ش به حکومت حراسان منصوب گشت.
اما چندی نگذشت که دوباره مورد خشم شاه قرار گرفت
و پس از مدتی حبس به ملایر تبعید شد. بعد از آزادی
مدتی در روزنامه «شفق سرخ» مقالاتی با امضای ف.
بررگر می نوشت تا اینکه در کابینه قوام السلطنه چند
ماهی وزیر کشور شد و بعد از آن استاندار اصفهان
گردید. سرانجام بار دیگر به فعالیت ادبی روی آورد و به
سوشن مقاله در روزنامه ها مشغول شد. در تهران
درگذشت. وی صاحب «سفرنامه مازندران» است.

تاریخ بیست ساله ایران (۶/ ۱۶۳)، تاریخ جراید (۳/ ۱۱۰-۱۱۱)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/ ۱۱۳-۱۱۴)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۱/ ۳۴۴-۳۴۵)

دبیر تهرانی، میرزا عثایت الله / عثایت، فرزند میرزا
هدایت (س سیردهم ق)، شاعر، متخصص به دبیر در
چوانی در دفترخانه شاهی به امر اشاء مشغول بود و پس
از مدتی به خدمت شاهزاده احمدعلی میرزای قاجار
درآمد. اشعاری از وی در تذکره ها نقل شده است.

مدرس، در گنسای قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در دبیرستان شاهپور (امید) قزوین گذراند و در ۱۳۱۸ ش. دیپلم گرفت. سپس وارد دانشگاه تهران شد و در رشته ادبیات فارسی فارغ التحصیل و مدتی به تربیت دبیری شد. وی از ۱۳۲۰ ش به استخدام وزارت دارایی درآمد و در ۱۳۵۳ ش بازنشسته شد و مدت ۲۲ سال به مشاغل مختلف دولتی مشغول بود. از ۱۳۲۶ ش به همکاری با دهخدا در لغتنامه پرداخت و پس از مرگ وی هم همین کار را ادامه داد و در ضمن آن از تدریس هافل نمائد. دبیر سیاقی به دعوت دانشگاه عین الشمس قاهره دو سفر به مصر رفته و به تدریس و سخنرانی پرداخت. او نخستین امتداد فارسی در دانشگاه پکن است که تاکنون دو سفر به آن کشور رفته و به تدریس پرداخته است. وی از محققان نامی کشور است که بیشتر اوقات عمرش را صرف تحقیق در متون فارسی کرده است. او شعر نیز می سراید. از دیگر آثار او، علاوه بر همکاری در تدوین «لغت نامه فارسی» درگ رگی از آب شیرین و آب شور، مجموعه شعر «حدود» و «چاه مسافه علمی و تحقیقی» تصحیح «دیوان» مطوچهری، «دیوان» فرخی، «شاهنامه» فردوسی، «دیر باد» دهخدا و «جامع التواریخ» رشیدی، «دستور زبان فارسی»

مختصران نامی معاصر (۲/ ۱۳۵۲، ۱۳۶۰)، مؤلف
کتاب چینی (۵/ ۴۶۸-۴۷۰)

دبیر شیرازی، ابوالقاسم، فرزند میرزا محمد. (تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مدرس و صوفي. در نصابه اهرم مرکز تنگستان متولد شد. در کودکی به همراه پدر به بوشهر رفت و تحصیلات ابتدایی و در مدرسه سعادت به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل به کوچی سفر کرد و پس از تحصیل در دبیرستانهای کراچی به بمبئی رفت و از دانشگاه بمبئی فارغ التحصیل شد. ابوالقاسم پس از فراگیری زبانهای عربی و انگلیسی به بوشهر بازگشت و به تدریس زبان انگلیسی در مدرسه سعادت پرداخت. او به هلیت داشتن حافظه قوی و هوش سرشار، زبان فرانسه را خود آموخت و قادر به ترجمه زبان مرور به فارسی شد. وی بعضی از مشاغل دولتی را نیز عهده دار بود. دبیر در طریقت دست اوردت به بابا عبدل سرمست عییشه داد و بعد از آن در مسلک تنوسوفی که

الاعلام (۵/ ۱۳۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۴۲-۲۴۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، حبیب السیر (۳/ ۱۰۷)، دیحانه (۵/ ۱۷-۱۶)، کشف قطب (۵۲۰)، ۶۸۵، ۱۰۶۳، ۱۱۸۲، ۱۶۱۴، الکس والاقاب (۳/ ۱۰۰)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۵۹)، میرود (۲/ ۷۹۸)، ۷۹۹، حدیة الاحیاء (۲۲۲)، حدیة التدریس (۱/ ۳-۷)

دبیرالدوله، حاج میرزا محمد تقی، فرزند میرزا مصطفی وکیل لشکر. (ر ۱۳۱۲ ق)، خطاط. وزیر دارالشورای ناصرالدین شاه قاجار بود. اجدادش از علما و مجتهدان بودند و سلسله نسبش به امام زین العابدین (ع) می رسید. در جوانی تحصیل حسابداری و دفترداری و مقدمات علوم ادبی و عربی کرد. وی خطوط مستعرب و شکسته را خوش می نوشت. چوب پدرش لشکرنویس بود. وی در ۱۲۸۰ ق عهد دفترخانه ورات لشکر شد. در ۱۲۸۲ ق به نیابت پدرش، به منصب لشکرنویسی رسید. در ۱۲۹۸ ق پس از مرگ پدرش، شعب و لقب پدرش به وی تفویض شد. در ۱۳۰۹ ق جزر وزرای دارالشورای کبرای دولتی شد. در ۱۳۱۲ ق لقب دبیرالدوله گرفت. پس از درگذشت، پسرش کریم متقل کردند و در روق حرم امام حسین (ع) به خاک سپردند.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۶۶)، الفاب رجال دوره
نهاریه (۵/ ۴۵، ۴۱۸)، شرح حال رجال (۵/ ۲۲۰)
رونگ رجال فاساد (۷۶)

دبیرزاده ملایری دبیران، باقر.

دبیرالسلطان، علی اکبر. (ر ۱۳۱۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت متوسط، ۷ رقم. «درای تقدیم مظفرالدین شاه، اس سلام حار شار علی اکبر انصاف دبیرالسلطان، تحریر نمود، روز یکشنبه دوم شهر جمادی الثانی، سنه ایتیل ۱۳۱۶

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۳۶)

دبیر سیاقی قزوینی، سید محمد، فرزند سید باقر بن سید محمد سیاقی (تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر، محقق و

(۲۳۵)، مرآة الفصاحه (۲۱۲-۲۱۳).

دبیر فعیج، میرزا اسماعیل خان (؟)، نویسنده. از آثار وی، «مواد الترائیح».

الدیریه (۲۳/۲۱۶)، فهرستوار؛ کتابهای فارسی (۲/۸۹).

دبیر مخصوص، حسن خان گیلانی، فرزند میرزا مهدی. (ص ۳۴۰-۳۴۱)، خطاط، ملقب به دبیر مخصوص و نایب‌الوزاره. وی در هنگام تألیف «تذکره» سپهر (سال ۱۳۲۱ ق) در وزارت امور خارجه به کار تحریر و نگارش اشتغال داشت. حسن خان مستعلیق و شکسته را از حقی و جلی خوش می‌نوشت. حواله و آثار خوشنویسان (۱/۱۳۸، ۴/۱۲۶۱).

دبیرالملک، محمد حسین حسینی. (ز ۱۲۸۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «مفتاح» و «دعای کمیل»، به خط مستعلیق کتابت خوش، با رقم: محمد حسین الحسینی الملقب بدبیرالملک، فی شهر ربیع‌المولود سنه ۱۲۸۶ هـ. حواله و آثار خوشنویسان (۳/۴۸۴).

دبیرالملک، اسماعیل خان، فرزند میرزا حلیقلی خان والی. (ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سعی داشت. اسماعیل خان خط مستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی نا تاریخ تألیف «تذکره خوشنویسان» سپهر در قید حیات بود. حواله و آثار خوشنویسان (۱/۴۶).

دبیر همدانی، ابوالکارم شیخ میرزا علی کبیر، فرزند میرزا شیر محمد. (۱۳۲۵-۱۲۷۰ ق)، عالم دینی، مدرس فقه و اصول، ادیب و شاعر، متخصص به دبیر، ملقب به صدر الاسلام. پدرش مستوفی حاکم همدان بود. او جهت تحصیل به نجف مهاجرت کرد و در محضر مدرس اخلاق ملا حسینقلی همدانی به تهذیب نفس پرداخت. آن‌گاه به حج رفت و پس از بازگشت به نجف در

یکی از مسالک طریقت هندی اروپایی است؛ وارد شد و همواره با مراکز این فرقه که در اروپا و آمریکا است، مکاتبه داشت. از آثار وی: «توسو فی یزدان شناسی»؛ «شرح حواری منی و رفاه اجتماعی»؛ «رساله علمی»؛ «به انگلیسی»؛ «رساله اتحاد دول اسلامی»؛ «به انگلیسی»؛ «الذنب من الاشعری».

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/۵۲۳-۵۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۴۴-۲۴۳).

دبیر شیرازی، میرزا محمد حسن خان. (۱۲۸۶-۱۳۳۵ ق)، شاعر و خطاط. وی خطوط شکسته، نسخ و تعلیق را خوش می‌نوشت. به نیابت کارگزاری پوشهر مأمور بنذر مزبور شد و مدتی در آنجا به سر برد، سپس به شیراز بازگشت و در اداره پالتی مشغول شد. دبیر به هد سفر کرد و سپس به پوشهر بازگشت و از آنجا به چندبار رفت و در اثر گرمی هو به جئون مستلا شد. برادرش، شماع الملک، در شیراز به معالجه وی پرداخت و مؤثر واقع شد و رو به بهبودی گذاشت و به نوشتن دوباره شعرهای گذشته مشغول شد. در شیراز درگذشت و در نزدیکی تکیه خواجه حافظ دفن شد. از اوست:

گر تخطب جم و تاج سکندر داری
گر ملک سبکتکین و سبج داری
گریونس و ادیس برادر داری
هرج که روی مرگ سوابر داری

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/۵۱۷-۵۲۰).

دبیر فارسی، میرزا محمد حسین، فرزند عبدالله. (وف ۱۲۸۸/۱۲۸۹ ق)، شاعر از اهالی لار فارس بود. به تهران آمد و از نزدیکان شاهزاده محسن میرزا، متخلص به سطنانی شد. پس از چندی به اصفهان رفت و در رمه منشیان حسام‌السلطنه قور گرفت و به فارس رفت. در تهران درگذشت. از اوست:

تسا تماده کسی متا روان را
برخیز و سیار قوت جان را
یک روز به سوی باغ رو کن
تسا روی سپوشی از خوان را
امروز که پادشاه حسبی
سوار به لطف پندگان را

حلیف الشمره (۱/۶۱۵-۶۱۷)، فرمگ سمنوراد

اتهام نبطوری بودن در ۹۹۹ قی کشته شد، درم حواریه به سال ۹۹۷ ق به هندوستان رفت و در دربار اکبر شاه مقام یافت. در ۱۰۲۵ ق در برهانپور خاندنپس در خدمت خانخانان عبدالرحیم حاکم بود. از او اشعری به جا مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۹)، الذریعه (۲۷۰/۹)، صبیح گشتش (۱۶۲)، مرهنگ سخنوران (۲۳۶)، کاروان هند (۲۰۴/۱)، ۴۰۶، مآثر رحیم (۱۵۰۸-۱۳۹۷/۳)، هفت اقلیم (۲۳۵-۴۳۴/۲).

دخیل مراغه‌ای، ملا حسین. (من سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به دخیل. از مردم آذربایجان بود که به زبان ترکی شعر می‌گفت. اثر وی. «دیوان» اشعار مشتمل بر وقایع روز عاشوره که در شش مجلد در تبریز طبع یافته است.

دانشندان آذربایجان (۱۲۶)، الذریعه (۳۳۰/۹)، ریحانه (۲۱۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷/۲).

دخیلی گیلانی، ملا آقا جان. (۱۲۵۲-۱۳۵۳ ق)، شاعر، ملقب به شمس در قریه گراب سرمتولد شد و در همان سامان به تحصیل دانش پرداخت. وی در قریه آقادر برادران از نواحی رشت درگذشت. دخیلی در سرودن شعر مهارت داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. قدیمه (۲۲۱/۹).

درب امامی اصفهانی، سید حسین بن حسن موسوی. (ز ۱۲۸۱ ق)، عالم امامی، مشهور به درب امامی. چگون در محله درب امام اصفهان زندگی می‌کردند، به درب امامی شهرت یافتند. سید حسین پس از فراگیری مقدمات مدتی در نجف در محضر علمای همچون شیخ انصاری تلمذ کرد. وی کتاب «القضاء و الشهادت» شیخ انصاری را به خطی خوش در ۱۲۸۱ ق کتاب کرد.

تذکره القیوم (۲۸۸)، الذریعه (۱۴۱/۱۷)، زندگی و شخصیت شیخ انصاری (۲۸۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۸۴).

دریندی، آخوند ملافا، فرزند هاید بن رمضان

محمدر شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ آقا رضا همدانی و شیخ میرزا حسین نوری صاحب «استدرك الوسائل» تلمذ نمود و از میرزای نوری اجازه روایت گرفت. آنگاه عهده دار امر تدریس و بحث و تألیف گردید. در ۱۳۲۲ ق به همدان بازگشت و پس از مدتی کوتاه در همان جا درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در آن جا دفن شد. از آثار وی. «آب حیات»، شعر: «دعوة الحسنی فی ادعیه الحسنة»، «تکالیف الانام فی عصر غیبة الامام»، «اخوان الصفا» در اخلاق، «فناصح التماسیر»، «المرد علی ابیابیه» «اشعری صدریه».

اعیان الشیعه (۱۷۵/۸)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۷۵۰۷۳/۲)، الذریعه (۲/۱)، ۲/۲، ۲/۳، ۲/۴، ۲/۵، ۲/۶، ۲/۷، ۲/۸، ۲/۹، ۲/۱۰، ۲/۱۱، ۲/۱۲، ۲/۱۳، ۲/۱۴، ۲/۱۵، ۲/۱۶، ۲/۱۷، ۲/۱۸، ۲/۱۹، ۲/۲۰، ۲/۲۱، ۲/۲۲، ۲/۲۳، ۲/۲۴، ۲/۲۵، ۲/۲۶، ۲/۲۷، ۲/۲۸، ۲/۲۹، ۲/۳۰، ۲/۳۱، ۲/۳۲، ۲/۳۳، ۲/۳۴، ۲/۳۵، ۲/۳۶، ۲/۳۷، ۲/۳۸، ۲/۳۹، ۲/۴۰، ۲/۴۱، ۲/۴۲، ۲/۴۳، ۲/۴۴، ۲/۴۵، ۲/۴۶، ۲/۴۷، ۲/۴۸، ۲/۴۹، ۲/۵۰، ۲/۵۱، ۲/۵۲، ۲/۵۳، ۲/۵۴، ۲/۵۵، ۲/۵۶، ۲/۵۷، ۲/۵۸، ۲/۵۹، ۲/۶۰، ۲/۶۱، ۲/۶۲، ۲/۶۳، ۲/۶۴، ۲/۶۵، ۲/۶۶، ۲/۶۷، ۲/۶۸، ۲/۶۹، ۲/۷۰، ۲/۷۱، ۲/۷۲، ۲/۷۳، ۲/۷۴، ۲/۷۵، ۲/۷۶، ۲/۷۷، ۲/۷۸، ۲/۷۹، ۲/۸۰، ۲/۸۱، ۲/۸۲، ۲/۸۳، ۲/۸۴، ۲/۸۵، ۲/۸۶، ۲/۸۷، ۲/۸۸، ۲/۸۹، ۲/۹۰، ۲/۹۱، ۲/۹۲، ۲/۹۳، ۲/۹۴، ۲/۹۵، ۲/۹۶، ۲/۹۷، ۲/۹۸، ۲/۹۹، ۲/۱۰۰، ۲/۱۰۱، ۲/۱۰۲، ۲/۱۰۳، ۲/۱۰۴، ۲/۱۰۵، ۲/۱۰۶، ۲/۱۰۷، ۲/۱۰۸، ۲/۱۰۹، ۲/۱۱۰، ۲/۱۱۱، ۲/۱۱۲، ۲/۱۱۳، ۲/۱۱۴، ۲/۱۱۵، ۲/۱۱۶، ۲/۱۱۷، ۲/۱۱۸، ۲/۱۱۹، ۲/۱۲۰، ۲/۱۲۱، ۲/۱۲۲، ۲/۱۲۳، ۲/۱۲۴، ۲/۱۲۵، ۲/۱۲۶، ۲/۱۲۷، ۲/۱۲۸، ۲/۱۲۹، ۲/۱۳۰، ۲/۱۳۱، ۲/۱۳۲، ۲/۱۳۳، ۲/۱۳۴، ۲/۱۳۵، ۲/۱۳۶، ۲/۱۳۷، ۲/۱۳۸، ۲/۱۳۹، ۲/۱۴۰، ۲/۱۴۱، ۲/۱۴۲، ۲/۱۴۳، ۲/۱۴۴، ۲/۱۴۵، ۲/۱۴۶، ۲/۱۴۷، ۲/۱۴۸، ۲/۱۴۹، ۲/۱۵۰، ۲/۱۵۱، ۲/۱۵۲، ۲/۱۵۳، ۲/۱۵۴، ۲/۱۵۵، ۲/۱۵۶، ۲/۱۵۷، ۲/۱۵۸، ۲/۱۵۹، ۲/۱۶۰، ۲/۱۶۱، ۲/۱۶۲، ۲/۱۶۳، ۲/۱۶۴، ۲/۱۶۵، ۲/۱۶۶، ۲/۱۶۷، ۲/۱۶۸، ۲/۱۶۹، ۲/۱۷۰، ۲/۱۷۱، ۲/۱۷۲، ۲/۱۷۳، ۲/۱۷۴، ۲/۱۷۵، ۲/۱۷۶، ۲/۱۷۷، ۲/۱۷۸، ۲/۱۷۹، ۲/۱۸۰، ۲/۱۸۱، ۲/۱۸۲، ۲/۱۸۳، ۲/۱۸۴، ۲/۱۸۵، ۲/۱۸۶، ۲/۱۸۷، ۲/۱۸۸، ۲/۱۸۹، ۲/۱۹۰، ۲/۱۹۱، ۲/۱۹۲، ۲/۱۹۳، ۲/۱۹۴، ۲/۱۹۵، ۲/۱۹۶، ۲/۱۹۷، ۲/۱۹۸، ۲/۱۹۹، ۲/۲۰۰، ۲/۲۰۱، ۲/۲۰۲، ۲/۲۰۳، ۲/۲۰۴، ۲/۲۰۵، ۲/۲۰۶، ۲/۲۰۷، ۲/۲۰۸، ۲/۲۰۹، ۲/۲۱۰، ۲/۲۱۱، ۲/۲۱۲، ۲/۲۱۳، ۲/۲۱۴، ۲/۲۱۵، ۲/۲۱۶، ۲/۲۱۷، ۲/۲۱۸، ۲/۲۱۹، ۲/۲۲۰، ۲/۲۲۱، ۲/۲۲۲، ۲/۲۲۳، ۲/۲۲۴، ۲/۲۲۵، ۲/۲۲۶، ۲/۲۲۷، ۲/۲۲۸، ۲/۲۲۹، ۲/۲۳۰، ۲/۲۳۱، ۲/۲۳۲، ۲/۲۳۳، ۲/۲۳۴، ۲/۲۳۵، ۲/۲۳۶، ۲/۲۳۷، ۲/۲۳۸، ۲/۲۳۹، ۲/۲۴۰، ۲/۲۴۱، ۲/۲۴۲، ۲/۲۴۳، ۲/۲۴۴، ۲/۲۴۵، ۲/۲۴۶، ۲/۲۴۷، ۲/۲۴۸، ۲/۲۴۹، ۲/۲۵۰، ۲/۲۵۱، ۲/۲۵۲، ۲/۲۵۳، ۲/۲۵۴، ۲/۲۵۵، ۲/۲۵۶، ۲/۲۵۷، ۲/۲۵۸، ۲/۲۵۹، ۲/۲۶۰، ۲/۲۶۱، ۲/۲۶۲، ۲/۲۶۳، ۲/۲۶۴، ۲/۲۶۵، ۲/۲۶۶، ۲/۲۶۷، ۲/۲۶۸، ۲/۲۶۹، ۲/۲۷۰، ۲/۲۷۱، ۲/۲۷۲، ۲/۲۷۳، ۲/۲۷۴، ۲/۲۷۵، ۲/۲۷۶، ۲/۲۷۷، ۲/۲۷۸، ۲/۲۷۹، ۲/۲۸۰، ۲/۲۸۱، ۲/۲۸۲، ۲/۲۸۳، ۲/۲۸۴، ۲/۲۸۵، ۲/۲۸۶، ۲/۲۸۷، ۲/۲۸۸، ۲/۲۸۹، ۲/۲۹۰، ۲/۲۹۱، ۲/۲۹۲، ۲/۲۹۳، ۲/۲۹۴، ۲/۲۹۵، ۲/۲۹۶، ۲/۲۹۷، ۲/۲۹۸، ۲/۲۹۹، ۲/۳۰۰، ۲/۳۰۱، ۲/۳۰۲، ۲/۳۰۳، ۲/۳۰۴، ۲/۳۰۵، ۲/۳۰۶، ۲/۳۰۷، ۲/۳۰۸، ۲/۳۰۹، ۲/۳۱۰، ۲/۳۱۱، ۲/۳۱۲، ۲/۳۱۳، ۲/۳۱۴، ۲/۳۱۵، ۲/۳۱۶، ۲/۳۱۷، ۲/۳۱۸، ۲/۳۱۹، ۲/۳۲۰، ۲/۳۲۱، ۲/۳۲۲، ۲/۳۲۳، ۲/۳۲۴، ۲/۳۲۵، ۲/۳۲۶، ۲/۳۲۷، ۲/۳۲۸، ۲/۳۲۹، ۲/۳۳۰، ۲/۳۳۱، ۲/۳۳۲، ۲/۳۳۳، ۲/۳۳۴، ۲/۳۳۵، ۲/۳۳۶، ۲/۳۳۷، ۲/۳۳۸، ۲/۳۳۹، ۲/۳۴۰، ۲/۳۴۱، ۲/۳۴۲، ۲/۳۴۳، ۲/۳۴۴، ۲/۳۴۵، ۲/۳۴۶، ۲/۳۴۷، ۲/۳۴۸، ۲/۳۴۹، ۲/۳۵۰، ۲/۳۵۱، ۲/۳۵۲، ۲/۳۵۳، ۲/۳۵۴، ۲/۳۵۵، ۲/۳۵۶، ۲/۳۵۷، ۲/۳۵۸، ۲/۳۵۹، ۲/۳۶۰، ۲/۳۶۱، ۲/۳۶۲، ۲/۳۶۳، ۲/۳۶۴، ۲/۳۶۵، ۲/۳۶۶، ۲/۳۶۷، ۲/۳۶۸، ۲/۳۶۹، ۲/۳۷۰، ۲/۳۷۱، ۲/۳۷۲، ۲/۳۷۳، ۲/۳۷۴، ۲/۳۷۵، ۲/۳۷۶، ۲/۳۷۷، ۲/۳۷۸، ۲/۳۷۹، ۲/۳۸۰، ۲/۳۸۱، ۲/۳۸۲، ۲/۳۸۳، ۲/۳۸۴، ۲/۳۸۵، ۲/۳۸۶، ۲/۳۸۷، ۲/۳۸۸، ۲/۳۸۹، ۲/۳۹۰، ۲/۳۹۱، ۲/۳۹۲، ۲/۳۹۳، ۲/۳۹۴، ۲/۳۹۵، ۲/۳۹۶، ۲/۳۹۷، ۲/۳۹۸، ۲/۳۹۹، ۲/۴۰۰، ۲/۴۰۱، ۲/۴۰۲، ۲/۴۰۳، ۲/۴۰۴، ۲/۴۰۵، ۲/۴۰۶، ۲/۴۰۷، ۲/۴۰۸، ۲/۴۰۹، ۲/۴۱۰، ۲/۴۱۱، ۲/۴۱۲، ۲/۴۱۳، ۲/۴۱۴، ۲/۴۱۵، ۲/۴۱۶، ۲/۴۱۷، ۲/۴۱۸، ۲/۴۱۹، ۲/۴۲۰، ۲/۴۲۱، ۲/۴۲۲، ۲/۴۲۳، ۲/۴۲۴، ۲/۴۲۵، ۲/۴۲۶، ۲/۴۲۷، ۲/۴۲۸، ۲/۴۲۹، ۲/۴۳۰، ۲/۴۳۱، ۲/۴۳۲، ۲/۴۳۳، ۲/۴۳۴، ۲/۴۳۵، ۲/۴۳۶، ۲/۴۳۷، ۲/۴۳۸، ۲/۴۳۹، ۲/۴۴۰، ۲/۴۴۱، ۲/۴۴۲، ۲/۴۴۳، ۲/۴۴۴، ۲/۴۴۵، ۲/۴۴۶، ۲/۴۴۷، ۲/۴۴۸، ۲/۴۴۹، ۲/۴۵۰، ۲/۴۵۱، ۲/۴۵۲، ۲/۴۵۳، ۲/۴۵۴، ۲/۴۵۵، ۲/۴۵۶، ۲/۴۵۷، ۲/۴۵۸، ۲/۴۵۹، ۲/۴۶۰، ۲/۴۶۱، ۲/۴۶۲، ۲/۴۶۳، ۲/۴۶۴، ۲/۴۶۵، ۲/۴۶۶، ۲/۴۶۷، ۲/۴۶۸، ۲/۴۶۹، ۲/۴۷۰، ۲/۴۷۱، ۲/۴۷۲، ۲/۴۷۳، ۲/۴۷۴، ۲/۴۷۵، ۲/۴۷۶، ۲/۴۷۷، ۲/۴۷۸، ۲/۴۷۹، ۲/۴۸۰، ۲/۴۸۱، ۲/۴۸۲، ۲/۴۸۳، ۲/۴۸۴، ۲/۴۸۵، ۲/۴۸۶، ۲/۴۸۷، ۲/۴۸۸، ۲/۴۸۹، ۲/۴۹۰، ۲/۴۹۱، ۲/۴۹۲، ۲/۴۹۳، ۲/۴۹۴، ۲/۴۹۵، ۲/۴۹۶، ۲/۴۹۷، ۲/۴۹۸، ۲/۴۹۹، ۲/۵۰۰، ۲/۵۰۱، ۲/۵۰۲، ۲/۵۰۳، ۲/۵۰۴، ۲/۵۰۵، ۲/۵۰۶، ۲/۵۰۷، ۲/۵۰۸، ۲/۵۰۹، ۲/۵۱۰، ۲/۵۱۱، ۲/۵۱۲، ۲/۵۱۳، ۲/۵۱۴، ۲/۵۱۵، ۲/۵۱۶، ۲/۵۱۷، ۲/۵۱۸، ۲/۵۱۹، ۲/۵۲۰، ۲/۵۲۱، ۲/۵۲۲، ۲/۵۲۳، ۲/۵۲۴، ۲/۵۲۵، ۲/۵۲۶، ۲/۵۲۷، ۲/۵۲۸، ۲/۵۲۹، ۲/۵۳۰، ۲/۵۳۱، ۲/۵۳۲، ۲/۵۳۳، ۲/۵۳۴، ۲/۵۳۵، ۲/۵۳۶، ۲/۵۳۷، ۲/۵۳۸، ۲/۵۳۹، ۲/۵۴۰، ۲/۵۴۱، ۲/۵۴۲، ۲/۵۴۳، ۲/۵۴۴، ۲/۵۴۵، ۲/۵۴۶، ۲/۵۴۷، ۲/۵۴۸، ۲/۵۴۹، ۲/۵۵۰، ۲/۵۵۱، ۲/۵۵۲، ۲/۵۵۳، ۲/۵۵۴، ۲/۵۵۵، ۲/۵۵۶، ۲/۵۵۷، ۲/۵۵۸، ۲/۵۵۹، ۲/۵۶۰، ۲/۵۶۱، ۲/۵۶۲، ۲/۵۶۳، ۲/۵۶۴، ۲/۵۶۵، ۲/۵۶۶، ۲/۵۶۷، ۲/۵۶۸، ۲/۵۶۹، ۲/۵۷۰، ۲/۵۷۱، ۲/۵۷۲، ۲/۵۷۳، ۲/۵۷۴، ۲/۵۷۵، ۲/۵۷۶، ۲/۵۷۷، ۲/۵۷۸، ۲/۵۷۹، ۲/۵۸۰، ۲/۵۸۱، ۲/۵۸۲، ۲/۵۸۳، ۲/۵۸۴، ۲/۵۸۵، ۲/۵۸۶، ۲/۵۸۷، ۲/۵۸۸، ۲/۵۸۹، ۲/۵۹۰، ۲/۵۹۱، ۲/۵۹۲، ۲/۵۹۳، ۲/۵۹۴، ۲/۵۹۵، ۲/۵۹۶، ۲/۵۹۷، ۲/۵۹۸، ۲/۵۹۹، ۲/۶۰۰، ۲/۶۰۱، ۲/۶۰۲، ۲/۶۰۳، ۲/۶۰۴، ۲/۶۰۵، ۲/۶۰۶، ۲/۶۰۷، ۲/۶۰۸، ۲/۶۰۹، ۲/۶۱۰، ۲/۶۱۱، ۲/۶۱۲، ۲/۶۱۳، ۲/۶۱۴، ۲/۶۱۵، ۲/۶۱۶، ۲/۶۱۷، ۲/۶۱۸، ۲/۶۱۹، ۲/۶۲۰، ۲/۶۲۱، ۲/۶۲۲، ۲/۶۲۳، ۲/۶۲۴، ۲/۶۲۵، ۲/۶۲۶، ۲/۶۲۷، ۲/۶۲۸، ۲/۶۲۹، ۲/۶۳۰، ۲/۶۳۱، ۲/۶۳۲، ۲/۶۳۳، ۲/۶۳۴، ۲/۶۳۵، ۲/۶۳۶، ۲/۶۳۷، ۲/۶۳۸، ۲/۶۳۹، ۲/۶۴۰، ۲/۶۴۱، ۲/۶۴۲، ۲/۶۴۳، ۲/۶۴۴، ۲/۶۴۵، ۲/۶۴۶، ۲/۶۴۷، ۲/۶۴۸، ۲/۶۴۹، ۲/۶۵۰، ۲/۶۵۱، ۲/۶۵۲، ۲/۶۵۳، ۲/۶۵۴، ۲/۶۵۵، ۲/۶۵۶، ۲/۶۵۷، ۲/۶۵۸، ۲/۶۵۹، ۲/۶۶۰، ۲/۶۶۱، ۲/۶۶۲، ۲/۶۶۳، ۲/۶۶۴، ۲/۶۶۵، ۲/۶۶۶، ۲/۶۶۷، ۲/۶۶۸، ۲/۶۶۹، ۲/۶۷۰، ۲/۶۷۱، ۲/۶۷۲، ۲/۶۷۳، ۲/۶۷۴، ۲/۶۷۵، ۲/۶۷۶، ۲/۶۷۷، ۲/۶۷۸، ۲/۶۷۹، ۲/۶۸۰، ۲/۶۸۱، ۲/۶۸۲، ۲/۶۸۳، ۲/۶۸۴، ۲/۶۸۵، ۲/۶۸۶، ۲/۶۸۷، ۲/۶۸۸، ۲/۶۸۹، ۲/۶۹۰، ۲/۶۹۱، ۲/۶۹۲، ۲/۶۹۳، ۲/۶۹۴، ۲/۶۹۵، ۲/۶۹۶، ۲/۶۹۷، ۲/۶۹۸، ۲/۶۹۹، ۲/۷۰۰، ۲/۷۰۱، ۲/۷۰۲، ۲/۷۰۳، ۲/۷۰۴، ۲/۷۰۵، ۲/۷۰۶، ۲/۷۰۷، ۲/۷۰۸، ۲/۷۰۹، ۲/۷۱۰، ۲/۷۱۱، ۲/۷۱۲، ۲/۷۱۳، ۲/۷۱۴، ۲/۷۱۵، ۲/۷۱۶، ۲/۷۱۷، ۲/۷۱۸، ۲/۷۱۹، ۲/۷۲۰، ۲/۷۲۱، ۲/۷۲۲، ۲/۷۲۳، ۲/۷۲۴، ۲/۷۲۵، ۲/۷۲۶، ۲/۷۲۷، ۲/۷۲۸، ۲/۷۲۹، ۲/۷۳۰، ۲/۷۳۱، ۲/۷۳۲، ۲/۷۳۳، ۲/۷۳۴، ۲/۷۳۵، ۲/۷۳۶، ۲/۷۳۷، ۲/۷۳۸، ۲/۷۳۹، ۲/۷۴۰، ۲/۷۴۱، ۲/۷۴۲، ۲/۷۴۳، ۲/۷۴۴، ۲/۷۴۵، ۲/۷۴۶، ۲/۷۴۷، ۲/۷۴۸، ۲/۷۴۹، ۲/۷۵۰، ۲/۷۵۱، ۲/۷۵۲، ۲/۷۵۳، ۲/۷۵۴، ۲/۷۵۵، ۲/۷۵۶، ۲/۷۵۷، ۲/۷۵۸، ۲/۷۵۹، ۲/۷۶۰، ۲/۷۶۱، ۲/۷۶۲، ۲/۷۶۳، ۲/۷۶۴، ۲/۷۶۵، ۲/۷۶۶، ۲/۷۶۷، ۲/۷۶۸، ۲/۷۶۹، ۲/۷۷۰، ۲/۷۷۱، ۲/۷۷۲، ۲/۷۷۳، ۲/۷۷۴، ۲/۷۷۵، ۲/۷۷۶، ۲/۷۷۷، ۲/۷۷۸، ۲/۷۷۹، ۲/۷۸۰، ۲/۷۸۱، ۲/۷۸۲، ۲/۷۸۳، ۲/۷۸۴، ۲/۷۸۵، ۲/۷۸۶، ۲/۷۸۷، ۲/۷۸۸، ۲/۷۸۹، ۲/۷۹۰، ۲/۷۹۱، ۲/۷۹۲، ۲/۷۹۳، ۲/۷۹۴، ۲/۷۹۵، ۲/۷۹۶، ۲/۷۹۷، ۲/۷۹۸، ۲/۷۹۹، ۲/۸۰۰، ۲/۸۰۱، ۲/۸۰۲، ۲/۸۰۳، ۲/۸۰۴، ۲/۸۰۵، ۲/۸۰۶، ۲/۸۰۷، ۲/۸۰۸، ۲/۸۰۹، ۲/۸۱۰، ۲/۸۱۱، ۲/۸۱۲، ۲/۸۱۳، ۲/۸۱۴، ۲/۸۱۵، ۲/۸۱۶، ۲/۸۱۷، ۲/۸۱۸، ۲/۸۱۹، ۲/۸۲۰، ۲/۸۲۱، ۲/۸۲۲، ۲/۸۲۳، ۲/۸۲۴، ۲/۸۲۵، ۲/۸۲۶، ۲/۸۲۷، ۲/۸۲۸، ۲/۸۲۹، ۲/۸۳۰، ۲/۸۳۱، ۲/۸۳۲، ۲/۸۳۳، ۲/۸۳۴، ۲/۸۳۵، ۲/۸۳۶، ۲/۸۳۷، ۲/۸۳۸، ۲/۸۳۹، ۲/۸۴۰، ۲/۸۴۱، ۲/۸۴۲، ۲/۸۴۳، ۲/۸۴۴، ۲/۸۴۵، ۲/۸۴۶، ۲/۸۴۷، ۲/۸۴۸، ۲/۸۴۹، ۲/۸۵۰، ۲/۸۵۱، ۲/۸۵۲، ۲/۸۵۳، ۲/۸۵۴، ۲/۸۵۵، ۲/۸۵۶، ۲/۸۵۷، ۲/۸۵۸، ۲/۸۵۹، ۲/۸۶۰، ۲/۸۶۱، ۲/۸۶۲، ۲/۸۶۳، ۲/۸۶۴، ۲/۸۶۵، ۲/۸۶۶، ۲/۸۶۷، ۲/۸۶۸، ۲/۸۶۹، ۲/۸۷۰، ۲/۸۷۱، ۲/۸۷۲، ۲/۸۷۳، ۲/۸۷۴، ۲/۸۷۵، ۲/۸۷۶، ۲/۸۷۷، ۲/۸۷۸، ۲/۸۷۹، ۲/۸۸۰، ۲/۸۸۱، ۲/۸۸۲، ۲/۸۸۳، ۲/۸۸۴، ۲/۸۸۵، ۲/۸۸۶، ۲/۸۸۷، ۲/۸۸۸، ۲/۸۸۹، ۲/۸۹۰، ۲/۸۹۱، ۲/۸۹۲، ۲/۸۹۳، ۲/۸۹۴، ۲/۸۹۵، ۲/۸۹۶، ۲/۸۹۷، ۲/۸۹۸، ۲/۸۹۹، ۲/۹۰۰، ۲/۹۰۱، ۲/۹۰۲، ۲/۹۰۳، ۲/۹۰۴، ۲/۹۰۵، ۲/۹۰۶، ۲/۹۰۷، ۲/۹۰۸، ۲/۹۰۹، ۲/۹۱۰، ۲/۹۱۱، ۲/۹۱۲، ۲/۹۱۳، ۲/۹۱۴، ۲/۹۱۵، ۲/۹۱۶، ۲/۹۱۷، ۲/۹۱۸، ۲/۹۱۹، ۲/۹۲۰، ۲/۹۲۱، ۲/۹۲۲، ۲/۹۲۳، ۲/۹۲۴، ۲/۹۲۵، ۲/۹۲۶، ۲/۹۲۷، ۲/۹۲۸، ۲/۹۲۹، ۲/۹۳۰، ۲/۹۳۱، ۲/۹۳۲، ۲/۹۳۳، ۲/۹۳۴، ۲/۹۳۵، ۲/۹۳۶، ۲/۹۳۷، ۲/۹۳۸، ۲/۹۳۹، ۲/۹۴۰، ۲/۹۴۱، ۲/۹۴۲، ۲/۹۴۳، ۲/۹۴۴، ۲/۹۴۵، ۲/۹۴۶، ۲/۹۴۷، ۲/۹۴۸، ۲/۹۴۹، ۲/۹۵۰، ۲/۹۵۱، ۲/۹۵۲، ۲/۹۵۳، ۲/۹۵۴، ۲/۹۵۵، ۲/۹۵۶، ۲/۹۵۷، ۲/۹۵۸، ۲/۹۵۹، ۲/۹۶۰، ۲/۹۶۱، ۲/۹۶۲، ۲/۹۶۳، ۲/۹۶۴، ۲/۹۶۵، ۲/۹۶۶، ۲/۹۶۷، ۲/۹۶۸، ۲/۹۶۹، ۲/۹۷۰، ۲/۹۷۱، ۲/۹۷۲، ۲/۹۷۳، ۲/۹۷۴، ۲/۹۷۵، ۲/۹۷۶، ۲/۹۷۷، ۲/۹۷۸، ۲/۹۷۹، ۲/۹۸۰، ۲/۹۸۱، ۲/۹۸۲، ۲/۹۸۳، ۲/۹۸۴، ۲/۹۸۵، ۲/۹۸۶، ۲/۹۸۷، ۲/۹۸۸، ۲/۹۸۹، ۲/۹۹۰، ۲/۹۹۱، ۲/۹۹۲، ۲/۹۹۳، ۲/۹۹۴، ۲/۹۹۵، ۲/۹۹۶، ۲/۹۹۷، ۲/۹۹۸، ۲/۹۹۹، ۲/۱۰۰۰، ۲/۱۰۰۱، ۲/۱۰۰۲، ۲/۱۰۰۳، ۲/۱۰۰۴، ۲/۱۰۰۵، ۲/۱۰۰۶، ۲/۱۰۰۷، ۲/۱۰۰۸، ۲/۱۰۰۹، ۲/۱۰۱۰، ۲/۱۰۱۱، ۲/۱۰۱۲، ۲/۱۰۱۳، ۲/۱۰۱۴، ۲/۱۰۱۵، ۲/۱۰۱۶، ۲/۱۰۱۷،

سمرقند درگذشت

ربیعان (۲/ ۲۱۸-۲۱۷)، سیر النبلاء (۱۸/ ۲۹۸-۲۹۷)،
معجم البلدان (۴/ ۵۱۱).

درجزینی شونیدی همدانی، شیخ ملا حسینی -
آخوند همدانی، ملا حسینی.

درجه‌ای اصفهانی، سید محمد باقر بن مرتضی بن
احمد. (۱۶۴-۱۲۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد،
مرجع تقلید و مدرس. در اصفهان به دنیا آمد. در محضر
میرزا محمدباقر چهارموقی و میرزا ابوالمعالی کلباسی
تلمذ کرد. سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف رفت
و از محضر استادانی چون حاج میرزا حبیب الله رشتی و
حاج سید حسین کوهکمری و میرزای طبریزی کسب
نیض نمود پس از بازگشت به اصفهان به امر تدریس
اشتغال یافت، و در آنجا مدرس منحصر به فرد فقه و
اصول به حساب می‌آمد. آیت‌الله حاج آقا حسین
پروچردی، مرجع بزرگ شیعه، از شاگردان وی بود. از
پس از فوت آیت‌الله سید اسماعیل صدر مرجعیت یافت
و چنانچه مراجع تقلید شد. درجه‌ای روحانی متقی و
پارمنده بود. در اصفهان درگذشت و در تخت بولاد،
در تکیه کازرونی دفن شد. از آثار وی «الفقه والاصول»،
در ۱۶ مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «مسائل»؛
حاشیه بر «متاجر»؛ «رسالة عملیه»؛ «الجبیر والتعویض».

ذکر، القبر (۱۹۱-۱۹۲)، رد گیانه رجال و مشاهیر
(۳/ ۲۰۲)، شرح حال رجال (۲/ ۳۰۲)، (۵/ ۲۱۸)،
طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/ ۲۲۵-۲۲۴)، سبج
رجال نجف (۱/ ۱۳۲)، معجم المؤلفین (۹/ ۹۶)،
مکارم الآثار (۵/ ۱۷۶۶-۱۷۸۰).

درخشان، مهدی. (۱۲۹۷-۱۳۷۲ ش)، نویسنده
مصحح، شاعر و استاد دانشگاه اصلاً همدانی بود.
تحصیلات خود را در رشته ادبیات فارسی به پایان برد.
سپس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در
دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به
تحقیق و مطالعه در زمینه زبان و ادبیات فارسی و معارف
اسلامی پرداخت. از آثار وی، «بزرگان و سخن‌مرايان
همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛
«تصحیح دیوان ناصر بخاری»؛ «تصحیح «نبوغ الاسرار

شیروانی حایری» (وف ۱۲۸۵/ ۱۲۸۶ ق)، فقیه اصولی و
رجالی. مشهور به فاضل دربندی. متراد و بزرگ شده
دریستد ایران. مدتی در کربلا ریست. او از شاگردان
شریف‌العلمای مازندرانی بود. در بلاغت و فصاحت
عرب و حجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت
پس نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص
العلماء» و میرزا سید محمدرفیع موسوی هندی، ملقب
به میرزا علی‌جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودند. در
تهران درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار
وی: «اسرار الشهادة» یا «اکسیر العبادات فی اسرار
الشهادت»، و ترجمه نستی از آن به نام «سعادات
ناصری»؛ «جواهر الايقان»؛ «الجوهرة» یا «جوهر
الصناعة»؛ در اسطرلاب؛ «خزائن الاحکام»؛ «خزائن
الاصول»؛ «قوامیس القواعد»؛ در رجال؛ «نوامیس
الصناعة فی فنون الاخبار»؛ در اخبار و ترجم.

الاعلام (۱/ ۱۸۰۱۷)، اعیان الشیعه (۲/ ۸۸-۸۷)،
الذریعه (۲/ ۲۶، ۲۷۹/ ۵، ۴۸۹/ ۵، ۴۹۱/ ۷، ۱۵۲/ ۷، ۱۵۳/ ۷)،
ربیعان (۲/ ۲۱۶)، شرح حال رجال (۳/ ۱۲۸-۱۲۷)،
تضمن النبلاء (۱۰۷-۱۱۳)، الکافی و الاقطاب (۲/ ۲۲۸-۲۲۹)،
فتا نامه (دیل / فاضل)، المآثر و الآثار (۲/ ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴)،
معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۶۹-۱۰۷۰)،
هدیه الاحباب (۱۳۲-۱۳۵).

دربندی، میرزا حیدر آغاسی وزیراف. (ر ۱۲۵۷ ق)،
نویسنده و مورخ. از آثار وی، «معجم الملوك فی ذکر
سلاطین حجم»؛ در تاریخ.
«مستزادة کتابهای فارسی» (۲/ ۱۰۶۹-۱۰۷۰).

دربندی بلخی، ابوالولید حسن بن محمد. (وف
۴۵۶ ق)، حافظ، محدث و صوفی. از محدثان بنام عامه
در مده پنجم هجری است که بری جمع آوری حدیث
از بلخ و بخارا تا اسکندریه و قاهره سفر کرد. او در بلخ از
علی بن احمد خزاعی و در بخارا از ابوعبدالله محمد بن
احمد غنجار و در نیشابور از ابوزکریا مزنگی و ابوبکر
حیری و در هرات از ابومصنور ازدی و در استرآباد از
بندوبین محمد و در عراق از ابوعمر هاشمی و در شام از
ابن ابی نصر و در مصر از ابوعبدالله بن کطفی حدیث
شید ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعلی حداد و ابوعبدالله
قراوی و زاهر بن زاهر شحامی از وی روایت کرده‌اند. در

می صبیح الابرار؛ تصحیح «المستخلص» یا جوهر القرآن؛ تصحیح «مرآت الحیاة»؛ «مقامات رضا (ع)»؛ «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی»

بررگان و سخن سراپاد، همدان (۱۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹/ ۳۹۷).

دردزده استرآبادی، صلی. (ز ۸۴۰ ق)، شاعر، از شاعران مشهور خطه مازندران و گیلان در روزگار خرد بود و از اقربان مولانا کاتبی، بن رباعی را در مرگ همسرش سروده است:

زین واقعه چون دل به دو نیم است مرا
از سودن خویشتن چه بیم است مرا
گم شد صدفی چنین به دردزدی من
دری دو سه در خانه یتیم است مرا
تاریخ نظم رنر (۲۹۷)، تذکره الشعراء (۴۲۸-۴۲۹).

دردی افشار، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به دردی از طبایفه افشار بود و در عهد شاه عباس صفوی می زیست و غزل را استادانه می سرود. از اوست
نیستم راخصی که گوید غیر پیغام ترا
بی ادب ترسم که آرد بر زبان نام ترا
آتشکده آثار (۵۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۷)، دانشمندان ادبیایران (۱۴۶)، الذریعه (۹/ ۳۲۱)، فرهنگ سخنوران (۳۳۶)، مجمع الفوائد (۱۲۸).

دردی نویسرکانی، میر ابرهیم، (س دهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به دردی. «هل نویسرکان از توابع همدان بود. برای تحصیل دانش به همدان رفت. او با صادقی افشار، کتابدار شاه عباس صفوی آشنایی داشت. در می نقاشی و شعر مهارت یافت و سپس به کرمان مهاجرت کرد و در بقعه شاه نعمت الله ولی عزلت گزید. او است:

ما کرده ایم قطع سطر از وفای تو
صد جان فدای جور محبت برای تو
هرکس که آشنای تو شد روز خوش ندید
خوشوقت آن کسی که نشد آشنای تو

احوال و آثار خوشنویسان (۱۵/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، بررگان و سخن سراپاد، همدان (۱/ ۲۵۰)، ۲/ ۲۲، الذریعه (۹/ ۳۲۱)، مجمع الفوائد (۹۲).

دردی، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، (وف ۴۱۱/۲ ق)، عالم اسماعیلی. معروف به نوشتن وی از مؤسسان مذهب درویشه است و نام این گروه مأخوذ از شهرت اوست. درری ایرانی نژاد و اهل بخارا بود. در اواخر ۴۰۷ ق به مصر رفت و به خدمت حلیمه فاطمی رسید. گریند خلیفه او را برای نشر دعوت خویش به شام فرستاد و وی در شام کشته شد، ولی به موجب روایات درویشه، وی در اواخر عمر از خلیفه برگشت و به او به دشمنی برخاست.

تاریخ و طبایع اسماعیلیه (۲۲۹-۲۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۹۶۸).

درکی قمی، مولانا محمدآمین، (وف ۱۰۶۳ ق)، شاعر، متخلص به درکی، در قم متولد شد. پس از فراگیری علوم رسمی، به هند رفت و مدتی در حیدرآباد تحت تربیت امیر محمد مؤمن استرآبادی قرار گرفت و پس از مدتی در ۱۰۱۷ ق به قم مراجعت کرد و دوباره به هند رفت. در زمان تألیف «تذکره خیرالبیان» در بیجاپور به قلم می برد، درکی در بارگشت از دکن چندی در هرات به قلم می برد و در آنجا مدتی ملازم حسنخان شامور، بیکلریبکی خراسان، بود. سرانجام به زندگانش بازگشت و همانجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، حدود سی هزار بیت.

آتشکده آثار (۳/ ۱۲۵۰-۱۲۴۸)، تذکره بصوفیانی (۲۴۷)، الذریعه (۹/ ۳۲۲-۳۲۱)، کدرون هند (۱/ ۴۰۶-۴۱۲).

درگاهی، امیر ارسلان خان، (۱۲۸۱-۱۳۵۲ ش)، برارنده، از سادات نوازان مشهور در زمان خود بود. در تهران به دنیا آمد و از کودکی به ساز علاقه داشت و بدون معلم سهار می زد. او جهت فراگیری هنر نقاشی به مدرسه کمالالملک رفت و مدتها به تحصیل این هنر مشغول بود. از پانزده سالگی برای یادگیری موسیقی به کلاس درویش خان رفت و یکی از شاگردان برجسته و بزرگ او به شمار می آمد. درگاهی علاوه بر نواختن سهار که ساز تخصصی ش بود، در نواختن تار نیز تبحر داشت. مصححاتی از وی همراه با صدای تاج اصفهانی و قمرالملوک وزیری در دستگاهها و مایه های مختلف ردیف آواری ایرانی موجود است.

تذکره شعرائ معاصر اصفهان (۱۹۵۰-۱۹۶۳).

درویش یوهان، شیخ علی بن ابراهیم، (ص دهم ق)، عالم امامی. ملقب به درویش پسرمان. از آثار او: «بحر المناقب» در فضایل امیرالمؤمنین (ع)، به عربی و مختصر آن «در بحر المناقب»، به فارسی، که قبل از ۹۷۱ ق تألیف و اختصار شده است.

رجاله (۲/ ۲۱۸)، الدرر (۳/ ۲۹۸-۳۸)، ریاض العلی، (۲/ ۲۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۱۵۱).

درویش بیگ، میرزا علی، فرزند اویکو تیمور، (ص نهم ق)، شاعر. در «مجالس النعاس» آمده: «جوانی است به حسب و نسب آراسته و طبعش به حلیه نظم و خوبی پیرامنه» این مطلع از اوست:

ببین به نیر مقیری که گشته مستم است
کز آتش دل و از نازک نوازش صلم است
الدرر (۹/ ۳۲۲)، مجالس النعاس (۵۴)

درویش تهرانی، (ص دهم ق)، شاعر. سام میرزا می نویسد: «از تربیت خراسان است، تخلص به اطوارش مناسب در طلب علم اندکی سعی کرده و گاهی مثل این ابیات در شبک نظم می آورد:

تا از رخ جو ماه گشودن نقاب را
نایی نمالد پیشی رخت آفتاب راه
حجۃ سلس (۲۵۴)، کلدیه (۹/ ۲۲۲).

درویش حسن، (ص سیزدهم ق)، خواننده اهل اصفهان بود و در دوره ناصرالدین شاه قاجار می زیست. احتمال می رود «گوشه حاجی حسنی» که در اصلپ دستگاهها نواخته می شود، از او باشد. از شاگردان وی، میرزا حسن خاکی بزرگ، میرزا ابراهیم خاکی کوچک، رحیم زری باب، رحیم خواجویی، ابراهیم آقاباشی و موسی معروفی بودند. «بیات درویش حسن» در آوار صفهان منسوب به اوست.

استادان موسیقی (۶۰)، تاریخ موسیقی (۳/ ۶۵۹، ۶۷۴، ۶۷۵، ۷۲۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۶۹).

درویش حسن، (ص نهم و دهم ق)، خطاط قطعه ای به خط وی در کتابخانه خربنه اوقاف استانبول است، به

تاریخ تحول شیط موسیقی (۱۹۶، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۵۶، ۳۵۶، ۳۸۵)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)، سبای هنرمندان (۱/ ۱۵۹)، مرغان موسیقی (۳/ ۱۸۲-۱۸۳).

درگاهی، میرزا محمود به دستانی خاندانی.

درگزینی همدانی، حسینقلی به آخرند همدانی، ملا حسینقلی.

دروود آبادی همدانی، سید حسین بن محمد تقی، (۱۲۸۰-۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، فقیه مجتهد و عارف وی پس از تحصیلات مقدماتی به عراق مهاجرت نمود و از محضر میرزای شیرازی در سامرا و میرزا حبیب الله ربشی و میرزا حسین خلیلی و ملا حسینقلی همدانی در نجف بهره برد. در حدود ۱۳۱۸ ق به همدان بازگشت و هجده سال امور شرعی گردید. در همدان درگذشت. از آثارش: «ثنیه الراقدین و جمال الراقدین»، در اخلاق؛ «در المنصود فی اجوبة مسائل اليهود»، شرح اسمیه الحسنی، عربی؛ «التشیرس الطلیعة فی شرح زیارة الجامعة»، عربی.

الدرر (۸/ ۷۸، ۱۰/ ۸۷، ۱۳/ ۸۹، ۱۲/ ۲۲۲، ۱۷/ ۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۵۴۲-۵۴۳)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۳۳۷-۱۳۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۱۳).

درویش احمد، (۴)، خطاط. از آثار وی: یک لوحه ریحان و ثلث شش دانگ و نسخ و رقاع دودنگ عالی، با رقم. «کتبه القبر السید، درویش احمد عفر ذنبه و متر غیره».

احوال و آثار خوشویسان (۴/ ۱۰۲۴).

درویش اشرف به اشرف مراغه ای.

درویش اصفهانی، محمد حسن، (ص سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به درویش. از اهالی چهارمحال بود. از اوست:

تدائم آن بت هابد فریب زاهد کیش
ز خون کیست که رنگین نموده پیچۀ خویش

قلم لیم در دانگ و ککات خوش، با رقم «مشفه درویش حسین»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۴۱).

درویش حسین، (س دهم ق)، نقاش. از نقاشان خوش دست زمان خود بود. از آثار رقم دار وی: تصویر مردی در قیافه چینی ها در لباس رومی، با رقم: «مشفه درویش حسین نقاش».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۱).

درویش خان، غلامحسین، فرزند بشیر طالقانی (۱۲۵۱-۱۳۰۵ ش)، موسیقیدان و نوازنده معروف به درویش خان، پدرش با سه تار آشنایی داشت و علامحسین را درویش خطاب می کرد و این نام بر او ماند. درویش در درالعلوم به فراگرفتن حله موسیقی و نواختن شیپور و طبل کوچک مشغول شد. او ابتدا در دسته مرربک ملحق بود. تار را از آقا حسینقلی فراگرفت و بعد نوازنده مخصوصی شعاع السلطنه، پسر مظفرالدین شاه قاجار، شد. او پس از آقا حسینقلی و میرزا عبداللّه بهترین نوازنده تار در عصر خود بود. بعد از مدتی به شیراز رفت و پس از چندی به تهران مراجعت و در منزل خود کلام موسیقی دایر کرد. درویش خان در سلک اخوان صفایی درآمد و به علی خان صفاعلی شاه ظهیرالدوله سر سپرد. او در کتسرتهای آن زمان که در انجمن اخوت اجرا می شد، شرکت می کرد و همواره صحت ریاضت او کسب را داشت. وی در موسیقی سنتی ایران تحولی ایجاد کرد، چنانکه پیش درآمد را از ترآورهای غلامحسین درویش می دانند. وی دوبار برای ضبط صفحه به خارج از ایران سفر کرد. سفر اول به اتفاق حسین هگ آرمین، باقرخان (مشگر، حبیب الله شهردار، امین الله خان و اکبرخان فلوتی از راه روسیه به لندن، سفر دوم به اتفاق باقرخان ظاهراده، آتبال السلطان، عبدالله دوامی به تقییم، از شاگردان معروف وی، مرتضی بی داوود، موسی معروفی، ابوالحسن صبا، ارسالان چراگامی و عبدالله دادور بودند. این استاد شعی از منزل یکی از دوستان به خانه می رفت که درشکه اش با اتومبیلی تصادف کرد و بر اثر ضربتی که به سر او وارد آمد، جان سپرد. وی را در جنوار مرار ظهیرالدوله که تبرستان درویشان صفایی است، به خاک سپرده اند از آثار وی:

«پیش درآمد» «ارنگها» «تصبیهها» «قطعات متمرکه» و «کسرتهها».

استادان موسیقی (۵۷)، تاریخ برگردگان (۵۵۸-۵۵۷)، تاریخ سحرول عیبط موسیقی (۱۴۱-۱۴۲)، تاریخ موسیقی (۱/ ۲۸۶، ۲/ ۴۸۳، ۵۴۳، ۵۹۰، ۶۸۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۹۷۶-۹۸۰)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۵۳)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۲۵-۲۹۸)، سیمای هنرمندان (۱/ ۲۵، ۱۰۱، ۳۰۰)، شرح حال رجال (۱/ ۲۹۲-۲۹۵)، کارنامه برگردگان (۳۹۶-۳۹۴)، لعب نامه (دیل/ درویش)، مردان موسیقی (۱/ ۳۳-۲۷).

درویش خراسانی، ملا درویش محمد، (ز ۹۲۸ و)، نقاش و شاعر در تذکره «مجالس النفاث» آمده. از خراسان است و برادر محمد مؤمن میرزا، اول رنگ و روغن کاری می کرد، چون به ملازمت استاد بهراد رسید، عشق تصویر و نقاشی پیدا کرد و استاد نیز به تربیت او مشغول شد و در اندک فرصتی کامل شد. صبع بیک دارد. او است.

کجا مجنون چو من در عشق درد و محنتی دارد که او از عاشقی چیزی که دارد، شهرتی دارد. تنها اثر رقم دار وی، تصویر دو رزم آور جنگی در کمال استواری و استادی است، که به خط نستعلیق رقم نهاده. او عمل استاد درویش محمد.

احوال و آثار سفانان (۱/ ۱۷۲-۱۷۱)، ۲/ ۱۲۴۹-۱۲۵۰، تذکره روز روشن (۲۵۹-۲۶۰)، قدریه (۹/ ۳۲۲)، فرهنگ سخوران (۳۳۷)، مجالس السان (۱۵۴).

درویش خلیلی، (س نهم ق)، شاعر، از آثار وی: «تجربه المشای»، مثنوی عرفانی به سبک «مثنوی معنوی» مولانا جلال الدین محمد بلخی است. منظومه های فارسی (۲۶۵-۲۶۶).

درویش خوانساری، درویش احمد، (س یازدهم ق)، شاعر، از شعرای عصر صفویه و مردی وارسته و راهد بود. وی بیشتر عمر خود را در سیاحت و مسافرت بود و بیشتر ایام در اصفهان اقامت داشت. از او است: عارف که به حق شد آشتاء می ترسد بیگانه جاهل از کجا می ترسد

هر کس که به پادشاه نزدیکتر است
البتّه گه پیشتتر ز ما می‌رسد
تذکره شعرائی خوانسار (۵۲)، تذکره نصرآبادی (۳۸۱)،
الدریّه (۳۲۲/۹)، صبح گلشن (۱۶۲).

درویش دهکی قزوینی، عزیزالله (ز ۸۶۱ ق)، شاعر.
اصول وی از محله دهک قزوین بود. در روزگار سلطان
حمید یاقوا به هرات رفت و در آن شهر با امیر علیشیر
نوابی و جامی محصور بود. او از راه جولاهگی و خشت
مالی روزگار می‌گذرانید و در سرودن عزل توانا بود. از
وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

آتشکده: تذ (۱۱۵۹-۱۱۶۶)، تاریخ نظم و نثر
(۲۲۰)، تحفه سامی (۱۸۶-۱۸۷)، حبیب‌المیر (۲/
۶۱۰-۶۱۱)، الذریعه (۳۲۳/۹)، طرائق الحقائق (۳/
۱۳۲-۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، مجالس العائس
(۲۹۳-۲۹۴)، مسطور (۲/۲۲۹، ۵۲۵-۵۲۶)، هفت
اقلیم (۲/۱۶۸-۱۶۹).

درویش سرخسی (ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به
درویش. از اهالی سرخس بود و با اینکه مردی عامل
بی‌سواد بود ولی طبعی موزون داشت و اشعار قطره‌ای
می‌سرود از اوست

گشتم به دیده و دل نقش پروان ترا
ببین به چشم که چون می‌گشتم گمان ترا
تذکره روروش (۲۵۹)، الذریعه (۳۲۳/۹)، مجالس
العائس (۱۶۸).

درویش سمرقندی، محمد (س دهم و یازدهم ق)،
خطاط. از آثار وی قطعه‌ای در کتابخانه سلطنتی موجود
بوده است، به قلم سه‌دانگ خوش، با رقم: «فقیر محمد
درویش السمرقندی غفر ذنوبه».
سوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶/۲).

درویش شمس کاتب (ز ۱۰۲۸ ق)، خطاط. از آثار
وی، یک قطعه ثلث خودانگ جلی عالی و نسخ و رفاع
کتابت جلی خوش، با رقم: «مشقه درویش شمس الکاتب
فی حجه ۱۰۲۸ من هجره»
حوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۵/۲).

درویش شیرازی، ملا درویش حسین مذهب. (س
دهم ق)، شاعر و مذهب. وی علاوه بر مهارت در شعر
در صنعت تذهیب نیز ماهر بود. در روزگار اکبر شاه به
هند رفته چند واهی از او به یادگار مانده است. از او
است:

اول خط اگر چه زب و رخسار کند
ور سسپل تر زینت گلزار کند
تا در نگری کند به رخسار بتان
آن کار که بسا آینه رنگار کند
تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره روروش (۲۶۰)،
دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۵/۲)، فرهنگ
سخنوران (۳۲۸)، مرآت الفصاحه (۲۱۳-۲۱۴).

درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۵۰-۱۱۸۸/۱۱۸۸
ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مجید و خموش. وی از
مردم طالقان قزوین بود. در آثار جوانی به اصفهان رفت
و معلومات خود را در آنجا تکمیل کرد و سرآمد
هنرمندان فن خط شد. او از معاصران طاعلی بیگ آذر
بیگدلی بود. عبدالمجید برجسته‌ترین استاد خط شکسته
سبعمیق است، همانطور که خط سبعمیق به دست
میرعماد کمال یافت، خط شکسته را نیز درویش به حد
اعلی رسانید. او شش‌دانگ جلی را چون کتابت خفی و
عبان، استوار و شیرین می‌نوشت. وی علاوه بر شکسته
سبعمیق، سبعمیق و شکسته تعلیق را سیر خوش
می‌نوشت. او در سرودن شعر نیز توانا بود و «دیوان»
فهرانش در حدود هزار و پانصد بیت است. میرزا
کسرچک اصفهانی، فصلعلی بیگ دلبی و خواجه
ابوالحسن قسائی از مهمترین شاگردان او بودند. درویش
عبدالمجید در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد،
روبروی تکیه میرفندرسکی دفن شد. از آثار وی: مرقع
(۴۰ رقمه) شکسته نیم دودانگ و کتابت خفی و عیان
ممتاز، یا رقمهای: «...سنه ۱۱۷۹ در دارالسلطنه
اصفهان... بنده باخلاص عبدالمجید» و «...تحریر شد
المجد المجید ۱۱۸۲» و «...حرره المجد الاقل عبدالمجید
فقیر تاریخ ۱۱۸۲ در دارالسلطنه اصفهان» و «فعل از خط
استادی شفیعا بمرد بنده کمترین عبدالمجید درویش
سنه ۱۱۷۳» و «...تاریخ ۱۱۸۴ مسوده نمرد عبدالمجید
فقیر» و «... از گرانیهاترین آثار وی، جر مقلعات و مرقعات
متعدد، نسخه «کلیات» سعدی است که در کتابخانه

سلطنتی مضبوط بوده است.

آثار مجیم (۵۶۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۱۴)،
 ۴/ ۱۲۶۲-۱۲۶۴، اطلس خط (۶۲۱۶-۶۲۱۸)، پیدایش
 عبط و خسطاطان (۱۲۷-۱۲۶)، تاریخ اصطفهان
 (۱۳۱-۱۳۴)، تاریخ هنرهای سری (۲/ ۹۲۷-۹۳۰)،
 تذکرة رور رؤس (۲۵۹، ۷۱۶-۷۱۷)، تذکرة القصور
 (۳۱۹)، الذریعة (۹/ ۳۲۳، ۳۲۴، ۶۹۸)، ریحاته (۲/ ۲۱۸-۲۱۹)،
 سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۵۲)، سفینه
 المحمود (۱/ ۳۰۳-۳۰۱)، شرح حال رجال (۲/ ۳۰۱)،
 صبح گلشن (۲۶۷)، طرائق الحقائق (۳/ ۱۶۵)، فرهنگ
 سحران (۳۲۸-۳۲۹)، قریب در گذرگاه مصر (۲۲۹)،
 کارنامه بزرگان (۲۷۶-۲۷۷)، فتنه نامه (دیل / درویش)،
 مجمع المصباح (۵/ ۹۳۱-۹۳۲)، ستیج الانکار
 (۶۶۹-۶۷۰)، نگارستان دارا (۲۵۰-۲۵۱)، بشما (س ۳،

ص ۳۸)

درویش عیدی بخارایی. (وف ۱۰۵۷ ق)، خطاط. در
 اصطفهان به خدمت میرعماد رسید و از وی تعلیم خط
 گرفت. به مسافرت و سیاحت پرداخت و در دولت
 سلطان مرادخان چهارم، به خاک عثمانی رفت و در
 استانبول به خدمت او رسید و مدتها معرّض می‌زیست. وی
 به خواهرش محمد پاشا صدراعظم، شاهنامه‌ای نوشت و
 در سفر عثمانی به سلک مشایخ طریقه مولویه درآمد.
 درویش عیدی اویس خوشنویسی است که خط نستعلیق
 ایرانی را به دولت عثمانی برد. وی معاصر عبدالجبار
 اصمعهانی بود و در استانبول درگذشت. از آثار وی: یک
 نسخه «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت حقی و در آخر، یک
 صفحه کتابت خوش، که چنین تمام می‌شود: «قد وقع
 الفراغ من کتابة کتاب المثنوی الشریف... درویش عیدی
 المولوی... سنة ستة و عشرين و الف من لحره الیوبة»؛
 هشت قطعه از دو مرقع، به قلمه‌ای پنج دانگ تا کتابت
 خوش، با رقمهای: «عبر درویش عیدی عمره» و «العبد
 الفقیر المدب عیدی» و «المدب عیدی عمره» و «مثنی
 عیدی» و «العبد الحقیر... درویش عیدی عمره سنة
 ۱۰۴۱»؛ یک مکتوب ترکی به سلطانم یرهان‌الدین
 اندلی، به قلم نستعلیق تحریر کتابت متوسط، با رقم: «من
 المخلص الداعی عیدی الحطاح»؛ یک مرقع یازده
 رقمه‌ای، به قلم خودانگی منسوخ، با رقم: «العبد المدب
 الفقیر درویش عیدی»؛

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۲۳-۴۲۴)، اطلس خط
 (۵۳۹-۵۴۰)، پیدایش خط و خطان (۱۲۶-۱۲۷)، تاریخ
 هنرهای سری (۲/ ۹۲۷-۹۳۰)، تذکرة الحطاطین (۱/ ۵۰۹-۵۱۰)،
 تذکرة النصور (۳۱۹)، خوشنویسان و
 هنرمندان (۴۲)

درویش علی (ر ۸۶۹ ق)، خطاط. از کتابان
 خوشنویس و از متقدمین نستعلیق نویسان بود. از آثار
 وی: یک نسخه «دیوان» جامی، به قلم نستعلیق کتابت
 حقی متوسط، به شیوة اظهار، با رقم: «قم
 الکتاب... درویش علی ستارالله هیویه فی اواخر محرم سنة
 تسع و ستین و ثمانمائة ۱۸۶۹»، متعلق به کتابخانه حاج
 سید نصرالله تهری
 احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۵۵-۴۵۶).

درویش علی شماع، (س نهم ق)، پزشک و شاعر،
 متخصص به درویش. وی از پزشکان ماهر و مسلم روزگار
 خود بود که علاوه بر طبابت شعر نیز می‌سرود و بیشتر
 در غنی محمدا هنرنمایی می‌کرد
 الذریعة (۹/ ۴۲۳)، مجالس النعاس (۸۲، ۲۵۸-۲۵۷).

درویش علی پوزجانی. (س دهم ق)، نویسنده. وی از
 نویسندگان بنام سده دهم هجری است که کتاب «مقامات
 احمد جام ژنده بین» را به سال ۹۲۹ ق به پایان رسانید
 وی مطالب این کتاب را از «مقامات» محمد غربوی و
 «خلاصة المقامات» اقتباس کرده است
 احوال و آثار احمد جام، تاریخ نظم و نثر (۵، ۸)،
 مقامات ژنده بین (۸۳).

درویش علی مشهدی. (وف ۱۳۱۰ ش)، شبیه خوان.
 از اهالی قریه میگون بود. در جوانی در تکیه دولت در
 نقش حضرت علی اکبر و حضرت قاسم (ع) شبیه خوانی
 می‌کرد. وی در قریه میگون عده‌ای را تربیت کرده بود که
 در ماههای هزادری در تکیه میگون تهره می‌خواندند.
 درویش علی در حدود نود سالگی درگذشت.
 تاریخ موسیقی (۱/ ۴۱۴-۴۱۵)

درویش علی هروی، قرزند میرزا علی چنگی
 هروی. (س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به ابن

در هر نفس که از دل آگاه می‌زنی
صیقل به روی آینه از آه می‌زنی
بوستهای طول امل عمر باوصاست
بی جا گره به رشته کوتاه می‌زنی
تذکره شمسی آذربایجان (۲/ ۲۳۳-۲۳۴)، تذکره
نصرت‌آبادی (۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۹-۱۵۰)،
مشوران آذربایجان (۳۶۱)

درویش محمد خراسانی - درویش خراسانی.
درویش محمد کاتب، (ر ۹۳۵ ق)، خطاط به خط وی
یک نسخه «گلستان» سده‌ی در کتابخانه سلطنتی موجود
بوده، به قلم نیم در دایره متوسطه یا رقم «تمام شد کتاب
گلستان... سنه ۹۲۵ علی پدال عبد الضعیف درویش محمد
الکاتب غفر الله ذریعه».
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۸۷).

درویش مشهدی - (س نهم ق)، شاعر. وی از شاعران
هجوگویی است که در اقسام شعر توانایی داشته و با
مزلک «مجالس القهاس» هم عصر بوده است. از اوست:
الهی شیوه‌ای زوری کن این نفس سنگ آمارا
که از درهای دیوان بهر نان فارغ کند ما را
الذریعه (۹/ ۳۲۲)، مجالس القهاس (۶۳).

درویش مقصود تبریزی - (س دهم و یازدهم ق)،
خطاط. از وی دو اثر مشاهده شده که فاصله بین تاریخ
کتابت آنها بسیار است و احتمالاً یکی از دو تاریخ
تحریر شده است. این دو اثر بدین شرح است. دو قطعه
مذهب ثلث نیم در دایره کتیبه عالی و سحر و رقص نیم
در دایره جلی خوش. یا رقم: «حسب المرمودة جناب
سیادت مآب امیر زین الدین علی الصفوی سلمه الله تعالی
فی الدارین نوشته شد. ثمنه مقصود التبریزی فی شهر
سنه ۹۸۰...» یک قطعه مذهب ثلث چهار دایره کتیبه
عالی و نسخ کتابت جلی متوسط و رقص نیم در دایره
خوش. یا رقم: «الفقر درویش مقصود فی محرومة
المارس جهت توفیق آثاری نورالدین محمد نوشته شد
تحریراً فی ۱۰۹۸».
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۶۷).

درویش منصور سبزواری - (س نهم ق)، شاعر و

چنگی. در بخارا به دنیا آمد و همان جا به تحصیل
پرداخت. وی موسیقی را از پدرش آموخت و در فن
موسیقی و نواختن ساز استاد شد. چنگ و دو تار و قانون
را به خوبی می‌نواخت و در نوازندگی و ساختن تصنیف و
آهنگ زیر دست بود. درویش علی شعر نیز می‌سرود و
برای آهنگها و تصنیف‌های خود شعر می‌ساخت. او از
ملازمان و رامشگران دربار هیدالله خان اوزبک بود. این
چنگی «رساله‌ای در موسیقی دارد که نسخه اصل آن در
روسیه و نسخه عکس آن در افغانستان است

تاریخ نظم و نثر (۶۰۱)، تاریخ موسیقی (۱/ ۲۲۹)،
۳۲۵-۳۲۶

درویش غیاث - (س دهم ق)، شاعر. وی برادر
حاجه امیربیک مهرداد بود، گاهی در عراق عرب به سر
می‌برد و به امر وزارت اشتغال داشت. یک قطعه شعر از
وی، در جواب شاعری که هجری به وی گفته، در تذکره
نسخه سامی نقل شده است
نسخه سامی (۹۲)، الذریعه (۹/ ۳۲۳).

درویش قاضی، درویش علی - (س سیر دهم و
چهاردهم ق)، شاعر. از مردم قاین و از شمرای عهد
فتحعلی شاه قاجار بود. در اصفهان تحصیل علوم کرد. از
اوست:

من و رقیب نشستیم هر دو بر سر راهت
به جانب که فتد تا ز راه لطف نگاهت
بهارستان (۲۸۰)، الذریعه (۹/ ۳۲۴) سفینه المحموده
(۲/ ۵۸۲-۵۸۳)، مجمع المصنوع (۲/ ۲۹۰)، مصطفی
حجاب (۶۳).

درویش قربانعلی کوهسره - (ز ۱۲۱۶ ق)، خطاط. از
آثار وی: یک قطعه از مرقع ثلث سه دایره جلی خوش و
نسخ کتابت جلی خوش و رقص کتابت خفی متوسطه با
رقم: «الاقبل الذاعی درویش قربانعلی کوهسره... سنه
۱۲۱۶».
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۶۷).

درویش کاهن تبریزی - (س یازدهم ق)، شاعر. اهل
تبریز و ساکن قزوین و شیراز بوده است از اوست.

صوفی. از شاهان نامی هرات بود و در تصوف شاگرد حافظ علی جمی. او در علم عروض شاگرد مولانا یحیی سبیک قنچی نیشابوری بود و امیر حبیب‌نورایی عروض را از وی فراگرفت. وی قصیده، مصنوع سلمان سارچی را تتبع کرده با مطیع.

بس دویسدم در هسوی وصل یار
کس ندیدم آشنای اصل کار
وی ظاهراً رساله‌ای در علم عروض داشته است.
تاریخ نظم و نثر (۳۳۲-۳۳۵)، مجالس المجالس (۲۰۶).

درة المعالی، فرزند سید عسی شمس المعالی، (۱۲۵۶-۱۳۰۳/۱۳۰۴ ش)، مدرّس. از خدمتگزاران فرهنگ ایران و بنیان‌گذار دبیرستانهای درة المدارس و محدثات. چند ماه قبل از فوت ایرج میرزا جلال‌الممالک درگذشت و ایرج در تلای او گفته است:

مرا ز مرگ تو قامت هلال‌وار خمید
بر آرز سر بگر قامت هلالی را

وی مقدمات علوم را نزد پدر و علوم جدید را نزد استادان وقت فراگرفت و در شعر و ادب فارسی و عربی تبحر یافت. وی در آن سالها که از جمعیت‌های خیریه‌ها پرورشگاهها خبری نبود عده‌ای از یتیمان و کردگان بدون سرپرست را به خرج خود نگهداری می‌کرد. کمک‌های مادی و معنوی بسیار می‌نمود و مجلس تلاوت قرآن در ماه رمضان برپا می‌کرد. وی در تهران بر اثر سکنه قلبی درگذشت و در خانه شخصی خود به خاک سپرده شد.
از صبا تا صبا (۲/ ۳۸۸)، کارنامه نشان (۱۲۸-۱۳۱)، مشاهیر زمان (۹۶-۹۷).

دزی، شیخ ضیاء‌الدین، فرزند ملا ضلامرضا بن محمد علی، (۱۲۹۳-۱۳۷۵ ق)، عالم دینی، مجتهد، ادیب، حکیم و مدرّس. در قریه دُر، واقع در شمان اصفهان، متولد شد پس از اتمام دوره ابتدایی در ۱۳۰۹ ق جهت ادامه تحصیل به اصفهان مسافرت کرد و در اصفهان و تهران و نجف به تحصیل پرداخت. پس از رسیدن به درجه اجتهاد به تهران بازگشت. وی در علوم عقلی، در تهران از شاگردان میرزا محمد حسن کرمانشاهانی بود در ۱۳۲۷ ق مدرسه همت را تأسیس نمود. در تهران درگذشت از آثار وی: «اصول‌الدین استدلالی»، «امعات المسترشدين» یا «اصول عقید

فارسی»، «تاریخ انبیاء اولوالعزم»، «تاریخ مختصر رجال عالم»، «تاریخ وهابیه»، «جبر و اختیار»، «انصاب مذهب»، «اصیاء الاخلاق»، «ضیاء الصراف»، ترجمه «تاریخ الحکماء».

تذکره القیوم (۳۹۲)، الذریعه (۱۵/ ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۶/ ۳۰۶، ۱۷/ ۱۲۲)، تذکره رجال و مشاهیر (۲/ ۲۱۲-۲۱۴)، معجم رجال سجد (۲/ ۵۷۵-۵۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۶۶-۵۷۰).

دزی شوشتری، (من سیر دهم ق)، تذکره نویسی. از آثار وی: تذکره «چمن سرور»، که برای امیرزاده اسماعیل مرعشی تألیف کرد؛ «اقبالنامه» تنظیم فهرست و نگارش دیباچه و ملحقات «سفینه خوشکوه» به دستور محمد علی میرزای دولتشاه که پس از وی سرزندش حشمت‌الدوله آن را تکمیل کرد و حدود دوازده سال تنظیم و جمع‌آوری این نسخه مشغول، به طول انجامید. تاریخ تذکرات فارسی (۱/ ۷۱۳-۷۱۶)، فهرستواره کتابهای فارسی (۱/ ۳۱۰).

دزی مهریزی یزدی، سید جلال‌الدین، فرزند سید محمد رضا، (۱۲۸۱-۱۳۳۱/۱۳۳۲ ش)، عالم دینی و خطیب از شاگردان آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی بود. در تهران درگذشت و در سامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از آثارش: «چهار شب جمعه»، در ربّه نهائیت، «جدول المیراث»، «المیراث».
آیه دانشوران (۶۹-۷۰)، الذریعه (۵/ ۳۱۳)، تذکره رجال و مشاهیر (۲/ ۲۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۵۸-۳۵۷).

دریای اصفهانی، رضا، فرزند سید قحط‌الدین بهشتی، (تو ۱۳۳۵ ق)، شاعر، متخلص به شکر و دریا. در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشته هنرهای زیبا در این شهر به پایان رسانید و از آن پس به خدمت فرهنگ وارد شد. او از دبیران مبرر و کار آزموده اصفهان بود. وی دارای ذوقی سرشار بود «دبوان» شعری در حدود دو هزار بیت دارد. در اغلب جراید و مجلات اصفهان اشعاری از او به طبع رسیده است. از دیگر آثار وی: «استالین»، شعرا «حکمت خدا»، «هوسر من».

تذکره شماری معاصران بهمان (۱۹۷-۱۹۵)، مؤلفین کتب
چهارم (۱۲۱-۱۲۲).

دزفولی، بشیر بن نفیر علی. (ز ۱۲۷۰ ق)، فقیه. وی
گویا از شاگردان شیخ انصاری بوده و از فتاوی شیخ
گزنیشی کرده و آن را «المتخب المسائل» نام نهاده است.
الذریعه (۲۲ / ۲۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ /
۱۹۹)، معجم المؤلفین (۲۷ / ۳).

دزفولی، سید ابراهیم بن محمد موسوی. (وف بعد
از ۱۲۶۵ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از دزفول بود،
در کرمانشاه متولد شد و در کربلا مسکن گزید. وی از
شاگردان شیخ احمد احسانی و سید کاظم رشتی بود و از
سید کاظم رشتی اجازه داشت از آثارش تعلیقه بر
«الحقائق»؛ رساله‌ای در «حقایق»؛ تقریراتی فراوان از
مباحث فقهی که اکثر آنها ناقص مانده است.
ایمان الشیعه (۲ / ۲۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن
۱۲ / ۲۲).

دزفولی، سید احمد بن سید ابراهیم موسوی. (پس
چهاردهم ق)، عالم دینی. از شاگردان ناصر اردکانی و
شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود. از آثارش «مستطاب
الاوران فی تبیین موازین البذلک»؛ حاشیه بر «مستاجر»
شیخ مرتضی انصاری
ایمان الشیعه (۲ / ۲۱۹)، الذریعه (۱۲ / ۷۹)، طبقات
اعلام الشیعه (قرن ۱۲ / ۸۷).

دزفولی، سید حسین بن سید هیدالکریم موسوی.
(۱۲۳۶-۱۳۲۲ ق)، عالم دینی و مدرس در دزفول متولد
شد. بعد از تحصیل مقدمات به عتبات رفت و در آنجا در
حوزه درس علامه انصاری و دیگر بزرگان دین شرکت
جست و بعد از مدتی به کسب درجه اجتهاد نایل شد.
آنگاه به موطن خود بازگشت و در آنجا به ترویج دین
میادرت ورزید. شیخ مهدی بیگدلی دزفولی، صاحب
«ذخیره المصابه» از شاگردان او بود. وی در دزفول
درگذشت و همانجا دفن شد.
الذریعه (۱۵ / ۱۷۰)، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری
(۲۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ / ۵۹۸).

دزفولی، سید صدرالدین ظهیرالاسلام. (۲)،
نویسنده. از آثار وی: «سفری به شوشتر»؛ «شکرستان».
الذریعه (۱۲ / ۱۹۱)، فهرستواره کتابهای فارسی (۱ /
۱۳۳).

دزفولی، سید صدرالدین. کاشف دزفولی

دزفولی، سید عبدالرسول بن سید عبدالله بن وحیم.
(ز ۱۳۳۳ ق)، عالم دینی. از دانشمندان دینی متورع
رورگار خود بود که در نجف نزد میرزا حسین خلیلی
تلمذ کرد. وی «مالیاتی ملازم حلقه‌های دروس بود تا
اینکه به درجه کمال رسید. پس از آن به دستور استادش،
مدتی در بنادر به ترویج دین پرداخت. وی از شماری از
عالمان چون میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد باقر
اصطهباناتی شهید و ملا محمد علی خوانساری و سید
اسدالله رشتی اشکوری و شیخ عباس کاشف الغطاء و
سید ابوتراب خوانساری اجازه روایت گرفت. از وی
تقریراتی در «مسئله الهی» در عبادت، «حجیت قطع» و
«فجده یله» به جا مانده است.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ / ۱۱۱۸-۱۱۱۹).

دزفولی، سید علی بن سید نعمت‌الله بن اسدالله بن
حسین بن امام جمعه. (۱۲۶۷-ح ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی و
فقیه. معروف به سید علی امام جمعه دزفولی. در ابتدای
امر در تهران بود، سپس به عتبات سفر کرد و در نجف
فقه را نزد میرزا حبیب‌الله رشتی فراگرفت و تقریرات
بحث استادش را در «مکاسب» نگاشت و از وی اجازه
اجتهاد گرفت. سید علی دزفولی اصول را نزد شیخ
محمد کاظم خراسانی آموخت و تقریرات وی را در
مباحث «الفاظ» گردآوری کرد. او در نجف درگذشت. از
دیگر آثار وی «کتاب الطهارة» است.
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ / ۱۵۵۲).

دزفولی، سید محمد، فرزند سید فرج‌الله حابری.
(پس سیزدهم ق)، فقیه اساسی، معروف به قاضی از
آثارش «فاروق الحق» در فرق بین مجتهدین و اخباریون،
که در آن هشتماد و شش مسأله از مسائل دینی مورد
حلاف طرفین آورده شده است، و در ۱۲۸۰ ق در نجف
از تألیف آن مواظب بیافته است. این کتاب یک بار در

حاشیه «الحق المبین فی تصویب المجتهدین» شیخ جعفر جتاجی نجفی، در تهران، در ۱۳۱۶ ق، به چاپ رسید.
(عبان‌الشیعه (۱۰/۳۶)، الذریعه (۷/۲۸-۳۷)، ۹۵/۱۶).

دزفولی، شیخ محمد تقی بن شیخ علی، (وف بعد از ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، معروف به ملاباشی. در تهران سکونت داشت. به درخواست ناصرالدین شاه قاجار «غایه‌المرام» سید هاشم بحرانی را در یک مقدمه و پانصد و شصت باب و یک خاتمه ترجمه کرد و «کمایه الخصام فی فضائل الامام» نامید. از دیگر آثار وی «السبابة» در غزوات صحابه که ترجمه «تاریخ الولفدی» است.

الذریعه (۱۲/۲۶۰، ۱۸/۹۱)، طبقات اعلام الشیعه (ژن ۱۳/۲۲۲)

دزفولی، شیخ محمد حسن، (وف ۱۳۲۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی از عالمان بزرگ و مراجع امور دینی در دزفول بود. در دزفول درگذشت. آنگونه که در «البدایع الجعفریه» آمده وی تصانیفی ارشده داشته است.

عبان‌الشیعه (۹/۱۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (ژن ۱۳/۳۶۷)، مجمع المؤلفین (۹/۱۹۰).

دزفولی، شیخ محمد رضا بن شیخ محمد جواد بن شیخ معسن، (ح ۱۲۷۳-۱۳۵۲ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر دزفولی، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت الله شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. (از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ «سؤالهای فقه استدلالی صلح»؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب»؛ «محقق انصاری»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «اصول» در علم اصول؛ «کلمه‌التقری»؛ رساله فتواییه؛ رساله عملیه؛ «ای نه فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از اقسام وی به همراه «مخزن‌الدوره» در بمبئی چاپ شده است.

عبان‌الشیعه (۹/۲۸۰)، تاریخ بروجرد (۲/۵۵۱-۵۲۹)، الذریعه (۵/۳۰۲، ۶/۱۵۷-۱۵۶)، ۱۶/۳۰۶، ۱۸/۱۲۴، طبقات اعلام الشیعه (ژن ۱۲/۷۲۴).

دزفولی شوشتری، حسین، فرزند ابوالحسن بن نضلمعلی، (۱۲۶۰-۱۳۴۷ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان‌جا نشو و نما یافت و پس از فراگیری مقدمات مدنی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. از آثار وی: «کحنه‌الابرار» در مذایح و موائی و «حطه» «احسن المقال» در قصص و حکایات؛ «مخزن‌الدوره» شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دوینة الاحباب» در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

الذریعه (۹/۲۵۸، ۲۰/۲۲۵-۲۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (ژن ۱۴/۵۱۹)، مرمرنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۹۱-۶۹۰).

دزفولی شوشتری، سید محمد طاهر، آقامیری دزفولی

دزفولی شوشتری، سید محمد طاهر بن سید محمد باقر، (ز ۱۳۲۱ ق)، ادیب و ماصل. آواز دانشمندان و ادیبان بود. از جمله آثار وی ترجمه «النهضة» سید ابن طاووس، ترجمه‌ای است شرح‌گرفته که دلالت بر دانش و اطلاع گسترده صاحب عنوان دارد. وی در ۱۳۲۱ ق ین اثر را به انجام رسانده است.

طبقات اعلام الشیعه (ژن ۱۲/۹۷۰-۹۶۹).

دزفولی کاظمی، شیخ اسدالله بن اسماعیل، (ح ۱۸۶-۱۳۳۴ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در محضر پدر مقدمات علوم را فراگرفت، سپس به حوزه درس استاد وحید بهبهانی و علامه سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض» و سید میرزا مهدی شهرستانی راه یافت و از اساتیدش به دریافت اجازه اجازة اجتهد نایل آمد. پس از درگذشت استاد و پدر همسرش، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، عهده‌دار مرجعیت شد و در کنار قیام به وظائف مرجعیت به تدریس و تصنیف پرداخت و شاگردانی همچون سید عبدالله شبیر و شیخ مرسی بن جعفر کاشف‌الغطاء و برادرش شیخ علی کاشف‌الغطاء تربیت کرد. وی از پیشروان نظریه حجیت اجماع است در نجف از دنیا رفت و در کنار مقبره استادش

دزفولی کاظمی، شیخ باقر / محمد باقر، فرزند شیخ اسدالله بن اسماعیل شوشتری، (شهادت ۱۲۵۵ ق)، عالم دینی و راهب. خواهرزاده‌اش سید محمد علی موسوی حاملی کاظمی در «الیتیمه» او را عالمی مبارز و زاهدی عابد توصیف کرده است. سرانجام بر اثر قیام به امر به معروف، به امر پشای عراقی بازداشت شد و چنان شکنجه و رنجی به وی وارد شد که بر اثرش جان باخت. از آثارش: «الرسالة الرضاعية»؛ «الرد علی العامة»؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۷۱-۱۷۲).

دزفولی کاظمی، شیخ حسن بن شیخ اسدالله بن اسماعیل شوشتری، (وف ۱۲۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده پدر شیخ محمد تقی دزفولی فقیه معروف است. وی در محضر پدر و سپس در نزد علمایی چون دانشی خرد، شیخ حسن کاشف الغطاء، صاحب «انوارالعقاید» و شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری به تکمیل تحصیلات پرداخت. ظاهراً به سبب طاعون درگذشت. از آثارش: «النوار مشارق لاقمار من احکام النبی المختار»؛ فقه طحاوی؛ در چند مجلد، که بر اولین آنها استادش، شیخ نصاری، تعریضی مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی با خط خویش نگاشته و بر پایان آن مهر نهاده است؛ «مسلك النجاة»؛ در زکات استدلالی، که در صفحه پشت این کتاب نیز تقریضی لطیف مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی به خط علامه انصاری و مهر او به چشم می‌خورد؛ «کتاب النکاح»؛ شرحی بر «الشرايع»؛ «کتاب الوقف».

اصدار الشیعه (۵/ ۲۰)، المزیه (۲/ ۲۲۰، ۱۳/ ۳۶۹، ۲۴/ ۲۴، ۲۴/ ۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۲۰۷-۲۰۶).

دزفولی کاظمی، شیخ عبدالعزیز بن شیخ محمد ظاهر بن شیخ محسن، (وف ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی. فرزندش شیخ محمد علی معزی شرح حال او را نگاشته و گوید، از او کتاب «شرح التبیصرة»؛ «نظام» و شرح «خطبه همام» به فارسی به صورت منظوم، به جا مانده است.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰۲۸)

دزفولی کاظمی، شیخ محمد تقی بن حسن بن

کاشف الغطاء دفن شد. از آثار وی: «مقاس الاسوار و نقاس الابوار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار»؛ «کشف الفخاخ صحت وجوه حجیة الاجماع»؛ «منهج التحقيق»؛ «مستصرفات من الکلام»؛ «اللزوم المسجور فی معنی الظهور» یا «البحر المسجور فی معنی لفظ الظهور»؛ اصدار الشیعه (۳/ ۲۸۵-۲۸۲)، تاریخ بروجرد (۲/ ۲۰۰-۲۰۱)، المزیه (۱۸/ ۵۴، ۱۱/ ۳۷۵، ۲۲/ ۱۸۴)، روحساب الجنات (۱۱/ ۹۹)، روحانه (۳/ ۳۹۸، ۳۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۲۲-۱۲۳)، ۱۲۳-۱۲۵، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۲۱-۱۲۰)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۲۱)، مکارم الآثار (۳/ ۹۷۸).

دزفولی کاظمی، شیخ اسماعیل بن اسدالله بن اسماعیل، (وف ۱۲۴۶/ ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در محضر پدر نشو و نما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. وی از شاگردان سید عبدالله شیر بود. اجتهاد وی مورد تصدیق اغلب علمای زمانش قرار گرفت. او که بسیار مراقب حال بینوایان و فقرا بود، بر اثر طاعون در حدود سی سالگی از دنیا رفت. از آثارش: «المنهاج»؛ در اصول فقه؛ رساله‌ای در «اصول الدین»؛ «رسالة عملیه»؛ برای مقلدین؛ «مناسک الحج».

اصدار الشیعه (۲/ ۳۱۳)، روحانه (۳/ ۳۹۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۳۸).

دزفولی کاظمی، شیخ باقر بن شیخ حسن بن شیخ اسدالله بن اسماعیل، (۱۲۵۸-۱۳۲۶ ق)، عالم دینی و زاهد. در کاظمین مقلد شد و در همان‌جا نشو و نما یافت و مقدمات را از علمای آن سامان فراگرفت. سپس به نجف سفر کرد و در آنجا در محضر درس شیخ راضی نجفی و علامه انصاری و فاضل ایروانی حاضر شد. پس از چندی به کاظمین بازگشت و در آنجا به تألیف و تصنیف و اقامه نماز جماعت مشغول شد. شیخ باقر دزفولی به زهد و روع و صلاح معروف بود. در زادگاهش درگذشت و در مقبره خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «میران الحق لاختر مذهب الاحق»؛ در دو مجلد؛ «الب اللب»؛ در براءت و استصحاب.

اصدار الشیعه (۳/ ۵۲۲)، المزیه (۱۸/ ۲۹۰، ۲۲/ ۳۰۹-۳۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۲۰۵).

(۴۶، ۱۴۵)

دزماری قراچه دافعی، ملا محمد حسین بن محمدقلی. (وف بعد از ۱۲۶۶ ق)، عالم و خطیب از آثار وی: «مصباح القیوب»، به فارسی، در چندین فصل الذریعه (۲۱/ ۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۸)

دستجردی، شرف‌الدین محمد بن علی بن حسن. (۹)، عالم دینی، مقیم قریه زیباد بود. شیخ متعجب‌الدین در «فهرست» خود وی را فقیه فاضل توصیف کرده است ریاس العمماء (۵/ ۱۱۸)، فهرست متعجب‌الدین (۱۷۹).

دستجردی، شیخ محمد رضا (تو ۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی در قریه دستجرد اصفهان به دنیا آمد و در اصفهان خدمت ملا محمد ورنه‌ای و آقا اسدالله کمال آبادی و ملا محمد حسن دهوی و آقا سید مهدی درغی‌ای و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و ملا محمدالکریم جزئی، صاحب «تذکره القصور»، و آقا رضا دستجردی‌های و آخوند کاشی و حاج ملا محمد جواد آدینه‌ای درس خواند سپس به نجف مهاجرت کرد و از محضر درس آقا شیخ علی اصغر خطابی و دیگر علمای معروف آنجا بهره‌مند شد. آنگاه به قم رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. (دانشوران ۲۰، ۲۰۱).

دستقیب شیرازی، سید عبدالحسین، نرژند سید محمد تقی بن هدایت‌الله. (ح ۱۳۲۸ ق - شهادت ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و مجتهد در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده برد و به دریافت اجازات اجتهد مایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع حقیق را که از بناهای عمرولیت صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب مسیم»، «حقایق از قرآن»، «معراج»، «هشتاد و دو پرسش»، «گناهان کبیره»، «معاد».

اسدالله شوشتری. (۱۲۵۵-۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامرا) و شیخ محمد حسن کاظمی بهره برد و اجازه رویت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در رأس امور قضا و تدریس قرار گرفت از آثارش: «مستفی‌الاسئل»، در شرح «القواعد» حلی، در فقه؛ «وسيلة السجادة»، رسالة عملة برای مقنن؛ شرح «الکافیه» ابن حایب، در نحو، به نام «شفا فی المطالب»؛ اشعاری در مواعظ و اخلاق

عیان الشیعه (۹/ ۱۹۵-۱۹۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۵۰)، عماء معاصرین (۹۵-۹۶)، فوائد الرضویه (۳۳۱)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۲۸)، هدیه العارمین (۲، ۳۹)

دزفولی کاظمی، شیخ محمد طاهر بن شیخ محسن بن اسماعیل. (۱۳۱۵-۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی از بزرگان دینی روزگار خود که در اروان و عراق به فقهات شهره برد. از شاگردان حاج محمدابراهیم کلپاسی، و شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» بود و از سید حجة الاسلام اصفهانی و سید صدرالدین عاملی و شلیح حسن کاشف‌المعطاء و صاحب «جوهر» و شیخ مرتضی انصاری اجازه رویت داشت وی یکی از مشایخ حذیب سید عبدالصمد شوشتری بوده است. صاحب عنوان در خورستان به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود تا به جوار رحمت حق شتافت. از آثار وی «مشایخ الاحکام»، در شرح «الشراعی»؛ «رسالة عملیه».

عیان الشیعه (۹/ ۲۷۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۹۷۸-۹۷۹)، الآثار و الآثار (۱۵۱، ۱۵۲)

دزفولی معزالدینی، شیخ محسن بن اسماعیل بن محسن. (وف ۱۲۲۵/ ۱۲۳۹ ق)، فقیه اصولی، وی از شاگردان حجة الاسلام شفتی و داماد سید صدرالدین عاملی بود. در شهرهای خورستان عقیه و مرجع دینی بود و از کرباسی و بحر العلوم و صاحب «ریاض» و صاحب «کاشف المعطاء» روایت می‌کرد. در دزفول درگذشت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌کرد دفن شد از آثارش: «حاشیه المعالم»، «شرح الارشاد»، رساله فارسی در «اصول دین»، رساله در «طهارة» و «صلاة».

عیان الشیعه (۹/ ۴۶)، گنجینه دانشمندان، ۵/

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۳۲)، گنجینه
دانشندان (۵/ ۲۴۴-۲۴۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/
۲۲۹)، نشر دانش (س ۲، ش ۴، ص ۱۴۵).

دستغیب شیرازی، سید محسن، (وف ۱۳۱۹ ق)،
عالم دینی، متقیم بندرعباس بود. از آثار وی: «اصول
الدین»، به فارسی،
الدریعه (۲/ ۱۹۷)، ریحانه (۲/ ۲۲۰)، مؤلفین کتب
چاپی (۵/ ۲۲۲)

دستغیب شیرازی، سید محمد پافر، فرزند میرزا
هدایت‌الله، (۱۲۶۲-۱۳۳۶ ش)، مجتهد و واعظ شیعی.
در شیراز متولد شد و همان‌جا نشو و نما یافت. پدرش
روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و
منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف
مردم بندرعباس به مجلس راه یافت و به مبارزه با
استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت
و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میر محمد
دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد
کتاب در جواز مرزوفی به جزیی مانده است. از آثار وی:
«الترسل لحسنی»، که نظیر «اللفوف» است.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۳۱، ۵۲۹)،
الدریعه (۳/ ۴۸۸)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۳/
۲۱۷)، گنجینه دانشندان (۵/ ۴۲۳)، مؤلفین کتب
چاپی (۲/ ۸۲).

دستغیب شیرازی، سید محمد رضا، فرزند میرزا
هدایت‌الله مجتهد، (۱۲۹۴-۱۳۶۹ ق)، فقیه و مجتهد. در
نجف به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در خدمت پدر
به شیراز رفت و مدتی در محضر علمای شیراز به
تحصیل علوم پرداخت و به درجه اجتهاد نایل گشت. او
در مسجد حاج علی به امامت و ارشاد مردم مشغول شد.
وی دو سال تولیت موقوفات شاه چرخ را بر عهده
داشت. در شیراز از دنیا رفت و پیکرش در نجف دفن
شد.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۳۲، ۵۳۷)،
گنجینه دانشندان (۵/ ۴۲۲).

دستغیب شیرازی، میرزا ابوالحسن، فرزند میرزا

احمد بن میرزا مهدی، (توح ۱۲۶۰ ق)، حکیم، مجتهد و
شاعر، متخذه به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در
آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت
تولیت یقظه امامزاده سید میر محمد بن امام موسی بن
جعفر (ع) یا او بود و مدتی نیز تولیت مسجد نصیرالملک
را بر عهده داشت. از آثار وی: حاشیه بر «اسفار اربعه»
صدرالمتألهین، شرحی بر «کلمات قصره» امیرالمؤمنین
(ع)، اشعار و خطب عربی و فارسی

آثار حجم (۴۵۰)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/
۵۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۳۲)، طرائف
الافان (۲/ ۲۳۲)، فارسنامه ناصری (۲/ ۹۱۵-۹۱۴)،
فرهنگ سخنوران (۳۴۰)، گنجینه دانشندان (۵/
۲۲۲)

دستغیب شیرازی، میرزا صادق، فرزند میرزا علی‌الدین
مسعود، (س ۱۳۰۵ ق)، قاضی، خطاط و شاعر،
متخلص به صدقی. وی قاضی القضاات شیراز بود. در زمان
شاه صغی به طلب حسن خط، مدتی در کتابخانه دولتی
مشغول کتابت شد، پس از مدتی به شیراز رفت و
سرانجام در لار فوت کرد. از او است

هر که آمد گل ز باغ زندگانی چید و رفت
آمد و بر مستی عهد جهان خندید و رفت
کس ازین ویرانه دل نکنداده حاصل برده‌اش
هر که آمد پاره تحم هوس پاشید و رفت
تذکره نصرنای، (۲۷۲-۲۷۳)، الدریعه (۹/ ۵۷۸، ۵۷۹)،
ریحانه (۲/ ۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۳۴۰)

دستغیب شیرازی، میرزا هدایت‌الله، فرزند میرزا
اسماعیل بن میرزا مهدی، (ح ۱۲۴۰-ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه،
مجتهد و مدرس، معروف به مجتهد شیرازی. در شیراز به
دنیا آمد. پس از تحصیل مراتب علمی در خدمت علمای
شیراز به عراق رفت و فقه و اصول را در محضر علمای
آنجا به تکمیل رسانید. سپس به شیراز بازگشت و
عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم گشت و در مسجد
نصیرالملک در محله اسحاق بیگ شیراز امامت نمود و به
تشر علوم دینی پرداخت

آثار حجم (۴۲۸)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/
۵۲۸)، فارسنامه ناصری (۳/ ۹۱۴)، گنجینه دانشندان
(۵/ ۲۳۵)

دست‌میب شیرازی، میر نظام‌الدین - نظام دست‌میب
شیرازی

دست‌گردی اصفهانی، محسن. (وف ۱۳۳۵ ش)،
شاعر، متخصص به مهندس. در دست‌گرد می‌زیست و از
دسترنج زراعت خود زندگی می‌کرد. شاعری صوفی
متش بود. در دست‌گرد وفات یافت از آثار وی: «فجایع
بشر»، شعر؛ «آینه مشروطه»؛ «دو صد داستان مهندس»؛
«بحث در چگونگی آفرینش»؛ «شرح جشن هزاره سانه
فر دومی»؛ «دیوان» اشعار

تذکره شمرای معاصر اصفهان (۴۸۱)، بهرستاره
کتابهای فارسی (۸۰۸/۲)، مولفین کتب چاپی (۵)
(۲۲۳)

دستور قزلبی، میر رفیع. (ز ۱۰۱۴ ق)، شاعر. در
قزوین متولد شد و به تحصیل علم حکمت پرداخت و به
اتفاق شیخ محمد خاتون، شاگرد شیخ بهایی به هند رفت
و ملازم آصف جان شد و در همان جا درگذشت. وی در
سرودن ریاضی توان بود. در برخی منابع نام او میر محمد
رفیع آمده است. از اوست

گر دیوی اگر فرشته، سر رشته یکی است
صد جای اگر گره زنی رشته یکی است
با وحدت ذات، کثرت خلق چه پاک
دهقان و بهار و سرور و کشته یکی است

تذکره روز روشن (۲۶۰)، تذکره نصرآبادی (۲۷۰)،
(۲۷۱)، الذریعه (۳۷۸/۹)، کاروان هند (۱/۲۱۲)،
(۴۱۳)، مهتر (۲/۲۲۹-۲۵۰).

دشت بیاضی، میرزا محمد علی - ولی دشت
بیاضی.

دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم / کریم محمد
پس فصح محمد. (س دهم ق)، ادیب. از معاصران
جلال‌الدین اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) بود وی اشعار
«نصاب‌النصیب» فراهی را با اشعار منظومی که پدرش،
مصیح محمد به قصد تکمیل نصاب سروده بود، شرح
کرد.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۲۱۲)، ساریچ نظم و نثر
(۲۷۵).

دشتکی، صدرالدین ابونصر سید محمد بن حیث
الدین منصور بن صدرالدین محمد دشتکی شیرازی. (ز
۹۷۳ ق)، عالم امامی. معروف به صدرالدین ثنائی و
صدرالدین واعظ شهرت وی بیشتر به سبب توبه حتمی
او است. صاحب «روصاات الجنات» گوید که نظیر توبه
صدرالدین ز کسی معهود نبوده و هیچ کدام از هل توبه
به آثاری مانند آثار توبه وی موفق نیامده‌اند. وی از
مشایخ روایت و اجاره بود و برای سید علی بن قاسم
حسینی عریضی بردی، از علمای امامیه در ۹۷۳ ق
«جازه فاخری» نوشته است. از آثار وی: رساله «الدکری» یا
«الخمریه»، در تحریم خمر که در رشته خود بر نظیر
است. لفظ «الدکری» برابر با ۹۶۱ ق مال تألیف رساله
می‌باشد؛ «شافع حشر» در تفسیر سوره حشر؛ «سمیر
عربی» در تفسیر آیه الکرمی.

الذریعه (۷/۲۵۲، ۱۰/۳۸، ۱۲/۱۹۲)، روضات
الجنات (۷/۱۷۰-۱۷۱)، ریحانه (۲/۴۲۷-۴۲۸)،
علاقات اسلام النجیه (قرن ۱۱/۹، ۲۲۰-۲۲۱)، انکس
والالفاظ (۲/۴۱۱)، مجالس المؤمنین (۲/۲۳۳)،
ندبه الاحیاء (۱۸۶-۱۸۷).

دشتکی شیرازی، سید عبدالله - امصیل لدین واعظ
شیرازی.

دشتکی شیرازی، صدرالدین ابوالمعالی سید محمد
بن غیاث الدین منصور بن صدرالدین محمد بن ابراهیم
بن محمد. (۸۲۸-شهادت ۹۰۳ ق)، حکیم و فقیه امامی.
معروف به صدرالدین کبیر و صدرالدین ثالث ملقب به
صدر العلماء، صدر الحکماء، صدر الحقیقه و سید
الحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد
(ع) می‌رسد. او پدر امیر حیث‌الدین منصور دشتکی
است. در شیراز به دنیا آمد. در محضر پدرش و امیر
نظام‌الدین احمد بن اسحاق و پسرعمویش امیر حبیب‌الله
تلمذ کرد. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته
شریف جرجانی است مباحثات و مناظرات داشت. وی
در فن مناظره یگانه عصر خویش بود و مناظرات او با
علامه دوانی مشهور است. او شاگردان وی می‌توان به
حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین اسوالخیر اشاره
کند. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب
صدارت داشت. او سرانجام به دست ترکمانان در شیراز

صهروردی؛ «کشف الحقایق المحمدیه»؛ «تفسیر سورة هل اتی»؛ «حجة الکلام»؛ «الترامع والمعارج» و «تفسیر الفبراء و الخضراء»؛ در هیئت؛ «هیئت دشتمی»؛ «التصوف و الاخلاق»؛ «تکمله المجسطی»؛ «تسطیح الاضطراب»؛ حاشیه بر «الهیات شفاء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین»؛ حاشیه بر «ارایسل تفسیر الکشاف»؛ «مقالات العارفين»؛ «المحاکبات» بین حواشی پدرش امیر صدرالدین و حواشی علامه دوانی بر «شرح التجرید» و بین حواشی آن دو بر «شرح المطالع» و بر «شرح مختصر الاصول»؛ «دیوان شعر

احسن التواریخ (۳۹۴-۳۹۱)، الاعلام (۸/ ۲۲۵-۲۲۲)،
«عیان الشیعه» (۱۰/ ۱۲۱)، ایضاح المکنون (۱/ ۵۰-۶۸،
۴۲-۴۱، ۱۶۰-۱۵۹، ۲۷۹-۲۷۸، ۲۹۵-۲۹۴، ۲/ ۲۱۹-۲۱۸،
۳۷۲-۳۷۱، ۴۸۲-۴۸۱، ۵۰۵-۵۰۴، ۵۱۶-۵۱۵)، تاریخ ادبیات در
ایسرون (۵/ ۲۹۹-۳۰۶، ۳۲۷-۳۲۶)، تاریخ نظم و نشر
(۳۷۶-۳۷۵)، حبیب السیر (۲/ ۶۰۲)، الذریعه (۱/ ۱۲)،
۱۰۹-۱۰۸، ۲۵۲-۲۵۱، ۳۷۹-۳۷۸، ۴/ ۴، ۹۶-۹۵، ۱۰۳-۱۰۲، ۲/ ۳۵۱-۳۵۰،
۳۲۳-۳۲۲، ۴/ ۱۹۹، ۲/ ۳۱۱، ۳۲۲-۳۲۱، ۳/ ۳۱۶، ۵/ ۲۹۵-۲۹۴،
۶/ ۱۱، ۴۶-۴۵، ۶/ ۷۳، ۷۸-۷۷، ۱۲۳-۱۲۲، ۲۱۶-۲۱۵،
۹/ ۷۹۵-۷۹۴، ۱۰/ ۱۸۶، ۱۲/ ۱۹۲، ۱۵/ ۹۱-۹۰، ۱۸/ ۳۷۰-۳۶۹،
۲۱/ ۲۰۰-۲۷۸، ۲۵/ ۲۵۷، ۲۷/ ۲۵۷)، روشات البحاث
(۷/ ۱۸۸-۱۶۶)، ریحانه (۴/ ۲۵۸-۲۵۷)، طبقات اعلام
الشیعه (قرن ۱۰/ ۲۵۷-۲۵۶)، طرائف الحقائق (۲/ ۱۲۱-۱۲۰)،
مدرسه نظامی صاصی (۲/ ۳۹-۳۸)، فرهنگ سخنوران (۲۲۲)، فوائد الرضویه (۶۶۹-۶۶۸)،
کتاب الطلوع (۲۵۰-۲۴۹، ۸۸۶-۸۸۷، ۱۱۱۷-۱۱۱۶، ۱۱۴۱-۱۱۴۰)،
۱/ ۱۵۰-۱۴۹، ۲/ ۴۷، ۱۵۱-۱۵۰)، الکلی و الاقرب (۲/ ۳۹۸-۳۹۷)، نعت
ساده (ذیل/ عیث الدین)، مجالس المؤمنین (۲/ ۲۳۰-۲۲۹)،
معجم المؤلفین (۱۳/ ۱۹)، هدیة العارفين (۲/ ۲۷۵).

دشتمی شیرازی، میر نظام‌الدین احمد بن ابراهیم
بن سلام الله. (وف ۱۰۱۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر.
منقب به سلطان‌الحکماء و سیدالعلماء. وی پدرزرگ
سید علی‌خان مدنی شیرازی بود. از آثار وی: «اثبات
الواجب المسقور»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات
الواجب الوسیط».

الذریعه (۱/ ۱۰۳)، ریحانه (۶/ ۲۰۱-۲۰۰)، طبقات

شهید شد و در مدرسه منصوبه به حاکم سپرده شد. از
آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛
«المعجز الاصم»؛ در تحقیق مغایظه معروف به جدر اصم؛
حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»؛ در فقه
شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قرشی؛ حاشیه
«شرح مختصر الاصول» هندی؛ حاشیه «شرح
المطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «مطلوع»؛
رساله‌ای در علم کشاورزی

الاعلام (۶/ ۱۹۲)، اعیان الشیعه (۹/ ۶۰)، تاریخ
ادبیات در ایران (۲/ ۸۳، ۹۹)، تاریخ نظم و نشر (۳۸۵)،
الذریعه (۱/ ۱۰۸، ۵/ ۹۲، ۶/ ۱۳۵، ۷/ ۳۶-۳۵، ۱۵/ ۳۷)،
ریحانه (۳/ ۴۲۶)، شهیدان راه فضیلت
(۱۸۸-۱۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۲۱۸-۲۱۷)،
۲۱۹-۲۱۸)، الکلی و الاقرب (۲/ ۲۱۱)، لفظ نامه (ذیل /
صدرالدین)، معجم المؤلفین (۸/ ۲۱۵)، هدیة الاحباب
(۱۸۶)، یادداشت‌های قزوینی (۵/ ۲۵۱).

دشتمی شیرازی، غیاث‌الدین منصور، فرزند امیر
صدرالدین محمد حسینی. (۹۲۸-۸۶۶ ق)، متکلم،
حکیم الهی، عالم امامی و شاعر معروف ببله
خاتم‌الحکماء و موصوف به استاد البشر و عقل سعادتی
عشر (امام الاثمه) و مشهور به غیاث‌الحکماء و
غیاث‌الدین. نزد پدر و دیگر عالمان زمان دانشهای عقلی
و فنی را فراگرفت. در چهره سالگی داعیه جدل و
مناظره با علامه دوانی داشت و در بیست سالگی از
تحصیل و کسب علوم فراغت یافت و در چهل و سه
سالگی از طرف شاه اسماعیل مأمور تعمیر رصدخانه
مراغه شد. در ۹۳۶ ق به صدارت شاه طهماسب صفوی
رسید و پس از مباحثات علمی با محقق کرکی از صدارت
کنار رفت و در شیراز اقامت گزید تا درگذشت. وی
مدرسه منصوبه را در شیراز تأسیس کرد. از آثار وی:
«اثبات الواجب تعالی» به نام «المشارق»؛ «اخلاق
منصوری»؛ به فارسی؛ «الاسام»؛ در هندسه؛
«الاشارات و التلویحات» و «التجرید»؛ در حکمت؛
«معالم الشفاء» و مختصر آن «الشفای»؛ در طب؛ «تحفه
شامی»؛ «تمدیل میزان» و مختصر آن «معیار الامکار»؛
در منطق؛ «جام جهان نما»؛ «آداب البحت و المناظره»؛
شرح «آداب البحت»؛ «حشد ایچی»؛ «اشراق هیاکل النور»
عن ظلمات شواکل الفرو»؛ در شرح «هیاکل النور»

اصفهان و تهران آمد و شمل روزنامه‌نگاری را سرگرمی وی محاصر با رضا شاه بود و از مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ م و نه همین علت دستگیر و تبعید شد. پس از سقوط کابینه سید ضیاء الدین طوطی از زندان آزاد شد حدود سه ماه سر دیروزنامه «ستاره ایران» بوده پس از توفیق این روزنامه در ۱۳۱۱ ش روزنامه «شوق سرخ» را منتشر کرد. مدتی به مخالفت با سردار سپه برخاست، ولی چندی نگذشت که از مقرین او شد و از روزنامه‌نگاری کناره گرفت و مدیریت «شوق سرخ» را به میل توسرکانی واگذار کرد، در ۱۳۱۳ ش این روزنامه توفیق و دشمنی بار دیگر به زندان افتاد و بعد از ۱۲ ماه آزاد شد و به نمایندگی مجلس انتخاب شد و پس از آن ریاست اداره سانسور مطبوعات به او سپرده شد. پس از استعفی رضا شاه دوباره از مخالفان او شد و علیه او در مجلس طعن کرد. دشمنی در ۱۳۲۹ ش وزیر مشاور کابینه حسین علاه شد و از اولین دوره مجلس سنا نیز سنانور بود. پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) مدتی بازداشت و زندانی شد و سرانجام در بیمارستان حم تهران درگذشت. از آثار وی: «چند»؛ «مینه»؛ «در قلمرو سعدی»؛ «نقشی از حافظ»؛ «عقلا بر خلاف عقل»؛ «شاعری دیر آشنا»؛ «رحمة» «اعتقاد به نفس» «سموئل اسماعیلز»؛ «دمی با عمام» که به انگلیسی، ترجمه شده است؛ ترجمه «نوامیس و وحیه نظیر فلز» گوستونونون «پسنگ»؛ «پرده پنداره».

از بیما تا روزگار ما (۳۳۲-۳۱۸)، تاریخ بیست ساله ایران (۲۹۳/۷) تاریخ جرایم (۸۰/۷۵)، دانشندان و سخن سریان نارس (۵۲۹-۵۲۶)، رد گمانه رجال و مشاهیر (۲۲۳-۲۱۸)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۶۷۶-۶۷۳)، مؤلفین کتب جمعی (۲۳۶-۲۳۳).

دشمنی فارسی، محمدخان، فرزند حاجی خان، (۱۲۴۶-۱۲۹۸/۱۲۹۹ ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخصص به دینی، اهل دانشان و از طایفه حاجیان بود. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شهر علوم ادبی را آموخت. پس از فوت صاحب دشمنی به حکومت آن نواحی رسید. در دوره حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از آثارش: «دیوان» شعری «اسکداز» «طریق المسوک»؛ «کلام المنوک» حلیقه الشعراء (۱/۶۲۲-۶۲۱)، دانشندان و

دشتمکی شیرازی هروی، جمال الدین سید امیر عطاءالله بن امیر فضل الله بن عبد الرحمن حسینی فارسی. (وف ۹۱۷-۹۲۶ ق)، محدث، مورخ، مدرس و شاعر مقلد به جمال حسینی و معروف به امیر جمال الدین محدث اصیلی، به جهت شگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث الدین منصور و از بزرگان حدیث در روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانی هرات تدریس می کرد و بر مذهب خطبه می خواند و آشکارا تبعیت خود را از آئمه «چهار» (ع) اعلام می داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال» «ولاد امیرالمومنین (ع)» «الاریعون حدیثا من احادیث سید المرسلین فی مناقب امیر المؤمنین (ع)» «لحفة الاحیاء» «روضة الاحیاء فی سيرة النبی و الال و الاحباب» که به حواست امیر علینیر نوابی نگاشت.

ایمان الشیعه (۸/۱۲۵)، الذریعه (۱/۲۲۱)، ۲/۲۸۰، ۳/۲۰۹، ۶/۱۲۲، ۱۱/۲۸۵-۲۸۶، روضات الجنات (۵/۱۸۹)، ریاض النساء (۳/۳۱۶-۳۱۵)، ریاض (۳/۳۶۷-۳۶۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۲۲)، فارسیه ناصری (۲/۱۰۵۷-۱۱۲۸)، دواکد الرضویه (۱/۲۶۳)، الکلی و الاقرب (۲/۱۵۴)، مؤلفین کتب جمعی (۲/۷۲)، معجم المؤمنین (۶/۲۸۵)، هدیه الاحیاء (۱۲۰).

دشمنی، آقا علی. (س سیزدهم ق)، عالم و شاعر. از ایمان و شت بود. در روزگار جوانی به اصفهان رفت و به تحصیل علوم پرداخت. پس از کسب کمالات به موطن خود بازگشت. او خط شکسته را به نیکویی می نگاشت دیوان بیکی نمونه اشعارش را در «مدایح متمدنی» دیده است.

حدیقه الشعراء (۲/۶۲۱-۶۲۰)

دشمنی، شیخ علی، فرزند شیخ عبدالحسین. (۱۲۷۳/۱۲۷۴-۱۳۶۰ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. مشهور به پیر مطبوعات ایران. در کریمه متولد شد. تحصیلات قدیمی داشت و در ابتدای جوانی از کریمه به ایران آمد و مدتی در شیراز ماند، سپس به

داشت. از آثار وی «دیوان» شمر.

آشکده آثار (۳/ ۱۲۵۰-۱۲۵۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۲۶-۲۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۲)، تذکره دور روش (۲۶۱)، دیوان وکیل‌الدین «عبدالرحمن قس» (مقدمه/ ۳۹۷)، الذریعه (۹/ ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹)، ریاض العلماء (۵/ ۱۰۶)، سرآستان فرسنگ (۱/ ۳۹۹، ۴۰۰)، طبقات اعلام تشیعه (قرون ۶/ ۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴)، سهرسب مستحب‌الدین (۱۸۵)، مجمع الفصحا (۲)، (۶۸۰).

دهولر: سرخسی، ابوالعباس محمد بن عبدالرحمن بن محمد (وف ۳۲۵ ق)، لغوی، عقیده و محدث. از پیشروان فقه و لغت و روایت در خراسان بود. مدتی در سمشاپور اقامت گزید و از محمد بن یحیی دهلوی و عبدالرحمن بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل آخمتی حدیث نوشت و از عمرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سبار و محمد بن عبدالله قهراد و محمد بن ششکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبدالله بن هاشم طوسی و ابوزره رازی حدیث روایت کرد. ابو حاتم بن حنبل و ابوالاحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بن یسوی و ابوبکر جوزجانی و ابوعلی یساعوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی: کتاب «الآداب»؛ «فضائل الصحابة».

سیر النبلاء (۱۲/ ۵۵۷-۵۶۲)، الواضی بالروایات (۲/ ۲۲۶).

دختری، حسینعلی، فرزند نورالله خان، (۱۲۸۹-۱۳۶۵ ش)، نوازنده. در تهران به دنیا آمد. از کردگی جهت تحصیل به اروپا رفت و پس از مراجعت به ایران به علت علاقه وافر به آموختن موسیقی از اساتیدی چون: حسین حاد اسماعیل‌زاده، رکن‌الدین مختاری، ابوالحسن صبا و حسین خان هنگ آفرین اصول موسیقی، خط‌نق و نواختن ویولن را فراگرفت. دختری زمانی که در مأموریت اداری در کردستان به سر می‌برد علاوه بر همکاری با رادیر مستند، برای علاقه‌مندان موسیقی، کلاسی دایر کرد. وی در ۱۳۲۵ ش همکاری خود را با سازمان رادو و تلویزیون آغاز کرد و تکنوازی بسیاری در این دو دستگاه انجام داد که نوارهای ویسای آن هم‌اکنون موجود می‌باشد. او به علت سکنه مغربی جهان قاتی را ترک گفت.

سحب سربان، دایس (۲/ ۵۲۸-۵۴۶)، الذریعه (۹/ ۲۲۶، ۱۸/ ۱۱، ۲۲/ ۳۱۳)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۲۳۶)، مؤلفین کتب پنجابی (۵/ ۴۷۱، ۴۷۲)، مرآت المعاصره (۲۱۵، ۲۱۶)، مکالم‌الآثار (۴/ ۱۲۸۸، ۱۲۸۹).

دشی کردستانی، ملا عبدالله، فرزند محمود، (۱۲۷۳-۱۳۴۲ ق)، عالم، مدرس و شاعر. ملقب به مفتی در قریه دشه از توابع اورامان متولد شد. در کودکی به علت نداشتن پدر به امر تحصیل انتفاع نکرد تا اینکه در پانزده سالگی تحت تربیت محمد بهاء‌الدین عثمان نقشبندی، که از شاگردان پدرش بود قرار گرفت. ابتدا در سنتج تحصیل کرد و پس از آن در نودشه نزد ملا احمد نودشی و مدتی نیز در اردل نزد حاج عمر آقندی تسبیح کرد و در ۱۳۰۰ ق موفق به دریافت اجاره شد. از آن پس مدتی در قریه گنپ عراق و روستای زنگاهش تدریس کرد و سپس در مستنج در مسجد امام‌زاده پیر عمر و در مدرسه دارالاحسان به این موم پرداخت. در مستنج درگذشت و در بالا تپه شیخ محمد صادق دفن شد. از آثار وی: کتابی «در فرائض و موارد» به فارسی؛ «اکبریه»، در نحو به فارسی؛ «رساله‌ای در اثبات نبوت حضرت محمد (ص)»، با دلایل عقلی به عربی؛ «رساله‌ای در علم کلام و عقاید»؛ «صفیده»، به گوتش کردی اورامی.

تاریخ مشاهیر کرد (۲/ ۱۶۱-۱۶۳)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۲۴-۲۲۶).

دهویدار قس، رکن‌الدین محمد بن سعد بن هیئت‌الله، (ص ششم و هفتم ق)، فقیه، قاضی و شاعر، متخلص به دهوی. ملقب به ملک‌الشعراء. سبب وی به سه پشت به دهویدار قس می‌رسد. در قم متولد شد و در بدایت حان تصدی مقدم شریعی در همان شهر داشت. وی از معتیان زمان خود بوده و به شاعری و ستایشگری بزرگان زمان خود مشغول بود. وی علاوه بر مدح آخترین پادشاه مابندی در تبریز مدتی مدح ائمه‌انکاء آن سامان گفت. رکن‌الدین با کمال‌الدین اسماعیل رابطه ادبی داشت و قصیده لایمه را در می و شش بیت در مدح او سروده و به او فرستاده کمال نیز پاسخ گفت. او با اثیرالدین اومانی نیز مکاتبه و مباحثه داشته است. دهوی شاعری دولساین بود که در نظم و نثر عربی و فارسی قدرتی تمام

و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد
مردان موسیقی (۲/ ۳۸-۴۰).

دفتري، محمد، فرزند عین‌الممالک محمود دفتري.
(۱۲۸۳/۱۲۸۵-۱۲۵۶ ش)، نویسنده. پس از طبعی
دوره‌های ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده افسری تهران
شد و برای تکمیل تحصیلات به فرانسه اعزام گردید. پس
از بازگشت مدتی در دانشکده افسری مربی و استاد بود.
او در ۱۳۲۶ ش از طرف رژیم آریه‌ست دژبان مرکز را
همه‌ده‌دار شد. در واقعه ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۷ در جریان
تیراندازی به محمدرضا شاه پهلوی در کنار شاه برد و
شاه را به بیمارستان رسانید. از دیگر مشاغل مهم وی،
فرماندهی دژبان، رئیس کل شهرتانی، فرمانده گارد
مسلح گمرک، در آخرین سمت خود ریاست اداره
تسلیحات ارتش به سوءاستفاده در کار پرداخته، از این
رو در دادگاهی که عبدالله هدایت تشکیل داد به سه سال
زندانی محکوم شد و پس از آزادی از زندان در بستر
بیماری افتاد اثر وی «تاریخ نظامی عصر قدیم و قرون
وسطی و عهد جدید».

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۶۷۷-۶۷۸)
مؤلف: کتب چاپی (۵/ ۲۷۱-۲۷۲).

دقاق، ابوالعباس احمد بن عبدالله بن شاپور، (وف
۳۱۴ ق)، محدث. از ابوبکر بن ابی شیبه و ابونعیم حلی
و عبدالله ابن شویه مروزی و سفیان بن وکیع بن جراح و
سیبزی دیگر حدیث شنیده عمر بن محمد سبک و
ابوعمر بن حنبله و قاضی ابوبکر ابهری و دیگران از وی
روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی او را در حدیث ثقة و
مورد اعتماد دانسته است.

تاریخ بغداد (۲/ ۲۲۵)، سیرالنبلا، (۱۴/ ۲۶۲-۲۶۳).

دقاق اصفهانی، ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن
محمد، (ح ۲۳۰-۵۱۶ ق)، حافظ و محدث. در محله
جروآن اصفهان به دنیا آمد. از آندجایی که با ابوعلی دقاق
دوستی داشت به دقاق مشهور شد. به شهرهای نیشابور،
طوس، سرخس، مرو، هرات، بلخ، گرگان، بخارا،
سمرقند و کرمان سفر کرد و از خطیب عبدالله بن شیب
ضبی و احمد بن فضل باطرقانی و سعید عیار و ابوالفضل
عبدالرحمن رازی و ابوالقاسم ابن منده حدیث شنید، و

در اصفهان از پیش از هزار شیخ حدیث نگاشت و در
نیشابور و هرات از ششصد نفر استماع حدیث کرد. دقاق
«رحله» خود را از مسجوز از هزار شیخ اخذ کرد. او
محدثی پرکار بود و در عین حالی که ناچار بود، متعممی
دین‌دار باقی ماند. سلفی و ابوسعید صائغ و ابوموسی
مدینی و خلیل بن بدر رازانی از شاگردان وی به شمار
می‌روند. از آثارش «رحلة الدقاق» است.

ایضاح المکتون (۱/ ۵۵۰)، سیرالنبلا، (۱۹/ ۲۷۴)،
معجم المزیلین (۱۰/ ۲۶۵-۲۶۶)، هدیه‌المرتب (۲/ ۸۴).

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن بن علی / محمد،
(وف ۴۰۵/۴۱۲ ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر
در نیشابور به دنیا آمد و همان‌جا نشو و نما یافت. از اکابر
عرفا بود و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار
می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در
تفسیر و تأویل آیات بصیر و بینا بود. او کثرت شوق و ذوق
و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند.
کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گریه
خواجه عبدالله انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات
این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم
عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در
نیشابور وفات یافت و در مدرسه خود در سمت قبله
کهن دفن شد. از آثار وی «تأویل بعضی از آیات
قرآنی»، «خلافت»، «رهده»، «مواظعه»، که بر سیصد و
شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا»

تاریخ نظم و نثر (۲۲)، تاریخ نیشابور (۲۲۵، ۲۲۶)،
ترجمه رساله قشیری (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲/ ۲۲۲-
۲۲۳)، طبقات الصوفیه هروی (۶۳۰-۶۳۱)، کشف
الطنون (۱۲۳۴)، الکتی و الانساب (۲/ ۲۲۹)، مجمل
نصیحی (ذیل / سال ۲۰۶)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۶۱)،
نصحات الانس (۲۹۷-۲۹۹)، وفت الاعیان (۲/ ۲۰۶)،
۲۰۷، ۲۰۸، هدیه‌الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲/ ۲۲۵).

دقانی بلبانی، معین‌الدین حسینی بن محمد بن
شیخ سعدالدین، (وف ۹۷۹ ق)، صوفی و شاعر،
متخلص به معین. وی پدر تقی‌الدین محمد ارحدی
بلبانی مؤلف تذکره «عرفات‌الماشقیین» است. در ۹۷۱ ق

طبقات الصوفیه مسلمی (۴۴۸)، طبقات الصوفیه مروری (۵۰۷-۵۰۵)، صفحات الانس (۱۹۲-۱۹۳)، الواسی بالمویات (۲/ ۶۲)

دقیقی، ابوالقاسم علی بن عبدالله بن دقاق. (۴۱۵-۳۴۵ ق)، عالم، ادیب و نحوی. از پیشوایان علمای شعر و از شاگردان ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی و ابوسعید سیرانی بوده و مرجع استفاده جمعی کثیر. دقیقی در تیه درگذشت. از تألیفات وی: شرح «الایضاح» ابوعلی فارسی؛ «شرح الجرمی»؛ در بحر؛ «العروض»؛ «المقدمات».

الاعلام (۵/ ۱۲۴)، ایضاح المکنون (۲/ ۴۵۱، ۵۴۱)، روایات الجنات (۵/ ۲۳۰-۲۳۱)، ریحانه (۲/ ۱۲۴)، کشف الظنون (۴۱۲)، الکی والکتاب (۲/ ۲۲۹)، لغت نامه (ذیل ابوالقاسم)، معجم فصیحی (ذیل کلمات)، ۲۲۵ و ۲۱۵، معجم الأدباء (۱۲/ ۵۷-۵۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۴۴)، مستطاب الاحیاء (۱۳۵)، هدیه العارفین (۱/ ۶۸۴).

دقیقی مروری، ابومنصور محمد بن احمد، (توح ۳۲۰، مقتول ۳۶۷-۳۷۰ ق)، شاعر. در مولد او اختلاف است. قسوفی او را طوسی و برخی بلخی و گروهی سمرقندی می‌خوانند. او از شاعران عصر سامانی است و مدتی در خدمت امیر ابراهیم مظفر چغانی زیست و او را مدح گشت. دقیقی پیش از فردوسی شروع به نظم «شاهنامه» کرده بود، اما هنوز هزار بیت از شاهنامه را نسروده بود، که به دست غلامی کشته شد. برخی به اشتباه سال قتل وی را ۳۴۱ ق دانسته‌اند. وی در سرودن انواع شعر بویژه مدیحه و حماسه استاد بود. از آثار وی «گشتاسب‌نامه» قسمتی از شاهنامه که در شرح سلطنت گشتاسب و ظهور زرتشت و جنگ مذهبی میان گشتاسب و ارجاسپ تورانی است؛ «دیوان» اشعار.

باکاروان حله (۳۴۰-۱۹)، پیشاهنگان شعر فارسی (۹۹)، تاریخ ادبی ایران، بیرون، بیرون (۱/ ۶۷۳-۶۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۱۹-۳۰۸)، تاریخ گریه (۷۳۱، ۷۳۰)، تذکره روز روشن (۲۶۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۹۸۳)، الذریعه (۹/ ۳۲۷)، ریحانه (۲/ ۲۲۴)، سخن و سخنران (۳۵-۳۸)، شخصیت‌های نامی (۱۹۶-۱۹۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۱-۲۱۲).

ار شیراز به قزوین رفت و به خدمت شاه طهماسب صفوی رسید. ار آنجا به شیراز بازگشت و پس از چندی به هندوستان مهاجرت کرد و در دکن مقیم شد تا درگذشت. وی از هنرهای توانمند روزگار خود بود. از اوست.

در عشق بجز خون جگر هیچ مخور
تا ره‌توان یافت، شکر هیچ محور
از نعمت غوان عیش لذت خواهی
ز نهار که عم خور و دگر هیچ مخور

تاریخ نظم و نثر (۶۶۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی (۴/ ۲۹۱)، الذریعه (۹/ ۱۰۷۶)، ریحانه (۵/ ۳۲۹)، صبح گشتن (۲۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، کاروان هند (۲/ ۱۳۲۹-۱۳۳۰).

دقایقی مروری، شمس‌الدین محمد بن علی، (س ششم ق)، شاعر و ادیب. او در بخارا مجلس وعظ و موعظه داشت. وی خواجه عمید فخرالدین حمید صمدی‌الور را مدح گفته است. از آثارش: «حنین‌الارطاف»؛ «احتیارنامه» از کتب منسوب به وی؛ «سند پادشاه» که دو تهذیب دارد یکی از وی «سند» دیگری از ظهیری سمرقندی.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۰۲)، الذریعه (۹/ ۴۳۷)، لسان‌الکتاب (۱/ ۲۱۵-۲۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۴۷۷)، مجمع‌التصانص (۲/ ۵۲۷)، هفت اقلیم (۲/ ۱۴).

دُقی دینوری دمشقی، ابوهمر/ابوبکر محمد بن داوود، (وف ۳۵۹/۳۶۰ ق)، عارف، حافظ قرآن، قاری و محدث. اصل وی از دینور بوده در شام می‌زیست و به شیخ شامی‌ها معروف بود. وی از اقران ابوعلی رودهری و شاگرد رفاق کبیر بود و با جنید بغدادی و ابوبکر مصری صحبت داشت. از مشایخ وقت، و در میان مصلیقه خرد به جلالت موصوف بود. قرآن را نزد ابوبکر بن مجاهد فراگرفت و از سعید بن عبدالعزیز حلبی و ابوبکر خرائطی و ابوبکر دقاق حدیث شنید. عبدالوهاب میدانی از رویان دُقی است. در حد و بیست سالگی درگذشت. این شخصیت در «تاریخ بغداد» تحت عنوان دُقی آمده است.

تاریخ بغداد (۵/ ۲۶۷-۲۶۶)، ترجمه رساله (۷۹)، ریحانه (۲/ ۲۲۳)، سیرالسلال (۱۶/ ۱۳۸-۱۳۹).

دلشاد خاتون، دختر امیر علی جلایر (؟)، شاعر وی همسر امیر حسین جلایر بود و در شعر طنزی خوش داشت. در برخی منابع اشعار صاحب عنوان را ذکر کرده‌اند. از او است.

حل شد از غم همه مشکل که مرا در دل پرد
جز غم عشق که حل کردن آن مشکل پرد
از رایحه تا پروین (۲۶۵)، تذکره روز روشن (۲۶۷)،
ریاحین الشریعه (۲/ ۲۳۰-۲۳۱)، زبان سخور (۱/ ۱۹۴)، فرهنگ سخنوران (۳۴۲).

دلشاد خاتون، دختر دمشق‌خواجه، فرزند امیر چوپان (وف ۷۵۲ق)، بیکوکار، وی از شاعران هم عصر سلمان سالوچی و بغداد خاتون بود که در آغاز همسر سلطان اوسمید بود و در سلطنتیه می‌زیست. پس از درگذشت ابوسعید به بغداد گریخت و با امیر شیخ حسن بلکانی ازدواج کرد و تا پایان عمر در آن شهر زیست. دلشاد خاتون زنی بخشنده و زیباروی بود و در بغداد به آبادانی شهر و اشاعه خیرات و میراث می‌پرداخت و از شاعران حمایت می‌کرد. در بغداد درگذشت و در نجف دفن شد.

از سعدی تا جامی (۷۲)، تاریخ گریده (۶۲۰)،
تذکره الشعراء (۲۸۷)، حیدر الشیعه (۲/ ۲۱۵۱-۲۱۵۲)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۹۸۷)، ریاحین الشریعه (۲/ ۲۳۰-۲۳۱)، کارنامه زبان (۵۹)، نشت‌نامه (دین / دلشاد خاتون)، مشاعر زبان (۹۹).

دلگیر آذربایحانی، گربلایی محمد عطار (وف ۱۲۸۲ق)، شاعر از اهالی آذربایجان بود. به بیماری ویا از دنیا رفت و در قلعه اخی سعدالدین دفن شد. اشعاری از وی به جا مانده است.
الدریچه (۱/ ۳۲۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۱).

دلوی آستوایی، ابو حامد احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن دلویه (۴۳۴-۳۵۸ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اهل وی از آستوایان از نواحی نیشابور است. از ابو احمد حاکم نیشابوری و ابوالمناس احمد انصاری و ابوسعید عبدالله بن محمد رازی حدیث شنیده سپس وارد بغداد شد و از در قطبی و همطقی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی

فرهنگ سخنوران (۳۴۱)، باب‌الالباب (۲/ ۱۲۰۱)، نشت‌نامه (دین / دققی)، مؤلف کتب چاپی (۵/ ۲۸۳-۲۸۴)، مجالس الشعراء (۳۲۵-۳۲۴)، مجمع المصنعا (۲/ ۲۶۶-۲۶۷)، هفت اقلیم (۳/ ۲۰۲-۲۰۱).

دل آرتیمانی، میرزا هاشم. (مقتول ۱۱۳۴ق)، شاعر متخلص به دل، وی از سادات آرتیمان اطراف همدان است که در محاصره اصفهان به وسیله افغانه کشته شد. از دوستان شیخ محمد علی حیرین لاهیجی بود. در «تذکره روز روشن» اسم او محمد هاشم آمده است. گفته شده فرزند رعی آرتیمانی و نوه ابراهیم ادهم آرتیمانی بود از او است.

قصی در هم شکن تا حریفش را در لامکال بینی
بر آاز دام تا خود را همای پرفشان سنی
تذکره روز روشن (۲۶۲-۲۶۱)، تذکره السامعین (۱۹۹)، الدریچه (۹/ ۳۲۸-۱۲۸۷)، مسیح گلشن (۱۶۴).

دلسوز تبریزی، محمداستین. (س سیردهم ق)، شاعر. ملقب به استاد. در تبریز متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. میرزا سروش و میرزا مظهر از شاگردان وی بودند. او به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. از آثار وی «دیوان» اشعار ترکی و فارسی که مکرر به چاپ رسیده است.

دانشمند آذربایجان (۱۵)، الدریچه (۹/ ۳۲۸-۹۹۲)، ریحانه (۲/ ۲۲۶-۲۲۷)، فرهنگ سخنوران (۳۲۲)، مؤلف کتب چاپی (۱/ ۶۸۸).

دلشاد، فیض‌الله، فرزند ابراهیم خان. (۱۲۹۲-۱۳۶۲ش)، ساریله ساز و نوازنده. در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدرش نوازنده شرب بود و در ساخت و تعمیر لوزم و آلات موسیقی دست داشت. فیض‌الله در سالهای اول تأسیس رادیو با خواننده‌های معروف زمان خود همراهی می‌کرد از بیشتر فعالیت خود را صرف هرساز سازی می‌کرد و صارهایی که از وی به جا مانده از بهترین کارهایی می‌باشد که نزد بهترین نوازندگان و در برگیرنده موره‌های دنیا موجود است.
سردن موسیقی (۳/ ۲۶۲-۳۶۳).

ابوبکر باقلانی، مدنی در عکبرا مضبوط کرد. در عقه شامعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود به گفته خعبیت بعدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیت و عربیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود به خط او است. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.

تاریخ بغداد (۴/ ۳۷۸-۳۷۷)، ریحانه (۲/ ۲۲۷)، سیر النبلاء (۱۷/ ۵۸۲)، نقت نامه (دیل / احمد)، معجم الادیاء (۵/ ۳۹۳۸)، التوفی بالوایات (۷/ ۳۵۱).

دکویه، ابویحیی زکریا، (وف ۲۹۴ ق)، صوفی از اهالی نیشابور و از شاگردان احمد حرب بود که در زهد و بوکل مقام و مرتبه‌ای داشت. وی در نیشابور درگذشت و در همان جا دفن شد.
نجات الانس (۸۶).

دلیری اصفهانی، حسن بیک ذوالقدر جانیسی اصفهانی.

دلیل ایروانی، (ز ۱۲۳۸ ق)، شاعر، متخلص تک دلیل قصیده‌ای در مدح فتحعلی شاه قاجار گفته و در آخر آن به تمسیر مسجد ایروان تا این بیت
دلیل از بحر تاریخش رقم زد
از اینسان مسجد نیکوست بر پا
۱۲۳۸
شماره نموده است.

الدیر، (۹/ ۳۲۹-۳۲۸)، دانشمندان آذربایجان (۵۱).

دماوندی، شیخ محمدرضا، (ز ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و مدرس. پس از فراگیری مقدمات و سطوح به سامرا رفت و در درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او بیشترین استفاده را از حوزه درس حاج شیخ حسینی تهرانی و سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی برد. در ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و در مدرسه مروی، تا پایان عمر به تدریس پرداخت.

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۷۲۹)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۵۷)، میرزای شیرازی (۱۲۳).

دماوندی، شیخ ملا علی، (وف ۱۳۰۴ ق)، فقیه و مدرس. از علما و مهابای بزرگ عصر ناصری است که در زمان شیخ انصاری به نجف رفت و از محضر علامه سید حسین کوهکمری استفاده بسیار برد و «تقریرات» وی را نگاشت، آنگاه به سامرا رفت و از محضر میرزای بزرگ شیرازی نیز بهره‌مند شد، تا به حدی که او را از شاگردان برجسته میرزا به شمار آورده‌اند. وی گذشته از مقام علم در زمینه اخلاق و تقوی نیز میوز بود. سرانجام در سامرا حوزه درس برقرار کرد و جمع زیادی، چون: حاج شیخ حسینی تهرانی و آقا سید هزیرالله تهرانی از محضرش استفاده نمودند. او همواره شاگردان خود را به تهذیب اخلاق و تزکیه نفس توصیه می‌کرد؛ لذا اکثر شاگردانش از پرهیزکاران نام زمان خود بودند. در کاطمین از دنیا رفت و در یکی از مقابر صحن شریف دفن شد.

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۱۳۰۴-۱۳۰۱)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۵۸-۱۵۷)، میرزای شیرازی (۱۶۵-۱۶۴).

دماوندی، شیخ ملا محمد باقر بن حسن سارانی، (وفا ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضیدان و رهنده. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالیه علمی رسید گذشته از فقه و اصول، در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه بسیاری داشت، و از حافظه قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و مذهبی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند پرداخت و در آن فواهی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود.

وسگانی و شخصیت شیخ انصاری (۲۳۵)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/ ۲۰۶-۲۰۵)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۵۷-۱۵۶).

دنبلی، حیران خانم - حیران دنبلی، حیران خانم کنگرلو.

دنبلی خویی، ابراهیم - خویی، ابراهیم

دندانی نصرانی، ابوعلی عبدالله بن علی، (س سوم ق)، متصم. از سجمان بنام سده سوم هجری بود و

صاحب کتاب «صناعة التنجيم» در احکام نجوم.

ريحانه (۲/ ۲۲۷)، القهرست اين نديم، ترجمه (۵۰۶).
(۵۰۶)، لستنامه (ذيل / دندان).

دنيا حبيب اللهی به دنيای خراسانی.

دنيای خراسانی، طاهره، فرزند آقا ميرزا محمد حبيب اللهی. (۱۳۲۳-۱۳۸۸ ق)، شاعر، متخلص به دنيا. در مشهد به دنيا آمد و در همان شهر به فراگيري دانش پرداخته او پيشتر روزگار خود را به پررسي نوشته های بزرگان گذراند، «ديوان» وی در حدود دوی هزار بيت است، او در شعر از شیوه هراتی پیروی می کرد و شعرهایش بشیر در قالب قصیده، چامه و مثنوی است.

زاد سجنور (۱، ۱۹۵-۱۹۷)، حد سال شعر خراسان (۲۲۳-۲۲۴).

دومی، عبدالله، فرزند ابوالقاسم. (۱۲۷۰-۱۳۵۹ ش)، موسیقیدان، وی در قریه طاب، یکی از روستاهای تفرش متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش گذراند، سپس در تهران به ادامه تحصیل پرداخت، او که صدایی خوش و گیرا داشت، مورد تشویق علی خان نایب السلطنه، از خوانندگان بزرگ آن زمان، قرار گرفت، اولیس استاد ری در فراگیری دستگاه شور، علی خان بوده پس از چندی نزد استادانی چون: آقا میرزا حسینقلی، حسین خان کسانجه کش، درویش خان، ملک الداکرین و آقا میرزا عبدالله به تکمیل هنر موسیقی پرداخت. در ضرب نیز دست پرورده حاجی خان عین الدوله ای بود. وی برای ضبط صفحه به اتفاق اقبال السلطان، باقرخان و مشیر همایون و عده ای دیگر به تلبیس و قفقاز رفت و سمعاتی را در آنجا پر کرد. از ۱۳۳۲ ش همکاری خود را با سازمان رادیو و تلویزیون وقت و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران شروع کرد. به واسطه کبر من شاگردان را در منزل تعلیم می داد. او شاگردان خوب استاد دومی، محمود کریمی، شاپور حاتمی، پرویز مشکاتیان و داریوش طلایی هستند و استادانی چون: نورعلی خان برومند و حاج آقا محمد مجرد ایرانی نزد دومی پاره ای از تصانیف را آموخته اند.

لستادن موسیقی (۶۲)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۶۶-۶۳۷)، سرگشتش موسیقی (۱، ۳۰۸-۳۱۰)، مردان

موسیقی (۱/ ۲۳۹-۲۴۰).

دوانی، ملا جلال الدین محمد بن عبدالدین اسعد بن محمد، صدیقی. (۸۳۰-۹۰۸/۹۱۸ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال، درانی و دانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی بکر می رسد. در روان از قرای کارزون فارس متولد شد. ابتدا نزد پدر دانشمندش دانش آموخت، سپس بری تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و به خدمت ملا محی الدین انصاری (ار اولاد محمد بن عباده حسینی) درآمد. در آنجا مسافرتها به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه بیگم به تدریس مشغول بود. پس او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و میاحثات حضوری و هیابی بسیار در زمینه حکمت و کلام، چریان داشت. در دوران آفریننده نرها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده گرفت. علامه دوانی در همه علوم دین و دنیای خود تبحر داشت و شهر فارسی را نیز به عربی می سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید و رساله ای به نام «نورالهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد و بیز حاشیه او بر «تجربیه»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفصیل ابوبکر بر علی (ع)، مؤید تشیع است. او در این رابطه اشعاری نیز سروده است. در زادگاهش دران درگذشت و در همان جا دفن شد. دوانی صاحب بیش از صد تألیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت اند از: «المودج العلوم»، درباره مسایلی از هر علم؛ «الامات الواجب القديم»؛ «الامات الواجب الجديد»؛ رساله در «اعمال العباد»؛ شرح «تهذيب المصنوع» لغتاری؛ شرح «اعتقاد المصديه»؛ حاشیه قدیمه و جدیده و وجد بر «شرح التجريد»؛ فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحيد»؛ تعلیقه بر «الانوار لمحسن الابزار» اردبیلی؛ در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «الحمة روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره قرآن از جمله سوره «اخلاص» و «کافرون».

آثار عجم (۲۲۵-۳۰۹)، احقاق الحق (۳/ ۱۲۲-۱۲۴)، الاعلام (۶/ ۱۵۷)، اعیان الشیعه (۹/ ۱۲۲)، تاریخ

دورقی اهسوازی، علی-حاجن مهزیار اهسوازی،
ابوالحسن علی.

دوری هندی، سلطان بایزید - دوری هروی.

دورقی رازی، نجم‌الدین ابومحمد عبدالله بن
جعفر بن محمد. (وف بعد از ۶۰۰ ق)، فقیه امامی و
محدث. اهل دورستان وی بود و نسب خود را به حلیقه
بن یمان متنسب می‌داشت. در ۵۶۶ ق به بغداد رفت و به
نشر احادیث امامیه پرداخت و به واسطه از شیخ صدوق
و شیخ مفید و سید رضی و سید مرتضی و از جدش،
محمد بن موسی دوریستی، روایت کرد. وی سرانجام به
دورستان بازگشت و در همان جا وفات یافت.

نجم‌الشیخه (۴۹/۸)، طبقات اعلام الشیخه (تقر ۷/
۹۳-۹۲)، ریاض العلماء (۳/۱۸۷-۱۹۰)، وی یامستان
(۲/۵۴۵)، ریحانه (۲/۲۳۸)، الکس و الکتاب (۲/
۲۳۲)، معجم البلدان (۲/۵۵۰-۵۵۱)

دورستی رازی، ابوعبدالله جعفر بن محمد بن احمد
بن عباس بن قاهر، (من پنجم ق)، محدث و عالم امامی
از حنابلان علم و فصل بود و نسب وی به حدیقه بن یمان
می‌رسید. معاصر شیخ طوسی بود و خواجه نظام‌الملک
نیز به او ارادت داشت. از شاگردان شیخ مفید و شریف
مرتضی بود و از صدوق به واسطه پدرش و مفید و
شریف مرتضی و سید رضی روایت می‌کرد. ضادان بن
جبرئیل و محمد بن ادریس حلی و سید مرتضی بن داعی
و نوه‌اش، ابوجعفر محمد بن موسی بن جعفر دوریستی،
و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. از آثار وی:
«الاعتمادات»، «الرد عسی الزمیه»، «الکفایه عسی
العبادات»، «مجل الیوم و الیله».

امعان الشیخه (۴/۱۵۱-۱۵۲)، الذریعه (۲/۹۲۵، ۱۸/
۹۵، ۲۵/۳۰۲)، وجع‌العلوس (۲۵۹)، روایات
الجنات (۲/۱۷۰-۱۷۵)، ریاض العلماء (۱/۱۱۰)، وی
یامستان (۲/۵۴۶)، ریحانه (۲/۲۳۷)، طبقات اعلام
الشیخه (القرن ۵/۴۲-۴۳)، الکس و الکتاب (۲/
۲۳۲-۲۳۳)، معجم المؤلفین (۳/۱۲۲)، هدیه الاحیاء
(۱۳۶)

دورستی رازی، حسن بن جعفر بن محمد (س)

ادبیات، در ایران (۴/۹۹-۱۰۰)، تاریخ نظم و شعر
(۲۶۷-۲۶۵)، تذکره روز روشن (۱۷۵-۱۶۷)، الذریعه
(۲/۲۰۶، ۵/۸۲، ۹/۱۹۹، ۱۵/۱۴۷، ۲۵/۵۷)،
روایات الجنات (۲/۵۴۸-۵۴۶)، ریحانه (۲/۲۳۲-
۲۳۶)، طبقات اعلام الشیخه (تقر ۱۰/۲۲۲-۲۲۰)،
کشف الظنون (۱۸۴، ۱۹۵، ۳۴۹، ۴۶۹، ۴۵۷، ۵۱۶،
۸۲۲، ۸۲۷، ۸۶۳، ۱۰۹۶، ۱۱۲۴، ۱۵۶۷، ۱۸۹۳،
۲۰۲۷)، مساجد المؤمنین (۲/۲۲۱-۲۲۲)، معجم
المؤلفین (۹/۴۷)، هدیه الاحیاء (۱۳۶).

دوایی سبزواری، (قرن نهم ق)، شاعر، از شاعران
عهد تیموری است. از او «دیوان» شعری در قالبهای
غزل، قطعه و رباعی به جا مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴/۴۵۷)، الذریعه (۹/۳۲۹)
فرهنگ سخنوران (۳۳۲)، معجم الخواص (۲/۲۱۵).

دوایی شیروزی گیلانی، شمس‌الدین علی. (وف
۱۰۰۴/۱۰۰۳ ق)، حکیم، پزشک و شاعر، متخلص به
دوایی. معروف به «بن‌الملک». ظهراً مولد وی شیرواز
بود ولی در گیلان نشو و نما یافت. در عصر اکبر شاه به
هند رفت و با معرفی خان اعظم، میرزا عزیز کرکنشاه به
دربار راه یافت. وی سفری نیز دو ۹۹۰ ق به کاشان
داشت و مدتی از عمر خود را در مکه به سر برد. مدتی
حکومت دهلی و جندی صادرات صوبه بنگاله را برعهده
داشت و از مقریان اکبر شاه و از ملازمان کرکنشاه بود. از
او است:

اگر با غیر عشق الفت نمی‌گیرم حجب نبود
مثال عصمت می‌دان که در صفا نمی‌کنم

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۲۶۰)، تاریخ نظم و شعر
(۶۷۶)، تذکره روز روشن (۲۶۲)، دانشمندان و
سخن‌سرایان فارس (۳/۵۵۱-۵۴۹)، الذریعه (۹/
۳۲۹)، ریاض الماریین (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۲-
۳۴۵)، کاروان هند (۱/۳۱۷-۳۱۴)، هفت اقلیم (۲/
۱۲۹).

دوایی لاهیجی، ابوالفتح. (۴)، شاعر. از آثار وی:
«مظهر الاسرار»، در بحر «مخزن الاسرار»، که اسرار خفیه
در آن آمده است.

منظومهای فارسی (۲۶۷).

بنجم و ششم ق)، ادیب و شاعر پدرش از علمای بزرگ امامیه بود. وی فردی ناصب و دانشمند بود و از بهاءالدین محمد بن احمد و روی روایت می‌کرد. اشعاری از او به جا مانده است.

عبد الشیمه (۵/ ۲۹)، یاص الحناء (۱/ ۱۶۸-۱۶۹)،
ریحانه (۲/ ۲۳۸)، طبقات اعلام الشیبه (قرن ۶/ ۵۶،
۷/ ۳۷)، الکسی والاقاب (۲/ ۲۳۴)، مجالس المؤمنین
(۱/ ۳۸۲).

دوری هروی، سلطان یایزید، فرزند میرنظام. (وف ۹۸۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به دوری، مشهور به میردوری. اهل هرات بود چون خود را از استاء سلوک می‌دانست، پیش از نام خود سلطان می‌نهاد وی یکی از شاگردان طراز اول میر علی هروی و مورد توجه استاد بود به طوری که میر علی او را «فرزند» خطاب می‌کرد. ملا نامش شادیشاه نیز استاد وی بود. سفری به هندوستان رفت و در سلوک ملازمان اکبر شاه درآمد و از این پادشاه لقب کاتب الملک گرفت. گوید که تا ورود میردوری به هندوستان، خوشنویسی به مهارت او در خط نستعلیق نیامده بود. آخر عمر به قصد گزاردن حج، عازم مکه گردید و در آب غرق شد. وی از غولسرایان روزگار خود بود و صاحب مجموعه اشعاری به نام «مجمع الشعر» که آن را به حمیده بانو، مادر اکبر شاه، تقدیم کرد. نسخه‌ای از این مجموعه اشعار به خط خود شاعر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از دیگر آثار وی: یک نسخه «مثنوی خضرخانی و دولرانی» امیر خسرو دهلوی از کتابخانه ریاست کپور هند، به قلم کائنات جلی خوش که چپین تمام می‌شود: «الفقر الحفیر المذهب سلطان یایزید بن میر نظام مشهور بدوری تاریخ شهر محرم الحوام سنه ۹۷۶»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «المعیر المذهب سلطان یایزید دوری هفر دویه...»؛ یک قطعه به قلم نیم دودانگ و کتابت جلی خوش، با رقم: «العید کاتب الملک، المشتهر بدوری هفر دویه، فی تاریخ شهر سوال سنه ۹۸۵ ق...»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۹۵-۹۶)، تاریخ نظم و سحر (۴۱۹)، تاریخ همدی ملی (۲/ ۸۳۲-۸۳۳)، خوشنویسان و همدان (۹۳)، الذریعه (۹/ ۳۳۰)، شام غریبان (۹۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴۵)، کاروان

هند (۱/ ۴۱۷-۴۱۹)، مناقب هروان (۷۷)، حمت اقلیم (۲/ ۱۵۹-۱۶۰).

دوردوزانی تبریزی، میرزا محمود، فرزند آقا محمد حسن سرایی. (۱۳۱۲-۱۳۸۰ ق)، فقیه اصولی و مجتهد. در دوردوزن از توابع سرب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمد صادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت درازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ علی اصغر حنائی تبریزی و شیخ مهدی سارندرامی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازة اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت از آثار وی: «لب الاصول»، در مباحث العاقل و اصول علمیه؛ «کتاب الطهارة»؛ «منجزات المرضی»؛ حاشیه بر «المروءة». علماء معاصرین (۲۸۴)، معجم رجال نجف (۲/ ۵۸۰).

دوست اهنزاری، سلا دوست محمد. (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران و سخن مستحان بنام ولایت اسفند بود. در قصیده سرایی، اوری زمان خود بود. از اوست وقت گل آمد و اسباب طرب نیست مرا
باده دیاب و زکس روی طلب نیست مرا
تذرة دور روشن (۲۶۷)، الذریعه (۹/ ۳۳۰)، تذکره مجالس العانس (۱۵۶).

دوستان گرجی، بهراد بیگ - بهزاد بیگ گرجی.

دوستان، بهرامحمد. (س چهارم ق)، عارف، در مرو مولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی از هروی مشهور قرن چهارم است که به رهد و تقوی معروف بود و با احمد چشتی معاصر. گوید «تعظیم حق سبحانه بر ابو حامد دوستان بهتان غالب شده بود، که چون به نماز ایستادی و گویی الله پیش از آنکه اکبر گهی بیهوش شدی و بیعتادی»

اسرار التوحید، تعلیقات (۶۲۹)، ریحانه (۲/ ۲۳۸)، طبقات الصوفیه هروی (۶۲۵)، کشف المحجوب (۵۹)، مصداق الانس (۲۸۷-۲۸۸).

است. ابوالمعالی که جوانی حدود بیست ساله به نظر می‌رسد کلاه حمامه‌ای به سر گذاشته و هجایی بر روی لباسها انداخته و چشمها را به روی کاغذ دوخته و این حملات به خط خوش روی کاغذ نوشته شده است. «الله اکبر - جنت آشیانی - این صورت شبیه شاه ابوالمعالی کاشعریست که در خدمت حضرت قرب تمام داشتند - عمل استاد دوست مصور».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۵-۱۷۲)، تاریخ هنرهای
مسی (۲/ ۸۳۹-۸۴۰)، گستان هنر (چهل و یک،
۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۷).

دوست محمد کوشوانی ← دوست محمد گواشانی
هروی

دوست محمد گواشانی هروی، فرزند سلیمان. (ز ۹۶۸ ق)، خطاط، مذهب و شاعر، متخلص به کاهی، اهل گواشان پاکرشوان، از فرای هرات، بود. وی به غیر از هنر خوشنویسی، در نقاشی و تذهیب و فغانی نیز ترویج بود و جز ستملیق، افلام نسخ و ثلث و رقاع و شکسته تعلیق را هم خوش می‌نوشت و شاگرد مولانا قاسم شادشاه بود. دوست محمد پس از چندی از هرات به کاشانه طهماسب رفت و در کاشانه او به امر کتابت پرداخت. وی به دستور شاهزاده ابوالفتح بهرام میرزا، مأمور جمع آوری خطوط و تصاویر شد و چون ذکر منشأ خط و استادان خط و تاریخ مختصری در پیدایش آن را لازم دید، به تهیه آن همت گماشت که این مرقع گنجی شد از بهترین آثار هنرمندان خوشنویس و صورت‌نگران ایران و دیباجه و مقدمه‌ای نیز به خط خود به آن افزود. در آخر چنین رقم نهاده است «چو تاریخ اتمام پرسید، گفتم - ابوالفتح بهرام عادل نهادی» (۹۵۱ ق). از دیگر آثار وی، قرآن رحلی، جلد سوخت، حاشیه مذهب مرصع ممتاز، نسخ کتابت و ثلث و رقاع جلی خوش، با رقم... دوست محمد بن سلیمان هروی... (۹۶۸ ق) یک نسخه «دیوان» حضرت امیرالمؤمنین (ع)، نسخ کتابت خوش و ترجمه به ستملیق کتابت جلی خوش، با رقم: «هم دیوان حضرت الامیر، علی ید العبد الفقیر... دوست محمد بن سلیمان لهروی...».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۳-۱۸۸)،
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۶-۱۷۵)، ۳/

دوست محمد خان معیرالممالک - معیرالممالک

دوست محمد. (ز ۱۲۱۲ ق)، خطاط، از آثار وی، قطعه‌ای از یک مرقع، که از روی خط میرعماد به بهترین وجه نقل کرده است، به قلم سه دانگ حالی، با رقم «کعبه العبد الخیر المذنب الضعیف ترین بنده درگاه دوست محمد»؛ یک قطعه از مرقع، نسخ بیم دودانگ جلی خوش، با رقم «حرره دوست محمد ۱۲۱۲».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۸۸-۱۸۷)، ۲/ ۱۰۶۸.

دوست محمد بن نظام الملک. (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی، قطعه‌ای در مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقم «انعمیر دوست محمد بن نظام الملک».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۳).

دوست محمد خان. (ز ۱۰۷۰ ق)، نقاش، در دوره شاه عباس دوم می‌زیست و از هنرمندان شبیه‌ساز بود. از آثار وی تصویر استادانه‌ای است که از صورت صیقلی خان سردار، معاصر شاه عباس دوم صوری نقاشی کرده و حواشی این تصویر به خطوط متنوع ستملیق پیرامته و به تذهیبات و نقوش رنگین آراسته شده است، با رقم:

انمود معنی صورت به نطق خواجه بیان
کینه چاکر عباس شه محمد خان

سه ۱۰۷۰

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۵).

دوست محمد دیوانه. (س دهم ق)، نقاش، مشهور به درست مصور. در دوره شاه طهماسب صوری می‌زیست و از شاگردان استاد بهزاد بود. در ۹۵۱ ق به تقاضای پادشاه هند از پادشاه ایران برای پیشرفت هنر در هندوستان، گروهی از هنرمندان ایرانی از جمله دوست محمد دیوانه به هند رفتند. از جمله شاگردان وی، شیخ محمد سبزواری است. دوست محمد تا اتمام دوره سلطنت شاه همایون در هندوستان با احترام زندگی کرد و در همان جا نیز فوت کرد. از آثار زیبای این هنرمند، تصویر دختر هفتاد و کرم سبب می‌باشد که رقم «صورة دوست محمد» دارد؛ تصویر ابوالمعالی، که بر روی رمی نشسته و نامه‌ای روی زانو نهاده و به نوشتن مشغول

۱۲۵۰-۱۲۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۸۱۳)، بحقه سامی (۱۳۷-۱۳۸)، تذکره روز روشن (۶۷۴-۶۷۵)، شورشویان و هنرمندان (۳-۱)، الذریعه (۹/ ۲۳۱، ۹۰۶)، گلستان هیر (۹۹)، مناقب هروزی (۵۶).

دوست محمد هروی - دوست محمد گواشانی هروی.

دوست مصور - دوست محمد دیوانه.

دوست هروی، دوست محمد عودی، (وف ۹۴۹ق)، شاعر. وی از سخن سرایان هرات بود، که در دوره شاه طهماسب صفوی به دیار وی پیوست. پس از چندی به سفر حج رفت و به قولی در راه بازگشت از حج درگذشت؛ و به قول دیگر در هرات وفات یافت. از اوست:

تا چسبند ز تو بر دلم آزار رسد
جور و مستم و طعنه را عیار رسد
بازی به همین خوشم اگر از سر لطیف
گاهی نظرت بر من بیمار رسد
نسخه سامی (۱۲۹-۱۳۰)، الذریعه (۹/ ۲۳۱).

دوست هروی - دوست محمد گواشانی هروی.

دوست هروی، مولانا دوست علی، (س بهم ق)، شاعر. اهل محله مرغی شهر هرات بود. او دو قرن معما مهارت داشت. از اوست:

بلاست از تو بدل هر زمان جمای دگر
چماکه بر دگری می کنی بلای دگر
الذریعه (۹/ ۲۳۱)، مجالس المجالس (۷۱-۷۲).

دوستی سمرقندی. (ز ۱۰۲۸ق)، شاعر در سمرقند متولد شد و در هندوستان از محضر عبدالله خان فیروز جنگ کسب علم کرد و در شعر و شاعری از شاگردان مشفق تجاری بود. علاوه بر مسافرت هندوستان در ۱۰۱۱ق به حج رفت. وی مردی دانشمند و درویش مشرب بود و نزل و ریاهی را نیکو می سرود. از آثار وی، «دیوان» اشعار حدود هشت هزار بیت.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۲۷۲)، تاریخ نظم و نثر

(۵۹۶)، تذکره میخانه (۶۶۱-۶۶۸)، فرهنگ سخنوران (۲۴۶).

دولابی، ابوبشر محمد بن احمد بن حماد رازی. (۲۲۲/ ۲۳۲-۳۱۰/ ۳۲۰ق)، حافظ، محدث و مورخ. از دولاب ری بود و پیشه ورائی داشت. در زنگنه به تحصیل پرداخت و دو شام و هرات و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشر و احمد بن ابی سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابراحمد بن عسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده اند. دولابی دو ریه زیارت خانه خدای پسین مکه و مدینه، در عرّج درگذشت. ری تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و رقیات صفا از خود به جای گذاشت، که از آن جمله کتاب «الکلی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او، «الذریعه النعمه»؛ «اخبار الخلفاء».

الاعلام (۶/ ۱۹۸)، ری باستان (۲/ ۳۴۷)، رساله (۲/ ۲۲۹)، سیر النبلاء (۲/ ۳۰۹)، کشف الظنون (۸۲۷)، (۱۲۱۹)، الکلی و الاقباق (۲/ ۲۲۶)، لسان المیزان (۵/ ۶۵۱-۶۵۲)، امت نامه (ذیل ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (۸/ ۲۵۵)، الوافی بالوفیات (۲/ ۳۶)، رسیات الامیان (۲/ ۳۵۲-۳۵۳)، هدیة المارین (۲/ ۲۲).

۲۲۱

دولابی، ابوجعفر محمد بن صباح، (ح ۱۵۰-۲۲۷ق)، حافظ و محدث. اصلاً از هرات بود. در قریه دولاب ری متولد شد. از تجارت پیشه بود و شغل بزازی داشت، لذا او را دولابی بزاز نیز نامیده اند. از شریک بن عبدالله اسماعیل بن زکریا، ابن مبارک، جریر بن عبدالحمید، سفیان بن عیینه، اسماعیل بن علقمه و حماد بن عیث و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن حنبل و یسرش عبدالله بن احمد و بخاری و مسلم و ابوداود (صاحبان صحاح) و ابوحاتم و گروه بسیاری از او حدیث روایت کرده اند و او را در حدیث ثقة و حجت دانسته اند. ابن معین او را امین و احمد بن حنبل و ابوحاتم رازی او را ثقة خوانده اند. او در بغداد صاحب نام بود و در کثرت تعداد درگذشت. از آثار وی کتاب «السین» در حدیث،

۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقا خان گرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجدداً به عراق رفت و در حرسه درس میررای شیرازی و محمد تقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در ۱۲۷۶ ش به استاسول رفت و در آنجا با میرزا حسین خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌المابدین مراغه‌ای آشنا شد و در همین شهر با همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد دولت‌آبادی در ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد؛ وی مسافرت‌هایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به مسکنه قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستان «شهر ناز»، «شجره طیبه»، «دوره زندگانی با عصب حق اطفال»، «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»، «نهال ادب»، «ارمغان یحیی»؛ شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر.

از صبا تا صبا (۲/ ۲۷۱-۲۷۲)، زندگنامهٔ رحال و شامیر (۳/ ۲۳۲-۲۴۲)، سرآمدان فردنگ (۱/ ۲۹۳-۲۹۲)، سخوران نامی ایران (۲/ ۵۲۲-۵۲۳)، سخنران نامی معاصر (۶/ ۳۹۶-۳۹۷)، شرح حال رحال سیاسی و نظامی (۲/ ۶۸۰-۶۸۱)، فهرست‌نامهٔ کتابهای فارسی (۲/ ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۸۲۸-۸۳۰).

دولت‌آبادی، ناصر، فرزند قهرانه بن احمد، (ش) ۱۲۹۹، شاهر، متخلص به ناصر در اصفهان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان برد و در ۱۳۱۵ ش وارد دانشکده حقوق تهران شد و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ لیسانس شد. پس از دریافت لیسانس در همان سال به خدمات قضایی اشتغال ورید و به اصفهان مأموریت یافت، پس از چند ماه به تهران منتقل شد و در سمتهای مستشار دادگاه استئناف و ریاست شعبه دیوان کشور به خدمت مشغول شد. انواع مختلف شعر را نیکو می‌سرود و روانی و شیوایی و مضمون غریب از خصوصیات شعرهای او است. در ۱۳۱۸ ش مجموعه‌ای از اشعار خود را با نام «آرمان مادر» منتشر ساخت و نیز کتاب

که آن را در چندین بخش مرتب کرده است.

الاحلام (۷/ ۳۵)، تاریخ پنداد (۵/ ۳۶۷-۳۶۸)، التاریخ التکسیر (۱/ ۱۱۸)، تهذیب‌التهدیب (۹/ ۱۹۸-۱۹۷)، الجرح والنسیل (ج ۴، ق ۲/ ۲۸۹)، ری باستان (۲/ ۳۶۸)، ریحانه (۲/ ۲۳۹-۲۴۰)، سیرالنبله (۱۰/ ۶۷۰-۶۷۱)، الکلی والافاق (۲/ ۲۲۶)، معجم البلدان (۲/ ۵۵۱)، معجم المزیلین (۱۰/ ۸۹)، میزان الاعتدال (۳/ ۵۸۲)، الزمان بالوفیات (۳/ ۱۵۸)، هدیه‌المعارفین (۲/ ۱۱).

دولت‌آبادی، صدوق، فرزند میرزا هادی، (۱۲۵۸/۱۲۶۲-۱۳۳۰/۱۳۲۱ ش)، نویسنده و خط‌نویس زن روزنامه‌نگار. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون روشنفکر و متجدد زمان خود بود. تحصیلات مقدماتی را در محیط خانواده فراگرفت و در حدود پانزده سالگی با احتضادالحکما ازدواج کرد و چند سالی در تهران اقامت کرد. پس از درگذشت پدرش به اصفهان بازگشت و نخستین مدرسه دخترانه را در آن شهر دایر کرد. در ۱۲۹۷ ش برای زمینه‌سازی پس‌حجایی دو پسر زنانه شرکت خواتین اصفهان و دو سال بعد شرکت آرمایش بانوان را تشکیل داد و در ۱۲۹۷ ش «روزنامه زنان» را با سرمایه شخصی خود تأسیس کرد. در ۱۳۰۱ ش به پاریس رفت و در ۱۳۰۶ ش در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه سوربن پاریس فارغ‌التحصیل شد و یک سال بعد از آن به ایران بازگشت. در ۱۳۱۵ ش به سرپرستی کانون بانوان سرگرمیده شد. او طی یک دوره بیماری درگذشت. از دیگر آثارش: «آداب معاشرت زنان».

از صبا تا روزگار ما (۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۰۰۹)، رمان روزنامه‌نگار (۹۹-۸۸)، کارنامهٔ زنان (۱۰۹-۱۱۱)، مشاهیر زنان (۱۲۲-۱۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۲۶).

دولت‌آبادی، سیرزا یحیی، فرزند میرزا هادی، (۱۲۲۱-۱۳۱۸ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ و شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل مشغول شد. از ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران مسافرت کرد و در

«حیات یحیی»، تألیف حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی را در ۲ مجلد به چاپ رسانید. از او «دیوان» شعری هم منتشر شده است.

تذکره: شعرای معاصر اصفهان (۱۳۹۶)، مستشرقان ملی
معاصر (۶/ ۲۵۷۵-۲۵۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۰۹-۵۰۸)

دولت‌آبادی اصفهانی، محمد اکبر، فرزند آقا میرزا دولت‌آبادی. (س یازدهم ق)، شاعر از آثار وی: منظومه «اصعقانه»، در توصیف اصفهان و شرح اشتیاق سراینده آن نسبت به آن شهر؛ مثنوی «زهدنامه»

تذکره: قمیور (۲۷۶)، الذریعه (۷۷/ ۲۲)، فهرست‌ور
کتابهای فارسی (۱/ ۱۷۰)

دولت‌تهرانی، موسی، فرزند اسماعیل احتشام لشکر (قر ۱۳۰۹ ق)، شاعر و نویسنده ملقب به معظم السلطه، در تهران متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی وارد دارالفنون گردید. ادبیات و علوم قدیمی را نزد حاج فاضل‌تهرانی (هموزاده خود) فراگرفت. سپس به استانیون رفت و به تکمیل مراتب علمی و ادبی گروید. خدمات دولتی او در وزارت خارجه و مستشاری به‌عمرت استانبول بود. خیریات شیوای او بیشتر در روزنامه «جهان» درج می‌شد. اثر وی: «فرمانروایان ایران».

مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۲۶)

دولت جهانگیری. (س نهم ق)، نقاش. وی علام جهانگیر بخاری نقاش بود. در تصویر آفرین بسیار نازک قلم و دقیق بود. از آثار او تصویری از مولانا عبدالرحمن جامی است که آن را به شیوة استاد بهرام نقاش کرده است.

خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۸)

دولت مسمرقندی، پی‌پی دولت. (س هشتم ق)، شاعر. از زنان شاعر در مسمرقند. او معاصر امیر تیمور گورکانی بود. گویند وقتی امیر تیمور مسمرقند را گرفت یا این شاعره نایباً ملاقاتی داشت از او می‌گفت:

آتش در شمع مسمرقند ی‌باد

و پی تیمور لنگ چون سپید باد

فرهنگ مستشرقان (۳۲۶)، شاه‌میرزاه (۱۰۰)

دولتشاه مسمرقندی، فرزند علاءالدوله یحیی شاه غازی استخرایی. (ح ۸۴۲-۹۰۰ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به علایی. از شعیب‌زادگان خراسان و از ملازمان امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا بود. دولتشاه «تذکره الشعراء» را در شرح حال شعراء از عاز شعر فارسی تا روزگار خود به نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرد. این کتاب هر چند شهرت بسیار ندارد، اما مطالب آن درباره شعرایی که پیش از زمان او می‌زیستند، اغلب اعتبار دارد.

ارمه بی نا جامی (۶۳۱-۶۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران
(۴/ ۵۳۶-۵۳۹)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۲۶۶-۲۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۵)، الذریعه (۳۷/ ۲)،
۹/ ۳۳۲، ریاضی و ریاضی سرایان (۷۹)، سبکشناسی
(۳/ ۱۹۵-۱۹۷)، فرهنگ مستشرقان (۶۴۲)، لغتنامه
(دیل / شازی مسمرقندی)، مجالس العنایس (۱۰۸)،
مجله دانشکده ادبیات مشهد (س ۳، ش ۱، ص ۱۰۹-۸۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۲-۷۰).

دولتشاهی، هتوچهر. (قر ۱۲۸۳ ش)، محقق. در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در موهن خود به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل عازم بیروت شد و در دانشگاه فرانسوی آنجا به تحصیل رشته مهندسی پرداخت و به احمد دیپلم بایل آمد. پس از مراجعت به ایران در ۱۳۱۲ ش در وزارت راه به خدمت وارد شد. ولی پس از دو سال ترک خدمت دولتی نمود و به شغل آزاد پرداخت. از آثار وی: «اسرار امواج رادار»، «اصول رادار»، «پیدایش و تحول حیات»، «جهان‌الم» و «در خلقت چه خبر است»

مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۰۹-۲۰۳)

دولتشاهی، یحیی. (ز ۱۳۰۶ ش)، نقاش. وی جهت هنرآموزی نقاشی به مدرسه کمال‌المسک رفت و ابتدا سیاه‌قلم و شروع کرد و پس از مدتی که تجربه پیدا کرد و رشته‌های گوناگون را یاد گرفته، در همان مدرسه به تعلیم نقاشی پرداخت و تا سال ۱۳۰۶ شمسی در آن مدرسه فعالیت می‌کرد. دولتشاهی دارای آثار زیادی است، از جمله: دوازده تصویر تخیلی برای «شاهنامه فردوسی»، که مؤید هنرمندی وی در امر تصویرگری است.

دهاء، مصنف. (س چهاردهم ق)، شاعر. از آثار وی.
«جای پاد» مجموعه شعر، چاپ ۱۳۳۴ ش در تهران؛
«خوشه تلخ» شعر؛ «یاد یاده» شعر، چاپ ۱۳۳۴ ش در
تهران

مؤلف کتب چاپی (۵/ ۲۲۲-۲۲۲).

دهاقانی، شیخ نورالله، فرزند حاج شیخ علی
مسعود. (۱۳۰۱-۱۳۷۱ ق)، مدرس و روزنامه‌نگار.
مشهور به نور شرق. در خانواده‌ای روحانی در دهاقان
اصفهان متولد شد. پدرش از مجتهدین اصفهان بود.
تحصیلات خود را در مدارس علمیه اصفهان نزد علمایی
چون آقا شیخ هادی قرزانه قمی و شیخ محمدرضا
سجفی و حاج میرزا عبدالحسین نجفی به پایان رساند. او
به زبان فرانسه، علوم عربی و جامعه‌شناسی آشنا بود و
بیشتر مطالعاتش در تفسیر قرآن بود. وی پس از تأسیس
مدرسه صامیه به تدریس عربی و فارسی مشغول شد و
در ۱۳۴۴ ق روزنامه «نور شرق» را در اصفهان تأسیس
کرد. پس از انتشار این روزنامه، به نور شرق مشهور شد.
او تا آخر عمر به تدریس در مدارس مختلف اصفهان
متشغول بود. سرانجام بر اثر سکته قلبی درگذشت و در
تخت فولاد دفن شد. از وی تألیفات مستقلی چاپ نشده
است و خلب آثار او به صورت مقالات مختلف در
روزنامه‌های اصفهان بخصوص روزنامه «شرق جهان»
چاپ می‌شد.

تاریخ جراید (۴/ ۳۱۷، ۳۱۸)، تذکره‌الغیر (۵۲۵-۵۲۶)،
زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۴۳).

دهبان اصفهانی، محمد جریاحی اصفهانی،
مصنف.

دهجی، سید مهدی. (س سیزدهم ق)، نویسنده. در
روبرگار ناصرالدین شاه قاجار می‌زیست. از آثار وی:
«رساله سید مهدی دهجی» در تاریخ باب و بها.
فهرست‌نامه کتابهای فارسی (۲/ ۹۷۲).

دهخدا، ابوالمعالی رازی. (وف ۵۴۱ ق)، شاعر.
شاعری جامع علوم معقول و منقول و شیعه مذهب و از

دولت قاجار، محمد علی میرزا دولتشاه، فرزند
فتحعلی شاه قاجار. (۱۲۰۳-۱۲۳۷ ق)، شاعر، متخصص
به دولت. منقوب به دولتشاه. در حدود ده سالگی از طرف
پدر با وزارت میرزا نصرالله علی‌آبادی مسندترانی به
حکومت فارس رسید و بعد از مدتی حاکم فزوق شد.
در نوزده سالگی به حکومت خورستان، لرستان و
کرمانشاه منصوب شد. در حمله عثمانی‌ها به ایران، آنان را
شکستی سخت داد که بالاخره متهم به عهد معاهده
صلح اورنگ‌الروم شد. وی پس از راه تسخیر بغداد به
مرض ویا درگذشت و در کربلا دفن شد. دولت دارای
«دیوان» شعر است.

تاریخ حنفی (ش و تحقیقات)، حدیقه الشعر. (۱/
۶۲۷-۶۲۲)، الذریعه (۹/ ۳۳۱-۳۳۲)، سفینه المصنوع
(۱/ ۲۷۸-۲۷۹)، شرح حال رجال (۳/ ۲۳۰)، فرهنگ
سموران (۳۴۶)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۲۳۹-۲۴۰)،
مجمع الفصحا (۱/ ۵۰-۴۶)، معطبه خواب (۶۰-۵۹)،
نگارستان دارا (۲۵-۲۳).

دوتیار بخارایی، عبدالدین مسعود. (س ششم ق)،
شاعر در خانواده‌ای زرتشتی متولد شد و اسلام آورد.
عبداللین از موالی خاندان آل پرهان بود و در بخارا
می‌زیست و بزرگان آن سامان با وی معاشرت داشتند. از
اوست

سرکس ز ویا چو می‌رقم نتوان زد
زین پس به ره مهر قدم نتوان زد
چو ز آینه روی همدی نتوان دید
زان نیز چه فایده که دم نتوان زد

لیب‌الکتاب (۲/ ۳۸۸-۳۸۷)، هفت اقلیم (۳/ ۴۲۴)

دویری تیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن
یوسف بن خورشید. (وف ۳۰۷ ق)، محدث. از دویر،
روستایی در دو فرسنگی تیشابور بود. از قتیبه بن سعید و
اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع حدیث شنید.
ابن شرقی و ابویزید حسان بن محمد و یحیی بن زکریا
دویری و ابو عمرو بن حمدان تیشابوری از او روایت
کرده‌اند.

سیر النبلاء (۱۴/ ۲۵۵-۲۵۶)، مجمع البیانات (۲/

ار تهران و کورمان به نمایندگی مجلس در دوره دوم انتخاب شد. وی در دوران جنگ جهانی اول حدود بیست و هشت ماه در یکی از قری چهار محال بختیاری مزدی بود و پس از پایان جنگ به تهران آمد و از آن پس از کارهای سیاسی دست شست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مدرسه علوم سیاسی تهران، ریاست تفتیشی وزارت دادگستری و عهده دار شد. دهخدا پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ خ و برکناری رضاشاه پهلوی، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول شد و از مشاغل دولتی کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در این بابویه دفن گردید. مهمترین آثار او عبارتند از: مقالات «چرند و پرند»، «امثال و حکم»، «جریده سروش»، «تحت نامه»، «دیوان شعر»، تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی، «شرح حال و آثار ابوریحان بیرونی»، ترجمه «روح القوانین»، ترجمه «اعظمیت و انحطاط رومی».

از بیجا تا روزگار ما (۱۳۷۱-۱۳۷۹)، با کاروان حله (۱۳۸۵)، ۴۰۳، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۵۲-۵۰)، تاریخ ادبیات ایران، دوره بارگشت (۱/ ۲۶۷-۲۶۶)، تاریخ جرید (۳/ ۱۴۶-۱۳۷)، چشمه روشنی (۴۶۸-۴۶۷)، جون موی قشقه (۵۲-۴۷)، دایره المعارف فارسی (۲/ ۲۴۹۷)، دهخدا شاعر، الذریعه (۹/ ۳۳۳)، ریحانه (۲/ ۲۴۲-۲۴۱)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۴۲-۲۵۲)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۵۸-۳۵۶)، سخنوران نامی معاصر (۲/ ۱۳۷۹-۱۳۸۳)، شرح حال رجال (۲/ ۲۲۹-۲۳۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴ / ۱۵۸۹-۱۵۹۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۵-۲۱۶)، گلزار معانی (۲۶۴-۲۶۱)، لغت نامه (مقدمه / ۲۷۹-۴۱۸)، مولفین کتب چاپی (۴/ ۵۱۵-۵۱۸)، مستدرکات اعیان (۱/ ۱۱۳-۱۱۵).

دهخوارقانی، ضیاء العلماء ابوالقاسم شهید - ضیاء العلماء، میرزا ابوالقاسم.

دهخوارقانی، محمد و ضا، (س چهاردهم ق)، نویسنده. وی نماینده مردم تبریز در دوره دوم مجلس شورای ملی بود. از آثار وی: «مشروطیت»، در این که مشروطیت مانی با تشیع نیست؛ «یادداشتها».

پرسو، کتبه‌های فارسی (۲/ ۱۰۷۹-۱۰۶) (نحسکان

مصلای عراق که معاصر با حکیم سنایی و محتاری هرنوی بود. نظامی عروضی و عسفی وی را در ردیف شاعران سلجوقی ذکر کرده‌اند و صاحب «مجمع الفصحاه» او را مداح عیث‌الدین مسعود بن ملک‌شاه دانسته است. وی از استادان معروف عهد خویش بود و بعد از خود میان ناقدان بزرگ شهرت داشته است. اقبال آشتیانی وی را همان ابوالمعالی «خاص اصفهانی» (وف ۵۱۲)، معاصر الب ارسلان و ملک‌شاه دانسته است، ولی اکثر منابع این دورا جدای از هم آورده‌اند و بعید به نظر می‌رسد که این دو یکی باشند. از وی «دیوان» اشعاری بر جای مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۰۲-۶۰۰)، الذریعه (۹/ ۲۹-۵۰، ۳۳۳-۳۳۲)، لیال‌الالیاف (۲/ ۲۲۸)، لغت‌نامه (دیل / ابوالمعالی)، مجمع الفصحاه (۱/ ۱۹۵-۱۹۹)، لغت قلیلم (۲/ ۳۹-۳۲).

دهخدا، علی اکبر، فرزند خان باباخان، (۱۲۵۸-۱۳۳۴ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، محقق، مترجم، مصحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخیو. در خانواده‌ای قروینی‌الاصل، در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجرودی آمرحک‌رویی از آن وارد مدرسه عالی علوم مییاسی تهران شد و میانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آنجا فراگرفت و از محضر شیخ هادی نعم‌آبادی نیز بهره برد. در ۱۲۸۲ ش به همراه معاون‌الدوله شمیری، وزیر مختار ایران در کشورهای بلکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصیل دانش‌های جدید، زبان فرانسه خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه «صور اسرافیل» با میرزا جهانگیر خان شیرازی همکاری کرد و مقالات خود را تحت عنوان «چرند و پرند» با نامهای مستعار: دخیو، خرمگس، سگ حس دل و غلام گدا چاپ می‌کرد. دهخدا پس از واقعه یه قو پ پستی محسن به استانبول و از آنجا به اروپا رفت و در سوئیس با کمک معاضد السلطنه میرزا ابوالحسن خان پیریا، روزنامه «صور اسرافیل» را در شهر ابوردون دایر کرد که پس از سه شماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در استانبول به انجمن سعادت ایران با پیوست و در شمار نویسندگان محله «سروش» درآمد. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده اصول مشروطه،

سیاسی (۲/ ۲۸۳).

حسین. (من هفتم ق)، نویسنده و مترجم. از حال او اطلاع کافی در دست نیست، ولی از مقدمه‌یی که بر ترجمه «العرج بعد الشدة» نوشته روشن می‌شود که او معاصر و مورد حمایت خواجه هزالدین طاهر بن زنگی فریومدی وزیر خراسان در عهد ایلخانان بود. او ترجمه کتاب «العرج بعد الشدة» را به نام خواجه هزالدین ترتیب داد و کتاب را «جامع الحکایات» نامید. کتاب او مشتمل بر سیزده باب و هر باب شامل چندین حکایت مفصل و دلپذیر است که ارتباط معنوی یا موضوع باب دارد.

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۳۲-۱۲۳۶)، الذریعه (۵/

۵۰)، گنج و گنجینه (۲۷۷-۲۸۲)، مؤلفین کتب چاه‌ی

(۲/ ۶۹۹-۷۰۰).

دهقان، علی. (تو ۱۲۸۵ ش)، نویسنده. در ارومیه متولد شد. پس از فراغت از تحصیل دوره متوسطه، به تهران آمد و در دانشرای عالی در رشته ریاضی و علوم تربیتی لیسانس گرفت و بعد وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل ذیل شد: دبیر و مازرین فرهنگ اصفهان، رئیس دانشسرای مقدماتی پسران تبریز، رئیس فرهنگ ارومیه، مأمور مطالعه به اروپا در ۱۳۲۶ ش به مدت یکسال، رئیس دبیرستان قریب، رئیس تعلیمات متوسطه، رئیس فرهنگ آذربایجان و استاذ آذربایجان شرقی. از آثار وی: «تربیت معلم در کشورهای فرانسه و انگلستان و ایران»، «تعلیم و تربیت در فرانسه».

مؤلفین کتب چاه‌ی (۲/ ۲۳۰-۲۴۱).

دهقان رشتی، اسماعیل، فرزند میرزا ابراهیم. (۱۲۶۵-۱۳۲۵ ش)، صوفی و شاعر. در رشت متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر انجام داد. در جوانی با پدرش به عتبات رفت و مدت پنج سال در بغداد ماند و در طی این مدت به زبان انگلیسی آشنا شد. پس از آن به ایران بازگشت و به بهار حبشاه گروید و تا پایان عمر به طریقه او باقی ماند. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

الذریعه (۹/ ۳۳۳)، مؤلفین کتب چاه‌ی (۱/ ۵۹۱).

دهقان سامانی، ابوالفتح خان، فرزند بایاخان. (۱۲۶۷-۱۳۲۶ ق)، ادیب و شاعر، متخصص به دهقان. ملقب به سیم الشعراء. در قریه سامان از توابع

دهدار شیرازی، خواجه محمد، فرزند محمود خفری شیرازی. (وف ۱۰۱۶ ق). ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به فانی. در شیراز متولد شد. نزد میر فتح‌الله شیرازی تحصیل کرد. سپس به هند رفت و در دکن، در دربار احمدنگر تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در تصوف به درجه کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت کرد و سرانجام در بندر سرورت درگذشت از آثار وی: شرح «گلشن راز»، «العشرة الکاملة»، «أثر یقیم»، «الذوقیات المعقولة» یا «رسالة فوید»، «خلاصة التوجیهان فی شرح خطبة البیان»، «رسالة توحید»، «معرفه الامام»، در اینکه امام حقیقی امیرالمؤمنین (ع) است؛ حواشی بر «نفحات الانس» و «فصل الخطاب» «دیوان» اشعار.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۲۲۵-۲۲۷، ۱۲۶۲)، تاریخ

نظم و نثر (۶۵۵-۶۵۶)، تذکرة مرآت الفصاحه

(۲۴۹-۲۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱/

۲۱۱-۲۱۲)، الذریعه (۷/ ۲۱۹-۲۲۰، ۹/ ۸۰۳، ۱۵/

۲۶۷، ۲۱/ ۲۲۷-۲۲۸)، صیغ کشتن (۳۰۷)، طبقات

اعلام الشیعه (ترن ۱۱/ ۵۱۶-۵۱۷)، فرهنگ عزیزان

(۶۸۲)، کاروان هند (۲/ ۹۸۵-۹۸۷)، مؤلفین کتب

چاه‌ی (۵/ ۷۹۱-۷۹۲).

دهدار شیرازی، معین الدین ابومحمد محمود بن محمد. (وف ۱۰۱۶ ق)، ریاضیدان، نویسنده و شاعر حروبی، متخصص به عیانی. ملقب به دهمدار. وی از دانشمندان روزگار خود بود، که تألیفات بسیار در فنون مختلف به زبان عربی و فارسی داشت. او متبحر در علم حروف و جفر و اعداد بود. در حافظه شیراز مدفون است. از آثار او: منظومه «اسرار الحروف»، «جواهر الاسرار» یا «جواهر الاسرار»، «دیوان» شعری، «معانی المعانی»، «جامع القوائد».

آثار عجم (۲۶۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، الذریعه (۵/

۸۰۶، ۲۶۲، ۹/ ۷۷۷)، ریحانه (۳/ ۲۲۲)، طبقات

اعلام الشیعه (ترن ۱۰/ ۲۳۸-۲۳۹)، نغمه‌نامه (دیل/

دهقان).

دهستانی مؤبدی، مولانا حسین بن اسعد / اسعد بن

چهار محال و بخشاری متولد شد و در اصفهان در مدرسه صدر نزد ملا محمد کاشی و شیخ حسن شیرازی تحصیل کرد. از آثار وی: «هزارستان» منظوم؛ «الف بینه و لیل»؛ «شکرستان» که «دیران» اشعار اوست، مشتمل بر اسواغ شعر فارسی؛ «باستان نامه»؛ «عشری داود و طابوت و جالوت».

تذکره القیرو (۸۲)، حذیقه الشعراء، (۱/ ۶۲۷-۶۳۲)، الدرر، (۹/ ۳۳۳، ۱۲/ ۲۱۵، ۲۱۸/ ۲۵)، ریحانه (۲/ ۲۴۳)، سرنگ سخنوران (۳۳۳-۳۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۹۷-۱۹۸)، مکارم الآثار، (۵/ ۱۶۵۵-۱۶۵۶)، یادگار (س ۲، ش ۷ و ۶، ص ۵۶).

دهقان کرمانی، احمد - بهمنیار کرمانی، میرزا احمد.

دهکردی اصفهانی، سید ابوالقاسم، فرزند سید محمد باقر بین سید ابراهیم، (۱۲۷۲-۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، خطیب و مدرّس. در دهکرد بروجرد متولد شد. پدرش و جدّ مادری اش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالعمالی کلباسی و حاج شیخ منجم باقر مسجد شاه و دیگران تحصیل نمود، سپس بگه عراق رفت و محضر علمای بزرگ را درک نمود. وی از شاگردان میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشعی و شیخ رین العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین موری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تألیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه صدر حاضر می‌شدند. در اصفهان درگذشت و همان‌جا دفن شد. از آثار وی «وسيلة المعاد» در دو قسمت: بخش اول توحید و هدل، بخش دوم نبوت و امامت؛ «وسيلة النجاة» یا «منیر الوسيلة» در توحید و موعظ؛ حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی»؛ فیض کاشانی؛ حاشیه بر «مناجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح «شریع» در دو مجلد؛ شرح «درسی» من لایحضره العقیه شیخ صدوق.

امیان الشیخه (۲/ ۲۱۷)، تذکره القیرو (۹۲-۹۳)، الدرر، (۲/ ۳۵۶، ۲۲/ ۳۵۶، ۲۵/ ۸۴، ۸۵)، ریحانه (۲/ ۲۴۴)، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۱۲/ ۶۱)، علماء

معاصرین (۱۶۸-۱۶۹)، معجم رجال نجف (۲/ ۵۸۱، ۵۸۲)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۱۵)، مکارم الآثار (۶/ ۲۰۰۷-۲۰۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۲۵-۲۲۶).

دهلوی، میر حسن، (س ۵۴۰ ق)، نقاش و مذهب، ری شاگرد و دخترزاده سلطان محمد معروف بود که از شاگردان و همکران بهزاد سیر به شمار می‌آمد. او در تذهیب و چهره‌پردازی و سایر عوامل تصویرسازی دستی پرتوان داشت و جزو بقاصان کتابخانه سلطنتی محسوب می‌شد. گریه زده تبریزی نام وی را در کتاب «احوال و آثار نقاشان» در دو جا، ذیل حسن دهلوی و میرحسین دهلوی آورده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۵۳، ۳/ ۱۲۶۷)، گلستان هنر (۲۲).

دیانی، محمود، فرزند جواد فاضل عسکری، (تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده. او هم خود را به تهیه کتابهای اوزان قیمت برای همگان خصراً مستمندان معطوف نمود. از این لحاظ هر چه منتشر کرد برای هدایت مردم و بالا بردن سطح معلومات عمومی بود. از آثار وی «جبر سیکل اول متوسطه»؛ «خرد آموز انگلیسی»؛ «دریجه‌ای از توحید»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «گرامر انگلیسی»؛ «گرامر عربی».

مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۳-۳۴).

دیباچ، سید اسماعیل، فرزند صورتی، (تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده. پس از اتمام تحصیلات دوره متوسطه وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در دبیرستانهای تبریز، اردبیل و ارومیه به سمت دبیری و نظارت انجام وظیفه کرد. مدتی هم نمایندگی فرهنگ محفل و نظارت ساختمانهای فرهنگی و انبیه تاریخی آذربایجان، کرمان و مشهد را به عهده داشت. در ۱۳۲۲ ش به ریاست فرهنگ اردبیل منتقل شد. از آثار وی: «راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی»؛ «تاریخچه فرهنگ شهرستان اردبیل».

هرستوار: کتابهای فارسی (۱/ ۴۱۹، ۲/ ۸۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۹۲).

عباس اول صفوی می‌زیست. از اوست:
از پس شدم ضعیف تنم را شمیم گل
بسی جنبش صبا به سوی گلستان کشد
تذکره دور روش (۲۶۸)، تذکره میخانه (۸۴۵)، الذریعه
(۱۹/۳۳۲).

دیری کاشانی، حکیم ضیاءالدین، فرزند حکیم
قطب (وف ۱۰۷۶ ق)، شاعر، متخصص به دیری. داماد
طالب آملی بود. در زمان شاهجهان به دعوت سخی خانم
به هند رفت و در ۱۰۵۰ ق دلاوغة گریزاق خانه شد و
خطاب رحمت‌خان یافت. در مقام دیوانی در آن سامان
درگذشت. اشعاری از او به جا مانده است.

تذکره نصرآبادی (۵۵)، الذریعه (۱۹/۳۳۲)، کاوران هند
(۱/۲۱۹-۲۲۰)، مآثر لامرا (۲/۲۸۳-۲۸۶)

دبلمی، ابوالحسن مهیار - مهیار دبلمی

دبلمی، ابوالفتح فیروز (س اول ق)، محدث. از
ایرانیانی بود که از جانب انوشیروان به یمن فرستاده شد.
چون بطریق، در قبیله حمیر، فرود آمده بود و را حمیری
نیز می‌گرفتند. وی پس از ظهور اسلام، به پیامبر (ص)
گرفت و حضرت حلی بیانی او را فردی شایسته خواند. او
احادیث بسیاری از رسول خدا (ص) روایت کرده است.
در روزگار خلافت عثمان درگذشت. مؤلف «الاعلام» به
نقل از «الاصابة» آخرین مأموریت وی (تا پایان حیاتش)
را امارت صعدة از طرف معاویه ذکر کرده است.
الاعلام (۵/۳۷۱)، ریحانه (۲/۲۵۰)، المعارف (۱۲۶).

دبلمی، ابوالفتح ناصح بن حسین بن محمد حسنی.
(وف ۴۴۴ ق)، مفسر نسب وی به امام حسن مجتبی (ع)
می‌رسد. در دبلم متولد شد و همان‌جا تعلیم یافت. سپس
به یمن رفت و در آنجا مردم را به امامت خود خواند.
قبایل با او بیعت کردند و چنان پشت گرمی یافت که بر
شهر صعدة و حسان نیز حکومت راند. در قریه ابقی
مردفون است. از آثارش کتابی در «التفسیر» در چهار
مجلد، که به نام «تفسیر أبو الفتح دبلمی» موسوم است.
الاعلام (۸/۳۱۰-۳۰۹)، الذریعه (۲/۲۵۵)، ریحانه
(۲/۲۵۰)، کشف الغشون (۱۷۲۲)، امت‌نامه (دیل /
ناصر) معجم‌المزله (۱۴/۶۹-۷۰).

دیباجی سمرقندی (س پنجم ق)، شاعر در
آذربایجان می‌زیست و مدح سلسله و هسودانیان بود، او
بیشتر به مدح فضل بن ابی السور حکمران گنجه که به
سال ۴۵۶ به سلطنت نشست و در ۲۸۲ در بغداد
درگذشت پرداخت. دیباجی با اسدی طوسی و قطران
تبریزی معاصر بود و غیر از خاندان مذکور سایر ملوک
زمان خود را نیز مدح می‌گفت. وی مردی شوخ طبع و
ظریف و مزاح‌گرم بود از شعر او تنها ۱۲ بیت به جای
مانده است.

تاریخ نظم و نثر (۴۸)، الذریعه (۱۹/۳۳۲)، شاعران یمن
دیوان (۵۷۹)، معجم‌العصا (۲/۶۲۸).

دیباجی مروزی، ابوالفتح محمد بن سعد بن محمد.
(۱۷۵۱ هـ ق)، ادیب و نحوی، اهل مرو بود. نحو را از
پیشش که مردی فاضل بود، آموخت. او سرپرست
کتابخانه جامع مرو بود و در همان‌جا درگذشت. از
آثارش: «المحصل» در شرح «المحصل» رمحشوی و شرح
«التموذج» زمخشری، هر دو در نحو؛ تهذیب
«مقدمة الادب» زمخشری؛ «قانون الصلاحی فی
ادبیت النواهی»؛ «منافع اعضاء الحیوان»؛ «فلک الادب».
الاعلام (۷/۲)، ابضاح المکتوب (۱/۱۳۶)، کشف
الغشون (۱۳۱۰، ۱۷۷۵، ۱۸۲۰، ۱۸۳۲)، معجم‌المزله
(۱۰/۲۱)، الترابی بالرفاه (۳/۸۹-۹۰)، هذبة المعاریف
(۲/۱۰۸).

دیباجه‌نگار، میرزا طاهر - شعری اصفهانی.

دبدرمی، محمد بن حسن (س پنجم ق)، مترجم
وی کتاب «قصص الانبیاء» ابوالحسن کسایی را تحت
عنوان «تغایس العرایس» به فارسی گزارش کرده است.
تاریخ نظم و نثر (۶۲)، الذریعه (۲/۲۲۰)،
کشف‌الغشون (۱۳۲۸).

دبده تبریزی، میرزا نصرالله بیگ (وف ۱۲۸۷ ق)،
شاعر. در تبریز تحصیل کرد. در شهر شماخی درگذشت
«دیوان» وی مرکب از اشعار فارسی و ترکی است.
الذریعه (۹/۳۳۲)، دانشمند آذربایجان (۱۵۱).

دیری قمی (س یازدهم ق)، شاعر. وی در عهد شاه

ایضاح المکنون (۱/ ۱۷۹، ۲۶۹، ۳۱۷، ۳۵۷، ۳۷۵، ۴/ ۳۰، ۹۲، ۱۲۵، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۵۹، ۴۷۵، ۵۱۲، ۶۱۰)، کشف الظنون (۱۱۵، ۳۵۱، ۴۰۱، ۱۹۱۶، ۱۹۵۶)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۲۵۷)، مدیة العارین (۲/ ۱۰۳).

دبلمی، عبد الرشید - رشیدای قزوینی

دبلمی، اسحاق بن جبریل، (وف ۶۸۹ق)، حکیم، از دانشمندان و حکمای قرن هفتم هجری است. از آثار وی: «تاریخ السماویات و الارضیات»، کشف الظنون (۲۹۶)، لغتنامه (دیل / اسحاق)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۳۱)، «مدیة العارین (۱/ ۲۰۱).

دبلمی، وهسودان بن دشمن زیار بن مردافکن، (س ششم ق)، عالم، معروف به امیر زاهد سیف الدوله یا سیدالدین امیر زاهد. شیخ متعجب الدین او به عنوان صالح فاضل نام می برد. بعضی از مراجع نام صاحب عنوان را وهسودان ذکر کرده اند. برخی تحت وهسودان بر دشمن و نان بن مردافکن آورده اند. از آثار وی: کتاب «التواریخ»، کتاب «النجوم»، «معرفة الجهات».

لغزیه (۲/ ۳۷۲، ۲۱/ ۲۵۶، ۲۴/ ۸۰)، روایات لغزات (۸/ ۱۶۵-۱۶۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۳۳۰)، قراندرشریه (۷۰۲)، فهرست مستحب الدین (۱۹۶)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۱۷۵).

دبلمی طبرستانی، سلار/سلار، ابویعلی حمزه بن عبدالمزیر، (وف ۴۶۳ق)، نقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی، ملقب به سلار یا سلار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله ادیبان بنام یر شمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می باشد. شیخ ابوهلی طوسی، فرزند شیخ الطائفة و شیخ متعجب الدین و ابوالمکرم مبارک بن فخر نحوی و ابوالفتح کراچکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی در مسیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می داند. از آثارش: «المقع فی المذهب»، «التقریب»، در

دبلمی، ابومحمد حسن بن ابوالحسن هلی بن محمد، (ز ۷۶۰ق)، محدث، عالم و شارف امامی معاصر با شهید اول و فخرالمحققین بن علامه حلی است. ابن فهد از او روایت می کند. کتاب «ارشاد القلوب» وی مورد اعتماد علامه مجلسی و شیخ حر عاملی بوده و این دو در «بحار» و «وسائل» از این کتاب بسیار نقل کرده اند و سید علیخان مدنی شیرازی این کتاب را علی ایاتی بسیار ستوده است. از آثار وی: «الاریعون حدیثاً»، «ارشاد القلوب الی الصواب المتجی من عمل به من الیم المقاب»، در دو مجلد، «اعلام الدین فی صفات المؤمنین»، «تفسیر قرآن»، «غزوات الاخبار و درر الآثار فی مناقب الاطهار»، که علامه مجلسی در «بحار» از آن نقل کرده است.

اعلام الدین (مقدم، ۹۷)، احیان الشیعه (۵/ ۲۵۱-۲۵۲)، بحارالانوار (۱/ ۱۶، ۳۳)، الذریعه (۱/ ۵۱۷، ۱۶/ ۳۶)، روایات الجفات (۲/ ۲۸۴-۲۸۶)، ریاض المساء (۱/ ۱۴۲)، زیاده (۲/ ۲۴۹-۲۴۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۲۸)، فکری والکتاب (۹/ ۲۳۷-۲۳۹)، لغتنامه (دیل / حسن دبلمی)، «شذیه العارین (۱/ ۲۸۷).

دبلمی، حسن بن عبد الوهاب بن حسین، (۱۲۲۹-۱۲۸۱ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر دمار یمین به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفة الحبيب بتظم مسائل التهذیب»، در منطق؛ «لزله الطرف فی احکام الصرف»، «الایز المذاب فی قواعد الاعراب»، «الطراز المذهب فی المختار لأهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن»، «الاحلام (۲/ ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۲۲).

دبلمی، شمس الدین ابوثابت محمد بن عبد الملک، (ز ۵۸۹ق)، مستکرم و صوفی. از علمای قرن ششم هجری، که دارای تصانیف بسیاری است، از جمله: «اصلاح الاخلاق»، «اصول مذاهب المرفاء باقله»، «برهان المحبة»، در تصوف؛ «التجريد فی رد مقاصد الفلاسفة»، «الجمع بین التوحید و التعظیم»، «جواهر الاسرار»، «عجائب المعارف»، «صیون المعارف»، «تهدیدین المعارف»، «محک النفس»، «مهمات الواصلین».

دبلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه بن شهرداد / شهرداد بن شیرویه. (۵۰۹-۴۳۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. از محمد بن عثمان قومسائی و یوسف بن محمد مستملی، سفیان بن حسن بن منجریه، ابوالفرج بطلی و احمد دینوری و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندان شهردار و محمد بن فضل عطار و ابوطاهر سلمی و ابومرسی مدینی و عده‌ای دیگر از او روایت کرده‌اند. وی را از طبقه متوسط محدثان شمرده‌اند. از آثار وی: «تاریخ همدان»؛ «فردوس الاخبار»؛ حاوی ده هزار حدیث که سیوطی «جامع صغیر» خود را به این روش تألیف کرده است؛ «قراقرص الاسل»؛ «عقلاء الاسل» فی معرفة احوال النبی (ص) و تاریخ الخلفاء.

الاعلام (۲۶۸/۳)، ایضاح المکتون (۵۹۹/۱)، بحر الانوار (۲۵/۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۶۳-۱۶۷)، الذریعه (۱۶/۱۶)، ریحانه (۲/۲۵۰)، سیر النبلاء (۱۹/۲۹۵-۲۹۲)، کشف الظنون (۱۲۵۲)، الکشی والاقاب (۲/۲۳۸-۲۳۹)، ثمت نامه (دیل / شیرویه)، معجم المؤلفین (۴/۳۱۳)، الوافی بالوفیات (۱۶/۲۱۸-۲۱۷)، مدیه الاسباب (۱۲۷).

دبلمی همدانی، ابومسلم احمد بن شیرویه بن شهرداد بن شیرویه. (وف ۶۲۵ ق)، محدث. از جدش، شهرداره و نصر بن مظفر برمکی و ابوالوقت سجزی و ابوالخیر باغبان و دیگران حدیث شنید. زکی پوزانی و ضیاء مقدسی از او روایت کرده‌اند. ابن قطعه گوید که او محدثی قابل اعتماد بود و من در همدان از وی حدیث شنیدم. دبلمی در همدان و نه سالگی درگذشت. سیر النبلاء (۲۲/۲۶۰).

دبلمی همدانی، ابومنصور شهرداد بن شیرویه بن شهرداد. (۵۵۸-۴۸۳ ق)، حافظ و محدث. وی اصل همدان و از نوادگان شجاع بن فیروز دبلمی صحابی است. از پدرش و ابوانفتح صدوس و ابن سلاز و ابومحمد دونی و ابن زنجریه، فقیه زنجان، حدیث شنید. فرزندان، ابومسلم احمد و ابومسلم عبدالسلام و ابومحمد سمعانی از او روایت کرده‌اند. وی از حافظان نفیس و ادیب و ظریف حدیث بود. به همراه پدرش به صفهان سفر کرد و به جمع آوری اسناد کتاب «فردوس الاخبار» پدرش، پرداخت و از آن جایی که پدرش حذف

اصول فقه «المراسم العلویه» در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الایواب و الفصول» در فقه؛ «المسائل السلویه».

الاعلام (۲/۳۰۹)، اعیان النسیبه (۷/۱۷۰-۱۷۱)، ایضاح المکتون (۱/۲۷۵-۵۵۳)، الذریعه (۲/۲۶)، ۳۶۵/۱۰-۱۸۰، ۱۷۹/۲۰-۱۲۹۸، ۳۵۲/۲۲-۱۲۴، ریاض العلماء (۲/۲۴۹-۲۴۸)، ریحانه (۳/۵۱۰-۵۱۱)، فهرست مستجب الدین (۸۴)، الکشی والاقاب (۲/۲۳۸)، ثمت نامه (دیل / سلاز دبلمی)، معجم المؤلفین (۴/۷۹-۲۳۵)، مدیه المارغین (۱/۲۸۰).

دبلمی طبری، امیر کیکاووس بن دشمن زیار بن کیکاووس. (من ششم ق)، عالم و محدث. استاد شیخ مستجب الدین بود و به او اجازه نقل حدیث داده بود. شیخ مستجب الدین از او به عنوان زاهدی دانشمند نام برده است. نویسندگان «امل لامل» و «ایضاح المقال» و «ریاض العلماء» و «سجین علامه مجلسی» و «علامه نوری» او را تحت عنوان شهید ذکر کرده و ستوده‌اند. از آثار وی: «کتاب النجوم»؛ کتابی در «لغات الصلوات الخمس».

الذریعه (۲/۴۷۹-۴۷۸)، ریاض العلماء (۲/۴۱۴)، ریحانه (۲/۲۵)، شهید زاده فصیلت (۸۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرون ۶/۲۳۳)، فهرست مستجب الدین (۱۳۸/۴۱۵)، معجم المؤلفین (۱۳/۴۱۵).

دبلمی قزوینی. (وف ۴۶۹ ق)، شاعر شیمی، متخلص به دبلمی. وی از شاعران دولسانین مداح آل بویه بود. در «مجمل فصیحی» سال وفات او ۴۶۹ ق ذکر شده و نامش چنین ضبط گردیده: «ابومنصور اسبندوست بن محمد بن الحسن بن اسفار بن الشیرویه الدبلمی». تصحیحی در «مجمل» و «عالمی» در «تتمه الیشیمه» نام او را در ردیف شاعران تازی گوی معروف آورده‌اند و چند بیت از ابیات عربی اش را نقل کرده‌اند. از شعر فارسی او، جز یک عزل هفت بیتی باقی نمانده است.

آتشکده ندر (۳/۱۱۶۶)، تذکره روز روشن (۲۶۹)، الذریعه (۹/۳۳۷)، شاعران بی دیوان (۱۹۸-۱۹۷)، مجمع الفصحاء (۲/۶۲۸)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۲۶۹).

اسناد کرده بود، وی شهردار دیلمی اسامید آن را در ۴۰۷ برگ در چند مجلد به نام «مسند الفردوس» هر صده کرد. این حجر عسقلانی این کتاب را تلخیص کرد و آن را «تسدید القوس فی مختصر مسند الفردوس» نامید.

الاعلام (۳/ ۲۶۰)، بزرگان و شخص سرایان همدان (۱/ ۱۶۴)، البریقه (۲۸/ ۲۸)، سیر السیلاء (۲/ ۳۷۸، ۳۷۵)، کشف الظنون (۱۲۵۴، ۱۶۸۴)، لغت نامه (دبیر/ شهردار)، معجم المؤلفین (۴/ ۳۰۹)، الواسی لروایات (۱۶/ ۱۹۳-۱۹۴)، هدیة المارمی (۱/ ۴۱۹)

دیلیمی یمانی، محمد بن حسن، (وف ۷۱۱ ق)، فقیه زیدی، اصلش از دیلم است، به یمن مستقل شده و در صعا سکنی گزیده است. وی در راه بازگشت به دیار ش در وادی مر از دیارعت از آثار وی: کتاب «قواعد عقائد آل محمد (ص)»، که از اصول کتبهای زیدیه می باشد. این کتاب در «الدریقه» تحت عنوان «قواعد المعقائد» در قواعد عقاید باطنیه آمده است؛ «الضرایط المستقیم»؛ «المشکاة من الموانع المردیة» در رعد.

الاعلام (۶/ ۳۱۸)، الدرر (۶/ ۸۶)

دینشاه ایرانی، جی جی پاهای سلیتر، ۱۲۶۰-۱۳۱۷ ش)، مترجم و نویسنده از پیشوایان مشهور رزشتیان بمشی، که در بمشی متولد شد. وی به همراه رابیندرانات تاگور (شاعر معروف هندی) به ایران آمد او «دیوان حافظ» را به انگلیسی ترجمه کرد و از شعرای معاصر ایران تذکره ای ترتیب داد و با ترجمه منتخبی از اشعار آنان چاپ کرد. سرانجام در بمشی درگذشت. از دیگر آثار وی: «اخلاق ایران باستان»؛ «پرتوی از فلسفه ایران باستان»؛ «بیک مزدیسنا»؛ ترجمه «تعلیمات رزشت» و رشید شهر دان؛ «سخنران دوران پهلوی».

«ایرةالمعارف فارسی» (۱/ ۱۰۲۹)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۵۸)، شرح حال رجال (۶/ ۹۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۵-۷۳)

دینوری، ابوبکر احمد بن مروان، (وف ۳۳۳ ق)، قاضی، محدث و فقیه مالکی ابتدا عهده دار منصب نصای قلم بود، سپس چندین سال در اسوان مصر اقامت کرد و مدتی مقام قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. از کسانی مثل ابوبکر بن اسی الدنیا و ابوخلایه رقاشی و

اس قتیبه دینوری و محمد بن یونس گدیعی ر صامن بن محمد دینوری و محمد بن عبدالعزیز دینوری روایت کرده است و از راویان کتب ابن قتیبه به شمار می آید. قاضی ابوبکر بهری و ابوبکر ابن شاد، و ابوبکر بن مهندس و ابرهیم بن علی ثمار مصری و حسن بن اسماعیل ضرب از وی روایت کرده اند. دارقطنی او را از محدثان مورد اعتماد نمی داند و در «غرائب مالک» او را به وضع حدیث متهم کرده است. دینوری در مذهب مالک صاحب نظر بود. کتابی در «مناقب مالک» و کتابی در «رد شافعی» تألف کرده است. وی همچنین صاحب کتاب «المجالسة» بوده، که یوحیری از آن رویت کرده است.

الاعلام (۱/ ۲۲۱)، سیر السیلاء (۱۵/ ۲۲۸، ۲۲۷)، کتب الفنون (۱۵۹۱، ۱۸۴۱)، لسان المیزان (۱/ ۴۶۹، ۴۶۸)، لغت نامه (دبیر/ احمد)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۷۵، ۱۷۲)

دینوری، ابوبکر مکی بن جابان، (وف ۴۶۸ ق)، محدث، محدث، فقیه رقاصی مذهب سفیانی داشت. از عبدالمنی بن سعید و خلف بن محمد واسطی و صدقه بن زکریا حدیث شنید. عبدالعزیز کتانی و ابرطاهر جتایی و غیث ارمزاری از او روایت کرده اند. گوید به معرفت رجال توجه خاصی داشت و حدیث کم می گفت و ابوبکر حطیب در پی آن بود که از وی حدیث بشنود، اما دینوری رعت چذاتی نشان نمی داد او مدتی منصب قضاوت دمیره را عهده دار بود.

سیر السیلاء (۱۸/ ۴۱۳، ۴۱۲)

دینوری، ابوالحسن علی بن عبدالواحد بن احمد، (وف ۵۲۱ ق)، محدث در جوانی همراه پدر خود از دینور به بغداد رفت. از ابوالحسن قزوینی، ابوطالب بن شبیلان، حافظ ابومحمد خیال و ابومحمد جوهری استماع حدیث کرد. ابومعمر انصاری و حافظ ابن عساکر و ابوطاهر سلفی و ابوالفرج بن جوزی و دیگران از او روایت کرده اند.

سیر السیلاء (۱۹/ ۵۲۵)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۲۳)

دینوری، ابوالحسن علی بن محمد بن نصر لیان، (وف ۲۶۸ ق)، حافظ، محدث و مؤسید، در طلب حدیث سفرها کرد. از هر شهر توشه ای گرفت، در دینور از

عهددار متعصب نیشابور. زمانی که سلطان محمود غزنوی برای پاسخگویی به خلیفه القادر بالله عباسی، احتیاج به معتمدی داشت، وی را برگزید. از آثار وی: «روائع التوجیهات من یدائع التثبیهات»؛ «فهر الانس فی تشبیهات الفرس»؛ «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر» در احکام، که برای خلیفه القادر بالله در ۳۹۷ ق تألیف کرد.

الأعلام (۸/ ۳۵۲)، کشف الظنون (۲۱۷، ۵۲۳، ۹۱۴،

۱۲۰۵)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۹۴)، هدیه المارین (۲/

۲۹۰)

دینوری، ابوالعباس احمد بن محمد (وف: ۳۴۰/ ۳۶۶/ ۳۶۷ ق)، عالم و محدث، ملقب به آستونه در دینور متولد شد و در اطراف آن شهر و بغداد مدتی در سیر و سلوک بود. با مستنکف و المطیع بالله عباسی معاصر بود وی شیخ عبدالله خراز، ابومحمد حریری، ابن عطار و دریم را دیده و با پیروان و مشایخ دیگر نیز صحبت داشته است. به عراق عرب و نیشابور مسافرت کرد و در آنجا بایم موعظه و ارشاد را باز کرد. پس از آنجا میل رفتن به ترمذ نمود و در آنجا خواجه محمد بن حماد که از شاگردان شیخ ابوبکر وراق بود به دیدار او آمد. بعد از اقامت جدی در ترمذ به شهر سمرقند رفته و در آن شهر نیز مدت زمانی به ارشاد و موعظه مشغول شد تا آنکه که همرش به پایان رسید و در آن شهر فوت کرد و در همانجا دفن گردید.

امیان الشیخ (۲/ ۳۷۲، ۱۰۹-۱۱۰)، تاریخ نیشابور (۲۳۳)، ترجمه رسالة فی سیرة (۸۱-۸۲)، حلیه الاولیاء (۱۰/ ۲۸۲)، رجال الطوسی (۲۳۸)، ریحانه (۲/ ۱۵۲)، طبقات اعلام الشیخه (قرو ۴/ ۲۵، ۴۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۷۵)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۳-۳۶۴)، مجمل فصیح (ذیل/ سال ۳۳۰)، نغمات الانس (۱۲۶).

دینوری، ابوعلی احمد بن جعفر (وف: ۲۸۹ ق)، نحوی، در دینور به دنیا آمد. از شاگردان برجسته میرد و منزلی و نعلب بود و در بغداد و بصره درس خواند و در مصر مقیم شد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «اصلاح المتطق»؛ «مختصر فی صغائر القرآن»؛ «المهذب» در نحو

ابومنصور محمد بن احمد و در بغداد از احمد بن محمد ابن هبلت و ابن رزقویه و در بصره از ابوعمر هاشمی و در نیشابور از ابوعبد الرحمن سلمی و ابوبکر حیری و در اصفهان از ابوسمید نقاش و هبی بن مینه قرسی حدیث شنید. یحیی بن منده او را حافظی فهم معرفی کرده است. مسافر و احمد دو فرزند محمد بن علی بسطامی و نیز خطیب بغدادی از وی روایت کرده‌اند. دینوری به غزنین رفت و محدث آن دیار شد.

سیر النبلاء (۱۸/ ۳۶۹، ۳۷۰)

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود بن قنطه (وف: ۲۸۲ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضیدان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضر پدر خود و پس از او از ابن سکیت بیشترین بهره را برد وی در علوم بسیاری همچون: نحو، لغت، هندسه، حساب و هیئت دست داشت و صاحب تألیف بود. او را ذوق فون و از نوادر روزگار می‌دانند. روایاتش را صححه گذاشته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌اند. او از برگزین مذهب حنعی بود. از آثارش: «اخبار الطوال»؛ «الطبقات»؛ دو شش مجلد بزرگ: «الجبر والمقابلة»؛ «الجمع و التفریق»؛ «البدان»؛ «البحث فی حساب الهند»؛ «اصلاح المتطق»؛ «نوادیر الجبر»؛ «القسنه والروال»؛ «الکسوف»؛ «تفسیر الدینوری»؛ «الانواء»؛ «مدیحه فی الامامة» یا «لحن الامامة»؛ «الشعر والشعراء».

الأعلام (۱/ ۱۱۹)، اصبیح المکتوب (۱۶/ ۳۲، ۳۶۸، ۲/

۲۷۷، ۲۷۹، ۳۲۱، ۴۲۱، ۴۸۰)، تاریخ اشیات در ایران

(۱/ ۱۸۷-۱۸۸)، ابرة المعترف فارسی (۱/ ۱۰۲۹)،

الترجمه (۱/ ۳۳۸، ۲/ ۱۷۲، ۳/ ۲۳۶)، روفاة الجنات

(۵/ ۱۰۳-۱۰۲)، ریحانه (۷/ ۷۲)، سیر النبلاء (۱۳/

۴۲۲)، کشف الطیون (۱۰۸، ۲۸۰، ۴۴۷، ۴۱۲، ۴۶۴،

۹۰۷، ۱۳۹۹، ۱۴۰۷، ۱۴۴۶، ۱۵۴۸)، المهرست ابن

تسلیم، ترجمه (۱۳۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوحنیفه)،

سجل فصیح (ذیل/ سال ۲۸۲)، معجم الادباء (۲/

۲۶-۳۳)، معجم المؤلفین (۱/ ۹-۲۱۸)، الوانی

بکتابیات (۶/ ۳۷۷-۳۷۸)، هدیه الاسباب (۱۲)،

هدیه المارین (۱/ ۵۲)

دینوری، ابوسعد نصر بن یعقوب، (وف: ۴۱۱ ق)، ادیب، کاتب، معبر و شاعر ری از کاتبان بزرگ بود و

الاعلام (۱/ ۱۰۲)، روایات الجنات (۱/ ۲۰۶)، ریحانة
(۲/ ۲۵۱-۲۵۲)، كشف القلوب (۱۰۸۷-۱۰۹۴)،
لمتنامه (ذیل / احمد)، معجم الاطباق (۲/ ۲۳۹-۲۴۱)،
الوامی بالوفیات (۶/ ۲۸۵-۲۸۶).

دینوری، ابوالفضل احمد بن عیسی بن عباد،
(۳۸۱-۴۷۸ ق)، محدث و مُسَنِّد مشهور به ابن استاد. در
دینور متولد شد. به همدان رفت و در آنجا به مُسَنِّد
همدان معروف شد. وی از پدر خویش و بریکر بن لال و
احمد بن ترکان و ابوهریر بن مهدی فارسی و دیگران
حدیث روایت کرد. شیرویه گوید که در همدان و دینور از
وی حدیث شنیدم، مرد راستگویی بود. در دینور
درگذشت.

سیر النبلاء (۱۸/ ۵۸۵-۵۸۴)، الراسی، الوفاات (۷/
۲۷۲)

دینوری، ابوالقاسم عبدالله بن عبدالرحمن، (وف ح
۳۹۱ ق)، ادیب و کاتب. وی از رؤسای کاتبان دیوانی
خراسان بود که نسب به عباس بن عبدالمطلب می‌رسد.
به گفتهٔ تعالی تصدق او در «محاسن الأداب» به شرح
جزء می‌رسد. وی همچنین دارای اشعار بسیاری است.
الاعلام (۳/ ۲۴۱)، معجم المولفین (۶/ ۶۹).

دینوری، ابوالقاسم یوسف بن احمد بن کج، (مقتول
۴۰۵ ق)، فقیه و قاضی شافعی معروف به ابن کج. از
شاگردان ابوالحسن بن قطان بود و در مجلس دوس
دارگی نیز حاضر می‌شد. عده‌ای او را بر شیخ ابوحامد
اسفراینی مقدم می‌دانند بطوری که یکی از شاگردانش
روزی به وی گفت: ای استاد، گرچه ابوحامد صاحب نام
است، اما علم نزد توست. دینوری مرده‌ی محتشم بود و
مردم از اطراف به سویش می‌آمدند. وی در ماه رمضان به
دست حرمیان کشته شد. از آثار او کتاب «التجريد».

سیر النبلاء (۱۷/ ۱۸۳-۱۸۴)، معجم المولفین (۱۳/
۲۷۲)، هدیة العارفين (۲/ ۵۵۰).

دینوری، محمد-محمدشاد دینوری.

دینوری کرمانشاهی، ابوحفص / ابویکر عمر بن
سهل بن اسماعیل، (وف ۳۳۰ ق)، حافظ و محدث. از

پیشگامان حدیث بود که در طلب آن به بغداد و بصره و
کوفه و جبل سفر کرد و از ابراهیم بن ابی غنیم کوفی و
حسین بن سلام سواق و عیید بزار و ابونفله رقاشی و
عده‌ای دیگر حدیث شنید. حافظ ابوالقاسم بن ثابت و
صالح بن احمد همدانی و احمد بن ترکان و قاضی ابویکر
اسهری و گروهی از همدانیان از وی روایت کرده‌اند.
خلیلی در «ارشاد» او را لقی خوانده و گوید که همگان بر
این قریب‌اند. دینوری از ۳۱۷ تا ۳۲۹ ق در همدان بود و
سپس به کرمانشاه بازگشت. به او تصانیف نسبت داده‌اند.
سیر النبلاء (۱۵/ ۲۳۷-۲۳۹)، لمتنامه (ذیل /
قریبی)، معجم النبلاء (۳/ ۳۷۶)، معجم المولفین
(۷/ ۲۸۵)، هدیة المارفين (۱/ ۷۸۱).

دینوری کسار، ابونصر احمد بن حسین، (وف ۲۳۴
ق)، قاری، از آثار او: «المیتة فی القرائات».
كشف القلوب (۱۸۸۶)، معجم المولفین (۱/ ۲۰۵)،
هدیة المارفين (۱/ ۷۵).

دیوان بیگی شیرازی، میرزا احمد بن ابوالحسن
شریف بن غلامحسین، (۱۲۴۱-وف بعد از ۱۳۱۴ ق)،
تذکره‌نویس و مورخ. از اهالی محله میدان شاه شیراز
نُود. او منصب ایشک آقاسی باشی در دورهٔ ناصر
داشت. وی سفرهای مختلفی به اقطار ایران داشت و دو
طن همین مسافرت‌ها با بساری از شاعران دیدار کرد و
شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و
نسبتاً جامع خود «حديقة الشعراء» بهره جست. در این
تذکره بیش از ۱۵۰۰ تن از شاعران ایران در فاصلهٔ
سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۳۱۰ ق معرفی شده‌اند. وی در شیراز
درگذشت. از دیگر آثار وی: «تاریخ برده» یا «اخبار البرده»
کتابی در مصائب اهل بیت نبوت (ع) ذیلی بر کتاب
«ریاض الجنة».

تاریخ ادبیات ایران، دورهٔ بازگشت (۳/ ۷۲-۷۴)، تاریخ
شده‌کرای فارسی (۱/ ۴۳۹-۴۵۷)، حديقة الشعراء
(مقدمه)، دانشمندان و سخن‌سرایان مازن (۱/
۲۱۲-۲۱۳)، الذریعة (۵/ ۳۸۵)، شرح حال وصال (۶/
۲۸-۲۷)، مکرم الاکابر (۳/ ۱۱۳۹-۱۱۴۰).

دیوانه، بهلول حسین، (س هم ق)، شاعر، متخصص
به دیوانه. در قره‌باغ کشته شد. این مطلع از اوست:

استادی در نقاشی، غزل را نیز خوب می‌سرود. از اوست:

حلق کرده طلب کردیم جاه و سر بلندی را
دریغ ما ندانستیم قدر دردمندی را
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، نسخه سامی (۳۷۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۱)، الذریعه (۹/ ۳۳۵-۳۳۶)، گلستان هنر (سرویه).

دیوانه نیشابوری- (۴)، شاعر. از اوست:
ای لب لعنت ز آب زندگانی پاکتر
زندگانی بی لب لعنت نمی‌خواهم دیگر
ایروان دلکشت ز اهان مشکین بنگرید
در تلاش افتاده به هم بر سر پادام‌تر
تذکره روز روشن (۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۳۳۶)، فرهنگ سخنوران (۳۴۸)، مجالس المجالس (۱۶۱).

دیهیم قزوینی، میرزا اسماعیل بیگ. (س) دوازدهم ق، شاعر. از اوست:
سرکشان بی خبر از عالم افتادگی اند
هست در دامن این کوه عجب صحرایی
تذکره روز روشن (۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۳۳۶).

دیهیم لاهیجی، علی اکبر، فرزند احمد خان محصل مستوفی لاهیجانی. (ح ۱۳۳۲-۱۳۷۴ ق)، مدرس، نقاش و شاعر، متخلص به دیهیم. معروف به خان دیهیم محصل، در لاهیجان دیده به جهان گشود. او پس از طی دوره تحصیل ابتدایی و متوسطه، به تهران آمد. در کالج آمریکایی نام نوشت، سپس در دانشسرای عالی و بعد در دانشکده حقوق به تکمیل تحصیلات پرداخت. او دو وشت همدار اداره دارالانشاء انجمن شهر بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. در تهران در دبیرستان نظام و دانشکده افسری و دانشگاه جنگ به تدریس مشغول شد. وی در نقاشی و مینیاتور دست داشت و چند نابلو و مینیاتور بر عاج از او دیده شده است. از آثار وی: «دیوان شعر» و «چکامه آذربایجان»؛ «کعبه هشاو».

الذریعه (۹/ ۳۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۱۵)، نامی و نامدارهای گیلان (۳۲۵-۳۲۶).

طوبی مثال سروری و شمشاد فاضلی
مس و صنف قامت تو چه گویم قیامتی
الذریعه (۹/ ۳۳۵)، مجالس المجالس (۵۲)

دیوانه اصفهانی، مهدی علی نانو، فرزند استاد بالو. (تو ۱۲۷۲/ ۱۲۷۷ ش)، شاعر. پدرش نانوا بود. در ۱۳۱۵ ش از شغل پدر است کسبید و وارد کلاس آگار شد و نوشتن را تا اندازه‌ای آموخت که بتواند بخواند و اشعارش را بنویسد. از وی «دیوان شعر» باقی مانده است.

تذکره شعری معاصر اصفهان (۱۹۹-۱۹۸)، الذریعه (۹/ ۳۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۲۱).

دیوانه بلخی، (ز ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر وی هفت قلم را خورش می‌نوشت و شعر را نیکو می‌سرود. از اوست:

می‌خواستیم نظاره کنم نقش او در آب
ساگه بسیم آمد و غشی بر آب زد
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۴)، الذریعه (۹/ ۳۳۵)، مجالس المجالس (۳۸۶)

دیوانه قمه‌ای، شیخ اسدالله حکیم، فرزند محمد جعفر. (۱۲۹۸-۱۳۳۴ ق)، حکیم، مدرس و شاعر، متخلص به دیوانه. مقدمات عربی را نزد استادان رمان خود آموخت؛ سپس به تحصیل فقه و اصول و حکمت پرداخت. او از شاگردان حاج میرزا نصرالله حکیم قمه‌ای بود. پس از پایان تحصیلات، به اصفهان رفت و در مدرسه چهار باغ به تدریس ریاضیات قدیم و جدید و حکمت پرداخت. زبان فرانسوی را در اندک مدتی آموخت. او به انواع خطوط مسلط بود. در اصفهان درگذشت و در تحت فولاد دفن شد. از آثار وی: «دیوان غزلیات»؛ کتاب «علم الاشیاء».

ازمعان (س ۲)، ش ۸ و ۹، ص ۳۱۹-۳۱۷، تذکره النور (۱۲۹-۱۲۸)، الذریعه (۹/ ۳۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۴۶).

دیوانه نقاش تبریزی. (س نهم ق)، شاعر و نقاش. از مردم تبریز بود و در مجلس مستطاب مستغوب آق‌قویونلو (۸۸۳-۸۹۶ ق) خدمت می‌کرد. وی علاوه بر



ذاتی شیرازی، میرزا محمد حسین. (ح س سیزدهم ق)، شاعر. از سادات دشکی شیراز بود. به مشاغل دیوانی و ضبط بعضی از نواحی اشتغال داشت. این رباعی به وی منتسب است.

یسا دل تو مرا از دل پر خون سرود
و اندیشه‌ات از خاطر محزون سرود
ویران شده خاک دل چه دامگیر است
هر هم که در آن نشست پیرون سرود
مرآة العاصمه (۲۱۸۲، ۷)

ذاتی کیایی قمی. (س س دهم ق)، شاعر، متخلص به ذاتی. از شاعران قم بود، که از صدیخ شمری حلاج بسیار داشت و از اقسام شعر به فسیده گویی و عزل متمایل بود از اوست.

به کشته ذات تو هرگز نمی‌رسد ذاتی
یکی ز ذات تو می‌گوید، از صفات یکی
تحفه ساسی (۲۲۲)، قدیمه (۹/ ۳۳۷)

ذاتی نیشابوری - ذاتی هروی

ذاتی هروی. (س س نهم ق)، شاعر. از شاعران همعصر امیر علیشیر بویی بود. از اوست.

نی گر چه دم ز زمزمه زیر و بم زند
در پیش فاله ام نتواند که دم زند
تذکره روز روشن (۲۷۲)، قدیمه (۹/ ۳۳۷)، مرمک
سحران (۲۵۱)، مجالس القائل (۸۸)

ذاکری، ملا علام مرصا، فرزند محمد حسین. (س

چهاردهم ق)، شاعر. از آثار وی: «ریاض الحسینی»، به نظم، «دیوان» اشعار
الدریمه (۹/ ۷۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۹۵).

ذاکری گورنابی اصفهانی، شیخ عباسعلی، فرزند ملا عیسی محمد. (۱۲۸۷-۱۲۹۰ ق)، عاظم دینی، محدث، واعظ، ادیب و شاعر، متخصص به ذاکری. مکتب به معین الرعظین و معروف به معین الحسینی. در اصفهان و نجف به تحصیل پرداخت. وی از وعظ معروف بود در اصفهان و ثبات یافت و در تحت فولاد دفن شد. از آثار وی: «تسلیة الفقراء و تذکرة الابرار»، «زاد المصابین»، «فوائد الصلوات»، «مجازات النوران»، «وجایع الظهور»، در اعلام ظهور حضرت بقیة (ع) در دو مجلد، «دیوان» اشعار

تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۰۰)، تذکره القیوم (۲۰۲)، فهرست کتبهای چاپی (۱/ ۸۹۷)

ذبیح الله. (ز ۱۲۸۶ ق)، خطاط. ظاهراً از کاتبان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم سه‌دنگ و بیم دودنگ خوش، با رقم «خانه زاد دولت قاهره، ذبیح الله ۱۲۸۶ هـ».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۵)

ذبیح شیرازی، میرزا احمد. (س س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به ذبیحی. از سادات شیراز بود که چندی به هندوستان مسافرت کرد و بعد به شیراز مراجعت کرد و تا حدود ۱۲۷۰ ق در شیراز بود. پس از آن به زیارت عتبات عالیة رفت و در آنجا مجاور شد دیوان بیگی در

دژ، سید ابوالقاسم سجادی، فرزند میرزا یحیی، (وف ۱۳۱۷/۱۳۱۸ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به دژ. در مدرسه الهدییه و سیاسی بهران تحصیل کرد. در سنین جوانی با روزنامه «گل زرد» به مدیریت یحیی ریحان، و روزنامه «مسیم شمال» به مدیریت اشرف‌الدین حسینی همکاری می‌کرد. به بهشت جنگل پیوست و از یاران همیمی میرزا کوچک خان شد، اما بعد از دوستان احسان‌الله حاد شد و به همراه او ایران را ترک کرد. وی در جنگل روزنامه‌های «ایران سرخ»، «انقلاب سرخ» و «کامونیست» را منتشر کرد. دژ پس از خروج از ایران به شوروی رفت و تا پایان عمر استاد گرمی زبان فارسی دانشگاه مسکو بود. در مسکو درگذشت و در گورستان مسلمانان آن شهر دفن شد.

تاریخ چرایب (۱/ ۳۰۰)، زندگینامه رجال و مشاییر (۲/ ۲۶۲-۲۶۳)

دژ اصمغانی، میرزا عبداللّه بن ملا محمدباقر مجلسی، (وف ۱۲۷۱ ق)، عالم دیسی و شاعر، متخلص به دژ. در ابتدا توجهی به علم نداشت ولی در اندک مدتی علاقه‌مند گردید و شروع به فراگیری آن کرد. در مشافهه اصفهان توسط اعیانها به خرم‌آباد مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

الذریعه (۹/ ۳۳۸)، ریحانه (۲/ ۲۵۷)، صبح گلشن (۱۶۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ و ۱۳)، فرهنگ سخوران (۳۵۲)

دژ تفرشی، میرزا عبدالغنی، (ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر، از بزرگان قزوین بود و از شاگردان ملک‌الشعراء سعری به آذربایجان کرد و سپس به تفرش بازگشت. دژ قصیده و غزل را به‌یکو می‌سرود.

فرهنگ سخوران (۳۵۲)، مصطفی خراب (۶۶)، نگارستان دارا (۱۹۳).

دژ شیرزی، آقا بزرگ، (وف ح ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به دژ. از مردم شیراز و شعلش قنادی بود، بعد ترک آن شغل کرد و به شاعری و مداحی پرداخت. فرصت‌الدوله در «آثار صجم» نوشته آقا بزرگ با اینکه تحصیلاتی نداشت، شعر را بسی غلط می‌سرود. از او اشعاری به چ مانده است.

«حدیقه الشعراء» درباره او نوشته که وی در عصر خود از فقرای حق بود، اوایل عمر شعر خجلی می‌گفته و در اواخر عمر ترک شعر گفته است. ذبیح در عراق درگذشت. از او ست:

سر آن غم که دانی پادشاهش باشد کهن بگشا
ذبیحی را نمی‌سازد شراب تازه ای ساقی

حدیقه الشعراء (۱/ ۶۳۳-۶۳۴)، فرهنگ سخوران (۳۵۲)، مرآت الفصاحه (۲۱۸-۲۱۹)، مصطفی خراب (۶۷)

ذبیح گنجوی، آقا اسماعیل، (؟)، شاعر. اهل گنجه بود. به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار

دانشندان آذربایجان (۱۵۲)، الذریعه (۳۳۷، ۹)

ذبیح نهاوندی، اسماعیل (س سیردهم ق)، شاعر، متخلص به ذبیح. اصل وی از سهارند و ملایم مؤلف «سمیحه‌المحموده» بود و چنانچه خود می‌گوید معلم و استاد وی بوده و تخلص خود را نیز از او دریافت کرده و قواعد نثر را از وی فراگرفته است. مضامین اشعار وی بیشتر تصایح و مواضع بوده است.
سمیحه‌المحموده (۲/ ۲۹۸-۲۹۹)

ذبیح یزدی - ذبیح یزدی

ذبیح یزدی، ملا اسماعیل، (وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، متخلص به ذبیح یا ذبیح. وی معاصر با مؤلف «تذکره نصرآبادی» بود و دانشمندی بزرگ که علاوه بر علوم متداول در بعضی از علوم غریبه نیز مهارت داشت. او در جلوس شاه سلطان حسین صفوی مشوکی سرود که هر مصراع آن ماده تاریخ بود، به همین سبب نزد شاه تعزیر یافت. در یزد درگذشت و در صفا قلی میدان شاه قدیم جنب حاسیه دفن شد. از آثار وی: مشوکی «برگساز»، «مثنوی «هدیه الاحباب»»، «ده بند مرثیه» به سبک محتشم کاشانی، «دیوان» اشعار.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۵۵-۱۲۵۶)، تذکره نصرآبادی (۲۹۹-۳۰۰)، الذریعه (۹/ ۳۳۸)، ریحان (۲/ ۲۵۶-۲۵۷)، فرهنگ سخوران (۳۵۲)، منظومه‌های فارسی (۲۶۷-۲۶۸).

شناس برده در ۱۳۲۲ ش انجمن ادبی تهران را تأسیس کرد و این انجمن تا سال ۱۳۵۷ ش هفته‌ای یک بار در منزلش تشکیل می‌شد. از آثار او: «تذکره خوان نعمت»، «نقدالشعراء»، «طبیعة آثار انجمن ادبی تهران»، «بید بیضاء»، «دیوان» شعر؛ کتابی در «علم بدیع»؛ کتابی در «عروض و قافیه»؛ «قصص الشعراء».

سخنوران نامی معاصر (۲/ ۱۴۰۲-۱۳۰۶)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳)، مؤلفی کتب چاپی (۶/ ۶۲۶، ۶۲۷).

ذکری کاشانی، میر تقی الدین محمد - نفی ذکری کاشانی.

ذیل آذربایجانی، کریم‌لای محمد جعفر. (؟)، شاعر از شاعران آذربایجان بود. از آثار وی: «مخزن المصائب». دانشمندان آذربایجان (۱۵۲)، الذریعه (۹/ ۳۳۹، ۲۰/ ۲۲۰).

ذوالریاستین، میرزا ابوالقاسم - ادیب همدانی.

ذوالریاستین، عبدالاحسین مونس علینشاه، فرزند علی و ما علینشاه. (۱۲۵۲-۱۳۳۶ ش)، صوفی، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مونس، ملقب به مونس حبیب. پس از فراگیری علوم مقدماتی به آموختن فقه و اصول و حکمت پرداخت. در ۱۳۱۷ ق به اتفاق پدر به مکه رفت و پس از فوت پدرش، تبلیغ و ارشاد می‌داد و را به عهد گرفت و قطب سلسله نعمت‌اللهی گردید. در شروع نهضت مشروطه، به تأسیس انجمن‌های اسلامی و انصار پرداخت. سپس به تأسیس مدرسه مسعودیه و چاپخانه پارس و انتشار روزنامه «احیا» اقدام کرد. در ۱۳۴۰ ق مجدداً به مکه رفت و سپس به تهران برگشت و با پایان عمر در این شهر بود. مدفن او در «خانقاه کرمانشاه» است. از آثار او: «مونس‌السالکین»، «دلیل‌السالکین»، «برهان‌السالکین»، «جبر و تفویض»، «کفایة‌التجربید»، «تجارب از شهات»، «تاریخ حب الوطن»، در سه جلد؛ «دوساله ادرسیه»، «انیس المهاجرین و مونس المسافرین»، «دیوان» شعاری در شش جلد.

تاریخ جراید (۱/ ۵۹-۵۷)، حقیقة‌الشعراء (۲/ ۱۷۴۸-۱۷۴۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/ ۵۷۴-۵۸۰)، الذریعه (۹/ ۳۳۹، ۱۱۲۷)، سخنوران نامی معاصر (۵/ ۳۲۶۴-۳۲۶۷)، سرآمدان فرهنگ (۱/

آثار عجم (۵۶۶-۵۶۷)، حقیقة‌الشعراء (۱/ ۶۳۷-۶۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۵۱-۵۵۴)، الذریعه (۹/ ۳۳۹)، ریحانه (۲/ ۲۵۷)، فارسیه ناصری (۲/ ۹۲۰)، فرهنگ سخنوران (۳۵۳)، مرآت المعاصره (۲۲۰-۲۲۱).

ذرة کشفی اصطهباناتی، میر سید محمد، فرزند سید جعفر. (ز ۱۳۸۰ ق)، شاعر، متخلص به ذره. از روحانیون روشنگر و باذوق بود که شعر هم می‌سرود. (ز اوست: رنگ می‌نیست که بر لعل لب شیرین است خورده خون دل فرهاد و بش رنگین است گل و سنبل به بهار است، رلیکن ما و روز و شب از رخ و رلفت همه فرور دین است دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۲۴۰-۲۴۸).

ذرة گرگابی، ملا علی خان، فرزند ملا عبدالکریم. (۱۲۹۶-۱۳۷۲ ق)، شاعر در قریه گرگاب از بلوک برخوار اسمهان متولد شد. در مولد خویش و شهر اسمهان مدت زمانی به کسب علوم و مضایق پرداخت. وی در اسمهان درگذشت و در تحت فولاد دفن شد. (ز اوست:

نقاش حسر دو رخ ربای تو ماست
حیران که چنان هفت موهوم کشد تنگ
تذکره شعرای معاصر اسمهان (۲۰۰-۲۰۱).

ذکاء‌المسلک اسمفانی، میرزا محمد باقر. (س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی کتاب «کامل التاریخ» ابن اثیر را ترجمه و به ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار پیشکش کرد، که گویا کامل نبوده است.

فهرستواره کتابهای فارسی (۱/ ۵۹۸).

ذکایی بیضایی، نعمت‌الله، فرزند میرزا محمد رضا بیضایی. (۱۲۸۲-۱۳۶۵ ش)، شاعر، متخلص به ذکایی. برادر ادیب بیضایی است. در آران از توابع کاشان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران گذراند. در خلال خدمت در اداره ثبت اسناد و املاک کشور، در رشته حقوق موفق به اخذ درجه لیسانس شد و تا سال ۱۳۳۲ ش در اداره ثبت خدمت کرد. وی که شاعری خوش ذوق و نکته‌سنج و شعر

۳۶۴-۳۶۶، شرح سال رسال (۶/ ۱۳۷)، فرهنگ
سخنبراد (۸۹۸-۸۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱/
۷۲۹-۷۳۰)، مؤلف الفصاحه (۶۴۲-۶۴۳)

ذوالفقار، میر محمد رضا، (س دواردهم ق)، شاعر
از آثار وی، مثنوی «شرفنامه محمد شاه»، درباره
ناصرالدین محمد شاه گورکانی و چندان از بیاکانش از
اعظم شاه - به بعد - که نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه
بریتانیا موجود است.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۵۸۳)، فهرست‌واره کتبه‌ای
فارسی (۲/ ۱۲۸۸).

ذوالفقار شیروانی، سید همام‌الدین حسین پس
صدرالدین علی، (وف بعد از ۶۹۱ ق)، شاعر، متخلص
به ذوالفقار از شاهرازان نامی قرن هفتم هجری است که به
غلط او را معاصر خاقانی و فلکی و جمال‌الدین اصفهانی
از شاعران قرن ششم به شمر آورده‌اند. او از مداحان
انسیک یوسف شاه، اتابک لرستان، و حلال‌الدین
سیورختمی (ح ۶۸۱-۶۹۱ ق) و پادشاه خاتون دخیل
قطب‌الدین محمد (ح ۶۹۱-۶۹۴ ق) و گیخاتر خاد مغول
(۶۹۰-۶۹۴ ق) بود. در تذکره‌ها وفات وی به اختلاف
ذکر شده است، اما با توجه به اینکه وی مداح پادشاه
خاتون بوده، درگذشتش بعد از ۶۹۱ ق باید باشد. در
تبریز درگذشت و در مقبره الشعراء دفن شد. شهرت وی
بشتر در شعر مصنوع است و به حدی در این شبهه
شهرت یافته که غالب او را مخترع و مبدع شعر مصنوع
مخصوصاً شعری که دارای صنعت ترضیع است
دانسته‌اند و در صنایع شعری او را بر قوامی گنجه‌ای و
رشید و طواط و نظامی عروضی و روحانی سمرقندی و
اصلی شیرازی مقدم دانسته‌اند. از آثار وی: قصیده
مصنوع «معانیح الکلام فی مدایح الکرام»، که موجب
شهرت او گشت؛ «پیران» شعر بالغ بر ده هزار بیت.

آتشکده آذر (۱/ ۱۹۵-۱۹۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/
۵۱۸-۵۲۵)، تذکره الشعراء (۱۲۶-۱۵)، دایره المعارف
فارسی (۱/ ۱۰۴۰)، الذریعه (۹/ ۳۳۹-۳۴۰، ۸۹۱،
ریحانه (۲/ ۲۶۷-۲۶۸)، کوی سرخاب (۳۶۳-۳۷۲)،
نصائمه (دیل / ذوالفقار شیروانی)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۸۰۹)، مجمع الفصاحه (۲/ ۶۴۹-۶۵۰)، حمت اللمیم
(۳/ ۲۹۲-۲۹۴).

ذوالفقار، محمود، (تو ۱۲۹۹ ش)، موسیقیدان در
آباد شیراز متولد شد. فار را در هشت سالگی از پدرش
آموخت. بعد به ویرلن علاقه‌مند شد و به فراگیری آن
بدون استاد پرداخت. در بیست‌سالگی به شیراز رفت و
در کارخانه قند مشغول کار شد. در محل کارش از
مهندسی لهستانی اصول نواختن ویولن را آموخت و در
شیراز کلاس موسیقی دایر کرد. وی در ۱۳۲۰ ش به
تهران آمد و از کلاسهای انوالحسن صب استعداد کرد
تکسک ویولن را نزد روسک گرنگو ریان تقویت کرد. پس
از تشکیل انجمن موسیقی ملی در ۱۳۲۸ ش به عضویت
انجمن درآمد و در هنرمستان انجمن ملی به تعلیم
همین‌ساز پرداخت. ذوالفقار همچنین تدریس در کلاس
شبانه موسیقی وابسته به وزارت فرهنگ را بر عهده
گرفت و در ۱۳۵۲ ش با همین سمت بازنشسته شد.
سالها با رادیو در زمینه آهنگسازی و نوازندگی و
سرپرستی گروههای موسیقی همکاری داشت و به
منظور ممری موسیقی اصیل ایرانی مسافرت‌هایی نیز به
خارج از کشور کرد. ذوالفقار تحقیقی در زمینه موسیقی
آذربایجان دارد که گزارش آن در وزارت فرهنگ و ارشاد
المسلاسی است. همچنین در تألیف کتبهای آموزشی
ویولی که توسط هنرمستان موسیقی ملی منتشر شده سهم
سزایی داشت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۹۶)، مردان موسیقی (۱/ ۱۰۰-
۱۰۲).

ذوالفقار عراقی، حبیب‌الله، (۱۲۷۸/۱۲۸۱-۱۳۶۷
ق)، منجم و شاعر. در سلطان‌آباد اراک متولد شد. مدت
بیست سال، بدون آنکه استاد معینی داشته باشد، به
تحصیل علوم مختلف پرداخت. سپس به نجف رفت و
مدت ده سال به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به
خصوص تفسیر قرآن پرداخت. پس از مراجعت، مدتی را
در شهرهای یوشهر و شیراز گذراند، بعد مقیم تهران شد.
او در دارالمعلمین مرکزی و مدرسه عالی سپهسالار
مسلکات گسری تدریس می‌کرد. وی به عربی شعر
می‌گفت از آثار او «حرکت قمر» و «تقویم استخراجی
ذوالفقار» است که تا چندین سال در سالنامه پارس چاپ
و منتشر می‌شد.

رنگنامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۶۷-۲۶۸)، سرآمدان
فرهنگ (۱/ ۳۶۷-۳۶۸).

در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد نزدیک تکیه میرزا ابوالعالی دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر پنج هزار بیت که در اصفهان به چاپ رسیده است.

تذکره القبر (۲۲۱)، الذریعه (۹/ ۳۳۱)، سخنران نامی

معاصر (۳/ ۱۲۰۷-۱۲۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/

۲۲۲-۲۲۴).

ذوقی یسغامی، میرزا فتح الله. (وف ۱۲۸۸-۱۲۷۴ ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به سلطان و ذوقی. اصلاً از طایفه عرب بنی عمر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره محمد شاه قاجار برای دیدار دایی خود، حبیب الله خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوی و چاچرم و انجیر آباد مأمور شد، او را به عنوان رئیس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحاء» در شیراز و در نهران معاشرت داشت. وی به هنگام اتمام تألیف «تلیخ شایگان» (۱۲۷۴ ق) در قید حیات بود و هنگام تألیف «مجمع الفصحاء» سال ۱۲۸۸ ق، فوت کرده بود. ذوقی بسیاری از اشعار شاعران عرب را حفظ بود و خط نسخ را خوش می‌نوشت. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۶۲-۵۶۳)، تذکره

طلعت (۸۲)، حدیقه الشعراء (۱/ ۶۲۲-۶۲۱)، الذریعه

(۹/ ۳۴۱)، فرهنگ سخنران (۳۵۵)، گنج شایگان

(۱۸۸-۱۸۲)، مجمع الفصحاء (۲/ ۲۰۲-۲۹۹)، مصطفی

عرب (۶۶-۶۵).

ذوقی تنکابنی، ضیاءالدین محمد مهدی، فرزند داوود. (۹)، شاعر، متخلص به ذوقی در نظم و نثر توانا بود. از آثارش: «بحرالاکلی»، که کثرت ملحمی است و به چاپ رسیده؛ «دیوان» اشعار.

الذریعه (۹/ ۳۴۱-۳۴۰)، فهرست کتابهای چاپی (۱/

۲۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۹۷-۳۹۶).

ذوقی نونی. (وف ۹۷۵ ق)، شاعر. از اوست.

ذوقی شجاعی، حسین، فرزند محمد هاشم. (۱۲۸۴-۱۳۳۹ ش)، مدرس در تهران متولد شد. دوره ابتدایی و در مدرسه تمدن و دوره متوسطه را در مدرسه سناطی به پایان رساند. در ۱۳۰۵ ش وارد وزارت فرهنگ شد و مدت سه سال در آبادان بود. بعد از آن با سمت آموزگاری در مدارس پربایان در بصره و کاظمین و کربلا و نجف مشغول به تدریس شد. در ۱۳۱۱ ش وارد وزارت دارایی شد و بعدها در سمت ممیز مستقل حسابهای اداره پیشکاری دارایی تهران اشتغال یافت. از آثار وی: «فراهمای زاپریں عتیبات هالبات»؛ «سمرنامه و راهنمای حاج».

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۳۸-۷۳۹).

ذوقی، رضا پورنامداریان - پورنامداریان، رضا.

ذوقی، محمد ابراهیم. (س چو ردهم ق)، شاعر اثر وی «گلزار ذوقی» به شعر، که در تبریز در ۱۳۳۳ به چاپ رسید.

مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۷).

ذوقی اردستانی، ملا علی شاه. (وف ۱۲۲۵ ق)، عارف و شاعر، متخلص به ذوقی و مشهور به عتیقه اهل اردستان بود. در اصفهان اقامت گزید و گیوه‌دوزی را پیشه خود کرد. علی‌رغم آنکه تحصیلاتی نداشته اما ذوق سرشاری داشت. بین او و حکیم شهابی مهاجانی بوده است. وی در اصفهان درگذشت و در مقبره پیر پیندوز دفن شد. از آثار او: «دیوان» شعر.

آشناسنامه آذر (۲/ ۹۲۲)، تذکره القبر (۳۲۲)، تذکره

نصرآبادی (۲۷۵)، الذریعه (۹/ ۳۴۱)، ریاض الماریف

(۷۷)، ریحانه (۲/ ۲۶۹-۲۷۰)، فرهنگ سخنران

(۳۵۵).

ذوقی اصفهانی، میرزا ابوالقاسم، فرزند عباس بن اسماعیل. (۱۲۷۳-۱۳۳۹ ق)، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. تحت سرپرستی عمویش علوم متداول را فراگرفت و در حسابداری و دفتردهی و نگارش منشآت تجاری مهارت پیدا کرد. وی در اکثر مجامع ادبی اصفهان و شیراز شرکت می‌جست. از جمله مصاحبان او در انجمن‌های ادبی میرزا محمد سها و میرزا ابوالقاسم طرب و میرزا حسن آتش و ابوالفتح خان دهقان بودند.

او در منازعات طوایف و زلش و طایفه تکو که به آفت
تکلو شهرت یافت، ناپدید شد. از آثار وی: «حفظ
الصحاح»؛ «بحران»؛ «معجم»؛ که به نام سام میرو است.

تاریخ نظم و نثر (۱۳۵۱)، تحفه سامی (۸۶-۸۵)، الذریعه
۹/ ۳۲۲، ریحانه (۲/ ۲۷۶)، سرحدی سمنوران
۲۵۷، لغتنامه (دیل / قوانین شاعر)، میوه (۲/ ۲)
۴۵۲، ۴۵۱.

ذهبی دزغولی، عین الدین حسین. (مس سیردهم ق)،
مورخ. از آثار وی: «تاریخ مختصر دزغولی»، از پایان
صعیدان قارورگار مؤلف.
هرستاره کتابهای فارسی (۲/ ۹۰۱)

ذهبی شیرازی، آقا محمد هاشم، فرزند محمد
اسماعیل. (ح ۱۱۱۰-ح ۱۱۹۹ ق)، عارف، ادیب، خطاط
و شاعر. در شیراز متولد شد. ارباب جرانی را به کتابت و
استیعای خوانین زندیه گذراند. در اواسط عمر به عراق
رو آورد و به خدمت شاه کوثر هندی، از مشایخ سلسله
طیغریه شطریه، رسید. از آن پس به خدمت سید
قطب الدین محمد نیوری درآمد و به دماهی وی
سرافراز شد. پس از درگذشت مرشدش، قطب الدین
محمد، منصب شیخی سلسله ذهبیه یافت. پس از وفات
در جوار خواجه حافظ به جای سپرده شد. از آثار وی:
رساله «ماهل التحمین»؛ مثنوی «ولایت نامه».

سوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۶-۸۵۹)، ریاض
تعاریف (۳۵۱، ۳۵۰)، طرق «معانی» (۲/ ۲۱۹-۲۲۰)،
سلسله ناصری (۲/ ۱۱۸۲)، مکارم الآثار (۱/ ۱۰۲۱).

ذهبی شیرازی، سید علی. (مس چهاردهم ق)،
مترجم، از آثار وی، ترجمه «سفرنامه هنری لاندرا»،
درباره جنگ چلبی ها و فرگیان.
الذریعه (۱۲/ ۱۹۰)، هر ستاره کتابهای فارسی (۱/ ۱۳۲)

دعبل تیشابوری، ابوعماد محمد بن یحیی بن
عمادالله. (۱۷۲-۲۵۸ ق)، حافظ و محدث. معروف به امام
اهل حدیث خراسان و عالم اهل مشرق و ملقب به
شیخ الاسلام. چون حدیث رهبری را جمع آوری و تنبیح
کرد، به زهری یا ذهبی مشهور شد و علی بن مدینی او را

همچنین به خیال تر و آسوده دلم
کین وصالی است که اندر پی او هجران نیست
تذکره دوز روشن (۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۳۴۰)، هفت انبیم
(۲/ ۲۲۰).

ذوقی جامی. (۹)، شاعر، متخلص به ذوقی این
رباعی از اوست:

آینه مهر روشن از یاد علی است
او را در ملک در آسمان شاد علی است
گر سلطنت دوگون خراهی ذوقی
در بسدگی علی و اولاد علی است
تذکره دوز روشن (۲۷۷)، هفت انبیم (۲/ ۱۸۸)

ذوقی شیرازی، آقابزرگ، فرزند محمد صادق
کوکب. (مس سیردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به
ذوقی. طبیبی موزون داشت و اشعاری از او به جای مانده
است. از اوست:

بهر ستار یار نداریم حیر چاد
آن هم محقر است و مزید خجالت است
نحوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۲۵۸)، حدیقه الشعریه
(۱/ ۶۴۶-۶۴۵)، سرحدی سمنوران (۳۵۶)، بیرکت
القصاح (۲۲۱-۲۲۲).

ذوقی کاشانی، امیر محمد امین. (وب ۹۶۹ ق)،
شاعر. اصلاً از طایفه ترکمان و ساکن کاشان بود و از
شاعران دوران شاه بهمن است. در کاشان کسب
دانش کرد. در حکمت از شگردان ملا میرزا جان
شیرازی بود. مدتی در عراق و فارس و خراسان سیاحت
کرد، اما پس از مدتی مسروی شد و در لاهیجان
درگذشت. اشعاری از او به جا مانده است.

آتشکده آذر (۱/ ۵۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، تذکره
نصرا بادی (۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۳۴۲)، ریحانه (۲/ ۲)
۲۷۰، لغتنامه (دیل / ذوقی کاشانی)، هفت انبیم (۲/ ۱۱۹)

دولتو خیارچی قزوینی. (مس دهم ق)، پزشک و
شاعر. از مردم خیارج از توابع فروین بود. در طب از
شاگردان مولانا علاء الدین احمد طبیب بود. ذوالنون
پزشک حاذقی به شمار می رفت و در اقسام شعر نیز توانا
بود. وی مدت ده سال از ملازمان سام میرزا صغری بود.

(۲۸۵، ۲۷۲)، الواعی بالوفیات (۵/ ۱۸۶-۱۸۷).

ذهنی تبریزی، علی اصغر، (س. دهم ق)، شاعر. از
شاعران تبریز بود. از آثار وی: «حسینی»، دیوانی در
مراثی.

تاریخ نظم و سحر (۹۹۸)، تحفه ساسی (۳۱۸-۳۱۷)،
«شمنان آذربایجان» (۱۵۳-۱۵۲)، الذریعه (۹/ ۳۴۲)،
مرحله مسخوون (۳۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/
۴۶۱-۴۶۲).

ذهنی کابلی، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران کابل بود.
از علوم سرشته داشت و در فن خط نیز توانا بود. این
مطلع از اوست:

من که همچون رباب مشکینت پریشان مانده‌ام
گردنی کج کرده در روی تو حیران مانده‌ام
تاریخ نظم و سحر (۳۲۴)، الذریعه (۹/ ۳۴۲)،
مجالس العالی (۱۶۰).

ذهنی یزدی، (س. دهم ق)، نقاش و شاعر. در «قصه
سایه» آمده که «از جمله خوش طبعان یزد است و سر
حلقه ارباب سور و درد، دهی صافی و سلفه‌ای واقعی
داشت چنانکه از این مطلع می‌توان دانست:

بعد از وفات هر قلم استخوان ما
سر پسته نامه‌ای است ز درد نهان ما»
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۷۹)، تحفه ساسی (۱۲۵)،
تذکره مسخوون یزد (۱۳۲)، جامع صفیدی (۳/ ۴۶۲)،
«درباره» (۹/ ۳۴۲).

وارث زهری خطاب می‌کرد. در نیشابور از حفص بن
عبدالله و حفص بن عبدالرحمن و همطریق آنان حدیث
شنیده و در وی از یحیی بن خریس و همطریق او، و در
اصهان از عبدالرحمن بن مهدی حدیث نوشت و در
کوفه و بصره و بغداد و مکه و مدینه و مصر و شام و
جزیره از عالمان و محدثان بسیاری استماع حدیث کرد تا
اینکه به ریاست علمی نیشابور رسید و وفات مقامش در
نیشابور همچون جلالت احمد حنبل در بغداد و مالک در
مدینه بود. حنق بسیاری از وی حدیث نقل کرده‌اند که
پیشگامان حدیث همچون مسد، بن ابی مریم، ابو جعفر
نعلی و عبدالله بن صانع و محمد بن اسماعیل بخاری و
سعید بن منصور، صاحب «السنن»، و ابوزرعه و ابوحاتم
و ابو عیسی ترمذی و ابن ماحه و سائی در «سنن» خود و
ابن حریمه و محمد بن عبدالرحمن ذحلی و ابوبکر رید
نیشابوری از این دسته‌اند. زنجویه گوید که از مشایخ خود
شنیده حدیثی که مورد تأیید محمد بن یحیی باشد،
قابل اعتماد نیست. ابوحاتم رزی و ابن خریجه او را امام
اهل زمانه خوانده‌اند. ابن ابی داوود وی را امیرالمؤمنین
در حدیث می‌داند. دهلی به سنت تمسک بسیار داشت،
لد، گفتار بخاری را در مسأله خلق قرآن ناپسند دانست (و
او را بیخشنید و از نیشابور بیرون راند و بخاری هم از وی
کدورت در سی و چهار حدیثی که از وی نقل کرده‌ایم
وی را پنهان کرده است. از آثار وی: «الرهبات»، در دو
مجلد.

الاعلام (۳/ ۸)، تاریخ بغداد (۳/ ۲۱۵-۲۲۰)، تاریخ
نیشابور (۱۰۰)، تهذیب التهذیب (۹/ ۴۴۱-۴۴۲)،
البحر و التمهیل (ج ۴، ۱/ ۱۲۵)، سیرالنبلاء (۱۲/



می سرود و به هایت قیویس و خوش قریحه بود. از وی همت عزل و چهار دویستی و دو بیت مفرد باقی مانده که مجروحاً پنجاه و پنج بیت است

در رایحه تا پروین (۱۲۹-۱۲۲)، پشامنگان شعر فارسی (۶۱-۱۵۸)، تاریخ ادبیات در ایران، ۱/ ۲۴۹-۲۵۱، الذریعه ۹۱/ ۳۲۲، راجح الشریعه ۴/ ۲۵۰، ریحان ۲/ ۱۸۱، رنای مسخو ۱/ ۲۰۸-۱۹۸، سرآمدان فرهنگ ۱/ ۳۶۹-۳۷۰، شاعران بی دیوان (۷۷-۷۳)، گنج و گنجینه (۵۱۸-۵۱۶)، لیال‌الآلیاب ۲/ ۶۳-۶۱، نفت‌نامه (دبیل / رایحه فرداری)، مجمع‌الفصحی ۲/ ۶۵۴-۶۵۵، مشاعر ربان (۱۰۱-۱۰۲).

راجسی اصفهانی، محمد باقر لسلقروشان. (س) چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به راجسی. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر به پایان رسانید، سپس به خدمت در فرهنگ مشمول شد. وی از اعضای مؤثر انجمن تبلیغات اسلامی به شمار می‌رفت. اشعاری از او در «تذکره شعری معاصر اصفهان» آمده است. تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۰۳-۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۲۶-۰)

راجسی تبریزی، میرزا براحقسن. (۱۲۹۴-۱۲۲۷ ق)، شاعر، متخلص به راجسی. وی به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. او در یازگشت از سفر حج در دریای قلم (دریای سرح) غری شد. «دیوان» راجسی، شامل اشعار فارسی و ترکی در تبریز چاپ شده است. دانشمند آذربایجان (۱۵۵)، الذریعه ۹/ ۳۴۵.

رابط اردبیلی، شاه کاظم. (س یازدهم ق)، شاعر. هل اردبیل بود که به هند سفر کرد. از اوست. آم که در سرم هومی تخت و تاج نیست محتاجم و به هیچ کسبم احتیاج نیست تذکره رور روش (۲۷۸)، تذکره مصرآبادی (۲۸۲)، دانشمند آذربایجان (۱۵۵)، الذریعه ۹/ ۲۲۲، کاروان هند ۱/ ۲۲۹، نفت‌نامه (دبیل / رابط اردبیلی)

رابط اصفهانی، ملک محمد، فرزند نورا صحاف. (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به رابط. به پیشه صحافی در اصفهان اشتغال داشت. او تتبع شعر قدما خصوصاً نظامی می‌کرد. او آثار وی، «دیوان» شعر و «سبب‌نامه»

تذکره القبور (۳۲۲)، تذکره مصرآبادی (۴۲۳)، الذریعه ۹/ ۴۴۲، صبح گلشن (۶-۸).

رابط کردستانی. (س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه بست مستندج بود از اوست: دلبران را پس از مردهن دلبری بیشتر گردد که چرم کرک بعد از خود به پیل افکنی سپر گردد حدیق امام‌اللهی (۳۷۲-۳۷۳).

ریمه نژادری بسخی، فرزند کعب امیرنخ. (س چهارم ق)، شاعر. معروف به زمین‌المرب. از اهالی قزدار. از شهرهای قدیمی واقع در میان سیستان و مکران. و معاصر با رودکی و امیر نصر سامانی بود. ریمه به زبان فارسی و عربی تسلط داشت و به هر دو زبان شعر

در ساله (۲/ ۲۸۳-۲۸۴) سبختوران آذربایجان
(۲۶۵۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، لغت‌نامه
(دیل/ راجی)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۵۱)،
مکارم‌الآثار (۴/ ۱۳۰۸-۱۳۰۷)

راجی سستدجی، هیدالله پیگ منشی، فرزند
خسرو پیگ منشی، (س سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به
رجی. وی از نسل خواجه شاه‌ویس هندی (سوزی) بود
در جنگ بین محمد پاشاانان و خسروخان والی اردلان
کشته شد. وی «دیوان» شعری داشته که از پیش رفته و تنها
قطعاتی از آن در «جنگ‌ها» و «حقیقه امان‌اللهی» باقی
مانده است

تاریخ مشهور کرد (۱/ ۲۵۱-۲۵۲)، حقیقه امان‌اللهی
(۳۷۲-۳۷۰)، فرهنگ سخنوران (۳۶۰)

راجی کرمانی، ملا یمانعلی، (ز ۱۲۴۰ ق)، شاعر. از
رشتیان کرمان بود. در آواز به نال باقی اشتغال داشت
در جوانی اسلام آورد و به تحصیل علوم دینی مشغول
شد. بعد از چندی به یزد رفت و در وقت ساکن شدیخ
کرمان درگذشت. پس از وی میرزا مظفر کرمانی به
تشیق مؤلف «مجمع‌النصحا» اشعار او را مرتب و بااختیار
از آثار وی منظومه «حمله حیدری»، در شرح غزوات
حضرت محمد (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع)، که
شاعر آن را به نام ظهیرالدوله ابراهیم خان قاجار سرود
تذکره شاعران کرمان (۲۵۳ ۲۴۹)، حقیقه‌الشمس (۱/ ۶۴۶-۶۴۷)،
حکمه سرایی در ایران (۳۸۱-۳۸۰)،
النریه (۹/ ۳۴۵)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰)، بهت‌نامه
(دیل/ راجی کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۱۵)،
مجمع‌النصحا (۴/ ۳۳۸-۳۳۳)، مصطفی خراب (۳۰).

راجی قسوی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا
احمد قاضی، (س سیزدهم ق)، شاعر. در نسا متولد
شد. پدرش قاضی آغا بود. از شیراز به هوای تحصیل
علم به تهران آمد و در همین شهر وفات یافت. وی اشعار
بسیاری سروده است. از اوست:

رلمین صفرین به رخت سایبان شده
یا که به زیر میع مستر بهان شده
یاغوت خرامم ارباب لعل تو پس خطاست
یاغوت کی چو لعل تو گهر نشان شده

حقیقه‌الشمس (۱/ ۶۵۰-۶۴۹)، فرهنگ سخنوران

(۲۶۰)

رادفر یزدی، حسن، فرزند حاج محمد. (تو ۱۳۰۰
ش)، پرشک و شاعر، متخصص به رادفر. وی در یزد به
دنیا آمد. از اوست:

تو جفا می‌کسی و مهر تمنا داری
این روش در خور اندیشه بیکوی تو نیست
نقد جان را به بها داده‌ام ای دوست ولی
یک گرم مسک محبت به ترازوی تو نیست
تذکره سخنوران یزد (۵۳۸-۵۳۷)، فرهنگ سخنوران
(۲۶۱-۲۶۰).

رادمرد، حسن، (تو ۱۲۸۵ ش)، موسیقیدان و
بوازیده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی تا
متوسطه را در مدارس اسلام و ثروت گذراند سپس در
مدرسه موزیک بیت نام کرد و مدت هفت سال در آن
مدرسه به فراگیری موسیقی پرداخت و با سازهای
مختلف چون: قوه‌بی، قوت، پیانو و ویولن آشنا شد. در
۱۳۱۵ ش از مدرسه موزیک فارغ‌التحصیل شد و بعدها
برده اسماعیل خان گمانچه‌کش و درویش‌خان ردیف‌ها و
دستگاه‌های موسیقی را از گمانچه به ویولن منتقل کرد.
برخی از فعالیت‌های هنری او عبارت‌اند از: بازرسی سرود
و موسیقی مدارس، رهبری یکی از ارکسترهای وزارت
فرهنگ و هنر، عضویت شورای موسیقی اداره کل
وزارت فرهنگ و هنر، تدریس سازشناسی و ارکستر
شناسی در کنسرواتور آثار او در موسیقی شاد و نوین
جهان یا قم ایرانی که دارد به عنوان موسیقی خوب و فرین
ایران شناخته شده است. از آثار وی: «قطعه کلاغ»، «گلی
دخترجان» که دارای تم محلی است؛ «چهار مضرب
اصهان» نثری پیانوا «قصیمهای شیدا»؛ «تنظیم گوشه
خسروانی» برای پیانوا، ویولن و آلتو

تاریخ موسیقی (۲/ ۳۴۱)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۳۸)،
مردان موسیقی (۲/ ۲۰۱-۲۰۰)

رادویانی، محمد بن عمر، (س پنجم ق)، ادیب. از
شرح حال وی اطلاعاتی در دست نیست، آنچه مسلم
است وی به شاعران دوره اوان فروری قریب‌العهد بوده
است، زیرا آخرین شاعران مذکور در کتاب او که
اشعارشان را به استشهاد آورده، گویدگان عهد سلطان
محمود و مسعود فروری هستند. تنها اثری که از او مانده

در ایوان خلاصه خاک سپردند. وی دارای تألیفات و تالیفات بسیاری است، از جمله: «آیات الولاية»؛ «امیر التوحید و النبوة والولاية والمعاد»؛ «اسرار الولاية»؛ «انوار الشموس الصانعة»؛ در عقاید ذهبیه؛ «انقلاب سلسلة ذهبیه»؛ «براهین الأمانة»؛ «تنبيه المرید»؛ «تباشیر الحکمة»؛ در معارف؛ «دیوان» شعر که در ۱۳۲۰

ق تحت عنوان «دیوان میرزا بابا» به چاپ رسید

اعیان النسیمة (۲/ ۲۱۶)، حذیقة النسماء (۱/ ۶۵۰-۶۵۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۵۹-۵۶۵)، الذریعة (۱/ ۳۹، ۲/ ۳۲۶)، ریاض الماوین (۲۵۹-۲۵۸)، ریحانة (۴/ ۲۸۲-۲۸۴)، طبقات اعلام

الشیعة (قرن ۱۳/ ۶۹-۶۸)، طرائف الحقائق (۳/ ۳۵۶)،

فارسنامه ناصری (۲/ ۹۲۶-۹۲۸)، فرهنگ سحرورین

(۳۶۱)، منتقامه (ذیل / واز شیرازی)، مؤلفین کتب

چاپی (۱/ ۲۴۷-۲۵۰)، مرآت النصاحه (۲۲۳-۲۲۶)،

رازی، ابوبکر، (ح من سوم و چهارم ق)، عارف، در

«نصائح الانس» آمده: وی معاصر ابوبکر زقاق صمیر و

ابوهمر و زجاجی و مردی عتور و مجتهد بود. گفته‌اند

از شاخ کس از وی گریان‌تر نبود. هر مرید مبتدی که

وی را بدیدی امیر و گرفتار وی می‌شد از کثرت عبادت

و گریه و بی‌خسری و آتش اضطراب وی در سماع. در

ابتدای کار خود به سفر مکه رفت و مشایخ صریه را

دریافت و یک سال مجاورت آنجا کرد.

ری یاستان (۲/ ۲۷۲)، نصائح الانس (۲۰۱)، همت

انیم (۳/ ۱۱).

رازی، ابوبکر احمد بن علی، (ح ۳۰۵-۳۷۰ ق)، فقیه

و محدث حنفی، معروف به جصاص رازی، پیشوای

اصحاب رأی در زمان خود بود. نزد ابوالحسن کرخی فقه

آمرخت و از ابوالعباس اصم و همبطقة او در نیشابور و از

مهدالباقی بن قانع و همبطقة او در بغداد و از طبرانی و

عده‌ای دیگر در اصفهان حدیث شنید. او دارای مقام

زهّد و تمکد بود و مقام قاضی افضائی را که به او عرضه

کرده بودند، نپذیرفت. از آثار او شرح

«مختصر الطحاوی»، در فروع فقه حنفی؛ «احکام القرآن»؛

در سه مجلد؛ شرح «المناسک»؛ شرح «الجامع الکبیر» و

شرح «الجامع الصغیر» محمد بن حسن شیانی؛ شرح

«ادب القاضی» خصائص سر اساس مذهب ابو حنيفة؛

«جوابات المسائل»؛ شرح «الاسماء الحشی».

کتاب مهمی است در بدیع و محسنات کلام به نام «ترجمان البلاغة» که به خط آن را به فرخی سیستانی نسبت داده‌اند.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۱۷-۹۱۹)، تاریخ نظم و نثر

(۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۲۶-۶۲۷).

رازی اصفهانی، میر میران نوازش خان، فرزند علی

مردان خان، (وف ۱۱۸۰ ق)، شاعر مشهور به

نوازش خان اهل اصفهان بود از جانب سلطان حسین به

سفارت هند رفت و ملازم نواب آصف جاء شد، مدتی به

پتگاله رفت و سرانجام در اورنگ آباد دفن شد. وی

معاصر و دوست میر خلامعلی آزاد بلگرامی بود که

اشعار او تصحیح کرد. از اوست:

می‌تران راه میل را بستن

چه صلاح است دیله تر و

در هوایت مدام می‌گردد

گوی چوگان خود کن این سر را

تذکره القیوم (۳۲۲)، الذریعة (۹/ ۳۴۵-۳۴۶)، صبح

گش، (۱۶۸-۱۶۹).

رازانی، ابوتراب، (ر ۱۳۱۲ ش)، نویسنده، در ۱۳۱۲

ش از دارالمعلمین عالی فارغ التحصیل و در وزارت

معروف به خدمت مشغول شد. اثر او: «اصول تمدن عرب

و تطبیق آن با روحیات شرقی».

زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۹۰)، مؤلفین کتب

چاپی (۱/ ۱۲۲-۱۲۳).

رازی شیرازی ذهبی، میرزا ابوالقاسم حسینی شریفی،

فرزند میرزا محمد عبدالنسی / نسی، (۱۲۰۲-۱۲۸۶ ق)،

فقیه، عارف و شاعر، متخلص به راز. منصب به میرزا بابا

در شیراز متولد شد و به اقتضای حال خانواده‌گی و محیط

زندگی به تحصیل علوم زمان خود همت گذاشت و در

امور مذهبی به درجه اجتهاد رسید. از او مریدان پدید

آمد، که قطب سلسلة ذهبیه بود، شد و پس از مرگ او،

قطب سلسلة شد و تولیت آستانه شاهچراغ شیراز به او

محول گردید. به قصد زیارت مشهدالرضا (ع) به مشهد

رفت و در مراجعت سه سال در تهران ماند و از جانب

ناصرالدین شاه قاجار لقب مجدالاشراقی یافت. در

۱۲۸۶ ق به هنگام مراجعت از تهران در مورچه‌خورد

اصفهان رحلت یافت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و

تاریخ بغداد (۲/ ۵۲۱۴)، ری باستان (۲/ ۲۸۱)،
سیر النبلاء (۱۶/ ۳۴۱-۳۴۰)، الفهرست ابن ندیم،
برجسته (۲۸۵)، کشف الطنون (۳۲۱، ۳۶، ۱۱۱، ۵۶۲،
۵۶۸، ۶۰۹، ۱۰۳۲، ۱۶۲۷-۱۶۲۸، ۱۶۳۵)، معجم
المؤلفین (۲/ ۸۷)، الفهرست بالوفیات (۷/ ۲۴۱)،
هدیه العارفين (۱/ ۶۷-۶۶).

رازی، ابوبکر احمد بن محمد بن حسن. (س سوم
ق)، محدث. در طلب حدیث به بغداد سفر کرد و از
محمد بن حمید رازی و محمد بن یحیی دهلوی حدیث
شنید. محمد بن عمرو عقیلی و عبدالحق بن نافع از او
روایت کرده‌اند.

تاریخ بغداد (۴/ ۲۲۵)، ری باستان (۲/ ۲۸۴).

رازی، ابوبکر محمد بن زکریا. (۲۵۱-۳۱۱/۳۱۳)
۳۲۰ ق)، فیلسوف، فیزیکدان، شیمیدان و طبیب
معروف به طبیب المسلمین و جالبتموس العرب در ری به
دبیا آمد و در همان‌جا نشر و طب یافت. در ابتدا شغل
درگری داشت و به صنعت اکسیر می‌پرداخت و چون در
اثر بخار و دود چشمهایش متورم شد، در چهل سالگی
ترک کیمیا کرد و به تحصیل طب پرداخت. رازی از
درمانگان عصر خود بود و در علم طب، پیشوا و امام
معتبر می‌شد. او بسیار سفر می‌کرد و از حرمت بسیار
برخوردار بود. با بیمارانش خود بسیار با عطوفت و ایثار
برخورد می‌کرد مدتی اداره و ریاست بیمارستان ری و
سپس ریاست بیمارستان عسقلان در بغداد در عهد مکی ب
او بود. او از مشاهیر منطق، هندسه و دیگر علوم عقلی
بود و وی را از بانیان طب شیمی دانسته‌اند. در پایان عمر
نایباً شد و در بغداد درگذشت. در کارهای علمی رازی،
اهمیت دادن به تجربه مشهود است. وی تحقیقاتی در
باب وزن مخصوص انجام داده و اکتشافاتی چون:
«کشف الکحل» و «اصید سولفوریک» به او منسوب است.
تعداد تألیفات او را تا ۱۹۸ و برخی تا ۲۳۷ عنوان بر
شمرده‌اند. از آثار او: «الحاوی»، سی مجلد در طب؛
«الطب الروحانی»، مشهور به «طب النعوس»؛ «الجامع» یا
«الجامع الکبیر»؛ «الاصحاب»؛ «امراض الاطفال»؛
«المنصوری»، که آن را برای منک منصور بن نوح سامانی
نگاشته است؛ «الجدری و الحصبة»؛ «التدبیر»؛
«الترتیب»، در کیمیا؛ «منافع الاعذیه و دفع مضارها»؛ «من
لا یحصره الطیب».

الاعلام (۱۶/ ۳۶۵-۳۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/
۲۸۹-۲۹۲، ۳۲۴-۳۲۵)، تاریخ السکما، فیعطی
(۳۲۳-۳۲۹)، تاریخ طب (۲/ ۳۲۲-۳۲۴)، تاریخ
فلسفه ایرانی (۷۱-۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱/
۱۰۵۶)، روایات الجنات (۷/ ۲۸۹-۲۸۶)، ریاض (۲/
۲۸۶-۲۸۷)، سیر النبلاء (۱۲/ ۳۵۵-۳۵۴)، شخصتهای
نامی (۲۲۵-۲۲۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۲۴-۲۲۵)،
الفهرست ابن ندیم (۱۵-۱۶، ۵۰۴)، فیلسوف ری،
کشف الطنون (۵۷۷، ۶۲۸، ۱۰۱۵، ۱۲۱۵، ۱۸۶۲)،
الکیمی و الالطاب (۱/ ۲۴-۲۳)، لغت نامه (قبل برازی)،
مؤلفین کتب پهلوی (۵/ ۴۸۷-۴۸۵)، معجم البلدان (۳/
۱۲۶)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۷-۶)، الوافی بالوفیات
(۲/ ۷۷-۷۵)، وفیات الاعشیان (۵/ ۱۵۷-۱۶۱)،
هدیه الاحباب (۷-۶)، هدیه العارفين (۲/ ۶۷-۶۶).

رازی، ابوبکر محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز بن
شادان بجلی. (وف ۳۷۶ ق)، محدث، عارف و صوفی
از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه خراسان، پدران شاکن
رگزی بودند. ولی وی در تیشابور پرورش یافت و در
همان‌جا وفات یافت. او استاد عبدالرحمن حسنی و
شاگرد ابوبکر بیکنندی بود.

تاریخ بغداد (۵/ ۲۶۵-۲۶۲)، تاریخ مشایخ (۱۸۳)، ری
باستان (۴/ ۳۷۱)، ریاض (۱/ ۲۲۷)، سیر النبلاء (۱۶/
۳۶۴-۳۶۵)، طبقات الصوفیه هروی (۵۲۶-۵۲۵)، لسان
البرزخ (۶/ ۲۴۵-۲۴۶)، حساب الانس، ۲۳۵-۲۳۶،
الوافی بالوفیات (۳/ ۳۰۸)، هفت اقلیم (۲/ ۱۲-۱۱).

رازی، ابوجعفر محمد بن ابراهیم بن محمد. (وف
۶۱۵ ق)، فقیه و اصولی. شیخ حنفیان و مدرّس ایشان در
موصل بود. در موصل درگذشت. از آثارش: «الفرائض» یا
«مراثی الرازی»؛ «الفروری فی شرح مختصر القندوری»،
کتابی در فروع فقه حنفی.

ایضاح المکنون (۲/ ۱۸۵)، ری باستان (۲/ ۳۴۵)
کشف الطنون (۱۶۳۱-۱۶۳۲)، معجم المؤلفین (۸/
۲۱۸)، هدیه العارفين (۲/ ۱۰۹).

رازی، ابوحاتم محمد بن ادريس بن منذر بن داوود
بن مهران حنظلی. (۱۹۵-۲۷۷ ق)، حافظ، محدث، مفسر
و رجال شناس اهل سنت، معروف به حافظ شرقی. چور
ساکن محله درب حنظله ری بود، او را حنظلی نیز

هر رشته علمی حظی وافر داشت و در حدود یک قرن در
نقه امام بود.

سیرالنبلاء (۱۷/ ۶۲۶).

رازی، ابوالحسن محمد بن یحیی بن زکریا، (وف ۳۲۸ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث و فاضل معروف به ابن حیکریه. از سهل بن سعد و علی بن ابی‌طاهر و ابوشعیب حرانی و محمد بن یحیی مروزی و ابوحلیمه و ابویعلی فقه و حدیث آموخت. او تا پایان عمر ملازم ابن سرج بود. چهار سال در قزوین و همچنین مدتی در همدان عهده‌دار امر قضاوت بود. به گفته دهبی او صنی تعصبی بود. وی دارای تصانیفی در اصول و فروع فقه است.

سیرالنبلاء (۱۵/ ۳۷۹)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۰۲)

رازی، ابوزکریا یحیی بن معاذ بن جعفر، (وف ۲۵۸ ق)، واعظ و راهب اهل ری بود. در بلخ اقامت داشت و در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب المریدین».

الاعلام (۹/ ۲۱۸)، الفهرست لابن التیم (۲۶۰)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۲۳۲)، هدیه‌المصابین (۲/ ۵۱۶)

رازی، ابوسعید عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب، (وف ۳۸۲ ق)، صوفی، مستوف و محدث. در ری از ابن ابی‌حاتم و در بغداد از یحیی بن عساکر و در دمشق از ابن جریر و محمد بن عبدالاحلی حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابونعیم و شیخ الاسلام اسماعیل صابری و محمد بن عبدالعزیز مروزی و ابومسعود کججودی از وی حدیث شنیدند. او به مصر و شام رفت و حج گزارد و مدتی ساکن نیشابور و مصاحب ابوعلی ثقفی راهب بود. او را از روایان محمد بن ایوب رازی و یوسف بن عاصم نیز شمرده‌اند. در اواخر عمر به مود رفت و از آنجا به بخارا سفر نمود و تا پایان عمر در آنجا به روایت حدیث پرداخت.

تاریخ الاسلام (احداث ۳۸۱-۴۰۰/ ۵۳-۵۲)، ری
بأسان (۲/ ۳۲۶)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۴۲۸-۴۲۷).

رازی، ابوسهل موسی بن نصر (ر ۱۸۸ ق)، فقیه و محدث حنفی. از اصحاب محمد بن حسن شیبانی و از روایان حریر بن عبدالحمید رازی (م ۱۸۸ ق) بود. او را از عتق‌ای اهل ری و از محدثان مورد اعتماد شمرده‌اند. ابن

گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبدالله بن موسی و ابوثیم حرکوه و محمد بن عبدالله انصاری و اصمعی در بصره و هوده بن خلیفه در بغداد و ابومسهر غسانی در دمشق و ابویمان در حمص و سعید بن ابی‌مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیث شنید و در طلب آن بیش از هزار مرسک پیاده راه پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل روایان حدیث بود. لذا به او شیخ المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرعه رازی و ابوررحه دمشقی بود و این دو از روایان ابوحاتم هستند. ابوداؤد و نسائی، صاحبان «سنن» به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «فقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندان، عبدالرحمن بن ابی‌حاتم است. ابن ابی‌حاتم در مقدمه کتاب «الشرح و التعلیل» شرح حال زیبایی برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبدالله بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبدالله اشعری قمی از ابوزرعه رازی و ابوزرعه دمشقی و نسائی و جماعتی دیگر از روایان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثار وی: «تفسیر القرآن»، «الجامع فی الفقه»، «الزبده»، «طبقات الکبیر».

الاعلام (۶/ ۲۵۰)، تاریخ بغداد (۲/ ۷۷-۷۳)، تهذیب (۹/ ۲۹-۲۷)، الجرح و التعلیل (مقدمه/ ۳۶۸-۳۶۹)، تاریخ ۲۰۴/ ۲، دایرةالمعارف فارسی (۱۱/ ۲۹)، رجال ابن داؤد (قسم ۲/ ۲۹۸)، رجال الطوسی (۵۱۲)، رجال النجاشی (۱۶/ ۴۰۱)، ری باستان (۳/ ۳۴۸-۳۴۹)، ریحانه (۲/ ۲۸۶)، سیرالنبلاء (۱۳/ ۲۴۷-۲۴۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۵۲)، الفهرست الطوسی (۲۷۶)، الکنی و الالقاب (۱/ ۲۲)، نشنامه (دیل / رازی، ابوحاتم رازی)، معجم‌المؤلفین (۲۵/ ۹)، الواقی بالوفیات (۲/ ۱۸۳)، هدیه‌المصابین (۲/ ۱۹)

رازی، ابوالحسن علی بن عمر بن عباس، (وف ۴۰۰ ق)، فقیه شافعی. او را پیشگام شافعیان خوانده‌اند. از ابن ابی‌حاتم و احمد بن محمد کاغدی و احمد بن خالد حرّوری و ابن سسماک روایت کرد. خلیف، از شاگردان بنام وی، درباره او گوید: از عالمی بزرگ بود و از

حجر در «لسان المیزان» سال مرگ وی را پس از ۲۶۰ ق ذکر کرده است، از آثارش: «کتاب الشیعة»؛ «کتاب المخرج»؛ «کتاب الحراج»؛ «مختصر» در فروع ری باستان (۲)، ۳۹۵، کشف الطوبی (۱۲۲۰، ۱۲۵۶)، لسان المیزان (۷/ ۱۳۷)، معجم المولودین (۱۳/ ۲۹)، هدیه المذنبین (۲/ ۴۷۷).

رازی، ابوالعباس احمد بن حسن بن بشار (وف ۴۰۹ ق)، محدث، معروف به شیخ الحرم. از محمد بن اسحاق اهوازی و ابوبکر شافعی و ابرالقاسم طرابلسی و ابن عدی و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرد. پسرش، امام عبدالرحمن، و ابوالعباس بن خطاب رازی و ابوسعود بحلی و طاهر میداسی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

ری باستان (۲/ ۲۷۸)، سیر النبلاء (۱۷/ ۲۹۹-۳۰۰).

رازی، ابو عبد الله حسین بن احمد بن محمد (وف ۳۵۳ ق)، صوفی، اصل وی از ری و مولدش نیشابور بود. از چندی در مصر به سربرد و یکی چند در عراق شاگرد ابو جعفر محمد بن عبدالله فرقانی بود.

تاریخ گریه (۶۵۵)، تاریخ نیشابور (۲۳۳)، تعلیقات اسرار التوحید (۲/ ۶۶۳)، ری باستان (۲/ ۲۹۹)، طبقات الصوفیه سنی (۳۱۹).

رازی، ابو عبدالله محمد بن مسلم بن ابوالقوارس (ز ۵۸۱ ق)، عالم شیعی وی عالمی فاضل بود از آثارش: «کتاب الأربعین»، که ابن طاووس این کتاب را در خزانة نظامیه قدیم بغداد پیدا کرد و در تألیف کتابش «الیقین» از آن سود جست و احادیثی را نقل کرد. از اسناد «کتاب الاربعین» روشن می‌شود که ابو عبدالله رازی شاگرد سید زین‌الدین راوندی و متوجه‌الدین ابوجعفر محمد رازی در ۵۸۱ ق، و ابرالقاسم علی بن احمد بغدادی و جمال‌الدین علی بن حسین طوسی و صدرالدین ابوبکر محمد نجندی در شیراز در مدرسه شیخانو راهبده و زکی‌الدین بن احمد بن محمد و نجیب‌الدین ابوالمکارم سمد رازی بوده است.

ری باستان (۲/ ۳۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۲۸۹-۲۸۸)، معجم المولودین (۱۲/ ۲۱).

رازی، ابو عبدالله محمد بن مسلم بن عثمان (ح

۱۹۰-۲۷۰ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابن واره به دنبال حدیث بسیار سفر کرد و از ابو عاصم شیب و فریابی و عبدالله بن موسی عیسی و ابومسهر دمشقی و اصمعی و ابن ابی مریم و بسیاری دیگر حدیث شنید. نظر علمای ری این بود، که همانند ابن واره و ابوحاتم و ابوررحه در حدیث، در زمان خودشان، در روی زمین وجود نداشته است. ابن واره در حفظ ضرب‌المثل بود ابن ابی حاتم گوید که ابن واره نقه‌ای مورد اعتماد بود و مورد تحبیل و تکریم ابوزرحه. گویند که ابوزرحه برای هیچ کس از جای بر نمی‌خاست و جای خویش بدو نمی‌داد، جز ابن واره. علمایی همچون نسایی و محمد بن یحیی دققی - با اینکه بر وی تقدم داشت - ابوبکر بن عاصم و ابن خراش و محاملی و حسن دارکی و ابن ابی حاتم و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی را پدر و مادر حدیث می‌گفتند. او دارای تصانیفی بوده است.

تاریخ بغداد (۳/ ۲۵۶-۲۶۰)، تهذیب التهذیب (۹/ ۳۸۸-۳۹۰)، الصرح و التبذیل (ج ۴ ق ۱/ ۷۹-۸۰)، ری باستان (۲/ ۳۸۱)، سیر النبلاء (۱۳/ ۲۸-۳۲)، معجم المولودین (۱۲/ ۲۱)، الوافی بالوفیات (۵/ ۲۷)، هدیه المذنبین (۲/ ۱۸).

رازی، ابو علی حسن بن قاسم (ز ۲۸۵ ق)، نحوی و بغوی. از ملازمان صاحب بن عباد بود. از آثار وی: «المسوط فی اللغة».

معجم المولودین (۳/ ۲۷۰)، الوافی بالوفیات (۱۳/ ۲۰۳).

رازی، ابو علی محمد بن حسن بن حمزه (س دوم ق)، عارف. وی معاصر ابوسعید مالسی بوده و گویند با فضیل عیاض دیدار داشته است.

ترجمه رساله فسیریه (۲۸)، طبقات الصوفیه هروی (۶۵۵، ۵۹۴)، فحاحات الانس (۷۱، ۷۶۸).

رازی، ابوالفتح سلیم بن ایوب بن سلیم (وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز قرن ادب را به کمال آموخت و پس از پهن سالگی به تدریس پرداخت. او دو فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لموی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی حامد اسمعیلی و احمد بن محمد بن صلت مجیر و ابوحامد فرعی روایت

حافظ و محدث. از سعید بن ابی مریم و ابوسلمه موسی بن اسماعیل و ابوتوبه و یحیی بن معین و همطریق آنها حدیث شنید و «الموطأ» را از یحیی بن عیdale بن بکیر فراگرفت. ابن ابی حاتم و ابن عدی و محمد بن فضل محمد آبادی و یوسف بن ابراهیم همدانی و حمص بن عمر اردبیلی و عده‌ای دیگر از شاگردان وی بوده‌اند. حاکم نیشابوری او را از حافظان و محدثان بزرگ می‌شمارد.

المجرح والمتمیل (ج ۱، ۲ / ۵۰)، سیرالنبلاء (۱۳/ ۱۵۴)، ۱۵۵.

رازی، ابویعقوب یوسف بن حسین بن علی. (وف ۳۰۳/۳۰۲ ق)، عارف، صوفی و محدث. از بزرگان و مشایخ روزگار خود و شیخ ری و امام جبال بود و به انواع علوم ظاهری و باطنی آراسته. گریزند طریقه ملامتیه داشته و در بیان معارف و اسرار سخت گویا بوده است؛ لذا مردم ری او را طرد کردند و کلماتی تازیانه‌وار بر او گفتند. یوسف رازی به بغداد و مصر سفر کرده و با دو تن از مشایخ مصری و ابونراب نخلبی و یحیی بن معاد رازی و قاسم جرجی و ابن ابی الجواری صحبت داشته و با چند بغدادی مکاتباتی داشته و از احمد بن حنبل و حاکم و زبایدی گرفته است. ابواحمد عثمان و ابوبکر نقاش و محمد ابن شادان و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند.

حلیة الاولیاء (۱۰۰ / ۲۳۸-۲۳۳)، ری بستان (۲/ ۲۰۵-۲۰۶)، سیرالنبلاء (۱۴/ ۲۴۸-۲۵۱)، شرح طبقات (۱۹۲-۲۰۰)، طبقات الصوفیه سلس (۵۰۹)، طبقات الصوفیه هروی (۲۶۶-۲۶۹).

رازی، ابویعلیٰ معلی بن منصور. (وف ۲۱۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنفی. در بغداد ساکن بود و در آنجا از مالک بن انس و لیث بن سعد و ابویوسف قاضی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. علی بن مدینی و ابوبکر بن ابی شیه و ابوخیثمه و حمد رمادی و عباس دوری و محمد جوهری و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. او از اصحاب ابویوسف قاضی و محمد بن حسن شیبانی، دو شاگرد ابوحنفه، به شمار می‌رفت و از فقهای اصحاب رای شمرده می‌شد. چند بار از او خواستند که عهده‌دار امور قضاوت شود، اما نپذیرفت. ابن حبان او را از محدثان مورد اعتماد می‌داند. او از کسانی بود که

می‌کرد. به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خلیف و ابومحمد کنانی و سهل بن بشر اسمرائینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کرده‌اند. گریزند: وقتی که در بغداد به نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقمی که از تحصیل علم فراخ حاصل کرد، سپس همه نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها که اگر قبلاً خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خورشیدان - وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قرم (دریای سرخ) غرق شد. از آثارش: «التفریب» در فروع، «روح المسائل»، در فروع، «غیبة القلوب»، در تفسیر قرآن، «غریب الحدیث»، «الکافی»، در فروع، «المجرد»، در فروع، «الاشارة»، در فروع.

کشف الظنون (۹۸، ۴۶۶، ۹۱۵، ۱۰۹۱، ۱۲۰۵، ۱۳۷۸، ۱۵۹۳، ۱۶۳۰)، المستعد من دیل تاریخ بغداد (۱۳۷-۱۳۸)، معجم المزیلین (۴/ ۲۴۳)، الوافی بالوفیات (۱۵/ ۲۳۴)، وفیات الاعیان (۲/ ۳۹۹-۳۹۷)، هدیة العارفين (۱/ ۲۰۹).

رازی، ابوالفضل عبدالرحمن بن حسن. (وف ۴۵۴ ق)، مقرئ. از آثارش کتاب «اللوامع»، در قرائت است. باره‌ای از تذکره نوسان وی را با عبدالرحمن بن احمد بن حسن ابوالفضل حنبلی رازی مقرئ، صاحب «جامع الرقوف»، یکی دانسته‌اند.

ری بستان (۲/ ۳۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۷)، معجم المزیلین (۵/ ۱۳۴)، هدیة العارفين (۱/ ۵۱۷).

رازی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن ابراهیم. (وف ۲۸۷ ق)، محدث و فقیه شافعی، ملقب به دود. در ری از عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی و در دمشق از احمد بن ابراهیم بن عیdale و محمد بن یوسف هروی حدیث شنید. وی در مصر سکنتی گزید. عبدالکریم بن عبدالواحد حسن آبادی و عبدالوهاب بن محمد مصری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

تاریخ الاسلام (ج ۱، ۲۸۱-۲۸۰ / ۱۲۰)، الوافی بالوفیات (۱۷/ ۴۹۶).

رازی، ابومعین حسین بن حسن. (وف ۲۷۲ ق)،

مجموعه‌هایی از شئیده‌های خود تصنیف کرد. از آثارش: «کتاب الصلاة» (النواذر)؛ «الامالی»؛ در فقه الامام (۱۸۹/۸)، تاریخ بغداد (۱۸۸/۱۲)، ری باستان (۳۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۲۳۳)، معجم المؤلفين (۱۲-۳۰۹)، هدایا معارفین (۲۶۶/۲).

رازى، احمد بن حسين بن على بن ابراهيم، (وف ۳۷۵ ق)، حافظ و محدث. معروف به ابرورعه رازى صغير وى در ايران و عراق از محدثان بسيارى بهره گرفت. چهارده ساله بود که به علم حديث علاقه‌مند شد. از اين ابى حاتم و قاصى ابو عبدالله مسابلى و على بن احمد قارسى و على بن ابراهيم قطان قزوینى و عبدالله بن محمد بخارى و ابوحسين رازى و همطه آبان رویت کرده است. ابو على واسطى و ابو القاسم تنخى و رضوان بن محمد دینورى و تمام رازى و حسين بن محمد هلاکى و ابو الفضل محمد چارودى و ابرورعه روح بن محمد و گروه بسيارى از وى حديث روايت کرده‌اند. وى در راه مکه درگذشت. او را تصنیف بسيارى است که از مياد آنها مى‌توان به تصنیف پرجمته «السنى» اشاره کرد.

تاريخ الاسلام (حوادث ۳۵۱-۳۸۰/۳۸۵-۵۶۷)، تاريخ بغداد (۱۰۹/۲)، ری باستان (۲۷۹/۱)، لسان‌المیزان (۲۳۸-۲۳۷/۱)، معجم البلدان (۱۳۷/۳)، معجم المؤلفين (۲۰۵/۱).

رازى، احمد بن محمد بن حاصم، (وف ۲۸۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف. معروف به ابن حاصم رازى. از پدرش و على بن مدینى و ابراهيم سامى و ابو یوسف رهرائى و اسحاق بن راهبیه و همطه آبان روايت کرده است. او را از اقربان ابو عیسی ترمذى دانسته‌اند. ابن ابى حاتم و على بن ابراهيم قطان و قاصى ابو احمد حسال و ابو جعفر ثقفى از وى رویت کرده‌اند. سیر النبلاء (۳۷۵/۱۳).

رازى، پدرالدین ابوالمجااهد احمد بن محمد بن مظفر، (وف ۶۳۱ ق)، عالم و اديب حنفى. از آثار وى: «مناقب القرآن»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادکار القرآن»؛ در ادعیه؛ «بلل الحیا فی فضل آل العبا»؛ «الاستدراک»؛ در حديث؛ «المقامات»؛ شامل دوازده مقامه. ایضاح المکسوت (۵۳/۱)، ۱۷۴، ۱۹۷/۲، ۳۰۵، ری باستان (۲۸۶/۲)، کشف الظنون (۱۲۸۵)، معجم

المؤلفين (۱۵۸/۲)، هدایا معارفین (۹۲/۱).

رازى، جریو بن عبد الحمید بن أبی، ابو عبدالله جریو

رازى، جمال‌الدین مرتضى ابو عبدالله محمد بن حسین بن حسن، (س پنجم ق)، عالم دینی. از آثارش کتاب «زهة الکرام و بستان العوام» است که رضى‌الدین على بن طاروس در «فرج المهموم» از وى نقل کرده است.

الدریسه (۱۲۴-۱۲۳/۲۴)، ری باستان (۳۵۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵/۱۶۳)، معجم المؤلفين (۳۲۸/۹).

رازى، حسین، (س دهم ق)، خطاط و شاعر. اهل ری بود. خط نستعلیق را خوش مى‌نوشت و شعر نیز مى‌سرود. از اوست:

به حال من نظری کن که عاشق زارم

عریب و حسته دل و ناخوان و پیمرم

حوال و آثار خوشنویسان (۱۵۳/۱)، صفحه سامى (۳۳۰)، قدیمه (۲۵۱/۹).

رازى، زین‌الدین ابو عبدالله محمد بن ابى نکر بن عبدالقادر، (وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، اديب و صوفى حنفى. اصل وى از رى است. طى سفرى از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در ۶۶۶ ق، در قریه اقامت داشت. او در تفسیر قرآن مشهور است. مؤلف «ریحانة الادب» و به تبع او دهخدا در «لغت نامه» رازى را از علمای قرن هشتم و نوجوای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وى «انموذج جلیل فی امثله و اجوبة من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الأبریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضة الفصاحة»؛ در علم بیان؛ «کنوز البراعة فی شرح المقامات الحریرة»؛ «مختار الصحاح»؛ در لغت که تلخیص «صحاح» جوهرى است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»؛ در مواضع؛ «دقائق الحقائق»؛ در تصرف.

الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکسوت (۱/۲، ۲۷۵/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۶-۲۸۷/۳)، ری باستان (۳۲۶/۲)، دیبانه (۲۸۸/۲)، ۲۰۵، کشف الظنون (۹۲، ۶۳۳، ۱۰۷۲-۱۰۷۳)، لغتنامه (دیر / ربوی، ریسن‌الدین)، معجم المؤلفين (۱۱۲/۹)،

هدیه الماریین (۱۲۷/۲)

رازی، سراج‌الدین عمر بن محمود بن ابوبکر.
(۷۱۷-۶۴۵ ق)، فقیه حنفی، از آثار وی: «جزء فی منع الاستبدال»

ری پستان (۳۲۸/۲)، معجم‌المؤلفین (۳۱۹/۷)

رازی، سهل بن زیاد - آدمی رازی

رازی، سید صفی‌الدین عرقتی - حسینی رازی

رازی، ضیاء‌الدین ابوالقاسم عمر بن حسین بن حسن، (وف ح ۵۵۹ ق)، مکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری، خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۱۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. ثمر نوشته‌هایش آنقدر ریاست که تحریری در «معامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «حایة المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد

ری پستان (۳۳۶-۳۳۷)، ریحانة (۲۹۱-۲۹۸/۲)

معجم‌المولین (۲۸۲/۷)، هدیه‌الماریین (۷۸۶/۱)

رازی، عبدالحمین بن مهدی بن حسن، (۱۲۹۴-۱۳۵۶ ق)، طیب، ادیب و شاعر در نجف متولد شد و در همان‌جا نشر و نما یافت و به تحصیل پرداخت در حله درگذشت. از آثارش: «تعلیق علی شرح ابن نمیس»، در طب؛ «ارجوزة فی النسخ»؛ «حواش علی القانون»؛ همچنین اشعار زیادی از او باقیست.

معجم‌المؤلفین (۸۶۸۸/۵)

رازی، عبدالله، فرزند حاج میرزا ابراهیم، (۱۲۷۳-۱۳۳۴ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در ایران، به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد، سپس به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله «استاحیو» که در ۱۳۰۵ ش تحت عنوان «سودمند» و در ۱۳۰۸ ش تحت عنوان «عصر پهلوی» منتشر می‌شد، پرداخت. وی سا روزنامه‌دهی «حیل‌المتین»، «ایران‌شهر» و «هره‌گستان» نیز همکاری می‌کرد. پس از مراجعت به ایران، مجله «سودمند» و

روزنامه «آزاد شرق» را برای مدت کوتاهی منتشر کرد. او به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت که بعدها آن را به صورت کتابی جامع و مفید منتشر ساخت. رازی شعر نیز می‌سرود، اشعار وی در کتابهای ادبی و مجلات آن روزگار چاپ شده است. در اوشان تهران درگذشت و در این بابویه دفن شد. از آثار وی: «تاریخ ایران از ارمنه باستانی تا سال ۱۳۱۶ ش»، «تاریخ مختصر ایران»، «تاریخ مفصل ایران»، «مجموع تاریخ ایران از جهاننداری ساسانیان تا زمان حاضر»، «آئین زردشت»، «آسون‌نامه».

برکنان و سخن‌سرایان همدان (۲۵۵-۲۵۶/۲)، تاریخ

جسرایید (۳۱۹-۳۲۰/۲، ۲۸۲۷/۳، ۲۸۲۸/۲)

سخنوران سامی محاصر (۱۶۵۷-۱۶۶۳)، فرنگی

سخن‌واند (۳۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۹۶۲-۹۶۳)

رازی، یحیی‌الدین عطاءالله - یرهان رازی هروی

رازی، عمر بن احمد بن ابوبکر، (ز ۷۰۷ ق)، فقیه شافعی، از آثارش کتاب «جامع المتاری فی اقوال الائمة الاربعة» است.

ری پستان (۳۳۶/۲)، معجم‌المؤلفین (۲۷۳/۷)

رازی، مجدالدین اسماعیل بن اسماعیل، (وف ۷۵۰ ق)، فقیه و قاضی از آثار وی: «القرائن المركبة»، در فروع فقه شافعی.

ری پستان (۲/۳۸۸)، کشف‌الظنون (۱۳۲۴/۱)

معجم‌المولین (۲/۲۶۲)

رازی، محمد بن مقاتل (وف ۲۴۲ ق)، عالم حنفی، معروف به ابن مقاتل رازی. وی از علما و فضلاء حنفی مذهب و از اصحاب محمد بن حسن شیبانی بود. از آثارش کتاب «المدعی و المدعی علیه» است.

ری پستان (۲/۳۸۱)، کشف‌الظنون (۱۴۵۷/۱)

معجم‌المؤلفین (۱۲/۲۵۰)، هدیه‌الماریین (۱۳/۲)

رازی، محمد بن موسی بن یحیی کتابی، (وف ۲۷۳ ق)، عالم و مورخ اهل ری بود. وی در کسوت تاجر از مشرق به سوی پادشاهان بنی مروان اندلس اسپانیا رفت و در پارکشت در البیره از دنیا رفت. از آثار وی: «انرايات»، در فتح اسپانیا به دست مسلمین.

الاعلام (۷/ ۳۳۸)، ذخیره المعارف: فارسی (۱/ ۱۰۵۶)،
ری پستان (۲/ ۳۸۲)، مجمع المیزان (۱۲/ ۶۲).

رازی، محمد قاسم واعظ. (۹)، نویسنده و شاعر، از
آثار وی: «طرب القلوب» یا «مختارنامه» در داستان مختار
و کینه جویی او از خاندان اموی، در یک مقدمه و دوره
مجلس.

الذریعه (۱۵/ ۱۵۹-۱۶۰)، فهرست کتبهای فارسی
(۱/ ۴۳۷، ۴۳۸).

رازی، میر حیدر، فرزند علی حسینی. (س) یازدهم
ق، «سریخ از آثار وی: «مجمع التواریخ» یا «تاریخ
حیدری» یا «زبدة التواریخ» که تاریخی عمومی از آغاز تا
روزگار نگارنده است و تألیف آن از ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۸ ق
طول کشیده است.

تاریخ ادبیات ایران (۵/ ۱۵۵۷-۱۵۵۸)،
تاریخ تذکره‌های فارسی (۲/ ۷۶۹)، فهرست کتبهای
فارسی (۱/ ۶۴۶).

رازی، میر نوراف، فرزند میر عنایت‌الله. (س) دهم ق،
شاعر از بزرگان و زاهدان ری در زمان شاه طهماسب و صفوی
و متولی بقعه شاه عبدالعظیم (ع) بود. در سرودن شعر
بهارت داشت. از اوست:

دست و قیام داشت به دست آن نگار مست
خندان زمن گذشت و مرا گریه داد دست
تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، تحفه سامی (۶۵)، ری پستان
(۲/ ۳۹۹).

رازی، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله - نجم دایه رزی.

رازی، نورالدین محمد، فرزند میرزا بیک. (ز) ۱۱۱۰
ق، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربی، جلد روغنی، دو
صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ کسایت
خمی خوش، با رقم: «... اقل عباد الله این میرزا بیک
نورالدین محمد الراری غفر لهما قرآن سی و دو سیست
که تحریر آن موفق شد فی يوم الخميس سادس عشر
رجب المرجب من شهر سنة عشر و مائة بعد الألف»
(۱۱۱۰)؛ «صحیفة سجادیة»، نیم ربی، جلد روغنی،
سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ
کتابت غنی خوش، با رقم: «حرره العبد الماصی ابن

میرزا بیک نورالدین محمد الرازی، ستاریخ سنة تسع و
ثمانین بعد الألف ۸۹۰ هـ.
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۲۲).

رازی اصفهانی. (س) دهم ق، شاعر. در زمان شاه
طهماسب صفوی به وزارت اصفهان رسید. از اوست:
نه آن بد مهر را با خویش همدم می توانم کرد
نه از دل آرزوی دیدنش کم می توانم کرد
می خواهی که مردم بشنوند آوژه حسنی
و گره آنچه مجنون کرد می توانم کرد
تذکره القبر (۳۲۲)، الذریعه (۹/ ۳۴۶)، صبح گلشن
(۱۶۹)، لست نامه (دین / رازی اصفهانی).

رازی اصفهانی، ابویحیی عبد الرحمن - ابن مسلم
رازی اصفهانی.

رازی اصفهانی، شیخ محمد باقر، فرزند محمد تقی.
(۱۲۳۵-۱۳۰۱ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به حاج
شیخ محمد باقر جمعی مسجد شاه. پدرش صاحب
«هدایة المسترشدين» و جلد مآدری اش، شیخ جعفر
کاشف الغطاء است. در اصفهان به دنیا آمد. در کودکی
پدر را از دست داد و به کوشش مادرش به درجات عالی
رسید. وی پس از بهره گیری از محضر شاگردان برگزیده
پدرش، به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ محمد
حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری
و دایم خویش، شیخ حسن کاشف الغطاء، درآمد. پس از
طی مدارج علمی به ایران بازگشت و عهده دار امور دینی
و تدریس در مسجد شاه گشت. در اواخر عمر ریاست
شرعیات اصفهان به او اختصاص یافت. در پایان عمر
مجدداً به نجف رفت. در آنجا بیمار شد و از دنیا رفت و
در مقبره جدش، کاشف الغطاء دفن شد. فرزند وی آقا
نجفی اصفهانی است. از آثار وی: شرح رسالة «حجیه
الطنی»؛ «آل الاصول»؛ «آل الفقه».

تذکره القبر (۱۶۰)، الذریعه (۱۸/ ۲۸۲، ۲۸۷)،
رویات الجنات (۲/ ۱۲۳)، ریحانه (۳/ ۲۰۳)، طبقات
اعلام الشیعه (قرن ۱۶/ ۱۹۸-۱۹۹)، المآثر والأثار
(۱۶۲)، مجمع رجال نجف (۱/ ۱۳۱-۱۳۲)،
حدیقه الاحباب (۱۸۵).

رازی اصفهانی، محمد تقی بن عبد الرحیم / محمد

درگذشت و در صحن صغیر در بقعة سید مهدی طباطبائی دفن شد. سال وفات وی را ۱۲۵۲ ق سیز نوشته‌اند. از آثار وی: «الفصول الشریعة فی الأصول الفقهیة»، معروف به «فصول»، در اصول فقه که حاکی از نقطه نظرات تحقیقی و فکر عمیق او می‌باشد؛ رساله‌ای در صهارت و نماز و روزه‌داری؛ «رسالة عملیة»، به فارسی.

الاصلاح (۳۲۷/۶)، ابصاح المکتون (۳۱۹/۲)، تذکرةالموت (۲۱۲)، الدررمة (۲۲۱-۲۲۲)، روضات الجنات (۱۲۳-۱۲۲/۲)، ریحانة (۳۸۰/۲)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/۱۳)، فرائد الرضویة (۵۰۱)، مجمع‌المؤلفین (۲/۱۶)، ۹/۲۲۲، (۲۵۶)، مکتوبات (۵/۱۴۸۴-۱۴۸۵)، هدیة الاحباب (۱۷۷)، مدیة الساریین (۲/۳۲۱).

رازی یسادی، عمر بن محمد بن عبدالله (وف ۷۲۸ ق)، عالم شافعی، وی نویسنده‌ای فاضل و شافعی مذهب بود. از آثارش: «مسامرة التذمان و مؤانسة الاخوان فی الاحبار و الاشعار».

ابصاح المکتون (۲/۳۷۳)، ری بستان (۲/۳۳۸)، مجمع‌المؤلفین (۷/۲۱۲)، هدیة العارفین (۱/۷۸۹).

رازی تهرانی، حاج میرزا خلیل - تهرانی نحوی.

رازی تهرانی، عزالدین / جمال‌الدین یوسف بن محمود بن محمد، (ز ۷۷۳ ق)، فقه حنفی، از آثارش «کشف الرائق» در مختصر، شرح کنز اندقائق فی فروع الفقه الحنفی، زمینی، که به سال ۷۷۳ ق در قاهره تألیف آن را به پایان رسانید.

ری بستان (۲/۴۰۶)، کشف القنون (۱۵۱۶)، مجمع‌المؤلفین (۱۳/۳۳۵-۳۳۴)، هدیة العارفین (۲/۵۵۸).

رازی دمشقی، ابوالقاسم تمام بن محمد بن عبدالله بعلجی، (۳۳۱-۴۱۴ ق)، حافظ و محدث. معروف به محدث شام. پدرش از محدثان شام بود، که از وی به شام رفت و در آنجا ساکن شد، لذا تمام از محدثان شام بهره گرفت. وی از پدرش و شیخه بن سلیمان و حسن حصائری و محمد بن حمید حورانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. او در حدیث و رجال، عالمی برجسته به

رحیم، (وف ۱۲۲۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس، اصلاً تهرانی و ایوان کفی بود، به همراه پدر به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین از سید محسن اصرحی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهانی استفاده برد. در نجف نزد سید مهدی بحر العلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه و هابیه به ایوان بازگشت و در اصفهان سکنی گزید و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصد عالم و فاضل برار اجتماع کردند که از جمله آنها، سید محمد باقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصفهان درگذشت و حاج سید محمد باقر حجة الاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فودر نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشیة المعالم» به نام «هدایة المسترشدين»، در شرح اصول «معالم‌الدین»؛ شرح «طهارة الوهی» یا «تقریرات» استادش بحر العلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیة المظنة»؛ «شرح الاسماء الحسنی».

لاعلام (۶/۲۸۷)، اعیان الشیعة (۹/۱۹۸)، ابصاح المکتون (۲/۷۲۳)، تذکرةالموت (۱۲/۲۱۵-۲۱۴)، الدررمة (۶/۲۰۵)، ۱۲/۳۶۶، ۱۴/۱۵۵، ۱۶/۲۸۲-۲۸۱، ۲۵/۱۹۵)، روضات الجنات (۲/۱۱۹-۱۲۳)، ریحانة (۲/۴۰۳-۴۰۴)، طبقات اسلام الشیعة (قرن ۱۳/۲۱۷-۲۱۵)، فوائد الرضویة (۲۳۲-۲۳۵)، معجم رجال نجف (۱/۱۵۷-۱۵۶)، مجمع‌المؤلفین (۹/۱۳۱-۱۳۰)، هدیة الاحباب (۱۸۵)، هدیة العارفین (۲/۲۶۲).

رازی اصفهانی، محمد حسین بن عبدالرحیم / محمد رحیم، (وف ح ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و عالم امامی، اصلاً تهرانی بود. در ایوان کفی متولد شد و همان‌جا نشو و نما یافت. برادر شیخ محمدتقی رازی صفهانی، صاحب «هدایة المسترشدين» است. از برادرش و همچنین شیخ عمی بن جعفر، کسب علم کرد و در کربلا اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و جماعتی از علما در محضرش تلمذ کردند. از شاگردان وی می‌توان حاج میرزا حبیبی و میرزا زین‌العابدین طباطبائی را نام برد. او آشکارا و شدیداً از عقاید فرقه شیخیه اظهار تبری می‌کرد. در کربلا

حساب می آمد و در حدیث شامیان دستی قوی داشت. استادش، عبدالوهاب کلابی، و ابوحسین سیداسی و ابوعلی اهورای و احمد عتیقی و عبدالعزیز کتبی و عده ای دیگر از وی روایت کرده اند. از آثار وی «قبو اشد تمام الزاری»، در می جزء، در حدیث

الإعلام (۲/ ۷۱)، دی باستان (۲/ ۲۹۲-۲۹۳)، سیر النبلاء (۱۷/ ۲۸۹-۲۹۲)، کشف الظنون (۱۲۹۶)، الوافی بالوفیات (۱۰/ ۲۹۷)، هدیة المارین (۱/ ۲۲۵)

دزی رومی، عبداللطیف بن عبدالله (وف ۱۱۴۶ ق)، عالم، محدث و فاضل حنفی، مدتی منصب قضاوت در شهر استانبول را بر عهده داشت. از آثارش «الدر المکنون فی فک المشعرون»، در نواحر و حکایات ترکی؛ «اصل الخبر من کلام سید البشر»، در حدیث یضاح المکنون (۱/ ۹۱، ۲۲۸)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۲)، هدیة المارین (۱/ ۶۱۸).

دزی سبزواری، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر طاهراً از سرورار بوده است. از اوست

و آتش عشق نه تنها جگرم می سوزد
بس که بگریستهم چشمم ترم می سوزد
نحمة سانی (۲۹۹)، تذکره روز و روش (۲۸۱)، الذریعة (۹/ ۲۲۶).

دزی شعرانی، ابومحمد عبدالله بن محمد، (وف ۳۵۳ ق) عارف، اصل وی از ری بود و در نیشابور نشو و نما یافت. رازی یا جنید و محمد بن فضل و سمعون و ویم و ابوعلی جوزجانی و محمد حامد صحبت داشت و از یاران ابوعثمان حیری به شمار می رفت. وی در مر ریاضت محنت کوش بوده و حدیث روایت می کرده است.

ترجمة رسالة قشیری (۷۹)، دی باستان (۲/ ۳۲۳)، طبقات الصوفیه سنی (۴۵۱-۴۵۳)، طبقات الصوفیه هروی (۹/ ۵)، تصانف الانس (۲۳۳-۲۳۴)

دزی شوشتری، (وف ۹۳۸ ق)، شاعر، متخلص به داری، نخست در شوشتر می زیست، سپس به شیراز و آنجا به آذربایجان رفت و مدتی هم در عراق به سر برد در شیراز و به قولی در اصفهان وفات یافت، در سرودن غزل مهارت داشت. از اوست:

سوختم از هم و هیجت نظری با مانیست
آ از این درد که مودیم و تو را پروا نیست
رزی امروز غنیمت شمر و ناده شوش
کاین چنین عیش که امروز بود فردا نیست

تاریخ نظم و نشر (۴۶۷)، تحفه سانی (۲۳۲-۲۳۳)، دانشمندان و سخن سران فارس (۲/ ۵۶۵)، الذریعة (۹/ ۳۴۶)، مرثیة شهنشاه (۲۶۱)، لغتنامه (دب/ داری شوشتری)، مرآت الفصاحه (۲۲۶-۲۲۷)، هفت انلیج (۱/ ۲۶۲-۲۶۳).

داری صنعایی، ابوالعباس احمد بن عبد الله، (وف بعد از ۴۶۰ ق)، مورخ از آثار وی «در السحابه فی مواضع وفات الصحابة»، تاریخ بنی.

ایضاح المکنون (۱/ ۴۵۸)، کشف الظنون (۱۰/ ۳۱۰-۳۱۱)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۹۲)

داری کردری، احمد بن مظفر، (وف ۶۲۲ ق)، فقیه حنفی ملقب به شمس الانام، از آثارش: «کتاب فی مشکلات مختصر القادوسی»، در فروع فقه حنفی، کشف الظنون (۱۶۳۲، ۱۷۹۰)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۸)

دازی کوفی، ابوعلی عبدالرحیم بن سلیمان، (وف ۱۸۷ ق)، حافظ و محدث شعی، او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده اند. از حاصم احوال و سیمان اعیان و اسماعیل بن ابی خالد و عده ای دیگر حدیث روایت کرد. ابراهیم بن موسی رازی، ابونکر بن ابی شیب، ابونکریب، هناد، ابوسعید اشج و بسیاری دیگر از او روایت کرده اند. اس معیر و ابودارود او را ثقة و مورد اعتماد دانسته اند. صاحبان «صحاح شکیته» از وی روایت کرده اند. ابوحاتم او را صاحب تصنیف معرفی کرده است. در بعضی منابع ابوعلی مروزی معرفی شده است.

تهذیب التهذیب (۶/ ۲۷۰-۲۷۱)، البحر و لتعدیل (ج ۲ ق ۲/ ۳۳۹)، ریحال الطوسی (۲۳۲)، دی باستان (۲/ ۱۳۲)، سیر النبلاء (۸/ ۳۵۸-۳۵۷)، معجم رجال الحديث (۱۰/ ۹)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۰۵)، الوافی بالوفیات (۱۸/ ۳۲۷).

داری نهوندی، ابواسحاق ابراهیم بن نصر بن عبدالعزیز، (وف ح ۲۸۰ ق)، حافظ و محدث، معروف به

اوست.

شوق تو ز تن برون نخواهد رفتن
تا جان ز بدن برون نخواهد رفتن
گهی که برون کن از دلت مهر مرا
ین از دل من برون نخواهد رفتن
آتشکده آذر (۱/ ۱۵)، تحفه ساهر (۵۰)، دانشمندان
آذربایجان (۱۵۶)، الدرر، ۹/ ۳۶۷، سخنوران
آذربایجان (۳۶۴-۳۶۵)، صبح گلشن (۱۶۹)، مرهنگ
سخنوران (۲۶۲)، مجمع المحاسن (۲۳).

راشد ترقی، شیخ حسینعلی، نرزنه شیخ عباس
تسری غفراسانی. (۱۲۸۴-۱۳۵۹ ش)، هانم، دهب،
مدرسه خطیب و شاعر. در تربیت حلیه از توابع
خراسان به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در محضر پدر
فاضلش فراگرفت. سپس به مشهد رفت و معانی و بیان را
در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطوح فقه
و اصول را در محضر سید میرزا محمدباقر رشوی
مدرس و شیخ آقا بزرگ شاهرودی و سید جعفر
شهرستانی و شیخ حسن برسی و شیخ محمد نهاوندی
فراگرفت. او «الاسفار» و «شرح الامارات» را نزد شیخ
آقا بزرگ شهیدی خواند و در بحث خارج میرزا محمد
اصفهانی و شیخ موسی خواصاری شرکت نمود. در
۱۳۵۰ ق به نجف رفت و از محضر شیخ محمد حسین
نابینی و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. او بعد از
مدت کوتاهی بر اثر بیماری مجبور به بازگشت به ایران
شد. در ۱۳۵۲ ق در امتحان خطابت قبول شد. در ۱۳۵۶
ق به تهران آمد و به تدریس در دانشکده الهیات، خطابت
و نشر مقالات خود پرداخت. او از ۱۳۶۰ ق به رادیو
دعوت شد و به سخنرانی در رادیو پرداخت که مجموعه
این گفتارها با عنوان «سخنرانیهای راشد در رادیو تهران»
به چاپ رسید. از دیگر آثار وی: «دو فیلسوف شرق و
غرب».

الدرر، ۸/ ۲۷۹، رسدگانه و عذبات حلس و
فرهنگی استاد مرحوم شیخ حسینعلی راشد شرح حال
رجال سیاسی و فکری (۲/ ۷۰۹-۷۱)، صد سال شعر
خراسان (۲۲۲-۲۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۵۷۳-۵۷۲).

راشدی، (س پنجم ق)، شاعر. در غزلیں می زیست و

محدث تهاوند. از محدثان بنام روزگار خرد بود. به
همدان رفت و در آنجا به روایت حدیث پرداخت. مدتی
بیر در بصره ساکن بود. او از ابونعیم و عمرو بن مروق و
عبدالله بن رجاء و حجاج بن سہال و بسیاری دیگر
حدیث روایت کرده است. احمد بن محمد بن اوس و
عبدالرحمن بن حمدان و ابوالحسن قطان و علی بن
مهریه از وی روایت کرده اند. از آثارش «مسنده» پیش از
سی جره، در حدیث، در «کشف الظنون» و به دیال آن در
«هدیه العارین» و «ری باستان» میان سرگ وی ۲۸۵ ق
ذکر شده است.

ری باستان (۲/ ۲۷۲)، سیر السبله (۱۳/ ۳۵۵-۳۵۶)،
کشف الظنون (۱۶۸۵)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۲۲)،
هدیه العارین (۱/ ۷).

رازی نیشابوری، ابوبکر احمد بن علی بن حسین بن
شهریار. (۲۶۱-۳۱۵ ق)، حافظ و محدث. پدرش از
محدثان ری بود که به نیشابور مهاجرت کرد و ابوبکر در
آنجا به دنیا آمد. به دنبال حدیث سفرها کرده و از
ابوحاتم رازی و ابن خزمه و ابوقلابه و قاضی و شعبان
دارمی حدیث نقل کرد. ابوعبدالله محمد شیبانی
ابوعلی نیشابوری و ابوالحسن حاکم نیشابوری از وی
روایت کرده اند. ابن عقیله نیز از روایان اوست. در طبرستان
یکی از تراجم خراسان از دنیا رفت. به گفته ذهبی او
تصانیفی داشته است.

سیرالنیل (۱۵/ ۲۲۵-۲۴۶)، معجم المؤلفین (۲/ ۶۵).

راستگوی شیرازی، منصور بن سلا عبدالله
قارمی. (س دهم ق)، عالم و فقیه امامی در شیراز. قامت
داشت. با عیث الدین منصور بن امیر صدرالدین معاصر
بود. وی همطریق شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) است. شیخ
تاج الدین حسین بن شمس الدین عسکری از شاگردان او
بود. از آثار وی: حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» ابن
حاجه، سید شریف جرجانی؛ شرح «تهذیب الاصول»
علامه حلی به نام «الفصول» یا «القواعد المصنوعه».

الدرر، ۲/ ۵۱۲، ۶/ ۱۲۹-۱۲۸، ۱۶/ ۲۲۳، ۲۶۰،
ریحانه (۲/ ۲۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/ ۱۵۷).

راستی تبریزی، امیر احمد. (س دهم ق)، شاعر از
سادات تبریز بود که در خراسان نشو و نما یافت. از

رضایت نام دارد که به سنگ «بوستان» معمدی است.
سخنوران سانی معاصر (۳/ ۱۳۶۴-۱۳۶۹)، فرهنگ
سخنوران (۳۶۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۵۱).

راغب اودینی، سید یوسف، (۹)، شاعر از اوست:
ای دی قرار گیر، نه وقت طپیدن است
ای دیده خون میار که هنگام دیدن است
می در قدح کنید حریفان و گل به جیب
رسم عزای ما نه گریبان دریدن است
آتشکده لذر (۱/ ۱۰۲)، تذکره روز روشن (۲۸۲)، تذکره
شیرای آذربایجان (۱/ ۵۹)، دانشمندان آذربایجان
(۱۵۷)، الذریعه (۹/ ۳۴۸)، ریحانه (۲/ ۲۹۱)،
سخنوران آذربایجان (۴۰)، استقامه (دیل / واقع
بودی).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (وف
ح ۵۰۲ق)، مفسر، محدث، متکلم، حکیم، بقیه شافعی،
ادیب، لغوی و شاعر اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی
را همتا و قرین امام محمد عرالی می دانند. به گفته کاتب
چسبی، عرالی کتاب «الذریعه» را با از خود جلد نمی کرد و
آن را به خاطر تقاضایش می ستود. بعضی از علما به استناد
بسته که «عراز اهل بیت (ع) بسیار روایت کرده و از
میرالمؤمنین عرالی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت
امیرالمؤمنین (ع) تعبیر می کنند، او را شیعه خوانده اند،
ولی فخر رازی در «تأسیس التقدیس» او را از ائمه اهل
سنت می شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از
«تاریخ خیابان البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ق ذکر کرده
است. از آثار وی، «تحقیق البیان فی تأویل القرآن»؛
«تفسیر القرآن» معروف به «جامع التفسیر» یا «جامع
التفسیر» که بیضای تفسیر خویش را بر آن اخذ کرده؛
«الذریعه الی مکارم الشریعه» در علوم اخلاق و پندهای
بیگو؛ «المعربات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ
انقرآن»؛ «امانین البلاعه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رسالة فی
فوائد القرآن»؛ «المعانی»؛ «الاکبر»؛ «الاسمان و الکبر»؛
«تفهیل الثنائین و تفهیل المسادین» در معرفت نفس؛
«درة التأویل فی متشابه التخیل»؛ «محاضرات الادباء» و
محاورات الشعراء و ابلقاء» در نوادر چگم و حکایات
که محمد صالح قزوینی آن را با عنوان «التوادیر» به فارسی
ترجمه کرده است.

لا علاج (۲/ ۲۷۹)، اعیان الشیعه (۶/ ۱۶۲-۱۶۰)،

از شاعران دیار ملطیان ابراهیم بن مسعود بن محمود
عزیزی و از معاصران مسعود سعد سلمان بود و با او
مشاعره داشت. او شغل نقاشی مستطاب غزنوی را
عهد دار بود.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۸۵-۲۸۶)، تاریخ نظم و نثر
(۲۳)، دیوان مسعود سعد (۷- تلمذ/بسط)، سرآمدان
برهنگ (۱/ ۳۷۰).

راضی اودستانی اصفهانی، ژساقا، (ز ۱۱۱۲ و)،
نقاش و شاعر، متخلص به انور و راضی، او علاوه بر
شاعری، در نقاشی نیز ماهر و به زمانه نقاش معروف
بود. آقا بزرگ تهرانی گویند: مؤلف «قاموس» ترکی برای
وی «دیوان» شعر و یک «مثنوی» ذکر کرده که گمان
می کنم او را با راضی هندی یکی دانسته است. او اوست.
گر وحشیانه از روش خلیق می رسم
هدوم پسی به جفاست که آدم ندیده ام
آتشکده آذر (۳/ ۹۲۲)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۲-
۲۱۳)، تذکره مصراپادی (۲۹۶-۲۹۷)، الذریعه (۹/
۲۳۲)، ریحانه (۲/ ۲۹۱)، صبح گلشن (۱۷۰).

راضی تبریزی، محمد رضا زرگر، (من یازدهم ق)،
شاعر، متخلص به راضی. از تبریزیان ساکن عیاش آباد
اصفهان بود که به شغل زرگری و میناکاری اشتغال
داشت. وی سفری به هند رفت و در آنجا مورد توجه
اعیان آل دیار قرار گرفت. در «صبح گلشن» تحت عنوان
زاری تبریزی آمده است. او اوست.

جان گر از سینه نائید پروں می آید
کسی خیال توام از یاد پروں می آید
تذکره مصراپادی (۳۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۶)،
الذریعه (۹/ ۳۴۴)، سخنوران آذربایجان (۳۶۶-۳۶۷)،
صبح گلشن (۱۶۹)، گزوان هند (۱/ ۲۲۹-۲۳۰).

راضی تهرانی، ابوالقاسم رضایت، فرزند میرزا آقا،
(۱۲۸۳/ ۱۲۹۶-۱۳۴۵ ش)، شاعر، متخلص به راضی و
دستور. در سیستان و به قزلی در تهران متولد شد و
تحصیلات مقدماتی را در تهران فراگرفت، سپس به
تحصیل علوم ادبی در تهران و بیرجند پرداخت و پس از
اخذ لیسانس به خدمات دولتی مشغول شد. او در شعر
بیشتر به جنبه های اجتماعی و اخلاقی و انتقادی
می پرداخت اثر چاپ شده از او منظومه «دمستور

راغب شیرازی، میرزا غلامحسین، (وف ۱۳۰۳ ق)،
شاعر، متخصص به راغب. در شیراز متولد شد، در جوانی
پیشه تجارت داشت، سپس به استخدام دولت درآمد و به
امر «نشاء» و تحریر احکام پرداخت. وی با صاحب «الذکر»
مرآت الفصاحه آشنایی داشت. در چهارم وفات یافت. از
اوست:

گفتم احوال دل را برت عرضه کنم
تا مرا در غم هجران نگذارد کرم
بی خبر بودم از آن کز سر مغروری حسن
شرح درماندگی حال کند محتشم
آثار عجم (۵۵۷)، دانشمندان و سخن سراپا فارس (۲)
۵۶۷-۵۶۶، الذریعه (۳۴۸/۹)، ریحانه (۲/۲۹۳)،
ست سامه (ذیل/ راغب شیرازی)، مرآت الفصاحه
(۲۲۸-۲۲۷)

راغب قمی، حکیم عیدالله بن حکیم اسماعیل، (ز
۱۱۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، خطاط و شاعر، متخلص به
وحدت و راغب. اصل وی از کاشان بود. چون در قم
سی زیست به قبی مشهور بود. وی معاصر با شاه سلیمان
صفوی بود و در سرودن شعر توانا. حکیم عیدالله خط را
بیز بیکو می نوشت. اشعاری از او نقل شده است.

سحران و آثار خوشنویسان (۲/۳۵۹-۳۵۸)، تذکره
تبرآبادی (۳۶۵-۳۶۴)، الذریعه (۴۷۸/۹)، ۳۴۹-۳۴۸،
۵۹۷-۵۹۶، ریحانه (۲/۲۹۳-۲۹۲)، فرهنگ
سخنوران (۹۷۷)، لغت نامه (ذیل/ راغب قمی).

راغب مالگیری یزدی، محمد سعید، فرزند استاد
رضای حلای (۴)، شاعر، در اوایل جوانی به هند سفر
کرد. بعد از مدتی اقامت در دکن به گلکنده رفت و در
حیدرآباد اقامت گزید و همانجا درگذشت. از اوست:

روژه شد تیره بی رخسار او، قاصد بگو
از شب هجران و از اندیشه فردا چه گفت
تذکره سخنوران یزد (۱۳۳-۱۳۶)، جامع مفیدی (۳)
۴۶۶-۴۶۵، الذریعه (۳۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران
(۲۶۳)، کدوان هند (۱/ ۲۳۰)، لغت نامه (ذیل/ راغب
یزدی)

راغب هندی، میر مبارک الله خان، راغب بلخی.

راغب یزدی، محمد سعید، راغب مالگیری یزدی.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۶۶)، تاریخ گزیده (۶۹۳)،
الذریعه (۵/ ۲۶-۲۵، ۲۸/ ۱۰، ۲۸/ ۲۰، ۱۲۸/ ۲۱، ۳۶۲/ ۲)،
روضات الجنات (۳/ ۱۸۶-۱۸۵)، ریاض النماء (۲/ ۲)،
۱۷۲، ۱۰۱/ ۷، ریحانه (۲/ ۲۹۲-۲۹۳)، سرآمدان
مرحنگ (۱/ ۳۷۰-۳۷۱)، سیرالنبلاء (۱۸/ ۱۲۰-۱۲۱)،
طبقات اسلام الشیخه (قرون ۶/ ۸۲-۸۱)، فرهنگ
سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۳۶/ ۱۳۱، ۳۷۷،
۲۴۷، ۴۶۲، ۷۳۹، ۸۲۷، ۸۸۱، ۱۶۰۹، ۷۲۹،
۱۷۷۳)، الکلی و الاغلاب (۲/ ۲۶۶-۲۶۹)، معاین کتب
چسبیده (۲/ ۸۶۲)، مجمع المؤلفین (۲/ ۵۹)،
هدیه الاحیاء (۲۰-۱۳۹)، هدیه العارفین (۱/ ۳۱۱).

راغب بلخی، میر مبارک الله خان، فرزند سید عاصم
خان، (تو ۱۲۰۳ ق)، شاعر. در مدراس متولد شد. نیاکان
وی از قصبه امام از نواحی بلخ بودند که ابتدا در دکن و
سپس در مدراس اقامت کردند. از آثار وی: «دیوان»
شعرا دو عشری به نامهای «ساقی نامه» و «مراقنامه».

الذریعه (۹/ ۳۲۹)، ریحانه (۲/ ۲۹۲)، صبح گش
(۱۷۰-۱۷۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، لغت نامه (ذیل
/ راغب هندی)، نتایج الافکار (۲۸۹-۲۹۷).

راغب تبریزی، کتب حسین بیگ. (س دوازدهم ق)،
شاعر. از اوست:

به جنگ کوش که دستانم بر سر من
هرار بار من از مومنه ای به پیغام است
آتشکده آفر (۱/ ۱۱۵)، تذکره روز روشن (۲۸۲)،
دانشمندان آذربایجان (۱۱۵۷)، الذریعه (۹/ ۳۴۸)،
سخنوران آذربایجان (۳۶۷)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳).

راغب تبریزی، مولانا کلب هلی، (وف ۱۰۰۲ ق)،
شاعر، متخصص به راغب. از دانشمندان نامی تبریز بود که
به ترکی و فارسی شعر می سرود. بعد از قتل عام تبریز به
وسیله عثمانیان به نزد حاکم احمدخان در گیلان رفت و
چون انتظاری که از او داشت برآورد، نشد، فسیده ای در
هجو او گفت که مطلع آن این بیت است
گیلکان سمعت گیلان به شما ارزانی
دولت دوری از این ملک به ما ارزانی
راغب در عتبات درگذشت.

تاریخ نظم و شعر (۵۱۹-۵۲۰)، دانشمندان ادب بهان
(۱۵۷)، الذریعه (۹/ ۴۲۸)

رافع پروچردی، فتح‌مینی. (سیردهم ق)، شاعر. اصل وی از پروچرد و شغش نانوائی بود. از اوست: همچون جرس مدام به دنبال محملت ما را تمام عمر به آه و همان گذشت

سبیه‌المحمود (۲/ ۲۷۱-۲۷۰)، فرهنگ سخنوری (۳۶۲)، مسقطی حرات (۷۲، ۷۱)، نگارسان دار (۱۹۲).

رافعی قزوینی، امام‌الدین ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوالفضل محمد بن عبدالکریم. (۵۵۷/۵۵۵) ح ۶۲۳ ق)، عالم، شاعر، محدث و فقیه شافعی. وی از شاگردان پدرش و شیخ منتجب‌الدین قمی بود. در جامع قزوین حوزه تفسیر و حدیث داشت. او از حامد بن محمود خطیب راوی و ابوالحیر علقانی و ابوالکریم همدانی و علی بن عید الله رازی و ابوسلیمان حسنی و عبدالعزیز خلیلی روایت کرده است. حافظ عبدالعظیم از وی روایت کرده و ابوالثنا محمود طاروسی از وی اجازه روایت گرفته است. ابن صلاح گوید که در بلاد عجم دوفتونی یگانه بود و او را از علمای همدین شمرده‌اند. رافعی قریحه شعری نیز داشت و اشعاری از او بر جای مانده است. قزوین درگذشت و در همان‌جا دفن شد. صاحب دیوان فارسی وی را تحت عنوان رافعی پیشموری و پیکر وی، ابوسعید را تحت عنوان رافعی قزوینی آورده و سال مرگش را ۶۲۳ ق ذکر کرده است. از آثار وی: شرحی وسیع بر کتاب «الرحیز» غزالی، به نام «الفتح العزیز» در مروج، در ۱۶ مجلد، و جزئی از آن به نام «الذنب»، که فوائدی بر «الرحیز» است؛ «المحرر»، در شروع عقه شافعی؛ «شرح مسند شافعی»، در دو جلد؛ «التدوین فی ذکر اخبار قزوین»؛ «فی ترجمة علماء قزوین»؛ «الامالی الشرحه علی مفردات الفحقة».

تنگه آذر (۳/ ۱۱۶۷-۱۱۶۹)، الاعلام (۲/ ۱۷۹)، تاریخ هیات در ایران (۳/ ۲۲۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۲۳۴)، القریبه (۹/ ۲۵۰)، روضات الجنات (۲/ ۵)، ریاض المدین (۷۸، ۱۹۵)، ریحانه (۲/ ۲۹۵)، سیرالنبله (۲۲/ ۲۵۵-۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵-۲۶۲)، کتب الطوبی (۱۶۲، ۲۰۵، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۹۴، ۹۳۰، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۶۸۳، ۲۰۰۲)، النکی و الاقباب (۲/ ۲۶۹)، لغت نامه (دبیل / عبدالکریم)، مجمع المصباح (۲/ ۶۵۴)، معجم‌المؤنن (۶/ ۳)، مسرور (۲/ ۱۸۲-۱۸۳)، هدیه‌الاحباب (۱۴۰).

مدینه‌الرافعین (۱/ ۶۰۹-۶۱)

رافع سمرقندی، میر شرف‌الدین شریف، فرزند نورالدین اندجانی. (ز ۱۱۱۳ ق)، سوره. از آثار وی: «تاریخ رافعی» یا «تاریخ سید رافعی»، که تاریخ کوتاهی است دربارهٔ ترکستان، از عهد تیمور (۷۶۳ ق) تا پادشاهی عبدالعزیز (۱۰۵۴ ق) و حاوی وقایع مشهور تاریخی و مخصوصاً وفيات مناهیر خراسان و ماوراءالنهر است. این کتاب را «تاریخ نامه رافعی» و «تاریخ کثیر» نیز خوانده‌اند.

تاریخ تذکره‌های مدرسی (۲/ ۵۳۰-۵۳۱)، مهرشهره کتبهای فارسی (۲/ ۸۶۵-۸۶۴)، یادداشت‌های قزوینی (۲/ ۱۶)

رافع کرمانی، میرزا امین. (سیردهم ق)، شاعر. از مسئلهٔ منشیان کرمان بود که در اوغر زندگانی به یزد رفت و به تحریر احکام حکام یزد مشغول شد و در همان شهر وفات یافت. وی با وانش یزدی محاصر بود. از

چشم نرگس که فتنه‌نگیز است
فتنه از سرگی تو و م گرفت
راهد شهر چشم مست تو دید
مسحه از دست داد و جام گرفت

صدیق‌النسراء (۱/ ۶۵۲-۶۵۳)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵)

رافع مشهدی، علی، فرزند محمد حسن. (سیردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رافعی. ملقب به امین‌النسراء. در صحن جدید رضوی مکتب خانه داشت و به تدریس مشغول بود. وی خط خوشی داشت و کتبه‌هایی به خط او در دو صحن رضوی موجود است. رقم زبان فوائده می‌دانست و بیشتر اشعارش به گویش مشهدی است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

الدویه (۹/ ۳۵۱)، عهد سال شعر خراسان (۲۴۹-۲۵۰)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵).

رافع مشهدی، میرزا عبدالدین / عبدالدین محمد، فرزند خواجه غیاث‌الدین. (وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به رافعی. از شاعران و رجال معروف بود. پدرش حوجه عیان از بزرگان خراسان بود که به هندوستان

مشغول تدریس در رشته ادبیات و تاریخ و جغرافیا در دبیرستانهای تهران بود. او در وزارت فرهنگ علاوه بر تدریس مشاغل مختلفی را عهده دار بود. از آثار وی: «چرا تبه کار شدم؟» «خطرات مریم» «سایه های سیاه یا دادگاه استان» «فرمان آتش س در گوهستان باختر» «مرد باد عشق».

مؤلفین کتب چاپی (۷/ ۷۳۹-۷۴۱).

رامش پورنجانی کازرونی، سید رضا، (وف ۱۲۵۰ ق)، شاعر، اصلش از پورنجان کازرون بود. در شیراز وطن اختیار کرد. او در قصیده سرایی مهارت داشت. از اوست:

مرد سخن مستح را رمانه به کین است
هر که چنان است ناگزیر چنین است
تیر حوادث سپهر را به کمان است
در گنجر جان من همین به کمین است

حدیقه الشعراء (۱/ ۶۵۳-۶۵۴)، الذریعه (۹/ ۳۵۱-۳۵۲).

۲۵۲، فارسنامه تاصری (۲/ ۱۲۴۶)، فرهنگ سخنوران

(۳۶۶)، مجمع الفصحا (۴/ ۳۱۹-۳۲۰)، مرآت الفصاحه

(۲۲۹-۲۳۰)، مکارم الآثار (۲/ ۱۲۶۳-۱۲۶۴).

رامشگر، یاقر خان - یاقر خان رامشگر.

رافشی نسیشابوری، ابونصر محمد بن احمد. (۴۸۹-۴۹۰ ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث. ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قرأت و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قرأت و علم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربی حظی وافر یافت. وی در نیشابور املائی حدیث می کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده اند. شعر را فیکو می سرود، نمونه ای از اشعار وی در «معجم الادباء» آمده است. از اوست:

و اذا لقیت صعبه فی حاجة
فاحمل صعوبتها عبی الدیثار
و ایسفه فی ما تشتهیه فانه
حجر یلین مسائر الاحجار

ریحانه (۲/ ۲۹۶-۲۹۷)، معجم الادباء (۱۹/ ۳۵)،

الوفی بالزعمات (۱/ ۲۴-۲۵).

رامهرمزی، ابومحمد حسن بن عبدالرحمن بن

سفر می کرد و میرزا سعدالدین به عهد پادشاهی شاهجهان به همراه پدر بدان دیار رفت و در ملازمت اسلام خان مشهدی شاهجهانی معزز و محترم به سر می برد، پس از چندی به ایران برگشت و به فرمان شاه سلیمان صفوی وارد خدمت دولتی شد و نخست وزارت هرات و سپس وزارت کل خراسان به او تفویض شد. گروهی از شاعران مانند احسان مشهدی، شوکت بخاری در کتب حمایت وی به سر می برده و او را ستوده اند. از آثار وی: «دیوان» اشعار در پنج هزار بیت.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۲۶-۱۳۳۰)، تذکرة

سخنوران یزد (۱۳۶)، تذکرة مصراآبادی (۸۶-۸۵)،

الذریعه (۹/ ۳۵۱)، سرو آزاد (۱۱۹)، شام هریان (۹۲)،

فرهنگ سخنوران (۳۶۵)، کاروان هند (۱/ ۲۳۷-۲۳۸)،

نشتنامه (دیل / واقم مشهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۳/

۳۰۶)، مطلع الشمس (۲/ ۲۳۱)، ستایج الافکار

(۲۶۹-۲۶۸).

رامتین، (س هفتم م)، نوازنده. نام وی را رامی و رامین نیز نوشته اند و او را با رامین، عاشق و یس، یکی دانسته اند. او مخترع چنگی است که آن را رام و رامیل می گفتند. رامتین از چنگ نوازان عهد خسرو پورفر سامانی بود و نام او در اشعار شاعران بسیار آمده است. از جمله در این بیت منوچهری دامغانی:

حامد گوید که شعر او بود تنها و بس

باز نشناسد کسی بربط ز چنگ رامتین

استادان موسیقی (۱۲-۱۱)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۰)،

تاریخ موسیقی (۱/ ۵۶، ۶۷)، تاریخ میرهای ملی (۲/

۷۰۹، ۷۱)، تمدن ساسانی (۱/ ۱۷۷)، لغت نامه (ذیل /

رامتین).

رامتین، حسن، فرزند زین العابدین، (تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه نگار و مدرس. در تهران متولد شد. تحصیلات عالی را در کالج البرد و دانشسرای عالی به پایان رساند. از هنگام تحصیل در کالج در روزنامه «جوانان» مقالاتی منتشر می نمود. از شهرت او ۱۳۲۰ ش فعالیت مطبوعاتی خود را در مقام سر دبیری و نویسندگی ثابت نمود. همچنین داستانها و مقالات فراوانی در روزنامه های «آزادگان»، «تجارت ایران»، «سهر ایران»، «باختر»، «اقدام»، «پست طهران» و چند مجله دیگر منتشر کرد. رامتین علاوه بر نویسندگی مدتی نیز

شرف تبریزی، شاگرد حسن بن محمود کاشی و معاصر ملزمان ساوجی و از شعران دربار سلطان اویس جلایر بود. در «هدیه العارفين» درگذشت او سال ۷۷۰ ق ذکر شده است. وی در نظم و نثر ثرات و استاد مسلم و صاحب تألفاتی چند بود؛ از جمله: «انيس العشاق»؛ «حدائق الحقایق»؛ در شرح «حدائق السحر»؛ رشید و طواط؛ «ابدایع الصایع»؛ مثنوی‌های: «ده فصل» و «بان کوهی و دختر ملک»

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۷)، تذکره شعراء آذربایجان (۲/ ۳۱۴، ۳۰۷)، تذکره «سموله» (۲۴۵، ۲۴۴)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۹)، (۱۹۱)، الذریعه (۲/ ۵۱۱، ۶/ ۲۸۴، ۹/ ۵۱۱)، رجانه (۳/ ۱۹۱-۱۹۲)، سخوران آذربایجان (۴۱۵، ۴۱۶)، سرآمدن فرهنگ (۱/ ۳۲۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۸/ ۴۷)، کشف الظنون (۱۹۸، ۶۷۲)، مؤلفین کتب چند این (۲/ ۶۳۱-۶۳۲)، مستظرف‌های فارس (۲۸۶/ ۱)، (۲۳۴، ۲۳۳)، هدیه العارفين (۱/ ۲۸۶).

رامیثی، خواجه علی - رامیثی، خواجه علی

رامیثی، خواجه علی، (وف ۷۲۱ ق)، شاعر و عارف معروف به خواجه عزیزان، از مردم قصبه رامیث در دو فرسنگی بهار بود و از بزرگان مشایخ طریقه نقشبندی به شمار می‌رفت. وی در زادگاهش به نامدگی روزگار می‌گذراند. در پایان عمر به خوارزم رفت و در آنجا وفات یافت. خواجه با شیخ رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی و شیخ بدرالدین میدانی معاصر بود. از آثار وی: «ریاضیات عرفانه»؛ «رساله‌ای در تصوف»؛ «محبوب العارفين»

تاریخ نظم و نثر (۲۲۰)، روضت عین‌الحیة (۱/ ۶۲-۷۲)، محلات‌الاسی (۳۸۵)

رامین تهرانی، مهدی، فرزند تقی موانق. (تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر، متخلص به رامین. تا سال ۱۳۰۵ ش در تهران به تحصیل علوم ادبی و عربی اشتغال داشته است. از وی کتابی به نظم، به نام «دوشیزه سیه روز» در تهران چاپ شده است

ذریعه (۹/ ۲۵۱)، فرهنگ سخوران (۲۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۵۰).

خلاد فارسی، (وف ح ۳۹۰ ق)، حافظ، محدث، قاصی، ادیب و شاعر معروف به بن خلاد و مهرمزی. ری سبک جاحد را دنبال می‌کرد. از پدرش و محمد حضرمی و محمد ماری و حسن هنری و جعفر فریانی و هبدان هوازلی و ابوالقاسم یغوی حدیث شنید. ابوالحسن عیداری و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد تهاوندی و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند؛ چرا که در این زمینه در کتاب معروف خود «المحدث القاضی بین الراوی و الواهی» اسواب بسیاری را مطرح کرده است. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سائبانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در دامهرم باقی ماند و در همان‌جا درگذشت. از دیگر آثارش: کتاب «الریحانین الحسن و الحسن (ع)»؛ «امام التزیل فی علم القرآن»؛ «السواد و الشراذیر»؛ «ادب انماط»؛ «رسالة السفر»؛ «الرفاء و المرائی و التعاری»؛ «الفک فی مختار الاخبار»؛ «الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان و الحنین الی الارطاب»

اسبان الشيعة (۵/ ۱۲۹-۱۳۳)، ایشاح المکیون (۱/ ۱۲۴، ۱۲۵، ۵۴۸، ۵۶۲، ۲/ ۹۷، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۲۷، ۲۴۲، ۵۶۵)، سیر السیلة (۱۶/ ۷۵-۷۳)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۴/ ۸۸)، الفهرست ابن تدمر، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۱۲۲، ۱۶۱۲)، معجم الادباء (۹/ ۱۷۵)، معجم المؤلفين (۳/ ۲۳۵)، مقدمه ابن الصلاح (۳)، الوافی بنبویات (۱۲۱/ ۶۵-۶۶)، هدیه العارفين (۱/ ۲۷۰-۲۷۱).

رامی اردوبادی، (ص دهم ق)، شاعر شاگرد رحمتی یافعی بود از دوست:

بسیار درد نو کار زبان نهی باشد
جهان جهان عم دل را بیان نمی‌باشد
مرام تازه بود هردنی که عشق دروست
نه پوستان محبت خزان نمی‌باشد
دانشمندان آذربایجان (۱۵۷)، الذریعه (۹/ ۳۵۲)، معجم الحوام (۲۲۲، ۲۳۳).

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن بن محمد، (وف ۷۹۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به شرف، معروف به

روایتی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسینی بود و به واسطه این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعی در «الاساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاء‌الدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه او «آیه تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات پیش از آنچه شنید، بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیدم و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برایم نوشت». فرزندک و نوادگان او همگی از اهل علم بودند از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاوی، «ادعیه السرا» و «کتاب النبوا»؛ «مقارنه الطیبه الی مقارنه السیه»؛ «فصل فی الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»؛ در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطلب الرضوی»؛ در شرح «طب الرضا» (ع)؛ «الاربعین»؛ در احادیث؛ «الحسامه»؛ «شرح النبی اثلافة»؛ «الموجز الکافی فی علم المروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.

تسلی سمعی (۳/ ۳۲، ۴/ ۲۲۶)، اعیان الشیعه (۸/ ۲۱۰-۲۰۸)، ایضاح المکنون (۱/ ۵۲، ۵۳، ۲۸۱، ۲۰۵)، ۱/ ۷۴، ۲۵۹، ۲۴۶، ۵۳۱، ۶۵۹)، الدرر (۱/ ۴۲۳، ۹/ ۲۵۲، ۱۲/ ۱۶۳، ۱۵/ ۱۲۰-۱۲۱، ۱۷/ ۱۲۵، ۲۲۷، ۲۱/ ۳۷۸، ۲۲/ ۳۳۷)، روشات الجنات (۵/ ۳۵۰-۳۵۱)، ریاض العلماء (۲/ ۳۲۳-۳۲۴)، ویحانه (۲/ ۱۰۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۲۱۸-۲۱۷)، مرآة الرضویه (۲۵۵، ۳۵۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۲۳، ۱۲۴)، الکی و الاکتاف (۲/ ۲۳۶-۲۳۵)، نفث سماء (ذیل/ برالرضا)، معجم المؤلفین (۸/ ۷۵)، هدیة الاحیاء (۱۲۰-۱۲۱)، هدیة العارفین (۱/ ۸۲۱).

راوندی کاشانی، عزالدین ابوالحسن علی بن ابوالرضا فضل‌الله حسینی، (س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر یا شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرئیسه» وی را ستوده و گوید: مدرسه‌ای بر نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلاء و رماد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند از آثار وی: «تفسیر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع

رائکوثی شیرازی، ملا عبدالرزاق بن سلامیر گیلانی، (س یازدهم ق)، عالم و متکلم امامی، در شیراز به دنیا آمد و در همان جا شو و سمو یافت. وی با ملا عبدالرزاق میاض لاهیجی (م ۷۲ ق) معاصر بود. از آثار وی: «تحریر القواعد الکلامیه»، در شرح «قواعد المعنیه» خواجه نصیر طوسی که در ۱۰۷۷ ق تألیف آن را به پایان برد.

اعیان الشیعه (۷/ ۲۷۱)، الدرر (۳/ ۲۸۸-۲۸۷)، روشات الجنات (۲/ ۱۹۴)، ویحانه (۲/ ۲۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۳۱۸).

راوندی، قطب‌الدین محمد قطب راوندی.

راوندی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان، (س ششم ق)، مورخ، وی از راوند کاشان بود. در کودکی پدرش را از دست داد و زیر نظر دایی فاضل خود، تاج‌الدین احمد بن محمد راوندی، تربیت شد و از ار علوم شرعی و ادبی و خط و امر مخت. او مدتها از راه استساح و تهییب و تجلید کتب زندگی می‌کرد، تا اینکه در ۵۷۷ ق در خدمت سلطان طغرل بن ارسلان کلسیه حاصل کرد. بعد از زوال دولت آن پادشاه در ۵۹۹ ق و برانیدن حکومت سلاجقه عراق به بلاد آسیای صغیر رفت و به خدمت هیات‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان از سلاجقه آسیای صغیر درآمد و کتاب مشهور خود «راحة الصدور و آیه السرور» را در ۵۹۹ ق به پایان رساند و با اضافاتی در حدود ۶۰۳ ق به نام آن پادشاه کرد. این کتاب از جمله بهترین کتب نشر پارسی درباره تاریخ سلاجقه است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۸-۱۰۹)، تاریخ ایران (۳۷، ۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۹، ۱۴۵)، تاریخ نگاران ایران (۲۶۷-۲۷۰)، الدرر (۱۰/ ۵۶)، راحة الصدور و آیه السرور (مقدمه/ ۶۰۱)، سبک شلسی (۲/ ۲۱۰-۲۰۵)، گنج و گنجینه (۲۲۶)، لغت سماء (ذیل/ راوندی)، مؤلفین کتب چاهن (۵/ ۶۲۶-۶۲۷)، هدیة العارفین (۲/ ۱۰۸).

راوندی کاشانی، ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عییدالله/ هبة‌الله، (وف ح ۵۷۰ ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر دارای علو سب بود و کمال فصیح و حسب را بر به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن

۱۱، ص ۴۹۸-۴۹۴

داوید دیلمی، ابوالقاسم حماد - حماد راوی، شیخ ابوالقاسم.

راهب اصفهانی، (س یازدهم ق)، شاعر سرلش قره رن، از احوال اصفهان بود. او به هند رفت و مدتی در آن دیار زیست و سرانجام به موطن خود بازگشت. از اوست.

چنان مکر که ز خاکم غبار برخیزد
سپید یسوده ام از روی کنار برخیزد
تذکره نصرآبادی (۴۱۶)، الذریعه (۲۵۳/۹) مسیح گلشن (۱۷۲)، فرهنگ معین (۳۶۶)، کاروان هند (۲۳۷/۱)

راهب طباطبایی اصفهانی، میرزا محمد جعفر، (وف ۱۱۶۶ ق)، شاعر از سادات طباطبایی و نواده میرزا رفیع‌ای نایبی بود. احوالش از نایب اصفهان است. از جانب مادر، نسبش به سلطان‌العدا خلیفه سلطان می‌رسد. وی از جمله کسانی بود که به هند سفر کرد، ولی بعد از مدتی به اصفهان بازگشت. در اصفهان درگذشت و در گورستان آب‌بخشان از حومه پیدآباد به خاک سپرده شد. از آثار وی: منظومه «سادرشاه نامه»؛ دیوانه شعار

تذکره سخنران پیر (۱۴۲)، تذکره القبور (۲۲۳)، تذکره المعاصرین (۳۷۵، ۳۸۲، ۲۱۹، ۲۲۰)، الذریعه (۹)، ۲۵۳، روضه‌الصفا (۸/ ۵۸۶)، سقیة‌المحمود (۲/ ۴۷۲، ۴۷۳)، فرهنگ سخنران (۴۶۶)، نگارستان دارا (۱۹۵، ۱۹۲)

راهب مالگیری، میرزا حسن، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به راهب. پدران وی از بزرگان مالگیر بودند. مدتی استعای نزد را عهده‌دار بود و در همین سمت درگذشت. او رباعیات سخته میرزا محشم را در جلوس شاه صفی جواب گفته است.
تذکره نصرآبادی (۱۰۸، ۱۰۹)، الذریعه (۳۵۳/۸)

راهب نایبی، میرزا محمد جعفر - راهب طباطبایی اصفهانی.

الطائف و منبع الطوائف؛ کتاب «حمام العموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر ابلالی لفخر الصعالي»؛ کتاب «الحسیب النسیب للعیب النسیب»؛ «غنیة المستغنی یا المستغنی یا المستغنی»

اعیان‌الشیعه (۸/ ۳۰۱)، الذریعه (۴/ ۲۸۲، ۷/ ۲۱، ۱۵/ ۱۵۹، ۱۶/ ۶۰، ۳۹/ ۲۰، ۳۲۸/ ۵۵)، ریاض‌العمدة (۳/ ۳۱۲، ۳۱۷/ ۶، ۱۷۸/ ۱)، ریحان (۴/ ۱۱)، طبقات «سلام‌الشیعه» (قرن ۶/ ۱۹۸-۲۰۰)، سران‌الصریة (۳۵۵، ۳۵۶)، الکسی و لائقاب (۲/ ۴۳۵-۴۳۶)، هدیة‌الاحباب (۱۲۰، ۱۱۲)

راوی الشعراء کاشی، میرزا محمد خندان، سرزند ملک‌الشعراء خندلیب، (س سیزدهم ق)، شاعر ملقب به راوی‌الشعراء وی نوة فتحعلی‌خان صبا بود و از همان اوان جرای به سرودن شعر پرداخت و بیشتر در قالب قصیده طبع آزمایی می‌کرد. ابیاتی از او در «حدیقة‌الشعراء» آمده است
حدیقة‌الشعراء (۳/ ۱۵۶۲-۱۵۶۳)

راوی گروسی، محمد فاضل‌خان، (۱۱۹۸/۱۰۸-۱۲۵۲/۱۲۵۹ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به راوی، ملقب به فاضل‌خان اصل وی از طایفه بیدری قزقمان بود. در گروس هم‌داد متولد شد. در شهرهای مختلف ایران سیاحت کرد و به هنگام سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به تهران آمد و به وسیله فتحعلی‌خان صبا به تحصی شاه معرفی و پس از چندی از نزدیکان سلطان شد و اشعار فتحعلی‌خان صبا را در حضور پادشاه روایت می‌کرد و به همین جهت ملقب به راوی شد. او به نگارش «انجمن حاقانی» که تذکره‌ای کامل و دارای یک مقدمه و چهار بحث (انجمن) در شرح حال فتحعلی‌شاه و دیگر افراد این خانواده است، مأمور شد. او در ۱۲۴۵ ق به همراه خسرو میرزا، نوة فتحعلی‌شاه، از طریق تملیس به روسیه سفر کرد. فاضل‌خان علاوه بر معلومات ادبی و عربی، خطی بسیار عالی و زیبایی قابل توجه داشت

حدیقة‌الشعراء (۱/ ۶۵۲-۶۵۸)، الذریعه (۹/ ۲۵۳، ۳۵۲)، ریحان (۴/ ۲۹۸)، سقیة‌المحمود (۲/ ۲۶۵، ۲۶۲)، شرح حال رجال (۳/ ۵۰)، فرهنگ معین (۳۶۷)، لغت‌نامه (دین / راوی گروسی)، مجمع‌المصنفات (۳/ ۳۱۹-۳۲۰)، مصطفی خراس (۶۸۶۷)، نگارستان دار (۸۰، ۸۱)، یسفا (س ۱۱)، ش

و جدید را در شهر خود گذراند و پس از آن با سمب آموزگاری و مدیریت مدارس رشت رسید. پس از جریان انقلاب گیلان، همراه با جمعی دیگر از مهاجرین به قزوین رفت. وی در ۱۳۰۳ ش امتیاز مجله «فرهنگ» را گرفت و آن را به صورت ماهانه انتشار داد. رابری در ۱۳۰۷ ش به تهران احضار شد و به مدیریت دبستان معادیت شماره چهارده منصوب شد. از سایر مشاغل او می‌توان به نمایندگی فرهنگ و اوقاف ساوه و مدیریت دفتر فرهنگ و ریاست دایرة بایگانی فرهنگ استان اول اشاره کرد.

تاریخ جراید (۴/ ۷۶-۷۷)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۷۱).

رابین، اسماعیل. (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)، نویسنده و محقق. وی در جمع‌آوری اسناد سیاسی توانا بود و به سبب اینکه در نوشته‌هایش به اسناد منتشر نشده توسل می‌جست، کتاب‌هایش خواستار و خواننده فراوان داشت. او در بیست ساله اخیر بیشتر درباره قاجاریه و پهلوی می‌نوشت. رابین دارای آثار متعددی است، از جمله: «فراموشخانه و فراماسوئوری در ایران»، «در سه جلدها حقوق بگیران انگلیس در ایران»، «سفرنامه میرزا صالح شیرازی»، «ایرانیان ارمنی»، «پیرم خان سردار»، «اسرار خانه سدان»، «حیدرخان سمو اوعلی»، «دریانوردی یوایان»، «در دو مجده»، «اولس چپخانه در ایران»، «میرزا ملکم خان، زندگی و کوششهای او».

آینده (س ۵) ش ۱۲۰۱، ص ۹۵۵-۹۵۲.

رأفت‌الملک اصفهانی، «عبدالحسین. (س چهاردهم ن)، شاعر، متخلص به رأفت. معروف به فرمان آرا. وی معجم اصفهانی و از اعضای قدیم انجمن ادبی شیدا بود. اشعار او در دوره اول «مجله دانشکده» به طبع رسیده است.

تذکره شعراى معاصر اصفهان (۲۰۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۲).

ریایی، محمدشاه. (س هفتم و هشتم ق)، موسیقیدان و نوازنده. او موسیقیدانی قدیم ایران است که اختراع چهار ضرب را به او نسبت داده‌اند چون چهار ضرب را عبدالقادر مراغی (وف ۸۲۸ ق) در «مقاصد الإلحان» ذکر کرده، بنابراین او پیش از عبدالقادر مراغی می‌ریسته

راهب هروی، شیخ علی. (س سیردهم ق)، شاعر و تذکره‌نویس. اصل وی از هرات بود. کتابی موسوم به «دبر راهب» به نظم درآورد و تذکراتی به نام «طیرضا پاشا» را به بغداد تنظیم کرد که ناتمام ماند.

تاریخ تذکراتی فارسی (۱/ ۲۲۹-۲۳۰)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷)، مصطفی خراب (۷۰، ۶۹).

راه نجات، ابراهیم. (۱۲۶۸-۱۳۲۶ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در آغاز مشروطیت به همراه دایی خود ملک‌المتکلمین در صف آزادی‌خواهان بود. در ۱۲۹۲ ش روزنامه «راه نجات» را در اصفهان انتشار داد. در ۱۳۱۲ ش به مناسبت نوشتن مقاله‌ای به زندان افتاد و روزنامه‌اش توقیف شد. راه نجات پس از شهریور ۱۳۲۰ ش مجدداً به انتشار روزنامه‌اش پرداخت. وی کتابی به نام «راه نجات» در ترویج آئین اسلام و مبادی آزادی تألیف کرد که اجازه چاپ نیافت. در اصفهان فوت کرد و در تحت فولاد دفن شد.

تاریخ جراید (۲/ ۳۱۳-۳۱۷)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۹۳).

رایض، کریم‌ای محمد حسین، فوزند محمد کاظم. (۱۲۸۲/۱۲۸۲-۱۳۲۷ ق)، شاعر، متخلص به «رایض»، «دیوان» اشعار وی به سال ۱۳۲۲ ق چاپ سنگی شده است.

فرهنگ سخنوران (۲۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۲۲).

رایض زنجانی، رایض‌الدین عبدلکریم عارف علیشاه، ذمبی. (س سیردهم و چهاردهم ق)، عارف، نویسنده و شاعر از آثار او: «ده بند مرانی»، به ضمیمه «تحفة الوجود و قنوتیه»، «شرح گلشن راز»، به ضمیمه «هیت ذاعة مجد الاشرف»، «کتور الاسرار»، «کراتم الکریمه»، «اسئلة پروریه»، موسوم به «رسالة الغیبه»، «قصاید و غزلیات» که به سال ۱۳۰۶ ق در تبریز چاپ شده است.

فرهنگ سخنوران (۲۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۱۹-۹۲۰).

رایضی، نصی، فوزند حسین. (تو ۱۲۷۱ ش)، روزنامه‌نگار. در رشت متولد شد. مقدمات علوم قدیمی

است

تاریخ موسیقی (۱/۱۸۸)

گردید. مراسم‌ها در تهران و قلات یافت و در قیصرستان این بناویله دفن گردید از آثار وی: «رسالة مقصد الطالب فی احوال اجداد النبی و عمه ایتطالب»؛ «رسالة منظوم در اصول»؛ «نور الحدیقه»؛ «حواشی روضه»؛ «حواشی معالم»؛ «تاریخ خطاطان»؛ «ابدع الذابیع»؛ «تاریخ شعرا»؛ «رسالة در معانی».

آرمشاک (سر ۷ ش ۹ و ۱۰ ص ۵۳۷-۵۴۵)، الذریعه (۱/۳۵۲، ۸۸۱)، ریحانه (۱/۲۸۱)، سحوران سامی (۲/۱۴۷۷-۱۴۸۰)، طرائف السقانی (۳/۷۴۹)، مؤلف کتب چاپی (۲/۸۲۵-۸۲۶)، یادگار (مر ۵، ش ۳ ص ۵۶-۵۷).

ربعی بغدادی، ابو الحسن علی بن عیسی بن فوج (۲۲۰ ۳۲۸ ق)، نحوی و لغوی اصل وی از شیراز ساکن بغداد بود. از محضر ابوسعید میرانی دانش آموخت. سپس به شیراز مهاجرت کرد و از پوهلی فارسی کسب علم کرد و حدود بیست سال ملایم وی بوده چندی بعد به بغداد بازگشت و در آنجا اقامت گزید. آنکه دارفانی را وداع گفت در باب وی گفته‌اند: اگر شرق و غرب را بگردید فردی داناکتر از وی در علم نحو نمی‌یابید از آثار وی: «البدیع فی النحو»؛ «التنقیه علی خط ابن جسی فی تفسیر شعر المسی»؛ «شرح الایضاح» در نحو؛ «شرح البیقة»؛ «شرح مخصر الجرمی».

الاعلام (۵/۱۲۴)، ایضاح السکون (۱/۷۲)، تاریخ بغداد (۱۲/۱۸۱۷)، الذریعه (۱۳/۱۱۷، ۴/۵۶)، درصحات الجنات (۵/۲۳۱)، ریحانه (۲/۳۰۱)، سیر النبلاء (۱۷/۳۹۳-۳۹۲)، کشف الظنون (۲/۲۱۲)، النکی واللقاب (۲/۲۷۱)، لساننامه (دیل / علی)، معجم الادباء (۱۲/۸۵۷۸)، معجم المؤلفین (۷/۱۶۳-۱۶۴)، دیباج الاعیان (۳/۳۳۶)، هدیه الساریین (۱/۶۸۶).

ربنجی، فضل بن عباس - ابو لمباس ربنجی.

ربیع اخویسی - اخوینی بخارائی.

ربیع فوشنجی، صدرالدین بن خضیب (۷۰۲-۶۷۱ ق)، شاعر، متخلص به ربیعی معروف به بن حطیب. در هرات می‌زیست و مشهورترین شاعر آل‌کرت بوده ولی به علل مختلف چند بار به زندان افتاد و

رباطی، ابواسحاق ابراهیم، (ح ۳ درم و مسوم ق)، عارف معروف به ابراهیم مورچه هروی. وی مرید ابراهیم ستیه بود و طریق توکل را از وی گرفته است. قبرش در هرات در ریاض رنگی‌زاده است.

طبقات الصوبیه هروی (۷۶-۷۷)، طبقات الانس (۴۰-۴۲)

رباعی مشهده (س ۵ هم ق)، شاعر و صوفی، معروف به شیخ رباعی. وی سرودی درودش مسلک و ریاضت‌کش و بسیار مورد توجه سلطان ابوالهیم میرزای صفوی بود. ظاهراً در زمان جلالت‌الدین محمداکبر صفوی به هند داشتند. چون همیشه رباعی می‌سرود، به فسح رباعی معروف شد. از اوست:

آشناخته جو رلف عنبر افشان بویام
استاده چو کاکل پریشان توایم
گفتی که مرا به دردندان نظریست
ما نیز یکی ز دردندان توایم

تاریخ نظم و نثر (۵۲۷)، تحفه سامی (۲۳۹)، الذریعه (۹/۳۵۴)، ریحانه (۲/۳۱۰)، معجم‌الکس (۲/۳۴۴)، درک سحوران (۳۶۸)، لساننامه (دیل / رباعی)، مجمع الخواص (۲۶۵-۲۶۶)، هفت الیم (۲/۲۰۵-۲۰۶)

ربانی قریب گرکانی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا علی‌رضا (۱۲۶۲-۱۳۴۵ ق)، محقق، مدرس و شاعر، متخلص به ربانی ملقب به شمس‌العمماء و مشهور به جناب در هیره گرکان از توابع اراک متولد شد، علوم مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و برای ادامه تحصیل به قم رفت و پس از آموختن فقه و اصول و تفسیر، به هرات رفت و در محضر میرزا محمد حسن شیرازی و حاج میرزا حسین خلیلی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. آنگاه به هندوستان رفت و مدت ده سال در آن کشور به تدریس اشتغال داشت پس از سفری چند به معقاز و استانبول به تهران بازگشت و در این شهر مقیم شد مدتی ریاست مدرسه علمیه و سپس ریاست مدرسه قاجاریه را عهده‌دار بود و بعد به وزارت دادگستری منتقل شد و به مستشاری دیوان نوبر منصوب.

تسغون.

مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳۴/۶).

رحایی، علی محمد، (۱۲۸۵-۱۳۵۰ ش)، تاریک. در تهران متولد شد. بازی در تئاتر را از ۱۳۱۸ ش دو تئاتر «مهاگان اصفهان» و فعالیت سینمایی را از ۱۳۴۲ ش با فیلم «مسافری از بهشت» شروع نمود. از فیلم‌های عمده وی: «نون نسه»؛ «پسر رانده‌رو».

فرهنگ سینمای ایران (۱۰۷)، فرهنگ فیلمهای سینمای ایران (۱/ ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۶۱، ۲۶۱، ۳۰۷).

رحایی، محمد خلیل، (س چهاردهم ق)، استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد. دروۀ ابتدایی را در مدرسه تربیت به پایان رسانید؛ سپس در مدرسه هاشمیه که از مدارس قدیمی شیراز است، سالها در خدمت استادان وقت به تحصیل علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و تفسیر و حدیث و منطق و کلام و حکمت الهی و نکات عرفانی پرداخت و ضمن تحصیل در مدرسه قوام در رشته‌های مزبور درس می‌داد. در ۱۳۱۰ ش در دبیرستان سلطانی دبیر ادبیات فارسی و عربی و منطق و فلسفه بود. در ۱۳۱۳ ش به طور رسمی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. شصت دبیری دبیرستانهای شیراز را یافت. رحایی همچنین عضو انجمن ادب شیراز و استاد دانشکده ادبیات نیز بود. از آثار وی: «معالم الملاحه» در معانی و بیان و بلیغ.

دانشندان و سخن‌مویان فارس (۲/ ۵۷۱-۵۷۲)، فهرست کتبهای چاپی فارسی (۲/ ۲۰۴۴).

رحایی اصفهانی، خواجه سیف‌الدین محمود، (وف ۹۶۲ ق)، شاعر. اصل وی از اصفهان و نسبش به کمال‌الدین سماعیل می‌رسد. از کاتبان دخترخانه شاه طهماسب صفوی بود و علاوه بر شاعری در علم حساب و هندسه و نجوم نیز مهارت داشته است. از اوست:

آن گل که دل اهل وفا را خون کرد
خون کرد چنانکه کس نداند چوین کرد
سرینجه به خون هاشقان گلگون کرد
چون شاخ گلی که سبزه‌ها بیرون کرد

آشکذۀ آذر (۲/ ۹۴۳)، نوحه ساسی (۹۵۹۲)، صبح گش (۱۷۳)، مجمع‌التواص (۵۹)، منت‌القلیم (۲/ ۲۰۷، ۲۰۳).

سراجام دو نوحه خیبار فوت کرد. وی معاصر با سیفی هروی بود. از آثار وی: «کارنامه» که آن را در زندان برای آزادی خود سرود؛ «کرت‌نامه» به سبک «شاهنامه» فردوسی در تاریخ آل‌کرت، که اکنون تنها ۲۵۰ بیت آن بهجامست.

ارمغان (س ۶، ص ۱، ص ۲۵-۲۰)، از سعدی تا جامی (۱۹۴-۱۹۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۶۷۱-۶۸۱)، نایب‌النظم و نثر (۲۰۸-۲۰۶)، حبیب‌المیر (۳/ ۳۷۶-۳۷۸)، سبزه سرایی در ایران (۳۵۶-۳۵۵)، سرآمدان سرهنگ (۱/ ۲۷۲-۲۷۵)، سرهنگ مستخرون (۳۶۸-۳۶۹)، سبیل صیسی (ذیل / سال ۷۰۲).

ریحی، محمد جواد، (س چهاردهم ق)،
جمرایدان. از آثار وی: «اطلس ریحی»
نهر ستاره کتبهای فارسی (۱/ ۱۷۰).

رجاء، میرزا علی خلیلان، فرزند عبدالحمید، (۱۲۷۶-۱۳۷۱ ش)، شاعر، متخلص به رجاء در اصفهان به دنیا آمد. در انجمن‌های ادبی آن شهر مانند شیدا، کمال، سعدی و صائب شرکت می‌کرد. او از محضر استادانی چون شیدا، صغیر اصفهانی، گلزار، فرمگین، شکیب و قایض بهره برد و با فنون شاعری آشنا شد. کلام اصفهان وفات یافت و در باغ رضوان در قطعه مقبره الشعراء دفن شد. از آثار او: «صائب‌الاثمه»؛ «مثنوی‌نامه»؛ «دیوان» اشعار.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۰۷، ۲۰۴)، سخنوران ساسی معاصر (۳/ ۱۶۸۱-۱۶۸۴)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجاء محمود، فرزند محمد جواد، (تو ۲۹۸، ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. تحصیلات مقدماتی را در دبیرستان ایرانشهر و دارالفنون به پایان رسانید. پس از طی دوره ادبی از ادامه تحصیل بازماند؛ ولی در خارج به تحصیل فلسفه و ادبیات اشتغال ورزید و همچنین به علت ذوق موسیقی و نقاشی در هنگام فراغت به فراگیری پس دو رشته پرداخت؛ سپس به کار روزنامه‌نگاری اشتغال ورزید و شغلش مدیریت دایرة مطبوعات اداره کل انتشارات و تبلیغات کشور بود. در کابینه امینی به وزارت معیت وزیرى رسید و امور مطبوعات را زیر نظر گرفت. از آثار وی: «دلیران

«افو عبدالرحمن»؛ «مبهر البغاة»؛ «دیوان» اشعار
تذکره شعرائی معاصر اصفهان (۲۰۹-۲۰۷)، تذکره انقشور
(۱۰۶-۱۰۱)، الذریعه (۹/ ۳۵۵، ۷۴۱)، فرهنگ
سخنوران (۳۶۹)

رجبعلی. (ز ۱۲۵۶ ق)، نقاش رنگ و روغن، وی
درویش مسلک و پای بند طریقت صفا و از استادان دوره
فتحعلی شاه قاجار و از شاگردان میرزا علی بود. از آثار
وی تصویر رنگ و روغنی بسزویک، پیرالقسام
میرمدرسکی، به خط نستعلیق رباع، با رقم، «حسن کلک
رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶» تصویر بایرید سطامی، با
رقم، «حسن کلک رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶» تصویر
عطار یشاپوری، با رقم: «حسن کلک رجبعلی ز علیست
۱۲۵۶»

حوال و آثار نشان (۱/ ۱۸۰-۱۸۱)، تاریخ همراهی
ملی (۲/ ۹۹۲-۹۹۳)، هر قلمدان (۱۱۲)

رجبعلی. (ز ۱۲۸۹ ق)، نقاش، از آثار وی: تصویر
یکی از علمای مهم که به آبرنگ ترسیم شده و در حد
حرفه استادانه است، پ رقم، «رجبعلی ۱۲۸۹»
حوال و آثار نشان (۱/ ۱۸۱)

رجبعلی. (س سیزدهم ق)، خواننده، معروف به
حاجی مؤذن، وی از اهالی طرخوران تفرش بود و در
اواخر دوره ناصری می‌زیست صدایی رسا و مؤثر
داشت و در تعزیه شبیه امام می‌خواند. به همین دلیل
نقش امام‌خواهی را در تعزیه بسیار خوب اجرا می‌کرد. او
در دیار محمد علی شاه قاجار اذان می‌گفت و به همین
متناسب به حاجی مؤذن معروف بود.

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۱۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۵۱)

رجبعلی حکاک. (س سیزدهم ق)، نقاش و حکاک،
از سنگ‌تراشان و حکاکان نامی دوره ناصری بود و در
آثاری که از رمان ناصرالدین شاه قاجار به یادگار مانده،
نام این هنرمند نیز جزو خدمتگزاران درباری ثبت شده
است.

حوال و آثار نشان (۱/ ۱۸۱)

رجبعلی مشهدی. (ز ۱۳۰۳ ق)، خطاط، از آثار وی

رجایی اصفهانی، محمد چمبر صحاف، فرزند
محمد رضا. (۱۲۹۲-۱۳۶۵ ق)، شاعر، متخلص به
رجایی. در اصفهان به دنیا آمد. در فن صحافی و
جلدسازی به سبک قدیم مهارت و استادی داشت. از
اعضای انجمن ادبی شیدا بود. در ساختن انواع شعر
مهارت داشت و «دیوان» وی حاوی غزل و قصیده و
رباعی است.

تذکره شعرائی معاصر اصفهان (۲۰۹-۱۱۰)، الذریعه (۹/ ۲۵۵)،
فرهنگ سخنوران (۳۶۹)

رجایی بخارایی، احمد علی، فرزند غلامعلی.
(۱۲۹۵-۱۳۵۷ ش)، محقق، نویسنده و شاعر. وی در
مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در
همان شهر به اتمام رساند. از دانشکده کشاورزی کرج
فارغ‌التحصیل شد و به استخدام دولت درآمد. به ایلام
رفت، سپس به مشهد مراجعت کرد و از محضر ادیب
نیشابوری کسب بیض کرد. بار دیگر به تهران آمد و
تحصیلات عالی خود را ابتدا در رشته حقوق تا مرحله
لیسانس و سپس در ادبیات فارسی تا اخذ درجه دکترا
ادامه داد و به تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. در
۱۳۴۲ ش رییس دانشکده ادبیات مشهد شد. رییس اثر
بیماری سرطان درگذشت. او دارای آثار تحقیقی بسیاری
است، از جمله: «فرهنگ اشعار حافظ»، «خلاصه شرح
تمیز»، «پلی میان شعر هجایی و عروض فارسی»،
«مبادداشتی دربارهٔ لهجهٔ بخارایی»، «تصحیح «رواق
المحالیس» و «بستان المعرفین».

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۴۸۵-۱۴۸۹)، صد سال
شعر خوانان (۲۵۹-۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹)،
یمن (س ۳۱، ش ۶، ص ۳۸۱-۳۸۰)

رجایی زفره‌یی، ملا محمد علی، فرزند حسن بن
محمد. (۱۲۸۱-۱۳۶۱ ق)، فقیه اصراری، ادیب و شاعر،
متخلص به رجاء. در زفره به دنیا آمد و در اثر سعی و
کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و وصال
و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریهٔ زفره به
تدریس و وعظ و تحریرات شریعی روزگار می‌گذراند.
سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از
او آثار فراوان به جای مانده است، از جمله:
«اسهل للعبات یا منتخب‌العبات»، «کتاب‌الارث»، «تجوید
و ترتیل قرآن»، «بستان‌الشعراء»، در عروض و قافیه

سوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۸۲)

رحمت اصفهانی، میرزا محمد (س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رحمت. اصل وی از کرمان کنک استبریز و موطنش اصفهان بود. توسط ابوالمعالی معتمدالدوله شاهد به حضور فتحعلی شاه قاجار رسید و در دیوان انشا منصب گرفت و به دستور آن پادشاه کتابی حاوی قصص راستان و حکایات صحیح به نام «زینت الحکایات»، حدود پنجاه هزار بیت در بحر مشوی منظوم ساخت و به قلم نیم دودانگ خوش نوشت. ب رقم ۱۰۰۰ محمد منشی کوره کتابی ۱۰۰۰ بیت در بحر مشوی در هجده روز بمرغین عرض رسید.

سوال و آثار خوشویسان (۲/ ۸۲۶)، دانشمند آذربایجان (۱۵۸)، الذریعه (۹/ ۳۵۶)، ریاض العارفين (۲۵۹)، بیحانه (۲/ ۲۰۵)، سفینه المصمود (۲/ ۶۷۰)، لوحنگ سخنوران (۳۷۰)، لغتنامه (دین / رحمت کوره کتابی)، مجمع الفصحا (۵/ ۹۴۵)، معنی خراب (۱۸۱)، نگارستان دار (۷۶-۷۵).

رحمت شیرازی، میرزا عبدالله، فرزند میرزا محمود حکیم، (۱۲۷۲-۱۳۴۴ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به رحمت. وی یوه وصال شیرازی بود در شیراز متولد شد. ریاضیات و ادبیات را از حموی و میرزا قار، عدم طب را از پدرش و حناح میرزا حسن نسایی و شاعری را از میرزا داوری فراگرفت. نسخ و خطی نویسی را از حموی دیگرش، میرزا توحید، آموخت. وی در ۱۳۲۵ ق به هندوستان رفت و پس از یک سال اقامت در بمبئی به شیراز بازگشت و به طبابت مشغول شد. او نخست ریاست انجمن حفظ الصحة و بعد ریاست اداره معارف فارس را عهده دار بود. رحمت به حسن خلق و مدارا یا خلق و مراعات حال تهیدستان معروف بود. در شیراز وفات یافت و او را در نزدیکی بقعه شیخ ابوالوفا، که از عرفای متقدم است دفن کردند. از آثار وی: «زینة المساجد» ادهیه المتحاب.

آثار حجم (۳۶۲)، حديقة الشعراء (۱/ ۶۵۹-۶۶۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۷۸-۵۷۹)، الذریعه (۹/ ۳۵۶)، بیحانه (۲/ ۲۰۵)، طرائق الحقائق (۳/ ۳۷۵-۳۷۶)، فارسی نامه (۲/ ۱۰۲۱-۱۰۲۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۱)، معانی الناصحه (۲۲۰-۲۳۱)، مکالم الآثار (۶/ ۲۰۲۳-۲۰۲۲).

کتابه مدخل حرم نو حضرت معصومه (س)، به خط ثلث برجسته نیم دانگ کتیبه خوش، با رقم: «کتبه رجعی المصادم» دو کتیبه سر در ورودی صحن نو مزار حضرت معصومه (س) در قم و کتیبه سر در ساعت امین السلطان، به خط ثلث سه دانگ کتیبه خوش، با رقم: «قد فرغ من التمسيد المصادم رجعی المشهدی سنة ۱۳۰۳»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۶۹)، کتیبه آثار قم (۱، ۵۲۵، ۵۳۲).

رجب نیا، مسعود، (قر ۱۲۹۸ ش)، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در ۱۳۲۲ ش به خدمت فرهنگ درآمد و مدتی به کار بدین در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه های «ابراهام لیسکلن»، «داوید کاپرینلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».

مؤلف کتب چاپ: (۶/ ۱۷۲-۱۷۶).

رجوی دینمگانی، کظم، فرزند عیالمعلی، (قر ۱۲۹۶/۱۲۹۹ ش)، محقق و شاعر، متخلص به ایزد. در دینمگان ملخاس از توابع آذربایجان غربی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و به اخذ لیسانس ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی توفیق یافت. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی دارای آثار و تألیفات است از جمله: «نوعه نگاریم»، «خبر پژوهی»، «زندگی و فلسفه فارسی»، «وراثت روحانی»، «نامه پیروزی». مجموعه اشعار او در ۱۳۴۴ ش به نام «ناده کهن» چاپ شده است.

چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۲/ ۸۰۲)، الذریعه (۹/ ۳۵۶)، سخنوران نامی معاصر (۱/ ۲۲۸-۲۲۹)، لوحنگ سخنوران (۳۷۰)، مؤلف کتب چاپ: (۱۹-۱۸/ ۵)

رحمانه قلی، (ز ۱۰۱۸ ق)، نقاش. وی از بکرگران شیوی قلم و پر استعداده کتاب «انوار سهیلی» بود. این کتاب در ۱۰۱۸ ق برای جهانگیر شاه و زیر نظر و مدیریت آقا رضا کاشانی تصویر شده است. از آثار وی تصویر پادشاهی است که در رختحواب خوانیده، با رقم «رحمان قلی».

مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۹۲-۹۹۴)

شیراز به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. به نجف هجرت کرد و در مجلس درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شرکت کرد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در کازرون و سپس در شیراز امام جمعه و مدرس شد و در شیراز درگذشت و در حافظه به خاک سپرده شد از آثارش: «تقریرات اصول»، «تقریرات» بحث استادانش در «اصلاح» و «بیع»؛ «فوائد مشروطیت»؛ «دیوان» اشعار دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۵۷۸-۵۹۴).
الدریحه ۴/ ۳۸۱، ۷/ ۹۳۲، ۹/ ۲۵۶، ۷۲۳، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۲۶۰)، مریدک سخوران (۳۷۰)، مرآت القاصحه (۲۳۱-۲۳۴)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۰۲۸)، مکارم الآثار (۶/ ۲۱۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۳۰۶).

رحمت گوزه کستانی، میرزا محمد جرحمت اصفهانی.

رحمتیان، حسین (تر ۱۲۹۱ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. وی فارغ‌التحصیل دانشکده پزشکی تهران در ۱۳۱۸ ش بود. پس از خدمت نظام طبیه به سمت استناری رسمی آسیب شناسی انتخاب شد. در ۱۳۲۷ ش برای مطالعه مدت یکسال به فرانسه و انگلیس مسافرت نمود؛ ولی در اواسط اقامت به علت قطع اعتبارات ارزی مسافرات را ناتمام گذاشت و به ایران مراجعت نمود و دانشپدر آسیب شناسی و استاد کرسی سرطان دانشکده پزشکی تهران شد. از آثار وی: «آسیب شناسی علمی»، «بیماریهای خون و لنف»، «سرطان و شناسایی»، «معمای سرطان»
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۲۱-۷۴۲).

رحمتی تهریزی (زب ۱۰۲۵ ق)، خطاط و شاعر. وی خط نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت. مدتی در شیراز می‌زیست، سپس به هند رخت و در شهر آگره درگذشت «دیوان» وی حدود هشت هزار بیت بوده است.
تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۸).
الدریحه (۹/ ۳۵۶)، سخنوران آذربایجان (۴۶۸)، کاروان هند (۴۳۷-۴۴۸).

رحیمی زوگش لاهیجی، (س دهم ق)، شاعر، متخلص

رحمت‌علی اصفهانی، سید احمد رحمت‌علیشاه. فرزند سید محمد باقر دهکردی سوربخش. (ح ۱۲۸۵-۱۳۳۹ ق)، عالم، عارف، مفسر، ادیب و شاعر نقیب ملسله خاکسار به بود. در شهرکرد به دنیا آمد. در جوانی از زادگاه خود به اصفهان مهاجرت کرد و حدود چهارده سال در محضر آخوند ملا محمدحسین دهکردی و آخوند کاشی و میرزا محمدحسن نجفی به تحصیل پرداخت و ضمناً به فراگیری علوم غریبه نیز مشغول بود. در ۱۳۲۳ ق به عیبات رفت و از محضر آخوند خراسانی و دیگر علما بهره برد. در اصفهان وفات داد و در محله درب کوشک در بقعه‌ای خصوصی دفن شد. از آثار وی: روزنامه «نامه حقیقت»، «برهان حقیقت نامه»، شعر، «ارشحات رحمت»، مثنوی در شرح «آیه نور»، مشوی در شرح «حدیث کمیل بن زیاد».

تاریخ جریده (۴/ ۲۶۸-۲۷۱)، تذکره‌القبور (۱۱۲-۱۱۵)، مریدک سخنوران (۳۷۰)، معجم رجال نجف (۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۸۹).

رحمت‌علیشاه شیرازی، زین‌العابدین، مرزند محمد معصوم بن حاج محمدحسن. (۱۲۰۸-۱۲۷۸ ق)، عارف و شاعر. در کاشمین متولد شد و تا بیست سالگی در آن شهر به تحصیل مشغول بود؛ سپس به شیراز رفت و نزد جدش به تکمیل علوم محقّق و متفکر پرداخت. وی از محضر مست‌علیشاه شیروانی-که از مشایخ طریقه نعمت‌اللهی بود-و مجذوب‌علیشاه استفاده کرد. از طرف محمد شاه قاجار به نایب‌الصدور ملقب شد. در شیراز وفات یافت و بنا بر وصیت خود در قبرستان باب‌السلام، صفا تریه دفن گردید. از آثار او رساله‌ای است در جواب سؤالی درباره وحدت وجود و بعضی حواشی بر کتب عربی و فقهی.

حدیقه‌السمراء (۲/ ۱۰۵۹-۱۰۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۵۹-۵۶۰)، طرائق الحقائق (۳/ ۳۲۹-۳۳۲)، مریدک سخنوران (۳۷۰).

رحمت کازرونی، سید صبی حکیم، فرزند سید عباس مجتهد طباطبائی. (۱۲۷۷-۱۳۲۳ ق)، فقه‌اصول، مجتهد، مدرس، عارف و شاعر، متخلص به رحمت. ملقب به مجتهد و معروف به حاج مجتهد. در

رحیم، فرزند کرملی، (ز ۱۳۱۸ ق)، نقاش، وی نواده آقا نجف اصفهانی است. او نقاش چهره نگار و گل ساز بود که دو دوره مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار می‌زیست و به تزیین قلمدها و جلد‌ها اشتغال داشت. از آثار وی: قلمدان گل و مرغی صدمه دیده‌ای است که با گل و مرغهای شیرین تزیین شده و بر رویه قلمدان سه قطعه عکس ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار در داخل مدالیون‌هایی چسبانده شده و اطرافش تذهیب گشته است، به خط طلائی و شکسته رقم نهاده. «رحیم بن کرملی ۱۳۱۸»

احوال و آثار نقاشان (۱۳۵۷/۳)، هر قلمدان (۱۲۳).

رحیمای قاری، (ز ۱۰۸۲ ق)، خطاط. در کتاب «جامع مفیدی» ضمن خوشنویسان یرد چنین آمده: «رحیمای در خط نستعلیق رأیت بی مثلی می‌افزود و با وجود حسن خط و حق، انواع فنون و اصناف کمالات حاصل نموده و اکثر اوقات همت بر تعلیم قراعه آن می‌گمارد و قطعات خطش روح‌انرا است. در فنون شعر و معما سرآمد است. به مهال ۱۰۸۰ ق به اصفهان به اردری شاه صفی رفت و خطوطش مورد پسند شاه واقع شد و پس از مدتی توقف در اصفهان و معاشرت با ارباب دانش و سخن به یزد بازگشت».

احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۶/۱)، جامع مفیدی (۳/ ۲۰۲-۲۰۴)

رحیم دکئی، (ز ۱۲۲۶ ق)، نقاش و قلمدان ساز. در زمان فتحعلی شاه قاجار می‌زیست. از آثار وی: صورت نقاش، رحیم دکئی است، با رقم، ۱۵۰ ربیع الثانی ۱۲۲۶. شبیه خود را از دست خود کشیده، غلام رحیم دکئی؛ قلمدان نفیسی که تصاویر افرادی را در سه مدالیون مختلف نقاشی کرده و در بالا و پایین آنها مناظر دل‌انگیز و مجلس آرایبی ارائه داده و حواشی قلمدان گل و مرغ ریز دارد، با رقم، «رحیم دکئی ۱۲۲۵».

احوال و آثار نقاشان (۱۸۶/۱).

رحیم زاده ارژنگ، (۱۲۷۹-۱۳۳۸ ش)، مجسمه‌ساز. در کودکی همراه خانواده‌اش از آذربایجان شوروی به مشهد رفت. پس از مدتی برای آموختن مجسمه‌سازی و نقاشی مجدداً به آذربایجان آمد، سپس در بیست سالگی به مشهد برگشت و به سفال‌دبیری منصوب شد. در

به رحیم، در لاهیجان می‌زیست و به ورکشوی دورگار می‌گذرانید. وی غزل را نیکو می‌سرود. از اوست:
درون سینه رحیمی چه می‌طپس ای دل
قرار گیر زمانی که یار می‌گذرد
تاریخ نظم و نثر (۵۱۹)، الدومیه (۲۵۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۱)، مجمع‌الخواص (۲۳۲).

رحیم، (ز ۱۲۳۷ ق)، نقاش و قلمدان ساز. از مقامان پرندنگار و گل و بوته و قلمدان‌ها. از پر هنر در دوره فتحعلی شاه قاجار بود. از آثار وی: قلمدان گل و پلل شیرایی که به استادی و جلالت خاصی تصویر شده و حواشی و کتاره‌ها نیز تذهیب و حل کاری ماهرانه دارد، با رقم، «یا رفوف و یا رحیم ۱۲۳۷».

احوال و آثار نقاشان (۱۸۲/۱)، هر قلمدان (۱۱۸).

رحیم، (ز ۱۲۹۵ ق)، نقاش و قلمدان ساز از استادان گل و بوته‌سا بود که در نقاشی آبرنگ نیز مهارت داشت. وی گل و مرغ را به شیوه لطیفی شیرازی و علی شرف می‌کشید و به نیکوترین ترتیبی آرایش می‌داد. از آثار او: قلمدان استادانه و دلپذیری در زمینه زرد نخودی که با گل و مرغ استادانه تصویر شده، با رقم: «یا رحیم» تصویر گل سرخی به آبرنگ که به پر دار استادانه و جلالت تمام ترسیم شده، با رقم: «یا رحیم ۱۲۹۵» قلمدان گل و مرغ استادانه با زمینه سبز و در شیوه لطیفی شیرازی، با رقم: «کمترین رحیم»، تصویر پر پیرایه گل و برگ سیاه قلمی که در حاشیه قرمانی از ناصرالدین شاه جلب نظر می‌کود، با رقم: «یا رحیم».

احوال و آثار نقاشان (۱۸۲-۱۸۳/۱)، هنر قلمدان (۱۲۰)

رحیم فررافه، فرزند میرزا علی نقی حکیم‌الممالک، (۱۲۷۳-۱۳۰۳ ق)، مترجم. به مناسبت ترجمه کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه» مرحوم ناصرالدین شاه قاجار به او لقب فررافه داد که بعدها این لقب نام خانوادگی وی شد. در جوانی دوگذشت. از دیگر آثار او: ترجمه «مفرنامه دکتر هیری لانسدل» انگلیسی به ترکستان و خیره و بخارا؛ ترجمه «نامه‌های متبادله میان ژنرال کرممان روسی گل‌مران ترکستان و امیر شیر علی خان پادشاه افغانستان (۵۵ نامه)».

شرح حال رجال (۶/ ۹۹-۱۰۰).

سررشته داشت. از آثار وی: تصویر شتری در حال استیصال که به چنگ ازدهای قوی هیکلی دچار گشته و در حال جان‌کندن می‌باشد. و رقم نقاش چنین است: «رحیم عباسی رقم شده»

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۸۳)

رحیم علی‌آبادی، سید رحیم، (س سیزدهم ق)، شاعر. وی این علی‌آباد مازندران بود، که گاهی صفوی می‌سرود. از او مت

شد باز حیدر دار ز حال من محزون

ای سینه نکش آه که وقت الز آمد

سمیه‌المسعود (۲/ ۵۶۲)، فرمتنگ سخوران (۳۷۱-)

۱۳۷۲

رحیم صفوری، فتح‌آه، فرزند اعتبارالمالک. (تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در ک‌شان متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، دوره متوسطه را در دارالمعلمین حواید. مدتی مسئولیت اداره روزنامه «اتحادیه» را به عهده داشت. اثر او: «دختران سدحت» در دو مجلد.

الدریبه (۸/ ۵۰)، زندگانه رحال و مشاهیر (۳/ ۳۰۲)،

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۷۷۳ ۷۷۴)

رحیم کاشانی، (ز ۱۳۱۰ ق)، نقاش. نقاش رنگ و روش و آبرنگ‌ساز و از مردم کاشان بود. او تصاویر خود را در سبک مخصوصی پرداز می‌زد و در شیء‌سازی دستی پرمایه داشت. از آثار وی: شمایل حضرت محمد (ص) و صوری آن حضرت و خواجه عبدالله انصاری که به سبک مخصوصی چهره‌سازی شده، با رقم: «فرمایش ببلدگی عبدالرحیم عطار حمل کمترین رحیم کاشانی ۱۳۱۰» تصویر رنگ و روغنی تاهراالدین شاه که سوار بر اسب شده، با رقم: «خلق الله رحیم کاشانی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۸۴)

رحیم گمانچه‌کش، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، نوایرنده، از نوایرندگان گمانچه بود و چون آواری سبکو داشت، از شیء خواندنی تکیه دوست شد. وی مدتی جزو دسته نوایرندگان دستگاه نایب‌السلطنه بود. میرزا رحیم از قدمای موسیقی بود و دستگاهها را به تحصیل می‌نواخت او اولین استاد روح‌الله خالقی است.

۱۳۰۷ ش به تهران آمد و در شهرداری، در بخش زیباسازی شهر مشغول به کار شد. پس از مدتی از سوی رضا شاه به فرانسه اعزام شد و در آنجا به مدت دو سال به آموزش پرداخت و علاوه بر آن بر ساختن چهار مجسمه‌ای که بعدها در میدان سپه، راه آهن و بهارستان و در اصفهان نصب شد، نظارت کرد. او اولین مجسمه‌ساز و قع‌گرا در ایران بود و به دلیل فعالیت‌های هنری به اخذ دو مدال هنری نایل آمد و سرانجام به علت سکتة قلبی درگذشت. از آثار وی: «نمای خارجی کاخ دادگستری»، «مجسمه قدیم فردوسی در میدان فردوسی»، زندگانه رحال و مشاهیر (۳/ ۲۹۲).

رحیم‌زاده صفوی، سلطان علی‌اصغر، فرزند میر سید رحیم، (۱۲۷۳-۱۳۳۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد متولد شد، در همان شهر تحصیل کرد و زبان فرانسوی هیأت و نجوم، علوم ادبی و عربی را به خوبی آموخت. سپس به تهران آمد، به بیروت و سویس سفر کرد. در ۱۳۰۱ ش روزنامه «آسیای وسطی» را در تهران منتشر ساخت، در ۱۳۰۳ ش پس از توقیف «آسیای وسطی» به فرانسه رفت و از راه ترکیه به شوروی مسافرت کرد و به تهران بازگشت. در ۱۳۰۷ ش به افغانستان و هندوستان سفر کرد و مدتی سردبیری روزنامه «حیل‌المین» را به عهده داشت. پس از دو سال اقامت در کلکته، به ایران مراجعت کرد و به عنوان مترجم عربی و انگلیسی و ترکی استانبولی در اداره قوانین دادگستری به خدمت مشغول شد. او در ۱۳۲۱ ش به درخواست زین‌العابدین رهنما سردبیری روزنامه «ایران» و در ۱۳۲۲ ش بنا به تقاضای ملک‌الشعراء بهار مدت کوتاهی سردبیری روزنامه «نوبهار» را پذیرفت. سرانجام در تهران وفات یافت از آثار او: «تاریخ ایران اقتصادی»، «داستان نادرشاه»، ترجمه «جنگهای صلیبی»، «مرگذشت سه اختر تاناک ایران»، «بیژن و میژ»، «داستان شهربانو»، «سبک شناسی یا شیوة خط نوی» «شاه عباس کبیر».

ازیم تا دورگار ما (۲۳۵-۲۳۶)، تاریخ عربیه ۱/

۱۷۲-۱۷۶، زندگانه رحال و مشاهیر (۳/ ۱۷۲-۱۷۶)

مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۱۱۹-۱۱۸)

رحیم عباسی، (س دوازدهم ق)، نقاش. آبرنگ‌ساز دوره زندیه و اوایل قاجار بود که در نقش حیوانات

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۱-۵۲۲)، سرگزشت موسیقی
(۱/ ۵۸۵۷-۵۸۴۹).

رخ، رکن الدین - همایون فرخ، رکن الدین.

رخسان، علی، فرزند میروا خنلا مرطبا میناساز.
(۱۲۸۰-۱۳۶۸ ش)، نقاش. شاگرد کمال‌الملک بود. در
دوازده سالگی وارد مدرسه صنایع مستظرفه شد و در
این هنر چندان رشد کرد که بعدها نقاش پرده‌ای زیباترین
حماسه‌های «شاهنامه» و حتی مبتکر «تابوی سنگ»
گردید. در یک سازه تصادف در هشتاد و هشت سالگی
چشم از جهان فرو بست. از آثار وی: «تابلوی سنگ»،
«تابلوی شکارچی‌ها»، «آسیاب دولاب»، «باغ سعدی»،
که وی به این تابلو در صفحه نخست روزنامه‌ها و محافل
هنری آن روز مطرح شد؛ «گاو بالدار».
کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱۰، ص ۶۵۶۲).

رخشان تهرانی، مهر تاج پندرانجسی، فرزند میر
محمدباقر رضوی. (تو ۱۲۱۸ ش)، «ل. ه.»، متخلص به
رخشان. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و انجمن
پدرش گذراند، سپس در مدرسه آمریکایی «اصفهان»
تحصیل کرد. او در ۱۲۸۰ ش با کمک پدرش «مکتب»
ام‌المدارس را تأسیس کرد. سپس به خدمت فرهنگ
درآمد و به سمت دبیری و مدیری در گلیاگان و مشهد و
شاه‌رود و ملایر مشغول شد. در ۱۳۱۱ ش در دماوند
پرورشگاهی جهت نگهداری کودکان یتیم و بی‌بضاعت
تأسیس کرد و مدیریت آنرا خود عهده‌دار شد. وی به
زبانهای انگلیسی و فرانسوی و عربی آشنایی کامل و در
نقاشی و موسیقی هم سر رشته داشت. از او حدود هزار
بیت شعر بر جای مانده است. از دیگر آثار وی کتاب
«رنان سخنوره» هدایت به راههای عدالت را می‌توان نام
برد.

دایره المعارف و ایران (۲/ ۲۸۵-۲۸۶)، فرهنگ
سخنوران (۳۷۲)، کارنامه رنار (۱۱۳-۱۱۴، ۱۲۷).

رخشانی، رضا. (تو ۱۲۹۷ ش)، سازگر. در تهران
متولد شد. بازی در تئاتر را از سال ۱۳۲۳ ش و فعالیت
سینمایی‌اش را از ۱۳۳۳ ش با «عروس و حجله» آغاز
نمود و در بیش از شانزده فیلم بازی کرد. از عهده
فیلم‌هایی که در آنها بازی کرده: «معموب لیث»؛

«تنگسیر».

فرهنگ فلم‌های سینمایی ایران (۱/ ۳۷، ۴۲، ۵۲، ۵۶).

رخصت سبزوئی، میروا خداوردی. (س سیردهم
ی)، شاعر، متخصص به رحمت. اهل سبزووار برد از
اوست.

رخصت از گردش ایام چه عشرت جوئی
عشرب آن بود که در عهد جهانبانی بود
فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مصطفی عرب (۷۰).

رزاقی قلی، تقی، فرزند محمد مهدی کاشانی.
(۱۲۹۶-۱۳۶۹ ش)، شاعر. در قم متولد شد. تحصیلات
ابتدایی را در آن شهر و متوسطه را در خراسان به پایان
رسانید. زبان انگلیسی را نزد پروفیسور مولوی هندی
فراگرفت. پس از بازگشت به قم، چاپخانه قم را دایر نمود
و خود مدیریت آن را پذیرفت. وی با همکاری قلی چند
از شعرای جوان، انجمن ادبی قم را به ریاست محمود
تندری، متخصص به شیوا تشکیل داد. «دیران» تندری به
مکعبی و کوشش وی چاپ و نشر شد. رزاقی شعر خوب
نبی‌سرود به ویژه در سرودن ماده تاریخ توانا بود. ترجیع
بند هاتف اصفهانی را تحمیس کرد و به نام «یکتانامه» یا
«ترجیع شد هاتف اصفهانی» منتشر ساخت.

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۵۱۸-۱۵۲۲)، فرهنگ
سخنوران (۳۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۱۹-۲۲۰).

رزم آرا، حسینعلی، فرزند حاج محمد. (تو ۱۲۷۲
ش)، نویسنده. ملقب به افتخار نظام. در تهران به دنیا آمد.
تحصیلات خود را در مدارس رشدیه، اقدسیه، الیانس
فرانسه و مدرسه فزوقخانه به پایان رساند و به درجه
اعمری رسید. مدتی نیز در فرانسه علوم جغرافیایی
نظامی را تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در
فزوقخانه از احمدشاه قاجار لقب افتخار نظام گرفت. وی
پس از کودتای ۱۳۰۰ ش مجله تشون و در ۱۳۰۲ مجله
پهلوی را منتشر نمود. او پس از شهریور ۱۳۲۰ درجه
سرلشی گرفت و به ریاست اداره جغرافیایی ارتش
منصب شد. از دیگر مشاغل وی: استادی دانشگاه
جنگ، ریاست ستاد لشکر خراسان، از دیگر آثار وی:
«راهنمای ایران»، «فرهنگ جغرافیایی ایران»، به
همکاری چند نفر از افسران ارتش؛ «فیله سما»، عربی؛
«مرآت البدن یا تشریح طبی»؛ «تجرب برای همه».

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۲۰-۷۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۳۰-۹۳۱).

رزم آراء، حاج علی، فرزند محمد، (۱۲۸۰-۱۳۲۹ ش)، استناد دانشگاه و محقق. از رجال سیاسی عهد بهلولی. در تهران متولد شد. در مدرسه آلیاس و اقدسیه و دارالفنون و مدرسه نظام مشیرالدوله (حسن پیرنیا) تحصیل کرد. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه سن سیر به تکمیل تحصیلات پرداخت و بعد به ایران بازگشت. وی در دوران خدمت در ارتش سمتهای مختلفی را عهده دار گردید و مدتی نیز در دانشگاه جنگ و دانشکده افسری کرسی تدریس داشت. در ۱۳۲۹ ش به نخست‌وزیری انتخاب شد و در همین سال در مسجد امام خمینی (مسجد شاه) ترویج شد. آثار وی کتابهای متعدد درباره جغرافیای نظامی ایران و ممالک همجوار است، از جمله: «تاریخچه مختصری از کشور عراق»، «جغرافیای نظامی ایران، آذربایجان»، «جغرافیای نظامی ایران، گیلان و مازندران»، «جغرافیای نظامی کشور افغانستان»، «جغرافیای نظامی کشور عربستان».

رنگینانه رجال و مشاهیر (۲/ ۳۰۲-۳۰۳)، شرح حال رجال (۱/ ۳۰۲-۳۰۳)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۱۴-۷۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۴۳-۲۴۴).

رزمه ای باختری، میر محمد حسین حسینی، فرزند علاءالدین علی صانعی (س دهم ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان قزوین بود. تذکره نویسان قدیم وی را از رزمه باخری و متأخران اسماعیلی دانسته اند. وی شاگرد محمد قاسم شادینشاه بود و از تعلیمات شاه محمود نیشابوری و مسلمان محمد خندان نیز بهره مند شد. کتات او را پخته و حتی بعضی در نهایت امتیاز یافته اند. وی در قزوین با اکثر اعیان دربار شاه طهماسب صفوی مصاحب بود و پس از مرگ شاه به خراسان رفت و به کشاورزی پرداخت. صاحب «خلاصه التواریخ» با او دیدار کرده و او را آراسته به کمالات و شعرش را نیکو دانسته است. در اوان شرکتازی ترکمنان و انقلابات خراسان، پریشان و بی سامان شده و در همان اوان درگذشت. از آثار وی یک نسخه «دیوان» امیرشاهی که به احتمال قوی به خط اوست و به قلم کتابت خوش چنین رقم دارد «کتابها المفیر [محمد حسین] الحسینی غفر دنویه و ستر عیریه.

تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۹۷۶ بمقام رزمه من اعمال باخری.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۸۵-۶۸۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۲/ ۴۲۰-۴۲۱)، گلستان هنر (۲/ ۱۰۲)، مناقب هنروان (۱/ ۷۱-۸۲).

رساء قاسم، فرزند حسن، (۱۲۸۸-۱۳۵۶ ش)، پزشک و شاعر، متخصص به رساء در مشهد متولد شد. تحصیلات خود را تا اخذ دکترای طب در دانشگاه تهران ادامه داد و در این رشته به دریافت نشان درجه اول علمی نایل گشت. او پزشکی حادق و شاعری با استعداد بود و طبعی رساء داشت و ملک الشعرای آستان قدس رضوی و رئیس بیمارستانی در مشهد بود. از آثار وی «دیوان» شعر حدود شش هزار بیت که به چاپ رسیده است؛ «مرآئی و مناقب اباعبدالله الحسین» چاپ مشهد. صد سال شعر خراسان (۲۶۳-۲۶۶)، فرهنگ سخنوران (۲/ ۸۹۵-۸۹۶).

رساء تهرانی، میر سید اسدالله، فرزند سید حسن، (تو ج ۱۲۰ ش)، روزنامه نگار و شاعر. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران به پایان رساند و عده و حقوق اسلامی را نزد مرحوم میرزا محمود قمی، مدرس مدرسه صدر و علامه حکیمی آموخت. سپس روزنامه «اقبوس» منتشر کرد که بارها توقیف شد و مدیر آن به زندان افتاد و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش دنگر منتشر شد. رماگاهی شعر هم می گفت. تاریخ جراید (۲/ ۱۰۵-۱۰۶)، رنگینانه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۰۵-۳۰۸).

رسم ارزنگی، عباس تبریزی، (س چهاردهم ق)، سقا و شاعر. وی در آبرنگ و رنگ روغن مهارت داشت و در تصویر آفرینی گل و مرغ و مجالس بزمی و رسمی حلاقی بود و اغلب در شیوه تجاری تصویر می آفرید. او همچنین در ادبیات نیز دست داشت و شعر را نیکو می سرود. از آثار وی: تابلوی باشکوه نادرشاه فشار که در کمال قدرت تصویر شده و یکی از بهترین آثار وی به شمار می آید؛ تصویر دختر ایرانی که با حلاوت تمام بین گلهای سوخ جای گرفته و بهترین نمونه دوقی و قدرت ابتکار نقاشی می باشد. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۸۵-۱۸۶).

رستم الخطاطین، ابوابقاء - ابوابقاء موسوی
حسینی ابرقویی.

رستم خوریانی - خوریانی، خواجه حسام‌الدین.

رستم سمرقندی، فرزند خواجه نظام‌الملک. (وف
۱۰۰۵ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به رستم. وی مدتی
در دستگاه ابوسعید خان در سمرقند منصب انشاء
داشته، پس از مرگ او به بلخ رفت و به وزارت
خواجه جان پارسا رسید. پس از مرگ خواجه به هند رفت
و در مالوه درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.
تاریخ نظم و نثر (۵۸۵)، تذکره‌الشعراء (۴۲۲)، فرهنگ
سجوران (۲۷۲).

رستم علی. (من چهاردهم ق)، نقاش. وی درویش
مسلک بود و در هنر شاخنی دست پرورده‌ای داشت. از
آثار وی: دسته گل زیبایی که در میانه آن مرغ درشت
هیکلی با بالهای گسترده جلب نظر می‌کند و حواشی نیز
نقشهای ناخنی دارد، با رقم: «یا صاحب کرم رستم علی»
(حوال و آثار نقاشان ۱/ ۱۸۵).

رستم علی خراسانی. (من دهم ق)، خطاط. وی
خواهرزاده سهراد نقاش بود. خط نستعلیق را خوش
می‌نوشت و دو کتابت خفی و جلی مهارت داشت. به
قرنی در هرات نشو و نما یافته و در دربار سلطان حسین
بدیقا به کتابت مشغول بوده و پس از روان سلطنت او به
فرس سفر کرده است. در اوایل حال از کتابت کتابخانه
بهرام میرزای صفوی بود؛ سپس در نزد فرزندان او، سلطان
ابراهیم میرزا، در مشهد به کار کتابت اشتغال داشته و از
شاگردان سلطانعلی مشهدی و از نزدیکان شاه محمود
نیشابوری بوده است. از شاگردان او می‌توان به فرزندان
هنرمندش، محبعلی نایب، اشاره کرد. استقامتی در مکان
و زمان و قوت وی وجود دارد؛ عده‌ای معتقدند در هرات
در جرار قبر کمال‌الدین سهراد در ۹۴۲ ق دفن شده و
عده‌ای دیگر مدفن وی را در هرات، در حدود سال ۹۴۵
تا ۹۴۲ ق ذکر کرده‌اند؛ اما مؤلف «گلستان هنر» مرقد وی
را در جنب مزار سلطانعلی مشهدی دانسته و سال وفات
وی را ۹۷۰ ق در مشهد ذکر کرده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۸-۲۰۷).

خوشنویسان و هنرمندان (۱۷)، عالم‌الهی عباسی (۱).

رسا مذهب. (ز ۱۳۱۱ ق)، نقاش و مذهب. وی به
شیوه کلاسیک اروپایی و ترکی نقاشی می‌کرد. از آثار او
حله‌ای بزرگ و مذهب و مرین که علاوه بر خط استادانه،
تذهیبی در شیوه کلاسیک دارد، با رقم: «کتبه و دهه
العاجز هیکم رسا ۱۳۱۱»
احوال و آثار نقاشان (۱۲۵۷/۳).

رستق‌القطنی، جمال‌الدین - جمال قزوینی.

رستگار، رضا، فرزند اسماعیل. (تو ۱۲۸۸ ش)،
استاد دانشگاه و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی
و متوسطه در اصفهان و در آزمون تهران، در ۱۳۰۵ ش به
فرانسه هجرت نمود. پس از خاتمه تحصیلات در تولوز
پاریس و آفریقای شمالی و به دست آوردن تحصیلات در
میکروپ شناسی و بیماری واگیر دام و درجه دکترای
دامپزشکی به یران مراجعت نمود. رستگار هجده‌سال
مشاغل مختلفی بود که در پایان به سمت استادی و
ریاست دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران منصوب
شد. از آثار وی: «بیماریهای واگیر دام»، «میکروپ
شناسی و زینهارشناسی عمومی»، «با مشارکت دکتر
مرتضی کاوه و دکتر احمد شمس»
مؤلف کتب چاپی (۳/ ۱۵۹-۱۵۸).

رستم بن سالار بن محمد. (ز ۸۵۸ ق)، نویسنده و
موسیقیدان. وی مؤلف کتابی است به نام «خلاصة الادوار
من مطالب الاحرار»، در موسیقی که در ۸۵۸ ق تألیف
شده است.

تاریخ نظم و نثر (۲۰)، کشف‌الظنون (۷۱۷)،
هدیه‌المؤمنین (۱/ ۳۶۷).

رستم بیک شیبانی، فرزند جانی بیک. (۹۶۸-۹۹۱
ق)، شاعر، معروف به کوسه رستم. وی از کارگزاران
دشگاه شاه محمد خداپسند و شاه عباس صفوی بود و
حکمرانی ناحیه هزار جریب را داشت. رستم بیک بیشتر
به زبان ترکی شعر سروده است.

تاریخ اقبالیات در ایران (۵/ ۵۰۹)، تاریخ نظم و نثر
(۲۹۷)، الفهرست (۹/ ۳۵۸)، لغت‌نامه (دجل / رستم
بیک)، مجمع‌النصحا (۲/ ۵۵).

(۱۷۰)، گلستان هنر (۱۰۰)، منتخب متروان (۶۶، ۷۲)

رستم علی شاهی. (س نهم ق)، خطاط. وی از نزدیکان سلطان علی قایی و عبدالرحیم و عبدالکریم حواری و از خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق قویلو (۸۸۴-۸۹۶ ق) بود و به همین مناسبت «شاهی» رقم می‌کرد و به شیوه سلطانعلی مشهدی می‌نگاشت. از آثار وی هشت قطعه در مرقمهای مختلف، به قلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه رستم علی شاهی ضر دریه» و «مشقه رستم علی» دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه رستم علی ضر دریه» چهارده قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلمهای سه‌دانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش که یکی رقم: «بفرموده حضرت شاه... مشقه رستم علی الشاهی...» و مابقی رقم: «کاتبها رستم علی...» و «مشقه رستم علی الشاهی» دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۰۹-۲۰۸)، هنر عهد نهمریان (۶۲۹)

رستم یزدی، قزوینیه رستم درویش، فرزند کیکاووس. (س سیزدهم ق)، دانشمند و شاعر گزاهالی فریه خرمشاه حومه یزد است در کودکی به هند رفت و با جوکیان یار و دمساز شد و به نام نورهمین بین هندیها و درویش حیات بین ایرانیان معروف گردید. وی طبع شعر داشت و زبان سسکرم را به خوبی می‌دانست و در علم رمل و اسطرلاب و نجوم و جفر مهارت کامل داشت و کتابی در همین موضوع تدوین نمود که در دسترس نیست. اثر دیگر وی رساله «ظاهر الذکر رستم» است در مورد ذکر رام و ست ناراین

تذکره سخنوران یزد (۱۴۱-۱۴۲)، فرمینگ سخنوران (۳۷۲)

رستم سمرقندی. (س دهم ق)، شاعر از شعرای سمرقند و ساکن تبریز بود. از اوست: دلا یک بار اگر ب یار برخیزوی و نشیسی میان خون چو من بسیار بوخیری و بنشیسی تحفه سامی (۲۶۴)، تذکره روز روشن (۲۹۱)، قدریمه (۲۵۸/۹)، فرمینگ سخنوران (۳۷۴).

رستمی قلندر یزدی - رستمی یزدی.

رستمی یزدی، سیر عبیدالرزاق، (س یازدهم ق)، صوفی و شاعر. هل یزد بود. به هندوستان مسافرت کرد و در لاهور به ملازمت خان حانان رسید و در سنگ مداحانش درآمد و از هدایا و انعامات زیادی برخوردار گردید مؤلف «مآثر رحیمی» گوید: در ۱۰۲۴ ق در گنگنده بود. در «کاروان هند» قسمتی از قصیده مدحی وی درباره خان حانان آمده است

تذکره روز روشن (۲۹۱)، فرمینگ سخنوران (۳۷۴)، کدوران هند (۱/ ۲۲۸-۲۲۰)، مآثر رحیمی (۲/ ۱۲۰۵-۱۲۹۷)

رسوای شیرازی، علا احمد. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رسوا، به کثرت احادیث اوقات می‌گستراند و شعر نیز می‌گفت. از اوست

رقیب، طبعه بی خان و ما بین چه رسی سیاه خیمه چون زیر آسمان دارم تذکره روز روشن (۲۹۱)، تذکره مصرع‌نوی (۲۰۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۰۷)، الذریعه (۹۱/ ۲۵۹)، مرآت المصاححه (۲۳۴-۲۳۵).

رسول‌زاده، محمد امین. (۱۲۶۳-۱۳۳۳ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در یادگوبه متولد شد، پس از تحصیلات قدیم و جدید، به فعالیتهای سیاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا روزنامه «تکامل» را بنیاد نهاد، پس از توقیف «تکامل»، مدیر روزنامه «ارشاد» و بعد از توقیف «ارشاد»، عضو هیات تحریریه روزنامه «ترقی» و سپس سردیر روزنامه «ایران نو» شد. در بهشت گیلان با مجاهدین به تهران آمد. وی در دوره دوم نمایندگی مجلس شد. در ۱۹۴۷ م به ترکیه رفت و در همان کشور درگذشت. از او تألیفات سیاسی بسیاری به جا مانده، از جمله: «انقید ترقه اهندالیون»، «سعادت بشر»، «عقصر مزدک میاوش»، «ملیت و ملت‌پریم»

رسمیا تا سیم (۲/ ۱۰۹-۱۱۰)، تاریخ جراید (۱/ ۳۷۷-۳۸۹)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۲/ ۳۰۹-۳۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۸۸-۶۸۹)

رشاد، محمد، فرزند محمد کاظم. (نو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده. اهل زبجان بود. در یک خانواده روحانی متولد

صحن عنری دهن شد. تمامی بازارهای ایران با شنیدن خبر وفات وی بسته شد. از آثار وی: «الاجار» شرح بر «شرایع الاسلام»، شامل قروعات نادره و حاوی احکام بیع فصولی و بیع معاظاة؛ «بیع الافکار»، در بدایع اصول فقه؛ «المبادل و التراجیح»؛ رساله‌ای در «تعلیق علی الاعلام»؛ رساله‌ای در «المصیب»؛ «تعلیق علی لمکاسب»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «اکاشف الظلام فی علم الکلام»؛ «کتاب الطهارة»؛ «اجتماع الامر والنهی»؛ «الامامة».

الاهلام (۱۷۲/۲)، اعیان الشیعة (۵۶۱، ۵۵۹/۳)، دایرة المعارف فارسی (۸۳۲/۱)، الذریعة (۱۲۲/۱)، ۲۶۷/۳، ۳/۳، ۲۰۳/۴، ۱۵/۱۵، ۱۸۲/۱۷، ۱۴۱/۲۵، ۱۴۲/۱، رجانه (۲۰۸، ۲۰۷/۲)، شرح حال رجال (۵/۵۸)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۴/۳۵۷-۳۶۰)، علماء معاصرین (۵۲، ۵۱)، فوائد الرصویه (۹۳)، گنجینه دانشمندان (۵/۱۷۸، ۱۷۷)، المآثر والأثر (۱۳۲)، معجم رجال نجف (۲/۵۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۴۹۳-۴۹۴)، معجم المؤلفین (۲/۱۸۸).

رشتی، سید کاظم بن قاسم حسینی گیلانی حائری، (۱۲۵۹-۱۳۱۲ ق)، فقیه و آدیب. در رشت متولد شد و در کر بلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خوش تحصیل کرد. وی از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ محمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد شیخ درس را شروع نمی‌کرد. پس از شیخ احسائی نایب او و پیشوای فرقه شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تأیید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبدالله شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه روایت داشت. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امام‌الله دهلوی عظیم‌آبادی از شاگردان او بودند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل» جوابات المسائل؛ شرح «قصیده لاهیة» عبدالقاسم صوری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیة»؛ «امروا الشهادة»؛ «امروا الحج»؛ «امروا العبادة»؛ «الحجة البالغة»؛ در رد مثل باطله؛ «دلیل المتحیرین و ارشاد المسترشدين»؛ «الحجة الدامغة»؛ «الروایع الحسینیة»؛ «مقامات العارفين».

الاهلام (۵۶۷/۶)، ایضاح المکتون (۱/۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰)، دایرة المعارف فارسی (۲/۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، ۵۳۶)، دایرة المعارف فارسی (۲/۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، ۵۳۶).

شد. پدرش از فقهای بزرگ و دارای تألیفات متعددی در امور فقهی بود. محمد تحصیلات قدیمی را به اتمام رساند و مدتی نیز درس حکمت خواند. پس از گذراندن امتحان قضایی وارد دادگستری شد و مشاغل می‌ماند دادستانی و قضاوت را دارا بود. در پایان از خدمات دولتی کناره گرفت و در منزل به معالمة و تحقیق مشغول شد. از آثار وی: «اصول فقه»؛ «جنگهای صلیبی».

مؤلفین کتب چاپی (۵۰/۴۷۹، ۴۷۸).

رشتی، شیخ پیرامیم، (وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه اصولی و علمای بزرگ و رها د نجف بود. در محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی تحصیل نمود و بسیاری از «تقریرات» استادش را در فقه و اصول نگاشت، که تحت عنوان «اصول الفقه» از او ماقی است. در نجف درگذشت.

الذریعة (۲/۲۰۱، ۴/۳۶۸)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/۳)، معجم رجال نجف (۲/۵۹۷)، معجم المؤلفین (۳۱/۱).

رشتی، احمد بن محمد حسن بن محمد علی، (وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی، منجم و آدیب. مانند پدرش در علم نجوم برجسته بود و در استخراج تقویم مهبهریج بخصوصی داشت. اصل او از رشت بود و در آنجا متولد شد و ساکن نجف بود. وی دارای «تقویمی» به عربی بود. از دیگر آثار وی: «مهیج الارزاق».

عیان الشیعة (۳/۲۲۰)، الذریعة (۲/۲۰۲، ۲۳/۲۹۱)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/۸۳، قرن ۱۴/۹۵)، معجم المؤلفین (۲/۹).

رشتی، حاج میرزا حبیب‌الله، فرزند میرزا محمد علی خان بن اسماعیل خان رانکوتی گیلانی، (۱۲۳۴-۱۳۱۲ ق)، عالم، محقق، فقیه اصولی، مدرّس و مرجع تقلید. مشهور به مجتهد گیلانی. از شاگردان شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری بود. وی در فقه و اصول یگانه زمان خود بود. او را سرآمد معاصرینش می‌دانستند. حاج میرزا حبیب‌الله پس از حاج سید حسین کوه‌کمری ریاست بحث و تدریس حوزة نجف را بر عهده گرفت و حوزة درس او مرجع استعاده همه علما گردید. وی در سفری که به قصد زیارت مشهد مقدس به ایران آمد در تمامی شهرهای مسیر، ویژه تهران، مورد استقبال با شکوهی قرار گرفت. در نجف درگذشت و در

حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه خراسانی و علامه یردی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه تدریس تشکیل داد و بسیاری از افاضل را از محضر خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف درگذشت و در وادی السلام در مقبره شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی بود. از آثار او: شرح «کتاب الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت» علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الشراک» در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه «الاستقار»؛ رساله «اصول الدین»؛ «الاطوار» در مباحث مختلف تفسیر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «مطلق» تعلیقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب».

الذریعه (۲/ ۱۸۹، ۵/ ۱۲، ۶/ ۱۴۸، ۱۳/ ۳۴)،
طبقات اعلام الشیعه (نوی ۱۲/ ۱۰۶۲-۱۰۶۷)، گنجینه
دانشمندان (۵/ ۱۷۸)، مجمع رجال نجف (۲/ ۵۹۹-۵۹۸).

رشتی، شیخ علی، فرزند ملا حسین عومنی. (۱۲۶۸-
شهادت ۱۳۲۷ ق)، فقیه، اصولی، مکلم و مدرس. در
رشت به دنیا آمد و مقدمات را از پدرش آموخت و فقه و
اصول و فلسفه و کلام را نزد علمای رشت، مانند: ملا
حسینعلی و ملا محمد علی اسام جهمه فراگرفت. در
۱۲۸۹ ق برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در
کربلا از محضر شیخ رین‌العابدین مازندرانی و دیگر
استادان بهره گرفت. آنگاه به دستور حاج میرزا حبیب‌الله
رشتی در نجف اقامت گزید و از ایشان و دیگر استادان
علوم دینی و فلسفه و عقیده شناسی را فراگرفت و به
اجتهاد مطلق نایل آمد. او از حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و
شیخ محمد طه نجف تبریزی و شیخ حسن مامقانی و
فاضل شریانی بهره‌مند و روایت حدیث گرفت. در ۱۳۱۲ ق
از نجف به رشت بازگشت و عهده‌دار مقام فضا و تدریس
و مرجعیت امور مذهبی مردم شد. در جریان انقلاب
مشروطه به شهادت رسید. پیکرش در رشت تا دو سال
به امانت نگهداشته شد و سپس بتا پر و هسیت وی در

۱۲۱۳، الذریعه (۲/ ۱۲، ۵۲، ۱۹۲، ۵/ ۱۸۱، ۶/ ۲۵۹،
۸/ ۳۶۰، ۱۰/ ۲۴۰، ۱۲/ ۱۲)، روایات الجنات (۱/ ۱۰۰-۱۰۱)،
مجمع المؤلفین (۸/ ۱۳۹-۱۳۸، ۱۱/ ۱۵۷)،
مکرم الآثار (۱/ ۲۰۹-۲۲)، هدیه الماریس (۱/ ۸۳۷-۸۳۶)،
یادگار (س ۵، ۲ و ۳، ص ۱۱۱، ۱۱۲).

رشتی، شیخ ابوطالب. (س سیزدهم ق)، عالم دینی.
از علمای کاطمیین و از شاگردان شیخ محمد علی بن شیخ
معصود مازندرانی کاطمی و شیخ محمدحسن آل یاسین
بود. او نسخه‌ای از «المسارک» را کتایت کرد و بر آن
حاشیه‌هایی نگاشت که بر فضل و مه‌اهت وی دلالت
دارد.

طبقات اعلام الشیعه (مرد ۱۲/ ۳۹۳۸)

رشتی، شیخ جواد بن عیدانکریم. (وف ۱۳۰۹ ق)،
عالم، فقیه، اصولی، مکلم، بحر و ادیب. به نجف
رفت و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام در محضر
شیخ انصاری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و
سید حسین کوهکمری پرداخت. کسانی چون سید کاطم
یزدی و میرزا محمد علی مدرس رشتی چهاردهول از
شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام
بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره‌مند
او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت
امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از
منکر جدی بود، به حدی که یک بار توسط ناصرالدین
شاه قاجار به تهران احضار شد. در رشت درگذشت و
پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام دفن شد. از آثار
وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتاب نلائق فی الکلام و الفقه و
الاصول».

اعمال الشیعه (۲/ ۲۷۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۳۳۲-۳۳۳)،
مجمع المؤلفین (۳/ ۱۶۶)

رشتی، شیخ عیدالحسین، فرزند شیخ عیسی بن
شیخ یوسف. (۱۲۹۲-۱۳۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه
اصولی، مجتهد، فیلسوف و مدرس. پدرش از علمای
بزرگ بود. اصل وی از قریه بجاریند رشت است. شیخ
عیدالحسین در کربلا متولد شد و در چهارسالگی به
همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در رین
شهر خواند. در ۱۳۱۲ ق به تهران آمد و از محضر شیخ
محمد حسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت.

تهران گذراند. او شاعری قصیده سرا و چهارپاره سرا است و اشعار خود را با نام استوار منتشر کرد. در «کتاب گیلان» تولد وی ۱۳۰۳ ذکر شده است. از آثار وی «یادگار یادگوبه»، که یادداشت‌های سفر آذربایجان شوروی در جشن بیست و پنجمین سال استقرار حکومت جمهوری شوروی آذربایجان است؛ «نه تن از ورای دوسار» همبازی شیعه و ایرانی نژاد؛ «دیوان» اشعار؛ بررسی منوی «پیر و جوان» میرزا نصیر اصفهانی

الذریعه (۲۵/۲۶۶)، فهرست کتابهای چاپی (۲/۳۴۲)، فهرستواره کتابهای مدرسی (۱/۱۵۸)، کتاب گیلان (۲/۵۸۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۴۲۰-۴۲۱).

رشتی گیلانی اصفهانی، سید «بوالقاسم»، فرزند محمد ابراهیم (من سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و ادیب. در ادبیات فارسی و عرب متبحر بود. از آثار وی: «اتحاف الناصریة فی فنون الأدبیه»، که مستثنائی است از اشعار عربی، در موضوعهای متفرقه از قبیل مدایح و مرثی و اخلاق.

اعیان الشیعه (۲/۲۱۰)، ایضاح المکنون (۱/۲۶۰)، الذریعه (۳/۳۷۵-۳۷۶)، ریحانه (۲/۳۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۴۹)، لغتخانه (دین/رشتی)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۵۱-۲۵۲)، مجمع المؤلفین (۸/۱۱۲)، ناسبا و نامدارهای گیلان (۱۶).

رشتی نجفی، شیخ شعبان، فرزند مهدی بن عبدالوهاب. (۱۲۷۵-۱۳۲۸ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. پدرش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرّس تحصیل کرد. در ۱۲۹۲ ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در ۱۳۰۲ ق به نجف رفت و از محضر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی کسب فیض نمود و پس از وفات علامه رشتی نزد حمایتی چون ملا محمد شریانی و شیخ محمد حسن مامقانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد. بسیاری برگردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب

صحن مظهر حسینی در کربلا دفن شد. از آثار وی: «اصول فقه»، چهار جلد؛ «مباحث فقهی» نماز، نساء، ارث، اجاره، بیع و دیات، در هشت جلد؛ بسیاری از «تقریرات» استادش محقق رشتی

شهیدان راه طبیب (۵۲۷-۵۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۱۳۰۸).

رشتی، شیخ ملا محمد ثمنی بن حسینی، (من سیزدهم ق)، فقیه آناربرگ تهرانی ذو «طبقات اعلام الشیعه» گویند. مجلد اول «جواهر» را در کتابخانه شیخ مشکور در نجف دیدم که صاحب عنوان آن را تصحیح و مقابله دقیق و به غایت محققانه کرده بود و در حواشی آن تقریباً حدود هزار بیت از اندکیهای کاتب را نگاشته بود. حواشی و تحقیقاتش دلالت بر فضل و برتری و پیشگامی وی در فقه می‌کند.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۱۰-۲۱۱).

رشتی، ملا محمد بن آقا رضا جوینده‌ای. (ز ۱۲۳۲ ق)، محدث. از آثارش «مجموعه الاحادیث» است که در ۱۲۳۲ ق بخشهایی از آن را به پایان رسانیده است.

اعیان الشیعه (۹/۲۸۲)، الذریعه (۲۰/۶)، مجمع المؤلفین (۹/۳۱۲).

رشتی، میرزا محمد علی - چهاردهی، میرزا محمد علی.

رشتی اصفهانی، میرزا محمد مهدی، فرزند میرزا قوام‌الدین. (۱۳۳۳-۱۳۷۸ ق)، ادیب و شاعر اهل ری از رشت بود. خاندانش به اصفهان مهاجرت کردند. وی در اصفهان تولد یافت و تحصیلات قدیم و جدید خویش را در این شهر گذراند. او قدرت حافظه و حدت ذهن داشت و مردی حاضر جواب و دقیق بود. در سومین انجمن ادبی ششدا شرکت می‌کرد. اشعری از او در «تذکره شمیرای معاصر اصفهان» آمده است.

تذکره شمیرای معاصر اصفهان (۲۱۲-۲۱۳)، تذکره القبر و (۴۶۸).

رشتی طباطبایی، میر احمد، (نو ۱۲۹۶ ش)، محقق، مترجم، استاد، آشگاه و شاعر. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در گیلان و حالی را در

رشته اصفهانی، میرزا محمدباقر. (وف ۱۲۶۶ ق)، شاعر. شاگرد آقا محمد کاظم راله بود. در اصفهان به دنیا آمد. از آثارش مثنوی «نوروز و خورشید» است.

حدیقه السعراء (۱/ ۶۲۹-۶۶۸)، الذریعه (۹/ ۳۵۹)، مجمع القصص (۴/ ۳۳۰-۳۳۱)، مکارم الآثار (۵/ ۱۸۲۷)

رشدی یاقفی، ملا قاضی، مرزله ملا یعقوب. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رشدی. وی بعد از مرگ برادرش ملا افضل همتی یاقفی، به منصب استیفای کل موقوفات یزد و بعد به تصدی موقوفات و میرابی پرداخت. رشدی در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

منشین ز طلب دامی همت بیرون
واندر ره دوست دیده بر نشتر زن
گیرم که درون خانه راحت بدهند
نسومید مباش و حلقه‌ای بر در زن

آتشکده آذر (۲/ ۶۲۱)، تذکرة روز روشن (۲۹۲)، تذکرة سخنوران یزد (۱۳۹)، تذکرة سخنرانی (۳۰۸-۳۰۷)، الذریعه (۹/ ۳۵۹-۳۵۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۵).

رشدی و ستمداری. (س یازدهم ق)، شاعر. در علم عروض و قافیه متبحر بود. از ستمدار به هندوستان سفر کرد و در دکن رحل اقامت افکند و در آنجا مرتبه امارت یافت. او در فن معما نیز توانا بود. از آثار وی، «دیوان» اشعار حدود سی هزار بیت.

تذکرة سخنرانی (۲۷۹)، الذریعه (۹/ ۳۵۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۵)، کاروان هند (۱/ ۴۴۰-۴۴۱)، هفت اقیم (۳/ ۱۳۳)

رشدیه، شمس الدین. (س چهاردهم ق)، مدرس و نویسنده. در مدارس صاحب منصبان و اندام‌میری به تدریس زبان فارسی و تاریخ و جغرافیا می‌پرداخت و استاد دانشکده «سری و آموزشگاههای و اسرارمیری و دیرستان نظام بود. از آثار وی: ترجمه «دهای کمیل»، «دهای سدی»، «دهای سمات»، «دهای عدیه»؛ «سجده سجاد»، حضرت زین العابدین (ع)؛ «موضوع تفسیر خط اسلامی».

مؤلف کتب چاپی (۳/ ۴۴۴).

رشدیه تبریزی، حسن، فرزند آخوند ملا مهدی.

«صلوة المسافر»: «کتاب القضاء»: «کتاب فی احکام الغسل»: «کتاب المتاجر»: مجلدی در «مباحث اللفظ»: «محدثی در «القطع» و «النظن» و «البرائة» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»: رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی قرائت اتمیت»: رساله‌ای در «الانصراف و عزل لولاه المصوبین من الائمة (ع)»: رساله‌ای در «انتقال اثره الى الواو مع الذين المستغرق للترکة»، حواشی بر «المروءة الوثقی».

علماء معاصرين (۱۴۴-۱۴۵)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۸۳۹-۸۴۸).

رشتی نجفی کاظمی، شیخ حسین بن همدانکریم. (وف ۱۳۴۸ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث و مدرس. در نجف نزد علامه سید محمدکاظم پردی و آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ کرد و به درجه اجتهاد رسید. به علت مشکلاتی، از نجف در ۱۳۳۹ ق به کاشان رفت و در آنجا مجلس درس تشکیل داد. در کاشان درگذشت و در محضر امام موسی کاظم (ع) دفن شد. سید محمد مهدی خراسانی اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول از شاگردان او بود. از آثار وی: «احسن الودیعه» که کتاب بزرگی بر هفت مستدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتاوی به بسیاری از رساله‌های عملیه.

الذریعه (۷/ ۲۳۱)، علماء معاصرين (۱۴۵-۱۴۶)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۵۹۸-۵۹۹)، محکم رجال نجف (۲/ ۵۹۸-۵۹۹).

رشته اصفهانی، بیگم، دختر هانف اصفهانی. (ز ۱۲۴۱ ق)، شاعر. از سادات اصفهان و مادر میرزا احمد، متخلص به کشته بود. مدتی در کاشان زیست و در همین شهر ازدواج کرد و به این سبب همدان از او با نسبت کاشانی یاد کرده‌اند. وی صاحب طبع و کمال بود و «دیوان» شعری در حدود سه هزار بیت دارد که به پیوست «دیوان» هانف در ۱۳۳۲ ش به چاپ رسید.

الذریعه ۱۲۹-۱۳۹)، تذکرة القیود (۳۱-۳۲)، حدیقه الشعراء (۳/ ۲۱۵۴-۲۱۵۵)، «دیوان المسافر» و «دیوان» (۲/ ۴۸۷)، الذریعه (۹/ ۳۵۹)، ریاض السیریه (۴/ ۲۵۴)، زبان سخنور (۱/ ۲۰۹-۲۱۵)، نثر نامه (ذی) رشته اصفهانی، مشاهیر زمان (۱۰۵-۱۰۴)، مصطفی غراب (۶۹).

همدانی و معاصر نصیرای همدانی و زکی همدانی بود. او در عهد شاه طهماسب صفوی شخصگی تبریز و عهده‌دار بود و در همان مقام نیز کشته شد. در منزل سرایی توانا بود و در موسیقی نیز مهارت داشت. از اوست:

تو ای خافل رآهم خانه رشکی چه می‌پرسی
بین از دور تا دود از کداهین خانه می‌خیزد

برگان و سخن سراپان همدان (۱/ ۲۵۲)، تاریخ ادبیات
در ایران (۵/ ۱۰۲۲)، تاریخ نظم و شعر (۴۶۷)، تذکرة
مستطفا (۸۳۱-۸۳۲)، الذریعة (۹/ ۲۶۰)،
مجمع القصائد (۱۹۸-۱۹۷)، مستطفا (۲/ ۵۶۶-۵۶۷)

رشید اسمرائینی، رشیدالدین محمد (ز ۸۵۲ ق)،
شاعر و صوفی. از آثار وی: مثنوی «المصباح» در شرح
مسائل عرفانی، در شرح سه اصل: محبت، عفا و نیاز که به
سال ۸۵۲ ق به پایان برده است.
تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۴۵۷)، منظومه‌های ماری
(۲۷۱).

رشید اسمراری، رشیدالدین محمد بن محمود (س
هشتم ق)، شاعر. از مشاهیر خراسان، اشعاری از او در
مدح شاهان باقی مانده است.
الذریعة (۹/ ۳۶۱)، لسان‌الالباب (۱/ ۲۶۵-۲۶۲)،
مجمع القصائد (۲/ ۶۷۱-۶۷۲)، هفت‌تقسیم (۲/ ۱۳۱-۱۳۲).

رشیدای ثانی، محمدتقی کاتب‌السلطانی (س
سیردهم ق)، خطاط خط نستعلیق و نسخ را خوش
می‌نوشته است. از آثار او یک نسخه «جوشن کبیر» به
نسخ کتابت خوش و نستعلیق متوسطه یا رقم. «... انا العبد
محمد تقی کاتب السلطانی، رشیدای ثانی»
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۶۶۹).

رشیدای عباسی، یاراحمد بن حسین (وف ۱۰۸۱/
۱۰۸۳ ق)، شاعر. از تبریزیان ساکن حاس آباد اصفهان
بود. در فن روگری و میناکاری ماهره شد. و در فن
شعر هم به اعتقاد خودش بی‌قریه بود. بعد از مدتی به
هند رفت و پس از بازگشت به ایران نزد شاه صفوی
تغرب یافت. از آثار وی: مثنوی در تتبع «مخزون الاسرار»

(۱۲۶۷-۱۳۶۳ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مؤسس
اولین مدرسه به طرز اروپایی و تعلیم الفبا به شکل نوین
در ایران. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و علوم
دیسی را در این شهر گذراند. به منظور فراگیری اصول
تعمیم و تربیت و آشنایی با شیوة تعلیمات جدید به
بیروت و استانبول و ایروان رفت و برای ایرانیان مقیم
ایروان مدرسه‌ای تأسیس کرد. ناصرالدین شاه قاجار در
بازگشت از سفر دوم خود از فردگ به ایران، ضمن بازدید
از این مدرسه، اظهار تمایل کرد که رشیدیه آن را به تبریز
منتقل کند و او در ۱۳۱۵ ق نخستین مدرسه ابتدایی
عمومی را در محله خیابان تبریز دایر کرد که پس از یک
سال تعطیل شد. رشیدیه به مشهد رفت، سپس به تبریز
بازگشت و چندی بار به تأسیس مدرسه اقدام کرد که هر
بار به عللی به تعطیلی انجامید. زمانی که امین‌الدوله به
هندوت رسید، از رشیدیه خواست که برای تأسیس
مدرسه به تهران بیاید. او در ۱۳۱۵ ق اولین مدرسه‌اش را
در تهران در باغ کریلایی عباسعلی دایر کرد، اما این بار
هم مدرسه تعطیل شد و رشیدیه جبراً به حج رفت. پس از
بازگشت از حج، در قم بست نشست. در نهضت مشروطه
به تهران آمد و مجله مصوری به نام «مکتب» منتشر کرد.
وی به علت نوشتن مقاله‌ها و شبنامه‌هایی علیه دولت
عین‌الدوله در این محله، به مدت دو سال به کلاسه تبعید
شد. از کلاسه به تهران آمد و در قم ساکن شد و در کلاسه
درس آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری به فراگیری علوم
دینی پرداخت، صحناً مدرسه رشیدیه را برای اطفال فقیر
و یتیم و کلاسی ویژه نابینایان دایر کرد. وی در قم وفات
یافت و در قبرستان نو (حاج شیخ عبدالکریم) دفن شد.
از او آثار فراوانی به جای مانده است، از جمله: «اصول
عقاید با اتحاد بشر»، «کفایة التعلیم»، «النهاية التعلیم»،
«المشتقات»، «تیسرة الصبیان»، «صد درس»، «تربیه
البنات»، «تأدیب البنات»، «بدایة التعلیم» و
«هدایة التعلیم».

تاریخ جراید (۴/ ۲۲۶)، رنگینامه رجال و مشاهیر (۳/
۳۱۷-۳۲۷)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۵۵۵-۵۵۶)،
یادداشت‌های قزوینی (۸/ ۱۸۵)، یادگار (س ۳، ش ۱۰،
ص ۱۲-۱۶).

رشکی همدانی، محسن بیگ، نرژنده حسن بیگ
دروآبادی (س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر، متخلص
به رشکی. وی از بزرگان همدان و برادر شواری

مثنوی «حسن گو سوره» مثنوی «نقش ارزنگ یا سبزه سیار» مثنوی «نصا و قدر»؛ «ساقی نامه» مرسوم به «میکده شوق» مثنوی «جواهر الاسرار».

ساریح معظم و شتر (۱۳۹۷)، تذکره دور روشن (۱۳۹۲-۲۹۲)، تذکره تصنیف (۱۳۸۸-۳۸۹)، دانشسندان آذربایجان (۱۵۹)، الذریعه (۹/ ۳۶۱، ۳۶۲)، سخنوران در بیجان (۲۶۹-۳۷۳)، کاروان هند (۱، ۴۴۷-۴۴۴)، منظومه های فارسی (۲۷۱-۲۷۶).

رشیدی قزوینی، عیدالرشید دیلمی. (وی ۱۰۸۱ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به رشید. خواهرزاده و شاگرد میرعماد قزوینی و از معاصران جواهر رقم بود وی پس از قتل میر عماد، چندی در اصفهان به سربرد و سرانجام به هندوستان رفت و به دربار شاهجهان راه یافت و جزو ملازمان خاص شد. او را در ایران به نام عبدالرشید و رشیدا و در هندوستان به عنوان آقا رشید و آقا می شناختند. روش رشیدا در خط نستعلیق کاملاً مشابه شیوه میر عماد است. او روش میر علی هروی را نیز به پایه اصلی رسانید. با رفتن او به هندوستان و اشاعه خطوط او، شیوه اش در سراسر هندوستان شایع شد و هندیان شیوه او را اخذ کردند. از شاگردان او میر از شاهزادگان، داراشکوه و زیب النساء، محمد انشرف خواجه سر، سعیدای اشرفه، عیدالرحمن فرمان نویسی و میوه جانی در حور ذکرند. رشیدا سرانجام در اکبرآباد (آگره) وفات یافت. دهخدا به نقل از «قاموس اصحاب ترکی» محل وفات وی را کشمیر ذکر کرده است. در تاریخ وفات وی اختلاف است. سعیدای اشرف که در شهری هم شاگرد صائب تبریزی بود، قطعه شعری به درخواست زیب النساء، دختر همسر شاهجهان، در وفات و تاریخ وفات رشیدا و صائب سروده است و مطالب تاریخی چندی در آن است که در ترجمه احوال آن دو مکار رفته است.

... گفتم از ارشاد پیر عقل، در تاریخ آن

(بود با هم مردن آقا رشید و صایبا)

از آثار او: یک نسخه «شرح گلشن راز»، با رقم. «بند شاه جهان عبدالرشید دیلمی ۱۰۴۰»؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خوش، با رقم. «کتابه العبد ... عبدالرشید الدیلمی ...»؛ قطعه ای از بهترین خطوط او که سوره فاتحه را به قلم دودانگ نوشته است. با رقم. «کتابه العبد ... عبدالرشید الدیلمی ... فی شهر سنه

خمسین و الف»؛ قطعات مختلف و مرقعات که در تاریخ بین سالهای ۱۰۳۰ و ۱۰۷۱ نوشته شده است.

اسوال و آثار خوشنویسان (۲، ۳۹۳-۴۰۰)، مجلس خط

(۵۳۴-۵۳۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۹)، تاریخ

اصفهان (۱۸۵-۱۸۲)، تاریخ میرهای ملی (۲/ ۹۱۸-۹۲۱)،

تذکره الخطاطین (۱/ ۲۹۵-۲۸۶)، تذکره

مصرات ابدی (۲۱۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۵)،

ریحان (۲/ ۲۴۹-۲۵۰)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۷۷-۳۷۸)،

قرنیه در گدراگاه هنر (۲۳۵-۲۳۱)، کلامه بزرگان

(۲۳۷-۲۳۶)، گلستان هنر (۱۲۲)، لست نامه

(ذیل / رشیدا).

رشید تبریزی، یاراحمد - رشیدای عباسی.

رشید حکم که نیشابوری - جوهری، محمود.

رشید دیلمی: عیدالرشید - رشیدای قزوینی.

رشیدالدین فضل الله همدانی، فرزند عمادالدوله ابوالخیر. (۷۱۸-۶۴۵ ق)، مورخ و طبیب. در همدان به دنیا آمد. پدرش پزشک بود. رشیدالدین جوانی را در تحصیل فنون مختلف، به ویژه علم طب گذراند و از عهد ایلخانی «باق خان» به عنوان طبیب وارد دستگاه ایلخانی شد. در عهد دولت ارغون خان و گیحاتر خان مورد توجه و اکرام تمام قرار گرفت. غازان خان، بعد از قتل صدر جهان زنجانی، وی را با شرکت خواجه سعدالدین محمد آوجی به وزارت برگزید و انجایتو (سلطان محمد خداستد)، بعد از قتل سعدالدین، با وجود نهایت اعتمادی که به کفایت رشیدالدین فضل الله داشت، خواجه علی شاه گیلانی را با وی در وزارت شریک کرد. در دوره سلطنت ابوسعید بهادرخان، به سبب تقاری که بین رشیدالدین و خواجه علی شاه در میان بود، خواجه علی شاه و همدستان او نزد آن پادشاه جوان ر کم تجربه چنین قرار نمودند که خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه ابراهیم، انجایتو را زهر دادند. به همین جهت در جمادی الاول ۷۱۸ ق سلطان ابوسعید دستور داد تا اول پسر را پیش چشم پدر گردن زدند و سپس خواجه رشیدالدین را به قتل رساندند و خانان و خواسته او را به یغما بردند. علاوه بر آنکه درگاهش ملجأ و مأب اهل هنر و علم بود و در بسیاری از فواحش ایران و ممالک

ایلمحانی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها و موقوفات احداث کرده خود نیز قسمتی بزرگ از عمر خود را در جمع و تدوین و تألیف گذرانیست. مجموعه مصنفات و مؤلفات رشیدالدین فصل الله، «جامع التمهید و رشیدی» یا «المجموعه الرشیدیة» نامیده می‌شد و اینکه از مجموعه آن آثار مختلف، برخی در مسائل مختلفی از قبیل مباحث دینی و تفسیر و کلام و طب و فلاح و تاریخ و داروشناسی، بر جای مانده که عبارتند از: «توضیحات رشیدیة»، شامل ۱۹ رساله درباره مسائل کلامی و دینی و عرفانی؛ «مفتاح التفسیر»؛ «الاخبار و آثار»؛ «رسالة سلطانیه»؛ «بیان الحقایق»؛ «جامع التواریخ»؛ در تاریخ مغول؛ «مکاتیب یا مکاتبات رشیدی»؛ منشآت و متشیر و رسائل اوست و مجموعه فرمانها و نامه‌هایی که وی به فرزندان و عمال و علما و مشایخ عهد نوشته است.

ازمان (س) ۶، ش ۳، ص ۲۴۹-۲۵۲، لا سندی تا جلی (۱۲۵۹۵)، الاعلام (۵/ ۲۵۹)، اعیان الشیعه (۸/ ۴۰۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰/ ۱۲۳۷-۱۲۵۲)، تاریخ بزرگدگان (۱۷۱-۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳-۱۲۴)، تاریخ گزیده (۶۰۳)، تذکره روز روشن (۲۹۳)، حبیب السیر (۳/ ۱۹۹-۲۰۱)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۰۸۶)، دستورالورد (۱۵-۴۳)، الترمیم (۲/ ۲۶۹-۲۷۱، ۳۶۲، ۱۴/ ۶۰)، ریحانة (۷/ ۳۳۷-۳۳۲)، مسجک شناسی (۲/ ۱۷۹-۱۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۱۶۰)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کارنامه بزرگان (۳۲۷-۳۲۰)، لغتنامه (دیل/ ابن ابی‌الضییر)، مجمع الفصحی (۲/ ۶۸۰)، مجمع المؤلفین (۸/ ۷۴).

رشیدالدین وطواط، ابوبکر محمد بن عبد الجلیل همزی بلخی، (وف ۵۷۳/ ۵۷۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط، در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر بن خطاب بود. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعید هروی به انجام رسانید و بعد از اتمام تحصیلات و کسب مهارت در ادبیات فارسی و عربی به خوارزم رفت و در اوایل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذراند و سمت صاحب دیوانی و مسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت

مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال ۵۲۷ ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصاید رباعی که در رد همت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جلاله زمخشری ادیب و معتمد بزرگ قرن ششم مباحثه و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسز، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهبد غازی خنصره الدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معری، سنائی، ادیب صایر، موزمی، سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. از آثار او «دیوان» اشعار؛ «مسائل عربی»؛ «حدائق السحر فی دقائق الشعر»؛ «منشآت فارسی»؛ «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»؛ «الصحفة الصدیق الی الصدیق من کلام ابی بکر الصدیق»؛ «انس الیهمان من کلام عثمان بن عفان»؛ «نثر اللآلی من کلام امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «مخطومه‌ای در عروض»؛ «عرائب الکلم فی رعایب الحکم»؛ «منیة المتکلمین و غلبة المتعلمین»؛ «غیر الاقوال و درالامثال»؛ «معانی الکلم و مصایح القلم»؛ «جوهر القلاید و زواهر العراید»؛ «العوائد العمائیة»؛ «انکار الانکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب».

الاعلام (۷/ ۲۵۱-۲۵۲)، بیاض طمکون (۱/ ۳۷۸، ۲/ ۹۷، ۱۲۰)، بهارستان جلی (۱۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۲۸-۶۳۶)، تاریخ بزرگدگان (۲۹۵-۲۹۶)، تاریخ گزیده (۷۵۶-۷۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۹۲-۹۳)، تذکره روز روشن (۲۹۵-۲۹۶)، تذکره الشعراء (۹۸-۱۰۳)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۵۸۶)، الترمیم (۶/ ۲۸۶-۲۸۷، ۹/ ۱۲۷۰-۱۲۷۱، ۲۱/ ۱۵۹-۱۶۰)، ریحانة (۲/ ۳۱۰-۳۱۲)، سخن و سخنوران (۳۳۲-۳۳۲)، سرآسان فرهنگ (۱/ ۳۷۹-۳۷۸)، میری در شعر فارسی (۶۹)، طرائف الحقائق (۲/ ۵۹۷-۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸-۳۷۷)، کسارنامه بزرگان (۱۸۳-۱۸۳)، کشم‌الظنون (۲/ ۱۷۸-۱۷۷، ۳۶۸، ۱۲۰۰، ۱۲۲۳)، الکسی و الاقصاب (۲/ ۲۷۱-۲۷۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۱-۲۳۲)، ابواب الالباب (۱/ ۸۰-۸۶)، لغتنامه (دیل/ وطواط)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۵۷-۷۵۶)، مجمع الفصحی (۲/ ۶۵۵-۶۷۱)، مجمل مصیعی (دیل/ سال ۵۲۵ و ۵۲۶)، مجمع‌الادباء

(۱۹/۲۹-۲۶)، معجم‌المؤلفین (۱۱/۲۲۹)، هفت‌قلیم (۲/۷۶-۶۸)

رشید فارسی به رشید کازرونی.

رشید کازرونی (وف ۹۲۰ ق)، شاعر، اهل کازرون و برادر ارشد کازرونی بود. او از معاصران ملا عبدالرحمن جامی بود. شرحی به فارسی بر کتاب «فصوص الحکم» از او به جا مانده است.

تذکره درویش (۱۲۹۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی (۲/۶۱۰-۶۰۸)، الذریعه (۹/۳۶۱-۳۶۲)، فارسنامه ناصری (۲/۱۴۳۶)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، محالین النعاس (۳۸۹).

رشید کاشانی، شاه رشید (س یازدهم ق)، شاعر مدتی به هند رفت. راوست:

در هفت قرنه سیم و نه زیر می‌باید
ایجا لب خشک و چشم تر می‌باید
با این شب و روز کام دل نتوان یافت
روز دگر و شب دگر می‌باید
تذکره ناصری (۳۷۳-۳۷۴)، الذریعه (۹/۳۶۲)،
و فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کاروان هند (۱/۴۴۱).

رشید یاسمی، غلامرضا، فرزند محمد علی ولی خان میر پنج‌گورانی کرمانشاهی. (۱۲۷۵-۱۳۳۰ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصه‌گهواره از توابع کرمانشاهان متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. چک‌مادری او، شاهزاده محمد باقر میرزای خسر وی، نویسنده داستان «شمس و طمره» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید تحصیلات مقدماتی را در کومه‌نشا به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره متوسطه را در دبیرستان سن‌لویی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام‌وقا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مأمور به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تأسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرا بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله «دانشکده» با نویسندگان و شعرا آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات

خود را در روزنامه «اشق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی و آموخت و زبان فرانسه را نیز تکمیل کرد و زبان پهلوی را از حوزه درس استاد هرنسفلد مرگرفت. در ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تأسیس شد، او در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در ۱۳۲۲ ش به همراه هیأتی از استادان ایرانی به هند رفت و در ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت. رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفند ماه ۱۳۶۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. غیر از مقالات ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «بهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «پنما»، «مهر» و غیره چاپ شده، تألیفات، تحفیات، تصانیف و ترجمه‌های بسیاری نیز از او به جا مانده است. از جمله «ادبیات معاصر»؛ «تبع و افتاد در احوال و آثار مسلمان ساوجی»؛ «احوال ابن یسین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «ایران در زمان ساسانیان»؛ ترجمه «تاریخچه نادرشاه»؛ ترجمه «ترجمه و تلخیص جلد چهارم «تاریخ ادبیات ایران» تألیف پرواز»؛ «آیین دوست‌یابی»؛ ترجمه «دیوان اشعار

از نیمه روزگار ما (۱۳۸-۱۴۵)، تاریخ شاعران کرد (۲/۳۱۶-۳۱۰)، چشمه درویش (۲۲۸-۴۴۱)، چهارصد شهر برگزیده پارس گوی (۳۶۹-۳۶۸)، الذریعه (۹/۳۶۲)، زندگانه رحمان و مشاهیر (۲/۳۲۸-۳۲۷)، سخنوران ساسی معاصر (۳/۱۵۲۸-۱۵۳۴)، سرآمدلا فرهنگ (۱/۳۷۹-۳۸۲)، فرهنگ سخنوران (۳/۳۰۹-۲۲۶)، گنج سخن (۳/۳۰۹-۲۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۹۶-۷۰)، پنما (۲۶ ش ۸ ص ۴۸۷-۴۹۰).

رشیدی اصفهانی (س دهم ق)، شاعر معاصر شاه طهماسب صفوی بود. راوست:

شرد از دیگران در خشم و بر من دامن افشانند
صاری در دل از هر کس که دارد بر من افشانند

الذریعه (۹/ ۳۶۲)، مسیح گشتی (۱۷۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹).

رضیدی سمرقندی، ایوم محمد هبذاه بن محمد. (وف ۵۶۲ ق)، شاعر ملقب به سیدالشعراء و تابع الشعراء. از معاصران آل اعراسیاب و از شعرای دربار خضر بن ابراهیم خان بود. او با مسعود سعد سلمان مروده شعری داشته است. منظومه‌ای «زینت‌نامه» و «مهر و وفا» به او نسبت داده‌اند.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۲۷-۵۵)، تاریخ ظم و نشر (۹۷)، چهار مقاله (۴۶-۴۷)، الذریعه (۹/ ۳۶۲)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۸)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹)، لیسانس لاتین (۲/ ۱۷۶-۱۸۱)، نضنامه (ذیل/ رضیدی سمرقندی)، خدمت انالیم (۳/ ۳۲۵-۳۵۲).

رضا، فرزند علی اشرف، (ز ۱۲۰۲ ق)، قلمدان‌ساز طرز کار و شیوه پرداخت گلها و تزیین و آرایش جواب قلمدان وی نشانگر آن است که او شیوه پدر خود را دنبال کرده است. تنها اثر رقم‌دار او، قلمدانی است که گل مرغ را در گمال ریزه‌کاری ارائه داده و رویه آن را به گل سرخ و سوسن و میخک و لاله آرایش کرده است و حواشی قلمدان نیز گل و مرغی است، با رقم «رضا بن مرحوم علی اشرف ۱۲۰۲».

اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۹۹).

رضا خوانی. (م. دوازدهم ق)، تراحه‌ساز، از اهالی کجور مازندران بود. تراحه‌های وی در گرگان و مازندران شهرت داشته است. پیش از آنکه آقا محمدخان قاجار به سلطنت برسد، رضا در مازندران و گرگان از تدبیر وی و ابیس مجلسی بزم او بوده و با تراحه‌های خود او را سرگرم می‌داشته است.

تاریخ موسیقی (۲/ ۲۹۸).

رضازاده شفق، صادق میرزا حاجی آقا، فرزند آقا رضا بازارگان. (۱۲۷۱/ ۱۲۷۲-۱۲۵۱ ش)، شاعر، مدرس، محقق، خطیب، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه کاتولیک و آمریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه حیات تبریز را به عهده داشت. در ۱۳۲۸ ق روزنامه «شفق» را در تبریز منتشر کرد و در ۱۳۳۰ ق بر

اثر سحر بهایی که بر علیه امپراتوری دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس فاضل گردید او در ۱۳۴۰ ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت. او زیادهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره مجلس مسا و در دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. در تهران درگذشت و در گورستان بهشت رها به خاک سپرده شد. از آثار او «تاریخ ادبیات ایران»، «ایران از نظر خاورشناسان»، «ستارخان» تدوین «دیوان عارف»، «فرهنگ شاهنامه و سلاطین دربار» فردوسی، و ترجمه‌های «اسکندر مقدونی»، «التاریخ مختصر ایران» و «زندگانی داریوش».

ادبیات معاصر (۵۹-۶۱)، تاریخ جراید (۳/ ۷۵۷۲)، سخنوران نامی (۲/ ۳۱۲-۳۲۱)، شرح حال رجال (۶/ ۱۰۵-۱۰۶)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۲۸-۷۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۴۸۹-۴۸۵).

رضا شرازی. (وف ۱۲۸۵ ق)، خطاط، برادر میرزا علی شمس‌الادبیه بود. او نستعلیق را خوش می‌نوشت. احوال و آثار خوشویان (۱/ ۲۱۱).

رضا عباسی. (ح ۹۸۰-۱۰۴۴ ق)، نقاش، زندگی وی بر خلاف معاصرانش که کم و بیش در تواریخ نامی از آنان ذکر شده، هیچ روشن نیست. نام و احوال وی با دو هنرمند معروف معاصرش یعنی علیرضا عباسی، خوشنویس و مقرب شاه عباس صفوی، و آقا رضا کاشانی نقاش خط شده است. وی قبل از دریافت لقب عباسی خود را به نام «مشقه رضا، رضا مصور، رضا کمینه رضا» خوانده و بعد از دریافت لقب عباسی از سال ۱۰۲۰ ق، با رقم «رضا عباسی» یا «کمینه رضا عباسی» خود را معرفی کرده است. او ممکن است یکی از شاگردان استاد محمدی هراتی و یا اینکه مقلد آثار او باشد. از خصوصیات نقاشیه و تصاویر وی دقت و ملاحظه در کلیه شئون زندگی است. او دستی شیرین

داشته و در گریه و گریه و جانورسازی و آرایش مجلس رنگی به روی پارچه‌ها و کاشیها استاد فادری بوده است همچنین با قریب خطوط دورانی و مرز و ناپایدار خود که به استادی تمام بر روی کاغذها نقش می‌بست، تصاویر خیالی را با ابداعی بی‌همتا که با قدرت تکنیکی بر مهرانی همراه بوده ارائه داده و بر روی هنر او را بر سایرین آشکار ساخته و اصل را از بدل روشن کرده است. از شاگردان معروف وی که در حد خود از استادان طراز اول بوده، استاد معین مصور است و از دیگر شاگردان او می‌توان: شفیق عباسی، افضل مصور حسینی، شیخ محمود، حبیب‌الله مشهیدی و شاه قاسم را نام برد. از آثار وی: تصویر شیر نشسته به سیاه‌قلم که بسیار استادانه و پرمهاریت است، یا رقم: «هو» به جهت فرزند می‌نامیده می‌شود. رقم کمینه رضا عباسی: تصویر پرمهاریت پیرمردی که روی زمین دراز کشیده و دست راست خود را به زمین تکیه داده است و در زمینه برگهای بزرگ چناری دیده می‌شود، یا رقم: «در روز چهاردهم ذی حجة الحرام سنة ۱۰۳۱» یا تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی: تصویر قیافه پر حالت و لباس از آرایش جوان خدمتکاری که قهوه درست می‌کرد (در مقابل سماور قهوه جوش جلب نظر می‌کند، یا رقم: «هو» - عره رجب المرجب ۱۰۳۹» یا تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی: تصویر معجون در صحن که با حیوانات محشور شده است و منظره کمره و درختان استادانه است و معجون روی سنگی نشسته و خرگوشی به دست گرفته، یا رقم: «هو» - روز چهارشنبه دوازدهم شهر ربیع الاول سنة ۱۰۳۸» این مجلس با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی عقی عته: تصویر جراحی که روی بالشی دراز کشیده و به سنگ خود آب می‌دهد، یا رقم: «هو» - در روز پنجشنبه بیست و دوم شهر رمضان المبارک ۱۰۳۳» بهجت ... یا تمام رسید. پرهنه پا و سر عشقم درآید. دوان کو چون حلامان فرنگی».

اسرار و آثار قلندران (۱/ ۱۸۵-۱۹۷)، تاریخ هنرهای می (۲/ ۹۰۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۶/ ۱۰۷)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۰۸۹)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۹۱)، کساننامة سزگان (۲۲۲-۲۲۳)، هنر عهد تیموریان (۳۱۰-۳۱۱، ۵۹۰، ۵۹۲)، هنر قلندران (۹۲).

رضاعی، حسین، (تقریباً ۱۲۸۳ ش)، پزشکی و استاد دانشگاه، پس از تحصیلات متوسطه در دارالفنون و

تحصیلات عالی در مدرسه طب، در ۱۳۰۸ ش با دانشجویان عزامی به اروپا و سپس در دانشکده تولوز به تحصیل اشتغال ورزید. در ۱۳۱۲ ش به عنوان کارورز انضامی در بیمارستانهای پراکویل به کارآموزی مقبول شد و رساله خود را در باب ضعف بیرونی حیاتی و افکار هذیانی تهیه کرد و از تصویب هیأت قضات گذراند. بعد در کلاسهای روانشناسی و بخش بیماریهای اعصاب کارآموزی کرد و دوره معالجه مالاریا را گذرانده به ایران بازگشت و مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله پزشکی بیمارستان، معاونت فنی بیمارستان و استادی کرسی بیماریهای روانی. از آثار وی: «بیماریهای مغز و روان»، «خط معمول و میزان تکامل عهد فارسی»، «سرنوشت‌های جنود راه».

مؤلفین: کتب چاپی (۲/ ۷۲۶، ۷۲۷)

رضا فارینایی، (س بازدهم ق)، نقاش. از آثار وی «تصویر کامران شاه هراتی» که اکنون در کتابخانه ملی قاهره مضبوط است.

اسرار و آثار نقاشان (۱/ ۱۹۹)

رضا قلی، (ز ۱۲۷۷ ق)، نقاش وی در نقاشیهای روزگار آبرنگ دست داشت و جانورسازی را نیک می‌دانست. از آثار وی: چهره انقیادانی به اندازه قوطی کبریت که در رویه آن تصویر شتری پر حالت نقش شده، یا رقم: «رضا قلی سه ۱۲۷۷».

اسرار و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۰)

رضا قلی ادیب، ادیب شهرنزی، میرزا رضا قلی.

رضا قلی شاملو، فرزند احمد، (ز ۱۲۵۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقمه نسخ کتابت جلی متوسطه، یا رقم: «کتبه العبد رضا قلی شاملو للولد الامیر الاکرم محمد ابراهیم فی سنة ۱۲۵۱» یا ضعیف بغلی روی کاغذ ترمه معیداد الوان، نسخ و رقاع کتابت خفی متوسطه، یا رقم: «حرره العبد المذنب المحتاج الی رحمة الله الملك الفنی ابن احمد شاملو رضا قلی فی شهر صفر المظفر من شهر سنة ۱۲۵۲ من الهجرة المقدسة المبارکة نقلت من خط استاد اسماعیل قلیه الکتاب احمد النیریزی رحمة الله تعالی و نور الله موقده».

اسرار و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۰)

رضا کاشانی به آقا رضا کاشانی.

رضا مدح‌پ اصفهانی. (۴)، مدح از مدحیان نادره
کار و چیره دست اصفهان بود که در تذهیب قرآن‌ها و کتاب‌ها
و فرامین و مرقعات دست پر قدرت داشت. وی فرزندی
به نام میرزا عبدالعلی داشته که او نیز در هنر خود سرآمد
بوده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۰۸).

رضا موسوی، فرزند محمدرضا شریعتی. (۲)، خطاط.
از آثار وی، یک قطعه از مرقع رقاچ دودانگ جلی خوش،
با رقم: «حرره اقل الاقلین و اول الادین ابن محمدرضا
الشریعت الموسوی».

اسول و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۷۰).

رضای بروجردی، میر محمد رضا، فرزند میر
عبدالحی. (س یازدهم ق)، شاعر از سادات رضوی و
قاضی بروجرد بود. سپس به اصفهان رفت. نصر آبادی در
اصفهان با او ملاقات کرده و گوید: همواره منزلش به
طریق تکیه درویشان از مردم اهل خالی نبود. از بوسه،
دنیا مطلب که رستگاری اینست
عزت مطلب که اصل خواری اینست
گر مفلسی از غنی که می‌باید رفت
داری اینست اگر نداری اینست

تذکره نصرآبادی (۱۶-۱۱۷۰)، الذریعه (۹/ ۸۶۹)،
فرهنگ سخنوران (۳۸۰).

رضای خوانساری، محمد رضا. (س یازدهم ق)،
شاعر. از مردم خوانسار و مردی درویش بود. حدود
هشتاد سال عمر کرد. از اوست:

چون گلرخان به جانب هشاق رو کنند
صد چاک دل به تارنگ‌هی رفو کنند

تذکره شمرای خوانسار (۱۷)، تذکره نصرآبادی (۳۸۱)،
الذریعه (۹/ ۲۶۵)، صبح گلشن (۱۷۲-۱۷۵)، فرهنگ
سخنوران (۲۸۰).

رضای قاجار. (س چهاردهم ق)، نقاش و
قلمدان‌ساز. در شیشه پرهای و قلمدان سازی دستی
یکمال داشت. از آثار او، قلمدان ریایی که بر رویه آن
تصویر بسیار شیشه مغفول‌الدین شاه قاجار نقش بسته و

حواشی و جواب آن از گل و مرغ پرمایه و رنگین آیدین
شده و حوائص قلمدان طلایی است، با رقم: «کمترین
رضای قاجار».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۵).

رضای قزوینی. (س دهم ق)، شاعر. اهل قزوین و از
مقربان شاه عباس اول بود. از اوست:

آنم که صعیف و خسته تن می‌آیم
جان بسعه به تار پیرهن می‌آیم
مانند شبیاری که سپید پر باد
پسپنجه سسه آه خسوفشتر می‌آیم

الذریعه (۹/ ۳۶۶)، صبح گلشن (۱۷۶)، فرهنگ
سخنوران (۲۸۲).

رضای کارونی، میرزا محمدرضا، فرزند میرزا ربیع
کازرونی. (س سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به رضا.
ملقب به عبدالسادات. نسب وی به امام جمهر
صادق (ع) می‌رسد. اهل کازرون بود. چندی در حبس
زندگی کرد. او یک سال در اصفهان و مدتی در حجاز و
هندوستان و خراسان به سر برد و بیشتر زندگی خود را
در شیراز گذراند. صاحب «تذکره مرآت النصاحه» مکرر
از ملاقات نموده. از آثار وی، «آثارالرضا»؛ «دیوان»
شعر.

فرهنگ سخنوران (۳۸۲)، مرآت النصاحه (۲۳۹-۲۴۲).

رضای لاهیجانی. (س دوازدهم ق)، شاعر. اهل
لاهیجان بود. در زمان استیلای افغانه بر اصفهان فوت
کرد. از اوست:

بیانان ملا خاری ندارد
که از دستان من تری ندارد

تذکره روز روشن (۲۹۸)، الذریعه (۹/ ۳۶۷)، صبح
گلشن (۱۷۵)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

رضای ملایری، میرزا رضا آریان. (س چهاردهم ق)،
شاعر، متخصص به رضا. در ملایر متولد شد. هم خویش
را به مشاغل دولتی در اغلب شهرستانهای ایران
بخصوص تهران و اصفهان به سر برد. از اوست:

شد هوا چون نافه چیس صبرین آمد بهار
ماه فروردین چه نوروز برین آمد بهار

خوش هوایی دلکش است و باد نوروری وزد
با صفای اصمهان خلد برین آسند بهار
تذکره شعرائی معاصر اصمهان (۴۸۵-۴۸۶)

افسانه معروف هندی «مسی و پیون» می‌باشد.
مجموعه سخن (دوره ۵ ص ۳۸۳)، منظومه‌های فارسی
(۲۷۷-۲۷۹)

رضای همدانی، محمدرضا بیگ، فرزند ملا
اسماعیل مفتی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به
رضا اهل همدان بود. در اوایل حکومت خان خانات
عبدالرحیم خان بهادر او ایران به هند رفت و به سلک
ملازمان خان خانات پیوست. او علاوه بر شاعری در علم
بحریم نیز متبحر بود. از اوست:

رضایی رشی، (س یازدهم ق)، شاعر اهل رشت
بود از اوست:
گه از پستقینه خراسم گسند گه از سنبل
ندانم این چس آرا چه مدعا دارد
تذکره نصرآبادی (۳۷۸)، الذریعه (۹/ ۳۶۹).

مستی من از می گاهم نیست
پیخودم رآن پاده کو را نام نیست
خلوت خاصیت جان را با لش
گو میا شادی که بار عام نیست

رضایی کاشانی، (مقتول ۹۹۵ ق)، شاعر و کاتب.
چون حروف را از مخرج ادا می‌کرد، به قاری روزمره
معروف شد. با عربی و عبرتی شیرزی و عارف لاهیجی
و اوجدی بلینی معاصر بود. وی را چون حروف را از
مخرج ادا می‌کرد، قاری می‌خوانده‌اند. گویا روزگار به
کثمت می‌گذرانیده است. از کاشان به خراسان سفر کرد و
در فتنه ازبکان به قتل رسید. قتل او را به سال ۹۸۰ ق نیز
نوشته‌اند. از او ابیاتی به جا مانده است.

فرهنگ سخنوران (۳۸۳)، کاروان هند (۱/ ۴۴۵-۴۴۶)،
مآثر رحیمی (۴/ ۱۶۷۴-۱۶۷۵)

رضای همدانی، میرزا محمدرضا واعظ، فرزند
علینقی، (۱۳۱۸-۱۳۶۱ ق)، عالم دینی، فقیه، خطیب
شعر. از خطدی بزرگ تهران بود و در مساجد بزرگ و
معروف این شهر مجالس وعظ داشت. در تهران وفات
یافت و در راویة حضرت عبدالعظیم (ع) دفن شد. آثار
او: «نخبة السواری»، در فقه و اصول؛ «مظلومه» «تجوید
مع اشهر»؛ «تربیع الشیخین» یا «السیف المسلول»؛
«نشیة الثلاثة»؛ «رسانه در احوال حجة»؛ «دیوان اشعار».

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۵۱۵، ۸۰۱)، تاریخ نظم و نثر
(۵۳۷-۵۳۶)، الذریعه (۹/ ۳۶۹-۳۷۰)، ریحانة
(۳۱۳)، صبح گلش (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۳)،
مجمع‌المفردات (۳۱۰)، مکتب ولوج (۱۲۸/ ۱۵۶)،
هفت اقلیم (۲/ ۴۷۶-۴۷۷).

الذریعه (۳/ ۳۴۶، ۲/ ۵۴، ۹/ ۲۳۸، ۹۶/ ۹۶)، عیقات
علام الشیخ (قرن ۱۲/ ۷۳۵-۷۳۶)، طرائف الحقایق
(۶۷۲/ ۶۷۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، پیادانشهای
قزوینی (۸/ ۱۸۵)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۱۶-۱۷)

رضایی مشهدی، محمدرضا، (س دهم ق)، شاعر،
متخلص به رضایی. از ملازمان علی عادلشاه بیجاپوری
(۹۸۸-۹۶۵ ق) بود. بعد از کشته شدن عادلشاه، رضایی
مرثیه و تاریخ شهادت آن شاه را در سلک نظم کشید.
کاروان هند (۱/ ۴۴۶).

رضایی بوری هارندزانی، میرزا محمدرضا، فرزند
میرزا محمد حسین، (س سیزدهم ق)، شاعر. اجدادش
از اوایل عهد صفویه حکام هارندزاد بودند و پدرش وزیر
خراسان بود وی معتمدالدوله را مدح می‌گفت.
الذریعه (۹/ ۳۷۰)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)

رضایی، (ز ۹۳۸ ق)، شاعر. از آثار وی: مثنوی
«انو شیروان نامه»، درباره دخیمة الوشروان والواح روین.
بهرستاره کتبه‌های فارسی (۲/ ۸۲۶)، منظومه‌های
فارسی (۲۷۷)

رضوان اصمهانی، محمدحسین، (س یازدهم ق)،
شاعر. در زمان شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) به هند رفت
و در لاهور سکنی گزید از اوست:

رضایی نتهای، حاجی محمد، (س یازدهم ق)،
شاعر متخلص به رضایی از آثار وی: منظومه «رب و
نگار» یا «گل باغ»، که در ۵۵۰ بیت، در ۱۰۵۳ ق سروده
است. این منظومه در واقع تحریر و روایتی دیگر از

رضوان همدانی، سید عبدالوهاب ابوالبراهیمی،
فرزند میرزا محمد ابوالبراهیمی، (۱۲۷۹/۱۲۷۰-۱۳۵۳)
ش.، شاعر، متخصص به رضوان، در همدان متولد شد.
مدتها مدیریت دبستان ملی رضوان را، که خود بنیان‌گذار
آن بود، به عهده داشت. «دیوان» اشعارش بالغ بر هزار
بیت به طبع رسیده که ابتدا بخشی از اشعار او به نام
«گلچین از دیوان رضوان» در ۱۳۲۴ ش در همدان به
چاپ رسید.

برگه‌ها و نسخ سرایان همدان (۲/ ۳۷۶)، سخنوران
نامی معاصر (۳/ ۱۵۵-۱۵۶۶)، مؤلفین کتب چاپی
(۴/ ۳۱۰۳۰)

رضوانی، محمد اسماعیل، (۱۳۰۰-۱۳۷۴ ش.)،
محقق، مورخ و استاد دانشگاه، وی در قریه حراشاد
پیرچند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت، سپس به
پیرچند رفت و در مدرسه طلاب و سپس در مدرسه
دولتی تدیس به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم
بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در
پیرچند خدمت کرد، سپس به تهران آمد و ضمن تدریس
در دبیرستان فرخی، موقت به اخذ لیسانس و فوق
لیسانس و دکتر، در رشته تاریخ و جغرافیای شد. او در
رشته «توزیع تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی
در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به
آن می‌پرداخت. در تهران وفات یافت. از آثار به جای
مانده، از او می‌توان از: رساله‌ای برای موسسین به نام
«زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه
تشر» با همکاری مجتبی مینوی؛ تصحیح «منظم
ناصری»؛ در سه مجلد؛ «اصلاحات و اعلامیه‌های دوره
قاجار»؛ با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب
مشروطیت ایران» نام برد. از او مقالات متعددی در
مجلات «پیشاه»، «پرسیهای تاریخی»، «آسور» و
پرورش، «آینه» و «راههای کثافت» نیز چاپ شده
است.

کیهان فردنگی (م. ک. ش. ۱۰، ص. ۷۰)

رضوانی فسائی، سید محمد، فرزند سید ابوالقاسم،
(۱۲۴۰/۱۲۵۵-۱۳۲۴ ش.)، ادیب، واعظ و شاعر، ملقب
به «صیح الزمان» و «سلطان الوعظین». در نسا به دنیا آمد و
شناخته سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و در
مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و در

مگر ساقی گهر در خدمت میخانه می‌بندد
که چون نرگس به هر انگشت خود پیمانه می‌بندد
تذکره شعرای پنجاب (۳۲۱)، الذریعه (۹/ ۳۷۰)، صبیح
گلشن (۱۷۸-۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزاران
هند (۲۳۷/۰)

رضوانشاه، خواجه وحی الدین، فرزند خواجه زکی
تیموری، (س. هشتم و نهم ق.)، موسیقیدان، خواننده و
تصنیف‌ساز. در دوره ایلکاتیاک و تیموریان می‌زیست. او
در دستگاه سلطان اویس و فرزندانش، سلطان حسین و
سلطان احمد، که هر دو موسیقیدان و هنرمند و هنرپرور
بودند، مقامی «رحمندی» داشت. ظاهراً پس از برافتادن
ایلکاتیاک و علناً تیمور بر قلمرو حکومت آنان به دربار
هرات روی آورد و در کتب حمایت شاهرخ میررای
تیموری و جانشینان او قرار گرفت. رضوانشاه در علم
موسیقی و ساختن تصنیف و الحان بر دیگران امتیاز
داشت و به سبب شاهکاری در موسیقی شهرت تمام
یافته بود.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۲۵)، دانشمندان آذربایجان
(۱۶۰)

رضوان قاجار، سام میرزا، فرزند محمد قلی میرزا
ملک آرا، (وف. ۱۳۰۹ ق.)، شاعر، متخصص به رضوان
ملقب به ملک الشعرا و شمس ثانی. وی نوعی تصنیفی شاه
قاجار بود پدرش حکمران مازندران بود که در پدر
جلوس محمدشاه به تهران آمد. رضوان از کودکی به
تحصیل ادب پرداخت و در شعر تسلطی خاص پیدا کرد؛
بخصوص در بدیهه‌گویی و وصف حال؛ که به این واسطه
سزد محمدشاه سمرز و محترم گردید. او در زمان
ناصرالدین شاه نیز مورد احترام و ملتزم رکاب بود. در
۱۳۷۰ ق منصب ملک الشعرا را یافت. بعد از فوت علی
محمد خان سروش اصفهانی شمس الشعرا لقب او را هم
گرفت و او را شمس ثانی خطاب کردند. وی در تهران
درگذشت. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

حدیقه الشعراء (۱/ ۶۷۸-۶۷۷)، الذریعه (۹/ ۳۷۰)،
شرح حال رجال (۲/ ۵۸)، گنج نایگان (۵۷۰/۴۰)،
فرهنگ سخنوران (۲۸۴)، المآثر والآثار (۱۹۰)، مجمع
المصنف (۱/ ۵۵۰۵۳)

رضوان لاهوری، رضوان اصفهانی.

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۳۱-۷۳۶)،
مزمین کتب چاپی (۱/ ۳۹۲-۳۹۳)

رضوی، سید شمس‌الدین محمد بن محمد بدیع
مشهدی. (ح ۱۰۹۰-ز ۱۱۳۵ ق)، عالم شیعی. از عالمان
و سرکشیگان خدام مشهد رضوی بود. در ابتدای کتاب
«وسيلة الرضوان» در کرامات سلطان خراسان که در
۱۱۳۵ ق تألیف نموده، نسب خود را به امام جواد (ع)
رسانیده است او شیخ حرّ عاملی را در کردگی درک کرده
و از محضر علمایی چون، نصرالله مدرس حائری و
لطف‌الله و محمد گیلانی و احمد عاملی نجفی و مقصود
و محمد قاسم و محمد هادی اصفهانی و موسی بن علی
نجفی و حسین بن حسن خائفی و میر عتیقی اردبیلی و
محمد معصوم یزدی و عبدالرزاق مشهدی استفاده نموده
و از آنها روایت کرده است. از دیگر آثارش: «حسن
العتیق»، در معجزات امیرالمؤمنین عی (ع) «تربیس
المجالس»

اعیان‌الشیعة (۹/ ۴۱۲)، الذریعة (۴/ ۱۷۲-۱۷۳، ۶/
۲۳۹-۲۴۰، ۲۵/ ۷۸-۷۷)، طیفات اعلام‌النسبة (قرن
۱۷/ ۶۶۹-۶۷۰)، معجم‌المؤلفین (۱۱/ ۱۹۷)

رضوی، سید محمد امیر. (ز ۱۲۷۴ ق)، خطاط،
نقاش و مدقّق. از معاصران و مصاحبان غلام محمد
هفت تلمی بود. وی در هر نقاشی، تذهیب، جدول
کشی، صحافی، حلقه‌بندی و سنگ تراشی مهارت
داشت. او نسعینی را به شیوة قدیم می‌نوشت و در
حوشنویسی از ریش رشیدا پیروی می‌کرد و خود
مجموعه نقیسی از آثار رشیدا را جمع آورد و بیشتر آنها
را تذهیب و تزیین کرد و کم‌کم شایستگی خط او به رشیدا
به آنجا رسید که بر خط خود رقم رشیدا نهاد وی در ماه
محرم مجلسی از حوشنویسان تشکیک می‌داد و در باب
خط و خطاطان مباحثات و مذاکرات می‌کرد. رضوی در
سوی هندوستان به قتل رسید. از آثار وی، یک قطعه در
موزه باستان‌شناسی دهلی، به قلم دودانگ و کتابت
متوسط، با رقم، «مسوّدۀ محمد امیر» در سنه یکهزار و
دو صد و پنجاه و هفت هجری (البیرویه تحریر یافته) تصویر
پس زیپ و ریخت که برای سلطان عالم تهیه کرده و
مجموعه پر حلاوتی از هنر تذهیب و تشریع است، در
آخر کتاب خود را عبداللطیف خوانده و رقم نهاده. «به
تاریخ عره محرم الحرام سنه ۱۲۷۶ هجری» از دیگر آثار

آنجا به قم و هسپار گردید و حدود ده سال نیز در این شهر
به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. سرانجام به
تهران آمد و در سلک و حافظ درآمد و چون مریدی ادیب
برد به دربار ناصرالدین شاه قاجار راه یافت و به فصیح
ایرمان مقرب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز
رفت و با معتمدین شاه به تهران سرایت کرد و لقب
سلطان الواهظین گرفت. در تهران درگذشت و در
این بابویه دفن شد. اثر وی «کلیات» اشعار است که
منتخبی از آن به نام «گل‌های فصیح الرمان رضوانی» به
کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده
است

الذریعة (۸/ ۳۷۰-۳۷۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان
مارس (۴/ ۶۱۲-۶۲۱)، سخنوران بسی معاصر (۳/
۱۵۵۱-۵۵۶)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزار معانی
(۲۹۵-۲۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۲۷۴)

رضوئی یزدی، سید رضا. (ز ۱۲۱۴ ش)،
روزنامه‌نگار و شاعر ملقب به «میر رضوانی» هل یزد بود
و ساکن تهران، او مؤسس و مدیر روزنامه «گلشن» بود که
در تهران چاپ می‌شد. او است!

ما را به جهان چو از بهشت آوردید
به ویژه به مسجد و گشت آوردید
دنیا به مثل مزرع و ما دهقدیم
ما را اینجا برای گشت آوردید

تاریخ حرمید (۴/ ۱۶۵-۱۶۶)، تذکره سخنوران یزد
(۵۴۴)، الذریعة (۹/ ۳۷۱)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)

رضوی، سید احمد، فرزند سید علی‌اکبر
مجدالاشراف رفسنجانی. (۱۲۸۴ ح ۱۳۵۰ ش)، محقق
و استاد دانشگاه. در رفسنجان متولد شد. بعد از اتمام
تحصیلات بدائی و متوسطه، جزو ولین دسته محصلین
اعزامی به اروپا، تحصیلات خود را در رشته معدن
شناسی در دانشکده تولوز به پایان رساند و به ایران
بازگشت. مدتها دبیر کل شورای عالی کشاورزی بود. از
۱۳۲۹ ش در دانشکده فنی کرسی تدریس داشت. او در
دوره پانودهم و هفدهم از کرمان به نمایندگی مجلس
سحاب شد. ز ۱۳۳۲ ش از کارهای سیاسی کناره گرفت
در ملوک بر اثر تصادف رانندگی درگذشت. از آثار وی
«اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق»، «مسئله نظریه
در مجلس شورای ملی»

شیخ عیسی زاهد نجفی و سید محمد قسیر اجازه دریافت کرد. در مشهد رضوی به تدریس و تربیت طلاب پرداخت، تا حدی که بسیاری از شاگردانش به مقامات بلندی رسیدند. بیشترین اوقات او صرف ترویج دین و قضاوت بن مردم و تصیف و تألیف شد. وی در مشهد از دنیا رفت و در مسجد ریاض کنار حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «منهاج الاحکام» از طهارت تا قضا و شهادت؛ «رساله‌ای در آب قلیل»؛ «رساله‌ای در الشبهة المصنوعة»؛ «رساله‌ای در قواعد الاصولیه»؛ «سوال و جواب»؛ در فتاوی شرعی؛ شرحی بر «احکام الخلل من الشرائع».

اعیان الشیعه (۹/ ۲۶۱-۲۶۲)، الذریعه (۱۲/ ۲۴۹، ۱۴/ ۲۲، ۲۱/ ۳۴۱)، معجم المولفین (۹/ ۲۳۹-۲۴۰)

رضوی رادی، سید علی، (من چهاردهم ق)، شاعر، از آثار او: «نصاب واژه‌های نو»، به نظم؛ «گمشده گنبد»؛ «مرنگ سخوران» (۳۸۵)، مؤلفین کتب جنبی (۲/ ۲۴۹).

رضوی سمرقندی، ابو عبدالله محمد صالح، (وف ۱۲۶۳ق)، صوفی، محدث و طیب، در سمرقند به دنیا آمد و در مدینه اردینا رفت و تألیفاتی در تصوف و علوم اسرار و استاد و مسلمات دارد. معجم المزیّن (۱۰/ ۸۲).

رضوی قمی، سید ابراهیم بن سید محمد باقر بن محمد علی، (وف ح ۱۱۶۸ ق)، عالم، حکیم، مفسر، محدث، فقیه اصولی و شاعر، اصل وی از قم است. در همدان متولد شد و در همدان نشو و نما یافت او بر در صدرالدین رضوی قمی، شرح «الروایه» است و از وی روایت کرده است. بعد از وفات برادرش به گرمانشه رفت وی از مشایخ سید شریح‌حویزی است. حاج محمد جعفر محدوب (محدوب عییشه) نیز از شاگردان او بود سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی بیکو داشت از آثار وی، «شرح مفاتیح الشرائع»؛ «شرح نوافی»؛ «فیض کاشانی»؛ «رساله مکان المصنی».

عیان الشیعه (۲/ ۲۰۲)، برگان و سخن سربازان همدان

(۲/ ۸۶)، الذریعه (۶/ ۲۲۹، ۱۱/ ۱۲۳-۱۲۴، ۱۴/ ۷۴،

۱۶۵)، ریاض الصاریف (۲/ ۳۰۲)، ریحانه (۳/ ۴۳۱)،

این هر مد کتابی ریا که میبایکور غیر دارد و یکی از آنها تصویر خرد سلطان عالم بوده که در بالای تصویر نوشته شده: «شیبه دست در دست گرفته»، فهمانیدن سلطان عالم ثواب سرفراز مخلص صاحب را سته ۱۲۶۲.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۲۵-۶۲۶)، احوال و آثار نشان (۲/ ۶۵۱-۶۵۲).

رضوی، سید میرزا محمد زمان، فرزند محمد جعفر (وف ۱۰۶۱ ق)، مورخ از آثار وی «صحیفه الرشاد»، در تاریخ ابومسلم خراسانی، الذریعه (۱۵/ ۱۷)، فهرستواره کتابهای فارسی (۲/ ۱۰، ۲).

رضوی، میرزا ابوصالح، فرزند سید میرزا محسن/ حسن شریف تقوی، (وف ح ۱۰۹۰ ق)، عالم امامی، نسبش با هجده واسطه به موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع) می‌رسد. گفته‌اند که مادرش، محرابی، بیگم، دختر شاه عباس اول صفوی بود. وی از علمای دوره شاه عباس دوم بود. در مشهد، نقیب‌الاشرف سادات رضویه تقویه بود. وی مدرسه صالحیه را که امروزه به نام مدرسه نواب مشهور است. در ۱۰۸۶ ق بنا نهاد. اصلاک بسیاری برای آن مدرسه و طلاب علوم دینی وقف کرد. او همچنین کتابهای بسیاری را نیز بر طلاب وقف کرد. او همچنین ایوان حرم مطهر رضوی را تعمیر کرد. آقا بزرگ تهرانی وی را سید صالح خراسانی یا میرزا محمد صالح رضوی خوانده و کتاب «دقیق الحقایق» را که مجموعه ریاضیات جمعی از شمرای متقدم و متأخر ایران به ترتیب حروف هجا است. از آثار وی می‌داند. در «اعیان الشیعه» و «ریحانة الادب» نام کتاب، «دقایق احوال» ذکر شده است. اعیان الشیعه (۲/ ۳۶۲)، ریحانه (۷/ ۱۵۶-۱۵۷)، الذریعه (۸/ ۲۳۵-۲۳۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۲۸۳، ۲۹۰).

رضوی، میرزا محمد بن میرزا حسین بن میرزا حبیب‌الله، (۱۱۹۲-۱۲۶۴/ ۱۲۶۶ ق)، فقیه، حرلی، مدرس و مجتهد پدرش از زهاد روزگار خود بود. میرزا محمد در ابتدا به عتبات سفر کرد و نزد صاحب «ریاض» به تحصیل پرداخت و در علم سرآمد شد و به دریافت اجازه از صاحب «ریاض» که با خط و مهر او در پشت جلد «شرح کبیر» موجود است، نایل شد. او همچنین از

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۱۹-۱۸)، صراف
الحقائق (۲/ ۲۵۸)، الکنی و الألقاب (۲/ ۴۱۵)، معجم
المؤلفين (۱/ ۸۷)، مکارم الآثار (۳/ ۶۴۲).

رضوی قمی، سید صدرالدین محمد بن محمد باقر.
(وف ح ۱۱۶۰ ق)، محدث، فقیه اصولی، مرجع تقلید و
مدرس. اصل وی از قم بود و نسبش به امام محمدنقی
(ع) می‌رسید. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و
شیخ جعفر قاضی و محقق شروانی تلمذ کرد. سپس به
قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در قفقاز، فعال
به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و
مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملا شریف
ابوالحسن هاملی و شیخ احمد حنزالری بهره گرفت.
استاد محقق بهمانی از شاگردان او بود و در نوشته‌هایش
از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید
عبدالله چراغی نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی
شرح «الرائیه» ملا عبدالله توی، در اصول فقه؛ «کتاب
الظهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی، «المعراج»
رساله‌ای در «حدیث نقلی».

اعیان الشیعه (۲/ ۳۸۶، ۴۰۶)، تقریبه (۶/ ۳۲۵، ۶/ ۱۹۴، ۱۳/ ۱۲۱، ۱۴/ ۱۶۶، ۱۵/ ۱۸۵، ۲۱/ ۲۲۶)،
روصات الجنات (۲/ ۱۱۹، ۱۲۲)، رحله (۲/ ۴۳)،
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲ / ۲۸۲-۳۸۶)، فوائد
الرصیه (۲/ ۴۱۳)، الکنی و الألقاب (۲/ ۴۱۵، ۴۱۶)، امت
نامه (دیل / صدرالدین)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۸، ۹/ ۸۷، ۱۱/ ۱۹۶-۱۹۷)، مکارم الآثار (۳/ ۶۴۲)،
هدیه الاحباب (۸۷).

رضوی قمی، سید محمد نقی، فرزند سید اسحاق
بن سید محمد قمی، (۱۲۸۷-۱۳۴۴ ق)، عالم دینی و
ادیب. تحصیلات خود را در نجف گذراند، سپس به قم
بارگشت و عهده‌دار امور دینی شد. در قم درگذشت و در
قبرستان شیخان دفن شد. از آثار وی «الدرة البیضاء فی
شرح غیبة فاطمة الزهراء (ع)» که به همت برادرش آقا
حسین بن اسحاق رضوی در ۱۳۵۴ ق به طبع رسید؛
«التبصرة المنتظرة» در نظم «تبصرة المتعلمین» علامه
حلی، که در ۱۳۳۲ ق از تألیف آن فراغت یافت.

تقریبه (۲/ ۳۳۴، ۸/ ۹۳)، زندگنامه رجال و مشاهیر
(۳/ ۳۳۳)، شیخان قم (۱۵۵-۱۵۶)، طبقات اعلام
الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۲۹، ۱۲۵)، معجم رجال صف (۳/ ۳)

(۱۰۱۴)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۱۹۵)

رضوی قمی، محمد باقر بن ابراهیم بن محمد باقر.
(وف ۱۲۱۸ ق)، عالم، متکلم، اصولی و شاعر. اصل وی
از قم و متولد و ساکن همدان بود. نسبش به موسی
میرقم، فرزند امام جوادی (ع) می‌رسد. وی برادرزاده سید
صدرالدین قمی، شارح «رائیه» است. او را از بزرگان
علمای قرن سیزدهم شمرده‌اند. وی شعر را بیکر
می‌سرود. در همدان درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و
در دارالحفاظ دفن شد. از آثار وی «شرح اصول کافی»؛
رساله‌ای در «معاد جسمانی».

اعیان الشیعه (۹/ ۱۸۸)، الدرر (۱۲/ ۹۶، ۲۱/ ۱۷۲)،
روصات الجنات (۲/ ۱۲۲)، رحله (۲/ ۳۱۴)، لقب
نامه (دیل / رضوی)، معجم المؤلفین (۹/ ۸۵)،
مکارم الآثار (۳/ ۶۴۱، ۶۴۲).

رضوی مشهدی، سید میرزا ابوالحسن بن میرزا
محمد بن میرزا حسین. (وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه، زاهد و
نظامی. وی در نجف نزد علامه شیخ مهدی آل کاشف
الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و به دریافت
اجازت استیفاء نایل آمد. در اواخر عمر به بیماری عصبی
 دچار شد و به همین بیماری از دنیا رفت و در مشهد در
درالصیافه به خاک سپرده شد. صاحب «شجرة الطیبة»
در شرح حال وی گوید که وی حواشی بر کتب متفرقه
داشت و اشعاری به عربی و فارسی از وی ذکر کرده
است.

اعیان الشیعه (۲/ ۳۳۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۶، ۲۴)،
معجم المؤلفین (۳/ ۲۸۱)

رضوی نیشابوری، سید محمدحسن، فرزند
ابوتراب بن میرزا حسن همدانی. (ح ۱۲۶۱-۱۳۴۱ ق)،
فقیه اصولی. پدرش، سید ابوتراب (م ۱۲۸۵ ق)، از
افاضل و بزرگان مجتهدین بود که از شیخ انصاری اجازه
داشت. در نجف نزد شیخ میرزا حبیب‌الله رشتی به
تحصیل پرداخت و «تحریرات» بحثهای او را نگاشت.
آنگاه به سامر رفت و در مجلس درس میرزای شیرازی
حاضر شد. پس از چند سال به همدان بازگشت و
مرجعیت امور شرعی را بر عهده گرفت. آقا بزرگ تهرانی
گویند: فرزندی آقا سید علی کبیر برایم گشت که پدرش

رضی خراسانی، میرزا رضی، فرزند شمعیا، (س یازدهم ق)، شاعر ابتدا در دهاتر محبوس مشغول بود سپس مستوفی مازندران شد. مدتی نیز در خدمت ثواب شیخ عیسی‌خان اعتمادالدوله به امر وزارت مشغول بود. از اوست.

به مجلس آمدی خون در دل مینا به جوش آمد
قدح بر کف گرفتی تشنه صفا به جوش آمد
تذکره نصرانی (۱۸۸۰)، القریه (۹/ ۱۳۷۲)، مسیح
گشن (۱۷۸)، فرهنگ سخودان (۳۸۶).

رضی‌الدین (س دهم ق)، خطاط. به خط وی
قطعه‌ای از مرقعی در کتابخانه خزینه اوقاف استاسول
است، به قلم دو دانگ خوش، با رقم سده کمتر
رضی‌الدین.
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۱۹).

رضی‌الدین (س دوازدهم ق)، نقاش. در دوره رندیه
می‌زیست و به شیوه صغوی آبرنگ و قلمدان می‌ساخت.
از آثار وی قلمدانی است که بر رویه آن تصویر زن و
مردی به استادی نقش بسته و کلاه و لباس و سایر
مشخصات تصویر و به طور کلی آرایش قلمدان در شیوه
صغوی است، با رقم. «کمترین رضی‌الدین»
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۶-۲۰۵).

رضی‌الدین خوانساری - خوانساری، آقا
رضی‌الدین محمد.

رضی‌الدین طالقانی، ابوالخیر احمد بن اسماعیل
بن یوسف قزوینی، (۵۹۰-۵۱۲ هـ)، قاری، محدث،
واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در همت
سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد غمرکی و محمد بن
یحیی بيشابوری و ابوعبدالله فراوی و عبدالغافر فارسی و
عبدالجبار خوارزمی و زاهر شحامی و ابن دسیری و ابن
نکلی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت.
مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع نصر الدین
می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن القری فی رانی از
شاگردان وی بودند. با ابن جوزی راعظ مشهور، به تربیت،
هر کدام یک روز، مجلس وعظ می‌نمودند. خلیفه
وقت در مجلس موعظه حاضر می‌شد و پس پرده
می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش اردحام

کتابی بزرگ در «اصول» داشته است.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۳۷۹)، معجم‌المؤلفین
(۹/ ۱۸۵).

رضی آرتیماسی - آرتیماسی، میرزا رضی.

رضی استرآبادی، رضی‌الدین محمد بن حسن.
(وف ۶۸۶ ق)، نحوی و عالم امامی. ملقب به نجم‌الائمه
و نجم‌الدین و رضی‌الدین. معروف به رضی و فاضل
رضی و شارح رضی. از نام‌آوران علم نحو که در استرآباد
متولد و در نجف ساکن شد. از آثار وی: «شرح حاشیه»
ابن حاسب، در صرف، معروف به «صرف رضی»؛ «شرح
قصائد سبعمه» ابن ابی الحدید؛ «شرح کافی» ابن حاسب
در نحو، معروف به «شرح الکبیر» یا «شرح الرضی» که
سیوطی از آن به عنوان کتاب بی‌نظیر نام برده، و براساس
این کتاب او لقب شارح رضی گرفته است؛ «حاشیه بر
«شرح تجرید العقاید الجدیدة و الحاشیه القدیمة».

الاعلام (۳۱۷/۶)، حب، الشیعه (۹/ ۱۵۳-۱۵۱)،
تاریخ انبیاء در ایران (۲/ ۲۸۹)، القریه (۱۳/ ۳۹۲)،
۱۴/ ۴۰)، ریحانه (۲/ ۳۱۵)، طبقات اعلام ششیه (قرن
۷/ ۱۵۵)، کشف الظنون (۱۳۷۰)، الکی و الاقرب (۳/ ۳۱۵)،
ثبت نامه (دیل رضی)، معجم‌المؤلفین (۹/ ۱۸۳)،
۱۸۳)، هذیه الاحباب (۲۱/ ۱۳۴)، هذیه‌المعرفین (۲/ ۱۳۲).

رضی اصغهبانی، (وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. از سادات
اصغهبان بود که در روزگار شاه عباس صغوی در ۱۰۱۷ ق
به هندوستان سفر کرد و پس از چندی به اصغهبان
بازگشت و در همان‌جا درگذشت. وی علاوه بر استادی
در شعر، در فن سخن‌سنجی نیز توانا بود. از اوست.

رفتی چو مهر گرم و روانم بسوختی
چون شعله سرکشیدی و جانم بسوختی
آتش کجا و همدمی خمار و غش کجا
گرم وفا شدی و همانم بسوختی

آشنکده آفر (۳/ ۹۹۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۳)، ریحانه
(۱/ ۵۵)، اللریه (۹/ ۳۷۱)، سر و آزاد (۲۱)، مسیح
گشن (۱۷۸)، کاروان هند (۱/ ۴۵۱-۴۴۹)، ثبت‌نامه
(دیل/رضی).

رضی تهریزی - بنده تهریزی، میرزا محمد رضی.

رضی در علوم ادبی و لغت عربی و خطوط، مخصوص
تستعین دست داشت. در ۱۲۷۸ ق از شیراز به تهران آمد
و در وزارت امور خارجه به خدمت مشغول شد و به
مدامات عالی رسید از اوست:

دریاب بهشت و چمن و کوثر و طوبی
از قد و لب نوش لبی، حور سرشتی
قلبی است ز راندود جهان، تا نقریسی
با جلوه گر از کسرت، زیبا شده زشتی

آثار عجم (۵۲۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۱)
(۲۱۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲)
(۶۲۵-۶۲۴)، فارسی نامه ناصری (۲/ ۱۰۹۹-۱۱۰۰)،
مرآة الفصاحه (۲۴۵-۲۴۴)

رضی قزوینی، محمد بن حسن - آقا رضی قزوینی.

رضی قزوینی، ملک و رضی الدین بابا. (س هفتم ق)،
شاعر از نوادگان امیرخاندین بکری بود. در روزگار
ایساقاخان در دیار بکر امارت داشت. پس از آنکه از
حکومت معزول شد، ریاضی مشهوری سرود و به نزد
خواجه شمس الدین محمد چوینی فرستاد. او از فضیلت
و دانش بهره مند بود و در سرودن شعر طبعی موروثی و
تربیتی، بی یکر داشت

نایب گردید. (۷۲۳)، حبیب السیر (۳/ ۱۷)، الذریعه
(۹۱/ ۱۱۷، ۳۷۳-۳۷۲) فرهنگ سخنوران (۳۸۷)، هفت
انبیاء (۲/ ۱۵۹-۱۶۰)، مینور (۲/ ۴۵۵-۴۵۴)، پادگار
(س ۲، ش ۳، ص ۱۳-۲۰)

رضی لالای چوینی - رضی لالای غزنوی

رضی لالای غزنوی، رضی الدین شیخ علی بن سعید
بن هیدالجلیل. (وف ۶۴۲/۶۴۳ ق)، صوفی و شاعر. در
عمره متولد شد. به شهرهای مختلف خراسان و هند سفر
کرد و سرانجام در غزنه درگذشت. شیخ رضی الدین از
بروگان مشایخ طریقه کبرویه و مرید مجدالدین بعدادی و
تجم الدین کبری بود. ظاهراً وی مصاحبت شیخ احمد
یسوی و خواجه یوسف همدانی و بسیاری دیگر از
مشایخ را دریافته و از ۱۶۴ شیخ عرفه گرفته است. وی
سفری نیز به هند داشته و به خدمت مشایخ هند رسیده
است. او بر علوم ظاهر و باطن چیره و در شعر فارسی نیز
استاد بوده است. رضی الدین علی لالا پتایر مشهور در

می کردند روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی
خواستند که بر پرید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا
معزود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا
درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در
تفسیر و حدیث و فقه دارد از آثار وی: «التبیین فی مسائل
القرآن»، ردی بر خطوبه و جهیمیه؟ «خصائص السواک»،
که در «معجم المزیلین» «خصائص السؤال» آمده است؛
«حجائر القدس»

الاعلام (۹۳/ ۱)، ریحانه (۹۳/ ۷)، سیرالنبلاء (۲۱/
۱۹۳-۱۹)، کشف الطوبی (۳۴۱-۷۰۵)، لغت نامه
(ذیل لاحد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۹/
۶۸-۶۶)، معجم المزیلین (۱/ ۱۶۷-۱۶۸)، نامه
دانشوران (۸/ ۳۰۲-۳۸۷)، هدیه المارین (۱۱/ ۸۸)

رضی الدین مصطفی تهریزی، فرزند محمد شفیع
(س یازدهم ق)، ریاضیدان، وی معاصر شاه عباس
صفوی بود. از آثارش: «ربیع المتجمین فی شرح المصول
الثلثین».

الذریعه (۱۰/ ۷۷)، سرآستان فرهنگ (۱/ ۳۹۵)،
لغتنامه (ذیل/ رضی).

رضی سمرقندی، امیر و رضی الدین علی (س نهم
ق)، شاعر، به فارسی و ترکی شعر می سرود. او مداح
سلطان میرزا ابو لقاسم بابر بود.

تذکره الشعراء (۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶)،
لغتنامه (ذیل/ رضی سمرقندی)

رضی شیرازی، سید مرتضی، (س یازدهم ق)،
شاعر، متخلص به رضی. از سادات شریف شیراز و
مدتی قاضی القضاات آن شهر بود. در شیراز درگذشت. از
اوست

هر چه با سید می پنداشتیم آن داد بود
حسبی افلاک با ما سبلی استاد بود

تذکره روز روشن (۲۹۹)، تذکره نصرآبادی (۱۷۸)،
دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۶۲۵-۶۲۶)،
الذریعه (۹/ ۳۷۳)، صحیح گلش (۱۷۹)، مرآت الفصاحه
(۲۴۴-۲۴۳)

رضی شیرازی، میرزا سید رضی، فرزند میرزا علی
فخرالدوله. (ز ۱۳۱۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به

فرهنگ (۱/ ۳۹۵-۳۹۶)، کشف‌الظنون (۱۸۱۰-۱۸۱۱)، باب‌الالباب (۱/ ۲۱۹-۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵/ ۸۷۴-۸۷۵)، مجمع‌الفصحا (۲/ ۶۷۲-۶۷۵)، معنی‌الکلام (۲/ ۲۴۲-۲۵۱).

رضیه گنده‌ای. (س هفتم ق)، شاعر از شاعران ریاهی‌سرا، که پیش از نیمه دوم سده هفتم هجری می‌زیست. از اوست

آن رلف نگسر سر به سمن آورد
برگرد سمن مشک ختن آورد
گویند خطی است آنکه گردد رخ اوست
خسلی است ولی به خون من آورد

مجموعه دانشکده ادبیات تبریز (س ۱۴، ش ۴، ص ۴۵۱-۵۴۲)، شاه‌یر رن (۱۰۷).

رعدی. (س یازدهم ق)، شاعر. از آثار او: منتری «شموش خاتون» منظومه‌های فارسی (۲۸۰).

رعدی آذرخشی، غلامعلی، فرزند محمد علی استخار لشکر. (ت ۱۲۸۸ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به رعدی. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان برد، سپس به تهران آمد و از دانشکده حقوق و علوم سیاسی به اخذ لیسانس نایل گشت. از ۱۳۱۲ ش به خدمت دولت درآمد و مشاغل چون مدیریت کتابخانه قنی و زوالت فرهنگ، ریاست اداره کل نگارش، سرپرستی محله آموزش و پرورش و ریاست هیأت تحریریه روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. در تأسیس فرهنگستان ایران همکاری داشته و مدتی دبیرخانه آن را اداره می‌کرده است. در ۱۳۱۵ ش به منظور تکمیل معلومات به پاریس رفت و در رشته ادبیات درجه دکترا گرفت. وی به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی رایج در ترکیه تسلط داشت. پس از مراجعت به ایران، در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد. بعدها به نمایندگی ایران در یونسکو انتخاب شد و به نیابت ریاست آن سازمان رسید. پس از مراجعت به ایران، سناتور انتصابی تهران شد و ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه ملی را عهده‌دار شد. دکتر رعدی در سرودن شعر توانا بود. قصیده «نگاه» او از مشهورترین و شیرازترین قصاید زبان فارسی است که

قریه جوی در اسفراین وفات یافت و همان‌جا دفن شد و ظاهراً به سبب طول اقامت در این نواحی است که در «مجموعه نصیحی» از وی به جویزی تعبیر شده است، به روایتی در اصفهان مدفون است

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۱۳)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۶)، تذکره‌الاعراء (۲۲۵-۲۲۶)، تذکره‌النفوس (۳۴۰-۳۴۱)، دیبانه حسنجور در تصرف (۱۰۵۱-۱۰۵۳)، الذریعه (۹/ ۳۷۴)، ریحانه (۲/ ۳۱۸-۳۱۷)، صبیح گلشن (۱۷۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶)، لغت‌نامه (دیل / رضی)، مجمل نصیحی (ذیل / سال ۶۲۲)، سفاحه‌الاس (۳۲۷)، معنی‌الکلام (۱/ ۳۱۸-۳۱۷).

رضی لاهیجی، آقا رضی، فرزند جمال‌الدین احمد. (س یازدهم ق)، شاعر. از مولد خود لاهیجان به اصفهان مهاجرت کرد و در آن سامان زیست. از اوست:

ز راه خاکساری تا کسی بر خاک نشیند
چو خورشید جهان افروز بر آفتاب نشیند
ز چشم‌تر نشان دل طلب گر بینشی داری
که نقش پای کس جز در ره نمناک نشیند

تذکره صرانی (۱۸۱-۱۸۲)، الذریعه (۹/ ۳۷۴)، فرهنگ سخنوران (۳۸۷).

رضی نیشابوری، رضی‌الدین ابوجعفر محمد. (وف ۵۹۸ ق)، فقه و شاعر. معروف به استادالانامه. آغاز عمر را در بلخ به کسب دانش گذرانید، ولی بیشتر در ماوراءالنهر می‌زیست. او از شاگردان حسین بن احمد خطیبی و شرف‌الدین محمد بن سمرود مروزی و از مریدان شیخ معین‌الدین حموی بود. ابوجعفر در علم فقه و خلاف صاحب نظر و در شاعری توانا بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود. وی بیشتر به مدح قبیح طمغاج خان ابراهیم بن حسین و قلعج از سلاطین پرداخته است. در پایان عمر به گوشه‌نشینی و زهد - شغل شد. بیشتر اشعار وی بن مسایه موعظه و اندرز دارد. در «ریاض‌العارفین» تحت دو نام آمده است. از آثار وی: «مکارم الاخلاق» و «دیوان» اشعار.

آتشکده آذر (۲/ ۶۸۶-۶۹۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۸۲۹-۸۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۹)، دیبانه‌الاعراء فارسی (۱/ ۱۰۸۹)، الذریعه (۹/ ۳۷۴)، ۲/ ۱۲۶، ریاض‌العارفین (۷۸)، ریحانه (۲/ ۳۲۰-۳۲۱)، سرآمدان

آن را در ۱۳۱۴ ش برای برادر لال خود سرود. او آثار او. رساله «رسناییز ادبی ایران» رساله «جهان‌بینی فردوسی» «تاریخچه تحول دانشگاه‌ها در ایران» به زبان انگلیسی؛ «تحقیق در آموزش عالی در رسته حقوق عمومی تطبیقی» به زبان فرانسوی؛ «پنج آینه» شامل متن‌های سیاسی.

ادبیات معاصر (۵۴۵۲)، رب تا روزگار ما (۲/ ۱۵۶۵-۵۵۱)، چشمه روشن (۶۴۵-۶۵۵)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۳۷۸-۳۷۳)، الذریعه (۹/ ۳۷۵)، سخنوران سامی معاصر (۳/ ۵۵۷-۱۵۶۵)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸)، گوهر (س ۱، ش ۸ ص ۷۰۲-۶۹۹)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۷۲۱-۷۲۲)

رغمی هروی، قاسم بیگ، (س دهم ق)، شاعر، متخلص به رغمی در تذکره روز روشن، از او با نسبت استرآبادی یاد شده است. از اوست

در آش غم سسوحتم و یار ندانست
حاشا که محبت اثری داشته باشد
تذکره روز روشن (۳۰۰)، الذریعه (۹/ ۳۷۵)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸)، مجمع‌الخواص (۱۲۲).

رفعت اصفهانی، میرزا ربیع‌الدین محمد، فرزند میر محمد حسین، (س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رفعت. از علوم مختلف سر رشته داشت و خط مستقیم را خوش می‌نوشت. از اوست.

بزم مرا خیال خطت یاسمن کند
سرو قد تو کلمه ما را چمن کند
حوال و آثار خوشویسان (۱/ ۲۱۹)، تذکره مرآبادی (۱۸۹-۱۹۰)، الذریعه (۹/ ۳۷۶).

رفعت انصاری همدانی، عباس / محمد عباس بن شیخ احمد بن محمد (ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در نکهوه پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزعبهای هند مسافرت کرد و در «بهوآل» اقامت گیرد از وی با نسیه‌های شیروانی، انصاری، یسی و هندی نیز یاد شده است. او آثار وی: «آثار المعجم» که با «آثار حجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ فاضله فارسی»؛ «تاریخ الواهر» در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «فلائد الجواهر فی تاریخ البواهر»

می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوآل»؛ «تاریخ دکن» یا «چهار چمن»؛ «تاریخ سرلندی»؛ «دیوان شعر

الذریعه (۲/ ۲۹۱، ۲۳۲، ۲/ ۲۱۶، ۹/ ۳۷۷)، رجانه (۲/ ۳۲۵-۳۲۴)، صبح‌گش (۱۸۰-۱۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۹۸۸-۹۸۷)، لغتنامه (ذیل / رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۵۲-۶۵۳)

رفعت فیروزآبادی، ملا شاه محمود، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رفعت از اوست:
درا به عالم حیرت که فیض‌ها دارد
بهشت و دوزخ تصویر یک هو دارد
تذکره نصرت‌آبادی (۴۱۱)، دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۲۷)، الذریعه (۹/ ۳۷۶، ۱۰۱۱).

رفعت قاجار، فتح‌الله میرزا، فرزند محمد علی میررای دولتشاه، (وف ۱۲۵۰/۱۲۵۵ ق)، شاعر و خطاط. در عصر تحملی شاه قاجار حاکم کرمانشاه بود. وی «خط نسخ را نیکو می‌نوشت. در «حدیقه‌الشعراء» شعاری از وی ذکر شده است.
حدیقه‌الشعراء (۱/ ۶۸۴-۶۸۱)، الذریعه (۹/ ۳۷۶)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹).

رفعت سهارندی، میرزا مصطفی، فرزند علی محمد بیگ، (س سیزدهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به رفعت. اهل نهاوند بود. در زمان سیف‌الدوله سلطان محمد میرزا به مقام سرکردگی یکصد و پنجاه سوار رسید و در این مقام باقی ماند تا سالک طریقت شد و بعد از آن چندان به مشاغل و امور دنیایی اعتنایی نداشت. رفعت در اواخر عمر نابینا شد و چون اشعری بر خلاف طریقه مشرعیین می‌گفت، در زمان صدارت میرزا محمدخان سپهسالار قاجار به همراه عده‌ای دیگر متهم به رنده و محکوم به مرگ شد، اما به علت بستایی بخشوده و به قم تبعید شد. بعد از عزل سپهسالار به رشت رفت و در آنجا بود تا وفات یافت و در صحن بقعه خواهر امام دفن شد.

تذکره طبقات (۸۷-۸۶)، حدیقه‌الشعراء (۱/ ۶۸۸-۶۸۴)، گنج شایگان (۱۸۹-۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹)، مجمع‌القصا (۴/ ۳۰۲).

رفیعا گیلانی، ملا محمد / محمد رفیع بن فرج رشتی مشهیدی. (وف ح ۱۱۰۶ ق)، عالم دینی، حکیم و مدرس. مجاور مشهد رضوی و عهده دار امر تدریس بود. از شاگردان ملا جمال‌الدین خوانساری و علامه مجلسی و شیخ جعفر قاضی و میرزا رفیعا نایینی بود و از آنها روایت کرد. شیخ عبدالله شوشتری و شیخ حسین بن محمد ناریادی سبسی بحرانی از جمله شاگردان وی بودند. از آثار او: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «شانی» سید مرتضی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «شرح مختصر العاجبی»؛ «شرح نهج البلاغه» که به گمته شاگردش شیخ حسین ناریادی سبک جامعی بین شرح ابن میثم و ابن ابی الحدید می‌باشد.

* الفریبه (۶/ ۳۲، ۷۵، ۹۲، ۱۸۲، ۱۳/ ۱۲۶)، ریاس العلماء (۷/ ۱۰۶-۱۰۷)، ریحانه (۵/ ۳۸)، عیفات علام الشیعه (قرن ۱۲/ ۲۸۳-۲۸۶)، موائد الرضویه (۳۳۷، ۵۳۵)

رفیعا نایینی، میرزا رفیع‌الدین سید محمد بن حیدر طباطبایی. (تو ح ۱۰۰۰-وف ۱۰۸۰-۱۰۸۲ ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. اصلاً نایینی و ساکن اصفهان بود. از شاگردان میر قنبرسکی، میرداماد و شیخ بهایی بود و از ملا عبدالله شوشتری و شیخ بهایی روایت کرده است. علامه ملا محمد باقر مجلسی و شیخ حرّ عاملی و شاگردان وی بودند. میرزای جوه از نوادگان اوست. وی در اصفهان درگذشت و در تقه فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جسر میراث فرهنگی اصفهان به شمار می‌آید. شیخ آقا بزرگ تهرانی گویند: در «انقض‌القدس» تاریخ وفات او ۱۰۹۹ ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا ملا خلیل قزوینی که در ۱۰۸۹ ق از دنیا رفته، در کتاب «منهاج‌الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرده است. از آثار وی: «انسام‌الشکیبک»؛ «شجرة‌الیه» به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در ۱۰۴۷ ق نوشته شده است؛ «الشجرة»؛ در تلخیص «الشجرة»؛ «حاشیه اصول کافی»؛ «حاشیه» شرح ارشاد مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه‌العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر الاصول» عسکری؛ حاشیه «صحیفه سجاده»؛ حاشیه «مختلف‌الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه مدارک الاحکام».

رفعتی تجربری، ابراهیم، فرزند مولانا سهوی خوشنویس. (س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رفعتی. در تبریز متولد شد و در میان جانشینان و نما یافت. او خط شکسته را تکو می‌نوشت به هندوستان سفر کرد. پس از بازگشت از هند مدتی در خدمت عرب خان، حاکم شیروان بود و ظاهراً در همان‌جا نیز فوت کرد. اشعاری از او در تذکرها نقل شده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲۶/ ۱۲۳۹)، تذکره شعری آذربایجان (۲/ ۲۵۸-۲۵۷)، تذکره نصرآبادی (۳۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۹/ ۳۷۷)، سخنوران آذربایجان (۳۷۶)، صبح گلشن (۱۸۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹)، کاروان هند (۱/ ۲۵۱-۲۵۲).

رفیع، (س یازدهم ق)، نقاش. از آثار او: قلمدان منحصر به فرد که تصویر شاهزاده خانم زیبایی در کمال آراستگی بر روی آن نقش بسته، با رقم: «یا رفیع الذریجات».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۸-۲۰۰).

رفیع، نورالدین، فرزند میرزا ابوالحسن شریعتمدار. (۱۳۱۸-۱۳۸۶ ق)، عالم دینی در رشت به جناب آیت‌مقامات را در مدرسه مستوفی رشت خواند و مظهر را نزد استادان تهران آموخت. او «حکمت و شرح منظومه» را نزد حاج آخوند هیدجی فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پانزده سال از محضر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نایینی و آقا صیام‌الدین مرانی استفاده کرد و «تقریرات» درس استیدش تحریر کرد. با دریافت اجازه اجتهاد به تهران بازگشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در تهران درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در صحن حلوی دفن شد. وی آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق دارد.

تذکیرنامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۳۷)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۳۷۰-۳۷۱)

رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد بن ملا محمد مؤمن، (س یازدهم ق)، عالم و حکیم. از آثار وی: «الذریعه الی حافظ الشریعه» در مرانی سیدالشهداء به نظم و نثر؛ حاشیه بر «اصول الکافی».

تذکر القیود (۳۸۴)، الذریعه (۱۰/ ۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۲۲۶).

(۲۵۳-۴۵۲)

رفیع‌الدین ابهری قزوینی. (من هشتم و هشتم ق)، عالم و شاعر. از مردم ابهر بود و در کرمان می‌زیست. وی از شاعران عهد حجاج سلطان قراچینی و از ملازمان عازان خان مغول بود. وی با کمال‌الدین اسماعیل و اثیرالدین اومانی معاصر بود. از آثار وی: «مثنی افندیسی»؛ دو «رساله» در حساب؛ «ادیوان» اشعار

تاریخ‌گریه (۷۳۱)، تاریخ عدم و نثر (۲۲۲)، تذکره روز روشنی (۲۰۵)، تذکره شاعران کرمان (۲۵۹-۲۵۸)، اندرینه (۳۷۸/۹)، ریاض‌العساکرین (۱۹۵)، مجمع‌العصا (۲/۶۷۸-۶۷۷)، هفت اقلیم (۲/۱۹۰-۱۹۲).

رفیع‌الدین کرمانی به رفیع‌الدین ابهری قزوینی

رفیع‌زاده، احمد. (تو ۱۲۹۷ ش)، مدرس و محقق. پس از طی دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در ۱۳/۹ ش در رشته فیزیک و شیمی با مدرک لیسانس فارغ‌التحصیل شده به شغل دبیری پرداخت. از آثار وی: «حل المسائل»؛ «شیمی»؛ «فیزیک»؛ با مشارکت حاج اسید جوادی و یاروخ بروخیم مؤلفین کتب چاپی (۱/۳۹۵-۳۹۴)

رفیع‌زاده، محمود. (تو ۱۲۹۹ ش)، داروساز. در ۱۳۲۲ ش از دانشکده داروسازی تهران فارغ‌التحصیل شد و در ۱۳۴۸ ش ریاست آزمایشگاه داروهای جالیوسمی دانشکده داروسازی را بر عهده گرفت. وی مدت در سال نیز دستیار بخش داروسازی مرکزی بوده است. از آثار وی: «داروهای جالیوسمی». مؤلفین کتب چاپی (۶/۳۴)

رفیع شیرازی، رفیع‌الدین مرزبان. (من چهارم و پنجم ق)، شاعر. از معاصران حنظله بادغیسی و ابوسلیک گرگانی بود. سرخی او را از شعرای آل سلجوق دانسته‌اند. در نظم و نثر توانا بود و ارسال را مدح می‌گفت. از اوست:

گل در رخ می چنان سفید
کش مهر در استخوان بسجده

دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۲/۶۳۲-۶۳۱)

تذکره‌العبور (۳۴۲-۳۴۴)، الذریعه (۵/۱۳، ۶/۱۹۵)، ۱۱۳/۲۹۷۸، روزحساب الجسبات (۷/۸۲-۸۱)، ریاض‌المنعمه (۲/۱۰۶)، ریحانه (۶/۱۲۸)، طبقات اعلام‌النسیمه (تو ۱۱/۲۶۶)، فرائد‌الرمویه (۵۳۲-۵۳۱)، الکلی و الاقطاب (۲/۲۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵/۲۲۶-۲۲۷)، هدیة الاحیاء (۱۲۲-۱۲۳)، هدیة‌المارین (۲/۲۹۳)

رفیعی نایینی. (من یازدهم ق)، عارف و شاعر. در نین متولد شد و در یزد نشو و نما یافت. گاهی به اصفهان سفر می‌کرد پس از چندی به ایرران مهاجرت کرد و در خدمت تحف‌قلی خان بن قراق خان بود، پس از درگذشت وی به مشهد رفت و بعد از دو سال اقامت، به اصفهان بازگشت. از اوست:

این قوم که بر خود نگم اسد همه
از پیسده شویشتن نهانند همه
عالم بحرست و خلق عالم چون موج
بپورده به هر طرف درآیند همه

تذکره سخنوران پرد (۱۳۷)، تذکره مصری‌بای (۱۲۸-۱۲۹)، الذریعه (۹/۳۷۸-۳۷۷)، ریاض‌العاریین (۸۱)، ریحانه (۴/۳۲۵)، صبح‌گش (۱۸۷)

رفیع بخاری، فرزند مولانا محمد مزید. (من دهم ق)، خطاط، موسیقیدان، پزشک و شاعر. وی در بیشتر علوم دست داشت و پزشک حادقی بود. در خط نستعلیق شاگرد سلف‌الدین مشهدی و از خوشنویسان معروف زمان خود بود. او قانون را خوب می‌نواخت و در فن موسیقی مهارت داشت، وی را در این فن پس از خواجه عبدالله مروارید از همه برتر می‌دانستند. او در هفتاد سالگی درگذشت و در جوار پدرش، در بخارا، دفن شد. تاریخ نظم و نثر (۶/۳۴)، تاریخ مفردی ملی (۲/۸۷۰)

رفیع خراسانی، رفیع‌الدین. (تو ۹۴۲ ق)، شاعر، متخلص به رفیع. در خراسان به دنیا آمد. پس از کسب کمالات نخست به عراق و از آنجا به هند رفت و به سال ۹۸۲ ق به خدمت جلال‌الدین اکبرشاه رسید. او در مأموریت‌های مختلف دیوانی و لشکری در هندوستان روزگار گذراند و در جنگ‌های دکن شرکت داشت. از آثار وی: «ادیوان» اشعار

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۸۷۰-۸۷۳)، کاروان هند (۱/۱)

شهرت یافت. در اوایل حال به بلخ رفت و در خدمت نذر محمد خان به کتابداری مشغول شد، چون در قس انشاء توانا بود؛ شاه جهان او را به هندوستان دعوت کرد. او نیز قبول دعوت کرد و در سلطنت متشیان وی درآمد. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مثنوی در تعریف شاه جهان آباد؛ مثنوی «الحریف برج»؛ مثنوی «الحریف قصر»؛ مثنوی «الحریف مسجد»

تذکره: نصرآبادی (۲۶۸-۲۶۹)، الذریعه (۳۷۹-۳۸۰)، سرو آزاد (۱۰۸-۱۰۷)، کاروان هند (۴۵۳-۴۵۴)، منظومه‌های فارسی (۲۸۱)، سیودر (۲۵۶-۲۵۷).

رفعی، عزیز (۱۲۸۶-۱۳۶۵ ش)، استاد دانشگاه و محقق. در تبریز متولد شد. در ۱۳۰۷ ش به فرانسه رفت و به اخذ دکتری در رشته دامپزشکی از دانشگاه بولور و گو هی میکروب شناسی از انستیتو پاستور پاریس و دیپلم انستیتوی بیماریهای مناطق گرمسیری مدرسه آلفر نایل شد. از مدتی در انستیتو پاستور الجزائر و مراکش کارآموزی نمود و در ۱۳۱۴ ش به ایران مراجعت کرد از بدو ورود به ایران در مؤسسه زاری یا سمیت دستیاری، ریاست آموزشگاه، معاونت و ریاست مؤسسه مشغول خدمت شد و از همان زمان در مدرسه کشاورزی کرج و سپس «مدرسه عالی دامپزشکی» به تدریس پرداخت. او در خرداد ۱۳۲۸ ش به سمت استاد کرمی انگل شناسی و بیماریهای انگلی و پوستی و تاراجی در دانشکده دامپزشکی انتخاب گردید و از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ش ریاست دانشکده دامپزشکی را به عهده داشت. از آثار وی: «انگل شناسی پتدپیان»؛ «انگل شناسی کرم شناسی»؛ «تک یاخته شناسی» مؤلفین کتب چندی (۴/ ۵۶-۵۷)

رفعی قهرخی اصمعی، محمد چنود، فرزند ابوالقاسم. (تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر، متخصص به رفعی. اهل قهرخ بود. به شمل زراعت اشتغال داشت. مخمسی در ذکر نام شعرای قهرخ گفته که حاوی اسامی سی و دو نفر از شعری قدیم و جدید این محل است. تذکره شعرای محاصر اصمعیان (۲۶-۲۷)، الذریعه (۹)

(۳۸۰)

رفعی کاشانی، میر رفیع الدین حیدر معمای. (وف ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخصص به رفعی. مشهور به معمای.

الذریعه (۳۷۹/۹)، ۱۰۲۹)، صبیح گشتی (۱۸۳)، نورنامه باصری (۱۱۷۹/۲)، باب‌الالباب (۲/ ۳۹۸-۴۰۰)، مجمع الفصحی (۳/ ۱۱۶۸-۱۱۷۰)، سرآت النصاره (۵۸۲-۵۸۱)، هفت اقلیم (۱/ ۱۹۶-۱۹۷).

رفیع کاشانی، میر رفیع الدین حسین. (س یازدهم ق)، شاعر از اوست

صدی چنین گذشت و کسی یاد ما نکرد
یک آفریده رو به غم آناد ما نکرد
فرهنگ سخنوران (۳۹۰)، هفت اقلیم (۲/ ۲۷۰)

رفیع لبانی اصمعی، رفیع الدین مسعود. (وف ۶۳۹ ق)، شاعر. مولد وی لبنان از قزاقی اصمعیان بود. او از اقربان جمال الدین محمد بن عبدالرزاق و معاصران شرف الدین شهروه و کمال الدین اسماعیل بود. چند تن از رجال مشهور اصمعیان و وی را مدح گفت. وفات وی در جوانی اتفاق افتاد. در «سرآمدان فرهنگ و تاریخ» و «آتشکده آذر» درگذشت وی سال ۶۰۳ ق ضبط شده است. در «آتشکده آذر» را تحت عنوان عبدالعزیز مسعود و در «مجمع الفصحی» عبدالعزیز بن مسعود آمده است. از آثار وی، «دیوان» اشعار.

آتشکده آذر (۳/ ۹۴۵-۹۴۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۸۲۹-۸۳۰)، تاریخ نظم و سر (۱۶۵)، تذکره روز روشن (۳۰۶-۳۰۵)، تذکره الشعراء (۱۷۲-۱۷۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۰۹۲)، الذریعه (۳۷۹-۳۷۸)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۳۹۷-۳۹۶)، فرهنگ سخنوران (۳۹۰)، باب‌الالباب (۲/ ۳۰۱-۳۰۰)، مجمع الفصحی (۲/ ۶۷۸-۶۸۰)، یادگار (ص ۲، ش ۱، ص ۸۸-۸۹)، هفت اقلیم (۲/ ۳۸۵-۳۸۴)

رفیع مروزی. (س ششم ق)، شاعر. از شاعران عهد سنجویاد بود. از اوست.

ای روی غروب تو سبب زندگایم
یک دوره وصل تو طرب جادوایم
تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۳۹-۶۳۸)، باب‌الالباب (۲/ ۱۶۲-۱۶۱)

رفیع مشهدی، حسن بیگ رفیع. (وف ۱۰۷۷/۱۱۰۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به رفیع از مردم قزوین بود، اما چون مدتی طولانی در مشهد بوده به مشهدی

رفیقی اصفهانی، میر مرتضی، (وف ۹۹۰ ق)، شاعر
از اوست:

بعد همی گریزی آیی به خرابیم دنگهان
می کنی قصدم، به قصد آنکه بیدارم کنی
تذکره دور روش (۳۰۸)، الذریعه (۹/ ۲۸۱)، فرهنگ
سخنوران (۳۹۲-۳۹۳)

رفیقی تبریزی، (من دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. از
اوست

همی است که من عاشق رخسار بنام
مسعود زده و لب پستان از دل و جسم
تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۳)، مجمع ساسی (۲۶۲)، تذکره
شعرائی آذربایجان (۲/ ۲۵۸)، دانشمندان آذربایجان
(۱۶۰)، الذریعه (۹/ ۲۸۱)، سخنوران آذربایجان
(۲۷۷-۲۷۶)

رفیقی مشهدی، رفیقی هروی.

رفیقی هروی، کمال الدین محمود، (من نهم ق)،
خطاط و شاعر متخلص به رفیقی، از مردم خراسان بود.
تتعلیق را خوش می نوشت از آثار وی یک نسخه
«جمعه» جامی، به قلم کتابت حنفی متوسط، که عباراتی
به قلم رفیع و شکسته تعلیق کتابت خوش نیز دارد و چنین
تمام می شود، «تمت هذه المصنف الحقیقی بخط المبد
محمود الرفیقی، فی سنة ۸۹۳ و «تمت ... فی شهر
شعبان المعظم سنة تسعين و ثمانمائة؛ یک نسخه
«حیره الملوک» سید علی همدانی، به قلم کتابت
متوسط، یا رقم «و تم ذلك المصنف الحقیقی بخط المبد
محمود الرفیقی فی شهر سنة ۸۹۳».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۷۴-۸۷۵)، تاریخ نظم
و نثر (۲۲۱)، گلستان هنر (۱۵).

رفیقی همدانی، (من نهم ق)، شاعر مصاحب مولان
طوسی بود. از اوست:

سیارم از کسمی جستن نشان ماه سیمایی
که ترسم میرم از غیرت هر گزید دیدمش چایی
الذریعه (۹/ ۳۸۲)، مجالس العارفین (۴/ ۴۰۵-۴۰۴).

رفیقی یزدی، (من دهم ق)، شاعر وی شاگرد ملا
حیرتی بود. از اوست:

بر بزرگان خطه کاشان و سادات طباطبایی آن مسمان و
ملازم شاه عباس صفری بود، ولی به اتهام هجو شاه به
حبس افتاد، از زندان به هند گریخت و توسط میرزا جعفر
آصف خان به دربار اکبر شاه راه یافت به رتبه
ملک الشعرائی و آصف جاهی رسید پس از چندی
صفری به حجاز کرد و در میان سفر، موالش به صورت
رفت. در پایان عمر به کاشان رفت و در این شهر
درگذشت. رفیقی در مباحث معما بهاری خاص داشت
و به همین سبب به معمای شهرت یافت. «شعاری از او
در تذکرها آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۲۸-۹۳۰)، تذکره سبک
(۲۲۱-۳۲۲)، تذکره نصرآبادی (۴۷۷-۴۷۵)، الذریعه
(۹/ ۲۷۰، ۳۸۱-۳۸۰)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۸۲)،
کاروان هند (۱/ ۴۶۷-۴۶۰)، لغتنامه (دیل اکاشی)،
معت اقلیم (۲/ ۳۶۷-۳۶۸).

رفیق اصفهانی، ملا حسین، (۱۱۵۰-۱۲۱۲ ق)،
شاعر. معروف به رفیق سری مروش. اصنس از اصفهان
بود. در اواسط حال تحصیلی کرده، به خراسانی
پرداخت. او با هانف و آذر معاصر بود. در اصفهان وفات
یافت و در محب به خاک سپرده شد اثر وی «دبران»
شعار حدود هشت هزار بیت است.

تذکره دور روش (۳۰۸-۳۰۶)، چهار صد شاعر برگزیده
پارس گوی (۲۵۹-۲۶۰)، الذریعه (۹/ ۲۸۱)، ریحانه
(۲/ ۳۲۶)، سینه المسود (۲/ ۴۶۵-۴۷۰)، فرهنگ
سخنوران (۳۹۲)، مجمع المسح (۲/ ۳۲۱-۳۲۰)،
نگارستان دارا (۱/ ۱۹۶-۱۹۷).

رفیقی آملی، (من دهم ق)، شاعر. از وطن خود به
حجاز سفر کرد و از آنجا به دکن رفت و چندی در
حیدرآباد و بیجاپور در نزد سلاطین، چا به سر برد و
سپس به دیار جلال الدین اکبر شاه روی نهاد و در سلک
ملازمان وی درآمد. وی در قن معما و ماده تاریخ ماهر و
استاد بود از اوست:

بستم به رخت پرده چشم نگران را
تا چشم به روی تو یفتد دگران را

الذریعه (۹/ ۳۸۱)، شام عربیان (۸۸)، صبح گلش
(۱۸۱-۱۸۲)، کاروان هند (۱/ ۴۶۷)، حفت اقلیم (۲/ ۱۳۳).

خان اسماعیل راده فراگرفت و از شاگردان درجه اول حسین خان بود. رکن الدین در ساختن پیش درآمد و رنگ و تصنیف مهارت داشت، به طوری که رضا محجوبی و درویش خان ارج می نهادند. ساخته های او به خاطر وزنهای گوناگون و نقشه های زیبا و سلیقه خاصی که در پروراندن آنها به کار می برد بر ساخته های دیگر نوازندگان برتری داشت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۲۸۵-۲۸۶، ۵۸۳)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۳۵، ۲۳۷، ۳۳۱، ۳۳۷، ۴۵۶).

رکن زاده آدمیت، محمد حسین، مرزند میرزا عبدالله رکن القاجار شیرازی. (۱۲۷۸-۱۳۵۲ ش)، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به سالک. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و آشنایی با زبانهای فرانسوی و انگلیسی، در اهواز به تدریس پرداخت. سپس به بوشهر رفت و ضمن تکمیل تحصیلات خود در رشته ادبیات فارسی و عربی، در تبحر تخته ای به کار دکتر داری و انشاء و داد و ستد پرداخت. سفری به عراق رفته و بعد از بازگشت در شیراز قوت خانه آدمیت را تأسیس کرد و به کار خرید و فروش کتاب پرداخت. در ۱۳۰۵ ش. روزنامه ادبی و سیاسی «آدمیت» را در شیراز منتشر کرد و پس از دو سال انتشار و تعطیلی روزنامه، به هندوستان رفت و سپس به تهران آمد و مدتی مدیر روزنامه «ایران آزاد» شد و کتابخانه آدمیت را تأسیس کرد و بعد از انتقال به کتابخانه مجلس شورای ملی، به نوشتن فهرست کتب خطی آن کتابخانه پرداخت و به عضویت پیوسته انجمن ادبی فرهنگستان ایران درآمد. آدمیت ضمن سرودن شعر، تألیفاتی نیز از خود به جای گذاشته است که به سوغی از آنها عبارتند از: «رسالة اغلاط مشهوره»، «داشمنان و صحن سراپایان فارس»، در پنج مجلد؛ «دلیران تنگستانی»، «فارس و جنگ بین الملل»، «رسالة کلمات و اصطلاحات جدید»، «منتخبات ایران شهر یا اصول آدمیت»، «منتخب برهان قاطع»، «منتخبات آدمیت»، «دیوان اشعار».

تاریخ جراید (۱/ ۱۰۵۱-۱۰۶)، دانشمندان سخن سراپان فارس (۳/ ۲۴-۴۰)، زندگی نامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۳۳-۳۴۱)، فرهنگ سمنووان (۲۳۰)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۷۶۹-۷۴۸).

رکن شیرزی، رکن الدین مسعود. (وف ۹۴۶ ق)؛

در هر گد که دید رفیقی تراء و شوق
استاد و انتظار رفیقان پنهان ساخت
فلک ز دور ووش (۲۰۹)، اکبر سحران بود (۱۲۸)،
مجمع التواریخ (۲۹۷-۲۹۸).

رکنی صفت هائی، یحیی. (وف ۱۰۲۱ ق)، شاعر، متخصص به یحیی و رکنی. مدتی ساکن دکن بود. از اوست.

سرم در عشق، سامان می فرزند
دیم در کوی هم، جان می فرزند
کاروی هند (۱/ ۴۶۷-۴۶۸).

رکنای کاشانی، رکن الدین مسعود به مسیح کاشانی.

رکن لدوله قاجار، محمد تقی میرزا، فرزند محمد شاه. (س ۱۲۶۲-۱۳۱۸ ق)، خطاط. از شاهزادگان هنرمند و با کفایت قاجار بود. او به حکومت حیراسان اشتغال داشت. مجموعه کتابهای خطی «ی ار سفایس است. او خط نستعلیق و استادانه می نوشت و از شاگردان میرزا کاظم خطاط بود. از آثار او: قطعه ای به قلم سعدانگ خورش، با رقم: «بنده درگاه محمد تقی قاجار ۱۲۷۵»؛ دو قطعه به قلم دودانگ خورش، با رقم: «رکن الدوله» و «مشقه محمد تقی قاجار سنة ۱۲۸۴»؛ یک قطعه به قلم دودانگ خورش، با رقم: «رکن الدوله».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۷۰)، شرح حال رجال (۳/ ۳۱۲-۳۱۹).

رکن الدین. (س هشتم ق)، نقش و طراحی. ری بر روی کاشیها نقش می آفرید و طراحی و کاشی تراشی را نیز خوب می دانست. این هنرمند آثار آبرنده ای از خود به یادگار گذاشته که از آن جمله، چند کاشی زیبای طلایی کرکی است که در موزه ایران باستان مضمون است احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۸).

رکن الدین صابن سمنانی، رکن الدین هروی

رکن الدین مختار، فرزند مختار السلطنت. (س سیزدهم ق)، موسیقیدان و نوازنده. از استادان بنام و از برجسته ترین آهنگسازان و نوازندگان ویولن است. وی ویولن را از استادانی چون حسین هنگ آفرین و حسین

شاعر و پزشک. از پزشکان و ادیبان بزرگ شیراز و از شاگردان مولانا صدرالدین هلی طبیب بود. از شیراز به کاشان رفت و در آنجا متوطن شد. از اوست:

گل سو رسته من آن چنان سوز بود خیزش
که می ترسم شود آزاده چون چشم افکند سریش
حجۃ سابع (۸۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس
(۲/ ۶۳۵)

رکن صابن هروی، رکن الدین. (وف ۷۶۴ ق)، شاعر، متخلص به رکن و رکن صابن در هرات متولد شد. پیش از سال ۷۴۶ ق به خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر درآمد و به مرتبه‌ای بزرگ رسید و مقبول خدمت و برگشده حضرت او شد. فصاحت فراوانی در مدح و ستایش خواجه غیاث‌الدین سرود. بعد از قتل وزیر نیز قطعه‌ای مؤثر در تأسف بر آن واقع سرود. تقی‌الدین کاشی وی را از اقربان جمال‌الدین سلمان ساوجی و رکن‌الدین ابهری و ابن فصوح شیرازی دانسته است. وی پس از قتل خواجه غیاث‌الدین محمد از آذربایجان گریخته به خراسان و استرآباد رفت و در طغایمور خان پیوسته. سپس به فارس رفت و امیر جلال‌الدین مسعود شاه اینجو و سپس امیر حسین جویانی را ستود. از پیش از استقرار امیر شیخ ابواسحاق روی به کرمان نهاد و به خدمت امیر مبارالدین پیوست و امیر شیخ را هجو کرد و از آن پس تا پایان عمر در درگاه مظفریان بود. از آثارش: «دیوان» شعر، مشوی «ده‌نامه» موسوم به «نحمة العشاق»

آشکده آذر (۱/ ۷۰۹-۷۰۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۹۳۶-۹۵۰)، تذکره‌نشره (۲۶۵-۲۶۲)، حبیب‌السیر (۲/ ۲۹۲)، الدرر (۹/ ۳۸۳)، ۵۷۶-۵۷۲، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۴۰۰-۴۰۱)، فرهنگ مسجوران (۵۴۶)

رکن قس، رکن الدین محمد - دعویدار قس.

رکن کرمانی، رکن الدین، فرزند ربیع‌الدین. (س هجتم ق)، عالم و شاعر، متخلص به رکن. خانواده وی از ابهر بودند. اما ربیع‌الدین در کرمان ساکن شد و به همین جهت به کرمانی مشهور شد. در «تذکره روز روشن» از وی ب نسبت مکرانی یاد شده و آقابرگ تهرانی رکن‌الدین بکرانی و مکرانی را یکی می‌داند. رکن‌الدین معاصر خاران خان مغول بود. وی صاحب «دیوان» اشعار

است که در آن به مدح ملوک آل مظفر مبارزالدین محمد مظفر، جلال‌الدین شاه شجاع و قطب‌الدین شاه محمود پرداخته و در آن از شاه ابواسحاق در نبرد ب لمیر مبارزالدین یاد کرده است.

تاریخ گزیده (۲۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره روز روشن (۲۰۹)، تذکره شاعران کرمان (۲۵۸-۲۵۹)، حبیب‌السیر (۳/ ۱۹۱)، الدرر (۹/ ۳۸۳-۳۸۴)، ریاض‌المعارف (۱۹۵)، ستارگان کرمان (۲۰۷-۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴)

رکن‌الملک شیرازی، میرزا سلیمان خان - خلف شیرازی.

رکن‌الملک، حسینقلی میرزا، فرزند سنجبر میرزا. (۱۳۱۹-۱۳۴۱ ش)، نویسنده. از شاهزادگان قاجاری بود. از زمان ناصرالدین شاه تا احمد شاه، متصدی امور دولتی بود و در وزارت پست و کشور و عدلیه خدمت می‌کرد. او به زبان فرانسیسی آشنایی داشت. وی خاطرات خود را در هفتصد صفحه نوشته است. مقالاتی نیز از وی در آروزنامه چاپ شده است.

ردگینه رجال و مشیر (۳/ ۳۴۰).

رکنی کاشانی، سید رکن‌الدین مسعود. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به رکنی از سادات کاشان بود. سالها منصب نقابت و پیشوایی کاشان به خاندان وی تعلق داشت. رکنی در ۹۸۵ ق به هند رفت و در آنجا اقامت گزید. از اوست:

برای دوست شهری را به خود دشمن نمی‌کردم
گواکه می‌شدم کان دوست دشمن می‌شود روری
فرهنگ سخنوران (۳۹۴)، کاروان هند (۱/ ۲۶۸-۲۷۰).

رمزی، هلی اکبر صمد. (۱۳۳۹-۱۳۴۷ ش)، شاعر، متخلص به رمزی. از خدمتگزاران انجمن صفا بود. از آثار وی: «رنگارنگ».

مؤلف کتب چاپی (۴/ ۵۲۹-۵۳۰)

رمزی اصفهانی (وف ۹۷۸ ق)، شاعر. از سادات اصفهان بود. در زمان شاه طهماسب صفوی می‌زیست. او در دم درگذشت. وی در سرودن عرب توانا بود. تاریخ نظم و نثر (۲۷۶)، تذکره روز روشن (۳۱۱-۳۱۰).

۱۳۱۲، الذریعه (۹/ ۱۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۳۹۳).

(۲۷۱)، الذریعه (۹/ ۳۸۵).

رمزی بابا - رمزی تبریزی

رمزی تبریزی (ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر از شاعران آذربایجان بود و در استانبول زندگی می‌کرد. روزی در هنگام عبور سنان هدالمجید خان عثمانی یک ریاضی فی‌البداهه سرود و سلطان پس از شنیدن شعر به وی صله داد. رمزی بالعلی، آهی، راجی و شکوهی معاصر بود. دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۹/ ۳۸۴).

رمزی سبزواری، نصیر. (س دهم ق)، شاعر. از مردم سبزواری بود و مشرب حکیمانه داشت. شرح حال او «تذکره روز روشن» با شرح حالی به برای امیر ابوالفتح چتایبی در «تحفه سامی» ذکر شده، یکی است. او است:

مرا به زلف بستی شد دل شکسته اسیر
که در چنای سر موئی نمی‌کند تفصیر
نعمه سامی (۵۷)، تذکره روز روشن (۳۱۲).

رمزی کاشانی، شیخ محمد هادی، فرزند حبیب‌الله. (توح ۱۰۲۰ ق)، نقاش و شاعر متخلص به رمزی. از مردم کاشان بود. نسب او به ابن بابویه قمی می‌رسد. در جوانی شاعری مشهور و صاحب «دیوان» و مدتی در دربار شاه عباس صفوی بود. ترک ملازمت سلطان گمت و در اصفهان زندگی پر آرامشی داشت. رمزی از معاصران مؤلف «قصص الحاقانی» و مؤلف «تذکره نصرآبادی» بود. وی علاوه بر شاعری در فن نقاشی و جوت‌ترشی هم مهارت داشت از آثار وی: «دیران» اشعار مشوی «رمز الحقایق» مثنوی «رمز لریاحین».

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۰۶-۱۳۰۶)، تذکره نصرآبادی (۳۷۳)، الذریعه (۹/ ۳۸۵-۳۸۴)، دیبانه (۲/ ۳۳۱-۳۳۲)، بحث‌نامه (دیل / رمزی)، منظومه‌های فارسی (۲۸۱-۲۸۲).

رمزی همدانی، (س دهم ق)، شاعر. از شعرای عهد صفویه و معاصر سام میرزا صفوی بود. او است: کاکل مشک‌فشان بر قد تخیل آسایش
مسجور زاهی است که بر سر بود مأواش
بروگان و سخن‌سرایان همدان (۱/ ۲۵۹)، نعمه سامی

رمضان شاهرخ، فرزند حاجی آقا. (س چهاردهم ق)، سازنده ساز. پدر وی از تار سازهای معروف بود. رمضان شاهرخ کارگاه صنعتی داشت و به ساختن تار و سه تار و خرید و فروش آلات و لوازم سرگرم بود. او یک نوع تار هشت سیم ساخته بود که کمتر مورد استعمال قرار گرفت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۳۹۶)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۷۳).

رمضان شاه، حسن. (س نهم ق)، فلزکار و کوبگر از آثار وی قلع‌دان مستطیل شکن فلزی است که کنارها و رویه آن به آدین و خطوط زیبای قدیمی آن دوره نقره‌کوب شده است. رقم: «عمل حسن رمضان شاه» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۸).

رمضان علی. (ز ۱۱۹۰ ق)، نقاش. این هنرمند در تصویرهای آب‌ونگی به‌خصوص در شبیه‌سازی دست داشت و در نقاشیهای تزئینی که از جمع حیوانات تشکیل می‌شد، دوق و قریحه مخصوصی نشان می‌داد. از آثار وی: دو ملانکه زیبا که یکی سوار بر اسب است و دیگری دهنه آن را به دست گرفته، با رقم: «عمل رمضان علی سنه ۱۱۹۰» تصویر استادانه شتری که از جمع اسان و حیوان تشکیل یافته و بتقدیس سوار بر شتر شده است و تاجی بر سر نهاده، با رقم: «بالتیس زن سلیمان پیغمبر، قله چهارم ز کوه قاف» عمل رمضان‌علی سنه ۱۱۹۰.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۰۹).

رمزی سبزواری - رمزی سبزواری

رمزی نخلچی کاشی، محمد. (و ۹۷۲ ق)، شاعر. از آثار وی. مثنوی «گلشن رمزی» در جواب گلشن راز شیخ محمود شبستری.
منظومه‌های فارسی (۲۸۳).

رنجور قاجار، میرزا محمد خان، فرزند حبیب‌قلی خان. (ز ۱۲۸۷ ق)، شاعر. مشهور به محمد خان هم.

وی برادرزاده و داماد فتحعلی شاه قاجار بود. مؤلف «حدیقه الشمر» وی را در ۱۲۸۷ ق در تهران ملاقات کرده است. او اندکی زمانی بعد از این ملاقات از دنیا رفت. از اوست:

این شگفت است که در عین پریشانی باز
دل من در سسوزلف تو قرصی دارد
بجز از خوردن خون از هم هجرت دیگر
مگر این خون شده دل فکری و کاری دارد

تاریخ عصری (متن و تعلیقات)، ۱: ۱۰۰، حدیقه الشمر، ۱/۶۹۰

رنجی تهرانی، هادی پشرفت، فرزند مهدی، (۱۲۸۶-۱۳۳۹ ش)، شاعر، متخصص به رنجی در تهران متولد شد. پیشه قفس‌سازی داشت و بدین حرفه عشق می‌ورزید. از کودکی به سرودن شعر پرداخت، او در غزل سرایی مهارت داشت و به شیوه صائب متمایل بود. رنجی در تهران وفات یافت و در این بابویه به خاک سپرده شد. از وی دیوان اشعاری در حدود سه هزار بیت به چاپ رسیده است.

دویست تصویر (۱۲۰-۱۱۸)، سخنران نامی معاصر (۱۵۸۳-۱۵۷۶)، فرهنگ معهودان (۲۹۵)

رواس اصفهانی، فرج الله کشکسولی، فرزند عبدالخالق، (تو ۱۳۱۴ ق)، شاعر، متخصص به رواس. در اصفهان متولد شد. مدتی کوتاه تحصیل کرده بعد به کسب و کار اشتغال ورزید. شغل وی کلبه‌بری بود. مدتی در انجمن ادبی خاکیا شرکت می‌کرد. پس از آن در جلسه مذاحرات که تحت نظر استاد صمدیه تشکیل می‌شد شرکت می‌جست. بیشتر اشعارش در مدح و منقبت و ذکر مصائب است. از اوست:

آن را که سر تسلیم در گوی قضا افتد
در کار قضا باید از جور و جبر افتد
تذکره شرای معاصر اصفهان، (۲۱۸-۲۱۹).

رواسی، شیخ صدرالدین، (وف ۱۲۷۱ ق)، صومی و عالم، وی از خلفای شیخ زین‌الدین خواصی و از علوم ظاهری و باطنی بهره‌مند بود. در اوایل چندی در مدینه اقامت داشت، سپس به وطنش اسمعرائی بازگشت و در آنجا به ارشاد پرداخت. وی در هرات درگذشت و در ولایت شعان دفن شد. از اوست.

رهی از عارصت چشم مرا نور

همیشه از جمالت چشم بد دور

حبیب‌السیر (۳/ ۱۱۳)، لغت‌نامه (دین / صدرالدین)،
مجالس العائش (۲۸، ۲۰۲)

رونبخش، رضا، فرزند آقا جان دوم، (وف ح ۱۳۲۰ ش)، خواننده و نوازنده. وی از توجه پدر و استعدادی که در نواختن ضرب داشت در جوانی شهرت پیدا کرد. رونبخش ضرب را نیکو می‌گرفت و آواز را در حدود دو دانگ ملایم می‌خواند و در خواندن اشعار ضربی دستی قوی داشت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۴۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۴۰۷-۴۰۶)

روجی، مولانا شمس‌الدین محمد، (وف ۹۰۴ ق)، هارف و شاعر از مردم قریه روج هرات را از مشایخ و عرفای معاصر امیر علیشیر توانی بود که قریب هشتاد سال به ارشاد و سرود پرداخت. از مریدان وی می‌توان مولانا کمال‌الدین فیضی خیابانی را نام برد. او در هرات درگذشت و در کنار قبر مولانا صدرالدین کاشغری دفن شده ولی پس از چند روز قبر وی را به کنار قبر خواجه عبدالله انصاری تغییر مکان دادند. روجی در سرودن غزل توانا بود.

تاریخ نظم و نثر (۶۱۳-۶۱۲)، حبیب‌السیر (۲/ ۳۴۲)،
مرزات هرات (۱۱۹)

روح‌الله خالقی ← خالقی، روح‌الله.

روح‌الله مشقی، (؟)، مورخ و نویسنده وی «ظفرنامه» شرف‌الدین علی یردی را گریش کرد و آن را «تذریع» پسندیده نامید.
دهرستار: کتابهای فارسی (۲/ ۸۵۵).

روح‌الامین اصفهانی، میر محمد امین میر جملہ شهرستانی، (وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر، متخصص به روح‌الامین. ملقب به میر جملہ اصفهانی، اصلی ری از سادات شهرستان اصفهان بود. اوایل عمر را در اصفهان سپری کرد در دست و نه سالگی به هندوستان رفت و در خدمت سلطان محمد قلی قطب مقام میرجملگی (وزارت) یافت. پس از مرگ قطب شاه به ایران بازگشت و

ستوده‌اند. وی تألیفاتی ارزنده در فقه و اصول دارد. از جمله: «فقه الصادق»، شرح «تبصره» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «محتاج الفقهاء»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در چهار مجلد؛ «مسائل مستحدنه»؛ شرح «کمایة الاصول»؛ رساله‌ای در «جر و اختیار»؛ «الفراغ الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروة الوثقی»؛ حاشیه «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».

آثار الحجة (۲/ ۹۵)، آینه دانش‌ور (۲۰۶-۲۰۷)،

الدریعة (۱۳/ ۱۳۵)، گنجینه دانشمندان (۲/

۱۶۰-۱۶۲)، معجم رجال نجف (۲/ ۱۸-۱۹)،

مرفعی کتب چاپی (۲/ ۲۸۹-۲۹۰).

روحانی، سید محمد، فرزند میرزا محمود بن سید صادق حسینی قمی. (۱۳۳۸-۱۴۱۸ ق)، فقیه اصرلی، مدرس، مجتهد و مرجع تقلید. در خاندان جلیل روحانی به دنیا آمد. پس از تربیت در دامان پدر پررگوارش و تحصیل مقدمات و دیبات و سطوح، در بیست سالگی به همراه برادرش آیت‌الله سید صادق روحانی در ۱۳۵۷ ق به نجف مهاجرت کرد و از محضر حاج شیخ صیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمد حسینی غروی و آقا سید ابراهیم اسمعانی و شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ محمدعلی کاظمی استفاده کرد؛ و بیشترین بهره را از آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا آل یاسین و آیت‌الله خویی برد تا جایی که سرآمد شاگردان ایشان شد و در حوزه هزار ساله نجف به صورت شاخص درآمد و خود حوزه تدریس تشکیل داد و افرادی چون آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر و آیت‌الله شهید سید عبدالصاحب حکیم را پروراند. او پس از سالها به قم بازگشت و مدت بیست سال به تدریس پرداخت و استاد نام حوزه علمیه قم و مرجع تقلید گشت. در قم درگذشت و در منزل خویش دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «مکاسب»؛ شرح «عروة الوثقی»؛ رساله‌ای در «قاعده لاضرر»؛ رساله‌ای در «نسخه»؛ رساله عملیه.

آثار الحجة (۲/ ۳۶۹)، آینه دانش‌ور (۲۰۶)، گنجینه

دانشمندان (۲/ ۱۶۲-۱۶۳)، معجم رجال نجف (۲/

۶۱۱).

روحانی، فزاد، فرزند علی اکبر محب السلطان. (تر ۱۲۸۶ ش)، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و تحصیلات

به خدمت شاه عباس صفوی رسید، ولی پس از مدتی مجدداً به هند رفت و نزد جهانگیر پادشاه به درجه میر سامانی و پس از آن به مرتبه میر بخشی‌گری رسید. در دہلی درگذشت. روح‌الامین از «اخوان پرکار عهد خود بود که در مثنوی و دیگر انواع شعر دست داشت و اثرهای متعددی پدید آورده است، از جمله: «لیلی و معجون»؛ «شیرین و خسرو»؛ «آسمان هشتم»؛ «پادشاه البروج»؛ «یون»؛ «حدیقه»؛ «ستایی»؛ «بهرام‌نامه»؛ «جواهرنامه»؛ «دیوان» اشعار به نام «گلستان ناز».

اومقاله (ص ۱۶، ص ۵۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/

۱۱۱۷-۱۱۲۶)، تذکره نصرآبادی (۵۷-۵۸)، قدح (۹/

۳۸۶)، سرفشان فرهنگ (۱/ ۴۰۲)، عالم‌نرای عباسی

(۲/ ۸۸۳)، کاروان هند (۱/ ۲۸۱-۲۷۱)، امت‌نامه

(دین / روح شهرستان)، منظومه‌های فارسی

(۲۸۳-۲۹۰).

روحانی، رضا. (۱۲۹۱-۱۳۶۵ ش)، نوازنده. در رشته مهندسی کشاورزی و ادبیات و زبانهای خارجی تحصیل کرد. از نوجوانی به موسیقی علاقه داشت؛ از این رو در محضر «ابوالحسن صبا» شاگردی کرد و از استادان بزرگ موسیقی گردید. وی شاگردان بسیاری تربیت نمود. روحانی به علت ذوق سرشار در شعر و موسیقی، کار تدریس، تلفیقی از این دو را به صورتی بسیار جالب برای شاگردان و هنرجویان ارائه می‌کرد که برای آنان بسیار خوشایند بود و موجب پیشرفت سریع آنها می‌شد.

مردان موسیقی (۲/ ۲۳۴-۲۳۶)

روحانی، سید صادق / محمدصادق، فرزند میرزا محمود بن سید صادق حسینی قمی. (تر ۱۳۳۰ ق)، فقیه اصرلی، مجتهد و مرجع تقلید. در خاندانی که قرن‌ها در قم ریاست علمی و دینی داشتند، متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در نزد پدر پررگوارش، در ۱۳۵۷ ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌الله حاج سید محمد روحانی برای ادامه تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله غروی و آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمی و آیت‌الله خویی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن

سرودن شعر پرداخت و در شعر به جنبه فکاهی آن بیشتر توجه کرد و در انتقاد از نقایص امور اجتماعی سهم بسزایی ایفا نمود. و ب سرودن شعار طر آمیز به پنداری مردم کمک شایانی کرد. بیشتر اشعارش را با امضای «چنه انتشار داد و در آغاز در روزنامه فکاهی» «امید» و بعد در روزنامه و محلات مختلف آثار وی به چاپ رسید. کلیات اشعارش به نام «چنه» مکرر به چاپ رسیده است. در تهران درگذشت. از دیگر آثار وی: «سرودهای روحانی»، شعر «فکاهیات معاصر»، شعر

دیباات معاصر (۵۵-۵۴)، الدریچه (۹/ ۲۸۵)، سخوروان

سامی معاصر (۳/ ۱۵۹۳-۱۵۹۷)، فرزند سنگ سخوروان

(۳۹۹)، بحث نامه (دهی/ روحانی تفرشی)، گلزار معانی

(۳۱۳-۳۰۵)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۷۲۰۰-۷۲۰۱).

روحانی سمرقندی، امیر ابوبکر بن محمد بن علی. (م. ششم ق)، شاعر وی در ماوراءالنهر - فرارودان - نشو و نما یافت. در عزمین به پیشه کتبت و مداحی بهرام شاه غزنوی رورگار می گذرایید. آیینی که از او به دست آمده بو مهارت وی در تغزل و غزل و توصیف دلالت می کند این بیت از اشعار اوست در تشبیه و توصیف قلم چیست آن مرغی که چون متغار او تر می شود چشتم و گوش اهل معنی طرح گوهر می شود ..

تاریخ دیباات در ایران (۲/ ۶۱۰-۶۱۲)، تاریخ نظم و نثر

(۷۸)، تذکره روز روشن (۳۱۶-۳۱۵)، تذکره الشعراء

(۱۲۲)، الدریچه (۹/ ۳۸۶)، ریاس الماوری (۱۹۵)،

سورنگ سخوروان (۲۹۹)، لباب الالباب (۲/ ۲۸۲-۲۸۱)

(۲۸۶)، لغت نامه (دبیل/ روحانی سمرقندی).

مجمع المصنعا (۲/ ۶۸۹-۶۸۸).

روحانی قمی، سید احمد، فرزند سید صادق حسینی مجتهد قمی. (۱۳۸۸-۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولد شد. نسبش از جانب جد پدری به میرزای قمی می رسد. او مقدمات را در محضر پدرش فراگرفت. سپس سطوح معقول را نزد حاج میرزا ابوالحسن ریعی قزوینی و فقه و اصول را در محضر آیت الله میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت الله حائری پردی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری و شیخ حسن فاضل قمی فراگرفت. در ۱۳۴۳ ق به عزم تکمیل تحصیلات به نجف و هسپار شد و در حوزه درس و بحث آیت الله نایینی و آیت الله عراقی و آیت الله اسمعانی و

عالی را در دانشگاه لندن در رشته حقوق به پایان رساند. در ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت و به عضویت شرکت نفت درآمد. روحانی به مباحث ادبی و فلسفی و اخلاقی و هنری علاقه وافری داشت و در رمیه موسیقی علمی و فلسفه هنرهای زیبا از صاحب نظران بود. وی از مؤسسان انجمن فیلامونیک تهران و دبیر انجمن بود. روحانی علاوه بر تبصر در زبانهای انگلیسی و فرانسه، به زبانهای عربی و لاتین نیز آشنا بود. از آثار وی، ترجمه «الهی نامه» عطاری به زبان فرانسه؛ ترجمه «جمهور» «ملاطون»

مؤلف کتب چاپی (۴/ ۷۲۸-۷۲۹).

روحانی، میرزا شکرالله، فرزند میرزا سید محمد علی. (۱۲۲۵-۱۳۱۸ ش)، شاعر، متخلص به آزادی، در تفرش متولد شد. از کودکی به تهران آمد و تحصیلاتش را در این شهر به اتمام رسانید. ابتدا نزد شاهزاده سلطان اویس میرزا معتمدالدوله و سپس نزد کامران میرزا نایب السلطنه به کار پرداخت و از اوایل مشروطیت در وزارت مالی، اشتغال جست. او طبعی نیرومند داشت و غالباً فی البداهه شعر می سرود و مخصوصاً در ساختن ماده تاریخ و اشعار فکاهی مهارت داشت. شعرهای او در مجله ادبی «ارمغان» و مجله فکاهی «امید» به چاپ رسیده است.

ردگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۴۵-۳۴۴).

روحانی تبریزی. (م. ششم ق)، شاعر و حکیم. از سخوروان عهد سلطان حسین بایقر بود. او اوست. گفتم روم رگوشش بگرفت اجل ره من پنگر چسه هاست شر ره بیچاره آدمی را

تذکره روز روشن (۳۱۵)، تذکره شماری آذربایجان (۲)،

۲۵۹-۲۵۸)، دانشمندان آذربایجان، ۶۱، الدریچه (۹)

(۳۸۶)، سخوروان آذربایجان (۲۷۷)، فرزند سنگ سخوروان

(۳۹۹)، لغت نامه (دبیل/ روحانی تبریزی)

روحانی تفرشی، غلامرضا، فرزند شکرالله (۱۲۷۵-۱۳۶۰ ش)، شاعر. در مشهد به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم متداول به خدمت دولت درآمد او چندی در شهرداری تهران به خدمت پرداخت و مدتی نیز در اداره مله و نان تبریز به خدمت اشتغال داشت؛ سپس به وزارت دارایی منتقل شد و با سمتهای مختلف در شهرستانها و تهران خدمت کرد. از دوازده سالگی به

پرداخته. سپس از محضر حاج شیخ حسن فاضل و حاج ملا غلامرضا صاحب «حاشیه بر رسائی» و آیت‌الله حاج آقا احمد طبیبی استفاده نمود. او در ۱۳۳۰ ق به نجف مشرف شد و از حوزة درس آیت‌الله اصفهانی بهره گرفت. وی مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌الله حاج آقا حسین قمی استفاده کرد. در معقول شاگرد میرزا علی اکبر حکیم یزدی بود. با سعی و کوشش وی مقدمات ورود آیت‌الله خاوری به قم فراهم شد. او تا پایان عمر به انجام وظائف دینی در زمینه تدریس و ارشاد مشغول بود.

آثارالسجدة (۷/ ۷۳-۷۲)، آینه دانشوران (۴۰۴-۲۰۵)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۳۳۷-۳۳۹).

روحانی وصال شیرازی، عینی، قرقره عبده لوهاب یزدانی، (۱۲۵۷-۱۳۳۲ ش)، خطاط، نقاش و شاعر. وی نواده وصال شیرازی است. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا به کسب علوم قدیمی پرداخت و در فنون ادب مهارت پیدا کرد. او غیر از شاعری در نوشتن خطوط شکسته و نسخ و نستعلیق استاد و در فن نقاشی از مهارت کافی برخوردار بود. دیوار در سالهای ۱۲۸۸ و ۱۲۹۷ ش به هندوستان سفر کرد و «سفرنامه» ای نوشت. در هند در پنج سالگی در شیراز درگذشت. از دیگر آثار وی: نظم «پنویان»، «یکتور هوگو»، «گلشن وصال»، در شرح حال و آثار دودمان وصال.

آثار عجم (۳۶۴)، احراق و آثار حوشریک (۲/ ۲۶۷)، افسس عهد (۵۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۴۰-۶۴۷)، التریقه (۹/ ۳۸۶، ۱۸/ ۲۲۹)، ریحانه (۱/ ۳۳۷)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۴۶)، سخنوران نسلی معاصر (۳/ ۱۵۸۸-۱۵۹۲)، شرح حال رجال (۶/ ۱۶۲-۱۶۲)، طرائف الحقائق (۲/ ۳۸۲)، لغت نامه (۵/ ۱)، روحانی شیرازی، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۵۰)، مرآت الفصاحه (۷۲۲).

روح‌الایمان ارستجانی، میرزا علی اکبر، (۱۲۷۳-۱۳۴۰ ش)، عالم و مجتهد. در ارسنجان فارس متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در شیراز متوطن شد و به تحصیل فقه و اصول پرداخت. از محضر استادان بزرگی چون میرزا ابراهیم محلاتی و میرزا محمد صادق مجتهد کسب دانش کرده، به درجه اجتهاد نایل شد. جهاد وی مورد تصدیق علمایی چون شیخ محمد کاظم

آیت‌الله قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امر تبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. نوپاها به هندوستان، برای ترویج شعائر دینی سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «مسوالمعاد»، در فضیلت صلوات به صریح؛ کتاب «خطرات»، کتاب «تسلية المریض»، کتاب «کتاب النجوة» سرالعادة (مقدمه)، نبهان قم (۱۵۸-۱۶۰)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۳۳۹).

روحانی قمی، سید صادق، فرزند میرزا زین‌العابدین حسینی، (۱۲۵۲/ ۱۲۵۵-۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی، مرجع تقلید و مدرس. در قم به دنیا آمد. تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت گزید و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس زنجوری به تحصیل حکمت اشتغال داشت. در حدود ۱۲۷۹ ق به نجف رهسپار شد و از محضر شیخ مرتضی انصاری استفاده کرد. پس از وفات شیخ از درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا غفرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملا علی اکبر قمی از شاگردان وی بودند. او در قم درگذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی نای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادش؛ «مباحث الالفاظ»؛ «الادلة العقلية»، در اصول؛ شرح کتاب «الزکاة»، از اوز زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مسوطی بر این بحث از «شرايع» است.

زندگی‌نامه و مرگ‌دشت شیخ انصاری (۳۱۴)، سرالعادة (مقدمه)، شیخان قم (۲۳۲-۲۳۸)، طبقات اعلام الشيعة (تسرون ۱۲/ ۸۵۵-۸۵۶)، گنجینه دانشمندان (۱/ ۱۲۲-۱۲۳)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۱۸-۶۱۷).

روحانی قمی، سید میرزا محمود، فرزند آقا سید محمد صادق (س چهاردهم ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در قم در خانواده جلیل روحانی به دنیا آمد. در خدمت آقا شیخ حسین صلامه به تحصیل مقدمات

رسانده است. وی پیشه حکاکی داشت. در برخی منابع تحت نام روحی تبریزی آمده است. از اوست:

از نگاه غضب آلود تو شد معلوم
که ز من گفته حدیقی به تو صاحب خرقی

تاریخ ادبیات در ایران (۵۱/ ۴۲۹-۴۳۰)، تاریخ نظم و نثر

(۵۲۹)، تذکره شعرای آذربایجان (۲/ ۲۵۹-۲۶۳)،

دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۹/ ۳۸۷)

سخنوران آذربایجان (۳۷۷-۳۸۰)، لغتنامه (ذیل/

روحی انارجانی)، مؤنن کتب چاپی (۳/ ۲۳۲-۲۳۴)

مجمع النواص (۲۷۶-۲۷۷)، یادگار (س ۲، ص ۲۳، ص

۴۲-۵)

روحی یارزی خراسانی. (س نهم ق)، شاعر شاگرد ملا جامی و از دانشمندان خراسان بود و بیشتر شاعران سرخس و سمرقند از شاگردان وی بودند. از آثار او، مناظره گل و بلبل و اشعاع و پروانه:

تذکره روحی روس (۶، ۲)، الذریعه (۹/ ۳۸۸)، فرهنگ

سخنوران (۴۱)، محاسن الثنائین (۱۵)

روحی بسخاری. (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از ملازمان شیبک خان و میرزا حسین یافرا بود. از اوست:

شبی همچون مرکب بود تاریک

رهی در وی چو شق خایه تاریک

شده طاس سپهر از مشک سوده

سواد انلوده همچون دگ دوده

تذکره روحی روس (۱۶، ۲)، الذریعه (۹/ ۳۸۷)، محاسن

الثنائین (۱۵۹)

روحی تبریزی. روحی انارجانی.

روحی حکاک تبریزی. روحی انارجانی

روحی زاری. (س دهم ق)، شاعر. از شاعران دوره صفوی در وی بود. از اوست:

نشاند دهسد رقیبان مرا وفا از تو

ندیده‌ام من پیدل به جز جفا از تو

تحفه سانی (۱۹۵)، الذریعه (۹/ ۳۸۸)، دی باستان (۲/

۳۰۵)

روحی ساوجی. (س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران

شیرازی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا آقا اصطهباناتی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. وی در شیراز در مدارس حکیم و هاشمیه به تدریس پرداخت. از آثارش «رساله عملیه» می باشد

دانشمندان و سخن سریان فارس (۳/ ۷۰۵-۷۰۶)،

مؤنن کتب چاپی (۴/ ۲۸۶).

روح عطار. (س هشتم ق)، شاعر شیمی. به آورده دکتر صفا، با توجه به اشاراتی که در «دیوان» اشعارش شده، محل سکونت و مولد و متشأن ظاهراً شیراز بوده است. وی با حافظ و سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی معاصر بود و در مسلک شعرای آل مظفر به شمار می رفت. در شاعری گاه روح و گاهی روح عطار و گاهی هم روح عطار محلیس می کرد. وی آتایک افراسیاب و خواجه قوام الدین محمد صاحب عیار، وزیر شاه شجاع، را مدح گفته است.

از سعدی تا جامی (۳۱۸-۳۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران

(۲/ ۱۰۵-۱۱۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، الذریعه

(۹/ ۳۸۷)

روحی اصفهانی، محمد علی (ح ۱۳۲۸-۱۳۷۲ ق)، شاعر و مدرس. در اصفهان متولد شد. ضمن خدمت در دوره اش که نقاشی بود به تحصیل علوم قدیم اشتغال جست و در فراگیری مقدمات و سطح تلاشی قراران کرد. او در ادبیات عرب منجم بود. در چند سال آخر عمرش، در تهران ساکن بود و در مدرسه مروی به تدریس «معنی» و «مطول» و «شرح نظام» و غیره مشغول بود. در تهران درگذشت و در قم دفن شد. اشعاری از او به عربی در تذکره شعرای معاصر اصفهان آمده است

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۴۲۴-۴۲۵)، الذریعه (۹/

۱۰۰)

روحی انارجانی. (ز ۹۹۴ ق)، شاعر و نویسنده از مردم قریه انارجان اسکوی بود که در تبریز اقامت داشت و معاصر با سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول بود وی مؤلف رساله ای است در عقاید و رسوم مردم تبریز که به «رساله روحی انارجانی» معروف است. روحی در آن کتاب نمونه هایی از ریدان پهلوی مردم تبریز را در آن دوره ضبط کرده و برخی از اشعار خود را آورده و ظاهراً آن رساله را در طی سالهای ۹۹۲ تا ۹۹۳ ق به پایان

روحی کرمانی، شیخ احمد، لریزه، ملا جعفر. (۱۲۶۳/۱۲۷۲-۱۳۱۴ ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخصص به روحی. در کرمان متولد شد. تحصیلات خود را در کرمان گذراند. در ۱۳۰۲ و نا میرزا آقاخان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجدداً به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول، میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از گذشتن ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمد علی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعداً در قبرستان شمشک‌لان دفن کردند. روحی دارای تألیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های: «هفت بیست» و «حاجی بابا اصفهانی» را می‌توان نام برد.

نویسار تا نیا (۱/ ۳۹۵-۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۶۲)، الفریقه (۹/ ۳۸۹)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۷۲)، شخصیت‌های نامی (۲۱۶-۲۱۷)، شرح حال رجال (۱/ ۸۰-۸۴)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰)، لغت‌نامه (دبی/ روحی)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۳۹۵-۳۹۷)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۱۰۷-۱۱۰).

روحی کرمانی، عطاءالله، فرزند شیخ مهدی بحرالعلوم. (تو ۱۳۱۷ ق)، نویسنده، مقدمات را در کرمان آموخت. به همراه پدرش از کرمان به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی برادرزاده شیخ احمد روحی کرمانی است. از دوره ششم تا چهاردهم تمانده مجلس شورای ملی و در دوره او نماینده مجلس سنا بود. از آثار وی: «اخلاق روحی»؛ «زبدة شاهنامه به ترتیب موضوع»؛ شعر. مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۲).

روحی مازندرانی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به روحی. میرزا محمد صادق مینا او را در ۱۰۳۷ ق در اکبرآباد (اگره) ملاقات کرده و گوید: «در آن شهر صحبت

پیشه‌ور و تاجر بود که در کنار امر بازرگانی به شاعری نیز می‌پرداخت و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها موجود است. ار دوست.

من کیستم؟ به کوی بلا خانه ساخته
با نامرئی دل دیوانه ساخته
تذکره روز روشن (۳۱۶)، تحفه سامی (۲۷۹)، الذریعه (۹/ ۳۸۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰).

روحی سمرقندی. (س سیم و دهم ق)، شاعر. از شعران قطعه سرا در دوره ازبک، بود. قطعه‌ای از او در «تحفه سامی» آمده است.
تحفه سامی (۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۳۸۸).

روحی شارسناتی. (س ششم ق)، شاعر وی از بزرگان شعرا و اکابر فضلا بود. «ابوالمظفر طمغاج خان حاکم ماوراءالنهر را مدح نمود. صاحب «صبح گنج» نام وی را روحی می‌نوشتن ضبط کرده است.
الذریعه (۸/ ۳۸۸-۳۸۹)، صبح گنج (۱۸۲)، مجمع‌الفصحی (۲/ ۶۸۹)، لغت نامه (ذیل/ روحی)، شارسناتی).

روحی شیرازی، میرزا عنایت الله دستغیب، فرزند میرزا ابوالحسن. (ز ۱۳۰۷ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخصص به روحی. ملقب به اعتمادالتولیه روحی. وی روزنامه «دارالعلم» را در ۱۳۲۷ ق تأسیس کرد و مدتی نشر داد و بعد مجله ادبی «آرین» را به همراه حسین پرتو و چندی هم روزنامه «وطن» را منتشر نمود. روحی شعر نیز می‌سرود. وی زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و علم عروض را از صاحب «آثار عجم» فراگرفته بود. از دیگر آثار وی: «ادبیات پهلوی»؛ «اصدالی و دمکرات»؛ «زنگ تفریح»؛ «سردار نامه»؛ «داروین و حکمای مشرق زمین»؛ «فال حافظ»؛ «علم ارواح»؛ «تاریخ سلطنت»؛ «فتوحات مسلمین در فرنگ»؛ «تاریخ تعلیم».

آثار عجم (۵۶۳)، تاریخ جرید (۲/ ۲۶۲-۲۶۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۵۴-۶۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۳۹-۶۴۰).

روحی عطار، عروج عطار.

ری عالم به شریعت و حقیقت بود و معاصر ابو عبدالله باکو و شیخ یو القاسم یوسلمه باوردی. از دیسی خود ابوعلی رودبیری، و یعوی و قاصی محاملی و یوسف بن یعقوب بن اسحاق حدیث روایت کرد. ابن باکویه و علی بن عیاض و محمد بن علی ضرری از او حدیث شنیدند. در حومه عکا از دنیا رفت؛ پسرش به صورت انتقال داده شد و در آنجا دفن گردید. رودبیری صاحب کتابی در «آداب فقر» بوده است.

تاریخ بغداد (۳/ ۳۳۶-۳۳۷)، تاریخ گزیده، (۴۵۶)، ترجمه رسالة قشیریه (۸۶، ۸۴)، حلیه الارباب، (۱۰/ ۲۸۲-۲۸۳)، ریحانه (۷/ ۱۸۸)، سیر السیلاء (۱۶/ ۲۲۷-۲۲۸)، طبقات الصوفیه سلسی (۲۹۷-۵۰)، طبقات الصوفیه هروی (۵۵۲-۵۵۳)، کشف المحجوب (۴۱۰)، مسیم البلدان (۳/ ۸۸)، نفعات الانس (۲۷۲-۲۷۳)

رودبازی، ابوعلی احمد بن محمد بن قاسم، (وفات ۳۲۲ ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد و در بغداد ساکن گردید. نسبتی را به النوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جمیع بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنبید. در آمد. از محمود رملی حدیث روایت کرد. با ابن جلاء و ابوالحسن توری و ابو حمزه بغدادی همشین بود. فقه و نزد ابوالحسن بن شریح و ادبیات را نزد ثعلب و حدیث را از ابراهیم حریری آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استعاده علما شد و در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودبازی، محمد بن عبدالله رازی، احمد بن علی وجهی و معروف ریحانی از شاگردان وی بودند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جا مانده است. از کلمات اوست: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هر چه چهر اوست کوچک گرداند» و امید و ترس را در دلت تثبیت کند»

تاریخ بغداد (۱/ ۳۳۳-۳۳۴)، تاریخ گزیده (۵۱)، تاریخ نظم و نشر (۷۵۳)، تذکره الارباب، (۳/ ۲۸۸-۲۸۵)، ترجمه رسالة قشیریه (۷۲-۷۳)، حلیه الارباب، (۱۰/ ۲۵۶-۲۵۷)، ریاض العارفين (۴۰)، سیر السیلاء (۱۴)، طبقات الصوفیه سلسی (۳۵۴-۳۶۰)،

مولانا روح الله مارندرائی متخلص به روحی را در بستم، از محاسن روزگار بوده در طلب علوم خصوصاً ریاضی سفر کرده و از هر گوشه‌ای توشه‌ای به دست آورده، با هم مؤذنی عظیم خاست، هم در آن اوان به بهرائج رفت، آنجا نیز او را دیدم، پس از آن در عهد عظیم حال (میر محمد باقر ساوجی) به بنگاله آمد، باز به خدمتش رسیدم، از اوست

الهی رشته شوقم به کف ده
هوس را سر جگر داغ تلف ده
قسم را خاک فرساکن ز پستی
مهرم و بسته زانو پرستی
کاروان هند (۱/ ۲۸۱-۲۸۲)

روحی ولوالجی، (س ششم ق)، شاعر. از مردم ولوالج ماوراءالنهر که گویا مدتی در شهرهای حراسان و نزارودان بوده است. او پس از قطران و مسعود سعد سلمان می‌زیست، چراکه در شعر خود از آنها یاد کرده است. طبع وی بیشتر به هرل گرایش داشت و در آوردن تشبیهات نیز توانا بود. اشعاری از او در تذکره «طبیب الالباب» آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۳۹۹-۴۰۰)، فرهنگ سنجوران (۴۶۹)، بیبالالباب (۲/ ۱۶۵-۱۷۴)، لغت نامه (ذیل / روحی ولوالجی).

روحی همدانی، (س دهم ق)، شاعر از شاعران بذله‌گو و لطیف‌پرداز در دوره شاه عباس اول صفوی بود. زبان وی را به سبب هزل و هجوی که سروده به دستور شاه عباس بریدند. از اوست.

در کسوی تو سرهای شهیدان محبت
بی ضربت جلا دجدا گشته ز تنها
برگان و سخن‌سرایان همدان (۱/ ۲۵۹)، الذریعه (۹/ ۳۸۹)، صبح گلشن (۱۸۴).

رودبازی، ابو عبدالله احمد بن عطا بن احمد، (وف ۳۶۹/۳۶۷ ق)، صوفی، محدث و قاری. وی خواهرزاده ابوعلی رودبیری است. در رودبار به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. مدتی در بغداد زندگی کرد و سپس به صورت منتقل شد و تا پایان عمر در سامات زیست. او از «عظم مشایخ صوفیه و عارفان شام به حساب می‌آید.

با کاروان حله (۱۸۰۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱)
 (۳۸۹-۳۷۱)، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۲۹-۲۷)، ۵۲۲-۵۲۱
 ۶۶۴-۶۶۳)، تاریخ سرگردگان (۲۲۰-۲۲۱)، تاریخ
 مسیستان (۳۱۶-۳۱۳)، تاریخ گزیده (۷۳۲)، تاریخ
 موسیقی (۱/ ۱۵۸-۱۵۶)، تاریخ هنرهای منی (۲)
 ۷۲۹-۷۲۸)، تذکره النساء (۳۶-۳۹)، چشمه روشنی
 (۱۷-۲۶)، چهار مقاله (۵۲-۵۴)، دائرةالمعارف
 الاسلامیه (۱۰/ ۲۶۱-۲۶۲)، دائرةالمعارف فارسی (۱)
 ۱۱۱۴-۱۱۱۵)، الدرر السبعه (۲/ ۲۰۷-۹/ ۳۸۹-۳۹۰)،
 رباعی و رباعی سرایان (۹۹)، ریحانه (۲/ ۳۳۸-۳۴۲)،
 سخن و مستحورن (۲۵۱۸)، صورمندان فرهنگ (۱)
 ۶۰۵-۶۰۴)، سیری در شعر فارسی (۲۱۹-۲۱۲)،
 فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۸-۲۳۹)، فرهنگ سخنوران
 (۱-۴/ ۴۰۱-۴۰۲)، فهرست کتب فارسی (۱/ ۴۶۱)،
 کاتراند بزرگان (۳۰۹-۳۱۰)، الکنی و الاقبات (۲)
 ۲۸۲)، گنج مسکن (۱/ ۱۰۰-۱۰۱)، گنج و گنجینه
 (۳-۵۰۹)، الف الف الف (۲/ ۹۰۶)، مؤلفین کتب
 چاپی (۲/ ۳۳۸-۳۳۹)، مجمع الفصحی (۲/ ۶۸۸-۶۸۹)،
 مجمل فقهی (ذیل / سال ۴۰۷)، مجمع البیان (۱)
 ۵۹۰)، هفت مقاله (۳/ ۳۲۲-۳۲۵).

روزیه، (ز ۹۲۸ ق)، شاعران و شاعران زن در عهد
 سلطان سلیم بود. ابیاتی از او به جا مانده است.
 تاریخ نظم و نثر (۳۴۹)، قریبه (۹/ ۳۹۰)، لغت
 (دبل / روزیه)، محاسن الفرائض (۴۰۰)، متحیر زبان
 (۱۰۸)

روزیه، رضا، فرزند کربلایی محمد، فرزند آقا شیخ
 احمد رنجانی، (۱۳۵۲-۱۳۰۰ ش)، استاد، فیریکدان،
 ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فیه و زاهد. در زنجان به
 دنیا آمد. تحت تعلیمات عالی پدرش و عموی، آقا شیخ
 جواد رنجانی، که از علمای زاهد بود، فرگرفت. او در
 دوران تحصیل در دبستان توفیق و دبیرستان پهلوی هم از
 نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش آموزی
 برجسته بود. با پایان یافتن تحصیلات دبیرستانی به کار
 تعلیم و تربیت در دبستان توفیق رنجان پرداخت. استعداد
 عالی و روش کاری نظیرش در زمینه تعلیم و تربیت او را
 در این امر بسیار موفق ساخت. او در همان ایام مقامات در
 رنجان، علوم حوزوی را نیز آموخت و بعد از طی
 مقدمات و سطوح اولیه، در محضر آقا سید محمود

کشف المحجوب (۱۹۸-۱۹۷)، الکنی و الاقبات (۱)
 ۱۲۵)، مجمع البیان (۳/ ۸۹)، صفحات الاس
 (۲۰۷-۲۰۵)

رودباری، محمد ولی، (س سیردهم ق)، نویسنده. از
 آثار وی «شکر نامه» به نام ناصرالدین شاه قاجار، در
 یک مقدمه و چند مقاله
 هرسنوار کتبهای فارسی (۱/ ۴۲).

رودباری رانکوهی اشکوری، سید اسدالله بن عباس
 بن عیدالله نحضی، (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق)، عالم دینی، فقیه،
 اصولی و مدرس. از اولاد میر بزرگ، مدفون در آمل
 است. جد بزرگ وی ابتدا در رودبار سکنت گزیده سپس
 به رانکوه و بعد از آن به اشکور رخت. سید اسدالله در
 فرزند نزد سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، تلمذ
 کرد. وی در ۱۳۰۳ ق به عتبات هجرت کرد و نزد علامه
 میرزا حبیب الله رشتی به تحصیل پرداخت و «تقریرات»
 بحث استاد را دو باره محفل نوشت که پنج جلد در
 «اصول» و شش جلد در «فقه» بود. وی در نجف
 درگذشت. از دیگر آثارش: «البس المشکورک؟» «تاریک
 الطریقین؟» «کتاب الاوائی من الذمب و الغضه»

اصیان الشیعه (۳/ ۲۸۶)، الدرر السبعه (۲/ ۴۷۱-۴۷۰)
 طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۳۸)، مجمع رسائل
 نجف (۱/ ۱۲۵)، مجمع الموعین (۲/ ۲۴۱)

رودکی، ابو عبد الله جعفر بن محمد، (وف ۲۲۹ ق)،
 شاعر مشهور به سلطان شاعران، استاد شاعران و
 آدم الشعراء. در قریه بنج از توابع رودک سمرقند متولد
 شد. بیشتر مورخان معتقدند که کور مادراد بود. در
 هفت سالگی قرآن را حفظ کرد و قرائت محتف و
 آموخت. او در موسیقی ماهر و از صدای خوشی
 بهره مند بود. وی نخستین بار به شعر فارسی ضبط و
 قاعده معین داد و آن را در موضوعات مختلفی از قبیل
 داستان و غزل و مدح و وعظ و رثاء و جز آن به کار برد.
 رودکی شاعر دربار سامانیان بریده دربار نصر بن احمد
 سامانی بود و دیگر درباریان را نیز مدح می گشت. وی در
 زادگاه خود درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار، «کلیله
 و دمنه» منظوم، امروز از اشعار رودکی که بالغ بر صد
 هزار بیت بوده است بیش از هزار و اندی بیت بیشتر در
 دست است

روزبه، خسرو، فرید حسین (مقتول ۱۳۳۷ ش)، نویسنده و مترجم. از آثار وی: «طاحات کورکورانه»، «خسرو روزبه را بشناسید»، «دوره فلسفه»، ترجمه «سومانیسم تختلی و سومانیسم علمی»، ترجمه مؤلفین کتب چاپی (۱۸/۳)

روزبهان بقلی قسایی، شیخ عبدالالدین ابومحمد روزبهان بن ابی نصر دیمعی قسایی (قوسی) شیرازی. (۶۰۶-۵۵۲ ق)، صوفی و واعظ معروف به شیخ شطاح در ساسانولند شد، در شیراز تربیت یافت. او جامع علوم ظاهری و باطنی بود. وی دکانی داشت که در آن نقل می فروخت. به همین سبب به بقلی و به عبت داشتن شطحیات زیاد به شیخ شطاح معروف بود. وی با شیخ ابوالنجیب سهروردی «صحیح بخاری» را در مرز اسکندریه استماع کرد. او خرقه از شیخ سراج الدین محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد گرفت. چندی نزد قتیبه او شدالدین نیریزی شاگردی کرد. به مدت پنهان سال در مسجد جامع حقیق مردم را موعظه و ارشاد می کرد. از مشایخی که در محضر وی حاضر می شدند، حبی لالا و بهاءالدین یزدی و ابراهیم حسن کرد و شیخ ابوالقاسم خاوی و ابوالفتح نیریزی را می توان نام برد. از وی بیست و هشت تصنیف در تفسیر، فقه، حدیث و اصول و تصوف به جای مانده است، از جمله «عشرالعشقی»، «حقیق الاخبار»، «العماد»، «مشراب الارواح»، «لومع التوحید»، «رسالة النص فی روح القدس»، «لطائف الانعام فی تفسیر القرآن»، «شرح شطحیات»، «الموشح فی مذهب الاربعة»، «عرائس الیاف فی حقایق القرآن»، «الانوار فی کشف الاسرار»، «سیرارواح»، «صفرة مشارب المعشوق».

پورگان شیراز (۲۲۰-۲۲۴)، پورگان نامی پارس (۱۱) ۲۲۸-۲۲۳)، تاریخ «پنهان در ایران» (۲/ ۲۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۹)، تاریخ گریده (۶۷۵-۵۷۴)، تذکره هزار مرار (۲۸۹-۲۹۳)، جستجو در تصوف (۲۱۹-۲۲۵)، دانشمندان و سخنرانیان فارس (۱/ ۱۷۴-۱۷۱)، الذریعه (۹/ ۳۹۰، ۱۲/ ۱۸۹-۱۹۰، ۱۵/ ۲۴۲)، ریحانه (۳/ ۳۲۴)، سرآستان مرهنگ (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)، سیرارنامه (۱۵۹-۱۶۱)، طریق الحقائق (۲/ ۶۴۰-۶۴۱)، فارسی نامه باصری (۲/ ۱۱۶۷-۱۱۶۹)، مرهنگ سخنوران (۴-۲)، کشف الظنون (۹۶، ۱۰۱۱، ۱۰۷۹، ۱۱۳۱)، مجمل قصیدی (ذیل / سال ۶۰۶)، مؤلفین

مجتهدی فلسفه و منطق را فراگرفت و در سطوح عالی و خارج از محضر آیت الله شیخ حسین دین محمدی کسب فیض کرد و «کتاب الاصول» را نزد وی خواند. از ۱۳۳۰ ش تدریس در دبیرستانهای تهران را آغاز کرد و همزمان وارد دانشکده علوم دانشگاه تهران شد. در تحصیلات عالی هم دانشجوی ممتاز و بی رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه پی گرفت و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. وی رساله پایان نامه تحصیلی اش را در زمینه «مطالعه در آثار میدان الکترونیکی و رادیاسیون و گار رب روی موحودات رنده» کار کرد و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گار ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشرفتات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، استاد روزبه پایه گذاری دبیرستان هلوی در ۱۳۳۴ ش با همکاری استاد علامه کرباسچیان و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف آسان سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته خودش هر کدام یک مدرسه هلوی بودند. استاد روزبه در کنار تحقیقات گسترده در زمینه فیزیک، در مسأله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متفی داشت. تسبیح کامل وی بر «معارفه اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود» «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می دانست، با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملاً آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم نظیر بود. پاک و صفا و رهنموی ربانی او، حاکی از شخص بودنش در این زمینه بود. او آسانی بود که همه مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تألیفات و تحقیقات متعددی در زمینه علوم مثبت و نیز فقه دارد، حتی در آخرین شب هیاتش به تجدید نظر در این تألیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان او دنیا رفت و در قم در گورستان بو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه علومین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار او، عمر استاد یا همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

یاد بده استاد روزبه، میسر گل، کیهان مرمگی (س)

۲۸ ص ۵۲-۵۳.

روزیه تکهنی - روزیه نکتی لاهوری.

روزی، شیخ ابوالحسن علی بن محمود بن ابراهیم.
(وف ۴۵۱ ق)، عارف. وی از مریدان ابوالحسن حضرمی
و از عرفای بنام سده پنجم و از بزرگان مشایخ آن عهد
بود. از جمله آثارش: «رباط روزی»
(رحانه ۲/ ۳۴۲)

روشن، امین‌الله. (تر ۱۲۸۶ ش)، مدرس و محقق. در
تهران متولد شد. در ۱۳۰۷ ش به اروپا رفت و یک سال
در لیسه شهر نانی و سپس در دانشکده علوم یزدسون و
پاریس به تحصیل در رشته فیزیک و ریاضی مشغول شد
و مدرک لیسانس گرفت. سپس در لابراتوارهای دانشگاه
پاریس به مطالعه و تحقیق در موضوع تولید و پخش
حرارت‌های شدید میبادرت کرد. او به وضع قانون و طریق
جدیدی برای محاسبه حرارت شعله‌ها نایل شد و در
قسمت تجربی به ساختن دو قهره اسپنهای علمی موفق
گردید و پس از اخذ دکترای علوم، به ایران مراجعت
کرد و از ۱۳۲۴ ش در دانشسرای عالی با سمت
دانشجوی فیزیک به تدریس اشتغال ورزید. از آثار وی:
«فیزیک گرما»، «تئوری مستیک گازها»،
«فیزیک، ترمودینامیک»، «فیزیک عمومی، الکتریسیته»،
«فیزیک عمومی، ماده و انرژی»، «فیزیک نجومی
خورشید».

مربعین کتب چاپی (۱/ ۶۶۵-۶۶۷).

روشن اصفهانی، ملا محمد صادق صحائف، فرزند
ملا محمد طاهر اردستانی. (وف ۱۳۰۵ ق)، عارف و
شاعر، متخلص به روشن. در اصفهان متولد شد. پیشه
صحافی داشت در اثر مهارت و شهرت به این کار،
همه‌دار صندگری و شیراز، بسیاری کتابهای نفیس در
دارالطباعه تهران گردید. سرانجام در تهران وفات یافت و
در عسکات دفن شد. «دیوان» اشعارش سه تمام
«بستان السعاده» در تهران به طبع رسیده است.

تذکره القبور (۲۸۳)، حقیقه الشعراء (۱/ ۶۹۱-۶۹۲)،
الدرعه (۹/ ۹۹۸)، طرائف الحقائق (۳/ ۱۶۵-۱۶۶)،
قره‌نگ مستحروان (۲۱۲)، مجمع الفصحا (۲/ ۳۲۲-
۳۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۹۰-۴۹۱)

روشن اصفهانی، میرزا هاشم بهروش، فرزند میرزا

کتب چاپی (۱/ ۲۹۹-۳۰۰)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۷۵-
۱۷۶)، فصاحت‌الاس (۲۶۱-۲۶۳)، حقیقه‌المعارفین (۱/
۳۷۱)، هفت التلم (۱/ ۱۸۳).

روزیهان کبیر مصری. (وف ۵۸۳ ق)، عارف. اصل
وی از کازرون بود. در مصر متولد شد و از مریدان شیخ
ابوالنجیب سهروردی شد. وی اکثر اوقات را در مقام
استغراق بود. شیخ نجم‌الدین کبری به صحبت وی رسید
و شیخ روزیهان وی را به دامادی قبول کرد. در
«کشف‌الطنون» کتابی به نام «حقیقه‌البروه» به وی نسبت
داده شده، که گوی این کتاب از آن سجدالدین بغدادی
است.

رحانه (۲/ ۳۲۳)، کشف‌الطنون (۳۶۴)، لغت‌نامه
(ذیل / روزیهان)، فصاحت‌الاس (۴۲۱-۴۲۲).

روزیه شیرازی، ملا روزبه. (سی یازدهم ق)، شاعر. از
احوال و آثار وی اصلاح چندانی در دست نیست، جزو
اینکه از شاعران سده یازدهم بوده و در «جنگ»ها
اشعاری به نام او آورده‌اند.

دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۲۵۶)، فرم‌نگ
مستحروان (۲۰۲).

روزیه کاتب شیرازی. (ر ۱۰۱۱ ق)، خطاط. از
خوشنویسان شیراز بود. از آثار وی: یک نسخه «اسکندر
نامه» نظامی، به قلم کاتب خقی خوش، یا رقم «تمت
الکتاب... حسنی بد التفسیر الحقیق روزیه الکاتب
الشیرازی... سنة احدى عشر و الف...».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۰-۲۲۱).

روزیه لاهوری - روزیه نکتی لاهوری.

روزیه نکتی لاهوری، ابوعبدالله روزیه بن عبدالله.
(س پنجم ق)، شاعر، متخلص به نکتی یا تکهنی
اشعاری در مدح سلطان مسعود غزنوی سروده است او
تا روزگار سلطان ابراهیم در قید حیات بود.

تاریخ ادبیات دو ایران (۱/ ۶۰۰-۶۰۱)، تاریخ نظم و شعر
(۲۲)، شاعران سی، سیوان (۵۶۵-۵۶۶)، قرم‌نگ
مستحروان (۴۰۲)، لب‌الاکباب (۲/ ۵۸۵-۵۸۶)، لغت‌نامه
(ذیل / روزیه)، هفت التلم (۱/ ۳۲۲)

فضل الله. (س چهاردهم ق)، شاعر، متخصص به روشن. از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و در یزد سکونت داشت. اشعارش در مجله «دانشکده» دوره اول به طبع می‌رسید. از اوست:

ی دل از دور در حشاک صبری می‌آید
از پی شام فراقت صبری می‌آید
بین کمان خانه ابروش که پا ناوک و ناز
از پی گشتن خوبین جگری می‌آید
تذکره شماری سامر اسفهان (۲۲۲)، دوره ۹، (۲۹)

روشن چهارمی، بابا حسن، فرزند محمد باقر (ح ۱۲۸۰-۱۳۳۰ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به روشمعلی اهل جهرم فارس و از فرقه حکسار و مرید پیر جلال‌الدین حسین بود. او بسیاری از شهرهای ایران را سیاحت کرد. در فرقه شمس آباد درگذشت و در آنجا دفن شد از اوست:

تو مرغ لامکانی این مکان بگدار و بالا رو
به قاف قرب حق، ممکن بیاید مرغ عبقا را
طلمس ما و من بشکن، دویی بگدار و واحدشو
و بکتابی سوان دیدن جمال یار یکتا را
نظر سر لوح دل کس صورت الله را بنگر
که ظاهر بر تو سارد سر هر پنهان و پینا را
سررگان جهرم (۵۷-۳۱)، فرهنگ سخنران (۲۰۳)،
مرآت الفصاحه (۲۵۲-۲۲۹)

روشندل شهرکردی، شیخ حسین اعمی. (ت ح ۱۳۲۰ ق)، واعظ و شاعر، متخصص به ذکر و روشندل. در سه سالگی به علت ابتلا به مرض آبله، از هر دو چشم سببنا شد. او دارای ذهن و هوش سرشاری بود به طوری که در دوازده سالگی قرآن را از حفظ داشت. با اینکه نایت بود حفظ را خوب می‌نوشت و از وعاظ شهرکرد بود از آثار وی: منظومه «مصیبت نامه»، در دو هزار بیت؛ «محاجات نامه»؛ «دیوان» اشعار

تذکره شماری سامر اسفهان (۲۲۳)، دوره ۹، (۲۹)

روشن شیرازی، میرزا احمد، فرزند میرزا محمد حسین. (۱۲۱۵-۱۲۶۱ ق)، شاعر، متخصص به روشن. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا تحصیل کرد مدتی متراوی

آصفه سید میر احمد شاهچراغ بود. از اوست:
حلقه کعبه سر رلف تو گر نیست بر آن
از چه خلقی پی حاجات درآورسته‌اند
تذکره طلمس (۹۷)، حدیقه‌الشمراء (۱/ ۶۹۵)،
دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۶۵۵-۶۵۲)،
مارنامه ناصری (۲/ ۹۶۵-۹۶۴)، فرهنگ سخنران
(۲۰۳)، مرآت الفصاحه (۲۲۸-۲۲۷)، مکالم الآثار (۲/ ۵۵۰)

روشن خمیر. (وف ۱۰۷۷ ق)، شاعر در دوره صهریه به هند رفت و در بندر صورت اقامت گزید. از آثار وی مشوی و گدای باخرزی،
تذکره سرآبدی (۶)، مطهره‌های فارسی (۲ ۲۰۹۱)

روشن نوری، میرزا هدایت الله. (ز ح ۱۲۵۲ ق)، شاعر از وزیران و مسووفیان پام دوره قاجار بود. در روزگار حکومت خانلر میرزای احتشام‌الدوله به یزد رفت و منصب استیفای آذین را بر عهده گرفت. از اوست:
کنم از خوف دل رخساره گلگون
که در محشر رخ خوبین پسند
حدیقه‌الشمراء (۱/ ۶۹۵-۶۹۶)

روشنی، هه صمر. (وف ۸۹۲ ق)، صوفی و شاعر. از مشایخ تصرف بود. در آیدین متولد شد. در یادگوبه با سید یحیی شیروانی شماعی دیدار کرد و از وی سون طریقت را کسب کرد و مدتها در گنجه و برده و شیروان به ارشاد پرداخت. او آنجا به اردبیل رفت و تعداد سیری از مردم آن سامان مرید وی شدند. وی پیانگدار طریقه روشنی در تصوف بود و خانقاهی در مظفریه تبریز برای او ساخته شد. در همان شهر درگذشت و در کوی مقصودیه تبریز دفن شد. او اشعار هارفاانه ربیایی به رباع ترکی سروده است.

تاریخ نظم و نثر (۷۹۶)، روصات الجنات (۱/ ۲۷۲)،
(۴۷۶)، رباع (۲/ ۳۴۲)، فرهنگ سخنران (۴۰۴)

روشتیان، رحیم. (۱۲۹۸-۱۳۵۴ ش)، کارگردان، نویسنده و یاریگر. در شیراز متولد شد. از هنرستان هنریشگی تهران فارغ‌التحصیل گردید و فعالیت در تئاتر را از ۱۳۱۸ ش در بندر انرلی با نمایش «ایرت جنت» و

فوائد الرضویه (۵۴۷)، مؤلف کتب چاپی (۵۲۲/۳)،
مشهد (۱۹۸۱-۱۹۹۰، ۷۶۴، ۹۳۱).

روغنی استرآبادی، (وف ۹۸۰ ق)، شاعر، از شاعران
استرآباد بود که در دامغان متولد شد. در روزگار
جلال‌الدین محمد اکبر شاه به هندوستان رفت و در آن
سامان زیست تا در ۹۸۰ ق که با اردوی شاهی به گجرات
می‌رفت در پای قلعه ابوگره وفات یافت و در همان جا
دفن شد. وی شاعری هراش بود و با غزلی مشهور و
معاصران خود مشاهیر و مهاجرات داشت. از آثار وی:
«دیوان» شعر در حدود سه هزار بیت

آشکاده آذر (۷۷۹/۲)، تاریخ ظفرهای فارسی (۲)
۲۷۹، تاریخ نظم و شعر (۲۲۲، ۸۲۰)، الذریعه (۹)
۲۹۱، فرهنگ معبران (۴۰۴)، کاروان هند (۱/۱) ۲۸۳
- (۴۸۶)، نعتنامه (دین / روغنی)، منتخب فتاوی (۳)
۲۳۴، مفت‌اللمیم (۳/۱۲۰-۱۲۱)

روملو، امیرحسن بیگ، (۹۸۵-۹۳۷ ق)، مورخ، از
رجال معروف قریاش در عهد شاه طهماسب و از
مؤرخان مشهور عهد صفوی بود. در قم در میان قبیله
روملو از قریاش‌های صفوی متولد شد. در جوانی به
کسب کمالات در نزد مالک دیلمی قزوینی خطاط و
مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی پرداخت، او از افسران
سپاه طهماسبی بود و با درجه مسافری، سمت
فرچی‌گری داشت و به سبب مقام و مرتبه‌ای که داشت
از او به عنوان «بیگ» یاد می‌شود. اسکندر بیگ ترکمان
چندبار از وی با عنوان «مورخ» یاد کرده و گویا در ۹۴۸ ق
در جنگ در بول به این دلیل همراه شاه طهماسب بود که
وقایع را ثبت کند. وی مؤلف کتاب با ارزش «احسن
التواریخ» در دو قسمت است که قسمت اول آن با
رویدادهای سال ۸۰۷ ق، آغاز سلطنت شاهرخ شروع
شده و قسمت دوم با حوادث سال ۹۸۵، سال جلوس
شاه سلطان محمد خدابنده پایان پذیرفته، وی این کتاب
را به نام شاه اسماعیل، پسر شاه طهماسب صفوی نوشته
است.

احسن‌التواریخ (مقدمه / ۲۷، ۱۲)، تاریخ ادبیات در ایران
(۵/ ۱۶۶۹-۱۶۷۵)، تاریخ نظم و شعر (۳۵۵، ۸۰۲)،
الذریعه (۱/ ۲۸۷)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۵۶۱-۵۶۲).

رواق سندجی، میرزا عبدالقادر، فرزند محمد همدانی.

«سرجان» شروع نمود. همدان فیلم‌های وی: «عروس و
حجله» «قبل و بعد» «فرشته نجیب»

ادبیات نمایشی (۲/ ۱۲۲)، تاریخ سینمای ایران (۲۹۲)،
۳۱۲، ۳۹۱. فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران (۱/ ۲۷،
۲۷، ۶۳، ۲۷)

روشن یزدی، سید رضا (ظهر، نورید، سید مرتضی،
(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به روشن. از اهالی یزد
بود. تحصیلات قدیم داشت و به شغل بازرگانی مشغول
بود. بار اوست:

مستان پاده حلقه به هر در نمی‌زنند
می‌جر رجم ساقی کوثر نمی‌زنند
تنگره معبران یزد (۱۷-۸۱۶).

روشنی همدانی، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر، در
همدان نشو و نما یافت. در حدود ۱۰۱۰ ق به ابرقوه
رفت. در روزگار اکبر شاه به هندوستان رفته و در آن
سامان زیست. او مثنوی «فرهاد و شیرین» را تصنیف کرده
است. از اوست:

بر من سیم وصل او مشکل ورد کز بخت بد

باد سموم از خاک من برجیده دامان می‌شود

برگان و سخن‌سرایان همدان (۱/ ۲۶۰)، تذکره دور
روشن (۸/ ۳۱۹۳)، الذریعه (۹/ ۳۹۱)، فرهنگ
معبران (۴/ ۴)، کاروان هند (۱/ ۴۸۳-۴۸۴).

روغنی، ملا محمد صالح بن محمد باقر قزوینی،
(س یازدهم ق)، عالم دینی از علمای عهد صفوی و از
شاگردان میر داماد بود. صاحب «دریغ‌المعلماء» وی را از
شاگردان ملا خلیل قزوینی می‌دانند. وی با شیخ حرّ
صامی و مجلسی لون و دوم معاصر بود. از آثار وی
رساله در «اکل آدم من الشجرة» «برکات المشهد
المقدس» یا «ترجمه حیون اخبار الرضا (ع)» که در
۱۰۷۵ ق در مشهد رضوی تألیف شده، «ترجمه توحید
مفضل» «ترجمه صحیفه سجادیه» «ترجمه عهدنامه
مالک اشتر» «ترجمه محاضرات راغب» «شرح
نهج‌البلاغه» «شرح فارسی» «دهای سمات» «مقامات»
«الامامة»

الذریعه (۲/ ۳۲۷، ۸۸/ ۳، ۱۰۲/ ۱، ۱۰۴/ ۱۴)

۱۲۸، ۱۲۹)، ریاض العلماء (۲/ ۲۶۳)، ریحانه (۲)

۳۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرون ۱۱/ ۲۸۴-۲۸۳).

خود چاپ می‌کرده است که این قول درست نمی‌تساید، چه هیچ تشابهی بین اشعار آن دو دیده نمی‌شود. از آثار وی، «دیوان» اشعار، «مرآت‌المحققین»؛ «خریپ»؛ در سحرال مشتاق عیشاء و تمة کتاب «جنات‌الوصان» نور علیشاه است.

تذکره شاعران کرمان (۲۶۰-۲۶۱)، حدیقه‌الشعراء (۲)، (۱۰۲۵)، الدررجه (۳۹۲/۹)، ریاض‌العاریس (۲۶)، ریسانه (۳۴۳-۳۴۴)، سترگد کرمان (۲۰۷)، طرائف‌الحقائق (۲۰۵/۳)، فرهنگ سحران (۴۰۵)، نشتنامه (دیل / رزق کرمانی)، مجمع‌الفصحا (۳۳۰/۴).

رواقی باققی، محمد زمان. (وف ۱۰۴۱ ق)، شاعر در باق متولد شد. در زمان شاه عباس صفوی به پیر رفت و در آن شهر تحصیل کرد. پس از چندی در قریه سرپاد یا مریم آباد حومه یزد مسکن گزید و در همان جا وفات یافت از آثار وی: «دیوان» شعر تذکره سخنوران یزد (۱۲۸-۱۳۷)، جامع معیادی (۳/ ۲۳۱-۲۳۲)، الدررجه (۳۹۲/۹)، ریسانه (۳۴۳/۲).

رواقی مشهدی. (وف ۹۷۹ ق)، شاعر، اصل وی از مشهد بود. در تاریخ و انشاء مطلع بود و در شعر و معما تبحر داشت. در ایام جوانی از مشهد به هند سفر کرد و در شهر گلکنده به ملازمت ابراهیم قتلشاه رسید، چرون مردی خوش صحبت بود منظور نظر و مقبول صحبت پادشاه قرار گرفت. مدتی در آن دیار ماند سرانجام قصد مسافرت به مکه کرد و در راه مکه از دنیا رفت. از اوست: چند با غیر به رضم من شیدا گردی آفتابی، روش اینست که تنها گردی کاروان هند (۲۸۶/۱)

رواقی همدانی، امیر روزبهان. (وف ۱۰۳۸ ق)، شاعر. در همدان به دنیا آمد از معاصران اختری یزدی و نزدیکان کلیم کاشانی و شاگرد شواری بود. وی در سرودن ساقی نامه تبحر داشت. در عهد شاهجهان به هند رفت و در ۱۰۲۶ ق به ر دگاهش بازگشت و بار دیگر به هند رفت و همان جا درگذشت. وی علاوه بر استادی در شعر، در فن موسیقی نیز مهارت داشت. از اوست: هستی مطلب ز عالم کون و فساد شکن فل را که در شکستست گشاد

(ز ۱۲۸۰ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به رواق. اصلش از همدان بود. در سندیج متولد گردید. در خدمت والیان سندیج مشغی بود. وی تذکره‌ای در احوال و اشعار شعرائ کرده‌ستان نگاشت و به نام امان‌الله خان والی اردلان، آن مجموعه را «حدیقه امان‌اللهی» نام گذاشت، که در تذکره‌ها به نام «تذکره صغیر» نیز معروف است. ظاهراً تذکره دیگری هم به نام «تذکره کبیر» داشته است. رواق اندکی از اشعار خود را نیز در خاتمة آن نقل نموده است

تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۲۲۸-۲۲۹)، حدیقه امان‌اللهی (مقدمه)، حدیقه‌الشعراء (۱/ ۶۹۸-۶۹۷)، فرهنگ سخنوران (۲۰۵)، مجمع‌الفصحا (۲/ ۲۲۹-۲۳۰).

رواق شهرضایی، علی پروین، فرزند علی اکبر آقاسی. (ز ۱۳۲۷ ق)، شاعر، متخلص به رواق در شهرضا متولد شد. در وطن خویش به کسب علم و دانش پرداخت و از خدمت آقا شیخ محمد علی زاهد که از فضلاء عصر خود بود، بهره برد. مدتی در اداره دارایی و ز آن پس در اداره ارتش مشغول کار شد. از اوست: از من سوخته جان گر نفسی یاد کنی به خدا خاطر امسره من شاد کنی تذکره شماری معاصر اصفا (۲۲۳-۲۲۴).

رواق شیواری، میرزا حسنعلی خان، فرزند میرزا علی اکبر خان ثریا. (ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر. اهل شیواز بود و در سحروری و سغندانی توانا از اوست: عقاب روز گسترده از شرافت شهر رزین هرات قیر هام شب شد اندر آشیان پنهان آثار معص (۵۲۴)، تذکره طلمت (۹۸-۱۰۰)، دانشمندان و سخن سرایان مدرن (۲/ ۶۵۷-۶۵۶)، فرهنگ سخنوران (۲۰۵)، مرآت‌الفصاحه (۲۵۲)

رواق کرمانی، میرزا محمد حسین، فرزند محمد کاظم. (وف ۱۲۲۵/۱۲۳۰/۱۲۳۵ ق)، شاعر و عارف، مشهور به رواق عیشاء. نسبش به «سراج» سهرالدینی طوسی می‌رسد. در سن ولادت یافت و در کرمان مسکن گزید او شاگرد و حاشین نور علیشاه در کرمان بود. در کرمان وفات یافت. در سرودن شعر استاد بود؛ چنانکه گفته‌اند که پروین اهتمامی اشعار او را در دیوانش به نام

روایاتی یکی از مشایخ سید ضیاءالدین فضل‌الله راوندی و قطب راوندی است. وی در نظر اخلاقی و مذهبیه از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت؛ خواهجه نظام‌الملک وزیر او را به خاطر فصلش بسیار احترام می‌کرد. او سفری به بخارا داشت و در این سفر از فزیه و نیشابور نیز دیدار کرد و با فضلا ملاقات نمود و در مجلس درمن ناصر مروزی حاضر گشت. او در آمل مدرسه‌ای ساخت و در آنجا حدیث گفت؛ سپس به ری آمده، به تدریس پرداخت. سفری نیز به اصفهان رفت و در جامع اصفهان حدیث گفت. سرانجام در روز جمعه یازدهم محرم در جامع آمل پس از املاء حدیث، چون به الحاد اسماعیلیه (به طایفه) تتراده بود، به دست آنها به شهادت رسید. آثار وی: «محرر المذهب»، در مروج که از کتب معضل شافعیان است؛ «مناصیح الامام الشافعی» یا «نصوص لشافعی»؛ «الکافی»؛ «در فروع»؛ «احلیة المؤمن»؛ «التهدیب فی غریب المحدث»؛ «المروق»؛ «التحذیر»؛ «اللمانی»؛ «در حدیث»؛ «المستد»؛ «حقیقه القریب»؛ «الجمع فی حدیث»؛ «تکملة السعادات فی تکملة العبادات المستوفات»؛ به فارسی: «جمع الجوامع»؛ «التحذیر»؛ وی در اصول و خلاف نیز تصانیف دارد. مؤلف «ریاض العلماء» وی در شیعه مذهب داشته که به تفسیر روزگار می‌گذرانیده است. الاعلام (۲/ ۳۲۲)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۳۰)، حاشیه سندی الرسائل (۱/ ۱۷۵-۱۷۷، ۳/ ۱۰۹)، ریاض المسند (۳/ ۲۷۶-۲۷۹)، ریحانه (۲/ ۳۲۵-۳۲۳)، سیر النبلاء (۱۹/ ۲۶۰-۲۶۲)، شهیدان راه مصیبت (۷۷-۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۱۶۸)، کشف الظنون (۳۲۶، ۳۵۵، ۸، ۵، ۴۷۴، ۶۹۱، ۱۱۷۸، ۱۳۷۸-۱۳۷۹، ۱۲۵۶، ۱۵۷۹، ۱۹۵۷)، لکنی و الاقبات (۱/ ۱۵۲)، وقصص الاعیان (۲/ ۱۹۸-۱۹۹)، معجم البلدان (۳/ ۱۱۸)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۰۷-۲۰۶)، هدیه الماری (۱/ ۳۳۲).

روایاتی کججوری بخاری، جلال‌الدین ابوالفتح نصرالله بن عبدالرحمن بن احمد، (۷۶۶-۸۳۳ ق)، صوفی و لغوی، در کججور رومان به دنیا آمد. به قاهره رفت و با امرا و بزرگان همشینی کرد. کتابی نفیس فراوانی جمع‌آوری کرد. وی در روزگار خود به نام و شهرتی رسید. در قاهره درگذشت و در خانه‌اش دفن شد. از آثارش: «اعلام المشهور بحقایق الوجود»؛ در تصوف؛ «اعتیة العتائب فیما اشتمل علیه الهمم من المطالب»

تاکی ز بی وجود مردم به نفس
مانند حساب بساشی آبستن باد

بررگان و سخن سراپاں همگان (۱/ ۲۶۰)، تذکرة روز روشن (۳۲۱-۳۲۰)، تذکرة میخانه (۸۲۱-۸۲۰)، تذکرة صربادی (۲۵۷)، الذریعه (۹/ ۲۹۳)، گارون هند (۱/ ۲۹۲-۲۹۱).

روایاتی، ابوبکر محمد بن هارون، (وف ۳۰۷ ق)، حافظ، محدث، مستد و فقیه. از اسی ربیع زهرانی و اسحاق بن شاهین و محمد بن حمید رازی و ابوذرعه رازی و ابن‌زاهر رزی و ابوکریب محمد بن علاء و عمرو بن علی قلاص و عده‌ای دیگر روایت کرد. ابوبکر اسماعیلی و ابرهیم بن احمد قرمسی (کرمانشاهی) و جعفر بن هیدالله بن تاکی و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی صاحب تصانیفی در فقه است. از آثارش «المستد»؛ در حدیث را می‌توان نام برد.

ایضاح المکنون (۲/ ۲۸۲)، سیر النبلاء (۱۴/ ۵۰۷)، کشف الظنون (۱۶۸۳)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۸۵)، الرافی بالوفیات (۵/ ۱۶۸)، هدیه الماری (۲/ ۲۵).

روایاتی، ابونصر شریح بن عبدالکریم بن احمد، (وف ۵۱۵ ق)، قاضی، فقیه و اصولی شافعی. وی مست قضای آمل را بر عهده داشت. از آثارش: «روضة الحکام و ریتة الاحکام»

ایضاح المکنون (۱/ ۵۹۲)، کشف الظنون (۹۲۳)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۹۸)، هدیه الماری (۱/ ۳۱۶).

روایاتی طبرستانی، خواهجه علی، فرزند جعفرالدین نجیبی. (من هم ف)، مورخ و جغرافیدان از آثار وی «تاریخ طبرستان» که یکی از منابع اصلی مورخانی در تألیف «تاریخ طبرستان» و «ویان» بوده است.

الذریعه (۳/ ۲۶۲)، فهرست‌واره کتابهای فارسی (۲/ ۸۸۶)، کشف الظنون (۲۹۷).

روایاتی طبری، فخرالاسلام ابوالحسن هیدالمواحد بن اسماعیل، (۴۱۵-شهادت ۵۰۲ ق)، قاضی و مدیه. اصل وی از رومان مارندراک است. از هیدانفاز بن محمد فارسی حدیث شنید و از محمد بن بیان کاررزی فقه امرحت. زاهر بن طاهر شافعی یکی از شاگردان او بود.

الاملاک (۸/ ۲۵۳)، سمیع المولین (۱۳/ ۹۶)
عبدالمبارک (۲/ ۲۹۳)

روایاتی لاهیجی، نظام‌الدین عبدالقادر بن حسن
روف (۹۲۵ ق)، ریاض‌الدین و دانشمند، از شاگردان ملا
علی فوشچی بود. نخست در گیلان می‌زیست؛ سپس به
دربار سلطان حسین ساقی رفت و از آن پس در هرات
مقیم مدرسه شاه بود تا در آنجا درگذشت. از آثارش
«نظمه نظمیه»، در حساب به نام سلطان یحیی کیا؛ «زنج
ملحس میرزایی»، که به نام سلطان میرزا علی کارکی
تألیف کرده است.

تاریخ نظم و نثر (۲۷۰)، الذریعه (۳/ ۴۷۸).

رهایی خوانی، مولانا سعدالدین، (ز ۹۸۲ ق)، شاعر.
از بزمندگان شیخ زین‌الدین غوفی هاراف مشهور و از
شاعران قصه خوانان بود که از زادگاه خود به هند رفت و
در سلک شاعران دربار اکبرشاه در آگره درآمد وی عزل
را بیکر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «مستظرف
انتظار»، به تقلید از «خمسه نظامی».

آتشکده آذر (۱/ ۳۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۹)، تذکره
رور روش (۳۴۱)، الذریعه (۹/ ۳۹۲)، زیاده (۲/ ۴)
۲۴۵، ۲۴۶، کاروان هند (۱/ ۴۹۲-۴۹۳)، نکتات
(دین / رهایی)، منظومه‌های فارسی (۲۹۲).

رهایی رازی، قاضی عبدالله، (س یازدهم ق)، شاعر
از نوادگان قاضی محمد رازی است. رهایی در عهد
جهاگیر و شاهجهان در هند به سر می‌برد. او بیشتر
مشغول می‌سرود.

تذکره رور روش (۶۳۹)، شام عربیان (۹۰)، صبح
گلشن (۲۲۸)، کاروان هند (۱/ ۴۹۳-۴۹۴).

رهایی سیزداری، (س یازدهم ق)، شاعر از معاصران
نقی اوحدی صاحب تذکره «عرفات‌العاشقین» است. از
اوست:

دل که با داغ تو سرگرم است مرم هم دوست نیست
سرکه چراغ ترا خواهد به گردن دشمن است
تذکره روز روش (۳۲۱)، الذریعه (۹/ ۲۹۴).

رهایی ساوراء‌النهری، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی در
جامه قلندران از ساوراء‌النهر به هرات و از آنجا به مکه

سفر کرد. صاحب «تذکره روز روشن» او را رهایی
اردستانی نامیده است. از اوست:

خنچه را در سخن آورده دهن می‌گوید
می‌وشاند گهر از لعل و سحر می‌گوید
تذکره روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۹/ ۳۹۲)، مجالس
النفائس (۱۵۹).

رهیان اصغهان، میرزا محمد علی اقلی، فرزند
عبدالله طبیب، (س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر اهل
اصهان بود. در خدمت بواخر خود، محمد نصیر الدین،
طبابت را آموخت. گاهی شعر نیز می‌سرود.
تذکره روز روش (۳۲۱)، الذریعه (۹/ ۳۹۲)،
سفینه‌المحمود (۲/ ۴۷۲)، فرهنگ سخنران (۲۹۶).

رهبر، پرویز، (۱۲۹۳-۱۳۳۷ ش)، مدرس و مترجم
در همدان متولد شد. پس از طی دوره تحصیلات
متوسطه، دوره دانشسرای عالی را در رشته فیزیک و
شیمی به پایان برد و به احد مدرک لیسانس نایل گردید
وی متجاوز از بیست سال در دبیرستانهای دولتی و ملی و
در سالنهای پایانی در دانشکده فنی به تدریس پرداخت
از آثار وی: «تاریخ یهود از اسارت بابل تا امروز»، ترجمه
مترجم کتب چاپی (۲/ ۱۵۹).

رهبر اصغهان، صادق شیرانی، فرزند خیرالله، (س
۱۲۸۱ ش)، صوفی و شاعر، متخلص به رهبر در
اصهان متولد شد. به اقامت در زین‌العابدین نعمت‌اللهی
پا قلعه‌ای اوقات می‌ورزید. از ده سالگی چنانکه خرد
گرفت قدم در جاده سیر و سلوک نهاد و به خدمت جمعی
از مشایخ و اقطاب رسید. از اوست:

بهشت و قصر و حورالعین به راهد ناد آرزائی
جمال یار می‌باشد بهشت جاودان من
نثار خاک پاش می‌کنم رهبر سر و جهان را
اگر آید شیبی از در مه سامه‌یان من
تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۲۳-۲۲۵).

رهمن، عبدالرحیم، فرزند میرزا علی محمد، (۱۲۵۲-
۱۳۲۱ ش)، دورنامه‌نگار، معروف به ملا باغی در
شیراز متولد شد و تحصیلات خود را در دارالعلم آن
شهر به پایان رساند و بر ادبیات فارسی و علوم معقول و
مقول و فقه اسلامی و علم اصول سلط یافت. در ۱۳۲۵

دیگری متقل گردید، اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجدداً اداره روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. او آثار وی: «پیامر»، زندگانی حضرت رسول اکرم؛ «امام حسین»؛ ترجمه و تفسیر قرآن؛ «قانون در حاورمیان»؛ «ژاله»؛ «رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».

تاریخ جبراید (۱/ ۲۱۵-۲۱۶)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/ ۲۳۷-۲۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۶۲-۲۶۴)، نشر دانش (ص ۹، ۱۰، ۱۱، ص ۹۹).

رهی اصفهانی، آقا محمد علی. (س دوازدهم ق)، شاعر، به هند مهاجرت کرد. از اوست:

تا کی بود به حسرت چشمم به راه ماهی
با رب مباد هرگز چشم کسی براهی

تذکره روز روشن (۳۲۱-۳۲۲)، الذریعه (۹/ ۳۹۴)، سفینه المصمود (۲/ ۲۷۳)، نگارستان دارا (۱۹۵-۱۹۶).

رهی اصفهانی، محمد ابراهیم. (و ۱۲۲۶ ق)، شاعر، متخلص به رهی. مشهور به تصائب، در اصفهان به دنیا آمد و ابتدا در آن شهر به قضایی اشتغال داشت. پس از چندی آن را ترک کرد و از ملا حسین رفیق، که به او ارادت خاصی داشت، قواعد شعری را آموخت و از وی تخصص گرفت. وی با آقا محمد کاظم واله و مهدی بیکی شقاقی معاصر بود و به سرودن هجو تمایل داشت. در اصفهان وفات یافت و در تعف فولاد دفن شد. از وی حدود پنج هزار بیت شعر به جای مانده است.

حدیقه اشعراء (۱/ ۱۶۹۹-۷۰)، دریت سخنور (۱۲۵-۱۲۶)، الذریعه (۹/ ۳۹۴)، وسمانه (۲/ ۳۳۶)، سفینه المصمود (۲/ ۳۷۱)، فرهنگ سخنوران (۳۹۷)، لقب نامه (دیل / رهی)، مجله المصفا (۴/ ۳۲۲)، مضطبه خراب (۷۰)، نگارستان دارا (۱۹۸-۱۹۹).

رهی شاملو، سلطان علی بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رهی. از نوادگان علقلی خان شاملو بود. اهل تبریز و معاصر شاه سلیمان صفوی بود وی مثنوی ای بر وزن و سبک «تحفه العراقرین» خدقانی داشته است.

آتشکده آخر (۱/ ۶۱)، تذکره مصرعین (۲۹-۲۷)، الذریعه (۹/ ۳۹۵)، فرهنگ سخنوران (۳۹۷)، لست نامه (دیر / رهی).

ق، در صدر مشروطیت روزنامه «رهنما» را در تهران منتشر کرد که یک سال بعد تعطیل شد و مجدداً پس از شهریور ۱۳۲۰ ش به وسیله فرزندش مهدی رهنما انتشار یافت. رهنما پس از توقاری مشروطیت در وزارت عدلیه (دادگستری) به خدمات مهم قضایی اشتغال داشت. وی در تهران وفات یافت.

تاریخ جبراید (۲/ ۲۳۷-۲۳۵)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۵۲)، شرح حال رجال (۶/ ۱۳۹-۱۴۰).

رهنما، غلامحسین، فرزند میرزا علی محمد. (۱۲۹۹-۱۳۶۵ ق)، ریاضیدان و استاد دانشگاه، در شیراز متولد شد. در دارالفنون تحصیل کرد و مدتها نزد استاد عبدالغفار خان نجم الدوله به تکمیل معلومات خود پرداخت. در ۱۳۰۵ ش مجمع نجومی آکادمی علوم فرانسه او را به عضویت دائمی پذیرفت. رهنما حدود چهار و پنج سال در مدارس عالی و دانشگاه تهران به تدریس علوم ریاضی و هیأت اشتغال داشت. در ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ درجه دکترا از شورای عالی دانشگاه تهران گردید. رهنما در مشاغل استادی دانشگاه، ریاست دانشکده فنی، معاونت و وزارت فرهنگ خدمت کرد و در تهران وفات یافت و در جوار حضرت عبدالعظیم (ع) در باغ جیران دفن شد. از آثار او: «هیئت»، «هندسه مجسمات»، «هندسه قضایی چشم نمای هندسی»، «فیزیک»، «هندسه مسطحه» و رساله دکترایی در موضوع: «نسبت محیط به قطر دایره عدایی».

دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۱۲۳)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۰۷-۲۰۸)، شرح حال رجال (۳/ ۲، ۶/ ۱۷۲-۱۷۴)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۷۲-۶۷۴)، یادگار (ص ۱۰، ۱۱، ص ۲۹-۲۸).

رهنما مازندرانی، زین العابدین، فرزند شیخ العراقرین بن زین العابدین. (۱۲۳۳-۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه نگار. در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می شد، سالها روزنامه درجه اول کشور به حساب می آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شده امتحان روزنامه «ایران» به

رهی مشهدی، شاه محمود. (س دهم و)، نقاشی و شاعر، متخلص به رهی در مشهد اقامت داشت. رباعیاتی از او باقی مانده است. مؤلف «احوال و آثار بهشتیان» وی را با شاه محمود قیساوری، خطاط و شاعر معروف، اشتباه گرفته است. از اوست

تا عشق در دیده بر تر سیمین بردوخت
بس دل که خدیگ آه بر اختر دوخت
بس رشته آه آتشین بسات دلم
تا وصل سرق حیاتم بر دوخت

اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۴۰)، تاریخ نظم و شعر (۵۲۶)، الذریعه (۹/ ۳۹۵)، مجمع الخواص (۲۶۲).

رهی معیری، محمد حسین بیوک، فرزند محمد حسن مؤید خلوت، (۱۲۸۸-۱۳۴۷ ش)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به رهی وی سوره محیرالممالک (نظام الدوله) بود. در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد خدمات دولتی شد و مشاغل متعدد یافت و پس از یازدهستگی در کتابخانه سلطنتی خدمت می کرد. او از اصحاب مؤثر و فعال انجمن ادبی حکیم نظامی بود که ریاست آن را وحید دستگردی به عهده داشت. وی عضو انجمن ادبی فرهنگستان و انجمن موسیقی ایران نیز بود. رهی علاوه بر توانایی در سرودن انواع شعر، پروژه فول که در سرودن آن استاد بود، در ساختن ترانه و اشعار فکاهی هم طبعی قوی داشت. اشعار فکاهی او با امضاهای زاعجه و شاه پریون در هفت نامه «بانا شمل» و مجله «تهران مصر» چاپ می شد. او در ساختن تصنیف نیز مهارت کامل داشت و در سالهای آخر عمر در برنامه گلهای رنگرنگ رادیو با داوود پیریا همکاری می کرد و از اقصای شورای شعر رادیو بود. رهی با موسیقی و نقاشی نیز آشنایی داشت. وی سفرهای متعددی به خارج از ایران از جمله ترکیه، شوروی، ایتالیا، فرانسه و افغانستان داشت. در تهران وفات یافت و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. وی متجاوز از سی هزار بیت شعر دارد که تنها دو هزار بیت آن در مجموعه «سایه عمر» چاپ شده است. از دیگر آثار او: «آزاده» که مجموعه ترانه های اوست؛ «گلهای جاویدان» شامل شرح حال و انتخاب بهترین نمونه شعر شعرائی مقدم است.

از بهار تا بهار (۴۴۰-۴۴۷)، چوبه ری نشسته (۱۷۶)، دیوان (۱۷۸)، دیوانت مسجور (۱۲۸-۱۲۹)، الذریعه (۹/ ۱۷۶).

۳۹۵. سمشوراک نامی معاصر (۲/ ۱۶۱۶-۱۶۲۴)، سواد و بیاض (۲/ ۵۵۹)، شخصیت های نامی (۲۲۱)، (۲۲۲)، صدف (۲۸۶-۲۸۷)، فرهنگ سمنوران (۳۹۷)، کتبر معانی (۳۳۱-۳۳۲)، سواد موسیقی (۳/ ۵۲۳)، (۵۲۵)، پیم (س ۲۱، ش ۹، ص ۵۲۸-۵۲۹)

ریاحی، اسماعیل. (تر ۱۲۹۹ ش)، کارگردان و نویسنده. در تهران متولد شد. از دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارغ التحصیل گردید و از جمله مشاغل وی می توان کار در چراید و فعالیت در تئاتر را یاد کرد. از ۱۳۳۵ ش فعالیت در سینما را با ساخت فیلمهای کوتاه تبلیغاتی با عنوان مستعار «شهاب» و فعالیت در سینمای ایران را از ۱۳۴۱ ش با «عروس دهکده» آغاز نمود. از فیلم های عمده وی: «سیاست هارودالرشید»، «شیطان در می زند»، «جاده مرگ».

تاریخ سینمای ایران (۲۵۶، ۲۶۵، ۲۷۰)، فرهنگ سینمای ایران (۱۲۰).

ریاحی اصفهانی، احمد. (تر ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به احمد. ملقب به سالار معجم. تحصیلات مقدماتی را در چالستر به انجام رسانید. سپس به تهران آمد و دوره کالج را به پایان برد. ریاحی بیشتر ایام عمر را به کار رزاعت پرداخته. از اوست.

گر که دل نگداری به مهر دوست خطاست
به جان دوست که جان دادن به دوست رواست
فسر و بسینه لب احمد کس عسارمان دانست
به یک کلام و شعر تو صد هزار ایمانست
تذکره شعرائ معاصر اصفهان (۲۴)، فرهنگ سمنوران (۲۲)

ریاحی اصفهانی، محمد، فرزند غلامعلی و سیمین. (۱۲۸۸-۱۳۱۷ ش)، شاعر، متخلص به فرید و دهان. در فریه چالستر متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به انجام رسانید. سپس به تهران آمد و وارد دارالفنون شد. سپس دوره مهندسی دانشکده کشاورزی کرج را به پایان رسانید. در گیلان غروب درگذشت. قسمتی از «دیران» وی در ۱۳۱۲ ش با تخلص فرید در تهران چاپ شده است.

تذکره شعرائ معاصر اصفهان (۳۵۵-۳۵۴)، الذریعه (۹/ ۸۲۱-۸۲۲)، رسدگنامه رحال و مشاهیر (۳/ ۳۵۳).

دینی پرداخت. او به کمک مردم یک مرکز علمی - دینی به نام مدرسه الحجتیه به همراه کتابخانه مجهز و مسجد تأسیس کرد. آثار اجتماعی دیگری همچون بنای جدیدین مسجد و حمام و حسینیه از وی بر جای مانده است. در ۵۶ سالگی بر اثر سکت درگذشت و در حسینیه اعظم که از بناهای ساخته شده خود وی است، دفن شد.

آثارالحجة (۲/ ۳۷۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/ ۳۵۴)، گنجینه دانشندان (۷/ ۲۳۰۰ - ۳).

ریاضی، غلامرضا، فرزند محمد، (تو ۱۳۱۲ ق)، مدرس و نویسنده. در مشهد متولد شد. در مدرسه رحیمیه سعادت به تحصیل پرداخت و خود آموزگار آن مدرسه شد. سپس مدیریت مدرسه ادب در کوی عیدگاه را به عهده گرفت. وی در ۱۲۹۹ ش به خدمت دارسی مشهد منتقل شد و همزمان عهده دار مشاغل مختلف بود. از جمله عضو دارایی، نماینده معارف و اوقاف طبس، کمیل بحشداری طبس، معاون کارخانه‌های دخانیات در تهران، رئیس کارگری و بازرسی دارایی استان خراسان، معاون رئیس دارایی و کفالت اداره قند و شکر مشهد. از آثار وی: «دانشوران خراسان»؛ «راهنمای مشهد»؛ ترجمه زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)؛ عبدالقادر احمد ابوسف.

مؤلف کتب چاپی (۲/ ۷۰۲-۷۰۱).

ریاضی، مجتبی، فرزند هاشم اصفهانی، (تو ۱۲۸۷ ش)، محقق و استاد دانشگاه. در اصفهان متولد شد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و تهران به پایان رسانید و در ۱۳۱۱ ش برای تحصیل به فرانسه رفت و در ۱۳۱۷ ش پس از کسب تخصص در ریاضیات و فیزیک به ایران مراجعت نمود و متصدی کرسی مکاتیک عمومی دانشکده فنی دانشگاه تهران شد. از آثار وی «مکاتیک عمومی»

مؤلف کتب چاپی (۵/ ۱۷۶-۱۷۷).

ریاضی پرازانجانی، سید ابوالحسن واعظ، (س چهاردهم ق)، خطیب و شاعر، متخلص به ریاضی، از واعظان و خطیبانی بود که علاوه بر جمع بین منبر و محراب، شاعری با ذوق نیز بود. از اوست:

نراق لاله روسی کنار من ساخت
مرا آخر به دام هجر انداخت

فرهنگ سخنوران (۳۴۳)، مؤلف کتب چاپی (۵/ ۷۸۳-۷۸۲).

ریاضی رازی، حسین، (ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر. مشهور به میرزا حسین ممیز. اصلش از تهران بود. او در مالاب آگاهی بسیاری داشت، به طوری که در تحصیل مالیات و جاره به او رجوع می‌کردند و به تشخیص و تمیز او عمل می‌نمودند. به همین دلیل به میرزا حسین ممیز مشهور بود. بعد از ریارت خانه خدا مقتولی مشتمل بر نظم و نثر به نام «وسيلة النجات» تنظیم کرد.

حدیقه الشعراء (۱/ ۷۰۳-۷۰۲).

ریاضی همدانی، میرزا جعفر، (وف ۱۲۶۸ ق)، خطاط، شاعر و نویسنده. در همدان متولد شد. نزد ابوالقاسم دوالریاستین تحصیل کرد و بعد از مرگ استادش به تهران سفر نمود. بعد از مدتی در امیر ریستن، امیرکبیر به او توجه کرد. بعد از مرگ امیرکبیر مریض شد و در جوانی درگذشت. ریاضی از شعرا و نثرنویسان عهد محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. وی صاحب مقالاتی به سبک بدیع ازماک و «مقالات» حمیدالدین بدعی است و کتبی نیز به نام «گنج شایگان» دارد که در آن از «گلستان» سعدی و «پریشان» قاضی تقلید کرده است. او به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفته و در نجوم و هندسه و حساب نیز دست داشته است و به نسلی رساله‌ای در موسیقی نیز داشته و در نگارش خطوط نسخ و شکسته توانا بوده است. از آثار چاپ شده وی «عزلیات ریاضی»؛ «دلف لپنه»؛ «دیوان شعر»

الدیرمه (۹/ ۳۹۵-۳۹۶)، فرهنگ سخنوران (۲۰۶).

۴۰۷، المائر والانیار (۲۰۵)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۳۱۸).

مجمع القصصا (۲/ ۳۳۱).

ریاضی، شیخ ابراهیم، (۱۲۷۷-۱۳۳۳ ش)، مدرس و عالم دینی. در خانواده‌ای کشاورز در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد تا هجده سالگی به زراعت مشغول بود. پس از آن بر اثر علاقه به تحصیل علوم دینی به سوی حوزه علمی اصفهان کشیده شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی و ادبیات از اصفهان به قم رفت و از محضر آیت‌الله حائری استفاده کرد. پس از درازده سال تحصیل علم، در می سالگی به نجف آباد بازگشت و در آنجا در ملازمت آیت‌الله حاججی به ترویج دین و تدریس علوم

ریاضی صریحاً ساله کم کس

که کس داری دود هجر تشناخت

تذکره طبعت (۱۰۲-۱۰۲)، دانشمندان و سخن سریان
مدرس (۶۵۷/۲)

ریاضی تربیتی جزئیات میوه‌های.

ریاضی خوانندگی، سید ابوالقاسم جعفر بن محمود موسوی (۱۳۱۳-۱۳۸۰ ق)، هیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد. وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیکی کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتاً غنی از وی باقی ماند. از تألیفات چند به نظم و نثر دارد، که از آن جمله می‌توان به منظومه «سنائن البحار»، به فارسی؛ «بهر الحساب» به فارسی؛ «احجاز المهندسين»؛ رسالة «الجبر والمقابلة»؛ رسالة «فایله التقسیم»، در اهداد؛ رد «ابطال الرمل» و «تسهیل القسمة» اشاره کرد.

الدیرمه (۲/ ۳۲۲، ۳/ ۳۵، ۴/ ۱۸۳، ۵/ ۸۷، ۶/ ۱۲۱، ۱۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۶۲)، معجم رجال جف (۲/ ۵۲۵، ۵۲۴)، مؤلفین کتب پهلوی (/ ۲۵۵)

ریاضی زاده‌ای جزئیات میوه‌های.

ریاضی معرقندی (وف ۸۸۴ ق)، شاعر. از شاعران نامی عاوزه‌التهر بود. از اوست:

ستاره‌ای است در گوش آن هلال ابرو

روزی حسن به خورشید می‌زند پهلوی

تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۴۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الدیرمه (۹/ ۲۹۶)، دانشمندان و سخن سریان مدرس (۲/ ۶۵۸-۶۵۷)، صبح گلشن (۱۸۷-۱۸۸)، مجالس العالی (۲۸)، هفت آفرین (۳/ ۳۷۵-۳۷۴)

ریاضی کرمانی، عباس، فرزند شیخ غلامحسین. (۱۳۴۷-۱۳۸۶ ش)، معجم و استاد دانشگاه. در کرمان متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در دارالمعلمین عالی تهران و سورین فرانسه ادامه داد و به دریافت دکترای نجوم نایل

گشت. وی پس از مراجعت به ایران، در ۱۳۱۷ ش در دانشکده علوم و دانشسرای عالی و سایر مؤسسات آموزش عالی به تدریس پرداخت. او از ۱۳۲۵ ش اقدام به استخراج تعزیم رسمی ایران کرد و تا ۱۳۶۹ ش روزنامه ایران را محاسبه می‌کرد. وی در تهران وفات یافت. از آثار او «هیئت و نجوم»، «مقدمه پر نجوم عالی و مشتاق کروی»، «سر رسید نامه».

کیهان بر مگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۵۲-۶۵۳)

ریاضی میوه‌های (وف ۹۲۱ ق)، فاضی و شاعر. از مردم میوه‌های زاده - تربیت حیدریه - بود. او منصب قضای موطن خود را داشت. مدتی در ساره زیست و به همین جهت به ساروجی هم معروف شد. ریاضی در هرات ساکن شد و از شعرای نامی دربار سلطان حسین میرزا باقرا بود. او به اشاره سلطان حسین تاریخ وقایع زمان وی را در قالب مثنوی به نظم کشید. در ۹۱۶ و وقتی که شاه اسماعیل صفوی حرمسار را متصرف شد، وی «امیر المؤمنین حیدر علی بن ابی طالب» را ماده تاریخ آن راقعه ساخت و بدین وسیله نزد شاه اسماعیل تعزیم پیدا کرد.

تاریخ نظم و نثر (۳۱۳)، تحفه سامی (۱۹۴-۱۹۵)، تذکره روز روشن (۲۲۲)، حبیب‌السیر (۴/ ۳۲۷-۳۲۶)، الدیرمه (۹/ ۳۹۶، ۲۵/ ۱۲۱)، فهرست کتبه‌های فارسی (۲/ ۱۱۰۲)، کشف الطون (۲۰۲۰)، لسانه دیل / فاضی ریاضی، مجالس العالی (۷۷)، هفت آفرین (۲/ ۱۸۹-۱۹۰)

ریاضی هروی، سردار محمد یوسف خان بن محمد حسن مهاجر. (وف ۱۳۳۵ ق)، نویسنده و شاعر، متعلق به ریاضی. در هرات متولد شد و در همان‌جا تحصیل کرد. او در مشروطیت به مشهد آمد و سر دسته مجاهدین شد. در ۱۳۳۰ ق در اعتراض به دخالت فرای شوروی در صحن مطهر به همراه مجاهدین دست نشاند و بارگاه آستان قدس رضوی را پناهگاه خود قرار دادند و بعد از بمباران آن‌جا متفرق گردیدند. از آثار وی «بحر القرائد» مشتمل بر دوازه رساله «دوران ریاضی»، شعر «نفس روحانی» شعر.

الدیرمه (۹/ ۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۹۰۷-۹۰۶)

دارالمجانبین نارداشت کردند. ریحان شرح این گزینش را به عنوان «یک شب در دارالمجانبین» در مجله «نربهار» و نیز در خاطرات خود آورده است. وی پس از این واقعه به مدت بیست و پنج سال به خارج از ایران سفر کرد. ریحان ریان فرانسوی را خوب می‌دانست و در سرودن انواع شعر مهارت داشت. وی در اواخر زندگی به ایران بازگشت و در تهران سکونت گزید و در همین شهر وفات یافت. منتخبی از اشعار او به نام «معجزة ریحان» چاپ شده است.

از بیانات روزگار ما (۱۳۸۸-۱۳۹۱)، تاریخ پیرایه (۲/ ۱۵۷-۱۶۰)، تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۲۶-۲۲۷)، اندیشه (۹/ ۲۹۷)، سخنران نامی (۲/ ۲۴۴-۲۵۸)، سخنران نامی معاصر (۳/ ۱۶۴۲-۱۶۴۹)، صد سال شعر خراسان (۲۶۹-۲۷۱)، فرهنگ سخنران (۴۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۸۳۳-۸۳۲)، یغما (م ۱۲، ش ۷، ص ۲۳۱-۲۳۲).

ریحانی، ابوالحسن علی بن عبده، (و ب ۲۱۹ ق)، امری، ادیب و نویسنده، ایرانی لاصل و ساکن بغداد و معاصر و مورد احترام مأمون عباسی و از دانشمندان و حکمت‌دانان بنام بود. او را در فن سلاقت تالی چاسط خوانده‌اند. با آن همه فضل و کمال به زندقه متهم شده، چون در آثار خود تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بوده است. از آثار وی: «الایقاع»، «التدریج»، «المزمام»، «العقل و الجمال»، «اصفة الدبیا»، «المروشح»، «المنة والعبوسة». الاعلام (۵/ ۱۲۵)، بیاض المکور (۱۱/ ۳۷۹)، ۲/ ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۸۷)، تاریخ بغداد (۱۲/ ۱۹-۱۸)، روشاات البنات (۵/ ۱۹۱-۱۹۰)، ریحانه (۲/ ۳۲۹)، الفهرست ایندیم، ترجمه (۱۹۷-۱۹۶)، کشف الظنون (۱۲۶۸)، لسان المیزان (۵/ ۵۷)، لغت‌نامه (دیل / علی ریحانی)، معجم الادباء (۱۴/ ۵۶-۵۱)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۲۵)، هذبة المارقین (۱/ ۶۶۸-۶۶۹).

ریحانی، محمد کریم، فرزند مولانا سلیم، (ز ۱۲۶۰ ق)، خلاط از آثار وی: قرآن جلد روشنی عالی، دو صدها اقتراح متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ خیابا خوش، با رقم. - سه ستون و مائتان بعد الالف و انا العدد این مولانا سلیم، محمد کریم ریحانی ... ۱۲۶۰ هـ. اسرار و آثار عرش‌پرستان (۲/ ۱۹۴-۱۹۵).

ریاضی یزدی، سید محمد علی، فرزند سید ابراهیم، (۱۲۸۵/۱۲۹۰-۱۳۶۱ ش)، شاعر، متخصص به ریاضی و قضایی. دو یزد متولد شد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در یزد و اصفهان گذراند. در تهران از دانشکده الهیات و دبسترای عالی فارغ‌التحصیل شد و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. در سرودن انواع شعر استاد و بیشتر اشعار او جز مدح و ستیبت خاندان نبوت بود. از اشعار وی در کتبه‌ها و درهای بقعه‌های متبرکه و مساجد و کتابخانه‌ها استفاده شده است. حدود پنج هزار بیت از اشعار او جمع‌آوری شده است. وی در تهران وفات یافت و در این بابویه دفن شد.

تذکره سخنوران یزد (۶۸۹-۶۸۷)، رشذکنامه رجال و مشاهیر (۳/ ۲۵۵-۲۵۶)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۶۳۳-۱۶۳۷)، فرهنگ سخنوران (۲۰۷)، کتبهان فرهنگ (م ۱، ش ۱، ص ۲۳).

ریاضی یزدی، میرزا محمد باقر، فرزند حسینعلی تاجور، (و ب ۱۲۹۲ ق)، شاعر، متخصص به ریاضی. اصلش از هرات و ساکن یزد بود. وی به تحصیل حکمت پرداخت و در آن رشته مشهور گردید. خط شکسته را خوش می‌نوشت. از یزد به تهران آمد و با رجال دولت مجالست و معاشرت یافت. به حج مشرف شد و اندکی پس از مراجعت در تهران درگذشت. از اوست:

از من چه خطا سر زد، کن حسرت چو گناه
خود بی سرویا گردم، چون گوی به سیدانها
خون شد دل و می‌جوشد، با غیر چه می‌روش
پیمانان و می‌پوشد، چشم از همه پیمانها
حذیقة الشعر (۱/ ۷۰۴).

ریحان، یحیی سبغیان، فرزند محمد باقر، (۱۲۷۴-۱۳۶۳ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخصص به ریحان. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در این شهر به پایان رساند. سپس به مشهد رفت و نخستین اشعار خود را در روزنامه «نربهار» به چاپ رساند. پس از بازگشت به تهران با آنجن و مجله «دانشکده» به همکاری پرداخت. وی در اوایل ۱۲۹۷ ق روزنامه ادبی و نکامی «گل زده» را منتشر کرد. سپس در ۱۳۳۹ ق روزنامه سیاسی «نوروز» را انتشار داد که چون مقاله‌ای بر ضد حکومت وقت در آن روزنامه نوشته بود، پس از انتشار دو شماره توقیف شد و ریحان را چند ساعتی در

ریحان یزدی، سید علیرضا حسینی، فرزند آنا سید محمد مدرس سمبیدی. (۱۲۹۰-۱۳۶۲ ش) ۱، نقیه، مفسر، مورخ، رجال، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیتالله حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاهگاهی شعر می سرود و عربیاتی دارد از آثارش: «آیه دانشوران»، «دائرةالمعارف گونه ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تأسیس حوزه»، «درس انشاء یا علم بیان»، «تفسیر ریحان»، «ترجمه درسی سره» «منهر»؛ «کتابهایی که خوانده ام».

آثار الحجة (۲/ ۲۶۲-۲۶۳)، آیه دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکرمای فارسی (۲/ ۸۲۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۱-۵۴۲)، الذریعه (۲۶/ ۱۹)، کچچنه دانشمندان (۷/ ۲۵۱، ۲۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۶۵-۵۶۶).

ریشارخان، رضا (زول) / میرزا رضا خان. (۱۲۳۱-۱۳۰۸ ق)، نویسنده و معلم دارالفنون. فرانسوی الاصل بود. در ۱۲۶۰ ق در زمان سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار برای خرید عتیقه جات، که رگفته تخصصی اش بود، به ایران آمد، پس از قبول دین اسلام، دم خود را به رعب تغییر داد و میرزا رضاخان نامیده شد. وی ابتدا معلم زبان فرانسه دارالفنون بود، سپس کارمند وزارت انظمامات و دارالترجمه دولتی (مترجم زبان فرانسوی و انگلیسی) شد. در تهران وفات یافت و در گورستان خارج از دروازه شهرری در محلی موسوم به آب انبار قاسم خان، به خاک سپرده شد. از وی بااداشتهای ارزندهای راجع به اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران باقی مانده، که قسمتی از آن را دکتر خلیل حان تقی اعلم الدوله در کتاب «مقالات گوناگون» نقل کرده است. از آثار وی: «تاریخ سبت هلن تاریخ مختصر نپلئون»؛ «گرامر فرانسه به فارسی».

تاریخ منظم ناصری (۱/ ۵۴۵)، سفرنامه ناصرالدین شاه به ترکی (۱۳۹)، شرح حال رجال (۲/ ۳۲، ۶/ ۱۰۳-۱۰۴)، سزنین کتیب چاپی (۳/ ۱۶۰-۱۶۱)، یادداشتهای عربی (۸/ ۱۸۸)، یادگار (س ۴، ش ۱۰، ص ۲۵۰۲۴).

ریشارخان، یوسف، فرزند ژول ریشار. (۱۲۸۵-۱۳۵۴ ق)، معلم دارالفنون. مشهور به مؤلف الملک او پس از قرب پدرش در ۱۳۰۸ ق، مدتها معلم زبان فرانسه در دارالفنون بود. وی صاحب کلکسیون بسیار کاملی از مسکوکات ایران بود.

شرح حال رجال (۲/ ۲۵۰۲۲، ۶/ ۲۹۶)، یادگار (س ۴، ش ۱۰، ص ۲۵).

رییس الاطباء همدانی، میرزا علی خان، فرزند زین لعابدین. (وف ۱۳۱۰ ق)، طبیب و مترجم. ملقب به معتمد الاطباء و رییس الاطباء. در همدان متولد شد. از کودکی به تشویق پدر به تحصیل مشغول شد، زبان عربی و مقدمات را نزد عموی خویش فراگرفت. پس از آن به تحصیل علوم ریاضی مشغول شد و چون به طب علاقه وافر داشت به تحصیل طب پرداخت. پس از تأسیس دارالفنون از همدان به تهران آمد و به تحصیل علم طب جدید پرداخت و از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات خویش هازم فرانسه شد و پس از اخذ درجه دکتری به تهران بازگشت. از دو ۱۲۹۹ ق چهره‌های خاص ناصرالدین شاه قاجار گردید و لقب معتمد الاطباء گرفت. در ۱۲۹۹ ق معلم طب دارالفنون گردید. او از ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۳ ق پزشک مخصوص کامران میرزا نایب السلطنه بود. در ۱۳۰۳ ق حکیم باشی کل نظام گردید و لقب رییس الاطباء گرفته. از آثار وی: ترجمه «احیاء الاطعمال ناصری»؛ ترجمه «جواهر التشریح»؛ «جواهر الحکمه»؛ «احیاء النبیون»، در کحالی.

شرح حال رجال (۵/ ۱۵۶-۱۵۷)، المآثر والآثار (۱۹۵-۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۵۸-۲۶۰).

رییس الکتاب، میرزا محمد حسین. (ز ۱۲۸۷ ق)، نویسنده. در سفری که به همراه ناصرالدین شاه قاجار به عتبات رفت گزارشی از این سفر و منازل میان راه تهیه کرده به نام «سفرنامه عتبات».

همای کتب (س ۱۲، ص ۱۸۱)، فهرست کتب چاپی فارس (۱/ ۱۱۳).



زابلی، ابوالشفا احمد بن محمد. (س دهم ق)، عالم، از آثارش: کتاب «احزاب القرآن»، که در ۹۶۵ ق آن را تألیف نمود.

مجله (۲ / ۲۵۱)، لغت نام (دین / زابلی).

زابلی، پرویز. (تر ۱۲۹۶ ش)، مبتکار و مدرس، در تهران به دنیا آمد. از ۱۳۱۰ ش در اداره کل صناعت و معادن به فعالیت هنری پرداخت مدت هفت سال در استاد احمد امامی آباد، ای دوره عملی هنرهای زیبای کشور را گذراند و مدرک کارشناسی گرفت از ۱۳۲۰ ش با عنوان «اساد کارگاه هست به استخدام اداره صناعت درآمد. در ۱۳۵۸ ش بازنشسته شد و بعد در دانشگاه الزهر و مجتمع دانشگاهی هنر مشمول تدریس گردید. استاد زایی مدتی نیز در هنر معرفی کار کرده که حاصل آن نابلویی است بیضی شکل به نام شیخ صنعتان و دختر ترسا که در حال حاضر سازمان حفاظت از میراث فرهنگی آن را نگهداری می کند.

کپان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۶۲).

زادور ارمینی، (س سیزدهم ق)، سازنده ساز، در ساختن سه تار استاد بود. سه تارهای وی بین اهل هنر معروف است. زادور تار نیز می ساخت.

تاریخ موسیقی (۲ / ۶۹۲)، سرگذشت موسیقی (۱ / ۱۶۹).

و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهور رضوی بود که در معیار و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می سرود. وی در میدان اصمها به دست دزدان کشته شد. اشعاری از او به جا مانده است.

صباغ نظم و بحر (۶۵۱-۶۵۲)، الذریعه (۹ / ۳۹۸).

رباعه (۲ / ۳۵۱)، صبح گلشن (۱۸۸-۱۸۹)، سرمه

سختورک (۲۰۹)، لغت نامه (ذیل / زاری).

ز ز سرخسی مروزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن زاز نویزی. (ح ۴۳۲-۴۹۲ ق)، فقیه و محدث شافعی. معروف به زاز نزد قاضی حسین فقه آنوقت و از استاد ابوالقاسم قشیری و حسن بن علی مطرعی و ابومظفر محمد تمیمی و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد نیشابوری و ابوطاهر مستجری در عصرین بهی مطیع و عده ای دیگر از وی حدیث روایت کرده اند. از آثار وی: کتاب «الاملاء» در مذهب شافعی، که به گفته یاقوت حموی از «الشامل» این صباغ بزرگتر است. در «کشف الظنون» این کتاب تحت عنوان «الامالی» در فقه آمده است از دیگر آثار وی «تعلیق» که نووی در «تهذیب الاسماء و النعات» از آن نام برده است.

سیرالنبلاء (۱۹ / ۱۵۵-۱۵۶)، کشف الظنون (۱۶۳).

مجموع الملل (۳ / ۲۳۵)، مجمع المزللین (۵ / ۱۲۲-۱۲۳)، مدیة العربین (۱ / ۵۰۸).

زاغویی مروزی، ابو عبد الله محمد بن حسین بن

زاری مشهوری، محمد قاسم. (مقتول ۹۷۹ ق)، مورخ

دانشنامه لیسانس در رشته زبان فرانسه بابل آمد. در ۱۳۴۲ ش به درخواست خود بارتشسته شد و به تأسیس دبستان نمونه رلز همت گماشت. زاهد خط نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و صاحب آوری دلنشین بود و سالها در جلسات کانن دانش پارس و انجمنهای ادبی هدایت و خواجو شرکت می‌کرد. اثر وی کتابی به نام «طرز تدریس در دبستان» است. او همچنین مقالاتی ادبی و اجتماعی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه و در روزنامه پارس و سایر روزنامه‌های شیراز منتشر می‌کرد.

انجمنهای ادبی شیراز (۲۴۲)

زاهد، هطاءالله. (تو ۱۲۹۴ ش)، کارگردان و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. از فارغ‌التحصیلان رشته ادبیات در دانشگاه تهران بود. وی از جمله کارگردانان، نویسندگان و بازیگران فیلم‌های فارسی است. بازی در تئاتر و از ۱۳۴۲ ش با نمایش «بزم سهرم‌گور» شروع نمود. از آثارش: نمایشهای «پروالی سینا» و «مستاحیل سلاطین»؛ فیلمهای «شیر سنگی» و «ماهی»؛ مجموعه‌های تلویزیونی «سربداران» و «طالب».

تاریخ سینمای ایران (۲۸۲-۲۷۷)، ۲۹۲-۲۹۲،
۳۰۶-۳۰۵، ۱۷۸)، فرهنگ سینمای ایران (۱۲۳)،
فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران (۱/ ۶۰، ۲/ ۶۲۴،
۶۵۵).

زاهدی، حمید. (وف ۱۳۳۵ ش)، محقق، مهندس معدن بود از آثار وی: «صنایع ایران بعد از جنگ»؛ «لزوم پروگرام صنعتی».

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۵۳)

زاهد تیریزی، معین‌الدین محمد بن رمضان. (وف ۵۹۲ ق)، شاعر و عارف، مشهور به نقیه زاهد. در تبریز می‌زیست و به علوم ظاهری و باطنی آراسته بود و پیران وی، خواجه محمد خوشنام و شیخ محمد سالم و پیر حرقه او، عبدالواحد نمیمی، از مریدان جتید بودند. زاهد، صاحب سلسله‌ای بود که بسیاری از مشایخ به آن متسبب بودند. او خانقاهی در تبریز داشت و در آنجا به ارشاد و دستگیری سالکان مشغول بود. وی با اتابکی نصرالدین ابوبکر ایلدگر از اتابکان آذربایجان معاصر بود در تبریز درگذشت و در مقبره کجین آن شهر دفن شد. از اوست:

محمد بن حسین ارزی/ازدی. (۵۵۹-۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاهدان قرای پنج ده مرورود بود و در آنجا به دنیا آمد. در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و مرق بن عبدالکریم هروی ققه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابراهیم بقری و عیسی بن شعبه سمجری حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تألیف و تصنیف به سر آورد و در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابو محمد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. راجعاً به بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت و گردآوری و آن را عقید الاوابده نامید.

الاحلام (۶/ ۳۳۴)، سیرتنبلا، (۲۰/ ۴۹۲-۴۹۳)،

کنف‌القولون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۹/ ۲۵۲)،

الزانی بالویلات (۲/ ۳۷۳)، حیدت‌العارفین (۲/ ۹۴)

زالی شیرازی، زال بیگ افشار. (س دهم ق)، شاعر، متخصص به زالی. در شیراز می‌زیسته و از علم موسیقی بهره داشته و ظنور را خوب می‌نواخته است. اثر او نیست: شرمندۀ چشم که ز تو رنگ ندارد
چیز خون جگر از من دلتنگ ندارد
بسیار مکن میل شکست دم ای میر
چون خرد شود شیشه خم سنگ ندارد
دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۵۵۹).

زاده‌ای یزدی، سید مهدی، فرزند محمد باقر. (وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مورخ. اهل مشهد بود. در همان‌جا به تحصیل پرداخت و در مشهد درگذشت. از آثار او: «ام‌الکتاب»؛ در چهار جزء، وقایع الایام، رویداد کریلان جشن‌ها و شرح احوال حضرت عباس (ع).

اندروم (۲/ ۳۰۳)، فهرست‌واره کتابهای فارسی (۱/ ۵۶۲).

زاهد، سید احمد، فرزند سید محمود. (تو ۱۲۹۳ ش)، شاعر، نویسنده و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در ۱۳۱۵ ش از دانشرای مقدمائی شیراز دیپلم گرفت و مدتی به تدریس پرداخت و برای ادامه تحصیل به تهران آمد و از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به اخذ

زاهد مرغابی، مولانا جلال‌الدین محمود (وف ۷۷۸ ق)، عارف، از اهالی مرغاب، در علوم ظاهری شاگرد مولانا نظام‌الدین هروی بود. او در متابعت شریعت و سنت سعی فراوان می‌کرد، تا آنجا که گوشت از قبول یک صرّ، روز که ملک هرات به رسم هدیه برای وی فرستاده بود، امتناع کرد. او در مرغاب هرات مدفون است.
تعیقات مزارات هرات (۱۰۱)، حبیب‌المیر (۳/ ۵۲۴)،
تفت‌نامه (دیل / زاهد مرغابی)، مجمل مصححی (دیل /
سال ۷۷۸)، تصحاح‌الاس (۱/ ۲۵۰-۵).

زاهده خاتون، (ز ۵۴۳ ق)، مؤسس از زنان عابد، زاهد و مدبر، همسر اتابک یزیدیه، حاکم فارس، بود. او به کمک همسرش به امر کشورداری می‌پرداخت و مدرسه‌ای بسیار عالی در شیراز بنا کرد که آن را مدرسه زاهده می‌گفتند و املاک زیادی بر آن وقف نمود و تولیت آن را به علمای حنفی مسحب داد، ولی پس از چندی از حنفیان به شافعیان منتقل کرد و امام ناصرالدین سیراقی را، که امامت و خطابت مسجد جامع عتیق از گذشته به اجداد او تعویض شده بود، به تولیت آن مدرسه گماشت. بررگان شیراز (۳۸۲)، شاهین زان (۱۰۹).

زاهدی، (س نهم ق)، شاعر، ری معاصر ناسودایی و مداح سلطان بایسنقر میرزا بود. او قصیده «دریای ابرار» امیر خسرو را تتبع کرده و «تجیسات» کاتبی را نظیره گفته است.

الدریعه (۹/ ۳۹۸)، لغت‌نامه (دیل / زاهدی)،
مجالس النعاس (۱۸، ۱۹۳).

زاهدی، عزیرا، (س نهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عزیز در ۸۱۰ ق سفری به هرات رفت و مدت ده سال به تحصیل پرداخت، سپس به خدمت بایسنقر میرزا، پسر شاهرخ تیموری، راه یافت و مثنوی «روضة‌المشقی» را به نام او به سال ۸۲۰ ق به نظم درآورد. هر بیت این مثنوی دارای صنعت تجسیم و ذرقابیتین است. نسخه‌ای از این مثنوی در کتابخانه موزه بریتانیا موجود می‌باشد.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۴۶۱-۴۶۰)، تاریخ نظم و نثر (۳۴).

زاهدی، میرزا ابوالفضل، فرزند ملا محمود واعظ.

صبرم بگذشت و هیچ ناعد حاصل
جز حسرت دردها که اندرخته شد
از درد فراق جان من مسوخته شد
در آتش هجر سینه افرخته شد

تاریخ گریه (۶۶۶)، دانشمند آذربایجان (۱۶۴۲)،
الدریعه (۹/ ۳۹۹)، روشات‌الجنات (۱/ ۳۹۱-۳۹۲)،
فرهنگ سخنوران (۱/ ۲۱۰).

زاهد تیویزی، میرزا قاسم، (ز ۱۱۰۲ ق)، شاعر از آثار وی: مثنوی عرفانی «اخلاق» «سفینه‌النجاة» که به سال ۱۱۰۲ ق در حدود ۱۲۰۰ بیت سروده است. نسخه این منظومه در کتابخانه آستان قدس و کتابخانه مرکزی نگهداری می‌شود.
منظومه‌های فارسی (۲۹۲).

زاهد حلایی بخاری، ابوسعیدالله محمد بن سعید الرحمن بن احمد، (وف ۵۴۵/۵۴۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر واعظ و متکلم حنفی، معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املائی حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمن» یا «تفسیر حلایی» که بیش از هزار جزء می‌باشد.

کنسفا الفنون (۴۵۸، ۴۵۹)، معجم‌المؤلفین (۱۰/ ۱۳۳)،
الوفی بالرفات (۳/ ۴۳۲)، مدینه‌المردین (۲/ ۹۱).

زاهد گیلانی، شیخ تاج‌الدین ابراهیم بن روشن امیر، (۷۰۰-۶۱۵ ق)، صوفی. در سیاه‌رود متولد شد و در طغرلیت هنگامی که هنوز به مکتب می‌رفت، به خدمت سعید جمال‌الدین رسید و تحت ارشاد وی قرار گرفت. او اوقات خود را به زراعت می‌گذراند و زمین پرمنجزوری داشته که آن را «هاشقه امیر» می‌گفتند. مسافرت‌هایی به شمال آذربایجان داشته است. شیخ صفی‌الدین اردبیلی مرید و داماد و حائنین وی بود. در محل دفن شیخ زاهد اختلاف بسیار است؛ برخی محل آن را سیاه‌رود و گروهی دیگر بوته‌سر و سعدکراک و قرمن نوشته‌اند.

آثار حجم (۳۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۲۱)، حبیب‌المیر (۴/ ۲۱۴-۲۱۷)، صوره‌الصف (مصححات متعدد)، طرائق الحقائق (۲/ ۴۵۶)، لغت‌نامه (دیل / زاهد گیلانی)، نامه و نام‌های گیلان (۲۳۶-۲۳۹).

زاهدی گیلانی، ابوطالب، فرزند ملا عبدالله بن علی اصفهانی، (۱۰۵۸-۱۱۲۷ ق)، مفسر، عالم دینی، ریاضیدان، شاعر و خطاط. در لاهیجان متولد شد. علوم عربی و سطح را در همان شهر نزد شیخ لاسلام ملا حسن لاهیجی خواند. در بیست سالگی به اصفهان رفت و ریاضی را نزد ملا رفیع یزدی و سایر علوم متداول را از اکابر علمای آن شهر همچون آقا حسین خوانساری فراگرفت و به مراتب عالیه علمی نایل گردید چون از فقر قادر به خرید کتاب نبود کتابهای مورد احتیاج خود را استنساخ می‌کرد و تا روزی هزار سطر می‌نوشت. خوش خط و سریع‌القدم بود. وی کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار جلد کتاب گرد آورد که بسیاری از آنها را به خط خود تصحیح کرده و بر بیشتر آنها شرح و حاشیه نوشته بود. «تفسیر یصاوی» و «قاموس» و «تهذیب» و «شرح لمعه» و امثال آنها را تا هفتاد کتاب به خط خوش نوشت. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی «مسألة الحركة»؛ رساله در «مسألة العلم»؛ رساله در «عمل السبع» و «استیع والدائرة»؛ رساله در شرح آیه «قل الروح من امر ربي»؛ شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر حمضاً»؛ شرح حدیث «هرمت الله بفسخ المزائم» که برخی از این تألیفات را پسرش شیخ محمد علی خرمینی لاهیجی به فارسی ترجمه و شرح کرده است.

اعیان‌الشیعة (۲/ ۳۶۷)، تذکر‌القبر (۷۹)، تذکر‌المعاصرين (۴۳-۴۴)، الذریعة (۲/ ۳۲۸)، ۳۹۶، ۱۳/ ۲۰۲، ۱۴/ ۲۴، ۱۵/ ۳۱۵، ۳۴۷، رجحانه (۲/ ۲۵۷، ۲۵۶)، طبعات اعلام‌الشیعة (قرن ۱۲/ ۳۹۴، ۳۹۳)، الکشی والکتاب (۱/ ۱۰۸)، بحث فقه (دیل / زاهدی)، نامها و سندهای گیلان (۲۲).

زاهدی گیلانی، شیخ حسین، فرزند شیخ ابدال، (ز ۱۰۵۹ ق)، نویسنده. از احفاد شیخ زاهد گیلانی و معاصر شاه سلیمان صفوی بود. نه گفته خود ایام شباب را در رکاب همایون شاهی به سر برد و بعدها در واقعه فتح نندهار در ۱۰۵۹ ق، عزت گزید. از آثارش «نسبة النسب صفویه» الذریعة (۱۲/ ۲۱۷)، لمعنامه (دیل / زاهدی).

زاهمی، ابوالقاسم / ابوالحسن علی بن اسحاق بن حلف بعدادی، (۳۱۸-۳۵۳ ق)، صوفی و شاعر ضیعی

(۱۳۰۹-۱۳۹۸ ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برفعی و حاج سید عبدالله برفعی، حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استمناه نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌الله حایری مؤسس حرزیه علمیه قم، حاضر شد. هم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌الله حایری در سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواظب پرداخت. در ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار هام المتعنه وی، بناء و تعمیر قسمت عربی مسجد امام در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است از آثار علمی‌اش: «رسالة فی الشریط و آثار»؛ «رسالة الضرر»؛ «عمل و ما اعمل»؛ «مطلق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی دقایق المهورم»؛ «ارحام الکفرة فی سورة الفرة»، نانام؛ «قدم‌الدین»، نانام؛ خوانمی بر «جواهر».

اشر‌السبعة (۲/ ۳۶)، آینه دانشوران (۱۲۰۹-۱۲۱۰)، شیخان سم (۱۶۱-۱۶۳)، گنجینه دانشوران (۲/ ۱۶۶-۶۵).

زاهدی خرمینی خوارزمی، نجم‌الدین ابوالبرجاء مختار بن محمود بن محمد. (وف ۶۵۸ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به زاهدی. نسبت وی به خرمین خوارزم می‌رسد. سفری به بغداد و روم کرد. وی از شاگردان مکیکی بود. از آثارش «المحتبی» در شرح «مختصر القدوری»، در فقه حنفی، در سه مجلد؛ «المبصرة»، در اصول فقه؛ «فرائض زاهدی»؛ «الحامع فی الحیض»؛ «کتاب فضائل» یا «فضائل شهر رمضان»؛ «رسالة اساسیه»، در نبوت و معجزات؛ «فتیه الفتاوی»؛ «فتیه التمیم انبیه»؛ «الحاروی فی الفتاوی»؛ «تفسیر قرآن» یا «تفسیر زاهدی»؛ «ازادالائمة فی مسائل خصیصة الامة»؛ «فضل الترویج».

الاعلام (۸/ ۷۲)، رجحانه (۲/ ۲۵۷)، کشف‌القبون (۵۷۷، ۶۲۸، ۸۶۶، ۸۹۳، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۲۵، ۱۰۸۰، ۱۲۲۷، ۱۲۷۸، ۱۳۵۷، ۲۴۶، ۱۳۴۷، ۱۵۹۲، ۱۶۳۱، ۱۹۲۱)، لمعنامه (دیل / مختار)، مجمع‌المؤلفین (۱۲/ ۲۱۱)، هدیه‌العاریین (۲/ ۴۲۲).

مراجعت، ظاهراً در ۱۰۸۳ ق در خدمت بوداق سلطان کمره‌ای بوده است. از اوست:

از یمن که رخت را عرق شرم حجاب است
عکس تو در آینه جو گُل در ته آب است

تذکره نعلبانی (۳۲۴)، الذریعه (۹/ ۴۰۰) ص ۴۹۵، (۱)
گلشن (۱۸۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، کاروان هند (۴۹۵، ۱)

رایری اصفهانی، (س. سهم ق)، شاعر، متخصص به رایری یا ریر. در غلب تذکرها او را دو شمار رنای شاعر اصفهان آورده‌اند، ولی مؤلف کتاب «از رابعه تا پروین» وی را اهل تبریز دانسته است. برخی در ژنه بودن وی تردید دارند. وی شعر را نیکو می‌سرود و از اشعار او آیاتی چند بر جای مانده است. از اوست:

خوردن خون دل از چشم تر آموخته‌ام
خون دل خورده‌ام و این هنر آموخته‌ام

از رابعه تا پروین (۱۳۹-۱۲۰)، تذکره ورز روشن (۳۲۵)، حقیقه‌النسبه (۳/ ۲۱۵۶-۲۱۵۵)، الذریعه (۹/ ۴۰۰)، رنسان سخنور (۱/ ۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، مشامیر رنای (۱۱۰-۱۰۹).

زایری مشهدی، (۴)، شاعر. از اوست:

مرا سروی است دو دل کرده جا در چشم روشن هم
چو گل پاکیزه رخ همچون صبا پاکیزه دامن هم
تذکره ورز روشن (۳۲۵)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)

زیانی یزدی، (س. یازدهم ق)، شاعر. از اوست:

دو ابروی تو که پیوسته سر به سر دارند
دو ماه پاره سر وصل یکدیگر دارند

تذکره سخنوران یزد (۱۳۴-۱۳۳)، الذریعه (۹/ ۴۰۰)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، لساننامه (دیل) ریانی پردی.

زیحی جرجانی، ابوالحسن علی بن ابومحمد / محمد بن عبدالله، (۳۹۰-۴۶۸ ق)، حافظ و محدث اصلش از زبج، از توابع جرجان بود. در هرات سکونت داشت. از علی بن محمد مؤدب و عبدالوحد بن محمد منیری و قاضی ابریکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوالقاسم حمزه سهمی و عبدالله بن عبدالرحمن سنائی خراسی و همطه آنان حدیث شنید. اسماعیل بن

معروف به زاهی. اصل وی از قریه راه نیشابور بود. در تعداد متولد شد و در همان شهر زیست. وی شاعری توانا در تشبیهات و استعارات و بخصوص در منقبت و مدح اهل بیت (ع) بود. همچنین در مدح سیف‌الدوله نیز اشعاری سروده است. وی در کظمین دفن شد.

الاعلام (۵/ ۶۸)، اعیان‌الشبهه (۸/ ۱۶۳)، تاریخ بغداد (۱۱/ ۳۵۰)، الذریعه (۹/ ۳۹۹-۴۰۰)، رنسان (۲/ ۳۵۷)، الکنی و الألقاب (۲/ ۲۸۸-۲۸۷)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۲۴)، حذیفه‌المؤمنین (۱/ ۶۸۰)

زایرای شوشتری، خواجه عبدالمحمد، (وف ۱۱۲۶ ق)، شاعر، وی شاگرد ملا کاسبی، معروف به محبلی بود و با مشاهیر شعرای زمان خود چون میرزا طاهر وحید، شمعای افرا، میر نجات، نجیبای کاشی و میرزا هادی سرور شیرازی معاشرت داشت. زایرا در مدح و خشنودان و حسین پاشای بصری و سایر معارف آن عصر قصایدی دارد. وی دارای «دیوان» شعر بوده است. تذکره المعاصری (۱۹۸، ۳۵۹-۳۵۷)، الذریعه (۹/ ۴۰۰)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱).

زایر دامغانی، اسماعیل، (س. یازدهم ق)، شاعر. از اوست:

و لیلی، لیلی من دلیلی پیشت دارد
و مجنون اندکی دیوانه‌تر می‌خواستم خود را

تذکره نعلبانی (۴۰۶)، الذریعه (۹/ ۴۰۰)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱-۲۱۰)

زایر مشرقی مریم آبادی، شهریان شهریار سرور وفادار، (تو ۱۲۶۹ ش)، شاعر زرتشتی، متخلص به زایر مشرقی. در مریم‌آباد یزد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به اتمام رسانید و در هیجده سالگی به بمبئی رفت و در آنجا به کار تجارت پرداخت. از اوست:

زیستدار نیکت سرانجام گیر
که پندار نیکت شود دمنگیر
به گفتار نیک و به کردار نیک
چو پندار نیکت بود در ضمیر

تذکره سخنوران یزد (۵۵۵-۵۵۷).

زایر همدانی، امید، (س. یازدهم ق)، شاعر. شاعری همدانی بود. به قصد سیاحت به هند سفر کرده و پس از

ابوصالح مؤذن و صاعد بن سيار و ديگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. در «معجم البلدان» سال وفات وی ۴۰۸ قی در هرات ذکر شده است. از آثارش «تاریخ جرجان» سیرالنبله (۱۸/ ۳۶۵-۳۶۲)، کشف القصور (۱۶۰)، بحث نامه (ذیل / زحاجی)، معجم البلدان (۳/ ۱۳۵)، هذیه العارفين (۱/ ۶۹۲).

ربیده خانم قاجار - جهان قاجار

زجاجی، ابواسحاق ابراهیم بن یوسف بن محمد (سوم ق)، صوفی، مشهور به زجاجی. از عرفای بزرگ همدان مستوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ق) و از یاران شیخ ابوحصص نیشابوری و جلیل بغدادی بود. وی مؤسس مشرب ملائیه بود.

ریحانه (۲/ ۳۶۹-۳۶۸)، طبقات الصوفیه هروی (۲۹۵)، بحث نامه (ذیل / زجاجی، تصحاح الاس (۲۷۸).

زجاجی چهره‌اندازی شیرازی. (تو ۶۰۸ ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی» در تاریخ فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، فهرستوار کتابهای فارسی (۱/ ۵۹۱، ۶۷۱)، بحث نامه (ذیل / زجاجی، بحث نامه (ص ۵۵۴-۵۶۰).

زجاجی طبری، ابوعلی حسن بن محمد بن عباس (رف ح ۴۰۰ ق)، محدث، فقیه شافعی و فاضل. از آثارش: «الهدیه» در فروع فقه شافعی که مختصری مشتمل بر «فروع رائده علی المفتاح» است، به همین مناسبت به نام «رواند المفتاح» نامیده شده است؛ «حلل الحديث».

کشف القصور (۵/ ۱۱۶۰، ۱۷۶۹)، معجم المؤلفين (۲۸۲/ ۳).

زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف بن عیدالله (۴۱۵-۴۵۲ ق)، ادیب، لعوی، نحوی و محدث اصل وی از همدان و ساکن گرگان و استرآباد بود. واسطه پیشه آبکیه‌سازی و فروش آن به زجاجی معروف شد. از «ابو احمد غزنوی و ابواسحاق بصیری و دیگران حدیث استماع کرد. از آثار وی: شرح «الفصحیح» ثعلب کرمی، در لغت: «عمدة الکتاب»، در فقه: «عمدة البیان» کتاب «خلق الانسان» کتاب «خلق القرم» که گروهی آن را تصنیف

کرده و زجاجی نیز از آن جمله است؛ کتاب «اشتقاق الاسماء»؛ «الریاحین».

الاعلام (۹/ ۳۱۶)، در فضائل الجاهل (۱/ ۱۷۱)، ریحانه (۲/ ۳۷۰)، کشف القصور (۷۲۲، ۷۲۳، ۱۱۷۱، ۱۲۷۲)، (۱۳۹۱)، بحث نامه (ذیل / زجاجی)، معجم الادباء (۲۰/ ۶۱)، معجم المؤلفين (۱۳/ ۳۱۲)، هذیه العارفين (۲/ ۵۵۰).

زجاجی نهاوندی، عبدالرحمن بن اسحاق (وف ۳۳۷-۳۴۰ ق)، ادیب و نحوی. در نهاوند به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. نزد ابراهیم بن محمد زجاج، نصرانی، اخفش صغیر، محمد یزیدی و ابوبکر بن نوبخت کسب دانش کرد و در طبریه درگذشت. از آثار وی: «الجمل الكبير کبری»؛ «الایضاح الکافی»؛ «الاعمال»؛ «شرح الالف واللام للمازنی»؛ کتاب «الامات یب للامات».

الاعلام (۴۱/ ۶۹)، روضات الجنات (۵/ ۱۲۸-۱۲۷)، ریحانه (۲/ ۳۶۹)، سیرالنبله (۱۵/ ۴۷۶-۴۷۵)، الکامل (۶/ ۳۳۷)، کشف القصور (۷۸۱، ۲۱۰، ۶۰۳، ۹۴۷، ۱۳۹۶)، (۱۵۳۵)، الکافی والایضاح (۲/ ۲۹۶-۲۹۵)، بحث نامه (ذیل / عبدالرحمن)، معجم المؤلفين (۵/ ۱۲۴)، وفيات الاعیان (۳/ ۱۳۶).

زجاجی نیشابوری، ابوعمرو محمد بن ابراهیم بن یوسف (وف ۳۴۸ ق)، صوفی از اهالی نیشابور و هروی قرن چهارم هجری بود. وی، ابراهیم خواص و جند و ابو عثمان حیری و برخی عرفای بزرگ دیگر را ملاقات کرد و چهل سال در مکه معجزه شد و شصت مرتبه حج گزارد. سرانجام در همان شهر نیز بدرود حیات گفت.

ترجمه رساله قشویه (۷۸-۷۷)، حلیه الاولیاء (۱۰/ ۲۷۶)، ریحانه (۲/ ۳۶۹-۳۶۰)، طبقات الصوفیه سلیمی (۴۳۱-۴۳۳)، الکافی والایضاح (۲/ ۲۹۶)، بحث نامه (ذیل / زجاجی)، مجمل فصیح (ذیل / سال ۳۴۸)، تصحاح الاس (۲۲۷-۲۲۸).

زجری اصفهانی. (س دهم ق)، شاعر معاصر شاه ظهاسب اول بود. از اوست: قاصد بسی رگفته خود انفعال برد تا کسی دروغ نقل کند از زبان تو لذیذ (۹/ ۴۰۱)، صبح گلشن (۱۸۹)، فرهنگ

سختروان (۴۱۱-۴۱۲)

کیهان فرهنگی (ص ۹)، ش ۱۲، ص ۵، ۲۷-۲۶.

زرتشت. (ح ۱۰۰۰ ق م)، پیامبر، در روزگار باستان از خانواده سپیثمه بود. در تاریخ ولادت او سیر ۱۰۰ تا ۶۶۰ ق. م اختلاف هست و بعضی از پارسیان از روی محاسبات نجومی آن را تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مالا می‌برند؛ هر چند از بعضی روایات قدیم یونان نیز این نکته بر می‌آید؛ لیکن قبول آن به جهات بسیار دشوار است. پدر زرتشت پوروشسپ و مادرش دُخدو یا دُخدویه نام داشت. در مورد زادگاه او نیز اختلاف است؛ بعضی او را از ناحیه ماد (رومیه) و بعضی از خراسان (سنج) و بعضی از ری می‌دانند. کلمه زرتشت ظاهراً مرکب از دو کلمه «زرت» به معنای زرد و «دوشتر» به معنای شتر و کلاً به معنای شتر زرد یا دارنده شتر زرد است. او در زبان گشتاسپ، شهریار خراسان، ظهور کرد و گشتاسپ بر دین او را پذیرفت. پایان زندگی وی نیز چندان روش نیست. طبق روایت در حمله دوم ارجاسپ تورانی به پنج به دست یک تورانی از خاندان کرپ، به نام براترکبارش کشته شد. نوشته‌اند که اوستا، مجموعه اعتقادات و تعالیم زرتشت، پس از وی و به فاصله هشتصد سال بعد نوشته شده است. ولی آنچه مسلم است گاتها از قسمتهای دیگر قدیمی‌تر است و نزدیک به زبان و دها مذهب هندوان و شعرگونه است. زرتشت قائل به مبدأ واحد مجردی برای موجودات است که در آن اهورامزدا خداست. نور و ظلمت با یزدان و اهریمن هر دو حادث‌اند، و معتقد است که نظام هستی به واسطه امتزاج نور و ظلمت پدیدار می‌شود و مرجع تمام حیرات یزدان است. لشکر یزدان و اهریمن همواره در جنگ‌اند و هنگامی عالم به سعادت می‌رسد که نژاد اهریمن نابود گردد. زرتشت به دو عالم معتقد است یکی روحانی (مینو) و دیگری جسمانی (گیتی) و آنچه در عالم است به دو قسمت تقسیم می‌کند تقدیر یا (بخشنش) و فعل یا (کنش) و حرکات و افعال انسان وقتی به مرتبه سعادت حالی می‌رسد که دارای اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک باشد آئین زرتشت به ابدیت روح و معاد روحانی معتقد است.

آشوبالساویه (۴۹۹-۴۰۱)، اسطوره زندگی زرتشت، آفرینش و تاریخ (۵۷۵-۵۷۳)، تاریخ ادیان (۴۸۳-۴۲۹)، تاریخ برگردگان (۵۹۶-۵۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۳-۱۶۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۷۱-۱۷۲)،

زربادی، ناصر. (تو ۱۲۹۹ ش)، نوازنده. در محله سنگیج تهران متولد شد. وی تحصیل موسیقی را از سال چهارم دبستان در ۱۳۱۱ ش، در مدرسه سوزیک نظام آغاز کرد. مدت دو سال زیر نظر حسین خان هنگ‌آفرین و چهار سال زیر نظر سرهنگ محمود ایروانی فن نواختن ترومپت و ویولن را آموخت. مدتی نیز نزد مسیر هایک شاگردی کرد و هایک به وی لقب دود موسیقی داد. از ۱۳۲۳ ش همکاری خود را در رادیو با قمرالملوک وزیری آغاز کرد. مدت سه سال نیز با ارکستر خانم روحبخش همکاری داشت. او مدتها ضمن همکاری با دلکش، سرپرستی ارکستر شماره سه و ارکستر شه و رادیو را پذیرفت. در ۱۳۲۹ ش اقدام به تأسیس کلاس موسیقی جهت تعلیم و تربیت هنرجویان موسیقی کرد. زربادی کنسرت‌های متعددی جهت کمک به امور خیریه و پیشبرد اهداف فرهنگی، هنری و مؤسسات علمی و فرهنگی اجرا کرد. او مسافرت‌های متعددی به آلمان، هلند و کشورهای همسایه ایران برای معرفی موسیقی سنتی ایران نمود.

مردان موسیقی (۳/ ۲۵۱-۲۴۶).

زربادی قزوینی، سید موسی بن سید علی حسینی. (۱۲۹۲-۱۳۵۳ ق)، فقیه. در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملا علی اکبر ایزدی سبزه‌ای تاجستانی از استادان وی بود که سید موسی «ضرریات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌الله نوری کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خواصانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمد تقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تمییقه بر بحثی از «مسائل»؛ حاشیه بر «معقول»؛ بخش علم بیان؛ حاشیه بر «کفایة الاصول»؛ شرح «سلامان و ایصال» ابن سینا؛ رساله «اعتقادات»؛ به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح شارات»؛ بحث الهیات؛ «اصول‌الدین»؛ به فارسی؛ رساله‌ای درباره مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشرات».

در قلمرو وجدان (۷۵۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۱)
۲۰۹-۲۱۱، لغت‌نامه (دیل/زرتشت).

زرتشت بهرام پژدو، (س هفتم ق)، دانشمندی پرشک، نویسنده و شاعر، اهل خواف خراسان و به نوعی اهل ری بوده است. در دوران حکومت ایلخانان زندگی می‌کرد. در جوانی دین دبیره و علوم شرعی زرتشتی و نجوم و هبأت و حساب را فراگرفت و بعد از آن به شاعری پرداخت. آنچه که از آثار وی باقی مانده، چند منظومه فارسی است که به جهت اشتغال بر مقدار زیادی لغات پهلوی و روایات دینی زرتشتی اهمیت خاص دارد. این منظومه‌ها عبارتند از: «ارداویرافنامه»، «منظومه‌ای در باب زرتشت و هزاره‌های زرتشتی»، «داسان چنگرنگی»، «داسان شاهزاده ایران زمین و عمر خطاب»، «بعضی اثری بنام «زرتشت‌نامه» به وی نسبت می‌دهند و این به‌شاعر افزودن اشعاری توسط همین بهرام است حال آنکه این اثر از آن کیکاؤوس رازی، پسر کیخسرو، از شاهان گمنام زرتشتی است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۳۳۷-۳۳۸، ۲۲۵، ۴، ۵، ۵۱۷)
مذکره شاعران کرمان (۲۶۵-۲۷۳)، دبیره
المعارف فارسی (۱/ ۱۷۱)، سازگان کرمانی (۲/ ۲۱۲)
(۲۲۱).

زردوز شیرازی، محمد ابراهیم، (۱۲۶۳-۱۳۱۲ ق)،
شاعر، متخلص به زردوز، وی شغل زردوزی داشته
است. از اوست

زردوزا همیشه سر خوش و مسعی تو
سرگور جهان چه طرف پرستی تو
گویند که مفلسی به اسان الله است
عقار پیچش کسه نهی دستر تو
دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۶۰)، فرهنگ
سخنوران (۲۱۲).

زردی، ابوعمر و احمد بن محمد بن هیداه (وف
۳۳۸ ق)، ادیب و لغوی، وی اهل زرد یکی از روستاهای
اسفراین و در فن بلاغت و معرفت اصول و ادب سرآمد
ایران روزگار خویش بود. از ابوعمرانه اسفراینی حدیث
شنید.

تاریخ سیستان (۱۵۲)، روایات الجناب (۱/ ۲۴۰،
۲۴۲)، ریحانه (۲/ ۲۷۲)، لغت‌نامه (دیل/احمد)

زركش يزدي، محمد باقر، (س دوازدهم ق)، شاعر،
متخلص به زركش، در عهد كريم‌خان زند می‌زیسته و
شغلش زركشي بوده، كه از صنایع ظریفه در ساختن
پارچه‌های زربفت مخصوص یزد است. اشعاری از او به
جا مانده است.

مذکره سخنوران یزد (۱۴۳-۱۴۲)، الذریعه (۹/ ۲۰۱)،
فرهنگ سخنوران (۲۱۲).

زركوب تيريزي، نجم‌الدین ابوبكر محمد بن مودود
طاهري، (وف ۷۱۲ ق)، صوفي و شاعر، متخلص به
زركوب و مشهور به شيخ نجم‌الدین زركوب. از اهالی
تبریز بود كه با تنگدستی و عسرت زندگی كرد. شيخ
محمدالدین حموي (وف ۶۵۰ ق) او را در كودكي دیده و
گفته بود: «مردم از وی بهره‌مند خواهند شد». زركوب
همیشه مرجع علم و فقرا و مورد احترام مردم بود به
طوری كه خواجه رشیدالدین وزیر با وی در كمان ادب
مكاتبه می‌كرد. نویسنده «تاریخ گریته» نجم‌الدین
زركوب را معاصر با اباناحان (۶۸۵-۶۹۳ ق) می‌داند.
محمدالدین زركوب در تبریز وفات یافت و در گورستان
گچیل دفن شد. از آثارش: رساله «فتوح نامه»،
توجیع‌بندی نزدیک به صد بیت در «موقن الاحرار»،
۵ دیو شعر.

تاریخ گریته (۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۶-۱۷۷)،
مذکره شعرا آذربایجان (۲/ ۲۶۸-۲۷۲)، حبیب‌السیر
۳/ ۱۳۴، دانشمندان آذربایجان، (۶۶-۱۶۵)، الذریعه
۹/ ۲۰۱، ریاض‌المعروفین (۸۱)، ریحانه (۶/ ۲۹-
۱۴۰)، سخنوران آذربایجان (۳۸۷-۳۸۵)، فرهنگ
سخنوران (۴۱۲)، لغت‌نامه (دیل/نجم‌الدین زركوب).

زركوب شیرازی، ابوالعباس معین‌الدین احمد بن
ابن ابی‌انغیر زركوب.

زرگر اصفهانی، محمد حسن/حسین، (وف
۱۲۶۰/۱۲۷۰ ق)، شاعر، متخلص به زرگر در اصفهان
می‌زیسته، پیشه زرگری داشته و غزل و استادانه
می‌سروده است. در «ملایح محمديه» منوچهر زرگر
محمدالدوله را مدح کرده است. «دیوان» اشعار و
(عریات) او چاپ شده است.

تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۲۱۰)، تذکره‌القبور
(۲۲۷)، حذیفه‌الشعراء (۱/ ۷۰۷-۷۰۶)، الذریعه (۹/ ۱)

زرگر باشی، میرزا حبیبی - منبع الممالک
زرگر باشی.

زرگر رشتی، خلیل (س. دهم ق)، شاعر. وی از اهالی
رشت بود و در آن شهر صراهی می‌کرد. از شاعران دربار
شاه جمشید خان اسحاقی، پادشاه گیلان بود و مثنوی
«جمشیدنامه» را به فرمان وی سرود

تاریخ نظم و نثر (۵۲۱، ۵۲۰)، الذریعه (۹/ ۴۰۲)،
فرهنگ سخنوران (۴۱۲)، مجمع الخواص (۲۳۶).

زرگر هراتی، آقا کلبعلی (س. سیزدهم ق)، شاعر از
مردم هرات و زرگر باشی شاهزاده کامران میرزای افغان
بود از اوست:

خود کسب نور می‌کند از روی رامجی
من مشتری صفت شده همدوی رامجی
حاجی رود به کعبه، ندانم چه غفلت است
گسریا سبزه ره به سر کسوی رامجی
فرهنگ سخنوران (۴۱۳)، مصطفی خراب (۷۳-۷۴).

زرگری، هفی (س. چهاردهم ق)، محقق. در ۱۳۲۰
ش. مسرفی به اخذ لیسانس در رشته علوم طبیعی از
دانشسرای عالی شد. از آثار وی: «تشریح و فیزیولوژی
چانوری»؛ «تشریح و فیزیولوژی گیاهی زمین شناسی»،
که هر دو کتاب را با مشارکت دکتر محمدر بهرادر صادق
میس نوشت؛ «درش فساندینی گیاهان»؛ «گیاهان دارویی
ایران».

مؤلف کتب چاپی (۴/ ۲۵۲-۲۵۳).

زرگریان، حسین (تو ۱۲۹۵ ش)، روزنامه‌نگار مدیر
روزنامه «ندای اکادمی» بود. مدتی در تهران با انتشار
روزنامه‌ای به نام «بوعلی» به فعالیت اجتماعی پرداخت و
مدت پانزده سال در همدان به خدمت مطبوعاتی و نشر
مقالات خود و طبع کتابهای علمی و ادبی و شرح حال
بزرگان و شاعران و نویسندگان و احیای سخنوران همدان
اشتغال داشت.

بررگان و سخن سرایان همدان (۲/ ۲۶۸).

زردی، شمس الدین / جمال الدین محمد بن یوسف
بن حسن (۹۹۲-۷۵۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی،
مدرس و فقیه حنفی در مدینه به دنیا آمد. پس از پدرش

۲۰۲)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۴۱۲-۴۱۳)، فرهنگ
سخنوران (۳۱۲)، المأثور و الآثار (۲۰۵)، مجمع المقصود
(۳/ ۳۳۰-۳۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۶۳-۵۶۴).

زرگر اصفهانی، محمد هاشم، فرزند محمد صالح
لؤلؤیی (ز ۱۲۱۲ ق)، خطاط. معروف به زرگر از
استادان مسلم خط نسخ است که در زمان خود، در
سراسر کشورهای اسلامی شهرت داشت و حتی در
حوشویسی مدبرج شاعران عصر بود. او را در خط نسخ
همردیف عبدالعزیز درویش در خط شکسته می‌دانند.
از آثار او: قرآن نیم ریعی جلد روغی، دو صفحه افتتاح
متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ و رقاع کتات خفی
عالی، با رقم: ... و انا المصد ... محمد هاشم اصناف
الاصفهان، می ... سنة ۱۱۷۲؛ یک قطعه نسخ کتات
جلی عالی و رقاع خوش، با رقم: «حرره العبد ... محمد
هاشم اصفهانی، لی ۱۱۹۰؛ یک نسخه «صحیفه
سجادیه» جاماری جلد روغی، دو صفحه اول حاشیه و
متن مرصع، سر لوح مرصع رقاع و به خط نسخ کتات
خفی عالی و شکسته و متعلق کتات خفی خوش، با
رقم: ... ابن محمد صالح لؤلؤزی محمد هاشم اصفهانی
... ۱۲۱۲؛ یک قطعه به خط شکسته تملیق و کتات
خوش، با رقم: «مشقه العبد المقل ابن محمد صالح، محمد
هاشم».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۲۰۲-۱۲۰۳، ۱۲۷۷)،
اطلس خط (۳۵۵-۳۵۶)، سرآمدان فرهنگ (۲۴)،
کتابنامه بررگان (۲۸۸-۲۸۹).

زرگر اصفهانی تبریزی، شیخ نجیب‌الدین رضا (رف)
۱۰۸۰/۱۰۷۵ ق)، شاعر و عارف. از عارفان عامی و در
اصل تبریزی بود. در اصفهان متولد شد. ارادت به شیخ
محمد علی مؤذن خراسانی از مشایخ سلسله دهویه
داشت و خود نیز از مشایخ آن سلسله بود. او به روضاء
جوهری، نجیب‌الدین و زرگر تخلص می‌نمود. وی در
اصفهان وفات نمود از آثار وی «خلاصة الحقائق»؛
مثنویهای: «مجمع المصافی»، «غزلیات زرگر»، «تورالهدایه»
در هرات.

تذکره القصور (۳۲۷-۳۲۸)، الذریعه (۷/ ۲۲۵، ۴۰۲)،
۱۱۷۷)، دانشمندان ادبیایران (۳۷۴)، ریاض السامعین
(۸۲)، ریحانه (۲/ ۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳/

منصب تدریس را در آن شهر بر عهده داشت و محفلش آنجا بود. بعد از ۷۳۲ ق به شیراز رفت و به تدریس پرداخت. زرتشتی منصب قضاوت را در شیراز تا پایان صمر همداد بود. او در شیراز درگذشت. از آثارش: «در السطین فی مناقب السبطین (ع)» یا «در السطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین (ع)» یا «فی فضائل المصطفی و المرتضی و السبطین (ع)» شامل «چهار حدیث» با شروح و «اسانید» مولد النبی (ص) «معارج الوصوف الی معرفة آل الرسول (ع)»

الاعلام (۸/ ۲۷۰۲)، ریحانه (۲/ ۳۷۵)، کشف الظنون (۲۵۰، ۲۶۷)، الکسی والاقص (۲/ ۲۹۶)، معجم المزمعین (۱۲/ ۱۲۴، ۱۲۵)، هدیه العارفين (۲/ ۱۵۷).

زروانداد، فرزند مهرنارسه، فرزند ورازگه (۹)، هسانم دین. تلمیذ به خانواده سبند یاد، یکی از هفت خاندان ممتاز اشکانی می‌رسید. وی از هیرندان هیرید بود که بعد از موبدان موبد، برترین مقام روحانی زرتشتی بود. در حاشیه کتاب «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» آمده که وی یکی از روحانیان مازنی است که نامه‌ای خطاب به مارامو، رهبر مانیان در بخش‌های شرقی ایران نوشته است.

تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۳۴۱)، لندن ساسانی (۶۹/۱)

زریاب، ابوالحسن علی بن نافع. (وف ۲۳۰ ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان تمام ایرانی بود که محل تولد وی را برخی شهر ری دانسته‌اند. او هنر موسیقی را در بغداد از اسحاق موصلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شهرتش تا بغداد رسید که به دربار هارون الرشید خلیفه عباسی راه یافت و به واسطه وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسحاق موصلی شد. از این‌رو اسحاق او را رادار کرد که از بغداد خارج شود، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصر و سپس به اندلس رفت و حکم بن هشام امیر اندلس، از وی استقبال نمود. او مدرسه بزرگی برای تعلیم و توسعه فن موسیقی مشرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نوختن هود و در سبک و شیوه آواز تصرفاتی

کرد که باعث سهولت یادگیری شاگردان شد. در قرطبه درگذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بوده مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشأ اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌وفتی داشت.

الاعلام (۵/ ۱۸۰)، تاریخ ادبیات ایران هروی (۵۷۲)، ۶۱۲، تاریخ موسیقی (۱/ ۱۶، ۱۲۳، ۱۲۶)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۷۱۹)، لغت نامه (دیل / زریاب).

زریاب خویی، عباس، فرزند علی پیشه‌ور. (۱۲۹۸-۱۳۷۳ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله: محقق داماد، سید احمد خمروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمد تقی خوانساری و سید محمد حسنت کوهکمری بهره جست. سپس وارد دانشکده الهیات شد و پس از دریافت درجه لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته تاریخ دکترای گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروسسور هتینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بوده. بی‌شمار در معارف ایران و اسلام فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان‌شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل «انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شصت‌مردوسی عضو بود و با بنیادهای دایرةالمعارف نریسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیین جامع»، «تاریخ ساسانیان»، «بزم آورده»، «تحریر روضه‌الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت، «فلسفه ویل دورانت»، «تاریخ ایرانیتان و عربها در زمان ساسانیان»

اصفهان. (تو ۱۲۷۳ ش)، خطاط. وی در مکتب خاندهای قدیم به تحصیل انشاء و خط و معنومات پرداخت و چون در خوشنویسی مستعد بود، در همان مکتب خانه به تعالیم خط مشغول شد. به دلیل اختلافاتی که بین وی و استادش روی داد، تعلیم خط را رها کرد. پس از چند سال به نزد استاد همدان لکتاب رفت و هنر خود را ترقی داد و در وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت. قطعات خط وی هم اکنون موجود است.
لذکره خوشنویسان معاصر (۲۲، ۱۲۵).

زیرین قر، اسماعیل، فرزند مهدی، (س چهاردهم ق)، موسیقیدان و نوازنده. خواجهزاده استاد علیرضا چنگی بود. در تهران متولد شد. گمانه‌چ و ویولن را در هفت سالگی نزد دایی خود آموخت و موسیقی را به طور مستقیمی فراگرفت. مدتی نیز شاگرد حسین خان اسماعیلزاده بود. از ۱۳۰۰ ش در مدرسه عالی موسیقی نزد استادانی چون: کلنل وزیری، سورن آراکلیان، سرژ جوتسیف، جاناریان، استانیان و پروو، که یک ویولونیست ممتاز و عالی مقام فرانسوی بود، و مومبوروئی مندهای نت فرنگی را تکمیل کرد و در ۱۳۰۷ ش به پیشنهاد کلنل وزیری سمت ناظمی و معلمی مدرسه عالی موسیقی را به عهده گرفت. در همین مدرسه با استاد روح‌الله خالقی آشنا شد و این آشنایی باعث شد که هارمونی و نیز توسط استاد پیرونی مانند خالقی بیاموزد. بعدها که مدرسه‌ای جهت اداره موسیقی کشور تأسیس شد، کلنل وزیری رئیس موسیقی کشور و روح‌الله خالقی معاون موسیقی کشور و اسماعیل زیرین قر مسئول هنرستان عالی موسیقی گردیدند. وی حدود چهارصد آهنگ و سرود ساخته است. او در مأموریتی که به مشهد رفت، اقدام به تأسیس کلاس موسیقی نمود و شاگردان زیادی را تحت تعلیم و تربیت قرار داد. از جمله: خاتم پوران شجیمی، محمود تاجبخش و دکتر مهدی برکشلی. زیرین قر از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ش در مشهد با کمک عده‌ای از هنرمندان جمعیتی به نام «گروه هنرمندان» را تأسیس کردند. وی همچنین در مدرسه عالی موسیقی با استاد صبا، خالقی و سایر استادان آن زمان حدود بیست و دو صفحه بر کرد. او غیر از ویولن و کامپچه با ویولن آلتو هم آشنایی کامل داشت و بسیاری مواقع آلتو می‌نواخت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۴۶)، سرگذشت موسیقی (۱/

تتو دو رنولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی» فردریش مایکه؛ «دریای جان» ویتز.

کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۸۵-۲۹۶)، گیان فرمگی (ص ۸، ش ۱۰، ص ۵۵)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۶۵۷)، یکی نظره پوران (۱-۱۴).

زیرین پنجه، نصرالله. (۱۲۸۵-۱۳۶۰ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. در جوانی تار را نزد میرزا ربیع، برادر درویش خان، فراگرفت. سپس از محضر استادانی چون: حسین خان هنگ‌آفرین، موسی خان معروفی، فی داوود و شهبازی بهره گرفت. وی جود دسته موزیک هنگ‌آفرین بود و تار را در کلاس مخصوصی او فراگرفت. زیرین پنجه در سه تار و جود و ترومپت نیز مهارت یافت و استاد این فن شد. تار را ساز تخصصی خود قرار داد و تا آنجا پیش رفت که لقب زیرین پنجه گرفت. وی از ۱۳۲۲ ش در رادیو به نوازندگی پرداخت و با ارکسترهای مختلفی همکاری کرد. مدتی رهبری ارکستر شماره یک رادیو را به عهده داشت و در هنرستان موسیقی ملی معلم تار و سه تار بود. زیرین پنجه، در دوران فعالیت هنری خود حدود پنجاه آهنگ ساخت. از شاگردان او می‌توان به امان‌الله تاجیک اشاره کرد که در زمینه جود هنرآموز بود.

تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۶۱۹)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۶)، سیمای هنرمندان (۱/ ۴۴، ۹۹، ۲۲۵)، مردان موسیقی (۱/ ۷۱-۷۳).

زیرین پنجه، یحیی (هارون)، (۱۲۷۰-۱۳۱۰ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در خانواده‌ای هنردوست در تهران متولد شد. از کودکی تار را نزد برادرش موسی زیرین پنجه فراگرفت و برای تکمیل آن نزد استاد درویش خان رفت و توانست بسیاری از دستگاه‌ها و ردیف‌های آواز ایرانی را خوب بنوازد. دستگاه شور را بهتر از سایر دستگاه‌ها می‌نواخت. او به نفع مستمندان و تهیدستان مسافرنهای بسیاری به شهرهای وشت، اسمهان و شیراز نمود و برنامه‌هایی اجرا کرد. چند صفحه‌ای از وی به یادگار مانده که پیش در آمد «اصفهان» از ساخته‌های مرتضی خال لی داوود از زیباترین آنهاست.
مردان موسیقی (۲/ ۲۵-۲۴).

زیرین خط، حسن، فرزند عبدالجواد یراق پاف

۷۲، سیمای هنرمندان (۱/ ۲۹۳)، مردان موسیقی (۱/ ۵۹۴۹).

زیرین قلم، حسام‌الدین، (ز ۹۹۵ ق)، خطاط، به خط وی، یک قطعه از مرقع نسخ کتابت خجری خوش در موزة اسلامی ترک موجود است و رقم «نصفه الفسیر حسام‌الدین روین قلم فی سنة ۹۹۵» دارد. اسوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۵۸).

زیرین قلم، حسن، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط، نقاش و شاعر، خوشنویس تصویرگر بود که به همت قلم خط و کتابت طرهای تزیینی تسلط کامل داشت. از در ابتکار و تعلیق خطوط مهارت داشت و در بطن آنها تصاویر مذهبی به وجود می‌آورد آثار نقاشی خط وی بین رجال و اعیان آن دوره بسیار دیده شده است. زیرین قلم شعر نیز می‌سرود. از آثار او، مرقعی به قلمهای نستعلیق و نسخ و ثلث و تعلیق و توفیع و طفرایی و شکسته، از شش دانگ تا غبار خورش و متوسطه، با رنمهی «کتابه حسن روین قلم، شهر صفر سنة ۱۳۰۱»، «حسن روین قلم ۱۳۰۶»، «۱۳۰۹»، «۱۳۱۱»، «۱۳۱۲»، «خساراد آستان همایون... حسن روین قلم، می‌داح رکاب... ناصرالدین شاه»، «کتابه و منقعه... حسن روین قلم... سنة ۱۳۰۷» و «شهر رجب ۱۳۱۳ حسن روین قلم... در عهد دولت... مظفرالدین شاه».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۳۹، ۱۳۲، ۱۳۶)، اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۵۳).

زیرین قلم، مبارکشاه بن قطب، (س هشتم ق)، خطاط ملقب به زیرین قلم. از مردم تبریز و معاصر مبارکشاه دمشقی سیوفی و از شاگردان یاقوت مستعصمی بود وقتی که سلطان اویسی جلایر در نجف، بر مزار حضرت علی (ع) همایونی بنا کرد، به جهت خوابی که از حضرت دید، به مبارکشاه زیرین قلم سفارش فرمود کتابت کتیبه عمارت را به عهده بگیرد. از آثار او چهار صفحه از مرقع بایقرا - طهماسب، به خط ثلث چهاردانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت عالی، با رقم «کتابه اضعف عباد الله و احوجهم مبارکشاه بن قطب ... سنة الثین و ثلاثین و سبعمائة (۷۳۲) حامداً و مصلیاً» دو صفحه از مرقع بایقرا - طهماسب، به خط ثلث چهاردانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت عالی، با رقم «مشقه دودلادمان مبارکشاه

بن قطب

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۳۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۵، ۲۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۲)، گلستان هنر (۲۲، ۲۱)، منابع هنروران (۳۹، ۱۱۴).

زیرین قسم خوانساری، عبدالعزیز، (س سیزدهم ق)، خطاط، از خوشنویسان دوره ناصرالدین شاه قاجار بود. کتیبه سر در ورودی صحن و کتیبه پیشانی ایوان شمالی مزار حضرت عبدالعظیم در شهر ری، به خط وی است که به قلم پنج دانگ کتیبه خوش نوشته و رقم «... السلطان ناصرالدین شاه قاجار... کتبه عبدالعزیز» دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۷۰).

زیرین قلم مشهدی، علی، فرزند محبسی، (قر ۱۲۹۹ ش)، در زمانه نگار و نویسنده. در مشهد متولد شد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به اتمام رسانید و بعد به تهران آمد و همکاری‌اش را با جراید آغاز کرد. او روزنامه سیاسی «هرزبان» و روزنامه فکاهی «حاجی مراد» را منتشر می‌کرد. وی عضو رسمی انجمن ادبی کوهگستان بود و انجمن خراسان را در تهران بنیان نهاد. از آثار او: «تهکاران»، «سرزمین بحرین از ادوار باستان تا امروز»، «حاجی».

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۵۵-۲۵۶).

زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین بن محمد بن علی، (وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، اصولی و مفسر از ابرالقاسم بغوی و ابومحمد بن صاعد و حسین بن علی بن رید و همطبعه آنان حدیث شنید ابوبکر بن ابی علی و ابونعیم اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابونعیم اصفهانی گوید که زعفرانی به لحاظ شناخت استوار و دانش فراگیرش یندار اصول و حدیث شهر ما بود. او دارای تصنیفات بسیاری بوده از جمله «المستند» یا «مسند زعفرانی»، در حدیث؛ «التفسیر زعفرانی» یا «تفسیر القرآن»؛ «الشیخ».

لاصلاح (۲/ ۲۷۷)، ایضاح المکسون، ۱/ ۳۰۵، ۲/ ۳۸۲، سیر السیلا، (۱۶/ ۵۱۸-۵۱۷)، مجمع المؤلفین (۳/ ۵۵)، التالی بالرویات (۱۳/ ۲۵-۲۶)، هدیه العارفين (۳۰۵/ ۱).

حکیمی و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند.
ساریخ بغداد (۸/ ۲۶۰-۲۶۱)، سیرالنبلاء (۱۲/ ۳۳۷-۳۳۸)، لسان المیران (۳/ ۱۲۹).

زکسی، محمد حسن، (س سیردهم ق)، محقق و نویسنده، از آثار او: «تأثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا»، که با همکاری محمد تقی شریعتی تألیف کرده «مطلع الشمسین».

الدریعه (۲۱/ ۱۵۵)، فهرست کتابهای چاپی (۲/ ۲۷۹۴)، فهرستوار کتابهای فنی (۲/ ۸۳۴، ۱۰۸۲).

زکی اردستانی، میر سعید / ملا محمد سعید، (ز ۹۹۵ ق)، شاعر، متخصص به زکی. اهل اردستان از توابع اصفهان بود. در ۹۹۵ ق به هند مسافرت کرد و در دکن پیشرفت زیادی کرد او بعد از مدتی به ایران بازگشت و در ایران درگذشت. وی قصیده‌ای در مدح شاه عباس اول صفوی دارد.

آتشکده آذر (۳/ ۹۲۶)، تذکرة روروش (۳۲۷، ۳۵۵)، تذکرة نصرآبادی (۲۸۳-۲۸۴)، الدرر (۹/ ۴۲۶)، صبح گلشن (۲۰۴)، فرهنگ سخنوران (۴۱۳)، کاروان هند (۲۹۵-۴۹۷).

زکیای یزیدی، (س یازدهم ق)، شاعر و صوفی. از نوادگان خواجه غیاث نقشبند بود. اصل او از یزد بود، اما در اصفهان می‌زیست و در همان جا نیز درگذشت. وی علاوه بر امتدای در نقشبندی، شعر نیز می‌سرود. از اوست:

در سینه دلم گم شده نهیت به که بندهم
عیر از تو در این خانه کسی راه ندارد

تذکرة سخنوران یزد (۱۶۶)، تذکرة نصرآبادی (۴۱۳)، الدرر (۹/ ۴۰۴)، صبح گلشن (۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۲۱۲).

زکی شیرازی، شیخ عبدالله، فرزند ابوتراب بن بهرام بن زکی بن عبدالله، (وف ۶۷۷ ق)، شاعر و حکیم از مشایخ بزرگ، گنه قاضی بیضاوی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزرگش و قطب‌الدین علامه از شاگردان او بودند.

الدرر (۹/ ۴۰۳-۴۰۴)، روض المصطفی (۹۶-۱۹۵)، سارستانه ناصری (۲/ ۱۱۶۹)، مجمع‌الشمس (۲/ ۲۷۹۴).

زعفرانی اصفهانی، ابوالعباس فصل بن خصیب بن عباس، (وف ۳۱۹ ق)، محدث. وی برای کتب حدیث بسیار سفر می‌کرد و محدثی صدوق بود و از مشایخ اصفهانیان. از این مقری و حسن بن محمد زعفرانی و احمد بن هرات و محمد بن وزیر واسطی و نصر بن مسلم و منطقه آنها حدیث روایت کرد. عبدالله بن احمد، پدر ابویحیی اصفهانی، قاضی ابوالاحمد عثمان و ابوبکر بن مقری و حسن بن عبدالله بن سعید و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

سیرالنبلاء (۱۲/ ۵۵۱-۵۵۲).

زعیم‌الدوله تبریزی، میرزا مهدی خان / محمد مهدی، فرزند محمدجعفر، (وف ۱۳۳۳ ق)، عالم، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور به رئیس‌الحکماء، دکتر مهدی خان زعیم‌الدوله و دکتر مهدی خان حکمت. اهل تبریز بود. از استادنول به مصر رفت و در فائره اقامت کرد و در آنجا به انتشار روزنامه فارسی «حکمت» در ۱۳۱۰ ق مبادرت کرد. کتابی به زبان فارسی در اصول و فروع ادیان جهان نگاشت و در آن کتاب به تفصیل در پد فرقه مایه سخن گفت و آن را «باب‌الابواب» نامید. سپس کتاب مختصری در تاریخ بایه تألیف کرد و آن را «مفتاح باب‌الابواب» نامید. از دیگر آثار وی، «فرهنگ مهدی»، «جهان‌نمای مهدی».

لا صبا تا صبا (۱/ ۲۵۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸۷، ۱۹۷، ۱۵۸۳)، تاریخ جراید (۲/ ۲۲۸-۲۳۰)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۹)، شرح حال رجال (۳/ ۷۰۶)، علماء معاصرین (۱۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۹۹-۴۰۱).

رفعی دینوری، ابوعمر احمد، - دقعی دینوری دمشقی.

زکریه مروزی، شیخ ابویحیی زکریا بن یحیی بن اسد، (وف ۲۷۰ ق)، محدث. ساکن بغداد بود. به آورده ابوالصغیر زدی در کتاب «الصمغاء» او مطلب به جودابه بوده است. از سفیان بن عیینه و معروف گرجی و ابومعویه ضریر حدیث روایت کرد. او راوی یک «جزء» از سفیان بن عیینه است. قاضی معاضی و محمد بن مخلد و اسماعیل صمد و ابوالعباس اصم تیشابوری و ابوعروانه و ابوالحسن احمد بن منادی و محمد بن احمد

(۶۹۵)، مرآت الفصاحه (۲۵۳).

زکی غزنوی، ظهیرالدین ابوالمحمّد محمد بن مسعود. (س ششم ق)، دانشمند. در علم هیئت و نجوم مهارت داشت و کتابی به فارسی در نجوم نوشت. اثر وی: «کفایة التعلیم فی مسأله الذنجیم»، تألیف ۵۴۰ تا ۵۳۲ ق، که شرف برسوی (وف ۶۳۶ ق) آن را به نام «معانیج انجوم و مصابیح العلوم» تحجیس کرده است. تاریخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۹۰ / ۱۸).

زکی مراغه‌ای، لطیف الدین. (وف ۶۰۷ ق)، شاعر. اصل وی از مراغه بود، در کاشمر متولد شد و همان جا پرورش یافت. صاحب «لسان الانساب» گوید: «لطایف اشعار او از حدّ و حدّ متجاوزست». زکی با ابوالفرج رونی و ظهیر غریابی هم‌عصر و در سرودن قصیده استادی توانا بود. اشعاری ز او به جا مانده است.

تذکره رور روش (۲۲۶-۲۲۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۷-۱۶۸)، الذریعه (۳۲۱)، (۹ / ۲، ۴، ۹۴۶)، صبح گلشن (۳۵۴)، باب‌الالباب (۲ / ۲۷۷-۳۷۱)، دشت‌نامه (دیز / لطیف‌الدین)، مجمع‌المصنعا (۲ / ۶۹۰-۶۹۱)، هفت‌انگیز (۳ / ۲۶۴-۲۶۶).

زکی نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن احمد بن محمد. (۳۹۲-۳۱۷ ق)، محدث و ادیب. از افس بلال و محمد بن حسین قطان و ابن قوهیار و عبدالله بن یعقوب کرمانی و ابوطاهر محمدآبادی و دیگران حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم نیشابوری و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از وی روایت کرده‌اند. سیرالسلاطین (۱۷ / ۵۲-۵۳).

زکی همدانی. (وف ۱۰۲۵ / ۱۰۳۰ ق)، شاعر، متخلص به زکی. با شکوهی همدانی معاصر بود و هر دو مدتی شاگرد علامه میرزا ابراهیم همدانی بودند. او همتی بلند و طبعی عالی داشت و به سرودن قصیده و مدیحه نمی‌پرداخت. به شغل تعلیمی اشتغال داشت. اثر وی: «دیوانه شعر».

بررگان و سخن‌سرایان همدان (۱ / ۲۶۸-۲۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵ / ۱۰۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۳)، ۲، تذکره میخانه (۵۸۱-۵۸۷)، تذکره نصرآبادی (۲۳۶-۲۳۷)، الذریعه (۹ / ۴۰۳-۴۰۴)، فرهنگ

محرران (۲۱۲-۲۱۴)، لغت‌نامه (دیز / زکی همدانی)، مجمع‌النواص (۲۰۸-۲۱۰).

زلال، شیخ علی. (؟)، شاعر اثر وی «رباعی الحساب» به شعر، که در ۱۳۱۲ ش در تهران به چاپ رسید. الذریعه (۱۱ / ۳۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲ / ۲۵۶).

زلال شیرازی، میرزا محمد رحیم - زلالی شیرازی.

زلالی تبریزی. (س دهم ق)، شاعر از اوسته. بیشتر این مکتب مسجیده و خون خورده عشق که به او ولیده بی عشق بود مرده عشق

تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تنقذ ساسی (۲۶۵-۲۶۶)، تذکره رور روش (۳۲۸)، تذکره شعری آذربایجان (۲ / ۲۷۲-۲۷۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۸)، الذریعه (۹ / ۴۰۴)، دیوانه (۲ / ۳۷۸)، سخنوران آذربایجان (۳۸۸).

زلالی خوانساری، محمد حسن. (وف ۱۰۲۵ ق)، شاعر متخلص به زلالی. در خوانسار متولد شد. هم‌عصر شاه عباس اول صفوی و ملک‌الشعراء دربار وی بود. شاگرد میر محمد باقر داماد بود و او و شیخ بهایی و شاه عباس صفوی و وزیرش میرزا حبیب‌الله صدر را مدح می‌کرد. وفات او را به اختلاف نقل کرده‌اند، اما به آوردن دکتر صبا ظاهراً ۱۰۲۵ ق درست‌ترین تاریخ به نظر می‌رسد. شهرت وی به سبب هفت مثوی است که از او به جا مانده که عبارت است از: «شعله دیدار»، «محمود و ایاز»، «حسن گلوسریزه»، «آذر و سمنگر»، «سلیمان‌نامه»، «ذره و خورشید»، «میخانه»، مجموعه این هفت مثوی به نام «هفت سیاره»، «هفت آشوب»، «سبعة سیاره»، «سبعة زلالی» و «هفت گنج» خوانده شده است.

اشکده آذر (۳ / ۱۰۵۵-۱۰۵۱)، تاریخ ادبیات ایران، پروان (۲ / ۱۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵ / ۹۶۵-۹۷۶)، تذکره نصرآبادی (۲۳۴-۲۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱ / ۱۱۷۶)، الذریعه (۷ / ۱۵، ۲۰۲ / ۱۹، ۱۰۶، ۱۵۹)، دیوانه (۲ / ۳۷۸-۳۷۹)، سرایان فرهنگ (۱ / ۲۱۵-۲۱۶)، گنج سخن (۳ / ۸۲۸-۸۲۹)، لغت‌نامه (دیز / زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (۲ / ۵۶۴)، هفت‌انگیز (۲ / ۴۸۵-۴۸۴).

زلالی شیرازی، میرزا محمد وحید، فرزند میرزا سید

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۷۷)، سرگذشت سرسیتی (۱/ ۳۷۰).

زمان اصفهانی. (وف ۱۰۵۴ ق)، شاعر، متخلص به قریب و زمان موند و نشو و نمایش در اصفهان بود در اوایل حال به امر زرکشی روزگار می‌گذراند و مکرر به هند مسافرت می‌کرد. در لاهور وفات یافت. از اوست:

دیده امشب همه شب حسرت دیدار کشید
مست حسرت شد و حسرت به رخ بدر کشید
راه دارد به دل روشن ما دشمن و دوست
لشکران بر چمن آینه دیوار کشید

تذکره روز روشن (۶۲۱)، تذکره سمرآبادی (۳۳۲ ۳۳۳)، الذریعه (۹/ ۴۰۱)، فرهنگ سخنران (۷۰۷)، کاروان هند (۱/ ۴۹۹-۴۹۸).

زمان شیرازی. (س یازدهم ق)، شاعر اهل شیراز و شخص کفش‌دوری بود. دکان او مجتمع عضلا و ادبایی چون ابراهیم ملا صلا و ملا محمد ثقی بود. وی خط شاس بود. از اوست:

جام بلور از خم شراب برآمد
ماه فرو رفت و آفتاب برآمد

تذکره روز روشن (۳۳۰)، تذکره نصرآبادی (۳۸۲)، دانشمندان و سخن سرپای فارس (۲/ ۶۶۲)، الذریعه (۹/ ۴۰۶)، فهارست‌نامه صابری (۲/ ۱۱۶۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۶)، لغت‌نامه (دیل / حاجی زمان)، مرآت‌اللمعاه (۲۵۶-۲۵۵).

زمان مشهدی، میر محمد زمان. (وف ۱۰۳۹ ق)، شاعر از تجبای سادات مشهد بود وی مدتی در دکن ساکن بود، سپس به عراق برگشت و چند سال در خدمت چاند بی‌بی به سر برد. به پرهیزگاری مشهور و مخالف سرسخت صوفیه بود. از آثار وی: «صحیفه‌الرشاد»، در رد صوفیه.

تذکره نصرآبادی (۱۶۰-۱۶۱)، الذریعه (۹/ ۲۰۶)، کاروان هند (۱/ ۵۰۰).

زمانی، شاطر عباس، فرزند شاطر غلامحسین. (س ۱۲۹۵ ش)، شاعر. در اصفهان متولد شد. از اوست:

به هر ملا که رسد از خدا تو مایه باش
بدان که در همه رهوان بود جرای صبور

علی. (وف ۹۴۸ ق)، شاعر. از شاگردان مولانا علی بود که به هندوستان مهاجرت کرد و اکثر بلاد هند را سیاحت کرد و سرانجام در گجرات درگذشت. از اوست:

بی رخس هم نیست گر از سینه چان بیرون رود
عشق با جانست می‌فرسم که آن بیرون رود

الذریعه (۹/ ۴۰۵)، ریخته (۲/ ۳۷۹)، کاروان هند (۱/ ۴۹۸-۴۹۷)، لغت‌نامه (دیل / ولای)، مرآت‌اللمعاه (۲۵۵-۲۵۴).

زلالی شیرازی، میرزا حسین. (۹۰ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. به زبان ترکی شعر می‌سرود.

دانشمندان آذربایجان (۱۶۸)، الذریعه (۹/ ۴۰۵).

زلالی قزوینی، عبدالحسی به نغز‌الرباعی نغزینی.

زلالی لاری. (س دهم ق)، شاعر. در تبریز می‌زیست و در ضمن اشتغال به صحافی، شعر نیز می‌سرود. از اوست:

هر طرف شوخی و هر گوشه بلانگیر است
به تماشا قدمی نه که عجب تیریری است

محله سامی (۲۱۶-۲۱۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۶۶۴-۶۶۳)، الذریعه (۹/ ۴۰۵).

زلالی هروی. (وف ۹۳۱ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. بعضی او را اورگسجی و برخی دیگر او را حوررمی می‌دانسته‌اند. وی از شاعران دوبار سلطان حسین بایقرا و مردی درویش مسلک بود. غزل و قصیده را نیکو می‌سرود. در هرات درگذشت. از اوست:

چشمی که بود لایق دیدار ندارم
دارم گله از چشم خود از یار ندارم

آشکده آذر (۲/ ۷۶۸-۷۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۶)، تحفه سامی (۲۲۹)، حبیب‌السیور (۴/ ۳۶۲)، الذریعه (۹/ ۴۰۵)، ریمانه (۲/ ۳۷۹)، سیح‌گشتی (۱۹۱)، لغت‌نامه (دیل / زلالی هروی)، مجالس‌العاشق (۷۲)، (۲۴۳، ۱۴۶).

زمان آق‌باشی. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، جواننده. برادر کوچک عیسی آقا باشی و خواننده با استعدادی بود. وی در خواندن تصنیف و گرفتن ضرب هم، دست داشت.

تذکرہ شعری معاصر ایران (۱۳۴۰)

زمانی اصلی، فرزند مولانا محمد، (س هم ق)،
شاعر، وی ابتدا وقایی تحصیل می کرد و چون با شاعر
دیگری به نام میراحمد وقایی تحصیل یکسان داشت،
تحصیل خود را به زمانی تمییز داد. وی از فرانسویان
مشهور زمان خود بود و ادیبان شعر داشت.

تاریخ نظم و نشر (۱۳۳۸)، القریحه (۹/ ۴۰۶)، سرهنگ
مستغوربان (۴۱۶)، مجالس العائس، ۷۶، ۲۵۲

زمانی سپستانی، میرزا محمد، (س یازدهم ق)،
شاعر، از شاهزادگان سیستان و معاصر نقی اوحدی بود.
اشعاری از او به جا مانده است

(۱۹۱)، م. مینگ، سنجو (۱۶۴)، صبح گلشن (۲۰۷ / ۹)، رباعانه (۳۷۹ / ۲)، صبح گلشن (۱۹۱)، م. مینگ، سنجو (۱۶۴).

زمانی یزدی، (ف ۱۰۱۷/۱۰۲۱ ق)، شاعر، اهل یزد بود. به اصفهان رفت و به دربار شاه عباس صفوی راه یافت. او «دیران» عراجی حایض را امتتبال کرده است. اشعار او را ده هزار بیت نوشته‌اند که در دست نیست. او است

پیر از کلبه ما دوش ندافسته گذاشت
لیکن دافتنه بر سجد که این کلبه کست

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۹۹۱۷)، تاریخ نظم و نظر (۴۱۴)، تلکوه مستخبران یزد (۱۴۳-۱۴۵)، تذکره، نصرآبادی (۲۴۵-۲۴۴)، جامع معینی (۳، ۴۶-۴۶۲)، المومنه (۹/ ۴۰۷)، روحانه (۲/ ۳۷۹)، فرهنگ مستخبران (۴۱۷-۲۱۷)، هفت آفتاب (۱/ ۱۶۲).

زمسجی اسفرازی هروی ← اسفوری هروی،
معین الدین محمد

زمخشری، ابو لقاسم محمود بن عمر بن محمد
خوارزمی. (۴۶۷-۵۳۸ ق)؛ مفسر، محدث، نحوی،
متکلم، بغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به چارالله، در
زمخشر خوانزم به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه
و حدیث و تفسیر استاد بود و شعور را بسیار نیکو
می‌سرود. در ضمن مسافرت‌های خود مدت مدیدی در
همکه اقامت کرد و به همین مناسبت به چارالله (= همسایه
خدا) معروف شد. به بغداد سفر کرد و از تفسیر بن نظر و

دیگران حدیث شبیه آرد و از ابو نصر محمود بن جریر
صنی اصمہنی و ابوالحسن عی بن مظفر نیشابوری
فراگرفت و از ابومصور نصر حارثی و ابوسعید شقانی
حدیث روایت کرد. ابوطاهر سلمی و رینب دختر شعری
از رحشری با اجازه روایت کرده‌اند. اسماعیل بن عبدالله
خوارزمی و ابوسعید احمد بن محمود و دیگران از وی
اشعارش را نقل کرده‌اند. در جرجانیہ خوارزم درگذشت
از آن روی: «الکشاف عن حقایق التریل»، در تفسیر
قرآن: «الامالی»، در نحو: «الانموذج»، در نحو؛
«مقدمۃ الادب»، در لغت؛ «اساسی الملاحۃ»، در لغت؛
«اعجب المعجب فی شرح لامیۃ العرب»، «اطواق الذهب»،
در مواعظ و خطب؛ «الحبال و الامکیۃ و المیہ»، «دیوان»
خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛
«الردن فی علم الفرائض»، «وزن المسائل»، در فہم؛
«ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوانر الامثال»، شرح «ابیات
الکتاب»، «سیر»، شرح مشکلات «المفصل»، «ضالۃ
الشد»، «القصاص»، در عروض؛ «المجاز و الاستعارۃ»؛
«متشابه اسمی الرواۃ»، «المتقصر»، در امثال عرب؛
«معجم الحد و د»، «المفرد و المونلف»، در نحو؛
«المقامات»، در اخلاق؛ «المنہاج»، در اصول؛ «النصائح
الکبار یا کبری»، «النصائح الصغیر»، «الکیم التوابع»، در
مواعظ؛ «الاحاجی التحویہ»، «المفصل»، در نحو؛ «المائق
فی غریب الحدیث»

لأعلام (٨/ ٥٥)، إضاح المكنون (١/ ١٩٧، ٢/ ٨٦)،
 تاريخ ادبيات در ايران (٢/ ٣٢٠)، تاريخ نظم و نثر (٩٢)،
 ١٠٧، ١٩٧)، التفسير والمفسرون (١/ ٣٢٩، ٢/ ٣٨٤)،
 دائرة المعارف فارسى (١/ ١١٨٠، ٢/ ٢٢٢١، ٣/ ٢٢٢٢)،
 روضات الجنات (٨/ ١٦٨)، ريجانه (٢/ ٣٧٩، ٣/ ٣٨٢)،
 سفرنامه ابن بطوطه (١/ ٢٣٦، ٥٧١)، سيرت سبله (٢٠)،
 ١٥١، ١٥٦)، الكرم (٨/ ٩٣)، كشف الغطاء (٧٤)، ١١٧،
 ١٦٤، ١٨٥، ١٩٦، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١١، ٢١٢،
 ٢١٣، ٢١٤، ٢١٥، ٢١٦، ٢١٧، ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٠، ٢٢١، ٢٢٢،
 ٢٢٣، ٢٢٤، ٢٢٥، ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٠، ٢٣١،
 ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٣٤، ٢٣٥، ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠،
 ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٣، ٢٤٤، ٢٤٥، ٢٤٦، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩،
 ٢٥٠، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٥، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨،
 ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦١، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٦٦، ٢٦٧،
 ٢٦٨، ٢٦٩، ٢٧٠، ٢٧١، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤، ٢٧٥، ٢٧٦،
 ٢٧٧، ٢٧٨، ٢٧٩، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٢، ٢٨٣، ٢٨٤، ٢٨٥،
 ٢٨٦، ٢٨٧، ٢٨٨، ٢٨٩، ٢٩٠، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٣، ٢٩٤،
 ٢٩٥، ٢٩٦، ٢٩٧، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٢، ٣٠٣،
 ٣٠٤، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣٠٨، ٣٠٩، ٣١٠، ٣١١، ٣١٢،
 ٣١٣، ٣١٤، ٣١٥، ٣١٦، ٣١٧، ٣١٨، ٣١٩، ٣٢٠، ٣٢١،
 ٣٢٢، ٣٢٣، ٣٢٤، ٣٢٥، ٣٢٦، ٣٢٧، ٣٢٨، ٣٢٩،
 ٣٣٠، ٣٣١، ٣٣٢، ٣٣٣، ٣٣٤، ٣٣٥، ٣٣٦، ٣٣٧،
 ٣٣٨، ٣٣٩، ٣٤٠، ٣٤١، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٤، ٣٤٥،
 ٣٤٦، ٣٤٧، ٣٤٨، ٣٤٩، ٣٥٠، ٣٥١، ٣٥٢، ٣٥٣،
 ٣٥٤، ٣٥٥، ٣٥٦، ٣٥٧، ٣٥٨، ٣٥٩، ٣٦٠، ٣٦١،
 ٣٦٢، ٣٦٣، ٣٦٤، ٣٦٥، ٣٦٦، ٣٦٧، ٣٦٨، ٣٦٩،
 ٣٧٠، ٣٧١، ٣٧٢، ٣٧٣، ٣٧٤، ٣٧٥، ٣٧٦، ٣٧٧،
 ٣٧٨، ٣٧٩، ٣٨٠، ٣٨١، ٣٨٢، ٣٨٣، ٣٨٤، ٣٨٥،
 ٣٨٦، ٣٨٧، ٣٨٨، ٣٨٩، ٣٩٠، ٣٩١، ٣٩٢، ٣٩٣،
 ٣٩٤، ٣٩٥، ٣٩٦، ٣٩٧، ٣٩٨، ٣٩٩، ٤٠٠، ٤٠١،
 ٤٠٢، ٤٠٣، ٤٠٤، ٤٠٥، ٤٠٦، ٤٠٧، ٤٠٨، ٤٠٩، ٤١٠،
 ٤١١، ٤١٢، ٤١٣، ٤١٤، ٤١٥، ٤١٦، ٤١٧، ٤١٨، ٤١٩،
 ٤٢٠، ٤٢١، ٤٢٢، ٤٢٣، ٤٢٤، ٤٢٥، ٤٢٦، ٤٢٧،
 ٤٢٨، ٤٢٩، ٤٣٠، ٤٣١، ٤٣٢، ٤٣٣، ٤٣٤، ٤٣٥،
 ٤٣٦، ٤٣٧، ٤٣٨، ٤٣٩، ٤٤٠، ٤٤١، ٤٤٢، ٤٤٣،
 ٤٤٤، ٤٤٥، ٤٤٦، ٤٤٧، ٤٤٨، ٤٤٩، ٤٥٠، ٤٥١،
 ٤٥٢، ٤٥٣، ٤٥٤، ٤٥٥، ٤٥٦، ٤٥٧، ٤٥٨، ٤٥٩،
 ٤٦٠، ٤٦١، ٤٦٢، ٤٦٣، ٤٦٤، ٤٦٥، ٤٦٦، ٤٦٧،
 ٤٦٨، ٤٦٩، ٤٧٠، ٤٧١، ٤٧٢، ٤٧٣، ٤٧٤، ٤٧٥،
 ٤٧٦، ٤٧٧، ٤٧٨، ٤٧٩، ٤٨٠، ٤٨١، ٤٨٢، ٤٨٣،
 ٤٨٤، ٤٨٥، ٤٨٦، ٤٨٧، ٤٨٨، ٤٨٩، ٤٩٠، ٤٩١،
 ٤٩٢، ٤٩٣، ٤٩٤، ٤٩٥، ٤٩٦، ٤٩٧، ٤٩٨، ٤٩٩،
 ٥٠٠، ٥٠١، ٥٠٢، ٥٠٣، ٥٠٤، ٥٠٥، ٥٠٦، ٥٠٧، ٥٠٨،
 ٥٠٩، ٥١٠، ٥١١، ٥١٢، ٥١٣، ٥١٤، ٥١٥، ٥١٦، ٥١٧،
 ٥١٨، ٥١٩، ٥٢٠، ٥٢١، ٥٢٢، ٥٢٣، ٥٢٤، ٥٢٥، ٥٢٦،
 ٥٢٧، ٥٢٨، ٥٢٩، ٥٣٠، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٣٣، ٥٣٤،
 ٥٣٥، ٥٣٦، ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤١، ٥٤٢،
 ٥٤٣، ٥٤٤، ٥٤٥، ٥٤٦، ٥٤٧، ٥٤٨، ٥٤٩، ٥٥٠،
 ٥٥١، ٥٥٢، ٥٥٣، ٥٥٤، ٥٥٥، ٥٥٦، ٥٥٧، ٥٥٨،
 ٥٥٩، ٥٦٠، ٥٦١، ٥٦٢، ٥٦٣، ٥٦٤، ٥٦٥، ٥٦٦،
 ٥٦٧، ٥٦٨، ٥٦٩، ٥٧٠، ٥٧١، ٥٧٢، ٥٧٣، ٥٧٤،
 ٥٧٥، ٥٧٦، ٥٧٧، ٥٧٨، ٥٧٩، ٥٨٠، ٥٨١، ٥٨٢،
 ٥٨٣، ٥٨٤، ٥٨٥، ٥٨٦، ٥٨٧، ٥٨٨، ٥٨٩، ٥٩٠،
 ٥٩١، ٥٩٢، ٥٩٣، ٥٩٤، ٥٩٥، ٥٩٦، ٥٩٧، ٥٩٨،
 ٥٩٩، ٦٠٠، ٦٠١، ٦٠٢، ٦٠٣، ٦٠٤، ٦٠٥، ٦٠٦، ٦٠٧،
 ٦٠٨، ٦٠٩، ٦١٠، ٦١١، ٦١٢، ٦١٣، ٦١٤، ٦١٥، ٦١٦،
 ٦١٧، ٦١٨، ٦١٩، ٦٢٠، ٦٢١، ٦٢٢، ٦٢٣، ٦٢٤، ٦٢٥،
 ٦٢٦، ٦٢٧، ٦٢٨، ٦٢٩، ٦٣٠، ٦٣١، ٦٣٢، ٦٣٣،
 ٦٣٤، ٦٣٥، ٦٣٦، ٦٣٧، ٦٣٨، ٦٣٩، ٦٤٠، ٦٤١،

در فروع فقه شافعى؛ «تسريح الارواح فى تهذيب
الصالحين» جوهرى، در لغت؛ «تفسير القرآن»

تاريخ رنجان (۲۳۵)، كشف الطنون (۹۸۱، ۱۰۷۳)،

معجم المؤلفين (۱۲/ ۱۲۸، ۱۲۹)، هديه النصارين (۲/

۲۰۵).

زنجانى، اسحاق بن حسن. (وف ۱۱۰۰ ق)، دانشمند
و شاعر رى در اكثر علوم دست داشت، از آثار وى:
حاشيه بر «رسالة الاسطرلاب» ابن ساردبى؛ «سراج
القبوب»، در شرح «ضياء القبوب»، در تصوف؛ «منظومة
الفوائد» نظم «ترتيب العلوم».

معجم المؤلفين (۲/ ۲۳۲)، هديه النصارين (۱/ ۲۰۱).

زنجانى، اسماعيل. (وف ۱۳۳۲ ق)، عالم و قاضى.
وى مدت زيادى را در نجف پراى تحصيل علم گذرانيد،
و در همان جا درگذشت، آثار وى حاشيه بر
«رياض المسائل» سيد على طباطبائى است.

الدرر (۶/ ۹۹)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/

۱۲۸)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۳۲)، معجم المؤلفين

(۱/ ۲۶۹-۲۷۰).

زنجانى، امين الدوله سيد ميرزا ابوالقاسم محمد بن
كاظم بن محمد حسين موسوى. (۱۲۲۲-۱۲۹۲ ق)،
عالم، فقيه، اصولى و مجتهد امامى نسبش به امام موسى
كاظم (ع) مى رسد. در كودكى پدر و مادر خود را از دست
داد. در زنجان متنى به تحصيل مقدمات مشغول بود.
آنگاه به قزوین مسافرت كرد و به محضر درس بزرگانى
چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقى پرهانى شهيد
حاضر شده سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سيد
محمد باقر حجة الاسلام رشتى و حاج محمد ابراهيم
كسياسى شد. در مسى و پنج سالگى پس از تكميل
تحصيلات به زنجان مراجعت نمود. سبزش با پديدان
مشهور و احضارش به تهران به امر محمد شاه قاجار
معمول است. او پسر سه دانشمند معروف ميرزا
ابوطالب مجتهد و حاج ميرزا ابوالكارم و حاج ميرزا
ابوعبدالله است. وى در زنجان درگذشت و در خارج اين
شهر در بقعة مخصوصى به خاک سپرده شد. او آثارش،
«ابضاح اندلائل فى حساب عقد الانامى»، «تارالله
الموقدة»، «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتى افضل
من ابياء بنى اسرائيل»، «تحرير الباب»، «رد الباب»

المستفاد من دليل تاريخ بغداد (۲۲۹-۲۲۸)، وفيات

لاحيان (۵/ ۱۶۸-۱۷۹)، هديه للاحباب (۱۲۵-۱۲۶)،

هديه النصارين (۲/ ۴۰۲-۴۰۳).

رمزمى شيرازى، عزادى بن عبدالعزيز بن على بن
عبدالعزيز بيشاوى. (۹۰۰-۹۶۳/۹۷۶ ق)، فقيه شافعى.
اصل وى از شيراز و معروف به ز. روى بود. در مکه
سكونت داشت و از بزرگان و اعيان آن شهر به شمار
مى رفت. از آثارش، «الفناوى الرمزية»، «الفتح الميسر
مدح شيعى احمد بن»، «نظم علم التفسير»، «الفتح الميسر
بقيض الجود على حديث قيض الوجود فى شيعتى
هرد».

الاعلام (۲/ ۱۲۸)، هديه النصارين (۱/ ۵۸۴).

رمزمى شيرازى، عبدالعزيز بن محمد بن عبدالعزيز
بن على بيشاوى. (۹۹۷-۱۰۷۲ ق)، عالم دينى، اصل وى
از شيراز است. در مکه به دنيا آمد. از آثارش، «اجارة فتح
الرجا فى نشر العلم و لاهتداء».

معجم المؤلفين (۵/ ۲۵۹).

زنجانى، ابوالقاسم سعد بن على بن محمد بن
عسى. (تو ح ۲۸۰-۲۷۱ ق)، حافظ، محدث، صوفى و
شاعر. از ابو عبدالله بن نظيف و حسين صدفى در مصر و
محمد بن ابى عبيد در زنجان و عبدالرحمن بن ياسر و
عبدالرحمن بن طييز حلى در دمشق حديث شنيد.
خطيب بغدادى و ابرمظفر منصور مسغانى و عبدالمنعم
بن قشبرى و مختار اهوازى و عدهاى ديگر از شاگردان
وى در حديث مى باشند. او را در حديث نهائى پرهيزگار
شمرده اند و عدهاى او را صاحب كرامات دانسته اند. از
آنجاى كه او در مکه املاى حديث مى کرده او را
شيخ الحرم مى گفتند. قسمتهاى از «قصيده» او در «مير
اعلام النبلاء» آمده است.

سير النبلاء (۱۸/ ۲۸۹-۲۸۵).

زنجانى، ابوالمنقب محمود بن احمد بن محمود.
(مقتول ۶۵۶ ق)، فقيه، اصولى، مفسر، محدث و لنوى
شافعى. در بغداد ساكن شد. مدتى نيابت قاضى القضاتى
را بر عهده داشت. در نظاميه به تحصيل و تدريس
پرداخت. وى در ايام فتح بغداد به دست سپاه هلاكو
كشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فى حوائب المقال»،

«دانشندان (۲/ ۱۶۸-۱۶۹)، مؤلفين كتب چنين (۶/ ۲۳۷).

زنجانى، سيد احمد، فرزند عنايت الله موسوى. (۱۳۰۸-۱۳۹۳ ق)، فقيه و مجتهد. در رنجان متولد شد. مقدمات فقه و اصول را نزد حاج شيخ زين العابدين زنجانى و پس از او شرد ميرزا عبدالوحيد زنجانى در زنجان گذراند سپس برى تکميل تحصيلات خود به قم رفت و در حوزه هاى درس آيت الله حائرى و آيت الله حجت شرکت کرد و مورد توجه قرار گرفت، تا آنجا که جواب استفتاها و نيز امامت جماعت به جاي آيت الله حجت به وي واگذار شد پس از فوت آيت الله حجت رسماً اين مقام را بر عهده گرفت و به تدریس طلاب علوم دينی پرداخت. از آثار وي: «كتاب الکلام بجزء الکلام»، به فارسي، در سه جلد؛ «ايمان و رجعت»، به فارسي، در دو کتاب «اسلام و رجعت»؛ «ابيض الاحوال فى احکام الحالات الطارئة على الاموال»؛ «اموال الرجال»، تحرير بحث استايدش؛ «شرائط الاحکام»، در فقه؛ «مستنبطات الاحکام» و شرح آن «مستنبطات الاحکام»؛ «حقوق الاحکام»؛ «اصحال حج»؛ «رسالة رضاعية»؛ «خير الامور»، در ذکر اخلاق جديد و قديم و حد اعتدال؛ «حکمل مولاه».

آينه دانشوران (۱۳۹۹-۲۰۰۱)، تاريخ زنجان (۵۶-۵۷)، الدرر (۵/ ۱۶۹، ۷/ ۲۸۱، ۱۲/ ۲۱)، زندگنامه رجال و مشاهير (۳/ ۳۶۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/ ۱۱۶)، علماء معاصرين (۲۸۹-۲۹۰)، گنجينه دانشمندان (۲/ ۱۶۶-۱۶۷)، مؤلفين كتب چنين (۱/ ۳۹۹-۴۰۰).

زنجانى، سيد عبدالواسع بن سيد محمد بن سيد ابوالقاسم حسيني طارمى سردانى. (۱۲۳۵-۱۲۹۱ ق)، فقيه، اصولي، مجتهد و واضع از اکابر علمای اماميه در عصر خود بود. در اصفهان از محضر آقا سيد محمدباقر شفتي استعداد نمود. پس از پدرش توليت مسجد فخرعلي شاه قاجار را بر عهده داشت. دو زنجان وفات يافت و در بقعه پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رسالة «الاجتهاد والتقليد»؛ حاشيه بر درياض المسائل؛ «حاشية فتاوى الاصول»؛ «الرد على رسالة التكفير» يا «رسالة تكفير الروم»؛ وي حدود ده جلد كتاب در مواظف دارد. تاريخ زنجان (۹۸-۹۹)، الدرر (۱/ ۲۷۲، ۶/ ۱۰۰).

«فتح الباب»، «مع الباب» و «مناقب» همگی در ردّ بابيه؛ «الحبوة»؛ «حجة الابرار على فرقة الاشرار فى اثبات حرمة الخمر فى الشرايع السابقة و جميع الادوار»؛ «قرة الابصار فى اثبات امامة الاثمة الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحسوبة»، در شرح «طلب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمة فى صيغ العقود و الايفاعات»؛ «مقاليد الابواب»؛ «هداية المتقين»، در عقايد و اصول و مروج دين؛ «نور العين فى هراء الحسين (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسليية الملهوفين و تسكين المغمومين»؛ «كشف السائر فى شرح كلمات بابا طاهر».

الاعلام (۶/ ۱۵)، اعيان الشيعة (۲/ ۲۱۹)، الدرر (۲/ ۴۹۵، ۴/ ۱۷۹، ۱۶/ ۲۲۸، ۱۷/ ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸/ ۲۷)، ریحانه (۲/ ۳۸۵-۳۸۶)، طبقات اعلام الشيعة (مصر ۱۳/ ۶۱-۶۲)، التفسير والتاويل (۱۲۹)، معجم المؤلفين (۱۱/ ۱۵۶)، مكارم الآثار (۳/ ۷۸۲-۷۸۰).

زنجانى، حاج شيخ موسى، فرزند ملا عبيدالله بن شيخ محمود. (۱۳۲۸-۱۳۹۹ ق)، عالم دينى، مجتهد، فقيه و مدرس. در روستای گوجه قيا از توابع زنجان بيه دنيا آمد. مقدمات و ادبیت را نزد پدر و برادرش شيخ مهدى، خواند. در ۱۳۲۸ ق به قم رفت و سطوح حائرى را نزد ميرزا محمد همدانى و حاج شيخ محمد على حائرى قمى و آيت الله خوانسارى و نيز آيت الله حائرى فراگرفت، و بيشترين استعداد را از محضر آيت الله حجت برد و از محضر درس آيت الله بروجردى نيز بهره مند شد و خود هم در امر تدریس شد. آقا شيخ احمد رضوانى زنجانى و آقا شيخ على اصغر قمى و آقا شيخ فرح الله واعظى هيدجى از شاگردان او بودند. در قم درگذشت و در شيخان دفن شد. از آثارش: «كتاب مشاهير علماء زنجان» يا «المهرست لمشاهير علماء زنجان»، به عربى؛ رسالة در «حكم الزوجة المفقودة عنها زوجها»؛ «مدينة البلاغة فى خطب النبى (ص) و رسائله و وصاياه و مواظف و كلماته الموجزة»؛ «العمل الصالح فى الصلوة على النبى (ص) و آله»، به فارسي؛ «رسالة تسيم السبيحة»، در ردّ «تسيم رستگارى»؛ «سنندجى»؛ «وجيزه»، در علم رجال؛ كتاب «تهذيب الوسايل»، «تأمام» كتابى در رجال؛ شرح «عروة الوثقى».

آينه دانشوران (۲۱۲)، تاريخ زنجان (۲۳۰-۲۳۳)، الدرر (۱۶/ ۳۹۲)، شپان نم (۲۰۲-۲۰۴)، گنجينه

فقیه، محدث، رجالى، آديب و شاعر در زنجان به دنيا آمد. پس از تحصيل مقدمات در زادگاهش، به تيزوس رفت و در آنجا به تحصيل ادامه داد در ۱۲۷۸ ق به عراق رفت و در نجف نزد شيخ انصارى و علامه سيد حسين كوهكبرى و ميرزاى شيرازى تحصيلات خود را تكميل كرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع رياست شرعى شد و منصب قضا و افتاء بدر رسيد. در زنجان درگذشت. وي داراى تمانين بسيارى است، از جمله: «لطفات الكلام فى الاوائى الذهب و الفضة من الاحكام»، «مفتاح الظفر»، در نهار صفر، «التحفة الميارقة»، در احكام اسلام، شرح «دعاء كميل»، «جواب السؤل عن آيات بده الخلق و آية رد الشمس لسليمان»، «الصحيح الصادق»، به فارسى، در مسائل اجتماعى و وظائف سلطان، «معارج الرضوان فى مصائب الامام العطشان»، تعليقات بر «الرسائل»، حواشى بر «الرياض»، «رسالة فى حرمة الخمر»، وي قصايدى به عربى و فارسى نيز داشته است.

اصيان الشيعه (۶۳/۹)، تاريخ ريجان (۱۰۶-۱۰۲)، الدرر (۳/۳۸۹، ۱۸/۴۲۱)، طبقات اعلام الشيعه (قرن ۱۴/۸۸۰)، علماء معاصرين (۳۲۰-۳۳۹)، المآثر والآثار (۱۲۹)، مجمع رجال نجف (۲/۶۲۲)، مكارم الآثار (۵/۱۵۰۲-۱۵۰۳).

زنجانى، سيد محمد باقر بن سيد فتح الله موسوى. (وف ۱۳۱۷ ق)، عالم دينى و فقيه. در نجف در محضر بزرگانى چون علامه ميرزا حبيب الله رشتى و آخوند خراسانى تحصيل علم نمود. از آثارش، «مهج السادة» كه شرحى بر فصول «الطهارة و الصلاة و الصوم» كتاب «دعاة العباد» است.

طبقات اعلام الشيعه (قرن ۱۴/۲۲۰-۲۱۹)، گنجينه دانشمندان (۵/۲۵۹)، مجمع رجال نجف (۲/۶۲۲)، مجمع المزاين (۹/۸۹).

زنجانى، ابو عزالدین سید محمود، فرزند سید ابراهيم قاضى بن سید عبدالواسع حسینی موسوی. (۱۳۷۵-۱۳۰۹ ق)، فقیه، اصولی، مستکرم و مفسر مقدمات و سطوح اوليه را نزد علمای زنجان مانند آخوند ملا سبز علی و حاج شيخ جواد طارمی، و منظومه احکمت و اسعده را در خدمت علامه ميرزا مجيد زنجانى تحصيل کرد. آنگاه به درس خارج اقا شيخ

۱۲۷، ۱۰/۱۹۷-۱۹۸)، رساله (۲/۳۸۷)، طبقات اعلام الشيعه (قرن ۱۳/۸۰۲)، المآثر والآثار (۱۶۲)، مجمع المزاين (۶/۲۱۵).

زنجانى، سيد عزالدین، فرزند سید محمود امام جمعه، (تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در زنجان به دنيا آمد. بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبيات نزد آقا ميرزا علي اصغر فصاحتى، به همراه استاد رضا روزبه، متعلق «حكمة الاشراق» و «مير العلم» خزانى ر نزد پدرش تحصيل نمود. از «مسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌اى از «طهارة» شيخ انصارى را نزد آقا شيخ حسين زنجانى كه از مجتهدين زنجان و از شاگردان آخوند خراسانى بوده، خواند. «كفاية الاصول» را در خدمت حاج شيخ عبدالكريم خويشى زنجانى فراگرفت و پس از دو سال تحصيل آن كتاب به درس خارج اصول پدرش، سيد محمود امام جمعه، كه تحت عنوان «تقريرات» كاظمتنى بوده، حاضر شد. در شهريور ۱۳۲۰ به قم رفت و از درس خارج فقه و اصول آية الله حجت و خارج اصول آية الله صدر و آية الله خوانسارى استفاده نمود، و در منزل «اسفاره» را به همراه استاد شهيد مطهرى و آية الله حاج سيد محمد على طباطبايى تيريزى نزد امام خمينى خواند. با ورود علامه طباطبايى به قم نزد ايشان ادامه داد. سپس فقه و اصول را نزد آية الله بروجردى تكميل كرد و «تقريرات» ايشان را به رشته تحرير درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آية الله حكيم و آية الله آقا سيد عبدالهادى شيرازى حاضر شد. پس از چندي به زنجان بازگشت و به تبليغ و نشر احكام دينى و تدريس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وي: تاسيس كندخانه نه سبك جديد و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشكيل انجمنهاى تبليغى از آثار علمى اش «تقريرات» اصول آية الله بروجردى؛ شرح قسمت اعظم «وسيله» حواشى متفرقه در «منظومه حكمت»؛ تحرير «كفاية الاصول»؛ كتابى در تصوف؛ «رسالة عمليه»؛ تحرير «الرسطة» در فقه، به سبك استدلالى؛ تحرير كتاب «خمس».

تاريخ زنجان (۱۰۲)، گنجينه دانشمندان (۵/۲۲۱-۲۳۹).

زنجانى، سيد عزالدین ميرزا ابوالمكارم محمد بن سيد ابو لقاسم موسوى. (۱۳۳۰-۱۲۵۵ ق)، عالم دينى.

حکیم، از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود، اما بر خلاف عادت ملوک و اشراف، از محبان علم و اهل آن به شمار می آمد. او نزد سید حسن مشهور به ابن قناده و شیخ عبدالکریم خویینی و دیگر بزرگان تحصیل علم کرد تا اینکه در علم برآمد و به تدریس ریاضیات و علوم عقلی پرداخت. به حسن اخلاق و زیبایی بیان شهره بود و دانش پژوهان چندی بر گردش جمع بودند، او شمار را نیکو می سرود و اشعاری از ری باقی است. از دیگر آثارش: «الفرائد»، در علوم گوناگون؛ حاشیه بر «الاسفار».

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/ ۱۲۷۸)، معجم المؤلفین (۱۷۱/ ۶).

رنجانی، ابوعبدالله شمس الدین سید میرزا محمد بن سید ابوالقاسم موسوی، (۱۲۶۲-۱۳۱۳ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد، منطقی و فاضل. مقدمات را در زنجان در محضر شیخ حسن طارمی فراگرفت. در ۱۲۸۰ ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت و از محضر شیخ حسین شمعان گردی ترویجی استفاده نمود. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزهزار چندی در خدمت حاج ملا هادی میرزای درسی خواند. در حدود ۱۲۸۵ ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوهکمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمد طاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۴ ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت. از آثارش: «مفاتیح القموس»، در شرح «الندروس»؛ «فلس الفقه»، در «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصباح الدجی»، در مواعظ؛ «نورالمبارک»، در مقتل، نه فارسی؛ «الایقاعات»؛ «المباحث»؛ «احراء المعوم»؛ «تقسیم تعلم»؛ به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایمانیات»، در حکمت اشرفی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «امیران»، در عروض؛ رساله ای در «نوافی»؛ رساله ای در شرح «بعض صفات الهی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «ایوانیت»، در حساب؛ کتابی در «بحر».

عیان الشیعه (۳۷۸/ ۲)، تاریخ زنجان (۴۰۷-۲۰۶)، ترجمه (۳۹۷/ ۲)، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹،

مکارم الآثار (۵/ ۱۶۶۱).

الدریمة (۲/ ۲۷۰)، ریحانه (۲/ ۲۸۵)، طبقات اعلام
الشعبة (قرون ۱۲/ ۱۲۰)، معجم رجال نجفی (۲/
۵۳۴-۵۳۳)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۴۲)

زنجانى، شيخ عبدالکریم بن محمد رضا بن محمد
حسن. (ح ۱۳۰۳-۱۳۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم.
در قریه باروت آقاجی از محال زنجان به دنیا آمد. فقه و
اصول را در زنجان تحصیل نمود؛ سپس علوم ریاضی و
فلسفه و الهیات و غیبهات را فراگرفت. پس از آن به
تهران آمد و به تکمیل تحصیلات فلسفی پرداخت. در
۱۳۲۶ ق به نجف رفت و تحصیلات خود را تکمیل کرد.
سرانجام در ۱۳۳۲ ق به تدریس و تعلیم و تألیف
پرداخت. وی در فلسفه و فقه و اصول و تفسیر و کلام و
سایر علوم اسلامی متجاوز از هفتاد جلد تألیف دارد که
در حدود بیست و پنج جلد از آنها به طبع رسیده است.
وی در اثر مسافرتهاى پی در پی به مسائل اسلامی و
محاضرات و محاوره با علما دارای مقامی شایخ شده
بود. در نجف در مقبرة آقا سید محمود امام جمعه مدفون
است. از آثارش: «ذخيرة الصالحين»، به عربی؛
«رحلة الامام الزنجاني و خطبة في الاقطار العربية»؛
«مناسك حج»؛ «الفقه الارقي في شرح السرورة النوفی»؛
«مسئلة النجاة»؛ «الوحي و الالهام».

تاریخ زنجان (۳۷۳-۳۸۰)، الدریمه (۸/ ۱۲۶، ۲۲/
۲۶۶، ۲۵/ ۵۱، ۸۸)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۰۵)،
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۱۸-۹۱۹).

زنجانى، شيخ فتحعلی نجفی، فرزند حاج
ولی. (ح ۱۲۶۸-۱۳۳۸ ق)، عالم اسماءى، فقیه اصولی و
شاعر. نوادراده و به آورده داندریمه، خواهرزاده مجتهد
بزرگ آخوند ملا قربانعلی زنجانى، شاگرد شیخ انصاری،
بود. در زنجان متولد شد، مقدمات را در زادگاه خود به
پدیان رساند، سپس به قزوین رفت و «قوانین» را نزد
محقق اصولی آقا سید علی، محقق «قوانین» تحصیل
کرد و پس از آن به تهران آمد و در بحث خارج فاضل
آشتیانی شرکت کرد. پس از بازگشت به زنجان، نزد
عموی دانشمندش، آخوند ملا قربانعلی زنجانى، هشت
سال تمذ کرد و سپس به تهران مراجعت کرد و بعد از
انتقال به حضرت عیدالمعظم به نجف رفت و در حوزه
درس حاج سید حسین گوهکمری و حاج میرزا حبیب الله
رشتی حضور یافت و در کربلا از محضر اردکانی و

زنجانى، شيخ ابوالهسین، فرزند ملا محمد هادی
خمسهای. (ح ۱۲۷۲-۱۲۷۳/۱۳۲۷-۱۳۵۳ ق)، عالم،
مدرس، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به شاعنی در
زنجان متولد شد. تحصیلات قدیمی را در حد اجتهاد
داشت. گذشته از علوم دینی، در ریاضیات و هندسه نیز
متبحر بود. به هیئت تاریخ و همچنین ربان فرانسه
آشنایی داشت. وی تحصیلاتش را در نجف گذراند و در
۱۳۰۵ ق به وطن خود بازگشت و به وعظ و تدریس
پرداخت. در ۱۳۲۲ ق در دوره اول مجلس به نمایندگی از
زنجان و در دوره دوم مجلس از تبریز انتخاب شد. در
مجلس جری هئیت دموکرات معرفی و رئیس شعبه فرقه
دمکرات در مجلس شد. در ۱۳۲۸ ق دامتادگاه
انقلابی بود که در این دادگاه شیخ فضل الله نوری محاکمه
و به دار آویخته شد. پس از تعطیلی مجلس در ۱۳۲۹ ق
به ریاست مدرسه ثروت در تهران رسید. در دوره سوم و
چهارم مجلس نیز نماینده زنجان شد. از آثار وی:
«توضیح مرام دموکرات»؛ «نراه زندگی در ایران»؛ ترجمه
«زان و الزان» و «یکتور هوگو»؛ «شهریار هوشمند».

تاریخ زنجان (۴۴)، الدریمه (۱۲/ ۹۷)، زندگی نامه
و منامیر (۳/ ۳۶۲-۳۶۳)، شرح حال رجال (۱۵/ ۴۱)،
معجم رجال نجف (۲/ ۶۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱/
۵۸، ۵)، مکارم الآثار (۶/ ۲۰۳۲-۲۰۳۳)، بشا (۵/ ۵)
ش ۲، ص ۱۳۳.

زنجانى، شيخ ابدالله بن علی اکبر بن رستم خان.
(ح ۱۲۸۲-۱۳۵۲ ق)، فقیه، اصولی، مدرس و عالم
اسامی. در دیسج زنجان متولد شد. پس از تحصیل
مقدمات در زنجان به عراق رفت و در حوزه درس
میرزای بزرگ شیرازی و علامه میرزا محمد تقی شیرازی
و سید محمد فخرکی کسب دانش نمود. در نجف
درگذشت و در صحن شریف مقابل مقبرة فاضل
شیرینانی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الرسائل» در
سه مجلد؛ کتاب «البيع»؛ کتاب «الخيارات»؛ «الطهاره»؛
تعلیقاتی بر «نجات العباد»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «قصد و موافا
بالفقود»؛ رساله ای در «قاعدة لا صرر»؛ «التقریرات»؛
رساله در «الناس المشکوک»؛ رساله ای در «قاعدة الناس
مسألون علی اموالهم».

امیدالشعبة (۳/ ۲۸۵)، تاریخ زنجان (۱۵۹-۱۶۰)،

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴ / ۱۱۴۱-۱۱۴۲)، معجم
رجال نجف (۲ / ۶۳۹-۶۴۰)، معجم المؤلفين (۵ /
۲۲۶)، مكارم الآثار (۶ / ۱۸۹۰)

زنجانى، شيخ عبدالله، فرزند ملا احمد كاوندی
ایرجردی، (وف ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب.
جهت تحصیل به نجف رفت و در محضر سید حسین
کوهکمری و شیخ رین العابدین مازندرانی تلمذ کرد.
آنگاه خود عهده دار امر تدریس گردید. او به هند
مسافرت کرد و پس از مدتی به زنجان بازگشت و
عهده دار امر تدریس و امامت گردید. قبل از ۱۳۰۰ ق به
کاظمین و از آنجا به سامرا رفت و واز درس و بحث
میرزای شیرازی استفاده نمود و تقریرات وی را نگاشت.
پس از درگذشت میرزا به نجف رفت و ملازم میرزا
حسین خنبلی شد. در کاظمین درگذشت. از آثار وی،
حاشیه بر «قوانین»؛ «تسهیل الوصول الی علم الامون»؛
حاشیه بر «الرسائل»؛ شرح «انجاء العباد»؛ «رسالة فی
الشبهة المحصورة».

تذریعه (۴ / ۱۸۳)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴ /
۱۱۹۲-۱۱۹۳)، معجم رجال نجف (۲ / ۶۳۲-۶۳۳)،
معجم المؤلفين (۶ / ۲۹)

زنجانى، عبدالمجید بن عبدالمعلی، (وف بعد از
۱۳۲۰ ق)، متکلم، حکیم، فیلسوف و فقیه. وی مقدمات
را در زنجان مرگرفت. آنگاه به تهران آمد و حکمت را
 نزد میرزا ابوالحسن حلوه و آقا علی مدرس و فقه واصول
را نزد شیخ میرزا حسن آشتیانی فراگرفت و مدت ده سال
از محضر علمای محققون و متفوقان استفاده نمود. او از
بررگان علما و مشاهیر مدرسیں گفت و حوزة دوس وی
در زنجان، در فصول حکمت، شاگردانی چون شیخ
فضل الله شیخ الاسلام زنجانى تربیت کرد. زنجانى بسیار
متمهد و زهد بود. او حواشی فراوان بر کتابهای متداول
در حکمت و کلام نگاشته است.

انجاء الشيعة (۸ / ۹۳، ۹۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن
۱۲ / ۱۲۲۳-۱۲۲۴)، گنجینه دانشمندان (۵ / ۲۶۰)،
معجم المؤلفين (۶ / ۱۶۸)

زنجانى، عززالدین، (؟)، ریاضیدان از آثار وی
«الکفة فی الحساب»
ریاضیة ریاضیدانان (۳۰۶)، کشف الظنون (۱۳۷۰)

مازندرانی بهره گرفت و در سامرا در بحث میرزای
شیرازی شرکت نمود. پس از وفات میرزای شیرازی،
خانه نشین شد و به تألیف پرداخت. در وادی السلام
مدفون است. از آثارش: «مفتاح الباب فی شرح خلاصة
الحساب»؛ «تنقیح المسائل فی التعلیق علی الرسائل»؛
«حاشیه علی الروضة»؛ «حاشیه علی المکاسب»؛
«مجمع الانوار و معدن الاسرار»؛ در تفسیر قرآن؛ حواشی
«حجیت القطع»؛ منظومه ای در «القطع»؛ «دیوان» اشعار
فارسی.

تاریخ زنجان (۲۶۰-۲۴۲)، الذریعه (۹ / ۸۰۷)، ۲۱ /
۲۲۶، علماء معاصرین (۳۵۸-۳۵۹)، معجم المؤلفين
(۶ / ۱۸۸۹)

زنجانى، شيخ محمد باقر بن مقدس، (وف ۱۳۴۱
ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف مجاور بود و نزد
علمای آن شهر تحصیل کرد. سپس عهده دار امر تدریس
گردید او در نجف درگذشت از آثارش حاشیه بر
«الرسائل»؛ «تقریرات» در سه جلد، در اکثر میباحث
اصول و همچنین فقه؛ مجتدی در دو قسمت، قسمتی در
«الاصول» شامل «التجری» و «حجیه الظن» و قسمتی در
«اختیار العیب»؛ رساله ای در «الحاجه الی علم الرجال».

تذریعه (۳ / ۳۶۱، ۱۰ / ۹۸)، طبقات اعلام الشيعة (قرن
۱۲ / ۲۲۵)، گنجینه دانشمندان (۵ / ۲۵۹)، معجم رجال
نجف (۲ / ۶۳۴)، معجم المؤلفين (۹ / ۹۷، ۹۶)

زنجانى، ظهیرالدین ابوالثناء محمود بن عبیدالله.
(۶۷۴، ۵۹۷ ق)، فقیه شافعی و صوفی از اصحاب شیخ
شهاب الدین سهروردی بود و از او و ابوالمعالی صاهد
حدیث رویت کرد. از آثارش «الرسالة المنفذة من انجم
فی الحقایق الانبئة بالحمر» می باشد
معجم المؤلفين (۱۲ / ۱۷۸)

زنجانى، شيخ عبدالمعلی بن ملا عبدالصمد بن ملا
علی اکبر. (۱۲۶۸-۱۳۲۹ ق)، عالم دینی. مقدمات را در
شهر خود فراگرفت و از محضر ملا قربانعلی رنجانی
کسب فیض نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در
درس شیخ محمدحسن مامقانی و ملا محمد شرایبانی و
دیگر علما شرکت نمود پس ز دریاقت اجازات، به
زنجان بازگشت و به تدریس پرداخت. از آثار وی، شرح
«دهاء صیاح»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری

رتجانی، عزالدین ابوالفضائل/ابوالمعالی ابراهیم بن عبدالوهاب بن علی. (ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی از آثارش: «الکافی» در حساب؛ مختصر شرح راصعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «تفاوت» (فتح) «العزیز» در فروع فقه شافعی، تأمید است؛ «المروی» در تصریف به نام «تصریف رتجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی» در نحو و صرف.

کشف الظنون (۲۱۲، ۱۳۸، ۱۱۳، ۲۰۰۳)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه الماریین (۱۲/۱).

الذریعه (۲/۲۶۲، ۲۰۹/۶، ۱۸/۳۰۶)، معجم رجال نسجه (۲/۶۲۱)، معجم المؤلفین (۱۱/۱۳۹)، مکارم الآثار (۶/۱۹۳۷).

رتجانی، محمد رضا. (ز ۱۳۰۹ ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهان‌شاه امیر تومان و استیلام الدوبه حکمران خمسه» در چگونگی حرکت آن دو به خمسه از سوی ناصرالدین شاه قاجار.

مهرستاره کتابهای فارسی (۲/۸۲۰).

رتجانی، ملا علی بن محمد حسین. (شهادت ۱۱۳۶ ق) متکلم، محدث، فقیه، رجالی و شاعر. دو ابتدا از رتجان به اصفهان و بعد به قزوین سفر کرد و در آن شهر نزد عالم محدث ملا خلیل قزوینی، صاحب «شرح کافی» و سید قوام‌الدین محمد حسینی قزوینی، ناظم «اللمعة الذهبیه» و دیگر بزرگان تحصیل کرد. آن‌گاه به رتجان بازگشت و به گسترش علم و ترویج احکام الهی پرداخت. در زمان توافقی عثمانی‌ها با روس‌ها بر سر تقسیم ایران در پی حمله عثمانی‌ها به خاک ایران، از رتجان به قصد دفاع به همراه مردم بیرون آمد، در حدود شش فرسنگی آنجا در روستایی به نام قمچقای نبرد سختی در گرفت که پایانش به شهادت ملا علی رتجانی انجامید. وی در همان‌جا مدفون است. او منظومه‌هایی در منطق، کلام و الهیات دارد. از آثارش «نظم مقدمه» علامه معروف به «باب حادی عشر» یا «نظم الیاب الاحادی عشر» نظم «تهذیب المنطق» تفتازانی.

عیان السیعه (۸/۲۳۰)، الذریعه (۲۴/۱۹۹-۲۰۰)، شهبان راه حلیت (۳۸۶-۳۸۷)، طبقات اعلام النیحه (قرن ۱۲/۵۲۱)، معجم المؤلفین (۷/۱۹۲).

رتجانی، عزالدین ابوالفضائل/ابوالمعالی ابراهیم بن عبدالوهاب بن علی. (ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی از آثارش: «الکافی» در حساب؛ مختصر شرح راصعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «تفاوت» (فتح) «العزیز» در فروع فقه شافعی، تأمید است؛ «المروی» در تصریف به نام «تصریف رتجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی» در نحو و صرف.

کشف الظنون (۲۱۲، ۱۳۸، ۱۱۳، ۲۰۰۳)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه الماریین (۱۲/۱).

رتجانی، عزالدین عبدالوهاب بن ابراهیم بن محمد خوزرجی. (وف ۶۵۵/۶۶۰ ق)، عالم، دانشمند ریاضیات و ادیب. در تفسیر مسکن گرید و مدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صرف، معانی و بیان متبحر و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند بود. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «مذکر» در علم هیت را به سوازش او تصنیف کرد. او به حراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز بازگشت. در بغداد درگذشت. از آثار وی: «الهادی» بر شرح آن در نحو، تحت عنوان «سمیاءالمنظار فی علوم الانعاش»؛ «المفتون به علی غیر اهل»؛ «تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس»؛ در عروض؛ «رسالة الفرق الثام»؛ رسالة کوچکی درباره چگونگی به کار بردن اسطرلاب.

الاعلام (۴/۳۳۰)، اعیان السیعه (۸/۱۳۲)، ابصاح المکتون (۲/۵۱۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/۱۷۳۱)، روضات الجنات (۵/۱۶۵-۱۶۶)، ریحانه (۲/۳۸۶-۳۸۷)، زیلکینامه ریاضیدانان (۷/۳۰۸-۳۰۷)، کشف الظنون (۱۳۲۶، ۱۵۷۸، ۱۷۳۸، ۱۸۶۹، ۲۰۰۳)، معجم المؤلفین (۶/۲۱۶)، هدیه الماریین (۱/۶۳۸).

رتجانی، محمد بن ابراهیم بن اسماعیل. (س هشتم ق)، فقیه، مفسر و قاضی شافعی از شاگردان قاضی بیضاوی (م ۷۲۱ ق) بود. در شیراز منصب عضادت داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ مختصر «المحرر» قزوینی، در فروع فقه؛ شرح «المصباح»؛ شرح «المتهاج»؛ شرح «غایة القصوی»؛ شرح «الطوالع» بیضاوی.

معجم المؤلفین (۸/۱۹۲)، هدیه الماریین (۲/۱۴۴).

رتجانی، محمد بن ابوالقاسم حسینی سردانی. (وف

بارگشت و در همان شهر پس از سالها تالیف و ترویج علم از دنیا رفت. از آثارش: منظومه‌ای در حلیه «کلام»، که حدود پانصد بیت می‌باشد، و شرح آن به نام «تفهیم‌الاسام» می‌شرح منظومه الکلام؛ «رساله‌ای در اسامی به نام «الدلائل»، که علامه بحرالمعروف بر پشت نسخه اصل کتاب تقریظی نگاشته است.

امبارالشیعه (۵/۱۰)، الذریعه (۸۶/۱)، ۴۹۴، ۳۲۶/۲، ۲/۲۲۱، معجم رجال صحف (۶۲۱/۲)، معجم المؤمنین (۴۸/۱۱)، مکرم الآثار (۳۹۲/۲).

زنجانى، ملا محمد حسن بن ملا قنبر على بن محمد حسن (۱۲۵۶/۱۲۵۲ - ح ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی در زنجان به دنیا آمد پس از طی مدارج علمی، به تالیف و تصنیف روی آورد. در زنجان درگذشت. از آثارش: «انیس الطلاب»، در شرح حال بسیاری از علمای زنجان؛ «تبیان الیاف فی قواعد القرآن»، «توضیح المشکلات»، در نحو و صرف و عروض؛ «لوائح الادب فی فرائح العبدیه»، «روشن ضمیر»، در شرح «دعای جوشن صمیر»؛ «سطاس المقادیر و مقیاس المعانی»، «مهیج الرشاد»، در شرح «الارشاد» شیخ مفید؛ «فتوان المصنوع»، در شرح «تصنیف المصنوع»؛ «فرمایش محمدیه»، در تجوید؛ منظومه «تصریف» زنجانى، در مسجد ست.

تاریخ زنجان (۲۲۹ - ۲۳)، الذریعه (۴۶۰/۲)، ۳۳۲/۳، ۲/۲۹۸، ۱۷/۱۸، ۳۷۳، حیات اسلام الشیعه (ژن ۱۴/۱۴)، ۴۲۶-۴۲۷، علماء معاصرین (۱۲۸-۱۲۹)، معجم المؤلفین (۹/۲۱۱-۲۱۰).

زنجانى، مهدى بن عبدالله بن محمود، (وف ۱۳۴۶ ق)، عالم دینی. از آثارش: «المصائب و المواعظ»، در سه مجلد؛ «رد تل»، معجم المؤلفین (۳/۲۹).

زنجانى، میرزا ابراهیم بن ابوالفتح (وف ۱۳۵۱ ق)، فقیه اصولی، حکیم و ریاضیدان. معروف به مسگر. در تهران نزد میرزا ابوالحسن جلوه علوم معقول و نزد علامه محمد حسن آشتیانی علوم منقول را فراگرفت. وی جامع و خلاصه استادش در معقول و منقول بود با این برتری که در ریاضیات نیز مهارت داشت. ابتدا در مدرسه امام راده رید و سپس در مدرسه متیریه به تدریس می‌پرداخت. شیخ آقا بزرگ تهرانی در حساب و هیئت مدتی شاگرد

زنجانى، ملا على قزوینى قارپوزآبادى. (۱۲۰۹-۱۲۹۰ ق)، فقیه، اصولی، رجالى، واعظ و ادیب. در قزوین به دنیا آمد و در زنجان اقامت گزید. مدت پانزده سال در اصفهان در محضر شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین»، تلمذ کرد تا به دریافت اجازه از وی نایل آمد. آن‌گاه به قزوین بازگشت و دوازده سال نزد ملا عبدالکریم ایروانی حضور یافت تا از او نیز اجازه اجتهاد گرفت. پس از آن به تدریس پرداخت. بسیاری از بزرگان همچون حاج میرزا حبیب‌الله رشتی از شاگردان وی به شمار می‌روند. ملا علی مدتی در قزوین به تدریس و تألیف و فتوی و ارشاد مشغول بود. سپس به ربحان مهاجرت کرد و به انجام وظائف شرعی پرداخت. دو سال در کرمان اقامت گزید و چون به زنجان بازگشت مدرسه‌ای عالی و مسجد بزرگی، مشتمل بر چهل ستون بنا نهاد، و تا پایان عمر در آن مسجد به ترویج مذهب پرداخت. وی در زنجان درگذشت و در مقبره سید ابراهیم دفن شد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در جلد ۵ «الذریعه» نام پدر وی را ملا کل محمد بن ملا علی محمد ذکر کرده است. از آثار وی: «نظام الفرائد فی شرح القواعد»، در هفت مجلد؛ «جوامع الاصول»، در سه مجلد؛ «اسامیس الاصول»، در دو مجلد؛ «معارج الاسرار»، در مواضع، در پنج مجلد؛ «صیغ العقود»؛ «رسالة الفیض و الدیاج»؛ «السؤال و الجواب من انظار قالی اندیات»؛ «رسالة فی اصول الدین و فروعها»؛ «المتاجر»؛ «مناسک الحج»؛ «تفسیر القرآن»، از سورة یس تا آخر؛ شرح «قصیده» دخیل خزاعی؛ شرح «تصریف» زنجانى؛ شرح «عوامل» ملا محسن.

اصحاب الشیعه (۸/۳۰۱-۳۰۰)، الذریعه (۲/۲۱۹)، ۲/۳۰۱، ۵/۲۲۸، ۱۵/۱۰۶، ۱۱/۲۲-۲۲۰، ۲۲/۲۲۴، ریحانه (۲/۳۸۸-۳۸۷)، علماء معاصرین (۱۲۹-۱۲۰)، لغت نامه (میل/هجری قمری)، المأثور الآثار (۱۲۳)، معجم المؤلفین (۷۱/۱۷۱)، مکرم الآثار (۲/۳۵۷-۳۵۵).

زنجانى، ملا محمد بن علی بن محمد حسین. (وف ح ۱۲۲۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، رجالى و شاعر نزد بسیاری از علمای قزوین درس خواند، آن‌گاه به شهرش بازگشت و از آنجا به عتبات سفر کرد او از محضر سید محمد مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و فرزندش شیخ موسی کسب فیض نمود. سپس به زنجان

وی بوده است. از آثارش شرح مشکلات «الزبد» شیخ بهائی، به فارسی؛ حاشیه بر «اصول اقلیدس» خواجه نصیر طوسی، در هندسه؛ تا مقاله دهم؛ شرح مشکلات «القانون» ملک الاطیاء؛ رساله‌ای در حکم «لئاس المشکور»؛ حاشیه «الاکر»؛ کتابی مبسوط در رد نایه که آن را «شمس الانصاف فی کشف الاحتساف» نامید؛ رساله‌ای در «نسبة ارتفاع اعظم الجبال الی نظر الارض».

اعیان الشیعه (۲/ ۱۰۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۱۲/ ۸۷)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۵۸)، معجم

المؤلفین (۱/ ۷۳-۷۴)

حسین بن علی (ع)؛ «فلسفه حجاب».

اعیان الشیعه (۲/ ۳۷۸-۳۷۷)، الذریعه (۳/ ۲۷۵)،

۷۳/ ۱۵، ۲۷۹/ ۱۶، ۳۰۷/ ۳، رجستان (۲/ ۳۸۷)،

زندگینامه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۶۵)، شرح حال رجال

(۵/ ۱۷)، شهیدان راه حضرات (۳۹۱-۳۹۰)، طبقات

اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۵۲)، علمیه محاصرین

(۱۸۵-۱۸۷)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۳۷)، مؤلفین

کتاب چاپی (۱/ ۱۸۷-۱۸۶)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۵۹)،

یادداشت‌های قزوینی (۸/ ۲۰۹)، یادگار (س ۳، ش ۳)

ص ۲۹

زنجان‌نی، میرزا سید ابوطالب مجتهد، فرزند میرزا ابوالقاسم موسوی (۱۲۵۷/ ۱۲۵۹-۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مجتهد. در خانواده‌ای اهل علم و ادب، در رنجان متولد شد. پدر و جدش از معارف علمای رنجان بودند. تحصیلاتش را در رنجان آغاز کرد و در قزوین ادامه داد، و در نجف تکمیل کرد. او شاگرد شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی بود و مدت نه سال نزد حاج سید حسین کوهکمری تقلید کرد و از برجسته‌ترین شاگردان وی شد و از او اجازه اجتهاد گرفت و در این مدت «مباحث اصول» را تحریر کرد. پس از این به درجه اجتهاد در ۱۲۸۶ ق به به رنجان بازگشت. پس از مدتی به نجف مراجعت کرد و در بازگشت، در تهران مسکن گزید. وی گرچه با وضع استبدادی زمان مخالف بود و عملیات مستبدانه حکام دوره را تنقید می‌کرد، اما از مخالفین مشروطه و از یاران مرحوم شیخ فضل الله نوری و آخرند ملا محمد آملی به شمار می‌رفت. سید ابوطالب در میان مردم به دوستی و تبخیر علمی معروف، و مرجع حل مشکلات علمی بود. در تهران درگذشت و در مشهد در کنار شیخ بهایی دفن شد. از آثار وی: «احکام اوائی الذهب و القضة»؛ «ایضاح السبیل فی التدریج و التبادل»؛ «رشحة الخواطر»؛ در احتیاط و ترقف؛ «کیمیاء سعادت»؛ «التنفید فی احکام التقلید»؛ «غایة المرام فی احکام الصیام»؛ «مرآة العصر»؛ «مرآة العمر»؛ «الکفایه»؛ در «درایة»؛ «المقاییس فی اصول الفقه»؛ «مناسک الحج»؛ «حکم الربا فی جمیع الادیان»؛ «المقلد المبرء فی وقعة كربلاء»؛ رساله‌ای در «تسامح»؛ «الحق البصاف»؛ «طیبات الحیال».

اعیان الشیعه (۲/ ۳۶۴)، تاریخ رجنان (۱۶۸-۱۷۱)،

الذریعه (۲/ ۲۹۵)، ۲۶۸/ ۲، ۱۷/ ۱۶، ۳۷۶/ ۲۲

زنجان‌نی، میرزا ابوعبدالله بن میرزا نصرالله شیخ لاسلام (۱۳۰۹-۱۳۶۰ ق)، عالم دینی، فیلسوف، متکلم و هیوی معروف به شیخ الاسلام رنجانی در زنجان به دنیا آمد. پس از کسب مقدمات و فراگیری مبادی فقه اسلامی به تحصیل فلسفه و ریاضیات و علم هیت و کلام در محضر فتکی معروف زنجان، میرزا ابراهیم که از شاگردان فیلسوف بزرگ میرزا ابراهیم جلوه بود، پرداخت. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی به تکمیل مراتب علوم اشتغال یافت. در ۱۳۳۰ ق به همراه برادرش، شیخ فضل الله، به نجف رفت و پس از استیفاء از محضر سید محمد کاظم بردی و شریعت اصعانی و گرفتن اجازه‌های اجتهاد و روایت از مجتهدین و محدثین برگ در ۱۳۳۸ ق به دپار خویش بازگشت. او در سفر به مکه، سوریه، فلسطین و مصر با بسیاری از مردان علم و مردمان روشن فکر ملاقات کرد. در ۱۲۵۰ ق برای بار دوم به قاهره سفر کرد و از طرف مشایخ بزرگ دانشگاه الازهر و از جانب فضلا و ادبای آنجا مورد احترام و تقدیر قرار گرفت. در بازگشت به تهران مدتی در دانشکده معقون و منقول (الهیات) دانشگاه تهران به تدریس تفسیر و فلسفه مشغول شد. در تهران درگذشت و در رنجان دفن شد. از آثار وی: «تاریخ القرآن»؛ «اصول القرآن الاجتماعیه» یا «علوم اجتماعی قرآن»؛ «کتاب الامکار»؛ «الفیلسوف الفارسی الکبیر»؛ صدرالدین شیرازی، که شرح حال ملا صدرا است؛ «کتاب دین الفطرة»؛ به فارسی؛ «سرّ انتشار اسلام»؛ به فارسی؛ تملیقه بر «بقاء النفس بعد فناء الجسد»؛ خواجه نصیر طوسی؛ رساله «طهارة اهل الکتاب»؛ رساله‌ای در «لرؤم الحجاب»؛ ترجمه مقاله «نهی (ص)»؛ توماس کارلایل به نام «زندگانی محمد (ص)» یا تاریخ حیات پیغمبر اسلام؛ «عظمت

رفتد و کيسى. (س چهاردهم ق)، شاعر وى صاحب منظومه‌اى به نام «آسمان هشتى» است.
فرهنگ معجزات (۴، ۷)، مؤلفين کتب چاپى (۵)
(۵۶)

زنده ساوجى، مير زنده دلى، (س دهم ق)، شاعر. اهل ساوه بود و قلندر و او مى‌زیست و از سر دوق لىز شعر مى‌سرود. در اوست.

گر حدنگى پر دل آيد ز آن کماند ابرو مرا
مونسى باشد به زير خاک در پهلوى مرا
آتشکده در (۳/ ۱۱۲۲)، تحفه ساسى (۶۰)، الدرر
(۹/ ۲۰۷)، صبح گلشن (۱۹۱).

زسدى، افضل الميک غلامحسين، فرزند مهدى قلى خان، (وف ۱۳۲۸ ق)، مورخ. به دستور مظفرالدين شاه قاجار مأمور تاريخ نگارى سلطنت وى شد و مؤلف بود که هر سال وقيع سلطنت و اخبار مملکت را در کتابى تأليف نمايد. از آثار وى: «افصل التواريخ»، «تاريخ صدور قاجاريه»، «اقرن السعاده»
مهرستاره کتبه‌هاى فارسى (۲/ ۸۲، ۸۸، ۱۰۴۸)،
بند (س ۱۶، ص ۲۲۰)

زنگنه، احمد، فرزند محمود اعظم الدوله، (تو ۱۲۸۳ ش)، موبسده. در تهران متولد شد. تحصيلات خود را در دستان حلبه و دبيرستان دارالفنون به پايان برد. سپس به فرانسه رفت و پس از گذراندن دوره دانشکده عسرى فرانسه، به تهران آمد و تا پايان دوره خدمت خود عهده دار مشاغل مختلفى در نظام بود. بار ديگر براى ادامه تحصيل و مأموريت به کشورهاى فرانسه و سوئد سفر کرد. او در وقايع آذربايجان به همراه رضائيه ملقب شد. آثار به جا مانده از او عبارتند از: «فتاوى تير توپخانه»، «اسلحه شتاسى توپخانه»، «توپخانه همومى»، «خطراتى از مأموريت من در رضائيه».

چهره‌هاى آشنا (۲۷۶، ۲۷۷)، زندگيان رجال و مشاهير (۲/ ۳۶۶-۳۶۷)، شرح حال رجال سياسى و نظامى (۲/ ۷۶۵-۷۶۶)، مؤلفين کتب چاپى (۱/ ۲۰۰-۲۰۱).

زنگى شيرازى، (س ششم ق)، شاعر، متخلص به رنگى. از شاعران بارگاه مظفرالدين اتابک رنگى است و به اين جهت «رنگى» تحليل کرده است. از اوست

(۱۲۰، ۱۲۱)، ريجانه (۲/ ۲۸۳)، شرح حال رجال (۱/ ۲۵۰-۲۵۱)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/ ۲۹-۵۰)، علماء معاصرين (۳۴۰)، المآثر والآثار (۱۲۹)، معجم رجال محبت (۲/ ۶۳۲-۶۳۱)، معجم المؤلفين (۵/ ۳۰)، رجال (۱۱/ ۱۴۲-۱۴۳)، مكارم الآثار (۵/ ۱۵۹۹-۱۵۹۷)، بدائى قرويس (۸/ ۱۲۷)، يادگار (س ۲، ش ۲۳)، ۲۹ و س ۳، ش ۸، ص ۳۵-۲۲.

زنجانى، ميرزا فضل الله - شيخ الاسلام زنجانى.

زنجانى، نصر بن هبة بن منصور، (س پنجم ق)، دانشمند، طبيب، حكيم و اديب از آثار وى: «المقامات الطبية»، «المقامات الحكيمية»، «المقامات السعدية»، «الجواهر فى النحو»

تاريخ ريجان (۱۶۳)، فوائد الرضويه (۶۹۲)، مهرست منتخب الدين (۱۹۲)، معجم المؤلفين (۱۳/ ۹۳).

زنجانى نجفى، ميرزا احمد بن ابراهيم آيتى، (۱۲۹۶-۱۳۵۲ ق)، فقيه، مجتهد و حكيم در قريه دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهى را در ريجان خواند، پس از آن به نجف مهاجرت نمود بعد از تکميل تحصيلات در ۱۳۳۰ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعى پرداخت. در ريجان درگذشت و در جوار مرقده حلى بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه اتحاد مسلک»، يا «فصل الخطاب و فلسفه اتحاد صواب».

الدرر (۱۶/ ۵۳۰)، گسيه دانشندان (۵/ ۲۳۱)، مؤلفين کتب چاپى (۱/ ۳۹۸-۳۹۹).

زنددخت شيرازى، (۱۲۸۸-۱۳۳۱ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، در شيراز به دنيا آمد و در دانشسرای هانى به تحصيل پرداخت. پس از پايان تحصيلات، مجمع انقلاب سوان را بنيان نهاد و مجله «دختران ايران» را انتشار داد. سپس از شيراز به تهران آمد و به ادامه انتشار مجله‌اش پرداخت. مدتى بعد به شيراز بازگشت و تا پايان عمر در آن شهر ماند. در شيراز وفات يافت.

تاريخ جويان (۲/ ۲۸۱-۲۸۰)، دانشمندان و سخن سويان فارس (۲/ ۶۶۵-۶۶۶)، زنان سخنور (۱/ ۲۱۹)، مجموعه گها (۱/ ۲۶۲).

قامت گزید و به تدریس پرداخت. در ۱۳۷۰ ق به تبریز با گشت و پس از چند سال توقف در آن شهر درگذشت و در مسجد بالاسر حضرت معصومه (ع) در قم مدفون گشت. از آثار وی: «کتاب فضا و شهادت»؛ «فهرست ترتیب رجال کثی و نجاشی و خلاصه علامه»؛ رساله «در کثی و القاب»؛ حاشیه بر «عروة الوثقی»؛ حاشیه بر «نجاة العباد»؛ حاشیه بر «مجمع المسائل»؛ حاشیه بر «رساله عملیه»؛ «کلباسی»؛ رساله عملیه به نام «فلاح العامل»؛ «تقریرات» درس و بحث اساتیدش.

رشدگیانه رجال و مشاهیر (۳/ ۳۶۸)، طبع
اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۷۸۲)، علماء معاصرین (۲۰۳)،
گنجینه دانشمندان (۳/ ۳۱۲)، مجمع رجال نجف (۱/ ۲۹۲)

رواره‌ای، شیخ ابوالحسن علی بن حسن (س دهم ق)، معصوم، فقه، محدث و ادیب امامی. از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی بود و در اصفهان می‌زیست. نزد محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعزیز، سید قیام‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالرهاب استرآبادی تلمذ کرد. تفسیر را از سید قیام‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالرهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. از شاگردان وی ملا فتح‌الله کاشانی مفسر را می‌توان نام برد. از آثار وی: «ترجمة لخواص» یا «تفسیر واری»، در تفسیر قرآن، تألیف ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج السلافة» به فارسی به نام «روضة الارباب»؛ ترجمه «كشف الغم» بهاء‌الدین عینی اربلی به نام «ترجمة المناقب»؛ ترجمه «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکوائم»؛ ترجمه «عدة الداهی» ابن قهد حلی به نام «منهاج الحاج»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایاد رسانید؛ ترجمه «الاعتقادات» شیخ صدوق به نام «وسيلة الحجات»؛ ترجمه تفسیر مستدرک به امام حسن عسکری (ع) به نام «آثار الاخبار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن طاووس به نام «طرواة الطائف»؛ «مرآت العباد» در زیارات؛ «مجمع الهدی» در تاریخ پیامبران؛ تلخیص «الحسن الکبار فی مناقب ائمة الاطهار» و «امینی» به نام «لوامع الانوار فی معرفة ائمة الاطهار» به فارسی.

اعیان الشیعه (۸/ ۱۸۶)، ایضاح الکفون (۱/ ۲۸۱)، ۲/ ۴۱۲، ۳/ ۲۲۶، ۴/ ۲۵۹، ۵/ ۵۲۸)، تاریخ اعیان در ایران (۵/

بر روی تو خفتی بنمایم که به آن خط

صد بوسه مرا بر لب لعل تو برات است

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۶۶۶)، انذریه (۹/ ۲۰۷)، صیح گلشن (۱۹۱)، فرهنگ معنویان (۱۷/ ۲۰۸)، هفت اقلیم (۱/ ۲۰۸).

زنگی عجمی گرمائی، جلال‌الدین محمود (وف ۸۱۶ ق)، شاعر از اهالی کرمان بود. همراه شیخ علی ترک به خدمت امیر تیمور گورگانی رفت. او بسیاری از حالات امیر تیمور را در «دیوان»ی به نام «جوش و خروش» توصیف کرده بود. پس از مارگشت امیر تیمور در روم، با جمعی از بزرگان کرمان مانند مولانا ضیاءالدین سراج و شیخ صدرالدین و سید حمزه متوجه دربار امیر تیمور در گرجستان شد، تا دیوان خود را تقدیم وی کنند. اما هنگام عبور از پل تفلیس در آب غرق شد و پسرش مولانا قطب‌الدین «دیوان» را به خدمت امیر تیمور برد. تاریخ نظم و نثر (۷۷۰)، حبیب‌النیر (۳/ ۵۲۹-۵۵۰)، ستارگان کرمان (۲۶۵)، فرهنگ معنویان (۲۱۷).

زنوزی تبریزی، محمد حسن بن شیخ عبدالکریم (وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، دیب و حبیب در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فاضل آبروئی بود. به تیریز بازگشت و به اتمام وظایف دینی پرداخت. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل لبراء»؛ «اصحاح»؛ «المأین فی الامامة علی نمط الاثنین»؛ در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» ذهل خزاعی.

اعیان الشیعه (۹/ ۱۲۱)، دیبانه (۲/ ۳۹۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۲۰۸)، مجمع رجال نجف (۲/ ۶۲۲)، مجمع المذاهب (۹/ ۱۹۶).

زنوزی تبریزی، میرزا رضی، سرزند میرزا محمد حسن مجتهد (۱۲۹۴-۱۳۶۹ ق)، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در تبریز متولد شد. پس از خواندن مقدمات و ادبیات نزد آقا جمال شیرازی و دیگران، به نجف رفت و به حوزه درس اساتیدی چون آیت‌الله فاضل شریانی، آخوند خراسانی و علامه بردی و تربیت اصعنائی راه یافت و به درجه اجتهاد نائل آمد. مسافرت‌های مکرری به نجف، مشهد و قم کرد و سرانجام در ۱۳۶۶ ق در قم

روزی، ابو عبدالله حسین بن احمد / حسین بن علی بن احمد بن حسین. (وف ۴۸۶ ق)، نحوی، اصولی و ادیب. معروف به روزنی. وی از پیشوایان نحو و لغت و علوم عربی بود. در زوزن خراسان متولد شد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقة طرفة بن عبد»؛ «شرح معلقة لیلی»؛ «المصادر».

الاعلام (۲/ ۲۴۹)، ایضاح المکرم (۲/ ۳۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۳۱۹)، تاریخ برگزیدگان (۲/ ۲۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵)، دایره المعارف فارسی (۱/ ۱۱۹۴)، روضات الجنات (۳/ ۱۴۵)، ریحانه (۲/ ۳۹۴)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۲)، کشف الظنون (۱۷)، الکسی والاقصاب (۲/ ۲۰۰)، لغتنامه (ذیل / ابو عبدالله و حسین)، معجم المؤلفین (۳/ ۳۰۹-۳۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۹۳)، یادداشت‌های قزوینی (۵/ ۵۵-۵۴)

روزی، شمس‌الدین محمد بن محمد بن عثمان بن محمد. (وف ۷۹۲ ق)، نحوی، از آثار وی: شرح «تلخیص لبفتح» قزوینی، در معانی و بیان؛ شرح «لب الالباب» سمری، در نحو

کشف الظنون (۴۷۴، ۱۵۴۵)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۸۵)، هدیه المربعین (۲/ ۱۷۴).

زهره خانم، (؟) «سکوکار»، وی از شاعران صفوی بود و مسجدی در محله احمد آباد اصفهان بنا کرد که به نام خود وی نامیده شد. مجموعه اشعار نغمه‌ای به نام «کنکات عاشق غیبی» از بانویی به نام زهره خانم، در ستایش امامان معصوم (ع) موجود است و تاریخ کتابت ۱۲۵۰ ق را دارد که احتمال می‌رود از او باشد تذکرة القیوم (۲۶)، مشاهیر ران (۱۱۱).

زهرای شیرازی، (س سیزدهم ق)، از رنک شاعر از اوست:

ای از تر و با و مهربانی نایاب
بی روی تو لذت از جوانی نایاب
و وصل تو حیات جاودانی، لیکن
چون چشمه آب زندگانی نایاب
درمگ سخنوران (۴۱۸)، مصطفی خراب (۷۳).

زهره پروچی، ابوطالب. (تر ۱۲۹۸ ش)، شاعر، مختص به زهره، در یروچی متولد شد. از اخلاف دفتری

۱۶۲۳-۱۶۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الدرر (۳/ ۷۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۵/ ۳۱۵، ۷/ ۲۲۷، ۱۱/ ۲۸۵، ۱۵/ ۱۵۹، ۱۸/ ۳۶۱-۳۶۲، ۲۱/ ۳۵۵، ۲۵/ ۸۸)، روضات الجنات (۲/ ۳۶۲-۳۶۱)، روضات الجنات (۳/ ۳۹۶-۳۹۴)، ریحانه (۲/ ۳۹۲)، سبک شناسی (۳/ ۳۰۲-۳۰۳)، طبقات اعلام الشیعه (لرن ۱۰/ ۱۵۲)، الکسی و الاقصاب (۲/ ۲۰۰)، هدیه المربعین (۱/ ۷۲۵).

ژوهرای اصفهانی، سید محمد. (وف ۱۲۵۲ ق)، مورخ، ملقب به مظهر رواه‌ای، النری به نام «احوال سلاطین صفویه» دارد که به نام سرچان ملکم تألیف کرده است.

الدرر (۱/ ۳۰۵)، فهرستواره کتابهای مدرسی (۲/ ۸۱۰).

روزی، ابوجعفر محمد بن حسن / حسین بن سلیمان. (وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث، فاضل و ادیب. در توأحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت. در سخن از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فق» و «ادب» دارد معجم المؤلفین (۹/ ۱۹۲).

روزی، ابوحنیفه عبدالرحمن بن حسن. (وف ۴۵۵ ق)، خطاط، محدث و دانشمند. وی در اکثر علوم متدووله رمان خود استاد بود، خصوصاً در سرعت قلم و خوری خط نسخ، ید بیضا داشت. چنانکه در اوقات زندگی خود چهار صد قرآن هر یکی به اجرت پنجاه دینار با خط خود به یادگار گذاشت. روزنی در هنگام سفر حج درگذشت.

ید بشر خط و خطاطان (۹۵-۹۶)، ریحانه (۲/ ۳۹۴-۳۹۵).

روزی، ابوسعید احمد بن محمد بن علی بن محمود بن ساخره (۵۳۶-۴۴۹ ق)، فسیف، محدث و صوفی اصل وی از زوزن خراسان بود. در بغداد نشر و نمایافت از ابویعلی و ابوجعفر بن مسلم و ابوالحسین بن غریق و ابن هزار مره و ابونکر خطیب حدیث شنید. ابن هساکر و سمعانی و ابن جوزی و ابن طبرزد و ابوالاحمد بن سکیته و یوسف بن کامل و حذهای دیگر از وی حدیث رویت کرده‌اند.

سیرالبلاء (۲۰/ ۵۹-۵۷)

طهماسب و سلطان محمد را اولین سلطنت شاه عباس صفوی بود. وی در نواختن کمانچه از استادان درجه اول زمان خود بود و از نوازندگان مخصوص دربار خان احمد خان، حکمران گیلان

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۷-۳۲۸).

زیدری نسوی، شهاب‌الدین / نورالدین محمد بن احمد بن علی منشی خزنویزی. (وف ح ۶۲۷ ق)، شاعر، نویسنده و مورخ در خراسان علوم مختلف زمان خود را فراگرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امیری محلی نسا به سر می‌برد، سپس به اردرگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء سلطان جلال‌الدین شد و تا ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود، عاقبت در هیاغارقین نزد ملکا مظفر شهاب‌الدین حاری از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آنجا کتاب «نقشه‌المصدور» را با انشاء مزین در حدود ۶۲۲ ق نگاشت. وی در حلب درگذشت. از دیگر آثار وی: «کسیره جلال‌الدین منکبرنی»، تألیف ۶۳۹ ق؛ «دیوان» شعر

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۱۷۹-۱۱۸۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۲)، الفریحه (۹/ ۱۲۳۰)، گنج و گنجینه (۳۱۰)، نقظه‌المصدور (مقدم)

زیدی حسینی، حسین بن محمد. (س نهم ق)، متجم و نویسنده. از اهالی جنوب ایران بود و از متجمان مشهور زمان خود. اثر وی: «دستورالمتجمین»، که به نام نصره‌الدین ملعر شاه بن تورانشاه از ملوک هرمز به پایان رساند.

تاریخ نظم و نثر (۲۷۰)، الفریحه (۸/ ۱۶۸).

زیرکزاده، علامه حسین. (۱۲۸۶-۱۳۳۲ ش)، نویسنده و مترجم. در چهار محال اصفهان متولد شد. در ۱۳۰۶ ش به فرانسه رفت و در آنجا مهندسی گرفت. مدتی در ایتالیا بود. چندی در نیروی دریایی و بعد وزارت راه و سپس در وزارت دارایی به خدمت اشتغال یافت. در کابینه دکتر مصدق به سمت وزارت اقتصاد منصوب شد و در دوره هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. هنگام سقوط کابینه دکتر مصدق مشغول شد و در

بروجنی بود. در رامهرمز به کسب و کار اشتغال داشت. از اوست

زهره این نالیدنت از بهر چیست
شد خجل بدل زهای و هری تو
نذکره شعری معاصر اصفهان (۲۲۰).

زفری اصفهانی، ابو محمد عیدالله بن عمر بن یزید بن کثیر. (۱۸۷-۲۵۲ ق)، محدث و قاصی. اهل اصفهان بود. از یحیی بن سعید و محمد بن جعفر غندر و ابن مهدی و حماد بن مسعدة و عیدالله ابی‌ثقفی حدیث شنید. محمد بن یحیی بن مده و احمد بن عیدانکیریم زعفرانی و ابوبکر بن ابی داود و سلم بن عصام و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. او منصب قضاوت کرخ را عهده‌دار بود و در همان شهر بزرگ دنیا رفت. وی دارای تصانیفی می‌باشد.

الاعلام (۴/ ۲۶۷)، سیر البیلاء (۱۲/ ۲۲۲-۲۲۳).

زیادی هروی، ابوالحسن اسعد بن علی بن موفق. (وف ۵۴۴ ق)، محدث و مستند حنفی. ساکن قریه مالیه در دروسنگی هرات بود. از دارودی «صحيح بخري» را روایت کرد و از دارمی و عید بن حمید حدیث شنید. سمعانی و ابن عساکر و محمد بن عبدالرحمن فامی و عیدالله جامع بن علی خججه و ابوریح و جمعی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی به قول سمعانی: «لقبه‌ای صالح و عابد بود و دائم الذکر بود و بیاری از روزها را با روزه می‌گذراند»

سیرالبیلاء (۲۰/ ۲۱۲).

زیبایی. (س نهم ق)، شاعر معاصر عبدالرحمن جامی بود. او را در شعر به مهارت و استادی ستوده‌اند. مؤلف «مجالس النعاس» او را از شاعران مرد دانسته و از او به اسم مولانا زیبایی یاد کرده است. ظاهراً تخلص او مریحی بوده که تذکره‌های بعدی او را جزو زنان شاعر قلمداد کنند. برخی تذکره‌ها زیبایی خام نیز نوشته‌اند.

ار دهمه تا پیروی (۱۴۲)، الفریحه (۹/ ۴۰۸)، زنان سخنور (۱/ ۲۲۵)، مجالس النعاس (۸۲-۸۳)، مشاهیر زنان (۱۴).

زیتون. (س دهم ق)، موسیقیدان و نوازنده. از موسیقیدانان ممتاز و نوازندگان معروف دوره شاه

می‌زیست از شاگردان محمد صادق‌خان، استاد بزرگ
ستور و ملقب به سرورالملک، بود و خرب مستور
می‌نواخت

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۹۲)، سرگذشت مرمیقی (۱)،
(۲۶۷)

زینب بیگم اصفهانی، فرزند امیر محمد
اردستانی. (ز ۱۱۱۳ ق)، نیکوکار. همسر محمد مهدی
حکیم‌الملک اردستانی، از پزشکان معروف بود. زینب
بیگم مدتی به همراه همسرش به هندوستان رفت. در
آنجا حکیم‌الملک یکی از دختران اورنگ زیب پادشاه
باری را که پزشکان از معالجه‌اش درمانده بودند،
معالجه کرد و اتمام زیادی دریافت داشت. آن در سپس به
اصفهان بازگشتند. زینب بیگم در ۱۱۱۳ ق در محله
نیم آورد اصفهان مدرسه‌ای ساخت، که به نام خود وی
شهرت یافت و نیز املاک و مستعلاتی را خریداری کرده،
وقف آن نمود

دائرة المعارف ذک‌الایران (۲/ ۵۸۰)، دیاجین‌الشریفة (۲)
۳۰۳، کارنامه زنان (۶۸) گنجینه آثار تاریخی اصفهان
(۶۷۹)، مشاهیر زنان (۱۱۵، ۱۱۶)

زین بروجردي، میرزا زین‌العابدین، فرزند میرزا
محمد حسین. (س سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به رین
از مردم بروجردي بود. از اوست:

نفس بساد صبا باز عبیر آگین است
باغ و ستان زگل و لاله بهشت آیین است
روز هید است و دهن مزده به گل باد صبا
دی که دی رفت و کون تویت بروردین است
حدیقه‌الشعراء (۱/ ۷۱۰، ۷۱۱)، گنج شایگان (۱۹۰)،
(۹۰)

زینب سلطان، فرزند مقصود هلی. (س دهم ق)،
سلطان. پدرش از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود. از
آثار آن یک نسخه «دیوان» شریف، به قلم کتابت خفی
خوش، با رقم «کتبتا بدت مقصود هلی» زینب سلطان.
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۳).

زینبی عنوی محمودی، عبدالجبار. (س پنجم ق)،
شاعر. از شاعران عهد سلطان محمود و سلطان مسعود
خرروی بود، که به قول بیهقی از شاعران مورد لطف و

همان‌سال خبر خودکشی او در جراید تهران انتشار یافت
از آثار وی: ترجمه «امیل یا آموزش و پرورش» ژان ژاک
روسو؛ ترجمه «تاریخ روم» آلبو ماله و ژول ایرک؛ ترجمه
«سرمایه‌داری و سوسیالیسم» فلیسین شاله؛ ترجمه
«افراد اجتماعی» ژان آک روسو؛ «نهیست رماتیک در
دبایات فرانسه».

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۷۶، ۶۷۷).

زیرکی هروی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران
معاصر امیرعلیشیر نوابی بود. حکیم شاه محمد قزوینی
یکی از هرلیات او را به امر سلطان سلیم تنیع کرده است
ر اوست:

در راه عشق سنگ جف توشه من است
در کوه و دشت لاله جگر گوشه من است
الدریه (۹/ ۴۰۸)، مجالس المجالس (۷۵-۷۶)

زینا شیرازی. (ز ۱۰۲۱ ق)، خطاط. از آثار او: کتب
«شرح مقطعات انوری»، چند روغن و مدقّب، به خط
سخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمام شد شرح
مقطعات بمبارکی و هرخی قد وقع الفراغ من استتلاحه
رفت الصبحی يوم انست ثامن عشر رمضان المبارکي سنة
حدی و عشرين و الف اقل خلق الله زینا شیرازی عتقه
۱۰۲۱)

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۱).

زین اصفهانی، زین‌الدین محمود. (س دهم ق)،
شاعر اصل وی از پسران اصفهان بود و مؤلف وی یزد. از
حکمای معروف ایران در زمان خود بود که در دوران
اکبر شاه گورکانی به هند رفت و پس از چندی به ایران
بازگشت. از او رباعیات زیبایی به جا مانده است. از
اوست:

علم ازلی آب و گل من چو سرشت
تخمی زبد و نیک عمل در وی کشت
او عالم و من معترف کرده رشت
کاتب گشته مرا چه پیورده نوشت

تاریخ نظم و شعر (۶۷۷)، تذکره دور روشن (۳۲۵)،
الدریه (۹/ ۴۰۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، کاروان
هند (۱/ ۵۱۰، ۵۱۱).

زینب. (س سیزدهم ق)، سوارنده. در دوره ناصری

تذکره روز روشن (۳۳۳-۳۳۴)، تذکره نصرآبادی (۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲۱).

زین خوانساری، قاضی زین‌العابدین، فرزند ملا عبدالله قاضی (۱۲۲۹-۱۳۲۳ ش)، نویسنده و شاعر خاندان وی امور قضایی خوانسار را به عهده داشتند. وی در علم اسطرلاب دستی داشته و در این باره کتابی نوشته است. او گاهی به اقتضای حال شعری می‌سروده است. تذکره شعری خوانسار (۱۳۲-۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹).

زین الدین جامی - جامی، زین الدین

زین الدین خوافی، شیخ ابو بکر. (وف ۸۳۸ ق)، صرف و شاعر. از هرای بزرگ اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری و از پیشروان طریقه سهروردی و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن معری بود. در پایان زندگی جدهای در او پدید آمد که قریب یک سال خاموش بود درویش احمد سمرقندی از هریدان و خلفای او بود زین الدین خوافی را پس از مرگ نخست در قصبه بالین به خاک سپردند، سپس جثه او را به درویش آباد بردند و پس از آن نزدیک عیدگاه هرات، به خاک سپردند و خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی همدان عالی بر سر خاک او ساخت، وی شعر فارسی را خوب می‌سرود و تألیفاتی نیز در تصوف به زبان فارسی و عربی دارد، از آن جمله: «تهج‌الرشاد»

از سده تا جامی (۴۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۴)، تذکره روز روشن (۳۳۵)، ذخیره المعارف فارسی (۱) (۱۲۰۶)، الذریعه (۹/ ۴۱۰)، ریاض‌المعری (۸۲)، گنج حایده (۱/ ۵۸۱)، معانی‌الاس (۳۹۵-۳۹۳)

زین الدین سگزی - زین الدین سیستانی

زین الدین سیستانی. (؟)، شاعر اهل سیستان بود. قسمتی از اشعار او در تذکره «لایب‌الالباب» آمده است. الذریعه (۹/ ۴۱۰)، صیغ گشتن (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۰)، لباب‌الالباب (۱/ ۲۵۲-۲۵۳)، مجمع‌الفصحا (۲/ ۶۹۴-۶۹۶)، هفت انزلی (۱/ ۲۹۷).

زین الدین علی کلاه / کلا شیرازی. (وف ۷۸۰ ق)،

عنایت مسعود بود، و از معاصران فرخی و مسحذی و معصری. مؤلف «لباب‌الالباب» نام وی را زینتی ذکر کرده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است.

تاریخ ادبیات سهروردی (۱/ ۵۵۳-۵۵۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۶)، الذریعه (۹/ ۴۰۸)، سخن و سخنوران (۱۳۸)، ۱۵۱-۱۵۲، فرهنگ سخنوران (۲۲۱)، لباب‌الالباب (۲/ ۳۹-۴۰)، مجمع‌الفصحا (۲/ ۶۸۹-۶۹۰)

رینت تهرانی، زینت‌الملک اعتضادی. (۱۲۷۰-۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به رینت. در تهران متولد شد. با ادیب پیشاپوری، شاهزاده ایرج میرزا و مسک‌الشمسرای بهار همدوره و مآخذه داشت. از او است:

زینت گرفته ساعر تقدیر دست خود

بر جام هر چه ریخت صنم آیم آبروست

اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۱۰۱-۱۰۲)، رضای سخنور (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)

زینتی پلایمی. (من دهم ق)، دانشمند و شاعر در استرآباد کسب دانش کرد و به همین جهت به استرآبادی معروف شد. علاوه بر آگاهی از دانش‌های مختلف در سرودن شعر نیز توانا بود. از او است:

به کف تیغ جفا، سویم حباب آلود می‌آید

من از هجران او جان داده‌ام بیهوده می‌آید

تاریخ نظم و نثر (۶۷۶-۶۷۷)، تذکره روز روشن (۳۳۴)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، مرآت‌الفصاحه (۲۵۶).

زینتی مشهدی، محمد حسین. (من دهم ق)، معمار و شاعر مردی اصناف و درویش مشرب بود، در همدان مهارت داشت. او اقسام شمره خصوصاً ماده تاریخ را خوب می‌گفت.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۴)، الذریعه (۹/ ۴۰۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، مجمع‌النور (۲۹۹-۳۰۰)

زینتی نظنزی، سید حسن. (من یازدهم ق)، شاعر، متخلص به زینتی. از مصادات نظیر بوده که در اصفهان به روزگار شاه عباس معری می‌زیست. از او است:

ای بی غیر رخسار نشینی دیار دوست

دارد دم مسیح هوئی غیار دوست

گروعه دورخ است و گرو خلد شاد ناش

بیرون نمی‌برند ترا از دیار دوست

عارف و شاعر. از بزرگان شیروان بود و چون رنگ سیاه را در شیراز کلامی گفتند و وی دستار سیاه بر سر می‌گذاشت، این لقب را به وی داده‌اند. وی از جمله هم‌درسان خانق شیرازی بود و در خدمت قوام‌الدین عبدالله شیرازی تحصیل می‌کردید. وی در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بود. نسب وی در تصوف به شیخ زکین‌الدین جویری می‌رسد. از مریدانش حاج ابراهیم خنجی و شیخ حمیدالدین حبیب‌کاروئی و مولانا کمال‌الدین را می‌توان نام برد. وی در شیراز وفات یافت و همان‌جا به خاک سپرده شد.

تاریخ نظم و نثر (۷۷۰)، تذکره سیاحان (۹۵۳-۹۵۵)، تذکره هزار میزاد (۱۷۲-۱۷۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۹/۲)، ریاض‌العارفین (۹/۱)، نصاب‌الاناس (۸۳۶)

زین‌الدین نطنزی، میرزا زین، فرزند زین، (س. یازدهم ق)، شاعر. از مردم ایبانه بود. مدعی به کارهای لشکری و دیوانی اشتغال داشت. اشعاری از وی به جا مانده است.

تذکره نصراودی (۱۴۴)، الذریعه (۹/۴۰۸)

زین‌الدین شمس‌الدین یزدی، (ز ۱۱۰۱ ق)، خطاط از آثار وی. قرآن رحلی مذهب، به خط نسخ کتابت خفی خوش و در آخر ثلث سه دانگ علای حالی، با رقم: «قد تشرف بكتابة المصنف الشریف... لسنة احدى عشر الف [کذا] الهجرة النبوية على يد العبد... زین‌الدین شمس‌الدین یزدی»

احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۰۷۱)

زین طالبانی، زین‌العابدین کیایی نژاد، (سو ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و شاعر در یکی از دهکده‌های طالقان در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات در طالقان، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و از دانشکده الهیات و حقوق به اخذ لیسانس نایل گردید. پس از آن وارد خدمت دولت شد و به سمت مشاور حقوقی وزارت دارایی مشغول کار شد. طبع شعر نیز داشت. از آثار وی، «نقاء روح پس از مرگ»، که ترجمه کتاب خواجه نصیر طوسی است، «اعتراعات غزالی»، ترجمه «المعتمد من الضلال» عزلی

چهره‌های آشنا (۲۸۹-۲۹۰)، فرهنگ سخنوران (۳۲۰)،

هرسب کتبه‌های چاپی فارسی (۱/ ۲۸۰، ۵۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۷۲، ۲۷۳)

زین‌العابدین، (س. یازدهم ق)، خطاط از آثار وی. قطعه‌ای به قلم سعادنگ خوش، با رقم، «کتبه فقیر زین‌العابدین».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۲-۲۲۳)

زین‌العابدین (ز ۱۲۲۴ ق)، خطاط از آثار وی. دو نسخه نسخ کتابت خوش، با رقم: «حور العبد زین‌العابدین، فی ۱۲۰۹-۱۲۱۰» دو رقعہ نسخ و نسخ رقاع کتابت خوش، با رقم، «مشقه العبد زین‌العابدین فی سنة ۱۲۱۱» یک رقعہ (از مرقع)، نسخ کتابت خفی متوسطه با رقم: «مشقه زین‌العابدین ۱۲۲۴» یک رقعہ (از مرقع)، نسخ کتابت خوش، با رقم: «نقلت... فی سنة العشر من شهر الله ۱۲۱۰ و اقا العبد زین‌العابدین» یک رقعہ (از مرقع)، نسخ کتابت خوش، با رقم: «... فتح علی شاه... حدی و عشرین و مائین بعد االف حرره زین‌العابدین ۱۲۲۱».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۸)

زین‌العابدین، فرزند محمد رحیم، (س. دوازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به شهاب. از معاصران میرزا شفیه و ساکن اصفهان بود. خط شکسته را استادانه می‌نوشت و با علم و حکمت نیز آشنایی داشت. قبل از محاصره اصفهان خدمت استیضای مازندران به وی تفویض شد. او تا سال ۱۱۶۱ ق زمان تألیف «ریاض‌الشعراء» در قید حیات بود.

اطلس خفا (۸/ ۶)

زین‌العابدین، فرزند محمد رضا، (ز ۱۲۱۳ ق)، خطاط از آثار او: دو رقعہ (از مرقع)، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم «تمتقه للمخدوم... میرزا محمد یزدی ابن محمد رضا، زین‌العابدین ۱۲۱۳».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۵)

زین‌العابدین، فرزند محمد رضا (ز ۱۲۸۸ ق)، خطاط از آثار وی. یک نسخه «صحفه سجاده» و زبیری، مدعّب مرین مفصل عالی، نسخ کتابت عالی و رقاع عالی، با رقم: «قد نقلت هذه الصحفة... المتقول منها».

(۸/ ۱۰۹۱)

زین العابدین تبریزی، (س دهم و یازدهم ق)، مذهب معروف به میر زین العابدین، اهل تبریز و از مدتهان نازک قلم دوره شاه عباس صفوی بود. نسخه کتابی به خط علیرضا عباسی به تاریخ ۱۰۱۰ ق موجود است که حواشی آن را این استاد تذهیب کرده و رقم نهاده. زین العابدین مذهب تبریزی، از آثار منسوب به وی، خوشی و حل کبری و تزیینات شاهنامه است که در آن تصاویری از رضا عباسی و صادقی بیگ افشار دیده می شود.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۵)

زین العابدین جرجانی، فرزند سلطان پخت حسینی، (س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: دو صفحه از مرقع به قلم سب اوغروی، به قلم سه دانگ و کتابت ریا و به خط رقاع کتابت جلی و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم. «مشقه العبد الصغیر ... زین العابدین بن سلطان نحت الحسینی الجرجانی ...» (قرن ۸).

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۱۰۷۵)

زین العابدین حسینی، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار او، یک صفحه از مرقع کوفی سه دانگ و عبار خوش، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق کتابت متوسط و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «کتابه العبد ... زین العابدین الحسینی غفر الله له» (قرن ۱۰ - ۱۱).

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۱۰۷۵)

زین العابدین خان کاشانی، فرزند محمد حسین خان، (وب ۱۲۴۲ ق)، خطاط. مدتی منصب وزارت فارس را داشت. به قول صاحب «فارسنامه ناصری» خط نستعلیق را بعد از میر حماد کسی چون او ننوشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۵)، «فارسنامه ناصری

(۱/ ۷۱۱، ۷۱۲).

زین العابدین خان کاشانی، فرزند محمد علی خان، (ز ۱۲۴۴ ق)، خطاط. پسرادر زاده فتحعلی خان ملک الشعراء بود و در دربار فتحعلی شاه سمت استیفا داشت. وی نرد میرزا سنگلاخ تعلیم خط گرفت و بستعلیق را به شیوه میر حماد خوش و شکسته را نیکو

بخط منسوب لوحید زمانه الیاقوت المستعصمی ... و قد تشرعت بکتابتها ... احمد التبریزی فی سنة ۱۱۲۸ ... و انا العبد الاقل ... ابن حاج میرزا محمد رضا، زین العابدین عمر لها فی سنة ۱۲۸۸ من الهجرة ...
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۷۵).

زین العابدین اصفهانی، (ز ۱۲۸۹ ق)، نقاش و قلمدان ساز، معروف به میر آقا و میر زین العابدین. در اصفهان به دنیا آمد. وی حد حاج مصورالملکی اصفهانی بود و در قلمدان و قاب آینه سازی و آثار روشنی چاک دست و پرتوان. او همچنین در مرغش سازی رنگارنگ نیز مهارت داشت. این استاد گل و مرغ و تصاویر حیوانات بخصوص پرندگان را به جلالت تمام رسم می کرد و در آرایش گله و حل کاری آنها استادی بصیر به شمار می رفت. ادیب الممالک مرهانی در اشعار خود وی را ستوده است.

... خامه بر تاریخ تصویرش رقم رد

نقش نقاشی نمود این صنع زیبا (۱۳۰۲)

از آثار او: قاب آینه گل و مرغی با زمینه مرغش که حواشی و جداوار آن به انواع گله آرایش شده و شیوه گل و مرصها در مسک علی اشرف است، با رقم: «تصویر نیم کمترین زین العابدین اصفهانی ۱۲۷۵» قلمدان گل و مرغ ریایی که در وسط و رویه آن تصاویر ریر پروانه جلب نظر می کند، با رقم: «زین العابدین ۱۲۸۹» قلمدان پر اعتباری با تصویر گل و مرغ و پروانه که به شادابی و مهارت ترسیم شده، با رقم: «زین العابدین ۱۲۸۹» قاب آینه مرغشی سبز رنگ که در رویه آن گل مرغ ریایی جلب نظر می کند و به خط شکسته زیبا چنین رقم نهاده: «رقم کمترین زین العابدین اصفهانی سنة ۱۲۸۰».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۲)، «مر قلمدان» (۱۵۶).

زین العابدین اصفهانی به اشرف الملک اصفهانی

زین العابدین افشار، (ز ۱۲۳۵ ق)، نقاش. از ایل افشار و معاصر فتحعلی شاه قاجار بود. از آثار وی: جلد روحی کتابی که به ریایی و مهارت تمام انجام یافته و بر رویه آن شیخی را نشان می دهد که با شاگردان خود نشسته و به بحث مشغول می باشند، با رقم: «کمترین زین العابدین افشار ۱۲۳۵».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۵، ۲۱۲)، «مر قلمدان

می نوشت. از آثار او: یک قطعه سیاه مشق، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ، با رقم: «بجته مخدوم محمد حسن خان... سنه ۱۲۴۴» خط میرزا زین العابدین کاشی؛ کتیبه اطراف تمثال فتحعلی شاه که بر روی سنگ قبر او در قم است و رقم «زین العابدین» دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۵-۲۲۶)،
تذکره الخطاطین (۱/ ۳۶۳-۳۶۱)

زین العابدین خان قاجار کرمانی - ابراهیمی،
زین العابدین خان

زین العابدین خوانساری، (ر ۱۲۷۷ ق)، سببکار
اهل حواسار و از طراحان و نقاشان مثبت کار بر روی
چوب بود. از آثار وی: محبوه زینایی که در وسط آن
منظره گرفت و گیسو شیر و ازدها، در نهایت نازک قلمی
کنده کاری شده و در حواشی و کناره نیز به همین میوان
گنهای مختلف و تزیینات دیگر حکاکی شده است، ب
رقم: «حمل زین العابدین ۱۲۷۷».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۵).

زین العابدین خوانساری، فرزند آقا ملک محمد، (ر
۱۲۴۲ ق)، خطاط از آثار وی: قرآن مذهب مرصع مرزبان،
سخن کتابت بسیار خوش، با رقم: «کتبه العبد لائم بن آقا
ملک محمد، زین العابدین خوانساری فی سنه ۱۲۴۰»
یک نسخه «راد الامداد» و بر روی نسخ کتابت خجی خوش،
با رقم: «ابن... ملا ملک محمد، زین العابدین
خوانساری... سنه ست و لثین و مائین بعد الالف من
الهجرة لبریه» یک قطعه طلابداری، سخن کتابت جلی
و رفیع کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد المستهم
زین العابدین خوانساری... سنه ۱۲۴۴ اربع و اربعین و
مائین بعد الالف».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۷۵-۱۰۷۶)

زین العابدین سمنانی، (ر ۱۳۲۱ ق)، نقاش وی
نقاش ساده کار و متوسط سمنانی بود که در شبیره
بخصوص خود و شبیره فهو خانه ای تصویر می ساخت.
از آثار وی: نقوش کاشیه های سر در باران سمنان است با
تصاویر دو شیر متقارن که شمشیر به دست گرفته و با تاج
سلطنتی مظهری که در زیر آن بیانی به خط نستعلیق
نوشته شده، با رقم: «حمل زین العابدین سمنانی ۱۳۲۱».

حوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۵۸-۱۴۵۹)

زین العابدین شهرستانی، (س یازدهم ق)، شاعر، در
«تاریخ نظم و نثر» تحت عنوان زین العابدین صفوی آمده
است. از اوست

اسیر بند هر دم خزان و مسکن نمی دایم
مجاور قفسم آشیان نمی دایم
تر می کشی و خیال تو رفته می دارد
تعاونی به جر این در میان نمی دایم
تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تذکره نصرآبادی (۱۳)،
دانشنامه آذربایجان (۱۷۱)، الدریسه (۹/ ۲۱۱)،
فرهنگ سخنوران (۴۲۰).

زین العابدین شیرازی، (ر ۱۳۱۶ ق)، خطاط، وی
نواده میرزا محمد حسین نایب المصدا و داماد میرزا
ابوالقاسم فرهنگ، فرزند وصال شیرازی، بود. نستعلیق
را خوش می نوشت و تا سال ۱۳۱۶ ق، تاریخ تألیف
«طرائف الحقائق»، در قید حیات بود.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۵)، حواسن الحقائق
(۲/ ۳۳۳)

زین العابدین شیرازی، فرزند محمد جعفر شیرازی
(وف قسبل از ۱۲۸۸ ق)، خطاط، وی نواده محمد
حسین خان شیانی کاشانی بود. در شیراز سمت استیف و
پشکاری حسعلی میرزا موم نفرما را داشت و به قول
رضا قلیخان هدایت در ستملیق ثانی میر عماد بود. وی
هنگام تألیف «مجمع المصدا» (۱۲۸۸ ق) درگذشته بود. از
آثار وی: یک نسخه «کلیات» سمنانی، به قسم کتابت
متوسط، با رقم: «تمت الکتاب. سنه ۱۲۴۲. پید الحمبر
زین العابدین ابن حاج محمد جعفر شیرازی...» یک
نسخه «خمسه» نظامی، به همان قلم، با رقم: «تمت
الکتاب... زین العابدین شیرازی، سنه ۱۲۴۵».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۵-۲۲۴)، مجمع
المصدا (۱۵/ ۴۸۹).

زین العابدین قزوینی، فرزند عبدالنسی محدث، (ر
۱۲۱۹ ق)، خطاط و شاعر ملقب به معجزه نگار. از
استادان مسلم خط نسخ و کاتب مخصوص فتحعلی شاه
قاجار بود. به هنگام اقامت وی در شیراز، به حضورش
راه یافت و مورد حمایت شاه قر و گرفت و به معجزه نگار

ق: «احسن الاخلاق»، به قلم کتابت و دو دانگ خوش، به سال ۱۳۳۲ ق: «نامه احمدی»، به قلم کتابت عالی، به سال ۱۳۳۲ ق.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۶-۲۲۷)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۱۹-۱۰، ۶۹-۱۰)، تذکره خوشنویسان معاصر (۲۵، ۲۳)

زین‌العابدین محلاتی، مرزند محمد علی (ز ۱۳۳۳ ق)، خطاط، از آثار وی «زادالمعاد» جامعاری جلد روحی و سرلوح مرصع، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم، «کتابه ... زین‌العابدین محلاتی ... سنة ۱۲۷۰ هـ کتیبه «زیارت‌نامه» امام‌زاده یحیی در تهران، روی سنگ مرمر برحسته به خط نسخ و رقاع عالی و کتیبه خفی، با رقم: «کتابه المسکین زین‌العابدین المحلاتی ... شعبان ۱۳۳۳ هـ» ادعیه بغلی با جلد تمام، به خط نسخ و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم: «کتابه العبد زین‌العابدین المحلاتی جهت بقاء عمر ... سمت اتمام پذیرفت سنة ۱۳۳۰ هـ» «دوازده امام» خواجه نصیر، جامعازی جلد روحی و سرلوح مرصع، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم، «بسمه ... مظفرالدین قاجار ... زین‌العابدین المحلاتی ... ۱۳۱۷ هـ».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۷-۱۰۷۸)

زین قزوینی، میرزا زین‌العابدین، فرزند آصف خان (ص یازدهم ق)، شاعر، از شاهران خطه قزوین بود که علاوه بر توانمندی در سرودن شعر، در فن نیز سرآمد بود. از دوست

زخمهای سیئه ما آشنا با نیاختست

روی نهودی مدارد رخس ما تا ناخست

تذکره روز روشن (۲۳۵)، تذکره نصرانی (۶۰)،

فرهنگ سخنوران (۲۲۰).

وکیل‌العابدین اصفهانی (ص دهم ق)، نقاش، اهل اصفهان و شاگرد استاد مصور زین‌انگار و استاد بهزاد بود. تنها اثر رقم‌دار وی، تصویر رزمی اسفندیار با تورانیان است که اسفندیار یکی از پهلوانان دشمین را به قتل رسانده و خیل ورم آوران و جنگجویان به مهارت و تردستی تمام تصویر شده، با رقم: «زین‌العابدین».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۵-۲۱۶)

ملقب شد او علاوه بر خوشنویسی، شاعری لطیف طبع بوده است. از آثار وی: یک قطعه مذهب نسخ کتابت جلی و رقاع کتابت عالی، با رقم «قلت عن خط الاستاد محمد هاشم اصفهانی ... ابن عبدالنسی القزوینی ... فی سنة ۱۲۱۷ هـ» «دعای احتجاب» جامعازی جلد روحی، تماماً مذهب مرصع، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع ممتاز، با رقم: «کتابه العبد الانل ابن عبدالنسی رضی الله عنین العابدین قزوینی بمحروسة یزد، سنة ۱۲۱۳ هـ» بیاض «مناجات» خواجه عبدالله به خط رقاع کتابت خفی خوش بلکه عالی، با رقم: «حسب الغرمان ... محمد ولی میرزا ... زین‌العابدین بتحریر ... «پودخت ...» «صور و ادعیه» نیم رسمی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب با جلد روحی و به خط نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «قد تشرقت بتحریر ... سنة ۱۲۱۹ الهجره ... ابن عبدالنسی قزوینی ... زین‌العابدین» یک رقه نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتابه العبد الواصل بالله الفخیر زین‌العابدین بن عبدالنسی».

سراول و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۷۶-۱۰۷۷)، اهل

خط (۳۵۸-۳۵۷)، تاریخ اصفهان (۸۰، ۸۰).

زین‌العابدین قزوینی، فرزند میرزا محمد شریف، (ز ۱۳۳۲ ق)، خطاط، ملقب به ملک‌المصاطین، ارشادگردان میرزا محمدرضا کلهر و کتابت زیردستی بود. وی از مستوفیان دیار بود و هنگام مسافرت ناصرالدین شاه به اصفهان در ۱۲۶۵ ق ملنزم رکاب و تاویل دوره مظفرالدین شاه جزو کتابان دارالتألیف وزارت انطباعات بود. از آثار وی که به خط او به چاپ مسگی رسیده است: «قانون الرياضة فی سبیل الهدیه»، به خط نستعلیق کتابت و دو دانگ عالی و کتابت نسخ خوش، با رقم «قد تمت ... علی يد ابن محمد شریف زین‌العابدین ... سنة ۱۳۱۱ هـ» «سفرنامه عراق» ناصرالدین شاه به قلم نیم دردانگ عالی که در سال ۱۳۱۱ ق به چاپ رسید؛ «عالم آرای عباسی»، به قلم کتابت خفی و دردانگ عالی که در تهران به چاپ رسید؛ «دیوان حکیم سوری، به قلم دردانگ و کتابت و کتابت خفی عالی، با رقم: «... جناب میرزا زین‌العابدین خان ملک‌المصاطین ترقیم پذیرفت ... سنة ۱۳۲۳ هـ» «دیوان حافظ که در ۱۳۱۴ ق به چاپ رسید؛ «ستان المیاحه»، به قلم کتابت و نیم دو دانگ خوش، که به سال ۱۳۱۵ ق به چاپ رسید؛ مثنوی و گنج زر، به قلم کتابت و دو دانگ عالی، به سال ۱۳۴۰

زینل مدقّب، (س دهم و یازدهم ق)، مدقّب. از تذهیب‌گران نادره کار عصر شاه عباس اول بود که در هنر تذهیب دست داشته و در هنر کاری نیز صاحب قلم بود. آثار رقم‌داری از وی دیده نشده است. اسرار و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۶).

زینی، حسن بن حسین (وفد بعد از ۱۲۷۸ ق)، عالم و حکیم. از شاگردان معروف ملا هادی سبزواری بود. او تعلیقات استادش را بر «سفر اول» از «الاسفار الاربعه» به خط خود تکمیل

طبیقات اعلام انتیقه (قرن ۱۲/ ۳۲۲).

زینی بخاری، ابوالفضل حمیدالله بن واصل بن عبدالشکور بن زین. (مقتول ۲۷۷/۲۷۲ ق)، حابط و محدث. معروف به ابن زین. محدث بخارا در زمان خود بود. پدرش از علمای بزرگ حدیث بود. بر وی استماع حدیث سفرها کرد و بزرگانی را ملاقات نمود. او از حسن بن سوار بغری و عثمان بن عثمان مروری و ابوالولید طرابلسی و عبدالسلام بن مطهر و مسدد بن مشر همدانی هم‌مطبقه آنان حدیث روایت کرده است. محمد ابن اسماعیل بخاری، در خارج از کتاب «الصحيح» و رجال بن محمد خوّره و حماد بن محمد بن یعقوب بخاری و اهل بخارا از وی حدیث روایت کرده‌اند. محمد بن

اسماعیل بخاری به وی مباحثات می‌کرد. سیر السلا، (۱۲/ ۲۳۸-۲۳۹).

زینی لاهیجی، (س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران لاهیجان بود. این مطلع از اوست:

پیشه‌ام عشق است و روز و شب در این اندیشه‌ام
سر نمی‌گردم از این اندیشه عاشق پیشه‌ام
تحفه ساسی (۲۷۳)، التدریج (۴۱۱/۹)، فرهنگ
مختصران (۲۲۱)، گلزار جاویدان (۵۸۲/۱).

زیور یزدی، محمد تقی، (تو ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به زیور. در یزد زندگی می‌کرد. صاحب «حدیقه الشعراء» با وی دیداری داشته است. از اوست:
تنها نه همین عید به اقبال علم شد
هر روز جهان عید را دارای عجم شد
تذکره مختصران بود (۱۴۶)، حدیقه الشعراء (۱/ ۷۱۲)،
فرهنگ مختصران (۴۲۲)، مکرر الآثار (۴/ ۱۳۷۰).

زیور یزدی، میرزا تقی، (س سیزدهم ق)، شاعر. شغلش حلاقه‌بندی بود. از اوست:
درد که ز بس وصف تو کردیم در این شهر
چون خویش گرفتار تو کردیم بسی را
حدیقه الشعراء (۱/ ۷۱۲-۷۱۱).



ژاله اصفهانی، نائل سلطانی، فرزند حمزه، (تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر. در اصفهان متولد شد و در همان شهر، در دبیرستان بهشت‌آیین، به تحصیل پرداخت. موسیقی را نیز فراگرفت سپس در بانک ملی به کار مشغول شد و پس از چندی به تهران آمد و بعد به تبریز منتقل شد و در آن شهر ازدواج کرد. ظاهراً در فتنه آذربایجان به همراه همسرش به شوروی رفت و در آن سرزمین به نشر و ترویج زبان و ادبیات فارسی همت گمارد. مدتی بعد، به ایران بازگشت. از آثار وی «گل‌های خودرو» و «گل‌های» رود، مجموعه شعر، چاپ مسکو؛ «اگر هزار چهره» (ب قلم) داشتیم و کتابی در شرح حال شاهران ایران، چاپ مسکو.

ابتعا ابرق، من زن (۲۷)، تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۹)، آذریشه (۹/ ۲۱۳)، دستان دورسنگار و آیدیشند (۱۹۵)، دستان سمنور (۱/ ۲۳۰-۲۴۰)، سخنران نامی معاصر (۳/ ۱۶۸۸-۱۶۸۲)، فرهنگ سخنران (۴۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۷۹-۲۸۰).

ژاله سلطانی - ژاله اصفهانی

ژاله فرامانی، حاجتاج قایم مقامی، فرزند میرزا فتح‌الله، (۱۲۶۲-۱۳۲۵ ش)، شاعر، متخلص به ژاله، از نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فرامانی بود. در قزوین متولد شد. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضیلات قزوین معروف به جناب، که معلم سرخانه او بود فراگرفت. به دلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات

حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. در حدود پانزده سالگی به همراه پدرش به تهران آمد. در شانزده سالگی علی‌رغم بی‌علاقگی به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری به نام علی مرادخان (مردان‌خان) درآمد. وی در زندگی زناشویی همیشه با همسرش اختلاف داشت و بعد از ده سال همسرش فوت شد. تا پایان عمر با تنها پسرش حسین پیمان بختیاری زندگی کرد. وی حافظه‌ای قوی داشت و تقریباً سراسر «حکمت‌نظامی»، «دیوان امیر خسرو دهلوی»، «کلیات سعدی» و «دیوان حافظ» را از حفظ داشت. بیشتر قصاید وی به مذهب غراسانی و به تقلید از ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان است. در جریان کشف حجاب در دوره رضاشاه وی همصدای تبلیغات رسمی به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. نخستین بار در ۱۳۱۲ ش تعدادی از ریاضیات وی در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله «ایفما» چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت. قصاید، چاه‌ها و چکامه‌های وی - که بالغ بر نهصد و هفده بیت می‌شود - پس از مرگش توسط فرزندش منتشر شد.

از بهار تا شهریار (۲۴۵-۲۴۶)، از رباع تا برزین (۱۲۳-۱۵۱)، دکان مسکور (۱/ ۲۲۹-۲۳۱)، سخنران نامی معاصر (۲/ ۱۶۷۹-۱۶۸۲)، مشامیر زبان (۱۵۴-۱۵۶).

ژنده پیل، شهاب‌الدین ابونصر احمد بن ابوالحسن بن محمد فاضلی بهامی، (۲۴۱-۵۲۶/۵۳۶ ق)، عارف، صوفی و شاعر. ملقب به شیخ الاسلام. مشهور به ژنده پیل، شیخ جام، پیر جام و احمد جام. در نام کاشمر

ادیل / سال ۵۳۶)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۹۸)، مقامات
جام ژنده پیل، فحاشات الانس (۳۶۳).

ژوزف، ادوارد، فرژند ابراهیم مترجم
المسقطان (۱۲۸۲-۱۳۷۲ ش)، ادیب، مترجم و
موسیقیدان. در کرماتشاه متولد شد و در مدرسه آیانس
تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. سپس به تهران
آمد و به تکمیل زبان فرانسه و انگلیسی و مطالعه فلسفه
عمومی و ادبیات فارسی پرداخت. او با ابوالحسن خاند
حب در شوه‌های علمی و دولتی و پیانوکار کرد و با
موسیقی دانان اروپایی حشر و نشر یافت. وی متخصص
در امور مالی و بانکی بود. پس از خدمت در بانک
عثمانی و ملی و کشاورزی در ۱۳۲۱ ش به سمت مشاور
مالی وراثت پیشه و هر منصوب شد. در ۱۳۲۵ ش برای
امور تجاری به اروپا رفت. بعدها ریاست هیئت مدیره
شرکت سهامی بیمه ملی را به عهده گرفت. او در رشته
ادبیات یکی از مولوی شناسان نامدار ایران بود و
قسمتهایی از «مثنوی» را شرح کرد، از جمله: «حجیران»،
«طوطیان»، «شیدای خام»، «آهنگ شریف»، «فاشویان»،
از دیگر آثار وی: ترجمه «یاد گوریو» بالزاک، ترجمه «رد
سی بیله» بالزاک.

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۷۱-۷۷۲)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۱۷-۵۱۸).

متولد شد. در بیست و دو سالگی به تصوف روی آورد.
سنت هیجده سال در دامنه‌ها و ارتعاعات نامق و
کوهستان بزدن و گزید و به مطالعه و تحقیق در احوال
عری پرداخت، در چهل سالگی به جام رمت و به ارشاد
پرداخت و مریدان بسیاری یافت. وی مبنی مذهب بود
او با هدی بن مسافر، غزالی، عین القضاة همدانی و سنائی
معاصر بود. شیخ جام در بود و پنج سالگی در تربت جام
درگذشت که به افتخار نامش آن محل اکنون به تربت
شیخ جام معروف است. از آثار وی: «روضة‌المذنبین»،
«رساله سمرقندیه»، «زهدیات»، «فتوح لروح»،
«کسور الحکمة»، «سراج‌النسب لیرین»، «استفادات»،
«دیسر لثانی»، «مفتاح النجاة»، «بحار الحقیقة»، «دیوان»
اشعاری نیز به وی منتسب است.

آتشکده آذر (۱/ ۲۸۸)، ایضاح المکنون (۱/ ۵۹۶، ۲/ ۷)،
تاریخ گریه (۶۷۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۹۱-۱۰۹۸)،
دانشنامه ایران و اسلام (۱۰/ ۱۲۶۲-۱۲۶۵)،
دائرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۵۲۲)، «تدریسه» (۱۹/ ۱۸۸)،
۱۸/ ۱۷۳)، «ریحانه» (۱/ ۳۸۲-۳۸۳)، شرح اسوال
تحلیلی آثار ژنده پیل، طرائف الحقائق (۲/ ۵۸۵-۵۸۶)،
فرهنگ سخنوران (۷/ ۴)، کشف القلنون (۱۹۷)، «تذکره»،
۸۷۲، ۹۸۹، ۱۷۷۱)، «الکفی بالانساب» (۲/ ۳۰)، «کج و
گنجینه» (۱۵۹-۱۵۷)، مؤلفین کتب چسبکی (۱/ ۳۷۹-۳۸۰)،
معجم القصص (۱/ ۱۲۷)، مجمل صیغی



سائب خاثر، ابو جعفر، فرزند شاه / بسا، (مقتول ۶۲ ق)، موسیقیدان و نوازنده. اصلاً ایرانی و پدرش از یردگان آزاد شده بنی لیت بود، به همین خاطر به لیشی معروف بود. ابتدا آواز را بدون همراهی ساز می خواند و ضرب آن را با چوبی که روی زمین می نواخت حفظ می کرد. بعدها خود آموخت. اول کسی است که در مدینه خود ساخته و نواخته است. برای نخستین بار همراهی ساز را با آواز در میان اقواب رایج کرد. وی به خاطر صدای سنگینش به خاثر مشهور شده بود. او تحفه تألیف نشیط و آهنگهای ایرانی او، نخستین آهنگ عربی را به نام «قیس» با قواعد صحیح و میزان ملایم ابداع کرد. این موسیقیدان بنام ایرانی در زمان نخستین خلفای بنی امیه می زیست و برای معاویه و یزید خوانندگی می کرد. سائب شاگردان فراوانی تربیت کرد و تربیت شدگان او و دیگر اساتید موسیقی ایرانی در کشورهای عربی آواز را بدون انحراف از اصول ایرانی آن در میان عرب رواج دادند و عده ای از خوانندگان معروف عرب مانند محمد و ابن سراج و عرقانیلا نیز از شاگردان او بودند. او در جنگ علیه مسلم بن عقبه، فرمانده سپاه یزید، در مدینه کشته شد.

اسناد موسیقی (۲۲)، الاصلاح (۱۱۱/۲)، تاریخ موسیقی (۱/ ۸۶-۸۵)، نغمه نامه (دیل / سائب خاثر)

سابق اصفهانی، (وف بعد از ۱۷۴۰ ق)، شاعر. مردی هادی بود و در سرای شیخ ناصری شیراز به شغل خیاطی اشتغال داشت. در شیراز درگذشت و در درب سلم دفن شد. از اوست:

چشم داری بگشای طلعت جهانانه بین
پرتوی از مه رویش به همه خانه بین
نمسخه عاشقی و دستر جانپری را
شمع روشن کن و اندر پر پروانه بین
حدیقه الشعراء (۱/ ۷۱۶)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵)

سابق اصفهانی، فریدون، (س یزدهم ق)، شاعر. از شعران عهد شاه اسماعیل صفوی است. در ۱۰۸۲ ق به مکه رفت و پس از بازگشت، در عهد اورنگ زیب جهانگیر به هند سفر کرد. از آثار وی: «دیوان اشعار، تاریخ نظم و نثر» (۵۷۷)، تذکره دور روشن (۳۲۶-۳۲۷)، تذکره مصرآبادی (۳۲۵-۳۲۶)، شام خرمیان (۱۱۵)، الذریعه (۹/ ۴۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵)، گزیده هند (۱/ ۵۱۳-۵۱۱).

سابق مازندرانی، ملا علی بنقی، فرزند ملا محمد صالح، (وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخصص به سابق. بعد از فوت برادر خود ملا محمد سعید اشرف به هند رفت و در آنجا به اعتبار زیادی دست یافت. وی غزرات و حالات پادشاه اورنگ زیب را به نظم آورد. در هند درگذشت. از اوست:

ما زبیداد تو هر دست که بر سر زده ایم
حلقه ای بهر تماشای تو بر در زده ایم
آستان دو جهان نقش رخ ما دارد
بس که از شرم گه بوسه به هر در زده ایم
تذکره مصرآبادی (۱۸۲)، الذریعه (۹/ ۴۱۲)، شام خرمیان (۱۳۵)، صبح گلشن (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران

(۴۲۵)، کاروان هند (۱/ ۵۱۳-۵۱۴)، لبت نامه (دیس / سابق)

ساحری نوی، محمد قاسم. (س یازدهم ق)، شاعر از معاصران ثقی الدین اوحدی بود. او است. دل ساهر هجران تو خوردن نتواست جان را به لب آورد و سپردن نتواست خلقی همه چنانها به تمنای تو دادند بر خضر ستم رفت که مردن نتواست تذکره روز روشن (۳۴۰)، الذریعه (۹/ ۲۱۳)، فرهنگ سحروران (۲۲۵)، مخبر العرائف (۲/ ۵۹۵).

ساحری فزونی (س یازدهم ق)، شاعر معروف به ساحری ترک. ز ترکاں پارسی گوی فروید، که ب بقی کشی، مزلّف تذکرة عرفات و عشقین، معاصر بود. از وی اشعاری در تذکرةها باقی مانده است. آتشکده آذر (۱/ ۶۱)، تذکره روز روشن (۳۴۰)، الذریعه (۹/ ۲۱۲)، فرهنگ سحروران (۴۲۵)، بستانه (دیس / ساری).

ساحل نهاوندی، رشید. (س سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به ساحل اصلش از نهاوند پرد ایاتی از او در تذکرةها نقل شده است. حلیقة السمر (۱/ ۷۱۷)، سنبه السمر (۱/ ۳۷۱-۳۷۲)، مصطفی حوال (۸۱).

سادات اخوی تقوی، سید نصرالله، تقوی، حاج سید نصرالله.

سادات سمرقندی، خواجه سمیع. (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به شاداب و سادات. از ملازمان خاص امام قلی خان حاکم فارس بود. از او است. در طریق دود مستندی پیر یا تلیر گفت بی جوان هر کس که باشد می توان بی پیر گفت تذکره صرآبادی (۲۴۰)، الذریعه (۹/ ۳۱۵-۳۱۶)، تذکره روز روشن (۳۸۶-۳۸۷)، فرهنگ سحروران (۴۲۶).

سارنگ، غلامرضا، فرزند علی اکبر. (۱۲۷۵-۱۳۳۵ ش)، نوازنده. از نوازندگان ماهر کمانچه در اصفهان بود.

وی اسامی و گوشه های آوازه ها و الناح موسیقی ایرانی را خوب می دانست و بیشتر با تاج اصفهانی همراه بود تاریخ موسیقی (۲۲۷-۲۲۸)، تاریخ موسیقی ایران (۲/ ۵۵۳)

سارنگ، هوشنگ. (۱۲۹۱-۱۳۴۸ ش)، بازیگر سینما. در تهران چشم به جهان گشود. وی از فارغ التحصیلان هنرستان هنر پیشگی تهران (۱۳۱۸ ش) بود. سارنگ بازی را در تئاتر سعادت آغاز کرد. از نمایش های عمده وی در این دوران «لحظات بحرانی» و «مزامح زندگی» بود. او در ۱۳۱۷ ش فعالیت در رادیو و در ۱۳۲۲ ش فعالیت در سینما (گلنساء) را شروع کرد. از دیگر فیلم های وی: «بر باد رفته» (۱۳۳۳ ش)، «دست تقدیر» (۱۳۳۸ ش).

تاریخ سینمای ایران (۲۲۹، ۳۳۱)، فرهنگ سینمای ایران (۱۲۲)، فرهنگ فیلم های سینمای ایران (۱/ ۳۲-۳۳، ۶۵).

سارو خواجه جیوسی، میرزا محمدرضا، فوزید خواجه ملک. (وف ۱۰۳۱ ق)، شاعر. ملقب به فدوی در دمان ولایت نشان. در جوبین از توابع قزوین متولد شد و ری و آذربایجان و از رجال سامی و از بزرگان محبوب لغز و فدماي شاه عباس اول بود. وی به واسطه سخندانی و طبع موزون و لطف فریحه و استعداد خدادادی و بذله گویی و شیرین بیانی در اندک روزگاری با بزرگان قزوین ارقاط یافت و ملازمت ذوالقدر خان فرامانلو را اختیار کرد. خواجه محمد در سفر قندهار که ملنوم رکاب شاه عباس بود، بیمار شد و در شهرستان تون در موضع امرا ده محمد درگذشت. در مشهد مدفون است. از او است.

آیم که ضعیف و خسته تر می یم جان بسته به تار پیرهن می یم مانند خجاری که پیچید بر باد پیچیده به آد خرویشتن می آیم تذکره نصر آبادی (۷۵، ۷۴)، عالم آرای عباسی (متن و تعلیف)، فرهنگ سحروران (۴۲۶)، لبت نامه (دیس / سارو خواجه)، مینود (۲/ ۲۶۲-۲۵۹).

ساروی، سید حسن، فرزند سید محمد بن سید اسماعیل. (وف ح ۱۲۵۱ ق)، صیه، عالم دینی و زاهد در

رقم: «خط ابونا و استادنا کاتب علی ابن مزید المشتهر
بالساعی» در دانشگاه استانبول
اسوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۲۳).

ساعتساز، میرزا حسین «خصوصی

ساعی، کریم. (زف ۱۳۳۲ ش)، استاد دانشگاه از
مشهد به تهران آمد. در ریست و در سالکی دوره مدرسه
عالی فلاحات را به پایان رساند و در ۱۳۱۰ ش جزو
محصلان دولتی به اروپا رفت و موقتاً به دریافت دانشنامه
مهندسی از مؤسسه علوم کشاورزی پاریس شد. اداره
سرپرستی دانشجویان پاریس او را برای ادامه تحصیل به
آمریکا فرستاد. یک سال بعد از دانشگاه کالیفرنیا نیز
گواهیتامه تخصص جنگل دریافت کرد و به ایران
بازگشت. ساعی ریاست دایره جنگلانی را به عهده
گرفت و همچنین به سمت معلمی و بعد استادی در رشته
جنگل در دانشکده انتخاب شد. از آثار وی: «جنگل
شناسی».

سخن (س) ۴ ش ۲ ص ۱۵۳-۱۵۴، مؤلف کتب چاپی
(۵/ ۶۵۶۲).

ساعی پرازی، ملا محمد. (س چهاردهم و).
شاعر، متخلص به ساعی، ادیبی پرمایه بود که فنون
شاعری را نیکو می دانست از اوست:

نظم ساعی نظری کن تسنجد تسنجد
آن چه در مرثیه گوید همه تسنجد تسنجد
اهل مدرک همه بیات لطیف تو پسند
سعدی آن طبع ندارد که ز غری تو بپرد
دانشمندان و سخن سراپان فارس (۲/ ۱۰۹).

ساعی تهرانی، سید محسن «حریرچیان، سید
محسن.

ساعی خوانساری، حسینعلی درستی. (زو ۱۳۰۰
ش) «شاعر، متخلص به ساعی. از اوست:

کعبه حق مهبط انوار شد
جلوه ای از مکه نمودار شد
زان مستحلی در و دیوار شد
زین هلم کفر نگویندوار شد
تذکره شعرای خوانسار (۹۹، ۹۸).

تجف از شاگردان علامه ملا محمد کاظم خراسانی بود.
پس از اتمام تحصیل، در ساری ریاست و مرجعیت امور
دینی را بر عهده داشت. از آدرش: «تغییرات» آخوند
خسراسانی در فقه و اصول، که از جمله آنها
«الحقه المرویه» در تجرید می باشد.

تقریمه (۳/ ۳۵۸)، طبقات اعلام الشیعه (کرن ۱۶/
۴۳۲)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۶۹-۲۷۰)، معجم
رجال نجف (۲/ ۶۵۸).

ساروی، ملا محمد. (س سیزدهم ق)، مورخ و
شاعر، اصل وی از ساری بود. در دربار محمد شاه قاجار
منصب ملائشی گری داشت. به دستور محمد شاه،
تاریخی در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال
پادشاهی اش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. او در
سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره ها
به جای مانده است.

سلیقه الشعراء (۳/ ۱۵۵۸)، سینه السمره (۲/
۶۲۲)، معجم الفصحا (۵/ ۹۲۲).

ساروی، ملا محمد صالح «سازندارمی،
حسام الدین «برافضایل ملا محمد صالح.

ساری شیرازی، علی اکبر. (زف ۱۲۶۱/۱۲۶۰ ق)،
شاعر و صوفی ترک دکنی به مکتب رفت و اندک سواد
کسب کرد. در اوایل به کموت درویشی درآمد و به
ساحت رفت. به شیراز بازگشت و در تکیه هفت تنان
اقامت گزید. ساری خیلی مفتون اشعار خود بود چنانکه
مکرر اظهار می کرده از جمیع دنیا جز سه «دیوان» اشعار
خودم به هیچ چیزی نیستگی ندارم. «دیوان» مدون شده
او حدود هفت هزار بیت است. در شیراز درگذشت و در
حجره وسط تکیه چهل تنان دفن شد. از اوست:

راحت منما به مسحت و ألم است
شادی ما به درد و عشق و هم است
منما به حسب بقای او منانی
پیش بودش وجود ما هدم است

حدیقه الشعراء (۱/ ۷۱۹-۷۱۷)، مرآت الفصاحه
(۲۵۸، ۲۵۷).

ساعانی، علی بن مزید. (۲)، خطاط از آثار وی دو
صفحه از مرقع، به خط ریحان دو دنگ کتبه عالی، ب

سافر، محمود خان - مخالفت شیرازی.

سافر شیرازی، میرزا عبدالرحیم، فرزند میرزا سعید. (ص دوازدهم ق)، شاعر و خطاط پدرش کلاتر سراب و گرمز بود. تحصیلات ادبی و عربی را در تبریز گذراند و استاد فن شد. وی خط شکسته را خوش می‌نوشت ابیاتی از او نقل شده است.

دانشندان آذربایجان (۱۳۷۱)، الذریعه (۹/ ۴۱۵)، فرهنگ معبران (۴۲۷)، نگارستان دارا (۲۰۲-۲۰۱).

سافر شیرازی، شیخ محمد، فرزند شیخ مؤمن بن عزالدین خزاعی. (وف ۱۲۳۵/ ۱۲۴۵ ق)، عالم و شاعر، متخلص به سافر. اصل وی از اعراب خراسان بود در شیراز متولد شد. وی به حسن خلق و زهد و تقوی و بدله‌گویی و نیک محصری موصوف و در مسجد عتیق شیراز امام جماعت بود. سافر از معاصران رضائلی خان هدایت بود از اوست:

سافر غم هجر یار مهر من و تسب
این محنت و انتظار مهر من و تسب
عالم همه سرخوشند از باده وصل
این دردسر خماری مهر من و تسب

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۱۲۰)، الذریعه (۹/ ۴۱۶-۴۱۵)، ریاض‌المربوبین (۲۶۱)، ریحانه (۲/ ۴۱۲-۴۱۱)، مسعیه‌المحمود (۴/ ۵۴۷-۵۴۶)، طرائف‌الحقائق (۳/ ۶۱۴)، نازنامه‌ناصری (۲/ ۱۰۸۳-۱۰۸۴)، لست‌نامه (ذیل / سافر)، مجمع‌التصانع (۴/ ۲۰۱-۲۰۰)، مرآت‌التصانع (۲۶۱-۲۵۸)، مصطبه خراب (۷۸)، مکتبه‌الآثار (۴/ ۱۲۵۸)، نگارستان دارا (۲۰۲).

سافر شیرازی، میرزا محمدعلی. (ص سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. قصیده‌ای در مدح مجموعه جمال سید احمد کمالی اصفهانی از او بیان و م، گفته بود.

مصطبه خراب (۹۲، ۸۹).

سافر کنگاوری، میرزا جعفر. (ص سیزدهم ق)، شاعر اهل کنگار بود. به کربلا و نجف سفر کرد و مدتی در کربلا و نجف به تحصیل فقه و اصول پرداخت. پس از آن مدتی در اصفهان زندگی کرد. وی به واسطه داشتن

خط خوش، به دربار راه یافت. محمود میرزای قاجار گوید: «دیوان شعر وی در حدود هفت هزار بیت دارد. سینه‌المحمود (۱/ ۲۷۴-۲۷۲)، مصطبه خراب (۸۶).

سافر هروی. (وف ۸۹۸ ق)، شاعر. وی از مردمان ناحیه سافر و از شاهزادگان دربار تیموریان در هرات بود. وی با جامی و ویسی معاصر بود. در هرات درگذشت و در همان جا نیز دفن شد. از اوست:

تا شبدم که توان لعل ترا جان گفتم
آتش در دلم افتاد که نتوان گفتم

از سعدی تا جامی (۷۶۰-۷۵۹)، الذریعه (۹/ ۳۱۶)، ریحانه (۲/ ۲۱۲)، صبح گلشن (۱۹۳-۱۹۲)، لست‌نامه (دین / سافر)، مجالس‌الاعیان (۳۲، ۲۰۵).

ساقی اصفهانی، شاه حسین. (وف ۹۴۱ ق)، شاعر، متخصص به ساقی. پدرش میوه فروش بود. به همین جهت به شاه حسین میوه فروش شهرت داشت. در حوالی دامغان، بر سر چشمه علی درگذشت. در بعضی از منابع شرح احوال وی با شاه حسین معمار، وزیر شاه اسماعیل صفوی، خط شده است. از او ابیاتی نقل شده است

تاریخ نظم و نثر (۶۷۷)، تحفه سامی (۲۱۶، ۲۱۷)، فرهنگ معبران (۲۲۸-۲۲۷)، لست‌نامه (دین / ساقی).

ساقی اصفهانی، شاه حسین معمار. (مقتول ۹۲۹ ق)، شاعر و معمار. وزیر شاه اسماعیل صفوی بود. در آغاز عمر در اصفهان به بنایی اشتغال داشت. مدتی دروغه اصفهان و ملازم دورمش خان شاملو، از امرای معروف آن عصر، بود. در ۹۲۰ ق هنگامی که شاه اسماعیل در تبریز اقامت داشت، وی را به وزارت خویش برگزید و عنوان وکیل‌السلطنه و اعتمادالدوله به او داد. ساقی در سرودن شعر خوش طبع بود و اشعاری از او باقی مانده است. به دست شاه علی، که از مهنران اسماعیل بود، به قتل رسید و جازای وی را به کربلا انتقال دادند. از آثار او ساختمان بقعه هارون ولایت در اصفهان است که به امر شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۱۸ ق ساخته است. در بعضی از منابع احوال وی با ساقی اصفهانی، شاعر معروفی (۹۴۱ ق)، خلط شده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۷۷)، تذکره روروشی (۳۴۲)، حبیب‌السیر (۴/ ۵۹۸-۵۹۵)، الذریعه (۹/ ۳۱۶).

فرقة صغی عیاشاه در اصفهان بود در اصفهان درگذشت.
«دیوان» شعری در حدود چند هزار بیت از انواع فنون
شعری از او به جای مانده است.

تذکره شمای معاصر اصفهان (۲۳۱-۲۳۲)، الذریعه (۸)

(۴۱۷)

ساکت بهبهانی به ساکت فارسی

ساکت تبریزی، میرزا محمد امین بن میرزا مؤمن،
(ز ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخصص به ساکت. اهل تبریز و
معاصر و مصاحب صائب تبریزی بود و تخصص خود را
در اصفهان از صائب گرفت. ازایل هم در مشهد ساکن
شد و در عهد عالمگیر شاه به هند رفت و به مصاحب
عالی نایل گردید. در ۱۰۸۳ ق در پنگاله زندگی می‌کرده
است. از اوست

چه نویسم ای جفاجوی ز دل غراب پی تو
که نبوده است کارش به جر اضطراب پی تو
تو و جلوه‌ها که هرگز فرسند نه بدت از من
من و چشم غوغاشانم که نکرده خواب پی تو

تذکره شعرای آذربایجان (۲/ ۲۷۶-۲۷۷)، تذکره
نصراودی (۱۳۲-۱۳۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۱)،
الذریعه (۹/ ۲۱۷)، سخنران آذربایجان (۳۹۱-۳۹۲)،
صبح گلشن (۱۹۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۸)، کاروان
هند (۱/ ۵۱۵-۵۱۶)، لغت نامه (ذیل / ساکت)، مغزی
المراتب (۲/ ۶۷۷)، نشر عشق (۲/ ۷۲۹).

ساکت شیرازی، میرزا خلامرضا، (ز ۱۳۱۳ ق)،
خطاط و شاعر، متخصص به ساکت. مشهور به میرزا
کوچک. ساکن شیراز بود و شغل بزاری داشت. خط
نستعلیق را با سبک مخصوصی می‌نگاشت. سال وفات
وی به دست نیامده است. از اوست.

در فصل بسهار پای یکی حور سرشت
یک شبش می به طرف جوی و لب کشت
بهر سود از گوثر و از هفت بهشت
این هشرت را نباید از دست بهشت

آثار حجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۵۶)،
حقیقه الشعراء (۱/ ۷۴۸)، الذریعه (۹/ ۴۱۷)،
ریحانه (۲/ ۴۱۳-۴۱۴)، لغت نامه (ذیل / ساکت)،
مرآت القاصه (۲۶۱-۲۶۲).

ریحانه (۲/ ۲۱۲-۴۱۲)، فرهنگ سخنوران
(۲۲۸-۲۲۷)، گارنامه سزندان (۱۵۷)، گنجینه آثار
تاریخ اصفهان (۳۶۱-۳۶۰)، لغت نامه (ذیل / ساکت).

ساقی جزایری مشهدی، فرزند شیخ ابراهیم (ز
۱۰۰۴ ق)، شاعر، متخلص به ساقی. نژاد وی از اعراب
بود. در مشهد متولد شد. به هند رفت و مدتی در دکن
رحل اقامت افکند. از اوست

آزده دلم از مستم یار نگرده

تا باعث خوشحالی اخیار نگرده

الذریعه (۹/ ۴۱۶)، صبح گلشن (۱۹۳)، فرهنگ
سخنوران (۲۲۸)، کاروان هند (۱/ ۵۱۴-۵)، لغت
نامه (ذیل / ساقی جزایری)، مغزی المراتب (۲/ ۵۹۱-۵۹۰).

ساقی کلاتی خراسانی، میرزا محمد زمان، فرزند
کلب علی خان جلایر، (وف ۱۲۸۶ ق)، عارف و شاعر،
متخلص به ساقی. از کلات نادر خراسان بود. تحت تأثیر
تعالیم استاد خویش، علی محمد اسماعیل از هندی به
عرفان روی آورد و به زهد و پارسایی گرایید. وی پیوسته
در سفر و حضر بود. در هشتاد و هشت سالگی در تهران
درگذشت. از آثار وی: «نفحات خبیبه»، «درج اللیل»،
«سراج المعالی»، «صحیفه جامعه»، «خلاصه مشارق
لاتوار»، «دیوان اشعار»، «الهی نامه»، «ساقی نامه».

الذریعه (۷/ ۲۳۳، ۹/ ۴۱۶)، ریحانه (۲/ ۴۱۳)،
طرائف الحقائق (۲/ ۲۴۳)، مستنامه (ذیل / ساقی)،
آثار و الآثار (۲۰۵)، مجمع المصاحف (۲/ ۳۲۹-۳۳۳).

ساقی هروی. (ز ۹۲۸ ق)، شاعر معاصر امیر علیشیر
براین بود. از اوست

آن پری در خانه نگذارد من دیوانه را

آیم از درماندگی بینم ز دور آن خانه را

الذریعه (۹/ ۴۱۷)، لغت نامه (ذیل / ساقی)، مجالس
النفائس (۱۶۲).

ساکت اصفهانی، آقا محمد حسن قناد، فرزند میرزا
احمد، (۱۲۷۷/ ۱۲۸۵-۱۳۵۶/ ۱۳۵۷ ق)، موسیقی و
شاعر، متخلص به ساکت. در اصفهان متولد گردید. از
اعضای قدیمی انجمن ادبی شید بود. اشعارش در مجله
«دانشکده» دره اول به طبع می‌رسید. ساکت از صوفیان

سرطان مغز مبتلا شد و پس از یک عمل جراحی در پاریس درگذشت

اسرار و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۷)، القاب و حال دوره
فتار (۷۲)، شرح حال رجال (۵/ ۱۳۸۷)، مرآت
الرفایح (۲/ ۱۳۸۷)

سالار شیرازی، ناصرالدین، فرزند میرزا علی خان.
(۱۲۶۳-۱۳۱۴/۱۳۱۵ ش)، شاعر، متخصص به سالار
معروف به سالار جنگ. نسب وی به امام قلی خان والی
فارس در زمان صفویه می‌رسد. در شیراز متولد شد.
تحصیلات متداول زمان را در آدگاهش فراگرفت و زبان
انگلیسی را در شیراز و هند آموخت. وی در دستگاه
میرزا حبیب‌الله خان قوام الملک شیرازی سمت
متشیگری داشت. همچنین ریاست ایل خمسه و ریاست
انجمن ادبی فارس را او بود. وی کتابخانه بزرگی داشت
که از لحاظ کتب ادبی خطی سی‌ظیف بود. او به سبک
خراسانی شعر می‌سرود. در شیراز درگذشت. از
وست:

من موی تو را چو مشک و صبر گفتم
روی تو ز مهر و ماه انور گفتم
شهد لب تو که هست شیرین چو شکر
گفتم که چو فد است، مکرر گفتم

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴/ ۱۳۸۷)،
سخنوران نامی معاصر (۴/ ۱۳۹۴)، فرهنگ
سخنوران (۱۳۹۹)

سالار معزز، علامه رضا خان مین‌باشان. (وف ۱۳۱۴
ش)، موسیقیدان. از شاگردهای لومر بود که بعدها معلم
شعبه موزیک و رییس کل موزیک شد. وی به کمک
سزین‌الدوله دوره کتاب «هم‌آهنگی و ساز شناسی
و ارکستر شناسی موسیقی نظامی» را برای تدریس به
شاگردان مدرسه موزیک ترجمه کرد. از دیگر خدمات
مین‌باشان تئوئوسی و دبف دستگاه ماهر بود که در
لایپریک آلمان چاپ شد و در مدرسه موزیک تدریس
می‌شد. سالار معزز پیانو نیز می‌نواخت و آن را کوک
ایرانی می‌گفت. او پس از مرور لیلک نخستین کسی است
که در پیانو ردیف آوازهای ایرانی را نواخت. بیشتر
افسون موزیک از تربیت‌شدگان او بودند و ضابط
سرودها و آهنگ مارشهای نظامی و مدارس آن زمان از
ساحه‌های اوست.

ساکت فارسی. (۷)، شاعر. اهل بهبهان بود و معاصر و
معاصر و تدیم میرزا قوام‌الدین بهبهانی. از اوست:
آشنا بجان شدن بیگانه از جاناتان خطاست
هر که از جان گشت بیگانه به جاناتان آشناست
حدیده‌شعراء (۱/ ۱۳۸۷)، مرآت الفصاحه (۲۶۲)

ساکت تیریری، میرزا ابراهیم، فرزند میرزا محمد
شریف. (وف ۱۳۳۴ ق)، خطاط و شاعر، متخصص به
ساکت و ادیب. اصلش از تیریز بود. فرصت شیرازی را
مدح گفته است. وی خط نسخ را بیکو می‌نوشت. اشعار
بسیاری به عربی و فارسی سروده است.
آثار عجم (۵۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۱۳۸۷)،
مرآت الفصاحه (۲۶۳، ۲۶۴).

ساکتی قمی و ساکتی قمی

ساکتی سمرقندی. (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اهل سمرقند
بود و معاصر امیر عایشیر نوایی. از اوست:
با ما به نطف نرگس هست تو یا، نیست
ارباب ناز را سر اصل نیال نیست
الدریعه (۹/ ۴۱۸)، لغت نامه (دین / ساکتی)، تنقیح
الفانس (۱۳۷۷).

ساکتی قسی. (س دهم ق)، شاعر. از بارم‌اندگان
خواجه عبدالله انصاری بود. از اوست:
اگر نظر سوی خمخواره‌ای کنی چه شود
به لطف چاره بیچاره‌ای کنی چه شود
نحفه سامی (۳۶۶)، تذکره روز روشن (۳۴۲)، الدرر
(۴۱۷/۹)

سالار السلطنه، نصیرت‌الدین میرزا، فرزند
ناصرالدین شاه قاجار. (۱۲۶۰-۱۳۳۳ ق)، نقاش. در
توجوانی به پیشکاری حسینقلی خان مافی به حکومت
فارس مرستاده شد. دو سال بعد در میزده سالگی والی
خراسان گردید. در ۱۳۲۱ ق به حکومت همدان منصوب
و دو سال بعد معزول گردید. پس از آن عازم اروپا شد و
در مدت اقامتش در پاریس پرده‌های بسیار ساخت. وی
مردی هنر دوست بود و بیکو نقاشی می‌کرد و به
مسکهای تازه بر آشنایی داشت. سالار السلطنه حافیت به

تاریخ موسیقی (۲/ ۲۲۷-۲۲۸)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۰-۲۲۵)، مردان موسیقی (۲/ ۳۳، ۹۵، ۱۹۷، ۲۳۶).

سالک بن ابراهیم، ابوالحسن، (وف ۴۷۳ ق)، صوفی، شیخی بلند مرتبه و بلند همت بود. محضر شیخ ابومسلم نسایی را درک کرد. با شیخ ابوالحسن علی بن خواجه گرمائی دیدار داشت و صحبت شیخ اسعدالله محمد بن علی را درک کرد. او در محله درگوار شیراز بقعه ساخت و مدت «سی سال» به خدمت فقرا مشغول بود و اضعام صادر و وارد می‌کرد و جمعی کثیر از علما و صلحا مجاور خانقاه وی گشته بودند.

تذکره مزار سزار (۲۲۹-۲۳۰)، مردوس المرشدیه (۱۰/ ۵۲)، تصحاح الاس (۲۸۵).

سالک، آقا محمد جعفر، (؟)، شاعر اهل شیراز بود مدتی در اصفهان به تحصیل علوم مشغول شد. در دربار حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مقیم شد و از ندای خاص او گردید. وی بر لغات مشککه «وصاف» شرح نوشته است.

الذریعه (۹/ ۲۲۰)، سبیه‌المحمود (۲/ ۳۷۵-۳۷۶)، نگارستان دریا (۲۰۷-۲۰۸).

سالک اصفهانی، حسن، فرزند محمدعلی، (تو ۱۲۸۴ ق)، شاعر در اصفهان متولد شد. در تهران ساکن بود و به مشاغل دولتی سرگرم بود. از اوست:
هر کس که شب به یاد رخسار دهد ماه را
بر آسمان رساند ز دل دود آه را
تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۳۲-۲۳۳).

سالک اصفهانی، شاعر حسن، (۱۲۸۸-۱۳۵۶ ق)، شاعر، متخلص به سالک پیر در اصفهان متولد شد. از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. دارای طبع سرشاری بود در اصفهان وفات یافت. از اوست:

جهان را جوی قدر و مقدار نیست
بر آن بستن دل سزاوار نیست
وفائی اگر داشت دنیای دون
چرا غیر چو رشتی به اختیار نیست

تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۳۳-۲۳۴)، الذریعه (۹/ ۴۱۸).

سالک اصفهانی، میرزا محمد حسن، (ز ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به سالک، شهرت او بیشتر به سبب خط نسخ اوست که به او میرزا محمد حسین خوشنویس می‌گفتند. مؤلف «حديقة الشعراء» آورده: «در سال ۱۲۸۰ در زمرة احیا و از جمله معمرین بود. از آثار او: ادهیه نیم ربی، جلد روشنی، سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم، ۳. السلطان ناصرالدین شاه ... درجه قبول یابد. کتب ... محمد حسین اصفهانی المتخصص بسالک، کلمات قصار نیم ربی، جلد روشنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت خفی جلی و رقاع خوش، با رقم، ۳. کتب محمد حسین اصفهانی المتخصص بسالک فی سنة ۱۲۷۵: ادهیه نیم ربی، مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم، ۳. کتب محمد حسین اصفهانی المتخصص بسالک ... سنة ۱۲۷۶ ...».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۵۹-۱۱۶۰)، حديقة الشعراء (۱/ ۷۲۸-۷۲۹)، الذریعه (۹/ ۲۱۸)، گنج شایگان (۱۹۵-۱۹۶)، مجمع النصاب (۴/ ۴۶۰-۴۶۱).

سالک بروجنی، آقا کرم رفیعی، (تو ۱۳۴۲ ق)، شاعر، متخصص به سالک. در قریه بروجن از توابع اصفهان متولد شد. در مکتهای قدیم به تحصیل پرداخت، پس از مرگ پدرش تحصیل را رها کرد و به شغل پراری پرداخت. در ضمن کار روزانه تحصیلات خویش را ادامه داد «دیوان» شعری دارد، مشتمل بر چندین هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی.
تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۳۲)، الذریعه (۹/ ۴۱۸).

سالک بن سعید، (ز ۸۹۹ ق)، خطاط، از آثار وی یک نسخه «شاهنامه فردوسی» در دانشگاه استانبول که به دستور سلطان میرزا علی نوشته و تاریخ ۸۹۹ ق دارد. هر عهد تیمریان (۲۱۴).

سالک تبریزی، (ز ۱۲۳۸ ق)، شاعر، از سخنوران آذربایجان بود. مثنوی مختصری در ناخوشی و بای سال ۱۲۳۸ ق گفته و «دیوان» شعری در حدود هزار بیت دارد نسخه‌ای از «دیوان» وی در کتابخانه حاج حسین آقا نقجوانی در تبریز موجود بوده است.
دانشمندان آذربایجان (۱۷۲-۱۷۳)، الذریعه (۹/ ۴۱۸).

سالک یزدی. (س یازدهم ق)، شاعر در شیراز متولد شد و در همان شهر مدتی به امر شاه‌رنگ رقی مشغول بود؛ سپس به اصفهان و از آنجا به هند رفت و در گیلکند دکن به خدمت هیدالاه بن قطب شاه درآمد. او به وسیله شفیمای یزدی به شاهجهان معرفی شد و در سالک ملازمان وی درآمد. در شاهجهان آباد درگذشت. وی شاگرد حکیم رکنای کاشی بود. از آثار او: «دیوان» شعرا مشوی «خسرو و شیرین»

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۰۹-۱۲۱۱)، تذکره روز روشن (۲۴۵، ۳۴۲)، تذکره نصرآبادی (۳۳۰-۳۲۹)، الدربمه (۹/ ۳۲۰)، ریحانه (۲/ ۳۱۲)، سرو آزاد (۱۱۱-۱۱۰)، فرهنگ سخنران (۲۳۱)، کاروان هند (۱۱/ ۵۲۸-۵۲۵)، کلمات الشمره (۷۶-۷۷)، لغت نامه (دیل / سالک یزدی)، منظومه‌های فارسی (۳۰۶-۳۰۱).

سالم، احمد. (ز ۱۳۰۷ ش)، مدرس و محقق. پس از پایان تحصیلات در رشته مهندسی و نقشه‌برداری در فرانسه، به ایران بازگشت و به تدریس در رشته نقشه‌برداری و تدوین کتبهای در این زمینه پرداخت. از آثار وی: «اصول علم نقشه‌برداری»، «نقشه‌برداری و عکاسی هوایی»، «نقشه‌برداری به مقیاسهای مختلف و طراز یابی».

مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۰۳-۴۰۲).

سالم اصفهانی، میرزا محمد علی. (وف ۱۱۸۷ ق)، شاعر در جوانی در بغداد به مرض طاعون درگذشت. از اوست

وقت دن خوش که نه کوی تو خبر داشت رکاب
که نه جا ماند و من از پی خوری بستم بار
الدربمه (۹/ ۴۲۰)، فرهنگ سخنران (۴۳۷)، لغت نامه (دیل / سالم)

سالم تیریزی، محمود بیگ، فرزند ابوالفتح بیگ. (س دهم ق)، شاعر، متخصص به سالم. از مشاهیر و معاريف ترکمان بود که در تبریز مسکن داشت و با شاه طهماسب صفوی معاشر بود. سالم در سرودن شعر به ویژه قالب مشوی توانا بود. از آثار وی: منظومه‌های «مهر و مهر» «یلی و مجنوب» «پوسف و زیلحانه» «شاهنامه

سالک قزوینی، محمد ابراهیم، فرزند علی. (تو ۱۰۲۱ ق)، شاعر، متخصص به سالک. مشهور به شباه سالک. در قزوین متولد شد. در جوانی به تبریز و از آنجا به ریارت هتبات رفت و پس از بازگشت به قزوین به اصفهان رهسپار شد و در آنجا با جلال اسیر داماد شاه عباس صفوی معاشرت کرد. سالک سپس به هند رفت و معاشر حکیم کاشانی و حاجی محمد جان قدسی شد. پس از جدی به زادگاه خود بازگشت و در آنجا بدوود حیات گشت. از آثار وی: «مثنوی» «محیط کوبین» «دیوان» اشعار در حدود ۱۰۸۰۰ بیت «ساقی نامه».

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۶۹-۱۱۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۲۹۳-۱۳۰)، تذکره پیمانه (۲۴۱-۲۱۵)، تذکره نصرآبادی (۳۲۸-۳۲۹)، الدربمه (۹/ ۳۱۹)، ریحانه (۲/ ۳۱۴)، سرو آزاد (۱۰۰-۱۰۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۰-۴۳۱)، کاروان هند (۱۱/ ۵۲۵-۵۱۷)، لغت نامه (دیل / سالک قزوینی)، منظومه‌های فارسی (۳۰۱-۳۰۶)، مینود (۲/ ۴۶۲-۴۶۱).

سالک کازرونی، آقا محمد صادق، فرزند آقا محمد حسین. (س سیزدهم ق)، شاعر ملقب به عکاز شد کاررونی از وست

هر آنکس آگه از سر قضا شد
به چوگان قدرگوی رضا شد
آثر عجم (۳۲۰، ۵۵۸)، مرآت‌الصاحبه (۲۶۴)

سالک کاشانی، میر محمد علی. (؟)، شاعر اصلش از کاشان بود. از اوست.

بی روی تو ای مردم کاشانه چشم
پر باده حسرت است پیمانه چشم
تو جای دگر گرفته‌ای خانه و من
بهر تو سفید کرده‌ام خانه چشم
الدربمه (۹/ ۴۲۰)، صبح گلش (۱۹۴)، لغت نامه (دیل / سالک)، فتایح الافکار (۳۲۹).

سالک یزدی، سالک‌الدین محمد بن سحمان‌الدین محمد بن اسحاق بن موفق. (تو ۸۴۷ ق)، صوفی و شاعر، متخصص به سالک. از آثار وی: «کنز‌السالکین» مشتمل بر چاربات بسیاری از علماء «دیوان» اشعار.

طهماسبی

آتشکده آذر (۱/ ۶۲-۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۵۹۵)، تاریخ تسکیرهای فارسی (۲/ ۵۰۹)، تذکره شاعران آذربایجان (۲/ ۲۸۲-۲۷۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۳-۱۷۶)، الذریعه (۹/ ۴۲۱)، سخنوران آذربایجان (۳۹۲-۳۹۷)، فرهنگ سخنوران (۲۳۲)، لغتنامه (ذیل/ سالم ترکان)، مجمع الفوائد (۱۱۰- ۱۱۱)، منظومه‌های فارسی (۳۰۳-۳۰۲).

سالم شیرازی، همی قلی، فرزند نوروز/نوروز علی. (تو ۱۳۰۱ ش)، شاعر، متخصص به سالم، در محله پیدآباد اصفهان به دنیا آمد. در مکاتب قدیم تحصیل کرد و از ده سالگی در کنار پیشه‌بافتندگی به سرودن شعر پرداخت و از راهتمایی‌های صغیر اسمعالی بهره‌مند گردید. سالم در انجمنهای ادبی کمال و سعدی و بیدل شرکت می‌جست. طبع وی بیشتر به سرودن غزل و مثنوی تفسیر متمایل بود و در شعر به جنبه‌های اخلاقی و عرفانی و مذهبی توجه داشت. از اوست:

باران مریض عشقم و دردم آرزوست
جانم به لب رسیده و جانانم آرزوست
سی‌بهرام مکن ز نهال وجود خویش
عمری بود که سبب زحماتم آرزوست

تذکره شعری معاصر اسمعان (۲۳۵-۲۳۴)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۷۰-۱۷۱)، فرهنگ سخنوران (۴۳۲).

سالم کاشانی، صید الفکار، (س دهم ق)، شاعر و نقاش. از مردم کاشان بود. از اوست:

بک لحظه غم تو بی وایی نکند
با غمیر دل من آشنایی نکند
غم با دل خون گرفته عهدی کرده است
تا باشد او از او جدایی نکند

تذکره روز دوش (۳۴۵)، الذریعه (۹/ ۴۲۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۲)، لغت نامه (ذیل/ سالم).

سالمی عراقی به سایلای عراقی

سامان، سید میرزا علیتقی. (س دوازدهم ق)، عالم امامی قدرایی از او در حاشیه «مزال و جواب» علامه مجلسی آمده است. از دیگر آثار او حاشیه بر «انبات

الرجعة» میر محمد مؤمن استرآبادی است.

الذریعه (۶/ ۹، ۱۲/ ۲۲۲)، رجانه (۲/ ۴۱۵-۴۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۵۵۹).

سامانی، اسماعیل، (۱۲۲۹-۱۳۲۵ ش)، شاعر، متخلص به افلاکی. در قریه سامان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در همان محل به انجام رسانید و به کار کشاورزی و روایت مشغول شد. از اواد جوانی به سرودن شعر پرداخت. از اوست:

ترک چشمیت چو به شمشیر پرد دمت نخست
دل اگر نسیر بود، دمت زجان باید شست
کسی گمان نبود در آغوش وصال گبرم
تو بدین صحت دلی، ما به چنین طالع سست
تذکره شعری معاصر اسمعان (۵۰)، فرهنگ سخنوران (۷۷).

سامانی بخارایی، صلا سرکا، (ز ۹۴۸ ق)، شاعر، متخلص به سامانی. از اوست:

چو من دیرانه در عاشقی پیدا نخواهد شد
اگر پیدا شود مانند من رسوا نخواهد شد
الذریعه (۹/ ۴۲۲، ۴۴۰)، مجالس الفلاس (۱۶۰).

سامانی شیرازی، میرزا محمد حسن/حسن، فرزند میرزا حبیب‌الله قاتنی. (۱۲۵۶-۱۲۸۵/۱۲۸۶ ق)، شاعر، متخلص به سامانی. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر فراگرفت، زبان فراسوی را از پدرش آموخت. بعد از مرگ پدر به تهران آمد و بنا به مصلحت میرزا آقاخان نوری صدر اعظم به دارالفنون رفت و به تحصیل مقدمات ریاضی و نجوم و حکمت جدید پرداخت. وی ذهنی دراک و حافظه‌ای قوی داشت، شاعری را از نوجوانی آغاز کرد. در عباد و ایام غصص در چمرکه شمرا حضور می‌یافت و قصیده می‌خواند. دو سبب جوانی در تهران وفات یافت. از او شعاری بر جای مانده است.

حسینیه‌الشعراء (۱/ ۷۳۹-۷۳۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۴۷-۴۰)، رجانه (۲/ ۴۱۵)، شرح حال رجال (۶/ ۸۱-۸۰)، حوائق الصفا (۲/ ۳۳۵)، فرهنگ سخنوران (۴۳۳)، گنج شایگان (۴۸۸-۵۰۲)، لغتنامه (ذیل/ سامانی شیرازی)، المآثر والآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۲۰)، مجمع الفصیح

(۲۲۲/۴ - ۲۵۲)، مکتوبات فی الصحاح (۲۶۴-۲۶۶)،
مکرم الآثار (۵/ ۱۵۲۴-۱۵۲۵).

سامت قزوینی، میرزا عبدالرحیم بن میرزا حسن، (۱۳۲۱-۱۳۶۳ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات، به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت الله شیخ یحیی مفیدی و آیت الله شیخ میرزا ابوالفضل راهبی و آیت الله میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت الله نائینی و آیت الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی استعاده نمود. در ۱۳۶۲ ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد سلطانی و مسجد ملافاشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت الله اصفهانی دارای اجازه اجازة اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت الله اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی، در «عبادة» و «مباحث اصول» در «حجیت ظن» و «اصل الترائف»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت الله نائینی، در «غیارات»؛ «تقریرات» آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی، در «غصب»؛ «قصاه» و «زکوة»
گنجینه دانشمندان (۶/ ۱۶۲-۱۶۱)، معجم رجال نجف (۹۹۸/۳).

سامری تبریزی، فرزند حیدری، (س یازدهم ق)، شاعر. برای تجارت به هند رفت و با سپهسالار عبدالرحیم خان خانان آشنا شد و منتهب میر سامانی گرفت. در یکی از جنگهای دگر گشته شد. او فصاحتی در مدح خان خانان در «مأثر رحیمی» آمده است.
تذکره شرای ادیبان (۲/ ۲۸۸-۲۸۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۶)، الذریعه (۹/ ۲۲۲)، مسخوڑان آذربایجان (۳۹۸-۴۰۱)، صبح گشتن (۱۹۵)، فرهنگ سخوڑان (۴۲۳)، کاروان هند (۱/ ۵۲۸-۵۳۰)، مأثر رحیمی (۲/ ۱۶۷۷-۱۶۷۸)، معتمد انبیا (۳/ ۲۴۵).

سامعی مازندرانی، میرزا محمد صالح، فرزند حاج

محمد علی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سامع در فنون حکمت و کلام جامع بود. نسب او به ابراهیم بن مالک اشتر می‌رسد. بعد از وفات پدر در ظل حمایت میرزا تقی الدین محمد وزیر اعظم زندگی کرد. بعد از موت او به حیدر آباد رفت و در خدمت عبدالله قطبشاه اعتباری یافت و در آن اوان در مدح آن بزرگ قصیده‌ای سرود. از طرف قطبشاه ملقب به امین الملک گردید و مدتها در حیدرآباد بود تا اینکه قصد آمدن به ایران را کرد و در ۱۰۸۵ ق وارد اصفهان شد و به خدمت شاه عباس دوم رسید. وی فصاحتی در مدح شاه سرود. «دیوان» اشعار او در حدود سی و پنج هزار بیت می‌باشد.

تذکره نصرآبادی (۴۸۱)، الذریعه (۹/ ۲۲۲)، شرای مازندران و گیلان (۱۲۲)، کاروان هند (۱/ ۵۳۱-۵۳۲).

سامعی همدانی، پیرام بیگ، فرزند باقر بیگ، (س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. در ایام سلطنت شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می‌زیست. پدرش در دستگاه رستم خان سپهسالار بود و به واسطه حرکتی در قزوین به قتل رسید. پیرام بیگ در ساختن تصنیف مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. وی برای معالجه بیماری خود به روترسفادران، از قرای اصفهان، رفت و در همان‌جا درگذشت و دفن شد. از اوست:

هر صغیری که ز مرغ صحرای سرخیزد

برق آهی است که از بال و پری برخیزد

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۳۳)، تذکره نصرآبادی

(۳۲۲-۳۲۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۶)، الذریعه

(۹/ ۲۲۲)

سام میرزا صفوی، ابونصر، فرزند شاه اسماعیل، (۹۷۵-۹۷۳ ق)، تذکره نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. در مراغه یا تبریز متولد شد. دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب صفوی بود. در زمان پدرش نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت، اما مدتی بعد از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر علیه شاه طهماسب شورش کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان‌نامه گرفت و به دربار بازگشت. مدتی بعد از شاه طهماسب درخواست کرد که از الترام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تولیت بقعه شیخ صفی‌الدین و حکمرانی اردبیل را به او

گردید. پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و در ۱۳۱۹ ش به سمت دانشیاری فیزیولوژی و ریاست آموزشگاه عالی بهداشتی مشهد رسید. از آثار وی: «راه پرورش کودکان»، «سلامتی و بیماری کودکان» مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸/۳) (۲۸۸/۳)

سامی شیرازی، آقا یزگرد، فرزند ملا علی کازرونی. (تو ۱۲۶۲ ق)، ادیب، شاعر و نقاش در شیراز متولد شد. مدت چهل سال دبیر دبیرستانهای شیراز بود. سامی در فن نقاشی مخصوصاً مینیاتور استاد بود. از آثار وی: «مقامات معنوی»، «ادبیات»، در دو مجلد؛ «دیوان» اشعار.

تذکره روز روشن (۳۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/ ۲۹۰-۲۹۸)، مرآت القصص (۲۹۹)

سامی شیرازی، علی، فرزند آقا یزگرد. (تو ۱۲۸۹ ش)، مؤسسه محقق و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و تاریخ به خصوص قسمت قبل از اسلام به تحصیل پرداخت و در این رشته تخصص پیدا کرد و از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکترای افتخاری دریافت کرد. آنگاه اداره وزارت فرهنگ شد. مدتی ریاست کارپردازی ساختمانهای فرهنگی فارس و تعمیرات ابنیه تاریخی را داشت. از ۱۳۱۸ ش ریاست علمی و حفاری تحت جمشید را با کوشش در خرابه های استخر و تپه های مرودشت و حفاری در پایز رگاد برعهده گرفت. در ۱۳۳۶ ش به ریاست اداره پستانشناسی فارس منسوب شد. از بدو تأسیس دانشکده ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستانشناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره امور کاوش در آثار قدیمی و حفاری در پایز رگاد را برعهده داشت. از آثار وی: «آثار باستانی جنگه مرو دشت»، «پارس در عهد باستان»، «پارازگاد یا قدیمی ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»، «تمدن هخامنشی»، «مقام دانش در ایران باستان»، «شیراز، شهر سمدی و حافظ و شهر گل و پس».

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۵۲-۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۶۵-۲۶۳)

داد. سام میرزا چندین سال بعد بار دیگر مر شاه طهماسب شیرید و به مدت شش سال در قلعه قبهه زندانی شد و سرانجام در همان قلعه در زیر آور زلزله درگذشت. از آثارش: «تحفة سامی»، «دیوان» شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دوزانگی متوسط به رو تحریر دار موجود است، با رقم: «... کتبه علام شاه، سام» آتشکده آذر (۱/ ۶۲-۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۷۸)، از سده تا جامی (۶۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۳۹۸)، تاریخ تذکره های فارسی (۱/ ۱۵۵-۱۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۸-۳۷۹)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۶-۱۷۸)، نایب المصروف فارسی (۱/ ۱۲۶)، الدرر (۹/ ۴۲۳-۴۲۴)، روضة السلاطین (۷۱)، ریحانه (۲/ ۱۵۱)، سخنوران آذربایجان (۳۶-۳۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۰)، سرهنگ سخنوران (۴۳۵-۴۳۴)، لغت نامه دیل / سام میرزا، مؤلفین کتب جامی (۳/ ۲۸۶)، مجمع الخواص (۲۴)، مجمع القصص (۱/ ۵۹-۵۸)، شایع الافکار (۳۳۱-۳۳۲).

سام نیشابوری، غیاث الدین احمد بن سامی نیشابوری.

سامی چرخس اصفهانی، لطیفعلی بیگ، فرزند اسماعیل بیگ. (وف ۱۱۲۰ ق)، شاعر، متخلص به نجیب و سامی. از امرای چرخس بود که به زبان فارسی شعر می سرود. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» اشعار. در «تذکره روز روشن» از سامی نام شاعری یاد شده که مثنوی «یوسف و زلیخا» داشته و صاحب «الدرر» احتمال می دهد او همین سامی اصفهانی باشد.

آتشکده آذر (۱/ ۶۲)، تذکره روز روشن (۳۴۶-۳۴۷)، تذکره صرکادی (۲۵-۲۴)، الدرر (۹/ ۴۲۳-۴۲۴)، ریحانه (۲/ ۴۱۷)، مجمع گلشن (۱۹۶)، لغت نامه (ذیل / سامی).

سامی زاده حسین، فرزند اسماعیل. (تو ۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و محقق. در بجنورد متولد شد. پس از اتمام تحصیل دوره ابتدایی و متوسطه، رهسپار پاریس شد و در دانشکده پزشکی پاریس به تحصیل مشغول

سامی صفوی - سام میرزای صفوی

سامی قزوینی، عزیزالدین / نصیرالدین. (وف ۱۹۵۰ / ۹۵۶ ق)، شاعر. از طایفه جلیله قزوین و متولد همان شهر بود از وست.

سخن کنم به همه جا ز بی وفائی او
که تا کسی نکند میل آشنائی او
تاریخ نظم و نثر (۶۴۲)، الذریعه (۲۲۴/۹)، ریحانه (۲/۲۱۷)، صبح گلشن (۱۹۵-۱۹۶)، سینودر (۲/۲۶۵)

سامی نیشابوری، هیات‌الدین احمد. (من نهم و دهم ق)، شاعر، متخصص به سامی از شاعران خراسان در روزگار سلطان حسین بایقرا و شاه طهماسب صفوی بود. از اوست.

دیده را گفتم که در رویش به گستاخی مبین
گفت گستاخی نباشد عین مشتاقی است این
آتشکده آنر (۲/۶۹۱-۶۹۲)، الذریعه (۲۲۴/۹)، ریحانه (۲/۲۱۷)، صبح گلشن (۱۹۵)، قره‌تنگ سخنوان (۴۲۵)، لغت نامه (ذیل / سامی).

سامی هزار جریبی، میرزا علی، فرزند میرزا حسن (من سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به هشیر. اصلش از ولایت هراز جریب طبرستان بود. از کودکی به تحصیل علوم متداول پرداخت. سالها در شیراز زندگی کرد و ناظر شهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرمای سابق فارس بود اشعاری از او به جا مانده است.

الذریعه (۲۲۴/۹)، لغت نامه (ذیل / سامی هزار جریبی)، مجمع‌النصحا (۴/۲۰۲-۲۰۳).

ساوچی، علا صالح بن ملا محمد محسن بن نظام‌الدین قرشی. (من دوازدهم ق)، عالم اسمی و مدرس. از علمای بزرگ عهد شاه سلطان حسین صفوی بود پس از درگذشت پدرش، به جای او عهده‌دار امر تدریس در حضرت عبدالعظیم (ع) در شهر ری شد. از آثارش: «الحدیثة الحسينية فی قطع لسان اعران الاموية»، به عربی و ترجمه‌اش به فارسی به نام «المقمة الحسينية»؛ «الذرة العلوية فی الامامة»، در اثبات حقانیت طریقه اثنی عشری

الذریعه (۶/۳۷۹)، ۸/۱۰۱، ۲۲/۱۲۰، ریحانه (۲/۲)

۲۹۹-۴۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۲ / ۳۷۲-۳۷۳).

ساوچی، ابوالفضل - ابوالفضل ساوچی

ساوچی، لرخنده. (من چهاردهم ق)، شاعر. از طایفه خلج بود. در عبدالله آباد ساوه از توابع قم سکونت داشت از آثار وی «ادیران» شعر، در مناقب و مرثی مؤلفین کتب چاپی (۲/۸۱۰-۸۱۱).

ساوچی، سلمان - سلمان ساوچی

ساوچی، صدرالدین. (من هفتم ق)، شاعر و ادیب. وی به روزگار هلاکو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد از آثار وی: قصیده «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم. تاریخ‌گریده (۶۹۵-۶۹۶)، حبیب‌السیر (۳/۸۰۷-۸۰۸)، لغت‌نامه (ذیل / ساوچی).

ساوچی، میرزا فضل‌الله - فضل‌الله ساوچی

ساوچی، نظام‌الدین ملا احمد - نظام‌الدین ساوچی.

سامر، حبیب. (من چهاردهم ق)، شاعر و تذکره‌نویس از آثار وی: «اشعار جدید»؛ «افسانه شب» شعر؛ «غوشه‌ها» شعر؛ «سایه‌ها» شعر؛ «شقایق»؛ تذکره شعرا مؤلفین کتب چاپی (۲/۴۷۳).

سایح علوی، ابوبکر علی بن محمد بن حسنی خراسانی. (وف ۴۰۵ ق)، دانشمند. از اصحاب حضرت امام حسن مجتبی (ع) بود. در علم کیمیا مهارت داشت، از بیم حکومت وقت همیشه از شهری به شهری می‌رفت به همین جهت به مدایح و سیاح شهرت یافت از آثار وی: «الاصول»؛ «الحجر الطاهر»؛ «الحقیر النافع»؛ «الطاهر الحفی»؛ «الحقیر النافع»؛ «الشعر و اندم و البیض و عمل میاهما»؛ «رسالة اینیم».

ریحانه (۲/۴۱۰-۴۰۹)، انهرست لاین قدیم (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / سایح علی)، معجم‌المؤلفین (۲/۷)

(۱۹۲)، مدینه‌العارفین (۱/ ۶۷۶).

سایر مشهدهی. (س یزد هم ق)، شاعر و خطاط ملقب به سیرا، اصلاً مشهدهی و ساکن اصفهان بود. از شعرای معروف عهد شاه سلیمان صفوی است که خط نستعلیق را خوب می‌نوشت و اکثر اوقات خود را به کتبت می‌گذراند. از او دیوان شعر و پر جای مائده، که به خط خود نوشته است

آشکده آور (۲/ ۲۶۹-۲۶۸)، تاریخ اصفهان (۱۶۱-۱۶۲)، تذکره نصرآبادی (۳۴۵-۳۴۴)، الذریعه (۹/ ۲۲۵)، کلمات للتسره (۷۸)، مخزن العرفان (۲/ ۶۳۸-۶۳۷)، نشر عشق (۲/ ۷۳۸-۷۳۷).

سایلی اصفهانی، سید حسین حسینی، فرزند قبا سید حسن روضه خوان. (تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخلص به سایلی، در اصفهان متولد شد. کتابی مشتمل بر ۲۱۰ رباعی ترتیب داد و تاریخ اتمام آن را ۱۳۳۲ ش قرار داد. تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۲۹-۲۳۰)، الذریعه (۹/ ۲۲۵).

سایلی خویی، حسینعلی، فرزند محمد تقی، (وف ۱۳۱۸ ق)، شاعر، متخلص به سایلی از قاروی «بشاره الاحیاء فی فضیلة البکاء والابکاء» ترجمه حدیث کساء

فرهنگ سخنوران (۲۳۶)، مولف کتب چاپی (۲/ ۹۲۵-۹۲۴).

سایلی فارسی، محمد سعید - سایلی قیری.

سایلی قیری، محمد سعید، فرزند عبدالله خان. (وف ۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به سایلی. مشهور به آقاجانی از کارگزاران بلوک قیر و کارزیز بود. بعد از عزل مدتی در تهران به سر برد و پس از چندی به شیراز بازگشت و در آنجا با دانشمندان و شاعران حشر و نشر داشت. وی اشعار بسیاری سروده است

دانشمندان و سخن سرائین دارد، (۲/ ۳۰۱)، نازبه نامری (۲/ ۱۶۲۶)، مجمع الفصحا (۶/ ۲۰۲-۲۰۱).

سایلی همدانی. (وف ۹۴۰ ق)، شاعر در سهند همدان اقامت داشت و به همین جهت با نسبت همدانی

مشهور شد. وی در سرودن شعر بریده اشعار هجوآمیز بواقا بود و گویا در اواخر عمر دچار اختلال حواس شد و در همدان و به قولی در پروچرد درگذشت. از اوست:

هرگز لب اهل درد حندان نبود
جرگه نصیب دردمندان نبود
دور حکم آن دیده که گریان نبود
بیرام از آن دل که پریشان نبود

آشکده اند (۳/ ۱۰۷۹-۱۰۸۲)، بزرگان و سخن سرانان همدان (۱/ ۲۶۹-۲۷۰)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)، نغمه ساسی (۲۱۹-۲۲۰)، الذریعه (۹/ ۲۲۶)، رجحانه (۲/ ۴۱۰)، صبح گلشن (۱۹۶)، لستنامه (ذیل / سائل)، مجمع الخواص (۱۸۰-۱۸۱)، هفت اقلیم (۳/ ۸۸۸-۸۸۹).

سایلی خراسانی. (س نهم ق)، شاعر. از اوست که عیب است این که سازم تاگریان چاک دامن را که من در بیخودی تشنایم از دامان گریبان را
الذریعه (۹/ ۲۲۷)، صبح گلشن (۱۹۶)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷)، مخزن العرفان (۲/ ۵۸۲).

سایلی هراسانی. (س نهم ق)، شاعر، خطاط و موسیقیدان. در خراسان به کتب تصایل پرداخت. در موسیقی مهارت داشت و اکثر سازها را خوب می‌نواخت. از اوست.

چنان به صورت آن آفتاب حیرانم
که تیغ اگر ریدم چشم خود بهوشانم
الذریعه (۹/ ۴۲۱، ۴۲۷)، صبح گلشن (۱۹۶)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷)، لغت نامه (ذیل / سالی)، مجالس النعاس (۵۶/ ۲۳۸-۲۳۹).

سایلی قرشی. (ز ۹۲۷ ق)، شاعر. اهل ولایت قرشی ترکستان بود. از آثار وی: «دیوان» شعر و کتابی به شیوه «گلستان».

الذریعه (۹/ ۴۲۷)، لغت نامه (ذیل / سائل)، مجالس العاصر (۸/ ۲۸۹).

سایلی قزوینی، امیر سعدالملک. (س دهم ق)، شاعر، متخصص به سایلی از مصادات حسینی قزوین بود در مسجد جامع قزوین امامت می‌کرد و چون در عدالت و سلامت نفس است به دیگران برتری داشت، همواره بیش از همتصد فن فصلا و طلاب به او اقتدا می‌کردند.

در اوسه.

مشکل که شود کام می از لعل تو حاصل
بست است مرا طالع و سحت است تو را دل
انتشکده در (۱۱۷۲-۱۱۷۴)، ص ۶۸ (۶۹۶۸)،
تذکره رور روشنی (۳۴۸)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷)،
میسور (۲/۲۵۹)

سایه‌ی هروی (؟)، شاعر از مردم هرات بود. از
نوست.

از خیل بتان دلبر من آه بلایی است
در عشق مکن طعنه که دلخواه بلایی است
ص ۶۸ (۲۶۸)، الذریعه (۹/۲۲۷).

سبحانی، شیخ محمد حسین - حیایانی سبحانی

سبحانی، محمد حسن. (ز ۱۲۷۳ ق)، حطاط. از آثار
وی: بیاض ادویه کوچک جلد روغنی مذهب، نسخ
کتابت خطی خوش به شیوه آقا زین‌العابدین قزوینی، با
رقم، «حسب الاشارة... اعتمادالدوله... سمت تحریر»
پذیرفت و اناالمبد... محمد حسن الکاتب البغلی
۱۲۷۳ هـ.

اسرار و آثار عروسیان (۴/۱۱۵۸).

سیدمونی بخاری، ابومحمد عبدالله - استاد
سیدمونی بخاری

سبزواری، حاج ملا هادی، فرزند میرزا مهدی بن
میرزا مهدی. (۱۲۸۹-۱۲۹۲ ق)، عالم، فیلسوف و شاعر،
متخصص به اسرار. خاندانش در سبزواری اهل ثروت و
شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. صاحب
الآثار می‌گویند: «در این مائه نداشت حکمت و
معقول را این مرد فرد به همان طور تأسیس کرد که شیخ
مرتضی انصاری فقه و اصول را». پس از درگذشت
پدرش، تحت تربیت حاج ملا حسین سبزواری، که از
ستگان نزدیک او بود، قرار گرفت و به همراه وی به
مشهد رفت. ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و
ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و در
محضر آخوند ملا اسماعیل واحدالین، حکمت و نزد
آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در
اصفهان به فرائض و نوائل مشغول بود و محاوره و

گفتگو های با کشیشی مسیحی داشت. پس از برگشت به
خراسان مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول
در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سفر حج همسرش را
از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق
یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه
نیز بود اقامت گزید و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزواری
بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. خیلی زود آوازه
علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور
طلالان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی
آوردند. از شاگردان وی: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به
شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب
پیشاوری، میرزا اسدالله سبزواری، میرزا اسماعیل اقتحار
الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملا
هادی، شعر فارسی و عربی را به روشی و نهایت سلامت
می‌سرود. از ویژگیهای آثار وی تفسیر و تفسیر آثار
ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در
سبزواری دوگدشت و همان‌جا دفن شد. از آثار او: «اسرار
الحکمه» به فارسی، در اسرار فلسفه و دقیق معارف که
آثار را «حکم الامرار» نیز می‌گویند؛ «اسرار العباد» در
فقه؛ «انجیر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛
حاشیه «زبدة الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح
سیوطی» بر «العنه» ابن مالک؛ حاشیه «شمه الهدی»
ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛
حاشیه بر «مبدأ و معاده» ملاصدرا، که در حواشی خود
آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» مولانا؛ حاشیه
«مفتاح / مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ
شده است؛ «دیوان» شعر به فارسی؛ شرح «فهرر العرائس»
و «هدایه المسترشدين»

الاحلام (۹/۲۸)، احیان التلیعه (۱۰/۲۳۲)، تاریخ
ادبیات ایران، براون (۲/۲۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران
(۵/۱۸۷، ۳۲۲)، تاریخ ملاحقه ایران (۵۶۵-۵۶۶)،
حدیقه الشعر (۱/۱۲۷-۱۲۸)، دائرة المعارف فارسی
(۲/۳۲۲۸)، الذریعه (۲/۴۲، ۶/۱۲۲، ۱۹۹، ۲/۱۲، ۹/۷۲،
۱۳/۱۷۹، ۲۵۶-۲۵۵، ۱۴/۵۵، ۹۸، ۲۶/۲۹۲)،
ریاض المارقی (۲۲۱)، ریحانه (۲/۲۲۷-۲۲۸)، شرح
حال رجال (۵/۳۷۶) حقائق الحقائق (۳/۴۶۶-۴۶۵)،
دراسة شیعہ (۲۵۱-۲۶۱)، گنجینه دانشمندان (۵/۳۰۸،
۳۱۰)، المائر و الآثار (۱۳۶-۱۴۷)، مؤلف کتب
چاپی (۶/۷۳۱-۷۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۲۷)،
مکرم الآثار (۲/۴۵۰-۴۵۹)، یادگار (س ۱، ش ۲/۲)

زمان المبعیة

(۴۸۴۳)

زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (۱۲۰۷)، طبقات
اعلام الشیعة (قرن ۱۲ / ۳۳)، گنجینه دانشمندان (۵)
(۳۰۶۳۰۵)

سبزواری، شیخ عبدالاعلی، فرزند شیخ محمد
قاضی. (وف ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و راهب، پدرش از
عسای اعلام و خود اهل علم و فضل و ادب و کمال بود
از آثارش شرح «دعای کمیل»، که به نام ناصرالدین شاه
قاجار تالیف کرد

طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲ / ۱۰۱۹)، گنجینه
دانشمندان (۵/۳۲۷)

سبزواری، شیخ محمد ابرهیم اسراری. (۱۲۹۱-ح
۱۳۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه، ریاضیدان و شاعر. وی نوه
دختری حکیم سبزواری است. معقول را نوه جد مادری
خود، ملا محمد سبزواری، و معقول را از علامه میرزا
حسین مسروری و ریاضیات و طب و از افتخاران حکماء
ایران، اعیان قهرانی فراگرفت. از آثارش: «اصول الفقه» و
شرح آن، به نظم؛ «منظومه حساب» و شرح آن؛ شرح
«دعای کمیل»، به عربی و فارسی؛ شرح «دعای سمات»؛
شرح «دعای ابی حمزه»؛ «ذیران» شعر در حدود هشت
هزار بیت، در عرفان و اخلاق و مصائب.

الدریه (۹/۱۶)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲ /
۱۸-۱۷)، فرهنگ مسطوران (۵۸)، گنجینه دانشمندان
(۵/۳۰۵)

سبزواری، علی بن ملک حافظ. (ز ۸۹۹ ق)، خطاط
از آثار وی: قرآن رحلی، مذهب جلد سوخته عالی، نسخ
و رقاع نیم دو دانگ خوش، با رقم: «قد تشریف بکتابه ..
العبد الضعیف ... علی بن ملک الحافظ السبزواری ... فی
یوم الاحد فی شهر ذی القعدة الحرام سنة تسع و تسعين
و ثمانمائه (۸۹۹) هـ.

سوال و آثار خوشنویسان (۲/۱۱۳۳).

سبزواری، کامی بن خواجده یحیی حاکمی
سبزواری.

سبزواری، محمد علی. (ز ۱۲۷۸ ق)، خطاط از آثار
وی یک نسخه «رسالة نورانیة یوسفی» از محمد حسین

سبزواری، سید جعفر. (وف قبل از ۱۲۱۸ ق)، عالم
دینی و مدرس. از مردم مسروار بود. امام جمعة مشهد و
از معاصران وحید بهبهانی و میرزا مهدی شهید بود. در
مشهد به تدریس علوم دینی و نشر احکام شرعی
می پرداخت. پیش از کشته شدن میرزا مهدی درگذشت و
پیکرش را در پایین پای امام رضا (ع) در کنار قبر داعی اش
به خاک سپردند. از آثار وی: «ریاض الانوار فی احوال
الائمة الاطهار»؛ «امرار الصلاة»؛ «رسالة فی تجریدة»؛
«رسالة فی حرمت کشیدن نوتون».

امیان الشیعة (۴/۶۰۸)، الدریه (۲/۴۷)، ۱۱/۳۲۰،
طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳ / ۲۴۷)، معجم المزیّن
(۳/۱۳۹)

سبزواری، سید علی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران
زمان شاه طهماسب صفوی بود مدتی در اصفهان به سر
برد. از ارست:

نمی گردد نصیبم زخم او کز سخت جانها
دم بیخ ز من چون ناله ار کهسار برگردد
تاریخ نظم و نثر (۶۷۸)، تذکرة نصابی (۹۷)، الدریه
(۹/۷۵۸)

سبزواری، سید محمد تقی، فرزند سید کاظم بن
میرزا ابوالقاسم. (وف ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی و فقه
اصولی. ساکن قزوین، از توبع سبزواری بود مدتی
طولانی در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد و «تقریبات»
فقه و اصول استادش را در چهار مجلد نگاشت. در
ساهرود مدفون است.

زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (۲۳۹-۲۲۰)،
طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲ / ۱۶۵)، گنجینه
دانشمندان (۵/۳۰۷)

سبزواری، سید میرزا ابوالحسن بن سید محمد
رضوی. (وف ح ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی. در نجف نژد
علامه انصاری و شیخ مهدی کاشف الغطاء تحصیل کرد
و از شیخ مهدی کاشف الغطاء اجازه گرفت. در مشهد
رضوی از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه ای بر «هدایة
الابرار» حسین بن شهاب اخیری است که در ۱۲۸۷ ق
کتابت شده است؛ «رسالة فی ذی الحجة و عدم وجوبها

سبزواری، میرزا حسین، فرزند سید حسن بن سید عیسیٰ اصغر علوی هریزی. (۱۲۶۸-۱۳۵۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، حکیم، فیلسوف و مدرس. در علوم معقولات شاگردان ملا هادی سبزواری بود. به نجف رفت و از محضر میرزا یزدان شیرازی کسب فیض نمود و در صمیمت میرزا به سامرا رفت. پس از رسیدن به درجه اجتهاد در ۱۳۰۰ ق به سربار پارگشت و عهده‌دار امر تدریس شد. او از مدرسی برجسته زمان خود بود گروه بسیاری در محضرش شاگردی کردند که برجسته‌ترین آنان ملا محمد هیدجی رنجانی، صاحب «حاشیه شرح منظومه»، است که نزد وی کلام و رباعیات را فراگرفت. در سربار درگذشت و در مزار ملا هادی سبزواری دفن شد. از آثارش «اصالة المرأة»؛ «تفسیر آیه نور»؛ «حجیه‌الظری»؛ منظومه‌ای در فلسفه؛ «لامعنی الد».

الدریعه (۳/ ۳۲۶، ۳۲۸)، ریحانه (۶/ ۲۸۱)، شرح حال رجال (۶/ ۹۱)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۲ / ۵۰۲) معجم رجال نجف (۲/ ۶۶۴)، میرزای شیرازی (۱۳۴).

سبط‌الشیخ، سید موسی، فرزند محمد نبی بن سید موسی آقا میری. (۱۳۲۷-۱۳۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه و مؤرخ. چون مادرش دستوراً شیخ انصاری بود به سبط‌الشیخ معروف شد. در نجف متولد شد پس از فراغت از مقدمات، سطوح و در کربلا نزد آیت‌الله شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌الله شیخ محمد ایگی تهرانی فراگرفت. گاه به تهران آمد و تا پایان عمر در تهران رست. او به فصل و ادب و کمالات نفسانی متصف بود وی در کنار فقه و اصول، در زبان انگلیسی نیز تسلط کامل داشت و زبان‌دانی ماهر به حساب می‌آمد. از آثار وی: کتاب «شیعه در اسلام»، در بحث امامت، به فارسی، در دو جلد؛ کتاب «الرضا من آل محمد فی حیات الامام الرضا (ع)»، که در ۱۳۷۷ ق از تألیف آن فارغ شد؛ حاشیه بر شرح ابن ابی الحدید بر «نهج‌السلام».

الدریعه (۱۲/ ۲۷۲)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۴۷۶-۴۷۷)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۶۸-۶۶۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۳۸).

سبط‌الشیخ انصاری، سید محمد علی، فرزند حاج سید محمد نبی بن سید موسی آقا میری. (۱۳۳۰-۱۴۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در نجف

بن حاج ملا هادی سبزواری، به قلم کتابت متوسط به رقم، قد وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة. محمد علی السبزواری، وکان امامه تاریخ لیل یکشنبه بیست و نهم شهر رمضان المبارک ۱۳۷۸ هـ.

احوال کتابت خوشویسان (۳/ ۷۹۳).

سبزواری، ملا اسماعیل بن ملا محمد جعفر/علی اصغر واعظ. (ز ۱۳۱۲ ق)، متکلم، خطیب و عالم امامی. بسیار متبحر و دارای حافظه‌ای قوی بود. در تهران درگذشت. وی دارای تصانیف بسیار سودمندی به ویژه برای اهل منبر و خطیبان بود. از آثارش: «شرح الاپیام نکاة الانام»، در مواظ و مناقب و مصائب، که دارای مجالسی به تعداد روزهای سال می‌باشد و آن مجالس در هفت مجلد گردآوری شده و هر مجلد به نامی نامیده شده: «جامع النورین فی احوال الانسان»، «مجمع النورین لبهائم»، «کتاب الملا نکه»، «کتاب الشیطان»، «تسبیح المفتونین فی احوال ابلیس اللعی»، «کتاب لجة والنار» یا «نوادیر الآثار»، کتاب «الظیور» و «بدیع الاخصار» یا «بدیع‌المتبر» در مواظ، به فارسی.

اعیان الشيعة (۳/ ۳۷۶، ۳۷۷)، الدرر (۳/ ۱)، ۴/ ۳۲۸، ۵/ ۷۵، ۷/ ۱۶۲، ۸/ ۱۲۶، ۱۲/ ۲۶۱، ۲۴/ ۳۲۳، ۲۵/ ۲۷۷، ریحانه (۲/ ۴۲۱)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲ / ۱۶۲)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۰۶).

سبزواری، ملا حسن (ز ۱۰۸۶ ق)، فارسی، خطیب و شاعر معروف به خطیب قاری سبزواری. در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهور رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد متبحر بود و به هر دو تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب یرمی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «انوار البیان»، فارسی، در خطب و مواظ که در ۱۰۸۶ ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدیثها» یا شرح «حدیث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الحط» به عربی و فارسی.

اعیان الشيعة (۵/ ۱۰۱-۱۰۰)، الدرر (۱/ ۷۲، ۷/ ۱۸۴، ۱۳/ ۱۸۷، ۲۱/ ۲۲۰، ۲۲/ ۲۲۰)، ریحانه العلماء (۲/ ۳۰۸)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۱ / ۱۳۲)، معجم مؤلفین (۳/ ۲۷۷).

هفتاد و دوم (۲، ۲۲۲).

سپت، عبدالحمید، فرزند غلامرضا شیرانی (۱۲۸۶/۱۲۴۸ ش)، نویسنده، فیلساز، روزنامه‌نگار و شاعر در تهران متولد شد. ماههای کودکی و جوانی را تحت نظارت دایی اش محمد حسین شیرازی که از فضلا بود، گذراند. تحصیلات خود را در مدرسه‌های سنن‌نوی، روشنیان تهران، استیورت مموریان کالج اصفهان و کالج آمریکایی تهران گذراند. در ۱۳۰۶ ش از راه بوشهر به هند سفر کرد و چند مسالی با دین شاه دانشمند پارسی‌حضر و نشر داشت و به تألیف و ترجمه پرداخت. در همین سال نخستین روزنامه‌اش را با نام «دورمای ایران» در بمبئی منتشر کرد که بعد از مدت کوتاهی تعطیل شد. بار دیگر روزنامه‌ای در بمبئی تحت عنوان «چنگل» منتشر کرد، که چاپ آن هم بیش از در شماره نکشید. «پیام راستی» آخرین روزنامه‌ای است که در هند منتشر کرد. سپس از هند به عراق رفت و به ایران بازگشت و در اصفهان مقیم شد و در ۱۳۲۲ ش هفته‌نامه «سپتا» را در آن شهر انتشار داد که نشر آن تا ۱۳۳۵ ش ادامه داشت. سپتا به هنگام اقامت در هند کتابهایی را جمع به تاریخ و ادبیات ایران تألیف کرد که در آنجا چاپ شده است و علاوه بر آن، چندین فیلم با ناطق فارسی تهیه کرد از جمله: «دختر لر»، «چشمهای سیاه»، «شیرین و فرهاد»، «فردوسی»، «لیلی و مجنون»، و زبانهای پهلوی قدیم و انگلیسی را به حویلی می‌دانست. در اصفهان درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از تألیفات او: «پرتوی از فلسفه ایران باستان»، «زرتشت که بود و چه کرد؟»، «پیام راستی»، «اخلاق ایرانیان باستان»، «منتخباتی از اشعار دهقان سامانی»، «نوآموز مردیستان»، «اشک سپت»، «امیرار چنگل».

تاریخ جراید (۲/ ۳۰۰-۳۰۹)، تاریخ سینمای ایران (۸۲-۶۳)، تذکره معرای معاصر اصفهان (۲۲۵-۲۳۲)، دست‌نشان و سخن‌سرایان ناز (۳/ ۵۲-۵۶)، الذریعه (۹/ ۳۲۹)، شرح حال رجال (۶/ ۱۳۸)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۴/ ۲۹-۴۱)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۷۳۱-۱۷۳۵)، مؤلفین کتب جدید (۳/ ۷۳۴-۷۳۵).

سپهبدی، عیسی. (تو ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و استاد

در دخترزاده شیخ انصاری به دنیا آمد. سطوح را نزد آیت‌الله خویی و آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ علامعلی قمی فراگرفت. آنگاه به محضر دوس آیت‌الله آقا صیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله اصفهانی راه یافت و به مد رج حایه علم و کمال رسید و از آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و حاج سید حمیداحمد حسین شرف‌الدین و حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی و محدث قمی اجازه اجتهاد و روایت گرفت. از آثار وی: حواشی بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «رسالة فی الاحکام».

کنجیه دانشندان (۲/ ۲۷۵-۲۷۶)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۶۹).

سبط الشیخ دزفولی قحقی، سید احمد، فرزند حاج سید محمد ظاهر بن سید اسماعیل آقا میری. (۱۲۸۰-۱۳۵۵ ق)، فقیه، مدرسو و راهب. در نجف متولد شد. پس از تحصیل مقدمات، از محضر پدرش و میرزای بزرگ شیرازی و علامه خراسانی بهره‌مند گردید تا به مقام اجتهاد رسید. در ۱۳۵۳ ق به زیارت مشهد رضوی مشرف شد و به سبب اصرار گروهی در آنجا بماند. گردید و به تدریس پرداخت. وی در همان شهر درگذشت و در جوار مرقد امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش، حاشیه بر «وسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «کدیه الاصول».

طبقات اعلام الشیعه (قبر ۱۲/ ۱۰۵)، گنجینه دانشندان (۵/ ۱۴۴)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۶۸).

سپکبار، میر شمس‌الدین. (تو ۱۲۷۱ ش)، نویسنده. در ۱۲۸۹ ش وارد خدمت داری شد و مشاغل مختلفی را عهده‌دار گشت. از آثار وی: «مسانداری» فن «قدر داری».

مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۲۴-۲۲۵).

سپاهی اندجانی، خدا دوست. (وف ۹۷۸/۹۷۹ ق)، شاعر. وی خیره خواجه کلان یک از بزرگان اندجانی و از شاعران توانای قرب دهم هجری است. از او رباعیاتی به جای مانده است.

تاریخ نظم و نشر (۵۲۷)، الذریعه (۹/ ۲۲۸)، دیحانه (۲/ ۲۳۷)، صبح گلشن (۱۹۷)، فرهنگ سمپوران (۴۳۸)،

دانشگاه. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و عراق به پایان برد. در ۱۳۰۸ ش با دوره دوم محصلان اعرامی، به اروپا رفت و موفق به اخذ دیپلم در رشته فلسفه و ادبیات فرانسه و علوم تربیتی شد و از دانشکده حقوق و ادبیات سوربن لیسانس گرفت و به دریافت شهادتنامه عالی روانشناسی و جهمان شناسی نایل شد. در ۱۳۱۵ ش به ایران مراجعت کرد و در دانشکده حقوق و ادبیات به تدریس ریان و ادبیات فرانسه مشغول شد. از آثار وی، «تاریخ ادبیات فرانسه»، «خودآموز جدید آلمانی بدون معلم»، «با مشارکت دکتر صبرالله سرریان»، «سه تراژدی کلاسیک»، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۶۴۹-۶۵۰).

سپهر، احمد علی مورخ الدوله (۱۲۶۹-۱۳۵۲ ش)، نویسنده. جد وی میرزا تقی خان لسان‌الملک سپهر بود. تحصیلات خود را در مدارس ادب و آلیانس و نزد معلمهای دیوبند قاجار به پایان رساند. در جنگ جهانی اول مشی سفارت آلمان بود. بعدها ریاست شلالت را عهده‌دار شد. او در کابینه قوم‌نلسطنه به معاونت وزارت پیشه و هنر و در کابینه دوم سهیلی به کفالت آن وزیرخانه منصوب شد. از آثار وی، «ایران در جنگ، بزرگ ۱۹۱۴-۱۸»، ترجمه «کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)»، به فارسی و فرانسه؛ «هنرهای زیب» شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۷۸۵-۷۸۳)، مؤلف کتب چاپی (۱/ ۵۰۸-۵۰۹).

سپهر، میرزا عباسقلی خان، فرزند میرزا محمد تقی لسان‌الملک اول، (تو ۱۲۶۸ ق)، مشی و مترجم. در ۱۲۸۷ ق مشی وزارت خارجه و در ۱۲۹۳ ق رئیس اجرایی دفتر وزارت خارجه شد او مأمور ترجمه «ویات‌الامیان» ابن خلیکان گردید، که موفق به اتمام آن شد، این ترجمه ناتمام به نام «مشکوة الادب صبری» مشهور است.

شرح حال رجال (۵/ ۱۳۷)، فهرست‌واره کتابهای فارسی (۱/ ۶۵۶).

سپهر کاشانی، میرزا محمد تقی، فرزند ملا محمد علی، (۱۲۰۷-۱۲۹۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، منخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به سان سپهر در کاشان متولد شد. در بیست‌سالگی به

خواهش ملک‌الشعر، فتحعلی خان صبا، به تهران آمد و به تشریح او به تألیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب یا هرت صبا ناتمام ماند و میرزا محمد تقی به کاشان برگشت. محمود میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار، حکمران کاشان، او را به ندیمی خود برگزید و به او تحف سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. او در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و مشی و مستوفی دیوان شد و به توفیق کتاب «ناسخ‌التواریخ» مأموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا ۱۲۷۳ ق امتداد یافت است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری از علوم، از جمله، ریاضیات، حکمت، فلسفه و جهر متبحر بود. در تهران درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد. از دیگر آثار وی: «آینه جهان نما»، «اصول‌الانوار فی مناقب الائمه چهار (ع)»، «ابراهیم‌المعجم فی قوانین‌المعجم»، «جنگ فی‌التواریخ»، «دیوان» اشعار.

حدیقه‌الشعراء (۱/ ۷۴۶-۷۴۷)، دایرة‌سمعار فارسی (۱۱/ ۱۲۶۲)، الذریعة (۱/ ۵۱، ۲/ ۴۲، ۳/ ۸۱، ۵/ ۱۶۵-۱۶۶، ۹/ ۲۱۹-۲۳۰، ۲۴/ ۸۶)، ریحانه (۱۵/ ۱۲۹-۱۳۲)، سیه‌المسموم (۱/ ۳۴۱-۳۴۰)، شرح حال رجال (۳/ ۳۱۹-۳۲۰)، فرهنگ مستحذوک (۲۳۸-۲۳۹)، لغت‌نامه (ذیل / سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸۷-۱۸۸۸)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۲۴۹-۲۵۳)، مجمع‌المفصحا (۴/ ۳۵۰-۳۰)، مصطبة عربی (۸۲-۸۴)، نگارستان طرا (۸۸۷-۸۸۸)، یادداشت‌های فرویزی (۸/ ۱۹۰)، ناگار (من ۵ ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

سپهر، امیر مسعود، فرزند غلامرضا شریف‌الملک. (تو ۱۳۰۰ ش)، تشکره نوس. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس سیروس، امیر معری و ثروت به پایان رسانید. مدت ده سال علوم قدیمه را نزد استادان من فراگرفت. از آثار وی: «اشعار جاویدان پارسی»، شرح زندگانی عده‌ای از مشاهیر، «تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب». مؤلف کتب چاپی (۶/ ۱۷۶-۱۷۷).

سپهری، برزو، فرزند خداداد. (تو ۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه و محقق. پس از پایان دوره مقدماتی، از دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات موفی به اخذ لیسانس ریاضیات خارجی شد و مدت یک سال سمت دبیری

سپهری کرمانی، سهراب. (تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر. در کرمان متولد شد. پس از اتمام دورهٔ مقدماتی برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و دورهٔ متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و از دانشکدهٔ زبان به احمد لیسانس دیپل آمد. در ۱۳۲۱ ش به سمت دبیری وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در دبیرستان هلمیه به تدریس زبان انگلیسی اشتغال ورزید. از آثار وی: «در کنار چمن»، شعر

تذکرهٔ شاعران کومان (۲۸۲)، الدرریمه (۹/ ۲۳۰)،
مربعین کتب چاپی (۳/ ۳۷۱-۳۷۲)

سپهری مازاءالنهری - سپهری بخارایی

ستار. (س دوازدهم ق)، فلرساز و کوفتگر وی در کتابت خطوط نیز دست داشت از آثار او: کلاهعورد طلاکری بر مهرنی که در کفتره و حواشی آن اسما، مشبرکه و اسماءالحسنی جلیب نظر می‌کند و در پیشانی کلاه، رقم «عمل حاجی ستار» دارد.
احوال و آثار نقاشان (۱۱/ ۲۱۷-۲۱۹)

ستاروان، ابولیت محمد بن عبدالحق. (ر ۸۲۶ و)، خطاط، معروف به ابولیت ستاروان. از آثار وی، نسخه‌ای است از «مکتب ثلاثی فی انهیه» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، به قلم کتابت خوش که چنین رقم دارد: «خدم بکتابه... محمد بن عبدالحق، الممدوح بایی اللیت الستاروان... سنة ست عشرین و ثمانمائة هجرية». این نسخهٔ نفیس که مورد مطالعهٔ الف بیک گورکانی بوده و به خط وی هبازاتی در پشت صفحهٔ اول است، یکی از بهترین نمونه‌های آثار تکامل خط نستعلیق و تغییر شکل آن از قلم تعلیق به نستعلیق است.
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۷۸۵-۷۸۶)

ستار تبریزی، محمد صالح. (ر ۱۰۲۸ ق)، شاعر، متخلص به ستار/سپار. در عهد شاهجهان به هند رفت و مدتی در سگانه ریست و به خدمت اعتقادخان قالی حاکم کشمیر رسید. از ارست:

شادم ز دلشکستگی خود که آینه
چون شکند زیاده شود جلوه‌گاه حسن
تذکرهٔ نصرآبادی (۲۰۹-۳۰۸)، دانشمندان آذربایجان
(۱۷۹-۱۷۸)، سخنوران آذربایجان (۴۱۰)، فرهنگ

داشت، سپس به سویس رفت و از دانشگاه ژنو به دریافت درجهٔ دکترا در فلسفه نایل گشت و پس از مراجعت به ایران، به سمت دانشیار فلسفه در دانشکدهٔ ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار او: «آراء فلسفه در دورهٔ عادت»، «بحث در مسایل پرورش اخلاقی»، «سر چیست یا روانشناسی عشق».

ردگینانهٔ رجال و مشاهیر (۳/ ۱۴۱)، مؤلفین کتب
چاپی (۲/ ۱۰۲)

سپهری، حمیده. (تو ۱۲۹۵ ق)، شاعره، خطاط و نقاش. در خانواده‌ای درباری و روشنفکر تربیت شد او همسر ملک‌المورخین، پسر محمد تقی لسانالملک، سپهر، نویسندهٔ «سرآت الرقیع مظفری» و «اصیخ‌التواریخ» بود. تاریخ، ادبیات، خط و نقاشی را نزد همسر خود فراگرفت. وی همواره پروین اعتصامی بود و در سرودن شعر طبع موزونی داشت.

اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۹۹-۱۰۰)، زنان
سحرور (۲/ ۱۳۵-۱۳۱)، مجموعهٔ گنجا (۱۱/ ۳۷۸-
۳۸۰)

سپهری بخارایی. (س چهارم ق)، شاعر از شهرهای رمان سامانی و دیالمه بود. با ابوالمؤید بلخی و ابوالمثل بخارایی معاشرت داشت. از اوست:

شاخه‌های مورد سو رفته بین و سرگه‌اش
بر شکسته حلقه اندر جعد چون زلفین یار
بوسستان افروز تابان در میان بوسستان
همچو خون آلوده در هیجا سنان شهریار
تذکریمه (۹/ ۲۲۹)، شاعران بی‌دوران (۲۰-۲۱)، فرهنگ
سخنوران (۴۳۹)، لیاب‌الالباب (۲/ ۲۸-۲۷)، لغت‌نامه
(دیل / سپهری بخارایی)، مجمع‌القصص (۲/ ۶۹۶)

سپهری زواره‌ای، میروزا بیگم. (وف ۹۷۹ و)، شاعر اصل وی از زواره اوردستان و برادر خواجه جهاد وریو جلال‌الدین محمد اکبرشاه بود. در اصمهان زندگی می‌کرد. علاوه بر شاعری، در نجوم و ریاضیات متبحر بود. از آثار وی: «دبوان» اشعار، در ده هزار بیت.

آتشکدهٔ آذر (۲/ ۹۴۶)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، تذکرهٔ زور روشن (۳۵۰-۳۴۹)، الدرریمه (۹/ ۲۳۰)، رجحان
(۲/ ۲۳۷)، فرهنگ سخنوران (۲۳۹)، لغت‌نامه (دیل /
سپهری)

سمیران (۴۳۹)، کربوان جلد (۱/ ۵۳۴-۵۳۵)، کلمات
الشعراء (۷۹).

ستار نقاش تبریزی، (س سیزدهم و چهاردهم ق)،
نقاش، اهل تبریز بود و در دوره ناصری می زیست. وی
در نقاشیهای تزیینی دست داشت از آثار او تصویر
سپاه قلم شتری که از جمع حیوانات گوناگون عمل آمده
و متدافه است. حراشی تصویر گلهای الوان دارد، به
رقم، «کمترین ستار نقاش تبریزی»

احوال و آثار نقاش (۱/ ۲۱۷).

ست الفقراء، وابعه، فرزند شیخ ابوبکر بخاری، (دو
۶۱۲ ق)، عارف، مکتبی به أم الفقراء و ملقب به
ست الفقراء از اکابر عرفا و دارای اوصاف حمیده بود
تذکره الاولیاء (۱/ ۷۳-۵۹)، ریاض الجنه (۲/
۲۵۰)، ریحانه (۲/ ۲۶۹)، نهضت نامه (ذیل / وابعه)،
نجات الانس (۷- ۶).

ستیه هروی، ابواسحاق ابراهیم، (س دوم ق)،
عارف، اصل ری از کرمان و در هرات مقیم بود. با ابراهیم
ادهم و بابرید بسطامی مصاحبت داشت. توحید ابراهیم
ابراهیم دهم بود

تاریخ گریده (۶۳۹)، حلیه الاولیاء (۱۰/ ۲۲-۲۹)،
ترجمه رساله فیسریه (۳۳۱-۳۳۰)، ریحانه (۲/
۲۲۱-۲۳۰)، طبقات الصوفیه هروی (۷۶-۷۷)، نهضت نامه
(ذیل / ابراهیم ستیه)، نجات الانس (۴۰- ۲۱)

ستوده، شیخ محمد تقی، فرزند شیخ رحمت الله،
فرزند عباس علی قاضی اراکی، (۱۳۲۰-۱۳۲۰ ق)، عالم
دینی و مدرس، در اراک متولد شد. مقدمات و سطوح را
در محضر علمایی چون: شیخ فضل الله نوری الاسلامی،
سید محمدباقر شهیدی گلپایگانی و شیخ قنبر رنجی
فراگرفت. در حدود ۱۳۲۶ ق به قم مهاجرت کرد و
قسمتی از سطوح را نزد آیت الله شیخ مرتضی حائری و
شیخ عبدالجواد جبل هاملی اصفهانی و سید محمدباقر
طباطبایی سلطانیه و میرزا محمد محاهدی تبریزی و
شیخ محمود همدانی اراکی تحصیل کرد، آن گاه سطوح
مالی را در محضر آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و
آیت الله سید محمد داماد یزدی و آیت الله سید حسین
بروجردی و آیت الله اراکی و آیت الله حاج سید احمد

خویشاری تکمیل کرد. او پس از طی مدارج علمی
عهددار امر تدریس شد. او در مسجد رضائی قم اقامه
جماعت می نمود و به خدمات دینی می پرداخت. از آثار
وی: «تقریرات»، درس آیت الله بروجردی؛ «تقریرات»
بحث آیت الله محقق داماد؛ تنظیم و ترتیب قسمتی از
«جامع الاحادیث» آیت الله بروجردی

تربت پاکان قم (۳/ ۱۵۵-۱۲۱)، گنجینه دانشمندان (۲/

۷۳)

ستوده تهرانی، حسن، (تو ۱۲۸۶ ش)، استاد
دانشگاه در تهران متولد شد پس رپیان دوره اندی و
متوسطه در ۱۳۰۴ ش از مدرسه علوم سیاسی
فارغ التحصیل و وارد وزارت ددگستری شد. در ۱۳۰۶
ش برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ
دکتری در اقتصاد شد. ضمن تحصیل در دانشکده حقوق
پاریس موفق به دریافت دیپلم مدرسه علوم سیاسی در
رشته مالی شد. در ۱۳۱۵ ش به ایران مراجعت کرد و در
دانشکده حقوق به تدریس آمار و حقوق اداری اشتغال
یافت تا اینکه کرسی تدریس تاریخ دینمائی عمومی به
وی واگذار گردید. از آثار وی: «تاریخ دینمائی
عمومی»، در دو مجلد.

مرفعی کتب چاپی (۲/ ۵۶۸-۵۶۹)

ستوده شیرازی، محمدصادق شریف، فرزند ملا
محمد حسین کازرونی، (تو ۱۳۰۵ ق)، روزنامه نگار و
نویسنده، در شیراز متولد شد. صرف و نحو، منطق، فقه و
اصول و علوم ریاضی را در خدمت پدرش فراگرفت.
سطوح را در محضر سید محمدعلی کازرونی و
محمد رضا اصولی و سید حمزه مجتهد مراغی و فلسفه
و حکمت و کلام را نزد شیخ یوسف حدائق و شیخ
عبدالحسین و سید احمد مهدی الدوله آموخت. علوم
جدید را هم به طور پنهانی نزد آقا محمد جواد فراگرفت.
بعد از مدتی به تهران آمد، سپس به بیروت رفت و در
مدرسه لائیک فرانسوی ها به تحصیل مشغول شد. در
جنگ جهانی اول از بیروت به شیراز مرجعت کرد.
ستوده مدتها ریاست با رسی و کفالت فرهنگ فارس را
عهده دار بود و مدتی نیز ریاست اوقاف اصفهان و قم را
به عهده داشت. در ۱۳۳۳ ق امتیاز روزنامه «عدل» را
گرفت و مدتی آن را منتشر کرد از دیگر آثار وی: «حربی
چیزست بدی چیست».

تاریخ چهارپایه (۶/ ۱۰۷)، دانشمندان و منشی سرایان فارس (۳/ ۶۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۹۱).

سقی نساء خانم. (وف ۱۰۵۶ ق)، پزشک و ادیب اهل آمل و خواهر طالب اصلی ملک‌الشعرای دربار جهانگیر شاه بایری در هند بود. در ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر حارم هند شد. وی به دلیل کاردانی و آشنایی به طب و طرق معالجات، مورد توجه ارجمند بانوی بیگم، همسر شاه جهان قرار گرفت و به درجه مهرداری رسید، و چون پاتجویید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت، معلم جهان آراء بیگم شد. پس از درگذشت ارجمند بانوی بیگم، از طرف شاه جهان مسئول اداره حرم‌سرای وی شد. وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره ارجمند بانوی بیگم دفن شد.

تذکره سیاحتی (۹/ ۵)، کاروان هند (۱/ ۷۷۰، ۷۷۲)، مشاهیر نان (۱۲، ۱۲۲).

سجاسی زیحانی، ملا حسین. (وف ح ۱۲۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، مفسر و اصولی. وی از علمای بزرگ زنجان بود. مقدمات را در زنجان فراگرفت. سپس آیه لعنف رفت و نزد علمای نجف به تکمیل تحصیلات پرداخت. آن‌گاه به زنجان بازگشت و منصب تدریس و قصود را بر عهده گرفت و به تصنیف و تألیف اشتغال ورزید و به انجام وظائف دینی و امامت پرداخت. در جوار امام‌زاده سید ابراهیم در زنجان مدفون است. از آثارش: شرح «اصول کافی»، در سه مجلد؛ «تفسیر سوره الزمر و الشمس و الرحمن»، در یک مجلد.

احسان‌الشیعه (۶/ ۲۶)، الذریعه (۱۳/ ۹۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۷/ ۵۰۳)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۷۰)، معجم‌المؤلفین (۴/ ۱۰۹).

سجاولندی غزنوی - سیری سجاولندی غزنوی.

سجاولندی غزنوی، محمد / احمد بن طیلور / محمد. (وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجو سلجوقی ماصری بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تألیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود و اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است. از آثارش: «انسان عین‌المعانی»، در

تفسیر و مختصر آن «عین‌المعانی فی تفسیر السبع المنانی»؛ «ذخایران‌شمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الاثداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تحریر سجاولندی در علم قرآن است؛ «مغل القراءات»، در چند مجلد؛ «غرائب القرآن»، در تفسیر لغات مشکل قرآن؛ «السراجیه» یا «فرائض سجاولندی»، که شرح‌های بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کسبه و لقب او چون شام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورت‌های مختلف ابو عبد الله، ابو طاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.

الاعلام (۷/ ۴۸)، «ایسرة السطرب قیاسی» (۱/ ۱۲۷۲، ۱۲۷۳)، الذریعه (۱۶/ ۳۱)، ریاض‌الناریس (۱۷۲/ ۱)، زمانه (۲/ ۲۴۳، ۲۴۴)، کشف الظنون (۳۵۳/ ۸۵۲، ۸۵۳)، الکلی واللقاب (۲/ ۳۰۸)، لب‌الالیاب (۱/ ۲۸۳، ۲۸۴)، امت‌نامه (ذیل سجاولندی و احمد)، معجم‌المؤلفین (۱۰/ ۱۱۲، ۱۱۳/ ۲۳۳)، التواصی بساویات (۳/ ۱۷۸)، هدیة الاسباب (۱۲۴)، هدیة العرفین (۲/ ۱۰۶).

سجری، ابوسعید احمد - ابوسعید سجری.

سجری، ابوعبد الله. (س سوم ق)، صوفی. از مشایخ خراسان بود. با ابوحفص حداد مصاحبت داشت. از وی اقوال و حکایات چندی نقل شده است، از جمله گوید: «علامه الاولیاء ثلاثة تواضع من رفعة و زهد من قدوة و انصاف من قوة».

حایة الاولیاء (۱۰/ ۳۵۱-۳۵۲)، طبقات الصوفیه سلسی (۲۵۲، ۲۵۳)، طبقات الانس (۲، ۱).

سجری بغدادی، ابومحمد دعلج بن احمد بن دعلج سجستانی. (ح ۲۵۹-۲۵۱ ق)، فقیه و محدث. اصل او از سیستان است. محدث بغداد در زمان خود بود. برای استماع حدیث به شهرهای خراسان، ری، حلوان، بغداد، بصره، کوفه و مکه سفر کرد و حدیث‌ها شنید. از محمد بن عمرو قشمری، نیشابوری و عبدالله بن محمد شیرویه و جعفر بن محمد ترک و علی بن محمد حکانی قزوینی و هشام بن علی سیراف و عبدالله بن احمد بن حنبل و محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن ایوب زاری و

علی بن حسین بن جنید رازی و عثمان بن سعید درمی و ابومسلم کجی و امام الاثمه ابن خزیمه و دیگران حدیث روایت کرد. دارقطنی و ابوعلی بن شاذان و احمد بن ابی عمران هروی و استاد ابواسحاق اسمرایی و ابی زرقویه و ابی جمیع عسانی و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. او را در روایت به دریا تشبیه کرده‌اند. مدت زمانی مجاور مکه شد؛ سپس به بغداد رفت و در آنجا ساکن گردید. از آنجایی که تاجرپیشه و دارای اموال بسیار بود، صدقات جاریه و وقف‌های بسیاری بر اهل حدیث میستان و بغداد و مکه نمود و حاکم گوید که گشاده دست‌تر از وی نبود. از آثارش: «مسند» یا «المسند الکبیر» در «الاعلام»، کتابی با عنوان «مسند المقلین» نیز به وی نسبت داده شده است.

الاعلام (۱۸/۲)، تاریخ بغداد (۸/۲۹۲-۳۸۷)،
سیرالبلاء (۱۶/۳۵۳)، معجم‌المؤلفین (۴/۱۴۵)،
ریجات الاعیان (۲/۲۷۲-۲۷۱)

سجاسی طائی، اسحاق بن ابی هبیم بن ابی رشید بن غاثم، (ز ۶۱۰ ق)، نویسنده، از آثار وی: «تواریخ السلوک فی فضایل الملوک»، در ده فصل که آن را به سبک «کلبه» و دمنده، به نام اثاک، اوزیک تألیف کرده است. سعید نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» این کتاب را به شمس‌الدین ناسی از اهالی آذربایجان نسبت داده که درست نمی‌نماید.

تاریخ نظم و نثر (۷۲۹)، التریمه (۱۶/۱۲۵).

سجستانی، ابو داود سلیمان بن اشعث، (۲۷۵-۲۱۲ ق)، حافظ، محدث و فقیه اهل سنت اصل ری از میستان بود. در پی اسماع حدیث به مسافرت پرداخت و در خراسان، هراق، شام و مصر و دیگر شهرها پانصد هزار حدیث نوشت و از آن میان چهار هزار و هشتصد حدیث را انتخاب کرد و این مجموعه را کتاب «السنن» نام نهاد؛ که یکی از «اصحاح» ششگانه اهل سنت است. وی از سلیمان بن عبدالرحمن دمشقی و احمد بن صالح و ابوالولید طرابلسی و اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل و قتیبه بن سعید بنخی و علی بن مدینی و عبدالرحمن بن مبارک و محمد بن صبیح دولابی و علی بن جعد و یحیی بن معین و بسیاری دیگر حدیث شنید. ترمذی و نسایی، صاحبان «اصحاح» و ابو حامد احمد اشعری اصفهانی و احمد بن محمد هروی و حرب بن اسماعیل کرمانی و

حسین بن ادریس هروی و عبدالله بن احمد اهوازی و عبدالرحمن بن خلاد واسطری و ابوشیر خولابی و محمد بن جعفر نریابی و محمد بن خلف بن مرزبان و ابو عوانه یعقوب اسمرایی و عبدالله بن محمد رازی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. از در صوره ساکن شد و چندین بار به بغداد رفت و کتاب «السنن» خود را روایت کرد و یک بار آن را بر احمد حنبل عرضه کرد و به تأیید وی رساند. در صوره درگذشت. از آثارش: «السنن» یا «سنن ابی داود»، در دو جزء؛ «المراسیل»، در حدیث؛ «العمش»؛ «التسمیه لاخته».

الاعلام (۱۸۲/۳)، تاریخ بغداد (۹/۵۹-۵۵)، تهذیب التهذیب (۳/۱۵۴-۱۵۶)، الجرح والتعديل (ج ۲، ق ۱/۱۰۱-۱۰۲)، روصات الجنات (۴/۷۸-۷۷)، طبقات الحفاظ (۲۶۵-۲۶۶)، کشف القلوب (۷۶۰/۱۰۰۴)، ۲۸۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۳، ۱۴۵۸، ۱۴۶۲، ۱۷۳۹، الکنی واللقاب (۱/۶۵۶۲)، معجم‌المؤلفین (۲/۲۵۶-۲۵۵)، الواسع بالروایات (۱۵/۳۵۴-۳۵۶)، ریجات الاعیان (۶/۴۰۵-۴۰۴)، هدیة الاحیاء (۱۵).

سجستانی، ابوبکر عبدالله بن سلیمان بن اشعث اردی (آ ۳۱۶ ق)، محدث و راهد معروف به ابی ابی داود، در سیستان به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. پدرش وی را در سفرهای خود همراه ساخت و به محضر علما و محدثان وقت در حرسان و اصفهان و فارس و مصر و بغداد و کوفه و مدینه و مکه و شام و مصر و جریره برد. اول شیخی که ابوبکر از او حدیث شنید محمد بن اسلم طوسی بود. او همچنین از پدرش و عمروش و از علی بن خشرم مروزی و ابو داود سلیمان سنجدی و محمد بن یحیی ذهلی و احمد بن ادهر نیشابوری و محمد بن یسار بغدادی و عباد بن یعقوب راجسی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابن حبان و ابی‌احمد حاکم نیشابوری و ابی‌شاهین و دارقطنی و ابو عمر بن حیویه و عسی بن عمی و ریر و ابوالقاسم بن حبان و ابومسلم محمد بن احمد کاتب و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی را در بغداد ابن خزیمه و ابن ابی حاتم رازی دانسته‌اند. سرانجام در بغداد اقامت گرفت و شیخ بغداد لقب گرفت و به روایت حدیث پرداخت. در بغداد درگذشت و حدود سیصد هزار نمازگزار بر او نماز کردند و در مقبره باب الیستان به خاک سپردند. از آثار

۱۲۵۷، ۱۲۶۲، ۱۳۶۶، ۱۳۶۹، ۱۵۷۷، ۱۷۸۱، الکلی
والا کتاب (/ ۴۵۲۴)، معجم الاضواء (/ ۱۱)، ۲۶۵-۲۶۳،
معجم المؤلفین (/ ۲)، ۲۸۵-۲۸۶، وفيات الاعیان (/ ۲)
(۲۳۳-۲۳۳)

سجستانی، ابویعقوب اسحاق - ابویعقوب
سجستانی.

صحاب اسمعانی، سید محمد حسینی، فرزند سید
احمد هاتف صفهانی. (وف ۱۲۲۲ ق)، شاعر، متخلص
به سحاب. ملقب به مجتهد الشراء. از سادات حسینی
اصمها و از شعرای عهد قاجاری شاه قاجار بود و تذکرة
ارشادات سحاب خود را به نام او نوشت. در علم نجوم
و طب، شعر شناسی و فنون ادبی دارای اطلاعات کافی
بود. در اواسط زندگی به مکه سفر کرد و بعد از
بازگشت به منصب داروغگی دفترخانه شاهی رسید.
بیکرش را به دستور فتحعلی شاه قاجار به نصف برده و
در آنجا دفن گردید. از دیگر آثار او: «روضة انبکاه» و
«سحاب ابیک» در مرثیاتی سیدالشهدا «دیوان» اشعار
حاروی پنج هزار بیت که در تهران چاپ شده است

از صبا تا صبا (/ ۱)، ۳۷-۳۵، تاریخ ادبیات ایران، بولون
(/ ۲)، ۱۹۸، تاریخ تذکرةهای فارسی (/ ۱)، ۶۲۳-۶۲۰،
حدیقه الشراء (/ ۱)، ۷۳۷-۷۵۱، دانشندان آذربایجان
(/ ۱)، ۱۲۹، دیرالمنار فارسی (/ ۱)، ۱۲۷۵، الذریعة (/ ۹)
(/ ۱)، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۳۵،
معینة المصنوع (/ ۱)، ۳۶۰-۳۷۱، فرهنگ ادبیات فارسی
(/ ۳)، ۱۶۶، فرهنگ سخنوران (/ ۳)، ۲۴۰، گنج سخن (/ ۳)
۱۶۶، معجم الفصح (/ ۲)، ۲۵۲-۲۶۱، مصطفی خراب
(/ ۳)، ۷۵۵-۷۵۳، مکارم الاعمال (/ ۳)، ۷۵۵-۷۵۳، نگارستان دهر
(/ ۱)، ۹۰-۸۸

صحاب شیرازی، آقا محمد ثقی، فرزند محمد
مهدی حجاب. (وف ۱۳۱۶ ق)، شاعر، متخلص به
صحاب. در شیراز به تحصیل پرداخت سپس به هند
رفت و در بعضی مدرسه‌ای تأسیس کرد و خود به تدریس
در آن مدرسه مشغول شد. وی به زبان انگلیسی مسلط
بود و به مؤلف «آثار عجم» انگلیسی را تعلیم داد.
«دیوان» اشعار وی در حدود ۷۰۰۰ بیت می‌باشد

آثار عجم (۵۵۸-۵۵۹)، دانشمندان و سخن سرایان
فارس (/ ۳)، ۶۲-۵۳، طرائق الحقائق (/ ۲)، ۴۷۲، مرآت

وی «المصاحف» «المستند» «السنن» «التفسیر»
«القرآن» «الناسخ و المنسوخ»

الاصلاح (/ ۲)، ۲۲۲، تاریخ بغداد (/ ۹)، ۲۶۸-۲۶۴،
روضات الجنات (/ ۲)، ۷۸، ریحانة (/ ۲)، ۴۴۴-۴۴۵،
سیرالنبلاء (/ ۱۲)، ۲۲۱-۲۲۷، الفهرست ابن ندیم،
ترجمه (۲۸۸)، الکامل (/ ۶)، ۱۹۹، الکلی و الکلی (/ ۲)
(/ ۲)، ۳۰۹، لسان المیزان (/ ۲)، ۳۷-۳۶، لغت نامه (/ ۲)،
ابن دلد، معجم المؤلفین (/ ۶)، ۶۰، الوافی بالوفیات
(/ ۱۷)، ۲۰۰-۲۰۱، وفيات الاعیان (/ ۲)، ۴۰۵

سجستانی، ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان
(وف ۲۵۵-۲۴۸ ق)، نحوی، لغوی، فاری، محدث و
شاعر. شاگرد ابریزد انصاری و ابوعبیده بن مشتی و
اصمعی و ابوعامر عقی و دیگران بود. او قرآن را از
یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب سیبویه» را دو مرتبه بر
احمض خواند. در زمره شاگردانش از ابن فرید و
ابوالعباس میرد یاد شده است رشته اصلی اش آثار
شاعران قدیم را اصطلاحات و عروض و لغت و فرائد و
علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداود و بسایی در
«سنن» خود و ابوبکر برار در «مسند» خود از وی حدیث
روایت کرده‌اند او را بسیار صانع و باتقوی توصیف
کرده‌اند به طوری که هر روز دیاری به تصدق می‌دادند
هر هفته قرآنی ختم می‌کرد وی شعر را نیکو می‌سرود.
درای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «أحزاب
الفرآن» «اختلاف المصاحف» «الاصحاح» «کتاب
المعمرین من العرب» «ماللحن فيه اعمام» «المقصود و
الممدود» «المقاطع و المبادئ» «القرآن» «المصاحف»
«کتاب» «خلق الانسان» «المذكر و المذنب» «کتاب» «الطیر»
«الوحوش» «الحشرات» «النبات» «المنجلى» «الشرق
الى الوطن»

الاعلام (/ ۳)، ۲۱۰، ایشاح المکون (/ ۲)، ۲۴۲، ۲۸۵،
۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۷، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۵۰، ۳۵۰،
تاریخ ادبیات در ایران (/ ۱)، ۱۲۲، تهذیب التهذیب (/ ۲)
(/ ۲)، ۲۳۳-۲۳۲، الجرح و التعذیل (ج ۲، ۱)، ۲۰۲،
دانشنامه ایران و اسلام (/ ۸)، ۱۰۲۲، روضات الجنات
(/ ۲)، ۹۰-۸۸، ریحانة (/ ۲)، ۴۴۴-۴۴۳، سرآسمان
فرهنگ (/ ۱)، ۱۰۲-۱۰۳، سیرالنبلاء (/ ۱۲)، ۲۶۸-۲۷۰،
الفهرست ابن ندیم، ترجمه (/ ۱۰۰)، کشف الضمور (/ ۳)،
۱۵، ۱۲۳، ۱۱۸۹، ۱۲۸۳، ۲۸۷، ۳۸۸، ۱۲۲۳،
۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۳۹، ۱۲۴۴، ۱۲۴۹، ۱۲۵۲، ۱۲۵۴

حکومت لار و بنادر فارس رسید و مدتها با افاغنه جنگید و در پایان شکست خورده، در اصفهان زندانی شد. در زمان محمد شاه به هند رفت و به ملارمت پادشاه به منصب اعلیٰ سرقراری یافت. در هند به دست مخالفانش مسموم و در مقبرهٔ بهان الملک بهادر شاهجهان آباد دفن شد. از اوست:

در شب هجر تو شرمیده احسانم کرد
دیده از پس گهر اشک به دامانم کرد
سرگذشت شب هجران تو گفتم یا شمع
آن قدر سوخت که از گفته پشیمانم کرد

تذکرهٔ شعری پنجاب (۱۷۲: ۱۷۱)، تذکرهٔ اسماعیلین (۱۹۵: ۱۹۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۶۲: ۶۳)، الذریعه (۹/ ۴۳۴)، شام غربیان (۱۲۶)، فرهنگ سخنوران (۲۴۲)، سخن ترکیب (۲/ ۷۱۰، ۷۰۸)

سخنای اصفهانی، محمد زمان، فرزند محمد حسین خان (س سیزدهم ق)، شاعر مدتی در اصفهان، کاشان و یزد حکومت داشت. بعد از درگذشت پدرش منصب استیفا یافت. او در سرودن دوبیتی توانا بود و ابیاتی چند از وی در تذکرة‌های دورهٔ قاجار موجود است
الذریعه (۹/ ۴۳۴)، سفینهٔ السعد (۱/ ۳۷۱)، مجمع المصفا (۲/ ۲۰۱)، مصطفی خروب (۸۶-۸۷)، مگارسان (۹۰-۹۱).

سخن اصفهانی، سید محمد خان بهادر. (وف ۱۲۲۶ ق)، شاعر. از مردم اصفهان بود، به هزم تجارت به هند رفت، در مدبرس مورد توجه و اکرام نواب امیرالامرا بهادر خان واقع شد و خطاب خانی و بهادری و منصب داروعلگی دیوان خاص او را یافت. در همان شهر وفات کرد از اوست:

به دل خاری ز عشق گنبداری کرده‌ام پیدا
از این غواری به عالم اعتباری کرده‌ام پیدا

حدیقهٔ الشعراء (۱/ ۷۵۱-۷۵۲)، الذریعه (۹/ ۴۳۴)، ۴۳۵، ویهان (۲/ ۲۵۰-۲۵۱)، صبح گلشن (۱۹۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۲)

سخن شیرازی، آقا نسی علاقه پنده. (؟)، شاعر، متخصص به سخن. اهل شیراز بود. از اوست:

ی روح روان و مونس جانمی چند
ری جمع کتندهٔ پسریشانی چند
یسن آبله نیست بر رخ زیبایت
بر روی تو مانده چشم حیرانی چند

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۶۲)، الذریعه (۹/ ۴۳۵)، صبح گلشن (۱۹۹-۱۹۸)، نشر عشق (۲/ ۷۵۸-۷۵۹)، سخن العرب (۲/ ۷۱۰-۷۱۱)

سخنور یزدی، حسن، فرزند ملا محمد. (تو ۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخصص به سخن. در یزد متولد شد. دانشهای اولیه و قسمتی از مقدمات صرف و نحو را نزد پدر که مکتب‌دار و محرر بود فراگرفت، سپس به تهران آمد و در این شهر به انجمنهای ادبی راه یافت و اشعارش در بعضی نشریات و تذکرة‌ها به چاپ رسید. «ادیوان» اشعاری قریب پنج هزار بیت از انواع شعر می‌باشد.

تذکرهٔ سخنوران یزد (۵۶۸-۵۶۹)، سخنوران سامی معاصر (۳/ ۱۷۵۸-۱۷۶۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۳)

سخنیار، حسین - سرور اصفهانی

سخنی، محمد علی. (۱۲۹۸-۱۳۴۹ ش)، بازیگر در تهران به نام آغا آمد. باری در سینما را از سال ۱۳۳۱ ش با عنوان «حاکم یک روزه» شروع کرد. از حمدهٔ نمایشهای وی «هسانه» و «عجیس» بود. از فیلمهای مهم وی «شاهجی خاج» (۱۳۳۷)، «هسانه» (۱۳۳۸).

تاریخ سینمای ایران (۳۰۲)، فرهنگ سینمای ایران (۱۲۶)، فرهنگ فیلمهای سینمای ایران (۱/ ۵۷، ۷۴-۷۵).

سخنی رازی. (؟)، شاعر از سادات ری بود. از اوست:

می‌رفتم و خواب دل به راهم می‌ریخت
دو بخ دوزخ خسرو ز آهم می‌ریخت
می‌آمدم و ز شوق آن گلشن رو
صحرا صحرا گل از نگاهم می‌ریخت

تذکرهٔ روز روشن (۳۵۰)، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۳)، نشر عشق (۲/ ۷۳۱)

سخنی کرمانی، ملا سخن افشار. (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به سخن. اهل کرمان و ترک نژاد بود. از اوست:

عمر است که تیر فقر را آماج
بر تارک اهل اس و فلاکت ناحم
یک شمه ز حال غریب ظاهر سازم
چندانکه خدا غیبست من محتاحم
سذکره بصربابی (۲۲۶-۲۴۵)، الذریعه (۹/ ۲۳۵)،
ستارگان کرمان (۲۲۲-۲۲۳)، بشر عشق (۲/ ۷۳۱)،
مخزن العرائف (۲/ ۶۷۳-۶۷۴).

سدهی اصفهانی، سید ابو لقاسم، فرزند سید محمد
علی حسینی تهرانی. (وف ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و
واعظ. پس از اتمام حج در مکه وفات یافت و در
قبرستان ابو طالب دفن گردید. از آثارش: «بدایع الاخبار»،
در اخلاق؛ «بشاره لابرار فی احوال شیعه الکرام فی
دارالقرار»؛ «برهاد الرساله»، در اثبات نبوت خاصه؛
«احسام الشیعه»، در اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع)؛
«خصائص الایام»، در وقایع ایام سال؛ «دلائل الرسویه»؛
«لمعات الانوار»؛ «فوائد الاخبار».

«عیان السمه» (۲/ ۳۱۲)، الذریعه (۳/ ۴۰، ۹۵، ۱۱۲،
۱۲/ ۷، ۱۲/ ۱۶۶)، ۸/ ۲۵، ۱۸/ ۳۲۲، ۲۴/ ۲۳۹، ریحانه
(۲/ ۲۵۲-۲۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴)، ۱۷۲،
علماء معاصرین (۲۶۹)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۷۷)،
معجم المیزابین (۸/ ۱۲۰).

سدهی اصفهانی، سید اسماعیل بن سید حسن.
(۱۳۰۶-۱۳۷۳ ق)، عالم دینی، مدرس و زاهد. در محله
درب سید از محلات فروشان سده مازین اصفهان به دنیا
آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را نزد دایی
خود، علامه میرزا عبدالرحیم، خواند. در ۱۳۲۸ ق هازم
نصف شد و به محضر درس ملا محمد کاظم خراسانی
راه یافت. پس از او در حوزه درس فقه و اصول شیخ علی
گنابادی و شیخ اسماعیل محلاتی و میرزای نایینی و شیخ
آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. از رجال و نرد سید
سوتراب خوانساری و معقول را در خدمت شیخ
عبدالحسین رشتی و سید محمد حسین مازکوبی
فراگرفت. در نصف درگذشت و در صحن عسری دفن
شد. از آثارش: «تقریرات» استاذانش در فقه و اصول و
حکمت؛ رسائل مستقن ناتمام در فقه و اصول.

سذکره المبرور (۱۳۷-۱۳۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن
۱۴/ ۱۵۵)، معجم رجال نجف (۱/ ۱۵۲-۱۵۳).

سدهی اصفهانی، میر سید علی بن سید محمد
مهدی حسینی. (وف ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، متجم،
ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخصص به طبابت. معروف به
حاج آقا بزرگ. تسبیح به محمد دیاج، فرزند امام جعفر
صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمد هاشم
چهارسوقی و آقا نجمی و جمعی دیگر از علمای بود. علاوه
بر فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و
علوم عربیه تبحر داشت و شعر را نیکو می‌سرود. از امام
جمعه سده اصفهان بود. در سرد و چهار سالگی
درگذشت و در انتهای شستان مسجد جامع فروشان
سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و
در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و
«ختم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هایی دارد.

سذکره القصور (۲۲۸-۲۳۷)، ریحانه (۲/ ۲۵۲-۲۵۳)،
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۱۵۲).

سدهی اصفهانی، میرزا نعیم. (س چهاردهم ق)،
شاعر. در اوایل مشروطه در تهران درگذشت. از آثار وی:
«کلیات نعیم سدهی»، شعر
مؤمین کتب چاپی (۱۶/ ۶۳۶-۶۳۷).

سذکره اعور، سیدالدین محمد. (ر ۵۵۰ ق)، شاعر.
از طایفه اکبراد کرمانج و یا ابوالدین احمیکنی معاصر بود
و با یکدیگر مشاعره و مفاخره داشتند. از او است
گوید که بر دمید از گل حارشر
جرمی است که می‌نهد بر گلزارش
چون صورت او همیشه در چشم من است
عکس مژه من است بر رخسارش

آتشکده اذر (۱/ ۶۴)، تاریخ مشاعر کرد (۱/ ۴۱)،
سذکره روز روشن (۲۵۰)، الذریعه (۹/ ۴۲۵)، ریحانه
(۲/ ۴۵۶-۴۵۷)، ملط نامه (دهن / سیدالدین معور
کرمانج)، معجم الفصح (۲/ ۶۹۶)، مخزن العرائف (۲/ ۵۵۲-۵۵۱).

سیدالدین مستزوی. (س ۱۱۰۷ ق)، معجم. از او
آثاری در زمینه نجوم و علوم فربه به جا مانده که عبارت
است از «خرانه احکام»، «نحوه الدلائل»، «نظم
الاصول»، «حرکت فلک الافلاک».

سطر مهدی فارسی (۳/ ۳۰۵۳).

و سرشک بی بیازی چو نشد چنین نمازی
به چه آبرو گذارد به در بهشت ما را
تذکره روز روشن (۲۵۰)، تذکره نمرآبادی (۵۰)،
الذریعه (۹/ ۲۶۲-۲۶۱).

سیدید طبیب گیلانی، فرزند نعمت طبیب، (س دهم
ق)، طبیب و شاعر معروف به سدید گیلک و خلیفه از
اوست

زمان زمان ز تو دور افکند زمانه مرا
جدا کند رو صالت بدین بهانه مرا
چه کینه بود ندانم زمانه را با من
که دور ساخت از آن خاک آستانه مرا
تاریخ نظم و نثر (۵۳۱)، الذریعه (۹/ ۴۰۲، ۲۳۵)،
فرهنگ سحران (۲۴۴) مجالس العفاس (۲۸۴)،
مجمع العوام (۲۸۵).

سدید گیلک به سدید طبیب گیلانی.

سرآب تنکابی، ملا محمد، فرزند عبدالفتاح
طبرسی (۱۰۴۰-۱۱۲۴ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و
متکلم امامی. معروف به فاضل سرآب. در محضر علامه
مجلسی و محقق خوانساری و محقق مسزواری تلمذ کرد
و از مجلسی و محقق مسزواری اجازه روایت گرفت. ملا
محمد علی استرآبادی و شیخ علی خامنه‌ای، شوه شهید
ثانی، فربه وی اجازه دادند فرزندان ملا محمد صادق
و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفع لاهیجی و
سید محمد صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری
از وی اجازه روایت داشتند. در اصفهان از دنیا رفت و در
مقبره خاجو در اول تحت پیولاد دفن شد. از آثارش:
«اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع لقویم»، «انبات
الرجب»، «سفینه النجاة»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح
لمعه»؛ رساله‌ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخیار»؛ چهار
رساله در «وجوب الجمعة»؛ «فضیه القلوب»؛ در امانت؛
حاشیه بر «مدیرک الاحکام»؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛
حاشیه بر «ذخیره العباد»؛ محقق مسزواری؛ حاشیه بر
«آیات الاحکام» اردبیلی.

احسان‌الشیعه (۹/ ۳۸۱)، ایضاح المکتون (۱/ ۲۴)،
تذکره‌القبور (۲۵۴-۴۵۵)، تلامذه‌العلماة بالمجلس
(۶۶)، الذریعه (۱/ ۹۶، ۶/ ۲۶۹، ۱۲/ ۲۰۳)، روشنت
الجنات (۷/ ۱-۱۰۲)، ریحانه (۳/ ۵)، طبیب اعلام

سیدالسلطنة کبابی، محمد علی بندرعباسی،
فرزند حاج احمدخان سرتپ، (۱۲۵۰-ح ۱۳۶۰ ق)،
مورخ، نویسنده و شاعر، متخصص به عربی، در بغداد
متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در یوشهر، وارد
خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در
رواحی خلیج فارس گذراند. در دوره تحصیل «سیوطی»
را برد آقا سید جواد مجتهد یردی و «جامع المقدمات» را
نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا
حسین لهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبابی
متخلص به محمود و کلیات علوم جدید را نزد سید
جمال‌الدین مسآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق
و تسع فراوان تألیف کرده که اکثراً درباره خلیج فارس،
جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار او:
«اعلام‌الاساس فی تاریخ بندرعباس»، «الشدیق فی
سیرالطریق»، «احوال اهرم و تنگستان»، «احوال خوانین و
هشایر قشقای»، «احوال شیوخ بندر تنگ»،
«مفاتیح لادب فی تواریخ العرب»، «شفایق السعمان فی
احوال العمان»، «ضمیمه‌اللطیفه»، «المناص فی
احوال الغوص و الغوص»، «دیوان اشعار».

دانشندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۵۶۳-۵۵۵)،
الذریعه (۲۴/ ۴۳۰)، شرح حال رجال (۶/ ۲۴۳-۲۴۴)،
فرهنگ سخنوران (۷/ ۶۰۷)، فهرست‌واره کتبه‌های تاریخی
(۱/ ۷۱، ۱۷۰-۱۷۱)، سرآب‌القصیده (۳۹۵-۳۹۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۱۹، ۴/ ۱۱۰).

سدید جزنوی، سدیدالدین علی بن حمزه (س ششم
ق)، شاعر، اهل هرنین و از مداحان سراج الدوله خسرو
ملک بود. عوفی گوید، وی «دیوان» شعر داشته است.
الذریعه (۹/ ۱۰۶۹)، لیاب الالیاف (۲/ ۴۰۵-۴۰۷)،
هفت اقلیم (۱/ ۲۳۲).

سدید قمی، فرزند حکیم رکن‌الدین. (س یازدهم
ق)، حبیب و شاعر، متخصص به سدید، پدرش طبیب
مشهوری بود و کتابی در این فن به نام «نجم الدنالی»
تألیف کرده است. سدید در سرودن شعر توان بود و به
شیوه عرفی شیرازی شعر می‌سرود. در مشهد درگذشت
و در همان جا دفن شد. از اوست

تغ آرزوی هستی ز ازل سرشت ما را
چه کنیم چون چنین شد ز ازل سرشت ما را

النسبة (قرن ۱۲ / ۶۷-۶۷۳)، موائد الرضویه (۵۵۰-۵۵۳)، مسجید المؤلفین (۱۰ / ۱۸۰)، مدیة العربین (۲ / ۳۱۲).

سرای، میرزا ولی الله. (۱۳۳۰-۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. در یکی از روستاهای سراب به دنیا آمد. در هفده سالگی به تبریز رفت و به تحصیل معارف و سطوح پرداخت. بعد از چندی به سراب بازگشت و در محضر حاج میرزا محمد تقی سرایی تدریس نمود. پس از بهره‌گیری فراوان مجدداً به تبریز بازگشت و از حوزة درس آیت الله حاج میرزا محمود دیردورانی استفاده کمن کرد و فقه و اصول را به طور کامل خواند. او همچنین از مجالس درس آیت الله حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیت الله حاج میرزا فتح تبریزی و آیت الله حاج سید کاظم شریعتمداری بهره‌مند گردید. از آثار وی: «اثبات الآیات» یا «نسخ النسخ عن کرامة القرآن»؛ «اثبات رجعت»؛ در سه جلد؛ «اثبات الشفاعة»؛ بر اساس آیات قرآن؛ «کتاب النقص»؛ «کتاب المحکم و المتشابه»؛ «الوقیة فی شرح وصایا العروة»؛ تعلقه بر «تیسره» علامه؛ شرح «بیات حادی عشر».

گنجینه دانشمندان (۵ / ۳۳۰-۳۳۱)

سراج. (ز ۷۰۳ ق)، حجار. از آثار وی: کتیبه هلال دوم اطراف دیوار مشبک بقعة پیر بکران در اصفهان، به خط ثلث برجسته که در اطراف سنگ «آیه الكرسي» و بر جانب غربی آن «صلوات بر دوازده امام» حجاری شده، با رقم: «... فی ليله الثلثا عاشر شهر ربيع الاول» و سیمانه عمل سراج، (۷۰۳ ق). آرامگاه پیر بکران - از زهاد قرن هشتم هجری - مشتمل بر رواق و صحن و سر در و مقبره می‌باشد که این بنا در دورة الحایقو یلحان مغولی (۷۱۶-۷۰۳ ق) بنا شده است.

آثار ملی اصفهان (۸۵۲)، احوال و آثار بقالان (۱ / ۲۱۷). فهرست بنامای تاریخی و لمای پستانان ایران (۲۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۲۶۳).

سراج اصفهانی، سراجی حکاک. (س. یازدهم ق)، شاعر و حکاک. در فن حکاکی بی‌نظیر بود. در اصفهان درگذشت. از اوست.

از ضعف به هر جا که نشستیم وطن شد
از گریه به هر سو که گذشتیم چمن شد

آتشکده نور (۲ / ۹۲۶)، احوال و آثار نقاشان (۱ / ۳۱۷)، تذکرة القیوم (۳۵۲)، تذکرة نصرآبادی (۱۳۳-۱۳۴)، لغزیده (۹ / ۲۶۰، ۲۳۶)، فرهنگ مشهورین (۴۴۲).

سراج ایردی، احمد. (ز ۹۰۲ ق)، خطاط. از آثار او: تران نیم ریمی، نسخ کتات حمی یافتی و سرسوره‌ها به خط رقاع نیم دودنگ حروف؛ با رقم. «خدم یکسایة هذا المصحف المجید قن صادق الله العسی احمد ایردی الملقب بسراج عقاله عته فی شهر سنه اثین و تسعمائة» (۹۰۲)

احوال و آثار خوشنویسان (۴ / ۱۰۲۲).

سراجی گلپایگانی، سراجی نقاش. (س. یازدهم ق)، شاعر و نقاش. حوزة زاده برابای خوشنویس بود. در جدا نقاشی می‌کرده سپس نقاشی را ترک کرد و به عبادت پرداخت. از اوست.

آن سجده پیش آدم و این پیش حق نکرد
شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی شمار
تذکرة نصرآبادی (۳۹۵-۳۹۲)، لغزیده (۹ / ۲۳۶)، (۱۴۱۹)، صبح گلشن (۵۲۵)

سراجی نقاش اصفهانی، محمد قاسم، فرزند محمد علی. (س. یازدهم ق)، شاعر و نقاش. از مردم اصفهان و معاصر مؤلف «مآثر رحیمی» بود و در فن نقاشی مهارت داشت. در سال ۱۰۲۴ ق مأمور جمع‌آوری «دیوان» عرفی شیر ری شد و کتابتی مشتمل بر چهارده هزار بیت از عربی و قصیده و رباعی و مثنوی و خیره فراهم آورد. سراج در فن موسیقی نیز مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود.

احوال و آثار نقاشان (۱ / ۲۱۸-۲۱۷)، تذکرة روروش (۳۵۱)، تذکرة نصرآبادی (۱۳۹-۱۴۰)، لغزیده (۹ / ۲۳۶)، صبح گلشن (۵۳۶)، مآثر رحیمی (۶ / ۱۳۵۲-۱۳۶۰)

سراج یحیی - یحیی، سراج الدین

سراج ثقفی نیشابوری، ابوالعباس محمد بن اسحاق بن ابراهیم بن مهراک. (۲۱۶-۳۱۳ ق)، حافظ و محدث شیخ الاسلام و محدث خراسان بود. از دانشمندان بسیاری حدیث شنید، از جمله: اسحاق بن راهویه و قتیبة

الدیرمه ۹۱ / ۴۳۶-۴۳۷، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)،
مجمع الفصحا (۲ / ۶۹۹-۶۹۷).

سراج سمرقندی - سراج لاهوری

سراج لاهوری، سراج الدین محمد بن منہاج الدین عثمان بن ابراهیم جوزجانی، (وف ۵۹۰-۶۰۰ ق)، راعظ و شاعر اصل وی از سمرقند بود. در لاهور متولد شد. مدتی در خزن و یامیان بود و به بغداد و سیستان نیز سفر کرد. در آخرین سفری که به دیار خلیفه العسکری بالله از طرف غیاث الدین محمد سام می‌رفت در مکران درگذشت. از اوست

آن دل که ز حجر دردناکش کردی
از هر فرحی که بود پاکش کردی
از خوی تو آگهم که ناگه ناگه
آوازه در افتد که هلاکش کردی

تاریخ ادبیات در ایران (۲ / ۱۱۷۶-۱۱۷۷)، تذکره
شعرا پنجاب (۲۰)، الدیرمه (۹ / ۴۳۷)، لباب الالباب
(۱ / ۲۸۲)، هفت اقلیم (۱ / ۲۳۸).

سراجی خراسانی، جمال الدین محمد بن علی، (س)
هشتم ق)، شاعر. ملقب به فخرالشعراء، با اسرارالملوک
سراج الدوله مصاحب بود. از اوست:

چون خواست روی خویش نمود از حجاب شب
بسر روی روز بست ز ظلمت نقاب شب
الدیرمه (۹ / ۲۳۸)، لباب الالباب (۲ / ۳۲۷-۳۲۸).

سراج یزدی، سراج الدین، (س یازدهم ق)، شاعر در
زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیست. از اوست:
به روزگار ستم هر شکایتی که مراست
به روزگار دراز، رکتم نباید راست
تذکره سخنوران یزد (۱۵۵-۱۵۶)، جامع مفیدی (۲ /
۴۶۰-۴۶۱)، الدیرمه (۹ / ۲۳۸)، هفت اقلیم (۱ / ۲۲۹).

سراج الدین علامه - بلخی، سراج الدین.

سرافراز سمرقندی، محمدامین، فرزند استاد
عوض، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سرافراز از
وست.

بن سعید و محمد بن حمید رازی و محمد بن ابان بلخی و
احمد بن سعید دارمی و محمد بن اسماعیل ترمذی و
بسیاری دیگر از اهل خراسان و بغداد و کرمان و بصره و
حجاز. او هفتاد هزار مسأله از سالک نقل کرده و در
جزوه‌هایی نگاشته بود. محمد بن اسماعیل بخاری و
مسلم بن حجاج نیشابوری و ابو حاتم رازی و ابوعلی
نیشابوری و ابو حاتم بستی و ابراهیم بن عبدالله اصفهانی
و ابوالاحمد حاکم نیشابوری و حسین بن علی تمیمی و
خلیل سجری و سهل بن شاذویه و احمد بن محمد بن
بالویه و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. خطیب
بغدادی او را محدثی گفته و مورد اعتماد توصیف کرده
است. از آثار وی: «السند»، در چهارده جزء؛ «التاریخ»؛
«کتاب الاخار»؛ «کتاب الاشعار».

الاعلام (۶ / ۲۵۲)، تاریخ بغداد (۱ / ۲۲۸-۲۵۲)، البحر
و التمدیل (ج ۲، ۲ / ۱۹۶)، سیرالنبلاء (۱۲ /
۳۹۸-۳۹۹)، طبقات للمصنف (۳۱۲)، الفهرست لایس
الدیرمه (۲۲۰)، التلخیص بالوعیات (۲ / ۱۸۷-۱۸۸).

سراج ثقفی نیشابوری، ابومحمد اسماعیل بن
اسحاق، (وف ۲۸۶ / ۲۹۳ ق)، محدث. برادر شیخ
الاسلام خراسانی، محمد بن اسحاق، بود. او برادرشی
مدتی ساکن بغداد بودند. اسماعیل از یحیی بن یحیی ز
احمد بن حنبل و عده‌ای دیگر روایت کرد. وی ملازم
احمد بن حنبل بود. دهلیج و ابن قانع و ابوبکر صیمی و
جماعی دیگر از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را مورد
اعتماد و موثق توصیف کرده است.
سیرالنبلاء (۱۲ / ۳۹۰).

سراج حسنی قطنی، یعقوب بن حسن، (ز ۸۴۰ ق)،
خطاط. از کاتبان خوشنویس عصر خود بود که اقلام شش
گانه را استادانه و مستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار
وی: یک نسخه «ظفرنامه تیموری»؛ شرح الدیس علی
یزدی، به فلم کتابت جلی و عنوان آن ثلث و رقاع عالی، با
رقم: «... یعقوب حسن الملقب به سراج الحسنى القطنی
... لسنة اربعین و ثمانمائة هجرية ...».
احوال و آثار خوشنویسان (۳ / ۱۷۰).

سراج سگری، سراج الدین، (مقتول ۶۵۲ ق)، شاعر،
متخلص به سراجی. معروف به سید سراجی. «دیوان»
شعری در حدود پنج هزار بیت داشته است.

نبود ز تیغ حادثه هرگز ثمر سرا
تسا طاق ابروی تو سود در نظر سرا
می سازدم ز خنده دندان نمای خویش
آن سازین ضیافت شیر و شکر سرا
شکره در روش (۳۵۲)، تذکره صرآبهای (۴۳۹)،
الدربعه (۲۲۸/۹).

سرای، میرزا احمد بن محمد رضا (تو ۱۳۲۹ ق)،
فقیه و مجتهد، در قرینه سرای تبریز به دنیا آمد در ۱۳۲۳
ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقدمات علوم را از
محقق اساتید آنجا فراگرفت، سپس به قم رفت و نزد
مدرسین بزرگ آنجا همچون آیت الله نجفی مرعشی و
آیت الله لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی تلمذ کرد. آنکه
به سبب مهاجرت کرد و از محضر آیت الله آف میرزا
عبداللهادی شیرازی و آیت الله حکیم و آیت الله سید
محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌ها
برد تا به مدرج عالی علمی و اجتهاد دست یافت و از
آیات مکتور اجازه اجتهاد گرفت. پس از مارگشت به
وطن، به تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت. از
کارها و آثار ارزنده وی، بنای مارلی برای علما و اهل
علم و احداث حمام برای روستاهای محروم را می‌توان
نام برد. وی به بحث، مناظره و مجادله با منخرقین
اعتقادی می‌پرداخت و برای تبیین و ارشاد به ممالک
مختلف اسلامی سفر می‌کرد
گنجینه دانشمندان (۳/ ۳۱۷-۳۱۵).

سرباز یروجرودی، اسماعیل خان، (وف ۱۲۸۹ ق)،
ادیب و شاعر، متخلص به سرباز، اصلش از حرم آباد می‌سی
بود. به سامب آنکه در یروجرود تولد، بمک یافت به
یروجرودی مشهور شد و چون در هرج نظام صاحب
منصب بود، تخصص سرباز را برای خود برگزید. در انواع
شعر دست داشت و «دیوان»ی در سرائی به نام
«امرار الشهادة» از او بار مانده که دو مرتبه در تبریز چاپ
شده است.

حدیقه الشعراء (۱/ ۷۵۳-۷۵۲)، الدربعه (۲/ ۴۶)،
رحانه (۳/ ۱۰)، سعینه المحمود (۱/ ۳۷۲)، المآثر و
الآثار (۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۹۵)، مصحفیه
حرب (۷۶-۸۷).

سرخی، ابوالعباس و ابوالعباس سرخی،

سرخی، ابوالفضل محمد بن حسن، (س چهارم
ق)، صوفی، وی مرید ابوالنصر سراج و پیر مراد شیخ
ابوسعید ابوالخیر بود. خاتماهی در شارستان سرخی
داشت که پس از مرگش سالها به نام او و به نام مریدش
حمد فله‌ای دایر بوده است. داستانهای از زندگی
ابوالفضل حسن در کتب تصوف دریده می‌شود که غالباً
آمیخته با داستانهای لقمان سرخی است.

سرالرحم، تنقبات (۲/ ۶۷۲-۶۷۳)، تذکره الاولیاء،
۳/ ۳۲۷-۳۲۹، کشف الاسرار (۵/ ۲۰۷-۲۰۶)، ۶/
۲، کشف المحجوب (۲۰۶، ۲۳۲، ۲۸۷)، صحاح
الاس (۱۹۱-۱۹۲).

سرخی، رضی الدین ابوعبدالله محمد بن محمد،
روف (۵۷۱ ق)، عالم و فقیه حنفی ملقب به برهان الاسلام
یا برهان الدین. در سرخی به دنیا آمد. به شام رفت و در
حلب ساکن شد و عهده دار تدریس در مدرسه خلاویه
شد. به سبب سعادت گروهی از فقهای حنفی به دمشق
رفت و در همانجا وفات یافت. از آثار وی «المحیط
نرسی»، در فقه، در حدود چهل مجلد؛ سه کتاب به نام
«المحیط» که اولی در ده مجلد، دومی در چهار مجلد و
سومی در دو مجلد، همگی در فروع فقه؛ «الرحیر» در
اصول و فتاوی؛ «الریضه» و «الطریقه الرضویه».

الاسلام (۷/ ۲۵۱-۲۲۹)، ۱۰/ ۲۲۲-۲۲۴، یضاح
المکتون (۲/ ۵۱۴)، رحانه (۳/ ۱۲)، کشف الظنون
(۱۶۲۰، ۲۰۰۲)، لغت نامه (ذیل / سرخی)، معجم
المرتب (۱۱/ ۲۷۸-۲۷۹)، مدینه المرین (۲/ ۹۱).

سرخی، شرف الدین یوسف بن محمد بن عثمان،
(۶۲۹-۷۲۱ ق)، بساح و محدث در سرخی نشو و نما
یافت و ساکن دمشق شد. یروالی و دهی و امن رافع از
شاگردان وی می‌باشند. سرخی در دمشق «دیوان»ی
شعری لطیف همچون شعر ابن المشد و الشراء را نسخه
برسی می‌کرد
الاعلام (۹/ ۳۲۱).

سرخی، شمس الانعمه ابوبکر محمد بن احمد بن
ایمی سهل، (وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی،
قاضی و عالم حنفی. در سرخی به دنیا آمد و در آنجا
نشو و نما یافت. به سبب گفتن کلمه‌ای در پند خاتان در
اورجد زندانی گشت و کتاب «المبسوط» در فقه حنفی

سرخه‌ای تهرانی، شیخ محمد، فرزند ملا محمد باقر توشیزی. (وفات ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی از علمای دینی برجسته تهران در عصر خود و از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و حاج شیخ علی مدرس توری در علوم عقلی و از شاگردان میرزا محمد حسن آشتیانی و حاج ملا هادی تهرانی در رشته منقول بود. وی چندین سال از محضر و درس و بحث میرزای بزرگ شیرازی در سامرا استفاده کرد پس از بازگشت در محله امامزاده یحیی به اقامت جماعت و امور شرعی می‌پرداخت. از آثارش: حواشی بر «اسفار» صدرالمآلهین شیرازی. گنجینه دانشندان (۴/ ۴۸۱)، میرزای شیرازی (۱۸۸).

سرخه‌ای، شیخ ریس‌العابدین، فرزند شیخ حسین (تو ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح صالحانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس توری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت. از محضر آیت‌الله بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌الله زاده آقا محمد کمایی و حاج فضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که معتقد بود به عساکرت و از محضر میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت. سپس به ایران مراجعت کرد و در تهران در محله امامزاده یحیی به انعام و وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تممیر اساسی مزار امامزاده یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه مبسوطی بر «کفایة الاصول»؛ حواشی بر «تقوانی». گنجینه دانشندان (۲/ ۲۸۰-۲۸۱).

سردار اسعد بختیاری، علی‌قاسم خان، فرزند حسین‌قلی خان. (تو ۱۲۳۶-۱۲۹۶ ش)، مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. یکی از رؤسای معروف بختیاری و یکی از دوفاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار بود. مدتی در زندان ظل‌السلطان بوده. سپس به کمک میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان از زندان آزاد شد و به تهران آمده به پاریس رفت و مدتی در آن شهر مقیم بود. سپس به اصفهان بازگشت و نهایتاً به تهران آمد. در زمان حیات چند بار به نمایندگی مجلس شورای ملی و وزارت رسید. در تهران وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد. از ترجمه‌های او: «پولیتا».

و در سی جزء در همان زندان در حاشی که هیچ کمایی همراهش بوده نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرمانه رفت و به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان‌جا ماند. از دیگر آثار وی: شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد شیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول» در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضي علی مذهب ابی حنیمه».

الاعلام (۶/ ۲۰۸)، روحانه (۳/ ۱۲)، الکنی و الألقاب (۲/ ۳۱۳)، کشف الظنون (۳۶/ ۱۱۲)، ۵۶۱، ۵۶۸، ۹۶۳، ۱۴، ۱۰۷۹، ۱۴۱۴، ۱۴۵۲، ۱۵۸۰، ۴۶۲۰، ۱۶۲۸. لغت نامه (قبل / سرخسی)، معجم‌المؤلفین (۸/ ۲۲۹)، ۲۶۸-۲۶۷.

سرخوش، ابراهیم. (۱۲۹۰-۱۳۶۰ ش)، موسیقیدان و نوازنده از دوران کودکی نواختن ضرب و تار و آواز پدر شروع کرد. در هجده سالگی از همدان به قزوین آمد و کلاس موسیقی تشکیل داد و سپس در رشت نت و نواختن ویولن و پیانو را از یک تحصیلکرده موسیقی آموخت. او در نواختن تار، سه تار، سنتور، ضرب، پیانو و ویولن توانا بود. اما ساز اصلی وی تار بود. از زمان تأسیس رادیو، تکنوازی تار را در این سازمان شروع کرد و نواختن سازهای دیگر را کنار گذاشت. سپس روح‌الله خالقی او را به هنرستان موسیقی ملی دعوت کرد و وی کار در ارکستر آنجا را شروع کرد و با خوانندگانی چون روح‌الکیزی، بنان، ادیب خوانساری، بدیع‌زاده، ضرابی، ویری و برنامه رادیویی اجرا می‌کرد. وی بیش از پنجاه سال سابقه نوازندگی و سی سال سابقه آهنگسازی داشت که در این مدت آهنگهای فراوانی را از خود به یادگار نهاد.

تابع نحل ضبط موسیقی (۳۲۰)، میمای هنرمندان (۱/ ۱۵۹-۲۰۲)، برهان موسیقی (۱/ ۲۸۹-۲۹۲).

سرخوش اصفهانی، میرزا عبدالمحمود، فرزند میرزا محمد صادق. (تو ۱۲۸۲ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد. از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. از اوست: ز توبه توبه نمودم به رهم زاهد و مفتی بین درسی عهدم که توبه را نشکستم تذکره شرای محاسن اصفهان (۲۳۹-۲۴۰)، الذریعه (۹/ ۴۳۹).

عاصمہ الانگلیس ۴۴، اپنی و ورژنی ۴۵، تاریخ حمیدی - مصلحان
عبدالحمید عثمانی ۴۶، مختصر فرعون ۴۷، پیل گاریل ۴۸
فروکامبول ۴۹، شرح حال ہانری سوم ۵۰، عشاق ہارس ۵۱
مادموازل مارگریٹ ۵۲، ہرمس مہری ۵۳، سفرنامہ ہی
برادران شرلی ۵۴، ترجمہ عہدنامہ حضرت امیر، کتاب
تاریخ بختیاری، از تألیفات اوصاف

تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۵/ ۱۰۷۷-۱۰۸۴)،
تاریخ سرگزیدگار (۹۸۱-۱۲۰۰)، سدره القیو (۱۲۱۱-
۱۲۲)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۷۵-۲۷۶)،
شخصیت‌های نامی (۱۰۱-۹۹)، شرح حال رجال /
۲۶۸-۲۶۵، مواهب کتب چاپی (۲/ ۵۷۱-۵۷۲)، یادگار
(ص ۵ ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱-۹۹).

سردار کابلی کرماتشاهی، حیدر قلی خان، فرزند
 نورمحمد خان نایب السلطنه کابلی. (۱۲۹۳-۱۳۷۲ ق)،
 عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم،
 رجال، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن
 چهاردهم قمری بود. اصلش از ایوان و از قریه‌اش است.
 پدرش ساکن افغانستان بود. سردار در کابل به دنیا آمد.
 در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چنانچه
 دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و
 زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش به همراه
 خانواده به عراق رفت و در کازمین ساکن شد. معلم وی
 در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و
 شش سال نیز در عراق به وی آموزشی داد و او در حساب
 و هندسه و هیت و جغرافی و علوم غربیه صاحب نظر
 شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عبری و فارسی و
 سانسکریت و هندی و عبری و لاتین دستنی توانا داشت.
 سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدید
 به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف
 رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی
 رشتی چهاردهی و شیخ علی اصغر تبریزی و دیگران
 فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آموخت. در
 ۱۳۱۰ ق در خدمت پسر حاکم ایران شد و در کرماتشاه با
 شیخ عبدالرحمن شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب
 کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ
 خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری
 و محدث قمی و سید آقا یحیی تهرانی و سید محسن
 امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ
 مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار

کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت الله حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده خود را به ری سپرد و از او ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کورمانشاه به نشر احکام و تألیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کورمانشاه درگذشت و حصاره ش به رحمت انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی السلام دفن شد. از آثار وی «الاریعون حدیثاً»، در فصول امیر مؤمنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «بصره الحرمی تحقیق ابکر»، در بیان تطبیق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفة الاحیاء»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفة الاجلّة»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هینت و جغرافی تیار است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در احوال عدکی؛ کتابی در «المساحة»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایة التعديل فی معرفة حقیقة الاوران و المکابیل»؛ «کشف القناع فی تحقیق الميل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمؤمنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف ادق جورشید؛ «دیوان ابو طالب (ع)» و شرح «لامیة» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبة حضرت رینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مشوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الذرر النذیرة»، شبیه به «کشکول» در سه مجلد

١٦، المجلد (١) / ١٩٧ - ٢٠٠٢، ص ٣٤٠، أميان الشيخه، ١٥ /
٢٧٣-٢٧٤)، الذي يصفه، ١ / ٤١٥، ٤٩٣، ص ٢٩٩، ٢ /
٣٩٧، ٣٩٠، ٨ / ٧٩، ١٠ / ٣٩، ١٦ / ١١، ١٧ / ١٢، ٢١ /
١١٩، ٢٢ / ٢٨٣)، ويستخدمه (٣ / ١٦٣، ١٥ / ١٧، ١٥ /
خطبات اعلام الشيعة (قرون ١٤، ١٢، ١٩٩٩، ص ٩٩٩)، عماد
مباشرين (٢٩٩، ٢٩٩)، كشيخة فاضل محمدان (١٥ /
٢٢٧، ٢٢٥)

سرور شہ، علی اکبر ۽ یرزین، علی اکبر.

سرعت مازندوانی، میر محمد حسین، (م یاردهم ق)، شاعر، متخصص به سرعت. اهل آمل بود مدتی در کریمیا ساکن بود و سفری نیز به اصفهان کرد. اشعاری از او به جا مانده است

تذکرهٔ نغم آبادی (۴۱۱)، الذریعه (۴۴۰ / ۹)، شمعی
مازندران و مکران (۱۴۲) صبح گلش (۲۰۲)، فرهنگ

سخت‌نویس (۱۳۴۷-۱۳۴۸)، مخزن، المراف (۲/ ۶۶۲)

چپ (۳/ ۲۹۱-۲۹۲)

سرکش. (ص پنجم و ششم م)، موسیقیدان و خواننده از رامشگران چیره‌دست دوبار خسرو پرویز ساسانی بود. محتمل است که وی مطربی یونانی و نام اصلی وی سرگیوس بوده، که به سرگس و اندک‌اندک به سرکش و سرکش تبدیل شده است. سرکش نیز که در روایات و اشعار فارسی یکی دیگر از رامشگران خسرو پرویز دانسته شده، ظاهراً تحریری در همین نام سرگس است او معاصر یارک بود

استادان موسیقی (۱۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۴۹-۵۵۰)، تاریخ موسیقی (۱/ ۵۶، ۵۸، ۵۷-۵۶)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۷۰۸-۷۰۶)، تمدن ساسانی (۱/ ۱۷۷-۱۷۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۲۸۸)، لغت نامه (ذیل/ سرکش).

سرگش ← سرکش.

سرگشته، میرزا عبدالله ← اشتهای اصفهانی.

سرمد تهرانی، سید هادی، فرزند سید محمدعلی (۱۲۸۳/۱۲۸۶-۱۲۸۹/۱۳۳۹ ش)، ویرانگر و دانشمند شاعر. در تهران متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت سرمد از سال ۱۳۰۹ ش به کار وکالت دادگستری پرداخت و از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای و سالها سمت مشاور حقوقی و وکیل امور قضایی دربار سلطنتی و آستان قدس رضوی را به عهده داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش امتیاز روزنامه صدای ایران را گرفت. در ۱۳۲۲ ش پس از جنگ جهانی دوم به دعوت دولت انگلیس به انعقاد چندین روزنامه‌نگاران به آن کشور عزیمت کرد و از آن جا به فرانسه رهسپار شد. در ۱۳۲۸ ش جزو مترجمین شاه به عنوان ملک‌الشعرای دربار به پاکستان رفت و قصاید و قطعاتی به یادگار این سفر سرود. در تهران بر اثر بیماری سرطان درگذشت و در بن پانویه دفن شد. از آثار وی: «درآی کاروان»، «شعر» «سعیدی»، «شعر» «کبوتر هلم»، «شعر» «بنام کمال» شعر.

ادبیات معاصر (۵۶)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۷۶۳-۱۷۶۸)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، مؤلفین کتب

سرمد کاشانی، محمد سعید. (مقتول ۱۰۷۰ ق)، شاعر، متخلص به سرمد. مشهور به سعید. وی آرامه و یا یهودیان کاشان بود که مسلمان شد، سپس به تصرف درآمد. به درجه نالایی در عرفان نایل شد. محضر میر انراقاسم قندرمسکی و ملا صدق‌ای شیرازی را درک کرد، در خدمت مشایخ به تصفیة باطن پرداخت، آخرالامر مجذوب شده، به هند رفت. پس از چندی اقامت در تن به لاهور رفت و سپس به حیدرآباد دکن و از آنجا به دهلی عزیمت کرد و در آن شهر با پسر شاه‌جهان آشنایی یافت. لیکن عالمان شرع با او به دشمنی برخاستند و سرمد به فتوای یکی از عالمان به نام ملا عبدالقوی و موافقت فقیهان دیگر به قتل رسید قبرش نزدیک مسجد جامع شاه جهان آباد و مزار اهل دل است. از آثارش: «ریاضیات شاه سرمد سرمدت»، که در ۱۳۰۹ ق در بمبئی به چاپ رسید.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۲۸-۱۲۳۰)، تذکره تصنیف‌های (۳۱۱-۳۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۲۸۹)، دیبالة چسبجو در تصرف (۲۶-۲۵)، المریعة (۱/ ۴۴۰-۴۴۱)، ریاض‌الموعین (۸۸-۸۶)، ریاضه (۳/ ۱۷-۱۶)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، کاروان هند (۱/ ۵۳۷-۵۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ سرمد)، مجمع‌الفصحی (۴/ ۲۸)، مؤلفان فاضلان (۱۲۰-۱۲۲)، مؤلفین کتب چپ (۳/ ۲۲۶).

سرمدی اصله‌ای، ملا محمد شریف. (وف ۱۰۱۵ ق)، شاعر، متخلص به فیضی و سرمدی. ملقب به شریف. مرقد و منشاء وی اصفهان است. در زمان کبر شاه به هند رفت. همیشه در ملازمت فضل و ادبا به سر می‌برد. مدتی به همراه شریف آملی به بنگاله رفت. در زمان اکبر شاه در هند درگذشت. اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است.

تذکره دور ورشی (۲۵۳)، الذریعة (۹/ ۲۳۱)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، کاروان هند (۱/ ۵۳۷-۵۳۶)، مخزن المراف (۲/ ۶۰۳-۶۰۴)، نشتر حسن (۲/ ۷۲۱)، هفت انلیل (۲/ ۴۲۲-۴۲۱)

سرمدت، میرزا عبدالکریم خان، فرزند میرزا محمود (ز ۱۳۰۵ ق)، قاضی و شاعر، متخلص به

سرمست از آثار وی: کتاب «حقیقه الانصاف»، در عرفان، به طریق سؤال و جواب، که در حدود ۱۳۰۵ ق تألیف کرد

(الدریچه (۶/ ۳۸۰)، ویحانه (۳/ ۱۷))

سرنائی، استاد حسین، (س دهم ق)، نوازنده، در دره شاه ظهاسب صفوی می زیست. وی را به دلیل اینکه در مجالس سرتا می نواخت، گرفتند و مدتی محبوس کردند و آخر قسم دادند که جز در تهرخانه همیون هر جای دیگری نوازد.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۸۲)، تاریخ همراهی ملی (۱/ ۴۹۸)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۹۰).

سرود، غلامحسین، فرزند محمد علیخان، (تو ۱۲۷۳ ش)، مؤلف، فرهنگ نویس و شاعر، متخلص به سرود. هل محال، راک بود. در تهران متولد شد. از طرف مادر نواذ میرزا محمد علی متخلص به ناطق از شعرای زمان شاه سلطان حسین صفوی بود. مقدمات و مانی علوم و ادبیات را نخست با اسلوب قدیم نزد استادان دینی آموخت و سپس در مدارس جدید به تحصیل علوم و زبانهای مختلف پرداخت. در ادبیات غرب نیز تحقیق و تخصص بسزا نمود و با دانستن زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ترکی و عربی در ادبیات خارجی، علوم ادبی و ریاضیاتی و مباحث مالی و اقتصادی، صاحب مطالعات و نظرات دی قیمت بود. او از درازده سالگی به شاعری و سخن سرایی پرداخت، ولی علاقه ای به جمع آوری اشعارش نداشت. اشعار مرحوم او از سنین سی به بعد می باشد که عده کمی از آنها در کتب و مجلات ادبی انتشار یافته است. سرود از نظر خدمات دوستی فردی نظامی بود و تارتیه سرتیپی ارتقاء یافت از آثار وی «فرهنگ لغات عربی مصطلح در زبان فارسی»، «مجموعه امثال انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ترکی، عربی با مرادفات فارسی»، در پنج مجلد.

از بهار تا شهریار (۳۴۴-۳۴۷)

سرودی خوانساری قس (س دهم ق)، خواننده و شاعر، متخلص به ایمنی و سرودی. از استادان موسیقی زمان خود بود و مرل را نیکو می سرود. او با حکیم زلالی و تابعی و حتی معاصر بود آواری خوش داشت و به خوانندگی روزگار می گذراند. در زمان سلطان محمد

صفوی بدرد حیات گشت. اغلب تذکرة نویسندگان او را در موسیقی صاحب تصنیف دانسته اند

تاریخ اصفهان (۲۷۴)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۲)، تحفه سامی (۲۸۷-۲۸۸)، تذکرة رود روش (۲۵۳)، تذکرة شعرای خوانسار (۱۰۱-۱۰۲)، الدریچه (۹/ ۴۴۲)، فرهنگ سخنوران (۴۴۹)، مجمع الخواص (۲۲۳-۲۴۲)، هفت اقلیم (۲/ ۴۸۶).

سرور بن عبدالله، (ز ۱۰۹۱ ق)، خطاط از آثار او یک نسخه «تفسیر آصفی»، به قطع ویری با کاعده دولت آبادی، به خط نسخ تحریر خفی متوسط، با رقم: دکنه العبد سرور بن عبدالله، می شهر معمر الحرام سنة احدى و تسعين بعد الالف (۱۰۹۱).
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۷۹).

سرور خوانساری، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا محمد علی، (س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به سرور. در خوانسار متولد شد. در زمان محمد شاه قاجار به تهران آمد. قصیده را بسیار نیکو می سرود و به علت قریحه سرشار و استعداد ذاتی به دربار قاجار راه یافت و در سبک مستایشگران خاصه درآمد. وی برای هر مناسبتی قصیده و چکامه ای می سرود. سرور با مشیری طوسی و عباس فروغی همعصر بود و با آنها شاعره می کرد.

تذکرة شعرای خوانسار (۱۰۹۱-۱۰۹۰)، حدیقه الشعراء (۱/ ۷۵۸-۷۶۰)، الدریچه (۹/ ۴۴۲)، گنج شایگان (۱۹۵-۲۰۲)، مصطفی خراب (۸۷).

سرور شیرازی، میرزا محمد، فرزند میرزا کاظم (رف ۱۳۱۵ ق)، طلیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد. «قانون» شیخ الرئیس را تدریس می کرد. کتاب «ارشحات الفتون» در ادبیات تألیف او است.

آثار مجم (۱۱۶)، الدریچه (۹/ ۴۴۲-۴۴۳)، ریخته (۳/ ۹۰۱).

سرور قاجار، ظهاسب میرزا، فرزند محمد علی میرزا، (س سیزدهم ق)، شاعر. حکومت کرمانشاهان و همدان و گروس و مضافات آن را داشت. از اوست.

سروری کاشانی، محمد قاسم بن حاج محمد. (ز ۱۰۳۶ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور، بنالیایی پیترو دلاراله دیداری داشت. در ۱۰۳۲ ق به هند مسافرت کرد و دربار شاه جهان را درک کرد سپس به زیارت کعبه رفت و در راه درگذشت. او آثارش: «مجمع الفرس» یا «فرهنگ سروری» یا «المث فرس سروری»، که بعد از شخص در آثار شاعران قدیم و باری جشن از شاترده فرهنگ پارسی به سال ۱۰۰۸ ق کتاب خود را به نام شاه عباس صفوی تقدیم کرد. او تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم یک وزیر شاه عباس نوشت. از وی اشعاری تبر در دست است.

اعیان‌الشیعه (۱۰/۳۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/۳۸۰-۳۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۸-۳۹۷)، تذکره مصرا، دی (۲۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱/۱۲۹۰)، الذریعه (۹/۴۲۳، ۲۰/۳۸۳۷)، ریحانه (۳/۱۹)، سرآمدان فرهنگ (۱/۲۵۱)، صبح گلشن (۲۰۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶-۲۶۵)، فرهنگ مشهوران (۴۵۰)، فرهنگهای ماوسی (۱۲۴-۱۲۳)، کاروان خط (۱/۵۵۴-۵۵۰)، کشم‌الظنون (۱۵۵۸)، لغت‌نامه (دیل / سروری)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۹۰۴)

سروری، موشق. (تو ۱۲۹۱ ش)، نویسنده و کارگردان. وی علاوه بر کارگردانی و نویسندگی، جزو تهیه‌کنندگان و دکوراتورهای فیلم فارسی بود. او در تهران به دنیا آمد و فعالیت سینمایی‌اش را از ۱۳۱۶ ش با تهیه مجموع فیلم‌های مولتی پلبکامبیون (سقاشی متحرک) شروع نمود وی در ۱۳۲۲ ش در تئاتر تهران به عنوان دکوراتور مشغول به کار شد. سروری از مؤسسين تئاتر ملی در محل «مالن ژورتشيان» (۱۳۲۳ ش) و تئاتر نو در محل سینما پردیس (۱۳۳۰ ش) بود. او فعالیت در سینمای ایران را از ۱۳۳۳ ش با «مشتاب خونین» شروع کرد. از عمده فیلم‌های وی «شاهنامه آخرش خوشه» است که به سال ۱۳۴۰ ش ساخت.

تاریخ سینمای ایران (۱۹۹، ۲۰۰، ۲۷۲، ۹۶۷، ۹۷۶)، فرهنگ سینمای ایران (۱۳۷)، فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران (۱/۳۲۰-۳۲۱، ۲/۶۹۸).

جروس امور دگر آه و فغانی دارد
گوئی از دل گسم گشته نشانی دارد
بشاید از دایره محنت دوران به کنار
هر که از پیر مغان خط آمانی دارد

سقیةالمجمود (۱/۲۲-۲۳)، مصطفی خرمی (۸۵)،
نگارستان دارا (۳۶).

سرور محمص گیلانی به مهکامه محمص
لاهیجانی.

سرورالملک، محمد صادق خان، فرزند مطلب خان کمانچه کش. (ز ۱۳۲۲ ق)، موسیقیدان و سوازیده. معروف به آقا محمدصادق ستورچی، محمد صادق خان و رئیس. سبب شهرتش به رئیس به جهت سرپرستی عملاً طرب (توازندگان درباری و ستاره‌خانه) دربار ناصرالدین شاه قاجار بود. لقب سرورالملک و ناصرالدین شاه به وی داد. او توازیگی کمانچه را از پدر خود آموخت و مستور را از حسن خان ستورچی فراگرفت و چنان در این ساز پیشرفت کرد که بعد از مرگ استاد خود، نوازنده بنام این ساز شد. محمد صادق خان علاوه بر تار، مستور، پیانو، سه تار و نیز با مهارت‌های ظرافت تمام می‌نواخت. او اولین کسی است که وقتی پیانو به ایران آمد با این ساز تقه‌های ایرانی نواخت. تنها شاگرد او در سه تار منتظم‌الحکما صلیحی بود. از شاگردان وی که بعدها به درجه «استادی» رسیدند مشیر همایون، سماع حضور، علی‌اکبر شاه‌ی، حسن ستوری، خانم زینب و گنبدار بودند. سرورالملک که دیر زمانی مبتلا به پا درد بود، سراسیمه زمین گیر شد. وی پس از عمری نسبتاً طولانی در تهران درگذشت.

استادان موسیقی (۵۹-۵۸)، تاریخ محول صبط موسیقی (۶۳، ۸۱، ۸۴)، تاریخ موسیقی (۲/۵۱۲-۵۱۷)، تاریخ هنرهای ملی (۲/۹۶۹-۹۷۱)، سرگذشت موسیقی (۱/۵۰، ۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳)، شرح حال رجال (۵/۲۵۱-۲۵۰)، کارنامه پررگان (۳۱۷-۳۱۹)، مردان موسیقی (۲/۳۳).

سروری، استاد چواده. (وف ح ۱۳۲۰ ش)، سازنده ساز. از اساتید سازنده تار در مشهد بود. وی سه تار هم می‌ساخت و در کار خود مهارت داشت.

تاریخ موسیقی (۲/۶۹۸)

سروری یزدی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سروری. به هند رفت و با اعتمادالدوله جهانگیری مصاحب شد، بعد از مدتی به دکن رفت. با هارف ایگی و طالب آملی و مسیح کاشانی قصیده «بیچ ردیف» را طرح کردند.

کاربان هند (۱/ ۵۵۵-۵۵۶)

سروش اصفهانی، میرزا محمد باقر، (وف ۱۲۰۵ ق)، شاعر و خطاط. اهل اصفهان بود. از شاگردان درویش عبدالمجید شکسته نویسی بود. سروش خط شکسته را خوش می نوشت. در تحت فولاد اصفهان مدمون است. از دوست:

با تو گویم شمعینی از سرگذشت

بی تو آب دیده ام از سرگذشت

سفینه المصنوعه (۱/ ۳۷۰-۳۷۱)، فرهنگ سخنران

(۲۵۱، ۲۵۰)، نگارسان دانا (۱۹۹۱-۲۰۰۰)

سروش اصفهانی، میرزا محمد علی، فرزند قنبر علی اصفهانی مدعی، (۱۲۸۵-۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به سروش. ملقب به خاں و شمس الشعراء. وی در سده اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در همین جا گذراند. از دوران نوجوانی از طبعی سرشار و غریزوی بهره مند بود و مورد توجه و تربیت حاجی سید محمد باقر رشتی که علاوه بر ریاست خاصه و همامه داری کمالات علمی بود، واقع گردید. از اصفهان به گلیایگان رفت و سپس به تهران آمد و پس از چندی به اتفاق شاهزاده محسن میرزا متخلص به دارا به تبریز رفت و به دربار ناصرالدین میرزی ولیمهد راه یافت و مورد اگرام و انعام او واقع شد و لقب شمس الشعرائی یافت. اقامت او در تبریز چهارده سال به طول انجامید و بعد از فوت محمد شاه قاجار در ۱۲۶۲ ق، به همراه ناصرالدین شاه به تهران آمد. به دستور بهمن میرزا، پسر چهارم عباس میرزا دبیرالسلطنة، اشعار عربی «الف لیلة و لیلة» را به فارسی بیع و شیوایی ترجمه کرد. در تهران وفات یافت. از دیگر آثار وی: مثنوی «اردیبهشت نامه»، «ساقی نامه»، «اللهی نامه»، «شمس المصنوع» قصایدی در مدح و منقبت حضرت رسول (ص) و خاندانش، مثنوی «روضه الانوار» در ذکر واقعه کربلا، «دیوان»ی به نام «زینة المذایح»

از هیاتان (۱/ ۹۳۸۶)، حلیقه الشعر، (۱/ ۷۶۷-۷۷۳)

آذریمه (۹/ ۲۲۲-۲۲۳)، ریحانة (۳/ ۲۰)،

سرآمدان فرهنگ (۱/ ۴۵۲-۴۵۳)، شرح حال رجال (۳/ ۲۳۳-۲۳۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶)، فرهنگ سخنران (۷۵۰)، گنج سخن (۳/ ۲۲۹-۲۳۰)، گنج نسیبگان (۲۰۲-۲۰۳)، ۵۵۶-۵۵۷، بخت نامه (دبلیو سروش)، المأثر و الآثار (۵/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۶۹-۲۷۰)، مجمع الفصحا (۲/ ۴۲۹-۴۳۰)، مکارم الآثار (۲/ ۷۵۸-۷۵۹)، یدگار (س ۵ ش ۱ و ۲، ص ۱۰۳-۱۰۲)، باستانهای قزوین (۸/ ۱۹۱)، پیمان (س ۱، ش ۳ تا ۹، ص ۱۲۳-۲۰، ۱۸۸-۱۸۹، ۲۰۱-۲۰۲، ۲/ ۳۴۷-۳۴۸، ۳۵۲-۳۵۳، ۳۹۸-۴۰۱).

سروی بیرجندی، فرزند حافظ علی (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. به علم قرابت مسلط بود. از ارست. کاشکی دامن کشان آید قد رعنائی او
نابیند دیده عیرویشان پی او
الذریعه (۹/ ۴۲۳)، صبح گلشن (۲۰۳)، مجالس العرائس (۱۵۷)، محزون العرائس (۲/ ۵۸۸)

سروی خراسانی - سروی بیرجندی

سری پود، ابی، سید ابراهیم، فرزند سید ابوالقاسم. (۱۳۲۱/ ۱۳۶۹-۱۳۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به سری. در قریه بوده از دهات سمیرم سغلی متولد شد. از ابتدای جوانی جهت کسب علم و دانش به اصفهان رفت و در خدمت استادان این شهر مقدمات علوم را کسب کرد از جمله استادان وی میرزا یحیی مدرس پیدآبادی معروف به کاشمیر بود. در مسابقة ادبی وادپو لندن در ۱۳۲۶ ش در بین ۴۷۳ نفر از شرکت کنندگان جزو دو نفر ممتاز شد. در تهران درگذشت و در قم دفن شد. او آثار وی: «آخرین قانون سامنام»، «دیوان» اشعار، «سرمایه سری»، شعر، «مکاشفات».

تذکره شعرائ معاصر سمنان (۲۲۳-۲۲۴)، الذریعه (۹/ ۴۲۵)، مؤلف کتب چاپی (۱/ ۶۶)

سروی قزوینی، فرزند علی شهاب الدین، (س نهم ق)، شاعر. از ولایت قزوین بود. از دوست:
بود در دهوی به ابرویت مه نو تیر و تند
دید چون خورشید رویت کرد خود را گرد و خند
الذریعه (۹/ ۴۴۵)، مجالس العرائس (۵۷/ ۲۴۰).

علم حساب و ریاضی نیز بد طولایی داشت. در ۱۳۳۹ ق در همتاد سالگی بازنشسته شد و به امور زراعتی پرداخت. وی عضو انجمن کتابخانه ملی و اتحادیه فلاحی بود و همچنین ریاست انجمن حمایت زندانیان را داشت. از آثار وی: «شرعیات»، «جغرافیای ابتدایی»، «خلاصه الحساب»، «حقوق بشری»، «در اخلاق»، «جامع الحساب»، «آداب پرورش جوانان»، «دوره حساب» دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۰۹۸-۱۱۰۰)

سعدت حوری اصفهانی، حسین. (س چهاردهم ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. از کارمندان وزارت دارایی بود و در تهران اشتغال داشت. از آثار وی: ترجمه‌ها: «آشنایی مردم آمریکا با اتم یا تاریخ تحولات اتم»، «آوانس دین گوردن»، «تاریخ مختصر ایران»، «سیرسی سایکس»، «جنگ انگلیس و ایران در ۱۲۷۳ ق بر سر مسئله هرات»، «کاپیتان هنت انگلیسی»، «سفرنامه ژنرال سرهرسی سایکس بازده هزار میل در ایران»، «شهرهای نامی ایران»، «لکهارت. تألیفات: «گنجای ادب»، تذکره شعرای اصفهان یا عکس آن»، «حواشی» «تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و یختیاری»، دکتر نورالله دانشور صوی.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۱۳۴۲-۱۳۴۶)، الذریعه (۹/ ۱۳۴۵)، مولف کتب چاپی (۲/ ۱۳۵۲-۱۳۵۴).

سعدالدین. (س نهم ق)، طوایح، نجات و نقاش. در کتابخانه پستقر میرزا به طراحی و نقاشی روغنی مشغول بود. نام وی جبرو هنرمندان کتابخانه سلطنتی جعفر بایستقری ثبت شده است. احوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۳۵۹).

سعدالدین قفتازانی - قفتازانی، سعدالدین مسعود.

سعدالدین حموی - حموی، سعدالدین ابوالسعدات محمد.

سعدالدین کازرونی، فرزند تاج‌الدین. (ز ۸۸۹ ق)، خطاط از آثار او یک نسخه «ترجمه تاریخ طبری»، به نسخ عثماني کاغذ اصفهانی، مجدول و مذهب، یا محمد تیماح تریاکی، به خط نسخ تحریر حقی متوسطه، با رقم: «فی تاریخ صرة رجبالمرحب سنة تسع و ثمانین و

سعدت، شیخ محمد حسین، فرزند شیخ محمد علی مجتهد. (۱۲۴۴-۱۳۱۴ ش)، مدرس و نویسنده. معروف به سعدت در نجف به دنیا آمد و در همان شهر و شیراز به کسب معلومات پرداخت. در ۱۳۱۶ ق به تهران آمد و در مدرسه افتتاحیه به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۱۷ ق به بوشهر رفت و مدت بیست و پنج سال معلم و مدیر مدرسه سعدت آنجا بود. به همین سبب به سعدت مشهور گردید که بعدها نام خانوادگی او شد. سعدت در دوره چهارم از طرف مردم لارستان، به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و به تهران آمد. سپس به بادر جنوب رفت، در شیراز ساکن و مدیر مدرسه شعاعیه آن شهر شد و در همان جا وفات یافت. از آثار او: «تاریخ خلیف فارس»، «کتاب مختصری در منطق»، «تاریخ مختصر ایران».

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۱۳۷۰-۱۳۷۱)، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر (۲/ ۱۳۷۰-۱۳۷۱)، شرح حال رجال (۶/ ۱۳۳۱-۱۳۳۰)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۱۳۵۳)، تنبکات سیاسی (۲/ ۱۳۴۱).

سعدت بوشهری، شیخ عبدالکریم، فرزند شیخ محمد علی مجتهد. (۱۲۹۷-۱۳۷۸ ق)، دانشمند، مدرس و روزنامه‌نگار. در نجف متولد شد. در کسب سالگی به همراه پدرش به کازرون رفت. مقدمات فارسی و عربی را در آنجا آموخت و در ۱۳۱۶ ق برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و یکسال در مدارس قدیمی شیراز تحصیل کرد. در ۱۳۱۷ ق به همراه برادرش شیخ محمد حمین سعدت برای تأسیس مدرسه سعدت به بوشهر رفت و در آن مدرسه سمت نظامت یافت و در قسمت علوم ادبی و ریاضی مشغول به تدریس شد و مدت دوازده سال بدین کار پرداخت تا در سال ۱۳۲۹ ق به نجف رفت و در آنجا به اصرار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به مدیریت و تدریس در مدرسه حلوی به مدت سه سال مشغول شد. بعد از پایان جنگ جهانی اول به شیراز رفت و از سال ۱۳۲۸ ق در مدرسه منصوریه و دیگر مدارس قدیم و جدید شیراز به تدریس در رشته ادبیات و ریاضیات پرداخت و به مدت ده سال نیز ریاست اداره اوقاف را بر عهده داشت. وی همچنین سر دبیر روزنامه «عدالت» بود. سعدت علاوه بر احاطه به زبان عربی و آشنایی به زبان انگلیسی و مهارت در ادبیات عربی و فارسی و سایر علوم قدیمی و دینی، در

ثمانیة الهجرية ... سعدالدین بن قاج الدین بن علی بن محمد بن نجیب کازرونی، ۱۸۸۹).
اسرار و آثار خوشنویسان (۱۰۷۹/۴).

سعدای اردستانی، به زکی اردستانی، میر سعید

سعد بها، سعدالدین بن بهاء الدین، (س هشتم و هشتم ق)، شاعر، متخلص به سعد بها، راوست.
اصومس که معشوق به دست دیگران است
وین عاشق بیچاره به حسرت نگران است
تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۶-۱۱۲۷)، تاریخ گریده (۱۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۲۲)، حبیب السیر (۱۳۶۷)، الذریعه (۱۳۶، ۹)

سعد سمرقندی، سعدالدین اسعد یخاری، (س ششم ق)، شاعر، در سرودن شعر دارای طبعی لطیف بود. اکثر سروده‌های وی در قالب رباعی است
تذکره رور پوش (۲۷)، الذریعه (۱۱۷۲/۹)، باب لایب (۲/۲۸۲-۲۸۳)، لغت نامه (ذیل / سعدالدین)، هفت الملم (۲/۲۲۲).

سعد گل شیرازی، (س هشتم ق)، شاعر. در کنار شیر حافظ شیرازی مدفون است. از وی اشعاری به جای مانده است

تاریخ نظم و نثر (۴۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/۱۰۱-۱۰۲)، الذریعه (۹/۴۲۷)، فرهنگ سخنوران (۴۵۳)، هفت الملم (۱/۲۱۵)

سعدی شیرازی، مشرف الدین / شرف الدین / مصلح الدین ابومحمد، فرزند عیدالله. (۶۰۵/۶۰۶-۶۹۱/۶۹۲ ق)، شاعر، نویسنده و عارف. در شیراز متولد شد. از خاندان علم و فضیلت بود که تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاهش فراگرفت. در اوان جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه که خاص شافعیان بود، به تحصیل علوم ادبی و دینی نزد استادان بزرگی چون شهاب الدین سهروردی و ابن جوزی همت گماشت و سپس به عراق و شام و حجاز سفر کرد و در عهد حکومت اتابک سلفری ابریکر بن سعد بن زکی به شیراز بازگشت و منظومه حکمی «بوستان» را در ۶۵۵ ق به وزیر تقدیم کرد و سال بعد «گلستان» را در مواظ و حکم به نثر مرزب آمیخته با

قطعات شعری در انگیز به نام شاهزاده سعد بن ابریکر درآورد و به وی تقدیم نمود و از آن پس قسمت همدی عمر خود را در شیراز و در خاتمه خود زیست. سعدی، یکی از سه شاعر بسیار بزرگ و بلامنازع فارسی است. در سحر او غزل عاشقانه به بالاترین حد لطافت و زیبایی رسیده و لطیف‌ترین معانی در ساده‌ترین و فصیح‌ترین و کامل‌ترین الفاظ آمده است. در حکمت و موعظه و ایراد حکم و امثال او هر شاعر پارسی‌گوی موفق‌تر است و نثر مرزب و آراسته و شیرین و جذاب او در «گلستان» بهرین نمونه نثرهای فصیح فارسی است. وی به سبب تقدم در نثر و نظم از قرن هفتم به بعد همواره مورد تقدید و پیروی شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی ایران و خارج از ایران بوده است. در شیراز درگذشت. از آثار مشهور دیگرش عمر ر «گلستان»، «مجالس پنجگانه»، «تصنیع‌السلوک»، «فرمالة عقل و عشق» و «تقریرات ثلاثه» را می‌توان نام برد؛ اشعارش به قصائد و مراثی و ترجیمات و چند مجموعه غزل و مقطعات و جز آن تقسیم می‌شود و کلیات سعدی، باها در ایران و سایر کشورها طبع شده است

آثار عجم (۲۶۷-۲۶۸)، ارمغان (ص ۲۱-۳۲)، کاروان حسه (۲۲۹-۲۵۲)، بزرگان نامی پارس (۱/۳۲۱-۳۵۴)، بهارستان جامی (۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/۵۸۲-۶۲۲)، تاریخ بزرگ‌یادگان (۲۴۱)، تاریخ گزیده (۸۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۷)، تذکره‌الشعراء (۲۰۲-۲۱۰)، حبیب‌السیر (۲/۵۶۱-۵۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/۱۵۹-۱۶۰)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۱/۲۱۲-۲۱۳)، دایرةالمعارف بستانی (۹/۱۶۷-۱۶۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۱۲۹۶-۱۲۹۷)، الذریعه (۳/۱۵۵-۱۵۶/۴۵۰-۴۴۷)، رجال و مشاهیر نامی (۱۶/۱۹۲-۵۱)، ریاض‌المعارفین (۹۵۸۸۱)، ریحانه (۳/۳۸۳۳)، سیبک‌شناسی (۲/۱۵۶-۱۱۲)، سرآمدان فرهنگ (۱/۴۴۹-۴۶۴)، سعدی، میری، در شعر فارسی (۲۴۶-۳۳۶)، شخصیت‌های نامی (۲۳۹-۲۴۲)، طبقات اسلام‌الشیعه (قرن ۷/۱۸۱)، کارنامه بزرگان (۲۵۸-۲۶۰)، کشف‌الظنون (۱۵۰۷)، الکلی و انقلاب (۲/۲۱۳)، لغت‌نامه (ذیل / سعدی)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۳۲۵-۳۲۸)، مجمع‌الفصحی (۲/۲۷۱-۲۷۲)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۹۱)، مدارس نظامیه (۱۹۹)، سرآب‌الخیال (۴۵۴-۴۵۵)، سرآب‌انصاح

سعید، محمد سعید - سومد کاشانی.

سعید اردستانی - سعید اردستانی

سعید العلماء، ملا محمد سعید یار فروش مازندرانی. (وف ح ۱۲۷۰ ق)، فقیه، اصولی و مجتهد از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم بود. ساکن یار فروش بود. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول فقه به عراق رفت. او شاگرد برجسته شریف العلماء مازندرانی و معاصر شیخ مرتضی انصاری و سید شمع حایلافی است. پس از دریافت اجازة اجتهد از شریف العلماء به یار فروش بازگشت. ریاست علمی مذهبی وی مورد توجه ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. برخی او را هم سنگ و صدهای وی را بر شیخ انصاری ترجیح می دادند. خود شیخ با وجود او منو نمی داد تا اینکه سعید العلماء در نامه ای نوشت که «اگر من در زمان اشتغال علمی اصم از شیخ بوده ام لیکن اکنون در ایران تارک شده ام ولی شیخ هنوز مشغول علم است و اینک او برای تقلید و فتوا متعین است». حاج ملا محمد اشرفی ر حاج شیخ زین الممدین مازندرانی حایری از شاگردان بام سعید العلماء بودند و دومی از وی روایت نیز کرده است. شهید محمد بن ربیع تستری در حدود ۱۲۴۶ ق مدعی از «تقریرات» وی را نوشت.

ریحانه (۲۸/۳)، شرح حال رجال (۷۱/۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۱۳۹۹)، الکتی و الاقبات (۲/۲۱۲)، مکالم الآثار (۶/۱۹۷۱-۱۹۷۷).

سعید العلماء لاریجانی، ابراهیم (۱۲۴۸-۱۳۳۳ ش)، عالم، مدیر، مدرس و نویسنده. در آمل به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در همانجا فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و مدت پانزده سال منقول و منقول را آموخت و نزد استادانی چون میرزا محمد ظاهر ننگانی و سید عبدالله بهمانی و حاج شیخ علی مدرس نوری و میرزا ابوالحسن جلوه به تحصیل حکمت و فلسفه و در محضر میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ عبدالنبی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی بیش از نیم قرن مدیریت مدرسه قدسیه و اندسیه و سپس مدیریت مدرسه پرورش و تجارت را بر عهده داشت. از آثار وی: «احرار الایمان»، در اصول عقاید، در نبوت خاصه بر اساس «التحیل بر بابا» ترجمه

(۲۷۶/۲۷۷)، محال الان (۵۲۱-۵۲۲)، هدای المارین (۲/۲۶۲)، هفت الیم (۱/۱۹۶-۲۰۳، ۲۳۳-۲۴۴)، یادداشت های قزوینی (۲/۱۲۶-۱۲۷، ۵/۹۵-۹۶)، بها (س ۵، ص ۹۷-۹۸).

سعیدی قمی، ابو عبدالله حسین بن عبدالله / سعیدانه بن سهل (س سوم ق)، محدث امامی. وی را از اصحاب امام علی القتی (ع) شمرده اند. گویند که در میان شیعیان به غالی مذهبی متهم بوده و هنگامی که غالی مذهب را از قم اخراج کردند، او را نیز پیرو کردند. بحاشی ضمن ذکر اتهام ری گردید: «او مصنفاتی دارد که احادیث آنها صحیح است و تعداد آنها را حدود صد کتاب نوشته است. علی بن حاتم از شاگردان و روایت کتابهای او است». از آثارش: «الامامة»، «الایمان»، «التوحید»، «المتعة»، «المؤمن و المسلم»، «المکت و التریح»، «المرور».

اخیار معرفة الرجال (۲/۵)، اعیان الشيعة (۶۱/۶۸)، التریح (۲/۳۲۴، ۴/۴۷۸، ۲۳/۲۷۹)، رجال ابن داود (بسم ۲/۴۴۵-۴۴۶)، رجال الطوسی (۴۷۱)، رجال النجاشی (۱/۱۲۳-۱۲۴)، ریحانه (۳/۲۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۶/۱۱۴)، الفهرست بطوسی (۱۰۶)، الکتی و الاقبات (۲/۳۱۲)، مت نام (دیل / حسین)، هدیه الاحباب (۱۴۹).

سعید (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به سعید یا سعیدی. وی گاهی خود را سعید حامی خوانده است. سعید داستان «هیروز نجهان» را در مدت شش ماه، به نام شاهجهان سروده است از اوست:

امروز منم سعید حامی
حاکم کف خسرو نظامی
منظره های باوسی (۳۰۷-۳۰۶)

سعید، ابراهیم، سرزند محمد، (تو ۱۲۷۵ ش)، پزشک و نویسنده. در همدان متولد شد. از نژاد کرد بود. تحصیلات مقدماتی را در مدارس کالج و آمریکایی و تحصیلات طبیبی را تحت نظر معلمان آمریکایی آموخت. از آثار وی: «خبرالمناک فی حفظ صحة الاطفال»، «طریق رهائی از امراض وبائی» مؤلف کتب چاپی (۱/۶۷-۶۶).

امامی از فرزندان زادهگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از ختم شدن دروس جدید و مقدمات به قم رفت و قسمتی از سطوح را در آنجا فراگرفت، سپس به نجف مهاجرت کرد و سطوح را در آنجا تکمیل کرد. او از محضر بزرگانی چون: آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاهرودی و آیت‌الله حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالی علم و کمال رسید.

آن‌گاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تأسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و سیر گنجینه قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان مکان می‌باشد. این کتابخانه هم اکنون به بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به ری‌نهای محتلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول والنسبة»؛ «شعبتنا»؛ «الفقه فی تشریع و تبیین و استنباط»؛ «دلیل العروة الوثقی»؛ «تقریرات بحث‌های استادش آیت‌الله حلی»؛ «نشریه دائرة المعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «ناظمه الزهراء (ع)»؛ «اموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشای عالم هیبت».

حوال و آثار حضرت آیت‌الله سعید (ر)، شیخان قم

۱۷۵-۱۷۲، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۸۳)، معجم

رجال نجف (۱/ ۳۸۱).

سعید تهرانی، میرزا عبدالله چهلستونی، فرزند میرزا آقا بزرگ (۱۳۰۵-۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقه اصولی در نهر به دنیا آمد. مدتی در نجف علمی ترویج و میرزا سید محمد تنکاتی و حاج شیخ مسیح تهرانی را میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ ساوچی و آقا شیخ باقر مراندوله تحصیل کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کریمایی استفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌الله حائری و آیت‌الله کبیری بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق

«انجیل یزناپ» از عربی به فارسی؛ «تعلیم الحروف و ترکیب الحروف»؛ «مفاتیح و تصحیح کتات»؛ «منازل السائرین»؛ «خواجسته عبدالله انصاری» که با همکاری استادش میرزا محمد طاهر تنکاتی به پایان رسانید.

الدریعه (۵/ ۲۶۵-۲۶۴)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۴/

۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۸-۶۷).

سعیدای یزدی، (س یازدهم ق)، شهر، محصل به سعیدای و مجبور اهل یزد و ساکن اصفهان بود در بی نقاشی نیز مهارت داشت. راز است

کمی نیست که حارم و دل ریش بر آرد

این خدارمگر آنشی از خورشید بر آرد

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۸)، تاریخ اصفهان (۳۰۳)،

تذکره سخنوران یزد (۱۵۶-۱۵۷)، تذکره صرآبادی

(۳۳۴)، الدریعه (۹/ ۴۵۲-۴۵۳)، سرآزاد (۵۵)،

مخبر المراتب (۲/ ۶۷۳)، دفتر عشق (۲/ ۶۹۵).

سعیدای گلایی، محمد سعید، فرزند خواجسته عینی، (س یازدهم ق)، حکاک، خطاط و شاعر. معروف به سعیدای و بی‌بدل خوانده. خاندانش بازرگان بود. در این نقاشی و طراحی، طلا و نقره و جواهرشناسی، جیدیل نداشت شعر و بخصوص ماده تاریخ را بسیار خوب می‌گفت. در زمان جهانگیرشاه به هند رفت و به داروغگی زرگر خانه شاهی منصوب شد و در عهد شاهجهان نیز همان خدمت را بر عهده داشت و بی‌بدل جان ممتاز شد. تحت مرصع شاهجهانی معروف به تخت طاروس در مدت هفت سال به سرپرستی وی ساخته شده است. زندگیش تا سال ۱۰۴۷ ق، که ماده تاریخ برای مسجدی را در قطعه شمیری آورده است، معلوم است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۲۶-۷۲۵)، احوال و

آثار نقاشان (۲/ ۸۲۵-۸۲۴)، تذکره روزرزش (۳۵۷)،

تذکره صرآبادی (۳۷۷)، الدریعه (۹/ ۴۵۲)، فرهنگ

سخنوران (۴۵۸-۴۵۷)، کتولان هند (۱/ ۵۵۸-۵۶۰)،

نامها و نام‌های گیلان (۲۵۵).

سعیدای نقشبند، سعیدای یزدی

سعید تهرانی، شیخ حسن، فرزند میرزا عبدالله چهلستونی، (۱۳۳۸-۱۴۱۶ ق)، فقیه اصولی و عالم

می‌رساند. وی در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشعار عربی و فارسی در عهد خود کم نظیر بود. مستعین و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. میرزا محمد تقی خان امیرکبیر به خاطر حسن خطش او را از تبریز به تهران آورد و مسئول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. در ۱۲۶۹ ق رسماً به وزارت خارجه منصوب گردید و حدود سی سال در این وزارت خانه خدمت کرد. در پایان عمر به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد. سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسماعه مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتات مترسط از اشعار مختلف، با رقم «محرره سعید»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۰-۲۳۱)، شرح حال رجال (۲/ ۶۶-۷۰)، رجال و وزارت خارجه (۱۵-۲۱)، ۱۰۹-۱۱۱.

سعید طائی، زین الدین. (س ششم ق)، شاعر. از شعرا و اواخر عهد سنجوقیان بود که عوفی از او با عنوان الحکیم الکامل و لقب ریس الشعراء یاد کرده است. از وی قصیده معروفی به جای مانده که نموداری روشن از یأس و ناامیدی گوینده است. این قصیده که از امهات قصاید تارمینی به شمار می‌آید چنین آغاز می‌شود:

غم مخور ای دوست، کاین جهان پنهاند
همر چه تو می‌بینی آن جهان سمااند

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۹۵-۶۹۴)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۲۹۸)، الذریعه (۹/ ۲۵۰)، سرآمدان مرهنگ (۱/ ۴۶۵-۴۶۶)، فرهنگ مشهوران (۴۵۶)، بیابان‌الکلیاب (۲/ ۲۳۸-۲۳۹)، مجمع‌الصفا (۲/ ۷۰۲).

سعید قصاب کاشانی - قصاید کاشانی

سعید قمشه‌ای. (ص یازدهم ق)، شاعر. از بزرگان و ادگان تمشه اصمهان بود. مدتی وزیر سیستان شد. در فن انشاء قدرت بسیار داشت و در صلاح و رهد بیر سرآمد بود. از اوست

همارتی اگر از دل بنا توانی کرد
درون کعبه تحقیق چا توانی کرد
در آفتاب قیامت نمی‌کشی آذر
اگر برهنه تنی را قبا توانی کرد

تذکره نصرآبادی (۷۷-۷۶)، الذریعه (۹/ ۴۵۲)، مسیح گسی (۲۰۲).

به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»، «هفت رساله در «مبداء و معاد»، «رساله‌ای در «مشتق»، «مسئله‌های (ص)»

آثار المحجة (۲/ ۲۵۸)، آینه «سوران» (۸/ ۲۰۹)، ردگینامه رجال و مشاهیر (۴/ ۵۳)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۸۲-۲۸۳)، معجم رجال محقق (۱/ ۲۷۹).

سعید تهرانی، میرزا مسیح، فرزند قاصی محمد سعید رازی. (۱۱۹۳-۱۲۶۳ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرسی و مجتهد. از علمای برجسته تهران در عصر فتحعلی شاه قاجار بود، که سالها نزد میرزای قمی تلمذ کرد. در تهران ریاست مدعیی مردم را داشت. در ۱۲۴۴ ق به حکم وی مردم تهران برگزیندوف، کنسول و ابلجی دولت روس، شوریده و او را کشتند. در تعقیب آن وی را از تهران تبعید کردند و او به هند رفت و بعد از آن در قم توفیق نمود بیکر او در نجف مدفون است. از آثارش: احداث ششستان چهلستون در مسجد جامع تهران می‌باشد. از آثار علمی وی: «کشف الغائب»، شرح «لمعه دمشقیه»، شرح «کشف الغائب»، کتابی در «اجتهاد و تقیید»، شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی، شرح «مختصر الدافع» محقق حلی، «قواعد الاصولیه»، «کتابها فقه».

احوال و آثار حضرت آیت‌الله سعید (ره) دایرة المعارف فارسی (۲/ ۲۷۷)، الذریعه (۱/ ۲۷۳)، ۱۳/ ۲۲، گنجینه دانشمندان (۴/ ۲۸۲)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال نجف (۱/ ۳۷۸-۳۷۹)، مکرم الآثار (۵/ ۷۰).

سعید خان، نوزاد میرزا تقی خان مجتهدالملک. (ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط. او مستعین را خوش و شکسته را استوار می‌نوشت. از هنر قشایی نیز بهره داشت و به ریاضیات و جغرافیا نیز آشنا بود. تا هنگام تألیف «تذکره خوشنویسان» سپهر می‌زیست و به شغل وزارت وظائف و توقاف مشغول بود.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۱).

سعید خان انصاری گرمرویی، فرزند میرزا سلیمان. (۱۲۳۱-۱۳۰۱ ق)، خطاط، دیب و شاعر. ملقب به مؤتمن الملک. سپس را به خواجه عیدالله انصاری

مشاغل سیاسی وی معارفت وزارت راه و سرپرستی اداره تبلیغات و معاونت سعادت وریری بود. وی چند سال نیز مدیریت محله «راه نو» را داشت. از آثار وی ترجمه «آخرین روز یک محکوم» و «کتور هوگو» ترجمه «اخلاق روحی» ساموئل اسمایلو؛ ترجمه «تاریخ عرب» پیپ حتی؛ «امیرگیر» ترجمه «راز آفرینش انسان»؛ گریسی سوریس؛ ترجمه «مقالات اجتماعی» آرنور بریریان.

مؤلف کتب چاپی (۵/ ۵۰۲۰۵۰).

سعیدی، فیره، فرزند سعید موسی میر نخرایی معیرالمنک، (۱۲۹۹-۱۳۷۱ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک به پایان رساند، سپس از دانشسرای عالی تهران در رشته ادبیات فارسی و موفق به اخذ لیسانس گردید. برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر داد که تخمین نشریه اختصاصی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیده شد و از اعضای مؤسس شورای عالی جمعیت زنان بود. مقالات و شعاری او در نشریات کشور به چاپ رسیده است. در تهران وفات یافت. آثار او: ترجمه‌ای از آثار لافونت به نام «قصه‌های لامونت» (نورده حایزه یونسکی)؛ ترجمه «شطرنج ساز»؛ ترجمه «کار تو» و مجموعه شعر به نام «ترانه من».

زبان روزنامه‌نگار و دانشمند ایران (۱۴۶-۱۵۰)، زبان

سخنور (۲/ ۳۶۸-۳۶۰)، کارنامه رسانه مشهور ایران

(۲۳۱، ۲۳۰)، مجموعه گنجا (۲/ ۴۱۵-۴۱۶)، مؤلف

کتب چاپی (۶/ ۶۷۰-۶۷۱)

سعیدی کازرونی، سید عبدالوهاب، فرزند سعید حسن (۱۲۴۶-۱۳۲۴ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی، در کاروان متولد شد. ادبیات فارسی و عربی را می‌دانست. در قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر به سرودن هزل متمایل بود. مدتی در یوشهر ریست. از آثار وی: «هادی المسین»؛ «ادیوان» شعر.

دشمنان و سخن سربازان فارس (۳/ ۱۶۲-۱۶۷)،

مؤلف کتب چاپی (۴/ ۲۶)

سعید همدانی، میر محمد سعید، فرزند حجة‌الله سعد آبادی. (وف ۱۰۲۲ ق)، شاعر معری به دکن داشت و بعد از مدتی به وطن بازگشت و دوباره با دو برادر خود میر محمود الهی و میر معصوم به آگره رفت. بر اثر بیماری درگذشت. از اوست

فلک نازم به صد حسرت جدا از کوی او دارد

مگر طوفان توحی بیار درواں آرو دارد

صلاح درد بیمار از عشق از هر کسی باید

مرض عشق در کار مسحا گنگو دارد

کار راه هند (۱/ ۵۵۶-۵۵۷)

سعیدی، سید غلامرضا، (۱۲۷۴/۱۲۷۵ ق ۱۳۶۷ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده در قریه نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه نور دگراند، سپس در حیدرآباد به سرچند رفت و در مدرسه شوکیه این شهر به فراگیری علوم پرداخت. وی در پیست و یک سالگی پس از فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه شوکیه به تدریس پرداخت. سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دوست پاکستان به آن مملکت سفر کرد و با آرا و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت. در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تألیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «افسان شناسی»؛ ترجمه «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق ما بعد تمدن آنها»؛ ترجمه

کتاب نوهنگی (ص ۲، ش ۷، ص ۱۲۳ و ص ۵، ش ۹،

ص ۵۰)، مؤلف کتب چاپی (۴/ ۷۰۲-۷۰۳)، نشر

دانش (ص ۹، ش ۱، ص ۱۰۲)

سعیدی، محمد، (۱۲۸۶-۱۳۶۲ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم، در تهران متولد شد. زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمی در نزد استادان فن آموخت. نویسندگی را با نخستین مقالات در روزنامه «شفق سرخ» شروع کرد و با آنکه به کار سیاست می‌پرداخت اما از مطالعه و تحقیق عادل بود. از جمله

شدم از اوست

گاه صوفی گاه می نوشم کند
گاه با خورد گاه بی هوشم کند
هر چه می خواهد تواند کرد یار
یک نتواند فراموشم کند

تذکره در روشنی (۳۶)، تذکره صریحی (۳۸۵)،
دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۷/۲)، الذریعه
(۲۵۲/۹)، سیح گشتن (۲۰۵).

سقیم صفه‌نی - سقیمه آبا ده ی

سکاکی، ابوبکر، (وف پیش از ۴۰۰ ق)، عارف، از
عرفای بزرگ عصر خود بود و کلمات عارفانه او در میان
این طبقه مشهور است، از آن جمله «مشتاق از مرگ لذت
یابد بیشتر از آنچه زنده از شربت شهید».

رباعه (۲۱/۳)، طبقات الصوفیه (۲۶۶)، نفحات الانس
(۷۵۹، ۱۱۹۱).

سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین ابویعقوب یوسف
بن ابوبکر محمد/ابوبکر بن محمد. (۵۵۴/۵۵۵-۶۲۶
ق)، ادیب و نحوی، مشهور به سکاکی و موصوف به
علامه محل تولد وی خوارزم بود حصی معتزلی و از
آدنان بزرگ عهد سلطان محمد خوارزمشاه و معاصر ابن
حاجب بود. می‌گرفت در بداویت حال شغل آهنگری
داشته و در سی سالگی به فراگیری علم روی آورده و در
علوم خریبه نیز دست داشته است. وی در خوارزم
درگذشت. قبر او در کنار آب تیکه می‌باشد. از آثار او:
«مفتاح‌المعلوم» که دوازده علم از علوم عرب را در آن
آورده است و شروع بسیاری بر آن نوشته شده است؛
رساله‌ای در «علم مناظره».

الاعلام (۲۹۲/۹)، تاریخ انبیاء در ایران (۲۹۲/۳)،
۲۹۲)، حبیب‌السیر (۸۱-۸۰/۳)، روایات الجنات (۸/۱)،
۲۰۰۲)، رباعه (۲۶۲/۳)، برآمدن فرهنگ
(۲۶۸/۱)، کشف‌الظنون (۱۷۶۲-۱۷۶۳)، الکسی
والاقتاب (۳۱۶/۴)، لغت‌نامه (دیل/پریعقوب)،
معجم‌الادبا (۵۹-۵۸/۲۰)، معجم‌المؤلفین (۲۸۲/۱۳)،
هدیه‌الاحیاء (۱۵۰)، هدیه‌المعارفین (۵۵۳/۲)،
یادداشت‌های نیروسی (۱۴۸/۳).

سکاکی شیرازی - شکیب شیرازی، ملا محمد علی،

سغدی، بکر (س چهارم ق)، صوفی از اهالی سغد
سمرقند و از صوفیان آن سامان و از شاگردان ابوبکر
وراق بود

طبقات الصوفیه هروی (۳۱۹)، نفحات الانس (۱۲۶).

سغدی سمرقندی، ابوحنیفه - ابوحنیفه سغدی.

سفال فروش، امیرچه. (س چهارم ق)، صوفی از
صوفیان شیرویه‌ای بوده که صاحب «طبقات الصوفیه»
فرزند وی را درک کرده و از طریق فرزندان او
حکایاتی نقل کرده است.

طبقات الصوفیه هروی (۳۱۲)، نفحات الانس (۷۸۳)،
(۲۸۲)

سفیر کوراعمی، خسیل (مقتول ۱۲۱۹ ق)، شاعر،
متخصص به سفیر، از طبقات مشهور کوراعمی که او
بزرگان آذربایجانی ساکن بود. بعد از زیارت خانه
خدا، در پوشه مسکوک گزید و در روزگار فتح‌معنی شاه
قاجار سفیر ایران در هند شد و در آنجا به گلوله تنگ
میرازی هندی کشته شد. اشعاری از او به جا مانده
است

حدیقه الشعراء (۷۸۱-۷۷۷/۱)، فرهنگ سخنوران
(۲۵۹)، بهار (س ۱۸ ص ۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱

حسینقلی، فرزند آقا علی اکبر، است و بنام تار، ازدواج کرد و آقا حسینقلی از اطلاعات موسیقی او استفاده بسیاری کرد.

در تاریخ مریخی (۱/ ۳۹۲ / ۲ ۵۷۷)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۲۱، ۲۶۷).

سگ لوند قزوینی، حسن بیگ، (س یازدهم ق)، شاعر از شاعران ترک زبان دربار شاه عباس صفوی بود که در قطعه پردازی نیز دست داشت. این بیت مشهور او سروده‌های وی است.

سحر آدم به کویت به شکاو رفته بودی
تو که سگ نرده بودی به چه کار رفته بودی؟
اشکذنه اور (۱/ ۵۵)، تذکره مصرایدی (۲۳۱)، میودر (۲/ ۲۶۶).

سلار دلمی - دیلمی طبرستانی

سلام کاشانی، قاصی سلام‌الله، (وف ۹۱۱ ق)، شاعر، ر اوست

کشته گشتن زیر تیغ چون تو دلداری خوشست
رنده بود در جهان بهر چین کاری خوشست
نحفه سامی (۱۲۵)، تذکره دور روش (۳۶۲)، الذریعه (۱/ ۲۵۵، ۸۷۰)، لغت نامه (ذیل / قاصی سلام‌الله کاشی).

سلامی اصفهانی، (س دهم ق)، قاصی و شاعر، قاصی اردوباد در عهد شاه طهماسب صفوی بود. او در مدح خواجه محمد شریف، وزیر اصفهان، قصایدی سروده است

نارنج عظم و نثر (۵۱۲)، نحفه سامی (۲۶۲)، الذریعه (۹/ ۳۵۵)، صبح گلشن (۲۰۶)، فرزندک سخنوران (۲۶۰)، هفت انبیا (۲/ ۲۲۸).

سلامی تریخی، شهاب‌الدین شیخ عبدالسلام بن ملا علی اکبر بن ملا حسین، (۱۲۹۸-۱۳۷۲ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به شهاب در تربیت حیدریه درگذشت. فرزندش دکتر محمود شهابی از استادی دانشگاه تهران بود. از آثار او، منظومه «راز عشاق» در ترجمه «دعای کمیل»؛ منظومه «کلید پاش» در ترجمه «دعای افتتاح»؛ مثنوی «گلچ نهفته» یا «راز نگفته» در

سکری مروزی، ابوحمزه محمد بن میمون، (وف ۱۶۷ ق)، حافظ و محدث. شیخ خراسان در زمان خود بود. او بسیار خوش محضر و شیرین کلام بوده لذا به شکری ملقب شد. از ریاض بن علاقه و ابواسحاق سیاهی و منصور بن معتمر و هاشم بن بهدله و جابر جعفی و سلیمان اعمش و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالله بن مبارک و فصل سینانی و فصل بن خالد بلخی و عبدان بن عثمان و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در «صحاح» ششگانه از وی نقل حدیث شده است. عده‌ای او را مستجاب الدعوة و دستگیر ضعیفا توصیف کرده‌اند. الاعلام (۷/ ۳۲۳)، تاریخ بیداد (۳/ ۲۶۹-۲۶۶)، تهذیب التهذیب (۹/ ۲۶۰-۲۶۱)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۱/ ۸۰)، سیرالنبل (۷/ ۳۸۵-۳۸۷)، طبقات ابن سعد (۷/ ۲۶۲)، طبقات الحفاظ (۱۰۲-۱۰۳).

سکوت شیرازی، میرزا ابوالقاسم، (مقتول ۱۲۳۹ ق)، شاعر و صوفی، ملقب به سکوت، بعد از تحصیل علوم مرسوم در تحقیق معارف و تذهیب اخلاق به سیر افس و آفاق پرداخت و در اصفهان موقوف به دیدار نورعلی‌شاه و مشتاق علی‌شاه شد. به نایب رفت و سپس به شیراز بازگشت و به ملائیه گروید و مرشد این طریقت شد. عده‌ای از مخالفانش به منرش هجوم بردند و او را کشتند و خانه‌اش را غارت کردند. وی در بقعه صید احمد بن موسی مدفون است از اوست:

به غیر هستی حق هیچ روی سمید
ترا که دیده دل روشنی و معصفا شد
آثار عجم (۵۶۰)، الذریعه (۹/ ۲۵۲)، طرائق الحقائق (۲/ ۲۴۹-۲۴۷).

سکوتی اصفهانی، (وف ح ۱۰۴۸ ق)، شاعر و حطاط. سالها در دکن اقامت داشت. از اوست:
آلوده به غموم چه کسی سیخ بگاہت
ما را غم سر نیست ولیکن غم تیغ است
کاروان مند (۱/ ۵۶۱).

سکینه خانم، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و خواننده. شاگرد آقا علی اکبر بود. وی تار را اسناد به می‌نواخت و در این فن استاد ریزدنی بود. این زن هنرمند بسیار مورد توجه خانمهای درباری بود و در دربار ناصرالدین شاه قاجار تار می‌نواخت. او بعدها با آقا

حسبه در ادب فارسی، ۸۸)، الذریعه (۹/ ۴۵۵)، لغت
مدامه (ذیل/ سلجوقشاه)، مجمع الفصحى (۱/ ۵۶)،
میزان المراتب (۲/ ۵۶۷)

سلطان، محمد میرزا سیف الدوله، فرزند قشعلی
شاه قاجار، (۱۲۲۸/۱۲۲۷ - ۱۲۹۱ ق)، شاعر، متحصر
به سلطان. مادر وی، طایوس خانم اسمهان، ملقب به
نایح الدوله زنی ادیب و شاعر و شاگرد سید عبدالوهاب
نشاط بود. محمد میرزا از سیرده سالگی حکومت
اصفهان را داشت، در آغاز سلطنت محمد شاه با مادر
خود به تهران آمد و به استانبول و قاهره و اسکندریه و
مکه و مدینه و شام و حلب و دیاربکر و موصل و مشهد
سفر کرد، مراسم جام در تهران ساکن شد و در همین شهر
وفات یافت. از آثار او: «ملوک الکلام»، «سیف الرسائل»،
«تحفة الحرمین»، «تذکره بزم حاکمان»، «دیوان» اشعار.

تاریخ تفکراتی فارسی (۱/ ۹۳-۱۰۰)، حقیقه‌نشریه
(۱/ ۷۸۶-۷۸۱)، الذریعه (۹/ ۴۵۹، ۲۲/ ۲۲۱-۲۲۲)،
شرح حال رجال (۲/ ۱۰۲)، فرهنگ سخنوران (۴۶۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۲۵۲-۲۵۳)، مجمع الفصحى (۱/ ۵۶)،
(۶۷-۵۹).

سلطان آبادی، ملا ابوطالب گزازی، فرزند ملا
عبدالمصور، (وف ح ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع،
مدرس و زاهد اهل وی از کَوَز اراک است. در محضر
میرزای بزرگ شیرازی در نجف و سامرا تلمذ نمود. پس
از بازگشت به سلطان آباد، به اقامه وظائف شرعی و
تدریس در مدرسه حاج آقا محسن عراقی پرداخت و
مرجع مردم اراک شد. از آثار وی: شرح «انجاءالعباده».

الذریعه (۱۲/ ۱۰۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۳۷)،
مجموع رجال نجف (۲/ ۶۷۹-۶۸۰)، میرزای
شیرازی (۱۰۱-۱۰۶).

سلطان آبادی، ملا محمد حسین بن محمد مهدی
بن محمد اسماعیل گره‌رویی، (وف ۱۳۱۴ ق)، محدث،
فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به حاج آقا
کوچک. اصل وی از گره‌رود، از توابع سلطان آباد بود. او
داماد هلامه ملا قشعلی سلطان آبادی بود. در نجف از
محضر علما استفاده نمود. آن‌گاه به همراه میرزای بزرگ
شیرازی به سامرا رفت و ملازم وی گردید. پس از
درگذشت میرزا به کاظمین رفت و دو سال بعد در آنجا

وقایع کرمان، «خیام گمنام» در ردّ ارباعیات خیام، شعر.
الذریعه (۱۸/ ۱۳۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۱۲)،
۱۱۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۵۷)

سلامی خراسانی، شاه محمد، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر
در هرات به کار ابریشم مشغول بود. از اوست،
من شدم در طلب یار و نمی‌پرسیدم
خبر او زکسی تا که نگویید دیدم
هر کجا یافتم از نعل سبند تو نشان
تا نیند دگری روی پیران مالیدم
الذریعه (۹/ ۲۵۵)، صبیح گلشن (۲۰۶)، فرهنگ
سخنوران (۳۶۰)، مجالی الفاناس (۲۸۲).

سلامی شاهی، شاه‌شاهی شیرازی، سید کمال الدین
فتح الله.

سلامی شیرازی، اسدالله رابع، (ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر،
متخصص به سلامی. به پیشه رراحت اشتغال داشت. از
اوست:

شسته‌ام که فضا شست در گمان نکند
که تا ز اهل دلی، یکدلی نشان نکند
ز تیر حادثه آماج خود کنند هر دم
هر آن دلی که به خود هرگز این گمان نکند

آثار مهم (۵۵۹)، دانشمند و سخن‌سرایان فارسی (۳/ ۱۷۱-۱۷۳)،
مرکز الفصاحه (۲۸۰-۲۸۱).

سلامی هروی - سلامی خراسانی

سلجوقشاه سنغری، فرزند مظفر بن زنگی، (م هجم
ق)، شاعر. از اتابکان فارس بود و مسدوح سعدی. از
سوی مادر سب وی به سلجوقه می‌رسید. وی مدتی
توسط برادرش اتابک محمد در قلعه اصطخر فارس
محبوس شد. بعد از فوت او از قلعه آزاد شد و به
پادشاهی رسید. هنگامی که در حبس بود شعر تیر
می‌گفت. از اوست:

درد و غم بند مس درازی دارد
هیچ و طرب تو سرقراری دارد
بر دهر مکی تکیه که دوران فلک
در پرده هزار گونه بازی دارد

تذکره روز دوش (۳۶۲)، حبیب‌السیر (۲/ ۵۶۵-۵۶۷)،

به خط ثلث دو دایک جلی ممتاز و نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، به قلم زر محرز با رقم، «کتابه ... ابراهیم سلطان بن شاهرخ بن تیمور گورکان ... فی سنه اثنی و عشرين و ثمانمائة» (۸۲۲)؛ کتیبه سردر صحنه مقبره سعدی در شیراز که در سال ۸۳۵ ق نوشته است

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۱۳-۱۰۱۴)، پیدایش خط و خطاطان (۸۲)، تاریخ اسمعان (۲۲۲)، تاریخ هنرهای مسمی (۲، ۸۰۹-۸۱۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۷)، گلستان هنر (۲۴، ۳۱-۳۹)، مناتب هر روز (۴۹، ۱۰۶)

سلطان ابراهیم میرزای صفوی - پناهی صفوی

سلطان احمد (س نهم ق)، خطاط، از آثار وی «کتابت» امیر خسرو دهلوی است که در هرات نوشته و تاریخ ۸۸۵ ق دارد، این اثر تزیین شده و عناوین و دیباچه آن گل کاری است

هر عهد تیموریان (۲۰۱)

سلطان احمد جلایر، فرزند سلطان وسمی ایلکانی، (۷۸۴-۸۱۳ ق)، نقاش، مدف، خطاط، موسیقیدان و شاعر، وی نزد پدر تعلیم دید و در خط مستعرب دست داشت. در زمان پادشاهی او نقاشی میبایست به پایه‌های و لایه از ترقی رسید و نگارگران چهره‌مندی به وجود آمدند. سلطان احمد خود به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در تصویر و تذهیب و حاتم‌مدی و موسیقی بی‌مانند بود و شش قلم را خوب می‌نوشت، او در نقاشی شاگرد خواجه عبدالحی بود و از او تصویر آموخت. وی بیست و هفت سال سلطنت کرد و در آخر کار، در جنگ با قرايوسف ترکمان فرقیتلو بر سر تصرف تبریز کشته شد. سلطان احمد از ممدوحان خواجه حافظ شیرازی بود

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۵۷-۵۶)، از سعدی تاجانی (۲۵۵، ۲۸۱، ۳۸۰، ۵۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳)، ۱۰۲۵، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴)، تاریخ موسیقی (/ ۱۰۰، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۳)، تاریخ هنرهای مسمی (۱/ ۳۳۵-۳۳۶)، تذکره الشعراء (/ ۳۳۳-۳۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۰)، الذریعه (۹)، ۵۷)، روضه السیلاطین (۶۵-۶۴)، هرمنگ سخوراد (۴۳)، گلستان هنر (پانزده، سی و پنج، سی و شش)

درگذشت و در یکی از حجره‌های شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اجوبة الاجوبة»، «لاشوات الطیبة الحسان»، در احوال ابوحنیفه؛ «اشرف الرسائل»، در فهم «الرسائل»؛ «اسحر المحيط»؛ «اللب المصور»؛ «توضیح الدلائل علی ترجیح مسائل الرسائل»؛ «جامع الدین و الدنیا»؛ «حل المعافد من وجوه الفرائد»، که حاشیه مبسوطی بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «لذات المشحون»؛ کشکول ماسد، در چهار مجلد که چون در نجف نگارش یافته به نام «الجامع المروی» نیز نامیده شد، و مجلد پنجمی در سامرا به نام «الجامع المکری» بر آن افزوده شده است؛ رساله‌ای در «فقه»؛ رساله‌ای در «کیمیا»؛ «سواء الطريق»؛ «الشهاب الناقب»؛ «الصرایط السوی و الزمان الحلی فی معبر خلافة علی بعد النبی (ص)»؛ «الصومع»؛ «مستوی الوصول الی علم الاصول»؛ «نسخة الادعية»؛ «هدية المجاهدین»

اعیان النبیة (۹/ ۲۵۴)، الذریعه (۱/ ۲۷۶)، ۹۸/ ۲، ۷/ ۲۰۱، ۲۵/ ۲، ۱۸۵/ ۲، ۴۹۳/ ۵، ۵۳/ ۵، ۶۳/ ۷، ۷۵-۷۶، ۱۵/ ۳۳، ۹۵، ۱۶/ ۳۱۳-۳۱۲)، طبقات اعیان النبیة (فون ۱/ ۶۵۹-۶۶۱)، فرائد الرضویة (۵۳)، معجم رجال نجف (۲/ ۶۷۸)، معجم المولوی (۹/ ۲۵۸)، میرزای شیرازی (۲۳-۱۳۵)

سلطان ابراهیم گورکانی، فرزند شاهرخ (۸۱۲-۸۲۸)، خطاط، نقاش و شاعر برادر بایستقر میرزا و از هنرمندان و هنرپروران عصر خود محسوب می‌شد. در همت سانگی به فرمانروایی فارس منصوب شد، و در آنجا از پیر محمد شیرازی خط آموخت. در فن شعر و تحس خط و هنرهای متعلق به خط رننه‌ای بلند داشت. وی از خطر یاقوت مشتق می‌کرد و حش بسیار شبیه خط او بود، به طوری که تمیز آنها بسیار مشکل بود. سلطان ابراهیم همچنین به تعم از استاد سیاوش گرجی، نقشگری محروسار و رسامی خوش طرح و ممتاز شد. از آثار او: یک جرو از قرآن رحلی عظیم، یک جلد روغنی عالی، به خط ثلث جلی و ثلث سه دایک جلی، به قلم زر محرز با رقم، «کتابه ... ابراهیم سلطان بن شاهرخ بن تیمور گورکان ... فی سنه سبع و عشرين و ثمانمئة الهجرية ...»؛ کتیبه سنگی سر در مدخل صحن میر علاءالدین در فیروز، به خط ثلث کتیبه‌ای سه دایک عالی، با رقم «کتابه ابراهیم سلطان»؛ یک صحنه از مرقع،

حکمران فارس بود. او در دوران صبی سالدۀ وزارت پدرش منشأ اثر و بانی طرح‌های عمرانی بسیاری بود.

دائرة المعارف رن ایرانی (۲/ ۶۲۶)، دینارین الشریعه (۲/ ۲۳۱)، مشاهیر رن (۱۲۵).

سلطان حسین (ز ۸۹۳ ق)، خطاط. ظاهراً از خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق‌قویلو بود که به شیوۀ عبدالرحیم و عبدالکریم خوانزومی کتات می‌کرد. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» کاتبی، به قلم کتات جلی متوسط، با رقم. «تم الکتاب... الموسوم به دلربائی، فی سنه ثلث و تسعين و ثمانمائة... کتبه اقل العباد سلطان حسین»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتات متوسط، با رقم: «کتبه العبد الاقل العباد سلطان حسین»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتات متوسط، با رقم: «عبد سلطان حسین...»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۲-۲۳۱)، هنر عهد تیموریان (۶۲۱)

سلطان حسین نوی. (وق پیش از ۱۰۳۲ ق)، خطاط شاگرد میر حسین باغری و از کتات مقرر بود. ستملیق را، چه جلی و چه خفی، خوش می‌نوشت. از حرامان به حسان زلف و مدتی در سلک خوشنویسان دستگاه فرهادخان قراة‌اللو درآمد. از آثار وی: یک قطعه از مرقع شاه عباس، به قلم دو دانگ خوش، با رقم. «العبد سلطان حسین التونی»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم سه دانگ جلی و کتات خوش، با رقم: «خادم یا اخلاص... سلطان حسین»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم دو دانگ و کتات خوش، با رقم. «سمت تحریر ریافت در دارالمؤمنین تون. کتبه العبد المذنب المحتاج، سلطان حسین عمر ده»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۲-۲۳۱)، گستان مهر (۱۲۲)، هنر عهد تیموریان (۵۸۵، ۵۹۶)

سلطان حسین هروی. (ز ۹۶۳ ق)، خطاط از آثار وی: یک نسخه از «حائنامۀ» هارمی، به قلم کتات خوش، با رقم: «کتبه العبد سلطان حسین الهروی... فی شهر سنه ۹۶۳ بدار الفاخرة بخارا... در خانقاه... قطب الاولیا خواجه محمد پارسا، قدس سره نوشته شده

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۳).

(۲۶)، مجمع‌التصفا (۱/ ۶۰۵)، هنر عهد تیموریان (۵۷۳)، هنر قلمدان (۱۹-۲۰).

سلطان افشار، مهدیق سلطان، فرزند اسفندیار خان افشار (س ۵۴۴ ق)، شاعر، متخصص به سلطان برادرزاده خلیل خان افشار بود. در زمان اکبرشاه به هند رفت و به مقام و منصب رسید، پس از مدتی از مناصب خود دست کشید و به انزوا پرداخت. از اوست:

ز آب حیران و دم هبسی، همین بامست و بس
نشأ ای کر جان دمد درقن، می و حامست و بس
تلحکامی بین که با این شوربختی عهد هاست
مایه عیش مداوم روح گلفامست و بس

کاروان هند (۱/ ۵۶۲-۵۶۱)، مآثر رحیمی (۲/ ۱۶۲۲-۱۶۳۸)

سلطان اویس جلایر ایلکائی، معزالدین، فرزند شیخ حسن. (۷۳۹-۷۷۶ ق)، شاعر، موسیقیدان و نقاش. دومین سلطان جلایر از حایمۀ ایلکاییان بود. در نوزده سالگی، بعد از وفات پدر، در بغداد به تحت سلطنت نشست. اویس، سلطانی شاعر و شعر دوست و هارف مسلک و در سخنپردازی شاگرد سلمان سارچی بود و به او جلالت مخصوصی داشت و سلمان نیز قصاید و چکامه‌های بسیاری در مدایح و فخریات او به نظم آورده است. وی همچنین در انواع هنر طلاعات کاملی داشت. نقاشی را خوب می‌دانست و از علم موسیقی نیز بهره کافی داشت. از معاصران او عبید زاکانی، ناصر بخارایی، خواجهی کرمانی و خواجه حافظ شیرازی را می‌توان نام برد. اشعاری از وی نقل شده است.

سیرت ادبیات در ایران (۲/ ۲۹۰-۲۸۸)، ۲۷۲، ۱۰۰۶-۱۰۰۸، ۱۳۱۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۸-۲۰۰)، تذکره دور روش (۹۳)، تذکره شمعراء (۲۹۲-۲۹۳)، دانشمندان آذربایجان (۵۶)، التریمه (۹/ ۱۱۲)، روضة السلاطین (۶۲۰-۶۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، گستان مهر (۲۲)، مجمع‌التصفا (۱/ ۳)، پسا (س ۲)، ۵۲۲-۵۲۸.

سلطان بایزید دوری - دوری هروی

سلطان حاجیه، فرزند مشیرالملک میرزا ابوالحسن خان شیرازی. (ز ۱۳۱۳ ق)، خیر و بیکوکر پدرش وزیر

میرزای اعتصام‌السلطنه، عموی ناصرالدین شاه قاجار، درآمد. وی در دربار نوازندهٔ تار و سه تار بود. تصنیف معروف «بنا بتا مجنون از قم تو» در دستگاه چهارگاه از ساخته‌های وست

تاریخ موسیقی (۱/ ۳۹۲-۳۹۱، ۲/ ۴۶۱-۴۶۲، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۰۶، ۱۰۹، ۲۶۶)، شرح حال رجال (۵/ ۲۲۶)

سلطان خاتم، فرزند آزاد خان. (ز ۱۲۹۲ ق)، عالم، محدث و عارف. پدرش نایب چهارخانه پرد و کرمان بود. از آثار وی: «مجمع الاحادیث»، در شرح بعضی مسائل دینی و احادیث پیچیده، به طریق سزائی و جواب «انوار التحقيق» سه مقاله در عرفان که در ۱۲۹۴ ق به خط شکسته نستعلیق نوشته است

الدریه (۲۰/ ۱۵)، مشاهیر ریان (۱۲۵).

سلطان خدیجه، فرزند حسینی خان داغستانی. (وف ۱۱۲۵ ق)، شاعر، متخلص به سلطان. دختر عموی علی قلی خان والّه داغستانی بود. در کودکی به همراه پسر عقیقش به مکتب رمت و خواندن و نوشتن آموخت سپس شعر و ادب را فراگرفت و در ۱۱۳۵ ق که اصفهان توسط محمود افغان تصرف گردید، به اجبار خانواده به اردو جایی از نزدیکان محمود به نام کریم درآمد. بعدها در پی وصال محبوب به قصد هند هازم حبیب گردید و در کرمانشاه بیمار شد و فوت گردید. امیر شمس‌الدین فقیر دهوی ذاسنان عشق والّه و خدیجه را که از ریان خود والّه شنیده بود، به نام منظومه «والّه و سلطان» در ۱۱۶۱ ق سرود

از رابعه ۳ پیوی (۱۵۲-۱۵۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۶۰۲)، تاریخ تذکره‌های ملوس (۱/ ۶۶۵-۶۶۴)، سدیلة الشعراء (۲/ ۲۱۶۳-۲۱۶۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۳)، الذریعه (۹/ ۴۵۶)، ریاحین الشریعه (۲/ ۲۲۹)، رمان منصور (۲۵۵-۲۵۰)، صبیح‌گدش (۲۰۷-۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۴۶۱)، سحران المراثی (۲/ ۷۱۵-۷۱۶)، مشاهیر ریان (۸۶)، نتایج الافکار (۳۵۶-۳۵۷).

سلطان‌زاده پسیان، حسینی. (س چهاردهم ق)، بوسنده و مترجم. وی برادرزادهٔ کلیل محمد نقی خان بود و شرح حال عموی خود را نوشت و در مجله

سلطان حسین هروی، فرزند جمشید. (س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی معاصر مؤلف رسالهٔ «ریحان نستعلیق»، تألیف سال ۹۸۹ ق، بود و بنا به قول مؤلف «ریحان نستعلیق»، یک نسخه از «سبحة‌الابرار» جامی را کتابت کرده است صاحب «وواعد خطوط» او را شاعر و شخصیت و عیالی ذکر کرده و جرو شاگردان محمد قاسم شادپناه آورده است اثر دیگر وی یک نسخه «یوسف و زلیخا»ی جامی است که در بخارا نوشته، ب رقم «سلطان حسین بن جمشید هروی».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۳)، هر عهد نپوریان (۷۷۵).

سلطان‌الحکما، میرزا ابوالقاسم، فرزند میرزا جعفر. (۱۲۲۲-۱۳۲۲ ق)، طبیب. از طلاب مدرسهٔ بیم‌آورد اصفهان بود، برای تکمیل معلومات خود به پرد رفت و ده سال در آن شهر به کسب علم مشغول بود. سپس به تهران آمد و در مدرسهٔ صدر ادامهٔ تحصیل داد. در ۱۲۹۴ ق مدرس طب ایرانی در مدرسهٔ دارالفنون شد و در همین زمان به تألیف دو جلد کتاب در علم طب پرداخت و وی در دربار ناصرالدین شاه قاجار از احترام بسیاری برخوردار و از طبیبی حضور وی بود و از ریشه لقب سلطان‌الحکما گرفت. اغلب احصای اواخر قاجاریه از شاگردان او بوده‌اند. در قریهٔ کلاک، نزدیکی کرج، وفات یافت و در امامزادهٔ همان جا دفن شد. از آثار او، «تحفة ناصری»، به عربی، «ناصرالملوک»، در طب به فارسی

الدریه (۲۳/ ۱۶)، ریحانه (۲/ ۵۲)، شرح حال رجال (۱/ ۵۸-۵۷)، لذت‌نامه (ذیل / سلطان‌الحکما)، الآثار والآثار (۱۸۶-۱۸۷)، مؤلفین شطب جامی (۱/ ۲۵۹-۲۶۰)، مکارم الآثار (۴/ ۱۲۴۲-۱۲۴۹)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۱-۳۰).

سلطان حمید، فرزند نصرة‌الدوله. (ز ۱۲۷۶ ق)، خطاط. از آثار وی: مرقعی به قلم چهاردنگ تا دو دنگ متوسط که چنین رقم دارد: «مشقه سلطان حمید بن نصرة‌الدوله، فی شهر رجب سنة ۱۲۷۶».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۳-۲۳۴).

سلطان خانم (وف ۱۳۰۵ ق)، موسیقیدان و نوازنده. از زنان معروف درباری دورهٔ ناصری و شاگرد آقا علی‌اکبر، استاد تار، بود که بعدها به هسری حلقی

مقدمه از وی. «الحاشیه علی کتابة الاصول»
رسدگینه رجال و مشاهیر (۱/ ۱۱۲)، گنجینه
دانشمندان (۳/ ۵۴)

سلطان‌العلمای خراسانی. (وف بعد از ۱۳۲۶ ق)،
روزنامه‌نگار معروف به روح‌القدس. مدیر روزنامه
«روح‌القدس» بود که به مناسبت نام روزنامه، به
«روح‌القدس» معروف گردید. او از مشروطه‌طلبان و
آزادیخواهان بود. در ۱۳۲۵ ق روزنامه «روح‌القدس» را
در تهران، به مدت یکسال منتشر کرد. بیشتر مقالات این
روزنامه علیه استبداد و خصوصاً شخص محمد علی شاه
بود و به همین جهت دفتر روزنامه که در خیابان چراغ
برق بود، به وسیله قشون استبداد اشغال شد. بعد از
واقعه به توب بستن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶
ق، زندانی شد و پس از شکنجه بسیار او را حقه کرده،
جنازه‌اش را به چاه انداختند.

تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۴۴۰، ۸۱۹، ۸۲۰)،
تاریخ جرایم (۲/ ۳۲۳-۳۲۶)، شرح حال رجال (۲/ ۴۴)

سلطانعلی آق قویونلو، فرزند میرزا سلطان خلیل. (ز
۸۸۱ ق)، خطاط و شاعر. از نو دکان اورون حسن پادشاه
پرو، در نه سالگی از خوشنویسان نامی فارس بود و
علاوه بر خوشنویسی، شعر نیز می‌سرود. از آثار او ابیاتی
است که در حمایت تحت جمشید بر سنگ نقش شده
است. با رجم «وکان دالک فی تاریخ احدى و ثمانین و
ثمانمائة»
گلستان مر (۳۱-۳۲).

سلطانعلی اویسی. (ز ۹۵۰ ق)، خطاط و شاعر از
مردم اویه، از توابع هرت بود. ظاهراً در فتنه هرات و
قلبه صفویه، به ماوراءالنهر رفته و در بخارا ساکن شد.
وی از مریدان خواجہ محمدالله احرار و با سلطانعلی
مشهدی معاصر و معارض بود. رساله‌ای در مصافحه
نورشته است. او همچنین خطوط را نیکو می‌نوشت. در
حانقاه مرشدش، در صد و نه سالگی چشم از جهان فرو
بست.

اسوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۴)، تاریخ نظم و نثر
(۶۲۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۹/ ۳۷)، الذریعه (۹/ ۲۲۰، ۲۵۷)، سبائلی‌النمائی (۱۳۳).

«ابو تنبهر» به چاپ رسانید. در دارالفنون ادبپورک، در
رشته تاریخ تحصیل نمود. از آثار وی: ترجمه «بسموی
باختر» از ب. کشری؛ ترجمه «حسن یا جاده زرین
سمرقند» جیمز فلکر نگینی
مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۹۲۶-۹۲۷)

سلطان‌العلماء، سید علاءالدین حسین بن خلیفه
سلطان.

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن، فرزند ملا
یوسف خیابادی شافعی. (۱۲۹۳-۱۳۶۰ ق)، ادیب،
مفتی، مدرس و شاعر. در قصبه بستک (از بخش‌های
شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن
دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر
لنگه و از آنجا به بصره و از بصره به حجاز رفت و در آنجا
فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به
سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت
کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و
معانی و بیان و فلسفه یونانی تبحر یافت و در سرودن
اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و
سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تأسیس
کرد و ده تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین شاه
قاجار ملقب به «سنان‌العلماء» شد. او اجباراً از بستک به
بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس
علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر
وفات یافت. از آثار او: «العراید الصمدیه» به عربی، در
نحو؛ «ندویه» به عربی، در بدیع؛ «سلطان‌الوسائل»؛
«شرح نظر» به عربی؛ «طهیر الحقایق»؛ «کشف الحقایق».
دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۱۷۳-۱۷۶)،
رسدگینه رجال و مشاهیر (۲/ ۶۷، ۶۸).

سلطان‌العلماء سلطان‌آبادی اراکی، شیخ محمد،
فرزند محمد علی. (۱۲۹۶-۱۳۸۲ ق)، عالم و فقیه وی
در اراک متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در همان
شهر گذراند، سپس به اصفهان رفت و سطح را در آنجا
تکمیل نمود. سپس به عتبات رفت و نزد میرزا محمد
تقی شیرازی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تعلیم
کرد و به اراک بازگشت، به تدریس و اداره حوزه علمیه
آنجا پرداخت. پس‌ری از علمای حوزه قم و اراک از
شاگردان وی بوده‌اند. او در اراک فوت کرد. اثر به جا

بیدخت بارگشت، سپس به مکه رفت و به تهران آمد سرانجام او را در بیدخت کشتند و در تپه مجاور آن بهمن به خاک سپردند. از آثار او «نیل السعادة» در تفسیر قرآن؛ «مجمع السعادات» در شرح اصول کافی؛ «ولایت نامه» در مسیر و سلوک؛ «سعادت نامه» در مراتب سلوک؛ «ایضاح» و «توضیح» در شرح کلمات پایاها؛ «تنبيه النامی» در شرح حقیقت خراب؛ «در المعاری» در حرمت کشیدن تریاک

سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۸۰-۲۸۱)، طراک الحقائق (۲/ ۵۴۲-۵۴۳)، کارنامه بزرگان (۴/ ۴۰۶-۴۰۷)، الآثار والآثار (۱۷۷)، مؤلف کتب چاپی (۲/ ۲۵۱-۲۵۲)، یادگار (ص ۵، ۱ و ۲، ص ۱۰۴)

سلطانعلی شوشتری، (مر نهم ق)، نقاش اهل شوشتر و از شاهان دوره تیموری بود. تنها اثر رقم دار وی: تصویر مرغ ماهیخواری در حال پرواز که در کمال استادی ترسیم شده و یک ماهی به منقر گرفته است، با رقم: «مشقه العبد سلطان علی شوشتری».

حوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۱۸).

سلطانعلی شیرازی، (ز ۹۰۳ ق)، خطاط، معاصر سلطانعلی مشهدی بود. به خط وی یک نسخه «مفتاح لاجازة لاهیجی» در کتابخانه و آتیکان ایندلیاست، که به قلم کتابت متوسط نوشته، با تاریخ سال ۹۰۳

حوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۲۵-۲۲۶)

سلطانعلی قنایی، (وف ۹۱۴ ق)، خطاط و شاعر، شاگرد اظهر تبریزی و معاصر و همعصر سلطانعلی مشهدی بود. ابتدا در تبریز کاتب دربار سلطان یعقوب، مرزباز و حسن آق قویونلو بود و به همین مناسبت یعقوبی رقم می کرد. پس از مرگ او در دربار وستم، نوه سلطان یعقوب، کتابت می نمود و به نام وی رستمی رقم می کرد. از تبریز سفری به حجاز کرد و پس از چندی به خراسان رفت و به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و به سبب نزدیکی به او سلطانی رقم می کرد. سلطانی به هنگام اقامت در هرات جزو مجلسیان امیر علشیر نوایی و از ملازمان نورالدین عبدالرحمن جامی بود. او قسمتی از اشعاری را که خود می سرود، به خط خود می نوشت. شیوه سلطانعلی آبره ای است از خط سلطانعلی مشهدی و خط استادش، اظهر تبریزی. در

سلطانعلی باوردی، (ز ۸۵۰ ق)، مذهب و مصور. در تذهیب و تصویرسازی دست پر هنری داشت. متأسفانه احوال این هنرمند، در هیچ یک از تذکرةهای قدیمی یاد نشده است. از آثار وی، تصویر رزم آور قهرمانی که بر اسب خوش تراشی نشسته و نیزه بلند خود را به دهان ازدها فرو برده است، با رقم: «عمل العبد سلطان علی»؛ نسخه مصوری که حدود بیست مینیاتور ماهرانه دارد که جهت یوسف شاه میر میران در تبریز تهیه شده است؛ مجلس مینیاتوری که به نازک قلمی عمل آمده، با رقم «مذهبا و مصورها سلطانعلی الباوردی در سنة ۸۵۰»

حوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۴۵۹)، هر عهد تیموریان (۳، ۴، ۵، ۶)

سلطانعلی کاتب خوارزمی، (وف ۹۱۹ ق)، خطاط، از سلسله نقشبندیه بود. در زمان سلطان سلیم اول به تبریز رفت و در جوار مزار ابرایوب انصاری مسکن گزید و وظیفه حواری سلطان شد. سلطانعلی از شاگردان عبدالرحیم انیسی بود. از آثار وی، قطعه ای به قلم نیم دودنگ و کتابت خفی خوش، با رقم «کتبه العبد المذنب سلطان علی الکاتب خوارزمی».

حوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۴-۲۳۵)

سلطانعلی سبزواری، (مر نهم ق)، خطاط، نام وی را سبزواری نیز ضبط کرده اند. از کاتبان کتابخانه امیر علشیر نوایی و از مشاهیر خطاطان دربار سلطان حسین بود. از شاگردان بی واسطه سلطان علی مشهدی است و ستملیق را به غایت صاف و بر اصول می نوشت. حوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۵)، مجلس خط (۲۷۰)، خوشنویسان و مرشدان (۹، ۳۸۳۷)، مناقب سبزواری (۶۷).

سلطان علشاه گنابادی، سلطان محمد، فرزند ملا حسین محمد، (۱۲۵۱-مقبول ۱۳۲۷ ق)، عارف و نویسنده در بیدخت گناباد متولد شد. در توجوایی به تحصیلات مقدماتی و فراگیری علوم ادبی پرداخت، در مشهد فقه و تفسیر و حدیث را آموخت و به سبزواری رفت. مدتی در محضر حاج ملاهادی سبزواری به کسب حکمت مشغول شد، سپس به همراه حاج محمد کاظم سعادت علشاه اصفهانی، قطب سلسله نعمت اللهی، به مشهد و اصفهان رفت و از او غرقه ارشاد گرفت و به

هرات درگذشت. از آثار او: یک نسخه «زبدة المحققین» عین القضاة همدانی، به قلم نستعلیق کتابت جعی خوش، یا رقم. «تتمت کتابه ... سلطان علی الیعقوبی سنة اربع و ثمانین و ثمانمائه»؛ یک نسخه «ظفر نامه تیموری» شرف الدین علی یزدی، به قلم نستعلیق کتابت و صاویز به قلم رفاع خوش، با رقم. «قد تم ... علی ید العبد الفقیر ... سلطان علی القایبی ... سنة اثنی و تسعین و ثمانمائه ...»؛ یک نسخه «دیوان» کامل جامی، به قلم نستعلیق کتابت خوش که چند سطر آخر آن به قلم رفاع کتابت خوش است و رقم. «قد وقع الفراغ من کتابه سلطان علی القایبی ... فی شهر ربیع الاول سنة ثمان و تسعین و ثمانمائه الهجرية» دارد؛ یک نسخه «دیوان» امیر علیشیر نوایی (ترکی)، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «تتمت کتابت ... سلطان علی القایبی»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۳۶-۲۳۷)، اتمس خط (۴۶۱-۴۶۲)، پیدایش خط و تصحیف (۱۳/ ۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۷۶)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، خوشنویسان و هنرمندان (۹/ ۳۷)، التریب (۹/ ۲۵۸)، مجالس النعاس (۱۰۱-۲۷۴)، مناقب خسروان (۵۹۱-۶۰۱)، همسر عهد تیموریان (۳۱۲)، ۲۸۵، ۵۰۹، ۵۰۸، ۵۸۲، ۶۲۲

سلطانعلی مجلده مروزی سامی، (س نهم ق)، مجلده در کتابخانه سلطان حسین بایقرا به مجلدهی و صحافی اشتغال داشت. از آثار وی جلد یک نسخه از «حماسة امیر علیشیر نوایی» است، که در ۸۹۸ ق توسط سلطانعلی مشهدی کتابت شده و چند تصویر نیز از بهراد در آن دیده می شود و رقم آن چنین است: «الحماسة میرعلیشیر نوائی به خط قبله الکتاب مولانا سلطانعلی المشهدی و به مذهبی مولانا یاری مدح و جید کاری نادرالعصری سلطانعلی مجلده مروزی سامی».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۴۶۰).

سلطانعلی مشهدی، فرزند محمد، (۸۴۱-۹۲۶ ق)، خطاط و شاعر، ملقب به قبة الکتاب و سلطان الحظا طین. در میان خوشنویسان مستعلیق، هیچ یک به اندازه سلطانعلی مشهدی، در دوره زندگی خود، شهرت کسب نکرده است. پدر و مادر وی ساکن شهر مشهد بودند و او در هفت سالگی پدرش را از دست داد. سلطانعلی از طفولیت به خوشنویسی علاقه داشته و مدتها بدون معلم

مشق کرده و در بیست سالگی به حدی رسیده که شهره شد و هدهای از ترک و تاجیک برای تعلیم خط نزد وی می آمدند و او بدون اطلاع از قواعد خوشنویسی، به سبقت خود، شاگردان را تعلیم می داده است. چون آزاره خوشنویسی سلطان علی به اطراف خراسان رسید. سلطان حسین میرزا بایقرا وی را به هرات فراخواند و او را در کتابخانه خویش به کار گماشت و به همین علت، عنوان کاتب السلطانی رقم می کرد او همچنین در آنجا با وزیر هنرور، امیر علیشیر نوایی و تیر با عبدالرحمن جامی دوستی بهم زد و بسیاری از آثار جامی را کتابت کرد. سلطانعلی در هنر لسانی نیز دست داشت و منظومه ای در خط به نام «سراط السطور» سروده است. درباره استاد و معلم خط سلطان علی، غالب مورخان و تذکره نویسان گفته اند که اظهر تبریزی معلم وی بوده است، ولی برخی نیز معتقدند که استاد بی واسطه او، حافظ حاجی محمد، شاگرد اظهر بوده است. سلطانعلی در طول زندگی خود اقاب مختلفی از جمله: قبة الکتاب، زبدة الکتاب و سلطان الحظا طین داشته و در جایی نیز لقب نظام الدین با اسم او قرین شده است. او پس از مرگ سلطان حسین بایقرا، از هرات به رادگه خود مشهد، رفت و در همانجا ایزواگرید و سرانجام در هشتاد و پنج سالگی درگذشت و در مقابل مزار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از شاگردان بی واسطه و معروف او سلطان محمد نور، سلطان محمد حسنان، محمد ابریشمی و زین الدین محمود در خور ذکرند. آنچه از خطوط وی اکنون بجای مانده بر سه قسم است: کتبه ها، کتابها، قطعات و مرقعات. الف) کتبه ها: کتبه ای روی سنگ مرمر در طرف غربی مزار خواجه عبدالله انصاری در بیرون شهر هرات، به قلم یک دایک کتبه، با رقم: «این صفة بدیع البینان ... بتاریخ سال هشتصد و هشتاد و دو ... حرر: لعبد سلطان علی مشهدی». ب) کتابها: یک نسخه «دفتر پیچم» از شش دفتر «مشوی» مولانا، به قلم کتابت خوش، با رقم. «سلطان علی المشهدی» به تاریخ جمادی الثانی سال ۸۶۵ ق؛ یک نسخه «گوی و چوگان» (حائمة هارمی)، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «وفق بکتابه هذه النسخة ... سلطان علی بن محمد المشهدی. سنة اربع و سبعین و ثمانمائه بدارالسلطنة هرات ...»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «سلطان علی المشهدی» در پنجاه و پنج سالگی به سال ۸۹۶ ق؛ یک نسخه «تحفة الاحرار»

سلطانعلی مشهدی، فرزند محمد، (۸۴۱-۹۲۶ ق)، خطاط و شاعر، ملقب به قبة الکتاب و سلطان الحظا طین. در میان خوشنویسان مستعلیق، هیچ یک به اندازه سلطانعلی مشهدی، در دوره زندگی خود، شهرت کسب نکرده است. پدر و مادر وی ساکن شهر مشهد بودند و او در هفت سالگی پدرش را از دست داد. سلطانعلی از طفولیت به خوشنویسی علاقه داشته و مدتها بدون معلم

هزار بیت از او به جای مانده است. برخی منابع، او را به نشانه دختر محمود میرزا دانسته‌اند.

از ریشه نام پدرش (۱۵۱-۱۵۲)، تاریخ عمده ۲۵، ۳۱۳، ۳۱۷، حسیه‌الشمس (۲/ ۲۱۶۷-۲۱۶۶)، خبرات حسان (۲/ ۹۲)، الدرر (۹/ ۴۵۹)، رنداد سحر (۱/ ۲۵۷-۲۵۶)، مشاهیر رنای (۱۲۳).

سلطان‌انقراء تبریزی، سید محمود بن سید محمد بن مهدی حسینی حسینی، (ر ۱۲۹۷ ق)، قاری، حافظ و عالم اجداد وی شمه قاری و حافظ بودند. وی قرائت حاصم را که متقن‌ترین قرأت است به واسطه پدرش از حاصم روایت می‌کرد از آثارش: «التفهیم للمحمدیه»، در تجوید قرآن؛ «حواهر القرآن»، به عربی؛ و کتابی دیگر به همان ترتیب، به فارسی، به نام «دحل الجواهر»؛ «خزائن القرآن»؛ «کفایة الحفاظ»، که در ۱۲۹۷ ق تألیف و طبع شده است.

الدرر (۳/ ۴۶۸، ۵/ ۲۷۴-۲۷۵)، ریحانه (۳/ ۶۱).

سلطان‌انقراء تبریزی، شیخ عبدالرحیم بن ابوالقاسم قاری، (۱۲۵۵-۱۳۳۶ ق)، قاری و عالم. در تبریز به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم برآمد و در حوتمی برای دریافت درجات عالیه قرائت از تدریس به کشورهای مختلف مسافرت کرد و در غیبهٔ اریکستان در خدمت حاج شیخ محمد کسب علم کرد و با شیخ شامل دهستانی در نهضتی اسلامی علیه روسها شرکت کرد و پس از پیروزی مدتی در داغستان اقامت کرد. سپس به عربستان و مصر رفت. پس از دوازده سال به تبریز بازگشت و به آموزش علم تجوید و قرائت قرآن پرداخت و برگانی چون آقا شیخ میرزا فرح‌الله تبریزی و فاضل آبرامی و دیگر علما از تلامذهٔ وی بودند. وی را بتأثیر صحبتش در صفت‌انصاف در دامه‌کوه سرخاب تبریز به خاک سپردند. پدرش مشهور به قاری بود و کتابخانه‌ای در تبریز بنا نمود که پس از وی در اختیار فرزندش قرار گرفت و سلطان‌انقراء به نوبهٔ خود در تکمیل این کتابخانه کوشید و پس از وی به فرزندش شیخ ابوالقاسم سلطان انراء رسید. از آثارش: «الدرر المنوره»، در علم تجوید؛ «دستور تجوید»، در علم تجوید؛ به فارسی؛ حاشیه‌ای بر «مقدمة منظومة فی التجوید» محمد جزیری شامی.

الدرر (۶/ ۲۱۶، ۸/ ۷۵، ۱۵۲)، ریحانه (۳/ ۶۱۶)، طبقات اعلام النسخه (نرس ۱۲/ ۱۱۰۱-۱۱۰۲).

خاصی، به قسم کتابت خوش، با رقم «کتابه‌العبد ... سلطان علی‌المشهدی ... سنة ۹۲۱ هـ» (ج مرقعات و قطعات: ۴۷۰ قطعه از مرقعات، به قلمهای پنج دانگ تا هیار عالی و خوش و متوسط، با تاریخهای ۱۲۸۵ تا ۹۰۳ ق.

احوال و آثار خوشویان (۱/ ۲۶۶-۲۶۷)، اطلس خط (۴۶۲-۴۷۱)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۰-۱۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۷۲)، تاریخ موسیقی (۱/ ۲۴۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۶-۳۲۷، ۶۵۲)، تاریخ مرهای ملی (۲/ ۸۱۹-۸۱۵)، نغمه ساسی (۱۱۳)، تذکرة الخطاطین (۱/ ۹۵-۸۳)، حبیبالسیر (۴/ ۳۵۱-۳۵۲)، خوشنویسان و سرمدان (۸/ ۳۶-۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۳۲۵)، الدرر (۹/ ۴۵۸-۴۵۹)، ریحانه (۳/ ۵۶۰-۵۵۹)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۷۲-۲۷۳)، صبح گش (۷/ ۲)، طرائف الحقائق (۳/ ۱۱۹-۱۲۰)، عالم‌آرای عباسی (۱/ ۱۷۱)، فرهنگ سخوران (۴۶۲-۴۶۳)، کارنامه بزرگان (۷۲)، گشتن سر ۵۹-۷۸)، مجالس العائین (۱۰۶-۱۰۰)، مناقب سخوران (۶۱-۷۲)، سر عهد سخوران (۲۹۷-۳۱۲، ۳۱۳، ۵۰۵-۵۰۶، ۶۲۳-۶۲۴، ۷۳۷-۷۳۸).

سلطان‌الفرای قزوینی، (س دهم ق)، شاعر و خطاط. آثار بیستهٔ صرامی داشت؛ پس از آن کسب درویشی پوشید و به هند مسافرت کرد. پس از چندی به ایران بازگشت و به دربار صفویه راه پیدا کرد و مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار گرفت. در پایان عمر در مشهد مسکن گزید و در همان شهر درگذشت. وی در شعر پیرو سبک حافظ بود. از اوست:

فتای مطلقم اکسیر کیمیای بهاست

خوشا کسی که چنین کیمیا گری داند

تاریخ نظم و نثر (۳۶۱)، عالم‌آرای عباسی (۱/ ۱۳۴)، فرهنگ سخوران (۲۶۲)، کاروان هند (۱/ ۵۶۵)، میر (۲/ ۴۶۶-۴۶۷).

سلطان قاجار، فرزند فتح‌احمد شاه قاجار، (س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر. متخلص به سلطان. حواهر محمود میرزا، مؤلف «سفة‌المحمود»، بود که نزد پرافر خود تعمیم و تربیت یافته و با عروض و نجوم و انشا آشنا شد و خط شکسته را فراگرفت. سلطان قاجار به دستور پدرش به ازدواج محمدحاج، پسر مهدیقلی خان بیگلر بیگی، درآمد او هر جو می درگذشت دفتری حدود

الکتاب.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۱۱۸۵-۱۱۸۶)

سلطان الکتاب بایسی، محمد علی، فرزند حسینی.
(ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط. از آثار وی. یک تصدیق خط آقا
ابراهیم قمی در پشت قرآن، به خط رقاع کتابت جلی
عالی، با رقم. «سلطان الکتاب ۱۳۰۶» و تصدیق مویح
۱۳۰۸ ق؛ یک تصدیق خط آقا ابراهیم قمی در پشت قرآن
به خط رقاع کتابت جلی عالی، با رقم «المب الاض لائم
محمد صبی بن حسینی اندیشی سنه ۱۳۰۸»
احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۱۰۷۹، ۱۱۹۱).

سلطانم بانوی صفوی، فرزند شاه اسماعیل اول، (س.
دهم ق)، خطاط. او خط را نزد دوست محمد هروی
مراگرفت. در اصفهان درگذشت و جنازه وی پس از
وفات، در مقبره شاه علاءالدین محمد به عنوان امانت
سپرده شد و سپس در ۱۰۱۳ ق در اصاب مقدم دفن
شد. از آثار وی: قطعه‌ای از مرقع بهرام میرزا، به قلم بیم
نور. رنگ متوسط، با رقم: «کشته سلطانم بنت اسماعیل
الحجینی الصفوی».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۶۷)، تذکره القلم.
(۳۲-۳۳)، گستان هنر (۹۹)، مشاهیر رنک (۱۲۵)، هنر
عهد تیموریان (۵۸۲).

سلطان المتکلمین، شیخ محمد و عظم تهرانی، فرزند
ملا اسماعیل کجوری. (وف ح ۱۳۵۳ ق)، عالم دیسی،
رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه
می‌پرداخت. از وعاظ مشروحه طلب بود و همه طبقات از
سیرش سود می‌جستند. از آثارش: «زبدة المآثر»، در
شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر
تألیفات او؛ منظومه «تاریخ ائم المصائب سیدتنا زینب بنت
امیرالمؤمنین (ع)» به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛
«اساس السیاسة فی تأسیس الریاسة»، در اختای عهدنامه
امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر شرح داده شده و سپس
سایر اخلاق و آداب ریاست بیان شده؛ «بشارت الامة»،
در موالید ائمه (ع) که در ابتدای آن اصول عقاید مفصلاً
بیان شده؛ «ترجمة موسی المبرقع».

الدوسمه (۲/ ۷، ۳/ ۱۱۲، ۲۶۳، ۴/ ۱۶۶، ۱۲/ ۳۲)،
شرح حال رجال (۵/ ۱۹۸)، ریحانه (۲/ ۶۷-۶۸)،
علماء معاصرین (۳۶۷-۳۶۸)، معجم المؤلفین (۹/ ۵۸)

مکارم الآثار (۵/ ۱۴۸۹)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص
۱۰۵-۱۰۴).

سلطان قمی، ملک سلطان محمد، فرزند رئیس
شهاب‌الدین قمی معنایی. (س دهیم ق)، شاعر کودکی و
نوجوانیش را در قزوین گذراند و چند گاهی در ملازمت
سراج اندین محمد قمی به سر می‌برد و در همان ایام به
شغل عطاری روزگار می‌گذراند. پس از چندی به قم
با گشت و بعد از شهادت قتل سید سراج‌الدین محمد،
چندی در کاشان و اصفهان به سر برد و سپس به قم
بازگشت. اشعاری از او در تذکرها آمده است.

آتشکده نادر (۳/ ۱۲۵۲-۱۲۵۸)، تاریخ نظم و نثر
(۵۲۸)، الدوسمه (۹/ ۴۵۹)، مرصع سحران
(۲۶۱-۴۶۲)، مجمع الخواص (۲۷۲)، محرن العراب
(۲/ ۶۷۳-۶۷۵)، مکتب وقوع (۶۵۵)، نهای الانکار
(۲/ ۳۲۸-۳۲۹)، نثر عشق (۲/ ۷۰۴).

سلطان الکتاب، کاظم شریف. (ز ۱۳۲۲ ق)، خطاط
ملقب به سلطان الکتاب. از آثار وی: کتیبه‌های غریب
آرامگاه سید حجة الاسلام در اصفهان، که به خط ثلث
نوشته شده و رقم: «... کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف
۱۳۲۲» دارد.

کجیته آثار تاریخی اصفهان (۷۸۵).

سلطان الکتاب، میرزا محمد رضا - صفای
محلانی.

سلطان الکتاب اصفهانی، محمد علی. (ز ۱۲۸۹ ق)،
خطاط. از آثار او: قرآن وزیري - جلد روغنی، دو صفحه
اول و آخر مدقّب، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه
مرصع، به خط نسخ و رقاع کتابت جلی عالی، با رقم:
«... پیدا اقل محمد علی الاصفهانی فی سنه ۱۲۸۹ س
لهجرة النبوة»؛ سورة يس و ادعیه، جلد روغنی مدقّب
مزیّن، به خط نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «بجته
هدیه حضور... کتبه العبد... محمد علی الاصفهانی فی
سنه ۱۲۹۸»؛ قرآن رحلی، جلد روغنی مدقّب عالی،
نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «صد... محمد
علی اصفهانی ملقب سلطان الکتاب ۱۳۱۷ هجری
...»؛ یک قطعه از مرقع نسخ و رقاع کتابت جلی خوش
بلکه عالی، با رقم: «کتبه العبد محمد علی الملّقب بسلطان

سلطان محمد اراکی - سلطان محمد هراقی

سلطان محمد تایبادی. (ز ۱۰۶۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» سلمان ساوجی، به قلم کتابت متوسط، با رقم. «تمت الکتاب». تحریراً فی تاریخ عمرة شهر رجب المرجب سنه ۱۰۶۵، کتبه المذنب سلطان محمد تایبادی.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۶۷)

سلطان محمد تربتی. (س دهم ق)، خطاط. از شاگردان شاه محمود نیشابوری بود. در مشهد مدفون است. در «مناقب هنروران» نام وی سلطان محمود تربتی آمده که با مهرست آخر کتاب همخوانی ندارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۶۷)، مناقب هنروران

(۷۱)

سلطان محمد چنگی - چنگی، سلطان محمد

سلطان محمد خندان. (ز ۹۵۷ ق)، خطاط و شاعر. نخستین خوشنویسان مقرر خراسان و از جمله شاگردان طغرل اول سلطانعلی مشهدی است. گویند تمام مدت عمر را در هرات و از اران جوانی در خدمت امیر علیشیر نوایی گذراند. از فرط انبساط وی را خندان، لقب داده بودند. خندان کتابت را خوش می‌نوشت، ولی در شطرنج نویسی مسلط‌تر بود و از آثار رنگه او معدودی موجود است او همچنین از شعر و معما و موسیقی بهره داشت و سی را خوش می‌نواخت. بعضی گویند که سلطان محمد خود را به دیوانگی منسوب می‌داشته است. در تاریخ وفات وی اختلاف است و سال مرگ او را ۹۱۵، ۹۳۲، ۹۵۰ ق تعیین کرده‌اند که هیچ یک درست نیست، زیرا آثار وی تا سال ۹۵۷ ق موجود است خندان پس از مرگ در هرات، در محل بخت میر علیشیر معروف به وئیه به خاک سپرده شد. از شاگردان مهم وی، یاری شیرازی، محمد حسین بحرری و محمد قاسم ضادشاه را ذکر کرده‌اند که هر یک استادی بوده‌اند. از آثار او یک نسخه «یوسف و زلیخا»ی جامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب ... سنه ۹۱۵، کتبه سلطان محمد خندان ... یک نسخه «یوسف» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه سلطان محمد خندان ... فی سنه ۹۲۰، یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه

العمد ... سلطان محمد خندان ... سنه ست و عشرين و تسعمائة»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم نیم درازنگ عالی، با رقم: «تمت ... سنه ۹۵۷ سنج و خمسين و تسعمائة» کتبه سلطان محمد خندان.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۶۸-۲۷۱)، اطلس خط

(۲۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۷۲)، تاریخ نظم و

نثر (۳۴۵)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۲۱-۸۲۲)، تذکره

رور روشن (۲۶۳)، حسیب السیر (۴/ ۳۶۴)،

خوشنویسان و هنرمندان (۹/ ۳۵۳، ۱۲۵)، الذریعه

(۹/ ۲۶۰، ۹۹۶)، ریحانه (۳/ ۶۲)، طرک العنایق (۳/

۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۳۱۷)، گلستان هنر (۶۴)،

۸۶-۸۷، ۸۹)، مجالس العناص (۱۲۸)، مناقب هنروران

(۹۲، ۷۰، ۷۱، ۱۱۴)، هنر عهد تیموریان (۳۴۲، ۳۳۶،

۵۷۶، ۶۲۷، ۶۹۱)

سلطان محمد عراقی. (س دهم ق)، نقاش در تذکره‌ها تیریزی، اصفهانی و یا هراتی معرفی شده و صاحب «گلستان هنر» او را تیریزی دانسته است بهترین دلیل هراقی (اراکي) بودن این هنرمند، امضای اصیل جوفه وی می‌باشد که در ذیل دو اثرش دیده شده است. سلطان محمد در دوره تیموری و صفوی در دربار سلاطین مزبور فعالیت داشته و به خلق آثار هنری مشغول بوده است. صاحب «مناقب هنروران» وی را از شاگردان آقا میرک و تیریزی دانسته است. او در هدایت حال در کتابخانه امیر علیشیر نوایی به خدمت مشغول بوده و سپس به دربار سلطان حسین باقرا، ره نافته و بعد از انقراض تیموریان، به قزوین رفته است پس از مدتی، از طرف شاه طهماسب صفوی به تبریز دعوت شد و در کتابخانه پادشاهی، مشغول گشت. وی در تنوع آرایش و ارائه مناظر پررنگ و رزمی چایک قلم و در جانورسازی و منظرپردازی و تذهیب و تفسیر یگانه روزگار بود و به سبک قزلباش، نقاشی می‌کرد. شهرت او تا جایی بود که معلم مخصوص تصویرسازی شاه طهماسب شد و مورد لطاف شاه قرار گرفت از شاگردان وی: محمدی بیک، استاد حسین قزوینی، برجعلی اردبیلی، محمد معین‌الدین خراسانی و میرزا علی، قرزند سلطان محمد را نام برده‌اند. سلطان محمد، پس از مرگ استاد بهرام، درگذشت و مقبره او در باغ شیخ کمال، کنار قبر استاد سواد، در تبریز است. آثار وی تصاویر بسیار ارزنده شاهنامه شاه طهماسبی است که از آن جمله تصویر

شاهری مرتبه متوسطی داشته است. بعضی او را «ظاهر ثانی» لقب داده‌اند؛ زیرا که موه خط «ظاهر و شبوه خط سلطانعلی مشهدی را به خوبی فراهم ساخته و با ثبات و درستی آن را تکمیل کرده است. سلطان محمد صفری به سحرآ کرچه و همان‌جا درگذشت. از شاگردان وی در خط، حواجه ابراهیم و مولانا قاسم شادشاه را ذکر کرده‌اند. از آثار او: یک نسخه «کلیله و دمنه» به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «سلطان محمد بن نورالله»؛ یک نسخه «گلستان سعدی» به قلم کثابت خفی خوش، با رقم: «کتاب‌المید سلطان محمد نور» سنه ۹۰۷؛ یک نسخه «خمسه» نظمی، به قلم کثابت خوش، با رقم: «سلطان محمد نور سنه ۹۳۱» سی قطعه از مرقع بهرام میرزی صفوی، به قلمهای سه دانگ تا چهار عالی و خوش، با تاریخهای ۹۳۴، ۹۳۵ و ۹۳۷ ق و بعضی رقمهای آنها: «عبد سلطان محمد بن نورالله» و «مشقه سلطان محمد نور» بمدرسه هراغه؛ دو قطعه از مرقع سلطان مراده به قلم کثابت و چهار خوش و رقمهای: «کتاب سلطان محمد نور» و «العبدالمحقیر ... سلطان محمد نور ... سنه ۹۱۲»

اسوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۸۰-۲۷۲)، اطلس خط (۲۷۳-۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۲۰-۸۲۱)، حبیب‌السیر (۴/ ۳۶۲-۳۶۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۹/ ۲۵، ۲۷)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۴۷۲)، گلستان هنر (۸۶)، مجانس‌الناس (۹۹)، مناقب خسروان (۶۵)، (۱۱۲)، مسرور عسجد تیموریان (۳۱۳)، ۵۸۰، ۵۸۶، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۷۴۳

سلطان محمود (س دهم ق)، نقاش، از شاگردان بهراد بود. از آثار او تصاویر متعددی است در موه اسکاتلند که رقم «علی سلطان محمود شاگرد بهزده» دارد.

هنر عهد تیموریان (۲۲۱).

سلطان محمود هروی، فرزند ابراهیم استرآبادی، (ر ۹۰۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به تحاتی. از شاگردان میر علی هروی است که با استاد خود به بخارا رفته و آنجا مقیم شد. بعید نیست که این سلطان محمود، همان محمود عیشی هروی، معاصر امیر علیشیر نوایی، باشد. او چهر حسن خط نستعلیق، از تذهیب نیز سر رشته داشته است. از آثار او قطعه‌ای به قلم دودانگ و کثابت خوش،

دنگاه کیومرث که در کمال زیبایی تصویر شده است؛ تصویر مجلس شادمانی روز عید که سام میرزا روی تخت مزین نشسته و وزیرین لباسها و زینت داخل و خارج قصر استاذافه بوده و در کمال امتیاز ایستاده با رقم: «عمل سلطان محمد عراقی»؛ تصویر مجلس پر جلالت عیش و طرب جماعتی بی پروا که در این صحنه سماع و سرستی جماعتی عیاش را در کمال شادمانی ارائه داده و همچنین نقوش منظم و پر پیرایه مساحتیان خانه که در هر گوشه آن، تصویر موضوع دیگری به ایسکار نقاش تحسین یافته است و رقم «عمل سلطان محمد عراقی» دارد.

اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۵-۲۱۸)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۲۶-۸۲۷)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۳)، گلستان هنر (۱۳۷)، مناقب هنروران (۱۰۴، ۱۰۵)، هنر عهد تیموریان (۶۹۹، ۷۰۱، ۷۲۱، ۷۷۲)، هنر نامندان (۲۲، ۲۳، ۲۴).

سلطان محمد کاتب (ز ۹۵۹ ق)، خطاط، از آثار وی یک نسخه «مثنویات جامی» به قلم کثابت متوسطه، با رقم: «نقمت الکتاب ... علی بد العبد المذنب» سلطان محمد الکاتب فی شعبان سنه ۹۵۹. اسوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۷۲).

سلطان محمد مشهدی (ر ۸۶۶ ق)، خطاط، از کتابان دربار پیر بوداق فرافیلو بود. از آثار وی چند ترجیع بد است که به قلم کثابت چلی خوش نوشته و چپس روم سهادده است. «کم الترجیع ... سنه ست و ستین ثمانیة ... انبید الفقیر سلطان محمد المشهدی تحاور لله».

اسوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۷۲).

سلطان محمد نور هروی، فرزند نورالله، (ج ۸۷۷-۹۴۰ ق)، خطاط و شاعر از مردم هرات و از ملازمان و کاتبان دستگاه امیر علیشیر نوایی و از شاگردان سام سلطانعلی مشهدی و بسیار مورد توجه استاد خود بود. با خوشنویس، صاحب «حبیب‌السیر» ملاقات کرده و خزاندمیر او را زبده اعیان شناخته و به حسن کردار و لطیف گفتار ستوده است. او در کثابت مخصوص کثابت خفی استاد بوده و خط وی در نهایت سلاحت است. همچنین در اشعاری که سروده، معلوم است که در

انوار الحسنة (۲/ ۱۵۰-۱۵۴)، الذریعة (۱۸/ ۲۰۶)،
کنجیة دانشمندان (۲/ ۳۷۷-۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی
(۵۰۷۵ ۶/ ۵۱)

سلطان ولد، بهاء‌الدین محمد، مرزوق جلال‌الدین
محمد یلحی، (۶۲۳-۷۱۲ ق)، عارف و شاعر، متخلص
به ولد، معروف به سلطان ولد، در شهر لارنده متولد شد.
ری گرچه علوم ظاهر و باطنی را از پدر خود فراگرفت،
اما مدتی در دمشق تحصیل کرد و شاگرد شمس تبریزی،
شیخ صلاح‌الدین زکریا، حسام‌الدین چلبی بود و در
عرفان مقامی والا داشت. بهاء‌الدین محمد پس از مرگ
پدر در همان خانقاه قویه جانشین او شد. سلطان ولد به
لغت و شعر ترکی آشنایی داشت و از عواید سلطنتی
ادبیات ایران در ترکیه و از نابیان ادبیات عثمانی بود. در
قویه درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «دیوان»
اشعار؛ مثنوی‌های سه‌گانه او که به مثنوی «ولدی» یا
«ولدنامه» مشهور است.

از سده‌ی تا حامی (۲۰۰۱-۲۰۱)، تاریخ ادبیات در ایران
(۳/ ۷۰۵-۷۱۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۹)، تذکره‌ی دور
روشن (۲۴۲)، تذکره‌ی الشعراء (۲۲۱)، جستجو در
صوف (۳۰۹-۳۱۳)، حبیب‌السیر (۲/ ۱۱۵-۱۱۶)،
الذریعة (۹/ ۱۲۷۹-۱۲۸۰ ۱۹/ ۳۳۶)، ریاض‌المدرسین
(۸۲، ۸۳)، رباعانه (۲/ ۶۲-۶۳)، برهنگ ادبیات فارسی
(۲۷۳)، برهنگ سخنوران (۴۶۳)، لغت‌نامه (دیل /
احمد)، مجمع‌المصنفات (۲/ ۶۹۵)، نفعات‌الاس (۲۷۱-
۴۷۲)

سطنانی، جلال‌الدین محمود، (ز ۸۴۶ ق)، خطاط
ملقب به قطب معینی سلطانی از معاصران و شاگردان
میرزا جعفر بایستقری و از اقربان عبدالله طباطبائی و اظهر
سبزی بود سطنانی را در خط ثلث، ثانی یا قوت،
مستعصمی دانسته‌اند. از آثار وی: قرآن و رباعی، مثنوی،
جلد میسر مکتب مدح دو صفحه فتاح متر و
حاشیه مدح عالی، به خط ثلث کتابت حقی ممتاز و
رقاع عالی، با رقم: «نقل من کتابه ... یا قوت المستعصمی
... علی يد العبد العبر الله العالی محمود السطنانی ... فی
تو، آخر جمادی الاول سنة ست و اربعین و لسانه
بدو السلطنة هرة»

سوال و آثار خوشویان (۴/ ۱۲۱۰-۱۲۱۱)،
سرآمدان فرهنگ (۱، ۳۷۲)

با رقم: «کتاب‌العبد سلطان محمود غفر ذریعة»؛ یک نسخه
«مثنوی» موی، با رقم. «تمام شد دفتر اول مثنوی
موی ... سلطان محمود کاتب‌الهروی» و در دفتری
دیگر، با رقم: «تمت الکتابه سنة تسع و تسعمائة
سلطان محمود الکاتب ... و در دفتری دیگر، پس از
رقم: «سنة نهصد و هفت»

احوال و آثار خوشویان (۱/ ۲۸۱)، خوشویان و
میرمندان (۳۷)، الذریعة (۹/ ۱۱۷۲)، گلستان حس
(۴۸)، مناسب سروران (۷۷)، هر عهد تیموریان
(۳۶۰-۳۶۱)

سلطان مسعود کاتب، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط،
از آثار وی: نسخه‌ای به قلم نیم دودنگ و کتات عالی، با
رقم. «کتاب سلطان مسعود الکاتب»؛ در کتابخانه آسان
قدس رضوی مشهد.

احوال و آثار خوشویان (۱/ ۲۸۱)

سلطان الو عظیم شیرازی، سید محمد، فرزند سید
علی اکبر اشرف ابو هظین، (۱۳۱۴-۱۳۹۱ ق)، عالم
دینی، متکلم، نویسنده و واعظ در تهران به دنیا آمد
مقامات را در مدرسه پائین تهران فراگرفت و در ۱۳۲۵
و همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا
توقف کرد و معطوح متوسطه را نزد فاضل مریدی و
شهرستانی خواند و در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به
تبلیغ شریعت پرداخت. او برای تکمیل علم و دانش و
احاطه وظائف و افاضه و استفاده مسافرت‌هایی به عراق،
سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان نمود و با
بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی و علمای هند و
همچنین با فادیانی‌ها و بهانی‌ها مباحثات دینی و مذهبی
کرد که مهمترین آنها دو مناظره بزرگ وی، در ۱۳۴۵ ق،
یکی با پرهانیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در
دهلی، و دیگری با در عالم بزرگ مست و جماعت حافظ
محمد رشید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر
شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب بود. جریان
مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید.
سلطان الو عظمی در تهران درگذشت و در قم دفن شد. او
آثارش: «شبهای پیشاور»؛ در یک‌هزار و پنجاه صفحه،
گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله
سلطانی»، رد بر یهود و نصرا؛ «گروه رستگاران یا فرقه
ناجیه»، در دو مجلد.

سال از حوزه درس آیاتی چون آقا ضیاء الدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایوان، نزدیک یک سال، در مشهد از مباحثات آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بهره مند شد. در ۱۳۵۹ ق رسماً در قم سکنی گزید و به تدریس فقه و اصول و «کفایه» و «مکاسب» پرداخت. همزمان در درس فقه و اصول آیت الله بروجردی شرکت می کرد. وی معقول را از آیت الله شاه آبادی فراگرفت. از آثارش: رساله ای در «استصحاب»؛ رساله ای در «واجب مطلق و مشروط»؛ «الفوائد القاطمیه» در اصول؛ رساله ای در شرح «منظومه» میرزا محمد تنکابنی؛ رساله ای در «خيارات»؛ رساله ای در «ادبیات فارسی».

گنجینه دانشمندان (۲/ ۷۶-۱۷۴).

سلطانی گلهر کسرمانشاهی، حسینعلی، فرزند مصطفی قلی. (۱۲۴۷-۱۳۰۳/۱۳۰۷ ق)، شاعر، متخصص به سلطانی. پدر وی در ترسش جدیت و تلاش بسیار کرده بود. صوری که در هفتون جوانی از علوم اطلاعات کمالی یافت. در ۱۲۷۴ ق با نواب عمادالدوله به ری آمد و با صاحب «مجمع الفصحاء» ملاقات کرد. ستانی حافظه قوی و سرعت قلم خوبی داشت و روزی هزار سطر تحریر می کرد. او هفتون شاعری را از حاج میرزا محمد متخلص به پیدل اکتساب کرد. از آثار وی: «نجات الثقلین فی مقتل الحسین»؛ مشوی «المثال السدید»؛ در وزن «مخزول الاسرار»؛ «شکرستان»؛ در وزن «حدیقه»؛ مشوی «نور لیلین»؛ «رساله یافستان»؛ به شیوه گدستان؛ «گنج باد آورده» در شرح لغات و اشعار فارسی؛ تذکره «مطلع شمسی»؛ در ذکر اشعار معاصران؛ «قصاید السلطانه».

حدیقه الشعراء (۱/ ۸۰۰-۷۸۸)، المآثر و الآثار (۲۱۵)، مزلفین کتب چاپی (۲/ ۹۴۹)، مجمع الفصحاء (۲/ ۲۵۰-۳۴۶).

سلطانی مازندرانی، میرزا رضا قلی نوایی. (د. ۱۲۳۷ ق)، شاعر. اصل وی از قریه نواست، در دربار فتحعلی شاه قاجار منشی الممالک بود. او مدتی وزارت خراسان و فارس را نیز داشت. از اوست:

حکمت لم یزنی یوسف کتعی را
گر به زندان فکند کام روا نیز کند

سلطانی میانهای، شیخ مسعود بن حیدر بن احمد. (۱۳۲۵-۱۳۱۱ ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. در قریه یالقوز آقاج از توابع میانه به دنیا آمد. پس از طی مقدمات به تبریز رفت و در مدرسه طائیه به تحصیل پرداخت. پس از خواندن سطوح در ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نمود و به خواندن فقه و اصول و فلسفه پرداخت. در ۱۳۶۰ ق به نجف رفت و از محضر اساتیدی چون آیت الله آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت الله حویسی کسب فیض نمود. در ۱۳۶۵ ق به قم بازگشت و در درس آیت الله حاج کریمگری شرکت کرد و پس از فوت استاد به تدریس خارج پرداخت. وی از آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی اجازه اجتهاد داشت. در صحن حضرت معصومه (س) مدفون است. از آثارش: «کتاب الاصول»؛ «منهج العربین»؛ در تفسیر، دو چهار جلد؛ «کتاب الصلوة»؛ «ارث الزوج و الزوجة»؛ «فقه الحج»؛ در دو جلد؛ «شمسک الرسیله» تا ذکر؛ «ذخیره المآد»؛ که رساله عملیه وی می باشد؛ «منهج السالکین»؛ «وقایع النیان»؛ در آیات احکام.

تربت باکان قم (۲/ ۲۰۱۳-۱۲-۲۰)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۷۷-۱۷۶).

سلطانی یسطمی، فرزند میرزا فتح الله ذونبی. (س. سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عربی را فراگرفت. او اشعار عربی و ریاضی از حفظ داشت و «دیوان» شعری فراهم آورده بود. در جوانی با پسر محمد ناصرخان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، ازدواج کرد. چنانکه بر اشعار این بانو پیداست، از زندگی زنشویی خود رضایت نداشته است.

حدیقه الشعراء (۳/ ۲۱۶۷-۲۱۶۸)، فرهنگ معین (۴۶۳)، مشاهیر زنان (۱۲۵-۱۲۶).

سلطانی طبرستانی، سید محمد باقر، فرزند سید علی اصغر ملقب به سلطان العلماء. (۱۳۳۲-۱۴۱۸ ق)، فقیه اصولی و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و فراگیری سطوح اولیه در ۱۳۴۸ ق به قم رفت و از محضر آیت الله خراساری و آیت الله فیضی و آیت الله اراکی استفاده کرد. نگاه به نجف مشرف و حدود دو

حدیقه الشعراء (۱/ ۸۰۱-۸۰۶)، الذریعه (۹/ ۴۶۱-۴۶۲)، سقییه المسمود (۲/ ۶۲۳-۶۲۴)، مجمع العصا (۳/ ۴۰۱)، مصطفی خراب (۷۹-۸۰).

سلطان یوسف میرزا، فرزند متوجه میرزا. (ر ۱۲۷۶ ق)، خطاط از آثار وی. یک نسخه «دهای صباح» و شرح آن به خط نسخ نیم دو ذابک عالی، با رقم «اقل اساء الملوک» سلطان یوسف ابن مرحوم متوجه میرزا فی شهر رجب سنة ۱۲۷۶ هـ.

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۸۰)

سلطانی هروی، میر علی. (ز ۹۷۰ ق)، خطاط ظاهراً مدعی پس از میر علی هروی خطاط در هرات می‌ریست. از آثار وی یک نسخه «برستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم «در دارالسلطنة هرات صورت اتمام پذیرفت. الفقیر الحقیر میر علی السلطانی عفر ذریعه و متر عبونه ۹۷۰»

اسوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۵۱۶).

سلفی اصفهانی، صدرالدین ابوطاهر احمد بن محمد بن احمد (۴۷۸ ۵۷۶ ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیی بزرگش سلفه - معرب سه لبه - می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطب تبریزی فراگرفت. به بغداد رفت و محقه را نزد کباهرایی آموخت. وی از ابومطیح صحاف و ابوعناب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن یحیی بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن فولونه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالنجف و ابوالعر محمد ملقبادی و علی بن ابراهیم مرتضی و ابوسعید سمعانی و قاضی عدض و عمر میانشی و حماد حرّاسی و محمد بن عبدالعقار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کرده‌اند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تأسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علما از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در

سرحمد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین السلداتیة» در حدیث؛ «السلماتیات» در حدیث؛ «المنشیة لیعدادیه» یا «معجم شیخ یغداد»؛ «معجم مشیخة اصحاب»؛ «السلمات من اجراء الاحادیث» یا «اجراء السلمات»؛ «اتحادیه» از «اصول» ابن شرف السطی و «اصول» ابن الطیور؛ «السلماتیات» یا «مجالس پتکانه» از املاهای ابوطاهر سلفی؛ «شرط القراءة علی التبیح»؛ «معجم السمر»؛ «الفصائل الباهرة فی محاسن مصر والقاهرة»

لاسلام (۱/ ۲۰۹)، ایضاح المکتوب (۲/ ۵۰۸)، تذکرة لقبور (۱۲۲-۱۲۵)، روضات الجنات (۱/ ۲۷۶)، ریحانه (۳/ ۶۵۶-۶۵۷)، سیرالبلاء (۲۱/ ۳۹۵)، الکامل (۹/ ۱۵۲)، کشف الظنون (۵۲/ ۵۸۷، ۹۸۲، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۲۲، ۱۶۹۶)، الکوسی و الانساب (۲/ ۳۲۰-۳۲۱)، سال المیران (۱/ ۴۵۰-۴۵۱)، بیت نامه (دین احمد)، معجم المؤلفین (۲/ ۷۶۵-۷۶۶)، المستفاد من دبل تاریخ بغداد (۱۹/ ۷۶۶-۷۶۸)، الوقای بالوفیات (۷/ ۳۵۶-۳۵۷)، وفيات الاحیاء (۱/ ۱۰۵-۱۰۷)، هدیة العارفين (۱/ ۸۷)

سلماتی، ابوفتح مسعود بن اسماعیل بن ابوعلی. (ف ۶۳۹ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلمات آذربایجان بود. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الحمل» در نحو الاعلام (۸/ ۱۱۰).

سلماتی، میرزا سعید. (تو ۱۳۰۶ ق)، مؤسس چاپخانه و مدرسه در ایران در سلمات متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی، به روسیه رفت و در بازگشت به ایران، چاپخانه‌ای سریعی آورد و در تبریز به نام چاپخانه امید دایر کرد. سپس به استانبول رفت و پس از مدتی به ایران بازگشت و مدرسه‌ای به طرز نوین به نام مدرسه سعیدیه در سلمات بنا کرد. او در جنگی بین مشروطه‌طلبان و مستبدین، درگذشت. شرح حال رجال (۲/ ۷۱).

سلمات. (س ۵۰۰ ق)، نقاش در زمان اکبر شاه گورگانی به هند رفت و در آنجا به فن نقاشی مشغول شد. حوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۲۲۵)

محمد وزیر سلمان در غزلباز از جمله شاعران موفق است. غزلباز سلمان در بسیاری از موارد، صورت استقبال از غزلبازهای سعدی و در موارد متعدد دیگر، چاشنی هرفانی و گناه لحن قلندرانه دارد. از دیگر آثار وی:

«جمشید و خورشید» (۱۳۳۵-۱۳۳۶) دیوان

آتشکده آذر (۱۳۳۳-۱۳۳۵)، ارمغان (س ۶، ص

۲۲۵-۲۲۶)، از سعدی تا جامی (۲۵۸-۲۶۲)، بهارستان

جامی (۱۱۵-۱۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۰۲-۱۰۰۳)

۱۰۲۲)، تذکره الانصار (۲۸۶-۲۹۶)، سبب السیر (۳/

۲۳۹)، دایرةالمعرف فارسی (۱/ ۱۳۲۷)، دیوان سلمان

ساوجی (مقدمه یک - سی و دو)، الذریعه (۵/ ۱۳۳)

۹/ ۲۶۲-۲۶۳، ۱۶/ ۱۵۳)، دیوانه (۲/ ۳۱۸-۳۱۹)

شعر المعجم (۲/ ۱۵۰-۱۶۲)، شعر فارسی از آغاز تا

امروز (۱۵۸-۱۵۹)، طرائف الحقائق (۲/ ۶۵۲-۶۵۳)

فرهنگ ادبیات فارسی (۲۷۲)، فرهنگ سخنوران

(۴۶۵-۴۶۶)، گنج سخن (۲/ ۲۸۹-۲۹۷)، مؤلفین کتب

چربی (۲/ ۲۵۲-۲۵۳)، محال المزمین (۲/ ۶۵۳-۶۵۴)

۶۵۹)، مجمع القصص (۲/ ۳۷-۳۸)، مجمل فصیحی

(ذیل / سالهای ۷۴۴، ۷۷۷)، مرآت الحیال (۵۴۳-۵۴۴)

نشاط الکسار (۲۲۷-۲۲۸)، حمت الفیلم (۲/ ۵۲۲-۵۲۳)

۵۲۵

سلمان شاه (س ۵۴۴ و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای در یک مرقع، به قسم سه دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب سلمان شاه عمرالله ذمه» در کتابخانه خرنه از قاف استانبول.

اموال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۸۲)

سلمان فارسی، ابو عبدالله (وف ۳۷-۲۷ ق)، صحابی نامی پیامبر اسلام (ص)، دهقان زاده‌ای از قریه جی اسمهان و یا رامهرمز مدرس بود. گفته‌اند نام پدرش بدخشان یا خوشردان یا خوشردان یا لودخشان اسمعیلی و مادرش اهل رامهرمز بود. نام اصلی او رویه است. چون مزده طهور پیامبر (ص) را شنید به جستجوی حقیقت خانه پدر را ترک گفت و به شامات رسید. در بلاد عرب به اسارت درآمد، مردی از بنی قریظه او را خرید و به مدینه برد و در بوستان خویش وی را به کار واداشت. پیامبر (ص) او را خرید و آزاد کرد. از آن پس در خدمت رسول خدا (ص) باقی ماند و تا بدانجا رسید که از حواریون آن حضرت و در شمار اهل بیت (ع) قرار

سلمان جابری اصفهانی، فرزند میرزا علی (مفتول

۹۹۱ ق)، شعر. اهل اصفهان بود. نسبش به جابر بن

صدالله انصاری از یاران پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. در

زمان شاه طهماسب اول ناظر بیوتات بود. در زمان شاه

اسماعیل ثانی به وزارت رسید و شاه او را بر همه امرا و

رجال دربار خود برتری داد. در زمان پادشاهی سلطان

محمد خدابنده وزیر اعظم و دختر خود را به حمزه میرزا

و بیعت ایران داد. امرای قزلباش موقعیت او را بر نتافتند و

او را سه قتل رساندند و امرائش را محاصره کردند و

خاندانش را برانگیزدند. او در شعر توانا بود و «دیوان»

شعری داشت. در «صبح گلشن» به خطا «سلطان» آمده

است.

آتشکده آذر (۳/ ۹۲۶-۹۲۷)، احسن التواریخ (۲۹۹)

۶۵۵، ۷۱۶-۷۱۷)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۱-۴۶۲)، تذکره

روز روشن (۳۶۲-۳۶۳)، الذریعه (۹/ ۲۶۲)، صبح

گلشن (۲۰۶)، عالم آرای عباسی (۱/ ۲۳۶-۲۵۱)

۲۸۲)، لغت نامه (ذیل / سلمان)، مجمع النواص

(۴۲۴۱)، معجز الفرائد (۲/ ۶۶۴-۶۶۵)، حمت اقلیم

(۲/ ۲۰۳-۲۰۴)

سلمان ساوجی، خواجه جمال‌الدین بن علاءالدین

محمد (۷۷۷-۷۷۸ ق)، شاعر، متخلص به سلمان.

در سده متولد شد. ظهورش در شعر و اشتهاش در این

قرن، پس از کسب مقدمات علوم و آموختن آداب دیوانی

و علم سیاق در اواخر عهد ایلخانات و به هنگام وزارت

علاءالدین محمد بوده است. از ۷۳۰ ق که شیخ حسن

ایلکانی به سلطنت رسید، سلمان خدمت او را اختیار

کرد و به مدح او پرداخت. همچنین دلشاد خاتون همسر

شیخ حسن را نیز مدح کرد. بعدها به بغداد رفت و در

آنجا سکونت اختیار کرد. وی دوران واقعی شهرت و

وراج کار خود را در همین شهر گذراند. وی در شاعری از

خواجه سلمان تعلیم گرفت. از میان شاعران قرن هشتم

کسی را مانند سلمان در احرار حرفه شاعری نمی‌یابیم.

سلمان در قالبهای قصیده و غزل و قطعه و ترجیع بند و

ترکیب بند و رباعی و مثنوی هنرمندی کرده و در همه این

انواع، استاد مسلم بود. اما در قصیده توانا تر بود تا آنچه

که می‌توان او را خاتم قصیده سربازان بزرگ فارسی زبان

به ویژه قصیده‌گرایان مداح دانست. از جمله وجوه اشتها

سلمان، سرودن قصیده‌های مصنوع «سب به نام» بدایع

الاسفار / الاسفار در اوان جوانی - مدح حیات‌الدین

۴۷۹-۴۸۰)، سیرالبنی، (۱/ ۵۵۸-۵۵۹)، شخصیه‌های
نامی (۲۴۷-۲۴۸)، طبقات ابن سعد (۴/ ۷۰۵۶)، لغت
سامه (دبیر/ سلمان فارسی)، مجالس المؤمنین (۱/
۲۰۸-۲۰۹)، مجمل قمیسی (ذیل/ سال ۳۵)، نامه
داشوزان (۹/ ۲۴۵۲)، نفس‌الرحمن

سلمان همدانی، سید سلیمان، فرزند میر محمد، (س
یازدهم ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه «دیوان»
سلمان ساوجی، به قلم کتابت متوسط، با رقم «در تاریخ
سنخ ربیع اول سمت تحریر یافت، کتبه السید السند
سید سلمان ابن میر محمد همدانی، ساکن شیراز»
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۸۲).

سلمکی، رفیع السلطان محمد، (۱۲۷۰-۱۳۲۸ ش)،
نوازنده، ملقب به سلمکی، در تهران به دنیا آمد. وی با
تشویق خانواده نزد استادانی چون مسیح حضور و
اسماعیل خان توانست استعداد درونی و نهفته خود را
شکرتا کند و به جایی رسید که یکی از نوادگان خوب
دوران قاجار شد. رفیع السلطان پس از چندی وارد
خاندان ارتش شد و تا درجه میربدلی (سرتیپی) ترقی
کرد و شهرت وی در تاخت ستور سبب شد که در بار
ناصرالدین شاه راه یابد. او لقب سلمکی را از ناصرالدین
شاه به مناسبت اجرای خوب گوشه سلمک در دستگاه
شور دریافت کرد. سلمکی با حبیب سامی، ابوالحسن
صبا و مرتضی محجوبی مصاحبت داشت. ذکرالله
میانایی، سرهنگ شب براه و پسرش، ابراهیم سلمکی، در
جمله شاگردان وی بودند
بروزن موسیقی (۲/ ۲۷۰-۲۷۱)

سمویه مروزی، ابوصالح سلیمان بن صالح لبنی.
روايات قبل از ۴۱۰ ق)، محدث. از اصحاب ابن مبارک
بود و ابن مبارک به طور خصوصی برایش حدود هشتصد
حدیث گفت، احادیثی که در هیچ کتابی نیامده است. او
از علی بن مجاهد و فضیل بن عیاض و اوس بن عبدالله بن
بریده نیز حدیث روایت کرده است. ابن راهویه و احمد
بن شویبه و ابوهنی محمد بن علی بن حمزه مروزی از
سمویه حدیث روایت کرده‌اند. شیرازی در «الانساب»
وی را نحوی نیز دانسته است

التاریخ الکبیر (۲/ ۲۰)، تهذیب التهذیب (۴/ ۱۸۰)،
الجرج و التمدیل (ج ۲، ق ۱/ ۱۲۳-۱۲۲)، سیرالبنی

گرفت. چنانکه او را سلمان محمدی می‌نامیدند. به آورده
احمد بن حنبل پیامبر (ص) فرمود که خداوند چهار نفر از
صحابه مرا دوست دارد و مرا نیز امر کرده که آنها را
دوست بدانم و آنان علی (ع) و سلمان و ابوذر و مقداد
می‌باشند. به آورده بخاری او یکی از چهار گروهی است
که علم را باید از آن جستجو کرد. او را به مثل لقمان حکیم
گفته و درباره‌اش آورده‌اند که وی دارای علم اوان و آخر
بوده و دریایی است که پایانی ندارد. در جنگ خندق
حضور فعال داشت و مشاور نظامی بود. برخی او را نفر
دهم هشتره می‌شمارد، دانسته‌اند. او از اصحاب صفه (سکون)
بود. از زهد و تقوی و فضیلتش روایت آورده‌اند به طوری
که عده‌ای از صوفیه او را از پیشقدمان خود شمرده‌اند.
ابن عباس، انس بن مالک، ابوسمید خدری، ابوطهیل،
ابوعثمان مهدی، ابوقره کندی، عبیدالرحمن سحی و
ابوعمر زاذان از وی روایت کرده‌اند. در تمامی «صحاح»
ششگانه و در «مسند» احمد حنبل از وی حدیث روایت
شده است. در اواخر عمر از طرف خلیفه حکومت مداین
را بر عهده گرفت. از مستمری حقوق خود از بیت‌المال را
به مستمندان می‌بخشید و برای امرار معاش رهبر
می‌یافت. وی را از مهم‌ترین دانسته و هم‌مری متعالمین از
دویست سال برایش ذکر کرده‌اند. در مدین درگذشت و
در نزدیکی ایوان کسری در بقعه‌ای به نام سلمان پاک دفن
شد. درباره سلمان کتب بسیاری نوشته شده که از آن
جمله می‌توان به «نفس الرحمن» محدث نوری و جری
از «بحارالانوار» مجلسی و «اخیار سلمان محمدی»
ابو احمد صدائمریز جلندی و «اخیار سلمان» شیخ
صدوق و «سلمان الفارسی» عبدالله السبیتی و «سلمان
الفارسی» سید جعفر مرتضی‌العاملی و «سلمان پاک»
پرفسور لویی ماسینیون، ترجمه دکتر علی شریعتی اشاره
کرد.

آنریش و تاریخ (۸۰۶-۸۰۷)، بزرگان شیراز
(۱۰۱-۱۰۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۷، ۷۵)،
تاریخ الاسلام (سواد ۴۰۱۱/ ۴۰-۵۱)، تاریخ
برگردگان (۵۹۹)، تاریخ بغداد (۱/ ۱۷۳-۱۶۳)، تاریخ
الکسیر (۲/ ۱۳۶-۱۳۵)، تهذیب التهذیب (۲/
۱۲۴-۱۲۵)، الجرج و التمدیل (ج ۲، ق ۱/ ۲۹۶-۲۹۷)،
حلیة الاولیاء (۱/ ۲۰۸-۱۸۵)، دشمنان و سخی
سوابک فارس (۳/ ۱۸۸-۱۷۷)، دائرةالمعارف الاسلامیه
(۱۲/ ۱۱۱-۱۰۸)، دائرةالمعارف فارسی (۱/ ۱۳۲۷)،
الدریعه (۱/ ۳۳۲-۳۳۳)، سرآملان فرهنگ (۱/

۲۵۸-۲۵۹)، نامه دانشوران (۶/ ۱۶۴-۷۳)، هدیه
العارفين (۲/ ۶۱).

سلونی اردستانی (س دهم ق)، شاعر اهل اردستان
بود و در علم و عمل و عبادت و ریاضت نیز نظیر
نداشت. از اوست:

سواره ماه مرا چالشی دگر باشد
شود بلند چو خورشید گرم تر باشد

صبح گلشن (۲۰۸-۲۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۶۵)،
مخزن المراثی (۲/ ۶۶۶).

سلیمان، (ز ۱۰۸۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقه
از مرقع نسخ کتابت خورش، با رقم «کتابه سلیمان ۱۰۸۴»
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۸۰).

سلیمان، (س نهم ق)، خطاط. به عهد وی قطعه‌ای
است در مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دنگ و کتابت
متوسط و به شیوه اظهر تبریزی، با رقم «العید الضعیف
سلیمان»

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۸۵-۲۸۴).

سلیمان، (س ششم ق)، نقاشی تنها یک اثر روی
دیده شده است این اثر ارزنده، شغب لعابی و رنگی که
در ناحیه آن کشد، نزدیک‌های ریحانه ساخته شده و به
ترینات صده و رنگهای مناسب نقاشی شده است. در
وسط آن، تصویر یک خروس جلب نظر می‌کند، «رقم
اصل سلیمان»

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۴۶۰).

سلیمان اصفهانی، (س چهاردهم ق)، نوایند. وی از
نوازندگان نی بود و در نواختن این ساز مهارت داشت.
مهدی نوایی از شاگردان وی بود.

استادان موسیقی (۵۹)، تاریخ تحول مبدع موسیقی
(۲۰۳)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۱۷)، سرگذشت موسیقی
(۱/ ۲۹۲)، مرغان موسیقی (۴/ ۳۲۹).

سلیمان اصفهانی، فرزند محمد حسین، (ز ۱۰۸۹
ق)، خطاط از آئسار ری، یک نسخه «ذخیره»
حوار مشاهی، به خط نسخ کتابت غنی عالی، با رقم
«کتابه سلیمان بن محمد حسین اصفهانی- فرغ مه فی..»

(۴۳۴ ۴۳۲ / ۹)

سلمی، حسین بن محمد بن موسی، (وف بعد از
۳۲۵ ق)، صوفی. پدر شیخ ابو عبد الرحمن سلمی از
مشایخ صوفیه بود. با عبدالله سنارل و ابوحنی ثقفی
صحبت داشت و شلی را دیده بود
نحات لانس (۳۱۷).

سلمی نیشابوری، ابو عبد الرحمن محمد بن حسین
بن موسی، (۳۳۰/ ۲۲۵-۲۱۲ ق)، صوفی، محدث،
حافظ، مفسر و مرزخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به
تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و
سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با
القادر بالله خلیفه عباسی بود. به عراق و ری و همدان و
مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن
دارقطنی، ابونصر مسراج، اسوالقاسم نصرآبادی و
اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم
نصرآبادی بود و خرقه ارشاد از دست ایشان دریافت کرد
و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی
خرقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن
حسین یهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد بصری،
ابوالقاسم قشیری و ابو عبدالله حاکم نیشابوری داشت.
وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد
که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که
در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب
«طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تألیف کرد و آن را بر
پایان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در
نیشابور درگذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛
«ادب الصوفیه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ
اهل الصغر»؛ «الحقائق السعیر»؛ «رذل العفرون»؛ «مستن
الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه».

اسرارشوحید (تعلیمات ۲/ ۶۶۱-۶۶۰)، الاعلام (۶/
۳۳۱-۳۳۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۱۳-۹۱۲)،
تاریخ بغداد (۲/ ۲۲۸-۲۲۹)، التفسیر والمعرون (۲/
۳۸۴-۳۸۵)، جستجو در تصوف (۷۱-۷۰)، حسیه
الاولیاء (۱۰/ ۴۲-۴۳)، سیرالنبلاء (۱۷/ ۲۴۷-۲۵۵)،
طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (۷/ ۳۱۰-
۳۱۱)، کشف الطوبی (۴۲، ۴۶، ۵۳، ۶۸، ۷۳، ۷۴،
۹۵۵، ۱۰۰۶، ۱۱۰۴)، کسان المیزان (۶/ ۶۲-۶۳)،
مجموعه آثار عبد الرحمن سلمی، معجم المؤلفین (۹/

تسع و ثمانین بعدالالف» (۱۰۸۹)؛ نسخه‌ای دیگر از «دخیره حواری مشقه» به قطع رحلی با کاغذ اصفهانی، سرلوح مذهب، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب گلی و بونه با جلد مایه‌ای ضربی مذهب، به خط نسخ کتابت خمی متوسط، با رقم: «کتبه سلیمان بن محمد حسین الاصفهانی و فرخ منه فی . تسع و ثمانین بعدالالف» ۱۰۸۹.

اسرار و آثار خورشیدان (۱۰۸۰/۴).

سلیمان امیر قاسمی. (تو ۱۲۶۳ ش)، خوانده. در نهران متولد شد. او جوانی صدایی رسا و جذاب داشت. عیسی آقا باشی را به استادی برگزید و تحت تربیت او به دستگاههای موسیقی و رموز خوانندگی آشنا شد. از مصاحبت استادان سرگ خواننده و نوازنده، مانند علیحاج شایب السلطنه و میرزا غلامرضا شیرازی استفاده فراوان برد. وی مدت‌ها مسحت نظامت مدرسه سلامت کرج (دانشکده کشاورزی کنونی) را داشت، سپس به خدمت وزارت دارایی و سازمان برنامه درآمد او شاگردانی تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به هادی فورانه اشاره کرد. از میر قاسمی صفحاتی باقی مانده که به نام مستعار سلیم خان و بعضی با نام حقیقی پیچود سلیمان خان خوانندگی کرده است. وی تا ۸۶ سالگی ۱۳۴۹ ش. در قید حیات بوده است.

تاریخ موسیقی (۱/۲)، ۶۶۵-۶۶۴، سرگذشت موسیقی (۱/۱)، ۳۸۷-۳۸۳، مردان موسیقی (۱/۱)، ۵۰۹-۵۰۸.

سلیمان بن حسن طالوت دامغانی. (من هشتم ق)، معاصر از آثار وی مدرسه و مقرة بابا قاسم در اصفهان است که به سال ۷۴۱ ق بنا شده و در زمره زیباترین نمونه‌های معماری قرن هشتم هجری است. در سر در آرامگاه کاشیکاری و سفرتس‌ساری چالینی است. با کتیبه‌ای به عهد محمدرضا امامی به سال ۱۰۴۴ ق. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۲۴).

سلیمان بن قاسم. (ز ۱۳۱۴ ق)، نقاش پارچه و رشتی دوز از آثار وی رشتی‌دوزی اعلایی است که به انواع ترمیمات رشتی‌دوزی عمل آمده و گویا زین‌پوش است مظهراندین شاه و یا یکی از رجال آن دوره بوده است. با رقم: «سلیمان بن قاسم ۱۳۱۴» اسرار و آثار نقاشان (۳/۱۲۶۱).

سلیمان خان ارمنی. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و نوازنده. از نخستین و بهترین شاگردهای نومی بود. وی قرنی کوچک می‌زد و پیانو می‌نواخت و در تعلیم تمام اسبابهای پادی دست داشت. او بعدها رئیس موریک عبدالحسین میرزای فرمانبردار شد و برای آوردن آلات موسیقی نظام سفری به خارج از ایران رفت. سلیمان خان مدتی هم رئیس موریک علاءالدوله و چندی نیز رئیس موریک گارد سلطنتی بود. حسین سفیری از شاگردان وی بوده است.

تاریخ موسیقی (۲/۲)، ۲۳۷-۲۳۶، ۵۲۵، سرگذشت موسیقی (۱/۱)، ۲۱۹-۲۲۰، ۴۴۴.

سلیمان سلجوقی، جلال الدین، فرزند سلطان محمد. (س ششم ق)، شاعر. برادرزاده سلطان مسحر بود. وقتی او را سلطان مسعود بن ملک‌شاه زندانی کرد این رباعی را گفت:

از دست تبه‌کاری ایس مشتی رفت
در کام حیات ماست چون حنظل قند
ای ایزد سسی تیار آخر مپسند
دیوان همه آزاد و سلیمان درمند

سذکره روز روشن (۲۶۸-۲۶۷)، فرهنگ سخنران (۴۶۶)، باب الکتاب (۱/۱)، ۳۹-۴۰.

سلیمان کاتب. (س نهم ق)، خطاط. او ممکن است پدر دوست محمد هروی باشد از آثار وی یک قطعه از مرقع بهرام میرزا به قلم نستعلیق و به شیوه ظهیر تبریزی، در خزانه اوقاف استاتول. مهر عهد تبریز (۵۸۲).

سسمانی بیکندی، احمد - بیکندی، ابوالفضل. سلیم کهرانی، محمد قلی پیک. (وف ۱۰۵۷ ق)، شاعر، متخلص به سلیم. در طرشت تهران متولد شد. نخستین ایام شاعری وی در لاهیجان سپری شد و در نج با ملا و صاحب قندهاری و ملا حسینی متخلص به صبوخی معاشر بود. پس از مدتی در اصفهان به سربرد و سرانجام در شیراز به خدمت امام قلی خان والی فارس رسید. پس از چندی به هندوستان رفت و از ملازمان میر عبدالسلام مشهدی - اسلام خان - شد و بعد از چند سال ملازمت و ستایش بزرگان آن سامان در کشمیر انزرا اختیار کرد و در همان جا درگذشت و در مزارالشعرا

دو دانگ و کتابت خفی رنگه، با رقم: «وفق بکتابها العدد الأقل سلیم ... سنة اربع و ستين و تسعمائة من الهجرة»؛ یک قطعه به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «در مشهد مقدس اثر نوشته شد ۹۶۸ العبد الفقير سلیم ...».

احوال و آثار حبیبیسان (۱/ ۲۸۲-۲۸۳)، پهلایش خط و خطاطان (۱۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۴)، گلستان هنر (چهل، ۱۰۴)، مناقب هریران (۷۰)، هنر مهد تیموریان (۵۹۵-۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۲۱).

سلیمی، (س نسیم ق)، شاعر، مداح سلغرشاه از سلاطین و ملوک هرمز بود و در بندرعباس می‌زیست. از آثار وی: منظومه «شیرین و فرهاد» به سال ۸۸۰ ق؛ منظومه «منبع اطوار»، در بحر «مخمر الاسرار»؛ منظومه‌های فارسی (۳۱۲-۳۱۳).

سلیمی تیار، سلیم قرزاق (قر ۱۲۹۷ ش)، نوازنده در تهران به دنیا آمد. از دوران کودکی به موسیقی علاقه‌مند شد و به تراخت و یوس پرداخت. بعد از مدتی به بو حن قوزلی پرداخت و به نزد استادش به نام ابوالقاسم خان رفت. پس از مدتی به استخدام موزیک ارتش درآمد و شاگردان زیادی تربیت کرد. در ۱۳۲۲ ش به رادیو رفت و ارکسترهای مختلف چنانچه در آنجا تک نواز ارکستر گلپای جاویدان شد. او علاوه بر همکاری با رادیو، از ۱۳۳۶ ش همکاری خود را با وزارت فرهنگ و هنر آغاز کرد و در ارکسترهای این مرکز هنری و فرهنگی شرکت نمود. سلیمی تیار که نام مستعارش سلیم قرزاق بوده، حدود سی و سه سال فعالیت مستقیم در رادیو داشت و در این مدت حدود شصت آهنگ ساخت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۶)، مردان موسیقی (۱/ ۳۲۹-۳۳۷).

سلیمی تیار، هلی (قر ۱۲۹۹ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. از سیرده سالگی بنا به تشویق برادر بزرگ خود، نسیم قرزاق، به دسته موزیک ارتش رفت و به مدت شش سال نزد استادان آنجا از قبیل اسماعیل پور شدیدی، تقی‌خان عبدالعلی و مهدی‌خان ابوالقاسمی شروع به فراگیری علم موسیقی و نت کرد و از این زمان به بعد به تدریس و تربیت هنرجویان پرداخت. پس از چندی رهبری دسته موزیک لشکر را به عهده گرفت. از ۱۳۲۷ ش، همکاری خود را با

کشمیر دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار که حدود دو هزار بیت است؛ «مثنوی‌های قصا و قدر» و «وصف کشمیر».

آشنکده قدر (۱/ ۵۲)، تاریخ ادبیات ایران، برلین (۲/ ۱۶۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۱۵۸-۱۱۶۷)، تذکره نصراآبادی (۲۳۰-۲۳۷)، اندریمه (۹/ ۴۶۵-۴۶۶، ۱۰۰۲-۱۰۰۳)، ری باستان (۱/ ۳۸۷)، سرآیدان فرهنگ (۱/ ۳۸۱)، سرو آزاد (۶۳-۷۷)، فرهنگ سحران (۴۶۵-۴۶۶)، کاروان هند (۱/ ۵۵۶-۵۵۷)، کلمات النعماء (۷۶)، منظومه‌های فارسی (۸/ ۳۱۲-۳۱۳)، نایب الانکار (۳۳۲-۳۳۳)، هدیه‌العارفین (۲/ ۲۸۲).

سلیم قلی، (س یازدهم ق)، نقاش. از آثار وی دو تصویر از تصاویر کتاب «الوار سهیلی» است که در ۱۰۱۸ ق زیر نظر و مدیریت آقارضا کاشانی تهیه شده که یکی تصویر سوارکاری است که شکارچی و شیر را با یکدیگر به تن رسانده و به اجساد افتاده آنها نگاه می‌کند. زمینه نقاشی و مناظر درختان اطراف استادانه است و رقم «سلیم قلی» دارد. تصویر دوم: یکی از پادشاهان پر جلال هند که در آرایش سلطنتی تاجی به سر نهاده و به روی تخت نشسته است و مستخدم مخصوص مشغول بادردن شاه است. در گوشه دیگر، دو شتر و یک فیل و یک آینه یا سورچی‌های مخصوص دیده می‌شود. مسافر پر گل و ریسمان و درختان ریا و سرسبز ساخ به استادی کامل ترسیم شده و رقم «سلیم قلی» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۶).

سلیم نیشابوری، (قر ۹۹۰ ق)، خطاط و شاعر. اصلاً حبشی و پدرش از غلامان میر جمال‌الدین صدر استرآبادی بود. سلیم را در قطعه‌نویسی و کتابت و رنگه‌نویسی معهود اند و استاد داشت و در کتابت قرین سلطان محمد نور گرفته‌اند. او در کتابت خفی شیوه استاد خود، شاه محمود نیشابوری، را پیروی کرده است. برخی وی را نقاش و مذهب پنداشته و گویا از لفظ رنگه به اشتباه افتاده‌اند. در حالیکه این اصطلاح مخصوص خطاطان است. نسیم در مشهد زندگی می‌کرد و همانجا نیز درگذشت. از آثار او: یک نسخه «خمسه» نظامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تَمَّتِ الْکِتَابُ ... سنة إحدى و ستين و تسعمائة» و انالعبد المذنب الراجی نسیم ...؛ یک نسخه «چهل حدیث» و ترجمه فارسی آن، به قلم نسیم

«زنان سحرور»؛ «گل‌های رنگارنگ»؛ «مهر چاویده» شعر؛ «یادنامه موی به مناسبت هفتصدمین سال».

تاریخ حرابت (۱/ ۲۰۶)، الذریعه (۹/ ۲۶۸)، رشاد سحرور (۱/ دیباچه)، سحروران شامی معاصر (۲/ ۱۵۱-۱۵۵)، مؤلفین کتبه چاپی (۲/ ۵۴۴-۵۴۳).

سلیسی سیزواری، تاج‌الدین حسن - سلیسی نویی.

سمائی مروزی، محمود بن علی. (س ششم ق)، شاعر. وی از معاصران سنجور و از مداحان سلاجقه بود اهمیت وی در ادب فارسی بیشتر به خاطر عزیماتی است که او به یادگار مانده و همه آنها دلالت بر قدرت این شاعر در آوردن مضامین لطیف و معانی بدیع دارد سمائی از جمله شاعرانی است که در تکامل عول فارسی سهم عمده‌ای داشته است

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۸۸-۶۸۵)، الذریعه (۹/ ۳۵۹)، ۴۶۹، ریحانه (۳/ ۶۷)، سخی و سحرور (۳۵۹)، ۳۶۱، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۷۵)، فرهنگ سحروران (۲۶۸)، گنج سخن (۲۷۶-۳۷۴)، انبیا (۲/ ۱۲۵-۱۲۷)، لغت‌نامه (دیل / سامی)، مجمع الفصحی (۲/ ۷۰۳-۷۰۲)، هفت افشیم (۲/ ۱۲-۱۴).

سماع حضور، حبیب، فرزند میرزا غلامحسین. (س چهاردهم ق)، موسیقیدان و نوازنده از هنرمندان نامی سوارنده مستور در نو غر دوره قاجاریه بود رسور نوزدگی صرب و خراسانی آهنگهای صربی و غیره و نود پدرش آمرخت و چون از جوانی پای مستور آف محمد صادقی‌خان سرورالملک صرب می‌گرفته و در این هنر نهایتی داشته، بعید نیست تربیت شده پدر خویش بوده باشد. سماع حضور از درویشان نعمت‌اللهی بود و ساز را وسیله عبادت می‌دانست و با آن به راز و نیاز به درگاه معبود می‌پرداخت. از شاگردان وی در آموزش صرب تقی سقچی‌یاشی، آقا جان دوم و حاجی‌خان بودند. تنها وارث گنجینه هنری وی در مستور، حبیب سماعی، فرزند او، بود. او علاوه بر تربیت فرزندش به خواهر خود، عبدالیاب‌السلطنه، نیز مستور تعلیم می‌داد سماع حضور در اواخر دوره قاجاریه، در زمان سلطنت احمد شاه قاجار درگذشت.

ادبیات (س ۴، ش ۳۸، ص ۲۹)، استادان موسیقی

از کسترهای، مجید وفادار، عبدالله جهان پناه، عباس شاپوری و غیره شروع کرد. او آهنگ و سرودهای جالبی برای سازمان پیش‌آهنگی ساخت و کنسرت‌های متعددی همراه با گروه به نفع مؤسسات خیریه و بیمارستان‌ها در شهرهای مختلف کشور اجرا کرد و در کنسرتی که از طرف سازمان جهانی یونسکو برگزار شده بود شرکت نمود. سلیسی تبار حدود چهل و هشت سال در صحنه فرهنگ و هنر کشور فعالانه شرکت داشت. وی معاون اجرایی استاد اسماعیل زرین‌فر در سازمان پیش‌آهنگی بود.

مردان موسیقی (۲/ ۱۱۷-۱۱۸)

سلیسی تونی، تاج‌الدین حسن بن علی. (وف ۸۵۴ ق)، شاعر، متخلص به سلیسی در تون متولد شد و در سیزوار اقامت گزید، نخست شغل تحصیل‌داری داشت بعدها به سلک درویشان پیوست. در اثنای مسافرت به مشهد مقدس وفات یافت و در سرور مدفون شد. بیشتر اشعارش در مدح ائمه اطهار (ع) بود. از آثارش: «دیوان» اشعار، «واجبات مستظرم»، «ما لاید منه فی مذهب الامامیه».

آتشکده، آذر (۱/ ۲۶۲-۲۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۶۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱/ ۲۲۳-۲۲۴)، تذکره رور رور (۳۶۸)، تذکره الشعراء (۴۹۲-۴۹۳)، الذریعه (۹/ ۳۶۷-۳۶۸)، ۲۶۱/ ۱۹، ۲۶۲/ ۲۵، ریحانه (۳/ ۶۷۰-۶۶۱)، فرهنگ سحرور (۱/ ۴۶۷)، بحثنامه (دیل / سیم).

سلیسی تهرانی، علی اکبر مشیر، فرزند علی صفر (۱۲۷۹-۱۳۵۰ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار در تهران متولد شد. در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با ربنهای عربی و فراسه و نگلیسی آشنایی پیدا کرد. در ۱۲۹۹ ش امتیاز روزنامه «اطلاعات» را گرفت و به نشر آن پرداخت. در ۱۳۰۴ ش نگاه مری را تأسیس و به تألیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب پرداخت. مدتی سردبیر روزنامه «اتحاد» و پس از دو سال مدیر روزنامه «شمن سرخ» و چهار سال مدیر مجله «آمورش و پرورش» بود. او همچنین دبیر سازمان فرهنگی یونسکو در تهران بود و مدیریت مجله «یونسکو» را بر عهده داشت و به سیاسی خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نائل آمد از آثار وی: «راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی»؛

سمایی هروی، حکیم محمود گجالی، (وف ۱۰۰۱ ق)، شاعر، از شاعران روزگار صفویه بود که علاوه بر شاعری در چشم پزشکی (کحالی) نیز مهارت داشت. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

الدریسه (۹/ ۲۶۹)، ریحانه (۳/ ۶۷)، صبیح‌گلشن (۲۱۱)، فرهنگ سخنران (۳۶۸).

سمرقندی، ابواللیث نصر بن محمد بن احمد (وف ۳۷۳/۳۷۵ ق)، محدث، متکلم و فقیه حنفی، معروف به امام‌الهدی. از محدثان بنام خراسان بود که در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تألیفات داشت و کتابهای او از مراکش تا اندونزی رایج بود. در برخی منابع او را با حافظ سمرقندی که معاصر وی بود، اشتباه گرفته‌اند. ابواللیث از محمد بن فضل بخاری و دیگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن عبدالرحمن ترمذی از وی روایت کرده است. آثار عمده وی عبارتند از: «تفسیر» که به وسیله ابن عرب‌شاه به ترکی عثمانی ترجمه شده؛ «خزانة القصة» در فقه حنفی؛ «مختلف الروا»؛ درباره اختلاف قسماط عظامای قدیم حنفی؛ «المقدمة فی الصلاة»؛ در آداب بخاری؛ «تنبيه العاقلین» و «الایستان» یا «ایستان العارفين»؛ هر دو در اخلاق و زهد؛ «صحائف الاکھیات»؛ «مختصر مفیدات الصلوات»؛ «الوارث».

الإعلام (۸/ ۳۳۹-۳۴۸)، ایضاح المکتون (۱/ ۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۷۶)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، دانشنامه ایران و اسلام (۷/ ۹۹۱)، ریحان (۳/ ۷۳)، سیرالنبلاء (۶/ ۳۲۴-۳۲۲)، کشف الظنون (۲۳۳، ۳۳۲، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۸، ۳۹۹)، التکی والالقاء (۱/ ۱۵۰)، لعب نامه (دیل)، ابونیت، معجم‌المؤلفین (۱۳/ ۹۱)، هدیة الساریین (۲/ ۲۹۰).

سمرقندی، ابراهیم‌مصور محمد بن احمد، (وف ۵۷۵ ق)، فقیه حنفی، اهل سمرقند بود. وی استاد ابوبکر بن مسعود کاشانی است از آثارش «تحفه‌المصباح» در فروع که شاگردش ابوبکر بن مسعود شرح عظیمی در سه مجلد بر آن نگاشته است.

الإعلام (۶/ ۲۱۲)، معجم‌المؤلفین (۸/ ۲۲۸، ۲۶۷).

سمرقندی، شمس‌الدین محمد بن محمود، (وف ح

۵۹)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۹)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۵۸)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۱۳-۵۱۶)، تاریخ هنرهای منی (۲/ ۹۷۵-۹۷۶)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۶۳-۱۶۷)، مردان موسیقی (۲/ ۲۴).

سماعی، حبیب، فرزند حبیب سماع حضور (۱۳۲۵-۱۲۸۰ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران متولد شد. از تربیت یاهنگان پدر و استاد منحصر بعرد ستور بود. پدرش او را از کودکی با موسیقی آشنا کرد. حبیب با این مراقبت و پشتکار در نواختن ضرب و ستور مهارت فراوان پیدا کرد و از زحمات و تعلیمات پدر بهره کافی برد و تنها استاد درجه اول ستور در عصر خود شد. حبیب در مشهد و کرمان مدتی در خدمت نظام بود، سپس به تهران برگشت و به اصوات بعضی از دوستان بخصوص صبا، کلامی ستور تأسیس کرد. از شاگردان وی: صبا، سرورعلی سرومند، قباد ظفر و مرتضی عبدالرسولی را می‌توان نام برد. حبیب سه تار نیز می‌نواخت و این ساز را از عبدالله دادور فراگرفت. پس از تأسیس اداره رادیو به آن مؤسسه همکاری داشت. از حبیب چند صفحه باقی مانده که از همه معروفتر صفحه شور و گزینی است که با خواننده معروف معاصر خود، پررانه بر کرده است. در جشن هزاره حکیم سراسر وی ستور وی مورد توجه مستشرقین قرار گرفت. از خدمات بزرگ او تجدید حیات ستور بود. پس از سماع حضور و علی‌اکبر خان شاهی این ساز رو به فراموشی می‌رفت و نوازندگان آن بسیار اندک بودند. سماعی در اواخر عمر به بستر بیماری افتاد و پس از مدت کوتاهی درگذشت و در مقبره طهیراندویه به خاک سپرده شد.

ایستان (۳/ ۲۸، ص ۲۹-۲۸)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۹)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۵۸-۲۵۹)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۱۷-۵۲۰)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۲۸۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۶۸-۱۶۷)، مردان موسیقی (۱/ ۵۳۰-۵۳۱).

سمادی، جمال‌الدین (۱۲۸۲-۱۳۳۹ ش)، قاضی و محقق، از قضات وزارت دادگستری بود. در طول بیش از سی سال خدمات قضایی و پستی منصفی امور مهمی بود. اثر وی «مراجع اجرای عدالت در ایران» است. مؤلف کتب پایی (۲/ ۳۸۵-۳۸۶).

۷۸۱ ق)، عالم دیسی و قاری، اصل او از سمرقند بود و در همدان به دنیا آمد و در بغداد اقامت گزید. از آثارش: «المصنوع»؛ «القرآن السبع»؛ «المبسوط فی القراءات السبع» یا «المبسوط والمضبوط فی القراءات السبعه»؛ «کشف الاسرار فی رسم مصاحف الامصار»؛ «ایضاح الخوالب فی رسم مصاحف السوالم»؛ «التجريد فی التجريد»؛ «مظومه والعقد الفريد فی نظم التجريد».

الاعلام (۷/ ۳۰۹)، کشف الظنون (۲۵۹، ۱۶۱۵)، معجم الزلنین (۱۲/ ۵۰۶)، مدیة المارغین (۲/ ۱۰۶).

سمرقندی، محمد امین، (س دهم و یازدهم ق)، خطاط، از آثار وی: یک قطعه به قلم سه دانگ متوسط، با رقم: «العقبر محمد امین سمرقندی».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۷۴)

سمرقندی، محمد مراد، (س دهم ق)، نقاش، اهل سمرقند بود. وی در منظره‌سازی و چهره‌پردازی و نقش جانوران و اژدها مجالس سیمی و رزمی خوش دست و شیرین قلم بود و حاشیه‌گیری و گل آری‌کنار صفحات را نیز پر زینت می‌ساخت. از آثار وی: تصویر حواشی قطعه مبتیانور زیبایی است که منظره یک باغ مصفا را نشان می‌دهد، با رقم: «عمل محمد مراد سمرقندی»؛ تصویری در شیوه یحاراه که در این اثر پرکار منظره باهی است که حواشی قطعه نیز آرایش گل و برگ را تصویر افراد و پرندگان را در بر دارد، با رقم: «محمد مراد سمرقندی»؛ نقش قبل با قبل‌بان که جثه قبیل را از اشکال انسان و حیوان و پرندگان، در جمع یکدیگر ترتیب داده و رقم نهاده است: «محمد مراد سمرقندی».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۰۸۳-۱۰۸۲)

سمرقندی، محمد نادر، (س یازدهم ق)، نقاش، از دوران کودکی و ایام جوانی وی که احتمالاً در سمرقند سپری شده، اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی آنچه مسلم است، از در اواسط قرن یازدهم قمری در هند اقامت داشته و در آن ولایت به نقش‌تصویر اشتغال داشته است. محمد نادر در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی دقیق و ریزه‌کار بود و گل و سرخ را زنده و با طراوت می‌کشید. علاوه بر این، در صنعت تذهیب و تشریح سرشته کامل داشت و آرایش و پیرایش حواشی را نیز شخصاً انجام می‌داد از آثار وی تصویر تمام قد و

طراحی استادانه خلیل‌الله خان، با رقم: «عمل محمدنادر السمرقندی»؛ تصویر شیخ محمد تواب، که ریش پریش و توبی داشته و حالت صورت و چهره‌سازی وی استادانه است، با رقم: «عمل محمدنادر السمرقندی»؛ تصویر طراحی‌های بدن انسان و صورت عزت‌خاد، با رقم: «عمل محمدنادر السمرقندی»؛ تصویر باز شکاری یا چنگ‌لهای بزرگ که در مقابل یک گل زیبا قرار گرفته است، با رقم: «عمل محمدنادر السمرقندی».

سوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۰۸۹-۱۰۹۰)

سمرقندی، موسی بن عیسی، (ر ۹۷۷ ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه «شرح معمای امیر حسین»، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «ثم بالخیر علی ید الضعف عبادالله موسی بن عیسی سمرقندی فی تاریخ سبع و سبعین و تسعمائة...».

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۹۲۳)

سمرقندی، ناصرالدین ابوالقاسم محمد بن یوسف بن محمد علوی حسینی، (وف ۵۵۶ ق)، معیه حسینی، بهمنشور، محدث و واعظ، اهل سمرقند بود. در ۵۲۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از وی بهمنشور است. از آثار وی: «الحامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفتی الشافعی»؛ «بلوغ الارب مس تحفین استعارات العرب»؛ «ریاضة الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»؛ در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملفظ فی الفتاوی الحنفیه»، به نام «مآل الفتاوی».

الاعلام (۸/ ۲۳-۲۲)، ایضاح المکنون (۲/ ۱۶۸)، کشف الظنون (۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۷، ۱۷، ۱۶۹۷، ۱۸۱۳-۱۹۲۱)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۳۷)

سپاسان، محمد احمد، (ح ۱۲۷۲-۱۲۶۰ ش)، ملزم و محقق، در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر و تحصیلات عالی را در استانبول به پایان برد و حدود سال ۱۳۱۰ ش به آمریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. در آمریکا وفات یافت. از آثار او «فهرست سح خطی عربی و فارسی و ترکی مجموعه جان سردریک لوتیس» موجود در کتابخانه آزاد هیلاندلیاست که در ۱۹۳۷ م در بیلاوهای انتشار یافت. در این فهرست یکصد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی

شده است. از دیگر آثار وی مقدمه‌ای است بر چاپ «طوطی نامه» طایه نخشی و دیگر ترجمه این کتاب است به زبان انگلیسی
آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱).

سمعی شیرازی، محمد. (س چهارم ق)، خطاط. مشهور به ابن سمعی. در آثار عمر به اکتساب علوم و فصایل پرداخت. آن‌گاه متوجه مشق و تعلیم خط گردید و به نزد ابن مقفه به فارس رفت و بعد از مدتی از زمره اساتید و مشاهیر گشت.
پیدایش خط و خطاطان (۱۶۱-۱۶۰).

سمعی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم. (۵۳۷- ح ۶۱۷ ق)، محدث، فقیه و دین شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خورشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی داود» و «جامع ابی عیسی» و «مسند ابی حنوفه» و «تاریخ نسبی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سمعی رویت می‌کرد. از رئیس اسعد شهری و ابوالبرکات عبدالله نراوی و ابوسعید عبدالرحمن کرمانی و وجیه شامی و ابوالفتح خرگوشی و جتید قاضی و ابوالوقت سجری و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبدالله شیرازی و حسن بن محمد سنگیستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو و شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و بردالی و ابن الصلاح و ابن التیجار و ابن هلال و شرف مرسی و احمد عزاهی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء. برایش پرداخت این کتابها به نام «العوالی من مسوعات الفرائی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است.

سرآندان فرهنگ (۱/ ۴۸۲-۴۸۳) سیرالنبلاء (۲۲/ ۱۰۷-۱۰۶)، کشف الظنون (۱۷۹) ثمان المیزان (۴/ ۳۳۸-۳۳۹)، السیفاء من ذیل تاریخ بغداد (۱۹/ ۱۵۷-۱۵۸)، معجم المؤلفین (۵/ ۲۰۶-۲۰۷)، الوانی بالرمیات (۱۸/ ۳۳۱)، حلیه العارفين (۱/ ۵۶۰).

سمعی مروزی، ابوالمظفر منصور بن محمد بن عبدالجبار تمیمی. (۴۲۶-۴۸۹ ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا آنکه فقهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم گراهی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مأمون و ابوصالح مودن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم رنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و از پس رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید، اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و متوی داد و تألیفات بسیاری در فقه شافعی از خود به جای گذاشت. فرزندان وی عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد منجی و ابونصر غازی و ابوسعید بن بغدادی از شاگردان وی بودند و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقه و اصول و حدیث آثاری دارد. **کتاب** از آن جمله‌اند: «الاصطلاح»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواعد»، در اصول فقه؛ «الاتصاف»، در حدیث؛ در رد مخالفین؛ «المتناهی اهل الاهل السنة»؛ در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعی»؛ «الف حدیث عن مسألة شیخ»؛ «البرهان»، حاوی هزار مسأله از مسائل خلاصه

الاعلام (۸/ ۲۴۲-۲۴۳)، دیحانه (۳/ ۷۶)، سیرالنبلاء (۱۹/ ۱۱۲-۱۱۹)، کشف الظنون (۱۰۷، ۱۵۱، ۱۷۳، ۲۰۲، ۳۲۹، ۱۲۵۷، ۱۸۷۰)، لست نامه (ذیل/ منصور)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۲۰)، حلیه العارفين (۲/ ۴۷۲)، وفيات الاعیان (۳/ ۲۱۱).

سمعی مروزی، تاج الاسلام ابوبکر محمد بن منصور بن عبدالجبار تمیمی. (ح ۴۶۶-۵۱۰ ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی در مرو به دنیا آمد. در نیشابور، اصفهان، همدان، کوفه، حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه نظامیه بغداد وعظ می‌گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املائی حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املا در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبدالله طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصرالله بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن پندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و

۹۶۰۹۵)، ریحانه (۷۵/۳)، سیرالنبلاء (۲۰/۴۵۶-۴۶۵)، کشف الظنون (۳۵، ۴۹، ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۱۶۹، ۱۷۹، ۲۸۸، ۳۰۳، ۳۷۴، ۳۷۹، ۷۵۶، ۹۰۲، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۱۰۸، ۱۱۲۳، ۱۱۳۵، ۷۳۷)، الکنی واللقاب (۲/۲۲۲)، المستفاد من دین تاریخ بغداد (۱۹/۱۷۲-۱۷۳)، معجم المؤلفین (۶/۵۰۴)، وفيات الاعیان (۱/۲۷۹-۲۷۸)، هدية العارفين (۱/۶۰۹-۶۰۸).

سمانی، ابوجعفر محمد بن احمد بن محمد، (۳۶۱-۴۴۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی اصل وی از سمان بوده، در بغداد نشو و نما یافت. از نصر بن احمد مرجعی موصلی و ابوالحسن دارقطنی حدیث شنید. ری ملایم اسویکر باقلانی و از اصحاب برجسته او به شمار می‌رفت. خطیب بغدادی گوید از وی حدیث نوشتن زیرا که مردی دانشمند و راستگو بود. او از پیشگامان اشعریه در زمان خود بود. وی عهده دار منصب قضای موصل شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. او دارای تہائیمی گو «فقہ» می‌باشد.

الاعلام (۶/۲۰۶)، تاریخ بغداد (۱/۳۵۵)، سیرالنبلاء (۱۷/۶۵۲-۶۵۱)، الکامل (۸/۶۲)، الوافی بالوفیات (۲/۶۵).

سمانی، ابوالحسن عبداللہ بن محمد بن عبداللہ حنفی (وف ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر از صحابہ بن راهب و عیسی بن زُحہ و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی قلاتی و محمد بن ہاشم بعلبکی و ہمطقہ آنان حدیث شنید و برای استماع حدیث سفرهای بسیار کرد. عی بن حمشاد و ابو احمد بن عذی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن عیص بن ہانی و ابو عمرو بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. دہبی گوید او دارای تصانیف بسیار بکری بود.

سیرالنبلاء (۱۲/۱۹۴-۱۹۵)، طبقات الحفاظ (۳۱۲)

سموری سکری، امیر ظہیرالدین نصر، (س ششم ق)، شاعر و خطاط. بہ عنوان سفیر از سیستان بہ سور رفت و خزانہ مبارکشاه را مدح گفت از اوست هر کہ چہون گل بہ زر فریخته شد در ہمل آب روی داد بہ بار

ابوعالب عدل و ابوبکر، نوہ ابن مردویہ، و ابوالفتح حدّ شبلہ بود، بیان می‌کرد. سنفی و ابوالفتح طائی و ابوطاہر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. از رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماماً شست و محو کرد. در مرو درگذشت. او دارای آثار در زمیۃ حدیث و وعظ می‌باشد. از جملہ کتاب «الامالی» یا «امال»

الاعلام (۷/۳۳۲)، ریحانه (۳/۷۶)، سیرالنبلاء (۱۹/۳۷۳-۳۷۱)، الکامل (۸/۲۷۱)، الکنی واللقاب (۲/۳۲۲)، معجم المؤلفین (۱۲/۵۳-۵۲)، الوافی بالوفیات (۵/۷۵)، وفيات الاعیان (۳/۳۱۰-۳۱۱).

سمانی مروزی، قوام‌الدین تاج‌الاسلام ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی خراسانی، (۵۶۲-۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیہ، سبایہ و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چہار سالگی پدرش او را در محضر عبدالعزیز شیرازی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او بہ اشارۃ پدرش از ابو منصف محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. ہنوز کودک بود کہ پدر را از دست داد و تحت کفالت عمویش و دیگر خویشان قرار گرفت. در ۵۳۰ ق بہ نیشابور سفر کرد. برای طلب علم و استماع حدیث بہ شرق و عرب و شمال و جنوب حاتم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چہار ہزار تن دانستہ‌اند کہ در «سیرالنبلاء» و دیگر کتب رجال نام شہرہایی کہ وی بدان سفر کردہ و مشایخ مروی کہ ملاقات کردہ، آمدہ است. از وی تہائیف بسیاری بہ جای ماند کہ از آن جملہ اند: «تذیل تاریخ بغداد»، در پانزدہ مجلد، «تاریخ مرو» یا «تاریخ المروازۃ»، متجاوز از بیست مجلد، «الاسساب»، حدود ہشت مجلد، «طراز اللہب فی ادب اللہب»، «معجم البلدان»، «الاسفار عن الاسفار»، «الاملاء و الاستملاء»، «التذکرۃ و التنبیۃ»، «الذہوات»، «سنۃ الاحباب و رحمۃ الاصحاب»، «التحیر فی المعجم الکبیر»، «الامالی»، «وفیات المتأخرین» یا «تاریخ الوفا»، «للمتأخرین من الرواۃ»، «الادب و استعمال الحسب»، «المناسک»، «فصل یس»، «الرسائل و الوسائل»، «تبی معادن السمانی»، در لطائف قرآن کریم.

الاعلام (۴/۱۷۹)، یضاح السکنون (۲/۳۰)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/مقدمہ)، روضات الجنات ۱۵/

رنگینی نقش شده و آئینی از زیبایی است، با رقم: ۳۰۳۰ سمیرمی ۱۳۲۷ هـ.

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۶۶۶-۶۶۶)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۱۰۰۶-۱۰۰۷)، تذکره شعری معاصر اصفهان (۳۰۴)، الذریعه (۹/ ۶۰۵)، فرهنگ سبزوکی (۵۵۵)، هنر قلمدان (۱۶۳-۱۶۵).

سمیع زرگری. (وف ح ۱۰۷۷ ق)، جواهرشناس، منجم و ریاضیدان. وی به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال مدتی به کسب علوم پرداخت و در علم نجوم و ریاضی مهارت یافت. به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار کرد و در حیات گرفتن زر استاد بام شد. وی بعد از گزاردن حج و طواف مرقه مطهر پیامبر (ص) در ۱۰۷۷ ق به وطن مراجعت کرد و در همان ایام در پستی بیماری افتاد و دار فانی را وداع گفت. احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۷)، جامع مفیدی (۳/ ۵۱۳).

سمیعی، حسن، فرزند علاءالوزاره، (۱۲۸۲/۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه، در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه سن لویی شروع کرد و دیپلم خود را از دارالفنون گرفت. سپس به فرانسه رفت و در ۱۳۱۲ ش دکترای حقوق گرفت. به ایران مراجعت کرد و در زمان داور ریاست اداره معادن را بر عهده گرفت. بعد از فوت داور عهده دار وزارت دادگستری شد و در تمام طول عمرش مشغول به خدمات دولتی مختلف بود. او در تمام مدت خدمت سمت استادی دانشگاه را داشت. وی در این بابویه در مقبره خانوادگی مدفون است. اثر وی «حقوق جزا».

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۸۲۵-۸۲۴)، مزنین کتب چاپی (۲/ ۵۵۹-۵۷۰).

سمیعی، غلامرضا، فرزند علی، (تو ۱۲۹۹ ش)، مترجم. از آثار وی: ترجمه «پرومته» ست زنجیر» آندره ژید؛ ترجمه «پیر دختر» بانزاکا. مزنین کتب چاپی (۲/ ۷۰۲).

سنداء الله نقاش. (س نهم ق)، نقاش. وی یکی از تصویرگران شصت و نه مینیاتوری است که برای سلطان یعقوب آنوینلو و امیر حلیشیر نوایی در هرات تصویر

الذریعه (۹/ ۴۷۰-۴۵۸)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، لیست الایاب (۱/ ۱۳۷-۱۳۴)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۵۰-۸۵۰).

شعویه اصفهانی، ابویشر اسماعیل بن عبدالله بن مسعود. (ح ۲۶۷-۱۹۰ ق)، فقیه و محدث. از ابونعیم مثابی در کوفه، و ابومهر غسانی در دمشق، و علی بن هبش در حمص، و حمیدی در مکه، و عبدالله بن یوسف و سعید بن ابی مریم در مصر، و مکر بن نکر و حسین بن حفص در اصفهان حدیث شنید. محمد بن یحیی بن منده و ابویکر بن ابی داود و عبدالله بن جعفر بن فارس و ابن ابی حاتم از وی حدیث شنیدند. ابن ابی حاتم او را محدثی راستگو و مورد اعتماد توصیف کرده و ابونعیم اصفهانی او را از فقها و حفاظ دانسته است.

التجرح و التمدیل (ج ۱، ق ۱/ ۱۸۲)، سیرالنبلاء (۱۳/ ۱۲۰-۱۲۰)، طبقات الحفاظ (۲۲۷).

سمیرمی نقاشباشی، محمدباقر. (۱۲۸۳-۱۳۵۲ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به صدقی. ملقب به نقاشباشی در سمیرم به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت. سلیبی برای کسب هنر سرور دلخواه خود به اصفهان رفت. سمیرمی که پدرش از بهبانان ظل السلطان بود با استعداد سرشاری که از نوجوانی در نقاشی داشت مورد تشویق آن شاهزاده قرار گرفت و از او لقب نقاشباشی دریافت کرد. این هنرمند در رشته های گوناگون نقاشی از قبیل: رنگ و روغن، آبرنگ، سیاه قلم، طراحی، شیپپردازی، جانورسازی، گرفت و گیر حیوانات و منظره سازی و ابداع رنگهای متنوع و زیبا استعداد فراوان داشت. وی در قلمدان سبکی کاملاً مشخص و ابتکاری داشت که به هیچ یک از استادان دیگر شبیه نیست. او اشعار را نیز نیکو می سرود و از اعضای انجمن ادبی شیدا در اصفهان بود. صاحب «هنر قلمدان» آورده که سمیرمی در سال ۱۳۱۶ ش در قید حیات بوده است. از آثار وی: تصویر رنگ و روغن آقا نجفی معمم اصفهانی که در کمال استادی است و رقم: «احقر عباد میرزا محمد باقر نقاشباشی سمیرمی ۱۳۱۸» دارد؛ قاب آینه که مجالسی از تصاویر تمام قد اسفندیار و گشتاسب است که در محلی قرار گرفته و پشت سر آنان مناظر کوهها و درختان زیبا جلب نظر می کند، با رقم: «سمیرمی ۱۳۲۰» قلمدان تصویری مورعیشاه که در بالا و پایین آن پرندگان ریا و

شده است

هر عهد تیموریان (۵۷۲-۵۷۳).

سنا شیرازی به همایی، جلال / جلال‌الدین.

سنا صنفی به همایی، جلال / جلال‌الدین.

هزقین درگذشت از آثار وی «حدیقه الحقیقه و شریعة الطریق» «سیرالعیان» «دیوان» تصانیف و هزبات «کرنامه بلخ» «تحریرة القلم» «مکاتیب سنائی». از آثار منسوب به او «طریق التحقیق» «اعمال نامه» «عشقنامه» «سنائی آباد».

آتشکده آذر (۲/ ۵۷۲-۵۷۳)، اعیان‌الشیعه (۹/ ۵۸)، با کاروان حله (۱۷۷-۱۵۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۵۲-۵۵۳)، تاریخ گزیده (۶۶۰، ۷۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۷۷-۷۶)، نازبانه‌های سلوک (۵۸-۹)، نکتة نور روشن (۲۷۱-۳۶۹)، حنیف در تصرف (۲۷۳-۲۳۷)، چشمه روشن (۱۳۸-۱۲۸)، دیوانه‌سوار فارسی (۱/ ۱۳۴۰-۱۳۴۱)، الذریعة (۶/ ۳۸۲، ۹/ ۲۷۱-۲۷۲، ۱۹/ ۱۱۹)، روشنائی‌الجنات (۷/ ۲۳۶)، رباعیات فارسی (۱۹۶)، رباعیات (۳/ ۸۷-۷۹)، شعر و سخنان (۲۵۴-۲۰۹)، سیری در شعر فارسی (۲۹۲-۲۸۷)، شخصیت‌های سنا (۲۲۹-۲۵۰)، شعر المصنوع (۱/ ۱۵۵-۱۶۶)، کارنام بزرگان (۱۷۰-۱۷۱)، کشف‌الظنون (۱۶۱)، الکلی واللقاب (۲/ ۳۲۳)، گنج سخن (۱/ ۳۱۱-۳۲۴)، لسان‌الانساب (۲/ ۲۵۴-۲۵۷)، لضم‌نامه (دیل / سنائی)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۸۸-۱۹۲)، مجالس‌المزمین (۲/ ۷۷-۷۹)، مجالس‌الانساب (۳۳۹)، مجمع‌الصفا (۲/ ۷۴۸-۷۱۳)، مرآت‌العمال (۳۴-۳۳)، نایب‌الانکار (۳۱۳-۲۱۶)، نجات‌الانس (۵۹۳-۵۹۶)، هدیه‌الاحباب (۱۵۲)، یادداشت‌های قزوینی (۵/ ۱۵۲-۱۵۳)، یادگار (مر ۵، ص ۲۵-۲۵۲)، بعد (مر ۳، ص ۲۱۵-۲۰۹).

ستورخان، محمد حسن / حسن خان. (مر سیردهم ق)، فولانده، قدیمیترین استاد نوازنده ستور در عصر قاجار و از نوازندگان مشهور و سام دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. در تاریخ موسیقی ایران نخستین استاد ستوری است که از او نام برده شده است. گشتا دوگرتی در کتاب «سه سال در ایران» از مقام شامخ هری وی تجلیل کرده است. شهرت عمده ستور حال در زمان سلطنت محمدشاه بود و شاه به او التفات و صفت فراوانی داشته است. محمد صادق خان سرورالملک، نوازنده معروف دوره ناصری، از تربیت‌یافتگان اوست.

استادان موسیقی (۵۸)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۰۶-۵۰۷)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۵۷-۱۵۶)، شرح حال

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجذوبه بن آدم. (۲۶۵/ ۵۴۵، ۵۲۵، ۵۴۷ ق)، شاعر شیعی و عارف. در غربت متولد شد. در آثار جوانی شاعری درباری و مداح مسعود بن پراهم غزنوی و بهرامشاه بن مسعود بود. بعد از سفر خراسان و اقامت چند ساله در آن شهر و ملاقات با مشیخ تصوف تغییر روش داد و نه هد و اروا و نامل در حقایق عرفانی روی آورد. از این دوره او به سرودن تصانیف معروف خود در زهد و وعظ و عرفان و ایجاد منظومه‌های مشهور پرداخت. وی در طریقت مرید شیخ ابویوسف یعقوب همدانی بود. مولانا جلال‌الدین رومی با وجود کمال فعل خود را از متابعان شیخ سنایی می‌داند. اثر سنایی در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدید در آن مسلم است. سنایی یکی از بزرگترین شاعران ایران و معروف‌ترین شاعر تصوف و بنیادگذار این فن است. وی بعد از بازگشت از سفر مکه، مدتی در بلخ به سر برد و از آنجا به سرخس و مرو نیشابور رفت و هر چه مدتی در سایه تعهد و بیگانه‌داشت بزرگان علم و رؤسای محل به سر می‌برد. در آغاز کار که شاعری مداح بود، روش شاعران دوره اول عربی خاصه عتصری و فرخی را تقلید می‌کرد و در دوره دوم که دوره تغییر حال و تکامل معنوی اوست، آثار او پر است از معارف و حقایق عرفانی و حکمی و اندیشه‌های دینی و زهد و وعظ و تمثیلات تعلیمی که بیانی شیوا و استوار ادا شده است. وی برای ابیات مقاصد خود از اصطلاحات و افر علمی که در همه آنها صاحب اطلاع بوده، استفاده کرده و به همین سبب بسیاری از ابیات او دشوار و محتاج شرح و تفسیر شده است. این روش که سنایی در پیش گرفت مبدأ و تحول‌پذیری در شعر فارسی و یکی از علل انصراف شعرا از امور ساده و توصیحات حادی و توجه آنان به مسائل مشکلتر و سرودن قصاید طولانی در زهد، وعظ، حکمت، عرفان و اخلاق شد. از شعرای معاصر وی: مسعود سعد سلمان، عثمان مختاری، سید حسن عربی، معزی، انوری و سوزنی را می‌توان نام برد. او در

رجال (۵/ ۱۱۵-۱۱۶)، مردان موسیقی (۲/ ۲۲).

سنجایی، کریم، فرزند سردار ناصر قاسم، (۱۲۸۳-۱۳۷۵ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در رشته حقوق و علوم سیاسی مدرک لیسانس و از دانشگاه پاریس دکتری حقوق گرفت. در ۱۳۱۳ ش، استاد حقوق اداری و اقتصاد در دانشکده حقوق شد. او در ۱۳۲۵ ش به ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی منصوب شد. وی رئیس جبهه ملی بود، از سال ۱۳۴۲ ش وارد مبارزات سیاسی شد و در سال ۱۳۵۷ ش مبارزه جبهه ملی را با شاه و رژیم علنی کرد. در اروپا درگذشت. از آثار وی، «جریه اقتصاد سال اول دانشکده حقوق»، «حقوق اداری».

شرح حال رجال سیاسی و نظامی (۲/ ۸۳۵-۸۳۴)، مؤلف: کتب چاپی، (۵/ ۶۶۵).

سنجاری، محمد بن عبدالرحمن بن محمد سمرقندی، (۶۷۵-۷۲۱ ق)، فقیه حنفی و مدرس. اصل وی از سمرقند است. در سمرقند یا سنجار، از سواحلی جزیره و نزدیک موصل، به دنیا آمد. او از بزرگان علمایی حنیه بود. در شهرهای مختلف سیاحت کرد و عاقبت در مردین از توابع جزیره اقامت گزید و در آنجا به تدوین تصنیف و فتوا اشتغال یافت و همانجا درگذشت. از آثارش: «عبد الطالب لمعرفه المذاهب»، در بیان اختلاف مابین شیعه و مذاهب چهارگانه اهل سنت و بعضی مذاهب دیگر. در «الکنی و الالقاب» و «روحانه» مؤلف این کتاب به جای سنجاری، سنجاری ذکر شده است.

الامام (۷/ ۶۵)، ریحانه (۲/ ۲۵۰، ۳/ ۸۸)، کشف الظنون (۱۱۶۸)، الکنی و الالقاب (۲/ ۳۱۱)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۵۵).

سنجایی، مولانا قاضی. (وف ۹۳۱ ق)، شاعر. مشهور به قاضی سنجان. از نوادگان شاه سنجان شاعر و عارف ایرانی بود که در سرودن غزل و مثنوی توانایی داشت. از آثار وی: مثنوی «منظر لایبصار» که آن را به امر امیر حلب شیر قوایی نظم کرد؛ مثنوی «تاریخ وقایع و مدایع» که برای شاه اسماعیل صفوی سرود.

تحفه سامی (۱۳۱-۱۳۲)، تذکره دور و دوش (۶۲۸-۶۴۹)، الذریعه (۹/ ۴۷۲، ۸/ ۸۷۱)، ریحانه (۳/ ۸۹).

سرهنگ سجنوراد (۷۳۲)، کشف الظنون (۱۸۶۵)، لغتنامه (ذیل / قاضی سنجایی)، منظومه های فارسی (۲۷۷).

سنجر سلجوقی، فرزند ملکشاه، (۴۷۷/ ۴۷۹-۵۵۲/ ۵۵۵ ق)، شاعر در سنجار به دنیا آمد. آخرین پادشاه از سلسله سلجوقیان است که چهل سال پادشاهی کرد. مردی ادیب و ادب پرور بود و شاعران بسیاری ملازم دربار او بودند و استادانی نظیر انوری و ادیب صابر و رشید وطواط و عبدالواحد جلی و درید کاتب و عماد زورنی و سید حسن خزنوی و مهمتی در خدمت او بودند اشعاری از او به جا مانده است.

دائرة المعارف فارسی (۱/ ۱۳۲۲)، الذریعه (۹/ ۲۵۷)، روضة السلاطین (۱۶-۱۷)، لغت نامه (ذیل / سلطان سنجر)، معجم القصص (۱/ ۵۸).

سنجر کشانی، میر محمد هاشم، فرزند میر حیدر ممبایی، (۹۸۰-۱۰۲۱ ق)، شاعر، متخلص به سنجر منقب به سیدالشعراء در کاشان به دنیا آمد و در آنجا نشر و اشعار یافت و به دامادی ملک قمی درآمد، در جوانی به اگره هید سفر کرد و در آنجا بر اثر اعمال ناشایست رشتگی شد. بعد از رهایی به احمدآباد گجرات و از آنجا به بیجاپور دکن مرکز حکومت عادلشاهیان رفت، پس از مدتی که در دربار ابراهیم عادلشاه بود به وسیله نامه ای از طرف شاه عباس صفوی به ایران احضار شد. وی پیش از اینکه به ایران برسد، در بیجاپور از دنیا رفت. از آثارش «دیران» اشعار؛ ساقی نامه ای به نام «فرخ نامه»؛ مثنوی بر وزن «خسرو و شیرین».

بصاح المکسوس (۵۰۹)، تاریخ انبیاء در ایوان (۵/ ۹۳۷-۹۳۱)، تاریخ نظم و نشر (۴۲۰)، تذکره میخان (۳۲۱-۳۵۰)، الذریعه (۹/ ۴۷۲-۴۷۳)، سر و آزاد (۲۶-۲۷)، فرهنگ سنجریان (۴۷۰)، کاروان هند (۱/ ۵۸۲-۵۹۲)، منظومه های فارسی (۳۱۶-۳۱۴)، هدیه العارفين (۲/ ۲۷۰)، هفت اقلیم (۲/ ۴۶۹-۴۶۸).

سنجری، حسین. (من چهاردهم ق)، نوازنده. از دوران طفولیت به موسیقی علاقه مند بود و پس از پایان تحصیلات به مکتب درویش خان رفت و تراختی تار را فراگرفت. مدتی نیز به کلاس مرتضی بی داود رفت و مقدمات خط نت را از سلیمان خان، افسر دسته موزیک

سنگران سنجری مدحوقی می‌ریست و مدح وی می‌گفت.
سنجری در زمان سلطان نهایت جلالت را داشت. از
شعارش اندکی باقی مانده است

سنگره روز روشن (۳۷۲)، البریه (۹/ ۴۷۳-۴۷۴)،
فرنگ سحران (۴۷۰)، گشت‌نامه (دیل / سنجری
خراسانی)، مجمع‌النبی (۲/ ۷۰۳)

سنجری: ابوداود سلیمان بن معید بن کوسحان
مروزی. (وف ۲۵۷ ق)، حافظه محدث، مورخ، نحوی،
دبیب و شاعر بستش به سنج، از توابع مرو، می‌رسد.
وی در لغت و فنون مهارت بسیاری داشت. تمامی علوم
را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و
حجاز و یمن و مصر سفر کرد و با حافظان حدیث به
مذاکره پرداخت. او از نشر بن شمیل و عبدالرزاق بن
همام و حسین بن حمص اصمعی و عثمان بن حمز بن
فارس و عمرو بن حاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید
مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح» و
همچنین ابوحاتم رازی و ابن خراش و محمد بن عقیل
بلخی و ابن ابی داود از وی حدیث رویت کرده‌اند.
بازاری از رجال ضحاکان او را ثقة و مورد اعتماد
دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است

تاریخ بغداد (۹/ ۵۲۵)، تهذیب‌التهذیب (۴/ ۱۹۹)،
البحر و التمدیل (ج ۲ ق ۱/ ۱۲۷)، ریحانه (۳/ ۹۱)،
مجمع‌المزلفین (۲/ ۲۷۶).

سنجری زاری - مثنوی زاری

سنجری کرمانی - مثنوی کرمانی

سند کاشانی، عبید مستد (من یازدهم ق)، شاعر اهل
کاشان و ساکن مین بود. از روست.

اسنان یکی هزار شود از فتادگی
هر دانه که خاک نشین گشت خرم است

تذکره نصریادی (۳۳۸-۳۳۷)، البریه (۹/ ۲۷۴)، صبح
گشتن (۲۱۱-۲۱۲)، فرنگ سحران (۲۷۰-۲۷۱).

سنگلاخ خراسانی، میرزا محمد علی. (۱۱۸۴-
۱۲۹۴ ق)، خطاط و شاعر. اصلاً از عاقدان قزاقان
خراسان بود. او به خود لقب سنگلاخ داده و از آن وقار و
مناات اراده کرده بود. بسیار عارف مستک و صوفی منش

نظم، آموخت و در این مدرسه نواختن پیانو را هم به‌خوبی
فراگرفت. پس از چندی به مدرسه عالی موسیقی وارد
شد و در ضبط صفحات آهنگهای استاد علی‌نقی وزیری
شرکت کرد. وی چند آواز به سبک جدید به خادم
روح‌انگیر اجرا نمود که به صورت صفحه درآمد
سنجری آهنگهایی به یاد ماندنی ساخته که از آن جمله،
«غم عشق» با شعری از سعدی است و با صدای استاد
علامه حسین بنک.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۲۶، ۳۰۷، ۳۱۷)، تاریخ
موسیقی (۲/ ۵۹۱)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۳-
۲۲۲)، سیمای هنرمندان (۱/ ۱۵۱-۱۵۶)، مردان
موسیقی (۲/ ۲۵-۲۶)

سنجری، حشمت، فرزند حسین. (۱۲۹۴/۱۲۹۶-
۱۳۷۳ ش)، موسیقیدان. در تهران متولد شد. از کودکی
تحت حمایت پدر به فراگیری علم موسیقی پرداخت. او
نت خوانی را نزد کلیل وزیری فراگرفت و بعد از اینکه با
فن نواختن تار آشنا شد، این ساز را کنار گذاشت و ویولن
را به هنر آن ساز اصلی خود انتخاب کرد و نزد استادان
بزرگ دیگری چون ابوالحسن صبا و روح‌الله خالقی
تمامی ردیفهای موسیقی ایرانی را آموخت. مهرپرورد
وiliam دانیل و سرز خوصتیف به فراگیری ویولن
پرداخت. وی تحصیلات خود را در زمینه موسیقی و
رهبری ارکستر و اپر ابتدا در هنرستان عالی موسیقی و
پس در آتیش و بیتالیا و هلند ادامه داد. بعد از مرگشت
به ایران در ۱۳۳۳ ش، و هری ارکستر سمفونیک تهران به
او سپرده شد. حشمت سنجری علاوه بر اجرهای
کنسرت و اپرا در تهران، در بسیاری از کشورهای جهان
روی سکوی رهبری ارکستر قرار گرفته است. وی
سیاری از آثار آهنگسازان غرب و با ارزش کشورمان را
که در زمینه بین‌المللی کار کرده‌اند، رهبری و اجرا کرده
است. از ساخته‌های سنجری می‌توان از «درنگ‌رنگ»،
«سوئیت تابلوهای ایرانی»، «مهرگان»، «پوتم سمفونیک»،
«دبایش» و قطعه «به امید دیدار» نام برد. ر آثار انقلابی او
بیر «تبع خرمشهر» و «جنگ جنگ تا پیروزی» در خور
ذکرند.

مردان موسیقی (۱/ ۱۸۵، ۱۸۲)، نشر دانش (س ۱۵)،
ش ۱-۲، ص ۸۲)

سنجری خراسانی، (من ششم ق)، شاعر. در زمان

«تشریح» یا «قانون گذاری در اسلام»؛ «تفسیر سوره حمد و اخلاص»؛ «دلائل السداد فی قواعد الفقه و الاجتهاد»؛ «التراجم»؛ «عالم معنی»؛ «قانون رضاع در اسلام»؛ «نشاء در اسلام»؛ «کلیات عقود و یقاعات»؛ «معباح المیران»؛ «در منطق»؛ «مقاصد الاصول»؛ «در اصول فقه» فارسی؛ «الوقایة فی تهذیب الکفایة»

الدریمة (۸/ ۲۵۰، ۱۷/ ۱۲۲، ۲۶/ ۲۱، ۳۷۹/ ۲۱)، و سیمانه

رجال و مشاهیر (۲/ ۷۲، ۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵/

۵۱۵، ۵۱۲)

سنجی علی بدخشی. (ص دهم ق)، هنرمند از شاگردان دوست محمد مصور بود. وی چندان در هنر بریده مهارت داشته که بریده های خطوط وی با خطهای نوشته شده معلوم نمی شده است. از آثار وی، قطعه خط بریده بی نظیری است، با رقم، «کتبه الفقیر میر علی قاطعها سنجی علی بدخشی».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۸)، مناتب سرورین

(۳۰).

سیدجی، سعید. (وف ۱۳۲۱ ق)، پزشک و شاعر. در سنجح مولد شد. در کودکی و اندیش را از دست داد و تحت تربیت مبلغان پروتستان قرار گرفت. او یکی از بهترین پزشکان ایران بود. وی درباره مکتب عهد حقیق و عهد جدید و تفسیرهای گوناگون تورات و انجیل بسیار مطلع بود. به زبان کردی شعر می سرود. از آثار وی، «آب از نظر بهداشت»؛ «بیدار شو»؛ «چاره کار یا بهبودی سه سالار»؛ «چه کنم تا نجات یابم»

مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۳۲۸، ۳۲۹).

سوادکوهی، میرزا حسینقلی. (ص سیزدهم ق)، شاعر. اصلی وی از سوادکوه مازندران بود. در قزوین نشو و نما یافت. از دوست:

سین ار طرّه محیرب سودای به چمن

لااله از عارض معشوق نشانی در باغ

سینه السحود (۲/ ۶۲۶). مصطفی خراب (۴۸).

سودایی دستگردی، آخوند ملا عبدالکیریم ادیب الشریعه، قروند ملا عبدالرزاق. (۱۲۸۱-۱۳۵۲ ق)، عالم دینی، نویسنده و شاعر، متخلص به سودایی معروف به حاج آخوند. در دستگرد خیابان اصفهان متولد شد. ابتدا

بود و در نظم و نثر دست داشت. سالها در استانبول ساکن بود. امپان آن دولت تجلیش نموده و مدیح او را کتابی کرده و به طبع رسانیده اند. از خطوط، مستعلق و شکسته را خوش می نوشت و خطوط را نیک می شناخت. قدسی خراسانی، خواهرزاده و شاگرد وی در خط بود. میرزا سنگلاخ در تبریز درگذشت و در مقابل مزار سید ابراهیم دفن شد. معروفترین اثر وی یک قطعه سنگ مرمر عظیم است که سطح آن تقریباً پوشیده از عبارات مختلف است و متن اصلی آن یک «بسم الله الرحمن الرحیم» دارد، به قلم یک دانش کتبه نستعلیق خوش و تمامی خطوط و نقوش آن برجسته است و رقم «رافعه سنگلاخ خامه روان» دارد؛ از دیگر آثار وی، سه قطعه به قلمهای پنج و چهار و سه دانگ خوش و عالی، با رقمهای عجیب از تألیفات او: «آداب المشق»؛ «امتحان الفصل» یا «تذکره الخططین»؛ «سیاحت نامه»؛ «مراصد السطور»؛ «مداد الخطوط»؛ «مجمع الاوصاف»، مشتمل بر اشعاری که شاهران در مسج وی سروده اند.

احوال و آثار خوشربان (۳/ ۷۹۷-۸۰۰)، اطلس خط

(۵۸۶، ۵۸۵)، تاریخ هنرهای ملی (۶/ ۹۹۰)، الدرریمع

(۹/ ۲۷۲)، ریحانه (۳/ ۹۳-۹۲)، شرح حال رجال (۸/

۱۹۹، ۲۸۱-۲۸۰)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۶۲)، فرهنگ

سخنوران (۲۷۱)، گستان هنر (بیست و یک)، المأثر

والآثار (۲۱۶)، مصطفی خراب (۸۹، ۸۷)، یادداشتهای

قزوینی (۵/ ۵۷).

سنگلجی، شیخ محمد، فرزند رضاقلی بس حاج شیخ حسن طهرسی تهرانی. (تو ۱۳۱۵ ق)، فقیه و استاد. در تهران متولد شد. در محضر استادی چون میرزا خلیل طالقانی و میرزا حلامعلی نائینی ادبیات و علوم عربی را فراگرفت و سیر و سلوک و عرفان را در خدمت ملا محمد هیدجی و فلسفه را نزد میرزا علی اکبر یزدی و میرزا حسن کرمانشاهی آموخت. دوره کامل فقه و اصول را نزد شیخ محمدرفیع نوری و سید محمد تنکابنی و سید محمد یزدی فراگرفت. سنگلجی به همراه برادرش، ضریعت سنگلجی، به نجف رفت و در حوزه درس میرزای نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا عیاض الدین عراقی شرکت کرد. پس از بازگشت به ایران در مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دانشکده حقوق به تدریس مشغول شد. از ۱۳۲۶ ش سرای تدریس دوره دکترا انتخاب شد. از آثارش: «آیین دادرسی در اسلام»؛

در دستگرد و سپس در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و صرف و نحو و فقه پرداخت. وی از شاگردان آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی بود و از وی اجازه داشت. او مرجع امور شرعی مردم دستگرد شد. شاعری توانا بود و در انجمن‌های ادبی صفهان بخصوص انجمن شهید شرکت می‌کرد. از وی دو فرزند شاهر به نامهای ابراهیم و باقر با تخصصهای انواری و لایحه به جای ماند. او در دگاش به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» قصائد و مرثیاتی حدود دوازده هزار بیت؛ «دیوان» غزلیات و رباعیات، در شش هزار بیت؛ منظومه «انوار سهیلی»، در دوازده هزار بیت؛ «شمس و قهقهه»، در وزن «خمسرو و شیرین» در بیست و چهار هزار بیت؛ ترجمه «الذکر»؛ نظم کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «صیاء الانصار فی احوال الاطهار»؛ «خمسة طیبه»؛ «اجمالي در احوال حضرت رسول (ص)»؛ «منتقد اللمعة» که در آن پانزده هزار لغت عربی به فارسی ترجمه کرده؛ «گلزار» در مصائب حضرت سید الشهدا (ع).

تذکره شماری معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۵۲)، تذکره القبر
(۲۱۷-۲۱۸)، الذریعه (۹/ ۲۷۵)، فرهنگ سخنوران
(۲۷۳-۲۷۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۲۱).

سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد قزوینی. نیشابوری. (وف ۴۹۴ ق)، هجری. از معاصران آلب ارسلان و پسرش منکشاخ سلجوقی بود. در بعضی از منابع وی به نیشابور متبذبه شده و به جای سورآبادی، سوربانی/سوربانی ذکر شده است. از آثار وی تفسیری بر «قرآن کریم» به فارسی است، که آن را در دهه ۴۷۰ ق به تألیف درآورده است. این تفسیر تحت نامهای «تفسیر ابی بکر عتیق» و «تفسیر سورآبادی» نیز آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۰۲)، تاریخ گزیده، (۶۹۴)،
تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سرآمدن فرهنگ (۹۵-۹۶)،
قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق
سیدبوری (مقدمه)، کشف الظنون (۴۲۰، ۴۲۹)،
هدیه العارفين (۱/ ۶۵۱).

سوزی سمرقندی، شمس‌الدین ابوبکر محمد /
مسعود بن علی بن سلیمان. (وف ۵۶۲/۵۶۹ ی)، شاعر،
متخلص به سوزی. ملقب به تاج‌الشمعراء. سبش به
سلمان فارسی می‌رسید. در فربه کلاش سمرقند به دنیا
آمد و در بخارا تحصیل کرد و زندگی را در تحش و

سمرقند و بخارا سپری کرد. وی پیشه سوزنگری داشت و به همین جهت سوزنی تحلیص می‌کرد. از شاعران بزرگ دربار خانیبه به شمار می‌رفت و چند تن از پادشاهان این سلسله را مدح گفته و مثنوی نیز درباره چند تن از بزرگان آل مازنه یا برهان، که رؤسای حتمیان ماوراءالنهر بودند، سروده است. سوزنی در هجو و وزن بسیار توانا بوده و در این فن مبالغه می‌کرده و در مثنای و غزلیات نیز شاعر توانایی بوده است او همچنین به زبان ترکی شرقی آشنا بود و اول شاعری است که الفاظ ترکی را در شعر فارسی وارد کرده است. با همیق و انوری و رشید رطواط و ادیب صابر معاصر بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۲۶-۶۲۷)، تاریخ گزیده
(۷۳۳-۷۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۹۸-۹۹)، تذکره روز
روش (۲۷۳)، تذکره اشعراء (۱۱۵)، دایره المعارف
فارسی (۱/ ۱۳۷۱)، الذریعه (۹/ ۴۷۶)، ریاض النادرین
(۲۱۰)، دیوانه (۳/ ۹۵-۹۶)، سخن و سخنوران (۳۱۵)
(۳۲۴)، سرآمدن فرهنگ (۱/ ۲۸۹-۲۹۰)، سوزی در
شعر فارسی (۵۵-۵۵)، طرائق الحقائق (۲/ ۵۹۴-۵۹۵)،
فرهنگ سخنوران (۴۷۴)، الکنی و الاقبا (۲/ ۳۲۵)،
گنج سخن (۱/ ۳۳۷-۳۵۰)، باب‌الاباب (۲/ ۶۷۸)،
۶۸۵)، لغت‌نامه (میل/ سوزنی)، مجالس القافس (۳۵۱)
-۳۵۲)، مجمع الفصحا (۲/ ۷۰۸-۷۰۷)، مؤلفین کتب
چاپی (۵/ ۶۲۳-۶۲۴)، هدیه‌الاحباب (۱۵۲)، هفت
اقلیم (۳/ ۲۹۹-۳۰۰).

سوزی ساوجی، ملا حسنعلی، فرزند علی. (وف ۱۰۱۲/۱۰۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به سوزی اصلاً از ساوه و مقیم اصفهان بود. وی ابتدا در شعر جفاکش تحلیص می‌کرد، تا اینکه سفری به خراسان کرد و تحلیص خود را به سوزی بدل کرد. از آنجا به اصفهان رفت و در این شهر مکنی گزید. اشعار وی را بیش از بیست هزار بیت دانسته‌اند. سوزی همچنین مستملیق را خوش می‌نوشت و در اصفهان، در مدرسه هارون ولایت به کتایت مشغول بود. در اصفهان درگذشت. مؤلف احلاصه‌الاشعار، گوید: اکثر «دیوان»های استادان اصفهان به خط او است. از جمله این «دیرن»ها، نسخه «دیوان» انوری است که به قلم کتایت خفی متوسط نوشته شده و چهلین رقم دارد. «با تمام رسید. کلیات سلمان‌الشعرا ... اوحدالدین حکیم انوری. با تاریخ رابع هجری ربع‌الاول ص ۵۵۰ ثمان و ثمانین و تسعمائة الهجریه،

نامی اصفهان بود. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر مدفون شد. از آثار وی، «دیوان» اشعار،
الذریعه (۹/۲۷۸)، شرح حال رجال (۶/۲۰۰)

سهراب، حسین، (۱۲۸۱-۱۳۳۸ ش)، پزشک و
استاد دانشگاه. در اصفهان متولد شد. تحصیلات
دبیرستانی را در دارالمعروف به پایان رسانید. در ۱۳۰۴ ش
وارد مدرسه طب تهران شد و بعد از چهار سال تحصیل
برای ادامه تحصیلات جزو دانشجویان هژمی به اروپا
رفت. بعد از طی دوره تحصیلات پزشکی در لیون و
پاریس در ۱۳۱۶ ش به دریافت دانشنامه دکتری دوره
عالی میکروب شناسی نایل شد و به ایران بازگشت و به
سمت دانشیاری میکروب شناسی دانشکده پزشکی
تهران منصوب شد. پس از آن به استادی کرسی
میکروبیشناسی و ریاست آزمایشگاه ارتقاء یافت. در
۱۳۲۷ ش به سمت معاونت دانشکده تعیین گردید. از
آثار وی، «امکان آلوده کردن آبهای مشروب به وسیله
میکروب»، با مشارکت دکتر میمندهی قرارداد؛ «میکروب
شناسی»، با مشارکت دکتر حسن میردامادی.
مؤلفین کتب چاپی (۲/۷۵۸-۷۵۷).

سهراب، هدایت الله، فرزند زین العابدین، (تو ۱۲۷۴
ش)، مترجم و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج
آمریکایی تهران به پایان رسانید و مدتی با سمت دبیری
در دبیرستان دولتی کرمان اشتغال یافت. بعدها وارد
خدمت ارتش شد و در ۱۳۳۶ ش بعد از چهل و پنج سال
خدمت در نقاط مختلف ایران بازگشته شد. از آثار وی،
«اصول تعلیمات اخلاقی کنفوسیوس»، ترجمه؛ ترجمه
«در جهه باختر» آرنولد گالوین؛ ترجمه «راهنمای شوهر
جوان در مرحله ازدواج» دکتر استال؛ «راهنمای معلمین
برای مدارس و مراکز تعلیماتی».
مؤلفین کتب چاپی (۶/۷۷۵-۷۷۶).

سهراب بیگ، (س بازدهم ق)، شاعر از اوست:
روزی که ریخت دست قضا می به جام ما
سلیلی به روی آتش گیل زد قوام ما
ما جسای دانه آینه در دام ریختیم
تا پرتو جمال تو اماند به دام ما
نکرة نصرآبادی (۳۲)، الذریعه (۹/۲۷۸)، صبح گلشن
(۲۱۲)

علی ید اضعف الحلائق سوری بن علی الساجی،
آتشکده آذر (۳/۱۳۵-۱۱۳۶)، اسرار ر شر
خوشنویسان (۱/۱۲۵-۱۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۸)،
۵۲۹، تذکره دور روشن (۳۷۴)، الذریعه (۹/۴۷۶)،
۲۷۷، ریحانه (۲/۹۵)، غوغای سحران (۲۷۵)،
مجمع السعاس، (۲۷۴)، تنایح الانکار (۲۲۹).

سوسی، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز.
(وف ۳۷۰ ق)، شاعر. شاعر اهل بیت بود. وی اشعار
زیادی در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) گفته که در مناقب
این شهر آشوب مذکور است. از آثار وی «دیوان» شعر.
امید انشیمه (۹/۳۸۳-۳۸۴)، الذریعه (۹/۲۷۷)،
ریحانه (۳/۹۶)

سوسی، احمد بن یحیی بن مالک همدانی، (وف
۲۶۳ ق)، محدث. نسبت وی به سوس، عرب شوش، از
شهرهای خوزستان می رسد. در کوفه پیرآمد و ساکن
سامرا بود و در آنجا حدیث می گفت. هدهای از محدثین
معروف چون ابو حاتم رازی از شاگردان وی بوده اند.
الکس و الاکباب (۲/۳۲۵)

سهای تبریزی، میرزا ابراهیم، (س سیزدهم ق)،
شاعر. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است
حدیقه الشعراء (۱/۸۰۸)، الذریعه (۹/۲۷۷)، گنج
شایگان (۲۳۱-۲۳۲)

سهای شیرازی، محمد تقی خان، (ز ۱۲۶۹ ق)،
شاعر، متخلص به سها معروف به خان سها. در دوره
محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار زندگی می کرد.
«دیوان» اشعارش به خط نسخ و تعلیق متوسط و فاقد نام
کاتب و تاریخ کتابت است و از قرائن به نظر می رسد که
در حیات شاعر نوشته شده در مجلس شورای ملی
موجود است که شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و
مثنوی می باشد.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۵/۹۸۵-۹۸۴)،
الذریعه (۹/۲۷۸-۲۷۷)، مصنفه خراب (۷۸۷۷)

سهای شیرازی اصفهانی، میرزا محمد، فرزند رضا
قلی خان سها، (۱۲۶۲-۱۳۳۸ ق)، شاعر، متخلص به
سها. در شیراز متولد شد و در اصفهان زیست. از شعری

سهراب زاده، محمد قسی. (۱۳۵۱-۱۳۷۶ ش)، نوازنده از همان اران طعوبیت به موسیقی علاقه و اشتیاق نشان می‌داد. در میان سازها ویولن را بیشتر دوست داشت. در نوجوانی ویولن را ابتدا پیش خود آموخت و سپس آموخته‌هایش را نزد رضا محجوبی و غلامحسین خان درویش تکمیل کرد. او به مدت سه سال نزد حسین خان اسماعیل زاده، یگانه استاد کمانچه، به نواختن تمام دستگاهها و ردیفهای موسیقی ایرانی پرداخت و موفق به گرفتن تصدیق درجه اول از این استاد شد. در ۱۳۹۷ ش پسه استخدام وزارت فلاحات (کشاورزی) درآمد و در آنجا با هنایت‌الله شیبانی، نوازنده تار و سه تار، و شهباز یرمکی آشنا شد. از دیگر کسانی که وی با آنان همکاری داشت علی محمد صعبی و علی محمد فخام بهرادی، نوازنده تار، را می‌توان برشمرد. وی در منزل مسکونی خود در تهران دیده از جهان فرو بست و آرامگاهش در امامزاده عبدالله شهرری است.

مردک موسیقی (۱/ ۶۲-۶۰).

سهراب مکرری. (ز ۱۰۸۹ ق)، خطاط. از آثار او کتیبه سر در مدرسه شاه سلیمان صفوی در مهاباد است که به خط رقاع بر روی سنگ مرمر نقش شده و چنین رگم نهاده است. «...وفقی لاتمام هذه المدرسة الشریفة فی ایام دولة السلطان الاحمد شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی به در خان خلده الله تعالی ملکه فی سنة ۱۰۸۹، کشف... سهراب المکرری».

نهرمت بنادای تاریخی و امکان باستان (۱۳).

سهرابی، مریم. (ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به افسرده. از طایفه زراسوند بختری است که در چهارمحال بختری متولد شد و در همان سامان به تحصیل پرداخت. وی علاوه بر فضائل و کمالات ادبی، در هنر قالیبافی و نساجی و گلدوزی هم مهارت داشت. سهرابی درباره نام و تخصص خود گوید:

مرا باب من نام مریم نهاد
روانش به میوه همی شاد باد
لشام بد گیتی چو پژمرده شد
تخلص به اشعارم «سدره شد

تذکره نثرای معاصر اصفهان (۴۹)، زنان سخنور (۳).

سهروردی، ابوالحسن علی بن مسلم سلمی. (ز ۵۳۳ ق)، فقیه و ریاضیدان مشهور به ابن سهروردی و ملقب به جمال الاسلام. نزد عزیلی تلمذ کرد. او در فقه و اصول، تفسیر و ریاضی از برجستگان روزگار خود بود. در دمشق درگذشت. اثر وی: «المقدمة الکایة فی اصول الجبر و المقابلة و ما یعرف به قیاسه من الامثلة».

زندگینامه ریاضیدانان (۳۲۰)، لغت نامه (دیل/ حلی سهروردی).

سهروردی، ابوالعباس، احمد. (؟)، صوفی. در مکه زندگی می‌کرد و با مشایخ رفت چون سیروانی صحبت داشت.

طبقات الصوفیه صوفی (۳۶۶-۳۶۵)، معانی الانس (۱۴۸-۱۴۹).

سهروردی، ابوالفتح شهاب الدین یحیی بن حبش. (۵۴۹-مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب و فیلسوف. ملقب به المؤید بالملکوت و شیخ اشراق. در سهرورد از توابع زهبان متولد شد. اصول فقه و نزد شیخ محمدالدین جیمی استاد فخرالدین محمد رازی در مرافه آموخت و مراتب علمی تر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری گذراند. چون در بسیاری از موارد با قدما اختلاف داشت و پیوسته در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی استفاده می‌کرد، متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را صبح شمرند. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی نه تنها از افلاطون و پیروان طریقه او متأثر بود، بلکه از فلسفه متداول در ایران خاصه فلسفه متمایل به عرفان، که در طریقت زردشت دیده می‌شود، بهر استفاده می‌کرد، که همان طریقه خسروانی است. او در سفری که به هارودین از بلاد ترکیه داشت به زیارت فخرالدین صردینی هارف و حکیم رسید. وی به فرمان صلاح الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سی و هشت سالگی، در حلب به قتل رسید. وی آثار متعددی به زبان فارسی و تازی دارد. از آثار صوفی وی: «انباوقات الالهة»، «السلویات»، «التقیات»، «حکمة الاشراق»، «رسالة فی اعتقاد الحكماء»، «طوارق الانوار»، «قصه الغریبة الغریبة»، «لوائح الانوار»، «الالواح العبادیه»، «المقاومات»، «المشارع والمطارحات»، «الدمجات» یا «الدمعة»، «الهیاکل

دایه ملاقات داشت. در بغداد درگذشت و در رودیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش «حرف‌المعارف» که در سفر مکه نوشته و سماعیل بن عبد مؤمن و طهیرالدین بزغشی آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «وشف الصابیح الایمانیه و کشف الصابیح الیونانیه»؛ رسالة «السير والطیر»؛ «بهجة الاسرار فی مناقب العوئیة»؛ «اسمة البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصلة لمحیوب»؛ رسالة «اعلام انهدی و عقیده ارباب النقی»؛ «دیوان» اشعار

آتشکده آخر (۱۱۸۹-۱۱۹۲)، آثار حجم (۷۱-۷۰)، الاعلام (۵/ ۲۲۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۲۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۱-۱۲۲)، تذکرة روز روشن (۴۴۲ ۴۴۳)، چشمتجو در تسمیة (۱۷۸-۱۷۲)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۳۸۲)، الذریعة (۹/ ۲۷۸)، ۵۵۴-۵۵۵، ریاض‌المربی (۹۵-۹۶)، ریحانة (۲/ ۹۸)، ۱۰۰، سیرالبلاء (۲۲/ ۳۷۸-۳۷۳)، طرق‌الحقائق (۲/ ۲۹۱)، ۳۰۲، ۴۰۵، ۴۹۰، ۵۲۰، ۵۲۱، قمرهنگ سحرور (۵۱۸)، کشف الظنون (۵۰)، ۱۲۶، ۴۵۱، ۸۷۲، ۸۷۷، ۹۰۵، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۷۷، ۱۴۹۲، ۱۵۷، ۶۷۳، ۱۶۹۷، ۱۷۲۳، ۱۷۹۲، ۱۸۳۲، ۱۹۶۵، الکسی والکلیف (۲/ ۲۲۶، ۳۲۵)، نختنامه (دیل / سهروردی)، مؤلفین کتب چاهی (۴/ ۶۳۲-۶۳۵)، مجالس‌المؤمنین (۲/ ۷۶-۷۷)، مجمع فصیحی (دیل / سال ۶۳۲)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۱۹)، مجمع‌المؤلفین (۷/ ۳۱۳)، معجم‌البیانات (۳/ ۲۲۹)، صفحات‌الاس (۲۷۳-۲۷۴)، وکیای‌الاعیان (۲/ ۴۳۶-۴۳۸)، هدیه‌المربین (۱/ ۷۸۶-۷۸۵)، هفت اقلیم (۳/ ۱۹۹-۲۰۱)، یادداشت‌های قزوینی (۳/ ۵۷۲)

سهروردی، ضیاءالدین ابوالنجیب عبدالقاهر بن عبدالله بکری، (۴۹۰-۵۶۳ ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث، مدرس و مورخ. در سهرورد زندگان به دنیا آمد در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره بسیار یافت. فقه شافعی را از اسعد مهنی آموخت و کتاب «عریب‌الحديث» را از ابوعی بن نهان شنید، همچنین از طاهر شکامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شنید چندی مولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز متصرف شد و به عزت و تصوف گریخت. در این امر هم از شیخ احمد حوالی آرشاد یافت. در مدت عزت و مجاهدت از کسب دست خرجش می‌خورد و چندی نیز سفای

السوریة»؛ «المذاهب و المعاد» از آثار فارسی او. «آواز پر جبرئیل»؛ «پرتو نامه» ترجمه «رسالة الطیر» ابن سینا؛ «رسالة العشق»؛ «روری ما جماعت صوفان»؛ «صغیر سیمع»؛ «عمل سرخ»؛ «لمت موران»؛ «یردان شناخت»؛ الاعلام (۹/ ۱۶۹-۱۷۰)، ایضاح المکون (۱/ ۳۳۰، ۲/ ۵۰۳، ۶۰۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۲۹۷-۳۰)، ۹۹۶-۹۹۷، تاریخ فلاسفه (۳۶۸-۳۸۱)، تاریخ سلسله در اسلام (۱/ ۵۶۰-۵۶۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکرة روز روشن (۲۴۲، ۲۴۳)، ترجمه نتمه صوان الحکمه (۱۰۲-۱۰۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۱/ ۱۳۸۴)، الذریعة (۹/ ۵۵۲، ۲۵/ ۲۷۷، ۱۴/ ۱۵۲-۱۵۳)، ۱۵۳، ریاض‌الجنان (۸/ ۹۷)، ریاض‌المربین (۲۱۱)، ریحانة (۳/ ۲۹۸-۳۰۰)، سیرالبلاء (۲۱/ ۲۰۷-۲۱۱)، فرهنگ سحرور (۵۱۸-۵۰۹)، کشف‌الظنون (۱۵۹، ۴۴۱، ۴۸۲، ۴۸۴، ۸۱۹۷، ۸۱۶۰)، الکسی و الکلیف (۲/ ۳۲۶)، لسان‌المیزان (۳/ ۵۱۰-۵۱۱)، نخت نامه (ذیل / ابوالنوح)، مؤلفین کتب چاهی (۶/ ۸۳۳-۸۳۴)، مجمع الفصحا (۲/ ۸۱۹)، معجم‌الادبا (۱۹/ ۳۱۲-۳۱۰)، معجم‌المؤلفین (۱۲/ ۱۸۹-۱۹۰)، صفحات‌الاس (۵۸۶-۵۸۴)، الوافی بالریجات (۱/ ۳۱۱-۳۱۲)، وکیای‌الاعیان (۶/ ۲۶۸-۲۷۳)، مدیة‌المربین (۲/ ۵۲۱)، هفت اقلیم (۳/ ۲۰۱)

سهروردی، شهاب‌الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله قرنی قیمی بکری صوفی بغدادی (۵۲۹-۶۳۲ ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث ملقب به شیخ الاسلام. در سهرورد زندگان به دنیا آمد نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسید. نزد همیش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله عرفا شد. به صحبت عبد‌القادر گیلانی رسید. وی پیشتوا و مؤسس سلسله عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از آزادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هیة‌الله بن احمد شملی، ابن عقی، ابوروحه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید و بن نطق، ابن سحر، ظهیرالدین محمود ریحانی و ابواسحاق ابن واسطی از وی روایت کرده‌اند. سهروردی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. او با ابن فارض و ابن عربی و تجم‌الدین

تصرف به مانک بن دیار و معروف بن حلی منسوب بود در مکه نیز مدتی به صحبت دوانلون مصری رسید و چندی هم در مبادان به عزت و خلوت اشتغال جست و سرانجام در بصره در حال غی و تبعید وفات یافت. سهیل بنانگذار فرقه سهیلیه صوفیه است که بنای آن بر اجتهاد و مجاهده نفس است. از آثار وی: «رفائق المحبین»، «مواصط الماویین»، «جسواسات اهل البقیع»، «تفسیر القرآن العظیم»، «قصص الانبیاء»، «المایة لاهل النبیة».

الاعلام (۲/ ۲۱۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۸۱-۲۹-۱۸۶-۱۸۹)، تاریخ گریه (۶۴۵)، تذکره الاولیاء (۱/ ۲۶۸-۲۵۱)، ترجمه رساله فشریه (۶۵۳-۶۳۹)، التفسیر والمفسرون (۲/ ۳۸۰-۳۸۳)، جستجو در مصوف (۱۳۲-۱۳۵)، حسنة الاویا (۱۰/ ۱۸۹-۲۶۲)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۶۴۰-۶۴۱)، روایات ائمهات (۳/ ۹۱-۹۲)، روحانه (۳/ ۲۶۱)، سیر النبلاء (۱۳/ ۳۲۰-۳۳۳)، شرح شطیحات (۳۸، ۲۰۶-۲۱۳)، صفوة المصنوع (۴/ ۲۷۹-۲۷۸)، طبقات الصوفیة سنی (۲۰۶-۲۱۱)، طرائق الحقائق (۱۶۲، ۱۸۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۷۷، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۱۹)، شهرت ائمه قدیم، ترجمه (۲۲۷)، کشف الطیور (۱۱۹۳، ۱۳۲۸)، کشف المسحوب (۷۶-۱۷۵)، عتاب‌نامه (دیل / سهیل) معجم البلدان (۲/ ۳۶)، معجم المصنفین (۲/ ۲۸۲)، مفاصل الایم (۶۶-۶۷)، الراوی بالریایات (۱۶/ ۱۶۱۷)، ریایات الاعیان (۲/ ۴۲۹-۴۳۰).

سهیل قرشی جرجانی، یوناناسم حمزة بن یوسف پس ابراهیم. (۳۴۰-۴۲۶/۴۲۷/۴۲۸ ق)، مورخ و محدث، در گرگان متولد شد. به اصفهان، ری، هرنه، حران، عراق، شام، مصر و اهواز سفر کرد. از پدرش و ابوبکر محمد بن احمد بن اسماعیل صرام و ابن احمد بن هدی و ابوبکر اسماعیلی حدیث شنید و از ابومحمد بن ماسی و ابوحفص ریّات و ابوبکر بن عبدان شیرازی و ابوالحسن دارقطنی و دیگران روایت کرد. ابوبکر بیهقی و یوناناسم قشیری و ابوصالح مزدی و ابراهیم بن عثمان جرجانی و ابوبکر احمد بن حلی بن خلف شیرازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. در نیشابور وفات یافت. از آثار وی: «تاریخ جرجان» مشهور به «معرفه علماء اهل جرجان»، «معجم شیوخ»، کتاب «الاربعین فی فضایل

می‌کرد. پس از آن به وعظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و ریاضی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقرا و درمایدگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت المقدس به شام رفت، اما به سبب خلیه و تهدید صلیبی ها موفی به زیارت نشد، با این وجود نورالدین ربکی مقدمش را گرامی داشت و او یک چمد در دمشق ماند و مجلس وعظ برپا کرد. پایان عمرش در بغداد گذشت از آثارش: «آداب المریدین» که شروع بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح أسماء الحسنی»؛ «خریب المصایح». صاحب «الکامل» نسبت وی را سهروردی آورده است.

الاعلام (۴/ ۱۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۵)، جستجو در مصوف (۱۷۱-۱۷۲)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۱۳۸۴-۱۳۸۵)، الدررسمه (۱/ ۲۹۲۸)، ریحانه (۷/ ۲۸۲-۲۸۳)، سیر النبلاء (۲۰/ ۴۷۵-۴۷۸)، الکامل (۹/ ۹۸)، کشف الطیور (۲۳، ۱۱۰۱)، نعت‌نامه (دیل / ابوجیب)، معجم نصیحی (دیل / سال ۵۶۲)، معجم البلدان (۴/ ۳۲۹)، معجم المؤلفین (۵/ ۳۱۱)، فلاحات الانس (۳۲۱-۳۲۱)، ریایات الاعیان (۳/ ۲۰۵-۲۰۴)، هدیة العارفين (۱/ ۶۰۷-۶۰۶).

سهروردی، محمد بن شیخ شهاب الدین عمر. (سن هتم ق)، صوفی و نویسنده. در بغداد متولد شد و در همان شهر تحصیل کرد و به طریقه پدر درآمد و بعد از وی رهبری آن طریقت را به عهده گرفت. از آثار وی: «در الدمسافر و ادب الحاضر»
جد: تاجر در تصوف (۱۷۴)

سهیل نستری، ابومحمد بن عبدالله بن یوسف بن حبیبی بن عبدالله. (۲۰۳-۲۷۳/۲۸۲/۲۸۲ ق)، مفسر و صوفی در قسطنطنیه (شوشتر) به دنیا آمد. وی از اقربان حسد و از مریدان دوانلون مصری بود و جامع علوم شریعت و طریقت و حقیقت. وی علاوه بر تصرف، از هواخواهان طریقه اهل حدیث و از مخالفان معتزله بود عقاید وی در مباحث مربوط به کلام و نقد اقوال معتزله به وسیله شاگرد وی ابن سالم بصری شرح و تفسیر شده است. سهیل حدیث و فقه را از دایمی و استاد خویش محمد بن سوار، شاگرد مکتب سفیان ثوری آموخت و در

مقد (۱/ ۵۹۵-۵۹۳)، گلستان مهر (۱۳۲)، هفت الحیم (۳/ ۲۵۰).

سهیل بن عبدالله، (ز ۱۰۳۶ ق)، خطاط از آثار وی یک نسخه «مصباح» کهنی، رحلی، صرلوح مذهب، نسخ کتابت و رقاع خوش به شیوه ملا حلاه یک، با رقم. «فرغ من تحریر التمهید فی دار السلطنة ترزاسه ست و ثثیر و الف من الهجره النبویه علی يد العبد لصعیف و النحیف الی رحمه الله تعالی سهیل بن عبدالله عفر الله له ...».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۰-۱۰۸۱).

سهیل شیرازی، لطف الله، فرزند ملا عسگر (ز ۱۳۱۳ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به سهیل. اهل فسا برد. در دوره قاجاری می زیست و به میرزا حسین شیرازی شهرت داشت. از او آثاری در زمینه نقاشی دیده نشده است. ز دوست.

گاه از هجر تو عالم، گهی از زاری دل
حال دل را به که گویم که کد یاری دل
آثار حجم (۵۵۹)، احوال و آثار نقاشان (۲/ ۵۶۰)، دانشمندان و سخنرانیان فارس (۳/ ۲۰۸)، گلستان مهر (پسگاه و دوله مرآت الفصاحه (۲۸۵-۲۸۶).

سهیل فسایی، لطف الله به سهیل شیرازی.

سهیلی تبریزی، میرزا احمد، (شهادت ۱۳۳۰ ق)، شاعر، از مشروطه خواهان بود که در واقعه روز عاشورای ۱۳۳۰ ق به شهادت رسید. وی در ۱۳۲۱ ق قسمتی از عربیات و اشعار خود را در مجموعه ای که جاری اشعار شعریایی چون: هلالی، اهلی، شمع عطاره، ابوسعید ابوالخیر، اوحیدی، رحیمی، پاپ طاهر، مسعود سعید، نراری و این یمن بود، به چاپ رساند.

تذکره شعری آذربایجان (۲/ ۲۹۷-۲۹۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۵)، دیوان مسعود (۱۵۹-۱۶۰)، الذریعه (۹/ ۴۷۹)، سخنوران آذربایجان (۲۰۹-۲۱۰)، شرح حال رجال (۱/ ۸۵)، فرهنگ سخنوران (۴۷۹)، مولفین کتب چاپی (۱/ ۲۰۶).

سهیلی جنتایی، امیر نظام الدین شیخ احمد، (وف ۹۱۸/۹۰۷ ق)، شاعر، متخلص به سهیلی معروف به

العباس. مؤلف «کشف الظنون» در کنار «تاریخ جرجان»، «تاریخ استرآباد» را نیز به وی نسبت داده و سال مرگ وی را ۶۷۰ ق ذکر کرده است.

الاعلام (۲/ ۳۱۴)، دیوانه (۱/ ۴۰۱)، سیرالنبلاء (۱۷/ ۲۶۹-۴۷۱)، الکامل (۸/ ۱۰)، کشف الظنون (۵۷/ ۲۸۱، ۲۹۰، ۱۸۴۳)، لغت سامه (دیل/ جرجانی)، معجم الفوائد (۲/ ۱۴۱-۱۴۲)، معجم الفوائد (۲/ ۸۲)، لغت بالویات (۱۳/ ۱۷۶)، هدیه الساری (۱/ ۳۳۶)، یاد ستهای قزوینی (۲/ ۱۲، ۳/ ۱۶۵-۱۶۶).

سهوی تبریزی، کمال الدین میر محمد حسین حسینی، (ز ۱۰۴۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به سهوی. از مردم تبریز بود نستعلیق را سزود ملا محمد حسین تبریزی، استاد میرعماد، تعلم گرفت، اما بیشتر به شیوه میرعلی هروی متمایل بود و جلی و خفی را خوش می نوشت. سهوی در بیست سالگی از تبریز به قم حج به حجاز رفت و هنگام بازگشت، به علت حمله عثمانیان به آذربایجان، از تبریز به عراق عجم رفت و دوازده سال در کاشان سکنی گزید. سپس هازم هند شد و به دربار ملوک گرجاییان پیوست و همانجا درگذشت. وی شعر را نیکو می سرود و در غزلنری طبعی نصیب داشت. سال وفاتش را مؤلف «صبح گلشن» ۱۰۰۳، شهر در «تذکره خوشنویسان» ۱۰۲۸ و مؤلف «خط و صدحان» ۱۱۰۰ ق، ثبت کرده اند که هیچ یک درست نیست و ظاهراً تا سال ۱۰۴۹ ق در هند می زیسته است و باید عمری طولانی کرده باشد. از آثار وی: یک نسخه دیوان هلالی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «میر حسین حسینی سنه ۹۹۲» قطعه ای از یک مرقع، به قلم سم دودانگ خوش، با رقم: «کشته میر حسین سهوی التبریزی» پنج قطعه از یک مرقع، به قلمهای سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «فتیر محمد حسین التبریزی»، «العبد المذنب الفقیر محمد حسین» و «فی شهر هر و چهل و نه در دارالسلطنة اکبرآباد تحریر بابت ... محمد حسین التبریزی متر عبویه و عفر دلو» احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۵۳-۱۵۴)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۹۱-۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۹/ ۸۳۷)، تذکره شعری آذربایجان (۲/ ۲۹۶-۲۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۵-۱۸۴)، الذریعه (۹/ ۴۷۹)، ریاضیه (۲/ ۳۲۲)، سخنوران آذربایجان (۲۰۹-۲۰۸)، صبح گلشن (۲۱۳). فرهنگ سخنوران (۴۷۷)، کاروان

امیر اعظم، شیخ‌م بیگ و شیخ‌م سبیلی. اصل وی از الرس جغتای بود. از شاگردان آذری و از خاصان دربار سلطان حسین ساقرا بود. میرزا حسین واعظ کاشفی کتاب «انوار سبیلی» را به نام وی ترجمه کرد. از آثار وی منظومه «لیلی و محزون»؛ «دیوان» اشعار به ترکی و فارسی

آتمکده آذر (۱/ ۶۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۷)، تذکره الشعراء (۵۷۹-۵۷۵)، الذریعه (۹، ۳۷۹-۴۸۰)، ریحانه (۳/ ۱۰۱-۱۰۰)، فرهنگ سخنوران (۱/ ۴۷۲-۴۷۳)، لغنامه (ذیل / احمد)، مجلس الشاعرات (۵۶)، مجمع الفصحاء (۱/ ۵۸)، منظومه‌های فارسی (۲۸)، تدبیر الامکار (۳۲۷-۳۲۸).

سبیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد بن محمد، (وف ۴۱۸ ق)، ادیب و شاعر. مدتی وزیر ابوالعباس مأمون خوارزمشاه بود. سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامرا درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سبیلی» خود را به نام وی تألیف کرد از آثار و: «الروضة السهبية فی الاوصاف والاشیبهات»

تاریخ اعیان در ایران (۱/ ۳۰۴، ۶۴۴) تاریخ اعیان عقیس (۲۰۸)، ریحانه (۳/ ۱۰۱)، شاعران و دیوان (۴۲۰-۴۲۱)، کشف الظنون (۹۲۶)، لغنامه (ذیل / احمد)، مجمع الادباء (۵/ ۳۳-۳۱)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۹)، هدیة المدرسین (۱/ ۷۲).

سبیلی خوانساری، احمد، فرزند ضلارضا حاکم (۱۲۹۰-۱۳۷۳ ش)، کتاب‌شناس، خطاط و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات به خدمات فرهنگی مشغول شد. او چهل سال رئیس کتابخانه ملک در تهران بود. سبیلی از اوان جوانی به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی عضو بود. او در نسخ و ثلث از شاگردان امیرالکتاب بود. از آثار وی، «حصار نای»، در شرح حال مسعود سعد سلمان؛ «کمال هر»، در احوال و آثار کمال الملک؛ تصحیح و تحفیه کسایی. «آداب العرب و الفصاحه»، «ذیل عالم آرای عباسی»، «دیوان حافظ»، «دیوان یاقوت حمادی»، «خسرو دمه عطر»، «شهامت نادری» و «دیوان صفای اصفهانی»؛ «دیوان» اشعار، پیش از قتل هرار بیت

تذکره شعرائی خوانسار (۱۳۱-۱۱۹)، الذریعه (۱/ ۴۸۰)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۸۲۴-۱۸۲۸).

فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۰۶-۴۰۷).

سیاح، فاطمه، فرزند میرزا جعفر و صاراده. (۱۲۸۱-۱۳۲۶ ش)، مدرس، محقق، روزنامه نگار و نویسنده. در مسکو به دنیا آمد. دوره تحصیلات متوسطه را در همان شهر به پایان رساند، از دانشکده ادبیات مسکو به اخذ درجه بیسانس و بعد دکتری در رشته ادبیات نایل آمد. چهار سال دانشیار ادبیات در دانشکده‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی بود. وی اواخر سال ۱۳۱۲ ش به ایران آمد. ابتدا در وزارت فرهنگ مشغول کار شد و بعد کرسی زبان و ادبیات روس و همچنین کرسی استادی سنجش ادبیات زبانه‌های خارجه در دانشگاه تهران به او محول گردید که تا پایان عمر در این سمت ادای وظیفه کرد. او در نهضت‌های نابوان ایرانی در جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور فعالیت داشت و فردی برجسته و مؤثر بود. به عنوان عضو کنگره جشی هزاره فردوسی، مقالات فراوانی درباره فردوسی نوشت. در مدت اقامت خود در شوروی و ایران، پانزده بار به نقاط مختلف اروپا سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش، نخستین شماره مجله «حزب زبان ایران» را منتشر کرد. در ۱۳۲۶ ش در کنگره زن و صلح، که در پاریس منعقد بود، شرکت کرد و سخنرانی‌های او در آن کنگره به قدری مورد توجه قرار گرفت که بعضی از نمایندگان، پس از بازگشت به کشورهای خود، مقالاتی پیرامون بیانات او به عنوان نماینده ایران منتشر کردند و او را ستودند. بانو سیاح به پنج زبان روسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی مسلط بود و از ادبیات این زبانها اطلاعاتی عمیق داشت. وی تنها بانویی بود که در دانشگاه تهران کرسی استادی داشت. او کتابخانه خود را که متجاوز از دو هزار جلد کتاب بود به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اهدا کرد. در تهران وفات یافت و در افس بایویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار او: «تحقیق مختصر در احوال و زندگیانی فردوسی»؛ «ادبیات معاصر ایران»؛ «انتر فارسی معاصر»؛ «بالرک و روش نو داستان‌نویسی»؛ «شرق در آثار پوشکین»؛ «درباره آناستون ترانس»؛ «کیفیت رومان».

ر بیت تاریخ‌نگار ما (۱۳۱-۱۲۸)، اینجا ایران، مس (ن ۲۰)، کارنامه زبان مشهور ایران (۱۲۹-۱۲۰)، موعین کتب چاپی (۴/ ۷۵۵-۷۵۶).

سبزواری درگذشت و در حسینیته‌ای که پنا نهاده بود به خاک سپرده شد.

گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۱۵: ۳۱۷)

سیار اصفهانی، قنی خان. (تو ۱۲۹۵ ش)، شاعر، متخلص به سیار. در اصفهان متولد شد. به پیشه کفشی اشتغال داشت. از شعرای انجمن ادبی کمال بود. در انواع شعر ماهر بود و حزب را استادانه می‌سرود.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۵۲-۲۵۳)، الذریعه (۹)،

(۲۸۰)

سیار اصفهانی، محمود، فرزند امان‌الله خان. (۱۳۵۵-۱۳۹۵ ق)، شاعر، متخلص به سیار. در سامان مدفون است. در تاریخ و هفت استادش دهقان سامانی سروده است.

تألیف از چمنی دهقان شید

مربع و ریحی کرد در جنت قور

سال تاریخ و فائش مقمی

خواست از میار بهر یادگار

بلبل بیرون سرفه از باغ و گس

بصد و یست و شش از بعد هور

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۵۳)، الذریعه (۹)،

(۲۸۰)

سیار تبریزی - ستار تبریزی

سیار شهرضایی، هاشم. (س چهاردهم ق)، شاعر. از شعرای شهرضا بود. از آثار وی «تذکره السادات» شعر «جنگ مولی»، شعر «گلشن معرفت»، شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۵۳-۲۵۴)، الذریعه (۹)،

(۲۸۰)، مؤلف کتب چاپی (۶/ ۷۵۶-۷۵۷)

سیار معینی، نور ارفع، فرزند سید نصرالله معینی ارفع‌الدک. (تو ۱۲۸۶ ش)، شاعر، متخلص به سیار. در لنگرود متولد شد. تحصیلاتش را در همان شهر به اتمام رسانید. او با تشریق پدرش به سرودن شعر پرداخت و در غزل سرایی مهارت یافت. نمونه‌ای از حرلیاتش در «سخنوران نامی معاصر ایران» ذکر شده است. اشعارش دارای شور و گدازهای عارفانه و حاوی نکات دلکش است.

سناج، محسن، فرزند میرزا محمدعلی. (تو ۱۲۷۸ ش)، پزشک، مدرس، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. در ۱۳۲۸ ش به سویس رفت و مدت نه سال در مدرسه ابتدایی و متوسطه لوران منقول به تحصیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه خود را در باب کانونهای عرونی در ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در ۱۳۳۷ ش به ایران بازگشت و عهده دار مشاغل مختلفی از قبیل استادی کرسی بیماریهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه عالی دندانسازی و ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی «امراض دهان و دندان»، «بیماریهای دندان»، «بیماریهای دهان»، ترجمه «زورف فرشه» اسفندار روایت، ترجمه «زندانی زندا» هوپ آنتونی مؤلف کتب چاپی (۵/ ۲۲۵-۲۲۶).

سپاح سپاهلو، هادی. (تو ۱۳۷۹ ش)، مترجم و نویسنده. در وزارت دارایی خدمت می‌کرد. از آثار وی «حساندار غیبی»، تعریف اصول به طریق ساده، ترجمه «دو غرب خیری نیست» از یک ماریاوماکی آلمانی، ترجمه «رپرت مازورهای دکتر علیسپو»

مؤلف کتب چاپی (۶/ ۷۲۲-۷۲۳)

سیداتی، میرزا سید حسن. (۱۳۸۵-۱۳۹۹ ق)، عالم دینی، مجتهد و مدرس. از سادات حسینی بود. در قریه ایری از محال سبزواری به دنیا آمد. قسمتی از تعلیمات را در آنجا فراگرفته سپس برای ادامه تحصیل به سبزواری رفت و در مدرسه مصبویه به مدت بیست سال از محضر علمایی چون: آیت‌الله حاج میرزا حسین حلری سرورای و همیش، آقا میرزا موسی، و آقا میرزا اسماعیل افتخار الحکماء و حجة الاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری کسب فیض کرد. پس از اتمام تحصیل، به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۷ ق به نجف سفر کرد و مدت شش سال از محضر آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا حسین تأییدی استفاده برد و «تحریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در ۱۳۵۳ ق به سبزواری بازگشت و به امور دینی پرداخت و حوزه علمیه آنجا را احیا کرد. در

د. حوزان سامی مناصر (۲/ ۱۸۵۵-۱۸۵۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۷۶).

سیاری، ابوالحسن احمد بن ابراهیم. (من چهارم ق)، نحوی، لغوی و ادیب امامی. دایمی ابوعمرو زاهد ملقب به مظهر است. ابوهمزه از طریق سیاری، از مبرد و ابن مسروق طوسی و ناشی روایت کرده است. اعیان النبیمة (۲/ ۲۶۹)، تاریخ بیداد (۴/ ۱۳-۱۲)، روایات الحیات (۱/ ۲۱۶)، ریحانه (۳/ ۱۰۳)، الکلی و الاکناب (۲/ ۳۲۸)، لغت نامه (ذیل / احمد)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاری، ابوالعباس قاسم بن ابی القاسم / قاسم بن عیدالله بن مهدی. (وف ۳۴۰ / ۳۴۲ / ۳۴۳ ق)، عالم، عارف، فقیه و محدث. در مرو متولد شد. به جهت اقتساب به جد مادری خود محمد بن سیاره سیاری خوانده می شد. وی در علوم شریعت و فقه طریقت آگاه بود. گویند که پدرش مسافر مالدار بود، بعد از وفات او، سیاری همه اموالش را بخشش کرد. او مرید شیخ ابوبکر واسطی بود و خود به درجه ارشاد رسید. فرقه سیاریه از سرق صوفیه منسوب به او می باشد که سوز و گریه حوهر راده اش عیدالله واحد بن علی نشر یافت، گفتار طریقه وی مبنی بر مسأله جمع و تفرقه که مراد از جمع مشاهده و مراد از تفرقه مجاهدت بوده، می باشد. سیاری از ابوالموجه و احمد بن عباد حدیث شنید و ابوعبدالله حاکم از وی روایت کرده است. وی در مرو درگذشت.

تذکره الاولیاء (۲/ ۲۰۶-۲۰۷)، جستجو در تصوف (۵۵-۵۶)، حلیه الاولیاء (۱۰/ ۳۸۱-۳۸۰)، ترجمه رساله کشمیری (۷۹-۷۸)، ریحانه (۳/ ۱۰۳-۱۰۴)، سیرالنبلاء (۱۵/ ۵۰-۵۱)، شرح شطحیات (۲۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۷-۴۴۶)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۵-۳۶۴)، کشف المحجوب (۱۹۸-۱۹۹)، لغت نامه (ذیل / ابوالعباس)، تعیبات الانس (۱۴۷-۱۴۸).

سیاری، احمد بن سیاره ابن سیار مروزی

سیاری اصفهانی، ابوعیدالله احمد بن محمد بن سیار بهری. (من سوم ق)، محدث و کاتب. در دستگاه آل طاهر، در زمان امام حسن عسکری (ع)، کاتب و دبیر بود. محمد بن یحیی و علی بن محمد حسانی از وی

حدیث شنیدند. برخی از رجال نویسان وی را محدثی ضعیف و غیر قابل اعتماد و کتبش را اکثراً مراسعین می دانند. از آثارش: «النسرات»، «النبوات»، «ثواب القرآن»، «الطب»، «کتاب القسرات» یا «التنزیل و التحریف».

مختار معرفة الرجال (۶۰۶)، الاعلام (۱/ ۲۰۲)، اعیان النبیه (۳/ ۱۱۷-۱۱۶)، الدرر (۲/ ۲۵۴)، ۱۹/ ۵، ۱۵/ ۱۲۶، ۱۷/ ۵۲، ۲۲/ ۳۲۱، رجال ابن داود (قسم ۱/ ۲۲۲-۲۲۳)، رجال بیهقی (۶۱)، رجال الطوسی (۴۱۱، ۴۱۲)، رجال النجاشی (۱/ ۲۱۱)، ریحانه (۳/ ۱۱۲)، طبقات اعلام النبیه (قصر ۴/ ۲۸-۲۹)، امهرست طوسی (۴۴)، الکلی و الاکناب (۲/ ۳۲۷)، لسان المیراث (۱/ ۲۸۲-۲۸۱)، معجم رجال الحدیث (۲/ ۲۸۲-۲۸۱)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۹)، هدیه الاحباب (۱۵۲).

سیاسی، علی اکبر، فرزند محمد حسن، (۱۲۷۳/ ۱۳۶۹-۱۳۷۴ ش)، روانشناس، مؤلف و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. پس از تحصیل در مدارس خرد، بی نظمی و مدرسه عالی علوم سیاسی، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و از دانشکده ادبیات و علوم انسانی پاریس به احد درجه دکترا با فید درجه بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشکده ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رئیس دانشگاه تهران شد. از خدمات مؤثر او می توان از تهیه لایحه قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجاری و مجامعی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تأسیس مجدد دانشکده معقول و منقول، ایجاد چاپخانه دانشگاه و تأسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تألیفات متعددی به جا مانده است، از جمله «عدم النفس یا روان شناسی»، «عدم النفس این سینا و تطبیق آن با روان شناسی جدید»، «عدم اخلاقی»، «مبانی فلسفه»، «منطق و فلسفه»، «هوش و خرد»، «روانشناسی شخصیت»، «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و بریده جا به در آکادمی فرانسه «طریقه هست» و «مقالات» متعددی که در مجله و مجلات به چاپ رسیده است.

چهارمادی آنت (۳۱۱-۳۱۰) شرح حال رجال سیاسی و

یافت، و در زمان شاه عباس اول صفوی اقتدار ملازمت یافت. از شاگردان وی: شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا، که با تعلیم وی قشقاری سحرماز و رشامی خوش طرح و ممتاز شد، ولی چنان تسیری، محراب علی و محمد هراتی. از آثار او تصویر دو جوان که زیر درختی در صحرا نشسته‌اند و یکی ساز می‌زند و آن یکی کناس به دست دارد آواز می‌خواند، با رقم: «سلام شاه ولایت سیاوش نقاش»؛ تصویر سیاوش و گرسیوره با رقم: «سیاوش»؛ تصویر صحنه جنگی اسفندیار با دیر قری هیکل، با رقم: «سلام شاه ولایت سیاوش نقاش»؛ رفتن کپخسرو پیش کیکاووس، با رقم: «سیاوش».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۸-۲۳۰، ۲/ ۱۲۶۱)، تاریخ اصفهان (۲۹۳)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۵۶-۸۵۷)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۷۶)، گلستان هنر (۱۴۸-۱۶۹)، مناقب هریروان (۱/ ۱۰۶، ۱۰۷)، هنر قلمدان (۲۴).

سیاهوشانی، محمود - شهابی هروی.

سیاهپوش، سید جواد/محمد جواد بن سید محمد ربی حسینی بغدادی. (وف ۱۲۴۷ ق)، عالم اخباری، ادیب و شاعر. از اخباریان منصوب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود چون پدرش درگذشت، رئای او را در قصیده‌ای گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه الانوار فی ابرق من الاشعار»، در ادب، در چند جزء؛ شعری در رئای شیخ محسن اعظم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رئای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده است.

الاعلام (۶/ ۲۰۲)، اعیان الشیعه (۴/ ۲۸۰-۲۸۱)، الدرریمه (۸/ ۲۷۳، ۹/ ۴۰۸، ۲۱/ ۲۲۸)، ریحانه (۳/ ۱۰۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۲۸۹-۲۹۰)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۶۸)، مکرم الآثار (۳/ ۱۳۶۰-۱۳۶۱).

سیاهپوش، علی اکبر. (۱۲۶۷-۱۳۳۰ ش)، محقق در تهران به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه وارد مدرسه افسری ژاندارمری شد. مدتی در اداره پلیس خدمت کرد. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش به ویش منتقل شد و درجه سرگردی گرفت. وی در اغلب همیات نظامی که

نظامی (۲/ ۸۴۷-۸۴۸)، کنگ (من ۱۳۶۹، ش ۲، ص ۳۲-۳۳)، گیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مرعین کتب چاپی (۲/ ۵۱۸-۵۲۱)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سیاقی فارسی، نظام‌الدین عینی. (وف ۱۰۱۱ ق)، مورخ و شاعر، متخصص به سیاقی. از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلوپه و کاروان را داشت، سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و هم سیاق و موسیقی پر دیگران برتری داشت مؤلف «تاریخ نظم و اثر» کتاب «فتوحات شاه»، را به او نسبت داده است.

تاریخ نظم و اثر (۷۱۰)، دارستانه ناصری (۲/ ۱۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶)، مرآت‌الصالحه (۲۸۸-۲۸۷).

سیاوش بن احمد. (ز ۹۴۳ ق)، خطاط. از هنرمندان هرات در عصر صفویان است. وی در تمام خطوط دست داشت و ثلث و نسخ و رقاع را در کمال قدرت می‌نوشت از آثار وی، قرآن سیار نفیسی است که تذهیب آن را عبدالصمد شیرازی انجام داده است. این نسخه گرانبه که منقش و مجدول مطالای رنگین است به ثلث و جلی عالی طلا و لاجورد نوشته شده و در بین معطون، به خط نسخ ربیای عفی چندین سطر را به سیاهی نگاشته است، با رقم: «هو الله سبحانه و تعالی، این مظهر خیر انکلام سیحانی در سنة ثلاث و اربعین و تسعمائة صفت اتمام یافت... شرف بکتابته... سیاوش بن احمد و خدمه بتدیه و تحریر عبدالصمد شیرازی...» هر عهد تیموریان (۳۶۴-۳۶۶).

سیاوش بیگ گرجستانی. (ز ۱۰۱۵ ق)، نقاش. وی برادر فرخ‌بیگ نقاش و از خدمتگزاران شاه طهماسب صفوی بود شاه طهماسب از کودکی او را به نقاشخانه فرستاد و مدتی فرد استاد مظهر علی شاگردی کرد و در تصویرسازی مرام شد. از دیگر استادان وی حسینعلی مصوره، استاد حسن بغدادی و خواجه عبدالحی بودند. سیاوش بیگ در چهاره‌سازی و مجالس بزمی و زمی و آرایش هلالی و جل‌کاری و جانورسازی دست پر قدرت داشت. او در زمان شاه اسماعیل دوم از اصحاب کتابخانه همایون شد و در عهد سلطان محمد با برادرش فرخ‌بیگ در سلک معتمدان و مقربان سلطان حمزه میرزا الترام

برای استقرار و نظم بوده شرکت می‌کرد. بعد از ۱۳۲۰ ش به تقاضای خود بارنشت شد و تا پایان عصر به امور کشاورزی پرداخت اثر ری «موتورهای هواپیمایی و ساختمان کار آنها» می‌باشد.

شرح حال ریاضی سیاسی و نظامی (۸۴۷/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۲-۵۷۱/۲)

سبک پیشابوری، یحیی. (وف ۸۵۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فتاحی. وی از شاعران دوره شاهرخ گورکانی بود و در کتابخانه نایب‌میرزا کتابت می‌کرد او علاوه بر تخلص فتاحی، به تقاحی، اسراری و خماری نیز تخلص می‌کرد. از آثار او «تعبیرنامه منظوم» مثنوی «مستور عشاق» معروف به «حسن و دل» که در ۸۲۰ ق به پایان رسانید؛ «شبهستان نکات و گلستان لغات» که در ۸۲۳ ق به پایان برد؛ کتاب «اسراری و خماری» شامل اشعاری در اسامی اخدی که از شاعران پیشین تمیید کرده است؛ «شبهستان خیال» به نظم و نثر؛ «اخمریات» «اسرارنامه» «دیوان» شعر و چندین دهنامه دیگر.

احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۰/۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۱-۱۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۴)، ۴۵۹، تاریخ نظم و نثر (۲۹۹)، تذکره‌الشمراء (۴۷۰-۴۷۱)، حبیب السیر (۱۵/۲)، الذریعه (۸/۲۶۰-۲۶۱/۲)، ۸۰۷، ۱۲/۲۴، ۲۳/۹۶، رجانه (۱۰۷/۲)، فرهنگ سحرورد (۴۷۷-۴۷۶)، کشف‌الظوب (۶۶۶)، لغت‌مه (دیل / فتاحی)، مجالس القائلین (۱۳، ۱۸۹-۱۸۸)، مناقب هوروزان (۵۹-۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶)، ۸۳۶-۸۳۷، مدینه‌المرس (۵۷۸/۲)

سیبویه، ابویشر / ابوالحسن عمرو بن عثمان بن قیبر حسادنی. (وف ۱۶۰-۱۹۴ ق)، نحوی، ملقب به امام نحویان. در بیاضی شیراز متولد شد. در بصره نشو و نما یافت و در بغداد اقامت گزید ابتدا به طلب فقه و حدیث پرداخت. سپس نزد خلیل بن احمد و یونس بن حبیب و عیسی بن عمر و اخفش اکبر تلمذ کرد. فطرب و اخفش اصغر و اخفش اوسط از شاگردان وی بودند. وی با کسانی معاصر بود و مناظره داشت. محل مرگ وی را در بصره، ساه و بیهما آورده‌اند. درباره عظمت علمی و فکری سیبویه سخن بسیار گفته شده و کتاب فراوان نگاشته شده است، او را اولین کسی می‌دانند که علم نحو را گسترش داد. از آثار او: «الکتاب» یا «کتاب سیبویه».

الاعلام (۵/۲۵۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۱۲۶)، تاریخ بغداد (۱۲/۱۹۵-۱۹۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/۲۱۱-۲۱۲)، دایرةالمعارف فسیوسی (۱/۱۳۹۶-۱۳۹۷)، الذریعه (۱۷/۲۶۱)، روشتات الجنات (۵/۳۰۵-۳۱۰)، رجانه (۳/۱۰۸-۱۰۹)، مبررات‌النبلاء (۸/۳۵۶-۳۵۷)، فارسنامه صاعری (۲/۱۲۷۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۴)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۸۹-۹۰)، الکس والاقاب (۲۱/۳۲۹-۳۳۰)، کشف‌القدون (۱۴۲۶-۱۴۲۷)، مستانه (دیل)، سیبویه، مجمل فصیحی (دیل / سال ۱۷۹)، مجموعه مقالات کنگره سیبویه، مجمل‌الادب (۱۶/۱۱۴-۱۱۵)، مجمل‌المؤلفین (۸/۱۰)، وفيات الاعیان (۳/۴۶۲-۴۶۵)، مدینه‌الاحیاء (۱۵۲-۱۵۳).

سیبویه صفهانی، ابونصر محمد بن عبدالعزیز (من پنجم ق)، نحوی. از بزرگان علم و ادب بود. از ابن فارس روایت کرده است.
رجانه (۳/۱۰۹-۱۱۰).

سیبویه ثانی، پرهان‌الدین ابراهیم بن حسن شیبستری نقشبندی. (مقتول ۹۱۷-۹۲۰ ق)، نحوی، ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله نقشبندیه بود. در نحو و ادبیات عرب و متون شعری بگانه روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارچ کشته شد. از آثار وی: «انیه‌نامه» «التائیه»، در نحو معروف به «نهایه‌الهیجه»، که آن را به نام «میدان‌الادب فی شرح بهایه‌الهیجه» شرح کرده است؛ «تائیه» در نظم «ایساعوجی» ابوالدین اشعری به نام «مورون المیران» «تفسیر قرآن» از اول تا سوره یوسف.

اعیان‌الشعراء (۲/۱۲۷-۱۲۸)، بصاح‌المکون (۲/۵۱۵)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۳/۲۰۱-۲۰۲)، ۲۰۲/۹، ۵۰۶، رجانه (۳/۱۱۱-۱۱۰)، فرهنگ سحرورد (۱۷)، کشف‌المصنوع (۲۶۷)، ۱۹۱۱، سبک‌المؤلفین (۱/۳۸)، پسا (س ۶، س ۱۵۲-۱۵۴).

سیبجانی، ملا علی. (ز ۱۲۵۲ ق)، خطاط، از آثار وی: یک نسخه قزاق‌نامه، به قطع تیم ریمی، یا جلد روضی عالی، مذهب، نسخ کتابت خفی عالی، به شیوه ملا رین‌العابدین محلاتی، یا رقم. «لمت الکتاب بعون‌الله المسک الروهاب علی بدالعقیر الحقیق الجانی ملا علی

سید جواد. (۲)، سفارش هنرمند زرگر که در
تصویرسازی میبای و آذین‌بندی جواهرات دست‌پوش
مهارت داشت. از آثار وی: قباب طلایی قرآن مزین
است، بارقم «سید جواد»
اسوان و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۱)

سید حسن غزنوی، اشرف‌الدین ابو محمد / ابوعلی
/ ابوعلی حسن بن محمد / احمد حسینی، (وف ۵۵۶
ق)، شاعر، متخلص به حسن. ملقب به اشرف. وی در
دوره مسعود بن ابراهیم غزنوی (۵۰۸-۴۹۲ ق) به
شاعری اشتغال داشت و بعد از آن هم در عهد
کمال‌الدوله شیرزاد (۵۰۹-۵۰۸ ق) و سلطان‌الدوله
ارسلان (۵۰۹-۵۱۱ ق) از شاعران بنام دربار بود. در عهد
خلافت المقتدی لاهور (۵۳۰-۵۵۵ ق) به بغداد رفت و
از سلطان خیزان‌الدین مسعود سلجوقی بوالاعت و احسان
دید و از آنجا به همدان سفر کرد و چندی هم در عراق و
مدتی در خراسان بود و به مدح مستر بن ملک‌شاه
سلجوقی (۵۱۱-۵۵۲ ق) و ملک‌شاه بن محمود سلجوقی
(۵۲۸-۵۳۷ ق) و دیگر ارکان مملکت سلجوقیه در عراق و
خراسان اشتغال داشت. او از علما و وعاظ بزرگ زمان
خود بود و در مجالس او حدود هشتاد هزار نفر جمع
می‌شدند که چهار هزار تن از آنان مرید خاص او بودند.
وی در ۵۵۵ ق ناظر حلوس سلیمان‌شاه در همدان بود و
پس از مدح او به خراسان رفته و در قصبه آرادوار از
ولایت جرجین وفات یافت. از آثار او: «دیوان» شعری که
مشمول بر قصاید، غزلیات، ترجیع‌بات، قطعات و
رباعیات است

آتشکده آذر (۲/ ۵۴۴-۵۴۵)، ارمغان (سال ۱۵)، ص ۹۰
۸۱۰، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۵۹۸-۵۸۶)، تاریخ
گریده (۷۲۸-۷۲۷)، تذکره الشعراء (۱۱۹-۱۱۶)، دیوان
سید حسن غزنوی (مقدمه / غبطه)، دایم‌المنار
فارسی (۱/ ۸۵)، الدرر (۹/ ۷۸۹)، راجع‌الصدور
(۱۸۷)، ریاض‌العاریض (۱۸۵-۱۸۶)، فرهنگ ادبیات
فارسی (۱۸۲-۱۸۳)، لب‌الالباب (۲/ ۲۷۶-۲۷۰)،
نعت‌نامه (ذیل / حسن غزنوی)، مجالس‌السلطان
(۳۳۰)، مجمع‌القصاید (۱/ ۵۲۵-۵۲۶)، حث‌القلیم (۱/
۳-۲۲۲)

سید حسین، (من چهاردهم ق)، سازنده ساز. وی تار
نیر می‌نواخت. اسماعیل مهرتاش، نوازنده بنام تار،

السیحانی فی شهر محرم الحرام سنة ۱۲۵۲.
احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۷۰).

سید آقا جزایری - جزایری شوشتری، سید احمد.

سید آقا قزوینی - تقوی، سید محمد تقی

سید اصغهان، میرزا سید رضا، فرزند میرزا شاه
تقی. (وف ۱۱۳۳ ق)، شاعر، متخلص به سید از سادات
حسینی اصمهان بود و آن سلسله در عزت و جلالت شأن
معروف بودند. در اصغهان درگذشت. از اوست.
داغ عشق تو فراخوش نخواهد گردید
این چرخ است که خاموش نخواهد گردید
تذکره دور روشن (۲۹۸-۲۹۹)، تذکره‌القبور (۳۲۸)،
تذکره‌المعاصرين (۱۹۳-۱۹۴)، (۳۵۲-۳۵۰)، الدرر (۹/
۴۸)، صبح گلشن (۱۷۶)

سید امامی، احمد، فرزند کاظم. (نو ۱۲۸۱ ش)،
پزشک و روزنامه‌نگار. در برلین تحصیل طب نمود و یک
دوره در بیمارستان دولتی شارپیه به خدمت پرداخت. در
۱۳۱۰ ش به تهران مراجعت کرد او سه دوره به
نماینده‌گی مجلس از تریز انتخاب شد. مدت ده سال
مجله پزشکی و بهداشتی «تندرست» را منتشر می‌کرد. از
آثار وی: «سالک»؛ «مالایه»
مؤلف کتب چاپی (۱/ ۷-۸۴۰۷)

سید بابا خوشمردان - خوشمردان، سید بابا.

سید تبریزی - آقا میر گلستان تبریزی

سید جزایری - جزایری شوشتری، سید نعمت‌الله

سید جلال، (من چهاردهم ق)، سازنده ساز و نوازنده.
در قزوین به دنیا آمد. مردی دانشمند و هنرمند بود. وی
علاوه بر ساختن تار و سه‌تار به نواختن آنها نیز آشنایی
کامل داشت و سه‌تار را بیکو می‌نواخت. سه تارهای وی
بین اهل فن شهرت دارد. محمد عشقی، سه‌تار ساز
معروف، از تربیت شدگان اوست.
تاریخ موسیقی (۲/ ۶۹۵-۶۹۶)

مقدمه‌ها، نوازندگی این ساز را از او فراگرفته است.
تاریخ موسیقی (۲/ ۵۹۶، ۵۹۷).

سید قوام‌الدین ذوالفقار به ذوالفقار شیرازی.

سید رضی شیرازی به بلدالقبال شیرازی

سید سردان به برهان‌الدین محقق حسینی برمدی.

سیدالروسا، قاسم بن محمد، (س ششم ق)، معمار
وی دانی ممجد و مناره‌ای است در شرق اصفهان که
تاریخ بنای آن به سال ۵۱۵ ق است. این بنا از
ساختمانهای دوره سلجوقی به شمار می‌رود
به‌رست پناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۷)

سید شریف‌الدین جرجانی به جرجانی، سید
شریف‌الدین علی.

سید شروانی، حاجی سید عظیم، (۱۲۵۱-۱۳۱۸ ق)،
شاعر، متخلص به سید، معروف به شروانی. در زمان این
شاعر دو اشمن شعر به نام مجلس خاموشان در قراغ و
سبب اصفا در سماخی دایر شد و سید از اعضای نامی این
دو انجمن بود. از آثار وی: «دیوان»، «شعر»، «مثنوی»،
«کلیات» اشعارش در ۱۳۱۲ و ۱۳۱۵ ق به خط میرزا
احمد تقی‌توضیر حوشنویس در دو جلد چاپ شد
دانشمندان آذربایجان (۱۸۵-۱۸۶)، الذریعه (۹)
۲۸۲-۲۸۳، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۷۹).

سیدالشعراء، (ر ۱۳۲۲ ق)، نقاش. نام اصلی‌اش
هترمند معلوم نیست، زیرا در چند اثر گوناگون که از این
هنرمند دیده شده، در تمام آنها خود را سیدالشعراء
معرفی کرده و نام واقعی خود را ذکر نکرده است. او
نقاشی آبرنگ کاری بود و در سیاه و سفید و رنگ روغن دست
داشت. از آثار وی: تصویر رنگ و روغن یکی از رجال
قاجاری، با رقم: «سیدالشعراء»؛ تصویر آبرنگی دختر
جوان و شادابی که لباس ایرانی به تن کرده و مشغول
بواختن صرب است، با رقم: «سیدالشعراء»؛ اثر سیاه
قلمی «بهرمن»، تصویر شورش سپاه کابل بر ضد مؤثر
کیوردی، سفیر انگلیسی، که سربازان شورشی ب تمام
سفارت نیرنه دفاع از خود برخاسته‌اند. منظره شهر کابل
و قیانه سربازان دیدنی است و بر روی یکی از آجرهای
سفارت رقم: «سیدالشعراء ۱۳۲۲» دارد

سید حسین نقاش شیرازی، (ز ۱۲۳۸ ق)، نقاش. از
آثار وی سه جلد منقش و ریاضیه جا مانده که گویا وی
منقارش کتات نسخه‌های مختلف و به خط می‌داده و
نقاشی نسخه‌ها را خود انجام می‌داده است. در ذیل یکی
از جلدها چنین رقم دارد: «تتمت الکتبه... حسب
انتخواش والا مقام آقا سید حسین نقاش شیرازی
۱۲۳۸...» در سه نسخه مذکور نقاشیهای قاجاری ریاضی
ترسیم شده است.
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۶۲).

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین سید علی بن
سید محمد مفتاح تاجر مرعشی حسینی، (۱۲۰۲-۱۳۱۶
ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان. در تبریز
متولد شد. پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار
نجف شد و در آنجا علوم متفوق را نزد صاحب «جواهر»
و صاحب «صوائع» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و
به کسب اجازه اجتهاد نایل آمد. پس از بازگشت به
زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی
برداشت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال تا
فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت علوم
معتون را نزد ملا علی قوری و حاج ملا هادی سیرواری
در سرباز فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر
طبابت مشغول شد تا در فانی را د. همان‌جا وداع گفت.
پیکر وی در وادی اسلام نجف به خاک سپرده شد. از
آثار وی: «تاریخ تبریز»، «تعیین قس»، «حاشیه جواهر»
«لکلام»، در فقه؛ «حاشیه شرح منظومه» سوزاری؛
«حاشیه کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ «حاشیه مکاسب»
شیخ انصاری؛ «شرح طب الاثمه» شرح «طب النبیه»؛
«قانون العلاج»؛ «حاشیه شرح نهجی»، در طب؛
«طلسمات و مخلات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد»
«در صد هندی»؛ «شرح التشریح الافلاک» شیخ بهایی؛
«رسالة تعلیم خط کوفی».

دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۴/ ۷۳، ۵/ ۳۳،
۸/ ۱۹، ۱۲/ ۴۵، ۱۷/ ۳۳). رحانه (۳/ ۱۱۵-۱۱۷)،
طبقات اعلام الشيعة (عرب ۱۴/ ۱۵۱۴)، نفث نامه
(ذیل / علی)، معجم رجال نجف (۱، ۲۸۹)، معجم
المؤلفین (۷/ ۲۰۳)، مکارم الآثار (۱/ ۱۳۳-۱۳۴)

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۰-۲۳۱)

سید علی بن سید کمال الدین بناء آملی. (ز ۸۰۹ ق)، خطاط. از آثار وی، کتیبه سردر ورودی برج السلطان زین‌العابدین در ساری که بر روی کاشی نقش شده و رقم حاصل سید علی بن سید کمال‌الدین بناء آملی دارد. در برج سلطان زین‌العابدین صندوق چوبی وجود دارد که بر روی آن کتیبه‌ای است به خط ثلث که ممکن است ابن الریو از استاد سید علی باشد و چنین تاریخ دارد: ... سنه تسع و ثمانمائة

به‌رست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۳۸-۱۳۹).

سید علی تبریزی - جوهر رقم، میر سید علی.

سید علی درب امامی. (ز ۱۲۰۷ ق)، نقاش. از سادات هرمند اصمهان سود و به علت همجواری با امامزاده درب امام به سید درب امامی معروف و شهره شده بود. وی از پایه‌گذاران و مبتکران مکتب کویسم، محسوب می‌شد و به ابتکار و اثر جوهر ذاتی خود، موفق به کشف مکتبی شده که وقیان برادر اروپایی بعد از گروشت سالیان متمادی، اندک مختصری در این شیوه اطلاع پیدا کرده و به نام مکتب نوپای کویسم در دنیا بخش نموده‌اند. از آثار وی، دو تابلوی رقم‌دار که هر دو به یک تبک و یک موضوع ترمیم شده، مجلس بزم شاه عباس است و به رنگ و روغن تصویر شده است و رقم «بزم شاه عباس، حمل سید علی درب امامی ۱۲۰۷» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۲)

سید علی معبود ترمذی - جدایی ترمذی

سید علی نقاش. (س دهم ق)، نقاش. در شیوه استاد میرک هراتی نقش می‌آفرید. از آثار وی جلد روحنی خوش منظری است که در نوع خود پراذین بوده و در زمینه رنگ‌اناری و روی چرم عمل آمده است و حواشی آن تزینات خرطوم‌علی و حل‌کاری گل‌های گوناگون دارد. این اثر زیبا که جلد مفتش «دیوان» ترکی امیر علیشیر نوایی است، پخته و دل‌فریب است و کتدره‌های تمام تصاویر طلاکاری و حل‌کاری شده، با رقم: «عمل سده درگه شه، سید علی نقاش».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۲)

سیدالشعراء شیرازی، سید مرتضی. (۱۲۸۹-۱۳۳۵ ق)، شاعر و خوشنویس، متخلص به سیدالشعراء. ملقب به شجاع السادات. فقه و اصول را در مدرسه خان شیراز آموخت. در ۱۳۲۷ ق فرائد حانه و کتابخانه‌ای در سرخاب ایالتی تأسیس کرد و در ۱۳۲۸ ق امتیاز روزنامه «آیینه» را گرفت و در ۱۳۳۲ ق به کار وکالت دادگستری پرداخت. ری در شیراز به سن چهل و پنج سانگی به بیماری حصبه فوت کرد

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۲۱۳).

سید شیرازی، ابوالقاسم. (س میزدهم ق)، شاعر. از معاصران داور شیرازی، صاحب «مرآت الفصاحه» است شمل وی قلمدان فردوسی بود از اوست:
مسا راز دل خویش به پیگانه بگفتم
طقیان هست کسرد عیان راز بهان را
حدیقه‌الشعراء (۱/ ۷۵)، الذریعه (۹/ ۲۸۳)، مرآت الفصاحه (۲۸۸).

سید عباس حسینی، سرزنده احمد. (۱۲۷۳-۱۳۳۶ ش)، خطاط در تهران متولد شد. تستعلیق را خوش می‌نوشت و در این خط شاگرد میرزا کاظم خوشنویس بود. از آثار وی: یک قطعه به قلم پنج دانگ و دو دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «عباس بن احمد الحمسی سید احمدیان، ... سنه یکهزار و سیصد و هفتاد من ابهجرة المقدسة»؛ یک قطعه به قلم چهاردانگ و دودانگ، با رقم: «رقمه سید عباس سید احمدیان، طهران، سنه ۱۳۵۸ ق».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۳۹-۳۴۰).

سید علی اصمهان، (س میردهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز از سادات صاحب‌کمال اصمهان بود و در دوره ناصری می‌زیست. او آنا، وی. قلمدان پرکار و استادانه‌ای که تصاویر شاهان اسپطیری را در اندازه کوچکتر ترمیم کرده و قلدرب نقاش را برملا ساخته است. حاشیه‌گیری و کنده‌سازی تصاویر نیز با تذهیب پرمایه و شایانی نقش شده است، با رقم: «سید علی اصمهان».

حواص و آثار نقاشان (۱/ ۳۳۱).

آثار ملی اسمهان (۵۵۲، ۵۸۸، ۸۰۴)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۷-۱۱۳۸)، گنجینه آثار تاریخی اسمهان (۱۲۲، ۱۲۳، ۳۳۸)

سید موسوی، (ز ۱۰۵۹ ق)، خطاط، از آثار وی، دو قطعه از یک مرقع، به قلم سه دانگ خوش، با رقم «مشقیه سید موسوی»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم «کتابه سید موسوی، می شهر سته تسع و خمسیں و الف»
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۸۶)

سید مهدی، (س سیزدهم ق)، نقاش از تصویرگران شمال ایران و با قفقر بود که در فرنگی ساری، به شیوه هنرمندان روسی دست داشت و در چهارپردازی و گل و بوته صاحب قلم بوده است. از آثار وی قلمدان خوش نقشی است که بر رویه آن، تصویر دختر زیارویی نقش بسته و حواشی قلمدان و کتوره‌های آن، پر از گل و بوته‌های با طراوت و تذهیب‌های نازک قلم است، با رقم «سید مهدی»
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۴۶)

سید میرزا، (ز ۱۲۵۸ ق)، نقاش و خطاط، در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار می‌زیست و در رشته‌های گوناگون هنر تصویرسازی دست بر قدرت داشت. این هنرمند علاوه بر آسترنگ و رنگ روغن و کارهای روغنی، در نقاشی قلمدان نیز دست داشت و در خط نیز صاحب نظر بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت از آثار وی: تصویر جوان خدمتکاری که به سگ و شیوه دوران صفوی لباس پوشیده و قلابی به دست گرفته و آماده پذیرایی است و به خط نستعلیق رقم «کمترین سید میرزا» دارد؛ تصویر رنگ و روغنی نفیس و زیبا که نقش حضرت یوسف را در مقابل دو آهر نشان می‌دهد، با رقم «کمترین سید میرزا» و در گوشه چپ به خط رقاع نوشته «حضرت یوسف»؛ اثر رنگ و روغنی این هنرمند تصویر سلطان محمد میرزا، با رقم: «کمترین سید میرزا»؛ قلمدانی با زمینه مرعش سرخ رنگ، که بر رویه قلمدان تصاویر زیبا و شبیه‌پردازی استادانه‌ای ارائه شده و به خط نستعلیق رقم نهاده «رقم کمترین بندگان سید میرزا»؛ قلمدانی با تصاویر سه شخصیت فرنگی که به استادی بر روی

سید محمد، فرزند میر محمد صادق، (س سیزدهم ق)، خطاط، از آثار وی: یک قطعه مذهب مرصع طلاانداری، به خط نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم «کتابه العبد الاقل سید محمد ابن میر محمد صادق»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۴۰)

سید محمد حسین حسینی، (ز ۱۲۵۱ ق)، خطاط، از آثار وی: مرقع (۹ رقمه‌ای)، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم «و انا العبد الاقل محمد حسین الحسینی فی شهر ربیع الاول می ۱۲۵۱» در کتابخانه سلطنتی.
احوال و آثار خوشنویسان (۶/ ۱۱۵۹)

سید محمد حسینی شریفی، جلال‌الدین حسینی شریفی شیرازی.

سید محمد طباطبایی، فرزند ضیاءالدین، (ز ۱۱۱۹ ق)، خطاط از آثار وی: صحیفه نیم ویمی، جلد روغنی، سرلوح مذهب و به خط نسخ کثابت و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «کتابه الفقیر الحقیر المحتاج ابن ضیاءالدین محمد طباطبائی فی ۱۱۱۹»
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۱۶۴)

سید محمد نجفی، (س نهم ق)، خطاط، به خط وی قطعه‌ای است از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی و غبار متوسط، با رقم: «سید محمد خفی گدراید»
احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۵۲)

سید محمود نقاش، (س نهم ق)، نقاش و خطاط، وی علاوه بر رسمی‌سازی و طراحی نقوش کاشیها که در مسجد جامع ورزنه و همچنین بر روی شبستان خدانداده مسجد اصغهان به نقش درآورده، در خط ثلث نیز استاد بوده است. از آثار وی کتبه سردر مذکور است که به خط ثلث معرق چنین کثابت شده «امر به بناء هد، العمارة. سنة احدى و خمسين و ثمانه (۸۵۱) کتبه سید محمود نقاش»؛ اثر دیگر وی در مسجد جامع ورزنه که پیرایش و کاشی‌کاری نفیس آن مسجد است و به خط ثلث استادانه رقم «... سنة ۸۶۷ کاتبه سید محمودا نقاش» دارد؛ کتبه اصلی بعضی شهبهان، به خط ثلث گچ‌بری شده به سال ۸۵۱ یا رقم: «کتابه العبد سید محمود نقاش».

قلمنان نقش بسته، با رقم: «کمترین بنده سید میرزا» ۱۲۵۸.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۴-۲۳۳)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۹۹۶-۹۹۵)، هنر قلمنان (۱۱۲).

سید هاشم (من سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی. ادعیه، به قطع جامباری جلد روشنی، مرلوح مرصع، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «سید هاشم» (قرن ۱۳)، در کتابخانه سلطنتی.

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۲۶)

سیده بیگم، شاه ملک، فرزند حسن (ز ۹۶۲ ق)، شاعر، متخلص به ملک. وی دختر سلطان حسن دوم از امرای شیعی کارکیایی گیلان بود. برخی تذکرها او را دختر سید ناصر، از سادات گرگان و معاصر رشید و طواط می‌دانند که اشتباه است. مؤلف «تذکره جواهرالعجیب» می‌نویسد: «در اسلوب نظم طبعش به غایت ملایم و سلیقه‌اش موافق واقع شده... و در این زمان ملک طایفه خود است». وی می‌افزاید که «دیران» او را دیده است.

از وابسته‌ها پروین (۲۴۲-۲۴۱)، تذکره زور پوش (۳۰۱)، جواهرالعجیب (۱۳۶، ۲۹۹، ۳۰)، الدررینه (۹/ ۱۱۰۰)، ریاحین الشریعه (۲/ ۲۵۷)، زبان سحر (۱/ ۲۶۲، ۲/ ۲۲۱-۲۲۰)، فرحنگ مسخروان (۴۷۹)، مشاهیر زمان (۲۲۳-۲۲۲)

سیدی احمد نقاش. (من هم و)، نقاش. از نقاشان عهد تیموری بود. بایستقر میرزا وی را از تبریز به هرات فراخواند و در کتابخانه خویش گنبد. او همچنین مورد تشویق سلطان حسین ب قرا و وزیرش، امیر علیشیر نوایی، بود.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۵۲)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۲۳۲)، گلستان هنر (سی و همت، سی و نه)، هنر قلمنان (۲)

سیراف، ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان. (د ف ۳۶۸ ق)، دیب، نحوی، مدرس و قاضی حنفی معروف به قاضی سیرفی اصل وی از سیراف فارس بود. پدرش محوسی بود و بعد اسلام آورد. ابوسعید در عمان نقه آموخت و در بغداد علوم قرآنی و نحو را تدریس می‌کرد. قرآن را نزد ابوبکر مجاهد و لغت را نزد ابن درید و نحو

را پیش ازین سراج فراگرفت. سید رحسی نحو را نزد او آموخت. مدتی قاضی بغداد بود. در بغداد درگذشت و در مقبره بخیزران دفن شد. در برخی منابع آثار وی را به مریدش نسبت داده‌اند. از آثار وی. «الافقاع»، در نحو؛ «حجاره النحویین المصریین»؛ «صنعة الشعراء»؛ «البلاغة»؛ «شرح کتاب سیبویه»؛ «شرح مقصوده ابن درید»

الاعلام (۲/ ۲۱۰-۲۱۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۵۱-۳۸۰ / ۳۹۵-۳۹۴)، تاریخ بغداد (۷/ ۳۴۲-۳۴۱)، دانشنامه ایران و اسلام (۶/ ۸۳۶-۸۳۷)، روشفات الحیات (۳/ ۶۶-۷)، روحانه (۳/ ۱۴۳)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۲۲۸-۲۲۷)، الفهرست لابن سیدم (۹۳)، کشف الطنون (۱۴۰، ۱۵۰، ۱۱۰۲، ۱۲۲۷، ۱۲۷۰، ۱۸۰۸، ۱۹۸۰)، الکلی و الاقبا (۲/ ۳۳۹-۳۴۰)، لسان المیزان (۲/ ۴۰۸-۴۰۷)، لغت نامه (ذیل / حسن)، معجم الادب (۸/ ۱۲۵-۱۲۲)، معجم البلدان (۳/ ۳۲۵)، معجم المزلین (۳/ ۲۲۲)، الزمان بالوقایع (۱۲/ ۷۳)، روایات الاعیان (۴/ ۷۸-۷۹)، هدیة العارین (۱/ ۲۷۱)

سیراف، ابومحمد یوسف بن حسن بن عبدالله بن مرزبان. (۳۸۵-۳۳۰ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و اخاری. اصل ری از سیراف بود. در بغداد متولد شد و نزد پدرش کسب علم کرد و به تکمیل کتبهای پدرش پرداخت. از آثارش: «شرح ابیات سیبویه»؛ «تکملة کتاب الافقاع»؛ «شرح ابیات العرب المصنف» ابی عیبه؛ «شرح ابیات المعجاز» ابی عیبه؛ «شرح ابیات اصالح المنطق» ابن سکیت

الاعلام (۹/ ۲۹۸)، روایات الحیات (۲/ ۷۰)، روحانه (۷/ ۵۷۹)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۲۴۷-۲۴۸)، کشف الطنون (۱۰۸-۱۰۹)، الکلی و الاقبا (۲/ ۳۴۰)، مستطامه (ذیل / یوسف)، معجم الادب (۲۰/ ۶۰)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۲۹۱)، روایات الاعیان (۴/ ۷۲-۷۱)، هدیة العارین (۲/ ۵۲۹)

سیرتی قزوینی، محمد حسین غفاری. (س بازدهم ق)، شاعر و خطاط وی به هند رفت و در نزد شاهزاده پرویز، فرزند جهانگیر پادشاه، تقرب پیدا کرد و پس از درگذشت او رهنمای مکه شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. از اوست:

از پس پسر آستان تو شبها فتاده‌ام
چون نقش پشای خویش از پا فتاده‌ام

الدیریه (۹/ ۲۸۳)، صبح گلشن (۲۱۴)، سرهنگ
سخنوران (۴۷۹)، مینو در (۲/ ۲۶۷)

سیری، جان احمد. (ز ۱۰۱۳ ق)، خطاط. از آثار وی.
یک جزوه به خط ثلث دو دایگ جلی عالی، «رقم» کتبه
خال احمد میری فی ثلاث و لعل» (۱۰۰۳)، در
سلیمانیه استانبول.

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۶۵)

سیری رازی - فکری رازی نوربخش

سیری سجاد وندی غزنوی. (وف ۹۷۹/۹۷۵ ق)،
شاعر. معروف به سجاد وندی عربوی. از مردم سجود
عزیز و نوادگان اعظم کوکه اکبری بود. وی فاضلی
پرهیزکاری بود که بعد از سفر مکه و هجرات به هندوستان
رفت و نزد خان اعظم تقرب یافت. وی در هند
درگذشت. سیری شاعری توانا و در علم عروض رفاقیه
و معما زبردست بود. غزل و رباعی و نیکو می سرود. از
او اشعاری به جا مانده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۶)، تذکره روز روشن (۱/ ۳۸۱)،
دایره المعارف فارسی (۱/ ۱۲۷۴-۱۲۷۵)، ذخیره (۹/ ۲۸۴)،
فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، هفت اقلیم (۲/ ۳۷۶)

سیری گلیاگانی، میرزا محسن. (س یازدهم ق)،
شاعر. مدتی در هرات با میرزا فصیح مشاعرات داشت و
مدتی در خدمت امام قلی خان حاکم فارس بود. سیری
در اواخر عمر به ریارت حج رفت و در راه کعبه فوت
کرد. از او اشعاری به جا مانده است.

انتشکد آثار (۳/ ۱۰۲۵)، تذکره روز روشن
(۲۸۱-۳۸۲)، تذکره نصر آبادی (۲۶۹-۲۷۰)، الذریعه
(۹/ ۲۸۴)، فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، میزان المربوب
(۲/ ۶۶۷-۶۶۹)، دفتر عشق (۲/ ۷۳۰).

سیری مووری. (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از اوست

چرخ چو هوس و خوشی رسید ای از من
چه کرده ام چه شنیدی چه دیده ای از من؟

الذریعه (۹/ ۴۸۲)، مجالس المذاکر (۱۶۵).

سیری مشهدی. (وف ۹۷۷ ق)، شاعر. مشهور به

میرنافه از سادات مشهد مقدس و از شعرای دوران
ابراهیم شاه والی شیراز بود و هتوان ملک الشعرائی
داشت. وی چون دارای قذی بلند بود، صاحبان تذکرها
سخنصر وی را شتری می گفتند. وی میباحثانی با ملا
حسین کاشی داشت. در «تحفه سامی» یا نام «امیر
سیری» یاد شده است.

تحفه سامی (۵۶)، تذکره روز روشن (۳۸۲-۳۸۳)،
الذریعه (۹/ ۴۸۴)، فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، مخزن
المربوب (۲/ ۶۶۹-۶۷۰)، مطلع السمس (۲/ ۲۳۲)،
نثر عشق (۲/ ۷۳۰).

سیستانی، شاه حسین. (س یازدهم ق)، شاعر.
گزارش منظومی از سفرش به مکه و وصف آنجا دارد به
نام «حفة الحرمین»

تاریخ ادبیت در ایران (۵/ ۱۷۲۵)، تاریخ مذکر معانی
فارسی (۱/ ۶۰۸)، فهرستواره کتابهای فارسی (۱/ ۱۸)

سیف آزاد، عبدالرحمن. (ز ۱۳۴۳ ق)، روزنامه نگار.
وی در ۱۹۰۱ م محله «صایع آلمان و شرق» را در برلین
به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، ترکی، هندی و
آلمانی منتشر کرد این محله مصرر و رنگی بود سپس
روزنامه «آزادی شرق» را ابتدا در برلین تا سال ۱۳۴۳ ق
و پس از آن در تهران انتشار داد. وی روزنامه ایران
باستان را به سال ۱۳۱۱ ش در تهران، به قطع بزرگ با
تصاویر رنگی منتشر کرد که تا سال ۱۳۱۴ ش ادامه
داشت. پس از آن سیف آزاد مجدداً به اروپا رفت و بعد از
وقایع شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت و «ایران پستان»
را مجدداً منتشر کرد. او همچنین مجله «راهنمای بانوان»
را در برلین به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی به
طور ماهیانه انتشار می داد. «ایران باستان» روزنامه ای
سیاسی و اقتصادی بود که هدف آن شناساندن ایران به
خارجیان و ایرانیانی که در خارج از ایران زندگی
می کردند، خصوصاً پارسیان مقیم هندوستان بود.

تاریخ جریید (۱/ ۱۲۸-۱۲۹، ۳۳۰-۳۳۲، ۲/ ۳۳۸-۳۳۷، ۲/ ۱۲۹-۱۲۷)

سیف اسفونگی، سیف الدین اسرج. (س ششم و
هفتم ق)، شاعر اهل اسفونگ موزاء النهر برد در
خوارزم نشو و نما یافت. وی از شاعران دوره

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۵)، جامع مفیدی (۲/ ۲۹۵-۲۹۶) ۷۰۱

سیف‌الله کرمانی. (ز ۸۹۷ ق)، خطاط. از آثار او: یک صفحه از مرقع ثلث و ریحان دودانگ و نسخ کتابت خفی و رفاع کتابت خفی عالی، با رقم؛ مکتبه العبد ... سیف‌الله الکرمانی فی شهور سنة ثلاث و ثمانین و ثمانمائة الهجرية النبوية ...؛ یک قطعه از مرقع امیر حبیب بیگ، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی. ریحان دودانگ عالی و نسخ کتابت جلی و خفی و رفاع کتابت جلی عالی، با رقم. «مشقه العبد ... سیف الکرمانی ... سنة أربع و ثمانین و ثمانمائة الهجرية»؛ یک صفحه از مرقع به خط ثلث سه دانگ جلی عالی، نسخ یاقوتی و رفاع کتابت خوش، با رقم. «مشقه العبد ... سیف‌الله الکرمانی ... سنة سبع و تسعين و ثمانمائة (۸۹۷) بیده هرت ...»
احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸)

سیف‌الملک؛ عباسقلی خان سرتیپ، فرزند محمد رکی خان نوری. (ز ۱۲۸۱ ق)، خطاط. وی مردی حامی و پهلوان بوده که از طرف شوهر خراهر خرد، میرزا آقاخان نوری، ملقب به سیف‌الملک شده است. در ۱۲۷۱ ق با رتبه پسر پنهانی به مدت دو سال به سفارت بطرزبورگ رفت. سیف‌الملک مدتی نیز کاتب دربار بوده و چند کتاب به نام میرزا آقاخان نوشته است. او به خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق و رفاع و تعلیق آشن بود و نستعلیق را خوش و رفاع را عالی می‌نوشت. تاریخ کتابت خطوط او بین سالهای ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰ ق است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۲-۳۲۱)، شرح حال رجال (۲/ ۲۳۲-۲۳۴)

سیفایی ننگه‌ای، عبدالغفار، فرزند اسماعیل (تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر. در بقدردانگه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی محمدیه لنگه آموخت. سپس به بمبئی رفت و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان سنت روبر در آن بندر به پایان رسانید. به لنگه مراجعت کرد و به شغل آموزگاری مشغول شد. از اوست:
دلدار من برفت و دگر زو خبر نشد
لیکن مرا نگر که از ادب دگر نشد
داشمدان و سخن سرایان فارس (۳/ ۲۲۲-۲۲۴).

خوارزمشاهی از عهد یل ارسلان تا عهد سلطان محمد خوارزمشاه بود و معاصر شمس خاله، ضیاءالدین خجندی، مجیرالدین بیلقانی و او معدوحان وی سلطان محمد خوارزمشاه بود از آثارش: «دیوان» اشعار

تاریخ دیباج در ایران (۲/ ۷۹۸-۷۹۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۳)، تذکر السراة (۱۴۰-۱۴۲)، دیرة المعارف فارسی (۱/ ۱۲۰۹)، اللزیه (۹/ ۲۸۴-۲۸۵)، ریحانه (۳/ ۱۲۲-۱۲۵)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۴۸۱-۴۸۰)، لغتنامه (قبل / سیف اسفرنگی، اسفرنج)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۵)، مجمع الفصحا (۲/ ۷۱۲-۷۰۹)، مرآت الخيال (۴۳)، هفت اقلیم (۳/ ۲۳۵)

سیف‌الدین خواجہ. (س نهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به واحدی، در عهد بایستقر، در هرات می‌زیست علاوه بر فن تصویر و تذهیب، طبع شعری نیز داشته و در هنگام مرگ بایستقر مرثیه‌ای در مرگ وی سروده است. برخی از مینیاتورهای «شاهنامه بایستقری» از آثار اوست.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۵)، گلستان هنر (سی و نهم)

سیف‌الدین محمد. (س یازدهم ق)، خطاط. از آثارش: وی کتبه‌ای است به خط ثلث با رقم. «زافیه سیف‌الدین محمد» در مدرسه بالاسر در مشهد از پدهای دوره تیموری، که در عهد شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۱ ق تعمیر شده است.

بهرست پناهی تاریخی و اماکن باستانی (۷۵).

سیف‌الدین محمود نقشبند. (س یازدهم ق)، شاعر. در کتاب «جامع معبده» درباره وی چنین آمده: «آن جناب نسبت قرابت قریبه به عتدیب بوستان فصاحت و شیرین کلامی حراجه عیاش‌اندیس علی نقشبند یزدی داشت و در اقسام کمالات و هنر و کیاست بگانه روزگار و حیل اخصار بود در اصوات رای و وفوف و مهارت در امر نقشبندی شبیه و نظیر داشت. لاجرم کمالات او در آئینه و افراء دایر گشته شده‌ای از آن به عرض خاقان زمان و زمین سلطان شاه صفی موسوی صفوی رسید، قامت ذلالت او به تشریف خلعت آراسته، در رمه بتدگان انتظام فرمود و به آن اسماع پناه قدر و منزلت آن جناب رری در تزیید نهاده ...»

معما و شعر آشوب توان بود از آثار وی. «دیوان» شعر؛
«رساله در معما» رساله در عروض بنام «عروض سیمی»؛
«منظومه شهرانگیز» «صنایع البدایع»

از سمدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/
۱۲۰-۱۲۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۳)، تذکره صرآبادی
(۳/ ۵)، «حبیب السیر» (۲/ ۳۲۶)، «دایرةالمعارف فارسی»
(۱/ ۱۴۱۰)، «الذریعه» (۹/ ۴۸۷-۴۸۶)، «رجال حبیب
السیر» (۱۹۲-۹۳)، «وحدانه» (۳/ ۱۲۶-۱۲۷)، «صبح
گلشن» (۲۱۶)، «فرهنگه سحرران» (۴۸۲)، «لغتنامه
(دیل / سیمی بخارایی)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۳۸۵-
۳۸۶)، «سالر النعاس» (۵۸-۵۷).

سیفی حسنی قزوینی، قاضی روح الله. (وف ۹۴۲،
۹۴۸ ق)، قاضی و شاعر از سادات قزوین بود و سمعت
قصاوت داشت. او از بزرگان هزار شاه طهماسب صفوی
بود شعاری را و نقل شده است

«مربع نظم و مر» (۶۷۶)، «تحفه ساسی» (۴۴)، «تذکره دور
روش» (۳۱۵)، «الذریعه» (۹/ ۴۸۷)، «سیر» (۲/ ۵۴۱-
۵۴۲)، «مقت انهم» (۳/ ۱۷۱).

سیفی عروضی - سیفی بخارایی.

سیفی نیشابوری، علی بن احمد. (سن ششم ق)،
شاعر، وی شاگرد نوید کاتب بود چند قرن او در
«ساب الالباب» نقل شده است. گریته که وی کتبی حاوی
«صدنامه عاشقانه» تألیف کرده بود.

«تذکره آخر» (۲/ ۶۹۲-۶۹۳)، «تذکره الشعراء» (۱۲۱-۱۲۲)، «تذکره دور
روش» (۲۸۵)، «الذریعه» (۹/ ۴۸۷-۴۸۸)، «فرهنگ ادبیات
فارسی» (۲۸۵-۲۸۶)، «الباب الالباب» (۲/ ۱۶۱-۱۵۹)،
«مجمع القصص» (۲/ ۷۰۸-۷۰۹)، «مغز الفرائد» (۲)،
«۵۷۶-۵۷۷»، «مطلع الشمس» (۳/ ۱۸۱)، «حفت اقلیم» (۲)
(۲۶۷)

سیلی بلخی، ملا مستقیم. (سن یازدهم ق)، شاعر.
اهل بلخ بود و در خدمت «انجیاه سیحان قلی سلطان» به
سر می برد. از اوست.

چون کیوثر بچه تا هستیم سالی می‌زیم
نهر نک آورن که آن هم در دهان دیگرست
«الذریعه» (۹/ ۴۸۸-۱۰۳۳)، «تذکره نصرآبادی» (۲۳۹).

سیف پور فاطمی نایینی، سید نصیرالله، فرزند
سیف العلماء. (سن چهاردهم ق)، مدرس. از اهالی نایین
اصفهان بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان
به پایان رسانید و در کالج اصفهان به شغل معلمی مشغول
گردید. بعد از نشر مجله و روزنامه «باحتر» در اصفهان به
عضویت انجمن شهرداری آنجا انتخاب شد و سمعت
شهردار شیراز را یافت. وی در دوره چهاردهم مجلس از
طوب اهالی نحب آباد و فریدن انتخاب شد و سنا به
دلایلی در او حراین دوره مجبور به مسافرت به انگلستان
و آمریکا گردید. از آثار وی. ترجمه «تاریخ ادبیات ایران
در دوره قاجاریه تا عصر مشروطیت» ادوارد براون؛ «شرح
حال شمس الدین محمد حافظ»؛ ترجمه «مخصوص
احفال» ح بیسیگر

تاریخ جراید و مجلات (۲/ ۳۲)، مؤلفین کتب چاپی
(۴/ ۵۸۰-۵۸۱)

سیفعلی شاه شیرازی. (سن سیزدهم ق)، نقاش.
ملقب به سیفعلی اهل شیراز بود و در خطوط و تصاویر
نسخی دستی پر هنر داشت. از آثار وی: تصویر «
قاجاری که لباس بلندی پوشیده و خود را به جواهرات
گرانگون آرایش داده است و در بالای تصویر، نقش چهار
مرغ بر حالتی را ارائه داده که یک ماهی را به دهان
گرفته‌اند و رقم: «نصفه درویش سیفعلی شاه شیرازی»
دارد؛ تصویر گریخت و گریز دو شتر خشمناکی که به هم
درآویخته‌اند و به ستیز مشغول می‌باشند. ترساک
درختان سرو و همچنین منظره چند پرده که در حاشیه
«نسخه ناخنی گشته، استادانه است، با رقم: «درویش
سیفعلی شاه شیرازی».

سرال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۶).

سیفی، هیدایه حسین بن علی حاکم. (سن چهاردهم
ق)، جغرافیدان و مورخ. از آثار وی: «تاریخچه خراسان».
در جغرافیای شهر و تاریخ آستان قدس و رویداد حجاب
«فرسواره کتبی چاپی (۱/ ۱۷۸)

سیفی بخارایی. (وف ۹۰۹ ق)، شاعر اصل وی از
سحارا بود. مدتی در هرات به کسب علوم پرداخت و یک
چند نیز در خدمت امیر هلیشیر نوایی بود و در سلک
شهران و ندیمان وی. پس از آن به موطن خود بازگشت و
در آنجا زیست تا درگذشت وی در فن عروض و سرودن

صبح گلشن (۲۱۶)

سیمای کاشانی، محمدرضا عبدالدوله، فرزند میرزا ابوالحسن بن میرزا صادق (متولد ۱۱۲۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط، او از اجداد میرزا محمد تقی صهر لسان‌الملک کاشانی بود. در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیست و از این سلطان به لقب عبدالدوله منتحر شد. از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و عربی بهره‌مند بود و خطوط معتکبه را خوش می‌نوشت. او در فتنه افغان در اصفهان به قتل رسید. احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۲۹)، مکارم‌الآثار (۲/ ۵۸).

سمایی مشهوری (س دهم ق)، شاعر. از مردم مشهد بود. از آریست:

دل به صد پاره مرا از خم گل پیرهن است
گریه تلخ من از خنده شیرین دهن است

نخبة سامی (۲۵۱-۲۵۰)، تذکره و روشن (۳۸۵)، الذریعه (۹/ ۴۸۸)، مطلع الشمس (۲/ ۴۳۶).

سمی نیشابوری، محمد / عبدالله، فرزند حبیب (پس بهم ق)، نقاش، مذهب، خطاط و شاعر در مکتب مسکونت داشت و مکتب‌داری می‌کرد. از او کاتبان دربار بایستقر میرزا و شاگرد جعفر بایستقری بود و هفت قلم را خوش می‌نوشت و در سرب قلم بی نظیر بود. شعر را بیکو می‌سرود. در معماری و رنگ‌امیزی و مرکب‌سازی و افشان‌گری و تذهیب و رنگ‌کاری کافه سر رشته داشت و در بعضی از این هرهار رساله‌ای تألیف کرده و معنیات او متداول بوده است. عبدالحمی منشی استرآبادی از شاگردان وی بود. بنا به روایتی در یک شانه روز دو یا سه هزار بیت به نظم آورد و یکصد و بیست مکتوب شد که هر یک ده سطر بوده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۵۰-۷۳۹)، احوال و آثار نقاشان (۲/ ۸۸۶-۸۸۷)، نخب النخبه (۷/ ۳۲۶)، پندایش خط و خطاطان (۱۳۴-۱۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۷۱، ۱۹۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۷، ۲۹۹)، تذکره الخطاطین (۱/ ۱۵۷-۱۵۹)، تذکره روز روشن (۳۸۶-۳۸۵)، تذکره ششمه (۴۶۹-۴۶۴).

جمع مفیدی (۳/ ۸۳۵-۸۳۶)، حبیب السیر (۴/ ۶۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۳)، الذریعه (۹/ ۴۸۸-۴۸۹)، طرائق الحقائق (۳/ ۱۰۶)، مرمک سخنوار (۴۸۳)، گنستان هیر (سی و سه، ۵۸-۵۹)، مجالس الصلح (۱۶-۱۷، ۱۹۱)، مطلع الشمس (۲/ ۴۳۵-۴۳۶)، مناقب هنروران (۵۸-۵۷، ۱۱۷).

سینا، محمد علی (قر ۱۲۸۷ ش)، مدرس در تهران متولد شد. پس از طی مقدمات، وارد دانشسرای عالی شد و در رشته ریاضیات موفق به اخذ مدرک لیسانس گردید. به مدت دو سال در فرانسه در شهر تولوز به تحصیل پرداخت و بعد از آن وارد وزارت فرهنگ شد و به تدریس مشغول گشت از آثار وی، «پانصد مسئله حساب و هندسه»، «حل المسایل جبر»، «مقیاسات جدید ایران»، قانون اصول متری. مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۷۲-۲۷۳).

سینای اصفهانی، مصطفی قلی خان، فرزند ملک محمد (۱۲۹۳-ح ۱۳۵۳ ق)، شاعر، متخصص به سینا، در کرون اصفهان به دنیا آمد. عزل را استاذانه می‌سرود و در دبستانگاه مسیروا سلیمان خان رکن‌الملک نائب‌الحکومه اصفهان تقریبی حاصل کرد و مورد توجه او قرار گرفت. وی از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. در اواخر عمر به جئون دچار شد و مفقودالاندر گردید. قسمتی از دیوانش در ۱۳۲۷ ق به چاپ رسید. تذکره شعرائی معاصر اصفهان (۲۵۸-۲۵۹)، الذریعه (۹/ ۲۸۹)، سخنوران سامی معاصر (۳/ ۱۸۸۷-۱۸۹۱)، مرمک سخنوار (۲۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۷۴).

سینکی، مجدالملک میرزا محمدخان. (وف ۱۲۹۸ ق)، خطاط و دبیر. در ۱۲۹۰ ق متولی آستان قدس رضوی بود. او در تهران در زمانی که سمت وزارت و ظایف و اوقاف را داشت، فوب کرد. از آثار وی، رسالة مجدییه، درباره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه ۱۵۲)، الآثار والآثار (۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۷۱۱-۷۱۲).



(۲۰۱)

شاپور تهرانی، فرزند خواجه خواجگی، (وف ۱۰۳۰/۱۰۴۸ ق)، شاعر، متخصص به فریسی و شاپور ملقب به شرف‌الدین. اصل وی از تهران و از شهروان والایار و از استادان شغزگوی عصر خرد بود. در ایدم حوالی به هند رفت و در آنجا با میرزا جعفر آصف‌خان مصاحب گردید و با او مدتها در هند و کشمیر سیر کرد. بعد از فوت آصف‌خان به ایران بازگشت با امین رازی و اعتمادالدوله جهانگیری قرابت نزدیک داشت و مداحی اعتمادالدوله مذکور را بسیار می‌کرد. تقی‌الدین اوجندی بیانی‌گریز، نام او در آواز ارجاسب بود. وی اقامت طولانی در هند را به قصد مداحی اختیار نکرد و به همین جهت قصیده‌هایش بیشتر در متاپش امامان (ع) است و او سفر خود را به هند با آهنگ بازگانی انجام داد و از این راه ثروت اندوخت و به همین سبب هم در صعب ملازمان پادشاه یا شاهزادگان در نیامد. در ۱۰۴۵ ق به تهران بازگشت. «دیوان» اشعاری بالغ بر پانزده هزار بیت در نسخه‌های متعدد از او به جا مانده است.

آشکنده آور (۳/ ۱۰۸۷-۱۰۸۲)، تاریخ اعیان در ایران (۱۰۹۷-۱۱۱۰)، تذکره شعری کشمیر (۱۷۲-۱۷۲)، تذکره میخانه (۵۳۴-۵۳۵)، تذکره نصرآبادی (۲۳۸-۲۳۷)، الذریعه (۹/ ۴۹۰، ۸۳۰)، سرر آزاد (۵۳-۵۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۵)، کاروان هند (۱/ ۵۹۹-۶۱۳)، لساننامه (ذیل / شاپور)، مجمع الصوامع (۲۰۳-۲۰۱)، مجمع الفصحا (۴/ ۲۴)، مخزن العرقب (۲/ ۹۵۴-۹۶۵)، غایب‌الانکار (۲۸۳-۳۷۵)، شریع‌الن

شاپور، (من هتم م)، نقاش، دوست محمد هروی در دیباچه «مرقع بهرام میرزا» از این هنرمند چنین یاد کرده: «دیگر از متقدمین شاپور بود که چهره خسرو را به قلم سحر انگیز رنگ آمیز نمود و هر روز یرنگی عشرت گاه شیرین آریا چون گل سووی پرشادخسار قبول جنوه داد. شاپور با کشیدن تصویر خسرو پروریز واسطه ازساط و ایجاد هلیق بین خسرو و شیرین گردیده است. احوال و آثار هاشان (۱/ ۲۳۶-۲۳۷)، تاریخ هیرمای ملی (۲/ ۷۰۲)، حوثنویان و هنرمندان (۹۲)، لغت نامه (ذیل / شاپور)

شاپور بن سهل، (وف ۲۵۵ ق)، طبیب، وی پزشک بیمارستان جندی‌شاپور و رئیس دانشکده جندی‌شاپور بود. در کار داروسازی بسیار قوی بود. وی طبابت متوکل خبیفه هیماسی را داشت. شاپور برخلاف همدای از طبایو رؤسای بیمارستان جندی‌شاپور اصولاً به رفتن بقصد و نهبه مال و متاع و به دست آوردن جاه و جلال توجهی نداشت و پیوسته در جندی‌شاپور به مطالعه و خدمت روزگار می‌گذرانیید. از آثار وی، «الاقربادین امکییر»، «کتاب قوی الاطعمه و مضارها و مناقمها»، «کتاب ابدال الادویه»، «مقالة القوی فی النوم والیقظة»، «کتاب الرد علی حوس فی کتابه فی الفرق بین الملاء و الدماء المسهل».

الاسلام (۳/ ۱۱۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۲۸-۳۲۷)، تاریخ الحکمه قطی (۲۸۸)، تاریخ طب (۲/ ۶۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۳۲۶)، ریحان (۵/ ۱۰۳)، عیون الایباء (۲۰۷)، الفهرست لایب‌الندیم (۴۱۳)، لغت نامه (ذیل / شاپور)، معجم‌المؤلفین (۲/ ۱۲)

(۳/ ۸۱۸-۸۲۰)، هفت المیم (۲/ ۷۸-۷۳).

شاپور رازی - شاپور تهرانی

شاپور قاجار، شیخ علی میرزا، فرزند فتحعلی شاه (۱۲۶۳-۱۲۱۰ ق)، شاعر و خطاط، متخلص به شاپور ملقب به شیخ الممک. در شیراز متولد شد. در عهد پدر به مدت بیست و شش سال حاکم ملایر و تبریزکان بود و در زمان محمدشاه قاجار به مدت ده سال در اردبیل و تبریز زندانی بود. در تبریز درگذشت. وی علاوه بر اینکه شعر می‌سرود، در خوشنویسی نیز دست داشت. او است:

آمدم تا که زدام تو رهام دل را
او رها نداشت و من نیز گرفتار شدم

حديقة السعداء (۲، ۸۱۹-۸۱۷)، المریعة (۹/ ۲۹۱)،
سفينة السعداء (۱/ ۳۳-۳۲)، فرهنگ سحران
(۴۸۵)، لساننامه (دبلی / شاپور)، مجمع الفصحاء (۱/ ۷)، نگارستان دارا (۲۹-۳۰).

شاپور کاشانی، (ر ۸۴۶ ق)، شاعر. از شعرهای کاتبان بود از آثار وی: منظومه «مخمسه البیان» به تاریخ ۸۴۶ هجری قمری، ترجمه سامی (۲۹۲)، المریعة (۹/ ۲۹۱).

شاپور نیشابوری - شهری نیشابوری

شادمان اصفهانی، میرزا ابوالفضل همایی، فرزند میرزا ابوالقاسم طرب، (تو ۱۳۲۴ ق)، نویسنده و شاعر، متخصص به شادمان. در اصفهان متولد شد. از کودکی به کسب فصل و کمال پرداخت. پس از تکمیل دوره دبیرستان، در خارج از محیط مدرسه به فراگیری علوم قدیمی و زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت. بعدها وارد دانشسرای عالی شد و پس از فراغت از تحصیل وارد خدمت فرهنگ شد. شادمان در ضمن کار تدریس به مطالعه و تألیف مشغول بود. از آثار وی «سیر و تحول اثر فارسی در ادوار مختلف»؛ «رهبر ایمان یا ترجمه قرآن»؛ «دیوان اشعار».

نکرة شعری معاصر اصفهان (۲۶۱-۲۶)، المریعة (۹/ ۲۹۱).

شادملک خانم گورکانی، فرزند محمد سلطان. (ز

۸۷۱ ق)، خطاط. از نوادگان امیر تیمور گورکانی بود. از آثار او: قرآن سلطانی مذهب، به خط ریحان سه دانگ جلی متوسط و رقاع سه دانگ خوش، با رقم: «لقد شرفت بکتابه هذه المصحف المجد... شادملک سه محمد سلطان بن جهانگیر بن میر تیمور گورکان... سنة احدى و سبعين و ثمانمائة الهجرية» (۸۷۱)، در مورد اسلامی ترک.

حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۱-۱۰۸۲)، مشاهیر زبان (۱۳۱).

شادی بخارایی، (س دهم ق)، شاعر. مشهور به میرشادی. اهل چریار بخارا بود. وی کتاب «سیرالنبی» را به نظم درآورد.

تاریخ نظم و نثر (۶۰۹)، فرهنگ سحران (۴۸۶).

شادی خوری - شادی هروی.

شادی محمد، فرزند سلطان محمدتور، (ر ۹۵۵ ق)، خطاط. به خط وی، قطعه‌ای است به قلم نیم دو دانگ و کاتب خوش، با رقم: «مشقة المید المذهب شادی محمد بن سلطان محمد نور غفر ذنبه فی شهر ربه ۹۵۵». حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۸۸-۲۸۷).

شادی محمد، فرزند نطفه‌الله، (ز ۹۹۳ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «خمس نظامی»، به قلم کتات خفی متوسط، یا ریمهای «و اتمام این نسخه در سلک شهر سنه الدان و تسعیر و تسعنة (۹۹۲)... اتفاق افتاد، کتب لعبد الفقیر الحقیر شادی محمد بن لطف الله...» و «کتاب... تاریخ خرد شهر ربیع الثانی سنة ۹۹۳، شادی بن طه الله» و «تمت... تاریخ رابع عشرین شهر محرم الحرام سنة ثلاث و تسعين و تسعمائة» (۹۹۳)؛ دو رقه از یک مرقع، به قلم سه دانگ و دو دانگ و کتات خوش، با رقم: «عبد شادی محمد».

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۸۷).

شادی هروی، شادی محمد رشال (؟)، شاعر. در علم رمل نهایت مهارت را داشت و گاهی شعر نیز می‌گفت. از او است:

همج حایب نشستی که رفیقیت بشست
جز دل می‌که تو جا کردی و از بیرون ماند

شارق به هند گریخت. پس از اقامت کوتاهی به یزد برگشت. بعد سری به ترکیه و عراق نمود و پس از برگشت به یزد به همکاری با مشیرالممالک صاحب‌دیوان پرداخت. پس از مدتی مشیرالممالک را نیز رنجاند و ریاست دفتر عدلیه یزد را عهده‌دار شد و پس از مدتی استعفا کرد و به شغل وکالت پرداخت و تا پایان عمر به همین شغل اشتغال داشت. فرخی و شکوهی هر دو شاگردان او بودند. در یزد درگذشت. از اشعار او سه بخش: «رباعیات»، «غزلیات» و «مثنویات» در حدود سی هزار بیت به جا مانده است.

تذکره سخنوران یزد (۱۵۹-۱۶۴)، الذریعه (۹/ ۴۹۲).

شاشی، ابوبکر محمد بن احمد بن حسین (۳۲۷-۵۰۷ ق)، مدرس و فقیه شافعی. معروف به مستظهري، منسوب به شاش ماوراءالنهر پشت رود سیحون است. در میافرقین به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. نزد قاضی آنجا، ابومنصور طوسی، و امام محمد بن یحیی کازرونی فقه آموخت. آن‌گاه وارد بغداد شد و ملازم ابواسحاق گشت. او از کارروزی، شیخ خود، و ابوالقاسم خیاط و ابوبکر خطیب و بسیاری دیگر روایت کرده است. ابومعمر ارجی و علی بن احمد یزدی و ابوطاهر سلفی و حمز الشاه شهید از شاگردان و روایان وی بودند. او مدتی عهده‌دار تدریس مدرسه نظامیه بغداد بعد از خزالی بود. در بغداد درگذشت و در مقبره شیخ ابواسحاق شیرازی دفن شد. از آثارش: کتاب «حلیة العلماء فی مذاہب الفقهاء»، در دو مجلد، که برای خبیفه المستظهر بالله تصنیف کرده و آن را «المستظهري» نامیده است؛ کتاب «العمدة»، در فروع فقه شافعی، که برای حمدةالدین مترشد عباسی نگاشته است؛ و «الترغیب»؛ «المعتمد».

سیرالمجلاء (۱۹/ ۳۹۳-۳۹۴)، کشف الظنون (۴۰۱)، ۶۹۰، ۱۰۲۵، ۱۱۶۹، ۱۶۲۵، ۱۷۳۳)، النکی و الألقاب (۲/ ۳۲۷)، معجم المرفیع (۸/ ۲۵۳)، الرامی بالریات (۲/ ۷۴، ۷۳)، وفيات الاعیان (۲، ۲۱۹-۲۲۱)، مبدیة الماریین (۲/ ۸۱)

شاطر عباس قمی صاحب‌وحی قمی.

شاطر قمی، مصطفی انتظاری، فرزند رجیب‌علی (۱۳۰۹-۱۳۵۶ ق)، شاعر، متبحری به شاطر و شاطر

تشکده، آذر (۲/ ۷۶۸)، تذکره روز روشن (۲۸۷)، الذریعه (۹/ ۴۹۲)، مخزن العرف (۲/ ۱۰۰۵)، دست قیم (۲/ ۱۶۲).

شادی نقاش- (ز ۶۰۷ ق)، نقاش فلوات. از آثار این هنرمند، قلعدان کشوری، قله کوپ فولادی مثلثی شکل، که رویه و زیر آن با تزیینات اسلیمی و دایره‌ای، اشکال و ریاضی تزیین شده و در کنارها نیز حملاتی به خط کوفی تزیینی دیده می‌شود. در پشت و روی قلعدان رقم: «عمل شادی نقاش فی شهر سیه و سیمه و ستمانه» دارد. اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۷).

شارق، میرزا نورالدین محمد، (وف ۱۱۳۷ ق)، شاعر از سادات ایرانی بود به هند رفت یا میرزا صائب و محمد سعید اشرف مصاحب بود. شعر را گاهی به طور ایهام و گاهی به طریق خیال بلندی و اکثر به معنی سنجی می‌گفت و دارای «دبوان» نیز بود. تذکره روز روشن (۳۸۷)، تذکره شعرائ کشمیر (۵/ ۱۷۳-۱۷۶)، مخزن العرف (۲/ ۱۰۲۳).

شارق قاجار، سلطان محمد میرزا، فرزند امامقلی حمادالدوله، (م سیردهم ق)، شاعر و خطاط. در چوکینی تحصیل قسام علوم کرد. او در خط شکسته متبحر بود. از اوست

مانند رویت ای مه روشن قمر بباشد
چون تو لطیف منظر اندر بشر بباشد
گر تیغ می‌کشی تو، و تیر می‌فرستی
در جمله عاشقان را جز جان سپر بباشد

حدیقة الشراء (۲/ ۸۱۹-۸۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸۶)

شارق یزدی، غلامحسین، فرزند غلامرضا، (۱۳۳۰-۱۴۰۷ ق)، شاعر، متخلص به شارق در یزد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات، به امور بزرگانی که پیشه پدرش بود، مشغول شده ولی چون در این رشته استعداد و تجربه کافی نداشت، طرلی نگاشت که در شکست شد. پس به معاونت عبدالرحمن بسکی، حاکم بنادر جنوب، درآمد و به پندر لنگه رفت عبدالرحمن بسکی بعد از مدتی از سرسره حکومت رسیدن شارق، قصد کرد وی را از میان بردارد، از این رو

سر دست روزگار و دد از مهر مرد نی
می سالخورده باید و م سالخورده نی
از صدهزار دوست بگی دوست دوست نی
رز صد هزار مرد یکی مرد مرد نی
تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۹۹-۴۰۱)، شاعران می
دیوان (۴۹-۵۰)، فرهنگ سخنوران (۲۸۷)، مفت افلیح
(۲/ ۲۲۵).

شاکرا تهرانی. (س دوازدهم ق)، شاعر از زادگاه
خود به اصفهان رفت و در آنجا ساکن شد و به تحصیل
علوم پرداخت. با حسین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) معاشر
بود، از اوست.

رفیقان موافق را سروغی بیست دور از هم
به رنگ رشته‌های شمع می‌گیرند نور از هم
تذکره المصنفین (۹۷-۹۶، ۳۵۵-۳۵۶)، الذریعه (۹)
۲۹۲، سیح گلشن (۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۲۸۷)،
مفت نامه (ذیل / شاکر طهرانی)، مخزن الخرائب (۲)
۱۰۳۳-۱۰۳۴، نشر عشق (۳/ ۸۷۷).

شاملو، میرزا احمد - احمد شاملو.

شاملو، حسن خان - حسن خان شاملو.

شاملو، مرتضی قلی - مرتضی قلی شاملو.

شامی، محمد امین. (وف ۱۰۱۹ ق)، خطاط، اصل
وی از عزیزین برد و در شام متولد شد. از شاگردان پادشاه
اصفهانی و از معاصران میرعماد بود و خود را از اولاد
جعفر طیار می‌دانست. پدرش در دربار شاه طهماسب
صغری بود. «و پس از مرگ پدر به عراق رفت او در ادب
و انشاء فارسی و عربی دست داشت و شعر نیز می‌سرود
و حفظ را خوش می‌نوشت
احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۴۸).

شانه ساز شیرازی، شیخ احمد. (وف ۱۳۳۰/۱۳۳۲
ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب، مدرس و ریاضیدان. به
جهت شغل پدر به نام شانه ساز شهرت یافت. از پرورگان
صمدی امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی
تروینی حلی و از شاگردان میررای شیرازی بود. سالها در
محضر میرزا در سمرقاند بود، سپس به شیراز بازگشت پس

ممکن. در قم متولد شد. تا سیزده سالگی در مکتب
ملاعلی اصفهری علوم مقدماتی را فراگرفت. در جوانی به
تهران آمد و به شغل شاطری اشتغال ورزید. شاطر از
آغاز کودکی به نظم شعر پرداخت و اشعار خود را از نظر
ذایی اش سید محمد تقی منتظری که از فضلا و علم بود
و در ادب بیر دست داشت می‌گدرتید. بیشتر اشعارش
در مذایح و مراثی ائمه اطهار (ع) است. در تهران وفات
یافت و در این بابویه دفن شد. اثر وی «عریات» ست که
به اهتمام سید محمد باقر رفعی، مؤلف «سخنوران نامی
معاصر ایران» در قم به چاپ رسیده است.

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۸۹۲-۱۸۹۷)، سزائین
کتاب چاپی (۶/ ۲۲۱).

شاکراصفهانی، محمد یاقو، فرزند میرزا قاسم. (ر
۱۲۹۷ ق)، شاعر، متخصص به شاکر. اصل او از صنفان
بود. جدش در فتنه آزادخان افغان از طالقان به اصفهان
رفت و در آنجا مقیم شد. از ایں رو میرزا شاکر به
اصفهانی معروف شد. وی از علم طب اطلاع داشته و
مذتهای درکاطمین زندگی کرد. شاکر در شعر بیشتر
نقاشی و تجنیس می‌پرداخت از وست:

دلا تا کسی پی شغل جهانی
مسند همتش در پی جهایی
ره دین و رضای حق به دست آر
که نبود راستی و دیس به دستار
حذیبه الشراء (۲/ ۸۲۱-۸۲۲)

شاکر اصفهانی، محمد قلی بیگ. (س یازدهم ق)،
نقاش و شاعر، متخصص به شاکر. وی ساکن عباس آباد
اصفهان بود و در هنر زرگری و نقاشی بی‌مانند. در سرودن
شعر طبعی مؤزون داشت. از اوست:

ای پدر مشو غره به ایں کهنه ولو
حسی که نه برقرار باشد به دو جو
ایست رسیده ماه من روی مساز
جرهر داری بایست بار یک مشو

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۰۷۲)، تذکره نصیرآبادی
(۳۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۶-۱۸۷).

شاکر یخزاری. (س چهارم ق)، شاعر. معروف به
شاکر در ماوراءالنهر می‌زیست. از اوست.

شیخ الشریعه اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی شرکت کرد و به درجهٔ اجتهاد نایل آمد. پس از کسب اجاره از امایندش به تهران بازگشت و مدتی در محلهٔ شاه‌آباد ساکن گردید. سپس به قم رخت و عهده‌دار امر تدریس در حوزهٔ قم شد. در ۱۲۵۲ ق مجدداً به تهران برگشت و در مسجد جامع، امامت و تدریس نمود. در تهران درگذشت و در شهر ری در مقبرهٔ ابو الفتح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطرة»، «الایمان و الراجعة»، «القرآن و العتره»، حاشیه «کتاب» آخروند خراسانی، در اصول، «مصارف الاسلحة» «المعل و المجهل».

آثارشبه (۱/ ۱۸۲۱۷)، تنکرة الفهر (۱۸-۱۱)،
الدریعه (۱۷/ ۵۹)، ریحانه (۳/ ۱۶۸-۱۶۷)، طبقات
اصلام الشیعه (السن ۱۴/ ۱۳۷۰-۱۳۷۱)، گنجینه
تشنشکان (۳/ ۲۸۵-۲۸۳)، معجم رجال سب (۲/ ۷۰۱-۷۰۲)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۲۷)، مؤلفین کتب
جایی (۴/ ۱۷۲-۱۷۳)

شاه محمد بدخشانی، فرزند ملا عبیدی. (وف
۱۰۶۹/ ۱۰۷۲/ ۱۰۷۲ ق)، شاعر ملقب به لسان الله و
معروف به ملاشاه. پدرش قاضی ارگ از اصحاب رستاق
بدخشان بود. شاه محمد از بزرگان صوفیه هند و از

از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم
پرداخت. در مدرسهٔ فوادم شیرازی تدریس می‌کرد، پیر
در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. شیخ آقا بزرگ
تهرانی از شاگردان او بود. آیت الله مرعشی نجفی از وی
روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن
حوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»، رساله‌ای
در «الناس المشکوک»، «اثبات سباده الشیخ».

اصحاب الشیعه (۲/ ۶۰۳)، الدریعه (۶/ ۱۸۰-۱۶۲)،
ریحانه (۳/ ۱۶۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۸۵)،
معجم المؤلفین (۱/ ۲۲۲)، میرزای شیرازی (۱۰۷).

شانی تکلر، وجهه‌الدین نسب آلبای تکلر. (وف
۱۰۲۳ ق)، شاعر، متخصص به شانی. در تهران متولد شد.
او در اصفهان و همدان و تهران به سر برد از شاعران
دربار شاه عباس صفوی و محل حمایت او و در سفر و
حضر ملازمش بود. شانی در پایان حیات از اصفهان به
مشهد رفت و محاور شد و در پایان عمر صفوی خود را از
دربار صفوی دریافت می‌کرد. در اقسام شعر از فصیله و
غزل و قطعه و جر آن دست داشت و در سخنوری پیر
استادان پیچس بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱/ ۶۷-۶۶)، تاریخ لایبت در بزم (۵/ ۹۲۹-۹۲۳)،
تاریخ نظم و نشر (۵-۶-۵-۵)، تنکرة
نصرت‌آبادی (۹-۸)، الدریعه (۹/ ۲۹۵-۲۹۴)، ریحانه (۳/ ۲۹۵-۲۹۴).

۲۰۲)، تکره نصرآبادی (۶۳)، الدرریمه (۹/ ۴۹۵-۴۹۶)،
رواص الصغری (۹۹، ۹۸) ریحانه (۵/ ۳۸۲-۳۸۳)،
صبح گش (۴۴)، فرهنگ سخوران (۲۸۸)، بق
نصف (دیل/ شاه - حشانی)، مرآت الحیان (۲۷- ۱۳۹)،
مخزن العرائف (۲/ ۲۳- ۱۰۳۰).

شاه بهاءالدوله رازی، حسن بن میر قوام‌الدین قاسم
بن محمد نوربخش، (سر دهم ق)، عارف و صبیح. ر
مشایخ سلسله نوربخشیه بود. در شهر ری می‌زیست. ر
آثار وی: «خلاصه التجارب» به فارسی، تألیف ۹۰۷ یا
۹۰۸ ق، مجلدی بزرگ که در دارالکتب سلطان پایزید
عشمانی موجود بوده است؛ «هدیه الخیر» شرحی در
اربعین حدیث در «هدیه نعرفین» و به تبع آن در «ری
باستان»، «خلاصه التجارب» و به شاه قاسم نوربخش،
پدر شاه بهاءالدوله، که پیشوای طریقه نوربخشیه بود، به
نسبیه نسبت داده‌اند.

تاریخ نظم و نثر (۴۰۰)، الدرریمه (۷/ ۲۱۸-۲۱۷، ۱۷/
۶۱، ۲۵/ ۲۰۷)، دی باستان (۲/ ۳۲۱)، هدیه قمارین
(۱/ ۸۳۲).

شاه بیگم، فرزند نظام‌الملک، (؟)، خیر و خیرکار.
وی مسجدی در کوچه نمکی اصفهان ساخت و آئینه
آرزشمند دیگری نیز احداث کرد.
رباعین الشریعه (۴/ ۳۵۸)، مشاعر زبان (۱۳۱).

شاهچراغی، سید طاهر، فرزند سید حسن، (تو
۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، محقق و شاعر. در فریه حسن‌آباد
دامغان به دنیا آمد. نسب وی با سی و شش واسطه به
جناب احمد بن موسی کاظم (ع) (شاهچراغ) می‌رسد. از
از جوانی به سرودن شعر در مدح ائمه و اهل بیت (ع)
پرداخت و تأیید و پنج سالگی «دیوان» شعری بالغ بر
سیصد قصیده و مرثیه در احوال پیغمبر (ص) و آل وی
(ع) فراهم آورد. در مدرسه آیت‌الله ترابی مقدمات و
دییات را در محضر شیخ علام‌الحسین خری فراگرفت و
معانی و بیان را در محضر شیخ محمد رضا حدادی و
مطروح عالی را در محضر آیت‌الله ترابی و آقا شیخ
عمیرضا مشهور به شیخ میرزا آقای عالمی، آموخت.
سپس به وعظ و تدریس و تبلیغ امور دینی پرداخت. از
آثارش: «اعلام دامغان» یا «ارمغان دامغان» یک دوره
«دایرة المعارف» یا «فرهنگ قرآن» به ترتیب حروف

معجم؛ «تالیف الطو ثص»؛ «تحفة العلویین»؛ «محقق
الدهور فی هلاک الظهور»، از اخبار نبی (ص) تا امام زمان
(عج)؛ کشکولی به نام «گنجینه» از اخبار و اشعار و
تالیف متنوعه
گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۲۲-۱۲۵).

شاه حسین میرزوی، (سر دهم ق)، خطاط از آثار
وی، یک نسخه «مستعیر الفیراء و الحضراره» به خط
سستعلیق خوش که به سال ۹۵۷ ق کتابت شده است.
مر عهد سوربان (۵۲۳-۵۲۱).

شاه حسین سرپلی، فرزند شیخ حسن بن حسین
سهروردی، (۷۶۷-۸۸۲ ق)، عالم، نسب وی از جانب ماهر
به شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی و از جانب پدر به
شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌رسید، در جبر و اعداد
سرآمد اهل زمان بود و کمتر کسی قالب معارضه با وی
داشت. پس از تحصیل به سیاحت شام و زیارت
بیت‌الله‌الحرم رفت و از محضر شیخ محمد حلّی و شیخ
طائی که از اکابر عرفای وقت بودند، بهره‌مند گشت
سپس به سمرقند رفت و چند سالی ملازم خدمت شیخ
حسن سمرقندی بود و بعد از رحلت شیخ حسن جانشین
وی گردید. او بار دیگر به زیارت بیت‌الله مشرف گردید و
در مراجعت به تبریز آمد و در نزدیکی پل مسکین
دفنیه اقامت کرد و تا آخر عمر همان جا ماند تا اینکه
فوت کرد و در تکیه‌ای که در همان جا به سال ۸۵۰ ق
ساخته شد، مدفون گردید.

دانشمندان آذربایجان (۱۸۷-۱۸۸)، روایات الجنان و
جنات الجنان (۱/ ۵۲۳-۵۲۰)، ریحانه (۳/ ۱۷۱-۱۷۰)،
فرهنگ سخوران (۴۸۹).

شاه خلیل‌الله، پرهان‌الدین، فرزند شاه نعمه‌قله ولی،
(۷۷۵-۸۵۳ ق)، عارف و شاعر، متخصص به پرهان. در
کوه‌بان کرمان متولد شد. پس از مرگ پدر جانشین او شد
و به دعوت شاهرح تیموری از کرمان به هرات رفت.
شاهرخ به علت ارتباط او با سلطان احمد پادشاه بهمنی
دکن، به وی سوءظن پیدا کرد. از این رو شاه خلیل‌الله بقعه
ماهان را به پسرش، میرشاه شمس‌الدین، سپرد و با دو
پسر دیگری راهی دکن شد و در آنجا مورد تکریم
سلطان بهمنی قرار گرفت. او در دکن درگذشت. بقعه
وی، خلیفه، از مکانهای زیارتی است. از وی اشعاری به

مؤمن، فرزند سید ابوالقاسم، (وف ۱۲۷۲ ق)، عارف و شاعر، متخصص به شاهد، اجداد وی از سادات وهیوی خراسان بودند، که از مشهد به آباده فارس کوچیدند و در فریه ایزدخواست آباده مقیم شدند او و برادرانش از آباده به شیراز رفتند و در آن شهر ساکن شدند. در اوایل حکومت حسینعلی میرزای فرمانروا در فارس، میرزا سید محمد، برادر شاهد، برای معینی فرزندان حسینعلی میرزا در نظر گرفته شد، که به وسیله او شاهد هم با شاهزادگان و امرا و اعیان ارتباط یافت به قسمی که در امور ملک مداخله می کرد و به واسطه نام نیک و خوش خلقی، مرجع علما و اعیان شد. در ۱۲۵۹ ق به تهران آمد و مورد توجه و اعتنای محمد شاه قاجار و حاج میرزا آقاسی واقع گردید و به همراه حسین خان نظام الدوله که به حکومت فارس منصوب شده بود، به شیراز بازگشت. نظام الدوله تالمانی که حاکم بود بدون مشورت با او امری را انجام نمی داد و حمایت خود را از او مضایقه نکرد. او گاهی شعر می سرود وی با رضاقلی خان هدایت هم عصر بود. در شیراز وفات یافت. در «طرائق الحقائق» به اشتباه تاریخ وفات وی ۱۲۶۱ ق ذکر شده است از اوست:

دلور کف رفت و نیامد به کفم دامن دوست

قیمت وصل تلذذسته حریفدار شدم

حدائق المشعره (۲/ ۸۲۵-۸۲۳)، ریاض العربین (۲۶۲)،

ریحانه (۳/ ۱۷۱)، طرائق السقائق (۲/ ۳۴۰)، فارسنامه

ناصری (۲/ ۹۱۷)، مجمع الفصحا (۵/ ۵۳۸)، مرآت

المصابحه (۲۹۱-۲۹۲)، مکرر الاثر (۶/ ۱۹۷۱)

شاهدای گیلانی، (س یازدهم ق)، شاعر، اهل گیلان

بود و گرینه به اردبیل رفت و در آنجا مقیم و به عبادت

مشغول شد. وی در فصاحت و بلاغت سرآمد اقرا بود.

تذکره نضرآبادی (۳۷۵)، الذریعه (۹/ ۲۹۸-۲۹۷)، صبح

گشش (۲۲۱)، نرنگ سخبران (۴۹۳)، نامه‌ها و

منازعات گیلان (۲۷۱)، شتر عشق (۳/ ۷۹۸-۷۹۹).

شاهرخشاهی، وضاقلی، (ز ۱۲۷۶ ق)، نعلش و

خطوط او هنرمندان زبردست ناخنی به شمار می رفت. از

آثار ناخنی وی: تصویر جنگ و گریز دو پاز شکاری که

پره‌های سبک مال آنها در هوا پخش شده، یا رسم:

«رضاقلی شاهرخشاهی ۱۲۷۵ هـ یک مربع ناخنی از

نصاویر ممتاز و خطوط عالی، که خطوط آن به قلم شتر

جا مانده است. در دو کتاب «تذکره شاعران کرمان» و «ستارگان کرمان» به اشتباه تاریخ تولد او ۸۴۷ ق ذکر شده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۸-۷۹۹)،

تذکره شاعران کرمان (۱۰۵)، جامع مفیدی (۳/ ۴۴-۵۰)،

دلیله جستجو در تصرف (۱۹۹)، الذریعه

(۹/ ۱۳۴)، ریاض المعرین (۲۳)، ستارگان کرمان (۷۸)،

طرائق الحقائق (۲/ ۲۳۲-۲۳۴)

شاه محمد دارابجردی، فرزند محمد عارف

شیرازی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به عارف و

شاه. از داراب شیراز بود. نزد شیخ بهایی تعلیم کرد. در

شوشتر مدتی نزد عاصی نورالله شوشتری (شهادت

۱۰۱۹ ق) به همراه صفایی شوشتری (م ۱۰۷۴ ق) به

مقاله حدیث پرداخت. او در هر علمی آگاهی داشت.

هرین لاهیجی در روزگار جوانی در شیراز نزد وی تعلیم

کرده است و گوید او در شیراز درگذشت. شاه محمد به

قصد زیارت عتبات از ایران خارج شد و پس از زیارت،

در ۱۰۶۲ ق به هند رفت. در ۱۰۶۶ ق به قصد زیارت

امام رضا (ع) به ایران بازگشت و پس از زیارت امام رضا

(ع) و زیارت مراد شاه قاسم انوار در تربت جام و سفر به

شیراز و اصفهان به هند بازگشت و در ۱۰۷۶ ق تذکره

«لطایف الحیان» را تکمیل کرد. او در ۱۰۸۲ ق به ایران

بازگشت و در اصفهان نضرآبادی او را دیدار کرد. به

آورده نضرآبادی از خیرین روزگار خود بود و به

بارمتان کمک می کرد. از دیگر آثار وی: رساله «لطیفه

عیبه» در شرح مشکلات «دیوان حدیث»؛ «مقامات

السالكين» در مصطلحات موسیقی و آرای دانشمندان

اسلامی درباره روایی و نادرایی هفت

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۷۹۱-۱۷۹۲)، تاریخ

تذکره‌های فارسی (۴/ ۹۹۸-۹۹۷)، تذکره المعاصرين

(۱۱۱-۱۱۳، ۲۴۵)، تذکره نضرآبادی (۱۸۶)، الذریعه

(۹/ ۲۹۷، ۲۹۹-۲۹۷)، ریاض النعمه (۵/ ۲۷۴-۲۷۵)،

صبح گشش (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۲۹۱)، کانون

هند (۲/ ۸۵۴-۸۵۳)، سخنون السراپ (۲/ ۱۰۴۲-۱۰۴۱).

شاه داعی شیرازی، داعی شیرازی.

شاهد ایزدخواستی فاروسی، آقا میر مؤمن / محمد

دبک و چهار دانگ عالی، با رقم «نند» کمترین درگاه، رضاقلی شاهرخشاهی ۱۲۷۶ هـ که ظاهراً باید از ملازمان دربار ناصرالدین شاه قاجار بوده باشد.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۲۱۱-۲۱۲)، احوال و آثار نقاسان (۱/ ۲۰۰).

شاه رضا شیرازی، فرزند سر جلال جعفر اصطهبانی، (س دهم ق)، شاعر و حکیم، از دانشمندان زمان خود بود در زمان جلال‌الدین اکبرشاه گورکانی به هند رفت و در همان‌جا درگذشت. او ظاهراً در طب نیز مهارت داشته است. از وی روایاتی چند به جای مانده است. از اوست:

سبطل به جهان پرده سرائی زد و رفت
درویش به دهر پشت پانی زد و رفت
الفقه که هر دو روز در گلشن صبر
مرغی به سرشاج سوائی زد و رفت

تاریخ نظم و سحر (۷۰۹)، تذکره دور روشن (۲۹۷-۲۹۸)، الذریعه (۹/ ۲۶۶)، ریحان‌الماریس (۱۹۵)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۶۷)، فرهنگ سخنورا (۲۸۱)، کاروان هند (۱/ ۲۴۴-۲۴۵)، مرآت‌اللمتعة (۲۲۸، ۲۳۷).

شاهرویدی، سید محمود بن سید علی بن سید عبدالله حسینی، (۱۳۱۱-۱۳۹۴ ق)، مرجع تقلید و فقیه اصولی، در آقا عبدالله ادهاب شاهروید به دنیا آمد. در اوایل کودکی پدر را از دست داد و با تشویق مادرش به تحصیل روی آورد. دروس ابتدایی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی را در سطام فرگرت سپس به مشهد رفت و سطوح عالی را در آجا آموخت و خود به تدریس «کفایه» پرداخت. در ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصیلات عالی به حوزه علمیه نجف رهسپار شد و از محضر آخوند خراسانی، صاحب «کفایه»، کسب فیض کرد. پس از آن در درس آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله محقق نایبی شرکت نمود او از شاگردان خاص آیت‌الله نایبی بود و «تقریرات» هر دو استادش را در فقه و اصول به رشته تحریر درآورد. ضمناً خود نیز حوزه تدریس «وسائل» و «مکاسب» و «کفایه» دایر کرد و جمع کثیری از فضلا و محصلین از درسش بهره‌مند شدند. پس از درگذشت آیت‌الله اصفهانی، بسیاری از مردم ایران مقلد ایشان بودند. از دیگر آثارش کتاب «طها»؛ رساله

«تیمم»؛ رساله «وضو»؛ رساله‌ای در «وقت»؛ رساله‌ای در «هو، طع نماز»؛ کتاب «الحج»؛ کتاب «خمس»؛ کتابی در «رکاة»؛ کتاب «تضاه»؛ تعریف علم اصول فقه؛ کتاب «رجال»؛ کتابی در «نحر»؛ رساله‌ای در «قاعدہ لاصبر»؛ رساله‌ای در «سواربث»؛ رساله‌ای در «قاعدہ سد»؛ رساله‌ای در «قطع»؛ «جامع المفاهید»؛ «ذخیره امر مؤمن»؛ رساله «توضیح المسائل».

گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۶۹-۳۶۴)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۰۷-۷۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۱-۴۰)، مستدرکات احاد (۱/ ۲۱۹).

شاهرویدی، شیخ احمد، فرزند ملا محمد علی، فرزند شیخ محمدکاظم خراسانی، (۱۲۸۱-۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و فقیه، وی خراسانی الاصل بود. پدرش ملا محمد علی شاهرویدی (م ۱۲۹۳ ق) از شاگردان سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود. شیخ احمد در دامان پدر پرورش یافت. مقدمات را در شاهروید گذراند و برای تکمیل تحصیلات، به همراه برادرش، آق شیخ محسن، به مشهد رفت و پس از بهره‌گیری از اسناد آنجا در ۱۳۳۶ ق به هتبات رفت و پس از حضور در درس و بحث حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به وطن بازگشت و به انجام وظایف و خدمات دینی در شاهروید مشغول گشت و مرجع خاص و عام شد. آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است از جمله شاگردان وی آیت‌الله حاج سید محسن اشرفی است از آثار وی: «النسخ المبین»، در ردّ بایبه؛ «مرآة المعرفین»؛ «آزانه الاوهام»؛ در جواب «بدیع الاسلام»؛ «یفاط اسامین»، در ردّ ناسه؛ «تنسیه العافیلین»؛ «مدیه الاسلام»؛ «روح التمدن»؛ «راهمای دین»؛ «تفسیر»؛ «اتمام در ردّ بعضی از کلمات شیخ خطاری

اعیان النبیه (۳/ ۱۲۶)، طبقات اعلام النبیه (قرن ۱۴/ ۱۱۵)، علماء معاصرین (۳۸۷)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۵۲، ۳۵۸-۳۵۷)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۰۹-۴۱۰).

شاهرویدی، شیخ عباسعلی، (۱۳۲۹-۱۳۹۱ ق)، عالم دینی، فقه و مجتهد، معروف به علامه. در قریه مرجع شاهروید متولد شد. پس از طی مقدمات به مشهد رفت و ادبیات را از ادیب بیضاوری و سطوح اولیه را از

(۲/ ۶۹۲)

شاهرودی، محمد شریف توری، فرزند شیخ محمد اسماعیل ده‌ملائی، (تو ح ۱۳۲۳ ق)، عالم، فقیه و مفسر. در ده‌ملا از دهات شاهرود متولد شد. مقدمات علوم را در قم فراگرفت. آن‌گاه به نجف رفت و پس از فراغت از سطوح، در درس آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله شیخ موسی خونساری و آیت‌الله حاج شیخ نعمت‌الله دامغانی، پدر همسرش، و آیت‌الله آقا شیخ محمد حسین تهرانی و آیت‌الله آقا سید علی توری حاضر شد. و از بحث و درس آنان در فقه و اصول استفاده‌ها نمود. بنا به درخواست مردم به موطن خود بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت و مورد توجه مخصوص آیت‌الله بروجردی قرار گرفت. پس از چندی به تهران آمد و به انجام وظایف دینی و اقامه جماعت و بحث دروس کتب فقهی و اصولی پرداخت. از آثارش: «نورالانوار»، در حالات ائمه اطهار (ع)، در سه جلد؛ «نجم المصیبه»، در حالات عمای شیعه، در دو جلد، به فارسی؛ «فیض القدسی»، در فضیلت آیه‌الکرمی و آیات منتخب از قرآن و کتب اربعین قرائت و تأثیر سور قرآن؛ «تفسیر سورة مبارکه يوسف».

گنجینه دانشمندان ۴/ ۲۸۹-۲۹۰.

شاهرودی، ملا محمد علی بن ملا محمد کاظم، (وف ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تحصیل اشتغال ورزید و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «مصابد» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان یر متبحر بود و بیشتر ابام زندگی خویش را به تهذیب نفس و ریاضت گذراند. از وی در حدود پانجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است، از جمله «سورالانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعای»؛ «مصارف»؛ «المقامات فی المهمات الفعیه»؛ «البوری الحیدریه فی احوال الائمة»؛ شرح رساله «السیر و السلوک» محقق خراسی.

اعیان السیمة (۹/ ۴۲۷)، الذریعة (۳/ ۱۵۳-۱۵۴/ ۱۰۸۳،

۱۵/ ۱۶۷، ۱۳۷، ۱۸/ ۳۲۴، ۲۲/ ۳۵۹)، گنجینه

حاج میرزا حسن مدرّس و سطوح عالی را از آیت‌الله دامغانی فراگرفت. مدت چهار سال «کعبه» را نزد حاج شیخ هاشم قزوینی خواند و شش سال در درس خارج آیت‌الله آشتیانی و آیت‌الله میرزا یونس اردبیلی و فقیه سیروانی حاضر شد و بهره‌ها برد. سپس در ۱۳۶۵ ق به قم سفر کرد و مدتی در محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر، در تکمیل اطلاعات فقهی و اصولی خود کوشید. او در فلسفه و کلام شاگرد میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی و آقا شیخ سیف‌الله بود. در ۱۳۷۰ ق به نجف مهاجرت کرد و مدت بیست سال از درس و بحث آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاهرودی استفاده کرد تا در ۱۳۹۱ ق توسط دولت عراق، به همراه عده‌ای از علما، به قم تبعید شد. وی دارای اجزاتی از آیت‌الله خویی، و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله اردبیلی و آیت‌الله شاهرودی بود. از آثارش: «تقریرات» دوره اصول آیت‌الله خویی و «تقریرات» آیت‌الله بروجردی در «اصلاح جمعه» و «اصلاح مسافر»؛ کتاب «الجواهر القدسیه».

گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۷۹-۱۸۰)

شاهرودی، شیخ عباسعلی، فرزند ملا قیدیر (۱۳۲۰-۱۳۸۳ ق)، عالم دینی، مدرّس و فقیه. از شاهرود متولد شد. مقدمات و ادبیات را در همان شهر خواند. آن‌گاه به مشهد رضوی رفت و سطوح عالی را از مدرّسین آن شهر فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر درس آیت‌الله حایری استفاده‌ها برد؛ در همان حال نیز به تدریس سطوح پرداخت. بعد از درگذشت آیت‌الله حایری به نجف رفت و در ۱۳۵۶ ق حاشیه خود بر «کعبه‌الاصول» را به چاپ رسانید. در ۱۳۵۷ ق به قم بازگشت و عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه فیضیه و امام مسجد حاج محمد جعفر شد. سید ستار میانجی و آیت‌الله سید مهدی علوی بخشایشی و میرزا محمد راهدی لنگرانی از شاگردان وی بودند. در قم درگذشت و در مجاورت روضه حضرت معصومه (ع) در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش حاشیه بر «وسيلة» آیت‌الله اصفهانی؛ «برهان الشیعه»، در اثبات رجعت؛ «تقریرات» اصول آیت‌الله حایری؛ بحث «احیاء و تقلید».

آثارالحجة (۲/ ۵۴-۵۵)، شیخان قم (۱۸۰-۱۸۱)،

گنجینه دانشمندان (۴/ ۱۷۸-۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی

دانشمند (۵/ ۳۵۶)

شاهرودی مشهدی، سید عباس بن سید علی موسوی. (وف ۱۳۴۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در شاهرود متولد شد. پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تهران آمد و از محضر مدرّسین بزرگ تهران چون میوز برانحسین جلوه در فلسفه، و آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی در فقه و اصول، استعاده نمود، تا به مقام بلدی در معقول و منقول رسید و متصدی امر تدریس شد بسیاری از عدما و فضلاء خراسان و مشهد از درس و محضرش استعاده نمودند. وی از تهران به مشهد رضوی رفت و مدتی در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت کرد. در ۱۳۴۱ ق به هیات عالیات رفت و در مراجعت به مشهد، در همان سال، از دنیا رفت و در دارالامیاده در شقه علمادفن شد. وی رسائلی از «تقریرات» و درسهای استادش، میرزا ابوالحسن جلوه، را نگاشته بوده و رساله‌ای در «کلی» از بحث جوهر. رساله «سنة اتماع اعظم الجبال الی قطر الارض» شیخ بهایی به خط شهرودی موجود است.

طبقات اعلام الشیخ، دفتر ۱۹/ ۵. گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۶۲-۳۶۴)، منتخب التراجم (۶۲۶)

شاهزاده بیگم صفوی، دختر شاه عباس اول. (س یازدهم ق)، نیکوکار، ار رتبان خیر و دانش دوست بود. مدرسه‌ای در اصفهان بنا کرد که به نام مدرسه شاهزاده شهرت یافت. ابوالمظفر محمد جعفر حسینی کتاب «الحقه التواریخ و الهدایة الاخریه» را به اسم او تألیف کرد. نسخه‌ای از این کتاب به خط محمد حسین اصفهانی در کتابخانه مدرسه عانی شهید مطهری موجود می‌باشد که تاریخ کتابت آن ۱۰۸۶ ق است

اصحاح الشیخ (۳/ ۶۲۷)، الذریعه (۳/ ۴۷۹-۴۷۸)، ریاحین الشریعه (۴/ ۳۵۸)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۹۴، ۷۵۲)، مشیر زمان (۱۳۵)

شاه سنجان خوانی، رکن الدین محمد. (وف ۵۹۳/ ۵۹۷)، عارف و شاعر ملقب به شاه سنجان از اهالی سنجان از توابع خواف خراسان بود. او از سلسله چشتیه هرات و از خواص مریدان خواجه مردود چشتی است که لقب شاه سنجان را از خواجه مردود گرفت. در سنجان درگذشت و در همان جا دفن شد و مرار وی

امروز در خراسان در نزدیکی تربت حیدریه است

تاریخ گریده (۶۷۲)، تاریخ نظم و سحر (۷۲۵-۷۲۶)، حبیب السیر (۳/ ۷۵)، الذریعه (۹/ ۴۹۹)، ریاض مدارج (۹۷)، ریحانه (۳/ ۱۷۲)، طرّ النواحق (۲)، ۶۴۲، طریقه چشتیه (۸۰)، فرهنگ سحران (۱۷۰)، بحثنامه (ذین / شاه سنجان)، مجمل مصیعی (ذیل / سال ۵۹۳)، صفحات الانس (۳۳۵-۳۳۶)، معک النسم (۶۹/ ۲).

شاهسوارچسهارتاری. (س دهم و یازدهم ق)، نوآورنده، از نوایندگان عهد شاه عباس اول بود که تسور چهارتار می‌نواخت

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۹۱، ۳۱۲، ۳۱۶، ۵۵۸)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۹۱)

شاه شبلی. (س نهم و دهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم اویه هرات بود. حمله خطوط، بخصوص بستلیق را خوش می‌نوشت. در زمان سلطان اوسید گورکانی ریست و زندگانی را به کتابت و استنساخ کتاب و ترمیمی می‌گذراند و تا او این سلطنت سلطان حسین میرزا نابهران نیز حیات داشت.

حوالی و آثار خوشویسان (۲/ ۲۸۸)، تاریخ نظم و سحر (۳۴۵)

شاه شجاع گرمانی. (وف بعد از ۲۷۰ ق)، عارف وی از معاصران ابوحنیف حداد بود و با ابوتراب نحشی و ابوعبدالله خراج بصری و ابوعبید سری صحبت داشت و ستاد ابوعثمان حیری بود. او کتابی دارد در ردّ یحیی بن معاد رازی که یحیی بن معاذ کتابی در اشراق عا بر فقر نوشته بود و شاه شجاع در این کتاب به اشراق فقر بر خاند می‌پردازد و کتاب یحیی و نظرش را رد می‌کند. وی طهراً واسطه‌ای بود بین طریقه ثروت و ملامت و مثل اهل ملامت تعیم می‌کرد که جوانمرد باید خوشتن را در میان تبید و به خود و کم در خود قرار دهد

سذکره الاویاه (۱/ ۳۱۲-۳۱۳)، جستجو در تصوف (۳۵۰)، سلیمان‌الاولیاء (۱۰/ ۲۲۸-۲۳۷)، ترجمه رساله قشیریه (۶۰)، شرح شطحیات (۲۵/ ۱۵۷-۱۵۶)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۹۴-۱۹۲)، طبقات الصوفیه مروی (۲۳۶-۲۳۹)، کتب المصنوع (۲/ ۱)، صفحات الانس (۸۵-۸۴)

خوانندی. (وف ۹۵۲-۹۵۶ ق)، متکلم، دانشمند، مدرس و شاعر. در همدان متولد شد. در محلی به نام خند (خواند) نزدیک قزوین روزگار می‌گذرانید با گذشت زمان به خاطر علم و تقوایی که داشت محبوبیت زیادی یافت تا حدی که معروفترین امام سلسله ترازى شاخه محمدشاهی شد. او در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و حکمت و ریاضی مهارت داشت و دانشهای عقی را نزد شمس‌الدین محمد خضری فراگرفت و در مجموعه متناثر نامهای به همین استاد آمده است. شاه طاهر وارد دربار شاه اسماعیل صفوی شده در حالی که شاه صفوی از نفوذ او بیستاک بود و چندین بار توسط میرزا حسین اصفهانی، از درباریان نافذ، مورد حمایت قرار گرفت. پس از آن به کاشان به عنوان مدرس علوم دینی راهی شده در کاشان علمای اثنی عشری، اخباری از شاه طاهر به دربار فرستادند که باعث شد فرمان قتل وی صادر شود. ولی وی به هند گریخت و به دربار اسماعیل عادلشاه حاکم بیجاپور راه یافت. چون توجهی ندید قصد خانه جدا کرد. در راه به پیر محمد شیروانی برخورد و تأثیری در وی گذاشت که باعث خوانده شدنش به دربار نظامشاه در احمدنگر شد. وی پس از مدتی از معتمدترین یاران نظامشاه شد. در همین حال در آن شهر به ابرادارش در موضوعات مختلف مذهبی پرداخت. او گویا به خاطر شهادت دادن معجزه‌آسای پسر نظامشاه مرتباً به بلید یافت و نظامشاه به تشیع گروید. در پادی امر تبلیغ مذهب اثنی عشری توسط یک امام تزاری شکست خورد. می‌کند، اما ناید گفت که شاه طاهر و دیگر پیشوایان تزاری آن عهد ناچار به مراعات تقیه به صورت شدید بودند. نظامشاه پس از این تغییر، تشیع را مذهب رسمی مملکت خود کرد. او در احمدنگر درگذشت جسدش را بعدها به کرلا بردید و در جوار امام حسین (ع) به خاک سپردند. از آثارش: «منشآت شاه طاهر» یا «انشاء روح افزا»؛ «حاشیه بر «الهیات شفاء»؛ شرح بر «تهذیب الاصول»؛ «شرح باب حادی عشر» در کلام؛ شرح «رسالة جمعیه»؛ در فقه؛ «حاشیه بر «تفسیر» قاضی مضاری؛ «رسالة النموذج المعلوم»؛ «دیران» شعر، شامل قصایدی در مدح علی (ع) و فی اکرم (ص).

آشکده آذر (۳/ ۱۲۶۶-۱۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران

(۵/ ۶۶۲-۶۷۰، ۱۶۲۹-۱۶۳۳)، تاریخ نظم و نثر

(۳۶۷)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۵۴-۵۶۰)، سحفة

سامی (۲۲-۲۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۲۲/۲)،

شاه شجاع کرمانی، ابوالقوام جلال‌الدین، فرزند امیر مبارزالدین. (وف ۸۷۶/۸۷۷ ق)، شاعر. او مدح و خواجه حافظ شیرازی بود و خود نیز خالی از ذوق و قریحه شعری نبود و به عربی و فارسی شعر می‌سرود. وی قرآن را در نه سالگی حفظ داشت و از چنان حافظه‌ای برخوردار بود که هشت بیت عربی را به یک نوبت فراشت به یاد می‌سپرد. نظم و نثر تازی و فارسی و مکتوبات و رسائل او در اصراف عراق شهرت بسیار داشت و در فنون سلطنتی زیر دست بود. وی حامی بزرگی برای ادبا و دانشمندان عصر خود به شمار می‌رفت و حتی به مجلس درس مولانا قوام‌الدین حاضر می‌شد او در مدرسه دارالاشعاع که خود در شیراز بنا کرده بود، عالم معروف رمان سید شریف جرجانی را به مدرسی گماشت. جسد شاه شجاع را به یک رویت در مدینه مکرمه و به روایتی دیگر در دامنه کوه چهل مقام در شمال شرقی شیراز دفن کردند. از رباعیاتی که در حق برادرش محمود مظهری سروده، این دو بیت است.

محمود برادریم شاه شیرکیم

می‌کرد خصومت از پی تاج و نگین

کردیم در بخش تا برآساید خلق

او زیر رمی گرفت و ما روی زمین

آشکده آذر (۱/ ۶۸)، از سعدی نا جاسی (۲۶۸-۲۶۵)،

از کوچه زندان (۱۳۸-۱۳۷)، تاریخ عصر حافظ (۱/

۱۹۲-۱۹۳)، تذکره روز روشن (۲۱۲-۲۱۳)، تذکره

سخنران پیروز (۱۶۷)، تذکره الشعراء (۳۳۲-۳۳۸)،

الذریعه (۹/ ۴۹۹، ۵۰۸-۵۰۷)، روضة السلاطین (۶۱)،

سمرگان کرمان (۲۳۲)، سرهنگ سخنوران (۴۹۵)،

(۴۹۶)، مجمع الفصحاء (۱/ ۵۹۶-۵۹۸)، هفت اقلیم (۱۲/

۱۷۰-۱۷۱).

شاه عبدال دیلمی، فرزند شاه عنایت‌الله دیلمی. (وف

۹۵۵ ق)، شاعر. وی از اعیان رمان خود بوده و غزل را

بیکو می‌سروده است

تاریخ نظم و نثر (۶۷۸)، سحفة سامی (۹۶)، تذکره روز

روشن (۳۱۲)، الذریعه (۹/ ۴۹۹)، سرهنگ سخنوران

(۲۹)

شاه طاهر انکوانی، شاه طاهر دکنی انجذانی

شاه طاهر دکنی انجذانی، فرزند رضی‌الدین حسینی

الذریعه (۲/ ۲۰۶، ۶/ ۱۲۲، ۹/ ۳۹۹، ۵۰۰، ۶۳۱)،
ریاض المریض (۳/ ۱۰۴)، ریحانه (۳/ ۱۷۳)، مرگ
سخنران (۵۸۳-۵۸۲)، کاروان هند (۱/ ۷۹۱-۸۰۲)،
بختنامه (دیل / طاهر)، مفت الخلیف (۳/ ۲۰۲-۲۰۷).

شاه طهماسب صفوی، فرزند شاه اسماعیل اول.
(۹۱۹/۹۸۲-۹۲۰ ق)، مورخ، خطاط و شاعر، متخلص به
عادل. دومین پادشاه سلسله صفوی بود. در ده سالگی
پس از مرگ پدر به سلطنت رسید از مهمترین حوادث
دوران پادشاهی او که نزدیک به ۵۳ سال طول کشید
جنگهای مداوم با ازبکان در شمال شرقی ایران و برده
دولت عثمانی و همچنین کمک به همایون پسر
طاهرالدین بابر پادشاه تیموری هندوستان در بدرگه
باج و تحت سلطنت از دست محالانش بود او پنجاه و
سه سال و یکماه و ۲۶ روز پادشاهی کرد. در میان
سلاطین اسلام هیچکدام این مدت حکمرانی نداشتند
او عاقبت به دست مادر حیدره سرکرده طوایف استاجور
مسموم شد و درگذشت و در آستان قدس رضوی دفن
شد. شاه طهماسب در شعر فارسی دست داشت
اشعاری نیز سروده است. او در خط و نقاشی نیز توانا
بود. وی کتابی در خطاطات و شرح رنگی وجود دارد
حادث ۹۶۹ ق نوشته که به نام «تذکره شاه طهماسب»
معروف است و یکی از بهترین اسناد برای تاریخ دوره
پادشاهی اوست. از دیگر آثار وی، «باروی شهر تهران»،
«باروی شهر مشهد»، «عمارت دیوانی قرین»، «مسجد
تبریز»، «رباط فیما بین ریحان و سلطانیه»، «آئین در قانون
سلطنت».

آشکده آثار (۱/ ۷۲)، ایران عصر صفوی (۹/ ۶۵۳)،
ربیع نظم و نثر (۴۷۱-۴۷۲)، حبیب السیر (۴/ ۵۳۱)،
۵۵۴-۵۵۳، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۳)
دانشندان آذربایجان (۲۴۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۶۳۸-۱۶۳۹)، الذریعه (۹/ ۵۶۳)، روضة السلاطین
(۷۰)، فرهنگ سخنوران (۵۹۱)، مؤلفین کتب چاپی
(۲/ ۶۰۱-۶۰۲)، مجمع التواریخ (۹-۷)، میوه در (۲/ ۲۶۹-۲۶۹).

شاه عباس اول، ابراهیمقلی، فرزند سلطان محمد
صفوی. (۹۷۸-۱۰۲۸ ق)، ملقب به شاه عباس کبیر در
هرات متولد شد. در ۹۹۶ ق در عمارت چهل ستون
اصفهان به تخت پادشاهی نشست شهر اصفهان را در

۱۰۰۰ ق دارالملک گردانید و بعد از آن به سال ۱۰۳۳ ق
گشود. او امور دولتی را که اختلال کلی حاصل کرده بود
از نو نظم داد خراسان را از اورنگیه اشباع نمود و با
دولت عثمانی مصالحه کرد. او دین محمدخان اورنگ را
در حوالی هرات شکست داد و به قتل رساند و سر
محمدخان والی مرو را گرفت و به موجب نفوذی که کرده
بود، پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت و کل مایملک
خود را وقف ثمة انبی عشر نمود و با سپاه آل عثمان
محاربه کرد و پیروز شد و ارمینیه را گشود و قندهار را
بست و زمین داور را نیز مفتوح کرد و گرجستان را غارت
کرد ربابالایوب گرفت و عراق را فتح کرد و سام میر
را شاه صفی خواند و ولیعهد کرد به فارسی و ترکی
اشعاری از او به یادگار مانده است وی در بسجاء و به
سالگی در مازندران درگذشت و در بسجاء اشرف دفن
شد. از او «دیوان» شعری به جا مانده است.

آشکده آثار (۱/ ۷۷-۷۶)، ایران عصر صفوی (۲/ ۷۲)،
ربیع اسناد ایران، پرونده (۴/ ۹۸)، تذکره دور
روشن (۵۲۰)، تذکره نصرآبادی (۹۸)، دانشمندان
آذربایجان (۲۵۴-۲۵۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۶۶۰)،
الذریعه (۹/ ۶۸۰)، فرهنگ سخنران (۶۱۳)،
مجمع الفصح (۱/ ۷۸).

شاه عباس ثانی، فرزند شاه صفی صفوی حسینی.
(۱۰۷۷ ق)، شاعر. وی در ۱۰۵۲ ق در حالی که
سفر به پاره نرسیده بود به جای پدر بر تخت نشست.
کارهای مهم او باز پس گرفتن قندهار بود در قندهار
با عبا و مدرسه ها بنا نهاد. وی در شعر ترکی و فارسی
دست داشت. گویا در یکی از جنگها در دامغان
برگشت و آثارش: «دیوان» شعر.

آشکده آثار (۱/ ۷۷)، ایران عصر صفوی (۲/ ۲۳۱-۲۳۹)،
ساریچ گریه (۵۶۱)، تذکره نصرآبادی (۹/ ۱۰۹)،
دانشمندان آذربایجان (۹۱۰-۹۰۹)، دایرةالمعارف فارسی
(۲/ ۱۶۶۰-۱۶۶۱)، الذریعه (۹/ ۱۸۳، ۶۷۹)، صبح
گلشن (۹۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۹)، بختنامه (دیل /
نام)، مجمع الفصح (۱/ ۸۰).

شاه عبدالعظیم، سید محمدرضا بن سید محمد
علی. (۱۳۰۴-۱۳۳۴ ق)، عالم دینی و ادیب. از نوادگان
میرزا جان، ملقب به میرزا هدایت حسینی شاه
عبدالعظیم بود. در نجف به دنیا آمد و در آنجا نشو و

شاه فتح الله شیرازی - شاهمی شیرازی، سید
کمال الدین فتح الله

شاه قاسم انوار - قاسم انوار

شاه قاسم تبریزی، (وف ۹۴۸ ق)، مورخ و خطاط، از
مردم آذربایجان بود و در حسن خط و علم انشاء مهارت
داشت. سلطان سلیم پس از جنگ چالدران در ۹۲۰ ق، او
را با سه هزار نفر از اهل حرف و صنایع و علماء به
استانبول روانه ساخت. وی به تألیف تاریخ دولت عثمانی
پرداخت، اما به اتمام نرسانده، درگذشت. سال
درگذشت وی را، مؤلف «پیدایش خط و خطاطان» ۹۰۹
ق ضبط کرده که اشتباه است. مؤلف «دانشمندان
آذربایجان» به نقل از کتاب «الشقاق السعانی» وی را
فرزند شیخ مخدومی دانسته است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۸۹-۲۹۰)، پیدایش
خط و خطاطان (۱۳۷)، دانشمندان آذربایجان
(۱۸۸-۱۸۹).

شاه قاسم فیض بخش - فیض بخش، شاه قاسم.

شاه قاسم کاتب، (ز ۱۰۲۸ ق)، خطاط از کاتبان
خوشنویس ریز دست و از معاصران میر حماد بود. وی در
هرات ظاهراً در کتابخانه سلطان علی چگنی و بعدها در
کتابخانه حسن خان شاملو، به امر کتابت اشتغال داشته
است. از آثار وی: یک نسخه منتخب «مثنوی» مولانا و
منتخب «حلیة الحقیقة» سنایی، به قلم کتابت عالی، با
رقمهای «در کتابخانه نواب ... حسنخان شاملو صورت
تحریر یافت» کتبه المندب شاه قاسم ... سنه ۱۰۲۸ و
«تمت الکتاب ... ۱۰۲۸ در کتابخانه ... حسنخان شاملو
کتبه المندب شاه قاسم الکاتب ... ۱۰۲۸ یک نسخه «دیوان»
حافظ، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت ... ۱۰۱۰ کتبه
امندب شاه قاسم ... ۱۰۲۸ یک نسخه «بوستان» سعدی، به
قلم کتابت خوش، با رقم: «در کتابخانه نواب کامیاب
صورت تحریر یافت، فی عرفة شهر صفر ۱۰۱۲، کتبه شاه
قاسم عفر ذویه»

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۹۰-۲۹۲)، هنر عهد
تیموریان (۵۰۰، ۵۱۲، ۵)

شاه قاضی دیلمی، فرزند شاه صدر، (س دهم ق)،

معاشرت و نزد پدر تحصیلات خود را شروع کرد. گذشته
از پدر، در محضر علمای زمان، مراتب علمی خویش را
در علم و ادب کامل ساخت او نه تنها در فقه و اصول که
در ادبیات نیز سحر داشت. وی به ماه پس از پدر
درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «اللزق
المرتب فی اخبار الیرامکه و آل المهلب»؛ «لزق لزق»؛
«ملهی المصباح الداهی»؛ در ادعیه مأثوره و
ادکار

الدبره (۱۸/ ۳۸۲)، طبقات اعلام شیع (قرن ۱۲/
۷۶۲-۷۶۳)

شاه عبدالعظیمی، سید محمد علی، فرزند سید
میرزا محمد بن میرزا چانه (۱۲۵۸-۱۳۳۴ ق)، عالم
دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد و در همان جا
پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در
۱۲۷۲ ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل
نمود از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به
درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت الله شیخ ملا
علی خلیلی رشت و مدتی نیز در محضر آیت الله میرزای
شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت الله خلیلی، که
پدر زنتش بود، استفاده ها نمود تا به درجه جتهاد رسید.
پس از فوت استادش، آیت الله خلیلی، به سامرا رفت و
مجدداً به محضر آیت الله میرزای شیرازی رسید، آنگاه به
نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت
وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع)
باری گشت، در حویج درگذشت و در نجف در ایوان
طلای علوی، جنب مقبره علامه علی به خاک سپرده
شد. از آثار وی: «الایقاده»؛ «الایقاده»؛ «الاربعون حدیث»؛
«موعظة السالکین»؛ «الحوهرة»؛ «مصحف سه گانه از
«الکافی»؛ «موسوم به «مستندالنفهاء» و از «التهدیب»
موسوم به «انعام المستند» و از «الوسائل» موسوم به
«اکمال المستند»؛ «حلیة الراثرین»؛ «حبیة المعاشرین»؛
«منتخب الحلاصة»؛ در رجال: «لب التفسیر»؛ «رجیره»
در فضائل خیافت: «غریبة المعجرات»؛ «منتخب کتب
الرحمال الاربعه»؛ «رجال الطوسی» و «المهرست
للفطوسی» و «رجال النحاشی» و «رجال الکشی».

الدبره (۲/ ۵۰۳، ۵/ ۲۹۲، ۷/ ۸۱، ۱۶/ ۳۴، ۲۳/
۲۷۰، ۲۵/ ۵۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/
۱۵۳۱-۱۵۳۴)، گنجینه دانشمندان (۴/ ۶۲۵-۶۲۷)

شاعر، از امور دیوانی آگاهی داشت و در سرودن شعر توانا بود، از اوست:

در صاف کسی درد مرا سود ندارد
درد دل من روی به بهیود ندارد
تحفه سامی (۱۰۰)، الذریعه (۵۰۰/۹)

شاه قاضی یزدی، ملا محمد، (ز ۱۰۳۱ ق)، عالم امامی و مفسر، ملقب به قاضی، از آثار وی: شرح «آیات الاحکام»، به فارسی مرسوم به «تفسیر قطب شاه»، تفسیر پانصد آیه از احکام قرآنی است که آن را به نام سلطان محمد قطب شاه تألیف کرده است؛ تفسیر آیه «و جزاء سیئه سیئه مثلها»؛ شرح حدیث «ان الله لایجمع امتی علی ضلالة»؛ رساله‌ای در «الجمع بین قول انبئی (ص)، ما عرفاک حق معرفتک، و قول میرالمؤمنین (ع): ما شککت فی الحق منذ رأته، و لو کشف النعاه ما ازددت یقیناً»، که در ۱۰۳۱ ق تألیف نمود

ایمان الشیعه (۳۳۰/۷)، الذریعه (۳۰۲، ۳۰۱/۴)، ۵/۱۳۴، ریحانه (۱۷۴-۱۷۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (برن ۱/ ۲۵۵)

شاه قولی الوانی قمی، (س دهم ق)، نداشت شعر، متخصص به الوانی، هنرمند دوره صفوی و اهل تبریز بود اجداد وی از قم به تبریز رفته و در آن ولایت ساکن شده بودند، او در رمالی و طالع بینی و اسطرلاب سیز دست داشت و در شعر و شاعری شیرین کلام بود، شاه قولی شاگرد آقامیرک بود و در صند آثار خود شیوه استاد برگزیده و در کمال بصیرت و آرمستگی از عهده انجام آن برآمده است، او ظاهراً در قرن دهم، در دیار عثمانی شهرت داشته است از آثار وی تصویر ازدهایی با هیبت و استحکام کم نظیر در شیوه میرک که اسناد به اسب و به خط نستعلیق رقم: «عمل شاه قولی علی طریق المثنی» دارد؛ تصویر پرندگان گوناگون که با چرخش استادانه مخصوص در کمال قدرت رسم شده و در حواشی سیز تصویر و آرایش اسلیمی به طریق آثار میرک نقش شده و برقم «شاه قولی» دارد؛ تصویر فرشته خوش حالت نالداری که در حقیقت حامل آب حیات است و برای تقدیم آن به یک مرد روحانی در حال پروز است و رقم «عمل شاه قولی» دارد.

احوال و آثارهائیک (۲۳۹-۲۳۷/۱)، تحفه سامی (۳۷۲)، فرهنگ سخبران (۸۶)، مناقب سروان

(۱۰۵)، هنر عهد تیموریان (۵۷۹).

شاه کیود جامه استوآبادی، شاه نصرت الدین، (س ششم ق)، شاعر سمنانی الاصل بود و در زمان سلطان تکش حکومت فیروزکوه و اطراف آن را داشت، اما مخالفان سلطان را نسبت به او بدبین کردند و سلطان دستور کشتن او را داد، نصرت الدین التماس کرد که او را رنده نزد سغان ببرند، وی در حضور سغان این رباعی را می‌آید، سرود و مورد عفو سلطان قرار گرفت.

سذکره نور روشن (۲۰۷-۲۰۶)، الذریعه (۹۰۷/۹)، ۱۱۹۲، باب‌الایاب (۵۲-۵۱/۱)، هفت اقلیم (۳/ ۹۹-۱۰۰)

شاهکی اصمهدی، (س دهم ق)، شاعر، اهل قرینه، زان اصمهد بود، از اوست:

مطربا بنواژ تا سرو سهی بالای من
برفشاند دست و بید چاشمشای من
اشکده آذر (۹۴۷/۳)، تحفه سامی (۲۳۷)، تذکره روز روشن (۲۰۹)، الذریعه (۵۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۰)، مخزن الثواب (۹۶۷-۹۶۶/۲)، هفت اقلیم (۲/ ۴۲۹)

شاهکی قمی، (س دهم ق)، شاعر، اصل وی از قم و ساکن شهر ری بود، از اوست:

مدتی شد که جدا از رح جانان شده‌ام
ره چه گویم که چسان بی سر و سامان شده‌ام
تحفه سامی (۶۶)، الذریعه (۵۰۰/۹)، صبح گشتن (۲۲۰)

شاه محمد، (ز ۹۷۶ ق)، خطاط از آثار وی: «صند کلمه» و «زیری» سر لوح مرصع و تماماً جدول بندی مدحی هالی، به خط رقاع جلی عالی، با رقم، «علی یدالعبید المذهب محمد انکتاب غفرالله له سنة ست و سبعین و تسعمائة» (۹۷۶) و نستعلیق کتابت خوش، با رقم، «حرره شاه محمد».

احوال و آثار خرمیوسان (۱۸۲/۲).

شاه محمد دره‌ای. (ز ۹۷۶ ق)، خطاط از آثار وی یک نسخه «تیمورتاش» هاتقی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... سنة ست و سبعین و تسعمائة» در بلدة قندهار صورت یافت، کتبه العبد المذنب شاه محمد دره‌ای. «.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۹۲).

شاه محمد کاتب. (ز ۹۰۸ ق)، خطاط در شراساد می‌زیست. از آثار وی: یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به خط نستعلیق خوش، با رقم: «تمت الکتاب... تحریر فی سلخ رمضان سنة ۹۰۸ شاه محمد الکاتب»؛ یک نسخه «شاهنامه فردوسی» با مقدمه بایستغری، به خط نستعلیق خوش و با رقم: «شاه محمد الکاتب»؛ یک نسخه «بوستان سعدی» به قلم خوش، با رقم: «شاه محمد الکاتب».

عصر عهد تیموریان (۱۶ و ۱۷-۷۲۳-۷۳۲).

شاه محمد مشهدی. (ز ۹۷۷ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وائقی مؤلف «مناقب هنروان» وی را شاگرد مالک دیلمی و مؤلف «گستان هنر» او را شاگرد سلیم یشابوری دانسته‌اند. او جز نستعلیق، به اقلام دیگر نیز آشنا بود. در سرودن شعر نیز توانا بوده است. از آثار وی، یک نسخه «صدکلمه» حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، به قلم ثلث نیم در دانشگاه جلی هالی و ترجمه آن به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقمهای: «علی ید العبد المذنب محمد الکاتب عفرالله له سنة ست و سبعین و تسعمائة» و «حوره شاه محمد».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۹۲-۲۹۴)، الذریعه (۹/

۱۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵)، گستان هنر (۱۰۴)،

مطلع الشمس (۲/ ۲۲۵)، مناقب هنروان (۸۵)، هنر

عهد تیموریان (۲۹۹، ۵۱۲-۵۱۴).

شاه محمود کرمانی. (ز ۷۱۱ ق)، تاجر از آثار ارزنده این استاد، منبر مسجد جامع شهر نایب است که کنده کاری شده و در نوع خود ممتاز است. در طرفین منبر مزبور، نام واقف و استاد سازنده به خط نسخ استاده‌ای کنده کاری شده که چنین است: «وقف المصنف الاجل... جمال الدین حسین... هذا المنبر علی مسجدا الجامع ببلده الطسه الثانی فی سنة احدى عشر و سبع مائة». در طرف دیگر منبر، نام تاجر قید شده: «حسن

شاه محمد، فرزند میر سید علی، (س دهم ق)، نقاش و خطاط. اهل تبریز بود. در معیت پدر و سایر هنرمندان به هند رفت. در هنر نقاشی و الامقام بود و در صنعت خط نیز دست پر ملاحظه داشت. از آثار رقم‌دار وی دیده نشده است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۹).

شاه محمد اشرفی، فرزند محمد حسین. (ز ۱۰۹۹ ق)، خطاط از آثار وی: «مفاتیح الجنان» وزیري مذهب، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «قد نضرفت بکتابها شاه محمد بن محمد حسین الاشرفی... سنة تسع و ستین بعد الالف...» (۱۰۶۹)؛ «مفاتیح الجنان» وزیري، یک سر لوح مرصع و در صفحه اول متن و حاشیه تشعیر سازی مذهب با جلد ساغری، به خط نسخ کتابت متوسط، با رقم: «قد نضرفت بکتابها... شاه محمد بن محمد حسین الاشرفی... سنة تسع و ستین بعد الالف...» (۱۰۶۹)، قرآن سم ربعی، جلد روغی، صفحه اول و شش صفحه آخر مذهب و مزین، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «... شاه محمد بن محمد حسین اشرفی» سال ۱۰۹۹، در موزه ایران باستان.

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۲).

شاه محمد اصفهانی، (س دهم ق)، نقاش. از این هنرمند دو اثر رقم‌دار به جای مانده که در شیوه استاد محمدی تصویر شده است. یکی از این تصاویر، زن چادر به سری است که در مقابل جرائی که ساز به دست گرفته، ایستاده و به آواز ساز گوش می‌دهد و رقم: «حسن شاه محمد اصفهانی» دارد؛ اثر دیگر وی، تصویر جوان حمامه به سری است که در حضور مرشد بزرگواری نشسته و مشغول صحبت می‌باشد و رقم: «حسن شاه محمد اصفهانی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۳۹).

شاه محمد حسینی قزوینی، فرزند قاسم بن عزیززاده. (ز ۹۱۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «روحه الشهداء» ملا حسین واعظ کاشفی، به خط نستعلیق کتابت خفی هالی، با رقم: «قد تمت الکتاب فی... سنة ۹۱۴ علی ید العبد... شاه محمد بن قاسم بن عزیزالله الحسینی القزوینی».

خوشنویسان و هنرمندان (۹۳).

اصطخر الصناع و التجار شاه محمود الکرماتی - خدایش
پیامرزد هر که فاتحه بخواند
(احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۶۰).

شاه محمود نیشابوری. (ر ۹۸۲ ق)، خطاط و شاعر،
متخصص به مخلص و مشهور به زرین قلم. در نزد شاه
اسماعیل صفوی مرلنی خاص داشت. در جوانی ملازم
شاه طهماسب اول بود و با کاتبان و نقاشان و دیگر
هنرمندان در کتابخانه شاهی به امر کتابت اشتغال داشت.
پس از چندی به مشهد رفت و در مدرسه قدیمه نزدیک
چهار باغ مجاور شد و به عبادت پرداخت. مدت پست
سال در آنجا شاگردانی از جمله قاضی احمد قمی، سلیم
نیشابوری، حاج محمد تبریزی، محمد حسین باخوری،
مستطاب محمود ترمسی و قطب‌الدین بودی را تربیت کرد و
در ضمن به کتابت و قطعه نویسی نیز مشغول بود. در خط
لطافت شیوه سلطان علی و استوری و یکخواختی شیوه
میر علی هروی را داشت. در کتابت به حصرص خعی و
عبار، مخترع سبکی است که بعدها با نایب‌الاصفاها آن
را تکمیل کرد. شاه محمود شعر نیز می‌سرود و حین
پانصد بیت شعر از او مانده است و قصیده‌ای در مایه
اسام رضا (ع) دارد که در راهرو دارالسیاده، موزه‌های
مناره‌ای نصب شده است. در هشتاد و هشت سالگی
درگذشت و در جوار قبر سلطان علی مشهدی به خاک
سپرده شد. مؤلف «گلستان هنر» درگذشت او را به سال
۹۷۲ ق نوشته است. مانک دیلمی در رساله خود که به
سال ۹۸۹ ق نوشته او را جرو هنرمندان زنده زمان خود
یاد کرده است. آنچه از آثار او برمی آید وی تا سال ۹۸۲
ق حیات داشته است. از آثار وی: یک نسخه «سوسان»
سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب
... کتبه العبد... شاه محمود نیشابوری... سنة ثنت و
عشرین و تسعمائة الهجرية»؛ یک نسخه «سیحه الابراة»
جذبی، به قلم کتابت خفی ممتاز، با رقم: «اتمام ایس
جواهر آبدار... فی سنة ۹۴۳، علی ید اضعف العباد، العبد
المذنب شاه محمود نیشابوری...»؛ یک نسخه «خمسه»
امیر خسرو دهلوی، با رقم: «شاه محمود نیشابوری» به
سال ۹۷۹؛ نسخه‌ای از «چهل کلمه» به قلم نیم دو دانگ و
کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر شاه محمود
سنة ۹۸۲ اثنی و ثمانین و تسعمائة».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۰۷-۲۹۵)، طلس خط
(۲۹۱-۴۸۹)، تاریخ سظم و نشر (۱۶۹۲-۹۳)، تاریخ

هرهای ملی (۲/ ۸۹-۸۹۲)، تحفه سامی (۱۳۳-
۱۳۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۲، ۱۳۵)،
دائرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۳۴۵)، اللزیمه (۹/ ۱۰۷۱)،
سیح گلشن (۳۹۴)، گلشن هنر (۸۹۸۷)، مناقب
هروران (۶۶-۶۵، ۷۱، ۱۱۴)، هرهنگ سحروران
(۸۲۸)، گارنامه بررگان (۱۲۳-۱۲۴)، هنر عهد تیموریان
(۲۹۵-۲۹۶، ۴۲۵-۴۲۶، ۷۱۲)

شاه مراد. (س نهم ق)، خطاط از آثار وی، یک قطعه
از مرقع بایقوا، طهماسب، به خط ثلث سه دانگ جلی
ممتاز و نسخ و رقعه کتابت عالی، با رقم: «مشقه شاه
مراده (قرن ۹)، در خزانه طوط قاپر سرای.
حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۲)

شاه مراد خوانساری. (س یازدهم ق)، موسیقیدان و
شاعر، متخصص به مراد، از تصنیف سارهای معروف
رمان شاه عباس و در علم آواز و فن موسیقی و ترکیب
تصنیف استاد بود. وی به خاطر تصنیفی که در مقام دو
گاه و نوروز صبا ساخته بود، مورد تشریق شاه عباس
قرار گرفت. مطلع آن تصنیف، بیت زیر است.
صد داغ به دل دارم ز آن دلیر شیدایی
آزده دلی دارم من داسم و رسوایی
تاریخ صفه‌ها (۲۶۸-۲۶۹)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۸)،
سنگره نصرآبادی (۳۱۸-۳۱۹)، فرهنگ سخنوران
(۲۹).

شاه مظفر خراسانی، فرزند منصور. (س دهم ق)،
نقاش. از هنرمندان صاحب قلم بود. ظهیرالدین محمد
بایر شده در «تروک بایری» هر او را ستوده و حتی بر پیرد
ترجیح داده است. شاه مظفر در دربار سلطان حسین
بایقوا نگارگری می‌کرد و در پیست و چهار سالگی
درگذشت. از آثار وی: تصویر حضرت محمد (ص) که
سوار بر براق است و در بالای تصویر به خط نستعلیق
نوشته شده: «کار نادر العصری استاد شاه مظفر سده قلم
عاش خراسانی»
حوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۴۰، ۲/ ۱۲۰۲)، گلستان هنر
(چ).

شاه علا متیجم شیرازی، سید عبدالله حسینی بلدانی
(س دهم و یازدهم ق)، منجم، معروف به شاه ملا. از آثار

شاه نعمت‌الله ولی کوه پناهی کرمانی

هنگام سلطنت شاه جهان به هندوستان رفت و با طالب و کنیم هم صحبت شد. وی از هند به پره‌پور رفت در آنجا در جرگهٔ مداحان میرزا عبدالرحیم خانخانان سپهسالار درآمد و نهایتاً عزایی در مدح او گفت. پس از مدتی به اصفهان مراجعت کرد. مدتی تولیت سرار شاه رضا دمشه‌ای را داشت از اوست.

خوشید که هر طرف سپاهی دارد
دردیده به هر طرف نگاهی دارد
چون نابندان به کنج حرکت مشین
هر کسره دهی به شهر راهی دارد

تاریخ اعیان در ایران (۵/ ۲۷۲، ۸۹۳ تذکرهٔ دور
روسی (۵/ ۲۰۶-۴۰۵)، تذکرهٔ میخانه (۸۳۲-۸۴۶)، تذکرهٔ
صربادی (۲۷۸-۲۷۷)، الذریعه (۹/ ۵۰۲-۵۰۰)،
فرهنگ سخنران (۲۹۱)، مآثر رحیمی (۳/ ۱۴۷۱
۱۲۷۴)، مخزن العرائف (۹۲۹-۹۲۷)، مناقب الامکار
(۳۸۳)، ششتر عشق (۷۹۱-۷۹۰).

شاه نعمت‌الله ولی کوه پناهی کرمانی، سید نورالدین،
فرزند میر عبداللّه (۸۲۷-۸۳۴/۸۳۷ ق)، عارف و
شاعر متخلص به سید و نعمت‌الله مشهور به ولی. در
ماهان کرمان متولد شد. پس از کسب مقدمات علم نزد
شیخ رکن‌الدین شیرازی، شیخ شمس‌الدین مکی،
جلال‌الدین خوارزمی و قاضی عبداللّیس به سیر و
سوک پرداخت. به مصر و عرب و مکه و ماوراءالنهر و
سمرقند سفر کرد. آنگاه به کرمان بازگشت و خاتمه و ماغ
حمام بنا نهاد و سلسلهٔ نعمة‌اللهیه را به وجود آورد. او در
زمان حیاتش شهرت و نفوذ بسیار و مریدان فراوانی
داشت که از آن جمله مردم حامی و شهادت و شاعران
ایران و هند را می‌توان نام برد. سلسلهٔ نعمت‌اللهیه در
میان سلسله‌های باقی مانده صوفیان هنوز هم دسته‌ای
معروف و مهم می‌باشند. وی از جمله بزرگان تصوف
معتقد به شیعه بود و مورد توجه شیعیان هر یکصد و سه
سالگی در ماهان درگذشت و همان‌جا دفن شد. بعدها به
امر سلطان احمد بهمنی پادشاه دکن بقعه‌ای برای او
ساخته شد که اکنون زیارتگاه معروفی است. در مناقب
وی کتابهای بسیاری تألیف شده، از جمله: «سوانح لایام
فی مشاهدات الموام / سلسله العارفين» تألیف صبح‌الله
نعمه‌اللهی که پس از ۱۰۶۶ ق نوشته شد. از آثارش:
«دیوان» شعر که سیزده هزار بیت حاوی اشعار عرفانی و
توضیحاتی در مورد عقاید صوفیه است؛ «رسالة

وی. کتاب «جهت‌الرمی»، که به اشعار در «کشف‌الظنون»
«جهان‌الرمی» ذکر شده است.

الذریعه (۵/ ۲۹۵)، میخانه (۳/ ۱۷۲)، کشف‌الظنون
(۶۲۲)

شاه میرحسینی، سید هبة‌الله، (س نهم ق)، نویسنده.
از آثار وی. کتاب «آداب سلطنت»، که از ۸۸۲ تا ۸۹۸ ق
تألیف کرد؛ شرح «تهذیب المستطیع»؛ شرح فارسی
«هیئت».

تاریخ نظم و نثر (۲۶۳)، الذریعه (۱/ ۲۰، ۱۲/ ۱۶۲،
۳۷۷)، میخانه (۲/ ۷۵-۱۷۴).

شاهمیردروانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد. (وف ح
۹۹۱ ق)، شاعر، متخلص به تقی. مشهور به شاهمیر
اصل وی از خوارسگان اصفهان و از سادات طاطایی
بود. در اوایل جوانی به هند مسافرت کرد و در آنجا ترقی
زیاد نمود و نزد ابراهیم قنصل‌نشین بیشتر از بیست سال
منصب صدرات و مصاحبت داشت. بعد از موت آن
پادشاه از آن منصب استعفا کرد و به زیارت حرمین
شریفین رفت و بعد از توفیق گذراندن حج و زیارت پله
هند بازگشت. از اوست.

آن پری ساکنی کاشانه من بود امروز
ریشک فردوس پریشان من بود امروز
نکه هرگز نکند گوش به افغان کسی
تا به شب گوش به افسانه من بود امروز

«سریه» (۹/ ۱۷۳)، فرهنگ سخنران (۱۸۹)، کدروان
هند (۱/ ۲۴۸-۲۵۰)، هفت اعلیم (۲/ ۴۶)

شاهمیر دیلمی، فرزند ملک محمود چان. (س دهم
ق)، شاعر برادر میرک بیک وزیر شاه اسماعیل صفوی
بود که چندی پس از برادر منصب وزارت داشت. از
شاگردان حاج محمود تبریزی بود. از اوست:

مرحمتی بیست که دل را می‌از او چاره کنم
مگر از مینه برون آید و صندپاره کنم

نحة ساسی (۹۲)، الذریعه (۹/ ۵۰۱)، لغت نامه (ذیل /
شاهمیر دیلمی)

شاهمیر رازی - شاهمیر دیلمی

شاه‌نظر دمشه‌ای. (س یازدهم ق)، شاعر از مشایخ
قبشه اصفهان بود. اصل وی ظاهر از طریقهٔ افشار بود. در

اصطلاحات»؛ «رسالة فن هو الله احد»؛ «رسالة تركل»؛
«رسالة تحففات»؛ «مکاشفات»؛ «تعريفات»؛ «آداب
حموت».

آتشکده، آذر (۲/ ۶۲۱-۶۲۰)، از سعدی تاجانی (۲۵۹)،
۴۹۳-۶۸۲، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۲۲۳-۲۲۸)،
تاریخ نظم و نثر (۱۸۷-۱۹۰)، تذکرة الشعراء
(۲۷۹-۲۷۱)، حبیب السیر (۴/ ۸۷)، دایرة المعارف
فارسی (۲/ ۱۴۴۶)، دیبکه جستجو در تصوف
(۲۰۰۹۵)، الذریعة (۹/ ۲۱۵-۱۲۱۶)، رساله‌های
حضرت سید نورالدین (مقدمه/ ۲۴۳)، ریاض المارین
(۱۲۸-۱۲۴)، روحانه (۶/ ۲۳۹)، مستزگان کسرهان
(۲۲۹-۲۳۳)، صبح گشتی (۲۱۴، ۵۳۲-۵۳۴)، طبقات
اعلام الشیخه (قول/ ۹/ ۱۲۷)، طرائق الحقائق (۲/ ۲۰۳)،
فرهنگ سخنوران (۹۴۶-۹۴۷)، اسامیه (دلیل/)
نعمت‌الله، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۶۳۰-۶۳۳)، مجمع
الفصحا (۲/ ۱۰۸-۱۰۷)، مجمل مصیبه (ذیل/ سال
۸۲۴)، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌الله ولی،
مجمع المؤلفین (۱/ ۱۳).

شاه نعمت‌الله یزدی، نعم‌الدین نعمت‌الله لسانی (س)
دهم ق)، شاهزاده از اجداد شاه نعمت‌الله ولی و نریشاهان
تبریز بود. او با شاه طاهر دکنی مکاتباتی داشته است.
آتشکده آذر (۱/ ۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/
۱۰۲۰، ۵۷۳).

شاهوردی بیگ، فرزند سلطان علی بیگ (س)
یازدهم ق)، شاهزاده از اوست.

گلستان ادب سی آبرو غرم نمی‌گردد
گل باغ حیا در هیچ موسم کم نمی‌گردد
بهالی را ز اول سعی کن تا راست بر حیرد
که چون گردد قوی از روز یارو غم نمی‌گردد
تذکرة روز روشن (۴۰۹)، تذکرة نصرآبادی (۳۱)،
الذریعة (۹/ ۵۰۲).

شاهی، علی اکبر خان، فرزند حسنعلی خان،
(۱۲۳۶-۱۳۰۲ ش)، نوزیده معروف به بدرخانه، چون
از نوزادگان شاه بود، به علی اکبر خان شاهی معروف
شد و درباره شهرت او به آیدرخانه چنین نقل شده که
وی از نرس فرزندان ناصرالدین شاه مدتی در آیدرخانه
دربار مستحسن بوده است. پدر وی از غلام بیچه‌های

محمدشاه قاجار بود که به امیر حد ملقب بود و آواری
خوش داشت و دستور لیر می‌نواخت. علی اکبر حد
محبت نزد پدر به فراگرفتن دستور پرداخت و پس از
درگذشت پدر به خدمت محمدصادق خان سرورالملک
رفت و نوزاده دریاری شد. او در نواختن تار نیز مهارت
داشت. از شاگردان وی می‌توان به ابوالحسن صبا اشاره
کرد. از علی اکبرخان صحفات بسیاری باقی مانده است.
در تهران درگذشت و در قبرستان چهارده معصوم (ع) به
خاک سپرده شد.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۲۳، ۱۲۲، ۱۵۷، ۱۶۴)،
تاریخ موسیقی (۲/ ۵۱۲-۵۱۳)، سرگذشت موسیقی
(۱/ ۱۶۲-۱۶۳، ۴۶۲-۴۶۴).

شاه‌یدی، یدالله میرزا، (س سیردهم و چهاردهم ق)،
نوازنده از شاگردان شعبه موزیک دارالفنون و از تربیت
یافتگان لومر فرانسوی بود. وی در مدرسه دارالفنون با
موسیقی اروپایی آشنا شد و به خط موسیقی جدید (نت)
تعمد پیدا کرد. در او پس قره‌نی می‌نوخت و بعد به
نوازندگی نی مشغول شد. شاه‌یدی گذشته از آهنگهای
موسیقی ملی، قطعات موسیقی اروپایی را نیز با نی
می‌نواخت.

استادان موسیقی (۶۰)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۲۲)،
۶۲۳، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۶۷-۲۹۳)، سران
موسیقی (۲/ ۳۴).

شاهی سیزواری - امیر شاهی سیزواری

شاهی شیرازی، سیدکمال‌الدین فتح‌الله بن هبه‌الله بن
عطاءالله حسینی حسنی سلامی لاری، (و ۱۰۹۸ ق)،
هالم و قاضی از طایفه سادات شاهی شیراز بود. او از
شاگردان حاج حسین یزدی، شارح «خلاصه» بهایی
دانسته‌اند قاضی محمد سعید قمی از شاگردان و اولیای
وی می‌باشد. از دیگر شاگردان وی ملا عبداللطیف بن
اسماعیل جرایری عجمی است. او در شهر لار سالیانی
عهده‌دار منصب قضاوت بود. سپس شاه سلیمان صفوی
او را به اصفهان خواند و عهده‌دار منصب قضاوت آنجا
کرد و وی کتاب «البدیع» را به نام شاه سلیمان نوشت. از
دیگر آثار وی «التاریخ» یا «تاریخ شاه فتح‌الله»؛ «کتاب
الامامة»؛ «ریاض الارباب فی مناقب الکواثر».

امین‌الشیخه (۸/ ۳۹۳)، الذریعة (۲/ ۳۳۱، ۳/ ۷۲-۷۱).

(دبل / شایق مستندچی، مجمع الفصحى (۵/ ۵۳۲).

شایق اصفهانی، آقا علی اصفهر/عسکری. (س سیزدهم)، شاعر، در «مجمع الفصحى» تخلص او شقایق و در «حدیقه الشعراء» تحت عنوان شایق شیرازی آمده است از او است:

چيست كالاي محبت، حيرتى دارم كه هر چ
مى فروشندش به هيچ و كس خريدارش نباشد
حدیقه الشعراء (۲/ ۸۷۸-۸۷۷)، الذریعه (۹/ ۵۰۶)،
فرهنگ سخنوران (۲۹۳)، مرآت الفصحى (۲۹۲-۲۹۳)،
مجمع الفصحى (۵/ ۵۳۸)، مصحبه خراب (۹۹).

شایق شیرازی، هادی بیگ- شایق لرستانی.

شایق لرستانی، هادی بیگ (وف ۱۲۲۹/۱۲۳۶ ق)،
شاعر، متخصص به شهرت و شایق از ایل ساکی فیلی
لرستان بود در تهران درگذشت و در قم در روضه
حضرت معصومه (س) دفن شد. او به سبک «بوستان»
سعدی مثنوی ای نزدیک به هرات بیت سرود که به اتمام
فرمایید از دیگر آثار او: همت پندش است در برابر همت
بند ملا حسن کاشی در مدح امیرالمؤمنین (ع)، «دیوان»ی
از عربیاته قصاید و رباعیات، نزدیک به پنج هزار بیت
حدیقه الشعراء (۲/ ۸۷۹)، دانشمندان و سخن سرایان
فارس (۵/ ۹۸۵-۹۸۶)، الذریعه (۹/ ۵۰۶)، سفینه
المحمود (۲/ ۴۸۹)، گزوار حاویان (۶۹۱)، مجمع
الفصحى (۵/ ۵۳۹)، مصطفی خراب (۹۸-۹۷)،
مکرم الآثار (۳/ ۸۷۸-۸۷۹)، نگارستان دارا
(۲۰۹-۲۰۷).

شایگان، تقی، (وف ۱۳۲۲ ش)، نوازنده، در همدان
متولد شد و در آنجا نوازندگی ویولن را نزد برادر
بزرگترش که در بواخشن تار مهارت داشت، آموخت
پس نزد استادان ویولن آن شهر به تکمیل نوازندگی
پرداخت. شایگان در نوازندگی ویولن تکسکی فوی و
روشی صحیح داشت و از سبک گمانچه تمییز می کرد.
در حدود ۱۳۱۷ ش به تهران آمد و در منزل عسکری
خود به تعلیم ویولن پرداخت و چند سال بعد با ابراهیم
سرخوش و روح انگیز قطعانی در دستگاههای مختلف
موسیقی ایرانی اجرا نمود. وی در منزل مسکونی خود به
علت ابتلا به تیغوس درگذشت و در اسامرازه همدان

۲۵۹، ۱۱/ ۳۱۶)، روضات الجنات (۵/ ۳۲۹-۳۳۰)،
ریاض العلماء (۲/ ۳۱۸-۳۱۷)، ریحانه (۲/ ۱۷۳)،
طبقات اعلام المسیحه (قرن ۱۱/ ۲۲۹-۲۳۰)، عوائد
الرصیبه (۳۴۶-۳۴۷)، مجمع المؤمنین (۸/ ۵۳-۵۴).

شامین یزانی، علی، فرزند محمد، (س چهاردهم
ق)، شاعر از شعرای اصفهان است. «دیوان» شعری در
حدود سه هزار بیت دارد.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۶۵) الذریعه (۹/ ۵۰۳)

شامین قراهنی، قاطعه سلطان خانم، فرزند میرزا
حسین. (۱۲۸۲- پس از ۱۳۰۵ ق)، شاعر، متخصص به
شاهین، حراهر ادیب الممالک قراهنی بود و از طرف
پدر و مادر نسبش به قائم مقام قراهنی می رسید. او در
ادبیات فارسی و عربی مهارت کامل داشته و مقامش در
شعر فارسی بنا به قول مؤلف «تذکره نقل مجلس» همانند
ختساء در شعر عربی است. «دیوان» او حدود دو هزار
قصیده در مدح امام قائم (ع) و مظفرالدین شاه قاجار
است.

او رابعه تا پورس (۱۷۵-۱۷۸)، الذریعه (۹/ ۵۰۲-۵۰۳)،
ریاحین الشریعه (۵/ ۲۰۳)، زنان سخنور (۱/ ۲۸۷-
۲۸۸)، مشهور زبان (۱۷۷-۱۷۸).

شایق اصفهانی، میرزا محمد علی، فرزند میرزا
جعفر. (س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر، متخصص به
شایق. در اوایل عمر از اصفهان به یزد رفت و در آنجا
ساکن و به طبابت مشغول شد. از آثار وی: «دیوان»
اشعار، حارای قصایدی مشتمل بر مدح امیرالمؤمنین و
امام رضا (ع) و مرثی ای امام حسین (ع) است.

حدیقه الشعراء (۲/ ۸۲۵-۸۲۶)، الذریعه (۹/ ۵۰۶)،
فرهنگ سخنوران (۴۹۳).

شایق مستندچی، ملا احمد، فرزند ملا سلیم. (ر.
۱۲۶۴ ق)، عالم، قاضی و شاعر. در سقر متولد شد. در
مستندج قاضی بود و امور شرعی و مشکلات دینی
مسلمانان را حل و فصل می کرد. گاهی به طور تفتی
قصیدهای در مدح می سرود.

تاریخ مناهیر کرد (۱/ ۳۷۲-۳۷۳)، حدیقه سائرالملکین
(۲۹۵-۳۹۶)، حدیقه الشعراء (۲/ ۸۲۷)، نقت نامه

شهر ری به خاک سپرده شد.
مردان موسیقی (۲/ ۶۶-۶۶).

تذکره روز روشن (۲۱۱)، الذریعه (۹/ ۵۰۵)، فرهنگ
سخنران (۴۹۵، ۴۹۴)، مخزن المراثی (۲/ ۹۶۹)

شایگان، سید علی، فرزند سید هاشم ملا رهی
شیواز (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش)، حقوقدان، استاد دانشگاه و
متوهم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات
ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه به تهران
آمد و وارد مدرسه علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره
آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته حقوق به
فرانسه رفت و دکتر گرفت. پس از بازگشت، در دانشکده
حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالها معاون
دانشکده بود، سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید. او
عضو هیئت ملی بود و با دکتر مصدق روابط دوستانه‌ای
داشت. در انتخابات دوره شانزدهم و هفدهم مجلس
شورای ملی به نمایندگی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲
ش مدت‌زمانی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در
آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم
می‌گفت. از آثار وی: «مقدمه حقوق مدنی ایران» ترجمه
«امیدهای نو» برتراند راسل.

آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشنامه
سخن سرایان فارس (۳/ ۲۳۲-۲۳۷)، شرح حال رجال
سیاسی و نظامی (۲/ ۸۶۹-۸۶۸)، مؤلفین کتب سیاسی
(۴/ ۲۷۵-۲۷۴)

شیاب بروجنی، حسین، فرزند حاجی بیگ. (تو
۱۲۸۱ ش)، شاعر در قصبه بروجن متولد شد. در
مکتبهای محلی تحصیل کرد و شعبش یزازی بود. از
وست

سای جام پایی کاول نوروز شد
حشر نوروزی به پا برگید فیروز شد
بر فراز تخت، خورشید جهان افروز شد
مشق در بزم او با نغمه چانسوز شد
تذکره شعرا معاصر اسفهان (۲۶۶، ۲۶۷)، الذریعه (۹)

۵۵

شیاب رامیسی، حاجی محمد حسین، (س دور دوم
ق)، شاعر. در دوره محمود خان افغان می‌زیست. از
وست

گاهی ز گلشن کزیت بیامدم بوی
به طوق زلف مگر گردن صا دارد

شیاب شوشتری، محمد علی. (۱۲۵۰-۱۳۲۴ ق)،
شاعر، متخصص به شیاب. در شوشتر متولد شد. او
شاگرد شیخ جعفر شوشتری بود و تحصن خود را را
گرفت «کلیات» اشعار وی که با «تجربه الاحیاء» آغاز و با
«درعیات» پایان می‌پذیرد با عنوان «جامع المحسنات»
ظاهر است. در شمش و سپس به سان ۱۳۳۶ ش در
اصفهان چاپ شده است. قسمتی از اشعار وی در
«مخزن الدرر» آمده است. دکتر عبدالحسین نوایی در
حاضیه کتاب «حدیقه الشعراء» نام او را ملا عباس شیاب
ضبط کرده است.

حدیقه الشعراء (۲/ ۸۳۱-۸۳۲)، الذریعه (۹/ ۵۰۵)،
فرهنگ سخنران (۴۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۶۹)

شیاب کرمانشاهی، محمد جواد. (۱۲۲۲-۱۳۱۲ ش)
ش، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به شیاب. در
کرمانشاه متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل علم
پسرداخت. در ۱۳۰۴ ش روزنامه «فصاحت» را در
کرمانشاه تأسیس و تا ۱۳۰۹ ش منتشر کرد. وی شاعری
در انا بود و در سرودن قصیده و غزل مهارت داشت
پیکرش را در نجف دفن کردند. از آثار وی: «شکرستان»،
شعر «محزون النالی»، شعر «کلیات» اشعار متجاوز از
پنج‌هزار بیت، شامل منظومه‌های: «نشاط شیاب»،
«چشمه نوش»، «ادبستان معرفت»، «تبر شیاب»،
«برستان»، «لسان العاشقین» و «کیمیای سعادت» و «مرثیه
چراغ برق» شعر

تاریخ جریده (۲/ ۸۱-۸۲)، الذریعه (۹/ ۵۰۶-۵۰۵)،
سخنران نامی معاصر (۴/ ۱۹۱۲-۱۹۱۶)، فرهنگ
سخنران (۲۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۱۷، ۲۱۶)

شاهنگ تهرانی، میرزا سید علی - شاهنگ رازی

شاهنگ رازی، میرزا سید علی. (ز ۱۲۸۱ ق)، شاعر
از سادات تهران بود. اشعار او در مدایح مصومین -
سلام الله علیهم - می‌باشد

حدیقه الشعراء (۲/ ۸۳۳-۸۳۴)، الذریعه (۹/ ۵۰۶)،
طرائف الحقائق (۳/ ۵۸۳)، فرهنگ سخنران (۴۹۵)

الناسخ و الآثار (۲۰۴)، مجمع المصنف (۲/ ۴۷۰).

الدریعه (۵/ ۱۵۹)، طبقات اعلام الشيعة (فرد ۱۱۴/ ۱۳۸۵)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۷۹-۳۷۸).

شبهستری، شیخ نصرالله بن شیخ عبدالله (۱۳۳۰-۱۳۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در تبریز متولد شد. مقدمات و سطوح را در زادگاهش خواند. سپس به قم مسافرت کرد و در همه اصول در محضر آیت الله حاجت کوهمری تلمذ نمود. آن گاه به نجف رفت و از محضر آیت الله اصفهانی و آیت الله شیخ محمد حسین هروی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله حکیم و آیت الله حویسی و آیت الله میرزا باقر زندجانی استفاده کامل نمود. دوره فلسفه و حکمت را نزد آقا شیخ صدر بادکوبه ای فراگرفت و با اجازات حدیده اجتهاد و روایت به ایران برگشت و در تبریز به انجام وظائف دینی و اقامه نماز جماعت و تدریس پرداخت. در تاراش درندگانی حضرت نعمان حکیم به نام «دُرّ یقیم»؛ هدایه الاقران الی اخبار نعمان الحکیم» و مختصر آن «الکلمة الطیبة» در تصایح نعمان حکیم؛ «الذوق لتصيد فی شرح زیارة مولیایابی عبدالله الشهید (ع)»؛ مقدمه و تصانیف بر «أدب الصلاة» علامه مجلسی؛ کتاب «وفا دار باشید».

الدریعه (۱۸/ ۱۲۵، ۱۲۵/ ۱۷۰)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۳۱۹-۳۱۸).

مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۷۹-۳۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۸۱-۵۸۲).

شیللی خراسانی، ابویکر دلف بن جعفر (جعفر بن یونس، ۲۴۷-۳۳۴ ق)، صوفی، فقیه و محدث. اصل وی از شهبایه اسروشته ماوراءالنهر بود. در سامرا به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما کرد. پدرش از پرده داران خلعه بود. شیللی صحبت چند و خلّاج و خیرالاساج را درک کرد و یکی از مشایخ بزرگ صوفیه گشت. او فقیه عارفی در مذهب مالکی بود، گرچه عده ای او را امامی دانسته اند. وی از محدثین روایت می کرد. شعر می سرود و الفاظ و حکم و نوادر و حکایات بسیار از او نقل شده است. از او پرسیدند: شافعی عارف چیست؟ گفت: مینه ای مشروح، ذلی مجروح و جسمی مطروح. نسبت به تمعین شرع مصهر سعی بسیار می نمود. محمد بن عبدالله رازی و محمد بن حسن بغدادی و منصور بن عبدالله هروی از شاگردان وی می باشند. در بغداد درگذشت و در مقبرة حرران دفن شد.

الاعلام (۲/ ۲۱۰)، تاریخ بغداد (۱۴/ ۳۹۷-۲۸۹).

شبهستری، سعدالدین / نجم الدین شیخ محمود بن امین اندین عبدالله لکرم بن یحیی (۶۸۷-۷۱۸/ ۷۱۹/ ۷۲۰ ق)، عارف و شاعر. در شبهستر تبریز متولد شد. در تبریز نشو و نما یافت. او در تصوف مرید و شاگرد شیخ بهاء الدین یعقوب تبریزی بود و علاوه بر این در سفرهای درازی که داشته به خدمت مشایخ بزرگ رسید و از آنان کسب فخر کرد. به سبب جامعیتی که در علوم معقول و منقول کسب کرده بود، خیلی رود شهرت و مرجعیت یافت. او با مشاهیر عصر خود مراد و مکاتبه داشت ضمن سفرهایی که در ایران و خارج از ایران کرد چندی در کرمان رحل اقامت افکند و اولاد و احفاد او در آن سامان ماقی ماندند و طایفه ای را به نام خواجگان تشکیل دادند. شیخ محمود در جوانی، در سی و سه سالگی درگذشت و در کنار استادش شیخ بهاء الدین یعقوب به خاک سپرده شد. مقبرة شیخ در قصبه شبهستر ریانرنگاه مردم است. از آثار وی، منظومه «گلشن راز»، در ۹۹۳ بیت که شیخ آن را در جواب هفده سؤال منظوم امیر سید حسین حسینی هروی، صوفی معروف، سرود؛ «سرآة المسحوقین»؛ «حق الیقین فی معرفة رب العالمین»؛ «سعد الدین».

آتشکده آبر (۱/ ۱۲۸-۱۲۶)، از سعدی ناصبی (۱۸۶-۱۹۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۷۶-۷۷۳، ۱۲۹۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۹-۱۷۰)، جستجو در تصوف (۳۱۳-۳۲۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۸-۳۳۴)، ذیرة المعارف فارسی (۲/ ۲۷۰۳)، الدرر (۷/ ۲۲، ۱۲/ ۱۸۲، ۲۰/ ۲۸۴)، روضات الجنات (۸/ ۱۲۶)، دیوان المارقی (۱۲۸-۱۲۶)، دیوانه (۲/ ۱۷۹-۱۸۰)، سخنوران آذربایجان (۱۵۲)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۱۲۹-۱۳۱)، صبح گلشن (۳۸۴)، طرائق الحقائق (۲/ ۲۵۱، ۷۳۳)، الکی و الالجاب (۲/ ۲۵۲)، نغمه (ذیل / شبهستری)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۷۰-۵۷۱)، مجالس الشیخ (۱۸۵-۱۸۲)، مجمع المصنف (۲/ ۵۹)، مجمع المؤلفین (۱۲/ ۱۷۴)، منت اقلیم (۳/ ۲۱۴-۲۱۵).

شبهستری، شیخ علی بن حسن (وف ۱۳۰۹ ق)، عالم دینی و زاهد. از آثار وی: «جنة الصالحین»، به فارسی؛ «زبدة الاوبر، لتحفة الاخیار».

اجتداد وی از ولایت مازندرانند و از احفاد بزرگ والی آن دیار که از حوادث روزگار به اصفهان رفتند و در آنجا توسط اختیار کردند. میر شجاع‌الدین در علوم متداوله به ویژه معقولات سرآمد روزگار و مجلس درمشی از طایفه علوم خالی نبود، از شاگردان وی می‌توان به شیخ حسین بن حیدر کرکی اشاره کرد که از میر شجاع‌الدین اجازه دریافت نموده و در «بحرالانوار» به آن اشاره شده است. شماری از او در تذکرها نقل شده است.

آتشکده آذر (۹۴۷/۲)، تذکره روز روشن (۲۱۳-۲۱۴)، تذکره‌القبور (۴۹۲)، الذریعه (۵۰۷/۹)، طبعات اعلام لشیهه (قرن ۱۱/۵۵۵-۵۵۶)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، مخزن العرائف (۲/۹۵۲-۹۵۴)، نشر عشق (۳/۸۰۰-۸۰۱)، مفت‌القلوب (۲/۲۰۵-۲۰۶)

شجاع‌الدین، فرزندان مرشد الحرمین، (ز ۸۹۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «خمسه نظامی»، به قلم کتات خمی متوسطه با تاریخهای ۸۹۲ و ۸۹۴ ق و با رقم: «...سنة اثنین و تسعين و ثمانمائة...» یوم النشأه اوخر شهر جمادی الاول سنة اربع و تسعين و ثمانمائة، صی بد العبد. شجاع‌الدین بن مرشد الحرمین...
سوال و آثار خوشنویسان (۲/۳۰۷)

شجاع سیستانی، ملوک شجاع (س یازدهم ق)، شاعر امن سیستان بود. به صفهان رفت و در عباس آباد ساکن شد. نصرآبادی گوید: «گاهی به مسجد لبنان تشریف می‌آوردند و از صحبت ایشان فایده‌مند می‌شویم. طبعش در سخن شناسی و معنی بردازی کمال قدرت دارد». از اوست:

گر سکه دل بر سخن خویش زنی
کی حرف بدی ز دشمن خویش رنی
بدگویی خلق همچو چنگ و دهلیست
منواز که خود بر دهن خویش رنی

تذکره نصرآبادی (۲۸۳۷، ۵۴۰)، المزیحه (۵۰۷/۹)، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، مخزن العرائف (۲/۱۰۲۰)

شجاع فارسی (ز ۹۳۹ ق)، خطاط از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیر حسن دهلوی، به قلم کتات متوسطه، با رقم: «وتمّ الذیوان افصح المتکلمین امیر حسن دهلوی بید العبد الفقیر شجاع الفارسی...» فی تاریخ ۹۳۹.

تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۳۲۹-۳۳۸)، ترجمه رساله قسیریه (۷۲۷)، تذکره‌الاولیاء (۲/۶۰-۱۸۲)، معیقات اسرار التوحید (۷۰۳)، چمنجو در تصوف (۱۵۸-۱۵۹)، حله‌الاربابیه (۱۰/۳۷۵-۳۶۶)، دائره‌المعارف الاسلامیه (۱۳/۱۶۵-۱۶۶)، دائره‌المعارف البستانی (۱۰/۴۰۹-۴۱۱)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۱۲۵۱-۱۲۵۲)، روایات الجنات (۲/۲۲۵-۲۲۶)، ریحانه (۳/۱۸۰-۱۸۲)، سیر النبلاء (۵/۳۶۷-۳۶۸)، طبقات الصوفیه هروی (۴۴۹-۴۴۸)، کارنامه بررگان (۶۰۵۹)، الکامل (۶/۲۲۲)، کشف المعجوب (صفحات متعدد)، الکنی و الالفاظ (۲/۳۵۳-۳۵۴)، لغت نامه (دیل / ابوبکر)، میانی عرفان و احوال عارفان (۳۳۴-۳۳۶)، مجمل مصیعی (دیل / سال ۳۳۴)، صفات الانس (۱۸۷-۱۸۸)، و بیات الاعیان (۲/۲۷۳-۲۷۴)، هدیة الاحباب (۱۶۰)

شتابی گنابادی، (س یازدهم ق)، شاعر. از گناباد حراسان و از مریدان ملا شکیبی اصفهانی بود. به دکن رفت و در آنجا فوت کرد. «دیوان» اشعار وی توسط ملا شکیبی گردآوری شد.

کساروان هند (۱/۶۱۵-۶۱۶)، مآثر و مخرجی (۲/۱۲۵۸-۱۲۶۵)، مفت‌القلوب (۲/۳۱۴)

شجاع اصفهانی، فرزندان استاد قاسم (س یازدهم ق)، معمار. از آثار وی: حیاط گوشه جنوب غربی مسجد شاه اصفهان که به امر شاه سلیمان صفوی به تاریخ ۱۰۷۸ ق بای آن پایه پایان رسانید و کتیبه آن به خط محمدرضا امامی است؛ نقای سبکی هر امتداد حیاطان مشهد که تاریخ اتمام بنای آن، سال ۱۰۸۷ ق و کتیبه آن به خط محمد حسین بن عنایت‌الله است؛ کاشیکاری سردر مدرسه سلیمانیه در اصفهان، با رقم: «عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی».

آثار می اصفهان (۴۷۱-۴۷۲)، اسوال و آثار عثمان (۱/۲۴۱)، تاریخ اصفهان (۲۵۴)، تاریخ مرهای ملی (۲/۹۳۷)، تذکره‌القبور (۳۶۷-۳۶۶)، کارنامه بررگان (۲۳۶)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۲۵۲).

شجاع اصفهانی، میر شجاع‌الدین محمود، فرزند علی حسینی مازندرانی (س یازدهم ق)، عالم، دانشمند، مدرس و شاعر. از مآدب بزرگ اصفهان بود.

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۰۷-۳۰۸).

شجاع کاشانی، (وف ۹۸۱/۹۸۶ ق)، شاعر، علقب به کور. اهل کاشان بود و بیشتر ایام عمر را در زندگانش سپری کرد آخر عمر به علت هجر ابراهیم خان ترکمان حاکم کاشان، به اصفهان رفت و در همان سامان درگذشت

تذکره نصرآبادی (۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۵۰۸)، فرهنگ سموران (۲۹۵)، مسیح الخراس (۱۶۵-۱۶۶)، مخزن المراتب (۲/ ۸۵۷-۸۶)، بشر عشق (۳/ ۸۰۱)، هفت انلیم (۲/ ۴۷۲-۴۷۳).

شجاعی، شیخ علی بن محمد، (س پنجم ق)، شاعر، دو قصیده در مدح فیه رئیس ابو عبدالله محمد بن یحیی و ابوسعید مظفر سروده است. تاریخ بیوق (۹۱، ۹۲)، شاعران بی دیوان (۵۶۳).

شجاعی دماوندی، سیف السلوک، (س دهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شجاعی. از پزشکان صادق زمان خود بود که از ایران به هند رفت و پیرام خان خانان، وی را گرامی داشت وی پس از چندی به ایران برگشت. شجاعی شاعری توانا بود و مخصوص در هجو دست توانایی داشت و مهاجاتی از وی به جا مانده است. تاریخ تذکره‌های فارسی (۲/ ۳۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۵۶۱)، الذریعه (۹/ ۵۰۸)، مسیح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سموران (۲۹۶)، فاروق هند (۱/ ۶۱۵)، هفت انلیم (۳/ ۹۱۸-۹۱۹).

شجاعی مشهدی، (؟)، شاعر. اهل مشهد بود. از اوست.

بر من بت دفریب پر فوس نگذشت
چون ما به من سوخته خرمی نگذشت
سوزیده سر و رلف پریشان در دسب
نگذشت نه می و نه که چه بر من نگذشت
الذریعه (۹/ ۵۰۸)، مسیح گلشن (۲۲۲)، مطلع النمس (۲/ ۹۲۵)، بشر عشق (۲/ ۸۰۱).

شجره اصفهانی، سید حسین، فرزند عیدالرسول (۱۲۷۱-۱۲۷۸-۱۲۶۱ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به پرمی از

وعاظ اصفهان بود. شجره در درجهٔ سامان چهار محال و اختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهرخ و زادگاهش به تدوین پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد و در کالج آمریکایی البر به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره متوسطه وارد دانشکده حقوق شد و همین زمان به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود؛ اما در سرودن انواع شعر توانا بود. در تهران درگذشت. از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»، «تعبیر رقا و روانشناسی امروز»، ترجمه «شخصیت مولی»، «علم معاش»، «قوای روحی و آئین عرومانروایی»، «گزار ایران»، مجموعه مقالاتی دربارهٔ ادبیات ایران در ازمنه قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی»

آیینه (س ۸، ش ۵، ص ۲۸۱-۲۸۲)، تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۹۵-۲۹۶)، سموران مانی محاصر (۲/ ۱۹۷-۱۹۸)، فرهنگ سموران (۴۹۶-۵۳۱)، ۵۴۲، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۶۰-۷۶۱).

شجری، ابراهیم، (س دوم ق)، خطاط، وی خط جلیل (عوماری) را از اسحاق بن حماد فراگرفت و از آن قلمی جدیدتر به نام ثلثین اختراع کرد. شجری استاد کاملی در عصر خود بود و از قلم «ثلثین» قلمی دیگر پدید آورد و آن را ثلث نامید. برادر وی، یوسف، نیز قلم رئاس را که به اسم ذوالریاستین، فضل بن سهل، وزیر مأمون مشهور شده و عبارت از قسم توفیق است به وجود آورد. اطلس خط (۲۲۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۵۵).

شحنه خراسانی، محمد مهدی خان، فرزند محمد حسن پیک، (وف ۱۲۴۷ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به شحنه. اصلاً خراسانی بود؛ پدرش در مازندران اقامت گزید. شحنه از مازندران به تهران آمد و پس از مدتی خدمت در دربار فتحعلی شاه قاجار مأمور فارس شد و در زمان حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما از طرف وی به سمت داروغگی شیراز منصوب گردید. پس از مدتی «شیراز» به اصفهان رفت و در آنجا رحل اقامت افکند. در اصفهان درگذشت و در مکه ملا محمد میراب دفن شد. وی دارای «دیوان» شعر است.

مذکره القور (۳۶۷)، حذیقه الشعراء (۸۳۵/۲)، الذریعه
 ۹/ ۵۰۹-۵۰۸، ریاض العسائر (۲۶۳-۲۶۲)،
 سفینه المصنوعه (۲/ ۵۵۱-۵۵۲)، شرح حال رجال (۲/ ۱۳)
 ۷/ ۲۶۲، فرهنگ معجمه (۲/ ۲۹۶)، مجمع
 النعمان (۵/ ۵۴۴)، مصیطة حراب (۱۰۳)، نگارستان
 روبر (۹۲-۹۱).

شعنه کاشانی، میر عبدل (س. دهم ق)، شاعر اهل
 کاشان بود. از اوست:

چو هنجه مدتی بودم به مستوری و تنهایی
 گئی نشکفت و بهرم ماند مستوری و رسوایی
 حقه ساسی (۶۲)، تذکره روز روشن (۲۱۴)، الذریعه
 (۵۰۹/۹).

شعنه مازندرانی، محمد مهدی خان - شعنه
 خراسانی.

شرایانی، ملا محمد بن فضلعلی بن عبدالرحمن،
 (ح ۱۲۲۵-۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامیه
 معروف به فاضل شرایانی در شرایان به دنیا آمد. در
 تبریز برآمد. در حدود ۱۲۷۲ ق به نجف مهاجرت کرد و
 در محضر شیخ انصاری و آیت الله کوهکمری و آیت الله
 دیگر تلمذ کرد. آواز برجسته ترین شاگردان شیخ انصاری
 بود. در عهد میررای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و
 مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میررای شیرازی
 مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و بعضی از
 ری تقلید می کردند. سید محسن مین از شاگردان اوست
 وی در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «حاشیه رسائل» و
 «مکاسب» شیخ انصاری؛ «التاجر»؛ «تقریرات» دروس
 فقه و اصول استادش سید حسین کوهکمری، در سه
 مجلد؛ کتابی در «صلاته»؛ کتابی در «اصول فقه» پررنگ و
 «خواتین»؛ «رسالة همیه».

الاعلام (۷/ ۲۲۲)، اعیان السیعه (۱۰/ ۲۶)، الذریعه
 (۴/ ۳۸۵)، ریحانه (۳/ ۱۸۴)، شرح حال رجال (۵/ ۲۰۰)،
 علماء معاصری (۸۰-۷۶)، انکس و الاقطاب (۲/ ۳۵۲)،
 مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۶۴-۶۶۵)، معجم
 المؤلفین (۱/ ۱۲۹)، مکرم الآثار (۲/ ۱۲۵۸-۱۲۵۹).

شراری استرآبادی. (س. نهم ق)، شاعر، متخلص به
 شراری. از شاعران حقه استرآباد بود. از اوست:

نثارم بیشتر زین طاقت بی مهری چنان
 خدایا بر من آن نامهربان را مهرمان گردان
 الذریعه (۹/ ۵۰۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ
 معجمه (۲۹۶-۲۹۷)، مجالس المنائر (۸۷)، شعر
 عش (۲/ ۸۰۲).

شرری همدانی، مهدی بیگ، فرزند حسن بیگ.
 (۹۶۴ - وف بعد از ۱۰۲۵ ق)، شاعر. در همدان تولد
 یافت. ری سفرهای متعددی به هند داشت، سفری نیز به
 مکه رفت و خانه خدا را زیارت کرد، گویا آخرین سفر
 وی به سال ۱۰۲۵ ق به اجمیر بوده است. وی با ملا
 هیدالنبی قزوینی همسر و مصاحب بود. اقسام شعر
 بخصوص غزل را بیگو می سروده است. «دیوان» شعرش
 مشتمل بر سه هزار بیت است.

بورگان و سخن سراپان همدان (۱/ ۲۷۱-۲۷۰)، تاریخ
 نظم و نثر (۵۳۴-۵۳۳)، تذکره سیحانه (۱/ ۸۰۳-۸۰۲)،
 الذریعه (۹/ ۵۰۹)، فرهنگ معجمه (۴۹۷)، کاروان
 هند (۱/ ۶۱۶-۶۲۱)، مجمع الفواص (۲۹۱)، مآثر
 رحیمی (۴/ ۹۶۴-۹۷۹)، هفت لایم (۲/ ۵۷۰).

شرافت، سید حسین، (س. چهاردهم ق)، روزنامه
 نگار، قلدیر و مؤسس روزنامه ماهانه «شرافت» در تهران
 بود. مدرجات «شرافت» از آن جهت که به زبان همایانه
 بود و مقالاتی در آل تحت عنوان «مشهدی» نوشته
 می شد و در عوم خیلی مؤثر بود، حائز اهمیت است.
 تاریخ جراید و مجلات (۳/ ۵۹-۵۸).

شهرتی. (س. نهم ق)، شاعر از تاریخ و انشا آگاهی
 داشت، معما و نقاشی و موسیقی نیز می دانست. از
 اوست:

چون آمد شعار از مهر روی آن پری رادم
 من دیوانه ز آن رو در زبان مردم اعتماد
 الذریعه (۹/ ۵۰۹)، مجالس المنائر (۱۰۳-۱۰۲).

شرر بیگدلی، حسینعلی بیگ، فرزند لطفعلی بیگ
 آذر. (س. سیزدهم ق)، شاعر. در قم سکونت داشت. از
 اوست:

قص شکسته و یال و پر گشاده و ترسم
 خدا بکرده دهد فکر آشیانه فریم
 سفینه المصنوعه (۲/ ۶۷۹-۶۷۸)، فرهنگ معجمه

(۴۹۷)، مجمع النصوص (۵/ ۵۶۳-۵۶۴)، مصطفیٰ خراب
(۹۹، ۹۸)، مگراستان دارا (۲۰۹-۲۱۱).

شرو خراسانی، میرزا عسکری رصوی، فرزند میرزا
هدایت‌الله بن میرزا مهدی، (۱۲۸۹-۱۲۱۱ ق)، فقیه،
مدرس، امام جمعه و شاعر اصل وی از اصفهان بود،
نیای او در مشهد متوطن شد. به تدریس فقه و امامت
جمعه مشهد اشتغال داشت و بعد از پدرش عهده‌دار
امامت جماعت گردید از شاگردانش ملا نورالدین علی
بسطامی مؤلف «مدرس التاریخ» را می‌توان نام برد. او
در اواخر عهد محمد شاه قاجار به تهران آمد. از آثار وی،
«تبییع الشریعة» در فقه، «مناسک حج»، شرح «تفهید
القواعد» «اصحاح المستقین فی احکام الدین» و
«خلاصة الحاشیة»

حلیه الشعراء (۲/ ۸۳۹-۸۴۱)، الذریعة (۱۳/ ۱۵۳،
۶۱/ ۲۴، ۲۵/ ۲۸۹)، سفینه المحمود (۲/ ۱۱۶-۱۲۶)،
طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/ ۸۱۸-۸۱۷)، مجمع
النصحا (۵/ ۵۲۰)، مصطفیٰ خراب (۹۵).

شرو شیرزی، میرزا محمد هادی طیب، (وف ۱۰۷۱
ق)، طیب و شاعر، از فاضل حکمای شیراز بود در فن
طب آگاهی داشت و مردی قلندر مشرب و معاصر کبیر
ظاهر وحید نجیبی کاشی و شعیب‌الز بود در شیراز
درگذشت. از اوست:

با سیه دل صافی مشرب نمی‌آید به کار
کی به آب از چشم ناپیدا توان شستن خیار

تذکره رور روشن (۲۱۵-۲۱۶)، الذریعة (۹/ ۵۱۰)،
درمک سخنیروان (۴۹۷)، کلمات الشعراء (۶۰)، سرت
النصحه (۲۹۵-۲۹۶).

شرطی قزوینی، شرطی تاجر، (س نهم ق)، شاعر از
رهگذر پیشه یازرگانی کسب معاش می‌کرد. وی پ سام
میرزا معاصر بود از وست

ابرو کمان من که به کین می‌کشد مرا
قربان او شوم که چنین می‌کشد مرا

حفظ سامی (۲۰۶)، تذکره رور روشن (۲۱۶)، الذریعة
(۵۰/ ۹۱)

شرعی قزوینی، شرعی قزوینی
شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب بن

عبدالواحد انصاری، (وف ۵۳۶ ق)، واعظ، فقیه اصولی،
متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی و حفظ
اصل وی از شیراز بود. نزد پدرش فقه آموخت و از
ابو طالب بن یوسف حدیث شنید. وی را شیخ حبیبیان
دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه بزرگ شریفیه در
کنار جامع دمشق است. از آثار علمی اش: «الرواه» در
اصول دین، «ارماتة فی رد الاشعریة» و «المفردات» و
«المستخب» در اصول فقه حدیثه

ابصاح المکون (۲/ ۵۲۹، ۵۶۸)، سیر السیلة (۲۰/
۱۰۳-۱۰۴)، معجم المؤلفین (۶/ ۲۲۴).

شرف جهان قزوینی، سیرزا شرف‌الدین سیفی
حسنی، فرزند میر نورالهدی قاضی جهان، (۹۶۸-۹۱۲
ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در قزوین
به دنیا آمد. مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود
فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر حبیب‌الدین
منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود
شیرازی به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای
معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط
و اشعار شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود
و خط را به روش خواجه عبدالهی عشی می‌نوشت. در
فرزین درگذشت و در مزار شاهزاده حسین به خاک
سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعرا صاحب «مسانی
نامه» ای است که به مدح شاه طهماسب صفوی ختم
شده است.

آتشکده اثر (۳/ ۷۲، ۱۸۷-۱۸۸)، سیر التواریخ (۵۳۲)
۶۹۸-۶۹۹)، ابصاح المکون (۱/ ۵۱۰)، تاریخ ادبیات
در ایران (۵/ ۶۷۹-۶۸۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹-۲۴۰)،
۸۲۵-۸۲۶)، تذکره میخانه (۱۵۱-۱۶۸)، الذریعة (۹/
۵۱۶-۵۱۵)، میخانه (۲/ ۱۸۸)، عالم برای عباسی (۱/
۱۷۸)، قزوین در گذرگاه، هنر (۲۲۰-۲۲۱)، گستان هنر
(۲۹)، مجمع التواریخ (۲۹-۴۰)، مجمع المصنف (۲/
۴۴)، مسطور (۲/ ۴۷۲-۴۷۳)، ستیج الانکار
(۲۶۸-۲۶۹).

شرف الحسینی یزدی، (ر ۱۰۰۳ ق)، نقاش، اهل یرد
بود از آثار رقم‌دار وی: تصویر جوان سوارکاری که از
اسب پیاده شده و روی تکه سنگی نشسته و به توأخس
سه تار مشغول است. شیوه تصویری نقاش در مکتب
رضا عباسی و استاد محمدی است و به خط خیاب ریز

رقم. «عمل فقیر...الراجی شرف الحسینی الیردی سه
۱۰۰۳» دارد
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۱).

شرف‌الدین بن شهاب‌الدین. (ز ۸۵۱ ق)، خطاط. از
آثار وی: یک نسخه «کتابه و دمه» به قطع حشمتی بزرگ،
سرلوح مرصع عالی و بیست و پنج محل تصویر اصل، به
قلم نستعلیق کتابت متوسط و عناوین به خط ثلث جلی
خوش، با رقم. «فرغ من کتابته...سنة احدى و خمسين و
ثمانمائة ۸۵۱...» شرف‌الدین بن شهاب‌الدین بن حاج
شرف‌شاه...».

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۲۰۸، ۴/ ۱۰۸۲)

شرف‌الدین تبریزی، قاضی جهان. (س یاردهم ق)،
شاعر. در عهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) به هند رفت.
از اوست.

پوشیدن چشم من ندیدن مانند
از پای شستم به رفس مانند
پایند به هیچ مانند ام بر سر راه
چون حرف که بر زبان انکس مانند

تاریخ نظم و نثر (۵۸۰)، تذکرة شعراء آذربایجان (۲/ ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸)، دیوانه من آذربایجان (۱۸۹) الدرر ۹/ ۵۱۰، معبرون آذربایجان (۲۱۵)، فرهنگ سخنران
(۴۹۸)، کاروان هند (۱/ ۶۲۱).

شرف‌الدین حسین مشهدی. (ز ۸۷۸ ق)، خطاط. از
کتابان و خوشویسان ویردست دربار سلطان یعقوب
آق‌قویلو و یا پیرو یاق قزاق‌قویلو بود و به همین مناسبت
سلطانی روم می‌کرد و آثار وی. یک نسخه «دیوان»
امیری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتابه
العبد...شرف‌الدین حسین...» مجموعه اشعار حافظ و
کمال و دیگر شاعران، به قلم کتابت خوش، با رقم:
«حرره العبد...شرف‌الدین حسین سلطانی فی تاریخ
سنة ثمان و سبعین و ثمانمائة» ترجیع بد معروف
سعدی و سلمان ساوجی، به قلم کتابت جلی خوش، با
رقم: «کتابه العبد...شرف‌الدین حسین المشهدی...».

احوال و آثار خوشویسان (۱/ ۱۵۶، ۱۵۷)، عصر عهد
بیموران (۶۱۹، ۶۲۶)

شرف‌الدین حسینی استرآبادی، سید علی غروی.

(وف ۹۶۵ ق)، عالم امامی. از شاگردان محقق کرکی بود
از آثارش: «تأویل الآیات الظاهرة فی فضل العترة
الطاهرة» یا «الآیات الالهية»؛ «الموائد القویة» در شرح
«الجمعیه» استادش محقق کرکی

الدرر ۱/ ۲۶، ۳/ ۳۰۵، ۴/ ۳۰۵، ۱۶/ ۳۵۳-۳۵۲،
ریحان (۳/ ۱۹۸)، طبقات اعلام قشیمه (قرن ۱۱/
۱۲۵)، باب نامه (دیل/ علی)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۲۳)،
مدینه‌المریین (۱/ ۷۴۵، ۷۴۷)

شرف‌الدین حسینی قسی ← حسینی قسی،
شرف‌الدین حسین.

شرف‌الدین حصر یزدی (وف ۷۶۰ ق)، شاعر. از
مشایخ قاسمی یرد بود و یادشاهان آل مظفر وی را گرامی
می‌داشتند. در ۷۵۵ ق خانقاهی در یزد ساخته است
تاریخ نظم و نثر (۷۶۸)، جامع مفیدی (۳/ ۶۲۸، ۶۲۷)،
«دگرمای یرد» (۲/ ۲۱۰، ۲۱۵، ۶۷۳)

شرف‌الدین سلطانی. (ز ۸۵۵ ق)، خطاط از آثار
وی: کتیبه‌های سر در مدرسه و خانقاه نصرآباد، در
اصفهان که اشعاری به نرسمی و عربی به خط ثلث نوشته
شده و تاریخ ۸۵۵ و دارد، با رقم اکتبه شرف‌الدین
سلطانی.

آثار ملی اصفهان (۸۲۱)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان
(۳۲۹-۳۳۱).

شرف‌الدین عیداباد احمد انصاری. (ز ۱۱۱۳ ق)،
خطاط. از کتابان فارس بود. از آثار وی: یک نسخه «رسالة
صمیمه» به سپهر، به قلم نیم دو دانگ متوسط نستعلیق و
قسمتی به قلم نسخ کتابت و شکسته نستعلیق کتابت خفی
متوسط، با رقم «در...سنة ۱۱۱۳ سمعت الامام توفیم
یاخت کاتبه الفقیر...شرف‌الدین عیداباد احمد الانصاری»
حوال و آثار خوشویسان (۲/ ۳۰۸).

شرف‌الدین علی یزدی. (ح من دهم ق)، خطاط. از
آثار وی: یک نسخه «گوی و چوگون» حارفی، به خط
نستعلیق که سرلوحه و خاتمه کتاب منبرش و مرصع و
عناوین آن نگارین و حواشی در مکتب هرات تشمیر و
تذهیب شده و بدول تاریخ است.

عصر عهد بیمورین (۳۳۰-۳۳۱).

دقن شد. از دیگر آثار وی سه رساله به نام «مناظر»، «منتخب» و «الحلل المطرر فی المعما والنعم» در معما؛ «الکتاب فی علم لاسطولات»؛ «کشف المراد فی علم الوقف و الاعداد»؛ «دیوان» شعر

از سعدی تا جامی (۵۰۵-۴۹۸)، «عیان الشیخه (۸/ ۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۱۰۷، ۱۱۸، ۳۰۹-۲۹۹، ۴۸۴-۴۸۳)، تاریخ در ایران (۸/ ۱۰۸-۱۰۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸-۲۴۹)، تاریخ بزرگ (۲۲۷-۲۲۸)، حقه سامی (۱۲۲)، تذکره سخنوران بزرگ (۱۶۴-۱۶۶)، تذکره الشعراء (۴۲۵-۴۲۸)، تذکره نصرآبادی (۴۹۷-۴۹۹)، جامع معینی (۳/ ۳۰۹-۳۱۰)، حبیب‌السر (۴/ ۱۵-۱۶)، تاریخ‌الشیعار فارسی (۴/ ۱۴۶۴)، الفریقه (۹/ ۷، ۱۵، ۲۰۰، ۱۸، ۱۷۶، ۲۲، ۳۹۷-۳۹۸)، ریحانه (۳/ ۱۹۸-۲۰۰)، سبک‌شناسی (۳/ ۱۹۳-۱۹۴)، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۹/ ۱۰۲-۱۰۱)، فرهنگ سخنوران (۵۰۰)، کشف‌الغیوب (۱۲۰، ۱۰۳۳، ۱۲۳۲، ۱۵۲۱)، لغت نامه (دین/ اعلی)، معجم‌المزلهین (۷/ ۲۶۲)، هدیه‌العارفین (۱/ ۷۲۳)

شرف یزدی، (ص یازدهم ق)، مذتّب برادر قطب‌الدین یزدی، خطاط معروف و از مدعیان و حل کاران نامی عصر خود بود
احوال و آثار نظامیان (۱/ ۲۳۱)، مناقب همروان (۱، ۷)

شرفی یزدی، محمد بن نظام، (ز ۸۸۱ ق)، خطاط، از آثار وی، یک نسخه «حد کلمه» حضرت علی (ع) یا ترجمه فارسی آن، که متن به قلم ثلث خوش و ترجمه به قلم مستعلیق کتابت متوسط است، با رقم، «کتابه محمد بن نظام الشرفی الیزدی» فی سنة ۸۸۱.
احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۵۲)

شرفی، مادر (تو ۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه و محقق تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران در ۱۳۰۹ ش به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و از دانشکده علوم لیون به دریافت گواه نامی ریاضیات عمومی و مکانیک راسپونل و از دانشگاه مون پلایه به اخذ گواه نامی کارآموزی داروسازی و شیمی عمومی و دانشنامه دکترامری شد در ۱۳۱۷ ش به تهران برگشت و استاد کرسی شیمی آلی در دانشکده پزشکی شد و

مجالس بزرگان را داشته است. در تاریخ جلوس شاه عباس ثانی دو بیت با این هجرت سروده است
چون به فصل مالک الملک علی الاطلاق شد
قصره العین صغی عباس ثانی پادشاه
سال تاریخ جلوسش خواستم از عقل گفتم
مسند کی شد مزین باز از عباس شاه
تذکره نصرآبادی (۱۲۰)، الفریقه (۹/ ۵۱۶).

شمس شیری، شرف‌الدین عبدالله ←
وصاف‌الحضرة.

شرف طوسی، شرف‌الدین، (۹)، شاعر، از اوست:
ای آنکه زمانه است شور از رویت
حررشد بود جمال نور از رویت
روی تو در این دو روز کمتر دیدم
گشتم ز غمت چو موی دور از رویت
تذکره طمعت (۱۹)، الفریقه (۹/ ۵۱۴)، معجم گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مخزن العرائف (۲/ ۷۷۴-۷۷۳)، شعر عشق (۲/ ۷۶۱-۷۶۲)

شرف فردی، شرف‌الدین محمد بن محمد (س ششم ق)، شاعر، از اوست.
پادم نکسی از آن به فریاد آیم
باشد که زستد هجرت آزاد آیم
تذکره رود روشن (۴۱۷)، الفریقه (۹/ ۵۱۵)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مخزن العرائف (۲/ ۷۴۰-۷۴۲)

شرف یزدی، شرف‌الدین علی بن شمس‌الدین هلی (وف ۸۵۸ ق)، مورخ، شاعر، منخلص به شرف ملقب و معروف به مخدوم، وی در فنون ادب ماهر بود عهد آل مظفر و تیموری را درک کرد و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور نسبت به وی ارادت داشت، به طوری که شرف به خواست او کتاب «ظرف‌نامه تیموری» را در تاریخ تیموریان و فتوحات امیر تیمور در مدت چهار سال تألیف کرد. او همچنین مقدمه‌ای بر آن کتاب در شرح قبایل ترک و مغول و الوسی جغتای نوشت، که به «تاریخ جهانبگیر» یا مقدمه «ظرف‌نامه» معروف است. شرف در کنار مسجد جامع محله میرچیقماق که پدرش بانی ساخت آن بود، مدرسه‌ای به نام شرقیه بنا کرد و خود در همان مدرسه

از تذکرها نام وی شرقی آمده است. از اوست:

به دوستی که مکن جای در دل همه کس
ماش همچو دل خویش مایل همه کس
به جستجوی تو سرمنده جهان شده ام
ز پس که سر زده رفتم به منزل همه کس

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۸۷-۱۱۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۱)، تذکره میخانه (۸۹۲-۸۹۴)، تذکره مصراعی (۲۶۱-۲۶۲)، الفریه (۹/ ۵۱۸)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۸۹)، مجمع الخواص (۲۱۰-۲۱۲)، مخزن العرایب (۲/ ۱۰۰۱-۱۰۰۹)، مکتب وقوع (۶۵۶)، میثاق (۲/ ۴۷۳-۴۷۴)

شریعت اصفهانی، شیخ فتح الله بن محمد جواد نمازی شیرازی. (۱۲۶۶-۱۳۳۹ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم، مدرس و ادیب امامی معروف به شیخ التفریغ اصفهانی اصل وی از شیراز بود. در اصفهان به دنیا آمد. در محضر مدرس کبیر ملا عبدالجواد خراسانی و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سروراری و ملا محمد صادق ننگابنی و حاج شیخ محمد باقر و ملا محمد تقی هروی اصفهانی درس خواند. سپس به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حسین الله رشتی و شیخ محمد حسین فقیه کاطبی استفاده کرد وی از دوستان و نزدیکان سید جمال الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال ضد انگلیسی هراق در کنار آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی قرار داشت و بعد از وی رهبری این نهضت را بر عهده گرفت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تألیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید بیشتر شیعیان امامی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی فزوی و مؤلف «روحات الجنات» و برادرش میرزا محمد هاشم چهارسوقی و شیخ محمد حسین فقیه کاطبی اجازه روایت داشت. حاج شیخ عباس محدث قمی و شیخ محمدعلی برادگی لکونی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن مطهر دفن شد. از آثارش: «إبانة المختار فی اوث البروجۃ من لحن المقر»؛ «صیانة الامة من وصیة الرطانة»؛ «اصالة الصحة»؛ «افاضة القدر فی حل العصیر»؛ «ادرة العالک فی قرائة ملک و مالک»؛ حاشیه «مصول»؛ «فائدة صدور»؛ «فائدة الوحد البسیط»؛ «فائدة ضرر»؛ «فائدة طهارت»؛ رساله ای در «صحاح» ششگانه

همزمان با درس دارونی و رئیس اداره کس دارونی نیز بود. از آثار وی: «سوراک، درمان و طرز جلوگیری آن»؛ «شمی آلی».

مژلیر کتب چاپی (۶/ ۲۹۰-۲۹۱).

شرقی شیرازی، عزیز، نورالله فضل الله. (تر ۱۳۰۰ ش)، نویسنده و مدرس. در شیراز متولد شد. تحصیلات معدماتی را در شیراز به پایان رسانید. در ۱۳۱۸ ش از دانشسرای عالی قارع التحصیل شد و به اخذ گواهی نامه در رشته های موسیقی، هانین نویسی و معالجه تراخیم مرفق شد و در دبیرستان ابن سینا مشغول تدریس شد. از مدیریت داخلی روزنامه «پارس» را بر عهده داشت. از آثار وی: «چراغ هدایت» در هفت مجلد؛ «رساله حکسم نظامی و سپک و روش او در شعر فارسی».

دانشمندک و سخن سرایان درس (۲/ ۲۲۷)، مژلیر کتب چاپی (۳/ ۵۸-۵۷)

شرقی شیرازی، فضل الله، فرزند شیخ محمد جعفر. (۱۲۷۵-۱۳۶۱ ش)، نویسنده و روزنامه نگار در محضر اساتید وقت مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را آموخت. در دبیرستان حیات ناظم و معلم شد. در ۱۳۱۲ ش خود آموزشگاهی را به نام ابن سینا تأسیس کرد و پ تلاش خستگی ناپذیری آن را در دبیر دبیرستانهای درجه اول شیراز درآورد. شرقی از ۱۳۱۵ ش علاوه بر تعلیم و تدریس از راه نشر روزنامه «عصر آزادی» که صاحب امتیازش جواد آزادی بود وارد عالم مطبوعات شد و این جریده را تا سال ۱۳۲۰ ش که بکی از بهترین جراید شیراز بود نشر می داد و از آن سال امتیاز نشرنامه «پارس» را نیز به عهده گرفت. او همچنین عهده دار مشاغل مختلفی چون نمایندگی انجمن شهر شیراز و عضویت شورای عالی فرهنگ فارس و شورای عالی جوانان بود. وی در طریقت پیرو سلسله ذهبیه احمدیه بود و نسبت به میرزا احمد تبریزی ملقب به وحید الاولیاء ارادت بسیار داشت.

تاریخ جراید (۲/ ۲۱-۲۲)، دانشمندان و سخن سرایان درس (۳/ ۲۶۵-۲۶۶)

شرعی فزونی، نظام الدین احمد، فرزند سرلانا مشفی. (وف ۱۰۳۷ ق)، شاعر، متخلص به شرعی. در فزون متولد شد. خیاط شاه عباس صفوی بود. در بعضی

الاعلام (۵/ ۳۳۳-۳۳۴)، عیان الشیعه (۸/ ۳۹۱-۳۹۲)،
تذکره القیوم (۳۷۴-۳۷۵)، الذریعه (۱/ ۵۹، ۷/ ۱۹۵،
۱۰/ ۱۸۸، ۱۵/ ۴۴، ۱۰۴-۱۰۳، ۶/ ۲۵)، رجانه (۳/ ۲۰۶-۲۰۷)،
الشیعه زکری (۱۴/ ۸۴۹)، علماء معاصرين (۱۲۲-۱۲۴)،
مراة الرشیده (۳۴۵)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۶۷)،
معجم المؤلفين (۸/ ۵۲-۵۳)، مکرم الآثار (۵/ ۱۸۱۹-۱۸۱۶).

شریعت اصفهانی، میرزا مهدی بن فتح الله بن محمد
جواد نمازی شیرازی، (وف ۱۳۱۸ ق)، عالم شیعی،
معروف به ابن شریعت اصفهانی، در نجف در زمان
حیات پدرش وفات یافت از آثارش: کتاب «اعلام
الاعلام بمولد سید/ خیر الانام»، که «تغییرات» دروس
پدرش می باشد.

تذکره القیوم (۳۷۴)، الذریعه (۲/ ۲۳۸)، رجانه (۳/ ۲۰۷)،
معجم رجال نجف (۲/ ۷۶۷-۷۶۸).

شریعت سنگلجی، شیخ محمد حسن، قیرزید
رضائلی بن شیخ حسن طبرسی تهرانی، (وف ۱۲۶۳ ق)،
فقیه تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد، حوزه مطمح را
نزد حاج شیخ عبدالنبی نوری و حکمت و فلسفه را نزد
«مفسر میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان را نزد میرزا
هاشم اشکوری فراگرفت. او همچنین در حوزه درس
شیخ علی نوری و شیخ فضل الله نوری تلمذ کرد آنگاه به
همراه برادرش، شیخ محمد سنگلجی، به نجف رفت و
در محضر اساتیدی چون آقا صیاءالدین عراقی و آقا سید
ابوالحسن اصفهانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.
او معروف عقاید وهابیه و بعضی از نویسندگان بویزد
مصری گردید و در تهران در محله سنگلج دارالتبلیغی به
نظام روانی تاسیس نمود و به ترویج عقاید وهابیان
پرداخت. از آثارش: «حرمت ربا»، «اسلام و موسیقی»،
«توحید عباد» با «کتب پورستی»، «کلید فهم قرآن»،
«محو الموهوم».

الذریعه (۱۸/ ۱۳۲، ۲۵/ ۲۸۳)، رسدگنامه رجال و
مشاهیر (۳/ ۶۹-۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۶۱-۵۶۰).

شریعتمدار، شیخ علی، فرید ملا محمد جعفر بن
ملا سیدالدین استرآبادی تهرانی، (۱۲۴۲-۱۳۱۵ ق)،

فقیه، اصولی و هیروی مشهور به مجتهد شریعتمدار در
محضر پدرش و شیخ محمد حسن نجفی، صاحب
«جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد. او جامع
انواع علوم و فنون اسلامی و مخترع انواع صنایع و آلات
بود. با وجود عدم سرشار و بیخ بسیار در تواضع و زهد و
ساده ریشتی ممتاز بود. ناظم الاسلام صاحب «تاریخ
بیداری ایرانیان» از شاگردان اوست. شریعتمدار به گفته
خود از دوازده سالگی شروع به نگارش کرده و بیش از
هفتاد اثر علمی بر جای گذاشته است. از آثارش: «البرد
الیمانی فی الفاظ الیمانی»، در لغت؛ «مبدأ الآمال»، در
قواعد علوم الحدیث و درایه و رجال؛ «غایة الآمال»، در
علم رجال؛ «بروج المروج»، در هیئت؛ «بروز الرموز»؛
«ابروق الامعة»، در شرح زیارت جامعه؛ «تحریر
الاصول»، در اصول فقه؛ «آیة جهان نما»، در تاریخ کربه
رمین؛ «دور الاحکام»، در پانزده علم تصرف، بحوث
سمانی، لغت، میراث، رجال، درایه، حدیث، اصول،
تفسیر، تجرید، هیئت، حساب، کلام و فقه؛ «جامع
ناصری» به مسک «جامع عباسی»، در فقه عملی که
ناصرالدین شاه قاجار می خواست آن را قانون رسمی و
جاری کشور نماید، اما مخالفان استقرا قوانین اسلامی
او را مستصرف کردند؛ «محتاج الدرایه» رساله فقهی
فارسی؛ «الجامع النحویة و الصوریة بین الترتیب و شرح
لألمیه»؛ «مطالع البکوره»؛ «رموز الاقوال»؛ «پوستان»؛
منظومه فارسی در تجرید؛ «الدور الایتم»؛ «نثر الدور
الایتم»؛ «اقیس الغرباء»؛ «ایضاح التحریر».

عیان الشیعه (۸/ ۳۰۹)، الذریعه (۱/ ۵۱، ۲/ ۲۶۳،
۳/ ۲۹۳، ۱۵۵-۱۵۶، ۵/ ۷۵، ۸/ ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۱/ ۲۵۱،
۱۶/ ۵۵، ۱۹/ ۴۸)، رجانه (۳/ ۲۱۰)، شرح
حال رجال (۶/ ۲۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۳۶۱-۱۳۶۵)،
علماء معاصرين (۳۳۷)، لغت نامه
دبیر/ علی استرآبادی، المآثر و الآثار (۱۲۹)، معجم
المؤلفين (۷/ ۱۸۸)، مکرم الآثار (۲/ ۱۱۶۹-۱۱۷۲).

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، شیخ محمد حسن
بن ملا محمد جعفر (۱۲۲۹-۱۳۱۸ ق)، عالم، فقیه
اصولی، رجالی و ادیب در گریلا متولد شد و در همان
شهر نشو و نما یافت. به همراه پدرش به سفر در
شهرهای کرمانشاه، استرآباد مشهد رضوی و تهران
پرداخت در خلال سفر از پدرش علوم عربی و منظوم
نقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدرش و

(۷۲۸)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۱۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰)، معجم رجال سیف (۲/ ۵۶۱)، مؤلفین کتب جاهلی (۳/ ۱۶۷-۱۶۸)

شریعتمدار رشتی، ملا رفیع، فرزند میرزا علی. (۱۲۹۲-۱۲۱۱ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. معروف به ملا رفیع و مشهور به شریعتمدار. سبب وی به عمار پاسر صحابی مشهور پسیامیر (ص) می‌رسد. در نزد شریف‌العلماء مازندرانی و سید محمدباقر حجة الاسلام رشتی اصفهانی تحصیل کرد و در فقه و اصول و رجال برآمد. او به کتب دو اجاره از استادش حجة الاسلام رشتی نایل آمد. علامه شیخ ابوالحسن تهرانی معروف به شیخ العراقین از شاگردان و راویان او می‌باشد. فرزندانش، حاج آقا مجتهد و حاج میرزا مهدی بحر العلوم و نوادگانش، میرزا ابوالحسن شریعتمدار و میرزا علی بحر العلوم و حاج آقا رفیع و حاج آقا نورالدین رفیع، همگی از علمای مشهور زمان خود بودند. از آثار وی احداث پل سیاه رود و پل سابق متجیل و راههای ارتباطی دیگر را می‌توان نام برد. از آثار علمی وی: شرح % صوب کفی.

طبعات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۵۸۰-۵۸۱)، گنجینه دانشمندان (۳/ ۲۶۸-۲۷۱)، المآثر و الآثار (۱۵۱).

شریعتمدار مستدجی، شیخ محمدامین، فرزند شمس محمد حافی سمرانی. (وف ۱۳۴۵ ق)، عالم، عارف و صوفی. در سمران، بین مستدج و کرمانشاهان، به دنیا آمد. به مستدج مهاجرت کرد و در مسجدی که به نامش مشهور است، به تدریس پرداخت. او در تصوف پیرو طریقه نقشبندی بود. مدتی به تهران آمد و مجدداً به مستدج بازگشت. او در مدت اقامت در تهران کتابی به نام «رياض المصعومین»، درباره مناقب ائمه (ع) و پیران پیامبر (ص) به رشته تحریر درآورد. از دیگر آثار وی کتابی در «مسائل فقهی» و «عقاید» است.

تاریخ مشاهیر کرد (۲/ ۱۷۲)

شریعتمدار مازندرانی، شیخ محمد حمزه. (س سیردهم ق)، عالم دینی. معروف به شریعتمدار مازندرانی حمزه کلاهی از علمای بزرگ عصر خود و معاصر با سیدالعلمای باعروشی بود و در مشرب کسری با او اختلاف نظر داشت. از آثارش: «اسرار

رسیدن به مس بلوغ به نجف رفت و در درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاری و شیخ محسن خنصر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در حین حال به تدریس و تصنیف بپردازد. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «بنایع المعقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصرة المستصرین»، در شرح «التبصرة»؛ «مرواح المؤمنین»، در شرح «الالبیه» شهید؛ «ادعیه الوفاء و الطاعون و جملة من الامراض و بعض العودات و الاحراز»؛ «حفة الممالک می ترکیب الصیة بن مالک»؛ «اثبات الفرقة الناجیه»؛ «رسالة فی مسئلة دهاء المخضر»؛ «مجمع الآراء والأدلة»، در فقه.

عیان الشیعه (۹/ ۱۴۱)، الذریعه (۱/ ۹۸، ۲/ ۴، ۳/ ۲۷۲، ۱۱/ ۴۷، ۱۲/ ۳۵، ۲۰/ ۱۵، ۱۲/ ۱۱)، ۱۵۱۲-۱۵۱۱/ ۱۶۱-۱۵۲، ۲۳۳، ۲۴/ ۱۷۷، ۲۵/ ۲۸۹، رجسته (۲/ ۲۱۱-۲۱۰)، شرح حال رجال (۶/ ۲۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۳۹۱-۳۹۲)، معجم المؤلفین (۹/ ۲۱۳)، مکام الآثار (۴/ ۱۳۲۹-۱۳۵۰).

شریعتمدار دامغانی، شیخ میرزا حبیب/محمد رضا بن میرزا حسن مجتهد. (وف ۱۳۴۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر. مقدمات علوم را در مشهد آموخت، سپس به نجف مهاجرت کرد و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. پس از پایان تحصیل به ایران بازگشت و به خدمات دینی و اجتماعی مشغول شد. او دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود و اشعار زیادی به فارسی و عربی سرود که قطعاتی از اشعار فارسی او در «گنجینه دانشمندان» آمده است. وی دارای کتابخانه بزرگی بود که بیشتر اوقات خود را در آن به تألیف کتب مشغول بود. در «معجم رجال نجف» نام وی علیرضا ضبط شده است. از آثارش: «اصول دین»، «النباه نامه اسلامی»، «بیت پرستی یا مسیحیت کنونی»، ترجمه «العقائد الوثنية فی الدبابة انصاریه»، به فارسی.

الذریعه (۲/ ۳۵۷، ۳/ ۱۵-۱۶)، رجسته (۳/ ۲۱۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۵۴۱-۵۴۲)، قرن ۱۴/

الشهادة، به فارسی

الذریعه (۲/ ۴۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲)
(۴۴۳)

شریعتمداری، سید محمد صادق بن سید حسن بن سید محمد، (تر ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه در تبریز به دنیا آمد. در کودکی از محبت پدر محروم شد و در دامن مدرّش پرورش یافت. مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خواند، سپس به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حائری و آیت الله حاجت و آیت الله سید محمد تقی خوانساری استفاده کرد. آنگاه به نجف رفت و از محضر درس آیت الله اصفهانی و دیگر اساتید بهره مند شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس فقه و اصول نهایی پرداخت در ۱۳۷۲ ق به تهران آمد و به خدمات دینی و تدریس پرداخت، چندی هم در مشهد رضوی تدریس فقه و اصول کرد و سرانجام به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. وی دارای اجرائی از اساتید بزرگ همچون آیت الله سید محمد حاجت و آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود، که به صحابه برادرش آیت الله شریعتمداری نیز رسیده است. از آنجا که حواشی بر «جواهر» و قسمتی از «کتابه» می باشد.

انوارالصحة (۲/ ۵۳)، آینه دانشوران (۵۰۸)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۴۹۰-۴۹۱)

شریعتمداری تبریزی، سید کاظم / محمد کاظم بن سید حسن بن سید محمد پروچردی. (۱۳۲۴-۱۴۰۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید و مدرّس اصل وی از پروچرد بود، در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات قبل از بلوغ به درس «مکاسب» حاضر شد و در هیجده سالگی به حوزه درس خارج آیت الله آقا میرزا صادق آقا و آیت الله میرزا ابوالحسن انگجی راه یافت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حائری بهره ها برد. وی خلاق را در محضر حاج میرزا جواد آقا سلکی تبریزی و علم معقول و کلام و هیئت و اسطرلاب را نزد آقا میرزا علی اکبر یزدی فراگرفت. در خلال تحصیل دو مرتبه به نجف مشرف و به درس آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله نائینی و آیت الله شیخ محمد اصفهانی و آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شد و سرانجام موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آیت الله حائری و آیت الله

اصفهانی و آیت الله عراقی گشت. پس از آن به زندگانش مراجعت کرد و ده سال در تبریز اقامت گزید و به تدریس و ترویج و ارشاد و هدایت پرداخت آنگاه به قم رفت و عهده دار مرجعیت شد. وی در قمرساند اسو حسیب قم مدفون است. از آثار وی تألیف «پس مر کر تدعی و مساجد و مدارس در قم و تهران و تبریز» به ویژه دارالسلطه اسلامی قم بود. از آثار علمی اش: رساله ای در اجتماع و امر و نهی، رساله ای در «سبب» در معاملات، «خلاصه الاحکام»، «مناهی الغنی»، حاشیه بر «عروة الوثقی»، «وسيلة العبد لربوم المعاد»، «مناهی صبیح»، توضیح انصاف، تل.

انوارالصحة (۲/ ۶۱)، علماء معاصرین (۲۸۴-۲۸۶)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۲-۲۰)، معجم رجال محققین (۲/ ۷۴۴-۷۴۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۲۳-۲۲)

شریعتی مزیانی، محمد تقی، فرزند شیخ محمود. (۱۲۸۶-۱۳۶۴ ش)، عالم دینی، استاذ محقق، مفسر و نویسنده. در مریان متولد شد و تا هفده سالگی در زادگاهش، در مدرسه مزیان، نزد پدر و عمویش به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و در مدرسه هافس خان سکس گزید. نخستین استادش در این مدرسه ادیب سنابوری اون بود که دوازده مقدماتی را که نزد پدر و عمویش آموخته بود، در محضر ایشان فراگرفت. بعد از فوت ایشان به خدمت ادیب ثانی رسید و در محضر این دو استاد ترانست مقدمات و ادبیات را به پایان رساند. فقه، اصول و فلسفه را نزد اساتید معروف مشهد مانند آقا شیخ هاشم قزوینی ارتضا، میرزا ابوالقاسم الهی، حاج شیخ محمود حلبی فراگرفت. «قوایی» را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی و «شرح لمعه» را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرّس یزدی معروف به حاج میرزا احمد نهنگ فراگرفت. از دیگر استادان وی آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود که فضیلتی مشهد همه به محضر درس وی می رفتند. از حدود ۱۳۱۰ ش فعالیت خود را در دبیرستان در سمتهای مختلف آغاز کرد و تا آخرین دم از تدریس و ارشاد دانش آموز و دانشجو باز نایستاد. از آثار وی: «دین» و «لزام دین»، «تفسیر نویسن»، «وحی و نبوت در پرتو قرآن»، «خلافت و ولایت»، «امامت در نهج البلاغه»، «اصول عقاید و اخلاق شریعتی»، «تأثیر هنرهای مسلمین بر ویژه ایرانیان در اروپا»، «عباسه خواهر هارون الرشید»

ترشی مهارت داشت، ولی به دلیل ضعف بینایی از آن کار دست کشید و در محله‌ی از محلات اصفهان به نوشتن سجلات مبادرت ورزید. وی در صنایع شعری و لغز و معنا سرآمد بود. مشغول در بحر «محرر الاسرار» گفته است

تذکره نصرآبادی (۳۱۷، ۳۱۵)، (۵۴۳، ۵۴۲)، الذریعه (۹/ ۵۱۹، ۵۲۲)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۱).

شریف بخارائی، ملا شریف (وف ۹۵۰ ق)، شاعر در خدمت امام قلیخان حاکم بخارا بود. از اوست به هر چه طبع کشد ما نه آن کردیم ز خواهشی که به دل بود ترک آن کردیم چو دیر مانده مجلس که آید آخر برم چمن خزان شده ما فکر آشیان کردیم تذکره دیر روشن (۲۲۰)، تذکره نصرآبادی (۲۲۶)، الذریعه (۹/ ۵۱۹، ۵۲۰).

شریف تبریزی، (وف ۹۵۵ ق)، شاعر، معاصر سام سیرا صفری و از شاگردان لسانی شیرازی بود. در هجوگویی مهارت داشت و بیش قلمش حتی خاطرات استادش را نیز آورده ساخته بود. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و «دیوان» قصاید و هزلیاتی از وی به جا مانده است. از دیگر آثار وی: «سهر اللسان»، مجموعه‌ای از اشعار سبب که به نام اسناد خود لسانی گردآورد، یا به او منسوب داشت. حیدری تبریزی در جواب آن اشعاری گفت و آن را «لسان الغیب» نامید. وی به مرض ویا درگذشت.

آتشکده آذر (۱/ ۱۱۵-۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۶۷۱-۶۷۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۵-۴۶۴)، نسبه سامی (۲۱۹، ۲۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۹۷، ۱۹۲)، الذریعه (۹/ ۵۲۰)، سخنوران آذربایجان (۲۳۰، ۲۳۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴، ۵۰۱)، مجمع البیاض (۱۲۷، ۱۲۳)، هفت اقلیم (۳/ ۲۳۵، ۲۳۰)، سایح لامکار (۳۶۸).

شریف تبریزی، شیخ اسماعیل بن حسین (۱۲۸۶-۱۳۷۲ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخصص به تألیف معروف به مسأله گو در مشهد رضوی ساکن بود. او به تألیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار

شرفی در نگاه مطبوعات (۷۵-۷۳)، کیهان سرمدی (س ۱، ش ۱۱، ص ۹۵)، مژله‌ن کتب چاپی (۲/ ۲۲۲).

شریف (؟)، خطاط. از آثار وی: لپنکی گسند خمار تاش (مسجد جامع قزوین)، به خط رقاع کتبیبه سه دانگ متوسط، یا رقم: «غلامشاه ولایت، لاشیه شریف»، احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۸۳).

شریف (س نهم و دهم ق)، خطاط. به خط وی قطعه‌ای است در یک مربع، به قلم سه دانگ جلی خوش، یا رقم: «فتیر شریف عفر له» احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۰۹).

شریف آملی، ملا محمد شریف، فرزند ملا شیخ حسن (وف ۱۱۰۵ ق)، شاعر. در اصفهان به تحصیل پرداخت. در زمان اکبر شاه به هند رفت و به خدمت عالیجاه ابراهیم خان رسید. از اوست

امل دل تا ز رخس فال تماشا زده‌اند
آتش از چشم تر خویش به دلهای زده‌اند
دور چشمت صعب برگشته مزگان سیاه
دمن خیمه ییلی است که بالا زده‌اند

تذکره نصرآبادی (۱۸۷، ۵۳۶، ۵۳۷)، الذریعه (۹/ ۵۱۹)، شماری باوندان و گرگان (۱۵۵)، صبح گلشن (۲۲۱-۲۲۲)، کاروان هند (۱/ ۲۲۳، ۲۲۴)، محرر المراث (۲/ ۸۰۳، ۸۱۳).

شریف الاسلام، سید اسماعیل بن سید علی مرعشی. (وف ۱۲۵۲ ق)، عالم دینی، طیب و شمیم‌دان. از صمیمی بزرگ تهران و صموی بزرگ آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فصل‌الله نوری تلمذ کرد. در طب و شیمی و علم الحروف بسیار مهارت داشت. از آثارش: «اسرار الحروف»، «اصلاح المراج»، در طب: «وقایه الجسد»، در طب: «حاشیه المراث».

ریحانه (۳/ ۲۱۸، ۲۱۹)، مجمع التوین (۱۳/ ۲۷۲).

شریف اصفهانی، ملا محمد شریف، فرزند اسناد گلچینی سنگتراش (س یازدهم ق)، شاعر از قریه رزنسفادان اصفهان بود. به مانند پدرش در سنگ

بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمس، که گویا ترجمه «عقاید الاسلام» ترکی مستسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآة المتقین»، «محلات المحققین»، «البلاغ المبین»، «معیار النعم و منشر الوهم»، «تذکرة المتقین»، «مثنویهای انصاف نامه»، «ایین نامه»، «تحدیه نامه»، «سرویج نامه»، «توحید نامه»، «ثمره مؤذیه»، «حیرت نامه»، «سعادت نامه»، «محبت نامه» و «نماز نامه» «دیوان» شعر

الذریعه (۳/ ۱۲۰، ۲/ ۴۶، ۹/ ۱۶۳، ۱۱/ ۴۶۵، ۱۲/ ۱۸۱، ۱۵/ ۲۸۱، ۱۹/ ۸۵۸۳، ۲۰/ ۱۱، ۲۴۸۲۲۷، ۲۸۲/ ۲۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۵۶)، برنگ سخنوران (۱۷۹)، مزائن کتب چاپی (۵۸۰، ۵۷۹/ ۱)

شریف تهرانی، علی اصغر، فرزند منصور، (نو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در طی دوران تحصیل در مدرسه سن لویی و مدرسه علوم سیاسی و دانشکده حقوق، در انجمن ادبی دانشکده عضویت داشت. در ۱۳۰۴ ش در مجله «ندای قدس» اشتغال داشت، چندی بعد سردبیر روزنامه «جست» به مدیریت حسین کشتوانی شد. بعدها وارد خدمات دولتی گردید و عهده‌دار مکاتبات مختلف شد. از آثار وی: «نثار مکتب عشق»، «خوبیهای ایران یا عشق و شکیانی»، «مکتب عشق»، «مسامحت از حق مظاهر تصرف عدوانی و وقع مراحمه»، «لاریح»، «نوی نی»، «توشکته‌ها»، «همای و همایون».

مزائن کتب چاپی (۲/ ۲۶۶، ۲۶۹)

شریف الدوله کاشانی، علی محمد پشی آدم، فرزند محمد علی تمصب (۱۲۵۳-۱۳۲۵ ش)، شاعر در کاشان متولد شد. در مدرسه علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت. به سال ۱۳۲۲ ش قبول ماذکریه شد و در دوره مشروطیت کارگزار رشت بود. وی حکومت‌های کردستان، گروس، بروجرد، لوسان، آذربایجان، خورستان و خراسان و معاونت دیوان محاکمات وزارت خارجه و کفالت وزارت جنگ را به عهده داشت. در دوره دوم مجلس از طرف گیلان (عومت) وکیل گردید و به تهران آمده، به فرقه عبدالنور پیوست پس از چند ماه از مجلس استعفا داد و از فرقه اعتدالیون خارج شد و به دسته «اتحاد و ترقی» پیوست. سپس به وزارت امور

خارجه رفت و در سمت‌های مختلف مشغول به کار شد. «دیوان» خطی اشعار وی حاوی مضامین جنگ‌های ارتش در کردستان بود. او در ۷۲ سالگی در کوی سنگلج تهران وفات یافت.

«دکبانة رجال و مشاعر» (۲/ ۷۸-۷۷)، شرح حال رجال (۲/ ۴۸۳)

شریف‌الدین جرجستانی ← جرجستانی، سید شریف‌الدین علی

شریف شاهرودی، شیخ اسماعیل (س چهاردهم ق)، عالم دینی. از بزرگان و فضلاء شاهرود بود. از آثارش کتابی به نام «الحجج الرصیه» به فارسی است که آن را به نام مظفرالدین شاه قاجار تألیف نمود.

طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۴۸)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۳۵۸)

شریف شیرازی ← خواجه‌چگی شیرازی

شریف شیرازی، شریف حداد. (وف ۱۱۲۵ ق)، شاعر چرب لاهجی او را از مواتر روزگار ذکر کرده است از دوست:

دمی دیر و حرم آینه دار شمع و خسارت
جهان یک چشم حیران در تماشاگاه دیدارت
دل شیخ حرم روشن سراد از مصحف رویت
برهم را رگ جان در شکتج زلف زنارت

تذکره المعاصرین (۲۲۲، ۲۸۸)، الذریعه (۹/ ۵۲۲)

شریف شیرازی، محمد شریف، فرزند خواجه عبدالصمد شیرین قلم. (وف ۱۰۲۱ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به فارسی و شریف فارسی. پدرش به خواستش همایون شاه به صدهای از هنرمندان ایران برای جهت اشاعه هنر تصویرسازی عارم هند شد. محمد شریف در دربار همایون پادشاه با جهانگیر بزرگ شد و در آخر سلطنت جهانگیر به مقام امیرالامرای و منصب پتجه‌زری رسید. در برهانپور خاندن درگذشت. از آثار رقم در وی: مجلس شکار جهانگیر پادشاه که سرب براسپ شده و در محبت همراهان و دوستان خود در کنار کوهی به شکار مشغول است. در نظم تصویر اشعاری به چشم می‌خورد که اشعار خود نقاش است و رقم. «اصل

الدریجه (۳/ ۱۹۳، ۵/ ۲۲۲، ۲۴/ ۱۶۵-۱۶۶)، روایات
احباب (۱- ۴۰۴۷)، ریحانه (۳/ ۲۱۹-۲۲۰)، طغای
اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۶۱۹-۶۲۰)، الکشف و الاغیاب
(۲/ ۳۶۱)، مکسارم الانسار (۲/ ۱۲۶۹-۱۲۷۲)،
مدینه الاحباب (۱۶۱-۱۶۲).

شریف فارسی - شریف شیرازی

شریف قاینی، محمد جعفر، فرزند محمود، (ز
۱۳۰۵ ق)، نقاش و قلمدان ساز در مکتب پدرش و دیگر
استادان زمان، فن تصویرگری آموخت و خود از استادان
شد. او در چهره سازی و مجالس یزمی و گل و مرغ و حل
کاری سر رشته داشت و آثار خود را بر آذین و چشم نواز
برسیم می کرد و دنباله رو سبک آقاجف بود از آثار وی
قلمدانی در کمال زیبایی که رویه آن، منظره دریا و قاین
است و طرفین قلمدان پر آذین و مذهب، با رقم «چاکر
آسمان مبارک جعفر الشریف قاینی ۱۳۰۵» قلمدان
عکسی که حواشی آن گل و مرغ استادانه است، با
رقم «جعفر شریف القاینی ۱۳۰۲» قلمدان مرعش
طلایی که در رویه و در سه مدالیون مختلف، تصاویری
رسم کرده که به شیوه غربی است، با رقم «کمترین
مستحکم جعفر الشریف القاینی ۱۲۸۲».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۳۱-۱۳۲)، هنر قلمدان
(۱۲۲).

شریف قاینی، محمد علی/علی محمد، فرزند
محمود، (ز ۱۲۸۲ ق)، نقاش و قلمدان ساز، برادر محمد
جعفر شریف قاینی قلمدان ساز بود. از آثار او، قلمدان پر
پریایه ای که در رویه آن سه مدالیون بیضی شکل دیده می
شود که در داخل مدالیون ها، قصه معروف شیخ صمدان و
دختر ترسا نقش شده و کنارهای قلمدان و زیر آن،
سبب طلایی فوق العاده ای داشته است، با رقم «اعمل
محمد علی شریف قاینی ۱۲۸۲» قلمدانی در شیوه
آقاجف که تصویر یوحنا را به قدرت تمام تصویر نموده
است. در پائین رویه قلمدان، منظره سی رسته پل اسمهان
نقش شده و در کناره ها نیز، تصاویر و مناظر مختلفی بین
شش کتیبه بیضی شکل نقش بسته است، با رقم: «الاقل
علی محمد شریف القاینی ۱۲۷۸». ممکن است که این
دو رقم، از دو نقاش جداگانه باشند که در یک زمان
فعالیت هنری داشته اند.

مرید در چهار مرتبه احلاص پای بر جا شریف - بتاریخ
شهر فروردین الهی مطابق نه صد و نود و نه دارد
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۲-۲۲۳)، تاریخ نظم و نثر
(۴۲۸، ۶۵۲)، تاریخ سردای ملی (۲/ ۸۳۳-۸۳۴)،
تذکره زود روشن (۲۲۰)، دانشمندان و سخن سرايان
فارس (۲/ ۲۴-۲۶)، الدرجه (۹/ ۵۲۲)، صبح گلشن
(۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۳)، کاروان هند (۱/
۲۹۰-۲۹۸)، مرآت الفصاحه (۲۹۸-۲۹۹).

شریف شیرازی، میر شریف، (ص یازدهم ق)، شاعر.
از اوست:

غرض از یاده گر مستی است چشم یار هم دارد
گر از گل رنگ معطر است آن رخسار هم دارد
نمی دالم چرا گردون به کام من نمی آید
اگر عییم پریشانست زلف یار هم دارد
تذکره نصربادی (۱۲۰)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ
سخنران (۲- ۲۵۰۲).

شریف العلماء مازندرانی، ملا محمد/محمد شریف
بن ملا حسنعلی آملی (وف ۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی
عالم امامی، ملقب به شریف الدین و مشهور به
شریف العلماء در کربلا به دنیا آمد و همانجا مشهور
گشت. در محضر سید علی طباطبائی، صاحب درایه،
و فرزندش سید محمد مجاهد تلمذ کرد. پس از چندی با
پدر خود به ایران بازگشت و در قم مدت یک سال از
درس میرزای قمی استفاده کرد و مجدداً به کربلا
بازگشت. او در کربلا در مدرسه حسن خان مجلس درس
داشت و زیاده بر هزار نفر در محضر دروس حاضر
می شدند. سیدالعلمای بارفروش و شیخ مرتضی
انصاری و ملا آقای دربندی و سید ابراهیم قزوینی
حائری، صاحب «ضوابط»، و سید محمد شفیع چابلقی و
ملا اسماعیل یزدی و حاج سید حسین ترک و شیخ
محمد آل یاسین از شاگردان وی در علم اصول بودند.
شریف العلماء در کربلا به طاعون درگذشت و در
نزدیکی صحن معبر حسینی دفن شد. اشتغال بیش از
حد وی به تدریس مانع از آن شد که آثار قلمی اش بسیار
باشد. از آثار او: رساله «جواز امر الامر مع العزم بانتهاء
الشرط» که بسیار مبسوط است؛ «النسخ و اینکه آیا عقلاً
جایز است یا غیر؟» «بیج المحاحات و الصرب و
الهیات».

احوال و آثار نقاشان (۹۲۵-۹۲۶)، هنر مسلمان (۱۳۲)

شریف قاضی، محمود، (ز ۱۲۷۵ ق)، نقاش، اهل قاین بود. در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی، در شیوه فرنگی‌سازی استاد بود و گل و مرغ و منظره‌سازی را خوب می‌دانست. به غیر از قلمدان‌سازی و کمره‌های روعنی (لاکی)، در آبرنگ و سیاه قلم نیز سرشته داشت. از آثار وی: قلمدان‌هایی که صورت امیرکبیر احتشام‌السلطنه را به شباهت تمام تصویر نموده و در حواشی آن، موضوعات مختلفی از قبیل قصه‌ی پیرسب نثار و غیره، به تردستی ترسیم شده و رقم. «محمود الشریف قاضی ۱۲۶۴ هجری قمری؛ قلمدان‌هایی که در وسط رویه آن، تصویر یوحنا پسران کارهای آقاجبج جلوه‌گر است و در قسمت بالای آن، منظره کشته‌های یادبانی در ساحل است که مسافری را به ساحل پیاده می‌نمایند و رقم: «الاقبل محمود شریف القاضی ۱۲۷۵ هجری قمری؛ آبرنگی دهقانی در مرزعه است که پسری را به سختی کتک می‌زند و در کمان استادی ترسیم شده» یا رقم: «محمود شریف».

احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۴/۳)

شریف کاشی، (س دهم ق)، صوفی و شاعر. اهل قریه بادقان کاشان بود. در اوایل حال به کسب خیاطی اوقات می‌گذراند. پیشتر اوقات ملازمت و خدمت درویشان و اهل سلوک را می‌کرد. وی در لباس درویشی از کاشان به عراق حجه و حراسان رفت. در فتنه اوزبکان راه قندهار را در پیش گرفت و آخر الامر به هندوستان رفت. در سند به ملازمت خاندان رسید و در سلوک شاعران دربار او درآمد و بعد به گلکنده نزد محمد قلی قطبشاه رفت و همان‌جا اقامت اختیار کرد. وی دارای «دیوان» شعر است که متجاوز از ده هزار بیت از غزل و قصیده و رباعی را شامل می‌شود.

کدیوان هند (۱/ ۶۲۶-۶۳۳)، مآثر رحیمی، ۱۳۵۸/۱

شریفی، میر ابوالفتح، شریفی حسینی، میر ابوالفتح

شریفی بلخی، صاحب، (وف ۸۶۰ ق)، شاعر، متخلص به شریفی، در موسیقی و طب سرشته داشت.

در زمان سلطان ابوسعید میریوسف و مداح پادشاهان بدخشان و سادات نرمد بود. از اوست:

ر قامت تو به عالم فیاضی برخاست
بیمتست قدت گر بود قیامت راست

تاریخ نظم و نثر (۳۰۴)، تذکره دور و روش (۲۲۱)، تذکره الشعراء (۵۱۰-۵۱۲)، الذریعه (۹/ ۵۲۲)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۵)، مجالس العالی (۱۵-۱۶)

شریفی بوشهری، محمد علی، شریفی دشتی.

شریفی قیریزی، معین‌الدین محمد، (س دهم ق)، خطاط از شاگردان میر علی هروی بود. از آثار وی: یک قطعه از مرقع مالک دیمسی، به قلم سه دانگ جلی و نیم دودانگ خوش، با رقم: «کنه احمد معین‌الدین محمد» (شریفی، در مشهد مقدس انور نوشته شده)

احوال و آثار خوشویسان (۲/ ۶۶۵-۶۶۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۹۷-۱۹۸)، الذریعه (۹/ ۵۲۵-۵۲۶)، مناب همروان (۷۶)

شریفی حسینی، میر ابوالفتح بن محمد بن محذوم بن سید شریف چرجانی، (وف ۹۷۶ ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقی. از خانواده‌ای شیرازی الاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسعرائی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت. از آثار وی، «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»، «اصول الفقه»، «تاریخ الصوفیه»، «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المطلق»، «حاشیه الکبری»، «حاشیه» «شرح المظالم»، «صغوة الصغاه»، «استاد نفیسی در لا تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی زاده رومی دانسته و تاریخ وفاتش را ۹۵۰ ق ذکر کرده‌اند.

احیان النبیة (۲/ ۳۹۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۲۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۳-۳۷۴)، دانشنامه ایران و اسلام (۷/ ۹۷۲)، الذریعه (۱/ ۴/ ۲۰۲، ۳/ ۴۶۱، ۴/ ۲۷۷، ۶/ ۵۹، ۱۳۳، ۲۹/ ۱۵، ۳۱۴، ۳۲۵، ۲۴۶)، ریحانه (۳/ ۲۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (کرون ۱۰/ ۱۷۶)

کلاتری شیراز را به او دادند و بعد وزیر شاه طهماسب شد. وی از مردان نامور دربار شاه طهماسب بود و مرد بسیار بخشنده‌ای به شمار می‌رفت از دوست در سجده گریه گشمن می‌آمود ما را می‌ماند تا قیامت سر در سجود ما را تاریخ نظم و سحر (۲۶۹/۲۶۸)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۲/۲۶۶)، آذریمه (۹/۵۲۵)، مجالس الثقات (۲۸۶-۲۸۷).

شریفی شیرازی، میر مرتضی. (وف ۹۷۲/۹۷۱) (۹۷۲ ق)، دانشمند، محدث، حکیم و شاعر، متخلص به شریف. فیش به میر سید شریف جرجانی می‌رسد. منطق و حکمت را در محضر شیخ عبدالصمد بغدادی و حدیث را از سید میرک شاه فراگرفت. مدتی از طرف شاه اسماعیل صفوی در خراسان مقام صدایت داشت. به مکه مسافرت کرد و در علم حدیث از محضر شیخ شهاب احمد بن حجر مکی استفاده نمود و از وی جاره تدریس گرفت. از آنجا به هند مسافرت کرد و در آگره ساکن شد و به تدریس علوم پرداخت. در دهلی درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند. از آثار وی: «مظومه الکافیه»، در نحو؛ «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و سحر (۶۸۲)، تذکره دور روشن (۲۲۱)، دانشندان و سخن سرایان فارس (۳/۲۶۲)، آذریمه (۹/۵۲۵)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، کاروان هند (۱/۶۳۵-۶۳۳)، مفت اقلیم (۱/۲۳۳).

شریفی کرمانی، ابراهیم بن حسام‌الدین. (۹۸۰-۱۰۱۶ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. بر آثار وی: نظم «کافیه نجریمه» ابن حاجب؛ نظم «شامیه صفریه» ابن حاجب؛ «موزون المبران» که نظم «ایساجوی» ابوالدین انهری است. آذریمه (۳/۳۰۲، ۹/۵۲۵)، رساله (۳/۲۲۰)، معجم المزیلین (۱/۱۹)، هدیه المارین (۸/۲۹).

شریفی مشهدی، امیر. (س نیم ق)، شاعر و موسیقیدان از اصناف سید شریف جرجانی و از صدایات مشهد بود که به شهر هرات رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. از دوست.

بس که سیل غمت از دیده دسام گذرد
روز هجر تو مرا چون شب ماتم گذرد

شریفی دشتی، محمد علی، فرزند حاج حسن. (۱۲۸۹/۱۲۸۰-۱۳۶۲/۱۳۶۰ ق)، شاعر، متخلص به شریفی. در بندر بوشهر به دنیا آمد. پدرش در بحرین به تجارت اشتغال و ریاست جمعیت ایرانیان معین بحرین را داشت و مدرسه‌ای به نام اصلاح برای اطفال ایرانی تأسیس کرد. محمد علی پیش از شش سال ندانست که پدرش را از دست داد و ناگزیر به بوشهر مراجعت کرد و به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد مشغل دولتی شد. از ۱۳۱۴ ق به سرودن شعر پرداخت و با مجامع دبی ارتباط برقرار کرد. اشعارش در برخی روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شد. در تهران وفات کرد. از آثار وی: «یادگار اهل سخن» که مجموعه‌ای از اشعار شعرائی معاصر است به خط خودش؛ «دیوان» اشعار.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۳/۲۵۹-۲۵۵)، سخنوران سالی معاصر (۳/۱۹۳۲-۱۹۳۶)، صدف (۴۹۵-۴۸۵)، فرهنگ سخنوران (۵۰۲).

شریفی ذهبی شیرازی، سید احمد، فرزند سید محمد رضا مجدالاشراف ثانی. (وف ۱۳۵۱ ق)، عارف از پیشرایان سلسله ذهبیه و متولی شاه چراغ بود. بنگاه از پدرش بر مسند ارشاد او تکیه کرد و گروهی از شواربش ذهبیه بویه ذهبی‌های آذربایجان او را نصب سلسله خود می‌دانستند. وی در مقبره خانوادگی در حرم شاه چراغ نزدیک مریدر و عم و جدش مدفون است.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۳/۲۶۲-۲۶۴).

شریفی ذهبی شیرازی، سید محمدحسین، فرزند سید احمد. (تو ۱۳۱۵ ق)، عارف. از پیشرایان سلسله ذهبیه است. در خانواده‌ای صاحب فضل به دنیا آمد. علوم متدبرانه را تحصیل کرده و پس از فوت پدرش به مسند ارشاد و تولیت شاه چراغ رسید.

دانشندان و سخن سرایان فارس (۳/۲۶۵-۲۶۴).

شریفی شیرازی، امیر سید شریف یاقی، فرزند امیر سید شریف ثانی. (س نیم ق)، شاعر، متخلص به شریفی. در شیراز متولد شد. خطبه‌ای وی در ایام سلطنت هم از گریگان به شیراز و عراق رفته‌اند. در زمان شاه طهماسب صفوی نخست به وزارت اراک رسید و سپس

شعاهی* دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۰۹).

شمرانی تهرانی، میرزا ابوالحسن، فرزند شیخ محمد بن غلامحسین. (۱۲۲۰-۱۲۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه خان مروی، فقه و اصول را از بزرگانی چون شیخ آقا برگ سواجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ محمد رضا قمی‌ای و میرزا طاهر تنکابنی و میرزا علی اکبر یردی فراگرفت. پس از درگذشت پدرش در ۱۳۴۶ ق، به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر استادان نیز بهره‌ها برد. سپس به تهران بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جلدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجة الاسلام حسن زاده آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه قلبی درگذشت. در حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. آثارش: تعیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، دو ده جلد؛ تعیقات بر «وادی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه «بصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح سازندران، در دوازده جلد؛ «نقات القرآن»؛ «راه سعادت»؛ در ثبات خلد و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»؛ ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهاج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکیم» حکیم سزواری؛ ترجمه و شرح «تجريد الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»؛ ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی.

آثار الحجه (۲/ ۲۳۹)، الذریعه (۱۰/ ۵۳)، کنجیه دانشمندان (۳/ ۴۰، ۲/ ۲۹۱-۲۹۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۵۵-۱۵۶).

شعری اصفهانی، میرزا طاهر، فرزند شیخ

زیی‌العابدین. (۱۲۲۴-۱۲۷۵ ق)، ادیب، مؤلف و شاعر، متخلص به شعری. ملقب به دیباجه نگار. نسبش به شیخ راهدگیلانی می‌رسد. در اصفهان به دب آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قصات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه برادرش، شیخ صالح، به تهران آمد و در مدرسه دارالشفا به تحصیل ادب مشغول شد و در ره ادب و شعر درآمد. از کتابی به نام «کنج شایان» به نام میرزا آقاخان نوری صدراعظم تألیف کرد. تألیف کتاب در ۱۲۷۳ ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را به اشتباه ۱۲۷۰ ق نوشته‌اند. از دیگر آثار وی «دیوان» اشعار.

تاریخ تذکره‌های فارسی (۲/ ۷۳-۷۷)، تذکره‌القبور (۳۹۵-۳۹۴)، حقیقه‌الشعراء (۲/ ۸۴۲-۸۴۷)، الذریعه (۹/ ۵۲۷، ۱۸/ ۲۳۸)، ریحانه (۳/ ۲۲۵)، شرح حال رجال (۲/ ۸۸۶، ۵/ ۱۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۶۷۹)، فرهنگ سخوران (۵۰۵)، کنج شایگان (۵۷۸-۵۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۸۵-۵۸۲)، مجمع الفصحا (۵/ ۵۳۳-۵۳۲)، مکرم الآثار (۳/ ۷۷۹-۷۸۰)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۵۹، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۶).

شعری شیرازی، ملا ملک محمد. (؟)، شاعر. از اوست:

چو شمع سوختم از آتش نهانی خویش
ولیک شکوه ندارم زبانی خویش
تذکره رور روشن (۳۲۱)، فرهنگ سخوران (۵۰۵)، مرآت الفصحه (۳۰۷).

شعری شیرازی، میرزا ابوالقاسم، فرزند درویش حسن نقیب شیرازی. (وف ۱۳۱۷ ق)، شاعر. در ۱۲۹۳ ق به تهران آمد و به بسیاری از مجالس راه یافت. در شیراز درگذشت و دارالسلام دفن شد. از اوست:
خوش بود در کف سر حقیقت حاشی
فارغ از گردش ایام و به کف میتابی
پادشاهی به ازین چیست که نوشیم مدام
جام می از کف معشوق جهان آرائی
آثار عجم (۵۵۹)، حقیقه‌الشعراء (۲/ ۸۴۸-۸۴۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲/ ۱۸۶)، الذریعه (۹/ ۵۲۷)، مرآت الفصحه (۳۰۷-۳۰۶).

شعری یزدی، میرزا محمدعلی، فرزند علی اکبر

۵۰۲۵ ۵۰

شعله میریری، میرزا محمد جعفر، فرزند محمدیقر خان. (وف ۱۳۱۵/۱۳۱۶ ق)، شاعر، متخلص به شعله. در نیریز متولد شد. او به سنت ازدواج با دختر سید یحیی کشفی دآرایی معروف به وحید، نایب میرزا علی محمد باب، چندی تکبر و متهم به یابیگری شد. با آنکه از بیثباتی یک چشم بیشتر بهره داشت، اما از دندی قوی برخوردار و در تیراندازی و خطاطی و حسابداری ممتاز و مدتی مباشر دیوانی بود. در نیریز درگذشت و در مصلاهی معروف به امامزگان دفن شد. از آثار وی: مستوری «خمسرو و شیرین» که آن را به فرهاد میرزا معتمدالدوله اهدا کرد. این کتاب در بمبئی به چاپ رسیده است. آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» نسبت وی را تریری آورده است.

«انشادان و سخن سریان فارس» (۳/ ۲۸۹-۲۸۶)،
الذریعه (۹/ ۵۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۲۲)،
مرآت الفصاح (۳۰۹-۳۰۷)

شعوانه. (مس دوم ق)، واعظ و عارف از زنان عارف ابرنیه ساکن آمله بود و با آواز خوش حدود مردم را وعظ می کرد و زاهدان، عابدان و صاحبزادان در مجلس وی حاضر می شدند. هارغان بزرگی مانند ابوعلی فاضل بن عیاض بر عو مقام و رهد وی گزاهای داده اند.
مشاعر روان (۱۳۶)، نعلات الانس (۶۱۶-۶۱۵)

شعوری تبریزی، مهدی. (مس دهم ق)، شاعر، متخصص به شعوری. در فن سیاق بهره کافی داشت. از او است:

مرا ز خانه پروم هر دم آرزوی تو آرد
گر نه شوق گریبان من به سوی تو آرد
...
سخنران ادیبان (۴۴۰)

شعوری تربی به شعوری هروی

شعوری کاشانی. (مس یازدهم ق)، شاعر. از شاگردان محتشم کاشانی بود و از مداحان حاتم یک اعتمادالدوله وزیر شاه عباس صفوی، «دیوان شعری در حدود شش هزار بیت داشته است.

خان. (مس سیزدهم ق)، شاعر او مدتی به مدح شاهزاده محمد ولی میرزا حکمران برد پرداخت و از او لقب ملک الشعر گرفت. از او است:

و سنان یساف دگر خسر می رساد سهار
جهان پیر جوانی گرید دیگر بار
تذکره سخنوران بود (۱۶۹-۱۷۰)، حدیقه الشعراء (۲/ ۸۴۹-۸۵۰)، الذریعه (۹/ ۵۲۷)، مجمع الفصحا (۵/ ۵۲۷).

شعف قمی، آقا عبدالله کفشدوز. (مس دوازدهم ق)، شاعر، ششش کفش دوری بود. از او است:

به وصل یار رساندی مرا و حیراسم
که این به کار تو ای آسمان قمی ماند
الذریعه (۹/ ۵۲۷)، سینه السحود (۲/ ۴۹۰-۴۹۱)،
فرهنگ سخنوران (۵۰۵)

شعله، اسماعیل به آشتیانی، اسماعیل.

شعنه اصفهانی، سید محمد طیب. (وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، طیب و حکیم، از شاعران دوره رون بارگشت ادبی بود که به همراهی رفیق اصفهانی، مشتاق، عاشق، آذی، صیاحی و هاتف از تبع سبک هندی چشم پوشیده و از شیوه قدما پیروی نمود. در شعر بیشتر به قصیده گویی معایل بود. وی به طبابت اشغال داشت. از آثارش: «دیوان شعر. بعضی تذکرها به اشباه احوال او را با شعله گلیانگی در هم آمیخته اند. در «تذکره القیور» سال مرگ وی ۱۱۶۵ ق ذکر شده است.

تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۱۸۶)، تاریخ ادبیات ایران در دوره بارگشت (۲/ ۳۶۹، ۳۲۰)، تذکره القیور (۳۶۸)، الذریعه (۹/ ۵۲۸-۵۲۷)، و حله (۳/ ۲۲۵)، سینه السحود (۲/ ۴۸۲-۴۸۱)، لغت نامه (ذیل / شعله)، گارستان دوا (۲۱۳-۲۱۱).

شعنه شیرازی، «هورلو / اغورلو / اغورپور پینگ، فرزند امام قلی خان حاکم فارس. (مس یازدهم ق)، شاعر در عصر شاه صفی صفوی او را کور کردند. با مؤلف «تذکره نصرآبادی» دیدار داشته است. اشعاری از او در تذکرها نقل شده است.

تذکره روز روشن (۶۲)، تذکره نصرآبادی (۳۵)، الذریعه (۹/ ۸۳، ۵۲۸)، صبح گلش (۲۲۴)، فرهنگ سخنوران

شاعر. از شاگردان ملا حسین خواساری در مدرسه جده اصفهان بود. آقا حسین خواساری نسبت به او توجه زیادی می‌کرد. او از شعرای معروف عصر صفویه است. در اصفهان درگذشت. از اوست

با هر که حرف دوستی اظهار می‌کنم
خوایده دشمنی است که بیدار می‌کنم
از بسکه در زمانه یکی اهل درد نیست
طهار درد خویش به دیوار می‌کنم
تذکره دور ووشن (۴۲۵)، تذکره شعرای خوانسار
(۱۲۵-۱۳۴)، تذکره نصرآبادی (۱۹۵-۱۹۴)، الذریعه
(۵۲۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، سخن الفرباب
(۱/۲۲/۲)

شغال معینی، ملا علی. (س. یازدهم ق.) شاعر. معاصر مؤلف «تذکره نصرآبادی» بود. او در س. معاصر بسیار مهارت داشت و نسبت معنایی وی به همین سبب است. از اوست:

مهر پشان پر دل و جانم قزود
تا در رخ صاده مگور نمود
تذکره نصرآبادی (۵۰۵-۵۰۴)، الذریعه (۵۲۹/۹)

شعله شجاع‌الدین، فرزند حیدرعلی. (تو ۱۲۹۷ ش.)، نویسنده و مترجم. بعد از تحصیلات متوسطه در مدرسه همیشه به خواسته پدرش وارد دانشکده طب شد؛ ولی پس از مدتی از ادامه آن متصرف شد. در ۱۳۱۸ ش به فرانسه رفت و در رشته ادبیات مشغول به تحصیل شد؛ پس از شروع جنگ به پیروت رفت و تحصیلات خود را در پیروت ادامه داد. در ۱۳۲۰ ش به تهران بازگشت و در اداره تبلیغات به خدمت اشتغال یافت. از آثار وی: «ایران در ادبیات جهان» که این کتاب جایزه اول سخن را دریافت کرد و بهترین ترجمه سال شناخته شد؛ «آهنگهای شاهانه» مجموعه بهترین اشعار لاموتین؛ «داستانه خدایان»؛ «بازگشت»؛ «اوراق زرین» ادبیات جهان، ترجمه و تألیف؛ «شاخه یاس»، شاعره داستان از شاعر نوپسند؛ ترجمه «سپاه ایام» گشتی دونوای نوزمین کتب چاپی (۳/۲۰۲-۲۱)

شفا، قراج‌الله. (تو ۱۲۹۳ ش.)، مدرس، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در اصفهان و تحصیلات پزشکی را در دانشکده پزشکی تهران به سال ۱۳۱۷ ش

تاریخ نظم و سطر (۶۵۲)، تذکره دور ووشن (۴۲۲) تذکره نصرآبادی (۲۹۶-۲۹۵)، الذریعه (۵۲۸/۹) ریحانه (۲/۲۶۶)، صبح گشتی (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)

شموری مشهدی. (س. یازدهم ق.) شاعر از اوست: بی تو چو خون نشان کنم روز وداع دیده را شربت واپسین دهم جلا به لب رسیده را تاریخ ادبیات در ایران (۵/۵۱۸)، تذکره نصرآبادی (۲۹۵)، الذریعه (۵۲۹-۵۲۸)، ریحانه (۲/۲۶۶-۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، مطلع الشمس (۲/۴۳۵)، نشر عشق (۳/۸۰۲)

شموری نیشابوری. (س. دهم ق.) شاعر. اهل نیشابور بود و: «علی در مشهد» قامت داشت از اوست: آرزوی ما جمال خوبرویی بیش نیست قسمت ما از جمالش آرزویی بیش نیست تذکره دور ووشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، مجمع المصنوع (۲۶۹)، سخن الفرباب (۲/۹۲۷)، مطلع الشمس (۲/۱۸۱)

شموری هروی، ابوالقاسم. (س. یازدهم ق.)، شاعر و خطاط. اصلش از هرات بود و در کابل زندگی می‌کرد. در زمان اکبر شاه به هند مسافرت کرد و در حوالی کابل اقامت گرفت. از آثار وی: مثنوی «شیر و شکر» یا «قد و شکر»؛ «دیوان» شعر الذریعه (۹/۵۲۹)، صبح گشتی (۲۲۵-۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، کاروان هند (۱/۶۳۷-۶۳۵)، منظومه‌های فارسی (۲۳۶)

شعیب جوشقانی. (ز ۱۰۳۲ ق.)، شاعر و خطاط اهل جوشقان از توابع کاشان و از بزرگان آن شهر بود. در زمان شاه عباس اول محوری می‌کرد. از آثار وی: مثنوی «واعت و عذرا»، که در ۱۰۳۲ ق از نظم آن فواصت یافت. آتشکده آذر (۳/۹۵۰)، تذکره نصرآبادی (۸۰۳-۷۹)، الذریعه (۹/۵۲۹)، ۱۹/۳۳۰، ۲۵/۶۳، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۱۱/۲۶۲)، عالم آرای عباسی (۲/۷۱۱)، ۸۲۷، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، منظومه‌های فارسی (۵۲/۲۶۱-۲۶۲)، نشر عشق (۳/۸۰۳)

شعیب خواساری، ملا شعیبیا. (تو ۱۰۸۳ ق.)

به پایان رسانید و پایان نامه خود را در رابطه با موضوع «همیت ویتامین ث در ارتش» نوشت. او عهده‌دار مشاعلی از قیل دستیار آزمایشگاه میکروب‌شناسی و دانشیار کرسی میکروب شناسی شد. در ۱۳۲۷ ش به انگلستان مسافرت نمود و پس از مدت دو سال توقف موفق به اخذ دیپلم تخصصی در میکروب شناسی و گواهی‌نامه در بیماریهای کودکان گردید. از آثار وی «باکتریها»، «میکروب شناسی عمومی»، «ویروسها».

مؤلف کتب چاپی (۲/ ۸۰۵-۸۰۴)

شفایی، احمد، (ز ۱۳۲۹ ش)، طبیب، تحصیلات متوسطه و کلاس پ.ت.ا. را در تهران به پایان رساند و جزء محصلین امراسی به فرانسه بود. تحصیلات پزشکی را در دانشکده پزشکی لیل و پاریس به پایان رسانید در ۱۳۱۶ ش به دکتری ندیل آمد، در ضمن دانشنامه طب قانونی و امراض روحی و بهداشت عمومی و طب مناطق گرمسیری را در دانشکده پزشکی پاریس تحصیل کرد. پس از سرگشت به ایران دانشیار رشته بافت شناسی شد از آثار وی، «بررسی مقاطع بافت شناسی»، «جراحی شناسی (رویان شناسی)».

مؤلف کتب چاپی (۱/ ۲۱۲-۲۱۱)

شفایی، صفهانی، حکیم شرف‌الدین حسن بن حکیم سلا محمد حسین، (۹۶۶-۱۰۳۷ ق)، حکیم، طبیب و شاعر، متخلص به شفایی معروف به حکیم شفایی، از عالمان و پزشکان مشهور زمان خود در اصفهان بود و نزد خاص و عام و نیز در دستگاه سلطنت و حکومت حرمت بسیار داشت. نزد پدرش و برادرش حکیم نصیرا تحصیل کرد در محله نیم آورد اصفهان مغرب داشت. وی به جز پزشکی حکمت نظری را هم فراگرفت. توانایی در هجو زبانزد همه معاصرانش بود در قبرستان شاه میر حمزه اصفهان دفن شد. از آثار وی: «دیده بیدار»، به نام شاه عباس صفوی، «سائبنامه»، «شکرالمدقین»، «مجمع البحرین» در مقابل «جمعه المر قیر»، «لمکدان حقیقت»، «دیوان» اشعار در حدود پنج هزار و پانصد بیت.

ناشکده آفر (۳/ ۹۵۰-۹۵۶)، ابصاح المکنون (۱/ ۵۱۱)، تاریخ ادبیات ایران (۴/ ۱۷۱)، تاریخ ادبیات ایران (۵/ ۱۰۸۲-۱۰۷۵)، تاریخ نظم و سحر (۲/ ۵۱۵-۵)، تذکره الشبیر (۲۷۵-۲۷۶)، تذکره میخانه

۵۲۳-۵۲۲)، تذکره مصرآبادی (۲/ ۲۰۶-۲۰۷)، الذریعه (۹/ ۵۲۹-۵۳۰)، ۱۶/ ۲۱۵، ۲۴/ ۳۱۳)، ریاض المارین (۲۱۳-۲۱۲)، ریاض المعنیه (۱/ ۱۶۱-۱۶۲)، دیحانه (۳/ ۲۲۸-۲۲۹)، سرمدان مرهنگ (۱/ ۳۱۶-۳۱۷)، عالم آرای عباسی (۲/ ۱۰۸۲-۱۰۸۳)، مرهنگ صفهوان (۵۰۶-۵۰۷)، مجمع النواصی (۴/ ۲۰۵-۲۰۶)، مجمع الفصحا (۴/ ۲۲۰-۲۲۱)، منظومه‌های فارسی (۱۷)، ۳۲۰، ۳۲۵)، نتایج الکیمیا (۳۷۵-۳۷۳)، همت افلیم (۲/ ۴۲۹-۴۳۰)

شفایی اصفهانی، مظفر بن محمد حسینی، (ز ۹۶۲ ق)، پزشک و شاعر. اصلاً از مردم گاشان و ساکن صفهان بود. او چند کتاب در پزشکی و داروشناسی داشت، از جمله «بیمت باب»، «قرآداین».

تاریخ ادبیات بر ایران (۵/ ۳۶۱-۳۶۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، الذریعه (۳/ ۱۸۸-۱۸۹)، ۱۷/ ۲۰۶-۲۰۷

شمعی، حاج سید اسدالله، حجة الاسلام ثانی بدآبادی.

شمعی اصفهانی، حاج سید محمد باقر بن محمد تقی بن محمد زکی موسوی، (۱۱۷۵-۱۲۶۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب، نحوی و رجالی. معروف به حجة الاسلام. در یکی از فرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در همت سالگی به شمت منتقل شد. بعدها در اصفهان سکس گرفت. او از شاگردان بهبهانی، بحر العلوم، سید علی صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی تراقی و میرزای قمی بود. او در فقه، اصول، دین، ریحان، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در احادیث از نوادر بود. پس از سفرهای علمی طولانی به شهرهای مختلف، در اصفهان مقیم شد و هل علم و دانش پژوهان گردش جمع شدند و ریاست و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمدابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد مصوی و ملا محمد علی محلاتی و سید نصرالله استرآبادی و شیخ علی نجفوانی و سید محمد تقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمد علی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خود در گوی بدآباد اصفهان بنا نهاده بود و به مسجد سید مشهور است، دفن

ش)، مترجم و نویسنده. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان مسجدی و دوره اول متوسطه را در دبیرستان دارالفنون و دوره دوم متوسطه را در دبیرستان شاهپور شیراز در شعبه علمی خوانده و علاوه بر تحصیلات عالی در رشته زبان و ادبیات فرانسه، رشته علوم سیاسی را در دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. از ۱۳۱۷ ش در وزارت پیشه و هنر به خدمت مشغول شد و به سمت ریاست دفتر اداره کل اکتشافات منسوب شده و مراحل مختلفی را پیمود. از آثار وی: «آمال»، «دریاچه نمک»، ترجمه: «دستور نامه نگاری زبان فرانسه»، «دشمن شماره یک»، «تجسس»، «دو نسیره ریاض»، ترجمه: «فاسانه سر رزمیر»، «قرصه املا و اشعار زبان فرانسه».

مؤلف کتب چاپی (۶/ ۲۲۲-۲۲۳)

شفق یزدی، میرزا احمد، فرزند ملا حسین، (س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. اهل یزد بود. از لوست مرغان چمن گرم فغانند ولیکر خاموش نشیتند چو من گریم و گریم
حدیثه الشعراء (۲/ ۸۵۱-۸۵۲)، الذریعه (۹/ ۵۳۱)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷).

شعاعی هروی، محمد شعیب حسینی، فرزند میرحسن جان اوبهی (وف ۱۰۸۱ ق)، خطاط، نقاش، مذهب و شاعر، منخلص به شمعاع مشهور به پیشوا از سادات حسینی هرات بود و در خط شاگرد فصیحی شاعر. شعاعا خط نسخ و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و خط شکسته را به جای رساند که به نام وی، شعاعی خوانده شد و بعدها درویش عبدالمجید این خط را تکمیل کرد و به حد کمال رساند. وی همچنین در شعر و ادب و دانش و تذهیب استادی پی مانند بود. سفری به هند کرد و در برگشت مدتی در اصفهان به سربرد و در دربار شاه عباس دوم خوشنویس معروف و موفف بود، چنانکه در بعضی قطعات عباسی رقم کرده است. در هشتاد و پنج سالگی در مشهد درگذشت. شعاعا قطعه ای در تاریخ وفات پدر خود سروده و به لوح مزارش، به خط نستعلیق ممتاز مکتوب نموده که رقم «کتابه المجد خادم المساکین محمد شعیب ابن میرحسن الحسینی ۱۰۴۲ هـ» دارد از دیگر آثار وی: یک قطعه از مرقع، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ و کتابت جلی

شد. از آثارش: کتاب «السؤال و الجواب»، «مطالع الأسرار»، در فقه که شرح «شریع» محقق است؛ «تسعة الأثر» به فارسی، در احکام شرعی؛ رساله ای در «مناسک حج» و «مناظری در «عده» و «رجال» که به طور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الرهرة البرقه فی احوان المجاز و الحمیفة»؛ «مضی و شهادت استدلالی»؛ «الروح اقامة حدود در زمان غیبت بر نفیها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمیز مشترکات الرجال»؛ «الاجار»؛ «آداب الصلاة اللیل و فصلها».

امین الشیخ (۹/ ۱۸۸)، الذریعه (۱/ ۸۱، ۲/ ۱۲، ۱۱/ ۱۲۹)، روایات الجنات (۲/ ۹۶-۱۰۲)، ریحانه (۲/ ۲۶)، شرح حال رجال (۳/ ۳۰۴-۳۰۵)، طبقات اعلام الشیخه (قرن ۱۳/ ۱۹۲-۱۹۶)، الکس و الاقطاب (۲/ ۱۷۳-۱۷۴)، معجم المؤلفین (۹/ ۹۶)، مکارم الآثار (۵/ ۱۶۱۴).

شغنی چاپقی، ملا محمد حسن - چاپقی، آخوند ملا محمد حسن شغنی.

شفقت، حسین، (تو ۱۲۹۱ ش)، خاتم کار در تهران متولد شد. در کودکی به عنوان شاگرد به دکان استاد محمد صنیع حاتم رفت و سالیان بسیار در کنار یگانه استاد خود به کار پرداخت. وی در ۱۳۱۳ ش به اتفاق گروهی از خاتم کاران به ساختن اتاق خاتم مرمر پرداخت. از جمله کارهای ارزنده شفقت می توان از صندوق مرقد حضرت زینب (ع) در شام، صندوق حضرت مسلم (ع) در کوفه یا طرح «گنبد گره تو گره» صندوق خاتم حضرت رقیه (ع) در سوریه و مرمت صندوق حضرت عبدالعظیم (ع) در ری نام برد.
کتاب مرهنگی (س ۵۹، ص ۸۱-۸۱).

شفق قعی، عبد الله، (س دوازدهم ق)، شاعر، در اوایل زندگی از قم به اصفهان رفت کفشگر بود و در کنار شغل خود به تحصیل نیز می پرداخت. در آرتمان درگذشت. از او است

برآمد از چمن دل هر روز نخل امیدم
به یاد قد تو از پی لب به سینه کشیدم
تذکره قلمعصرین (۲۲۲)، الذریعه (۹/ ۵۳۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۱).

شفقی، مصطفی، فرزند احمد تفرشی، (تو ۱۲۹۴

خوش، یا رقم، «کتابه العبد المذنب محمد شفیع»؛ یک قطعه به قلم پنج دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «کتابه الحقیق محمد شفیع الهروی»؛ یک قطعه به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد محمد شفیع»؛ دو قطعه به قلم دو دانگ و نیم در دانگ خوش، با رقم «مشقه العبد محمد شفیع غفر ذنوبه» و «مشقه العبد محمد شفیع».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۷۶۲-۷۶۴)، احوال و آثار نقاشان (۲/ ۸۹۱-۸۹۰)، اطلس خط (۶۱۴-۶۱۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۲-۱۶۳)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۹۲۵-۹۲۶)، تذکره روز روشن (۴۲۵-۴۲۶)، تذکره نصرآبادی (۲۰۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۵-۸۴)، الدرر (۹/ ۵۲۱)، رساله (۳/ ۲۲۸)، گستان هنر (بیست)، هر عهد تصویریا (۵۲۰).

شفیع تبریزی، طووفه شریف حاک، (س یازدهم ق)، شهر ار اوست

در دی کش باده محبت ماییم
پیمانه گسار برم انگت ماییم
آینه هفتاد و دو ملت ماییم
با اس همه معنی تو و صورت ماییم
تذکره نصر آبادی (۱۳۱)، الدرر (۹/ ۵۳۲)، مسعود
آریاحان (۲۲۲-۲۲۳)

شفیع رشتی، ملا محمد شفیع (س یازدهم ق)، شهر بازارگان بود، از اوست.

ز دانه های سرشکم همیشه در عم هجر
نشسته مردم چشمم به سبزه گردالی
تذکره نصرآبادی (۳۷۹)، الدرر (۹/ ۵۳۲)

شفیع شیرازی، میرزا محمد شفیع، (۴)، شاعر و طبیب، علم حکمت و دیگو علوم را در شیراز فراگرفت، از اوست.

و افغان آن دل بی رحم را بی رحم تر کردم
تهدای رخم شبهای هجران را سحر کردم
تذکره روز روشن (۲۲۶-۲۲۷)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۳/ ۲۹۰)، مرآت النصاب (۳۱۰)

شفیع عباسی، محمد شفیع اصفهانی، (وف ۱۰۸۵ ق)، نقاش و خطاط، اهل اصفهان و نقاش سازک قلم و

پرمایه شده صفی اول و شاه عباس دوم بود که در دستگیره پادشاهی آنان به عزت و احترام می زیست. محمد شفیع نقاشی طبیعت گرا بود و در آثار خود از طبیعت مایه گرفته است. ارقام دیل آثارش، نشان می دهد در خط نسخ و رفاع و نستعلیق بزر استادی شیرین قلم بوده است. گویا او به هند رفته و در شهر آگره در گذشته است. از آثار وی تصویر شانه بسری که روی ساقه های پر گل نشسته و دو زیور و یک پروانه در حوالی گلها دیده می شود، با رقم «کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۴۴» تصویر گل ستل پر شمعهای که دارای هفت یا هشت شمع و گل است و به خط نستعلیق رقم نهاده: «رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی، سنه ۱۰۵۰» تصویر مرغ میشه سرخی که روی ساقه ترگی نشسته و آن را عم کرده است، با رقم: «در تاریخ سنه ۱۰۶۲» کمینه شفیع عباسی» تصویر کک چاقی که روی شاخه گل سیب نشسته و مشغول آواز خوانی است، با رقم: «کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۶» قلمدان گل و بوته ای، با رقم: «محمد شد شفیع هر دو عالم».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۲-۲۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۱/ ۴۹۲)، گستان هنر (چهل و پنج)، هنر قلمدان (۲۵، ۲۶).

شفیع مارندرانی، میرزا محمد شفیع، (س یازدهم ق)، شاعر، از سادات مزیدران بود. در زمان شاه سلیمان صفوی می زیست نصرآبادی گوید وی تاریخی در احوال اولیا و انسا و سلاطین و روزا نوشته و با دلائل و احادیث به اثبات تقدم خلافت امیرالمؤمنین (ع) پرداخته است. از اوست.

لب بست از گنگو بر خاک نه روی نیاز
تا سببی قیله خود را مکن قصد نیاز
رشته دست و زبان با یکدگر پیوسته است
از طمع چون دست کوتاه شد زبان گردد دراز
تذکره روز روشن (۴۲۷)، تذکره نصرآبادی (۷۱-۷۲)، الدرر (۹/ ۵۳۳-۵۳۲)

شفیع واعظ قزوینی، ملا محمد شفیع، فرزند محمد رفیع واعظ (ز ۱۰۷۷ ق)، شاعر. در ۱۰۷۷ ق به اصفهان رفت. از اوست.

پیش ما سرگشگان یکسان نماید خوب و زشت
یک روش گردد به آب قلخ و شیرین آمیا

بیماریهای داخلی اطفال را عصاب می‌باشد. او ریاست بخش طب بیمارستان راه آهن را بر عهده داشت. از آثار وی: «مختارهای پزشکی»؛ «نشانه شناسی و دستگاه عصبی».

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۳۴-۶۳۴)

شععی بخاوری، (س یازدهم ق)، شاعر در خدمت امام قلی خان سلطان بخار بود. از اوست.

گر امید رحیم از قریب رس باشد مرا
کی فغان در دگره همچو جرم باشد مرا
بهر پرورش کی روم در زیر بار هر عسی
همچو گل یک خرقه صد پاره پس باشد مرا

تذکره نصرآبادی (۴۳۶)، الذریعه (۹/ ۵۳۳)

شععی دزنولی، سید محمد رضا، (تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خفیب و واعظ در دزفول به دنیا آمد. ادبیات را از فضلی آن شهر فراگرفت. در ۱۳۲۴ ق به اهواز مهاجرت کرد و در آن شهر ساکن شد و در محضر میرزا براهیم شوشتری و سید اسدالله دزنولی و شیخ میرزا جعفر انصاری و دیگر علما به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او از علمایی چون: شیخ محمد حسین آل کاشف المظاه و شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه داشت. از آثارش: «شاهراه هدایت»، در اثبات امامت شاه ولایت؛ در ترجمه «مصباح الهدایه» حاج سید علی موسوی بهمان؛ «تربیه سید الانساء فی کتب الانبیاء»؛ «تربیه العلماء»؛ «فضائل الصوفیه»؛ «اتمام الحجة»؛ و او آثار خطی بسیاری در کتابخانه‌ها موجود است.

الذریعه (۱۳/ ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲)

مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۷۶۸-۷۶۸)

شععی گیلانی، (س یازدهم ق)، شاعر از گیلان به اصفهان رفت و مدتی در آن مسافران زیست، سپس به گیلان مراجعت کرد. از اوست.

در مشق دوستی پی مجنون گرفته‌ام
شاگرد رفته رفته به استاد می‌رسد

تذکره نصرآبادی (۴۷۶)، الذریعه (۹/ ۵۳۳)، صبح

گش (۲۲۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۷۷)، نشر

عشق (۲/ ۸۳۶-۸۳۷)

شععی مهدی، (س دهم ق)، شاعر. از اوست:

تذکره نصرآبادی (۱۷۳)، الذریعه (۹/ ۵۳۳)، میودر (۲/ ۵۹۱)

شععی، سید محمد، فرزند سید احمد، (تو ۱۲۹۹ ش)، استاد دانشگاه و شاعر، متخصص به شععی و کویر در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و به سال ۱۳۲۰ ش از دانشسرای مقدماتی فارغ التحصیل شد. پس از آن به شغل آموزگاری و دبیری مبادرت کرد. وی در ۱۳۲۸ ش برای تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ کارشناسی در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و حقوق قضایی و علمه و علوم تربیتی شد. پس از اخذ مدرک دکترای در رشته ادبیات فارسی به تدریس در دانشگاه پلیس پرداخت و سپس به تدریس در دانشکده ادبیات شیراز مشغول شد. در ۱۳۳۰ ش مقام استادی یافت. از آثار وی: «در راه مین»؛ «زبان و ریان شناسی»؛ «شرح حال خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «مفسرین شیعه»؛ «مظلومی ۲۵۰»؛ «یتی در شرح ماجرای زندگی خود از دوران کودکی، که دوستانش آن را «سیمای اصفهان» نامیده‌اند؛ «اسرار احساسات»؛ «دیوان»؛ اشعار

تذکره شعری معاصر اصفهان (۲۷۱-۲۷۳)، الذریعه (۹/ ۵۳۳)

مختصران نامی معاصر (۵/ ۲۹۸۹-۲۹۹۴)

مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۵۲۵-۵۲۶)

شععی اودبیلی، هارون، فرزند نجم‌الدین، (تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و نویسنده. در قریه عنبران اردبیل در خانواده‌ای روحانی و عارف پیشه به دنیا آمد. جد مادری وی شیخ علی طالعش از عرفای بزرگ بود. تحصیلات خود را بیشتر نزد مادرش گذراند و مدتی نیز نزد سید محمد طاهر قرنی به تحصیل پرداخت و از او اجازه تدریس گرفت. شععی آن اجازه را به همراه یک قصیده عربی به امضای آیت‌الله کاشانی رساند. به خدمت در فرهنگ پرداخت. در مسوودن شعر فارسی و عربی مهارت داشت. بعضی از مقالات تحقیقی وی در مجله «بعماء» و «آبیده» به چاپ رسید. از دیگر کتبی که «عرفا و علماء عنبران»

مختصران نامی معاصر (۳/ ۱۹۶۵-۱۹۷۰)

شععیان راد، حسین، فرزند محمد، (تو ۱۲۹۷ ش)، پزشک و نویسنده. دارای گواهی نامه تخصصی در

مستم از عشق بتی شهرة ایام شده
کوس رفتی زده در عالم و بدنام شده
تحمه سامی (۳۲۰)، الذریعه (۵۳۳/۹)

حساب و هندسه: «لجنة الألم فی ترجمة حجة الأمم»
برجسته
مؤلفین کتب چاپی (۲/۲۱۲-۲۱۳)

شفیعی همدانی، اقا میرزا علی اصغر بن آقا شیخ
محمد ربیع، نورید شیخ شفیع (۱۳۲۷-۱۳۷۶ ق)، عالم
دینی، فقیه اصولی، مدرس و مفسر. در همدان متولد
شد. نزد پدرش، که از علمای همدان بود به تحصیل
مقدمات و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و
از محضر آیت الله حائری و آیت الله حاجت و آیت الله آقا
شیخ محمد علی حائری قمی و میرزا خلیل کمره‌ای
استفاده برد. پس از دوازده سال اقامت در شهر قم و
تحصیل علم به رادگهشت بازگشت و به اقامه عمار
جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول پرداخت. در
همدان درگذشت و در قبرستان ضحاک دفن شد. از
آثارش: تفسیر و شرح «سوره مبارکه پس»؛ تفسیر «سوره
الرحمن و سوره نباء»؛ «اسرار الصلاة»؛ کتابی در
«احادیث»؛ حواشی بر «احادیث هروة المؤمن»؛ دیگر
ادله اجمالی

آثارالحجة (۳۸۴/۲)، آینه دانشوران (۳۳۶-۳۳۵)،
تربیت پاکان قم (۳۵۴-۳۵۳)، شجران کیم
(۱۹۷-۱۹۶)، گنجینه دانشمندان (۷/۱-۲۱۲-۲۱۱)

شفیعی یزدی، محمد علی، فرزند احمد. (تو ۱۳۰۰
ش)، مدرس. تحصیلات مقدماتی را در شاهرود و مشهد
و سرار به پایان رساند و برای ادامه تحصیلات در تهران
وارد دانشسرا شده و در رشته تربیتی به خد دیلم موفق
شد. سپس به دریافت پایان نامه تحصیلات متوسطه
رشته ادبی توفیق یافته پس از آن وارد فرهنگ شده و
مدت پانزده سال به تدریس مشغول شد و ریاست
کتابخانه فرهنگ شاهرود را بر عهده گرفت. اثر وی
«حافظ شیرازی» است
مؤلفین کتب چاپی (۲/۲۷۷-۲۷۸)

شفیعی - شفیع گیلانی

شقایق سرابی تبریزی، رضاقلی، فرزند مهد یقلی.
(س چهاردهم ق)، مورخ و مترجم. معروف به تاریخ
نویس. دبیر اول وزارت خارجه بود. از آثار وی: «تاریخ
شارل دوازدهم پادشاه سوئد»؛ «تاریخ اسکندر»؛

شفیعی بلخی، یوعلی شفیق بن ابراهیم بن علی
زدی. (وف ۱۹۱/۱۹۴ ق)، عارف و محدث. اصل وی از
بلخ بود. او اولین کسی است که طریقت و اصول تصوف
را در خراسان نشر داد. نزد فاضل ابویوسف فقه امرت
و مرید و مصاحب ابراهیم دهم بود و استاد حاتم اصم
از کثیر بن عبدالله انلی و امرا نیل بن یونس و عبید بن کثیر
روایت کرد و عبید الصمد بن یزید مردویه و محمد بن ابان
مستملی و حاتم اصم از وی روایت کرده اند. گویند ابتدا
بازرگان بود و از تجارت توبه کرد و به تصوف روی آورد.
در جنگ با ترکان در گولان یا واسجرد به شهادت رسید.
تفصیله آور (۲/۲۲۳-۲۲۴)، الاعلام (۳/۲۲۹)، تاریخ
ظلم و نشر (۱۹)، تفکر الاولیاء (۱/۱۹۶-۲)، المجر
و التعبد (ج ۲، ق ۱/۲۷۳)، حلیة الاولیاء (۸/۱)
(۷۳-۵۸)، الذریعه (۹/۵۳۴)، ترجمه و مسأله قشیری
(۳۸-۳۹)، روایات البیاض (۴/۱۰۴-۱۰۵)، ریاض
تبریزی (۹۵)، بیحانه (۳/۲۲۹)، سیرتنامه (۹/۱)
(۳۱۶-۳۱۷)، طغیان الصوفیه علمی (۶۶-۶۷)، حیات
الصوفیه هروی (۸۶-۸۷)، طغیان الکبری (۱۱/۶۵)،
فرهنگ سخوران (۵۰۸)، مضامین بلخ (۱۲۹-۱۲۷)،
نورس فرشته (۲۲)، کشف المعجوب (۱۳۸)، بحث
نامه (دین اسبق، ابوعلی)، مجمل صبیحی (دیل لسان
۱۹۰)، نهج الانس (۴۶-۴۷، ۵۴، ۶۳، ۱۳۵-۶۷)،
و فیات الاعیان (۲/۲۷۵-۲۷۶)، هفت اقلیم (۲/۲)
(۴۴-۴۳)

شکراله میرزایاشی. (س یازدهم ق)، فنکار. اثر
هنری او، آفتاب خوش طرح و پرآذین اسلیمی است که
دهانه آن رقم «شکراله میرزایاشی» دارد
حوال و آثار نقاشان (۱/۲۴۶-۲۴۷)

شکراله نامه نگار، فرزند فتحعلی خان ننگاشی. (ز
۱۲۶۸ ق)، خطاط. او و پدرانش از نویسندگان وزارت
امور خارجه بودند. میرزا شکراله مستملی را به شیوه
میرعماد می نوشت و در شکسته نویسی هم دست
داشت. از آثار وی. مرقعی مشتمل بر بیست و هفت به
نمهای شش دنگ تا غبار خوش، با رقمهای مختلف؛

قهرمانی، موسیقی را آموخت و پس از چندی نزد غلامحسین درویش رفت و در سلک شاگردان او درآمد. شکری توانمندی چیره‌دست بود و آهنگهای ضربی را بسیار خوب می‌نواخت. او با اینکه تسلط کامل به ردیه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایران داشت، هنگام نواختن بیشتر تابع فرق و احساس خود بود. او با شاعر ملی ایران، هاراف قزوینی، دوستی داشت و این شاعر، از وی در «دیوان» خود به نیکی یاد کرده و اشعری در وصف او سروده است.

تاریخ تحول و غبطه موسیقی (۱۲۲۲، ۱۲۷۸)، تاریخ موسیقی (۲/ ۵۷۹، ۶۷۷)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۸-۲۳۰)، مسیحیای همرندان (۱/ ۲۱، ۳۰، ۸۰)، سرودن موسیقی (۳/ ۱۷۸، ۱۷۹).

شکسته، شاهزاده، مرتضی میرزا قهرمان، فرزند محمد میرزا قاجار. (۱۲۹۸-ح ۱۳۶۳ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شکسته. از نوادگان حسعلی میرزا شجاع السلطنه بود. در روستای ازغند از توابع تربت سیدیز به متولد شد. علوم ادبی و عربی را در مشهد در محفل ادیب نیشابوری فراگرفت. او از مشاهیر خراسان و مورد احترام مردم بود. در سمتهای شهرداری، فرمانداری و کفالت ایالتی و رئیس کمیسیون تقسیم آبهای سرحدی ایران و روس خدمات صادقانه‌ای انجام داد و در ۱۳۰۵ ش. در مشهد اداره ثبت احوال را دایر کرد. وی مردی آزادبخواه و وطن‌پرست بود و روزنامه‌ای به نام «خورشید» در مشهد دایر کرد. از دیگر کارهای وی ایجاد مدرسه دخترانه فروغ در مشهد در زمان تصدی کفالت استان خراسان بود. در تهران وفات یافت. از اوست

کنجش و حریفی دو سه باهم بودن
و امسیاب فراغتی فراهم بودن
بهتر ز بهشتی است که باید در وی
بما زاهد خشک مفرز همدم بودن

تاریخ جراب (۲/ ۲۵۵-۲۵۲)، سخنران علمی معاصر (۳/ ۱۹۸۷-۱۹۹۲)، صد سال شعر خراسان (۳۲۳-۳۲۳).

شکسته قاجار، حسعلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه. (۱۲۰۴-۱۲۷۱ ق)، شاعر، متخلص به شکسته. منقّب به شجاع السلطنه. در سرودن شعر به کمال اندیش

«مشقه شکرالله» ۱۲۶۸ و «تاریخ جمادی الثاني» سه هزار و دویست و شصت و هشت تحریر شده و «در عهد دولت ناصرالدین شاه قاجار... شکرالله تنکابنی بسوشتن این مرقع قدم خدمت نهاد...» سنه ۱۲۶۸؛ یک لوحه اشعار در مدح ناصرالدین شاه، به قلم نستعلیق دو دانگ و نیم دو دانگ خوش و شکسته نستعلیق کتابت متوسعه، با رقم... شکرالله نام‌نگار این مرحوم فتح علی خان تنکابنی... یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم... مشقه العبد المذنب شکرالله شعر دلبویه و ستر صوبه، ۱۲۶۲.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۰)

شکری، ابوالقاسم. (س چهاردهم ق)، محقق. از کارمندان عالیه و رارب فرهنگ بود. او از دانشسرای عالی در رشته تاریخ و جغرافیا لیسانس گرفته بود. زمانی رئیس اداره پیش آهنگی و تربیت بدنی و جلدی رئیس آموزش شهرستانها و مدتی رئیس فرهنگ اصمهان و گیلان بود. از آثار وی: «تاریخچه قسمتی از بناهای تاریخی کشور»، «مسئله تیموری یا گورگانی»، «کلیات جغرافیائی».

تاریخ جراب (۲/ ۸۵)، مؤلف کتب چنگیز (۱/ ۲۶۰-۲۶۱).

شکریز یزدی، شیخ ابوالحسن. (س سیزدهم ق)، شاعر، متخصص به فناد شغلش قنادی بود. از اوست
نه خرد بریر، که جانم فدات، خون مرا
نه خود بریز نه بگذار دیگری ریزد
حدیقه اشعراء (۲/ ۸۵۲)، الذریعه (۹/ ۵۳۵).

شکر شیرازی، میر شکری صحائف. (س دهم ق)، شاعر. از مسادات شیراز بود و در صحافی و لاجوردشویی مشهور. از اوست:

ز عقل بیهده پیمای خود مقید دینم
کجاست جدیه عشقی که وارهاند از اینم

نصفه سانی (۷۲)، تذکره روز روشن (۴۲۸)، الذریعه (۹/ ۵۳۵).

شکری قهرمانی، شکرالله خان. (وف ۱۳۲۷ ش)، یازنده معروف به شکری. از شاگردان مدرسه مرزیک بود و هریز می‌نواخت. وی ابتدا نزد برادر خود اسماعیل

اسماعیل و سعدی تأسی می‌کرد. «دیوانه شعاری از وی به جا مانده است

حديقة الشعراء (۲/ ۸۶۴-۸۵۲)، الذریعه (۹/ ۵۲۵)، صد سال شعر جوانان (۳۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، مجمع الفصحى (۱/ ۷۰)، مصطفیٰ خراب (۹۵-۹۲).

شکوه شیرازی، میرزا عبدالحمید، فرزند علی محمد خسان قسیروزآبادی. (وف بعد از ۱۲۷۰ ق)، شاعر، متخصص به شکوه. اصل وی از قصبه فیروزآباد بود. به تهران آمد و در دیوان دولتی سمت منشی داشت، اما پس از چندی استعفا کرد و به سیر و سیاحت پرداخت. بعد از مدتی گشت و گذار در شهرهای ایران، سرانجام به همدان رفت و در آن شهر ساکن شد و در همان‌جا درگذشت. مؤلف «حديقة الشعراء» گوید: وی آثاری به نظم داشته، لکن به واسطه بی‌احتیاطی خردش، چیزی مدون نیست. از اوست:

تو ای به تاب شده جعد دلبر کشمیر
به بیج و تاب هر جا دلی پریش و اسیر

حديقة الشعراء (۲/ ۸۶۷-۸۶۹)، دانشمندان و سخن سرایان مدرس (۳/ ۲۹۲-۲۹۳)، الذریعه (۹/ ۵۲۶)، مجمع الفصحى (۵/ ۵۴۰-۵۴۲)، مراثی الفصحى (۳۱۲-۳۱۱).

شکوهی بنادکی یزدی، سید حسن، فرزند سید علی ملک السادات. (۱۲۷۱-۱۳۳۳ ش)، شاعر، متخصص به شکوهی در قریه بنادک مینکوه یرد به دیا آمد. مقدمات علوم را در مدرسه خان فراگرفت و از پانزده سالگی به سرودن شعر پرداخت. پس از مدتی به تهران آمد و در انجمن ادبی عضویت یافت. سپس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به یرد مراجعت کرد و انجمن ادبی یرد را در منزل خود دایر کرد. اشعار شکوهی در جراید تهران و یرد و شیراز و کرمان و خراسان انتشار می‌یافت. از آثار وی: «دیوان» اشعار

تذکره سخنوران یزد (۵۷۱-۵۷۷)، الذریعه (۹/ ۵۳۶)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۹۹۵-۱۹۹۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)

شکوهی تبریزی، مهدی آیینه‌سار. (۱۲۴۵-۱۳۱۴ ق)، شاعر، متخصص به شکوهی در مراغه مسکن داشت و شغل آیینه‌سازی داشت. او با راجی و لعلی معاصر بود

و به ترکی و فارسی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار» (الطبع و ظرایف)

تذکره شعری آذربایجان (۲/ ۲۳۳)، الذریعه (۹/ ۵۲۶)، دانشمندان ادب و بیان (۱۹۹-۲۰۰)، رساله (۳/ ۲۳۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۰۶)

شکوهی همدانی، ملا عبداللانی. (س یاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخصص به شکوهی از شعری معاصر شاه عباس اول و از شاگردان میرزا ابراهیم همدانی بود وی سعی عالی داشت و خط تعلیق را نیز بی‌کس می‌نوشت و از است

ما پیدلان به باغ جهان همچو برگ گل
بهلوی یک‌دگر همه در خون نهسته‌ایم

احوال و آثار سخن‌پسندان (۲/ ۳۱۱-۳۱۲)، برگزین و سخن سرایان همدان (۱/ ۲۷۲-۲۷۴)، تاریخ اصفهان (۱۶۴)، تذکره صمدآبادی (۲۴۰-۲۴۹)، الذریعه (۹/ ۵۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)

شکوهی، علی. (تو ۱۲۹۷ ش)، مدرس. اصل وی از مشهد است. خدمت در فرهنگ و از آموزگاری شروع کرد و تا دبیری در دبیرستانها و دانشگاه تهران به پایان رساند. اثر وی «مآلنامه دبیرستان مروی» می‌باشد. مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۷۸-۲۷۹)

شکبیه، حسینی، آفرخش، حسینی.

شکبیه، حسین. (س چهاردهم ق)، مدرس. در ۱۲۹۹ ش به معلمی در مدرسه احمدیه کرمانشاه پرداخت سپس به عنوان دبیر ادبیت در کرمانشاه مشغول خدمت شد. او عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل مدیریت دبیرستان گرگان و ریاست فرهنگ کرمانشاه، یروجرده، اراک و همدان نیز بود. اثر وی «تعلیمات مدبیه» می‌باشد. مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۶۲)

شکبیه، مرتضی باقریان، فرزند صرافه. (تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخصص به شکبیه. در قم متولد شد. شش ساله بود که به مکتب رفت و خواندن و نوشتن آموخت، اما دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. در ۱۳۱۶ ش با خانواده به تهران آمد و به کار ساختمان مشغول شد و

شکیب نایبی

شاعر، متخصص به شکیب از سادات و متولیان امامزاده، زین‌العابدین در اصفهان بود. مدتی هم مسئولی استرآباد بود به حجاز و هند مسافرت کرد و پس از مدتی به وطن برگشت، از اوسب.

واعظ به مزخرفات خرد غره مشو
خورشید طلب واله هر ذره مشو
بر تخته منبر آمد و رفت مکن
سوهاک طبیعت شده‌ای اره مشو

تذکره روز روشن (۲۳۰)، تذکره مصرآبادی (۱۲۲)،
فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، کدوان هند (۶۳۸-۶۳۷/۱)

شکیب شیرازی، ملا محمد علی، فرزند محمد امین سکاکی، (وف ۱۱۳۵ ق)، عارف و شاعر، متخصص به شکیب معروف به سکاکی شیرازی. پیرو سلسله ذهیه بود. نزد مسیحی‌نمایی به تحصیل پرداخت و در خوانی جامع علوم و مدارس گردید. وی با محمد علی حزین لاهیجی معاصر بود در استیلائی افغان به شیراز زخمی شده، درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر، «مبدأ و معاد» مثنوی در فتوحات شاه سلطان حسین صفوی

تذکره اعمامین (۱۳۰-۱۲۸)، دانشمند و
سخن‌سرایان فارس (۲۹۵-۲۹۳/۳)، الذریعه (۹)
۵۲۶، ۵۲/۱۹، ریاض‌العالمین (۹۹-۱۰۰)، ریحانه (۲)
۲۳۲، فارسیخانه ناصری (۲/۱۱۷۱)، فرهنگ سخنوران
(۵۱۰-۵۰۹)، لغت نامه (دبلیو/شکیب)، مراثی القضاة
(۳۱۳ ۳۱۲)

شکیب شیرازی، میرزا عبدالوهاب طبیبی، (وف ۱۲۶۰ ق)، شاعر. از بزرگان سادات شیراز و از شاگردان میرزا کوچک وصال بود. خط نسخ را بیکو می‌نوشت. از دست

نگار از چه با خمیدگان ترک وف کردی
شکستی عهد و پاداش و عا، جور و جفا کردی
سر انگشتان محضومت خطبات از خون من خواهد
حاکردی که این سر پتجه رنگین از حیا کردی

تذکره روز روشن (۲۳۰-۲۲۹)، حدیقه‌الشعر (۲)
۸۷۰-۸۶۹، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳)
۲۹۵، الذریعه (۵۲۷/۹)، مراثی القضاة (۳۱۳)
(۳ ۴)

شکیب نایبی، میرزا عبدالرضا، فرزند میرزا هادی.

چون دوق و استمداد طراحی ساختمان داشت به نقشه‌کشی پرداخت. بسیاری از مساجد و تکایا با طرح و نقشه او بنا گردیده است. شکیب از کودکی به سرودن شعر پرداخت. «دیوان» وی با مقدمه و تصحیح پروفسور بیگدلی طبع و نشر شده است

سخنران نامی معاصر (۲/ ۲۰۰۰-۲۰۰۲).

شکیب‌پور، عنایت‌الله، فرزند محمد، (۱۳۶۳-۱۲۸۶ ش)، مترجم و نویسنده. در اداره حسابداری وزارت دارایی مشغول به خدمت بود. از آثار وی: ترجمه «احتراق بمب» مورس لیلان؛ ترجمه «از جهان تا اندیت» مورس متریلیک؛ ترجمه «پرنده آبی» مورس متریلیک؛ ترجمه «ژندارک» مورس متریلیک؛ «کتب شناسی»؛ ترجمه «مرگ و زندگی» مورس متریلیک؛ ترجمه «مورچگان» مورس متریلیک؛ «اصول نامه نگاری و ادب»؛ «برگردان لغات کلیل و دمنه»
مؤلف کتب چاپی (۲/ ۶۲۴-۶۲۰).

شکیب اصفهانی، محمد رضا، فرزند محمد حسین شمشیری، (تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر و عارف. در اصفهان متولد شد مدتی به کسب علوم پرداخت. از بیست و هفت سالگی به عرفان رو آورد و به خدمت کتبخان دولتی مشین شیرازی پیوست و در سلک مریدان وی درآمد. در انجمن ادبی شیدا عضویت داشت. روزگارش به قلم زنی می‌گذشت و در آن فن نیز چون شعر و ادب صاحب ذوق سرشار بود. از آثار وی «دیوان» شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۷۴-۲۷۶)، الذریعه (۹/ ۵۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۹)

شکیب اصفهانی، محمد علی، (س سیزدهم ق)، عارف، شاعر و خطاط. در شیراز یا رضا قلی خان هدایت هم‌نشین و معاشر بود. مدتها برای دیدار عرف به سیر و سیاحت در عراق، کردستان، فارس و هندوستان پرداخت. شکیب خط شکسته را خوب می‌نوشت در هند درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه‌الشعر (۲/ ۸۶۹)، الذریعه (۹/ ۵۶۳)، ریاض‌العالمین (۲۶۶)، ریحانه (۲/ ۲۳۲)، سعیه‌المحمود (۲/ ۴۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، لغت نامه (ذیل/ شکیب)، مجمع الفصحاء (۵/ ۵۲۴)

شکیب اصفهانی، میرزا شهنشاه، (س پازدهم ق)،

(س سیردهم ق)، شاعر. پدرش میرزا هادی متخلص به دانی شاعری مرثیه گو بود. نسب شکبیه به آل مظفر می‌رسید و وزیر ماییم بود. از وی بیش از پنج هزار بیت شعر در قصیده، غزل و مثنوی بر جای مانده است. از اوست^۱

فرق میان تیغ تو و من به لاغری است
 کاو خون خصم خورده و من خون خویشتی
 هریان گرش بیسی این هم بسی است درق
 کاو رانیام هست و مرا نیست پیرمی
 حیدره الشعره (۲/ ۸۷۰-۸۷۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰)

شکبیه اصفهانی، محمدرضا، قرن هجدهم، شاعر، متخلص به شکبیه. در شیراز و اصفهان دانش آموخت. در سی و چهار سالگی به هندوستان مسافرت کرد و به صحبت خان خانان نایل آمد و «ساقی نامه‌ای» به نام او به نظم آورد و ده هزار روبیه جایزه گرفت. در ۱۰۱۸ ق به فرمان جهانگیر شاه به صدرات دهلی رسید. وی از شاگردان میر تقی‌الدین نسابه شیرازی بود. «دیوان»ی مشتمل بر چهار هزار بیت دارد. از دیگر آثار وی «مثنوی» در بحر خسرویه شیراز می‌باشد.

آتشکد: آذر (۳/ ۹۵۵-۹۵۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲/ ۷۰۶-۷۰۷)، تذکره سیحانه (۳/ ۵۲۰)، الذریعه (۹/ ۵۳۷)، سرود آزاد (۲۹-۳۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، کاروان هند (۱/ ۶۳۸-۶۵۱)، لقب نامه (دیل / شکبیه اصفهانی)، آثار رحیمی (۳/ ۱۰۶-۱۰۷)، مجمع التواضع (۲۰۵-۲۰۶)، محزون المراثی (۲/ ۸۶۲-۸۶۶)، تنایح لامکار (۳۷۱-۳۷۲)، مشرق عشق (۳/ ۸۱۲-۸۱۷)، هفت اقلیم (۲/ ۴۲۴-۴۲۹)، منظومه‌های فارسی (۴۲)

شکبیه تبریزی، مقصود علی. (وف ۹۷۱ ق)، شاعر، متخلص به شکبیه. اهل تبریز بود و اوقات را به زرقش می‌گذرانید. در زمان شاه طهماسب صفری به قزوین رفت و در آنجا غزلی به استغفار غزلی از حسن دهبوی سرود و صله دریافت کرد. در تبریز وفات یافت و در قبرستان سرخاب دفن شد. از اوست:

به هدر حسن خرد هدرآ شناسد قدر و امت را
 تو نذر خود نمی‌دانی، چه دانی قدر عاشق را
 تاریخ نظم و نثر (۵۰۶-۵۰۷)، تحفه سنی (۳۳)

(۳۱۲). سذکوه سمری آذربایجان (۲/ ۳۳۳-۳۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۱-۲۰۲)، الذریعه (۹/ ۵۳۷)، سیحانه (۳/ ۵۳۵-۵۳۶)، سخنوران آذربایجان (۳۲۳-۳۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، مجمع الحواصی (۱۲۳-۱۲۴).

شیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی بن شیخ جواد بن شیخ کاظم (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق)، عالم دینی، منطقی، فقیه اصولی، ادیب و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمد حسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحر العلوم فقه و اصول خواند. او از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مبنهدی روایت کرده است. سید عبدالله بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت. در کرند درگذشت. با پایان جنگ جهانی پیکرش به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب هوسی در مقبره خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «المقدمه فی مقاصد الممید و المستمید»، «أولزة المیزان»، «رجوعه‌ای در منطق که در ۳۳۶ قق از نظم آن فرائض یافت و شرح آن به نام «متقی الجمال»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوابین»؛ «حاشیه السائل»، در فقه و اصول؛ «رسالة فی الاجتهاد و التقليد»؛ «متقی الشیعة فی احکام الشریعة»؛ «فرائض الفقه»؛ «رجوعه‌ای در ارث»؛ کنای در «صلاة المسافر»؛ «المختصر الشافعی فی المروغی و القواهی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

عیان الشیعة (۸/ ۱۳۰)، الذریعه (۱/ ۴۹۹)، ۱۰۸ / ۱۸ / ۳۸۲، ۲۳ / ۸، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳ / ۱۲۵۵-۱۲۵۸)، مجمع رجال نجف (۲/ ۷۵۲)، مجمع المؤلفین (۶/ ۲۰۲-۲۰۳)، مکالم الآثار (۶/ ۱۹۵۸)

شعاعی، حسین. (س یازدهم ق)، معمار از بناهای وی مدرسه خان شیراز است که به دستور الله وردیخان و امامقلی خان، والی فارس، در ۱۰۲۳ ق ت شد و در زمان قاجار تعمیر و مرمت گردید. بنای مدرسه شامل سردر بلند و مقرنس سازی عالی است و راهرو و هشت ورودی آن مرصع به کاشی کاری معرق ممتاز می‌باشد. نام معمار در پایان کتیبه دهالیر چنین آمده «استاد بنا حسین

شماعی

فهرست منابع تاریخی و اماکن باستانی (۹۹).

شماعی دهستانی خراسانی. (س ششم ق)، شاهر.
معاصر یا ادیب صابر بود و با او مناظره می‌کرد از اوست.
پسام داد همیا سوری بومنان شبگیر
که چهره ساز و یکی کار خویش را تدبیر
الدریعه (۹/ ۵۳۸-۵۳۷)، سرهنگ مسخوران (۵۰)،
مجمع القصص (۲/ ۸۱۲-۸۱۴).

شمس. (س نهم ق)، نقاش. از هنرمندان دربار بایستقر
میرزا بود و زیر نظر جعفر بایستقری به نقاشی
می‌پرداخت. نام این هنرمند در فهرستی که در زمان
بایستقر میرزا و به خط جعفر بایستقری نوشته شده،
چنین آمده است: «مولانا شمس یک کشتی تمام کرده و
یک لوح را از دیوان خواجیر بیوم رسانیده است».
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۶۲).

شمس، محمد قلی. (تو ۱۲۸۳ ش)، پزشکی
مدرس. سه ساله چشم پزشکی را در تهران به پایان
رسانده سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره
دانشکده پزشکی یون را در ۱۳۰۲ ش به پایان رساند و
دریافت دانشنامه چشم پزشکی سابل شد. پس از
مراجعت به ایران عهده دار کرسی چشم پزشکی و
ریاست بخش چشم پزشکی بیمارستان قزاقی شد. اثر
وی «درمان تراحم با الکتروکواکولاسیون».
مؤلفین کتب چاپ (۴/ ۹۲۹).

شمس الادبا، سید محمد رضا، فرزند سید محمد.
(۱۲۴۲-۱۳۰۹ ش)، شاهر، ادیب و عارف. ملقب به
شمس الادبا. به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت
پرداخت. چندی به عراق و تصوف روی آورد و خدمت
بررگان طریف رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود
حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. در حضرت
عبدالعظیم و در جوار مرار سعادت علیشاه اصفهانی به
خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری متجاوز از سی هزار
بیت را او بر جای مانده است.
سخنرانی‌های معاصر (۳/ ۲۰۲۷-۲۰۲۸).

شمس الادبا شیرازی، میر علی، فرزند میر حسین.

(ر ۱۲۸۲ ق)، خطاط و شاهر. مکنی به ابوالمعالی و
ابوالفراید. خواهرزده و تربیت یافته میرزا کوچک وصال
شیرازی بود. از کاتبان طراز اول و آثار متعدد موجود او
نمایند قدرت و ملاحات قلم اوست. از آثار وی: یک
سخه «جهانگشای چرتی» که تا اتمام مانده، به قلم نیم
دو دانگ عالی، با رقم: «تمام شد مجلد اول از تاریخ
جهانگشای چرتی... علی ید المید... میر علی
الشیرازی»؛ یک نسخه «دیوان» رشید وطواط، به قلم
کتابت جلی خوش، با رقم: «میر علی الشیرازی المصنف
بشمس الادبا المکنی بابوالمعالی... خزانه فی شهر سوال
المکرم ۱۲۸۲»؛ یک نسخه «ریاحیات خیام»، به قلم
ستعلیق کتابت جلی عالی، با رقم: «بجهت پیشکش بزم
حضور... مهد علیا... کتبه احمد الفقیر میر علی الشیرازی،
الملقب بشمس الادبا فی ۱۲۷۷»؛ یک قطعه به قلم سه
دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد الراجی،
میر علی الشیرازی الملقب بشمس الادبا والمکنی
بابوالمعالی، فی شهر رجب الاصب فی ۱۲۸۲»
سوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۶۹-۴۷۲).

شمس الادبا لاریجانی، میرزا سید محمد، فرزند
حاج سید رمی. (۱۲۵۳-۱۳۰۲ ق)، شاهر ملقب به
شمس الادبا. در اصفهان متولد شد. پدرش از حکمای
ره و عرفای هاید و از مشاهیر بود. در چهارده سالگی
به تهران آمد و نزد حکیم الهی به تحصیل پرداخت و در
علوم ادبی و فنون عربی متبحر گشت. وی در تهران مورد
احترام بود تا حایی که ناصرالدین شاه قاجار به او لقب
شمس الادبا داد. به عربی و فارسی شعر می‌گفت و
«دیوان» اشعری را بر جای مانده است.

حذکره القصور (۳۳۸-۳۳۹)، حذیقه الشعراء (۲/ ۸۷۱-۸۷۲)،
الدریعه (۹/ ۵۳۸)، سرهنگ مسخوران
(۵۱۴)، مجمع القصص (۲/ ۲۶۲-۲۶۳)، سکر المآثر
(۲/ ۱۲۲۰).

شمس الافاضل ترشیزی، یوسف، فرزند عباسعلی.
(تو ۱۲۸۸ ق)، فقیه و حکیم. در ترشیز به دنیا آمد و در
سزوار و نجف و تهران به تحصیل فقه و حکمت و
ریاضی پرداخت. در ۱۳۰۰ ش در وزارت معارف
مشغول به کار شد و عهده دار نظارت طبع کتب مذهبی و
شروعات گردید. از آثار وی: «سیاسة المحمدیه»، که در
«الدریعه» (۱۲/ ۲۷۳) این کتاب به شمس الافاضل میرزا

تذکره المعاصرين (۲۱۰/۲۱۱)، الذریعه (۹/۵۳۸)

شمس با نلانی بلخی، شمس الدین، فرزند محمود، رس ششم ق)، شاعر، در صغرقتد تحت حمایت دولت نظام الملک صدرالدوله بود و از جمله ندیمان خاص او شد. وی از شاگردان شمس الدین خاله بود، از اوست.

دست نسوخته ابر لبهار کرم است
زو گردن چرخ ریز بار کرم است
در دست تو گر بیست نگویم آن چیست
ای گلین چرد غار خار کرم است

تذکره روز دوشن (۲۳۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۱)،

لباب الالباب (۱/۲۰۵-۲۰۶)، هفت اقلیم (۲/۶۶)،

محرر القرائب (۲/۷۳۶-۷۳۸)

شمس بایسنقری، محمد بن حسام هروی. (وف ۸۵۰ ق)، خطاط، از خوشنویسان دربار بایسنقر میررای گورکانی و استاد خط این شاهزاده هرمند بود و در رقتها، خود را بایسنقری و گاهی سلفانی معرفی می کرد. وی را از استادان خط ثلث قلمداد کرده و گفته اند که «قلام سبته را خوش می نوشته است و کسی چو صاحب گشتان هنر» یادی از خوشنویسی مستملق او نکرده است. شمس معاصر و معارض جعفر بایسنقری بود و از شاگردان معروف بغدادی خطاط به شمار می رفت. از آثار وی، کتیبه قسمتی از آستانه رضوی و مسجد گوهرشاد که تاریخ ۸۲۱ ه. ق. در آن سلفانی مذهب عالی، نسخ کتابت جلی یا هرتی، سر سوره ها ثلث دو رنگ عالی و آخر رقا ع توثیق، با رقم «وفی الله... بکتایه هذا الکلام الحمید... شمس البایسنقری... فی... مع و ثلثین و ثمانمائة الهجرية الهلاله» یک نسخه مشوی «همای و همایون»، به نام کتابت خفی متوسط، به شیوه اظهار تبریزی، با رقم «کتبه العبد... محمد بن حسام... المشتهر بشمس الدین البایسنقری... سفة احدی و ثلثین و ثمانمائة الهجره...» (۸۳۱) یک قطعه از مرقع که همه قطعات آن به اقلام سته و بعضی از آن به قلم نستعلیق کتابت جلی متوسط، با رقم «مشفه العبد... محمد بن حسام المشتهر بشمس الدین البایسنقری... فی دارالسنطة هراة...» دو قطعه با همان تنوع خطوط و نستعلیق نیم دودانگ متوسط، به شیوه ظهر تبریزی، با رقم «مشفه العبد محمد بن حسام المشتهر بشمس الدین...» و «مشفه شمس السلطانی...»

رشید بن شیخ یوسف بن عباسعلی نسبت داده شده است؛ «نوآند نصیری»، در نحو؛ «کنه جامعه»، در معنی شورا و مشروطه؛ «مفتاح النجاه فی تفسیر الصلاة»

الذریعه (۱۲/۲۷۳، ۶ / ۲۶۲ / ۱۸ / ۱۲۳)، و مکتبانه

رجال و مشاهیر (۲/۲۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۹۵)

شمس اندجانی، شمس الدین محمد. (من سهم ق)، شاعر، معروف به سربرهنه. از سادات بزرگ ترکستان بود. مدتی در خراسان بر مسند صدارت نشست. در زمان ابوالعازی سلطان حمیس میرزا به هرات رفت و عهده دار تولیت مزار شیخ لقمان به مدت بیست سال گردید، از اوست:

آنان که پرستنده خورشید و مه
از چشم تو در آروزی یک بگه

تذکره روز دوشن (۴۳۲)، الذریعه (۹/۳۳۸-۳۳۸)،

م هک سخنوران (۵۱۱)، مجالس النقاش (۹۱)، هفت

اقلیم (۳/۴۴۲)

شمس اندخودی، شمس الدین محمود بن محمود. (وف ۵۵۷ ق)، شاعر و نویسنده در نظم و نثر هریزی و فارسی استاد بود. از آثار وی: «زینة الرومان».

لباب الالباب (۱/۲۰۸-۲۰۹)، هفت اقلیم (۲/۸۲)

شمسای صغیر، علا شمس الدین تبریزی. (س یازدهم ق)، شاعر و نقاش. عده ای از تذکره نویسان وی را از شاعران تبریز و عده ای از شاعران قم ذکر کرده اند در عن نقاشی او را با استاد جمال الدین بهزاد برابر می دانستند

آننگد، سر (۲/۱۲۶۲-۱۲۶۶)، تاریخ نظم و نثر

(۶۹۹)، ذکر، سرآبادی (۲۶۵)، الذریعه (۹/۶۱۵)،

فرهنگ سخنوران (۵۶۳)، بخت همه (ذیل/صغیر)

شمسای گیلانی، شمس الدین محمد بن محمد سمید. (س دوازدهم ق)، شاعر. در اصمهان به دنیا آمد از دوستان حمزین لاهیجی بود. در جوانی درگذشت. وی مرید حاج عبدالقادر عاشق آبادی اصمهانی بود. از اوست:

امروز بخشش از پی مردا خزانه بیست
دست کرم به راه عدم پیش خانهایست

طریقه شیاه‌الدین ابوجیب سهروردی بود. برخی وی را مرید شیخ ابوبکر سلمه بناف تبریزی و بعضی مرید بان‌کمال خجندی می‌دانند. در بغداد با ابوالحسن الدین کرمانی و محمدالدین عراقی دیدار کرد. وی در ۶۴۲ ق ضمن سفرهای طولانی خود به قونیه رسید و مولوی را ملاقات کرد. دیدار شمس، مولوی را به یکباره دگرگون کرد و از آن پس مولوی پشت پا به مقامات دنیوی رد و دست ارادت از دامان ارشد شمس برداشت. مولانا را با القاب خسرو اعظم، خداوند حد، اوردان اسرار، سلطان سلطان‌جان، نور مطلق، خان جان خان، شمع نه فک، بحر رحمت، مفخر آفاق، غورثید مطلق، روح مصور و بخت مکرر خوانده است. گاهی او را آتش نهفته در شراب، غریب پیچیده در فریاد، اصل وجود و ایجاد می‌شمرد. شمس شاعر نبود و «دیوان»ی که به نام وی مشهور و در ایران چاپ شده از مولوی است که محض ابداع وظیفه ارادت و ابزاری نام نیک پیر و مرشد خود و اظهار قدر دانی از حق ارشاد اویک قسمت از اشعار خود را به نام وی منتشر ساخته است. او در قونیه وفات یافت و در روایی به دست علاءالدین محمد پسر مولوی با ده دست جمع از متعصبین قونیه که علاءالدین نیز یکی از آنان بود، به قتل رسید. قبر وی نزد قبر بهاءالدین ولد پدر ملاکی رومی یا در مدرسه ملای رومی نزد قبر امیر بدرالدین بانی مدرسه است. از آثار وی، «مقامات» و «پندنامه».

آتشکده آذر (۱/ ۱۱۷-۱۱۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۷۱، ۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)، تذکره الشعراء (۲۱۹-۲۱۶)، الذریعه (۹/ ۵۲۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۲۹۴)، ریحانه (۳/ ۲۳۸-۲۴۰)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد (۸۸-۶۸)، سحرزاد آذربایجان (۲۲۶)، شمس تبریزی، طرائف الحقائق (۲/ ۳۱۹-۳۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۱۲)، لغت نامه (دیل)، شمس تبریزی، مجمع الفصحا (۲/ ۸۱۰-۷۷۱)، مجمل فصیحی (دیل/ سال ۶۷۲)، ملالات شمس تبریزی (۶۶-۱۹)، مناقب الماروفین (۸۵)، صفحات الانس (۲۶۹-۲۶۶).

شمس تبریزی شیرازی. (س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان، اهل شیراز بود. به اصفهان رفت و چون در علم موسیقی مهارت داشت، مورد توجه شاه عباس صفوی قرار گرفت و شاه قهوه‌خانه‌ای در چهار باغ جهت

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۵-۳۱۲)، ۱۰۸۴/۴، اطلس خط (۳۲۹-۳۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، ۷۹۷، تصاریح مسرهای مسلم (۲/ ۸۰۴-۸۰۳)، تذکره الشعراء (۱۷۸)، سبب‌النسیر (۴/ ۹)، خوشنویسان و هرصندان (۲۷)، گلستان هر (۲۹-۲۸)، لغت نامه (دیل/ شمس الدین)، هنر عهد تیموریان (۱۰۸، ۱۰۹، ۶۲۸، ۷۲۵).

شمس بخارایی به شمس خاله

شمس پُستی، شمس الدین حاجی. (س پنجم ق)، شاعر از شاعران پست بود از اوست
گویند در تر ترا بود خرسندی
خرسد شوی چو دل ازو برکندی
زرگنده کاند و بی رفای دهر است
برگسند بی وفا چو دل بندی
تذکره شعرا پنجاب (۲۱۰)، نایب الکباب (۱/ ۲۸۷)، هفت اقلیم (۱/ ۳۰۶-۳۰۳).

شمس بغداد به شمس خاله

شمس تبادکائی به تبادکائی، شمس الدین محمد.

شمس تبریزی، شمس الدین. (س هشتم ق)، عارف و شاعر وی را با شمس الدین تبریزی مرشد جلال الدین مولوی خلعت کرده‌اند و آثار او را به شمس الدین محمد بن ملک داد مرشد مولوی نسبت داده‌اند. از اشعار عارفانه او، ترجیع بندی که معروف است و منظومه‌ای به نام «مغرب القلوب» به سال ۷۵۷ ق.

تاریخ نظم و نثر (۲۱۴)، الذریعه (۱۹/ ۲۹۲)، بزمگ سخنوران (۵۱۲)، مؤنن کتب چاپی (۵/ ۵۲۶-۵۲۵).

شمس تبریزی، محمد بن ملک داد / محمد بن علی بن ملک داد. (وف ۶۷۲/۶۷۳)، عارف و صوفی، ملقب به شمس‌الدین، سلطان الاولیاء (الواصلین، تاج المحبوبین، قطب العارفين، فخرالموحدين، آية تفضيل الآخرين، هلی الاولین حجة الله علی المؤمنین، موصوف به شمس الحق در اصطلاح عرفا و اهل طریقت و ارث عراق بود. از پیشربانان بزرگ تصوف در عصر خود در آذربایجان و آسیای صغیر و از خفای رکن‌الدین سجاسی و پیرو

او بنا کرد. وی طبعی موروثی داشت و اکثر تصانیف، اشعار خود او می‌باشد از اوست

ای نسخ نو خبث جام احیاء مرن
عبود را به دم گرم می‌ساب مرن
راهد تو به افسردگی خویش بساز
چون بار تو گناخذ است بر آب مزد

آثار می‌شمارد: (۹۹) تاریخ اصفهان ۲۶۶، تاریخ مرستی (۱/۳۲۹)، تذکره صرغاری، ۴۱، ۱۴۷.

شمس ثانی، سام میرزا - رضوان قاجار.

شمس حافظ شیرازی. (ز ۷۷۴ ق.)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث رفاع دو داتنگ چلی خوش، با رقم: «کتابه افتر المقراء شمس الحافظ الشیرازی - اربع و سبعین و سبعمائة» (۷۷۴) یک قطعه ثلث دو داتنگ چلی عالی و نسخ کتابت خطی متوسط و رفاع کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد شمس الکتاب الشیرازی - مطعنه دو قبح خطیاتی علی یثنع» به خط ثلث چهار داتنگ چلی خوش و نسخ و رفاع کتابت خوش، با رقم: «مشقعه دو المقراء شمس الحافظ الشیرازی».

احوال و آثار هو شریسان (۲/۱۰۸۲-۱۰۸۵) تصانیف ۴ ش ۹، ص ۴۲۷

شمس الحکما، میرزا علی خان، سرزند حاج آقا میرزای ایروانی. (۱۲۵۲/۱۲۶۱-۱۳۲۵ ق.)، پزشک و شاعر، متخصص به لعلی در ایروان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. در پیست سالگی به همراه پدرش به تبریز رفت و به تحصیل طب نزد میرزا اسودالحسن حکیمباشی پرداخت و در ضمن آن به تجارت نیز مشغول بود. سپس به استاثول رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل کرد. پس از پایان تحصیل به تبریز برگشت و به طبابت پرداخت. پس از مدتی به تهران آمد و مورد توجه ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت و در سفر به اروپا همراه وی بود. او طبیب مخصوص مظفرالدین شاه قاجار شد و از وی لقب شمس الحکما گرفت. در اواخر عمر به سیاحت روی آورد و سرزمین‌های قفقاز و مصر و عثمانی را دید و سر انجام در تعلیس درگذشت. از آثار وی: «دیران» اشعار به فارسی و ترکی که در تبریز به چاپ رسیده است.

دانشمندان آذربایجان (۱۳۲۱-۱۳۲۲)، الذریعه (۹)

شمس خاله، شمس الدین محمد بن مؤید خدادی بهخدادی. (س ششم ق.)، شاعر معروف به شمس خاله. ساکن سمرقند و مداح سلاطین آل افراسیاب بود هدایت او را بخارایی دانسته است. او خاهراً شاگرد مرزنی بوده است. از ممدوحان او شمس المیک احمد بن آرسلان و حسام‌الدین حسن بن علی و نظام‌الدین ملک‌شاه الخ پیش را می‌توان نام برد. ضیاء خجندی شاعر معروف و معاصر شمس خاله، او را در ابیاتی مدح کرده است. وی با کمال الدین محمد خجندی نیز مصاحبت داشت. شعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است

شمس خاله، شمس الدین محمد بن مؤید خدادی بهخدادی. (س ششم ق.)، شاعر معروف به شمس خاله. ساکن سمرقند و مداح سلاطین آل افراسیاب بود هدایت او را بخارایی دانسته است. او خاهراً شاگرد مرزنی بوده است. از ممدوحان او شمس المیک احمد بن آرسلان و حسام‌الدین حسن بن علی و نظام‌الدین ملک‌شاه الخ پیش را می‌توان نام برد. ضیاء خجندی شاعر معروف و معاصر شمس خاله، او را در ابیاتی مدح کرده است. وی با کمال الدین محمد خجندی نیز مصاحبت داشت. شعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است

آتشکده آذر (۳/۹۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۸۲۷-۸۲۹)، تاریخ نظم و نثر (۸۵)، الذریعه (۹/۲۸۵)، ۵۳۹، صبح گش (۲۲۵)، فرهنگ سخنوران (۵۱۱)، لیات الالیاف (۲/۳۸۲-۳۸۳)، لست نامه (ذیل / شمس الدین)، مجمع الفصحا (۲/۸۱۲)، مخزن المراتب (۲/۸۴۶-۸۴۷)، هفت اقیم (۱/۱۰۸-۱۱۰).

شمس دده عراقی. (س دهم ق.)، شاعر. در اصفهان متولد شد مدتی در احمدنگر و گنکده و بیجاپور در خدمت مرتضی نظام‌شاه و محمد قلی قطشاه و ابراهیم عادلشاه ثانی به سر برد و سپس به ملازمت جلال‌الدین اکبر شاه رسید. در هفت درگذشت. اشعاری از او به جا مانده است.

کساروان هند (۱/۶۵۲-۶۵۳)، متأثر رحیم (۴/۲۵۵-۱۲۵۵).

شمس الدین. (س نهم ق.)، خطاط. شاگرد نعمت‌الله بزآب بود. خطوط را خوش می‌نوشت و از اساتید خطوط سته به شمار می‌رفته است. گستان هر (۲۸).

شمس الدین. (س دهم ق.)، نقاش و مذهب. از هنرمندان شیوه دکنی در هند بود. از شیوه کار وی، چنین برمی‌آید که این هنرمند از نقاشان ایرانی بوده که به هند صریحت نموده است. او در اجرای مجانیس رسمی و منظره‌سازی و شهبه‌پردازی و صنعت تذهیب دستی قوی

داشته است. از آثار ری تصاویری از یوسف و زلیخا، در نسخه یوسف و زلیخای جامی است که شرح و تفصیل آن در «احوال و آثار نقاشان» آمده است
احوال و آثار نقاشان (۱۳۶۳/۴)

شمس الدین بن احمد نحاری. (ز ۹۰۲ ق)، نجار اهل ساری بود و در نقش تصویر بر روی چوب قدرت تمام داشت از آثار رقم دار وی: صندوق چوبی منقش کم نظیری که به انواع نقوش هندسی و اسلیمی آراسته شده است. این صندوق در نداشت و رقم نجار به خط ثلث و نسخ ساده چسبیده بود. «آدمت هذه الصندوق فی تاریخ سنه اثنی و تسعمائة خمس شمس الدین بن استاد احمد نحاری بالذاتی ساری»

احوال و آثار نقاشان (۱۳۲۷/۱)

شمس الدین بن فخرالدین حافظ فقیه. (ز ۷۱۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن جامسازی جلد روغنی کشمیری، سرلوح مرصع و دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع، به محمد نسخ کتابت مخفی خوش، با رقم: «شمس الدین بن فخرالدین حافظ فقیه» سال ۷۱۷، زیر کتیبه ملکی

احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۵/۴)

شمس الدین تبریزی. (ز ۸۱۲ ق)، نقاش. از آثار وی تصاویر یک نسخه از «شاهنامه» فردوسی که به «شاهنامه دیبخت» معروف است و در سالهای ۸۰۲ تا ۸۱۲ ق ترسیم و منقش شده. این نسخه دارای پنجاه و پنج میانوند نقیص در مکعب هرات است که تصاویر آن در موزه های معروف جهان موجود می باشد.

در عهد تیموریان (۷۷۵-۷۷۶)

شمس الدین تبریزی. (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه سردر مسجد ملی در اصفهان، که در دوره یوسف و به خط ثلث نوشته شده است. در ردیف دوم، نام شاه اسماعیل صغری و پانی ساختمان، میرزا شاه حسین اصفهانی، و ماده تاریخ بنای مسجد یعنی سال ۹۲۹ ق ضبط شده است. با رقم: «کتبه شمس الدین تبریزی».

آثار ملی اصفهان (۷۱۴)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان

(۳۷۲)

شمس الدین تبریزی، محمد بن امیرعلی. (ز ۹۳۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی بزرگ مذهب و جلد سوخت ممتاز، به خط ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت باقوتی و رقاع کتابت عالی، با رقم: «کتبه العدد الفقیر». شمس الدین محمد بن امیر علی التبریزی فی العشر الاخر من شهر ربیع الثانی سنه سبع و ثلثین و تسعمائة حامداً لله...

احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۸/۴)

شمس الدین حسینی کاشانی. (ز ۶۰۱ ق)، نقاش اهل کاشان و آرایشگر کاسه و بشقابهای لمبایی بود. از آثار زیبای این هنرمند، بشقاب سفالی و لعابی منقش و تصویر داری است که در زمینه سپر عمل آمده و کاسه های بشقاب به خط تعلیل قدیمی کتابت شده است در زمینه بشقاب، تصویر اسب ابلقی دیده می شود و در وسط آن، تصویر رباب خسرو و شیرین به ملاحظت تمام تصویر شده است. در «احوال و آثار نقاشان» شرح حال وی در ذیل دو عنوان آمده که با اتمت به تاریخ رقم و نوع اثر، هر دو مدخل یکی هستند. رقمها از این قرارند: «صیقله السید شمس الدین الحسنی فی جمادی الآخر سنه سبع و ستمائة» و «صیقله السید شمس الدین الحسنی لکاشانی فی جمادی الآخر سنه سبعین (۶) و ستمائة» ۶۰۷

حوال و آثار نقاشان (۱۳۲۷/۱، ۱۳۲۸/۳)

شمس الدین روشکی، فرزنده ضیاء الدین. (ز ۶۹۷ ق)، مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری به جای مانده، که در داخل یک شمشه تو دو نوی شکل گسادی است و به خط رقاع رقم دارد. «رسم شمس الدین بن ضیاء الدین روشکی» ۶۹۷

احوال و آثار نقاشان (۱۳۲۸/۱)

شمس الدین سمرقندی، مولانا محمد، فرزند مولانا شرف الدین عثمان. (وف ۹۰۱ ق)، حکیم، عالم و مدرس. مشهور به مولانا زاده مولانا عثمان. از علم ماوراءالنهر در قرون نهم بود. در زمان سلطان حسین بایقر از سمرقند به هرات رفت و در مدرسه سلطانی و مدرسه خلاصیه به تدریس پرداخت.

حبیب السیر (۳۴۰-۳۴۱)

شمس الدین محمد یسظامی. (ز ۱۰۰۰ ق)، خطاط. اصلش از ولایت یسظام و در مشهد، شاگرد سید احمد مشهدی بود. در کتابخانه شاه عباس صفوی به امر کتابت اشتغال داشت. وی خط را خوش می‌نوشت
احوال و آثار خوشویان (۳/ ۶۶۱-۶۶۲)، گستان هنر (۱۳۳).

شمس الدین محمد تبریزی پنا (من نهم ق)، معمار. از پناهدی وی، مسجد شاه مشهد است که دارای گنبد بزرگ کاشی کاری و ایوان و دو مناره می‌باشد. یا توجه به من کتیبه یوان پنا ساختمان آن ظاهراً در ماه رجب سال ۸۵۵ یدیان یافته است
مهرست بناهدی تاریخی و اماکن باستانی (۷۲)

شمس الدین محمد کاشی. (ز ۱۰۴۱ ق)، نقاش. در آرنجک سازی دست داشت تنها اثر رنم دار وی که در کتابخانه گلستان قرار گرفته، تصویر آبومگی مردی است که چاقو به دست گرفته و مشغول بریدن خریزه می‌باشد و رقم «شمس الدین محمد کاشی ۱۰۴۱» دارد.
اسوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۴۸)

شمس الدین محمد کرمانی. (ز ۹۱۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «خمس نظامی»، به قلم کتابت خوش، که در پایان بعضی مشویرها رقم دارد. «نجر اتمام کتاب همت پیکر... سته سحر و تسعمائة بذار السلطنة تبریز... شمس الدین محمد کرمانی...» و «بجز اتمام هذه الكتاب... سته خمس عشر و تسعمائة» و «تمت الكتاب... علی ید... شمس الدین محمد الکاتب الکرمانی... سته ثمان عشر و تسعمائة...»؛ یک قطعه از مرقع مالک دیلمی، به قلم تیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم «اکتبه العبد... شمس الدین محمد الکاتب الکرمانی... فی شهر جمیدی الاوی ست عشر و تسعمائة»؛ سه قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم در دانگ و کتابت خوش، با رقمهای «مشقه العبد شمس الدین محمد الکرمانی، فی شهر سنه ۹۱۸ ثمان عشر و تسعمائة بذار السلطنة تبریز» و «مشقه العبد... شمس الدین محمد الکرمانی...» و «اکتبه العبد شمس الدین محمد، فی شهر سته ثمان عشر و تسعمائة».

احوال و آثار خوشویان (۳/ ۸۲۵، ۸۲۳)، منابع هریران (۹۰)، هنر عهد تیموریان (۵۲۹، ۵۸۴)

شمس الدین عیدالله. (ز ۹۸۹ ق)، خطاط. از آثار وی، قرآن رحلی با جلد روغنی مذهب، چهار صفحه اول و آخر مذهب برصع عالی، به خط ثلث کتابت جلی خوش به سال ۱۰۱۲؛ قرآن رحلی عظیم جلد سوخت، تحریر طلابوش ممتاز که تمامی قرآن مزین است، به خط نسخ جلی متوسط و ثلث و رقاع جلی متوسط، با رقم: «شمس الدین عیدالله... ۹۸۹»
احوال و آثار خوشویان (۴/ ۱۰۸۳).

شمس الدین کاشی تراش. (من یاردهم ق)، کاشی تراش. شاگرد احمد موسی و رسام خوش بر روی کاشیها بود. از آثار این هنرمند، در ایوان مسجد جمعه اصفهان، کاشیها و تزئینات ریایی به یادگار مانده که به خط مستعینق مسجد بر رمیه لاجوردی رقم «عمل استاد شمس الدین کاشی تراش» دارد.
احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۴۸)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۱۲۵)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱۰۲-۱۰۳).

شمس الدین گیلانی، فرزندان ملا محمد سعید. (ز ۱۱۱۹ ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه به خط ثلث لویاف دو دانگ جلی خوش، در مدخل عمارت چهل ستون اصفهان با رقم: «العبد شمس الدین بن ملا محمد الجیلانی فی ۱۱۱۹»؛ دو قطعه مذهب در ایوان آینه چهل ستون اصفهان، به خط ثلث رقاع کتابت جلی خوش، با رقم «نصر من الله... کتبه العبد شمس الدین بن ملا محمد سعید الجیلانی فی ۱۱۱۹».
آثار ملی اصفهان (۳۴۵، ۳۵۶)، حوال و آثار خوشویان (۲/ ۱۰۸۴)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۷۴).

شمس الدین محمد اصفهانی. (من دهم ق)، معمار. از آثار وی، کتیبه سردر مسجد فطیبه اصفهان که به امر شاه طهماسب اول صفوی، به تاریخ ۹۵۰ ق ساختمان آن را به پایان رسانید در زیر این کتیبه به خط مشککی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته شده: «پسعی شمس الدین محمد اصفهانی» که خط آن از ابوسعید اصفهانی است.
آثار ملی اصفهان (۵۸۸، ۷۲۱)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۹۳۵)، کارنامه بزرگان (۱۹۷)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۳۸۰).

الدیمه (۹/ ۵۲۰، ۹۹۸)، مخزن العرائف (۲/ ۱۰۰۲، ۱۰۰۵).

شمس لضعی بشاط اصفهانی، فرزند میرزا حسن صبی عیاش اصفهانی، (قر ۱۲۷۸/۱۲۷۹ ش)، نقاش و شاعر، متخلص به شمس و نشاط در تهران متولد شد. پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه، به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری هنرهای ربا در دبیرستانها و هنرستانها به تعلیم هنرجویان پرداخت. او در ۱۳۰۵ ش به آمریکا رفت و در آنجا به دریافت مدال طلا از دانشگاه هاروارد نایل گردید. شمس به زبانهای فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و او باوان هنرمند در فن نقاشی و خامه دوزی بود. وی او شاعران خوش ذوقی بود که مریحه شاعری را از پدر ادیب و شاعر خود به ارث برده بود. سروده‌های او حدود دو هزار بیت است «دیوان» شعری منتشر نشده، اما بعضی از شعرهای وی در مجموعه‌ای به نام «اسرار خلقت» چاپ شده است. تذکره شرفی سامر اصفهان (۵۱۰-۵۰۹)، الدیمه (۹/ ۱۱۸۹)، سخنرانی نامی معاصر (۳/ ۲۰۱۳-۲۰۱۰)، زبان سخنور (۱/ ۲۸۹-۳۰۶).

شمس طبسی، قاضی شمس الدین محمد بن عبدالکریم، (وف ۶۲۶/۶۲۶ ق)، شاعر، متخلص به شمس. ملقب به شمس الدین. اهل خراسان بود و در هرات زندگی می‌کرد. به بخارا رفت و به خدمت رعی الدین پیشانوری رسید و در نزد او و صدرالشریعه محمود بن احمد بخاری تلمذ کرد. سپس به خراسان رفت. وی معاصر خاقانی بود. در پایان عمر در هرات بود و در آن شهر از دنیا رفت. وی به روش شعرای عراق و آذربایجان شعر می‌سرود و «دیوان» شعرش مشتمل بر در پاسه هزار بیت می‌باشد.

آشکده آخر (۱/ ۲۶۲-۲۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۸۳۲-۸۳۴)، تاریخ گریه (۷۳۷)، تاریخ نظم و بحر (۹۳)، تذکره روز روشن (۲۳۴-۲۳۷)، تذکره الشعر (۱۸۳-۱۷۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۴۹۶)، الدیمه (۹/ ۵۲۳)، ریاض العربین (۲۱۱)، دیوانه (۳۱/ ۲۲۴)، لیاب الالیاب (۲/ ۳۱۱-۳۰۷)، لغت نامه (دب)، طبسی، قاضی شمس الدین، مجمع الفصحی (۲/ ۸۰۸-۸۱۷)، هفت انجم (۱/ ۱۶۳-۱۶۵).

شمس الدین نجار ساروی، (ز ۸۹۷ ق)، نجار از آثار وی، مستندوق چوبی منبتکاری شده‌ای در اصفهاده عباس (ع) در ساری، به تاریخ ۸۹۷ ق است و رقم «شمس الدین بنا ابن احمد نجار ساروی» دارد. فهرست بهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۳۹).

شمس سگری، شمس الدین محمد بن نصر/ نصر. (س هتم و)، شاعر ملقب به شمس الدین. چون اصلش از سیستان بود، او را سگری می‌خواندند. علم ظاهر و باطن را جامع بود. کتاب «مجمع البحرین» در علم شریعت و حقیقت از تألیفات او می‌باشد. تذکره روز روشن (۲۳۳)، ریاض العربین (۹۸)، ریخته (۳/ ۲۴۲-۲۴۳)، لیاب الالیاب (۱/ ۲۵۱-۲۵۲)، هفت انجم (۱/ ۲۹۲).

شمس سنحری، شمس الدین مبارکشاه، (س ششم ق)، شاعر. مدح سلطان عیاش الدین خوری می‌کرد و حکومت یمرود را عهددار بود از اوست: حکمت چه بود به تقویت جان کردن بر خورده رنج کسب آسان کردن انصاف بده که ناخوشیها دارد از پسر دونان خدمت دونان کردن تاریخ گریه (۷۲۹)، الدیمه (۹/ ۹۵۶)، صبح گلشن (۳۶۰)، فرهنگ سخنران (۵۱۳)، لیاب الالیاب (۲/ ۲۲۸-۲۲۹)، هفت انجم (۱/ ۲۹۲-۲۹۳).

شمس شسترومی، (س دهم و یازدهم ق)، موسیقیدان و نوازنده، نخست از ملازمین حمزه میرزا، برادر شاه عباس صفوی بود. بعدها به دربار شاه عباس پیوست و مورد توجه و صایت آن پادشاه قرار گرفت. وی تصنیفهای عربی می‌ساخت.

تاریخ اصفهان (۲۶۸)، تاریخ موسیقی (۱/ ۴۹، ۳۱۲، ۳۱۶)، عالم آرای عباسی (۱/ ۱۹۱).

شمس شهرستانی، میرزا شمس الدین محمد، فرزند میرزا محمد رضا، (س یازدهم ق)، شاعر. از اوست. به نرمی سنگ را با شیشه الفت می‌توان داد در آن ساعت که پای سازگاری در میان باشد. تذکره روز روشن (۴۳۶)، تذکره ناصربادی (۹۹-۱۰۰).

شمس العرقا، سید حسین حسینی دوک‌ای تهرانی،
لورده محمد رضا (۱۲۵۳-۱۲۸۸ ق)، عارف، معروف به
آقاخان. در تهران متولد شد. در جوانی به تحصیل علوم
شریعت پرداخت و مرید شیخ عبدالقدوس کرمانشاهی
شد. بعد از فوت مرشد خود به عتبات رفت و پس از
مرجعیت به ایران در محل کشور به مسافرت پرداخت و
سفری نیز به روسیه کرد. شمس العرقا که در اواخر از دو
چشم نابینا شده بود در تهران درگذشت و در امامزاده
عبدالله شهر ری دفن شد. جانشین وی بلاهی، کتابی
موسوم به «مقامات الحمقاء» در احوال وی تألیف کرده
است. از آثار وی: «الشمسیه»، در سیر و سلوک؛ «حالات
و عادات طهماسب قلی خان کرمانشاهی».

الذریعه (۱۴/ ۲۳۰)، زندگنامه رجال و مشاهیر (۳/
۱۰۱)، لغت‌نامه (دیل / شمس العرقا).

شمس النعماء گرگانی، محمد حسین - ربانی قریب
گرگانی

شمس فخری اصفهانی، شمس الدین محمد بن
مولانا فخرالدین سعیده (س هشتم ق)، شاعر و نویسنده.
معروف به شمس فخری. در ۷۱۳ ق به لرستان سیر کرد
و در آنجا با فصلا درباره عروض و قوافی بحث نمود و
سپس به خواهش آنان رساله مختصری در فن عروض و
قوافی تألیف کرد. پس از بازگشت، در ۷۳۲ ق در قم
سکونت داشت و در همین سال قصیده معروف خود را
به نام خواجه عیث‌الدین محمد وزیر سرود. بعد از قتل
خواجه، مدتی در اصفهان که در آتش ناامنی می‌سوخت
انزوا اختیار کرد و سپس به شیراز رفت و به خدمت شاه
شیخ ابواسحاق اینجو درآمد. وی معاصر خواجه حافظ
شیرازی بود. از آثار وی: «معیار نصرانی»، در فن عروض
و قافیه؛ «معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق» که در علوم
بدیع و قرانی و معانی و بیان و عروض و لغت می‌باشد و
قسمت دوم آن چاپ شده؛ «مجموع اشعار»؛ «مخزن
البحر و مجمع الصنائع».

از سعدی تا جامی (۲۸۸-۲۸۲)، تاریخ ادبیات در ایران
(۳/ ۱۲۸۱-۱۲۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸-۱۴۹)، دایرة
المعارف فارسی (۲/ ۲۸۱۱)، الذریعه (۹/ ۵۴۳)،
فرهنگ سخنوران (۵۱۳)، کشف الظنون (۱۷۴۳-
۱۷۲۲)، لغت‌نامه (دیل / شمس فخری)، مؤلفین کتب
جامی (۵/ ۲۹۹-۲۹۸)، هست الخلیف (۲/ ۳۹۵-۳۹۶).

شمس قیس رازی، شمس الدین محمد بن قیس (س
هفتم ق)، شاعر. از مردم ری بود و مدتی در موراانهر و
حورارم و حراسان می‌زیست. در ۶۱۴ ق که آوازه هجوم
مغول در خراسان برخاست با سلطان علاءالدین محمد
بن تکتش خوارزمشاه به عراق رفت و تا ۶۱۷ ق از
همراهان وی بود. پس از آن به فارس رفت و به دربار
اتابک سعد بن زندگی راه یافت و ندیم آن پادشاه شد. از
آثار وی: «المعجم فی معاییر اشعار العجم»، که
معروف‌ترین کتاب در زمینه عروض و قافیه و محسنات
شعر فارسی است. شمس قیس نخست در ۶۱۴ ق در
شهر مرو طرح این کتاب را ریخت که در وقیع ۶۱۷ ق از
میان رفت و پس از مدتی اوراق آن به توسط روستاییان
کوهپایه‌های عراق به دست وی باگشت و مؤلف در
حدود ۶۳۰ ق در فارسی آن را تمام کرد؛ «المعرب فی
معاییر اشعار العرب»؛ «الکافی فی العروصین و القوافی»؛
«حدائق العجم».

از سعدی تا جامی (۱۷۶-۱۷۷)، ابیح لکمون (۲/
۵۰۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۱۰۳۳-۱۰۳۱)، تاریخ
نظم و نثر (۱۴۰)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۳۹۲-
۱۴۹۵)، الذریعه (۹/ ۵۴۳)، ۲۱/ ۲۱۸)، ری باستان (۲/
۳۷۸)، سبک شناسی (۳/ ۲۵۰۲۷)، فرهنگ سخنوران
(۵۱۲)، گنج و گنجینه (۲/ ۳۰۹۳۰۴)، لغت‌نامه (دیل /
شمس قیس)، المعجم من مدیر شمار المعجم منیده)

شمس کاشانی، تاج السادة شمس الدین محمد بن
علی (۹)، شاعر. قصیده‌ای از او در کتاب «لباب الالباب»
آمده است.

باب الالباب (۱/ ۱۸۳-۱۸۷)، لغت‌نامه (دیل / تاج
الساده)، لغت‌نامه (۲/ ۲۵۲-۲۵۳).

شمس کاشانی، مولانا شمس الدین (س هشتم و
هشتم ق)، مورخ و شاعر. قصیده‌ای در مدح خواجه
بهاءالدین محمد بن خواجه رشید سروده است در زمان
سلطان ابوسعید درگذشت از آثار وی: «تاریخ هزاران
خان».

تاریخ گزیده (۷۳۷)، تذکره روز روشن (۲۳۲)، حبیب
السیر (۳/ ۱۹۱)، الذریعه (۹/ ۵۴۱)، فرهنگ سخنوران
(۵۱۴)، لغت‌نامه (دیل / شمس کاشانی) (۲/ ۱۴۶۰)

طغان. (س ششم ق)، عارف و شاعر مشهور به شمس الدین خندان، در خانه‌های در هرات به سر می‌برد. مؤلف «لایب الالباب» گوید: چند کتاب در رابطه با سیر و سلوک در عرفان به نظم فارسی دارد. از اوست:

ای جان جان چانهاء جان را به لطف جان ده
آسی که آن آسی دل را به رحمت آن ده
تر شد گران ز مهرت دیرش ز غم سسک کن
دل شد سبک ز عشقت زودش می گران ده

تذکره روز روشن (۲۳۳)، دیوان المازنی (۹۸)،
ستارگان کرمان (۲۴۴)، لایب الالباب (۱/ ۲۷۹-۲۸۱)،
همت اقیم (۱/ ۲۶۷-۲۶۸).

شمس کرمانی، امیر شمس الدین محمد. (س دهم ق)، شاعر از اهالی قصبه خیص کرمان بود. از اوست:

آن شوخ چقا چو که رگل پیرهنش
صد یوسف یعقوب به چاه دفنش

تحفه سامی (۶۰)، الذریعه (۹/ ۵۳۱)، مجمع التواریخ
(۴۴-۴۵)، همت اقیم (۱/ ۲۸۲).

شمس گلپایگانی، شیخ اسدالله ناصر همیشاه - ایزد
کشپ گلپایگانی.

شمس لاهیجی، قاضی شمس الدین. (س دهم ق)، شاعر. در لاهیجان به دنیا آمد. سالها تربیت امیر زادگان صفوی را بر عهده برداشت و به همین سبب به معلم معروف شد. او مدتی به منصب صدارت شاه اسماعیل صفوی رسید. در اواخر عمر از واکریه از اوست:

چوانی وقت در راه تو، پیر روزگرم من
گرفتار بلا و درد و داغ بی شمارم من

تحفه سامی (۸۲)، تذکره روز روشن (۲۳۴)، الذریعه
(۹/ ۵۳۲، ۸۷)، دیوان بامدادهای گیلان (۳۸۵).

شمس محمد لطف‌الله. (س نهم ق)، خطاط و شاعر. به خط وی، یک قطعه از مرقع بهرام میرزاست، که قطعه شعری از خود اوست و به قلم نیم دو دانگ خوش، به زر تحریردار نوشته و رقم «کاتبه رقنله شمس محمد لطف‌الله، حرره میرمصوره» دارد
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۷)

شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود بن

شمس الکتاب، سید محمد حسینی (ز ۱۲۹۷ ش)، خطاط، ملقب به شمس الکتاب. از شاگردان میرزا علی محمد صفای لورستانی بود. مهدی یبانی، مؤلف «احوال و آثار خوشنویسان»، به مدت یک سال از وی تعلیم خط گرفته است. وی در ۱۲۹۷ ش حدود شصت و پنج سال داشته است. ز آثار او یک نسخه «رسم المثنی» منسوب به میرمحمد، به قلم کتبت جنی عالی، با رقم، به جهت ضبط ترکیب از خط است دالکل میرمحمد... نقل شد... سنة ۱۲۹۵، کتبه محمد الحسینی الملقب بشمس الکتاب... یک نسخه «نصاب الصیانه» به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم، نقل شد از روی خط استاد الاعظم آقا میرزا علی محمد «صفای»... انا العبد... محمد الحسینی... الملقب بشمس الکتاب.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۵-۳۱۶).

شمس الکتاب، میرزا محمد صادق. (ز ۱۲۲۰ ق)، خطاط از کاتبان دارالتألیف اداره انطباعات دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار بود. در سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۸ ق، در اداره مزبور کار می‌کرد و در ۱۳۲۰ ق معمم خوشنویسی در مدرسه دارالفنون قدیم بود. از آثار وی، کتابت روزنامه «ایران» و «اطلاع» است که در ۱۳۰۶ ق طبع و نشر می‌شد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۷-۳۱۸).

شمس کسرت، ملک شمس الدین محمد، فرزند رکن الدین ابوبکر بن عثمان. (۶۷۶-۶۴۳ ق)، شاعر معروف به شمس الدین نخستین. سر سلسله امرای کسرت بود نسبش به سلطان سنجر سلجوقی می‌رسید اشعاری از وی در کتب تازه آمده است. از اوست:

با دشمن من چو دوست بسیار نشست
با دوست بشایدم دگر بار نشست
پرهیز از آن عمل که با زهر آمیخت
بگس از آن مگس که بر مار نشست

آتشکده آذر (۱/ ۶۹-۷۰)، از سندی تا جامی (۲۳۰-۲۲۲)، حبیب السیر (۳/ ۳۶۷-۳۷۰)، الذریعه (۹/ ۵۲۱)، طبقات سلاطین اسلام (۲۲۵-۲۲۴)، مرثیه سخنران (۵۱۴)، مجمع المصفا (۱/ ۶۸-۶۷)، همت اقیم (۲/ ۱۲۸-۱۲۷).

شمس کرمانی، امام شمس الدین محمد، فرزند

می‌سرود و اشعار عربی او در «یتیمه الدهر» مسطور است

دریغ بی‌بختی (۱/ ۵۰۵)، لباب الالباب (۱/ ۶۴۳-۶۴۴)،
لغت نامه (دیل / احمد).

شمس نسایی، شمس‌الدین محمد منوکه (۴)،
شاعر. اصل وی از شما بود و در نیشابور می‌زیست. به
شعر حیاطی روزگار می‌گذرانید. دارای «دیوان» شعر
بود

آشکده آذر (۲/ ۶۷۷) تذکره زر. روش (۲۲۲-۲۲۳)،
الدریچه (۱/ ۵۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، بیاب
الالباب (۱/ ۱۵۸-۱۵۹)، هفت اقلیم (۲/ ۳۴)، معرزه
المراثی (۲/ ۷۲۹)

شمس نسفی، سید شمس‌الدین داعی حسینی. (من
ششم ق)، شاعر، شیخ لاسلام لخطیب بود. سفری به
بحرا داشت. از اوست:

یک شب دل من صدای گردونی داشت
رز حکمش حکمت فلاطونی داشت
کم یک شبه دولتی چنان بتوان یافت
کان یک شه بر صد گهر افزونی داشت

فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، بیاب الالباب (۱)،
۸۷-۱۸۳.

شمس نیریری، شمس‌المعالی میرزا اسحاق. (رف ح
۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر. اصلش از بیرج فارس بود. در
جوانی به شیراز رفت. کسب کمالات علمی نمود و فنون
شاعری و خوشنویسی را در حد عالی آموخت. تمام
خطوط بخصوص سحر را خوش می‌نوشت. به تاریخ و
احبار و اشعار فارسی و عربی مسلط بود. مدتی به تهران
آمد. در پایان عمر به شیراز رفت و همانجا وفات یافت
چون نخست انجمن تخلص می‌کرد، در برخی تذکرها
باعت عنوان انجمن فارسی آمده است اشعاری از او در
تذکرها نقل شده است

حدیده الشعراء (۱/ ۱۸۲)، دانشندان و سخن سرایان
فارس (۳/ ۳۱۷)، الدریچه (۱/ ۱۰۶)، فارسنامه ناصری
(۲/ ۱۵۷۰-۱۵۷۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، گنج
شبگان (۳/ ۹۵۰-۵۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۸۶-۶۸۷).

شمس یخارایی، حکیم شمس اعرج. (من ششم

عزیز عارصی. (وف ۵۲۱ ق)، ادیب مشهور به شمس
المشرق. در هم لغت و دب از سرآمدان روزگار خود
بود. در علم فقه و خلاف نیز دست داشت و به جهت
کثرت حفظ و فصاحت لفظ به او جاحظ ثانی می‌گفتند.
مدتی در خوارزم در نزد خوارزمشاه با احترام زیست. از
ابونصر قشیری و دیگران حدیث شنید و گوید املائی
حدیث نیز می‌کرد. در پایان عمر به فلسفه روی آورد و به
همین جهت منور عامه شد. به مرو رفت و در همانجا
خود را ذبح کرد و مکتوبی به خط خودش یافتند «هذا ما
عملته ایدیا فلا يؤاخذ بشیرنا».

ریحانه (۲/ ۲۵۱)، لغت نامه (ذیل/ محمود)، معجم
الادباء (۱۹/ ۱۶۶)

شمس المعالی گرگانی، محمد کیا. (س نهم ق)،
نویسنده. وی مؤلف رساله‌ای است در رفع شبهه مناس
شدن زحل به کرة ثوابت و «مفتاح بیست باب اسطرلاب»
حواجه نصیرالدین طوسی، در ۸۱۷ ق.
تاریخ نظم دکن (۲۷۱)، الدریچه (۲۱/ ۳۲۲)

شمس منشی لخدوائی، شمس‌الدین محمد بن
هدوشاه (س هفتم ق)، ادیب و فرهنگ نویسنده معروف
به شمس منشی از روزگار جوانی به خدمت مسلاطین
درآمد، مدتی در خدمت سلطان ابوسعید بهادر و
وزیرش غیاث‌الدین محمد کار می‌کرد. سپس به دستگاه
سلطان اویس جلایر وارد شد و کتاب خود «دستور
لکاتب فی تعیین المراثی» را به نام او تمام کرد موضوع
این کتاب بحث درباره ترسل و انشا و قواعد دبیری است.
اثر دیگر وی کتاب «صحاح المعجم» یا «صحاح الفرس»
به اسم خواجه غیاث‌الدین محمد رسیدی است. این
کتاب بعد از «لغت فارس» اسدی قدیمی‌ترین کتاب لغت
فارسی است

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۳۰۰-۱۳۰۳)، نجار
السلف (مقدمه)، الدریچه (۸/ ۱۶۵، ۱۵/ ۱۸-۱۹)،
فرهنگ‌های فارسی (۳۶-۴۱)، کشف‌الظنون (۷۵۶)،
۱۰۷۲ (گنج و گنجینه (۲۶۶) مؤلفین کتب چاپی (۵)
۱۸۸۲

شمس میمنندی، شمس الکهاة ابوالقاسم احمد بن
حسن صاحب‌دیوان. (من پنجم ق)، شاعر. وزیر معروف
سلطان محمود غزنوی بود. به فارسی و عربی شعر

برای تکمیل تحصیلات به امریکا رفت و در دانشگاه سیراکوز به تحصیل در رشته فیزیک الکترونیک پرداخت و در مدت کوتاهی با بر استعداد و پشتکار خود دوره دانشگاه را به اتمام رسانید و به ایران بازگشت. مراجعت وی مصادف با ملی شدن نفت بود و او پس از رفتن انگلیسی ها ریاست دانشگاه نفت آبادان را عهده دار شد. از آثارش «دوره کامل نقشه برداری و ژئودزی و دوره الکترونیک صنعتی و رادیو» «نقشه برداری زمینی» «نقشه برداری هوایی»

رحال میزبندان (۱۵۹)، مبلین کب چایی (۲) / ۵۷۵-۵۷۶

شمشیرگر شیرازی، حاج علی اصغر سیاف. (۱۱۸۲-۱۲۶۲ ق)، عارف و شاعر. ملقب به حسین علیناه نامی به شغل شمشیرگری مشغول بود. علوم متداول عصر خویش را تحصیل نکرده بود. وی مرید حاج محمد حسین رین العابدین اصفهانی حجة السی میلف به شیخ حبیبعلی شاه بود مزارش ما بین چهل تنک و حافظیه شیراز است. آثار وی «منوی سیاف»، «برزن» «منوی مرثی» این کتاب در اصفهان به اشتباه به نام سید محمد تویخش دهکردی چاپ شده است.

آثار عجم (۴۷۵)، دانشندان و سخن سرايان فارس (۲) / ۲۱۱-۲۱۸، الذریعه (۹/ ۳۸۱)، طرائف الحقائق (۲) / ۴۶۲، «مرآت الفصاحه» (۴۲۴-۴۲۳)، مؤلف کتب چاپی / ۴۶۷ ۴۶۶

شمعی همدانی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به شمع، اهل همدان بود. او است:

گاه می خندد چو برق و گاه می گرید چو ابر
خیر باشد شمع آفتاب خانه روشن می کند
تذکره روز روشن (۴۲۸)، تذکره عربادی (۲۲) / الذریعه (۹/ ۵۲۵)

شمیرانی، حسن. (س چهاردهم ق)، سوازنده. از نوازندگان بنام سرنا بود. وی حسیه ای در مقام چهارگاه بر کرده است.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۳۰)

شمیم اصفهانی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا عبدالکریم. (مقتول ۱۱۵۹ ق)، شاعر، متخصص به شمیم اصلش از شیراز بود و در اصفهان می زیست. در زمان

ق، شاعر. اهل بخار بود. قصیده ای در مدح تاج الدین عمر بن مسعود بن احمد صدر الشریعه سروده است. از او است

رفتی و مرا خاک تو گنگشت شده
پر لاله و آشک من همه دشت شده
از آه من و خاک تو پر سر کردم
شبی گشت رهین و آسمان هشت شده
الذریعه (۹/ ۵۳۸)، لباب الالباب (۱/ ۱۷۳)، ۲/ ۳۸۴
۲۸۵، مغرب الغرائب (۲/ ۷۷۳-۷۷۲)، هفت اقلیم (۳/ ۲۲۲)

شمسی بدخشانی. (س سیم ق)، شاعر از ولایت بدخشان و معاصر ملا جامی بود. اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است.

تذکره روز روشن (۴۳۸)، الذریعه (۹/ ۵۴۵)، مجالس اللغات (۱۱۸)، مغرب الغرائب (۲/ ۸۳۹)

شمسی شروانی، شمسی سراج. (س دهم ق)، شاعر به سراجی اوقات می گذرانید و در کنار آن شعر می سرود. از او است:

هه من پدر اعیار است با من یار بایستی
نشین خوری که من فتاده ام اعیار بایستی
تحفه سامی (۳۰۸)، دانشندان دریایان (۲۰۸)، / الذریعه (۹/ ۵۴۵)

شمسی طبسی. (ر ۸۱۷ ق)، هرکوب. اقسام نموش را بر روی فلزات ترسیم می نمود. از آثار وی که با همکاری استادان دیگر پایان یافته پنجره فولادی و زرکوب آستان قدس رضوی است که با نوشته های زیر آرایش یافته و رقم: «امر بعمارة هذه البتجره... صنه صبع عشر وثمانائة» عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طبسی و... دارد

احوال و آثار هاشان (۱/ ۲۴۸-۳/ ۱۴۶۲)

شمسی لاریجانی «سید العلماء لاریجانی»

شمسی لاریجانی، حسن، فرزند سید العلماء. (ش ۱۲۹۳)، محقق و نویسنده. پس از فراگیری مقدمات وارد «دانشکده فنی» شد و در ضمن، فن نقشه برداری را نیز فراگرفت. وی مدتی مدیر مجله «اشراف» بود

نادر شاه افشار به قصای لشکر منصوب شد و بعد کلاتری امهدهن به او داده شد. او سرانجام به دست شاه افشار کشته شد. از اوست:

ز سوز عشق تو آن را که نیم جانی هست
چو شمع تا نفس واپسین زیانی هست

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۳۱۹-۳۲۰)،
الذریعه (۹/ ۵۲۶)، سینه‌المحمود (۲/ ۲۹۱)، نتائج
الانکار (۳۹۵)

ششم شیرازی، حاج محمد صبی، (وف ۱۲۷۱ ق)،
شاعر و حکیم معروف به حکاک. در شیراز متولد شد. با
حاج ملاهادی سبزواری در سیروار ملاقات کرد و گریه
حاج ملاهادی وی را معمم کرده است. از اوست:
بسالب میگون او، من می پرستی می کنم
با نگاه مست او، بی یاده هستی می کنم
گفتمش هشتم غلام و شرمسار از گفته ام
با وجودش ای عجب اظهار هستی می کنم

آثار عجم (۵۵۹-۵۶۰)، دانشمندان و سخن سرایان
پارس (۳/ ۳۱۹)، الذریعه (۹/ ۵۲۶-۵۲۵)، ریاض (۲/ ۲۵۵-۲۵۶)،
مرآت‌القصاصه (۳۱۶)، مکارم‌الانفال (۶/ ۱۹۹۷)

شمیمی یزدی، میر محمد مؤمن، (ز ۱۰۲۸ و)،
شاعر، خطاط و موسیقیدان. در یزد به دنیا آمد. در انواع
صوم و فنون مهارت داشت و خط را خوش می نوشت او
همچنین در علم موسیقی و تصنیف سازی مهارت
داشت. شمیمی در اوایل جوانی، به سال ۱۰۲۸ ق به هند
رفت و چندی ملازم و مداح ظفرخان احسن ترضی شد.
او دو کرباتک هند کشته شد. از اوست:

هر دم رخت رجوش حرق تیره تر شکفت
گل عتجه گشت و هتجه به رنگ دگر شکفت

سنگره دور روشن (۲۳۸)، سنگره، سخوروان یزد
۱۷۵-۱۷۶)، تذکره میخانه (۸۵۴-۸۵۶)، جامع مهدی
(۲/ ۲۶۹-۲۶۸)، کاروان هند (۱/ ۶۵۲).

شنب غارانی، سید اسماعیل، (۹۱۹-۸۵۶ ق)، عالم و
دانشمند اهل تبریز بود. مدتی در هرات نزد علاءالدین
نوشچی و شیخ حسین منطقی تحصیل کرد و از آنجا به
شیراز نزد ملاجلال دوانی رفت. مزارش در قبرستان
کجیل می باشد. از آثار وی، «شرح قصص الحکم» به

عربی

دشمدان آذربایجان (۳۹)، حبیب السیر (۲/ ۶۰۱)،
مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۹۸).

شوخی بخارایی، محمد لطیف، (ز ۱۰۱۷ ق)،
خطاط و شاعر. به خط ری، یک نسخه «تحملة المرائین»
حاقانی در کتابخانه سلطنتی است، به فلم کتابت متوسطه
۵ رقم، «قد تمت السخفة... تحمة العراقین... سنة ۱۰۱۵
الف و خمسة عشر» علی يد الصعيف محمد لطيف
المشهور به شوخی البخاری... لمسوده.

ین نسخه که هست رشک طبع مانی
رمکرم...

تاریخ سواد او رقم زد شوخی
هجاز مسیحای دم حاقانی
سوده المید... محمد لطیف المشهور بشوخی البخاری،
فی اواسط رجب المرجب ۱۰۱۷ هـ.
احوال و آثار خوشویسان (۳/ ۸۲۹-۸۳۰).

شوخی خونساری، (س دهم ق)، شاعر معروف به
پایا شوخی. در بسیاری از محتای طریقه دست داشت
مخصوصاً در فن سنگتراشی رنجاری و موسیقی استاد
بود وی به دهقانی روزگار می گذراند و چند باغ به دست
خود مشجر ساخته بود. عمر پایا شوخی را از هشتاد سال
بیشتر نوشته اند. اشعاری از او در تذکرها نقل شده
است.

آتشکده آذر (۳/ ۱۰۵۵)، تذکره دور روشن
(۴۳۹-۴۳۸)، الذریعه (۹/ ۵۲۶)، فرهنگ سخوروان
(۵۲۲)، هفت الیم (۲/ ۲۸۶)، تذکره شعرای خوانسار
(۳۰۰، ۳).

شوخی یزدی (وف ۹۹۰ ق)، شاعر. اهل یزد بود. از
اوست

در واقعه دیدیم که شد پدر پریشان
گشتیم ازین واقعه بسیار پریشان

دیده صبی (۲۹۰)، تذکره سخوروان یزد (۱۷۱-۱۷۰)،
جامع مهدی (۳/ ۴۶۸)، صبح گلشن (۲۳۶)، فرهنگ
سخوروان (۵۲۵)، تشتر عشق (۳/ ۸۱۱).

شورش نسایی، امیر محتار کریم پور، فرزند امیر
قاسم صبی، (۱۳۰۰-۱۳۳۲/۱۳۳۳ ش)، روزنامه نگار و
شاعر، متخلص به شورش. در سا به دنیا آمد. تحصیلات

نسبش به اهلی شیرازی صاحب مثنوی «سحر حلال» می‌رسد. در هفت سالگی بر اثر مرض آنه کور شد. پدرش را در نه سالگی از دست داد و سرپرستی وی را دایی‌اش بر عهده گرفت. شوریده هوش سرشاری داشت و با اینکه نابینا بود به فراگیری علوم ادبی پرداخت و در مدت کوتاهی در شعر و شاعری بلند آوازه گردید و اشعارش بر ردها افتاد. در ۱۳۱۱ ق همراه محسینعلی خان نظام السطنه مافی از شیراز به تهران آمد و نزد میرزا علی اصغرخان اتابک تقرب یافت و به ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه قاجار معرفی شد و هر دو پادشاه را مدح گفت. او از ناصرالدین شاه لقب مجدالشعرا، سپس فصیح الملک گرفت. شوریده در قصیده و غزل و طنز و مطایبه دستی قری داشت؛ مخصوصاً در سرودن اشعاری که متضمن کلمات عامیانه و اصطلاحات اهلی فارس است مهارت فراوان داشت. در اواخر عمر تولیت اقتخاری مقبره سعدی را پذیرفت و در تعمیر آن کوشش درویش کرد. در شیراز درگذشت و در جرار قبر سعدی دفن شد. برخی شاعران از جمله: شماع الملک، محمد حرافه کمپانی، رحید دستگردی، عباس قزاق یزدی و عربتای نایینی با او همعصر بوده و در مرگ او مرثیه سرودند. از آثار او «دوران غزلیات»، «آدره»، «کشف الموائد»، «در ماده تاریخهای مختلف»، «نامه روشندان»، در شرح حال ناینتایان معروف، وی «کلیات سعدی» را به دستیاری مرحوم میرزا محمود ادیب خوشتریس تصحیح کرد و در چاپخانه مظفری بمبئی به چاپ رسانید.

آثار عجم (۲۶۸، ۲۶۹)، ادبیات معاصر (۶۶-۶۷)، ارمغان (س ۷، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱

شوشتری، شیخ محمد تقی - دزبولی کاظمی، شیخ محمد تقی.

شوشتری، علی بن محمد (ز ۱۰۰۳ ق)، خطاط. از آثار وی. «دیوان» حضرت امیر (ع)، قطع ویری، یک سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه تشریح سازی مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و ترجمه مستعلق کتابت متوسط، با رقم: «کتبه العقیق علی ابن محمد شوشتری فی اواخر شهر دی الحجه الحرام سنة ثلاث و الف من الهجرة النبویه» (۱۰۰۳).
احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۲/۲)

شوشتری، میر عبد اللطیف، فرزند ابوطالب پس نورالدین بن سید نعمت الله جرایری موسوی. (۱۱۷۲-۱۲۴۰ ق)، عالم. در شوشتر متولد شد. مقدمات را در همان شهر فراگرفت و برای ادامه تحصیل به کرماتشاه رست و چندی در آن شهر به تحصیل ادامه داد. جمعی از دانش پژوهان برای آموختن هیئت و مسائل نجومی و استخراج به حضورش رفتند. پس از مدتی به شوشتر بازگشت و در آنجا ادامه تحصیل داد سپس به کربلا رفت و پس از دو سال تحصیل علم و کوشیدن درین راه به شریعت بازگشت. پس از آن به شهرهای زیادی همچون بوشهر، بصره، بغداد، کنکته و دیگر شهرهای هندوستان برای انجام وظایف مذهبی سفر کرد و تا ۱۲۱۹ ق در آن سامان بود. کتاب «تحفه العالم» که در تاریخ شوشتر و تراجم احوال علمای آن شهر است، از آثار اوست. از دیگر آثارش «دیل تحفه العالم» می باشد.

الذریعه (۳/ ۲۵۲-۲۵۱)، شرح سال رجال (۶/ ۱۲۲)،
سوانح الرضویه (۲۴۳)، مؤلفین کتب چهارم (۲)،
(۹۲۱-۹۲۲).

شوقی اصفهانی، میرزا جواد، فرزند ملا ابوالقاسم (۱۲۹۹/۱-۱۳۰۰-۱۳۷۱ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد و از همان کودکی به سرودن شعر پرداخت. وی در بدیهه گوئی توانا بود و بیشتر اشعار خود را در مذاحج و مرثیاتی (ع) سرود. به عراق رفت و در کربلا سکونت کرد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و هجویها.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۸۵، ۲۸۴)، الذریعه (۹/ ۵۴۸)، مخبران نامی معاصر (۳/ ۲۰۵۴-۲۰۵۳).

شوشتری، حاجی محمد. (ز ۹۷۹ ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «لیلی و مجنون» ترکی فضولی بغدادی، به قلم کتات متوسط، با رقم: «تم الكتاب... علی ید... حاجی محمد شوشتری. فی تاریخ شهر جمادی الثانی سنة ۹۷۹».

سوال و آثار خوشنویسان (۷۶۲/۳)

شوشتری، شیخ جعفر بن حسین بن علی نجار. (ز ۱۲۰۲ ق)، فقیه، محقق، مدرس و واعظ آسامی در شوشتر به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت. پدرش ساکن کاظمین بود و از بزرگانی در آنجا مقیم. سپس به نجف رفت. شیخ جعفر در اوائل هم مباحثه علامه شیخ محمد حسن آل یاسین بود، و در محضر شیخ عبدالسی کاظمی و شیخ اسماعیل بن اسدالله کاظمی تلمذ می کردند. در ایام طاهون به شوشتر مراجعت کرد و پس از چندی به کربلا بازگشت و مدتی از محضر شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب «فصول»، و شریف العسما استفاده کرد. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و به حوزة درس شیخ انصاری پیوست. دیگر بار به شوشتر مراجعت نمود و در آنجا مرجع تقلید مردم گشت و به تدریس و تصنیف کتب پرداخت. پس از مدتی به نجف بازگشت و در آنجا به تدریس و وعظ مشغول شد. در بزرگست از آخرین مسرکه به زیارت مشهد رضوی مشرف شده بود، در کرد کرماتشاه از دنیا رفت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «الخصائص الحسینیة»، مقتل: «سوانح المشاهد»، مجموعه مواضع: «المجالس الثلاث عشر»، «منهج الرشاد»، رسالة عملیة فارسی برای عمل مقلدین؛ رساله «اصول الدین» یا «الحدائق فی اصول الدین»، که معارف اول از شش مقالة «منهج الرشاد» است؛ «مجالس المکاء»، در پانزده مجلس.

الاعلام (۲/ ۱۷)، اعیان الشیعه (۴/ ۹۵)، الذریعه (۲/ ۱۸۶، ۶/ ۲۸، ۱۶/ ۳۵۹، ۲۳/ ۱۸۵)، شرح حال رجال (۱/ ۲۴۰)، ریحانه (۳/ ۲۵۹-۲۶۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۲۸۴-۲۸۷)، علماء معاصرین (۱۸-۱۲)، فرائد الرضویه (۶۹-۶۷)، گنجینه دشمنان (۵/ ۴۰۶-۴۳۰)، المآثر والآثار (۱۳۸-۱۳۹)، مؤلفین کتب چهارم (۲/ ۳۱۱-۳۰۹)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۲۷)، مکالم الآثار (۳/ ۸۳۹-۸۴۴).

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۴۰۵-۴۰۴).

شوقی تفرشی. (۹)، شاعر از سادات تفرش بود. از اوست:

نمی خوری غم آشنندگان و می ترسم

گسه غیر طره تماند سرا پسریشانی

تذکره دوز و نون (۲۴۰-۲۴۱)، الذریعه (۹/ ۹)

۵۴۸-۵۴۹، سخن سراپ (۲/ ۹۷۴)

شوقی دارابجردی. (س دهم ق)، شاعر از معاصران میر نفی اوحدی بود. از اوست:

ز ناز گر چه سخن با من آن صمیم نکند

بدان خوشم که سخن از رقیب هم نکند

تاریخ نظم و نثر (۶۵۳)، الذریعه (۹/ ۵۲۹)، صبح

گلشن (۲۲۸-۲۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۶)

شوقی ساوجبی، میر محمد حسن / حسین، فرزند میر عزیزالله. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به شوقی از سادات ساوه بود. در آذربایجان جرای در خدمت خواجه شعبید وزیر ارمنه بود. بعد از فوت او به هند سفر کرد ولی پس از مدتی بازگشت. میر جمال سلطان، حاکم بیلو عباس، مانع بازگشت دوباره وی به هند شد. شوقی گ روگزار شاه سلیمان صفوی حیات داشت و حبس تبریزی سخن او را تفسیر کرده است. از اوست:

کسی مرد مراد دل رگسردن طنبید

پانقشی از بس مهره وارون طلبید

دنیا نامرد و اهل دنیا نامرد

سردی ز دو نامرد کسی چون طلبید

آتشکده نذر (۱/ ۷۰، ۳/ ۱۱۳۶-۱۱۳۷)، تذکره

سراپادی (۳۳۱-۳۳۲)، الذریعه (۹/ ۵۲۹)، فرهنگ

سخنوران (۵۲۷)، کاروان مند (۱/ ۶۵۳-۶۵۴)

شوقی شیرازی. (س دهم ق)، شاعر از شاعران مدیحه سر بود. از اوست:

چو استاد ازل بهر تماشا بست آیین را

ستونها ساخت در قصر بکری ساق سیمین را

تحداس (۲۲۷)، دانشمندان و سخن سوزیان فارس

(۳/ ۳۶۳)، الذریعه (۹/ ۵۲۹).

شوقی قزوینی، رضاقلی. (س سیزدهم ق)، شاعر.

اصل وی از قزوین بود از اوست:

اگر وصلش میسر نیست ما را

محمدالله که هجرانش نصیب است

سفینه المسمود (۲/ ۴۸۸-۴۸۹)، مصطفی حیراب

(۱۰۶-۱۰۵).

شوکت بخارایی. شوکت بخاری

شوکت بخاری، محمد بن اسحاق. (وف ۱۱۰۷/

۱۱۱۱ ق)، شاعر، متخلص به شوکت. معروف به شوکتا

پدرش در بخارا پیشه صرافتی داشته و او نیز چندی همان

شغل را داشت تا آنکه گرفتار تاراج آذربکان شد، ناچار در

۱۰۸۸ ق به هرات ولت و ملازمت بیگلریگی خراسانی،

صفی قلی خان شاملو، را اختیار کرد. وی در کموت

درویشان به اصفهان رفت و در مزار هلی ابن سهل

اصفهانی مسکن گزید و پس از وفات در همان جا دفن

شد. اشعارش در میان شعرای عثمانی شهرت بسیار یافته

است. مدتی دراز از مصاحبت و حمایت راقم مشهدی

و ریو خراسان برخوردار بود و با شاعرانی مثل مقیمای

مشهدی و عظیمای نیشابوری همشین بود. از آثارش:

«دیوان» شعر.

یصاح المکنون (۱/ ۵۱۱)، تاریخ ادبیات ایران، پروان

(۲/ ۱۷۵-۱۷۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۳۳-۱۳۳۴)

(۱۳۳۹)، تذکره شعرای گلشهر (۵/ ۱۸۰-۱۸۱، ۶۰۸)،

تذکره نصرآبادی (۴۲۲)، دایرة المعارف فارسی (۲/

۱۵۰۶)، الذریعه (۹/ ۵۵۱-۵۵۰)، ریاض العربین

(۲۱۲)، سرور آزاد (۱۲۰-۱۲۱)، فرهنگ سخنوران

(۵۲۷)، کلیات الشعراء (۱۰۹-۱۰۷)، تلخیص الاثر

(۲۹۳-۳۸۶)

شوکت شیرزی، آقا فصل الله، فرزند نصرالله. (وف

۱۳۲۹ ق)، شاعر، متخلص به شوکت. در شیراز

درگذشت و در دارالسلام دفن شد. مؤلف «دانشمندان و

سخن سرایان فارس» سال وفات او را ۱۳۱۹ ق ذکر کرده

است. (از اوست):

تا دن به غم طره طرار تو بستم

بس دل که به یاد سر زلف تو شکستم

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۳۶۳-۳۶۴)،

مرآت الفصاحه (۲۲۵-۲۲۶)

چندی حاکم و مأمور فارس و سمیرم و قمشه بود. در شهرضا (قمشه) به خاک سپرده شد. از اوست شبنی تاریک و ره دور و نشان کار دل گم شد بر آرای کتکب تپان سری از گوشهٔ محمل حدیقه‌الشعراء (۲/ ۸۸۸-۸۸۷)، الذریعه (۹/ ۵۵۱)، معین‌المعمود (۱/ ۲۶-۲۷)، شرح حال رجال (۳/ ۲۶۳-۲۶۲)، طرائق الحقائق (۲/ ۲۹۰)، مجمع الفصحا (۱/ ۷۷۰-۷۷۱)، مصعب خراب (۲/ ۱۰۵-۱۰۴)، نگارستان در (۳۷-۳۸).

شهباب. (ص ۳۵۴ ق)، نقاش. در صورتگری و علاحاری و منظرپردازی صاحب قلم بود. در عرصهٔ داشتی که به خط جعفر بایستقوی و در عهد بایستقیر میرزا انجام یافته، از این هنرمند چنین یاد شده است. «مولانا شهباب دیبچه و چهار لوح و شرف دیبچه صورتگری را طلائعاده و هشت نعل شمشه میان دیبچه را تحریر کرده و حالی به یک موضعی دیگر از عمارت گلستان مشغول است». اسرار و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۶۵)

شهاب ارسجانی، میرزا حسنعلی. (وف ۱۳۱۹ ق)، شاعر، متخلص به شهاب ملقب به صدرالشعراء. در ادبیات عربی و فارسی دست داشت و در بدیعه‌سرایي ماهر بود. بیشتر هر خود را در شیراز گذراند. با صاحب تذکرهٔ «مرآت المصاحبه» هم‌عصر بوده و مکرر او را دیده است. در شیراز وفات یافت. «دیوان» شعری از وی باقی مانده، به خط خود شاعر و یا قلم شکستهٔ مستغنی حقی خوش نگارش یافته است.

آثار صمم (۲۳۹، ۵۶۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۳۶۴-۳۶۵)، الذریعه (۹/ ۵۵۲)، مرآت المصاحبه (۲۲۹-۳۲۶)

شهاب استیفایی، شهاب‌الدوله. (قبل از ص ششم ق)، شاعر. وی صاحب اسبقا و از مورگان زمان خود بود از اوست.

در جملهٔ دقت هو به هوز چنانکه دقت این است اصل واقعه دیگر حکایت است الذریعه (۹/ ۵۵۲)، لباب الالباب (۱/ ۱۰۹-۱۱۰)

شهاب اصغهبانی. (ص سیزدهم ق)، خواننده. از

شوکت شیرازی، میرزا حسن حجاب / شمس‌الدین حسن، فرزند میرزا تقی حجاب شیرازی. (۱۲۵۴-۱۳۲۲ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. در تهران متولد شد. چندی در اصمعهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. او سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار وی: «تاریخ مختصر ایران»، «تاریخ بطر کبیر پادشاه روسیه» در «فارسنامهٔ ناصری» تخلص او شکوه شیرازی آمده است.

حدیقه‌الشعراء (۲/ ۸۸۵-۸۸۴)، الذریعه (۹/ ۵۵۱)، شرح حال رجال (۱/ ۲۳۴)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۷۱)، للمآثر والآثار (۲/ ۱۱۷)، مؤلفین کتب چاپ (۲/ ۵۷۵)، مجمع الفصحا (۵/ ۵۲۵)، مرآت المصاحبه (۲/ ۲۲۵)، مکارم الآثار (۲/ ۳۰۳)، پنما (ص ۷، ش ۴، ص ۱۶۲)

شوکت قاجار، محمد تقی میرزا، فرزند فتحعلی شاه. (۱۲۰۶-۱۲۷۸/ ۱۲۸۰ ق)، شاعر، متخلص به شوکت و ملقب به حسام السلطنه. در هیجده سالگی به حکومت بروجرد و جاپلق و میلانخور منصوب شد. او به سر حکومت بروجرد با محمد حسین میرور حشمت‌الدوله به جنگ پرداخت و شکست خورد. به تهران آمد. در زمان محمد شاه قاجار، چندی در اردبیل و سپس در تبریز زندانی شد. تا اینکه به سال ۱۲۶۴ ق به همراه یوادرش حسنعلی میرزا در مراسم جلوس ناصرالدین شاه شرکت کرد و به دستور وی آزاد شد و در مشهد اقامت گزید. در مشهد درگذشت و در توحید خانه آستان قدس دفن شد. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

آثار صمم (۵۲۹)، حدیقه‌الشعراء (۲/ ۸۸۷-۸۸۵)، الذریعه (۹/ ۵۵۱)، معین‌المعمود (۱/ ۲۶-۲۷)، شرح حال رجال (۳/ ۳۱۰-۳۱۲)، مجمع الفصحا (۱/ ۷۰-۷۱)، مصعبه خراب (۲/ ۱۰۴)، مکارم الآثار (۲/ ۳۰۲-۳۰۳)، نگارستان دلا (۲۶-۲۷).

شوکت قاجار، محمد قاسم حجاب، فرزند سیمان حجاب. (وف ۱۲۴۷ ق)، شاعر. ملقب به ظهیرالدوله. در ۱۲۲۷ ق فتحعلی شاه او را با جمعی از سرکردگان خود به اتفاق محمد علی میرزا دولتشاه برای سرکوبی عبدالله پشایا والی بغداد فرستاد. ولی کار به مصالحه انجامید.

خوانندگان و آوازخوانی قدیمی بوده که در آواز مهارت داشت

سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۶۹)

شهاب اصفهانی، آقا محمد طاهر، (س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط، از سلسله تاجران اصفهان بود در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار از اصفهان به شیراز رفت و به همراهی والی روانه بهبهان شد بعد از تغییر اوضاع به شوش و حویره رفت و تا پایان عمر آنجا مسکن گرفت. از وی اشعاری در بعضی تذکرها نقل شده است

حدیقه الشعراء (۲/ ۹۰۳-۹۰۲)، الذریعه (۹/ ۵۵۲)، مصطفی خراب (۹۶-۹۷)

شهاب اصفهانی، میرزا نصرالله، فرزند ملا محمد، (و ف ۱۲۹۱ ق)، شاعر، متخلص به شهاب. ملقب به تاج الشعراء. اصل وی از سمیرم بود. به تهران آمد و مورد توجه و عنایت میرزا آقاسی صدراعظم و بعدها امیرکبیر و میرزا آقخان توری قرار گرفت. وی عضو انجمن ادبی ابوالنقرا در اصفهان و از احباب گران سبک خراسانی بود به دستور امیرکبیر دوازده مجلس از وقایع زندگی امام حسین (ع) را به نظم درآورد. در اصفهان درگذشت. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

از صبا تا دنیا (۱/ ۷۹)، تذکرة النبور (۱۶)، حدیقه الشعراء (۲/ ۸۹۹-۸۹۸)، الذریعه (۹/ ۵۵۲)، ریحانه (۳/ ۲۶۲-۲۶۱)، سبک شناسی (۳/ ۳۲۸)، گنج در گمان (۲۴۴-۳۳۳)، مجمع القصص (۲/ ۴۷۶-۴۸۶)، لغت نامه (ذیل / تاج الشعراء)، المائر والآثار (۲۰۴)، یادگار (س ۵ ش ۱ و ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶)، مصطفی خراب (۹۷).

شهاب توشیزی، خواججه علی، (س سهم ق)، شاعر ساکن هرات و مداح محمد جرکی میرزا، پسر سلطان شاهرخ بود. وی با حمزه آذری مشاعره و مناظره داشت. او ملازم سلطان محمد بایستقر بود. از سمت چو پرده از رخ چو آفتاب پرداری به جان و دل کندت مشتری خریداری آتشکده آذر (۱/ ۲۷۱-۲۷۲)، تاریخ نظم و نشر (۲۹۸-۲۹۹)، تذکرة روز روشن (۲۴۲)، تذکرة الشعراء (۲۴۰-۲۴۸)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۵۱۰)، الذریعه (۹/ ۵۵۲-۵۵۳)، ریحانه (۳/ ۲۶۵-۲۶۴).

مرهنگ سخنوران (۵۱۷)، نکت نامه (دبیل / شهاب توشیزی)، مجالس العادس (۱۷)

شهاب ترشیزی، صیدالله خان، فرزند حبیب‌الله، (۱۱۶۷-۱۲۱۵/ ۱۲۱۶ ق)، شاعر، نقاش و متجم. اصلش از ترشیر خراسان بود. مدتی در هرات و فارس به سر برد، سپس به خراسان رفت. در هرات به دربار محمودخان درانی راه یافت و در مدح او قصایدی سرود و به منصب مدجم ناشی، ملک الشعرایی و رتبه خانی رسید. وی در گفتن هجو قدرت و مهارتی عجیب داشت. «کلیات» «شعارش را تا بیست هزار بیت نوشته‌اند. «دیوان» اشعارش در حدود ده هزار بیت می‌باشد. گویند در او شعر از ملازمت درباریان کساره گرفته در تربت حدریه انزراگرید و در همان‌جا وفات یافت. از دیگر آثار او مشوی‌های، «خمسرو و شیرین»، «یوسف و زلیخا»، «بهرام نامه»، «تذکرة الشعراء»، «حق‌گهر»، در نجوم، «مرادنامه»، از آثار مشرور وی. «تذکرة الودراء»، «تاریخ مجدول».

ریفان (س ۵ ص ۵۵۲)، تاریخ تذکرمهای فارسی (۱/ ۳۰۵-۳۰۴)، حدیقه الشعراء (۲/ ۹۰۵-۹۱۱)، الذریعه (۹/ ۵۵۳)، ریاض المعارف (۲۶۱-۲۶۲)، ریحانه (۳/ ۲۶۲)، سفینه‌المحمود (۲/ ۶۱۱-۶۱۰)، مرهنگ سخنوران (۵۱۷-۵۱۸)، مجمع القصص (۵/ ۵۲۶)، مکام‌الآثار (۲/ ۵۷۲-۵۷۳)، مصطفی خراب (۱۰۰-۱۰۱)، نگرستان دل (۲۱۳).

شهاب خوانساری، شیخ محمود، فرزند محمد حسین، (و ف ۱۳۴۴ ق)، شاعر، متخصص به شهاب. در قریه بابا سلطان از توابع خوانسار به دنیا آمد و در همان قریه دفن شد. از آثار وی: «در خوشاب»، «دیوان شهاب». موعین کتب چاپی (۶/ ۴۲).

شهاب‌الدین روضه خوان، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش در هنر خط و ناخسی و قوف تمام داشت از آثار وی، تصویر ناخسی بی نظیر و استادانه حضرت علی (ع) که به سفارش وکیل الدوله، یکی از رجال دوره ناصری نقش شده و وقعه «حمل اقبال الله» کربلای سید شهاب‌الدین روضه خوان، درود احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۸).

المراتب (۲/ ۸۵۵)، حجت التلیم (۱/ ۲۷۷-۲۷۸).

شهاب سارندرائی، سید محمد طاهری، فرزند اسماعیل (۱۲۹۵-۱۳۵۰ ش.)، نویسنده و شاعر، متخلص به شهاب. در ساری متولد شد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رساند و چندی نیز به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. سپس به خدمت دولتی پرداخت و پس از مدتی از کار دولتی کناره‌گیری کرد و به امر روهت مشغول شد. شهاب از پانزده سالگی شعر و شاعری را آغاز کرد و به سرودن شعر پرداخت و آثارش در جراید و محلات به چاپ رسید. در ۱۳۲۹ ش امتیاز مجله‌ای به نام «فر پیران» را گرفت. همچنین در ۱۳۲۲ ش با کمک عده‌ای از دوستانش انجمن ادبی ساری را تشکیل داد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. از آثار وی: «تاریخ کبود جامگان»، «دردمان علوی در سارندران»، ترجمه: «سحنتان شهریاران»، «کلید سعادت»، «گنجینه‌های تاریخی سارندران».

سخنوران نامی معاصر (۲/ ۲۰۵۹-۲۰۵۵)، مرهم سخنوران (۵۱۹)، مؤلف کتب چندی (۵/ ۵۴۶-۵۴۷).

شهاب سارندرائی، میرزا عمران بیگ، (مقتول ح ۱۲۱۶ ق.)، شاعر، اهل سارندران بود. به هند مسافرت کرد و با نواب عبدالعظیم خان، داروغه داغ تصحیفه مصاحب شد. او در اطراف اکبرآباد به دست راهزنان کشته شد. از اوست:

سیم چون شفا آوردمد بزم
من و اسب و شمشیر و میدان رزم
تذکره روز ووش (۴۴۴)، الدریمه (۹/ ۵۵۶)

شهاب مریدی، قاضی شهاب‌الدین، (س دهم ق.)، شاعر (از اوست):

تو را عاشق فراوان شد، من از عم ناتوان گشتم
تو عاشق دوست گسی، من به کام دشمنان گشتم
تحفه سامی (۱۲۶-۱۲۷)، تذکره روز ووش (۴۴۴)،
دانشمندان آذربایجان (۲۱۰)، سخنران المراتب (۲/ ۱۰۲۰)

شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد علی / محمد بن علی بن جمال‌الاسلام، (س نهم ق.)، ادیب. وی کتابی به

شهاب الدین علی، (س سیزدهم ق.)، نقاش. در آبرنگ و تصویر گل و مرغ دست شیرین و بر قوامی داشت. از آثار آبرنگی وی، تصویر گل سرخ با حلاوتی است که مرضی روی آن نشسته و رقم. «شهاب‌الدین علی» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۲۹)

شهاب رازی، شیخ شهاب‌الدین علی، (س دهم ق.)، شاعر، اهل ری بود. از اوست:

از بسکه رفته‌ام بر دلدار خویشتن
شمرنده‌ام ز رفتن بسیار خویشتن
تحفه سامی (۲۴۶)، الدریمه (۹/ ۵۵۴)، سخنران المراتب (۲/ ۹۶۷)

شهاب سمرقندی، شهاب‌الدین احمد بن مؤید، (س ششم ق.)، شاعر، متخلص به شهاب. از سلاطین خانیة ماوراءالنهر بود. در نصف به دنیا آمد مداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طغاج خان مسعود بود. با سوزنی معاصر بود و او را هجو می‌گفت. او «دیوان» شعری داشته است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۷۶۹-۷۷۲)، الذریعة (۹/ ۵۵۶)، لباب الالباب (۲/ ۳۶۷-۳۶۸)، مجمع البیضاء (۲/ ۸۱۶-۸۱۷)، سخنران المراتب (۲/ ۷۶۷-۷۷۱)، حجت التلیم (۳/ ۳۵۶-۳۶۰).

شهاب غزوی، شهاب‌الدین محمد بن رشید، (س ششم ق.)، شاعر. در غزین متولد شد و در همان سامان سکنی گزید. وی معاصر حکیم سنایی و سید حسن عربوی بود. در نظم و نثر مهارت داشت و مداح بهرام شاه و خسرو شاه غزنوی بود.

آشنک‌آذر (۲/ ۵۷۲-۵۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۶۱۸-۶۱۹)، تذکره روز ووش (۲۲۲)، الدریمه (۹/ ۵۵۵، ۳۵۵)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹)، لباب الالباب (۱/ ۵۵۱-۵۵۲).

شهاب کرمانی، قاضی شهاب‌الدین محمود، (۴)، شهر لهن کرمان بود و از سلسله قضات آن شهر و در علم و فنوی بر همه برتری داشت. از اوست:

خداوند ابد توین مدح سرور ضابط
امام و هادی مطلق علی بن ابی طالب
تذکره روز ووش (۴۴۳)، الدریمه (۹/ ۵۵۶)، سخنران

نام «همایون‌نامه» در انشای فارسی، به نام حواجه
فیث‌الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، کشف الظنون (۲۰۴۶)

شهاب هروی، ملا شهاب‌الدین، (وف ۹۴۲ ق)،
شاعر با طهیرالدین بابر به هند رفت و نزد وی مقرب
بود. او در معماگویی دست داشته و خزل را نیز
می‌سروده است. از آثار وی: «منظومه‌ای در معما».

تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تحفه ساسی (۲۲۹-۲۲۸)،
تذکره دور روشنی (۴۴۲)، الذریعه (۵۵۷-۵۵۶/۹)،
محال‌العالم (۵۶).

شهابی (من هفتم ق)، شاعر در هند می‌زیست. از
آثار وی: مشوی «حرره‌الونقی»، در اخلاق نروین «خسرو
و شیرین» نظامی که در ۷۵۹ ق به پایان رسانیده است.
تاریخ نظم و نثر (۲۶۹)، منظومه‌های فارسی (۲۵۱).

شهابی، محمد صبی، فرزند علی، (سو ۱۲۸۳ ش)،
نوازنده، در مشهد به دیب آمد. منزل پدری وی، محل
رفت و آمد بزرگان موسیقی بود و او در چنین محیطی
پرورش یافت. از دوازده سالگی به نواختن تار نزد پدرش
پرداخت، سپس به خدمت درویش خان، بی‌داود علی
اکبر شهبازی و شکری قهرمانی درآمد و از آنان کسب
فصل کرد. در ۱۲۹۸ ش به رشت رفت و در کنسرتی
مراوای شرکت جست. دو سال بعد به زادگاه خود
برگشت و اولین کلاس موسیقی را در آنجا تأسیس کرد و
به شاگردان زیادی تعلیم داد. شهابی همراه با قهرمانلو
وزیری قطعاتی را اجرا کرده است که از آهنگهای خوب
و به یاد ماندنی است.

مردان موسیقی (۳/ ۱۷۲-۱۷۶).

شهابی تربتی، عی‌اکبر، فرزند شیخ حبیب‌المسلم.
(۱۲۸۷-۱۳۶۷ ش)، استاد دانشگاه، فرستاده و محقق.
در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در
زادگاه خویش و نزد پدر و برادرش، علامه محمود
شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیل به
شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از
دانشکده الهیات دانشگاه تهران با احرار و ثقه اول موفق به
دریافت مدرک لیسانس در رشته مقول شد و از همان
زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس

در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده الهیات
مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک
دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتی وابسته
فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در
سائهی پیش از کودتای ۲۸ مرداد بود. دکتر شهابی در
شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار
وی: «اصول النحر»، «اصول الصرف»، «عربی»
«اصول روانشناسی تربیتی»، «تصحیح رساله صنایع»
«مؤلفه‌های شعر دامن‌سرا»، «روابط ادبی
ایران و هند و تأثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»
«تاریخ وقف در اسلام»، «همبستگی تشیع و تصوف»،
«شیعه شناسی»، ترجمه «تعمیر رویای ابرعلی سینا»

کتاب فرهنگ (ص ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلف کتب
چاپی (۲/ ۵۲۲-۵۲۴)، نشر دانش (س ۹، ۱۳۶۷)، ش
(۱، ص ۱۰۲)

شهابی ترشیزی، میرزا اختیار، فرزند عبدالله خان
شهاب، (من میردهم ق)، شاعر ظاهراً اصل وی از
هرگز بود. در مشهد نشو و نما یافت. در خدمت امرا به
سیرا می‌برد و آنان را مدح می‌گفت. مدتی در خدمت
علامه حسین خان سبهدار گرجی به سر می‌برد. وی شرح
حک و اشعار شعری را که به مدح سبهدار گرجی
پرداخته‌اند، در کتابی به نام «حقیقه‌المدح» جمع‌آوری
کرده است.

تاریخ تذکرات فارسی (۱/ ۲۵۹-۲۶۱)، حقیقه‌اشعراء
(۲/ ۹۱۱)، الذریعه (۹/ ۵۵۷)، فرهنگ سخنوران
(۵۲۰)، مجمع‌التصحاح (۵/ ۵۲۸-۵۲۶).

شهابی غزالی، محمدی، (س ششم ق)، شاعر. در
حججه متولد شد. مدتی در مرو و بخارا به سر برد. او را
در سخن‌دانی شهاب ناقد فلک هنر دانسته‌اند. از
اوست:

ایام چو ما بستم امید تو باد
عید همه کس روی چو خورشید تو باد
ایروی سبهر و سحره گون یعنی ماه
طغرای سقا حمر جباوید تو باد

الذریعه (۹/ ۵۵۷)، ایاب‌الالباب (۲/ ۳۹۲-۳۹۳)،
مخت‌الغنی (۳/ ۲۵۹).

شهابی شیرازی، اعظم، فرزند علی، (تو ۱۲۹۹ ش)،

همین سبب به شهابی معروف شد. محمود پس از مدتی به بخ رفت و در آنجا ساکن شد، و شهرت و اهمیت فراوان یافت. او در کتابت و قطعه نویسی دست داشت، در اخذ و تقلید شیوه میرعلی، هیچ یک از شاگردان میر، به پایه خواجه محمود نرسیده‌اند. وی در موسیقی و شعر نیز سر رشته داشت و ارغنون را نیکتر می‌نواخت. امیر حلیل قلندر هروی از شاگردان اوست. در بلخ وفات یافت. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» هلالی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تم اندیوان... علی ید العبد الفقیر محمود بن اسحاق الشهابی، فی سنة ۹۶۶»؛ یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت لکتاب... علی ید... محمود بن اسحاق الشهابی، بدارالسلطنة بلخ... فی شهر سنه ثمانین و تسعمائة ۹۹۸»؛ یک نسخه «مناجات الانس» جامی، به قلم کتابت هالی، با رقم: «محمود الشهابی» و تاریخ ۹۹۲.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۸۰-۸۷۶)، اطلس خط (۲۷۹)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۵-۱۶۴)، تاریخ موسیقی (۱/ ۴۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۴، ۲۷۶)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۸۲)، تذکره الخطاطین (۱/ ۱۸۵-۱۹۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۵، ۲۷، ۱۳۲)، عالم قرای عباسی (۱/ ۱۷۰)، کارنامه بزرگان (۱۳۴)، گستان حور (۸۵-۸۴)، مناقب هورزان (۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۹)، هنر عهد تیموریان (۵۰۱، ۵۹۱، ۵۹۰، ۶۹۰، ۷۲۹-۷۲۸).

شهباز، حسین، فرزند حسین. (تو ۱۳۹۹ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. در مادران به دنیا آمد. فارغ التحصیل از کالج آمریکایی اصفهان و دانشکده دیپلمات در رشته زبان خارجه بود. به آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی مسافرت کرد و معاونت رادیوی صدای آمریکا در ایران را بر عهده گرفت و متجاوز از پانزده سال سابقه مطبوعاتی داشت. از آثار وی: «مسانه‌های ایران»؛ ترجمه «بر باد رفته» مارگارت میچل؛ «حاطرة یکدوست»؛ ترجمه «راه بی‌پایان» اسلاویمیر زاویچ؛ ترجمه «سرگذشت من» ماری کولبی. مؤلف کتب چاپی (۲/ ۵۴۳-۵۴۶).

شهیدزیرمکی، فرزند ناصر همایون. (تو ۱۳۷۵ ش)، نوازنده. موسیقی را در نزد اسرارهم آژنگ فراگرفت و ردیف موسیقی ایرانی را نزد حسین خان اسماعیل زده و

نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخصص به شهابی تحصیلات خود را در شیراز به پایان رساند. وی از کارمندان وزارت کشور و مدتی نیز شهردار فیروزآباد فارس و بخشدار فیروزکاردزین و جویم بود. در ۱۳۳۰ ش امتیاز روزنامه «شهاب اعظم» را گرفت و به مدب شش سال منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعری؛ «ضارعه‌ای بی‌انرا»

دانشندان و سخن سریان فارس (۳/ ۲۶۹-۳۶۵).

شهابی قزوینی، میر عبدالله. (م دهم ق)، شاعر. از سادات قزوب و از خاندان میرزا حبیب الله حسینی بود. از حسن خط و انشا و معما بهره‌مند بود. از اوست. شراب عشق عجب شرورشی به جان آورد که هر چه در دل من بود بر زبان آورد آنشکه: آذر (۳/ ۱۱۸۹)، تحفه ساسی (۲۴۶)، الدریه (۹/ ۵۵۷، ۶۹۶)، فرهنگ مسخوریان (۵۲۰)، مستودر (۲/ ۲۷۶).

شهابی هروی، شاه حسین، فرزند فخرالدین علی. (ز ۱۰۱۴ ق)، خطاط. از خویشان و شاگردان خواجه محمود شهابی بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» بوکی؛ نویسی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «تأیام رسید... در کتابخانه... حسین خان شاملو، العبد الاقل شاه حسین بن فخرالدین علی الشهابی الهروی... سنة ۸۷۰ هزار و چهارده»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کته... شاه حسین ابن فخرالدین علی الشهابی... سنة ۹۹۲»؛ یک نسخه «تحفة الاحرار» جامی که تاریخ ۹۹۲ دارد.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۵۵-۱۵۴)، مناقب هورزان (۷۹)، هنر عهد تیموریان (۲۳۵-۲۳۶، ۴۳۶، ۵۰۲، ۶۲۶).

شهابی هروی، محمود، فرزند خواجه اسحاق سیاه‌شانی. (وف ۹۹۸ ق)، خطاط و موسیقیدان و شاعر معروف به شهابی. اهل قریه سینوشان هرات بود. پدرش مدتی کلاتر هرات بود و هنگامی که امیر بغار، هرات را فتح کرد، خواجه اسحاق را با خاندانش به بخارا کوچ داد. در این سفر محمود با میرعلی هروی آشنا شد و میرعلی او را به شاگردی پذیرفت. او پس از چندی به هرات بازگشت و مورد توجه شاه حسین هراتی قرار گرفت و به

حدیث کردند. او را جبرو استادان خطوط مسیحه، بخصوص لث و نسخ نیز آورده‌اند. سمعانی گوید. کتابت او مختص خلیفه المقتدی بود. در بغداد درگذشت و در باب ابرز دفن شد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۲۲۷)، الاعلام (۳/ ۲۵۹)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۰)، تاریخ مشاهیر کرد (۱۱/ ۴۹۳۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲-۲۳)، دیه القمارف زن ایرانی (۲/ ۶۵۲-۶۵۶)، ریحانه (۳/ ۲۷۰)، مشاهیر ژنان (۱۲۷)، وقایع الاشیان (۲/ ۴۷۸-۴۷۷).

شهدای فزونی، آقا زمان، (من سیردهم ق)، ضامن، اهل قرون بود و به شغل قنّادی اشتغال داشت. از اوست.

دائی که چیست بر سر کوش اقامتم
راهد پسا فتاده آر سرو قاتم
سفینه‌المجمود (۲/ ۴۸۸)، فرهنگ سخنوران (۵۴۱)،
مصطفی خراب (۱۰۱)

شهر آشوب اصفهانی، محمود ثنائی، (۱۲۹۹-۱۳۶۱ ش)، شاعر و نویسنده. در اصفهان متولد شد. در تربیتجان پرورش یافت و علاوه بر تحصیل علوم جدید به تحصیل علوم قدیم نیز پرداخت. شغلش معلمی و با مطبوعات نیز در ارتباط بود. از اوست:

طایر اندیشه پیر می‌رود
افسک افسک می‌گشاید یانه
پسر فراز قبر امید پشور
سور سسر خاکستور آسایا
سخنران نامی معاصر (۲/ ۲۰۸۱)، فرهنگ سخنوران (۵۲۱)

شهرامیر کاتب شیرازی، (ز ۹۷۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه قرآن نفیس، به قلم نستعلیق تیم در دانگ خوش، با رقم: «العبد الفقیر... شهرامیر الکاتب الشیرازی»؛ یک نسخه مجموعه نفیس از «شاهنامه فردوسی» و «تیمورنامه» هانزی و «شهنشاه نامه» قاسم گنمادی و غیره، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کنته العبد... شهرامیر الکاتب الشیرازی...» سه اربع و سبعین و تسعمائة

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۹)

نواختن متدهای اروپایی را نزد لئون گریگوریان آموخت. او سفری به تبریز کرد و با اقبال آذر، خواننده نامی، آشنا شد و در کنسرت او شرکت جست. بر مکی همچنین در کنسرت‌هایی که عارف در تهران برگزار می‌کرد، شرکت می‌نمود. او بعدها از نوایندگی کناره گرفت و فقط برای خود ویولن می‌زد.

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۱۰-۶۰۹)، سرگذشت موسیقی (۲۶۶-۲۶۴)

شهراریان، حسین، (ز ۱۲۹۸ ش)، نوازنده. در تهران متولد شد. از نوجوانی فراگیری ویولن را نزد استاد ضیاء مسعود و ابوالحسن صبا آغاز کرد و همچنین نزد استادان خارجی و ایرانی به آموختن موسیقی کلاسیک پرداخت. او سالها با رادیو تهران و رادیو بیروی هوایی همکاری داشت و علاوه بر اجرای کنسرت، رهبری ارکستر شماره سه رادیو ایران را نیز عهده‌دار بود و آهنگهای زیبایی تصنیف و اجرا کرد.

مردان موسیقی (۲/ ۲۵۷-۲۵۶)

شهر، غلامعلی خان، (ز ۱۳۶۰ ش)، نوازنده جوانزاده. سالها در آبادان و اصفهان کلاس موسیقی داشت، اما شغل اصلی اش پاسبان اداره عله و نان بود. در نوایندگی سبک مخصوصی داشته و در واقع به ویولن مرد می‌گفته‌اند. شهر آهنگهای خوبی ساخته و چند آهنگ را خودش نواخته و خوانده است. او حدود نود سال و اندی عمر کرد.

مردان موسیقی (۲/ ۶۷-۶۶)

شهید، دینوری، فرزند ابونصر احمد بن فرج بن عمر (برای ابیوردی، ح ۴۸۰-۵۷۲ ق)، فقیه، محدث و خطاط. ملقب به فخرالنساء. به جهت حسن خط مشهور به شهیدالکاتبه معروف به مسنده عراق. اصلش از دیسر از توابع جبل بود. در بغداد به دنیا آمد، نزد پدرش که از محدثان بزرگ بود تربیت شد و محضر محدثانی چون: ابو الخطاب بن نظر و ابو عبدالله حسین بن احمد طلیحه نعمانی و طراد بن محمد زینبی و فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی را درک کرد و از آنها اجاره روایت گرفت. ابن جوزی و علی بن هبه الله شافعی و ابن عساکر و ابوسعید سمعانی و عبدالله بن عمر بن ابی بکر مقدسی و عبدالرحمن بن عبدالوهاب حبلی از او سمع و روایت

میرای قاجار ترغیب شد او اشعارش را در مجموعه‌ای به اسم «مدایح حسامیه» جمع‌آوری کرد. گریند شهرت، مداح ناصرالدین شاه قاجار بود.

حديقة الشعراء (۲/ ۹۱۵-۹۲۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۳۷۲-۳۷۴)، مآثرنامه ماصری (۲/ ۱۲۴۶)، مآثرات الفصاحه (۳۳۱-۳۳۳)

شهر دلو، حبیب‌الله - عشیر همايون شهر دار.

شهره‌آرا، یحیی، لورلد ابوالفتح مصباح الملک، (تو ۱۲۸۹ ش)، پزشک و نویسنده. در تهران متولد شد تحصیلات ابتدایی را در تبریز و متوسطه را در تهران به پایان رساند سپس به اروپا رفت و تحصیلات عالی را در رشته طب در لوراند پاریس گذراند و متخصص امراض داخلی در چهل هاضمه شد اثر وی: «از دواخ اجباری، اندر زدهای طبی و صحی عملی» می‌باشد. مؤلف کتب چاپی (۶/ ۸۲۹-۸۴).

شهرزاده، رضا کمال، فرزند میرزا حسن منشی باشی کمان‌الدوله، (۱۲۷۷-۱۳۱۶ ش)، مترجم و نماینده نویسنده در تهران به دنیا آمد. تحصیلات او به از مدرسه من لری آغاز کرد و زبان فرانسه را در آنجا آموخت وی کم‌کم به ترجمه قطعاتی از ادبیات فرانسه پرداخت و پس از آن به نماینده نویسی روی آورد از طرف علاقه به داستان‌های هور و یک شب تمام شهرزاد داستان‌گوی معروف هزار و یک شب را بر خرد نهاد. شهرزاد، هریشگانی را که نقش نماینده‌های او را بر عهده داشتند، تشویق می‌کرد و می‌گفتید قهرمانهای ساخته خود را هر چه بهتر و با شکوه‌تر نشان دهد. خود وی بارها به صحنه نمایش رفت و در ۱۳۰۸ ش که نماینده «مجسمه مرمر» را نوشت، با صرفیت در نقش اول آن ظاهر شد. در اواخر عمر وارد خدمات دولتی شد و سرانجام در صبح روز بیستم شهریور ماه ۱۳۱۶ ش خودکشی کرد. از آثار وی: ترجمه «سالمه» اسکاتر وایلد؛ «افسانه عشق»؛ «اهلی و کرم»؛ «کمربند سحر آمیز»؛ «نموده آثار پوشکین به یادگار صدمین سال وفات شاعر». از تیما تا درزگار ما (۲۳۶-۴۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۱۷۰).

شهرستانی، ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم

شهران، جمان، فرزند محمد علی، (تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود در رشته ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تهران به پایان برد اولین مجموعه او که متعجب به اخذ جایزه و تشویق وی شد، «دو امیرزاده» نام داشت. او در نویسندگی بیر دست داشت و چندی سردبیری روزنامه «دموکرات» را به عهده داشت و مجله «برای مردم» را نیز خود به چاپ رسانید. از دیگر آثار او: «فراتوار»؛ «سقاخونه»؛ «در جستجوی زندگی»؛ «مجموعه داستانها»؛ «صحیح «دیوان» اسوری»؛ «بارگاه خیال»؛ مجموعه شعر «رقص بر ساحل».

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۲۰۹۵-۲۰۹۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۸۶-۳۸۷)

شهریانو، (وف ۱۱۲۰ ق)، شاعر. دختر محنت الممالک بود او «دیران» اشعار داشته است. در اصفهان درگذشت و در تخت تولد دفن شد. تذکر القیوم (۳۷)، مشهور زنان (۱۳۹)

شهرت شیرازی، شیخ حسن / حسین حکیم الممالک، (وف ۱۱۳۹ ق)، طیب و شاعر، متخصص به شهرت. از اعراب بود. در شیراز نشو و نما یافت. در زمان محمد اعظم شاه به هند رفت و پزشک دربار شاهی شد در شاهجهان آباد درگذشت. از بومست:

مرا زلفت ز دام آزاد خواهد کرد می‌دانم ولی بعد از رهایی یاد خواهد کرد می‌دانم

تذکره شمیری کشمیر (۵/ ۱۸۲-۱۸۵، ۶۰۸)، حديقة الشعراء (۲/ ۹۱۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/ ۳۶۹-۳۷۲)، قدیمه (۹/ ۵۵۸)، سرور آزاد (۲۰۳-۲۰۱)، سفینه المصنوعه (۲/ ۵۵۶)، سرهنگ سفینون (۵۲۱)، کاروان هند (۱/ ۶۶۰-۶۶۱)، مجمع الفصحا (۵/ ۵۴۱)، مخزن العرائف (۲/ ۱۰۳۲-۱۰۲۸)، مآثر الفصاحه (۳۳۰-۳۳۱)، مصطفی خراب (۶/ ۱۰۶)، نایح الانکار (۳۹۲-۳۹۳)، شعر عشق (۲/ ۸۲۸-۸۲۹)

شهرت کازرونی، آقا محمد علی، (وف ۱۲۸۹/۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخصص به شهرت. اهل کازرون بود. به شیراز رفت. از طریق عبدالله طبری منشی باشی به مدح حسام‌السلطنه حاجی سلطان مراد

داشت و در مسجد سنگی مرلوی اقامه جماعت می نمود از آثار وی: «تقریرات» در مس استاذش آیت الله مشکینی؛ شرح «وقت و قله لعمه»؛ «توضیح الکفایه» در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوة فی الخیط من الاریسم»؛ رساله ای در «عدم مشروعیّت جمعه و عیدین در هیئت کبری».

الذریعه (۲/ ۲۹۶، ۱۲/ ۱۷۰، ۱۵/ ۳۲)، طبقات اعلام

الشیمیه (نثر ۱۴/ ۱۵۷۲)، گنجینه دانشمندان (۴/

۴۹۸۴۹۶)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۶۴).

شهرستانی، محمد باقر موسوی حسینی، فرزند ابوالفتح، (ز ۱۰۹۰ ق)، خطاط، از آثار وی: «نهج البلاغه» نیم ربعی، یک سر لوح مذهب مرصع عالی، به خط نسخ کتابت خفی شش به رقاع، با رقم: «ووقت الاتمام هذه النسخة الماركة الميمونة... سنة تسعين بعد الالف من الهجرة (۱۰۹۰) و انا العبد... محمد باقر بن ابی الفتوح الموسوی الحسینی الشهرستانی»؛ «صحیفة سعادیة» نیم ربعی مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی، چوبی، با رقم: «حرره العبد المذنب... محمد باقر بن ابی الفتوح الحسینی الموسوی الشهرستانی... سنة ست و ثمانین بعد الالف من الهجرة...».

حوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۵۰، ۱۱۵۱).

شهرستانی حایری، سید ضیاء الدین میر محمد حسین بن میر محمد علی حسینی مرعشی، (ح ۱۲۵۶-۱۳۱۵ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. از احفاد میر قوام الدین معروف به میر بزرگ از سادات مرعشی مازندرانی بود. در گرومانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می رسد. او از شاگردان شیخ محمد حسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از وی نایل گشت. هشت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا حلام هروی حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد ر صوبی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به گریلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. در گریلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهدا دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت، از جمله:

عبدالکریم بن احمد، (۴۶۷/۵۴۸-۵۴۹ ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شازستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوانی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسن بن اخرم حدیث شنید. در ۵۱۰ ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت کرد و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس وعظش در نظامیه بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعید عبدالکریم سمعانی است. در زادگاهش درگذشت. از آثارش: «نهاية الاقدام فی علم الکلام»، «الملل و النحل»، «المناهج و الیئات»، «کتاب المضارعة»، «تلیخیص الاقسام لمذاهب الانام»، «الارشاد الی عقاید العباد»، «مصارعات الفلاسفة»، «تاریخ الحکماء»، «المبدء و المعاد»، «تفسیر فلسفی» «سورة یوسف»، «عایة المرام»، «دقائق الاوهام».

الاعلام (۷/ ۸۲-۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۶۹-۲۷۰، ۲۸۶-۲۸۷، ۲۹۶-۲۹۷)، تاریخ هنر کلام در ایران

(۲۲۶-۲۲۷)، روایات الجنات (۸/ ۲۸-۲۹)، رجحانه

(۳/ ۲۷۲)، سیرسلالة (۲۰/ ۲۸۸-۲۸۹)، الکبیر و

الاقاب (۲/ ۲۷۳)، سان المیزان (۶/ ۳۰۴-۳۰۶)، کتب

نامه (دیل / شهرستانی)، مؤلفین کتب چاهی (۵/

۵۶۸-۵۶۹)، مدارس نظامیه (۱۰۵، ۱۷۳)، معجم

المؤلفین (۱۰/ ۱۸۷)، معجم البلدان (۲/ ۲۲۷-۲۲۸)،

المائل و السمل (مقدمه)، الوافی بالرفیات (۲/

۲۷۸-۲۷۹)، وفيات الاعیان (۲/ ۲۷۳-۲۷۴)،

هدية الاحیاء (۱۶۲-۱۶۵).

شهرستانی، سید احمد، فرزند سید علی اصغر مرعشی حایری، (۱۳۲۴-۱۴۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق بود. سید احمد پس از گذراندن دوره سلطی، از محضر آیت الله شیخ ابوالحسن مشکینی و آیت الله نبیسی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله شیخ محمد حسن اصفهانی و آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید و از استاذش اجازه بجهاد گرفت. وی سالهای معمدادی در مدرسه فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال

برداشت و در این باره تحقیقات بسیار کرد. در بیست و یک سالگی نتیجه مطابقت خود را در این زمینه به رشته تحریر کشید و آن را به «الندرز نامه» موسوم ساخت. وی در اداره پست قم به خدمت مشغول شد و سرانجام بازنشسته شد. شهره شاعری با ذوق بود که در شعر بیشتر به جنبه رئالیست توجه داشت. «قرآن و مفاهیم آن» آشنایی داشت و به قول صاحب «مختصران نامی معاصر ایران» بیشتر قرآن را از حفظ داشت. از آثار وی «تسریع» «آزاده» «شعر» «عالم انتقام» «شعر» «اندیشه‌های من» یا «دانه‌های خیال» شعر

البرمه (۵۵۹/۹)؛ سخنوران نامی معاصر (۳/۲۰۹۶-۲۱۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۴۸۸)

شهریار تبریزی، سید محمد حسین بهجت، فرزندان حاج میرزا خاکی (۱۲۸۵-۱۳۶۷ ش)، شاعر، متخلص به شهریار. در تبریز متولد شد. ایام کودکی حریف را به علت مصادف بودن با نعلاب تبریز در قرائت تبریز به سر برد تحصیلات مقدماتی و با قرائت «گلستان» و «نصاب» در مکتب نزد پدر دانشمند خویش فراغ کرد و در همان اوان با «دیوان» حافظ العفی سخت یافت پس از تحصیلات مقدماتی، دوره متوسطه را در مدرسه متحده و مباحثات به پایان برد. در ۱۳۰۰ ش به تهران آمد و دنباله تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد تا اینکه در ۱۳۰۳ ش وارد مدرسه طب آن زمان شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته پزشکی دست زد ادامه تحصیل کشید و به خراسان رفت. تا ۱۳۱۲ ش در خراسان بود و پس از بازگشت به تهران به استخدام بانک کشاورزی درآمد. شهریار صبیح لطیف، دل حساس و روح سرگشته و پرشوری داشت. او با موسیقی آشنایی داشت و خود سه تار می‌نواخت. پس از مراجعت به زادگاه خود تا پایان عمر در آنجا زیست و چندی نیز در دانشکده ادبیات تبریز به تدریس اشتغال داشت و در همان زمان منظومه معروف و ترکی خود به نام «حیدر بابایه سلام» را منتشر ساخت. در تبریز درگذشت و در مقبره «الشعرا» سرخاب تبریز دفن شد. از آثار وی، «حالا چرا»، «شعر» «دیوان» شعر

آینه (شهریار ۶۷ ش ۲۷، ص ۷۵۶)؛ آینه (س ۱۷، ش ۱-۲، ص ۲۹۷-۳۰۳)؛ ادبیات (س ۷۱ ش ۳۸، ص ۲۶-۳۲)، از بهار تا سهریار (۶۲۳-۶۷۹)، از بیما با زرگار (۵۱۰-۵۲۹)، تذکره شعرای آذربایجان (۱۲)

«الاستصحاب»؛ «اصل الاصول» در تلخیص «المصول»؛ «غایة المسؤل و نهاية العاموس» در علم اصول؛ «المعصر اتمین» که حاشیه «مواهب الاصول» است؛ «تحفین الأدلة» در اصول فقه؛ «الحجة النالعة و المعمة السابقة» در اثبات - حصرت حجت (عج)؛ «الحجج» در معاد؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «سهیل المشاکل»؛ در نحو؛ «تقریم الکراکب»؛ «الکوکب السری» در معرفت تقویم؛ «مواقف النجوم» در هیئت؛ «البیاب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد» در متفرقات؛ منظومه «تهذیب المصطنع» به نام «مهدب التهدیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب»؛ لب «خلاصة الحساب» شیخ بهایی؛ منظومه «خوان نعمت» در بیان نعمتهای الهی

اعلام (۶/۲۳۸)، احیاء الشیعة (۹/۲۳۲)، البرمه (۱/۲۶، ۲/۱۶، ۳/۴۸۱، ۵/۱۶۱، ۱۶/۱۶، ۲۲/۲۳، ۲۳/۲۵، ۲۴/۹۱، ۲۵/۱۷، ۲۶/۱۸۳، ۲۷/۲۴۱، ۲۸/۲۵۸، ۲۹/۷، ۳۰/۸، ۳۱/۱۲، ۳۲/۱۴، ۳۳/۱۸، ۳۴/۱۸، ۳۵/۲۹۰)، ریحان (۳/۲۷۲، ۲۷۳، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۲/۶۲۷-۶۳۱)، الکس و الانساب (۲/۳۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۸۷۰-۸۷۱)، معجم المؤلفین (۹/۲۵۷)، مکاتیب الآثار (۵/۱۵۳۶-۱۵۳۸)، هدیه الماریین (۲/۳۹۶-۳۹۷)

شهره آفاق، (قبل از مس ششم ق)، شاعر. ذکر حالش و صورت اصلی نام او در هیچ کتابی ذکر نشده است. گویا شهره آفاق لقبی بود، که به این شاعر داده بودند. از او نوده بیت شام یک تغزل و شش بیت مفرد باقی مانده که نندبگر ذوق هنایی اوست

تاریخ نظم و نثر (۲۵)، شاعران بی‌دیوان (۳۰۶-۳۰۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲)

شهره قاجار، (س سیر دهم و چهاردهم ق)، شاعر. او را به خاندان قاجار منسوب کرده‌اند از اوست ' دلم در دام آذر لعل پریشان است و می‌ترسم در آخر از پریشانی به رسوائی کشد کرم زبان سحر (۱/۲۰۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲)

شهره قمی، احمد نعمت‌اللهی، فرزند صلی اکبر. (۱۲۸۵-۱۳۷۱ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به شهره در قم به دنیا آمد. صوم جدید و قدیم را در زادگاهش فراگرفت. از جوانی به مطالعه طریقتها و مذاهب مختلف

شهری تهرانی، عباس، فرزند اسماعیل، (۱۲۸۹-۱۳۶۹ ش)، شاعر در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته کشاورزی در دانشکده کشاورزی در ۱۳۰۸ ش به پایان رساند و در وزارت کشاورزی مشغول کار شد. وی در سرودن شعر توانا بود و به سادگی و روانی کلام توجه داشت و در سرودن مثنوی با مصامین اخلاقی و تربیتی استاد بود. گویند «تذکره منظومی» در احوال شعرای زمان خود تنظیم کرده است از دیگر آثار وی، «نتیجه سوء ازدواج».

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۲۱۰۶، ۲۱۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۵۹).

شهشاهانی، عیدالحسین، فرزند ابوالقاسم بن محمد، (۱۲۳۱-۱۲۱۵ ش)، شاعر، متخصص به سیستان در صفهان متولد شد. پس از طی تحصیلات مقدماتی به نجف رفت و سالها در آنجا به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت. وی بعد از بازگشت به ایران در مشهد به تالیف و تحریر «رسالة جمع کلام» همت گذاشت و آن را در روزنامه ادب انتشار داد. بعد از عریضت به هند در کلکته «رساله» «سیر تمدن» را نوشت و در روزنامه «چهل آئین» به چاپ رسانید. شهشاهانی در آثار مشروطیت به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و بعد از واقعه به تورپستن مجلس ابتدا در مشهد و سپس در همدان اقامت گزید. از اعضای انجمن ادبی همدان بود. از آثارش «دیران» شعر.

مرگان و سخن سرایان همدان (۲/ ۴۱۴)، الغریبه (۹)، ۱۲۳۲-۱۲۳۳، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۷۸۲-۳۷۸۵)، فرهنگ سخنوران (۱۶۳).

شهشاهانی اصفهانی، سید محمد بن سید عیدالضمد حسینی، (وف ۱۲۸۷/۱۲۸۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، مدرس و شاعر اصفایی. از محله شهشاهان اصفهان بود به همین جهت به شهشاهانی مشهور شد از شاگردان سید علی صاحب «دعای» و قاضی اردکانی و سید محمد مجاهد و حاجی گلپاسی بود. میرزای بزرگ شیواری و سید محمد باقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» و عده‌ای دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند در عصر خود ریاست حوزه علمیه اصفهان را برعهده داشت و تدریس و فتوی آن شهر منحصر به او بود. در تخت فولاد اصفهان مدفون است. از آثار وی: «الارجوزة الفقهية».

۲۱۶-۲۳۶)، چشمه روشن (۲۴۲، ۲۵۲)، چون مسوی تشنه (۱۷۳، ۱۶۸)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۵۱۰-۵۲۰)، الذریعه (۹/ ۵۵۹)، سخنوران نامی (۲/ ۳۳۲-۳۳۳)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۲۱۰۷-۲۱۱۵)، شخصیات نامی (۲۶۶، ۲۶۷)، شعر در سر از آغاز تا امروز (۳۳۰-۳۳۳)، صدف (۲۶۳-۴۸۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۲، ص ۱۶۵، س ۵، ش ۵۷، ص ۳۲-۳۳، س ۶، ش ۶، ص ۶۵، ۶۶)، گزارش معانی (۲۱۶، ۴۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۶۸، ۷۶۹)، محله دانشکده سیریز (س ۱۸، ص ۳۳۴-۳۳۹)، مردان موسیقی (۳/ ۴۸۲-۴۹۸)، مستدرکات اعیان (۲/ ۱۶۱)، نگاه بو (س ۱، ش ۱، ص ۱۲۵، ۱۳۱).

شهریار خراسانی، (س ششم ق)، شاعر، از افاضل خراسان بود، از دوست:

بس سرع اسید را که سر سوخته‌ی
بس تافته دل را که جگر سوخته‌ی
سر سوختن رخسار و خورشید تو بود
خورشید رغا تو از چه سر سوخته‌ی
الذریعه (۹/ ۵۵۹)، لباب اللباب (۲/ ۳۳۶-۳۳۷).

شهریاری شایان، اسدالله، (۱۲۹۹-۱۳۷۲ ش)، نویسنده، مدرس و شاعر، متخصص به شیدان، در کرمانشاه متولد شد. در کردکی به اتفاق خانواده به مشهد کوچ کرد و در آن شهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانید. سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به شغل آموزگاری پرداخت و در روزنامه‌های مشهد و تهران، آثار و اشعار خود را به چاپ رسانید. وی بیشتر اشعار طنز و حکایه خود را با امضای مستعری مثل شکور، یارو، آقامعمم، سرغلربیان و غیره انتشار می‌داد و مطالب و پروانه‌های صبیح جمعه را دبیر روان می‌نوشت. از آثارش: «ساده‌ترین راهنمای زبان فارسی»، «در راه پیروزی»، «نغمه‌های صحرا»، «تصحیح» «دیران» عرفی، «تعبیر شناسی».

الذریعه (۹/ ۵۰۶)، طر آوران امروز ایران (۲۴۲-۲۴۶)، سخنوران نامی معاصر (۳/ ۱۹۰۸-۱۹۰۶)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۵۴۹-۵۴۸).

به نوازندگی پرداخت. یکی از آثار به یادگار مانده از او، آهنگی در همایون با صدای جواد بدیع زاده است.

استادان موسیقی (۶۶)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۰۹، ۲۱۷، ۲۵۴)، تاریخ موسیقی (۲/ ۲۸۶، ۶۰۲)، تاریخ هنرهای صحنی (۱/ ۶۱۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۴۳)، مردان موسیقی (۱/ ۲۷۶-۲۷۷)

شهنازی، عیسی اکبر خان، فرزند آقا حسینقلی. (۱۲۷۶-۱۳۶۳ ش)، موسیقیدان و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. از دوران کودکی تحت نظر پدر هوشمندش به نواختن تار پرداخت و مدت شش سال ردیفها را از پدرش آموخت، به طوری که در چهارده سالگی به شاگردان پدرش تعلیم می داد. پس از موت پدر، نزد عمری خود، میرزا عبدالله به نمرس پرداخت. استاد شهنازی در ۱۳۴۵ ش مدت پنج سال تمام دستگاههای موسیقی ایرانی را اجرا و همه را به صورتی کاملاً مرتب آماده کرد. او در ساختن پیش درآمد و رنگ و تصنیف ممتاز بود. او شاگردان وی می توان میرزا حسن حاد، منیار، مستظم الحکماء، حاج آقا محمد، محمدرضا لطفی، غلامحسین شریف را نام برد. استاد شهنازی از دوستان نودیک، عارف قزوینی بود و نغمات و آهنگهای فراوانی فتاحته و با خوانندگانی نظیر اقبال السعدان، حسینی، نکیسه، طاهرزاده و ادیب خوانساری همکاری داشته است. او همچنین به غیر از تار، با سازهای دیگری مانند، سه تار و پیانو نیز آشنایی کامل داشت. در هشتاد و هفت سالگی درگذشت.

استادان موسیقی (۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، دوره بازگشت (۲۱۸/ ۱)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۷۰، ۲۱۹، ۲۵۴)، تاریخ موسیقی (۲/ ۲۸۶، ۶۶۵، ۶۶۸)، تاریخ هنرهای صحنی (۱/ ۶۱۲)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۴۳-۱۴۴)، سیمای هنرمندان (۱/ ۱۷۴، ۱۸۳)، مردان موسیقی (۱/ ۲۷۶-۲۷۷).

شهود، ابوالمکارم، فرزند ابوالقاسم تمکین. (وف ۱۰۷۳ ق)، شاعر. از آثار وی، مثنوی «پریخان سلیمان یا بلقیس و سلیمان»؛ «بدیع الجمال و سیف الملوك» منظومه های فارسی (۳۵۲-۳۵۱).

شهودی اصفهانی - شهودی سپرواری

«انوار الرياض»، حاشیه «رياض المسائل» استادش، در هشت مجلد؛ «جامع السعادة» که رساله عملیه اوست؛ «حجة المأوی» که منظومه ایست در فقه؛ «المروءة الوثقی» در فقه؛ «العایة القصوی» در اصول؛ «انیس المتقین» در گناهان کبیره؛ حاشیه بر «قواتین» به نام «رضوان الملی» در دو مجلد؛ «هیشه الراضیه» در فقه شیعه، به فارسی؛ منظومه ای به زبان عربی در مرثی.

اصیان الشیخه (۲۸۱/ ۹)، تذکره القبر (۲۸۸-۴۸۷)، الذریعه (۲/ ۳۲۷، ۱/ ۲۴۰، ۱۵/ ۳۶۲)، ریحانه (۳/ ۲۷۵)، فرات الرضیه (۵۵۰)، انکشی و الانساب (۲/ ۲۷۶-۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۷۲)، هدیه الاحباب (۹۵).

شهلا یزدی، میرزا محمد علی، فرزند میرزا عبدالوهاب حسینی حسینی. (وف بعد از ۱۲۶۰ ق)، شاعر و عالم، متخصص به شهلا از بزرگان سادات طباطبایی و از سلسله مدرسان و از شاعران برجسته روزگار خود بود. از آثار وی «تذکره مستند»، که دستی بر «آتشکده آذر» است.

ساریخ تذکره های فارسی (۱/ ۲۵۵-۲۵۰)، سلیم، سحران برد (۱۷۲)، حدیقه الشمره (۲/ ۹۵۳-۹۲۳)، الذریعه (۹/ ۵۵۹).

شهمردان وزی، فرزند ابی الحیر (ز ۴۷۷ ق)، منجم در گرگان و استرآباد اقامت داشت. از آثار وی، اروضه المتحجین، که در سال ۴۶۶ ق برای حکیم علی بن ابراهیم کرمانی نوشت؛ «فرهت نامه هلائی»، که پس از ۴۷۷ ق به نام هلا الدوله برکالبحار تألیف کرد.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۱۱-۹۰۹)، تاریخ نظم و نثر (۶۳)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۵۱۸)، الذریعه (۱۱/ ۲۰۲، ۲۴/ ۱۳۰)، سبک شناسی (۲/ ۵۲)، کشف الظنون (۹۳۳)، مستنامه (ویل / شهمردان).

شهنازی، عبدالحمین، فرزند آقا حسینقلی. (وف ۱۳۲۷ ق)، نوازنده. نزد برادر بزرگتر خود، علی اکبر شهنازی، نواختن تار را فرا گرفت. از هنگام تأسیس رادیو جزو اولین گروه نوازندگانی بود که در رادیو ساز زد و همکاری خود را با ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین تهرانی، بی داود و حبیب سماعی آغاز کرد و با خوانندگان بنامی مانند: تیج، ادیب خوانساری و بدیع زاده

وراق (وف ۲۲۵ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود. شهید با رازی مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقصی و ردی داشته‌اند. در خط نیز استاد بود و برخی او را بدین هنر ستوده است. عربی قطعه‌ای از او به عریس نقل کرده است. وی در استادی هم ردیف و همانند رودکی بود و هرلایش شهرت داشت. بنا به نقل یاقوت حموی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت. از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابو عبدالله محمد بن احمد چیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده است. حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و تذکره به جا مانده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۹۳-۳۸۹)، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، تذکره روز روشن (۲۲۹)، دایرةالمعارف، فارسی (۲/ ۱۵۱۹)، الذریعه (۹/ ۵۶۰-۵۶۰)، ریحانه (۳/ ۲۷۸)، سخن و سخنوران (۱۸-۱۶)، سیری در شعر فارسی (۲۲۱-۲۲۰)، شاعران بی دیوان (۳۷-۲۶)، شخصیت های نامی (۲۶۹-۲۶۸)، طعنهات اعلام النبیه (قرن ۴/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، الفکی و الاقیاب (۲/ ۳۹۱)، گنج سخن (۱/ ۱۷-۱۵)، لیاب الالیاب (۲/ ۵۳)، لغت نامه (ذیل/ ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (۱/ ۸۰۲-۸۰۳)، مجمع الموقنین (۲/ ۳۱۰)، مفت القیم (۲/ ۵۹-۶۰).

شهید شیرازی، عبدالله (وف بعد از ۱۲۷۰ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به شهید. از بزرگ زدگان شیراز بود و در روشن اقسام خطوط بویژه نسخ و مستعلیق مهارت داشت. در شاعری از تربیت یاحکان و شاگردان وصال بود. از آثار وی دیوان اشعار در حدود پنج هزار بیت.

آثار عجم (۵۶۰)، حذیقه التمره (۲/ ۹۲۵-۹۲۳)، الذریعه (۹/ ۵۶۱)، مرآت الفصاحه (۳۲۳-۳۲۲).

شهید شیرازی، محمد بن عبدالله (س سیزدهم ق)، خطاط. به خط وی، یک نسخه از وصیه الفصاحه، به قسم کتات خفی و دو ذابک متوسط، در مثنوی به سال ۱۲۷۱ ق به چاپ رسیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۷۸۶).

شهودی سبزواری، میر حسین وصال (وف ۱۰۲۰ق)، شاعر اصل وی از سبزواری بود. مدتی در اصفهان زیست و به همین جهت به سبزواری و اصفهانی شهره شد. وی در رمل استاد بود. او است.

تا غمره به خون حلق شد هم پشت
بیرون نستوان کرد دلی از مشتت
از بسکه به خون م اشأرت کردی
خون می چکد ایسکه ز سر انگشتت

تاریخ نظم و نثر (۵۳۷)، تذکره روز روشن (۲۴۸)، تذکره نصرآبادی (۲۹۳-۲۹۲)، الذریعه (۹/ ۵۶۰)، مجمع گشت (۲۳۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، مجمع انوار (۳۱۱)، مفت اللیم (۲/ ۲۹۱-۲۹۲).

شهودی یزدی، میرزا محمد علی (س دهم ق)، شاعر، متخلص به شهودی. در زمان حلال الدین اکبر شاه به هند سفر کرد. او یک مثنوی به وزن «حذیقه» سنایی به نام «عدم قائمه» سروده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تذکره روز روشن (۲۴۸)، تذکره سخنوران یزد (۱۷۵)، الذریعه (۹/ ۵۶۰)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، گاروان هند (۱/ ۶۶۱)، منظومه های فارسی (۳۵۲).

شهیدای قمی (؟)، شاعر. به اصفهان و هند مسافرت کرد و در هند درگذشت. از او است.

چون شعله ز آتش دل خود سرکشیده ام
آل آتشم که از دل آتش دمیده ام
بر رویم از قفس در قیظی توان گشود
من هم ز آشیان به امید پریده ام
تذکره نصرآبادی (۳۶۷)، گاروان هند (۱/ ۶۶۲).

شهیدای لاهیجی، میر محمد هاشم (س یازدهم ق)، شاعر. از سادات لاهیجان بود که سیار سفر کرده و از صحبت اهل حال بیص وافر بود. از او است
دل برکن از جهان که گذشت از جهان خروشت
دنیا همانقدر که گذشتی از آن خروشت
تذکره روز روشن (۲۵۱)، تذکره نصرآبادی (۳۵۰)، الذریعه (۹/ ۵۶۱)، ریحانه (۳/ ۲۹۰)، فرهنگ سخنوران (۵۲۴).

شهید بلخی، ابوالحسن شهید بن حسین جهود نکى

علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است. در ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه استادی افتخاری دبل شد. دکتر شهیدی علاوه بر بحر و استادی در زمینه لغت عربی و دایرةالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم بندی کرد؛ تألیف: «جایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت با طبعه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛ «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مفهومی شریفه»؛ تصحیح: «آتشکده آذر»؛ «درة نادره»؛ «ابراهیم المعجم»؛ ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرین کریمه»؛ «اسلام اسلامی»

کتاب فرهنگ (ص ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲۰۳، ش ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۳۲۳-۳۲۲)، نامه شهیدی

شهیدی، عبدالوهاب. (ترو ۱۳۰۰ ش)، خواننده و نوراننده. در میمه اصمهان به دنیا آمد. پس از انتقال به تهران پیش از ده سال از کلاس ساز و آواز اسماعیل مهرتاش استفاده کرد و علاوه بر خوانندگی به سواخت ستور نیز آشنا شد و خود را نیز نیکو می‌نواخت. شهیدی از خراساندگان برنامه دگلهای جاویدان را دیو و ا. را محسوب می‌شد و صدایی رسا و دلنشین داشت. تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۳۴۳)، تاریخ موسیقی (۲/ ۶۷۳)

شهیدی بختیاری. (س سیردهم ق)، شاعر از لرهای بختیاری بود. به تهران آمد و به مدح محمدشاه قاجار پرداخت. از اوست
رستان در گذشت و فصل خرم نوهار آمد
شکفت و تازه شد یستان درخت گل به بار آمد
الدریمه (۹/ ۵۶۱)، مجمع‌النصحا (۵/ ۵۳۲-۵۳۰)

شهیدی قزوینی، حاج عبدالله بن شیخ عبدالحسین امام جمعه ابن شیخ مرتضی. (۱۳۴۰-ز ۱۳۷۲ ق)، عالم امامی، فقیه و مدرس. در قزوین متولد شد. مقدمات و ادبیات را نزد پدرش و دیگر علما خواند. در ۱۳۶۱ ق به قم مهاجرت کرد. سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید

شهید نورایی، حسن. (۱۳۹۱-۱۳۳۰ ش)، استاد دانشگاه بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشکده پارس به درجه دکتری نایل شد و به ایران بازگشت و در رشته اقتصاد مشغول تدریس شد. در ۱۳۲۶ ش در وزارت اقتصاد ملی به سمت مستشاری و وابسته نازرگانی دولت ایران در کشورهای اروپای غربی منصوب شد و مشاغل دیگری و نیز صهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ عقاید اقتصادی»؛ «خاموشی دریا».

مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۵۷۶)

شهید نورایی، محمد، فرزند غلامحسین مؤتمر لشکر. (تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده. از آثار وی، «در کنار سیحون»؛ «زیو گنبد کبود»؛ «صنایع تبریزی»؛ «ماکسیم گورکی».

مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۵۲۶-۵۲۷)

شهیدی، احمد. (تو ۱۲۹۶ ش)، مترجم مهندسی الکترونیک از دانشکده صنعتی تهران گرفت. او سرلشکر «مجله اطلاعات هفتگی» در ۱۳۳۷ ش بود از آثار وی: «انوار عشق»؛ ترجمه «عشق و نكامي» الکساندر دوما؛ ترجمه «مدکاری یامیشل استروکوف» ژول ورن؛ ترجمه «گردن بند الماس» موباسان؛ ترجمه «مدر گاهکار» مرپاسان.

مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۱۴)

شهیدی، سید جعفر، فرزند سید محمد (تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مؤلف، مترجم و مصحح. در بروجرد در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد. به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. سپس به ایران بازگشت و یکسال بعد از چاپ علامه دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در ۱۳۳۰ ش موفق به گرفتن درجه دکتری ادب فارسی از دانشگاه تهران شد. او صهده دار تدریس در دانشکده ادبیات و معاونت مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و ریاست آن مؤسسه شد. وی تاکنون سفرهای

۱۳۴۵ دوباره به نجف برگشت و از محضر آیت‌الله آق شهاب‌الدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نایبی ر آیت‌الله آقا سید ابوبراب خوانساری استفاده نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تسبیح احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود، پس از سفری به عتبات به نهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطباء در ۱۳۷۶ ق در کنگره چهاردهمین قرن ولادت امیرالمؤمنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان»، ترجمه کتاب «الامراض الاجتماعية و علاجها»؛ «الاسماء السعادت»؛ ترجمه کتاب «كشف المحجبه»؛ کتاب «نسيم الصالح»؛ ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعيه و تهليلات من الايات الالهية».

گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۹۶-۲۹۷)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۳)

شهیدی مشهدی، آقا میرزا هسکری - آقا بزرگ حکیم.

شیبانی، علی اشرف. (تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و مترجم. در کاشان متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه آمریکایی به پایان رساند و در وزارت مالیه و وزارت راه مشغول خدمت شد. از آثار وی: ترجمه «نار سیب» برنارد شاو؛ ترجمه «دخترک سیاه» در جستجوی خدا؛ برنارد شاو.

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۵۱)

شیبانی، میرزا ابراهیم، فرزند میرزا اسدالله. (۱۲۵۷-۱۳۲۷ ق)، مورخ و عارف ملقب به صدیق الممالک. در کاشان تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در مولد خود به پایان رسانید. به اصفهان رفت و مشغول مختلفی مثل نویسندگی دفتر حکومتی در زمان حمزه میرزا حشمت‌الدوله، عضویت کتابخانه و اسلحه خانه دیوانخانه سلطنتی، مسئولی‌گری اسبها و حکومت بلرکات اصفهان، به تناوب، را عهده دار شد. وی مشرب طریقه نعمت‌اللهی داشت. در سفر مکه همراه میرزا صفا و استاد علامه رضا شیشه گر ساری و حاج محمد کاظم سعادت‌الله بود. در کاشان به سکه قلی درگذشت و در قبرستان دشت افروز دفن گردید. اثر وی: «مستخف

حوزه تکمیل نمود و از محضر آیت‌الله حاجت استفاده برد و پس از ورود آیت‌الله بروجردی به قم حدود هیجده سال در درس و بحث این استاد حاضر شد و پس از فوت آید استاد، به محضر آیت‌الله نجمی مرعشی پیوست و حدود ده سال از اصحاب و نزدیکان وی بود. در ۱۳۷۲ ق داماد آیت‌الله حاجت شد و مورد توجه و عنایت خاصه وی قرار گرفت. شهیدی بعد از فوت پدرش در آستانه مبارکه سلطان محمد، از اولاد امام صادق (ع)، و در مسجد جدش، مسجد شهیدی، به انجام وظائف دینی مشغول بود. او به ترمیم و بازسازی آستانه مبارکه امیراماده سلطان محمد پرداخت از آثارش: «تفسیر سوره یوسف»؛ کتابی درباره «معراج».

گنجینه دانشمندان (۲/ ۱۸۲-۱۹۰)

شهیدی قمی (وب ۹۳۶/۹۳۵ ق)، شاعر، معروف به باب شهیدی. در قم به دنیا آمد. در جوانی به سیاحت پرداخت و چندی در خراسان، هرات، قزوین و آذربایجان زیست. در آذربایجان در دربار سلطان یعقوب به مقام ملک‌الشعرایی رسید. مدتی به هند رفت و «گجرات زیست». در هرات به خدمت جامی رسید. حکیم شاه محمد قزوینی با او بسیار معاشرت برد. حدود هشت سال عمر کرد. در سرکچ گجرات مدفون است. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

آتشکده آذر (۲/ ۱۲۵۹-۱۲۶۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۷)، تحفه سامی (۱۸۴-۱۸۶)، رجال حبیب السیر (۲۵۴-۲۵۵)، التریحه (۹/ ۵۶۲)، ریحانه (۳/ ۲۹۰)، فرهنگ سخنوران (۵۲۴)، کاروان هند (۱/ ۶۶۲-۶۶۷)، لعب سامه (دیسک / بابا شهیدی)، مجالس المناسبات (۱۹-۱۲)، مجمع المصداق (۲۱/ ۲۲-۲۳)، مکتب (دفع ۲۲۸-۲۳۲)، هفت انبیا (۲/ ۵۰۲-۵۰۳).

شهیدی گلپایگانی، سید محمد باقر، فرزند سید هاشم. (تو ۱۳۱۸ ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه اسامی. در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آن‌گاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌الله مشکینی آموخت. سپس به سامرا رفت و از محضر آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق، پس از درگذشت پدرش، به مولدش بازگشت. سپس به اصفهان رفت و در بزرگانی چون آیت‌الله سید محمد صادق تلمذ کرد. در

الواریخ مظفری.

چهل سال تاریخ ایران (۲/ ۵۱۱)، الذریعه (۲۲/ ۳۹۱-۳۹۲)، شرح حال رجال (۱/ ۱۹-۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۹-۶۸)، یادگار (س) ۴، ش ۱۰۲، ص ۳۱-۱۹

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌الله خان، فرزند محمد کاظم، (۱۲۴۱/۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب، نویسنده و صوفی. متخصص به شیبانی. خاندانش در کارهای لشکری و دیوانی عهد قاجار تصرف و دخالت داشتند. در کاشان متولد شد. در جوانی به خدمت محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار درآمد و برخی از اشعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز مشی حسام‌السلطنه در هرات بود. او در عارض به محضر رحمت هلیشاه رسید و از او کسب فیض کرد. مدتی به نج، هرات، خراسان و تهران سفر کرد و سرانجام به کاشان رمت و در عشق آباد مدرسه و مسجد و عمارتی ایجاد کرد و همان‌جا گوشه عزلت گرفت. پس از مدتی مردم بر او شوریدند، شیبانی به دادخواهی به تهران آمد و نزدیک دروازه قرین خانه و خانقاهی بنا کرد و بی نظم و ثمر دست داشت و از شعرای سام دوره سارگشتی بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «بیانات شیبانی»، «تنگ شکر»، «جواهر مخزون»، «درج درو»، «درج گهر»، «دیوان» اشعار، «زبدة الاسرار»، «فتح و ظفر»، «گنج گهر»، «کامرباه»

از صبا تا صیبا (۱/ ۱۳۳-۱۳۴)، حدیقه الشعراء (۲/ ۹۲۸-۹۳۶)، الذریعه (۹/ ۵۶۳-۵۶۴)، سبک شناسی (۳/ ۲۹۱)، شرح حال رجال (۳/ ۵۵)، طرائق الحقایق (۳/ ۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، گنج سخن (۳/ ۲۴۸-۲۴۰)، المآثر والأثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۷۷۶-۷۷۵)، مجمع القصص (۵/ ۵۳۰-۴۸۹)، مکرم الآثار (۲/ ۱۸۱-۱۸۱)، یادداشتهای لژیوسی (۸/ ۱۹۷)، یادگار (س) ۵، ش ۳، ص ۶۸-۶۹.

شیبانی کاشانی، میرزا حسن خان، (تو ۱۲۸۵ ش)، خطاط، در کاشان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات دوره ابتدایی در زادگاه خود و تهران، به خاطر حسن خطی که داشت در اداره فرمانداری کاشان به خدمت

مشغول شد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت پست و تلگراف و سپس در وزارت دارایی انجام وظیفه کرد. در ۱۳۳۷ ش بازنشسته شد و به کاشان بازگشت. شیبانی از ادبیات فارسی نیز بهره داشت و خانه‌وی همواره محل تجمع رجال شعر و ادب بود.

تذکره خوشنویسان معاصر، ۱۳۹-۱۲۲

شیخ، ابوالحسن، فرزند محمد، (تو ۱۲۸۵ ش)، استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دوره دوم مدرسه صنعتی ایران و آلمان با اولین دسته دانشجویان اهرامی به آلمان رفت و به تحصیل در رشته شیمی پرداخت. پس از گذراندن دوره تحصیل در دانشگاه فردریش و دانشگاه برلین، دوره دکترای در دانشگاه برلین در ۱۳۱۵ ش به ایران بازگشت و به تدریس در رشته شیمی در دانشسرای عالی و دانشکده علوم پرداخت. از آثار وی: «تمرینات تجربیات شیمی آلی»، «شیمی آلی ارگانیک». مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۱۵۵-۱۵۶).

شیخ، غلامرضا، فرزند محمدعلی، (تو ۱۲۷۹ ش)، پزشک و مدرس. در تهران متولد شد. پس از تحصیلات دوره متوسطه در دارالفنون و گذراندن دوره مدرسه طب در ۱۳۰۵ ش برای ادامه تحصیلات به فرانسه عزیمت کرد و دوره مالاریالوژی را طی نمود. پس از آن دوره بهداشت را بسموده و پایان نامه خود را پیرامون لیشمانیوز در تهران، در پاریس نگاشت. سپس به تهران مراجعت کرد و عهده‌دار مشاطی از قبیل پزشکی وزارت فرهنگ، ریاست بخش پزشکی بیمارستان گوهر شاد، تدریس دروس بالینی دانشجویان پزشکی در بیمارستان مسکوره، استاد کرسی بیماری‌های عمومی و پزشکی آزمایشی شد. از آثار وی: «تاریخ طبیعی». مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۰۵-۷۰۲).

شیخ الاسلام اصطهباناتی، میرزا اصطهباناتی، میرزا احمد.

شیخ الاسلام تبریزی، میرزا سید محمود بن میرزا علی اصغر طباطبایی، (۱۲۳۰-۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب اصفه‌ای. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف

شیخ الاسلام رجایی، میرزا فضل الله، فرزند میرزا نصرالله (۱۳۰۳-ح ۱۳۷۴ ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم در زنجان به دنیا آمد. مقدمات را نزد استادان زنجان فراگرفت. فلسفه را از علامه میرزا عبدالعزیز آموخت و در درس حرج علامه میرزا عبد الله رجایی حضور یافت. در ۱۳۲۱ ق به همراه برادرش به سبب مهاجرت کرد و نزد آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۳۹ ق به زنجان بازگشت و به امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت الله سید حسن صدر همدانی، کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آگوسی دارای اجازه بود. در قبرستان نو در قم مدفون است. از آثارش: حاشیه بر «منظر» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله ای در رد نظریه «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشرائع» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رسالة حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعیانی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و زمان آن»

تاریخ زنجان (۱۳۰۵-۱۳۰۶)، شهیدان راه نصیبت (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، عسما، معاصرین (۱۳۲۸-۱۳۲۹)، معجم رجال نجف (۱/ ۶۳۸-۶۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۷۱-۸۷۰).

شیخ الاسلام شیرازی - صفای شیرازی، شیخ محمد حسین.

شیخ الاسلام هروی - حفید تفتازانی، سیف الدین احمد.

شیخ اشراق - سهروردی، ابوالفتح شهاب الدین یحیی.

شیخ الاطباء، میرزا حسینعلی، (وف ۱۳۲۲ ق)، طبیب، ملقب به شیخ الاطباء. در طب قدیم مهارت داشت و طب جدید و دارالمتون آموخت. در ۱۲۸۶ ق حکیم پاشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه قاجار بود

رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنجر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نایل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ الاسلامی رسید. شیخ الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود به جا گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف را از آنجا به مکه کرد و در حال حج گزاری از دیار رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایة الحدیث»؛ «دکة القضاة» در شهادت و قضاء؛ «رسالة مشقات»؛ «حقایق القوانين» حاشیه «فوائد الاصول»؛ «المیة الصحیح من الصحیح» در تعادل و تواضع؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفة لکتاب»؛ حاشیه بر «کشاف» رمحشری؛ «مفتاح المسلمة»؛ «منتهی المقاصد» در علم نجوم؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «احیة الاسلین»؛ در حل مشکلات آیات «المهل الصافی»؛ حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله ای در «عدم حجیت اصول مشته»؛ «عجب العاجب» در مسأله اجرت بر واجب؛ «اندک اندام»؛ در حقیقت قدر و فض.

الاعلام (۵۵، ۸)، اعیان الشیعة (۱۰/ ۱۰۷)، هاشمیان آذربایجان (۱۳۶۸)، الذریعة (۱/ ۶۲، ۵/ ۶۲۰، ۶/ ۶۲)، ۲۱/ ۲۳، ۲۲/ ۲۳، ریحانة (۳/ ۲۹۸-۲۹۶)، حسا، معاصرین (۴۲-۴۰)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۸۱)، مکارم الآثار (۲/ ۱۱۲۵-۱۱۲۳).

شیخ الاسلام خنجر، (ح س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه که یک ریاضی است، به علم دو دانگ و کثرت ممتاز، با رقم. «کنته العدد شیخ الاسلام خنجر» قطعه ای به قلم چهار دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم «کنته العدد شیخ الاسلام خنجر» اسرار و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۰-۳۲۱).

شیخ الاسلام دامادی، شیخ محمد بن حسین بن باقر. (س سیزدهم ق)، عالم دینی و شاعر از علمای عصر ناصری بود. از آثار وی: «فرق الملل» یا «بیان المذاهب»؛ رساله ای در بیان «احکام حلال و حرام» و «عبادت»

گنجینه دانشندان، ۵/ ۱۲۱.

و پس از مرگ وی طیب ناصرالدین شاه شد و در ردیف اطای دربار قرار گرفت.

چهل سال تاریخ ایران (۱/ ۱۲۸۴)، شرح حال رجال (۵/

۸۸

شیخ اول کرمانی، مسیحی، (س دهم ق)، خطاط، مردی درویش مشرب و از شاگردان قاسم شادشاه بود مؤلف «مناقب هنرواران» گوید: «امروزه در خراسان خوشویستر از وی کس نیست». در فندهار به دربار ظهیرالدین بابر، سردردمان پادشاهان گورکانی هندوستان، راه یافت و به کتابت مستعین و نسخ پرداخت. او در اواخر عمر میرعلی هروی را درک کرد و از تربیت وی در اندک زمان بهره فراوان گرفت

اجرا و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۱-۳۲۲)، مناقب

هریران (۲۱، ۲۸).

شیخ بدل فارسی به بدل فارسی.

شیخ بهایی، بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد عاملی، (۹۵۳-۱۰۳۱/۱۰۳۱ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر ایرانی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ الاسلام و المستعین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدرش، در عهد شاه طهماسب صفوی، به ایران آمد. در محضر پدر خود و عبدالله بن شهاب الدین یردی و محمد باقر یردی و ملا علی مذهب و ملا اصف و احمدالدین محمود کجایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم برآمد. وی عهده دار منصب شیخ الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس از این سمت کناره گرفت و سالیانی به مباحث پرداخت و به هرات، اراک، آذربایجان، مصر، شام، عراق، حلب، فلسطین، بیت المقدس، سرلندیپ، حجاز، مکه، مدینه و دیگر شهرهای اسلامی مسافرت کرد و در ثناء این سفرها به مباحثات علمی - مذهبی نیز می پرداخت. شیخ بهایی سرانجام به پراگ گشت و همراه شاه عباس صفوی پیاده از اصفهان به مشهد و صوفی رفت. او احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح بخاری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است.

که مقدسی نیز به واسطه آورده تن محدث محمد نام، بی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ بهایی لحظه ای از تعمیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعدالله، ملا حسینی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاضی، میرزا رفیع الدین نایینی، شیخ زین الدین بن محمد سبط شهید لاهی، ابن امی جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا صدرا، محمد بن حسین مساجی، میرزا رفیع الدین طاهری، ملا شریف الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جبرایی، ابن خاتون، معین سیرواری، مجلسی اول، ملا محمد صالح مارندری تربیت کرده است. کتابخانه بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی مشایخ، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش، همسر شیخ بهایی، منتقل شده بود. شیخ بهایی تمام این کتب را بر دانشجویان وقف کرد. شیخ بهایی در اصفهان درگذشت. پیکرش را به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «زجانه الادب» خود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام الدین»، «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه «استدلالی»، «الاربعین» یا «الاربعون حدیث»، «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه، «الکشف کول»، «المحاجلة»، «زبدة الاصول» یا «الزبدة»، در اصول فقه، «فوائد الصمدیة»، در نحو، «مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و الليلة»، رساله «الهلاله»، «افانث الاموار الالهیه»، «الانثی عشریات»، «اسرار السلاعه»، «التهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو، «حاشیه من لا یحضره الفقه»، «حاشیه خلاصه الاموال» علامه حلی، «حاشیه کشاف» زمخشری، «حاشیه التفسیر» بیضاوی، «خلاصه الحساب»، در ریاضیات، «تشریح الافلاک»، در علم هیئت، «الاستعلاک»، «بحر الحساب»، «الحیزة»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»، مثنوی های، «تان و پتیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نار و حلوا» یا «سواج البحار»، «الرهرة»

آتشکده آذر (۳/ ۹۲۶-۹۲۷)، الاعلام (۶/ ۳۳۲)، اعیان

الشیعہ (۹/ ۲۳۲)، تاریخ ادبیات ایران، بیرون (۴/ ۲۷۷-۲۷۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۰۳۹-۱۰۴۷)، تاریخ

ملاسه ایرانی (۵/ ۵۵۰-۵۵۱)، تذکره روح روشن (۱۲۱).

حفظ از آثار وی کتیبه ایوان مسجد جامع (دارالاحسان) مستندج که در زمان فتحعلی شاه قاجار به سال ۱۲۲۸ ق بنا شده و به خط نستعلیق و نسخ ممتاز است. این مسجد عظیم که در نهایت استحکام و زیبایی با تزیینات فراوان کاشی کاری ساخته شده، دارای شبستان هموار یزرگی است که بر روی بیست و چهار ستون سنگی بنا شده است.

فهرسته بذای تاریخی و اماکن بهمنام (۱۰۹۱-۱۰۸).

شیخ خاند کرد نقشبندی مجددی - خاند کرد

شیخ رئیس قاجار، ابوالحسن میرزا، فرزند محمدنقی میرزا، فرزند فستعلی شاه (۱۲۶۴-۱۳۳۶/۱۳۳۸ ق)، خطیب، عالم و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به شیخ رئیس. در تبریز متولد شد. مقدمات را در تهران و مشهد تحصیل کرد و حکمت قدیم را در تهران در محضر آقا علی مدرس فراگرفت. سپس به عتبات سفر کرد و در مجلس درس میرزا شیرازی در سامرا حضور یافت. پس از بازگشت به تهران از ناصرالدین شاه قاجار لقب شیخ رئیس گرفت و مأمور خدمت در آستان قدس رضوی گردید. دو خراسان با آصف الدوله حاکم آن ولایت اخلاف پیدا کرد و از راه عشق آباد به استابل رفت و در آنجا به عصرت انجمن اتحاد اسلام درآمد و مورد توجه سلطان عبدالحمید قرار گرفت و کتاب «اتحاد اسلام» را برای او نوشت. بعد از چندی به ایران بازگشت و در نهضت مشروطه با مشروطه خواهان همراهی کرد و در انتخابات دوره دوم مجلس به نمایندگی مردم مازندران انتخاب شد. سرانجام در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) دفن شد. از دیگر آثار وی «دیوان شعر» کتاب الابرار، منتخب النقیس، «رساله نقد فرقه ها»، «فصل الخطاب» و «سفرنامه استانبول».

آثار عجم (۵۲۹-۵۳۰)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۵۲۱-۱۵۲۲)، الذریعه (۹/ ۲۷۵-۲۷۶)، ریحانه (۲/ ۳۲۱-۳۲۲)، شرح حال رجال (۱/ ۴۲-۴۳)، فرهنگ مشهوران (۲۸۶)، مؤلفین کتب جای (۱/ ۵۸-۱۵۹).

نسخ زاده. (س دهم ق)، نقاش و خطاط. از احوال او اطلاعاتی در دست نیست، فقط از بررسی تصاویر به جای

۱۲۲)، تذکره نصرآبادی (۱۵۰-۱۵۱)، چهارصد شاعر برگزیده فارسی گوی (۵۰۶-۴۹۵)، دایرة المعارف فارسی ۲/ ۱۵۲۲، دیبانه جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه ۱/ ۸۵، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۲/ ۳۲-۳۵، ۳۲۵، ۴/ ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۰، ۴۹۸، ۵۰۹، ۵/ ۶۳-۶۴، ۳۰۹، ۲/ ۳، ۶/ ۲۹، ۸۸، ۱۰۳، ۶۸، ۱۷۳، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۶/ ۲۲۱-۲۲۰، ۹/ ۱۴۳، ۱۸، ۹۸۳، ۷۷)، روایات المعانی (۷/ ۸۰-۵۴)، ریاض الصابون (۲۹-۴۵)، ریاض العلماء (۵/ ۹۷-۸۸)، ریاضی (۳/ ۳۰۹-۳۲)، زندگنامه ریاضیدانان (۱۷۰-۱۷۲)، سرآمدان قریه گ (۱/ ۲۳۲)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴-۳۸۳)، شخصیه های نامی (۲۷۰-۲۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/ ۸۸-۸۵)، عالم برای عباسی (۱/ ۱۵۵-۱۵۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۰-۳۱۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۲)، شعای نامدار شیعه (۲۸۶-۲۸۷)، مرادالرضویه (۵۲۱-۵۰۲)، ملاسه شیده (۴۱۵-۴۲۹)، کارنامه بورگان (۳۲۵-۳۲۴)، الکشی و لالقب (۲/ ۱۰۰)، لب نامه (ذیل / شیخ بهایی)، بهادری، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۴۲۱-۴۲۲)، مجمع النصوص (۲۰-۳۱)، مجمع الفصحاء (۳/ ۱۵۱-۱۵۲)، مطلع الشمس (۲/ ۳۸۸-۳۸۶)، مجمع المؤلفین ۱۹۵/ ۲۲۲، منظومه های فارسی (۲۵۳-۲۵۶)، منابع الاذکار (۵۱۰۳-۱)، پنا (س ۱۲، ص ۱۴۳-۱۴۶).

شیخ ثانی کرمانی، حبیب الله، فرزند محیی، (ر ۹۵۵ و)، خطاط. خط نسخ را از پدر خود و نستعلیق را از سید احمد مشهدی آموخت. از آثار او: یک قطعه از مرقع سلطان حسین بایقرا، به قلمهای مختلف از جمله نستعلیق نیم دو دانگ موسط، با رقم «کتبه حبیب الله بن محیی المشتهر بامیر شیخ الثانی الکرمانی» یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم «حبیب الله الکرمانی» یک قطعه به قلم سه دانگ خوش، با رقم «کتبه حبیب الله الکرمانی» یک قطعه به قلم سه دانگ خوش، با رقم «کتبه امیر شیخ الثانی الکرمانی» یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم «نمقه امیر شیخ اسانی الکرمانی، فی سنه ۹۹۵». احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۲، ۴/ ۱۰۵۷)، مناقب هنروران (۶۸).

شیخ حسن بن عبدالعظیم ثانی، (س سیر دهم ق)،

می سرود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت به طوری که در اندک زمانی سرآمد همگان گردید

حوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۱)، تذکره رور روشن (۴۵۱) الذریعه (۹/ ۵۶۴)، فرهنگ سیوران (۵۲۹)،

مجالس التفات (۹۷)، مناقب سیوران (۶۱، ۶۰)

شیخ زاهد نامی گیلانی، (وف ۱۲۲۲ ق)، ادیب، عارف و شاعر، سلسله نسل به شیخ زاهد گیلانی اول می رسد. ابتدا نزد آخوند ملا علی توری تلمذ کرد، سپس به خدمت حسین علیشاه، رافضای سلسله نعمت الهی رسید و به ارشاد مأمور شد در کاظمین درگذشت او است.

عمری به در مدرسه ها بنشینیم

ب. هل ربا و کسر و کس بسوسم

از یک نظر عاشق رندی آحر

هم از خود و هم ز غیر خود وارستیم

الدروسه (۹/ ۳۹۹)، طرائف الحقائق (۲/ ۲۲۳)،

مکرم الآثار (۳/ ۷۵۱)

شیخ شطاح - روزبهان بقلی نسایی.

شیخ صدوق - ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد.

شیخ صفی اردبیلی، ابو الفتح صفی الدین اسماعیل بن امین الدین جبرئیل موسوی، (وف ۷۳۵ ق)، عارف و شاعر، ملقب به شمس الدین و معروف به صفی و شیخ صفی. معروف به برهان، الاصفی و قطب الاقطاب و شیخ العارین. اهل آذربایجان بود و نسبت وی به حضرت امام موسی کاظم (ع) می رسد وی چند سلاطین صفویه است در همان روزگار کودکی توجه خاصی به امور مذهبی نشان می داد و به مشاهده طهورات شبیه و عراق عبر مرثیه توفیق یافت. در مزار شیخ فرج اردبیلی و گاهی در مرقع شیخ ابوسعید اردبیلی مشمول عبادت می شد. به قصد دیدار شیخ حبیب الدین نزعش شیرازی به شیراز رفت، ولی زمانی که به شیراز رسید شیخ فوت کرده بود وی در شیراز خالیه اوقات با رکن الدین پیرنیاوی و رومی اندین مالیکی و شیخ سعدی شیرازی همنشین بود. به عزم ریارت شیخ کیور زاهد گیلانی از شیراز به اردبیل رفت و با دختر شیخ زاهد، بی بی فاطمه، ازدواج کرد و از او صاحب سه پسر شد که یکی به نام صدرالدین رتبه

مانده از وی، که در «دیوان» حافظ و «دیوان» امیر علیشیر برای به یادگار مانده، معلوم می گردد دنباله رو مکتب سلطان محمد خراسانی بوده است. شیخ زاده در چهره سازی و منظره پردازی و مجالس رزمی و بزمی استاد و در تذهیب و تشعیر و حل کاری قوی دست و در صنعت خط نیز صاحب کمال بوده است. ز آثار وی: مجلس وعظی که مؤسین اجتماع کرده و گریه و شیون می کنند و مجموعه سرشاری از هر تذهیب و ترصیع و نقوش هندسی به شمار می آید، با رقم: «عمل شیخ زاده» منظره رزمی اسکندر با داریوش که طرفین با آرایش و پیرایش جنگی به همدیگر حمله کرده و با بیر و کمان به ستیر مشغول می باشند تصویر شاهزاده سواره ای که با پیرمردی صحبت می کند و در اطراف آن چو پانهایی نیز مشاهده می شود و در طرف چپ تصویر، کوهی است که در وسط آن، درخت زیبایی با گل و برگهای مخصوصی دیده می شود، با رقم: «عمل شیخ زاده»

سیوران و تر سقا (۱/ ۲۴۹-۲۵۱)، سر عهد

سیوریان (۳۹۱، ۶۹۸، ۷۱۲)

شیخ زاده، احمد سهروردی، فرزند یحیی، (ز ۷۲۸ ق)، خطاط، از شاگردان یاقوت مستعصمی بود که بر بعداد متولد شد. کتابت بسیاری از کتبه های بغداد را به وی نسبت داده اند. از آثار وی: یک نسخه «نهج البلاغه»، به خط نسخ کتابت عالی و ثلث دو دانگ جلی عالی، با رقم: «خدم مکنه العبد الفقیر... احمد بن محسن بن محمد بن عمر بن محمد السهروردی... سنة لسان و عشرین و سیمائة... قرآن رحیمی کوچک با جلد تیماج هتایی، صفحه اول هر جزء، تمام مذهب مرصع ممتاز، به خط ثلث جلی عالی، با رقم: «... احمد بن السهروردی... سال ۷۰۶ یک صفحه از مرقع مالک، به خط ریحان سه دانگ جلی ممتاز با رقم: «کتبه الفقیر... احمد بن السهروردی»

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۰۲۶-۱۰۲۷)، تاریخ

هنرمی ملی (۲/ ۷۸۷-۷۸۸)، گلستان هنر (۲۱)، مناقب

سیوران (۳۹، ۴۳، ۱۱۲)

شیخ زاده پورانی، فرزند شیخ ابوسعید، (س نهم ق)، شاعر و خطاط، مؤلف «مناقب سیوران» وی را از خوشنویسان دربار سلطان حسین بایقرا دانسته است. شیخ زاده از دقیق انشاء و نظم بهره مند بود و شعر

شیخ عبدالحمین سردادور تبریزی. (س چهاردهم ق)، حواشیه، از خوانندگان ماهری بود که به او بلیک می‌گفتند. از شاگردان اقبال آذر بود و دستگاه سه‌گاه را بسیار خوب می‌خواند.
تاریخ موسیقی (۱/ ۳۹۹).

شیخ عبدالله هروی. (وف ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر. از کتابان مقرر هرات بود که مدت چهل و پنج سال تا امیر عیشیر نوایی مؤلفیت و مصاحبت داشت. از خطوط، جر نستعلیق، نسخ و تعلیق را در غایت لطافت می‌نوشت و در خط شناسی مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. در هرات درگذشت. به خط وی، یک نسخه «خمس» جامی موجود است که تاریخ تحریر آن ۹۳۷ ق است.
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۵۹-۳۶۰)، خوشنویسان و مرمندان (۲۲)، گلستان مهر (۸۶)، مهر عهد تیموریان (۴۴۰، ۵۷۲).

شیخ العراقین تهرانی، شیخ عبدالحمین بن علی رازی. (وف ۱۲۸۶ ق)، محقق، عالم و محقق امامی. در بیست و نهمین سال از شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ چس کاشف المظاه و شیخ مشکور حولای و شیخ عیسی زاهد تلمذ کرد و به دریافت اجازة اجتهاد بایل شد. آن‌گاه به عنوان پیشروی دیبی به تهران بازگشت و مرجعیت عام یافت. او به ترویج دین و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و بدون ترس از ناصرالدین شاه قاجار، در بسیاری از موارد، در مقابل وی ایستاد. شیخ امر فی در دقت، تحقیق، سرعت انتقال، کثرت حافظه از نوادر به شمار می‌رفت و در فقه و حدیث و رجال و لغت متبحر بود. از صاحب «جواهر» و سید شمع جابلقی و ملا رفیع رشتی روایت کرده است. پس از تلاش برای بازسازی قبۀ مبارک حسینی و قبۀ مبارکۀ عسکریین به کاظمین رفت و در آنجا از دنیا رفت و پیکرش به کربلا منتقل و در صحن مقدس حسینی دفن شد. از آثار وی، احداث مسجد و مدرسه بزرگی در تهران به نام مسجد و مدرسه شیخ العراقین؛ کتابخانه بزرگی حاوی کتب خطی نفیس در کربلا از آثار علمی وی، کتابی در «طغایات الرواة»، در رجال، که در حدودی ریا تنظیم کرده است، ترجمه «سجادة المآد» رساله عملیه؛ حواشی و تعلیقات بسیار؛ «مصباح السجادة» در مراسم نماز و سر استعمار بین مجذبتین.

سیر النبلا. (۸ / ۳۳۴-۳۳۵)، طبعات اعلام الشیعه. (م ۵ / ۶۱-۱۶۲)، طبعات شهاب و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۲۹)، معهای نامک شیعہ (۷۹-۶۷)، حواشیه الرضویه (۴۷۰-۴۷۳)، الفهرست للعلوم (۱۵۹-۱۶۱)، قرآن پژوهی (۱۷۳-۱۷۵)، قصص العلماء (۳۱۶-۳۱۷)، الکامل (۸ / ۱۰۶)، کدنامۀ بزرگان (۱۲۱-۱۲۲)، کشف القیود (۴۵۲، ۱۵۸۱، ۱۹۷۳)، الکسبی و الانساب (۲ / ۳۹۷-۳۹۸)، لسان المیزان (۶ / ۵۲)، لغت ساده (دیل / ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۲-۲۰۶)، معانی المؤمنین (۱ / ۴۸۰-۴۸۲)، مجمل مصححی (دیل / سال ۲۶۰)، معجم المؤلفین (۹ / ۲۰۲)، معجم رجال الحديث (۱۵ / ۲۴۳-۲۴۷)، منتخب التلخیص (۱۹۰-۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۲ / ۲۹۴)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الانساب (۹)، هدیه المعارف (۱۲ / ۱۷۲).

شیخ عباسی. (ز ۱۰۹۸ ق)، نقاش. از پیشگامان تحول سبک در دوره شاه عباس دوم و از معاصران معین حضور بود که در شبیه سازی و چهره پردازی و نقش مخالفان رسمی و یزیدی و پرورده سازی دسب پر جلالت و تاشیخ را بر روی قلمدان نیز نقش آفرینی می‌کرده است. اگر شیخ انحصاری وی، معلوم می‌گردد که در دستگاه شاهانه مرف و منزلتی داشته و لقب عباسی را از شاه صفوی دریافت کرده است. اغلب آثار این هنرمند در شبیه استادان نامی آن دوره، محمد زمان و علیقلی بیگ جوادار است. از آثار وی تصویر جلوس شاه عباس دوم که سیر هند را به حضور پذیرفته و در قسمت انتهایی آن، منظره شهر و درختان و کوهها به جلالت تمام موردار گشته و رقم: «بهاگرت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۷۴» دارد؛ تصویر شاهزاده هندی که جام شراب به دست گرفته و البسه رسمی پوشیده است و در انتهای تصویر، منظر، تپه و دشت و چمن و درختان است و به خط نستعلیق رقم: «بهاگرت چو گردید شیخ عباسی» دارد؛ تصویر جمعی از درویشان و محفل اخوت که دور هم نشسته و به صحبت مشغول می‌باشند و قیافه و البسه درویشان در شبیه مغولی هندی است، یا رقم: «بهاگرت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۹۸».

احوال و آثار نقاشان (۱ / ۲۵۲-۲۵۳، ۳ / ۱۲۶۴)، مهر قلمدان (۲۸، ۱۲).

صاحب «حواهر» آورده و نظم «تنظیم الدرر فی حلاله الجمعة» را به وی نسبت داده است.

اعیان الشیعه (۹/ ۱۵۹)، الذریعه (۴/ ۱۵۶، ۳۸۷، ۱۱۲/ ۱۵۶، ۱۳، ۱۴۹، ۲۲/ ۵۰)، رجانه (۳/ ۳۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۴۰۲)، فوائد الرضویه (۲۵۲)، المآثر والأثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چلهی (۲/ ۵۸۷-۵۸۲)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۹۵).

شیخ محمد بن احمد (ز ۸۳۲ ق)، خطاط، ارجانبان و از ندمای نستعلیق نویسان بود. به خط وی، یک نسخه «دیوان شمس تبریزی»، به قلم کتابت متوسط در کتابخانه ایاصوفیه استانبول بوده است؛ با رقم: «تتمت الکتاب». شیخ محمد بن احمد، احسن الله احواله، می سنه ۸۳۲.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۵۳۲)

شیخ محمد بن حسین کاتب لاری (ز ۹۵۸ ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، دارای سرلوحه مذقّب و جداول رنگین سطلا و جلد چرمی، در ۹۵۸ ق.

هر عهد تیمریان (۶۸۳).

شیخ محمد هروی، ابن فخرالدین احمد کاتب سلفانی هروی (ز ۹۳۳ ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «دیوان» مغربی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... شیخ محمد بن فخرالدین احمد... سنه ۸۸۹». یک نسخه شش دفتر «مشوی» مولانا، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تتمت الکتاب». شیخ محمد بن فخرالدین احمد الکاتب... سنه اثین و تسعمائة؟ یک نسخه «دیوان» جامی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... اختتام یافت... علی اناهل العبد شیخ محمد بن فخرالدین احمد السلطانی... فی سلخ رمضان سنه ۹۱۴ و شوال ۹۲۱». یک نسخه «خمس نظامی» به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم الکتاب... شیخ محمد بن فخرالدین احمد الکاتب السلفانی الهروی... سنه ثلاث و ثنین و تسعمائة الهجرية».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۰۵)، هر عهد تیمریان (۲۲۰، ۲۲۷، ۵۲۷، ۶۳۸-۶۳۷، ۶۶۸-۶۶۹، ۷۷۲-۷۷۳)

اعیان الشیعه (۷/ ۲۳۸-۲۳۹)، الذریعه (۱/ ۱۲۶، ۴/ ۱۲۲، ۲۱/ ۱۲۲)، رجانه (۳/ ۳۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/ ۷۱۵-۷۱۲)، الکسی و اللطاب (۲/ ۳۹۷-۳۹۸)، معجم رجال نجف (۲/ ۸۵۵-۸۵۴).

شیخ علی خودنگر بخاری (س نوم ق)، فلزکار. اهل بخارا بود. وی با همکاری عده‌ای از استادان، پنجره زرکوب فولادی ساخته بود، که در موزه استاد قدس رضوی مضبوط است.

سوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۷)

شیخ عمو، ابو سماعیل احمد بن محمد حمزه صوفی (وف ۲۴۱ ق)، صوفی. مشایخ بسیاری را ملاقات کرد. شیخ ابوالعاس نهانندی لقب عمو را به وی داد. در نیشابور، شیخ ابوبکر فرا دیداری داشته و سفر اول حج خود را با شیخ احمد نصر طالقانی به جای آورده است. از جمله مشایخی که وی با آنها ملاقات داشته به همضم همدانی، محمد ماحری، جو الکر، شیخ ابوالخیر حبلی، ابوالحسن سرکی، شیخ سیرانی و شیخ ابوالفرج طرسوسی را می‌توان نام برد.

طبقات الصوفیه هروی (۵۲۶، ۵۳۲، ۵۳۳)، معجم الصیغی (دیل / مسائل ۴۴۱)، شجرات الاس (۳۴۹)

شیخ فضل الله نوری - نوری مازندرانی، شیخ فضل الله.

شیخ کبیر طبرسی، محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی (وف ۱۳۴۵ ق)، عالم مامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. او از شاگردان علامه ملا محمد تقی هروی اصفهانی بود. در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه وفات مرجعیت داشت. دو مقبره سار فروش دفن است. از آثارش: «نتیجه‌المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده کتاب «رجال» استادش شیخ محمد تقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواضع؛ «حدیقه‌المعارفین»؛ «اسراج الامة»، در شرح «شرح النعمه»، در چند مجلد؛ شرح «شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتزانی؛ حاشیه بر «قواعد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله عملیه «اصراط النجاة». محدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد

شیخ محمد سبزواری، فرزند شیخ کمال، (ز ۹۷۶ ق)، نقاش و خطاط. اهل سبزواری بود و ملازم سلطان ابراهیم صفوی. با او به عراق رفت. در زمان شاه اسماعیل دوم، در کتابخانه وی مشغول به کار شد، سپس به خراسان برگشت و به خدمت شاه عباس درآمد. در خراسان درگذشت. او شاگرد استاد دوست دیوانه بود و در انواع تذهیب و شعر و حل کاری مهارت داشت و حلای شهاب به کار می برد. در چاتور سازی و تصویر حیوانات نیز صاحب قلم بود و مناظر پر می و رومی را با حالت می ساخت. از فرنگی سازی وی که در کتاب «عالم آرای عباسی» ذکر شده، اثری مشاهده نشده است. او در کتابت خطوط نیز صاحب قلم بود و مستعین رخصش می نوشت. از خطوط وی: قطعه ای از مرقع مالک دیلمی، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش که به مرکب الوان نوشته شده و رقم: «فقیر شیخ محمد بن شیخ کمال سبزواری... ۹۷۶» دارد. از آثار نقاشی وی، تصویر شتر و ساریانی که در کنارهای آن، اشعار خود را درج نموده و در هر بیت آن، نام شتر و حجره گنجانده شده است، رقم: «مصوره و سحرره شیخ محمد فی شهر سنه ۹۶۴» تصویر مجلس پر جلال معارفه یوسف که برای از قیوح با ریختن تشکیل یافته است و مستخدمان مشغول پذیرایی بوده و نعل و بیات در دستشان دیده می شود؛ تصویر اسکندر که در ستر مرگ افتاده و همراهان وی گریه کنان به سر و سینه خود می زنند و در این تصویر درخت نموند و کهنسالی با شاخه های شکسته و آتش گرفته دیده می شود؛ تصویر مردی که کلاهی به سر گذاشته و روی آن شال پارچه ای بسته است، در زمینه صفحه، تصویر اسلیمی و برگ و گل و حل کاری قرصیم شده و تمام صفحه را در بر گرفته است و رقم: «رافعه شیخ محمد» دارد.

حوال و آثار خوشنویسان (۷۲۱-۷۴۲)، حوال و آثار نقاشان (۲۵۵-۲۵۳ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۹۶-۸۹۵)، عالم آرای عباسی (۱ / ۱۷۶)، گلستان هنر (۱۲۲)، هنر عهد تیموریان (۵۹۵)

شیخ محمد مصور، (ز ۹۷۰ ق)، خطاط و نقاش. از شاگردان میرعلی هروی بود و در مشهد می زیست. از آثار وی: یک قطعه از مرقع محمد صالح، که قطعه شعر معروف میرعلی را نقل کرده است، با رقم: «فقیر شیخ محمد مصور... فی مشهد مقدس حضرت امام علیه

السلام ۹۷۰» یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «فقیر شیخ محمد مصور» و تصویری با رقم: «شیخ محمد» در ۹۶۴ ق. حوال و آثار خوشنویسان (۸۳۸-۸۳۷ / ۲)، حوال و آثار نقاشان (۱۰۸۵-۱۰۸۲ / ۲)، هنر عهد تیموریان (۵۷۵، ۵۹۱، ۵۹۷، ۶۰۲، ۶۱۸، ۷۲۱).

شیخ محمد یعقوبی هروی، (ز ۱۱۳۲ ق)، خطاط از آثار وی: یک قطعه از مرقعی به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «کته محمد هروی سنه ۱۱۳۲» یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کته محمد هروی سنه ۱۱۳۲» یک قطعه از مرقع مستعین دو دانگ متوسط و رفاع کتابت خوش، با رقم: «کته شیخ محمد یعقوبی...» یک قطعه از مرقع مستعین کتابت و رفاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه المبد... شیخ محمد الباقوبی احسن الله احواله»

احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۱ / ۳)، ۱۲۰۸ / ۲

شیخ محمود پیر بودائی «شیخ محمود جعفری هروی

شیخ محمود جعفری هروی، (ز ۸۶۹ ق)، خطاط از شاگردان جعفر تبریزی پایستری بود. ابتدا نزد پیربوداق بن جه شده قرائت و نحو به امر کتابت مشغول بود و پس از آن به دربار سلطانه یعقوب بن اورون حسن پیوست و در کتابخانه وی به امر کتابت پرداخت. مرقعی بسیار نفیس از متروکات سلطان یعقوب اکنون در کتابخانه حریت اوقاف استانبول است که در آن مکتوبی از شیخ محمود ظاهراً خطاب به سلطان یعقوب نوشته است و از معاد آن چنین استنباط می شود که در کتابخانه آن امیر، سمت ریاست را داشته است. شیخ محمود مستعین را خوش و انعام شمش گانه را بیان استادان طراز اول می نوشت. مؤلف «احوال و آثار خوشنویسان» سام وی را در دو ذیل «محمود جعفری» و «محمود هروی» آورده که هر دو یکی هستند. از آثار وی: یک قطعه از مرقعی در کتابخانه حریت اوقاف استانبول، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «کته شیخ محمود الجعفری بهرام مشرک گدرگاه هرام»؛ یک نسخه «عربیات» امیر شاهی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «پسعی و اهتمام اقل عبدالله الودود، شیخ محمود... سه اربع و ستین و ثمانمائه

مأمور شیراز شد. در ۱۳۱۵ ش در دانشسرای عالی به تدریس دروس علمی آزمایشگاه زمین شناسی پرداخت. بعدها ریاست آزمایشگاه زمین شناسی و دروس علمی آن و همچنین دروس علوم طبیعی کلاسهای مخصوص علمی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «دیرین شناسی»؛ «راهنمای زمین شناسی»؛ «مجموعه اصطلاحات علمی» مؤلف کتب چاپی (۲/ ۷۲۲-۷۲۵).

شیخ رودی اصفهانی، (ر ۸۱۶ ق)، نقاش و خطاط. اهل اصفهان بود. تنها اثر وی، نسخه‌ای مصور است که جهت اسکندر سلطان ابن همر شیخ به سال ۸۱۶ ق کتابت و مصور ساخته است. یک صفحه مصور این نسخه، تصاویری متنوع و اصحاب آور است که بعضی از افراد سوار شتر مرغ و شیر و ازدها شده و در جای دیگر، یک انسان دو سر و کسی که در انتهای دستش سراسانی روئیده است، دیده می شود و در ذیل هر تصویر، تعبیراتی آورده، مثلاً در تصویر کسی که یک دستش سر انسان روئیده، نوشته: «صورت هر میاوش، اما آنچه پنهان گیرند که بر فلک البروج است از صورت قصب شیمالی/اسر بریده غولی بر دست چپ دارد...» و رقم نهاده: «کاتب شیخ رودی».

احوال و آثار نقاشان (۲/ ۱۲۶۵)

شیخ هادی تهرانی - تهرانی، هادی/محمد هادی

شیخی بیک نقاش. (س ۵۴۳ ق)، نقاش و خطاط. در نقاشی ماهر بود و خط را نیکو می نوشت. در مرقع بهرام میرزا هفتم خطی از این نقاش موجود است که به قلم تیم دو فانگ و کتابت خوش نوشته و چنین رقم دارد. و عرضه داشت مدد خاکسار شیخی بیک نقاش...».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۳)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۵)، هر عهد بیمورین (۵۴۲، ۵۷۳).

شیخی طبسی. (س ۵۴۳ ق)، شاعر، اهل طبس بود. مدتی در عراق به سر برد. وی در علم ادوار آگاهی داشت. او از است.

این سه داغ است که بر سینه سوزان من است
مهر عشق است که از مهر تو بر جان من است
الزیم (۹/ ۵۶۵)، مرهنگ سحرور (۵۲۹)، مجالس العالی (۸۰).

الهجریه بدارانک شیراز ۴۰ یک نسخه ریاضیات خیام، به قلم کتابت متوسطه با رقم. «کتابه العبد... شیخ محمود پیربوداقی... سنه خمس و ستین و ثمانمائة الهجریه...»؛ یک نسخه «چهل کلمه» با ترجمه مستعملین کتابت خوش، با رقم: «کتابه شیخ محمود... سنه تسع و ستین و ثمانمائة بدارانسلم بغداد» و چند ترجیع بند و قطعات دیگر با تاریمهای مختلف.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۴۶۸)، ۸۹۱-۸۹۲، هنر عهد بیمورین (۶۲۹).

شیخ محمود خزانه. (س سیردهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و خواننده. معروف به شیخ محمود غنّه. برادر شیخ مرتضی خزانه و از اهالی تهران بود که در علم موسیقی و خوانندگی از استادان درجه اول زمان خود محسوب می شد. وی به دستگاههای موسیقی اصاطه کامل داشت و خواننده‌ای مقتدر بود. پیش از هفتاد سال عمر کرد و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه با او این حکومت مظفرالدین شاه قاجار درگذشت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۶۶۰-۶۶۱)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۳۷۱-۳۷۲)

شیخ مرتضی انصاری - انصاری، شیخ مرتضی

شیخ مرشد - ابواسحاق کازرونی

شیخ المشایخ دزفولی، اسماعیل. (ز ۱۳۳۵ ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه، به خط نسخ کتابت متوسطه، با رقم: «کتابه الفقیر الدزفولی، فی سنه ۱۳۳۵ من الهجره». احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۰۲۶)

شیخ اسمک، عبدالعسین - اورنگ، عهد لهسین.

شیخ نیا، غلامعلی، فرزند هادی. (۱۲۸۳-۱۳۴۰ ش)، مدرس و نویسنده. در اراک متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در اراک و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند. در ۱۳۰۷ ش به همراه اولین دسته از دانشجویان هزانی به فرانسه رفت و در رشته علوم طبیعی مدرک لیسانس گرفت. پس از آن مشغول مطالعه و تهیه مقدمات رساله دکتری شد. پیش از گذراندن دوره دکتری به دستور وزارت فرهنگ به ایران مراجعت کرد و

شیدا، محمد پیریای کهن چینی ریای گیلانی.

شیدا شهرکردی، میرزا عباس، فرزند میرزا اسحاق دهکردی (۱۲۶۰-۱۳۲۸ ش)، مدرسی، ادیب، نویسنده، شاعر و خطاط. در شهرکرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود، سپس در اصفهان در خدمت اساتید بزرگی چون: آخوند کاشی، آقا شیخ مرتضی ریری و میرزا حسین همدانی تلمذ کرد. او همچنین در خط نزد میرزا فتح‌الله جلالی تحصیل کرد و در این رشته به کمال رسید و در انواع خط مخصوص نسخ و سعلیق مهارت و استادی داشت. وی در جوانی در دستگاه رضایی خدمت بختیاری وارد خدمت شد؛ پس از مدتی خدمت دیوانی را رها کرد و از راه کتابت و استنساخ کتب، تأمین معاش می‌کرد. شیدا در تأسیس انجمن ادبی دانشکده اقدام کرد. هدف انجمن ادبی دانشکده آشنا کردن شعرا با یکدیگر و خواندن شعر و نقد از اشعار شعرا بود. عصرهای جمعه به منظور فوق، شعرا در منزل شیدا جمع می‌شدند. انجمن ادبی دانشکده به مدت چهارده سال در منزل وی تشکیل می‌شد. شیدا جهت آنکه اهمیت انجمن را در خارج از اصفهان بیشتر کند، به نشر مجله «دانشکده» در اصفهان در ۱۳۰۳ ش همت گماشت، اما این مجله بیشتر از پنج شماره انتشار یافت. او قبل از نشر مجله «دانشکده»، به تأسیس و نشر روزنامه «بندیه اصفهان» پرداخت و از این راه نیز به ورش کردن افکار همشهریان خود پرداخت. وی را در تکیه سید المراقب اصفهان به خاک سپردند.

تاریخ جراید (۲/ ۲۰-۲۲، ۲۷۲-۲۷۳)، تذکره شعرا، معاصر اصفهان (۲۹۱-۲۹۴)، تذکره القوم (۲۶۲-۳۶۲)، لذیذه (۹/ ۵۶۵-۵۶۶)، سخنران نامی معاصر (۳/ ۲۱۲۸-۲۱۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدا شیرازی، علی اکبر بیات، فرزند شاه ولی. (ز ۱۳۲۷ ق)، موسیقیدان، خطاط، صرفی و شاعر، متخصص به شیدا، ملقب به مسرور عیشیه، در شیراز متولد شد. اهل طالقان بود. پس از تحصیلات به سمت متسگری در دستگاه حکومت مشغول کار شد و مورد توجه فتحعلی خان صاحب دیوان، حاکم فارس، قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به سلک درویشان خانقاه صفی عیشیه پیوست و از طرف صفی عیشیه ملقب به مسرور عیشیه گردید و تا پایان عمر نیز در همان خانقاه

شیخی کرمانی. (س دهم ق)، نقاش و شاعر. اهل کرمان بود و در نقاشی و شعر مهارت داشت. در تحفه سامی آمده: «در نقاشی بی بدل بود و در ملایی مکمل». این مطلع از اوست

طهرات مار غنچه را مساند

چهره، ماء دو هفته را مساند

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۵)، تحفه سامی (۲۷۷)،

الذیعه (۹/ ۵۶۵)، فرهنگ سخنوران (۵۲۹).

شیخی مذهب. (ز ۹۴۵ ق)، مذهب از مذهبان شیرین قلم و نادره کار روزگار خرد بود. یگانه اثر وی. تصویر دو عاشق در کنار هم و زن چادر به سری که صراحی شراب به دست گرفته و به دیگری عرضه می‌کند، با رقم: «مشقه شیخی مذهب فی سنه ۹۴۵».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۵-۲۵۶).

شیخی یعقوبی. (س نهم ق)، نقاش از نقاشان دوره آق قورسلوها بود. در خدمت سلطان خلیل و سلطان یعقوب به احترام می‌زیست و در مکتب تبریز و ترکمان تصویر می‌ساخت. اغلب کارهای وی شبیه کارهای استاد محمد سیه قم بوده و تزیینات و آریس المسه ندرت تا حدودی به شیوه چینی می‌باشد. از آثار وی: تصویر دو زن چینی که روی صندوقهای نشسته‌اند و در جنب آنها نقش دو گن خوش حالت و با طراوت جلب نظر می‌کند و کارهای صندوق به شیوه ایرانی تذهیب شده و به خط نستعلیق رقم: «عمل استاد شیخی نقاش» دارد؛ تصویر دسته درویش و گدایان پابره که در گداهایی اجتماع کرده و دو طلبه متفکر و خوش لباس به جمع آنها نظاره می‌کنند؛ با رقم: «عمل شیخی الیعقوبی»؛ تصویر شاهزاده اسب سواری است که فیری را با تیر شکار نموده است. در کنار این مجلس، نقش گیل و برگ در شیوه چینی سازی است و پرند و ریبی در حال پرواز دیده می‌شود و نوشته‌ای به خط نستعلیق دارد، با رقم: «عمل استاد شیخی»؛ تصویر سر و صورت جوانی در کمال استادی که در جنب اثر، تصویر استاد احمد مرسی انحاق شده است و رقم: «مشق شیخی» دارد؛ تصویر ابردی که به سبک چینی لباس پوشیده‌اند و دو پیرمرد که لباسهای مخصوصی به تن دارند، این سه نفر را مسخره می‌کند، با رقم: «کار استاد شیخی نقاش».

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۵۶).

بر لب آمد امشب از افلاک
بر لب جانبخش جنانان جان ما
خاطری خوش دارم از غم کاشکی
مسیرودی یار پر حرمان ما
الدریمه (۹/ ۵۶۷)، سفینه‌المحمود (۲/ ۲۸۸-۴۸۷)
فرهنگ سخنران (۵۳۰)، مصطفی خراب (۱۰۵)

شیدای چالشتری، سید عبدالله، فرزند سید
محمدعلی شاکر، (تو ۱۳۹۶ ق)، شاعر در چالش سر مولد
شد. تحصیلات مقدماتی را نزد ملا علی قاضی معروف
به جانب، جد مادری خویش به انجام رسانید. در اصفهان
ساکن شد و به انجمن دانشکده داخل گردید. قسمتی از
اشعارش در مجله «دانشکده» دوره اول به چاپ رسیده
است. «دیوان» اشعارش در چند هزار بیت از غزل و
قصیده و دیگر قالبهای شعری است
تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۹۵-۲۹۴)، تذکره نقیر
(۳۶۳)، الدریمه (۹/ ۵۶۶)

شیدای شیرازی، محمد علی، فرزند ملا حاجی
محمد، (ص سیزدهم ق)، شاعر، برای تجارت از شیراز به
هند رفت، اما در تجارت توفیقی نیافت. به رامپور رفت و
در دستگاه براب محمد سعیدخان به کتاب خوانی
مشغول شد. از اوست:

از کسم برد دل از نیم نگاهی که می‌رس
برقی، از اهرلی، چشم سیاهی که می‌رس
حدیقه الشعراء (۲/ ۹۳۹)

شیدای فتحپوری، ملا شیدای تکلر، (وف ۱۰۸۰
ق)، شاعر، پدرش از طایفه بکنو و ساکن مشهد بود که به
هند مهاجرت کرد. وی در فتحپور هند به دنیا آمد مدتی
ملازم میرزا عبدالرحیم خان خانان بود، سپس به خدمت
شاهزاده شهریار فرزند جهانگیر پادشاه رفت و پس از
جلوس شاه جهان، در سلک ملازمان او درآمد و مقام و
مرتبه‌ای در دستگاه حکومتی یافت. وی با اظهاری شاعر،
معاصر بوده است و گویا در هر مجلسی که شیدا بوده
اظهاری از شعر خواندن خودداری می‌کرده است. از
آثارش: «دیوان» شعر، در حدود ۱۲۰۰ بیت؛ «وصف
کشمیر»؛ «مثنوی» «دولت بیدار» بر وزن «محرز الاسرار»
نظامی. برخی تذکرها شرح حال او را با شیدای کاکوری
در هم آمیخته‌اند.

ریست شیدا در تهران مورد توجه رجال عصر خود بود و
نام بعضی از آنان از جمله علی‌اصغر خان اتابک، شعاع
السلطنه و حاجب‌الدوله را در اشعار خود آورده است.
وی حظ مستعشق را خوش می‌نوشت، اما حمده شهرتش
به جهت تصنیف سازی بود. شیدا پایه‌گذار اصلی
تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی است. او
راهنمای و راهنمای عارف در تصنیف سازی بود و تاریخ
تصنیف سازی و ترانه سرایی در ایران با شیدا آغاز
می‌شود. وی گذشته از تصنیف، غزل بسیاری نیز سروده
است. او به درخواست میرزا حسین علی (ملقب به بابا)
اشعار خود را در دفتری گردآورد و به وی تقدیم نمود.
بعضی از غزلهای شیدا وزنی صریح آهنگی دارد، مانند
عزلی که با مطلع زیر شروع می‌شود.

تا هم عشق رخت مونس جانم باشد
می‌کشم جور تو تا تاب و توایم باشد
یکی در تصنیف رسای او در دستگاه سه‌گاه به نام «مولود
سی (ص)» است که جزو بهترین آثار هنری اوست. در
بن نابویه مدون است.

ترسیان لیس (۲/ ۱۵۹-۱۶۰)، تاریخ ادبیات ایران، دیوانه
و گذشت (۲/ ۲۵۲-۲۵۳)، تاریخ موسیقی (۲/ ۲۴۲-
۲۶۹)، تاریخ هنرهای صبی (۱/ ۶۲۵-۶۲۶)، دانشندان
و سخن سرایان فارس (۳/ ۲۸۹-۲۷۸)، سرگذشت
موسیقی (۱/ ۳۹۸-۳۹۴)، لغت نامه (دیل)
شیدا، مردان موسیقی (۱/ ۱۸-۲۰)

شیدای اصفهانی، آقا محمد علی، (وف ۱۳۱۴ ق)،
شاعر. در اصفهان آیه‌ساز بود. در جوانی به شیراز
رفت. وی از شاگردان سید احمد هاتف بود و به شیوه او
شعر می‌گفت. به قواعد نظم و قوافی واقعی داشت و در
غزل سرایی از طبعی خوش و سلیقه‌ای درست
برخوردار بود. در شیراز وفات یافت و در همانجا دفن
شد. «دیوان» او حدود شش هزار بیت بوده است.

تذکره نقیر (۳۶۳)، حدیقه الشعراء (۲/ ۹۳۹-۹۳۶)،
سفینه‌المحمود (۲/ ۴۸۶-۴۸۷)، مجمع القصص (۵/
۵۳۸-۵۳۹)، مکارم الاکار (۲/ ۵۳۷)، مصطفی خراب
(۹۸)، نگارستان دارا (۲۰۷-۲۰۳)

شیدای نویسرکانی، علی، (ص سیزدهم ق)، شاعر.
اهل نویسرکان بود. از اوست:

می خواند. شیدا «دیوان» شعری در سه هزار بیت دارد
سیدالمحمود (۲/ ۲۷۹-۲۸۱)، مصطفی خراب (۱۰۵).

شیدای یزدی، میرزا ابوالحسن. (وف ۱۲۲۹ ق)،
سوی و شاهر اصل وی برپرد بود و از بزرگان سادات و
صلای عالی مقام بود. زمانی آشفتنگی دماغ او را به
شیدایی گشاند اما بهود یافت. در علم لغت ممتاز و ب
هنر بود اشعار او بیشتر در منقبت حضرت امیرالمؤمنین
(ع) است.

ذکره سخبران یزد (۱۷۸-۱۷۹)، حدیقه الشعراء (۲/
۹۲۲-۹۲۳)، سیدالمحمود (۲/ ۲۸۳-۲۸۴)، فرهنگ
سخبران (۵۳۱-۵۳۲)، مجمع المسموع (۵)،
۵۴۰، ۵۳۹

شیرازی، ابراهیم بن صدوالدین محمد بن ابراهیم.
(وف ۱۰۷۰ ق)، عالم امامی، مفسر، مسکلم، فقیه و
ریاضیدان. نردگرهی از علما به فراگیری علوم پرداخت
که برجسته ترین آنها پدرش ملا صدرا بود، هر چند که در
بسیک فلسفی با پدر مخالفت داشت. میرزا ابراهیم در
اکثر علوم به ویژه در عقاید و ریاضیات مشهور بود. سید
نعمت شجری از شاگردان وی بود. در عهد شاه
عباس دوم در شسپرا از دنیا رفت از آثارش
«انوارالرقی»، در تفسیر قرآن؛ حاشیه بر «الهدایه»
حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «شبه شمس الدین بر
«شرح التجرید»؛ رساله ای در تفسیر «آیه الکرسی»؛
حاشیه بر رساله «اثبات الواجب» محقق درانی.

الإسلام (۱/ ۶۶)، اعیان النسخه (۲/ ۲۰۳-۲۰۲)،
الذریعه (۶/ ۱۴۱)، ریاض العلماء (۱/ ۲۶-۲۷)، طبقات
اعلام الشیعه (عمر ۱/ ۹۸)، فوائد الرصوبه (۹).

شیرازی، استاد محمدقلی. (ر ۱۲۶۲ ق)، معمار از
پندهای وی، مسجد حاج رجعتی در تهران است که
دارای صحن وسیع و شبستان است و این شبستان از نظر
هنر معماری و تزیینات کاشی کاری دوران قاجار
بی نهایت زیب و حائر اهمیت است همچنین طاقماهای
دو طرف ایوان و در گوشوار فونانی آن دارای طاق بندی و
کاشی کاری ممتاز می باشد. در وسط دایره کاشی ایوان
نام کاشی کار و استاد ما چنین آمده: «عمل کمرین استاد
محمد قلی شیرازی سنه ۱۲۶۲»

هرست بسامی تاریخی و اماکن باستانی، ۱۵۶.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۶۰-۱۲۶۶)، تذکره
شعراي کشمیر (۱/ ۵۱۶-۲۶۲)، تذکره تهرآبادی
(۲۴۵-۲۴۴)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۱۵۲۵)،
الذریعه (۹/ ۵۶۶-۵۶۷)، سر آزاد (۸۲-۸۳)، فرهنگ
سخبران (۵۳۰)، کاروان هند (۱/ ۹۸-۹۷)، ۳۰۱،
۳۰۲، کلمات الشعراء (۱۰۵-۱۰۱)، مآثر رحیمی (۴/
۱۲۷۸-۱۲۹۷)، مرآت الخیال (۹-۹۲)، نتایج الافکار
(۳۸۶ ۳۸۳)

شیدای کردستانی، میرزا عیدالباقی، فرزند میرزا
محمد حسن. (وف ۱۲۴۴ ق)، شاهر، متخصص به شیدا
از خاندان معروف وزیری بود. در چهل سالگی، دچار
حون شد. در آخر عمر میر سائینا شد. شیدا «دیوان»
شعری در حدود سی هزار بیت داشته است.

تاریخ مشاهیر کرد (۱/ ۳۱۶-۳۱۷)، حدیقه امان اللهی
(۳۹۱-۳۹۲)، حدیقه الشعراء (۲/ ۹۴۰)، ریحانه (۳/
۳۳۴)، مجمع القصص (۵/ ۵۳۲)، مکارم الآثار (۴/
۱۲۱۱)، لغت نامه (فین شیدای کردستانی).

شیدای مایینی، میرزا احمد، فرزند میرزا صادق. (ر
۱۳۰۲ ق)، شاهر، متخصص به شیدا ملقب به خانی در
حط و اشیا سرآمد بود، بعد از آنکه چندی در خدمت
معمدالدوله به سر برد، به بهبهان رفت و در خدمت
اویس میرزای احتشام الدوله به سمت متشی باشیگری و
امور خاصه محرومانه رسید. در حکومت همدان هم
همان مقام را داشت. ری در انواع شعر دست داشت،
ویژه غزل را نیکو می سرود. از اوست.

یک شب ز روی خویش بر افکس نقاب را
ببینم مگر به نیمه شب آفتاب را
در چنین زلف نوست مگر آهوی خشن
کشفکنده نافه نافه رخ خود مشک ناب را
حدیقه الشعراء (۳/ ۹۴۱-۹۴۰).

شیدای نهاوندی، نبی. (س سیر دهم ق)، شاهر،
متخصص به شیدا. اصل وی از نهاوند بود. از خدام
صاحب «مسبته المحمود» بود. در ازایل عمر سواد و
طبعی بداشت و در اثر گفت و شنود بسیار به حفظ اشعار
پرداخت. با اشاره محمود میررای قاجار به حسط سحان
بدیع مولوی همت گماشت و در اقلک مدتی پنج هزار
بیت ساخته و پرداخته کرد و با صوت خوش بر دوستان

جللی مترسط، با رقم: «علی ید العبد الضعیف المذنب، حاجی علی انکاتب الشیرازی، ص ۵۸، نسخه ۲۷۲/۲»
احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۲۷۲).

شیرازی، حسن بن روزبهان، (م ۵۸۸ ق)،
نویسنده، از آثار وی: «اخلاق شمسیه»، که آن را در
اصفهان برای یکی از وزیر نوشته است؛ ترجمه «مسائله»
براست، اسامی معشر رازی در ۹۲۴ ق که مطالبی بر آن
افزوده و آن را «مرآة الانساک» نام نهاده است.
تاریخ نظم و نثر (۴۰۲)، اللریه (۱/ ۳۷۵).

شیرازی، سید عبدالله، اصیل الدین واعظ شیرازی،

شیرازی، سید میرزا اسماعیل، فرزند سید رضی
حسینی، (۱۲۵۸-۱۳۰۵ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و
شاعر. پدر آقا سید میرزا عبدالهادی شیرازی و پسر
عموی میرزای شیرازی بزرگ بود. در شیراز به دنیا آمد.
نزد میرزای شیرازی تربیت یافت و همه دانش خویش را
از وی گرفت. در علوم و معارف و ادب در بین شاگردان
میرزای شیرازی مجرب بود. از او به عنوان جانشین
احتمالی میرزا نام برده می‌شود، لیکن قبل از استادش در
کافظمین درگذشت و جنازه‌اش به نجف منتقل و در محفل
علوی به خاک سپرده شد. در کنار علم و فقه‌اش، ادبی
بزرگ و شاعری توانا بود. اشعار بسیاری در مباحث اهل
بیت (ع) و مرثی آنان سروده است که از مشهورترین آنها
نصیده «مولودیه امیرالمؤمنین (ع)» است که ادبای عرب
و عجم آن را بسیار ستوده‌اند.

طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/ ۱۵۶-۱۵۷)، علماء
معاصرين (۲۵۰۲۳)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۲۲-
۲۲۵)، شیرازی شیرازی (۱/ ۲).

شیرازی، سید میرزا عبدالهادی، فرزند سید میرزا
اسماعیل مجتهد، (۱۳۰۵-۱۳۸۲ ق)، مرجع تقلید، فقیه
اصولی، عالم امامی و مدرس. در سامرا به دنیا آمد. در
همان سال تولد، پدرش درگذشت و وی تحت حمایت
میرزای شیرازی نشو و نما یافت و پس از او تحت تربیت
سید میرزا علی آقا، فرزند میرزای شیرازی، قرار گرفت.
مسلط فقه و اصول را نزد پسر عمه‌اش، میرزا علی آقا، و
میرزا محمد تقی شیرازی فراگرفت. در ۱۳۲۶ ق به نجف
رفت و نزد شیخ محمد کاظم خراسانی و شریعت

شیرازی، اسحاق، (ز ۱۲۷۳ ق)، خطاط و شاعر.
دانشمندی هنرمند بود و از علوم طب و حکمت و تفسیر
بهره داشت و به فارسی و عربی شعر می‌گفت و همه
خطوط را خوش می‌نوشت. او در زمان سلطنت محمد
شاه قاجار از فارس به تهران آمد و مؤبد الدویه طهماسب
میرزا، فرزند محمد علی میرزا دولتشاه، او را نزد خود
نگاه داشت و سمعت ملاباشی (معلم خصوصه) یافت.
وی تا زمان تألیف گنج شایگان (۱۲۷۳ ق)، با همان
سمت معزور می‌ریست
احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۵۸-۵۹)

شیرازی، اصیل الدین محمد، (وف ۶۱۸ ق)، عارف،
از بزرگان مشایخ سرده است. در قریه بلیان در جنوب
کردستان مدفون است
از عجم (۳۲۶)، ریحانه (۱/ ۱۴۶).

شیرازی، حاج سید عبدالدین حسینی مجتهد،
فرزند سید ابوطالب بن سید محمد هاشم حسینی
هاشمی، (تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، مجتهد، فقیه و شاعر.
در شیراز متولد شد. پس از طی مقدمات به نجف
مهاجرت کرد و در آنجا از محضر آیت الله آقا میرزا محمد
تقی شیرازی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله
دینی و آیت الله اصفهانی استفاده نمود، تا به مقام اجتهاد
نایل شد و به دریافت اجازه اجتهاد بازگشت و به وظایف
شرعی و تدریس پرداخت. وی در طول زندگی دچار
دشواریها و گرفتاریهایی از قبیل تبید و تحت نظر بودن و
سایر تضعیفات شد. او دارای طبعی موروثی و ذاتی
سرشار بود و اشعار بسیاری در مواعظ و مدیح و غیره
دارد وی در ۱۳۷۶ ق جمعیتی به نام جمعیت انصار
تشکیل داد. او بیشتر در کتابخانه شخصی‌اش به مطالعه و
تألیف و تصنیف اشتغال داشت. از آثارش «دیران» شعری
دایرةالمعارف است در بیست جلد به نام «مجموعه
الاشقات لالاشقات»، که در هر علم و فنی که توانست،
بگاشته است.

دانشمندان و سخن سوزبان فارس (۲/ ۲۷۱-۲۷۶)،
گنجینه دانشمندان (۵/ ۲۲۸-۲۲۷)، معجم رجال نجف
(۲/ ۷۸۳-۷۸۴).

شیرازی، حاج علی کاتب، (ز ۹۰۰ ق)، خطاط. از آثار
وی: یک نسخه «لیلی و مجنون» مکتبی، به قلم کتایت

و ر به تمو و رهد و ورع و اخلاق کریمه ستوده‌اند به قصد زیارت مشهد رضوی به ایران آمد و مورد تکریم و تعظیم قرار گرفت. در نجف وفات یافت. از آثارش: «بیع المیهم»؛ «رسالة عملیه»

تذریعه (۱۹۳/۲)، ریحانه (۶۸/۶)، طلیعات اسلام کشیه (نور ۱۶/۱۵۶۵-۱۵۶۶)، لکنی والایات (۲/۲۲۶)، معجم رجال نجف (۲/۷۷۱)، مکارم الآثار (۲/۸۸۹)

شیرازی، سید میرزا، فرزند سید احمد. (۹)، خطاط و مدّهب. از آثار وی: «قرآن عظیم رحلی» به خط ریحان دو دانگ عالی، با رقم: «خطاط و مدّهب سید میرزا بن سید احمد الشیرازی»، در بقعه مروری در قویه. احوال و آثار خوشنویسان (۲/۱۲۲۱).

شیرازی، شکراه. (رف ۱۰۴۸ ق)، خطاط و عالم منتب به افضل خان. در علم حساب و هیئت و هندسه و سایر فنون ریاضی متبحر بود. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. در محضر پدرش به تحصیل پرداخت پس از فوت پدر، در دیوان خراج جانشین او شد و چندی بعد ترک خدمت گشت و با تقی‌الدین محمد شیرازی مصاحب شد و علم منطق و حکمت را از او آموخت. سپس به قزوین و همدان رفت و از محضر ابراهیم حسن همدانی کسب اعاده کرد و از آنجا به عراق رفت و پس از زیارت عتبات، به هند رفت و در برهانبور مصاحب عبدالرحیم خان خانان شد و به منصب دیوانی شاهزاده خرم، گماشته شد و لقب افضل خان را از او گرفت. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/۳۱۱)، دانشندان و سخن سریان فارس (۳/۲۹۰-۲۹۱)، آثار وحی (۳/۳۰-۳۷)

شیرازی، شیخ محمد. (س یساردهم ق)، معاش. در کتابخانه شاه اسماعیل دوم، در جمع هنرمندان درباری نقش تصویر می‌کرد. پس از فوت شاه اسماعیل دوم به خدمت شاه عباس کبیر درآمد و در کتابخانه صنعتی به خلق آثار زیبا در شیوه مخلوط هند و اروپایی پرداخت. از شیخ محمد آثار رقم‌داری تاکنون مشاهده نشده است. احوال و آثار معشای (۲/۴۲۶).

شیرازی، شیخ میرزا محمد علی، فرزند محمّد بن

اصمّهانی و میرزا محمد باقر اصمّه‌ناتانی و شیخ قاسم تبریزی شاگردی کرد از شریعت اصمّه‌ناتی و سید مهدی آل حیدر کاظمی و پسر عمه‌اش، سید میرزا علی آقا، و ملا علی محمد یزدی نجمی و دیگران اجازه روایت داشت. در ۱۳۳۰ ق به سامرا بازگشت و مجدداً نزد سید میرزا علی آقا به تلمذ پرداخت. زمانی که میرزا محمد تقی شیرازی برای رهبری نهضت ضد انگلیسی عراق به کربلا رفت، سید عبدالهادی شیرازی نیز همراهش بود. در ۱۳۳۷ ق به نجف رفت و از محضر شریعت اصمّه‌نی استفاده برد. خود به تدریس فقه و اصول پرداخت. بعد از وفات آیت‌الله پروچردی، وی یکی از مراجع تقلید مطرح به حساب می‌آمد. در نجف وفات یافت و در همانجا دفن شد. او به فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعاری فصیح دارد. از آثارش: «درالسلام»، در قروع اسلام و احکام؛ «رساله‌ای در «البیاس المشکوک»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب الزکوة»؛ «کتابی در «التحاصات و المظهرات»؛ «الاستصحاب»؛ «اجتماع الامر و الهی»؛ «الحواله»؛ «الرماع»؛ «مناسک»؛ «وسيلة النجاة»؛ تعقیقه بر «مروءة النوفی»؛ «خیرة المسجد لیوم المعاد»؛ رساله‌های «عملیه» به فارسی و عربی.

آثار المعجم (۲/۳۷۱)، بیان الشیعه (۸/۲۲۹)، الذریعه (۸/۲۰، ۱۸/۲۹۴)، شرح حال رجال (۶/۱۵۳)، طلیعات اسلام کشیه (نور ۱۶/۱۵۵۵-۱۵۵۶)، معجم رجال نجف (۲/۷۷۱-۷۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۳۲-۳۳)

شیرازی، سید میرزا علی آقا، فرزند میرزا محمد حسن مجدد شیرازی. (۱۳۵۵-۱۲۸۷ ق)، فقیه، محقق و عالم امامی. در نجف به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدرش، میرزای بزرگ شیرازی، به سامرا رفت. بود میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد فشارکی و دیگران علم آموخت، تا اینکه شایستگی حضور در حوزه درس پدر را یافت و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی در بعضی اوقات به طور خصوصی به درس میرزا محمد تقی شیرازی حاضر می‌شد. اجتهادش از طرف آخوند خراسانی و دو استاد مذکورش نیز تصدیق گردید. آوده وی در بلاد شیعه منتشر و در ردیف مراجع علمیه شمرده شد و مرجع تقلید جمع زیادی از شیعیان بود. وی نه تنها در فقه و اصول و منقول تبحر داشت، در کلام و حکمت و طب و تاریخ و فنون ادبی نیز مهارت داشت.

قوی دست بود و اقلام خطوط، بخصوص نستعلیق را خوب می‌نوشت. از آثار وی: قلمدان استادانه‌ای که در داخل ترنجهای رویه قلمدان، تصاویری از زنان و اطفال فرنگی جلب نظر می‌نماید و در مدالبرن وسط آنها، مرغهای متنوعی، با رنگهای الوان به روی شاخه‌ها دیده می‌شود و حواشی و کناره قلمدان نیز، پرگل و مرغ و تذهیب است، با رقم: «ابن السلطان... ناصرالدین شاه قاجار عمل کتبرین جان تاج فتح الله شیرازی»؛ قلمدانی که به شکل تابوتی درشت است و در وسط سه مستطیل و دو مدالیون آن، تصاویر دخترانی دیده می‌شود که در وسط باغ مصغایی به گشت و گذار سرگرم هستند و زیر قلمدان تذهیب و مناظر گوناگون است، با رقم: «کتبرین بنده درگاه فتح الله شیرازی ۱۲۸۲» جلد ثرائی که به سال ۱۳۰۲ ق انجام یافته و در داخل بیضی بزرگتر، دسته گل زیبایی از گل محمدی و رنق و داری و گل‌های دیگر ترسیم شده و حاشیه جلد هم تذهیب و تشعیر گشته است.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۲۹۷-۲۹۹)، گلستان هنر (پنجاد و دو)، هنر قلمدان (۶۲، ۶۳، ۱۵۱-۱۵۴).

شیرازی، قاسم. (س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی مدقح عالی، به خط ریحان و ثلث نیم در دانگ عالی و نسخ کتابت جلی عالی، با رقم: «کتابه اقل عباد الله قاسم الشیرازی عفی عنهما» (قرن ۱۰)، در موزه اسلامی ترک.

احوال و آثار خوشنویسان (۷/ ۱۱۳۱).

شیرازی، محمد اسماعیل، فرزند محمد باقر. (ز ۱۲۴۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه از کتاب «بستان السیاحه» در کتابخانه سلطنتی، به قلم دستمقیق تحریر چهار خوش، با رقم: «راقمه العبد... محمد اسماعیل بن... حاجی محمد باقر شیرازی... سنه ۱۲۳۹»؛ یک نسخه «روضة الطاهرین»، به قلم کتابت غفی خوش، با رقم: «العبد الاقل المعاصی، محمد اسماعیل شیرازی، می شهر سنه ۱۲۴۶».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۲۶).

شیرازی، محمد اسماعیل خان، فرزند اسدالله خان. (۱۲۸۹-۱۲۱۷ ق)، خطاط وی توه حاج ابراهیم خان اعتماد الدوله کلاتر است. در اصفهان چشم به جهان

میرزاگشتن. (وف ح ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. برادر بزرگ میرزا محمد تقی شیرازی بود. در نصف نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد. سپس به شیراز بازگشت و در آن سال‌ها به مرجعیت نام رسید و تا پایان عمر در آنجا بود. وی در حاشیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «فرانند الذریعه» در نحو، در دو بخش یکی در جفر و دیگری در صناعت، که قسمت صنعت توسط میرزا نجم الدین تهرانی مرتب و مهذب شده و نام «المقنن و المجرب» در علم صناعت گرفته است؛ «الفریوات» غیر مرتب بسیاری در فقه و اصول.

الفریوة (۱۶/ ۱۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۱۵۱۲)، معجم رجال نجف (۲/ ۷۸۴).

شیرازی، علی بن محمد. (ز ۱۲۷۴ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری بزرگ، چهار صفحه اول متن و حاشیه مدقح مرصع عالی جلد روغنی، خط متن نسخ کتابت عالی و حاشیه نستعلیق کتابت غفی خوش که در پایان متن رقم دارد: «لحم عبدالعزیزان العظیم... علی بن المرحوم محمد الشیرازی» و در پایان نوشته شده: «... سنه ۱۲۷۴ الرابع و السبعین بعد المائین و الالف».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۱۲۱).

شیرازی، علیقلی. (ز ۹۷۷ ق)، خطاط. از آثار وی: «چهل کلمه» وزیری با جلد روغنی عالی، به خط ثلث و ثلث رقاع و نسخ کتابت غفی عالی، به شیوه یاقوت، با رقم: «کتابه العبد... علی قلی الشیرازی... فی سنه سبع و صبعین و تسعمائة» (۹۷۷).

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۲۱).

شیرازی، عمر کاتب. (۴)، خطاط. از آثار وی: مربع ثلث چهار دانگ جلی و نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «الفقیه عمر کاتب الشیرازی».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۲۶).

شیرازی، فتح الله. (ز ۱۳۰۲ ق)، نقاش، قلمدان ساز و خطاط. منقوب به نقاشی‌های اهل شیراز بود و در گل آری و شیرده‌های آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی و قلمدان سازی دست پر قدرتی داشت. وی همچنین در شبیه پردازی و چهره سازی به سبک ایرانی و فرنگی مهارت داشت و در تذهیب و حل کاری و قریه سازی

گشود و در پروردنش و بیافان و تحصیلات مقدماتی را همان جا به پایان برد او همه خطوط را خوش می‌نوشت و در تحریر رسائل مهارت داشت و سالها در دستگاه محمد تقی رکن الدوله خراسان بود. به سال ۱۲۴۷ ق به پدر خود به شیراز رفت و مدتی ندیم فرمانفرما گردید. در ۱۲۸۰ ق به آذربایجان رفت و مدتی در خدمت مظفر الدین شاه قاجار که در آن هنگام ولعهد بود، ندیمی کرد و به شیراز بازگشت. قطعاتی با رقم محمد اسماعیل دیده شده که احتمالاً از همین کاتب می‌باشد: یک مرقع «مناجات حضرت امیر (ع)» منقول از خط میر همداد، به قلم نستعلیق دو دانگ خوش، با رقم «شرف نكاسه العبد الفقير الحقير محمد اسمعيل...» یک قطعه به قلم دو دانگ، با سفیدآب، با رقم «محمد اسماعيل عمر»

احوال و آثار خوشویسان (۳، ۶۳۵)، فارسی نامه نصری (۱۶۳/۲)

شیرازی، محمد باقر کاتب، فرزند قوام‌الدین حسین، (ز ۱۰۵۳ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شرح حکمة العین»، به قلم کتابت خمی خوش، با رقم «قد تمت الامور العمة بشرح حکمة العین، فی سنخ ربيع الثاني سنة ۱۰۵۳، بخط الفقير... اس قوام‌الدین حسین، محمد باقر الکاتب الشیرازی»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۵۶)

شیرازی، محمد تقی، (ز ۱۲۶۹ ق)، خطاط. به خط وی قطعاتی است به قلم چهار دانگ خوش، با رقم «مشفه محمد تقی شیرازی سنه ۱۲۶۹»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۶۸)

شیرازی، محمد جهان، (ز ۹۴۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «ریاضیات خیام» با مقدمه مشهور و «ریاضیات ابوسمید ابوالحیر»، به قلم کتابت خفی متوسطه با رقم «تحریراً فی شهر جمادی الآخر سنه تسع و اربعین و تسعمائة، مشفه العبد الضعیف محمد جهان کاتب الشیرازی غفر له»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۷۱)

شیرازی، محمد جعفر، (ز ۱۲۶۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه به قلم سه دانگ خوش، با رقم «مشقه

محمد جعفر شیرازی سنه ۱۲۶۹».

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۷۳)

شیرازی، محمد جعفر، فرزند عنایت‌الله (ز ۱۰۷۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» شیخ علی تقی کمره‌ای، به قلم کتابت خوش، با رقم «مرغ من تحریر هذه النسخه... سه تسع و اربعین و الف» یک نسخه «نقد الحواشی» محمد هادی شیرازی، به قلم کدنت خوش، با رقم «تمت الرسالة انعیسه المصممة بنقد الحواشی، علی يد العبد الضعیف محمد جعفر بن عنایت‌الله لکاتب الشیرازی... سنه ۱۰۷۴»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۷۳-۶۷۴)

شیرازی، محمد حسین، (ز ۱۱۷۵ ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم شش دانگ عالی، با رقم «امدت محمد حسین الشیرازی ۱۱۷۵»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۶۸۲)

شیرازی، محمد رضا، (ز ۱۲۸۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» قطران، به قلم کتابت خمی خوش، با رقم «حسب الاشارة محمد باقرخان سرهنگ... محمد رضا الشیرازی غفرالله ووالديه ۱۲۸۲»

احوال و آثار خوشویسان (۳/۷۷۹)

شیرازی، محمد رضا، فرزند محمد، (ز ۱۲۱۹ ق)، نویسنده. اثر وی دینی است بر «تاریخ گیتی گشاه»

توین کتب چاپی (۳/۱۷۰-۱۷۱)

شیرازی، محمد رضا، فرزند محمد، (وف قبل از ۱۳۲۱ ق)، حکیم، فیلسوف و مدرس. از بزرگان علمای شیراز در عصر خود بود. در علوم عقلی تنها مدرس فلسفه در زمان خویش به شمار می‌رفت وی به رهد و تقوی و عرفان شهرت داشت. او وقت نامه قره سهل آباد مجرد موقوفه مدرسه منصوریه شیراز را به دست خود نوشته بود.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲/۶۱۲)، طبقات اعلام‌التیمه (قرن ۱۲/۷۷۰)

شیرازی، محمد صادق، (ز ۱۲۵۱ ق)، خطاط. نسخ

اوست. از دیگر آثار وی «کلیات سعدی»، به قلم کتابت و دو دانگ خوش، با رقم: «کتاب فی دارالعلم شیراز و طبع بمعموره نمشی... سنه ۱۳۲۷»، کتبه العبد... محمود بن علی بنی شیرازی. «دیوسف و زلیخا» منسوب به فردوسی، که به همان قلم نوشته است و تاریخ ۱۳۴۲ ق دارد؛ «دیوان» مغربی، به قلم کتابت جنی خوش، با رقم: «... سنه ۱۳۲۰» کتب العهد الملك الودود ابن علی بنی، محمود شیرازی. *

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۸)، فارسی نامه ناصری (۲/ ۹۷۲)

شیرازی، مصطفی. (ز ۱۳۲۰ ق)، نفاش و قلمندان ساز به تهران آمد و در مجمع الصنائع ناصری، کارگاه هنری دایر نمود. او در تصویر سازی و چهره پردازی مهارت داشت و در فرنگی سازی و ابراهه مناظر فنی دست بود. وی همچنین گل و مرغ را در شیوه کلاسیک و شیوه نقاشان روسی، طبیعی به عمل می آورد و تذهیب و آرایش جوانب قلمندان، و در مواردی حتی کاریها را به نازک قلمی ترسیم می نمود. مؤلف «آثار عجم» در ذکر او گفته: «جز نقاشی به تحصیل حکمت» (هنر و ریاضی هم مشغول است). از آثار وی، تصویر «سیاه قلمی گل سرخی که در کمال استادی و در شیوه نطفعلی است و رقم: «عمل گنجین مصطفی ۱۲۸۷» دارد. قلمندان عالی گل و مرغی که در شیوه فرنگی سازی عمل آمده و در وسط رویه آن، تصویر حضرت مریم و مسیح (ع) جلب نظر می کند، با رقم: «مصطفی شیرازی» قلمندان مرغی پر حلاوتی که در رویه آن، تصویر حضرت سلیمان در البسه و هیئت مخصوص است، با رقم: «بنده مصطفی شیرازی ۱۳۲۰»

آثار عجم (۵۲۸)، احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۱۵۹-۱۱۶۰)، هنر قلمندان (۶۲، ۷۷، ۱۵۲).

شیرازی، مظفرالدین علی به مظفرالدین شیرازی.

شیرازی، ملا فتح الله (ز ۱۰۰۲ ق)، نویسنده، از آثار وی: «کلیات حیات قانون دو طبع». مؤلفین کتب چاپ (۲/ ۷۷۳).

شیرازی، مولانا میرزا جان، (س دهم ق)، عالم، قاضی و مدرس. از علمای دانشور شیراز بود. وی شاگرد حواجه کمال الدین محمود شیرازی بود. در زمان شاه

نویس معروف عصر خود بود که شکسته تعقیق را خوش می نوشت و از این قبیل خطوط وی، دو رقع از مرقص است که به قلم دو دانگ جلی خوش نوشته شده، با رقم: «العبد محمد صادق شیرازی ۱۲۵۱»

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۲۱).

شیرازی، محمد کاظم، فرزند محمد تقی. (ز ۱۲۱۹ ق)، خطاط از آثار وی: قرآن تیم ربعی جلد روحانی، ما چند صفحه مذهب عالی، به خط نسخ و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره مستکتاباً... ابن محمد تقی، محمد کاظم شیرازی... سنه التاسع عشر و مائین بعد الالف من الهجرة النبویه. ۱۲۱۹» «راد انصاف» تیم ربعی، سروج مذهب، به خط نسخ کتابت حمی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره مستکتاباً... ابن محمد تقی، محمد کاظم شیرازی... سنه التاسع عشر و مائین بعد الالف من الهجرة النبویه. فی سنه ۱۲۱۹».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۱۹۲-۱۱۹۳)

شیرازی، محمد مسیح، فرزند مولانا نویدی. (ز ۱۰۷۲ ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی نزدیک به عیار عالی، به رقم: «تاریخ... سنه ۱۰۷۲» سمت تحریر یافته، کتبه العبد... ابن مولانا نویدی، محمد مسیح شیرازی... *

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۸۳۷)

شیرازی، محمد ولی - ولی شیرازی.

شیرازی، محمد هادی. (ز ۱۰۹۱ ق)، خطاط. از آثار وی، یک نسخه «اصول و فروع کافی» تیم ورفی، جدول و مذهب، مرکب سرج لوح مرصع مذهب، جلد ساخوی ضربی گل و بوته، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «علی يد العبد الراجی محمد هادی شیرازی، سنه احدى وتسعين والفاء ۱۰۹۱».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۱۲۰۱).

شیرازی، محمود بن علی بنی. (ز ۱۳۴۲ ق)، خطاط. برادر میرزا اسدالله طیب شیرازی است. مؤلف «فارسی نامه ناصری» گوید که کسی بعد از میرعماد، تصدیق را مانند وی ننوشت و شاهد خط سنگ مزار مرحوم آقا هاشم، در محسن تکیه حافظ است که به خط

هیاتی که ریاست آن را خسرو میرزا، پسر هفتم عباس میرزا نایب‌السلطنه، داشت، به دربار روسیه سفر کرد. در دستگاه محمد شاه نیز در تهران سمت مترجمی و رابط بین دربار و درواری مختار خارجه را داشته و به مأموریت‌های متعدد سیاسی فرستاده شده است. از تألیفات او «سفرنامه‌ای است که در آن کلیه وقایع سفر خود به انگلستان و ایام اقامت و دوران تحصیلش را در آنجا نوشته است. نسخه اصلی این سفرنامه در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است. وی اهل فضل و کمال و بسیار تیزبین و نکته‌سنج بوده است.

از صبا تا نیا (۱/ ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۶)، تاریخ مجاهد (۱/ ۳۰۴)، شرح حال رجال (۲/ ۱۷۵-۱۷۹)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۹، ش ۷، ص ۷)، بقا (ص ۶، ش ۸، ص ۳۱۸-۳۱۹).

شیرازی، میرزا محمد باقر اصطهباناتی، فرزند عبدالرحمن بن سراج الدین، (شهادت ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و فیلسوف. در شیراز نشو و نما کرد و در اصطهبانات به محضر شیخ محمد باقر اصفهانی، فرزند شیخ محمد تقی صاحب «الهدیه»، رفت. پس از تمام تحصیل و دریافت اجازه نامه به شیراز بازگشت. آنگاه به تمام آفاق رفت و از بحث و درس میرزای بزرگ شیرازی استفاده برد و دروس عالی را تکمیل کرد. پس از درگذشت استادش به نجف رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. در حدود ۱۳۱۹ ق به شیراز بازگشت و مرجع خاص و عام شد. او از علمای مشهوری چون ملا علی تهرانی و سید مهدی قزوینی و میرزا هاشم خوانساری چهارمونی و ملا محمد تقی هروی و شیخ محمد تقی آقا نجفی حدیث روایت می‌کرد. شیخ رین‌العابدین بن اسدالله مهربانی سرابی از شاگردان وی می‌باشد. در جریان انقلاب مشروطه در شیراز به شهادت رسید. از آثارش رساله مفصلی در «احکام‌الدین» که در کتابخانه میرزای شیرازی موجود بوده است؛ رساله «حدوث العالم»

الدریسه (۶/ ۲۹۳-۲۹۴)، شهیدان راه و هیبت (۵۱۲-۵۱۳)، طبقات اسلام الشیخه (قرون ۱۴/ ۲۱۳-۲۱۴)، میرزای شیرازی (۱، ۵).

شیرازی تمامی، شیخ محمد باقر، فرزند شیخ محمد حسین شیخ الاسلام شیرازی، (تو ۱۲۷۸ ق)، عالم دینی

همه‌جانب‌ساز صوفی در شیراز به تدریس اشتغال داشت و آثاری در حکمت و حواشی بر کتب متقدمین دارد. در زمان شاه اسماعیل دوم اظهار تمسک کرده و پس از فوت وی مجبور به ترک ایران شده به ماوراءالنهر و هند رفت و در همان‌جا درگذشت.
عالم آرای عباسی (۱/ ۱۵۵).

شیرازی، میرزا محمد ابراهیم، فرزند حاج عبدالعزیز (وف ۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و شاعر در شیراز به دنیا آمد. در اوایل عمر تحصیل انواع علوم و کمالات کرد، سپس به عتبات رفت و در کربلا ساکن شد. وی از شاگردان سید کاظم رشتی بود. به انواع خط مسلط بود. از آثار او: «مفاتیح العلیه» در فقه امامیه؛ «طریف الاصول فی ماهر مأخوذ من آل الرسول»، در حدیث اصول؛ «رجوم الشیاطین»، در رد رکن رابع و باب و اشاع آنها؛ «سیوف الحیدر» در رد باب و ملاحذه؛ «ارحام المحدثین» به فارسی؛ «مشارق الشمس الطالعه فی شرح زیارت السابعة لأمیر المؤمنین (ع)»؛ «دیوان» شعری در حدود سی هزار بیت.

مدینه النمره (۱/ ۷۰-۶۸)، الدرر (۲۱/ ۳۶-۳۵)، طبقات اعلام الشیخه (قرون ۱۴/ ۳۱۱).

شیرازی، میرزا صالح، فرزند باقرخان کدزونی، (ز ۱۲۵۵ ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار در ۱۲۳۰ ق به اتمام چهار نفر دیگر. به فرمان عباس میرزای نایب‌السلطنه و وزیرش قائم مقام به سرپرستی میجر دارسی، برای تحصیل به لندن رفت. پس از یادگیری زبانهای انگلیسی و فرانسه و لاتین و تاریخ و طبیعیات و آموختن فن چاپ و حکاکی و تهیه حروف مقطعه و شیشه‌گری و ساختن مرکب، به ایران برگشت. عباس میرزای نایب‌السلطنه او را به سمت مترجم و مستشار خود پذیرفت. و دستگاه چاپی را که با خود به ایران آورده بود در تبریز به کار انداخت. میرزا صالح، پس از اینکه وزیر تهران شد، میرزا اسدالله سامی را برای بساد گرفتن صنعت چاپ به بطریبورگ فرستاد. میرزا صالح محبتین ایرانی است که به جمعیت فراماسوئری داخل شده و تا درجه استادی ارتقا یافته است. وی پس از بازگشت به ایران اولین تشکیلات فراماسوئری را در ایران بنیان نهاد و اولین روزنامه را در ایران به نام «کاخدا اخبار» یا «علیه» در تهران با چاپ سنگی و به خط نستعلیق منتشر کرد. او ب

«المروءة الوثقی»

مجموع رجال نجف ۲/ ۷۸۱، مؤلفین کتب چاپی (۵)
۲۵، ۲۲.

شیر علی- (ز ۹۵۳ ق)، خطاط و شاعر. مؤلف «منافذ هنروران» وی را از کاتبان کتابخانه بایستقر میرزا دانسته که در فن معین ماهر بود و طبعی صوفیانه داشت. در کتاب «مجالس النفاث» آمده که حالا مدتی است عزت اختیار کرده و تا زمان تألیف این تذکره ۸۹۶ ق، هنوز می‌زیسته است، و اگر چنین باشد انتساب وی به دوره بایستقر میرزا دشوار می‌نماید. از آثار وی: یک نسخه «ظفرنامه تیموری»، که آن را برای سلطان حسین میرزا بایقرا نوشته است و تاریخ سال ۸۷۲ دارد؛ یک قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم کتابت و نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «مثنیٰ العبد شیر علی...» سه قطعه از مرقعهای مختلف، به قلمهای سه دانگ و کتابت و عبار خوش و متوسط، با رقم: «کتبه العبد شیر علی... فی سنة ثلث و خمسين و ثمانمائة».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۱۲-۳۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱)، مجالس النفاث (۱۰۰، ۱۲۲)، مناتب هنروران (۵۶)، هنر عهد تیموریان (۳۹۸، ۵۸۳)، ۶۴۵.

شیروانی، حاجی زین العابدین * تمکین شیروانی

شیروانی، فضل الله، (تو ۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه به تهران آمد و دوره دوم متوسطه را گذراند. در ۱۳۰۸ ش به همراه دانشجویان اهزایی به فرانسه رفت و در ۱۳۱۰ ش به درجه مهندسی شیمی نایل شد. بعد از گذراندن رساله دکتری از طرف دانشگاه لیل، به ایران بازگشت. از ۱۳۱۶ ش به تدریس در دانشکده علوم و دانشسرای عالی در رشته شیمی مشغول شد. اثر وی «شیمی عمومی معدنی» می‌باشد.

مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۵۶-۸۵۷).

شیرین رقم، میر عبدالله، (س یازدهم ق)، خطاط. به خط وی، یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش در کتابخانه آستان قدس رضوی است که چنین رقم دارد: «الفقر المدب، میر عبدالله شیرین رقم، غفر ذنوبه و متر»

در شیراز به دنیا آمد. نسب وی به ابرنامه صیداوی می‌رسد، لذا به تمامی نیز مشهور است. او از استادان و فضیای شیراز کسب علم کرد. گاهی به نیابت پدر بر مسند قضاوت جلوس می‌کرد. بعد از وفات پدرش به لقب شیخ الاسلام شیراز ملقب شد. از آثار وی: «منتخب الدعوات و بعض السور»؛ «مجموعه تمامی».

آثار عجم (۵۱۰-۵۱۱)، الذریعه (۲۰/ ۷۶، ۲۲/ ۴۰۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۲۰۷).

شیرازی تهرانی، سید محمدرضا، فرزند سید اسماعیل موسوی، (۱۲۲۳- بعد از ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی و زاهد. در فارس متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت و در محضر شیخ محمد تقی، صاحب «حاشیه المعالم»، و حاج محمد ابراهیم کلباسی، صاحب «الاشارات»، تلمذ کرد. سپس به کریمه مهاجرت کرد. پس از تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر بود. از آثارش: «جامع الدعوات المنجی من الهلکات»؛ «دور الالکی»، در علوم مختلف؛ «الانوار الرضویه»؛ معروف به «شرح الرضوی»؛ که شرحی بر «نافع مختصر الشرایع» است؛ «العقائد» یا «حقایق الدین»؛ «مدائن العلوم»؛ «صباح الرضوی»؛ «صراط المتقین»؛ رساله‌ای در «اصول الفقه».

الذریعه (۲/ ۴۲۷، ۵/ ۵۲، ۸/ ۱۳۳، ۱۳/ ۵۱، ۱۲/ ۵۹، ۱۵/ ۳۲، ۲۸۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/ ۷۳۸-۷۳۹)، گنجینه دانشمندان (۵/ ۶۲۹-۶۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۱۳۳-۱۳۴).

شیرازی نجفی، شیخ محمد کاظم، فرزند حاج حیدر، (ح ۱۲۹۲-۱۳۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در کودکی به همراه پدر و مادر از شیراز به کریمه رفت و به آموختن مقدمات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به شیراز بازگشت. بعد از مدتی به سامرا رفت و در درس میرزای بزرگ شیرازی و سید محمد فشارکی و شیخ حسنعلی تهرانی و میرزا محمد تقی شیرازی شرکت نمود. در ۱۳۳۸ ق به نجف رفت و عهده دار امر تدریس و بحث و فتوا گردید. در نجف وفات یافت و در حجره‌ای از حجرات نعمت شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «بلاغه الطالب فی حاشیه المعاسب»؛ «رسالة فی الخلل»؛ «رسالة فی صلاة الجماعة»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر

عبود به ۱.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۵۸).

شیرین رقم، میر عبیدالله (س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط، از آثار وی: یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «فقیر میر عبیدالله شیرین رقم»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه الفقیر میر عبیدالله».

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۲۶-۳۲۷).

شیرین قلم، عبدالصمد (ز ۹۹۲ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، ملقب به شیرین قلم، در ۹۵۵ ق به همراه جمعی از هنرمندان بدون اجازه از شاه طهماسب صفوی جهت دیدار همایون شاه به قندهار رفتند و همراه همایون شاه وارد هند شدند. بدین ترتیب مکتب معروف هند و ایرانی توسط این گروه از هنرمندان در هند پایه گذاری شد. شیرین قلم در زمان اکبر شاه، به منصب چهارصدی نایل شد و به سال ۹۸۵ ق امین دارالضرب فتح پور و به سال ۹۹۴ ق صاحب دیوان ولایت مولتان گردید. او در رشته های گوناگون تصویر سازی، از قبیل شبیه سازی و چهره پردازی و مجالس یزمی و رزمی و جانوری سازی و گرفت و گیر و ازانه کوه و دشت و دمن قوی دست بود و خط نستعلیق را شیرین می نوشت و شعر نیکر می گفت. در بعضی از آثار خود زین قلم رقم زده است. از آثار وی: تصویر مرد صامه به سری که به همراه اسب خود در صحرا پیش می رود و در زمینه دور دست تصویر، منظره کوه و تک درخت تنومند جلب نظر می کند، با رقم: «عبدالصمد شیرین قلم»؛ تصویر درویشی که در پیداری و هوشیاری نقش شده و گویا الهام بر معنی نقاشی از اشعار سعدی است که به استادی رقم گذاشته: «بسنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم»؛ تصویر مجنون یا حیوانات وحشی که در صحرا جمع گشته اند و در گوشه دیگر، تصویر جوانی است که دهانه اسب را گرفته و از آن محافظت می کند، با رقم: «عمل نوروزی مولانا عبدالصمد... ۹۶۵».

اسوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۰۲-۴۰۱)، احوال و آثار نقاشان (۱/ ۳۲۹-۳۲۷)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۸)، تاریخ منهای سلی (۱/ ۲۷۳-۲۷۲، ۴۵۶-۴۵۱)، گلستان هنر (چهل، چهل و یک، چهل و پنج).

شیشه گر شیرازی، غلامرضا (رف ۱۳۰۱ ق)، عارف و شاعر، ملقب به فیض عیشیه. در شیراز متولد شد. اصل وی از ساری مازندران بود. نزدیک به سی سال به شغل شیشه گری پرداخت. طریقه نعمة اللهی داشت و به میرزا نصرالله خان صدرالملک اردبیلی ملقب به نصرعلی که از مشایخ حسینعلی شاه اصفهانی نعمة اللهی بود ارادت می ورزید و به همراه این شخص به قم و تهران رفت و عده ای پیرو وی شدند. در تهران درگذشت و پیکرش در مشهد مقدس دفن شد. اثر وی رساله ای است به نام «فیضیه».

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۳۹۱-۳۹۰)، المآثر والآثار (۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۰۶-۷۰۵).

شبیخته مازندرانی، نصرالله، فرزند حسین توکلی (تو ۱۲۹۴ ش)، نویسنده و روزنامه نگار. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بابل و ساری به پایان رساند. در ۱۳۰۹ ش از دارالفنون تهران به اخذ دیپلم ادبی نایل شد، سپس وارد دانشکده حقوق شد و در ۱۳۱۸ ش مدرک لیسانس اقتصادی و سیاسی گرفت. در ۱۳۲۰ ش به خدمت در وزارت مالیه و دیگر مشاغل دولتی پرداخت. وی سر دیر روزنامه «باختر» و مسئول روزنامه «مرد امروز» بعد از قتل محمد مسعود بود. از آثار وی: «دوست فدای میهن»، «دهسال در زندان»، «رجال بدون ماسک ایران»، ترجمه «فولاد آبدیده» استروفسکی، «نهفته اسکلت».

مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۸۲-۵۸۱).

شبیخته همدانی، ابوالقاسم (ز ۱۲۷۲ ق)، شاعر. مؤلف «گنج شایگان»، مسمطی از او در کتاب خود آورده است.

بزرگان و سخن سرایان همدان (۲/ ۱۵۸-۱۵۵)، حذیفة الشعراء (۲/ ۹۴۴-۹۴۵)، گنج شایگان (۲۴۴)، مجمع القصصا (۵/ ۵۲۳-۵۲۵).

شیمی، احمد، (س چهاردهم ق)، مترجم و محقق. از آثار وی: «بهداشت برای همه یا راهنمای تندرستی»، ترجمه «زندگی کوران» پیر هانری، ترجمه «سرطان» سیمرن لایورد، ترجمه «میکروب ها» اندره بورا. مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۱۵).

در کودکی پدرش را از دست داد. به تحصیل علم و معرفت پرداخت و در خوشنویسی پیشرفت کرد. او خطوط نسخ، نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. با صاحب «تذکره مرآت الفصاحه» و «دانشمندان و سخن سرایان فارس» ملاقات داشت. در ۱۳۰۰ ش اولین دبستان دخترانه را به نام «ادب بنات» تأسیس کرد و همسرش احترام السادات شیوا مدیر آن مدرسه شد. از آثار وی: «دیوان» شعر در حدود دو هزار بیت؛ کتاب «شیخ و شنگول».

آثار عجم (۵۶۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۲۰۰-۲۰۶)، الذریعه (۹/ ۵۶۸)، مرآت الفصاحه (۳۳۵).

شیوای طاهری سدهی، میر سید علی، فرزند سید محمد رحیم، (تروح ۱۳۲۰ ق)، شاعر. در قریه ورنوسفادان سده مازین اصفهان متولد شد. وی از اعقاب سید صالح نصیر بود. مدتی در سده و زمانی در اصفهان تحصیل کرد. سپس مدتی در کربلا ساکن شد و به تکمیل معلومات خویش پرداخت. سالها در شهرهای ایران ضمن تکمیل فضایل به نشر احکام و تبلیغ اسلام اشتغال داشت. از آثار وی «دیوان قصاید و غزلیات» که حدود ۲۵۰۰ بیت دارد.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۸۶-۲۸۸)، الذریعه (۹/ ۵۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۹۰).

شیونی قاینی، (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. اهل قاین بود. قسمتی از مقدمات را نزد مولانا محمد شریف، صاحب «تذکره خیرالبیان» فراگرفت. از اوست: دارند زما موجد و مشرک تنگ
وین هردو ز تنگ هستی ما دلنگ
از طاعت ما به است کردار پهلود
از صبحه ما به است زمار فرنگ
آتشکده آذر (۲/ ۵۰۶)، تلکرة روز روشن (۲۵۴)، بزرگان قاین (۲۱۳-۲۱۲)، الذریعه (۹/ ۵۶۸)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲).

شیمی، محمود، فرزند میرزا کاظم محلاتی. (۱۳۳۳-۱۳۴۶ ش)، مدرس و پزشک. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید. در ۱۳۰۷ ق در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد و به طبابت و تدریس در دارالفنون، دارالمعلمات و دیگر مدارس اشتغال ورزید و پس از چهل و چهار سال خدمت در وزارت فرهنگ بازنشسته شد و از آن پس در مطب خود به طبابت پرداخت. وی در تهران درگذشت.
شرح حال رجال (۶/ ۲۵۹).

شیوا، محمود تندری، فرزند احمد عمادالدوله. (۱۳۲۲-۱۳۳۱ ش)، شاعر، متخلص به شیوا. ملقب به صمصام السلطان. در قم متولد شد. علوم ادبی و عربی را از استادان همان شهر فراگرفت. در هنرهایی چون نقاشی، خاتم‌کاری، قاب‌سازی و مشیک‌کاری استادی و مهارت داشت. از دیگر خصوصیات او مهارت در تیراندازی و شکار بود. شیوا در قصیده‌سرایی از سبک شعرای خراسانی (ترکستانی) و در غزل از شیوه شعرای عراقی پیروی می‌کرد. وی در سالهای پایان عمر انجمن ادبی قم را تأسیس کرد و در تربیت شاعران شهر خورده کوشید. در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) پایین ایوان آینه به خاک سپرده شد. از آثار او: «تحفة الراغب الی المسجد العاصم»؛ «غرر نامه»؛ شعر؛ «جنگنامه»؛ در تاریخچه انقلاب چهارماهه آذربایجان؛ «کتاب سیاه»؛ «دیوان» شعر که به همت تقی رزاقی طبع و نشر شد.

سخنوران نامی معاصر (۳/ ۲۱۵۲-۲۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۲۱-۲۰).

شیوای اصفهانی، سید حسین، شجره اصفهانی، سید حسین.

شیوای شیرازی، میرزا سید محمد، فرزند سید محمد وحیم، (۱۳۴۶-۱۳۸۸ ق)، شاعر، متخلص به شیوا.

Athar Âfarînân

**Biographies of well-known
Cultural Personalities of Iran**

From the Beginning up to 1300 A.H. (1921 A.D.)

Volum 3

Dâbûqî Bârforûshî - Shîvanî Qâyînî

Second Edition

**Under the supervision of
Mohammad Rezâ Nasîrî**

Tehran 2005



**Society for the Appreciation of
Cultural Works and Dignitaries
Tehran 2005**